سید محمدعلی روضاتی

فهرست کتب خطی اصفهان

دو هزار نسخه عربی و فارسی

جلدهای ۱-۲

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست کتب خطی اصفهان : دو هزار نسخه عربی و فارسی

نویسنده:

محمدعلی روضاتی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهرا (سلام الله علیها)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست کتب خطی اصفهان : دو هزار نسخه عربی و فارسی

مشخصات کتاب

سرشناسه : روضاتی، سیدمحمدعلی، ۱۳۰۸ - ۱۳۹۱.

عنوان و نام پدیدآور : فهرست کتب خطی اصفهان : دو هزار نسخه عربی و فارسی/ محمدعلی روضاتی؛ [به سفارش] مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان.

مشخصات نشر : قم: موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (س)، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری : ج.: نمونه.

فروست : مجموعه منشورات؛ ۱۵، ۲۳

شابک : دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۸۵-۰۴-۳؛ ۴۵۰۰۰ریال: ج. ۱: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۸۵-۰۵-۰؛ ۴۵۰۰۰ریال: ج.۲ ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۵۶۷-۱-۳:

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: ۱۳۸۹).

یادداشت : ناشر جلد دوم حوزه علمیه اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای است.

مندرجات : ج.۱. آ - ز.- ج.۲. س - ل

موضوع : نسخه های خطی -- ایران -- اصفهان -- فهرست ها

موضوع : نسخه های خطی عربی -- ایران -- اصفهان -- فهرست ها

موضوع : نسخه های خطی فارسی -- ایران -- اصفهان -- فهرست ها

شناسه افزوده : حوزه علمیه اصفهان. مرکز تحقیقات رایانه ای

رده بندی کنگره : Z۶۶۲۰ /الف۹ ر۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۰۱۱/۳۱

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۶۴۸۳۵

ص : ۱

جلد ۱

اشاره

ص : ۱

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

«۱» آداب سفر و زیارت مشهد مقدّس

(آداب شرعی ــ فارسی)

از: محمّـد کاظم بن محمّـد فاضل الخادم. گویا خادم افتخاری دربار مقدّس رضوی بوده، و همان است که در «کواکب منتشره: ۶۱۲» عنوان شده و گویند رساله «أسـرار الصلوهِ» شهید ثانی ــ علیه الرحمه ــ را به فارسی ترجمه کرده و در مقدّمه آن خود را این گونه شناسانده است:

«العبـد الأثم ابن محمّد فاضل المدرّس الخادم محمّد کاظم الشّـریف المدرّس نائب الخدمه و دعاگوی صـمیمی اعلی حضـرت ظلّ اللّهی...». رساله را به شاه سلطان حسین تقدیم کرده است.

کتـاب: در مقـدّمه گویـد: «این رسـاله مختصـره در بیـان آداب سـفر و متعلّقات آن و فضـیلت زیارت آن حضـرت، [مقصودش حضـرت امام رضا علیه السـلام است] صـلوات اللّه علیه، و طریقه آن به نحوی که در اخبار و آثار ائمّه اطهار مذکور و در کتب معتبره اصحاب مزبور و مسطور است».

مؤلّف برای کتاب نام مخصوصـی انتخاب نکرده، و مرتّب است بر مقـدّمه و دوازده فصل و خاتمه، و در مقـدّمه گویـد که شاه سلطان حسین صفوی سفری به مشهد مقدّس رضوی مشرّف شد و مؤلّف، این کتاب را به نام او تألیف و به او تقدیم کرد.

آغاز: «بسم. الحمد للّه الّذی هدانا بلطفه العمیم و منّه القدیم».

ص : ۷

انجام: «و در حرز و أمان خدای تعالی باشد تا شب، و الحمد للّه أوّلاً و آخرًا...».

تاریخ تألیف و استنساخ و نام کاتب ندارد، امّا پیدا است که در زمان مؤلّف نوشته شده است.

(ضمیمه)

«۲» رساله در نماز جعفر طیّار

(آداب شرعی ـ فارسی)

از: محمّد تقی بن میر عبداللّه کشمیری.

کتاب: در بیان کیفیّت و آداب نماز حضرت جعفر طیّار علیه السلام است که به اشاره شاه سلطان حسین صفوی تألیف شده، و در پایان این چنین آمده است:«تمّت الرساله فی ۱۱۲۳».

این هر دو اثر با خطّ نسخ خوب و أدعیه و زیارات با إعراب و حرکات است و ظاهرًا به خطّ یک کاتب نیست.

اعتذار: تقدّم این نسخه شبه مجموعه، برای تیمّن و تبرّک به موضوع آن است.

«۳» آداب سَنیّه

(احکام فقهی ـ فارسی)

از: میر محمدصالح حسینی خاتون آبادی. وی این کتاب را پیرامون مسائل مربوط به بَردگان (غلامان ـ کنیزان)، طیّ سه مقاله نوشته و درباره هر یک از مطالب با استناد به روایات مذهبی، گسترده سخن گفته است.

نویسنده از بزرگان دانشمندان زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی و از خاندان معروف سادات خاتون آبادی اصفهان بوده که اعقابشان هنوز درین وِلا معنوَن و مشهورند. وی ابتدا شاگرد ملاّ میرزای شیروانی دانشمند محقّق بوده و پس از فوت او

در زمره شاگردان ممتاز پدرزن خود ـ جناب آخوند ملاّ محمدباقر علاّمه مجلسی ـ در آمده پس از درگذشت علاّمه مجلسی، ریاست حوزه علمی اصفهان و منصب امامت جمعه تا دو سالی پیش از فوت به او مفوّض گردیده عمری به عزّت به سر برد و در سال ۱۱۲۶ بدرود زندگی گفت(۱). رحمه اللّه علیهم اجمعین.

میر محمّد صالح را بیش از بیست جلد تألیف نفیس است که اسامی آنها ضمن شرح حال مجمل او در «ریحانه الأدب ۱:۳۶۵» مذکور و از جمله آنها «حدائق المقرّبین» معروف مشهورست که در حدیقه پنجم آن، احوال گروهی از بزرگان جهان دین و دانش شیعه را گزارش داده و با چندین کتاب دیگر از تألیفات او به موقع خود در این فهرست خواهد آمد.

و از جمله، همین کتاب «آداب سنّیه» می باشد که در موضوع خود کم نظیر و با اینکه تألیف مبسوط مفصّلی است، شگفتا که نامش در کتب تراجم و فهارس دیده نمی شود، و نسخه اصل خطّ مؤلّف را این جانب در کتابخانه مرحوم آقای حاج میرزا محمّدباقر اُلفت مسجد شاهی دیده بودم(۲).

جای مسرّت این که نسخه موجود هیچ گونه نقصانی در آن نیست و به شیوه پسندیده مؤلّف که برای هر یک از تألیفات مستقلّ خود فهرس مفصّلی ترتیب و در آغاز کتاب

۱ـ ۱) برای آگاهی بیشتر به: «زندگینامه علاّمه مجلسی ۱:۲۸۸ و ۲:۴۶» و «کواکب منتثره: ۳۶۸» و «مقاله در بیان احوال و آثار ملاّ محمدعلی بن محمدرضا تونی خراسانی» از این حقیر، رجوع فرمایند.

۲ـ ۲) انواع و اقسام رساله ها و کتاب ها در خصوص مسائل گوناگون و احکام و آداب نکاح در کتاب «ذریعه ۲۴:۲۹۷ ـ ۳۰۱» یاد شده است. از جمله «رساله فی النکاح بین العبید و بیان حکمه» از مرحوم آقا میر محمّدحسین خاتون آبادی فرزند گرامی همین آقا میر محمّد صالح ـ علیهما الرحمه ـ. و گویند آنْ رساله بزرگی است دارای فوائد بسیار و جواب شبهات بی شمار. عنوان های «برده، برده داری، غلام، کنیز» در دانشنامه ها و لغت نامه ها پیرامون موضوعات کتاب مورد بحث مفید است.

قرار می داده، این أثر نفیس نیز دارای فهرس مطالب است که عینًا نقل می کنیم.

آغاز: «بسم... الحمد للّه مالک الرّقاب، و محرّرها بفضله من أليم العقاب، و الصّلوه على محمّد و اهل بيته الأكارم الأخيار، الّذين بولايتهم يحصل العتق من النّار، و باطاعتهم يستحقّ الفوز فى دار القرار. و بعد، گوشه نشین زاویه عبودیّت و بندگی و معتکف صومعه دعاگویی، المذنب الخاطی محمدصالح بن عبدالواسع الحسینی، جعلهما اللّه علیق لطفه و رحمته و طلیق عفوه و مغفرته، أثر نگار صفحه ذکر مطلب، و چهره پرداز شاهد عرض مدّعا می گردد که: چون حکمت عملی که معرفت آن و عمل نمودن به آن سرمایه فوز به سعادات جاودانی است، منقسم به سه فنّ است. فن اول علم تهذیب أخلاق که عبارتست از تصفیه باطن و معالجه نفس به تخلیه آن از صفات ذمیمه و تحلیه آن به أخلاق حمیده. و فن دویم علم تدبیر منزل است که عبارت از معرفت کیفیت سلوک اهل یک منزل و ساکنان یک خانه با یکدیگر است. و فن ثالث علم سیاست مدنیّه است که علم سلوک با اهل بلاد و متوطّنان مدینهاءِ شهرها از بندگان و عباد است. و همواره خاطر قدسی مظاهر شهنشاه گیتی ماه انجم سپاه... الشّاه سلطان حسین الصفوی الموسویّ الحسینی... به ترویج جمله معارف و علوم... متعلّق است... و در این وقت، مراسم علم ثانی و فنّ باقی از آن فنون ثلثه را مکنون ضمیر منیر والا ساخته، خاطر خورشید إعتلا به معرفت تفصیلی آنها به نحوی که از اخبار و احادیث ائمّه اطهار علیهم صلوات الملک الجبّار و کلمات علمای اخیار رضوان اللّه علیهم معلوم و مستفاد می گردد؛ متعلّق، و به اینجهت؛ این بنده قلیل البضاعه و فرومایه عدیم الاستطاعه، به نگارش معظم مباحث آن که معرفت طریق سلوک با ممالیک و عبید و إماء است؛ مأمور گردید.

لهذا این بنده مطیع بتحریر این رساله شافیه پرداخت، و چون خواست که فائده آن

أتمّ و أكمل و منفعت آن أعمّ و أشمل بوده باشد، به بعضى از تحقيقات و تدقيقات كه مناسب اين مقصد أقصى بود نيز إشاره نمود، و آن را به «آداب سَنيَّه» موسوم، و بر سه مقاله مرتّب ساخت.»

انجام: «ختام: بدانكه أشهر ميان علماء آنست كه مال إمام عليه السلام را در زمان غيبت واجبست كه به فقراء و مساكين رسانند... و به هر يك زياده از قدر إحتياج او ندهند.. به اينجا ختم مى كنم اين رساله كثيرالفائده را، و قد وقع الإتمام فى ليالى العشر الآخر من شهر اللّه الأعظم شهر رمضان من شهور سنه عشرين و مائه بعد الألف، و الحمد للّه أوّلاً و آخرًا، و صلّى اللّه على محمّد و آله الأقدسين».

چنانكه ديده مى شود مؤلّف در ماه رمضان سال ۱۱۲۰، كتاب خود را به پايان رسانيده است.

فهرس مطالب كه عينًا از آغاز كتاب نقل مى شود: «بسم... فهرست رساله شريفه موسومه به «آداب سنيّه». اين رساله مشتمل است بر سه مقاله:

مقاله ۱ و آن ۴ باب است:

ب ۱ ــ در بيان كفّارى كه جايز است إسترقاق و حلالست بنده كردن آنها، و در اين باب مذكور مى شود كه طريق اسير نمودن سه صورت دارد و در صورت ۱ و ۲ بِلا خلاف، بنده مى شوند، و در صورت ۳ ميان علماء خلافست و حكم بندگى در اين صورت محلّ إشكال و خلاف احتياط است. ب ۲ ــ در تفصيل طوايف أسيران كه در اين أزمنه أسير ميشوند، و بيان آنكه هر يك از اين طوايف در كدام صورت از آن صوَر ثلث داخل است و در اين باب؛ مذكور ميشود مجملى از ولاياتى كه از آنها أسير

ص : ۱۱

میگیرند و بعضی از أحوال ولایات گرجستان(۱). ب ۳ _ در بیان آنکه واجب نیست تفتیش حال مملوکی که بوجه شرعی به آدمی منتقل میشود، و در این باب مذکور می شود حکم شخصی که مملوك دیگری یا آزادی را فروخته باشد. ب ۴ _ در ذکر أمّهات أولادی که مادران بعضی از إمامان علیهم السلام بودند، و در این باب مذکور می شود بعضی از أحوال شریفه ایشان و آنکه ایشان هفت بزرگوارند(۲).

مقاله ۲ و آن ۷ باب است:

ب ۱ _ در بیان آداب خریدن غلامان و کنیزان و وظائف واجبه و مستحبّه آن، و در این باب مذکور می شود صیغه بیع و شرای ایشان. ب ۲ _ در بیان مسائل دیگر که متعلّق است به خرید و فروش مملوکین، و در این باب مذکور می شود حکم تفریق میان فرزند و مادر و برادر و خواهر و أحکام دیگر ایشان. ب ۳ _ در بیان حقوق مولی و آقا بر ممالیك، و در این باب مذکور می شود حکم آنکه ثواب عبادت ایشان بیشتر است از ثواب عبادت آزادان، و حکم گریختن ایشان، و حکم تحلیل که آقا، کنیز خود را به دیگری حلال کند که با او مقاربت کند و صیغه آن. ب ۴ _ در بیان آنکه أولی در باب کنیزی که مولی خواهد با او مقاربت نماید، اینست که او را آزاد کند، آنگاه متعه نماید و مقاربت کند، و در این باب مذکور می شود وجوه ترجیح این مسلك و بعضی از

۱- ۱) نویسنده درین باب، طوایف گوناگون اسیران و بردگان زمان خود را چنین شرح داده: ۱_ طایفه حبشی (۳ صنف). ۲_ طایفه هندی (۲ صنف). ۳_ طایفه قلماق. ۴_ طایفه اروس. ۵_ طایفه چرکس. ۶_ طایفه گرجی، و تفصیل ولایات گرجستان.

۲- ۲) مؤلف در این باب احوال مادران ائمّه اطهاری که امّ ولد بوده اند را گزارش داده، و از جمله مادر حضرت سجّاد را شهربانویه دختر یزدجرد پادشاه عجم شناسانده و روایاتی که درباره هر یک وارد شده، آورده است.

تحقیقات شافیه که در کتب دیگر مذکور نیست و از خصایص این رساله است، و مذکور می شود أحکام إستبراء و آنکه آن در چند صورت ساقط می شود. ب ۵ _ در بیان حال امّهات أولاد بعضی از أئمّه طاهرین سلام اللّه علیهم أجمعین که ملک یمین بودند یا به حباله نکاح درآمده بودند، و در این باب مذکور می شود ترغیب و تحریض بر ملک یمین که در أخبار و أحادیث شده و نکته آنکه به چه جهت آن بزرگواران کنیزان را إختیار نمودند و سادات و أشراف را به حباله خود درنیاوردند، و آنکه آن أمّهات أولاد همگی نجیب و بزرگزاده و بعضی پادشاه زاده بودند(۱). ب ۶ _ در بیان حقوق ممالیک بر مولی و در این باب مذکور می شود پنج حقّ از حقوق واجبه و ۱۲ حقّ از حقوق مستحبّه ایشان و مذکور می شود آنکه در بعضی موارد که أئمّه ما علیهم السلام و أهل ورع و تقوی از تقصیرات بندگان خود عفو می نموده اند. ب ۷ _ در بیان تأدیب و سیاسات شرعی بندگان، و در این باب مذکور می شود کیفیّت تأدیب ایشان که چند تازیانه است و در بعضی أحوال جایز است مقیّد ساختن ایشان، و هرگاه جنایتی به احدی کرده باشند سیاست شرعی آن چیست و اگر دیگری به ایشان جنایتی نموده باشد، حکمش چیست.

مقاله ۳ و آن ۱۲ باب است:

ب ۱ _ در بیان إستحباب عتق و فضیلت و ثواب آن، و در این باب مذکور می شود آنکه جایز نیست آزاد کردن بنده کافر. ب ۲ _ در بیان آنکه عتق بنده سنّت مؤکّد می شود هرگاه شروطی چند یافت شود، و در این باب هفت شرط مذکور می شود. ب ۳ _ در بیان أزمنه که وقوع عتق و آزادی در آن ازمنه افضلست و در این باب مذکور

۱- ۱) نگارنده درین باب کیفیت علاقه زوجیّت مادران ائمّه اطهار علیهم السلام را شرح داده که به عقد نکاح یا به ملک یمین یا به طریق تحلیل بوده اند، و درین باب شرافت و بزرگزادگی آن مخدّرات را اثبات کرده است.

می شود حدیث آزاد نمودن حضرت امام زین العابدین علیه السّلام بندگان خود را در شب عید رمضان و أزمنه متبرّکه دیگر، و آنکه أمکنه متبرّکه نیز این حکم دارد و عتقی که در آن ها واقع شود نیز أفضل است و آنکه سزاوار اینست که هر کس سعی نماید در إکثار عتق و اینکه حضرت أمیرالمؤمنین _ صلوات اللّه و سلامه علیه _ هزار بنده آزاد فرمود. ب ۴ _ در بیان آنکه در بعضی أحوال عتق مرجوح می شود. ب ۵ _ در بیان آنکه در برخی از أحوال فروختن بنده و تصدّق نمودنِ قیمتِ آن أولی است از آزاد نمودن او، و در این باب مذکور می شود دو حالت که مقتضی أفضلیّت تصدّقات است و حکایت غریبی درباره غلام و وکیل حضرت إمام حسن عسکری، علیه السّلام. ب ۶ _ در بیان شروطی که واجبست تحقّق آنها در مُعتق، و در این باب ۶ شرط مذکور می شود، و اینکه عتقی که از کافر صادر شده باشد، چه صورت دارد. ب ۷ _ در بیان صیغه عتق، و در این باب مذکور می شود أنواع مختلفه صیغه که متّفق علیهِ کلّ علماء است. ب ۸ _ در بیان آنکه سنّت است که مُعتِقْ بعد از ایقاع؛ مجلّه بنویسد و گواهان بگیرد و به او دهد، و در این باب مذکور می شود صورت آزادنامه که حضرت إمام جعفر صادق علیه السّلام از برای غلام خود نوشت. ب ۹ _ در مسائل دیگر که متعلّق است به عتق، و در این باب مذکور می شود حکم سرایت که در عتق واقع می شود و حکم مالی که بنده آزاد داشته باشد و حکم بنده را که مدبَّر ساخته باشند که بعد از وفات آقا آزاد باشد و صیغه تدبیر که به چه نحو گفته می شود. ب ۱۰ _ در بیان عتقی که به جهت کفّاره واجب می شود، و در این باب مذکور می شود أموری که موجب کفّاره می شود، و آنها ۱۲ أمر است. ب ۱۱ _ در إنعتاقی که بدون إختیار مولی واقع می شود، و در این باب مذکور می شود أسبابی که سبب این آزادی می شود و آنها ۶ چیز است و حکم خواجه سرایان که بیع و شراءِ آنها چه حال دارد. ب ۱۲ _ در بیان میراث بنده که آزاد شده باشد، و در این باب

مذکور می شود أقسام آزادی سنّت و واجب و حکم به میراث هر یک و أقوالی که علماء در این باب إختیار نموده اند و حکم مـال إمام علیه السـلام که در زمان غیبت او در چه مصـرف صـرف می شود. و به اینجا ختم می شود این عُجاله کثیرالفایـده، و الحمدللّه...».

نسخه: دارای ۱۲۹ برگ که ۲ برگ در اول و دو برگ در آخر عطف و ۵ برگ از آغاز، فهرست کتابست. تصحیح شده و در دو موضع مهر (عبده زین العابدین حسـینی) دیده می شود، و روی برگ ۱، چند دعا نوشته شده. خط نسخ ۱۲ سطری، عناوین در متن و کنار صفحات تمامًا به سرخی است. کاغذ: اصفهانی، قطع ۱۱ و نیم × ۱۷ و نیم. جلد تیماج سیاه یک لا. این نسخه از کتابخـانه نیای معظّم مرحوم آیه اللّه حاج میر سـید محمّـد چهارسویی برادر گرامی امام مجـدِّد صاحب «روضات الجنّات» بوده است.

«۴» اثبات حدوث الاراده

(کلام ــ عربی)

دانشمند فرزانه حاج محمد خلیل قزوینی این کتاب را در ردّ گفتار حکماء و متکلّمین که قائل به أزلیّت إراده و از صفات ذات بودن آن هسـتند، نوشته و حادث بودن و از صفات فعل بودن إراده را موافق مذهب أهل بیت و روایات شیعه إثبات نموده، و با دلائـل عقلی کلام خود را تأییـد کرده، و دو حـدیث مشـهورِ عمران صابی و سـلیمن مَروزی را نیز شـرح داده، و کتاب پر سود محقّقانه ای نوشته است.

از گزارش زنـدگی این دانشـمند که پنجاه و نه سـال پس از درگـذشت همنام و هم شـهری اش دانشـمند بزرگ ملّا خلیل بن غـازی قزوینی ــ صاحب «حاشـیه عـدّه الأصول» متوفّی به سال ۱۰۸۹ ــ کتـاب خود را نوشـته، اطّلاـعی در دست نیست، و تنها حاجی نوری در «خاتمه مسـتدرک: ۴۱۳» نامی از او و کتابش آورده و کتاب را سـتوده است. هماننـد او صاحب «ذریعه ۱:۸۸» آن را یاد و نسخه ای را در نزد سیّد محمّدناصر

ص : ۱۵

حسینی طهرانی در طهران نشان داده، سپس «أعیان الشیعه ۱۱۱:۳۰» نیز کلام «ذریعه» را نقل کرده، و هم محدّث قمّی در «فوائد رضویّه ۱: ۱۷۴» از او و سه خلیل قزوینی دیگر یاد کرده است.(۱)

آغاز: «بسم... ربّ هب لی سمعًا یسمع آیاتک، و عقلًا یفهم ایمانک، و بصرًا یری قدرتک... فهذه مقاله فی إبطال القول بأزلیّه الإراده و جعلها من صفات الذّات؛ کما هو المشهور من الحکماءِ و جمهور المتکلّمین، و إثبات حدوثها و أنّها من صفات الفعل؛ کما هو المعلوم من مذهب أهل البیت علیهم السلام ...».

انجام: «فانقطع سلیمان و خاب و خسر مأمون، و ظهر حجّه اللّه علی الجاحدین... فهذا آخر ما أردنا ایراده فی هذه الرّساله... و کان ذلک فی ۲۲ من الرّبیع الثّانی من سنه ۱۱۴۸ ببلده قزوین... و أنا العبد خلیل بن محمد زمان القزوینی... وقع الفراغ من نسخه فی أواسط شهر ربیع الأوّل من شهور سنه ۱۱۵۴... بقلم... محمّد صادق ابن محمّد سلیم الحسینی الطّالقانی...».

نسخه: دارای ۹۲ برگ و ۳ برگ عطف. بالای برگ دوّم، شخصی چنین نوشته است:

«رساله إثبات إراده و علم حاجی محمّد خلیل قزوینی، از أمانات عالیحضرت سیادت منقبت میر محمّد صادق قزوینی»، و در زیر آن؛ عمّ فاضل دانشمند میر سیّد محمّد بن حجّه الاسلام حاج میر أبوالقاسم موسوی خوانساری نوشته است: «إنتقل إلیّ علی نهج مشروع، و أنا الحقیر محمّد بن السیّد أبی القسم الموسوی، ره». کاغذ فرنگی، خطّ

ص : ۱۶

---

۱ – ۱) در «کواکب منتشره: ۲۴۵» خلیل بن محمد زمان را و در (ص ۳۶۳) محمد صادق کاتب نسخه ما را عنوان فرموده اند، لکن چیزی زائد بر مطالب فوق نیاورده اند. در (ص ۲۴۳) هم شرح حال خلیل بن محمّد اشرف قائنی اصفهانی مهاجر به قزوین متوفی ۱۱۳۶ را که معاصر همنامش بوده ذکر نموده اند. به «فهرست کتابخانه امام جمعه کرمان:۳۱» نیز مراجعه فرمایند.

شکسته نستعلیق ۲۱ سطری، فهرس مطالبِ بدونِ عنوان تمامًا در حواشی به خطّ نسخ نوشته شده، آثار مقابله دارد. قطع ۱۱ × ۱۷، جلد تیماج سیاه ضربی مقوّایی.

«۵» إثبات الحقّ فی ترجمه إحقاق الحقّ

(کلام ــ فارسی)

از: مترجم در این نسخه نامعلوم، لکن یک نسخه به همین نام و نشان از کتابخانه مرحوم ملك الشعراء بهار در مجلس است و استاد محمّدتقی دانش پژوه آن را در «نشریّه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۵:۶۵۸» به اختصار این چنین شناسانده است:

«إثبات الحقّ در ترجمه إحقاق، از میرزا محمّد نایینی درگذشته ۱۳۰۵ (ذریعه ۴:۷۵. المآثر و الاثار) ». سپس آغاز و انجام کتاب را آورده که همانند نسخه ما است.

آقای منزوی هم در «فهرست نسخه های خطّی فارسی ۲:۱:۸۷۰» این هر دو نسخه را پیرو معرّفی دانش پژوه نوشته اند. امّا در «ذریعه ۴:۷۵» که ترجمه احقاق نایینی را نوشته اند، هیچ نامی بدان نداده اند، و اینک نمی دانیم که نسخه بهار در مجلس هم همانند نسخه ما بی نام مترجم بوده و مرحوم دانش پژوه، به اجتهاد خود، ترجمه نایینی را همین «اثبات الحقّ» دانسته یا این که در آن نسخه نام مترجم این چنین بوده است؟

و این در حالی است که مرحوم بلاغی در «تاریخ نائین ۱:۱۲۷» و از آنجا در نسخه اصل «مکارم الاثار. سال ۱۳۰۵ ق» نام کتاب نایینی را «ترجمان الحقّ و لسان الصدق» نوشته اند، و همین گونه است در شرح حالی که میرزا علی خان نایینی فرزند حاجی میرزا محمّد برای پدرش در مقدّمه دیوان اشعار خود نوشته و گوید: «... سالی چند از أواخر عمر خود را صرف اتمام آن نمود و آن را ترجمان الحقّ و لسان الصدق موسوم ساخت...»: مقدّمه مقال منثور و منظوم دوازده صفحه ای از مرحوم حاجی میرزا محمّد

به عنوان «وجوب حکومت» که در دفتر هشتم مجموعه گرامی «میراث اسلامی ایران، صفحه ۳۳۵» چاپ شده است.

کتاب: ترجمه «إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل» (شماره ۸) از قاضی نوراللّه مرعشی شهید _ أعلی اللّه مقامه _ است به فارسی.

آغاز: «حمد و ثنائی چون نَعمای خالق اکبر، نامحدود».

انجام: «و هر چند پیچیده شود ساق به ساق. و إلیه المرجع و المساق».

نسخه: نام کاتب و تاریخ ندارد. به قرائن از روی اصل نوشته شده و دارای تصحیحات و خطوط شخص مترجم است. مقدار موجود از آغاز کتاب تا پایان ترجمه قسم کلام است، که پس از آن مبحث اصول فقه می باشد.

اثبات الواجب القدیم: مجموعه (ش ...)

الإثناعشریّه فی الرّد علی الصوفیّه: الرساله الاثناعشریّه

«۶» الإثناعشریّه فی المواعظ العددیّه

(مواعظ _ عربی)

از: سیّد محمّد بن محمّد بن حسن مشهور به ابن قاسم حسینی عاملی، علیه الرحمه.

نسخه: به خطّ نسخ خوب محمّد هادی بن مرحوم محمّد علی حسینی قاری اصفهانی. تاریخ ختم استنساخ: چهارشنبه ۲۵ صفر ۱۲۹۰.

تاریخ ختم تألیف در این نسخه: روز شنبه نهم ماه رجب ۱۰۶۸، در مشهد مقدّس رضوی. اثر مقابله و تصحیح به نظر نرسید.

ص : ۱۸

«۷» کتاب اثولوجیا ارسطاطالیس

(فلسفه ــ عربی)

تفسیر فرفریوس الصوری

نقله الی العربیّه: عبدالمسیح بن ناعمه الحمصی.

ترجمه لأجل المعتصم باللّه: أبو یوسف بن یعقوب بن اسحق الکندی.

تاریخ ختم استنساخ: نصف شوال ۱۱۰۰.

«۸» إحقاق الحق و إزهاق الباطل

(کلام ــ عربی)

از: قاضی شهید سیّد نوراللّه بن شریف الدین حسینی مرعشی شوشتری، علیه الرحمه.

کتاب: ردّ مبسوط محقّقانه ای است بر کتاب «إبطال نهج الباطل و إهمال کشف العاطل» تألیف فضل بن روزبهان خنجی که ناصبی آن را از آغاز ربیع دوّم تا سوّم جمادای دوّم ۹۰۹ در کاشان در ردّ کتابِ «کشف الحقّ و نهج الصّدقِ» علاّمه حلّی ــ اعلی اللّه مقامه ــ در مسأله امامت نگاشته است.

تاریخ ختم تألیف: آخر ربیع الاول ۱۰۱۴ در شهر اگره هندوستان و مدّت هفت ماه به تألیف آن اشتغال داشته است. به طبع رسیده.

نسخه اصل مصنّف است، مشتمل بر ۵۳۵ برگ که تا برگ ۳۶۷ به خطّ کاتب مخصوص مؤلّف و با تصحیح و تحشیه شخص قاضی شهید است و از برگ ۳۶۸ تا آخر نسخه متنًا و هامشًا، تمامًا به خطّ خود مؤلّف بزرگوار است. در گوشه بالای چندین صفحه، مُهر آن مرحوم «نوراللّه بن شریف الحسینی» هست. در هامش برگ ۱۱۶ ابیاتی از یکی از اعاظم فضلاءِ شیعه به نام محمّد، و نیز ابیاتی از سیّد حسین بن علی، در ردّ

ابیات رکیکه ناصب به خطّ همان شخصِ محمّدـنام دیده می شود. ظهر نسخهْ مهر «انّی عبداللّه آتانی الکتاب ۱۰۲۸» که شاید از فرزند مؤلّف است و مهر «اکبرعلی موسوی خان» یا «علی اکبر خان موسوی» هست، و در برگ آخر شرحی است که نشان می دهد این نسخه در ربیع دوّم ۱۱۲۶ به وسیله حکیم محمّد داود از هند آورده شده است.

«۹» نسخه دیگر

نسخه: جلد اوّل کتاب است که به این عبارت خاتمه یافته: «کما قلت فی جمله قصیده فی مدح مولای الرضا علیه السلم

سؤال از تو چه حاجت که جودِ ذاتِ تو را بوَد تقدّم بالذات بر وجودِ سؤال»

کاتب: محمد شریف الجریّی؟ القهپایه. تاریخ ختم کتابت: ۲۱ محرم ۱۱۳۱ در اصفهان. تا اواخر نسخه، اثر مقابله دارد و حواشی مؤلّف (منه) در حاشیه صفحات به خطّ کاتب نوشته شده.

«۱۰» الإحتجاج علی أهل اللّجاج

(کلام ــ عربی)

از: ابومنصور أحمد بن علیّ بن أبی طالب طبرسی، علیه الرحمه .

کتاب: احتجاجات دینی و مذهبی نبیّ اکرم و أئمّه اطهار علیهم السلام و صحابه و علماء است با مخالفان، و به طبع رسیده.

نسخه: برگ اوّل و آخر آن نو نویس است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. ظاهرًا از آثار سده یازدهم می باشد.

ص : ۲۰

«۱۱» کتاب الإحکام فی أصول الأحکام

(اصول فقه ــ عربی)

از: سیف الدین ابوالحسن علی بن محمد آمدی اصولی شافعی.

کتاب: در مباحث مربوط به اصول فقه است بر رأی اهل سنّت و در غایت بسط و تفصیل.

نسخه: به خطّ رضا ابن محمد جعفر. تاریخ ختم استنساخ: ۱۲ جمادی الاولی ۱۲۴۵. روی صفحه اوّل نوشته اند که دو ثلث آخر کتاب «به خط عالیجناب ملا رضا می باشد» و ایضًا تفصیل تعداد اوراق و ابیات نسخه به حساب سیاقی.

أحکام حجّ: رساله در احکام حجّ

«۱۲» أحکام الخمر و سائر المسکرات و العصیر العنبیّ و الزبیبیّ و التّمریّ

(فقه ــ عربی)

از: مرحوم آقای حاج سیّد اسداللّه بن حاج سیّد محمّد باقر موسوی شفتی اصفهانی بیدآبادی، أعلی اللّه مقامهما.

کتاب: در بیان أحکام خمر و مسکرات و انواع عصیر است از نظر فقهی به تفصیل و استدلال در دو بخش یا دو رساله که ابتداءً به عنوان شرح «شرایع الاسلام» محقّق حلّی ــ طاب ثراه ــ نگاشته شده است، پیرامون دو عبارت از آن کتاب: ۱ــ «الثامن. المسکرات...». ۲ــ «و فی حکمها العصیر...».

تاریخ ختم تألیف: هفتم ماه رجب ۱۲۸۲.

ص : ۲۱

آغاز: «بسم اللّه الرحمن الرحیم. قوله رحمه اللّه: الثامن. المسکرات، و فی تنجیسها خلاف، و الأظهر النجاسه. إعلم أنّه لا خلاف بین علماءِ الاسلام خاصّتهم و عامّتهم».

انجام: «و الأحوط الاجتناب عنه، و اللّه العالم بحقایق الأحکام. فرغ من تسوید هذه الأوراق فی سابع شهر رجب ۱۲۸۲».

سپس مطلب دیگری در یک صفحه، به این افتتاح: «و ینبغی ختم المقال فی العصیر العنبیّ بذکر خاتمه» و به این خاتمه: «و نفی عنه الخلاف فی الجواهر(۱). الی غیر ذلک من کلماتهم».

نسخه: مسوّده اصل خطّ شکسته مؤلّف و کمابیش ۲۴ سطری است. قطع ۱۶ ×۲۲. متن مختلف. دارای ۹۰ برگ که ۵ برگ در اوّل و آخر عطف سفید و ۵ برگ در جابجای نسخه بیاض مانده است. روی برگ دوّم، مهر «کتابخانه مجدالدّین نصیری. ش ۱۴۳۴» است که وی نسخه را در حدود سال ۱۳۵۰ در اصفهان از ورثه مؤلّف خریداری و به طهران برده و نزد او کتابی ناشناس بوده و اینَک پس از چهل سال به موطن خود بازگشته و شناخته شد.

دو اثر دیگر از مصنّف: «رساله ای در احکام حج، ش ۳۹۸» و «کتاب الفقه» در این فهرست یاد می شود، و چند کلمه در احوال ایشان در ذیل شماره «۴۰» بیاید.

«۱۳» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و در حیات مؤلّف نوشته شده و به ظنّ قوی، به خطّ کاتب نسخه «کتاب الفقهِ» همین مؤلّف می باشد. ظهر نسخه شرحی به خطّ نیای

۱- ۱) مقصود «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام» تألیف استاد مصنّف، شیخ محمّد حسن بن الشیخ باقر _ قدّس اللّه روحه الشریف _ است.

معظّم، آیه اللّه مرحوم حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی، و نیز این عبارت به خطّ کاتب نسخه به شنگرف دیده می شود: «فی أحکام الخمر و سائر المسکرات و العصیر العنبیّ و الزبیبیّ و التمریّ»، و نیز: «أبیات هاتین الرسالتین ۶ هزار بیت».

این نسخه که پیداست به دستور شخص مؤلّف از روی اصلِ سابق الذکر مبیّضه شده است، چنین آغاز می شود: «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم و صلّی اللّه علی محمّد و آله اجمعین. إعلم انّه لا خلاف بین علماءِ الاسلام...»، و حدس زده می شود که مؤلّف ابتداءً قصد نوشتن شرحی بر «شرایع الاسلام» محقّق حلّی را داشته، لکن بعدًا این کتاب را که فقط پیرامون یک سطر از شرایع نگاشته، زائد بر حدّ شرح دیده و خواسته است آن را کتابی مستقل نماید و لذا به کاتب دستور داده است که عبارات متن شرایع را در نسخه مبیّضه نقل نکند. این نسخه اندک اختلافات دیگری نیز با نسخه اصل دارد که آن هم یقینًا به دستور خود مصنّف بوده است.

قطع ۱۵ و نیم × ۲۱ و نیم. متن ۹ × ۱۴. خط نسخ ۱۹ سطری. عناوین در متن و هامش به سرخی نوشته شده. دارای ۱۲۷ برگ که دو برگ در آخر بدرقه است و دو برگِ ۵۹ و ۶۰ نیز میان دو مبحث (یا دو رساله) مسکرات و احکام عصیر (البتّه به دستور شخص مصنّف) بیاض گذارده شده است.

«۱۴» احیاء علوم الدین

(آداب شرعی ــ عربی)

از: أبوحامد محمّد بن محمّد بن محمّد غزالی طوسی (متوفی ۵۰۵).

نسخه: مجلّد اول کتاب و مشتمل است بر ده کتاب ربع عبادات.

نام کاتب که از خوشنویسان زمان بوده، معلوم نشد و ظاهرًا از روی نسخه ای قدیمی استنساخ کرده و چون مقابله و تصحیح نشده است، در آن اغلاط فراوان راه یافته.

ص : ۲۳

تاریخ ختم استنساخ، چهارم ذی الحجه ۱۲۷۸.

«۱۵» أدب اللّسان

(مواعظ ــ فارسی)

از: نیای معظّم نامـدار، آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّدباقر موسوی چهارسوقی، صاحب کتاب شـریف «روضات الجنّات»، أعلی اللّه مقامه.

کتاب: دارای هجـده مجلس است، به خطّ فرزنـد جلیل القدر مؤلّف گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیـح چهارسوقی، رضوان اللّه علیه. در گوشه بالای سر آغاز مجلس نخستین نوشته انـد: «خزانه چهارم از باب اوّل». در برخی از مجالس دیگر نیز چنین یادداشت هایی دیـده می شود، و در جاهایی چند سطری نانویس مانده. چند موضع را نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی ــ فرزنـد ارجمنـد کاتب بزرگوار اصل ــ نوشته و تکمیل کرده انـد. تاریـخ تألیف و کتابت دیده نشد.

«۱۶» الأربعون حدیثًا، فی الامامه

(کلام ــ عربی)

از: شیخ سلیمان بن عبداللّه ماحوزی بحرانی، علیه الرحمه.

کتـاب: در شـرح و بیـان چهـل حـدیث از احـادیث دالّه بر امامت حضـرت امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السـلام است به روایات اهل سنّت. به نام شاه سلطان حسین صفوی موشّح شده. تاریخ ختم تألیف: شب پنجشنبه سوم ذی القعده ۱۱۰۶.

نسـخه: به خطّ علیّ بن لطف اللّه بن عبداللّه الجشی. ختم کتابت: چهارم ماه رجب ۱۲۳۴. تملّک عبداللّه بن مبارک بن علی بن عبداللّه بن ناصر آل حمیدان احسائی خطی در ۱۲۳۴ و محمّد بن علی بن علی بن محمّد حجری بحرانی در ۱۲۴۲ و مهر او (در حرز محمّد و علی ۱۲۳۷) در آخر نسخه، و جمله «من کتب جناب الحاج سید عبداللّه

خلیفه. ابوالمجد» به خطّ مرحوم آقا شیخ محمّدرضا ابوالمجد، در اوّل نسخه است. سه چهار برگ در پایان، شامل مطالب متنوّع در مناقب، به خطّ کاتبِ نسخه نوشته شده.

«۱۷» الأربعون حدیثًا

(شرح حدیث ــ عربی)

از: شیخ بهاءالدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهائی قدس سره (متوفی ۱۰۳۰).

کتاب: شرح و بیان چهل حدیث شریف نبوی از طرق اهل بیت علیهم السلام با ذکر اسنادْ. از کتب بسیار معتبر و مشهور است و مکرّر به طبع رسیده. تاریخ ختم تألیف: روز دوشنبه بیست و سوّم صفر ۹۹۵.

نسخه: به خط حسن بن قاسم شیرازی اصل مکّی مولد و موطن. ختم کتابت: شب چهارشنبه ۲۷ ماه رجب ۱۰۴۴. حواشی مؤلّف در هامش نسخه به خطّ کاتب نوشته شده و چهار برگ آغاز نسخه نونویس است. مهر نیای گرامی، آیه اللّه آقامیرزا سیّد جلال الدین روضاتی، ظهر نسخه است.

«۱۸» نسخه دیگر

نسخه: نفیس و به خطّ نسخ زیبای محمدحسین حسینی جزائری، متخلّص به مستغرق، مکنّی به ابوعلی، ملقّب به أضعفی. تاریخ ختم استنساخ: جمعه ۲۶ ربیع دوّم ۱۰۸۱. کاتب از اهل علم و عرفان بوده و همه جای نسخه حاشیه های مفیدی از خود به امضاءِ «ضع» نگاشته. اشعاری نیز به عربی و فارسی از خود آورده است. مهر «الفقیر الی ربّه الغنیّ، محمد یعقوب الحسینیّ» و «عبده محمدرحیم الطباطبائیّ ۱۲۱۴ ظ» در نسخه هست. پس از برگ نخست، دو جزو مفقود شده، بقیّه سالم است.

«۱۹» نسخه دیگر

نسخه: انـدکی از آغاز ناقص است. تاریخ ختم تألیف: روز دوشنبه ۲۳ صفر ۹۹۵. تاریخ ختم استنساخ: روز جمعه ۲۲ شوّال ۱۰۴۸. نام کاتب ندارد. امتیازی جز حواشی مؤلّف ندارد. در صفحه آخر اثر وقف دارد. روی دو سه برگ آخر نسخه، مطالب متفرّقی نوشته شده است.

«۲۰» نسخه دیگر

نسخه: کامل است و تاریخ ختم تألیف، بسان نسخ دیگر و تاریخ ختم استنساخ، دوّم ماه رمضان ۱۰۹۲ و در پایان نام کاتب ذکر نشده. در آغاز، فهرست تفصیلی کتاب به خطّ کاتبِ نسخه نوشته شده و در پایان آن نام کاتب عزیزاللّه ممسنی قید گردیده که ظاهرًا تمام نسخه به خطّ همین شخص است و حواشی «منه» و غیره نیز به خطّ هموست. تملّک محمّدقاسم بن زین الدین بهبهانی روی برگ اوّل است، و لُغزِ شیخ حسین بن عبدالصمد، والد شیخ بهائی ــ علیهماالرحمه ــ و جواب شیخ بهائی به این لغز نیز روی برگ اوّل فهرست نوشته شده است. از اوّل تا اواخر نسخه دارای آثار مقابله و تصحیح می باشد.

«۲۱» ارشاد الأذهان الی أحکام الایمان

(فقه ــ عربی)

از: علاّمه حلّی جمال الدین حسن بن یوسف بن المطهّر، رضوان اللّه علیهم.

کتاب: یک دوره فقه است، مشتمل بر نکته های بدیعه در مسائل شرعیّه، که به

خواهش فرزنـد مؤلّف فخرالمحقّقین فخرالـدین محمّـد تألیف شده. به طبع رسـیده است. تألیف این کتاب چنان که از آخر آن مستفاد می شود، پس از تألیف «نهایه» و «تحریر» و «تذکره» و «قواعد» و غیرها نگاشته شده است.

نسـخه: تمام است و شخصـی نام و نشان کاتب را که در آخر نسخه نوشته شده بوده، خط زده و مخدوش کرده است و به هیچ وجه خوانـده نمی شود. تاریخ ختم اسـتنساخ: اواسط شوّال ۱۰۱۱. روی برگ بعـد از خاتمه چند تاریخ ولادت نوشـته شده که ظاهرًا تاریـخ تولّـد اولی به خطّ کاتب نسـخه است و مجملاً در اینجا نقل می کنیم. (تولّـد فرزنـد ارجمند محمدجعفر روز سـه شنبه ۱۶ عربیّه ۲۵ قدیمه ۱۹ ترکیّه در مـاه رمضان ۱۰۴۹)، (تولـد فرزند دلبند ملا فیض الله شب جمعه ۲۹ ذیحجّه ۱۰۵۵ ـ در سن شـش سالگی در ییلاق سـمام بآخره انتقال کرد)، (تولد فرزندی حسن مکنی بابوالمحسن روز پنجشـنبه ۲۱ محرم ۱۰۹۱ ـ در ۲۲ ج ۲ همین سال فوت شـد)، (تاریخ تولد فرزندی محمد کاظم در پشت کتاب جعفریه نوشـته شد)، (تاریخ تولد فرزندی ابوالصـلاح در ظهر مجموعه دعا قلمی شد)، (تفاوت سن ابوالصلاح با ابوالمحسن یک سال و چهار ماه می شود که ابوالصلاح از او بزرگتر است)، (تاریخ جلوس شاه صفی سنه ۱۰۳۸).

شش برگ بـدرقه آخر نسـخه است که مطالبی از کتاب «زوائـد و فوائـد» و «مواریث حبل المتین شـیخ» و مطالبِ دیگری روی آنها نوشته شده است و هکذا روی ده برگ عطف اوّل نسخه، مطالب متفرّقه شرعیِ بسیار و ابیات شعری چندی نوشته اند.

«۲۲» نسخه دیگر

نسـخه: قدیمی است و دارای حواشـی بسیار، مانا که وقف بوده و برگ اوّل و آخر آن را برداشـته اند. نیای گرامی مرحوم آیه اللّه حاج سیّد محمد موسوی چهارسوقی آن دو

برگ را به خطّ خود نگاشته اند. مهر «مراد الحسنی الحسینی الطباطبائی» و دیگری، روی برگ دوّم هست. تاریخ فوت حاجی محمد ابراهیم کرباسی قدس سره : «تخمینًا سه ساعت گذشته از شب پنجشنبه هشتم جمادای یکم ۱۲۶۱» داخل جلد کتاب نوشته شده است.

«۲۳» نسخه دیگر

نسخه: قدیمی است و دارای حواشی بسیار و توضیحات لغوی به فارسی و عربی. معادل دو برگ از ابتداء و چهار برگ از انتهاء مفقود شده، لذا نام کتاب و تاریخ کتابت معلوم نیست. نسخه به دقّت تصحیح شده و آثار مقابله به خطّ شخصِ دانشمندی دارد.

«۲۴» نسخه دیگر

نسخه: کامل است و نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، ظاهرًا در قرن ۹ ـ ۱۰ نوشته شده و سراسر آن دارای حواشی متفرّقه مفیدی است.

«۲۵» نسخه دیگر

نسخه: کامل است و نام کتاب و تاریخ کتابت ندارد. به قرائن در قرن یازدهم نوشته شده. حواشی پراکنده در برخی صفحات هست. تعداد برگ ها در حاشیه ها، ۲۱۶ برگ است.

«۲۶» الاستبصار، فیما اختلف [فیه] من الأخبار

(حدیث ـ عربی)

از: شیخ الطائفه ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، علیه الرحمه.

کتاب: شامل ۹۲۵ باب و ۵۵۱۱ حدیث در جمیع ابواب فقه است در سه جزء، و به طبع رسیده.

ص : ۲۸

نسخه: به خطّ نسخ زیبای محمد بن عبداللّه بن أبیالفتیه البحرانی الأُوالی که از خوش نویسان عصر خود بوده. تاریخ ختم کتابت: ۲۲ شوال ۹۶۵.

دانشمندی نسخه را از اوّل تا اواخر جزءِ دوّم «کتاب الحج» در نزد مرحوم سید محمد بن ابی الحسن حسینی عاملی صاحب «مدارک الاحکام» قرائت کرده و سیّد همه جا در حواشی آثار مقابله و تصحیح گذارده و در پایان کتاب صوم، اجازه روایت کتاب را به وی داده است.

حواشی بسیاری با رمز «م. د. سلمه اللّه ــ یا ــ مدّ ظله» از اول تا اواخر جزء دوم نوشته شده که ظاهرًا از سید محمد مذکور و به خطّ مجاز است. مهر «اللّه نور السموات و الأرض» در پایان نسخه هست و برگ اوّل نو نویس می باشد.

«۲۷» نسخه دیگر

نسخه: شامل جزءِ اوّل و دوّم است و قسمت عمده آن به خطّ قدیم و دارای آثار مقابله و تصحیح و تحشیه به خطّ یکی از بزرگان علماء است و مقداری از اوراق آن، که مفقود بوده، نیای گرامی، آیه اللّه مرحوم حاج میر سیّد محمّد موسوی به خطّ خود استنساخ و تکمیل کرده اند. تاریخ ختم تحریر ایشان: چهارشنبه ۳ ربیع یکم ۱۲۶۹. یک فهرست مبسوط از تمامی استبصار، در آغاز نسخه ضمیمه شده که نویسنده آن معلوم نیست.

«۲۸» نسخه دیگر

نسخه: کامل است. کاتب: عبداللّطیف بن عبدالباقی رودسری. تاریخ ختم استنساخ:

۱۸ ذی الحجّه ۱۰۷۶. تا اواسط کتاب اثر تصحیح و مقابله و مقداری حواشی متفرّقه دارد. روی ورق اوّل نوشته اند: «وقف اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور مرحوم ملّا شیخ علی رودسری».

«۲۹» نسخه دیگر

نسخه: نیمه دوّم کتاب است از آغاز کتاب الشهادات تا پایان مشیخه که انجامِ کتاب است. کاتب، محمد سعید الحسینی که پیدا است از فضلاءِ زمان و دارای خطّ و ربطی بس ممتاز بوده. تاریخ ختم استنساخ: روز پنجشنبه ۲۶ ذی القعده ۱۱۱۲.

امتیازات نسخه: ۱ ــ فهرست دقیق این مجلّد را کاتب در ۶ صفحه به تاریخ پنجشنبه سوّم ذی الحجّه ۱۱۱۲ نگاشته و در آغاز نسخه نهاده. ۲ ــ بالای تمام اوراق ارقام هندسی گذارده و تعداد اوراق ۱۷۸ برگ می باشد که در فهرست به آنها نیز اشاره کرده است. ۳ ــ بالای سر هر کرّاسی را کاتب تاریخ استنساخ گذارده و تاریخ شروع به استنساخ جزوه اوّل، روز پنجشنبه ۱۷ ذی الحجه ۱۱۰۹ است. لکن تاریخ استنساخ جزوه دوّم سه شنبه ۲۷ محرم ۱۱۱۱ می باشد که تا کراس ۶ همین اشتباه تکرار شده. ۴ ــ رؤس تمام مطالب کتاب و اوّل اسانید آن، به شنگرف نوشته شده. ۵ ــ نسخه به دقّت مقابله و تصحیح شده و بسیاری از کلمات دارای حرکات و اعراب می باشد. ۶ ــ در مواضع حاجت، کاتب حاشیه هایی از کتب مختلف نقل کرده و برخی از حواشی مختوم به رمز (س م د) است که ظاهرًا از خود کاتب می باشد.

روی برگ اوّل نسخه شخصی نوشته است «به تاریخ عصر روز شنبه ۲۵ صفر ۱۱۷۲ کتاب مزبور به تصرّف آمد».

ص : ۳۰

«۳۰» نسخه دیگر

نسخه: کامل است. کاتب: ابراهیم تفرشی. تاریخ ختم استنساخ: ۱۰۹۱. اثر تصحیح و مقابله و حاشیه ای ندارد.

وقفنامه «بدرالنساء خانم بنت نواب مستطاب... شاه قلی خان اعتمادالدوله سابق، غفر له... و تولیت... مجتهد الزمانی میر سید محمّدا...» روی برگ اوّل است.

«۳۱» استقصاءُ الاعتبار فی شرح الاستبصار

(شرح حدیث ـ عربی)

از: شیخ ابوجعفر محمد بن ابی منصور حسن بن شیخ زین الدین «شهید ثانی» شامی عاملی، متوفی در مکّه مکرّمه ۱۰۳۰، رضوان اللّه علیهم.

کتاب: شرح «الاستبصار فیما اختلف من الأخبار» شیخ طوسی ـ علیه الرحمه ـ است به «قوله، ره».

نسخه: مشتمل بر جزءِ اوّل و جزءِ سوم کتاب است فقط. تاریخ ختم تألیفِ جزءِ اوّل در کربلا: روز پنجشنبه ۱۷ جمادی الاولی ۱۰۲۵ «هم در نسخه و هم در ذریعه» و تاریخ ختم جزءِ سوّم که تمامًا در «صلوه» است: اواخر ماه صفر ۱۰۰۷ در کربلا «چنانکه در همین نسخه است» و شاید اشتباه باشد یعنی شاید صحیح «۱۰۲۷» باشد و اللّه العالم.

کاتب: نامعلوم و پیداست که یکی از کاتبان حرفه ای زمان خود در اصفهان بوده.

تاریخ ختم استنساخ جزءِ سوّم: ۲۶ ذی الحجه ۱۲۴۴. اثر تصحیح و مقابله و تحشیه مطلقًا ندارد. روی برگ اوّل نوشته اند: «عدد اوراق ۳۱۷، ورقی ۱۰۸ بیت، مجموع کتابت کتاب ۳۴ هزار بیت».

ص : ۳۱

«۳۲» أسرار العربيّه

(نحو ــ عربی)

از: ابوالبرکات عبدالرحمن بن محمد معروف به ابن الانباری نحوی.

کتاب: در باب اسرار و علل مسائل نحو است و مذاهب نحویان قدیم و جدید تا عصر مؤلّف، و به طبع محققانه رسیده در دمشق به سال ۱۳۷۷.

نسخه: به خطّ «محمّد حسین ابن فاضل علاّمه زبده المجتهدین سیّد محمّد موسوی خوانساری» است که به شرح مرقوم در اوّل و آخر نسخه، آن را در مدرسه صدر اصفهان در سال ۱۳۰۸ از روی یک نسخه مغلوط و ناقص الآخر (تا معادل ص ۴۰۴ نسخه چاپی) استنساخ کرده، و به خطا پنداشته است که تألیف ابن داود حلّی است.

دو مهر کاتب «الواثق بالله محمد حسین بن محمد الموسوی ۱۳۰۱» و «الراجی محمد حسین الموسوی» ظهر نسخه است، و همچنین یادگاری از محمدصادق بن محمد الموسوی به تاریخ ۲۴ جمادای دوّم ۱۳۰۹.

محمد حسین و محمد صادق، این دو برادر دانشور فرزندان عالم جلیل آقا سیّد محمد فرزند آقا سیّد محمدصادق مجتهد «کرام برره: ۶۴۷» فرزند علاّمه بزرگ آقا سیّد محمدمهدی موسوی خوانساری صاحب کتاب «عدیمه النظیر» ــ علیهم الرحمه ــ بوده اند.

«۳۳» اشارات الی مفاتیح الأحکام

(اصول فقه ــ عربی)

از: حاجی محمدابراهیم بن حاج محمد حسن کرباسی اصفهانی، علیهما الرحمه.(۱)

کتاب: در مباحث اصول فقه و معروف است به «اشارات الأصول» در دو مجلّد که

۱- ۱) تاریخ دقیق وفات حاجی در شماره «۲۲» گذشت.

مجلّد اوّل آن به طبع رسیده.

نسخه: مجلّد اوّل است از مقدّمه ای در تعریف علم اصول تا منهج تاسع در نسخ «مباحث ألفاظ». نام کاتب ندارد و در پایان، تاریخ کتابت سنه ۱۲۴۰ قید شده است. حاج میرزا فتح اللّه خان بزرگ زاد ــ رحمه اللّه ــ نسخه را در ۲۲ فروردین ۱۳۱۴ از هاجی ربیع یهودی به مبلغ یک تومان و هشت ریال خریده، سپس در تاریخ دوّم شهر رجب ۱۳۶۰ آن را به نیای گرامی، آقای حاج میرزا سیّد حسن آیه اللّه چهارسوقی اهداء کرده است. خطوطشان در آخر نسخه دیده می شود.

«۳۴» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم کتابست در ۱۶۹ برگ، از منهج عاشر در ادلّه شرعیّه تا خاتمه در وصایای نافعه. تاریخ اتمام تألیف: ثلث اوّل سال ۱۲۵۳. کاتب: رفیع اصفهانی فرزند محمدعلی غراباغی. تاریخ ختم کتابت: جمادای یکم ۱۲۷۰. بدون اثر مقابله و تصحیح. روی برگ اوّل تملّک و مهر مرحوم حاج میرزا قوام الدین فرزند حاج میرزا عبدالرزّاق رشتی اصفهانی به تاریخ ۵ ربیع ثانی ۱۳۳۳ نوشته شده.

آغاز: «بسم... المنهج العاشر فی الأدله الشرعیه و فیه مطالب».

یک نسخه در فهرست مرعشی، ش ۳۰۱۸، در ۱۸۷ برگ به خطّ حسن بن عبدالقادر کتابت ۱۲۵۶ و مقابله با خطّ مصنف معرفی شده و یک نسخه نیز در فهرست کتب حاج سیّد مصطفی صفایی.

«۳۵» الأشباه و النظائر، الفقهیّه، علی مذهب الحنفیّه

(فقه ــ عربی)

از: زین الدین بن ابرهیم بن محمد بن نجیم مصری معروف به ابن نجیم (متوفی ۹۷۰).

ص : ۳۳

کتاب: در هفت فنّ از فنون فقهیّه است در فقه حنفی و به طبع رسیده. تاریخ ختم تألیف: ۲۷ جمادای دوم ۹۶۹. فهرست کتاب در آغاز به قلم مؤلّف آمده است.

نسخه: فاقد برگ آخر است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت آن معلوم نیست. اضافات و اصلاحات حواشی نسخه ظاهرًا به خطّ مؤلّف است. تملّک و مهر علی بن محمد جزائری در تاریخ ۱۰۰۰ (ظ) و عبدالرحمن بن احمد حنفی در ۱۰۷۱ و عبدالله بن ابرهیم حنفی و محمد صالح سلیمانی و نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سید جمال الدین چهارسوقی به تاریخ ۱۶ شوال ۱۳۲۱، روی نسخه هست. ظهر برگ آخر شرحی به خطّ والد معظّم ایشان آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمدهاشم چهارسوقی به تاریخ ۱۸ جمادای یکم ۱۳۱۰ نوشته شده است.

«۳۶» اصطلاحات الصّوفیّه

(تصوّف ــ عربی)

از: کمال الدین عبدالرزّاق کاشی.

کتاب: شرح و توضیح اصطلاحات صوفیّه است در دو قسم و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ فرزند مصنّف محمّد بن عبدالرزّاق الکاشی است. تاریخ ختم کتابتِ قسم اوّل: روز یکشنبه ۱۷ جمادی الاخره ۷۶۴ و ختم استنساخ قسم دوّم: روز سه شنبه ۲۶ جمادی الاخره ۷۶۴. در پایان هر دو قسم در هامش، شرحی درباره مقابله و تصحیح نسخه به تاریخ ۷۶۵ نوشته شده.

روی برگ آخر تملّک جنید بن فضل الله لرعس (بزغش؟) که ظاهرًا همان صاحب «شدّ الازارِ» معروف است، و نیز تملّک و مهر محمدباقر بن احمد اصفهانی «العبد المذنب محمدباقر» و «عبده محمدباقر» و مهر «عبده محمدمحسن الطباطبائی» و مهر نیای گرامی «الراجی جلال الدین بن محمد مسیح الموسوی» در آغاز و انجام نسخه

هست. و این یادداشت روی برگ آخر دیده می شود: «تحویل حمل در هذه السنه ۱۱۹۶ در عصر روز چهارشنبه پنجم شهر ربیع الثانی یک ساعت و بیست و پنج دقیقه به غروب آفتاب...».

ناگفته نماند که تاریخ تألیف «اصطلاحات» نامعلوم است، لکن تاریخ پایان تألیف «شرح منازل السائرین» روز دوشنبه بیستم ماه رجب ۷۳۱ در خانقاه ربع رشیدی است و به تصریح شخص مؤلّف، این اصطلاحات پس از تألیفِ «شرح فصوص الحکم» و «تأویلات القرآن الکریم» و «شرح منازل السّائرین» و به منظور توضیح و کشف مصطلحات صوفیانه آن کتاب ها تألیف شده است.

دیگر این که «اصطلاحات» چاپ شده در حاشیه «منازل السائرین» تنها نیمه نخست کتاب است که قسم اصطلاحات باشد، لکن در «معجم المطبوعات: ۱۵۴۲» و «فهرست کتاب های چاپی عربی: ۶۱» و «قائمه بأوائل المطبوعات العربیّه بدار الکتب: ۱۰۱» آمده است که این کتاب به صورت کامل هر دو قسم، به اهتمام «سپرنگر» مستشرق اطریشی به سال ۱۸۴۵ میلادی (۱۲۶۱ هجری) در ۱۶۷ صفحه، به انضمام نه صفحه در کلکته چاپ شده است. و نیز به قول مرحوم مشار، باز در سال ۱۳۱۲ هم در ۷۹ صفحه وزیری در همان کلکته به چاپ رسیده است.

«۳۷» أصل سُلیم بن قیس

(حدیث ــ عربی)

از: سُلیم بن قِیس هِلالی، از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام .

کتاب: از قدیم ترین آثار شیعه امامیّه است، مشتمل بر احادیث مرویّه و وقایع بعد از رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ، و مکرّر به طبع رسیده است.

نسخه: به خطّ نیای معظّم، عالم محقّق متتبع جلیل، آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد

موسوی چهارسوقی، أعلی اللّه مقامه. تاریخ ختم کتابت: یازدهم جُمادای یکم ۱۲۸۸. در آغاز شرحی راجع به کتاب و شخص سلیم نگاشته اند، و در پایان نسخه نیز مکتوبی است از عمر بن خطّاب به معاویه و سه مکتوب دیگر.

ظهر نسخه مُهر تملّك نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین چهارسوقی هست.

«۳۸» اصول دین

(کلام ــ فارسی)

از: آقا جمال خوانساری، از دانشـمندان بزرگ عهد صفوی که در جمیع فنون شرعی و علوم عقلی و نقلی سرآمد اقران و مُشار به بنان بوده. نام گرامی اش جمال الـدّین محمّد، پدر بزرگوارش اسـتاد الکلّ فی الکلّ آقا حسـین معروف به محقّق خوانساری فرزند فاضل کامل جمال الدّین محمّد. این پدر و فرزند فرزانه دانشـمند، یعنی آقا حسـین و آقا جمال، اصـلاً خوانساری بوده و در اصـفهان سـکونت داشـته اند. بزرگ ترین حوزه های درسی این دارالعلم مختصّ آنها بوده و از هر دو تألیفات و آثار گران بهایی به جای مانده است. رضوان اللّه تعالی علیهما.

شرح حـال آقـا جمـال و آقا حسـین در «روضات الجنّات: ۱۵۶ و ۱۹۴ ــ ۱۹۷» به ترتیب یـاد شـده و در عمـوم کتب تراجم نیز مذکور است.

آقا جمال نزد پـدر نامور خود و مرحوم ملا محمّدباقر محقّق سبزواری، خالوی خود درس خوانـده و در «ریحانه الأدب ۱: ۲۴» که شـرح حـال او را آورده، از دوازده تـألیف او یـاد کرده، و پـاره ای از آثـار آن مرحـوم ماننـد کتـاب نفیس «ترجمه الفصول المختـاره» و «ترجمه مفتـاح الفلاـح» به طبع رسـیده و پیرامون آنهـا و ترجمه اجمـالی مؤلّف نیز در کتـاب «مؤلّفین کتب چـاپی فارسی ۲: ۳۸۱ ــ ۳۸۳» گفتگو شده است.

آقا جمال در ۲۶ ماه رمضان ۱۱۲۵ پس از گذشتن بیست و پنج سالی از رحلت پدرش در اصفهان وفات یافت و در تکیه ای مخصوص از مزار تخت پولاد، پهلوی پدر به خاک رسید.(۱) اینک قبور آنان مورد توجّه عموم مردم است و پیوسته از زیارتشان بهره مند می شوند. رحمه اللّه علیهما.

«اصول دین» جای گفتگو از آثار نفیس مرحوم آقا جمال است که در «ذریعه ۲: ۱۸۶» یاد شده و نسخه مورّخه ۱۱۱۱ آن را مؤلّف بزرگوار ذریعه دیده اند.

مع الأسف نسخه ما از آخر ناقص است و تا فصل ششم از باب چهارم آن بیشتر نیست. در فهرست های موجود نیز نسخه ای دیگر از این کتاب نشان داده نشده است.

مؤلّف، این کتاب را به دستور شاه سلطان حسین صفوی تألیف کرد و در دیباچه از او به نیکویی یاد نمود، و آن را بر یک مقدّمه و پنج باب به شمار اصول پنجگانه مرتّب گردانید.

مؤلّف در باب اوّل در مباحث گوناگون اثبات واجب و صفات ثبوتیّه و سلبیّه، و در باب دوم در مباحث عدل باری تعالی، و همچنین در سایر ابواب، گسترده و بسیار محقّقانه سخن گفته و حقًّا کتابِ جامع و مفیدی به وجود آورده است.

آغاز: «بسم... ثمره شجره عبارت آرایی، حمد و ثنای حکیم حکمت آفرینی است، که شاهد یکتا زیبایی ذات منزّه صفات بی مثالش در آینه خدای نمای عالم صورت، که

---

۱ - ۱) این تاریخ و گزارش برگرفته از کتاب شریف «روضات الجنّات: ۱۵۶» است. نیای گرامی _ أعلی اللّه مقامه _ مأخذ تاریخ را یاد نکرده اند، و در «کواکب منتثره: ۱۴۶» سال (۱۱۲۱) را به استناد مصراع شعر فاتح «کرد ایزد با حسین بن علی حشر جمال» برگزیده اند، امّا در آن مصرع «حسین ابن علی» باید حساب کرد تا (۱۱۲۲) باشد، زیرا تاریخِ درستِ فوت آقا جمال _ علیه الرحمه _، شب یکشنبه دوم ماه رمضان یکهزار و بیست و دو است، به شرحی که در کتاب «دو گفتار: ۶۳ _ ۶۵. چاپ اصفهان _ قم، ۱۳۷۸ ش» نوشته ایم.

جلوه گـاه جهـان معنی غیبی است، به وجهی چهره گشـای ظهور و شـهود گردیـده، که به هیـچ وجه من الوجوه حجاب خفاء، پرده پوش رخسـار پیـدایی آن نمی توانـد بود، و گـل خود ــ روی هستی بی زوالش در گلشن همیشه بهـار إدراک عقلی، که بهارسـتان ریاض معارف لاریبی است به رنگی بساط تجلّی و خودنمایی چیـده، که خار خار شکّ و شُـبهه اصـلاً خس پوشـی علم یقینی به آن نمی تواند نمود.

و گل سر سبد رنگین کلامی و سخن سرایی، درود نامحدود رسول کریم حجّت قرینی است که به رهنمایی بحرین معقول و منقول عالمیـان را شـناسای گوهر یکتـای توحیـد یزدانی نمود، و به شـکل آرایی مقـدّمتین اصول و فروع، جهانیان را عارف به طریقه مسـتقیمه نتیجه کُبرای علم ربّانی فرمود. صلّی اللّه علیه و آله الائمّه الطاهرین، ما تولّدت من صله العقل بالنّقل نتائجُ الحقّ و الیقین.

و بعد، بر عاقلان خبیر و خردمندان بصـیر... پوشـیده نیست که شـیرازه بندان صـحیفه کامله عقل و آگاهی، نخست در تصـحیح کتاب کِبریا انتسابِ معرفت الهی که مقـدّمه جمیع طاعات و اساس تمام عبادات است کوشـیده، کارگزاری این فریضه را مقدّم بر سایر واجبات دینیّه و اهمّ از همه فرائض مهمّه ایمانیّه می دانند.

لهـذا، نوّاب کامیـاب... شاه سـلطان حسـین الحسـینی الموسوی الصّـفوی، بهادرخان،... که به مَیامِنِ توفیقات یزدانی و تأییـدات سبحـانی همواره همّت والاـ نهمت بر تأکیـد قواعـد دین مبین، و تشـیید مبـانی شـرع مسـتبین، و اقامه فرائض و طاعات، و اماطه معاصـی و منکرات گماشـته، در هر بـاب اهتمام تمام و مبالغه بیانجام می نماینـد، مقرّر فرمودنـد که داعی دوام دولت قاهره، و راجی خلود سـلطنت ابـد مـدّت باهره، نیازمند توفیق کردگاری: جمال الدّین محمّد خوانساری، در باب مسائل متعلّقه به مبدأ و معاد، و مباحث منوطه به اصول دین قوی بنیاد، عقاید خود را به طریقی که از ادلّه عقلیّه و نقلیّه استنباط نموده، در

رساله (ای) بر وجه اختصار به عرض اقدس رساند، تا عامّه اهل ایمان، و طلّاب معرفت و ایقان از مطالعه آن کامیاب و بهره مند گشته، ثواب آن به روزگار فرخنده آثار آن رواج افزای مذهب حقّ اثناعشری، و راهنمای طریق مستقیم دین پروری واصل و متواصل گردد.

لا ـ جرم، امتثالاً ـ لأمره المطاع الأعلی، به عنوانی که موافق مزاج همایون بود، به نگارش این رساله مشتمله بر مقدّمه و پنج باب مبادرت نمود...».

انجام موجود: «و آنچه بعضی از اهل سنّت گفته اند که مراد به میراث در این دو آیه علم و نبوّت است نه مال و اسباب، با آنکه خلاف ظاهر است قبول کنیم آن را در آیه اوّلی، امّا در آیه دوّم احتمال آن نیست، زیرا که بنی اعمام که».

فهرست مطالب:

مقدّمه ــ در ذکر اصول دین بر سبیل اجمال و تحقیق وجه بودن آنها از اصول دین. باب ۱ ــ در اثبات واجب الوجود و صفات ثبوتیّه و سلبیّه او، در این چند فصل است. ف ۱ ــ در اثبات واجب الوجود، تعالی شانه. ف ۲ ــ در اثبات واجب الوجود به طریق دیگر. ف ۳ ــ در توحید واجب، تعالی. ف ۴ ــ در اثبات علم حق تعالی. ف ۵ ــ در بیان آنچه کافی است اعتقاد به آن در معرفت علم حق تعالی. ف ۶ ــ در اثبات قدرت حق تعالی. ف ۷ ــ در اثبات عموم قدرت حق تعالی. ف ۸ ــ در تحقیق اراده حق تعالی. ف ۹ ــ در تحقیق سمیع و بصیر به عین شنوا و بینا بر حق تعالی. ف ۱۰ ــ در تحقیق حیّ و قیّوم. ف ۱۱ ــ در تحقیق تکلّم حق تعالی. ف ۱۲ ــ در ذکر باقی اوصاف واجب الوجود.

باب ۲ ــ در عدل حقّ تعالی و آنچه متعلّق به آنست، و در این چند فصل است. ف ۱ ــ در اثبات عدل حق تعالی. ف ۲ ــ در بیان آنکه نسبت اضلال و امثال آن به

خدای تعالی بر ظاهر آن محمول نیست. ف ۳ _ در ثبوت اغراض از برای افعال حق تعالی. ف ۴ _ در بیان آنکه افعال عباد مستند به ایشان است. ف ۵ _ در بیان عدم استقلال عباد در افعال خود. ف ۶ _ در بیان وجوب انتصاف مظلوم از ظالم. ف ۷ _ در تحقیق قضاء و قدر. ف ۸ _ در ذکر حدوث عالم.

باب ۳ _ در نبوّت، و در این چند فصل است. ف ۱ _ در معنی نبیّ و طریق ثبوت نُبوّت. ف ۲ _ در بیان وجوب عصمت انبیاء، علیهم السّلام. ف ۳ _ در وجوب تنزّه انبیاء از اموری که موجب تنفّر از ایشان باشد. ف ۴ _ در اثبات نبوّت پیغمبر ما صلّی اللّه علیه و آله. ف ۵ _ در ابطال آنچه یهودان می گویند در ردّ نبوّت آن حضرت صلّی اللّه علیه و آله، و آن دو وجه است. ف ۶ _ در افضلیّت آن حضرت صلّی اللّه علیه و آله از سایر انبیاء و از تمام ملائکه.

باب ۴ _ در امامت که اصل چهارم از اصول دین است، و در این چند فصل است. ف ۱ _ در بیان معنی امام و ذکر دلیل بر وجوب نصب او. ف ۲ _ در بیان وجوب عصمت امام. ف ۳ _ در طریق ثبوت امامت امام. ف ۴ _ در إبطال قول أهل سنّت. ف ۵ _ در پاره ای از مَطاعن. ف ۶ _ پاره ای از مطاعن مشترکه...

نسخه: دارای ۴۴ برگ. برگ اوّل عطف و ظهر آن شرحی به خطّ مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی _ رحمه اللّه علیه _ درباره تفأّل به قرآن کریم منقول از بخاری نوشته شده. روی برگ ۲ این شرح به خطّ نیای بزرگوار، مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد علی مجتهد چهارسویی فرزند گرامی آقای حاج میر سیّد محمّد مذکور دیده می شود: «اصول دین. تصنیف العالم الفاضل جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الأصول آقا جمال، قدّس سره». مهر: «علیّ ابن محمّد الموسوی». چند بیت شعر نیز روی همین برگ نوشته شده.

ص : ۴۰

کاغذ ترمه، جلد تیماج مشکی یک لا که با تیماج قهوه ای حاشیه و تعمیر شده، آستر تیماج قرمز، تمام اوراق کتاب صحّافی و مرمّت شده، خط نستعلیق ۲۰ تا ۲۴ سطری، عناوین به سرخی، قطع ۱۳ × ۲۱، متن ۶ و نیم × ۱۴ تا ۷ و نیم × ۱۵. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. از اوّل نسخه تا برگ ۲۴ در حیات مصنّف استنساخ شده و حواشی مختوم به «منه، سلّمه اللّه» است. بقیّه به خطّ کاتب دیگر پس از فوت مصنّف نوشته شده و حواشی به قید «منه، ره» می باشد. نیمی از ظهر برگ ۴۳ و سطور آخر نسخه که روی برگ ۴۴ نوشته شده به خطّ مرحوم آقای حاج میر سیّد علی مجتهد مذکور است و چنان که گذشت، نسخه ناتمام و تا فصل ششم از باب چهارم بیشتر موجود نیست و از باب پنجم که پیرامون مبحث معاد است چیزی ندارد.

اصول کافی: الکافی

«۳۹» إعراب العوامل

(نحو ـ عربی)

از: نامعلوم.

کتاب: إعراب (یا ترکیبِ) عوامل شیخ عبدالقاهر بن عبدالرحمن جرجانی (متوفی ۴۷۱) است و ظاهرًا إعرابِ شرحِ بدرالدین محمود بن احمد عینی (متوفی ۸۵۵) بر عوامل جرجانی است و با تفحّص در «کشف الظنون» و غیره، فعلاً بیش از این چیزی درباره کتاب حاضر نمی توان گفت. از متن عوامل نیز که به حُمره در نسخه نوشته شده و با متن که به مرکّب سیاه نوشته شده ممزوج است، معلوم می شود که متن «شرح عوامل» است و عبارت اوائل متن چنین است:

«الحمد للّه رب العالمین و الصّلوه علی محمّد و آله اجمعین. و بعد فانّ العوامل فی النحو علی ما الّفه الشیخ عبدالقاهر بن عبدالرحمن الجرجانی رحمه اللّه علیه مائه عامل».

ص : ۴۱

آغاز: «بسم. الحمد للّه القویّ الّذی عجزت عن إدراك كنهه عقول العقلاء... و بعد فانّی قرّرت اعراب العوامل تیسیرًا للمستفیدین و كرّرت قواعد إعرابها تقریرًا للمبتدئین... قال المصنف رحمه اللّه: الحمد للّه».

انجام: «فهذه مائه عامل فلا یستغنی الصغیر و الكبیر و الوضیع و الرفیع عن معرفتها و استعمالها. تمّت الكتاب».

كاتب: سیّد مرتضی بن رفیع الدین محمّد حسینی. تاریخ ختم استنساخ: ۲۹ شوال و سال كتابت نوشته نشده و ظاهرًا از آثار قرن ۱۲ می باشد. در پایان نسخه گواهی مقابله و تصحیح دارد. در آغاز ۱۳ صفحه عطف دارای مطالب متفرّقه است و تاریخ سنه ۱۱۲۸ «ظاهرًا»، و در پایان نسخه ۷ صفحه بدرقه دارای مطالب متفرّقه، و عمومًا مطالب این ۲۰ صفحه فوائد ادبی و لغوی است.

«۴۰» إعراب و تفسیر ستّ سُوَر من القرآن الكریم

(عربی)

مؤلّف این كتاب حاج میرزا زین العابدین شهشهانی از خاندان شیخ الاسلام های اصفهان(۱) كه خود عالمی فاضل و متبحّر در علوم قرآنی بوده، چند كتاب در این رشته تألیف كرده و از جمله «شجره طیّبه» او در تجوید مكرّرًا چاپ شده است.

از سرگذشت زندگانی این دانشمند اطّلاع زیادی نداریم، جز اینكه نویسنده فاضل شیخ المورّخین حاج میرزا حسن خان انصاری(۲) در «آگهی شهان از كار جهان ۳:

ص : ۴۲

---

۱ - ۱) این خاندان از اعقاب مرحوم محقق سبزواری، صاحب «جامع الزیارات عبّاسی. ش ۲۱۷» كه در عهد صفویه شیخ الاسلام اصفهان بوده، می باشند. منصب شیخ الاسلامی پس از او در میان اولادش به ارث رسیده و خاندان معروف شیخ الاسلام كه اینك در اصفهان و جاهای دیگرند، از همین طایفه اند.

۲ - ۲) شیخ جابری در فنون عدیده دارای تألیفات بسیاری است كه اغلب به طبع رسیده. شرح حال او را در «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۱۳۱ _ ۱۳۲» نوشته ام. وی شب جمعه ۱۸ ماه رجب ۱۲۸۷ در شیراز متولّد و صبح پنج شنیه ۱۵ جمادی الآخره ۱۳۷۶ در اصفهان بدرود زندگی گفت. رحمه اللّه رحمهً واسعه.

۱۱۳ _ ۱۱۴» در وقایع سال ۱۳۱۸ گوید: فوت هفت تن از علمای بزرگ اصفهان ۱ _ ثقه الاسلام آقای حاج شیخ محمّد علی... ۲ _ آقای حاج میرزا بدیع... ۳ _ حاج سیّد مهدی کرمانی ۴ _ حاج میرزا زین العابدین ۵ _ آقای سیّد محمّدرضا ۶ _ حاج میرزا عبدالرّزّاق رشتی... و ۷ _ به أعلم عصر حجه الاسلام آقای میرزا محمّد هاشم چهارسوئی ختم شد. انتهی. شیخ جابری همین مطالب را در کتاب دیگرش «تاریخ اصفهان» نیز آورده و مقصودش از حاج میرزا زین العابدین همین صاحب «شجره طیّبه» است. (۱) و مؤلّف محترم «الذّریعه ۱۳: ۳۴» نیز کتاب «شجره طیّبه» را که عنوان نموده، اطّلاعی افزون بر آنچه از مقدّمه و خاتمه شجره معلوم می شود اظهار نفرموده، لکن در همان موضع یکی دیگر از آثار او را به نام «تذکره القرّاء» یاد کرده است که نسخه آن به خطّ مؤلّف در کتابخانه حاج آقا حسین شهشهانی اصفهانی، مقیم طهران موجود و در آخر آن نوشته است که در پنجم ربیع الاخر ۱۲۶۷ از تألیف آن فراغت یافته است. «تذکره القرّاء» نیز به عربی است و مرتّب بر یک مقدّمه و ۱۴ باب.

مستشرق معروف بریتانیایی ستوری «Storey A. C.» در کتاب مفید خود «PersianLiterature» که پیرامون تألیفات فارسی بحث کرده است نیز از شجره طیّبه یاد کرده، جز این که نام آن را ظاهرًا به علّت عدم دقّت واقف نشده و کتاب را در فصل کتبی که عنوان مخصوصی ندارند ولی مؤلّفین آنها معلوم است، چنین معرّفی کرده:

قواعد در طرز ادای آیات قرآنی، تألیف زین العابدین سبزواری که در آخر قرآنی

ص : ۴۳

---

۱ - ۱) برای آگاهی بیشتر: «بیان المَفاخر ۲: ۲۶۱» و «خاندان شیخ الاسلام»، هر دو از مرحوم حاج سیّد مصلح الدین مهدوی ملاحظه شود.

در فاصله سال های ۱۲۸۵ _ ۱۲۸۶ در طهران به چاپ رسیده.(۱)

مؤلّف کتاب «فهرست کتاب های چاپی فارسی: ۱۰۰۷» نیز گوید: شجره طیّبه (تجوید القرآن) «تألیف» زین العابدین بن محمّدعلی سبزواری متوفی ۱۳۱۸ ق، در اوّل قرآن چاپ حسن، طهران، ۱۳۵۳ ق، سنگی «چاپ شده است».

و خود مؤلّف در مقدّمه «شجره طیّبه» گوید: «...چنین گوید خادم خدّام شرع متین، زین العابدین بن مرحوم مغفور مبرور میرزائی میرزا محمّدعلی، مِن أحفادِ علّامه سبزواری _ أعلی اللّه مقامهما و برّد اللّه(۲) مضجعهما _ که چون در سوابق أزمان رسایل متعدّده در علم قرائه نوشته بود به مذهب عاصم، و از آن جمله رساله ئی است که موسوم نموده ام آن را به «شجره طیّبه» چون ابواب و فصول آن به صورت أشجار مُثمره مرسوم گشته، و به لسان عرب نوشته شده و از این سبب فیض آن عاید عوامّ نمی گردید، لهذا در این أوان حسب الحکم مُطاع لازم الاتّباع سرکار شریعتمدار خلایق افتخار حجه الاسلام و المسلمین... مولینا حاجی سیّد اسداللّه(۳) زید مجده و علاه، در صدد آن برآمدم که رساله مزبوره را به لسان فارسی ایراد نمایم....(۴) و أقول: بسم... و سمّیتها بشجره طیّبه،

ص : ۴۴

۱- ۱) رجوع به «نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه های خطّی ۱: ۱۴۰» شود.
۲- ۲) این کلمه اشتباهًا «و بردائه» چاپ شده است.
۳- ۳) مرحوم حاج سیّد اسداللّه صاحب «شرح شرایع» فرزند دانشمند حاج سیّد محمّدباقر شفتی بیدآبادی به سال ۱۲۲۷ بنا به قول صاحب «الکرام البرره» یا ۱۲۲۸ بنا به قول صاحب «مکارم الآثار» در اصفهان متولّد، و به نگارش مکارم، شب سلخ جُمادای دوّم ۱۲۹۰ در کرند وفات و در نجف اشرف دفن شد. به دستور وی نسخه قرآن مجید با ضمائمی به سال ۱۲۸۶ در طهران چاپ شده است. شرح حال حاج سیّد اسداللّه در «الکرام البرره: ۱۲۴ _ ۱۲۶» و «اعیان الشیعه ۱۲: ۱۵۲ _ ۱۵۴» و جاهای دیگر مذکور است و «أحکام الخمر...» ایشان به شماره «۱۱» گذشت.
۴- ۴) در «ذریعه ۱۳: ۳۴» سبق قلم شده نوشته اند: اصل کتاب فارسی بوده و تعریبش کرده و به طبع رسانیده است.

و رتّبتها علی اثنی عشر بابًا و خاتمه...».

«شجره طیّبه» دارای یک صفحه مقدّمه و ۱۸ صفحه ابواب کتاب به صورت مشجّر در أحکام تجویدی است و ظاهرًا اوّلین بار در پایان نسخه «قرآن کریم» به سال ۱۲۸۶ در طهران به طبع رسیده است. پس از آن بار دیگر ضمیمه نسخه قرآن طبع معروف رکن الملک به سال ۱۳۱۱، و سپس ـ بنا به نگارش مؤلّف «فهرست کتاب های چاپی فارسی» ـ ضمیمه طبع دوم قرآن حسن به طبع رسیده است.

دیگر از آثار قرآنی حاج میرزا زین العابدین شهشهانی «اعتصام المُرید فی توضیح مُعضلات کلام اللّه المجید» است که نسخه آن در کتابخانه توفیق وهبی در بغداد نشان داده شده است: «نشریّه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۵: ۴۰۹».

آغاز إعراب: «بسم... و بعد، فیقول الفقیر الی اللّه الغنی أضعف المضعفین! و تراب اقدام المؤمنین زین العابدین بن محمّد علی بن محمّد ابراهیم بن مرتضی بن عبدالمطلب بن محمّد رحیم بن محمّد جعفر(۱) بن مولانا آخوند ملّا محمّدباقر بن محمّد مؤمن الشّریف السّبزواری ـ أعلی اللّه مقامه و رفع اللّه درجته و برّد اللّه مضجعه ـ (۲) : لمّا سألنی بعض الأحبّاء أن أُعرب سوره بنی اسرائیل و یسآ و الرّحمن و الجمعه و آیه النّور و سوره الملک و الدّهر و خاتمه فی فضیله القرآن، فأجبتهم و شرعت متوکّلًا علی اللّه تعالی. بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. الباء: حرف جرّ للإستعانه أو المصاحبه...».

انجام: «و لم یفارقه القرآن حتّی ینزل به من الکرامه أفضل ما یتمنّی. تمّت». سپس در

۱- ۱) آخوند ملّا محمّد جعفر فرزند گرامی محقّق سبزواری همان است که در «کواکب منتثره: ۱۳۵» عنوان شده و از او رساله «نوروزیّه» برای شاه سلطان حسین صفوی و «شرح ألفیّه شهید اوّل» را یاد کرده اند. در «فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۸: ۴۷۲» هم نسخه اصیل رساله «رؤیه الهلال» او معرّفی شده، و رساله «سیاده الأشراف» آن مرحوم را نیز در دست داریم.

۲- ۲) این دعاها را در حقّ نیای أعلایش محقّق سبزواری نوشته است.

حاشیه نوشته است: «قد فرغت من تصنیفه فی یوم الأربعاءِ فی اوّل یوم الصّفر المظفّر «کذا» سنه ۱۲۶۵».

نسخه: دارای ۱۶۲ برگ است. دو روی برگ اوّل مطالب متفرّقی به خطّ مؤلّف، و روی برگ ۲ تقریظی از عالم جلیل سید محمّد مهدی نایب الصدر و تقریظی از عالم دیگری است. آغاز کتاب از ظهر برگ ۲ و پایان، ظهر برگ ۱۶۰ می باشد. روی دو برگ آخر نیز مطالب گوناگونی به خطّ مؤلّف نوشته شده. کاغذ فستقی، خط نسخ ۱۵ سطری، آیات قرآنی و عناوین را به سرخی نوشته و هم بالای برخی کلمات خط کشیده است. جلد تیماج مشکی، آستر کاغذ گلی، قطع ۱۵ و نیم × ۲۲، متن ۸ × ۱۴ و نیم.

* * *

آنچه درباره مؤلّف از این نسخه مستفاد می شود:

در ظهر برگ ۱ شرح مبسوطی پیرامون شمار وجوهی که در قرائت بسمله متصوّر استْ نگاشته، به این عنوان: «قولنا «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم» الکلام فیه من وجوه متعدّدهٍ تبلغ الجمیع أربعمائه و ستّین ألفًا و ثمانمائه! لأنّ الباء منه یحتمل بحسب اللّفظ ثلاثهً: الکسر و الفتح و الضّمّ، و بحسب المعنی أیضًا کذلک: الاستعانه و...».

در پایان این شرح گوید: «... یحصل أربعمائه و ستّون ألفًا و ثمانمائه، کما قلناه اوّلاً. قاله استادی العالم الفاضل الکامل المدقّق المحقّق، أعنی میرزائی میرزا عبدالعلی الهرندیَ، وفّقه اللّه و إیّانا بحقّ محمّد و آله. کتبه فی یوم السّبت من شهر ربیع الاوّل سنه ۱۲۶۸. و ذلک إجمال الکلام فی المقام، و التّفصیل فی الکتب المبسوطه منّا و من غیرنا بتوفیق اللّه العزیز العلاّم».

روی برگ ۲ تقریظ مرحوم نایب الصّدر چنین است: «بسم... الحمدللّه رب العالمین و صلّی اللّه علی أفضل من بُعث لکشف المعضلات و أشرف من ظهر لتفسیر الآیات فی

الآفـاق و الأنفس، و على آله الطاهرين الّـذين هم آياتٌ بيّنات. أمّا بعـد، فالعلم نورٌ يقـذفه اللّه فى قلب من يشاء. و لعَمر الحبيب! انّه ربَّ شـيخٍ صـرف دهره كلّه فى العلم و ماله فى حقّ العلم و حقيقته من نصيب! و ربَّ شابّ آتاه اللّه سبحانه حقايقَ المعانى و دقايق التبيان فى برهه يسـيرهٍ من الزّمان، و الغالب الوقوع فى هـذا الفنّ أهل بيت العلم و الشّـرف «كـذا»، و منه يكون ولـد الفقيه نصف الفقيه؛ لأنّه اللؤلؤ الخـارج من ذلك الصّدف. ثمّ إنّى وجـدت الأخَ الفاضل الشّـريف الجليل و المحبوبَ الحسـيب النّبيل صاحب هـذه الأجزاء و الأوراق ــ جعله اللّه تعالى منارًا فى العلم و مدارًا فى الآفاق ــ بحداثه سنّه من هذا القبيل، منذكان يتردّد إلىَ و يقرأ بعض الصّحف أحيانًا علىَ. أعـانه اللّه بيمينه و جعله ممّن ينتصـر به لـدينه. و حرّره بيُمنـاه الأقلُّ الأحقر». سـجع مُهر: «محمّد مهدى الحسينى».

روى همين برگ، تقريظ ديگرى نيز ديـده مى شود به اين عبارت: «اللّهم وفّقه لطلب العلم خالصًا لوجهك الكريم. قرء علىَ ما فى هـذه الوريقه قرّه عينى و مُهجه كبـدى علمًا و جسـمًا، و كانت فى غايه الرّشاقه، فبرد قلبى بعـد مارقَّ من فوت والـده ــ أعلى اللّه مقـامه و حشـره مع الأئمّه المعصومين، صـلوت اللّه عليهم أجمعين ــ من وصوله خليفهً له من المرتبه العلميّه، بل اسـتعداده و اهتمـامه أكثر منه، و المرجوّ من الرّحمن أن يجعله من العلمـاءِ البـارعين و الفقهـاءِ الخالصـين فى طلب العلم للّه ربّ العالمين...». سجع مُهر: «محمد على بن... الحسينى».

دو روى برگ ۱۶۱، مؤلّف مطلب مفصّلى به خطّ خود نوشته كه با اين جمله شروع مى شود: «بسم... شنيدم از جدّم ــ زاد اللّه عزّه و طوّل اللّه عمره ــ به اين كه شـخص عـالمى از شـيعه سؤال كرد از افنـدى كه دليل شـماها بر اينكه عمر و عثمان و ابابكر امام اند چيست؟...».

و در آخر اين شرح نوشته است: «تمّت لمحرّره زين العابدين بن محمد على، اللّهم

اغفر له، کتبه فی یوم الخمیس السّابع من شهر ج ۲ سنه ۱۲۶۵».

در متن کتاب ذیل آیه «و قل لّهما قولاً کریمًا» به پـدر و مادرش چنین دعا کرده: «... و طوّل عمرهُما» که معلوم می شود در آن تاریخ زنده بوده اند.(۱)

اکنون گوییم؛ میرزا عبـدالعلی هرندی که حاج میرزا زین العابدین او را اسـتاد خود خوانده، به طوری که در «تذکره القبور، یا، رجال اصفهان: ۱۱۶ _ ۱۱۷» و «مکـارم الآثار سال ۱۲۲۲ ج ۳ ش ۳۲۲» آمـده، فرزند زاهدِ متّقی حاج میرزا محمّدتقی(۲) بن حاج محمّد حسین نایب الصّدر اصـفهانی است، از علماء و فضـلاءِ گوشه نشین و مشغول تدریس از مقدّمات تا «شرح لمعه» و در علم نحو سرآمد أقران بوده، به حدّی که اعقابش تا کنون به خانواده نحوی معروف و مشهورند. تألیفاتی نیز دارد که در دو کتاب یاد شـده مـذکور است. از جمله «دو شـرح بر کتاب سـیوطی» و «رساله عیدیّه». وی در ۱۲۲۲ متولّـد و در ماه ربیع الاوّل ۱۳۰۶ (در «تذکره القبور» ۱۳۰۷ است) وفات یافت و در بقعه تکیه سر قبر آقا، بیرون دروازه در دشت اصفهان دفن شد.

و سیّد محمد مهدی نایب الصدر که تقریظ نوشته نیز در همان «رجال اصفهان: ۹۴» و «مکارم الآثار. سال ۱۲۶۷ (۵: ش ۱۱۳۴)» معنون است و در هر دو کتاب از مقامات علمی و فضائل معنوی و تقوای او شـرحی مـذکور. نوعًا بر کتاب هایی که به دسـتش رسـیده حاشیه نوشته یا فائده ای یادداشت کرده است و خط او را نگارنده بسیار دیده ام. نسبش از این قرار است: محمد مهدی بن محمد کاظم بن علینقی بن علیرضا بن

۱- ۱) در سرآغاز «اعتصام المُرید» تصریح کرده که پدرش در سنه ۱۲۶۵ وفات یافته است.
۲- ۲) حاج میرزا محمّـد تقی داماد حاج ملا عبداللّه هرندی مؤلّف «دلائل الدین» متوفای ۱۲۵۶ بوده، در «رجال اصفهان: ۴۹ و ۱۴۳» و درهمیـن فهرست: «صـحائف الأعمـال. ش ۵۷۴» یـادی از او شـده و در «مکـارم الآثـار. سـال ۱۲۵۶ ج ۵ ش ۸۹۱» نیز مذکورست. میرزا عبدالعلی به این مناسبت نواده حاج ملا عبداللّه است.

میرزا محمد باقر حسینی عاملی اصفهانی، و میرزا محمد باقر مذکور از علماءِ اصفهان بوده در مسجد شاه امامت داشته و در ماه شوال ۱۱۲۳ وفات کرده در تکیه آقارضی واقع در تخت پولاد اصفهان دفن شده است.

مرحوم نایب الصّدر در سال ۱۲۶۷ وفات یافته و در تکیه آقا رضی جنب قبور آباءِ کرامش دفن شد. تقریظی که بر این کتاب نوشته، اگر چه تاریخ ندارد، لکن واضحست بین سال های ۱۲۶۵ ـ ۱۲۶۷ می باشد و از این تقریظ مستفاد می شود که در آن تاریخ مؤلّف در سنین جوانی بوده و هم در نزد سیّد تحصیل کرده است.

تقریظ دیگر نیز که از شخصی به نام «سید محمدعلی حسینی» است، به نظر می رسد برادر نایب الصّدرِ مذکور باشد که در «رجال اصفهان: ۹۵» از او یاد شده، چند تن دیگر نیز به این نام و شهرت در همان کتاب ذکر شده اند، و گویا نویسنده این تقریظ، جدّ مادری مؤلّف هم بوده و تقریظ را پس از فوت پدر مؤلّف نگاشته است، و اللّه العالم.

«۴۱» اکسیر العبادات فی أسرار الشهادات

(مقتل ـ عربی)

از: آخوند ملاّ آقا بن عابد بن رمضان بن زاهد شیروانی، معروف به فاضل دربندی، علیه الرحمه.

کتاب: در باب احوال شهدای کربلاء علیهم السلام است و به طبع رسیده و به «أسرار الشّهاده» نیز نامیده می شود، و مشتمل است بر چهل و چهار مجلس.

فراغت مؤلّف از تأليف کتاب: جمعه نیمه ذی القعده ۱۲۷۲.

نسخه: از مجلس یازدهم کتاب است تا آخر و از روی نسخه ای که در تبریز به طبع رسیده استنساخ شده است و نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

إكمال الدين و إتمام النعمه: کمال الدين

«۴۲» الإلتقاطات يا: رساله فی مسئله الوقف

(فقه ــ عربی)

از: ظاهرًا، مرحوم حاج ميرزا حبيب اللّه بن محمّدعلی رشتی نجفی است.

در «الذريعه ج ۲ ص ۲۸۵» فرمايد: «الالتقاط» کتابی است در فقه در شـرح «شرايع» محقّق حلّی. از اوّل طهارت تا آخر عبادات، آن را در چندين جلد ديده ام و مقداری هم از معاملات آن تأليف شده و «اجاره» و «غصب» آن به طبع رسيده است و مقداری ديگر نيز تأليف شده به عنوان «الالتقاط» از جمله کتاب وقف. پايان کلام ذريعه.

در خاتمه الطبع رساله غصب آمـده است که آنچه به عنوان «التقاط» در آن کتاب ذکر شده، مطالبی است که مؤلّف از محضـر استادش مرحوم شيخ انصاری التقاط و استفاده فرموده، انتهی.

نسخه: نام کتاب و نام مؤلّف ندارد.

آغاز: «فی مسئله الوقف... التقاط. قال المحقق بعد ذکر الصّيغه و لا يلزم أی الوقف».

انجام: «هذه آخر ما قرأنا عند الاستاد دام ظلّه العالی فی باب الوقف و يتلوه باب الاجاره... تعالی ۱۳۳۰».

شماره صفحات نسخه: ۱۷۷.

«۴۳» الإلتقاطات کتاب القضاء

(فقه ــ عربی)

از: ظاهرًا مرحوم آقای حاج ميرزا حبيب اللّه مجتهد رشتی است به شرحی که در

«التقاطات وقف» گفته ایم.

نسخه: کتاب قضاء است و نام مؤلّف ندارد، مگر در روی جلد میشنی نسخه که قطعه کاغذی چسبانیده و نوشته اند «التقاطات حاجی میرزا حبیب الله در قضاء».

نام کاتب پس از حکّ و اصلاحی که در آن شده، در آخر نسخه «محمد جواد بن محمد» و تاریخ سنه ۱۳۲۳ نیز ذکر شده است.

«۴۴» الألفیّه

(نحو ــ عربی)

از: ابن مالک نحوی، محمّد بن عبداللّه بن مالک اندلسی شافعی متولّد ۶۰۱ در شهر جیان اندلس، متوفّی ۶۷۲ در دمشق، سال وفات خواجه نصیرالدین طوسی قدس سره . «مجلّه معهد المخطوطات العربیّه ۳۳: ۱: ۱۲۱ به بعد». مقدّمه کتاب «التسهیل».

کتاب: اُرجوزه ای است در مباحث نحو زبان عربی و به نام «خلاصه» نیز خوانده می شود و در نهایت اشتهار است و مکرّر شرح شده و به طبع رسیده است.

نسخه: دست نوشته سیّد جوان فاضل بارع ناکام آقا سیّد حسن ــ محمّد حسن ــ موسوی، هفتمین و آخرین برادر امام مجدّد آیه اللّه العظمی صاحب «روضات» است.

از تاریخ تولّدش آگاهی ای در دست نیست و این که مرحوم آقای مهدوی در «مزارات اصفهان: ۲۴۸. چاپ اصفهان، ۱۳۸۲ ش» نوشته اند: «در سال ۱۲۵۴ هـ . ق در اصفهان متولّد گردید»، نظر به مدّت عمر تخمینی آن مرحوم است.

امّا درگذشتش را نیای بزرگوار، مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیح این گونه یادداشت فرموده اند: «فوت مرحوم مغفور آقا سیّد حسن، عمّو، ثانی عشر (۱۲) ربیع الثانی سنه ۱۲۷۳».

مرحوم آقای آیه اللّه چهارسوقی، نیای گرامی، از والد ماجد و اعمام کرام خود

حکـایت می کردنـد که آقا سـیّد حسن در فهم و درایت و فضل و کمال سـرآمد اقران بوده و به او «آقا مجتهـد» می گفته انـد. دریغا که پیش از رسـیدن به بیست سالگی در تجرّد و زمان حیات والـد ماجـدش «متوفی ۱۰ ج ۲، ۱۲۷۵»، دو سال و دو ماهی پیش از پـدر، بـدرود زنـدگی گفته و در قبرسـتان عمومی قدیمی محلّه چهارسوی شـیرازی ها ـ که در «مقاله تونیّه» از آن یاد کرده ایم ـ دفن شد. تا این که در حدود سال (۱۳۵۰ ق، ۱۳۱۰ ش)، برای احداث خیابان، به حکم دولتِ وقت، آن قبرستان را خراب کردند و عظام برخی از مدفونین را بازماندگانشان به تخت فولاد منتقل کردند، قبر آقا سیّد حسن

جای سند شماره ۱

را که برای انتقال نعش اوشکافتند، جنازه آن مرحوم را، پس از هفتاد و اندی سال، دست نخورده و تر و تازه یافتند و تنها کفن پوسیده شده بود که مرحوم آقای آیه اللّه چهارسوقی آن را تجدید کردند و جنازه را به تخت فولاد برده و در حوالی مزار فایض الأنوار برادر ارجمندش امام مجدّد به خاک سپردند. أعلی اللّه تعالی مقاماتهم و قدّس أسرارهم.

بالجمله، نسخه با دو برگ عطف و سه برگ بدرقه، دارای هشتاد و هفت برگ به حجم بغلی کوچک است. تاریخ پایان کتابت: بامداد روز چهارشنبه سوّم ربیع دوّم ۱۲۷۰، سه سال و ده روزی پیش از درگذشت کاتب شریف.

در حواشی برخی از صفحات و اطراف اشعار ألفیّه، کاتب، مطالب توضیحی بسیار از شرّاح ألفیّه، مانند سیوطی، ابن عقیل و میرزا ابوطالب نقل کرده است. روی برگ دوم عطف، چند نوشته تملّک بوده که آنها را محو کرده اند. لذا گردش این نسخه در طول یکصد و چهل سال معلوم نشد، تا آنکه در پایان ماه رمضان المبارک ۱۴۱۰، از دستفروشی خریداری شد و به خاندان بازگشت.

«۴۴ مکرّر»

نسخه دیگر

نسخه: به خطّ فتح اللّه بن ملاّ محمّدعلی ارونقی. تاریخ: غرّه محرم ۱۲۱۶. در هامش یکی از برگ ها، تاریخ وفات سیّد رضا موسوی، سه شنبه ۱۲ ماه رجب ۱۲۲۲ نوشته شده و در هامش برگ آخر، تملّک «حسین الموسوی ۱۲۷۹» دیده می شود.

از کتب خانوادگی است. سهوًا شماره مستقل داده نشد.

«۴۵» الألفیّه، فی فرض الصلوه

(فقه ــ عربی)

از: محمد بن مکّی عاملی شهید اوّل، رضوان اللّه علیه.

ص : ۵۳

کتاب: مسائل مربوط به واجبات نمازهای پنجگانه است و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ (...) ابن شمس الدین محمد نسّابه است که برای فرزندش ابوالبقاء عمادالدین محمود حسنی حسینی نوشته و در شب چهارشنبه بیست و نهم ماه شعبان ۱۰۲۰ از کتابت آن فارغ شده. مع الأسف چند برگی از آخر نسخه مفقود شده، لذا نام شخص کاتب معلوم نشد.

کاتب بر تمام نسخه حواشی گوناگون نوشته و ترجمه متن را زیر سطرها آورده است.

«۴۶» کتاب الألفین الفارق بین الصّدق و المین

(کلام ــ عربی)

از: مولانا جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر، علاّمه حلّی قدس سره .

نسخه: به خطّ عبدالرشید بن عبدالواحد تستری. تاریخ ختم استنساخ: دوشنبه ۱۷ شوال ۱۰۶۸.

انجام: «کب. قوله تع أحسنوا الحُسنی و زیاده. کُلّ امام داعٍ الی ذلك بالضروره و لا شیء من غیر المعصوم بداعٍ الی ذلك بالامکان. فلا شیء من الامام بغیر معصوم. فهذا آخر ما وجدنا من کتاب الألفین، و الحمد للّه وحده. و ذلك فی غرّه رمضان المعظم سنه ۷۱۲. تمت الکتاب...».

پنج صفحه پس از ختم کتاب تعویذات روزها است به نقل از «طبّ الائمّه علیهم السلام ». پس از آن سه صفحه نقل داستانی است از یکی از سادات، تمامًا به عربی تحریر شده. اثر مقابله و تصحیح و تحشیه ای در سراسر نسخه دیده نمی شود.

ص : ۵۴

«۴۷» أمّ الحقائق فی کشف الدّقائق یا: أُمُّ العرفان، فی تفسیر القرآن

(تفسیر ــ عربی)

از: محمّد ــ المدعوّ بسُلیمان ــ الجرجیّ، ابن تاریقُلی.

این بزرگوار از دانشمندان پرکار و به کلّی ناشناخته اواخر عصر صفوی در اصفهان است و علّت ناشناخته ماندن او و بسیاری دیگر از امثال او، مفقود شدن نیمی از کتاب «ریاض العلماء» است که بخش اعظم آن حرف میم شامل محمّد نام ها بوده است.

از آثار دیگر این دانشمند که دیده ایم: یکی «ترجمه ریاض السالکین. ش ۱۳۲» است در چندین مجلّد بزرگ، و دیگر «کشکول اللّغه» در سه مجلّد کلان، که اصل مسوّده آن در یک مجلّد گردآوری شده، و سه دیگر «زبده الدعوات و الاداب» که در «کشکول اللّغه» در مادّه «زبد» به خود منسوب داشته و در «رأس» بدان ارجاع داده است. دیگر، تعلیقات فراوانی که در حواشی یک نسخه «روضه کافی» نوشته و در «الکافی» خواهیم گفت.

نسخه: دارای همان عنوان اوّل، یعنی «أمّ الحقائق فی کشف الدقائق» است. امّا خود پس از مدّت زمانی در مفتتح «کشکول اللّغه» و مفتتح «ترجمه ریاض السالکین. ش ۱۳۲» آن را «أمّ العرفان فی تفسیر القرآن» خوانده است.

مجلّد موجود از این تفسیر شریف، از آغاز تا آیه کریمه «إنّ اللّه اصطفی آدمَ و نوحًا، **۲۳**، سوره مبارکه آل عمران» می باشد و از آخر ناقص است و نام کاتب و تاریخ کتابت نامعلوم امّا در زمان شخص مؤلّف استنساخ شده و برگ نخست دارای سرلوح تزیینی است.

ص : ۵۵

در جلد یکم «فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی. بخش تفسیر: ۲۲» یک نسخه چهل برگی «تفسیر آیه الکرسی» وقفی نادرشاه به سال (۱۱۴۵) معرفی شده که در آخرش نوشته اند که از تفسیر ملّا سلیمان جرجی استنساخ کرده اند. در «ذریعه ۴: ش ۱۲۴۸» نیز مطلب را از آنجا نقل کرده اند، همچنان در «کواکب منتثره: ۳۱۹»، و در این ایّام به عنوان «تفسیر آیه الکرسی» در مجموعه کرامند «تراث الشیعه القرآنی ۱: ۲۹۸ _ ۳۲۴. قم ۱۴۲۶» به چاپ رسید. جزاهم اللّه خیرًا.

توضیح: ظاهرًا جرجیّ معرّب گرجیّ است، و در «کشکول اللّغه» نیز خودش الکرجیّ نوشته است. رحمه اللّه تعالی علیه.

«۴۸» الأمالی یا: المجالس

(حدیث _ عربی)

از: ابوجعفر محمد بن حسن بن علی، شیخ طوسی، یا فرزندش ابو علی حسن بن محمد، علیهم الرحمه.

کتاب: مجموعه ای است از احادیث آل محمّد علیهم السلام که شیخ طوسی در روزهای جمعه املاء فرموده است و به طبع رسیده.

نسخه: از مجلس روز جمعه چهارم محرم ۴۵۷ «صفحه ۳۳۴ نسخه چاپی» تا پایان کتاب است. نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت: سنه ۱۰۹۰.

مُهر «محمّد علیّ بن محمّدباقر الموسوی ۱۲۴۵» و «عبده ابوالحسن بن محمّدعلی الموسوی ۱۲۸۶» و «عبده بهاءالدین محمد الطباطبایی» و «کتاب أمالی شیخ طوسی» به سرخی در روی برگ نخستین دیده می شود. نسخه از کتابخانه آیه اللّه والد گرامی _ علیه الرحمه _ است.

«۴۹» نسخه دیگر

نسخه: تمام است و آخرین مجلس آن «یوم التّرویه من سنه ۴۵۸» می باشد و در آخر نسخه به خطّ کاتب چنین است: «تمّ الجزء الثّانی من الأمالی للشّیخ العالم الأجلّ السّعید محمد بن الحسن بن علیّ بن الحسن الطوسیّ، رضی اللّه عنه».

آثار مقابله و تصحیح دارد و گویا از روی یک نسخه قدیمی استنساخ شده است که در اواخر نسخه جابه جا چند سطری بیاض مانده است. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. به گواهی خطّ و کاغذ باید از قرن یازدهم باشد.

در هامش یکی از اوراق اوائل ثلث سوّم، شرحی به خطّ جدّنا الأمجد عالم محقّق جلیل آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی برادر گرامی آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» دیده می شود.

روی برگ اوّل وقف نامه نسخه است که «ایمانی بیکا» آن را برای مدرسه «توشمال باشی» وقف کرده است.

«۵۰» الأمالی یا: المجالس

(حدیث ــ عربی)

از: شیخ صدوق ابوجعفر محمد بن علی ابن بابویه قمی، علیه الرحمه.

کتاب: مجموعه ای است از احادیث آل محمد علیهم السلام در دو جزء «بنا بر بعضی از نسخ»، که شیخ از روز جمعه دوازده شب از ماه رجب ۳۶۷ مانده، تا روز پنج شنبه یازده شب مانده از شعبان ۳۶۸ در مشهد مقدّس رضوی در نود و هفت مجلس املاء فرموده، و به طبع رسیده است.

نسخه: به خطّ حاجی افضل ابن حاجی ذوالفقار، تاریخ کتابت: ربیع یکم ۱۰۹۴ در جامع کبیر شیراز. آثار وقف داشته همه را بریده اند، از جمله در ظهر نسخه و در جای بریدگی (علیرضا الحسینی) که ظهر نسخه «مشرق الشمسین» نیز مهر دارد، نسخه را به پسرش سیّد جعفر در ۱۱۱۷ بخشیده. حاج ملاّ محمّد شفیع خویی ــ علیه الرحمه ــ در ۱۲۱۸ نسخه را در کاشان خریده و مهر کرده است «الراجی محمد شفیع بن محمّد» و «محمدٌ شفیعُ محمد شفیع».

«۵۱» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ زین العابدین بن حاجی محمّد رارانی(۱). ختم کتابت: شب شنبه ۲۴ ماه شعبان ۱۰۶۳.

شخص دانشمندی این نسخه را دو بار با نسخه سیّد فضل اللّه راوندی قدس سره به دقّت مقابله کرده، صورت اجازاتی را نیز که در آن نسخه بوده در اینجا آورده، از اوّل تا آخر نسخه همه جا در حواشی تعلیقات سودمندی از کتب متفرق نوشته و در پایان نسخه یک فهرست مبسوط برای مطالب کتاب آورده است. این دانشمند با آنکه نام خود را ننوشته لکن از قرائن توان گفت صاحب مهری است که در دو سه موضع کتاب ثبت شده و «المتوکّل علی اللّه محمد کاظم ۱۰۸۶» خوانده می شود. مهر «انّی عبده و أحمده ۱۱۶۹» نیز ظهر نسخه هست.

«۵۲» نسخه دیگر

نسخه: از روی نسخه مصحّحه پیشین «ش ۵۱» استنساخ و ظاهرًا توسّط یکی از نزدیکان دانشمند سابق الذکر تصحیح و تحشیه شده است. برگ آغاز و انجام نونویس

۱- ۱) راران، از توابع اصفهان است.

است و به خطّ نیای گرامی، آیه اللّه آقای حاج میر سیّد محمّـد موسوی چهارسویی. به علّت فقدان برگ آخر، نام کاتب و مصحّح و تاریخ کتابت معلوم نیست.

مُهر شریف نیای معظّم آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» روی برگ اوّل و شجره نامه خاندان به خطّ آخرین فرزند نیای معظّم، یعنی مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد مجتبی قوام الاسلام روضاتی ــ أعلی اللّه مقامهما ــ در برگ آخر نسخه است.

«۵۳» نسخه دیگر

نسخه: کامل و به خطّ نسخ زیبای احمد بن محمد طاهر حسینی قومشه (ظ . یعنی قمشه ای) است. تاریخ ختم استنساخ: غرّه ربیع دوّم ۱۰۶۷. در هامش صفحه آخر ابو محمد عباس محمد معروف به ناسخ، در تاریخ غرّه ذیحجّه ۱۰۷۹ شرحی به عربی نوشته به مضمون اینکه نسخه را با سعی و جهد به جهت فرزانه صاحب جلیل... «زینًا للدین و الدنیا علیقلی بیکا» مقابله کرده است. در همه جای نسخه آثار مقابله و تصحیح و حواشیِ مختصرِ توضیحی دیده می شود.

آغاز: «بسم. الحمدللّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی رسوله محمّـد و آله الطّاهرین. المجلس الاول، و هو یوم الجمعه: حدثنی الشیخان الفقیهان العالمان ابومحمّد عبداللّه الدّوریستیّ و أبوالفضل شاذان بن جیرئیل، قالا: حدثنا الشیخ الصدوق، عن جدّه، عن ابیه».

و در هامش همین موضع سرآغاز نسخه دیگری به خطّ کاتب نقل شده است به این صورت: «بسم اللّه الرحمن الرّحیم الحمد للّه ربّ العالمین و العاقبه للمتّقین و لا عدوانَ إلاّ علی الظالمین و لا إله الاّ اللّه أحسن الخالقین و صلّی الله علی رسوله محمّـد و آله الطاهرین. المجلس الاول، و هو یوم الجمعه لاثنتی عشره لیله بقیت من رجب من سنه

ص : ۵۹

سبع و ستین و ثلثمائه. یقول علیُ بن محمد بن أبی الحسن عبدالصمد التمیمیُ کاتب هذه النسخه: حدثنی بجمیع ما فی هذا الکتاب الشیخ الفقیه العالم الزاهد المفید والدی طیّب اللّه تُربته... قراءه علیه و خطه عندی حجّه فی شهور سنه ثلث و ثلثین و خمسمائه. قال حدثنا الشیخ الفقیه والدی قال حدثنی السید العالم ابوالبرکات علیّ بن الحسین الهوریُ و الشیخ أبوبکر محمد بن احمد بن علیّ، قالا».

«۵۴» نسخه دیگر

آغاز: «بسم. الحمد... الطاهرین. المجلس الاوّل یوم الجمعه العشرین من شهر رجب سنه ۳۶۷».

انجام: «کذلک یطبع اللّه علی کلّ قلب متکبّر جبّار. و صلّی اللّه...».

کاتب: عبداللّه بن طالب شفتی. ختم کتابت: عصر روز پنجشنبه غرّه ماه شعبان ۱۰۹۸ در دارالسّلطنه اصفهان.

نسخه: امتیاز و اثر تصحیح ندارد. رؤوس مطالب در حاشیه نوشته شده با مقداری حواشی متفرقه که اکثر توضیح لغات است از کتاب «صحاح جوهری».

أمالی السیّد المرتضی: غرر الفوائد

«۵۵» أمل الأمل فی علماء جبل عامل

(رجال _ عربی)

از: محمّد بن حسن بن علی، معروف به شیخ حُرّ عاملی، علیه الرحمه.

نسخه: کامل و مطابق نسخ چاپ شده است.

ص : ۶۰

کاتب: محمد بن الحسن الخراسانی التربتی. تاریخ ختم استنساخ: شنبه ۲۹ ربیع دوّم ۱۲۵۲. هیچ گونه اثر تصحیح و مقابله و حاشیه ای ندارد.

«۵۶» الإنتصار

(فقه ــ عربی)

از: سیّد شریف مرتضی علم الهدی علیّ بن الحسین الموسوی، قدّس سرّه.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت و اثر مقابله و تصحیح و هیچ نوع امتیازی ندارد و در حدود سال ۱۱۲۰ نوشته شده است.

«۵۷» أنوار التنزیل و أسرار التأویل

(تفسیر ــ عربی)

از: قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر بن محمد بیضاوی شیرازی.

کتاب: تفسیر مختصر و جامعی است از قرآن کریم و معروف است به «تفسیر بیضاوی» و به طبع رسیده.

نسخه: مجلّد اول است به خطّ محمد هاشم بن محمد ابراهیم حسینی سمنانی که در روز شنبه هفدهم جمادای دوم ۱۰۸۱ از کتابت آن فراغت یافته و نسخه را به فرزند صالح فاضلش امیر محمد ابراهیم بخشیده و مهر کرده است. سجع مهر: «بنده آل محمد هاشم ۱۰۴۸». تملّک و مهر فرزند مذکور: «عبده محمد ابراهیم الحسینی» و «ابراهیم الحسینی»، و نیز مهر «محمدباقر ۱۲۴۴» و تملک مورّخ ذیقعده ۱۲۷۸ و مهر مرحوم آیه اللّه حاج سیّد اسداللّه شفتی بیدآبادی «عبده الراجی اسداللّه بن محمّدباقر الموسوی»، و نیز مهر «یا محمّد عربی ۱۱۷۷» در ظهر نسخه هست.

حواشی بسیار به خطّ کاتب در کنار صفحات نوشته شده است.

ص : ۶۱

«۵۸» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم است به خطّ محمد هاشم حسینی سمنانی کاتبِ مجلّد اوّل یاد شده در شماره پیشین. تاریخ فراغت از کتابت: روز دوشنبه هفتم ماه رمضان ۱۰۸۱.

کـاتبْ این نسـخه را نیز به فرزنـدش امیر محمـد ابراهیم بخشـیده است. ظهر این نسـخه مهر «عبـده علیّ الحسـینی ۱۰۳۱» و مهر «الواثق بالله الغنیّ عبده احمد الحسینیّ» که نسخه را از پسر عمش میر محمد علی خریده است دیده می شود.

مشخّصات دیگر عینًا مانند مجلد اوّل است.

«۵۹» نسخه دیگر

نسخه: ربع اوّل کتاب است تا پایان سوره مبارکه نساء. قسمت اصلی از سده ۱۰ ــ ۱۱. نام کاتب معلوم نیست. مقداری از آغاز و انجام نسـخه که ناقص بوده، به خطّ نیای گرامی، آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد بن زین العابدین موسوی است که در یکشـنبه ۲۱ ربیع الاول ۱۲۶۹ از کتابت آن فراغت یافته اند. اوراق اصل، دارای حواشی مختلف می باشد.

«۶۰» الأنوار الجلالیّه، للفصول النصیریّه

(کلام ــ عربی)

از: شیخ ابوعبداللّه مقداد بن عبدالله بن حسین سیوری حلّی معروف به فاضل مقداد، علیه الرحمه.

کتاب: شـرح ترجمه عربی «فصولِ» فارسـی خواجه نصیرالدین محقّق طوسی است به «قال، اقول»، و ترجمه عربی فصول از رکن الدین محمّد بن علی جرجانی حلّی غروی ــ علیهما الرحمه ــ است.

ص : ۶۲

نسخه: به خطّ سیّد محمّد بن سیّد علی است که ممکن است یکی از دو نفر دانشمند عاملی مُعاصر صاحب «أمل الآمل» باشد.(۱) تاریخ ختم استنساخ: سه شنبه ۱۴ ذی الحجه ۱۱۰۶. حواشی به امضای «محمّد. عفی عنه» در نسخه هست که شاید از کاتب نسخه باشد.

«۶۱» أنوار الریاض

(فقه ــ عربی)

از: مرحوم آقا میر سید محمّد بن عبدالصّمد حسینی شهشهانی اصفهانی.

کتاب: حاشیه «ریاض المسائل» آقا میر سیّد علی طباطبایی ــ رحمه اللّه علیهما ــ است به «قوله» و در کمال بسط.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از آغاز تا مبحث حیض است و آخر آن نانویس مانده.

انجام موجود: «و هذا هو مراد الشارح بقوله فلیس الاستدلال فی محلّه مقتصرًا علی الترديد».

همه جا حواشی مؤلّف به توقیع «منه مد ظلّه» به خطّ کاتب نوشته شده که معلوم می کند نسخه در حیات مؤلّف استنساخ شده. لکن اثر تصحیح و مقابله ندارد.

«۶۲» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوم کتاب است در شرح کتاب صلوه «ریاض المسائل». نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و در زمان حیات مؤلّف نوشته شده است.

در آخر نسخه، فائده ای به این شرح از قلم شارح دیده می شود:

۱- ۱) خصوصًا سیّد محمّد بن علی عاملی ساکن کشمیر.

[علی ما صرّح به بعضهم. ثمّ إنّی قد رأیت فی مختتم هذا المجلّد فی بعض النّسخ ما لا یخلو عن بعض الفوائد، و هو ما لفظه:

«تمّ المجلّد الأوّل من ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، علی ید مؤلّفه المفتقر إلی اللّه الغنیّ علیّ بن محمّد علیّ الطباطبائیّ، فی أواخر العشر الثانی من الشهر الثانی من السّنه الرابعه من العشر الاخر من المائه الثانیه من الألف الثانی من الهجره النبویّه....»

«و یُستفاد من هذه العباره ما سمّی به الشارح شرحَه هذا، و إلاّ فالدیباجه خالیه عن التسمیه. و هو مشهور بذلک، موصول إلینا بنقل خلفه الصّالح شیخنا السیّد (ره) ، فإنّ أهل البیت یدری بما فی البیت، و قد سمّیناه به فی أوّل دیباجه هذه الحاشیه.»

«و أیضًا: یُستفاد منها تاریخ الفراغ من هذا المجلّد و هو عشر و نیّف خلون من شهر صفر المظفّر سنه ألف و مأئه و تسعین و أربعه. و أنا الخاطی. أقول...»] .

«۶۳» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوم است از کتاب زکوه تا پایان اعتکاف و مجلّد چهارم که تمامًا در حجّ است و در مقدّمه کتاب حجّ گوید که پس از فراغت از اعتکاف در حجّ شروع کرده به تاریخ روز جمعه حول شب قدر ۲۳ ماه رمضان ۱۲۵۸. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به خطّ کاتبِ برخی مجلّدات دیگر است که در زمان حیات مؤلّف نوشته است.

«۶۴» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد هفتم است در شرح ابواب عتق و تدبیر و مکاتبه و اقرار و ایمان و نذر و عهود و صید و ذبایح و مطاعم و مشارب و غصب و شفعه و احیاءِ موات و لُقطه و مواریث از کتاب «ریاض المسائل» به «قوله».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

و پس از آن: جزءِ هشتم است در شرح ابواب قضاء و شهادات و حدود و قصاص و دیات که پایان کتاب است، أیضًا به «قوله».

نسخه به خط کاتب مجلّد هفتم است و در پایان آن نیز نامی از خود ننوشته، و مؤلّف در خاتمه گوید که این تعلیقه تقریبًا در ده مجلّد و نزدیک مدّت بیست سال با فقد اسباب و مشوّقات و کثرت موانع تألیف شده و تاریخ ختم تألیف، دهه یکم شوال ۱۲۷۱.

ظاهرًا استنساخ نیز در همان ایّام و از روی نسخه اصل بوده و احتمال اینکه خطّ شخص مؤلّف باشد، محتاج دقّت و تأمّل است.

«۶۵» الأنوار السّنیّه فی شرح الجعفریّه

(فقه ــ عربی)

از: محمّد بن محمود افغانی نسب حنفی مذهب سلفی عقیده قندهاری موطن بغدادی مسکن.

کتاب: در شرح «الرساله الجعفریّه» محقّق کرکی ــ علیه الرحمه ــ است، در فقه طهارت و صلوه، به شرح مزجی و برای داود پاشا حاکم بغداد شرح کرده است.

نسخه: به خطّ مؤلّف با تعیین عدد اوراق کتاب «۴۶۴ برگ» و ۸ برگ عطف در اوّل و یک برگ در آخر.

تاریخ فراغت از تألیف: ظهر روز سه شنبه دهم جمادای دوّم ۱۲۴۴ در مزار شیخ عبدالقادر جیلی در بغداد.

نسخه از کتابخانه مرحوم آیه اللّه ابوالمجد بوده و یکی از دانشمندان متأخّر نجف اشرف که محتمل است خود مرحوم آقای ابوالمجد باشد تا اواسط کتاب را مطالعه نموده، مطالب سخیفه آن را در حاشیه ردّ کرده است.

ص : ۶۵

«۶۶» الإيضاح فی شرح تلخيص المفتاح

(معانی، بیان ــ عربی)

از: جلال الدین محمّد بن عبدالرحمن بن عمر قزوینی، معروف به خطیب دمشقی.

کتاب: شرح «تلخیص المفتاح» است از خود شارح، و چاپ شده است.

نسخه: به خطّ علیّ بن محمّد بن حسین بن علیّ بن محمّد بن علیّ بن أحمد بن سودون عاملی.(۱)

تاریخ فراغ از کتابت: ۱۰۶۷، در مدرسه فاین با «پایین پا» در مشهد مقدّس رضوی. حواشی پراکنده در هامش صفحات نوشته شده است.

در ظهر نسخه، نیای اعلی، آیه اللّه الحاج میرزا سیّد زین العابدین موسوی، نسخه را به فرزند گرامی خود، آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّـد هاشم چهارسوقی بخشیده اند. سجع مُهر: «عبده زین العابدین الموسویّ» و ذیل آن نیز این بزرگوار شرحی نوشته اند. مهر جدّ امجد، آیه اللّه «الراجی جلال الدین بن محمد مسیح الموسویّ» نیز ظهر نسخه هست. رضوان اللّه علیهم اجمعین.

«۶۷» ایضاح الفوآئد فی شرح مشکلات القواعد

(فقه ــ عربی)

از: فخرالمحقّقین فخرالدین محمّد بن الحسن بن یوسف بن المطهّر حلّی، علیهم الرحمه.

کتاب: در شرح «قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرامِ» علاّمه حلّی، پدر گرامی

۱- ۱) از خانـدان سودون عاملی در قرن دهم و یازدهم دو تن از علماء آنها در «أمل الامل» یاد شـده انـد، به نام های حسین و علی و از آنجا در «روضه نضره: ۱۶۲ و ۴۰۸» نقل شده است.

شارح است در دو مجلّد، به «قال، أقول». مجلّد اوّل در زمان حیات مصنّف و مجلّد دوم پس از فوت ایشان تألیف شده. شارح، خطبه کتاب را جداگانه به نام «جامع الفوائد» شرح کرده است، کما یأتی.

نسخه: شامل مجلّد اوّل از کتاب طهارت تا آخر وصایا. تاریخ ختم تألیف: روز عید فطر ۷۲۴ در حلّه. کاتب: اسماعیل بن ابراهیم بن محمد بن عبدالله (ظ) حساوی هجری. ختم کتابت، در روز یکشنبه ۲۲ شهر رجب ۸۶۵، و مجلّد دوّم شامل کتاب نکاح تا پایان مقصد اوّل از باب ثانی آن. کاتب در اینجا کتاب را ختم کرده و گوید پس از این مقصد دوّم در مَهر است و سپس نام خود را ثبت نموده. پس از آن شش برگ شامل مسائل فقهی گوناگونی است که کاتب خود از خطوط گروهی از فقیهان نزدیک به زمان خود گردآورده است.

در ظهر نسخه، کاتب نام کتاب و مؤلّف را نگاشته و شخصی نسخه را از حاج مکّی بن العیناثی از قریه خرطوم به مبلغ سی و دو قطعه سلیمانیّه خریده است.

مُهر مرحوم فاضل «هندی» اصفهانی «لک البهاء کلّه ۱۰۸۸» و تملّک نیای معظّم، آیه اللّه العظمی حاج شیخ محمّدباقر اصفهانی فرزند گرامی صاحب هدایه المسترشدین نیز دیده می شود.

«۶۸» ایقاظ الغافلین

(مواعظ ــ فارسی)

از: محمد مؤمن بن محمد حسین دهکردی اصفهانی، رحمه اللّه.

کتاب: در موعظه است مشتمل بر چهار فصل. تاریخ ختم تألیف، شب نهم جمادی الاولی ۱۲۶۴.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ ختم استنساخ: ۲۴ ربیع الاول ۱۲۶۵. مؤلّف در خاتمه

ص : ۶۷

نسخه نوشته است که آن را بـا نسـخه اصل برای سیّد اجلّ... سیّد محمـدباقر مقابله و تصحیح کرده است. و مقصود از سیّد محمـدباقر مـذکور، مرحوم میرزا سـید محمّـد بـاقر بن علینقی موسوی زنجـانی است که از علمای اصـفهان و صاحب خانـدانی علمی در این سامان بوده. تملّك و مهر او «عبده محمّد باقر بن علینقی الموسویّ» ظهر نسخه هست.

«۶۹» الإيقاظات

(کلام ــ عربی)

از: سیّد محمّدباقر بن شمس الدین محمّد حسینی استرابادی، معروف به میرداماد، أعلی اللّه مقامه.

کتـاب: در مبـاحث مسأله معروف به خلق اعمال و جبر و تفویض است و در هامش «قبسات» مرحوم میر (از ص ۶۶ تا ۱۴۸)، به سال ۱۳۱۵ به طبع رسیده است.

نسـخه: فاقـد برگ آخر است و لـذا نام کاتب وتاریـخ کتابت معلوم نشد. لکن به دلالت حواشـی «منه، مدّ ظلّه العالی» در زمان مؤلّف استنساخ شده و نسخه ممتازی است.

«۷۰» الباقیات الصالحات فی التفسیر و المعجزات

(تفسیر ــ فارسی)

از: آخوند ملّا احمد بن حسن، واعظ بیرجندیّ الأصل یزدیّ المسکن مشهدیّ الخاتمه، علیه الرحمه.

کتاب: تفسیر برخی از آیات قران کریم است، ناظر به مدائح و معجزات اهل بیت علیهم السلام به اسلوب کتب موعظه، در دو مجلّد که تنها جلد یکم را در دست داریم.

مجلّد نخست شامل تفسیر ۵۷ سوره، از سوره مبارکه حمـد تا سوره مبارکه حدیـد، در ۵۷ مجلس که فهرست آن در سرآغاز کتاب هست، و آن را به نام ناصرالدین شاه

قاجار «مقتول در ۱۳۱۲ ق» مصدَّر کرده. تاریخ تألیف این جلد: سلخ ماه شعبان ۱۲۷۳ در یزد.

نسخه: به خطّ خوش «أقلّ الطلبه ملاّ جواد بن ملاّ محمّد باقر امام جماعت محلّه گرمسیر قصبه تفت قهستان». تاریخ کتابت: روز دوشنبه ۲۵ ماه رمضان ۱۲۷۴. مؤلّف خودْ این نسخه را تصحیح کرده است.

تملّک شخصی به تاریخ روز چهارشنبه پنجم جُمادای دوّم ۱۲۹۰، ظهر نسخه بوده و محو شده است. أیضًا تملّک آیه اللّه حاج سیّد محمّد باقر توی سرکانی، مورّخه ماه شعبان ۱۳۱۰ و مُهر «عبده الراجی محمّدباقر الحسینی».

سخنی پیرامون این کتاب و مؤلّف

در حقیقت، «الباقیات الصّالحات» را نمی توان در شمار کتب تفسیر درآورد، زیرا از هر سوره ای چند آیه ذکر می کند و سپس به شیوه کتب وعظ و منبر وارد بحث می شود و به ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام مجلس را ختم می کند.

مؤلّف، پس از تألیف این کتاب و «بحر الدّموع» و «سماء الغزوات» و «خزائن الأنوار» و «ینابیع الموعظه»، به درخواست دوستان، کتاب «الشّموس المُضیئه» را در سرگذشت انبیای عظام علیهم السلام به استناد آیات و احادیث شریفه نگاشته و در دوشنبه از ماه صفر ۱۲۱۹ آن را به انجام رسانیده و نسخه در ۲۷۲ برگ، به خطّ سیّد محمّد بن حیدر حسینی حمصی که در همان زمان تألیف نوشته است، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود و در «فهرست ۶: ۲۳۰۸» یاد شده است، چنان که آقای احمد منزوی در «فهرست ۶: ۴۴۹۹» آورده اند.

ص : ۶۹

«۷۱» بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار

(حديث ــ عربی)

از: علاّمه مجلسی (متوفی ۱۱۱۰) مولانا محمّدباقر بن محمدتقیّ اصفهانی، أعلی اللّه مقامهما.

کتاب: بزرگ ترین مجموعه احادیث و اخبار آل محمّد علیهم السلام است در ۲۶ مجلّد و به طبع رسیده.

نسخه: مجلّد اوّل است پیرامون عقل و علم و جهل، و در زمان حیات مؤلّف از درآمد حمّام واقع در اراضی نقش جهان (حمّام خسروآقا) که شاه سلیمان صفوی وقف کرده نوشته و وقف شده است. برگ آخر مفقود شده، لذا نام کاتب معلوم نیست.

«۷۲» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل کتاب است. کاتب: میر ابوطالب بن ابوطالب حسینی مازندرانی. تاریخ پایان استنساخ: شب چهارشنبه عشر اول «عشر الأوّل من الشّهر الرّابع فی السّنه الّتی تشتمل علی مراتب الآحاد تاسعها و العشرات ثانیها و المآت واحدها و الأُلوف أوّلها» در مدرسه جدیده رفیعه مبارکه سلطانیّه، که از روی نسخه استکتابی شاه سلطان حسین «جُعِلت دولته متّصله بدوله خاتم آل محمّد...» نوشته شده است. روی برگ اوّل وقفنامه نسخه به خطّ همین کاتب به عربی نوشته شده و مهر او «خاک پای علیّ أبوطالب» است و نسخه مصحَّحِ خوش خطِّ خوبی است، با حواشی مؤلّف علاّمه.

ص : ۷۰

«۷۳» نسخه دیگر

نسخه: جلد اوّل کتاب است. کاتب: ربیع ابن حاجی علی عسکر دیمرتینی جیی اصفهانی. تاریخ انجام کتابت: ۴ ربیع یکم ۱۱۳۴. اثر تصحیح و مقابله ندارد.

کتابت این نسخه از جمله آخرین آثار دوران سلطنت شاه سلطان حسین صفوی است.

«۷۴» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوم کتاب است در باب اخبار عدل و معاد. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. به خطّ نسخ جلیّ و دارای جدول و آثار مقابله و تصحیح است و یک سرلوحه در بالای صفحه اوّل دارد.

«۷۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوّم کتاب است. نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت: ۲۳ ربیع الثانی ۱۲۵۳. آثار مقابله و تصحیح و گواهی بر مقابله در آخر نسخه دارد. فهرست ابواب در آغاز به خطّ کاتب نوشته شده و روی برگ اوّل جمله: «تخمینًا ۲۹۰۰۰ بیت» قید گردیده است.

«۷۶» نسخه دیگر

نسخه: مجلد چهارم کتاب است در احتجاجات و مناظرات. تاریخ ختم تألیف: ربیع دوّم ۱۰۸۰. کاتب: صفر علی بن اسماعیل نجف آبادی اصفهانی. تاریخ ختم کتابت:

روز سه شنبه ۲ جمادی الاولی ۱۲۵۴ بر حسب امر... حاجی میر محمدعلی مدرّس در دارالسلطنه اصفهان استنساخ شده است. ظهر نسخه نوشته اند تخمینًا ۱۸۸۰۰ بیت کتابت دارد. در صفحه آخر نوشته اند که با نسخه ای که از آن استنساخ شده، مقابله کرده اند.

«۷۷» نسخه دیگر

نسخه: تقریبًا نیمه اوّل جلد ششم است و تاریخ احوال پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و آخر آن ناقص است و به این عبارت ختم می شود: «و عامّه الکفّار به من یهود بنی اسرائیل و هکذا أمر الرسول».

نام کاتب به نظر نرسید. در آغاز کتاب، وقفنامه مورخ ذی الحجه ۱۱۰۹ نوشته شده است از زبان مؤلّف علّامه، و در بالای همین صفحه تاریخ ذی القعده ۱۱۰۹ دیده می شود که ظاهرًا این تاریخ به خطّ مؤلّف است.

«۷۸» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز مجلّد هشتم کتاب است در وقایع بعد از وفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا پایان احوال ابوبکر.

انجام: «ثم نقلا إلی وادٍ فی جهنّم یقال لها وادی الودود».

صفحه آغاز دارای یک سرلوحه زرّین و تمام صفحات جدول کشی شده و ظاهرًا مصحّح است. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

«۷۹» نسخه دیگر

نسخه: قدری از نیمه دوم جلد هشتم کتاب است که معروف به «فتن» می باشد. از

اوائل «باب تفصیل مثالب عمر...» مطابق «ص ۲۷۳ طبع کمپانی» تا اوائل «باب جمل ما وقع بصفّین...».

انجام: «و انّما نهی رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله عن اختناث الأتقیه لأنّ رجلًا اختنث».

نام کاتب و تاریخ کتابت و هیچ نوع تحشیه و تصحیح و امتیازی ندارد.

«۸۰» نسخه دیگر

نسخه: بخش دوّم از مجلّد هشتم از «ابواب ما جری بعد قتل عثمن من الفتن و الوقایع و الحروب و غیرها» است تا آخر.

تاریخ ختم تألیف: سلخ ذی الحجه ۱۰۹۱. کاتب: محمد نصیر بن شمس الدین محمد میبدی یزدی. تاریخ ختم استنساخ: ذی القعده ۱۱۰۴. چند حاشیه به توقیع «لراقمه خلیل» دیده می شود. ظاهرًا نسخه به نظر مؤلّف علّامه رسیده و مصحَّح است.

«۸۱» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دهم کتاب است در احوال حضرت زهرا و مناقب امامین هُمامین حسنین و احوال حضرت امام حسن محتبی، علیهم الصلوه و السلام.

انجام: «د. تزوّج علیه السلام سبعین حُرّةً و ملک مائه و ستّین أمةً فی سائر عمره و کان أولاده خمسه عشر. تمت بعون اللّه تعالی».

نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت ۱۱۲۴. در هامش همین موضع «بلغ مقابلةً». صفحه آغاز دارای یک سرلوحه زرّین و تمام صفحات جدول کشی شده و مصحَّح است.

ص : ۷۳

«۸۲» نسخه دیگر

نسـخه: مجلّد دهم است در احوال حضـرت فاطمه زهرا و حسـنین علیهم السـلام و مقتل حضـرت سـیّد الشهداء علیه السلام و از آخر ناقص است.

انجام موجود: «فقال الشیخ الشامی انّکم لأنتم هم».

نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد.

«۸۳» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سیزدهم کتاب است در تاریخ امام دوازدهم، عجلّ اللّه تعالی فرجه. تاریخ ختم تألیف: ماه رجب ۱۰۷۸. نام کاتب و تاریـخ کتـابت نـدارد. در هـامش تاریـخ پایـان مقابله با اصل، روز دوشـنبه ۴ ذی القعـده ۱۰۹۷ گواهی شـده. وقفنـامه علاّمه مجلسی به خطّ کاتب و مهر «محمدّ باقر العلوم» مورّخه محرّم ۱۰۹۸ ظهر نسخه نوشته شده است.

«۸۴» نسخه دیگر

نسـخه: مجلّـد سـیزدهم کتـاب و کامـل اسـت و تاریـخ ختـم تـألیف در آن نیز مـاه رجب ۱۰۷۸ می باشـد. کاتب: عبـدالمجید طباطبائی. تاریخ ختم استنساخ: ششم صفر ۱۱۱۶. تعداد اوراق نوشـته شده به موجب ورقْ شمارِ گوشه صفحات: ۲۹۲ ورق. در آغاز نسخه فهرست ابواب کتاب است که یکی از احفاد مؤلّف علاّمه ترتیب داده چون در آغاز فهرست گوید: «فهرست ما فی هـذا المجلـد من مؤلفـات... جـدّی العلاّمه...» و گویا این شـخص همان کسـی است که تملّک خود را در پایان فهرست به این شرح نوشته:

«هو. انتقل بالبیع الصّحیح الشرعیّ الی العبد المذنب ابن عبدالکریم ابوطالب عفی

عنهما». مهر: «المذنب ابوطالب». مهر دیگر نیز به این سجع دیده می شود: «أفوّض أمری إلی اللّه عبده محمد معصوم الطباطبائی». نسخه حاشیه و تزیینات ندارد.

«۸۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد هفدهم کتاب است در مواعظ و حِکم و از موقوفات شاهزاده مریم بیگم است و تولیت آن با متولّی مدرسه مریم بیگم می باشد. تاریخ وقفنامه که ظهر نسخه نوشته شده است: محرم ۱۱۲۵.

کاتب نسخه چنانکه در آخر آن نوشته است: محمّد نصیر کاتب ابهری جیی اصفهانی. ختم کتابت: سنه ۱۱۲۴.

ضمیمه کتاب المیراث از «الدروس الشّرعیّه»

(فقه ــ عربی)

از: شهید اوّل شیخ محمد بن مکّی عاملی قدس سره .

نسخه: به خطّ محمد زمان بن قوح احمد سمنانی که در روز یکشنبه هشتم ربیع دوّم ۱۰۹۷ در قریه «خار از توابع بیارجمند» از آن فراغت یافته.

ضمیمه باب ابطال العول از «کتاب من لا یحضره الفقیه»(اخبار ــ عربی)

از: شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه القمی.

نسخه: به خطّ محمد زمان مذکور فوق است و تاریخ ختم استنساخ، اواخر ربیع یکم ۱۱۰۵.

«۸۶» نسخه دیگر

نسخه: جزءِ دوّم از مجلّد ۱۸ کتاب است در ابواب صلوه.

آغاز: «کتاب الصلوه. بسم. باب فضل الصلوه و عقاب تارکها».

انجام: «و لعلّ اکثر تلک القُنونات بالصلوات المستحبّه انسب لا سیّما صلوه الوتر قد تم هذا الکتاب... فی یوم السبت فی احدی عشر شهر ذی الحجه ۱۲۴۷».

در بالای صفحات ۳۱۷ ورق شماره گذاری شده و در آغاز، فهرست ابواب و فصول با تعیین شماره اوراق نوشته شده است. هیچ نوع اثر مقابله و تصحیح و امتیاز و نام کاتب به نظر نرسید.

«۸۷» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد ۲۲ کتاب است در باب زیارات پیغمبر اکرم و ائمّه اطهار ــ علیهم الصّلوه و السلام ــ مشتمل بر ۶۸ باب.

تاریخ ختم تألیف: ۲۷ ماه رجب ۱۰۸۱. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و در فاصله سال تألیف و ۱۰۸۷ که تاریخ وقفنامه است استنساخ شده و نسخه بسیار مصحّح و مضبوط و معتبری است و در چندین موضع اصلاحات و اضافات به خطّ مبارک مؤلّف علّامه نوشته شده و بسیاری از اضافات و اصلاحات نیز به خطّ شریف مرحوم میرزا عبداللّه افندی صاحب «ریاض العلماء» است که حقیر از شیوه خطّ آن مرحوم، تشخیص دادم.

فهرست کتاب در آغاز نسخه با تعیین شماره اوراق نوشته شده و تعداد اوراق در گوشه صفحات، ۴۲۶ ورق تعیین شده و روی برگ اوّل فهرست نوشته اند: «مجموع اوراق این کتاب ۴۲۴ می باشد و هر ورق هم ۵۰ بیت می باشد».

روی برگ اوّل نسخه، وقفنامه آن به خطّ مبارک مؤلّف به تاریخ ذی القعده ۱۰۸۷ نوشته شده و واقف، شیخ علی خان بوده که مؤلف علّامه از او بسیار تجلیل فرموده است.

«۸۸» بحر الجواهر خاقانی و صرح اللّألی حسینی

(اصول دین ــ فارسی)

از: میرزا سیّد محمّدباقر بن میرزا سیّد محمّد موسوی شیرازی معروف به ملّاباشی، علیه الرحمه.

کتاب: در مسائل کلام و اصول دین و مذهب است به نحو مبسوط و بسیار عالمانه و مفید. در یک مقدّمه در بیان وجود انسانی و تکلیف ظاهر و باطن و تعریف و تقسیم علم و تعریف شیعه و مؤمن، و سه مقصد در توحید و نبوّت و امامت، و خاتمه ای در احوال ۱۴ معصوم علیهم السلام و مصدّر است به نام فتحعلی شاه قاجار، و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ زیبای محمّدباقر بن میرزا محمّد خوراسکانی. تاریخ ختم استنساخ: یوم الخمیس ماه صفر ۱۲۵۸.

البحور الزاخره: غایه المرام

«۸۹» البدایه فی شرح الغایه

(فقه ــ عربی)

از: نامعلوم، صاحب کتاب «الوراقه الحجازیه».

کتاب: شرح مزجی «غایه الاختصار» ابوشجاع حسین بن احمد اصفهانی است در فقه مذهب شافعی. تاریخ تألیف: ۸۸۹.

نسخه: به خطّ عبداللّه بن علی بن راشد بن کریمی عشاری بصری شافعی رفاعی. تاریخ ختم استنساخ: چهارشنبه اواخر ربیع دوّم ۱۰۹۶. تملّک و مهر «ابراهیم بن عبداللّه

ص : ۷۷

الموسوی» در غرّه ربیع دوّم ۱۲۶۰، ظهر نسخه است.

«۹۰» بدایع الأفکار فی صنایع الاشعار

(ادب _ فارسی)

از: کمال الدین حسین بن علی، واعظ کاشفی سبزواری، از دانشمندان متبحِّر و زبردست اواخر قرن نهم و اوّل قرن دهم هجری است. از گفتار میرعلیشیر در «مجالس النفائس: ۹۳ لطائف نامه» معلوم می شود که وی به سال ۸۷۶ از سبزوار به هرات رفته و با ملاّ عبدالرّحمن جامی که خواهر زن او را به زنی داشته و امیر حسین معمّائی نیشابوری و امیر علیشیر نوایی وزیر دانش پرور سلطان حسین بایقرا، معاصر و مؤانس بوده و کتاب هایی به نام امیر و سلطان نگاشته و عاقبت به سال ۹۱۰ در هرات وفات کرده است.

تألیفات کاشفی بسیار است و در اغلب فنون دست داشته و کتاب نوشته. میر علیشیر در حقّش گوید: «مولانا بغایت ذوفنون و پرکار واقع شده و کم فنّی باشد که او را در آن دخلی نباشد...(۱) » . بعضی از آثار او به تدریج در این فهرست آورده می شود. شرح حالش اجمالاً در «ریحانه الأدب ۳: ۳۴۵» ذکر شده است.

موضوع این کتابْ «شعرشناسی» (از رشته های ادبی)، یکی از دانش هایی است که کاشفی دارا بوده و در آن کتاب نوشته. اثر ادبی دیگر او «مخزن الإنشاء» است. نسخه آن در کتابخانه مجلس ایران و هم در کتابخانه بریتانیا موجود است و پس از چندی خود مؤلّف با اندک تصرّفی همین «مخزن الإنشاء» را «صحیفه شاهی» نام گذارده که نسخه آن فراوان و چاپ شده است.

۱- ۱) «لطائف نامه: ۹۲» ترجمه «مجالس النفائس».

برخی از آثار کاشفی به غایت شهرت یافته و فراوان دیده می شود. مانند «روضه الشُّهداء»، تفسیر «مواهب علیّه»، «اخلاق محسنی»، «انوار سهیلی»، «أسرار قاسمی» و جز اینها که همه به طبع رسیده. بعضی دیگر با اینکه چاپ نشده، نسخه های متعدّدی از آنها موجود است. مانند «جواهر التفسیر». لکن چند نسخه از کتاب های بسیار مفیدش بسی کمیاب و عزیز الوجود است. مثل «تحفه الصّلوات» و همین «بدایع الأفکار» که نام هر دو در «الذریعه ۳: ۴۴۷ و ۶۳» آمده امّا از هیچ کدام، نسخه ای نشان داده نشده است. تنها از «بدایع الأفکار» یک نسخه دیگر در ایران سراغ داریم و از «تحفه الصّلوات» هم منتخبی به نام «فضل الصّلوات» که آن نیز از خود اوست پس ازین آورده می شود.

آغاز: «بسم ا... الحمد لمُبدع البدایع، و الشُّکر لمُنشی ءِ الصّنائع ثمَّ الصَّلوه و التَّحایا أهدی لمکرم البرایا. چون جناب معلّی و سدّه أعلی، حضرت امارت مآب، عدالت انتساب...

جوان جوان بخت روشن ضمیر بدولت جوان و بتدبیر، پیر

المُحتظی بأصناف العنایات من اللّه ذ(ی القوه) المتین، شجاع الدوله و الدین أمیر سید حسین(۱)... مرجع جَماهیر أفاضل و مقصد مشاهیر أماثل است، و هر یک... بأجناس وسایط... خود را در سلک مقیمان عتبه علیّه... او... منتظم... می گردانند... فقیر حقیر... حسین بن علی المشتهر بالکاشفی... با وجود قلّت بضاعت... بر مقتضی (فابتغوا الیه الوسیله)... مختصری در علم شعر مشتمل بر بعضی از آنچه تعلّق به عوارض شعری دارد، چون معرفت اقسام و انواع شعر و علم صنایع و بدایع آن و علم نقد و طرفی از آنچه متعلّق به ماهیّت شعر است، چون علم قوافی و معرفت حروف و حرکات آن از کتب

---

۱ – ۱) این شخص امیر سید حسین معمائی نیست و اگر مقصود سلطان حسین بایقرا باشد، کلمه سید در جلو نامش زائد و اشتباه کاتب است، لکن القاب هم متناسب مقام او نیست (بنگرید به مقدمه «فضل الصلوات»).

بُلغاء و رسائل فصحاء التفات (التقاط؟) نموده در حیّز تقریر و بلکه تحریر آورد... لاجرم بعرض این مختصر که موسوم است بر «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار» متمسّک شده... و اساس این رساله بر مقدّمه و دو باب و خاتمه لایق افتاد...».

انجام:

«اصلاح طالع من و درمان درد من اندازه منجّم و حدّ طبیب

آواره دل حسن اندر نوای دوست آواره گی بحال غریبان غریب»

فهرس مطالب:

مقدمه در تعریف شعر و شرح انواع و اقسام آن و ذکر بعضی ألفاظ که مستعمل و متداول این طایفه است، مشتمل بر ۴ فصل.

ف ۱ در شعر. ف ۲ در بیان انواع شعر، و آن قصیده است و غزل و قطعه و رباعی و فرد و مثنوی و مسمّط و ترجیعات. ف ۳ در بیان اقسام شعر، و آن مترادف باشد و محجوب و ذات المَطالع و محدود و مطبوع و مُلایم و سَلِس و سهل و ممتنع و جَزل و مُرتجل و فکری و ذوالنّوعین و ممتنع و متنوّع. ف ۴ در ذکر بعضی الفاظ که مستعمل و متداول این طایفه است. باب اول در بیان صنایع شعر. باب دویم در بیان عیوب نظم، و این (علم را) علم نقد خوانند، چنانچه علم صنایع شعر را علم بدیع گویند.

خاتمه در بیان معنی قافیه و عدد حروف و أوصاف و ألقاب و ذکر معایب که تعلّق بدو دارد مشتمل بر هفت فصل.

ف ۱ در بیان معنی قافیه و حروف و حرکات او. ف ۲ در أنواع قَوافی که با هم جمع تواند شد. ف ۳ در أوصاف قوافی. ف ۴ در بیان قافیه اصلی و معمول. ف ۵ در ذکر قافیه شایگان. ف ۶ در بیان عیوب قوافی و آن چند نوع است. فصل ۷...

ص : ۸۰

فصل هفتم در این نسخه نوشته نشده و کاتب یک روی برگ آخر را نوشته و روی دیگر برگ سفید است. از فصل ششم نیز شاید اندک نقصانی داشته باشد، اگر چه تمام انواع عیوب قوافی را تا قسم دوّم از دو قسم إیطاء که إیطاءِ خَفی باشد داراست و مثال إیطاءِ خفی نیز در نسخه آمده است.

کاشفی در این کتاب از دانشمندان و ادیبان بسیار نام می برد و اشعار زیاد از شعرای پیشین می آورد و در فصل ۶ خاتمه در مثال ایطاءِ جلیّ از مرحوم خواجه طوسی چنین یاد می کند:

«و حکیم بحقّ و فیلسوف مطلق، نصیر الحقّ و الدّین محمّد الطّوسی، قدس سره در «معیار الأَشعار» ذکر فرموده است...».

نسخه: به خطّ نستعلیق ۱۵ سطری، ۷۴ برگ، و ۱ برگ عطف، کاغذ سمرقندی، قطع ۱۳ × ۲۰، عناوین به شنگرف، جلد مقوّایی، نام کاتب و تاریخ ندارد و متعلّق به قرن یازدهم و خالی از اغلاط کتابتی نیست.

«۹۱» بَرْز نامه

(فلاحت ــ عربی)

از: فسطوس بن اسکور اسکینه. مترجم: نامعلوم.

کتاب: در علم فلاحت است. گویا از فارسی به عربی ترجمه شده.

آغاز: «بسم. و الاعتصام بکرمه العمیم. هذا نسخه کتاب وضعه فسطوس بن اسکور اسکینه عالم الروم الّذی یسمّی فیلسوفًا، فیما وصف ممّا لا یستغنی عنه الفلّاحون و غیرهم من الناس عن علمه فیما ینفعهم اللّه تعالی به فی معایشهم. و یسمّی هذا الکتاب بالفارسیّه «بَرْز نامه»، و معنی بَرْز نامه «کتاب الزّروع» و قد قدّم علی المقاصد العلامات السّماویّه

الّتی تستدلّ بها علی أشیاء. علامات الهواءِ الصّافی».

انجام: «و لاـ یزیدن علی عشره أزواج فانّهنّ لاـ یألفن اذا کثرت، و اللّه أعلم بالصّواب، و قد تمّت الرساله فی أوایل شهر ذی القعده سنه ۹۲۳ هجریّه».

نسخه: نام کاتب ندارد و تاریخ کتابت ظاهرًا همان اوائل ذی القعده ۹۲۳ می باشد که گذشت. روی برگ اوّل از «زایچه فرزند اعزّ شیخ محمد» شب دوشنبه ۲۱ جمادی الاخره ۹۴۹ و تاریخ تولّد دیگری در روز سه شنبه ۷ ماه رمضان ۹۵۰ نوشته شده.

«۹۲» برهان السّداد فی شرح الارشاد

(فقه ــ عربی)

از: شیخ محمّد بن احمد، ابن خاتون عاملی.

این کتاب نفیس گزارشی است بر «إرشاد الأذهان إلی أحکام الإیمانِ» آیه اللّه فی العالمین علاّمه حلّی قدس سره که پیرامون آن و دو گزارش دیگر آن در «کنز الفوائد» و «منهج الرشاد» سخن گفته ایم و اینک گزارش دیگر که «برهان السّداد» نام دارد و تا کنون در هیچ جا شناسانده نشده است.

نویسنده دانشمند این گزارش، شیخ محمّد بن أحمد بن نعمه اللّه بن خاتون عاملی، از فقهاءِ بزرگ سده یازدهم هجری است.

مع الأسف، گزارش زندگانی این شخص به خوبی روشن نیست و آنچه نگارنده تا کنون به دست آورده است، ذیلًا شرح می دهد.

۱ ــ خاندان «آل خاتون» چنانکه در «أعیان الشیعه ۵: ۱۲۹» آمده است، از

خانـدان های علمی قدیمی جبل عامل، بلکه از قدیم ترین خاندان های آن دیار و پیش از سده هفتم به دانشْ معروف بوده اند. افراد این خانـدان از آغـاز در قریه «أمیه» جبل عامل که اکنون ویران است بوده، سـپس به «عیناثا» و أخیرًا به «جویا» منتقل شـده انـد. «خاتون» که این خاندان بدو منسوبند یکی از دختران ملوک أیّوبی بوده که به عقد یک نفر از پدران این خاندان درآمده بود.

۲ _ نویسـنده «ریاض العلماء: ق ۱۰۸ ب، نسـخه عکسـی نگارنـده» گویـد: «ابن خاتون عاملی». این عنوان بر گروهی فراوان از رشته فرزندان خاتون اطلاق می شود، به حدّی که غالبًا برخی به برخی دیگر اشتباه می شوند.

۳ _ نام و شرح حال جمعی از این خاندان در «روضات الجنّات ۱: ۱۸۲ _ ۱۹۳» در متن و تعلیقات نگارنده این فهرست، ضمن ترجمه شیخ أحمد ابن خاتون آمده است.

۴ _ چند تن از این خاندان به نام شـیخ محمّد ابن خاتون شهرت یافته اند که مع الأسف شرح حال آنان در کتب تراجم نوعًا با یکدیگر اشتباه شده است و از میان آنان دو تن از همه بنام تر و دانشمندترند:

نخست: شیخ محمّد بن احمد بن نعمه اللّه بن خاتون، صاحب «برهان السداد» جای گفتگو.

دوّم: شـیخ شـمس الدین ابوالمعالی محمّد بن علی بن أحمد بن نعمه اللّه بن خاتون که برادرزاده شخص سابق و از شاگردان و راویان شـیخ بهاءالدین محمّد عاملی قدس سره بوده و کتاب «اربعینِ» وی را ترجمه و شرح کرده و «ترجمه قطب شاهی» نامیده است. وی در حیدرآباد می زیسـته و همانجا درگذشـته است. شـرح حالش در «أمل الأمل: ۲۸» و مواضع دیگری موجود اسـت که در تعلیقات «روضات الجنات ۱: ۱۸۹ _ ۱۹۰» یاد

ص : ۸۳

کرده ایم. شیخ حرّ ـ رضوان اللّه علیه ـ کتابی به عنوان «شرح الارشاد» به او نسبت داده و نیای گرامی، صاحب «روضات: ۱۸۹» و شیخ ما صاحب «ذریعه ۱۳: ۸۰ ش ۲۵۷» ـ رحمه اللّه علیهما ـ نیز تنها به استناد أمل الأمل از آن یاد کرده اند. لکن به گمان ما، نسبت «شرح ارشاد» به مترجم اربعین از اشتباهاتی است که در اثر تشابه اسمی این دو تن رخ داده است.

در «أمل الأمل: ۲۷» و از آنجا در «روضات ۱: ۱۹۹» شخصی به عنوان: «الشیخ محمّد بن خاتون العاملی العیناثی. کان فاضلًا صالحًا فقیهًا معاصرًا، توفّی فی بلادنا» یاد شده است که ظاهرًا مقصود همان صاحب «برهان السداد» است، و اللّه العالم.

۵ ـ صاحب «برهان السداد» به نحو اجمال در «روضات ۱: ۱۹۰ ـ ۱۹۱» ذیل عنوان شیخ جمال الدین ابوالعباس احمد بن شمس الدین محمّد بن علی بن محمّد بن محمّد بن خاتون عاملی نیز مذکور و ترجمه عبارت آن چنین است: امّا شیخ محمّد بن شیخ شهاب الدین أحمد بن نعمه اللّه بن خاتون، همان است که میرزا ابراهیم حسینی همدانی از او اجازه روایت دارد و من صورت اجازه او را در اجازات «بحار» دیده ام، و طریق روایت او در این اجازه منحصر است به پدرش شیخ شهاب الدین احمد، از جدّش شیخ نعمه اللّه، از شیخ علی کرکی. و نیز سید ماجد مجتهد بحرانی «استاد فیض» ـ أعلی اللّه مقامهما ـ از شیخ محمّد مذکور به همان طریق روایت می کند، چنانکه در «بحار» یاد شده است. پایان کلام روضات.

نگارنده این فهرست در حاشیه «روضات ۱: ۸۱» در شرح حال سیّد ظهیرالدین ابراهیم بن میرزا حسین حسینی همدانی چنین توضیح داده است که نسخه اجازه شیخ محمّد برای سیّد مذکور در «بحارالأنوار ۲۵: ۱۲۱ ـ ۱۲۲» موجود و تاریخ آن روز

جمعه ۱۴ محرم ۱۰۰۸ و در مکّه معظمه نوشته شده است.

و در حاشیه ص ۱۸۴ نیز استظهار نموده است که شیخ جمال الدین ابوالعباس أحمد «صاحبِ عنوانِ در روضات» را فرزندی بوده به نام نعمه اللّه و وی را فرزندی بوده به نام شیخ احمد که هر دو شیخِ اجازه مولانا عبداللّه بن حسین شوشتری بوده اند و این شیخ محمّد صاحب «برهان السداد» فرزند شیخ احمد بن نعمه اللّه مذکور و شیخِ اجازه سیّد ظهیرالدین ابرهیم است.

و هم در حاشیه ص ۱۹۱ چنین نوشته ایم که شیخ محمّد از مشایخ اجازه سید حسین ابن حیدر بن قمر حسینی کرکی عاملی نیز بوده و سید مذکور در یکی از اجازات خود ـ که در روضات ضمن شرح حال شیخ بهائی از آن نقل کرده اند ـ هفتمین شیخ اجازه خود را همین شیخ محمّد قرار داده و گوید: «و سابعهم: الشیخ الفاضل الفقیه محمّد بن احمد بن نعمه اللّه بن خاتون العاملیّ صاحب شرحی «الارشاد» و «الألفیّه» و کتاب «الأنموذج فی المنطق و الحکمه الطبیعی و الإلآهی» و غیرها».

مرحوم سیّد ماجد بحرانی نیز چنان که در عبارت روضات گذشت از شیخ محمّد روایت می کند. وی در اجازه ای که برای امیر فضل اللّه دست غیب نگاشته، گوید: «و عن شیخنا عمده الفضلاءِ المتفقّهین و اُسوه العلماءِ المتنبّهین الشیخ محمّد بن المقدّس الشیخ أحمد بن الشیخ الجلیل الشیخ نعمه اللّه بن خاتون، عن أبیه، عن جدّه، عن شیخنا... علیّ بن عبدالعالی الکرکی».

صورت این اجازه نیز در «بحار الأنوار ۲۵: ۱۳۹» ضبط شده است.

در کتابخانه آستان قدس رضوی، قطعه ای از «تهذیب الأحکام» شیخ طوسی قدس سره موجود و در پایان آن این عبارت به خطّ صاحب «برهان السداد» دیده می شود: «أنهاه ـ أدام اللّه تعالی توفیقه ـ... قرائهً و تحقیقًا و إتقانًا و تدقیقًا و بحثًا عن مشکلاته...

ص : ۸۵

و ذلک بمکّه المشرفه، ثالث عشر جُمادی الأخره ۱۰۰۹، و کتب... محمّد بن أحمد ابن نعمه اللّه بن خاتون العاملی...». فهرست رضویّه ۱. فصل ۴: ۲۳.

نیز در خزانه رضویّه نسخه ای از «حاشیه ألفیّه شهید» از شیخ محمّد مذکور موجود است که به خطّ خود نگاشته و نسبش را در پایان نسخه «محمّـد بن أحمد بن نعمه اللّه بن خاتون العاملی» یاد کرده و در جَنب نسبِ مذکور این عبارت دیده می شود: «ثمّ انتقل منه ـ سلّمه اللّه ـ علی وجه الهبه إلی أقلّ عباداللّه محمد بن علی نعمه اللّه الشهیر بابن خاتون العاملی، سنه ۱۰۳۹». رجوع شود به «اعیان الشیعه ۴۳: ۲۶۶» «فهرست رضویّه ۲:۴۶». محمّد بن علی نامش در معرّفی نسخه خواهد آمد.

از عبارت منقول در بالا روشن می شود که صاحب «برهان السداد» تا سال ۱۰۳۹ در قید حیات بوده است.

* * *

بیش از این چیزی از شرح حال و آثار این دانشمند معلوم نگردید و چنان که گفتیم تا حال نسخه ای از کتابِ «جای گفتگو» در جایی شناسانده نشده است، تنها جایی که از این کتاب یاد شده است، اجازه سید حسین کرکی است که در بالا عبارت آن را نقل کردیم، سپس صاحب «ذریعه ۱۳: ۷۹ ش ۲۵۵» نیز تنها به استناد همان اجازه کتاب را عنوان نموده اند.

مع الأسف نسخه ما ناتمام و تا مقصد پنجم «صلوه میّت» بیشتر نیست و معلوم نشد که شارح موفق به اتمام کار خود شده یا تا همین مبحث بیشتر ننوشته است.

آغاز: «بسم... اللّه کافی من توکّل علیه. الحمد للّه الّذی منّ علی عباده بالتکلیف، فجعله لأحوالهم فی المعاش نظام الانتظام، و سببًا فی المعاد لنیل السعاده الأبدیّه فی دار السلام، علی سبیل الاستحقاق المقارن للإجلال و الإعظام، و تفضّل ببعث الأنبیاءِ الکرام

ص : ۸۶

و نصب الأوصياءِ العُلّام، ألطافًا فيما تناله أيدی العقول و الأوهام... أمّا بعد، فإنّ علم الفقه عمادُ هذا الدين الأحمدیّ كما نصّ عليه الرسول الأمين، و استفراغ الوسع فی تحصيله علی سبيل الاحاطه بمجمله و تفصيله فرضٌ علی التعيين... ثمّ لمّا كان الكتاب الموسوم بـ «ارشاد الأذهان إلی أحكام الإيمان» من تصانيف الشيخ الأعظم و الإمام الأكرم... أبی منصور الحسن بن المطهّر... أحسن ما صنّفه علماؤنا الماضون فی فنّه من مطوّل و موجز و متوسط ترتيبًا، و أتمّ ما ألّفه سلفنا الصالحون... تنقيحًا و تهذيبًا؛ توفّرت الدواعی علی شرحه.

فشرحته شرحًا قيّد من عباراته المطلق، و فتح من أبواب اشاراته المغلق، و بيّن مقاصده و تمّم فوائده، سلكت فيه بين نهجی الإيجاز و الإكثار، تجافيًا عن ملل الإسهاب و خلل الاختصار... علی أنّی معترفٌ بما أنا عليه من قلّه البضاعه و قصر اليد فی الصناعه... هذا مع ضيق المجال و تشتّت البال برمد الأيّام و نكد الدهر و معانده أرباب الضلال.

و كان إنشاء الخاطر له بمكّه المشرّفه المنوّره المحروسه الموقّره، حين منّ اللّه علیَ بمجاوره بيته العتيق، فحصل لی به أنس الرفيق و همّه التوفيق. و ذلك عام ۱۰۰۲ من الهجره النبويّه و النقله المحمديّه الأحمديّه. و سمّيته «برهان السّداد فی شرح الإرشاد».

أقول و باللّه أعتصم ممّا يصمّ، و هو حسبی و نعم الوكيل: قال المصنّف ـ قدّس اللّه روحه و نوّر ضريحه ـ: بسم اللّه الرحمن الرحيم. اقتداءً بالكتاب العظيم و عملًا بقول النبیّ الكريم...».

انجام: «و يمكن أن يكون هذا إشارهً إلی التفويض إلی اللّه تعالی و الرضا بالواقع، كيف كان، فانّه لمّا رأی الميّت و علم أنّ اللّه سبحانه اختار موته و حياه الرائی رضی بفعل اللّه و قضائه؛ حمد اللّه فقال: الحمد للّه الّذی أحيانی فانّه اختار حياتی و لو اختار موتی

لأماتنی فالحمد للّه علی ذلک. و هذا من أعلی درجات الإیمان. و ربّما فُسّر المخترم هنا بالهالک علی غیر بصیره، و المعنی علی هذا ظاهرٌ من غیر تکلّف إلی شیء ممّا ذکر».

نسخه: دارای ۱۶۶ برگ، برگ یکم عطف و سفید است، روی برگ ۲، نام کتاب و مؤلّف _ مانا به خطّ خود او _ چنین نوشته شده است:

«کتاب برهان السّداد، فی شرح الارشاد. تصنیف العبد الفقیر إلی عفو اللّه: محمّد بن أحمد بن نعمه اللّه بن خاتون العاملی. عامله اللّه بلطفه الخفیّ و أجراه علی عواید برّه الحفیّ، بجاه محمّد الأمین و آله الأکرمین».

در گوشه همین صفحه، شیخ محمد بن علی بن احمد ابن خاتون، برادرزاده مؤلّف تملّک خود را نوشته بوده که مع الأسف جمله هایی از آن در صحّافی ضایع شده و آنچه باقی مانده این عبارت است: «خاتون العاملی. عفی عنه». مهر: «الواثق باللّه [ظ] الغنی: محمد بن علی، الشهیر بابن خاتون العاملی».(۱) نیز روی همین صفحه: «هو. من عواری الزمان عندی و أنا العبد عبدالنبیّ النباطیّ». أیضًا: «کتاب شرح الارشاد شیخ محمد خاتون، به خط نسخ ۲۶ سطری». أیضًا: «بیاد آقا رضا خرید نموده شد».

کاغذ فستقی، جلد تیماج سرخ دارای تُرنج، آستر تیماج قهوه ای، صحّافی و تعمیر شده، خطّ نسخ ۲۶ سطری، متن «ارشاد» و پاره ای از عناوین در هامش به شنگرف نوشته شده، بالای رؤوس مطالب نیز به شنگرف خط کشیده شده است. قطع ۲۰ × ۳۰، متن

---

۱ - ۱) روی برگ نخست یک نسخه کتاب «الذریعه» تألیف سیّد مرتضی علم الهدی _ علیه الرحمه _ این تملّک نوشته شده است: «قد اتّفق التصرّف فیه لأقلّ العباد محمد بن علیّ الشهیر بابن خاتون العاملیّ بمحروسه قزوین من شهور سنه ۱۰۲۷». چند سال بعد نسخه به ملکیّت مرحوم محقّق سبزواری صاحب «خلافیّه. ش ۳۷۲» درآمده و در بالای همان صفحه نوشته است: «دخل فی نوبه تصرّف الفقیر محمّد باقر السبزواریّ». سپس نسخه نسل به نسل تا اوائل سده چهاردهم در خاندان محقّق سبزواری _ که کم کم به شیخ الاسلام مشهور شدند _ باقی بوده است تا در ماه شوّال المکرّم ۱۳۸۳ به دست این جانب رسید.

۱۱ و نیم × ۲۲. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. مانا که نسخه به خطّ مؤلّف باشد و چنان که گفتیم نسخه ما مشتمل بر شرح کتاب طهارت و صلوه است و تا مقصد خامس مَندوبات صلوه که در نماز میّت است، رسیده و به شرح جمله «و الدعاء عند المشاهده» خاتمه یافته است.

برهان الصادقین: دیباجه برهان الصادقین

«۹۳» البشارات بشارات الاصول

(اصول فقه ـ عربی)

از: آقا میرزا ابوالمعالی کرباسی «متوفی ۱۳۱۵» فرزند مرحوم حاج محمد ابراهیم کرباسی اصفهانی، علیهما الرحمه.

کتاب: در سه مجلّد کلان است. دو مجلّد در مباحث الفاظ و مجلّد سوم در ادلّه عقلیّه و خاتمه ای در نصایح. تاریخ ختم مجلّد سوّم(۱) نیمه اول سده سیزدهم نزدیک

ص : ۸۹

---

۱ - ۱) یک نسخه از مجلّد سوّم این کتاب در اصفهان نزد خاله زاده گرامی، آقای میرزا محمّد کلباسی فرزند مرحوم آقای حاج میرزا ابوالهدی به نظر راقم سطور رسید که عیناً دارای مختصّات نسخه ما و هم در چند موضع دارای خطوط شخص مؤلّف است. از جمله وقف نامه نسخه که در ظهر آن نوشته اند: به تاریخ عید غدیر ۱۲۹۲. تاریخ ختم تألیف از آن نسخه می باشد و آنجا در پایان کاتب خود را محمدباقر بن محمدحسن که از کاتبان بنام اصفهان بوده معرّفی کرده، و تاریخ ختم کتابت آن مجلّد را روز پنجشنبه از سال ۱۲۸۹ قید نموده است. بنا به اظهار آقای میرزا محمد کلباسی یک مجلّد دیگر از بشارات در کتابخانه شخصی آقای حاج سید مصطفی صفائی خونساری در قم بوده که محتمل است مجلّد دوّم این دوره باشد. شایان توجّه این که مؤلّف خودْ در خاتمه مجلّد سوّم تصریح نموده که از تألیف این کتاب هنگامی فراغت یافته که سنّش مشرف به چهل بوده، و تاریخ تولّد مؤلّف را فرزندش در «البدر التمام» به سال ۱۲۴۷ ذکر کرده، پس ختم تألیف در حدود ۱۲۸۷ می شود و از وضع این دو مجلّد که به نظر رسیده به خوبی پیدا است که مؤلّف تا اواخر عمر مشغول به تصحیح و تنقیح و تکمیل کتاب خود بوده است. رضوان الله علیه و علیهم.

چهل سالگی مؤلّف.

نسخه: مجلّد اوّل است شامل مقدّمه ای در تعریف علم اصول تا آخر مبحث مفاهیم. دیباچه ندارد و از آغاز مطلب شروع شده. نسخه بسیار مرتّب و تمیز و با خطوط عالی استنساخ شده. مرحوم حاج میرزا ابوالهدی (کلباسی) فرزند مؤلّف نیز آن را به دقّت تکمیل و تصحیح فرموده است. ظهر نسخه تملّک مرحوم حاج میرزا قوام رشتی اصفهانی به تاریخ ۵ ربیع دوّم ۱۳۳۲ و مهر او «الراجی قوام الدین بن عبدالرزاق» هست.

«۹۴» بصائر الدرجات

(حدیث ــ عربی)

از: شیخ محمد بن حسن صفّار قمی، علیه الرحمه.

کتاب: مجموعه احادیثِ راجعه به علوم و فضائل آل محمّد ــ صلوات اللّه علیهم ــ است در ده جزء. شامل ۱۸۹ باب (چنان که در نسخه ما شماره گذاری شده). و این نسخه کامل و کبیر بصائر است. کتاب ضمیمه «نفس الرحمن فی فضائل سلمان» و هم جداگانه به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ پیرمحمد مقیم بن پیر نورالدین به فشویه قهاب (ظ). تاریخ ختم کتابت: دوازدهم ماه رجب ۱۰۹۳. در پایان نسخه تاریخ مقابله بیستم محرم ۱۰۵۹ یاد شده و تصحیحات اوائل نسخه به خطّ مرحوم علاّمه مجلسی مولانا محمّدباقر بن محمّدتقی به نظر می رسد. نسخه از کتابخانه خانوادگی است.

«۹۵» بصائر الدرجات

(حدیث ــ عربی)

از: شیخ محمد بن حسن صفار قمی.

نسـخه: مشـتمل بر چهار جزء، و مانا که اختصاری است از نسـخه کامل بصائر، و صاحب «کشف الحجب» تنها از همین مختصر یاد کرده است.

کاتب: محمّد شـریف بن محمّد قائمی. تاریخ ختم کتابت جزء دوّم: روز دوشـنبه دهم ذیقعده ۱۰۵۹، و تاریخ ختم کتابت جزء سوّم: ذی الحجه همان سال، و جزء چهارم: روز سه شنبه دوم جمادی....

بقیّه تاریـخ در اثر بریـدگی برگ آخر محو شـده است. در برخی جاهـا حواشـی مختصـری بـا رمز «ا ه_ م سلّمه اللّه» که گویا مقصود ابراهیم است، دیده می شود.

ظهر نسـخه نام کتاب و مؤلّف و کاتب به خطّ و امضاء و مهر کاتب نوشـته شده. همچنین تاریخ تولّد شخصی به نام محمدتقی در یکشنبه غرّه ربیع یکم ۱۱۳۸ (۱۱۳۹ ؟)، و در ظهر برگ آخر تاریـخ تولّد فاطمه ملقّب به خانمی در شب پنجشـنبه ۲۶ شوّال ۱۱۵۱.

«۹۶» بُغیه الطالب فی معرفه المفروض و الواجب

(فقه و عقائد _ عربی)

از: شیخ جعفر بن خضر جناجی نجفی کاشف الغطاء، علیه الرحمه.

کتـاب: رسـاله مختصـری است برای اسـتفاده مقلّـدین و شامـل دو مطلب است. اوّل در اصول عقائـد به طور ایجاز در سه چهار برگ. دوّم در مباحث طهارت و صلوه مبنی بر ذکر فتوای محض.(۱)

نسخه: به خطّ اسمعیل بن حاجی محمد تفلیسی. تاریخ ختم کتابت: نهم صفر

---

۱ – ۱) توضیـحًا نام کتاب در این نسـخه «غنیه الطالب» آمـده: [و سـمّیتها بغُنیه الطالب...]، لکن در کتب و فهارس همه جا «بُغیه الطالب» ضبط کرده اند. از این کتاب شریف چند نسخه دیگر نیز در اینجا موجود است.

۱۲۱۸ در یزد.

«۹۷» بهجه الحدائق

(شرح نهج البلاغه ـ عربی)

از: سیّد علاءالدین محمّد بن أبی تراب گلستانه، علیه الرحمه.

کتاب: شرح «نهج البلاغه» سیّد رضی موسوی ـ أعلی اللّه مقامه ـ است که در آن مجموعه ای از خطب و نامه ها و کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را گرد آورده. این شرح، شرح صغیر شارح است که بعد از شرح کبیر خود «حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام اللّه الناطق» نگاشته است. منتخبی از شرح صغیر در هامش برخی از چاپ های قدیم نهج البلاغه به طبع رسیده.

نسخه: تقریبًا ثلث اوّل کتاب است و کاتبِ دو ثلث این نسخه، مجتهد بزرگ مرحوم حاج سیّد حسین بن العلاّمه الکبیر حاج میر ابوالقاسم موسوی، نیای اعلای خاندان نگارنده این فهرست می باشد که در روز پنجشنبه سلخ (یا ۲۹) ماه شعبان ۱۱۳۵ از نوشتن آن فراغت یافته و بقیّه را حفید گرامی ایشان مرحوم آیه اللّه حاج میر سید محمّد برادر دانشور امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» استنساخ کرده و در ۱۳ ربیع دوّم (۱۲۸۳) آن را به پایان رسانیده اند، رحمه اللّه علیهم اجمعین.

«۹۸» بهجه المَباهج

(تاریخ و مناقب ـ فارسی)

از: شیخ ابو سعید (ابو علی. خ) حسن بن حسین معروف به شیعی سبزواری، رحمه اللّه.

کتاب: تلخیصی است از «مَباهج المُهج فی مَناهج الحُجج»، تألیف مرحوم قطب الدین کیدری شارح «نهج البلاغه»، در مناقب و معجزات و احوال چهارده معصوم صلوات اللّه و سلامه علیهم.

ص : ۹۲

نسخه: چند برگ از اوّل و حدود هشت برگ از آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. ظاهرًا در قرن ۱۰ ــ ۱۱ نوشته شده، اثر تصحیح و مقابله و هیچ امتیازی ندارد و مغلوط است.

«۹۹» البهجه المرضیّه فی شرح الالفیّه

(نحو ــ عربی)

از: جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی.

کتاب: شرح مزجی «ألفیّه» ابن مالک است و مکرّر به طبع رسیده و مشهور است.

نسخه: به خطّ نیای بزرگوار، مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد علی موسوی مجتهد چهارسوقی فرزند مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد محمد، برادر معظّم امام مجدّد صاحب روضات، رضوان اللّه علیهم.

تاریخ ختم کتابت: ۱۲۶۹. مهر کاتب: «علی ابن محمد الموسوی». کاتب معظّم، حواشی بسیار از کتب گوناگون در این نسخه آورده. حواشی دیگری نیز از والد ماجد این حقیر، آیه اللّه آقا میرزا سیّد محمدهاشم بن آیه اللّه میرزا سیّد جلال الدین روضاتی در نسخه هست.

«۱۰۰» کتاب البیان از اوّل طهارت تا آخر صوم

(فقه ــ عربی)

از: شهید اوّل، محمّد بن مکّیّ العاملی، أعلی اللّه مقامه.

آغاز نسخه که افتادگی دارد: «النیّه مقارنه لغسل الرأس او متقدّمه».

برخی اوراق حاشیه هایی منقول از مواضع متفرّقه دارد.

نسخه: به خطّ عبدالعالی بن احمد بن مفلح. تاریخ کتابت: آخر نهار یوم السبت خامس (ظ) شعبان ۸۵۷.

«۱۰۱» پنجاه موعظه

(مواعظ _ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: در سرآغاز آن چنین معرّفی شده: «امّا بعد بدانکه این پنجاه موعظه است از خداوند رحمن به حضرت موسی بن عمران _ علیه السلام _ بدون واسطه جبرئیل علیه السلام و ترجمه آن به فارسی نوشته شده. موعظه اول».

نسخه: به خطّ عبدالوهّاب لنجانی. تاریخ ختم استنساخ: ۱۲۷۶. در هامش پایان نسخه چنین نوشته شده: «بنده خاطی عاصی حسین الموسوی البربری به دقّت تمام این کتاب را مقابله نمودم و مظنون الصّحه شد، عمل باین صحیح است برأی مجتهدم، توقّع دعاء دارم از عاملین این کتاب در حال حیوه و بعد از مماتم». مهر «عبده حسین الموسوی».

این شخص در ذیل عنوان «رساله عملیّه آقا میر سید حسن مدرّس» نیز یاد شده است. مهر والد ماجد معظّم نویسنده این فهرست، «محمّد هاشم بن جلال الدّین الموسویّ» ظهر نسخه هست.

«۱۰۲» التّبصره

(فقه _ عربی)

از: آیه اللّه العظمی الشیخ محمّدتقی ابن الحاجّ محمّد رحیم ایوان کیفی اصفهانی.

کتاب: در مَباحث فقه استدلالی است و چنان که کاتب این نسخه در پایان آن نوشته مشتمل است بر ابواب طهارت و صلوه و بیع و زکوه، یعنی تمام مقداری که تألیف شده

است. این کتاب شریف در «الذیعه ۱۶: ۲۸۳ ش ۱۲۲۸» به عنوان «الفقه الاستدلالیّ»، نه به نام «التبصره» یاد شده است.

نسخه: به خطّ «سمیّ تاسع الأئمّه» یعنی محمّد تقی، و در روز آدینه دهم جُمادای دوّم ۱۲۸۱ از آن فراغت یافته و تنها شامل کتاب طهارت است، همانند نسخه ناقص دیگری که دیده شد.

اوراق پراکنده اصل خطّ نیای اعلی، مصنّف بزرگوار ـ علیه الرحمه و الرضوان ـ نیز در دست است.

«۱۰۳» التبصره الجلیّه و التذکره الحسامیّه فی المسائل المهمّه الرّضاعیّه

(فقه ـ عربی)

از: حُسام الدین بن جمال الدین طریحی نجفی مسلمی، علیه الرحمه.

ایشان برادرزاده صاحب «مجمع البحرین» و از رجال علمی خاندان گرامی طریحی نجفی بوده و در «روضه نضره: ۱۳۵» به اختصار و در «کواکب منتثره: ۱۵۷ ـ ۱۵۸» به تفصیل، یاد شده است. نیز رجوع به «فهرست گلپایگان: ۱۶۸ ـ ۱۶۹» شود.

کتاب: پیرامون آداب رضاع «شیر دادن طفل» و مسائل فقهی و حدیث های وارده در آن باب است.

نسخه: به خطّ جانعلی بن احمد خویی تبریزی. تاریخ ختم کتابت: روز یکشنبه اخیر ذیقعده ۱۱۵۰ در دارالعلم شیراز. حاشیه های شخص مؤلّف در حواشی نسخه آمده است.

«۱۰۴» التِّبیان فی إعراب القرآن

(علوم قرآنی ـ عربی)

از: ابوالبقاء محبّ الدین بن عبداللّه عکبری (متوفی ۶۱۶).

کتاب: در إعراب و ترکیب آیات قرآن کریم است و معروف و مشهور به «ترکیب ابی البقاء».

نسخه: چند برگ از آخر ناقص است و ظاهرًا در قرن ۱۱ نوشته شده و دارای آثار مقابله و تصحیح است.

آغاز: «بسم. الحمدللّه الذی وفّقنا لحفظ کتابه و وقفنا علی الجلیل من حکمه و أحکامه».

انجام موجود: «قوله نار اللّه، أی هی نار اللّه... و یجوز أن یکون حالًا من المجرور».

«۱۰۵» تجرید العقائد

(کلام ــ عربی)

از: خواجه نصیرالدین محمّد، محقّق طوسی، أعلی اللّه مقامه.

نسخه: خطّ نسخ خوب. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. ظاهرًا در أوائل سده دوازدهم نوشته شده است.

«۱۰۶» تحریر الأحکام الشّرعیّه علی مذهب الامامیّه

(فقه ــ عربی)

از: آیه اللّه علاّمه حلّی ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف حلی (متوفی ۷۲۶) أعلی اللّه مقامه.

نسخه: کامل است و مشتمل بر چهار قاعده.

قاعده اوّل در عبادات تا آخر جهاد.

قاعده دوّم: در عقود تا آخر نکاح. در این موضع کاتب نوشته است: «... تحریر الأحکام فی شرایع الاسلام...» و نام خود را حسین بن مرتضی حسینی و تاریخ استنساخ

را سلخ جُمادای دوّم ۹۸۲ نوشته.

قاعده سوّم: در ایقاعات از فراق (طلاق) تا آخر أطعمه و أشربه و در پایان، کاتب نام خود را حسین بن مرتضی بن همام الدین حسینی و ختم استنساخ را روز یکشنبه ۱۸ ذی القعده ۹۸۶ نوشته.

قاعده چهارم: از میراث است تا آخر دیات. در پایان این عبارت است که عینًا نقل می شود: «فرغ المصنّف من کتابته سنه سبع و تسعین و ستمائه الهجریّه. قد وقع الفراغ من تحریر «تحریر الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام» فی العشر الثانی من الشهر الثالث من الثلث الثالث الداخل فی العام السّابع من العشر التّاسع المتمّمه للألف، حرّره ابن مرتضی بن همام الدین حسین الحسینی، غفر اللّه...».

در پاره ای مواضع مختصر حواشی متفرقه دارد. روی برگ اوّل تملّکِ «محمد اشرف الاصفهانی» و مهر او و تملّک گنجعلی «ابن مرحوم لطف علی بیکا تو شمالباشی» و مهر او و تملّک و مهر پدرش «ابن نجف قلی بیک ناظر بیوتات لطفعلی توشمال» غفر الله ذنوبهما به تاریخ شهر جمادی الاولی ۱۰۸۸ و مهر او «لطف علی است در دو جهان دستگیر ما ۱۰۷۸»، دیده می شود.

«۱۰۷» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوّم، از نکاح تا أطعمه و أشربه و مجلّد چهارم، از میراث تا دیات و جمعًا دارای دویست و بیست برگ است.

در پایان کتاب نکاح این چنین است: «تمّ الجزءُ الثانی من کتاب تحریر الأحکام الشرعیّه علی مذهب الإمامیّه، بحمد اللّه تعالی و منّه، علی ید مصنّفه حسن بن یوسف بن مطهّر، فی مستهلّ جُمادی الأخره سنه إحدی و تسعین و ستمائه و یتلوه فی الجزء الثالث

ص : ۹۷

منه [الکلام] فی الایقاعات، و الحمد للّه».

تاریخ پایان تألیفِ جلد سوّم در ماه صفر ۶۹۷، و چهارم در هشتم شوّال ۶۹۷.

کاتب: عبد علیّ بن علاءالدین بن عبدالرحمن بن ح_ل_اره النّصریّ «به نون». ختم کتابت جلد سوّم: روز آدینه ۱۴ جُمادای دوّم ۸۵۴، و جلد چهارم در همان سال، بی ذکر روز و ماه.

در اوّل و آخر نسخه، روی چندین برگ عطف و بدرقه، یادداشت های فراوان به خطّ کاتب نسخه و سیّد مُساعد بن حسن بن مخزوم الحسینی و فرزند گرامی او سیّد حسین بن مساعد(۱) و کسان دیگر نوشته شده، و از جمله شهادتی است به تاریخ پنجشنبه ۶ ذی القعده ۸۷۴.

همچنین تاریخ تولّد سیّد حسین بن مساعد، در روز آدینه ۱۸ جُمادای یکم ۸۶۸، به خطّ پدرش، مکرّرًا در سه موضع. و تاریخ تولّد سوّمین خواهر ابوینی او؛ فاطمه، روز چهارشنبه ششم جُمادای یکم ۸۷۵، و برادر ابوینی آن دو، به نام محمّد در شب آدینه نهم ماه رمضان ۸۸۳، همه به خطّ پدرشان سیّد مساعد، لیکن بعدها روی برخی نام ها را خط زده اند.

همچنین مطالبی منقول از «ذخیره العالم و بصیره المتعلّم، للسیّد المرتضی، ره» و از «رساله فی تفسیر قولهم فی باب الزکاه: شرط الضمان إمکان الأداءِ و الاسلام» که محمّد ابن المطهّر (لابدّ جناب فخر المحقّقین) برای فرزندش یحیی در هشتم محرّم ۷۰۰ نوشته است.

---

۱ – ۱) سیّد حسین بن مساعد حسینی حائری، صاحب «تحفه الأبرار»، نسّابه عالم فرزند عالم و از مشایخ اجازه است. شرح حالش به اختصار در «احیاء الداثر ۷۲ _ ۷۳» و «منیه الراغبین ۴۲۷» و جاهای دیگر هست، و به تفصیل در «جامع الأنساب، بخش چاپ نشده».

اشعار و مطالب گوناگون دیگر نیز در این اوراق هست. همان گونه در سراسر نسخه، حاشیه ها با قید «بخطّه» دیده می شود. همچنین حواشی و منقولات از کتب فقهیِ جناب علاّمه و دیگران ـ علیهم الرحمه ـ ، نیز حاشیه ای از سیّد حسین بن مساعد روی برگِ ۷۲ با توقیع «ح م»، باز حاشیه ای به خطّ عالم جلیل شیخ حسین بن الحُسام در پشت برگِ ۶۱ با توقیع «حسین بن الحسام» نوشته شده، و ایشان عزّالدین حسین بن زین الدین علیّ بن الحسام عیناثی عاملی مذکور در «ضیاء لامع ۴۹» می باشد.

در ظهر برگ ۱۵ روبروی مسأله «ز ـ لو تزوّج حُرٌّ بأمه اثنین» صورت خوابی که جناب علاّمه مصنّف از پدر بزرگوار دیده اند، به خطّ کاتب نسخه، به این عبارت دیده می شود:

«بخطّه: رأیت فی النّوم بعد وفاه والدی ـ رحمه اللّه ـ کأنّنی أبحث أنا و إیّاه هذه المسئله و نقل الخلاف فیها و أنّ السیّد منع الإباحه هنا و الشیخ جَوّزها. فقلت له أنا فی المنام: الوجه ما قاله السیّد، لأنّ سبب البُضع لا یتبعّض، فلو حلّت هنا لتعدّد السبب بالملک و الإباحه. فقال ـ رحمه اللّه ـ : هذا غلط! لأنّا لا نقول: یستباح بعضها بالملک، بل هی حرام بجملتها... الإباحه یحصل التحلیل فی الجمیع».

«۱۰۸» نسخه دیگر

نسخه: جزء سوم و چهارم کتاب است، از اوّل کتاب نکاح تا آخر. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست و اثر تصحیح و مقابله و حاشیه ندارد.

تعداد اوراق به طوری که در بالای صفحات نوشته شده ۳۲۸ ورق، و فهرست مباحث در آغاز نسخه آمده است.

«۱۰۹» تحریر القواعد المنطقیّه فی شرح الرساله الشّمسیّه

(منطق ــ عربی)

از: قطب الدین محمد بن محمد رازی معروف به ملاّ قطب تحتانی (متوفی ۷۶۶).

کتاب: معروف و متداول و مورد بحث و درس طلّاب علوم بوده و مشهور است به «شرح شمسیّه» که مقصود شرح رساله «الشّمسیّه» تألیف نجم الدین عمر بن علی قزوینی معروف به کاتبی است (متوفی ۶۷۵) و مکرّر با حواشی و تعلیقات گوناگونش به طبع رسیده.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. دعائی روی برگ اوّل به خطّ و امضاءِ محمد کریم دربندی به تاریخ ۱۶ شوال ۱۱۸۱ نوشته شده. احتمالاً این شخص کاتب نسخه است. حواشی گوناگون در همه جا دیده می شود.

«۱۱۰» تحفه الأبرار المتلقّط من آثار الأئمّه الأطهار لتنویر قلوب الأخیار

(فقه ــ فارسی)

از: حاج سیّد محمّدباقر بن محمد نقی (به ن) موسوی شفتی بیدآبادی، حجّه الاسلام، أعلی اللّه مقامه.

کتاب: مشتمل است بر یک مقدّمه در مسائل اجتهاد و تقلید و سه باب در مقدّمات صلوه و افعال صلوه و خلل و احکام شُکوک. تاریخ تألیف ندارد.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ آخر نسخه، سنه ۱۲۴۸ می باشد. روی برگ اوّل مرحوم آقای حاج سیّد جعفر فرزند گرامی مؤلّف ــ علیهما الرحمه ــ نوشته اند که این نسخه از

منافع مزرعتین موران و طهرانجی وقف بر طلاب اصفهان گردید بر حسب وصیّت مرحوم بهرام بیک، و تاریخ ۲۰ جُمادای دوّم ۱۳۰۴ می باشد.

«۱۱۱» تحفه الأخیار شرح مونس الابرار

(مدایح ــ فارسی)

از: شیخ الاسلام مولانا محمّد طاهر بن محمّد حسین شیرازی نجفی قمی، علیه الرحمه صاحب «تحفه عبّاسی. ش ۱۱۶».

کتاب: شرح قصیده رائیّه فارسی هزاربیتی مؤلّف است در مدح امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیهماالسلام و ردّ بر صوفیّه و نیمی از آن چاپ شده است.

نسخه: نیمی از آن به خطّ مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین بن محمد مسیح روضاتی، نیای نگارنده این فهرست، و نیمی دیگر به خط کاتب خوش خطّی است که به دستور آن مرحوم نوشته و استنساخ آن ناتمام مانده است.

«۱۱۲» تحفه الخاقان

(تفسیر ــ فارسی)

از: میرزا محمّدباقر (نوّاب ــ نوّاب السالکین) لاهیجانی اصفهانی، علیه الرحمه متوفّی سوم ماه شعبان ۱۲۴۸.

نسخه: قسمت اوّل از مجلّد اوّل از پنج مجلّد کتاب است،(۱) در أمور عامّه پیغمبران. سرآغاز این جلد را مؤلّف به نام فتحعلی شاه قاجار موشّح کرده است. نام کاتب و تاریخ کتابت به نظر نرسید. لکن پیداست که در زمان مؤلّف (اوائل قرن ۱۳) نوشته شده

۱- ۱) اول: تفسیر آیات قصص. دوم: آیات احکام. سوم: آیات معارف. چهارم: آیات مَواعظ. پنجم: آیات وعید. «مکارم الاثار ۴: ذیل ش ۶۵۲» و تعلیقات پس از چاپ.

و صفحه اوّل دارای سرلوح معمولی و سایر صفحات جدول کشی شده و اثر مقابله و تصحیح مطلقًا ندارد.

«۱۱۳» نسخه دیگر

نسخه: جزءِ دوّم از کتاب قصص است. شامل قصّه قارون تا قصّه هاروت و ماروت و بحث امور عامّه پیامبران و علّت بعثت و شمار انبیاء علیهم السلام .

نسخه اصل خطّ مؤلّف است، لکن بی نام و تاریخ.

«۱۱۴» تحفه الرضویّه

(مناقب ــ فارسی)

از: ملاّ نوروز علی بن محمدباقر واعظ مشهدی معروف به فاضل بسطامی.

کتاب: در چهار باب و یک خاتمه است، در احوال حضرت امام علیّ بن موسی الرضا علیهماالسلام و ثواب زیارت آن حضرت و کرامات و معجزات و آداب زیارت و فوائد گوناگون دیگر، به نام محمد شاه قاجار تألیف شده و به طبع رسیده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. از کتابخانه مرحوم آقای حاج میرزا سید محمدباقر توی سرکانی، و در داخل جلد، تاریخ سفر مشهد خود را به سال ۳۷ ــ ۱۳۳۶ قمری ضبط کرده اند.

«۱۱۵» تحفه السّلطان

(فقه ــ فارسی)

از: ملاّ محمّدحسین غُلام، علیه الرحمه.

کتاب: مشتمل بر یک مقدّمه است در تفسیر آیه شریفه وضوء، و فصل اوّل در نقل ادلّه و اقوال علماءِ سنّی و ردّ آنان در همین موضوع، فصل دوّم در افعال واجبی وضوء،

فصل سیم در افعال سنّی وضوء، خاتمه در بیان بعضی از احکام و مسائل وضوء. تاریخ ختم تألیف: شب غرّه ذی الحجّه ۱۱۱۹.

نسخه: به خطّ نسخ زیبای کاظم بن نقی مؤذّن قزوینی. تاریخ ندارد. حواشی محقّقانه ای به امضاءِ «د، ر، عفی عنه» در نسخه هست. صفحه اوّل کتاب دارای یک سرلوح ممتاز و همه صفحات جدول کشی شده است.

تحفه شاهجهانی: حاشیه تهذیب المنطق

«۱۱۶» تُحفه عبّاسی

(کلام ــ فارسی)

از: عالم متبحّر و فقیه محدّث جلیل القدر آخوند ملا محمد طاهر بن محمد حسین شیرازی أصل، نجفی منشأ، شیخ الاسلام و مقیم قم ــ علیه الرحمه ــ که همانجا به سال ۱۱۰۰ وفات یافت و در قبرستان قدیم مقابل صحن مطهّر، جنب مرقد زکریّا بن آدم به خاک رفت. مؤلّفاتش بالغ بر ده جلد است و «تحفه الأخیار» او در سال ۱۳۷۷ به طبع رسید و عموم آثارش نسخه های خطّی است و بعضی از آنها نیز در این فهرست آورده خواهد شد. مانند «حقّ الیقین. ش ۳۵۲» و «کتاب الأربعین». شرح حالش اجمالاً در «ریحانه ۳: ۳۲۰» و رساله سعیدّیه در «دومین دو گفتار» این جانب «چاپ اصفهان، ۱۳۸۶» موجود است.

تکمله: تاریخ فوت را که پیشتر ۱۰۹۸ نوشته بودیم، برگرفته از ضبط مرحوم محدّث نوری در دو کتابش «فیض قدسی» و «خاتمه مستدرک» و به پیروی از او در «ذریعه» و «ریحانه» و «روضه نضره» بوده و در کتاب شریف «روضات» تاریخی ننوشته اند. تاریخ درست و دقیق را مرحوم خاتونابادی در «وقائع السنین: ۵۴۶» در وقائع سال

یکهزار و یکصد تمام، این گونه رقم زده است:

«فوت آخوند مولانا ملّا محمّد طاهر شیخ الاسلام قم، در هشت ساعتی شب جمعه بیست و سوم ذی قعده سنه هزار و صد هجری. عمر او صد سال بود».

نیز، در سرآغاز نسخه کتاب «حجّه الاسلام فی شرح تهذیب الأحکام» مرحوم آخوند ملّا محمد طاهر، که سال ها پیش از این در ضمیمه کتاب «ترتیب التهذیب» چاپ لوحی شد، شرح زیر به امضای «فتحعلی، عفی اللّه عنه» نوشته شده است:

«مات ــ رحمه اللّه ــ فی سنه المائه بعد الألف و دفن ــ طاب ثراه ــ بقمّ.

طاهر، آن رونق شریعت و دین چون از این خاکدان به آیین رفت

شرع چون شد ز فوت او کاسد عقل گفتا که: رونق دین رفت»

«رونق دین رفت» مطابق است با یکهزار و یکصد تمام.

پس از چاپ شرح حال ملا محمد طاهر در «روضه نضره: ۳۰۲» ناشرِ «کواکب منتثره: ۳۹۶» مرحومِ آخوند را در آنجا نیز تجدید عنوان کرده اند، ولی تاریخ در جنب نامش «م ۱۱۵۰» اشتباه چاپ شده و سال ۱۱۰۰ هم پایان سده یازدهم است. برای آگاهی بیشتر از آثار ملّا محمد طاهر به «فهرست مجلس ۲۳: ۳۲۰» و «فهرست کتابخانه مرعشیّه ۱۱: ش ۴۰۱۴» رجوع فرمایند.

کتاب: اصول دین است به زبان ساده با دلائل روشن که مؤلّف در مبحث توحید به ذکر عجائب خلقت پرداخته و حکمت های گوناگون نظام طبیعت را شرح داده و از نتائج کائنات سخن گفته و حِکم و فوائد فصول چهارگانه، گردش آفتاب و ماه و بروج، شب و روز، ستارگان، زمین، کوه ها، قوّه کهربا، زیبق، اختلاف شب و روز، عجائب کشتی ها، دریاها، معادن، انواع درختان، گیاه ها، آب ها، حیوانات، وزیدن بادها، ابرها، باران و برف و تگرگ، صاعقه، خلقت انسان، و... هر یک را به تفصیل یا اجمال بیان

کرده و سپس به ذکر دلائل کلامی در مبحث توحید و سایر مباحث پرداخته است.

نیمه اوّل کتاب تنها اختصاص به توحید دارد و در مبحث نبوّت، بیش از دو سه صفحه گفتگو نکرده، وارد امامت شده، در این باره نیز نسبةً به تفصیل سخن رانده و گزیده مَثالبِ أعداء و مَناقب و احوال ائمّه اطهار علیهم السلام را بیان نموده و وارد مبحث معاد شده، و بالاخره شروحی مختصر پیرامون عدد کبائر و مسائل نماز نگاشته و کتاب را خاتمه داده است. عناوین مباحث جزئی کتاب به نحو سؤال و جواب چنین است: [اگر پرسند که... پس بگو که...].

این کتاب در «ذریعه ۳: ۴۵۲ شماره ۵ و ۱۶۴۴» یاد شده و نسخه ای از آن را نزد مولوی ذاکر حسن هندی و نسخه دیگری را در کتابخانه راجه سیِّد محمّد مهدی فیض آبادی نشان داده اند. از نام کتاب برمی آید که آن را برای شاه عباس دوّم نوشته است، همان گونه که پس از آن کتاب «عطیّه ربّانی و هدیّه سلیمانی» را به نام شاه سلیمان تألیف کرد.

آغاز: «بسم... الحمد للّه رب العالمین و الصَّلوه و السَّلام علی محمّد و آله الطاهرین. و بعد، بدان ایعزیز من و آگاه باش که دنیا موضع راحت و محلّ فراغت نیست. بلکه دنیا مزرعه آخرتست.... بدانکه معرفت أصول دین مرتبه اش از همه طاعتها و عبادتها بالاتر است.. و چون رساله ها که درباره معرفت نوشته اند مشکل و دشوار بود در فهم، بنابرین؛ محتاج إله قادر محمد طاهر این رساله را ترتیب داد، و آن را بر عبارات ظاهره و دلائل واضحه بقانونی که از أنبیاء و أئمه معصومین علیهم السَّلام منقولست مشتمل ساخت... و آنرا به «تحفه عبَّاسی» موسوم گردانید..، ای عزیز من: اگر پرسند که اصول دین چند است؟ بگو پنج است... اگر پرسند...».

ص : ۱۰۵

انجام: «و مشهور اینست که بجای (الحمد) یکبار (سبحان اللّه و الحمد...) کافیست، امَّا احتیاط اینست که تمام سه بار گفته شود. تمّت الرّساله «التحفه العباسیّه» من تصنیفات مولانا محمّد طاهر القمی... فی تاریخ صفر المظفَّر ۱۲۷۳...».

نسخه: دارای ۹۶ برگ که ۴ برگ از اوّل و ۳ برگ از آخر نونویس و به خطّ نیای گرامی، عالم متتبّع محقّق بزرگوار، حجَّه الاسلام حاج میر سیّد محمّد چهارسویی(۱) است به تاریخ ماه صفر ۱۲۷۳، و بقیّه در اواخر قرن ۱۱ یا اوائل قرن ۱۲ نوشته شده. خطّ نسخ ۱۴ سطری، کاغذ اصفهانی و ترمه، عناوین به شنگرف، قطع ۱۳ و نیم × ۱۸ و نیم، جلد تیماج مشکی نو.

«۱۱۷» تحفه الغریب فی الکلام علی مُغنی اللّبیب

(نحو ــ عربی)

از: بدرالدین محمّد بن أبی بکر بن عمر دمامینی، متولّد ۸۶۳ در اسکندریّه، متوفّی ۹۲۸ در گلبرجای هند.

کتاب: شرحِ «مغنی اللبیب عن کتب الأعاریبِ» ابن هشام است به «قال ــ أقول» و دارای نکات ادبی و تاریخی فراوان ممتازی است، و این دوّمین شرح شارح است که در شهر

ص : ۱۰۶

۱- ۱) متولّد ۲۱ محرم ۱۲۲۲ در خوانسار، متوفی ۲۸ ماه رمضان ۱۲۹۳ در اصفهان، مدفون در تکیه مادر شاهزاده، خارج بقعه در بالای سر پدر علامه بزرگوارش مرحوم آیه اللّه حاج میرزا زین العابدین موسوی. در کتابشناسی هیچ یک از علماءِ متأخر این سامان به پایه او نرسیده اند، صدها نسخه خطی در چندین کتابخانه به نظر نگارنده رسیده که تمام یا قسمتی از آنها به خطّ آن مرحوم بوده و بسیاری از آن آثار در همین فهرست ذکر شده است، و ایشان این خصیصه را از پدران دانشمند خود به ارث برده اند. امام مجدّد صاحب «روضات الجنات» از تبحّر و مهارت این برادر دانشور در تألیف کتاب شریف خود استفاده فرموده اند.

نهرواله از بلاد هند به دستور سلطان آنجا نوشته، و به قول «کشف الظنون» در ۹۱۸ از آن فراغت یافته است.

دمامینی شرح سوّمی هم به صورت مزجی بر مغنی نوشته و چون به حرف فاء از باب اوّل رسیده وفات یافته و همین شرحِ ناتمام و مهمّ است که به سال ۱۳۰۵ در هامش مجلّد اوّل حاشیه مغنی شُمُنّی «المُنصف من الکلام» بدون خطبه و دیباچه چاپ شده است، چنان که در چاپ تصویری قم «حوالی ۱۴۰۵» دیده می شود. امّا در «معجم المطبوعات: ۸۸۰» که اصل همان یک چاپ را ذکر نموده، آغاز خطبه دمامینی را به چند کلمه آورده که لابدّ از نسخه ای خطّی یا جای دیگری گرفته است.

در چاپ های سنگی تبریز و طهرانِ مغنی که تمام صفحات پر از حواشی گوناگون است، هم از تحفه جای گفتگو و هم از شرحِ ناتمام دمامینی نقل شده است بدون تعیین و تبیین.

نسخه: یک برگ از آغاز و چند برگ از آخر و قدری از وسط ناقص است و به چند گونه خطّ نوشته شده و به آخر باب اوّل رسیده است. پس نیمه اوّل کتاب می باشد.

«۱۱۸» التحفه القوامیّه فی فقه الإمامیّه

(فقه، منظوم ــ عربی)

از: میر قوام الدین محمّد بن محمّد مهدی حَسنی سیفی قزوینی ــ علیه الرحمه ــ از علمای بزرگوار بسیار پر کار موفّق با ذوق و سلیقه ممتاز و ذوق شعری فارسی و عربی و همه گونه خطّ خوش به سر حدّ کمال، در تمام دوران شاه سلطان حسین صفوی و نادر افشاری، از خاندان سیفی حسنی قزوینی.

ص : ۱۰۷

در «کواکب منتشره: ۶۰۳ ـ ۶۰۵» که شرح حال و آثارش را نوشته اند، تاریخ فوتش را ۱۱۵۰ ذکر کرده اند که مأخذی ندارد و نسبتش را هم آنجا و هم در عنوانِ فرزندش میر عبداللّه (ص ۴۶۵)، حُسینی نوشته اند که نادرست است و سادات سیفی قزوینی حسنی (بفتح حاء) هستند. همچنان که در نسخه اصیل کتاب مورد بحث و هم به خطّ شریف خود میر قوام الدین در «بیاض محمد شریف بن ملاّ روح اللّه الجیلانی» موجود نزد این حقیر، صریحًا واضحًا «حَسنی» است. و کذلک در نسخه اصیل «اجازه کبیره مرحوم سیّد عبداللّه جزائری» به خط فرزندش مرحوم سیّد بهاءالدین محمّد (ق ۱۲۲). مع الوصف در اجازه چاپ آقای سمامی حائری (ص ۱۶۵) در متن «الحسینی» آورده و در حاشیه فرموده اند که: «فی کلا [کلتا] النّسختین: الحسنیّ، و ما أثبتُّه من کتب التراجم»!

کتاب: منظومه ای است در فقه، مشتمل بر چهار رُبع، که در آن کتاب «اللُّمعه الدمشقیّه» شهید اوّل ـ رضوان اللّه علیه ـ را در شهر قزوین به نظم درآورده و این رباعی که از خود ناظم است و در ذیل فهرست کتابش که در آغاز همین نسخه نوشته شده، مُبیّن شمار ابیات هر ربع از منظومه می باشد، و پس از آن مقدّمه کوتاهی به نثر:

این «تحفه» کزو شود مسائل مفهوم قدرش باشد بر اهل دانش معلوم

از «لمعه منظومه» و «علم منظوم» «فقه منظوم» همچو «عقد منظوم»

۱۲۱۰ ۱۳۲۱ ۱۱۷۶ ۱۱۸۶

نسخه: در کمال نفاست و صحّت است و پیدا است که مؤلّف خودْ آن را به منظور پیشکش به شاه سلطان حسین نویسانده و شخصًا تصحیح کرده و سپس به انواع آرایش ها تزیین و آراسته است. مع الأسف برگ اوّل منظومه را که دارای لوح و تهذیب بوده، در همان زمان ها بریده و برداشته اند با تضییع های دیگر.

ص : ۱۰۸

در آخرین صفحه، شخص ناظم این چنین نوشته است:

«بلغ قبالاً سنه ۱۱۱۷، و کتب العبد الداعی لدوام الدوله القاهره: ناظم الرساله، حامدًا مصلّیًا مسلّمًا مستغفرًا».

کاتب نسخه: محمد نصیر بن محمد شریف طالقانی. تاریخ استنساخ: ۱۱۱۶.

«۱۱۹» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ هادی بن مهدی است و در پانزدهم محرّم الحرام ۱۲۴۹ از کتابت آن بیاسوده، و کامل است.

«۱۲۰» تدبیر المعاش لتحصیل زاد المعاد

(طبّ ـ عربی)

از: نامعلوم. (چند کتاب از قبیل «کشف الظنون» و ذیل آن و فهارس برخی از کتابخانه ها را نگاه کردیم، چنین نامی به نظر نرسید.)

کتاب: مختصر مفیدی است در علم طبّ و حفظ الصحّه مشتمل بر یک مقدّمه در تعریف طبّ و شش مقاله و یک خاتمه. در دیباچه این فائده را آورده:

«و ما حکی الثعلبیّ فی تفسیر قوله تعالی «و کلوا و اشربوا و لا تسرفوا» مِن انّ الرشید کان له طبیب نصر انیّ حاذق فقال لعلیّ بن الحسین بن واقد: لیس فی کتابکم من علم الطبّ شیء و العلم علمان علم الأبدان و علم الأدیان فقال له علیٌ: جمع اللّه الطبّ فی نصف آیه من کتابه و هو قوله «و کلوا و اشربوا و لا تسرفوا» فقال النصرانی: فلا یروی عن نبیّکم شیء من الطبّ، فقال علیّ: جمع رسول الله صلی الله علیه و سلّم الطبَّ فی کلمات و هو قوله: «المعده بیت الداء و الحمیه رأس کل دواء و أعط کلّ بدنٍ ما عوّدته». فقال

النصرانیّ: ما ترک کتابکم و لا رسولکم لجالینوس طبًّا».

نسخه: به خطّ نستعلیق و یک دو برگ از اوّل و مقداری از آخر ناقص است.

آغاز موجود: «و الارضین و ما فیهنّ خصوصًا فی خلق نفسه».

انجام موجود: «حرف الواو. ورد. أجوده شدید الحمره... ینفع من برد المعده و الکبد و سوء الهضم فاذا».

به علّت نقص نسخه، نام مؤلّف و نام کاتب و تاریخ استنساخ معلوم نشد و نام کتاب در برگ دوم متن موجود است. تاریخ کتابت تخمینًا قرن دهم به نظر می رسد.

«۱۲۱» تذکره خواصّ الأُمّه فی معرفه الأَئمّه

(مناقب ـ عربی)

یا: «تذکره الخواصّ من الأُمّه فی ذکر مناقب الأئمّه». حدود سال ۷ ـ ۱۲۸۵ ق چاپ شده است، به چاپ سنگی در طهران.

از: شمس الدین ابوالمظفر یوسف بن قزغلی واعظ حنفی معروف به سبط ابن ـ الجوزی متولّد ۵۸۱ یا ۵۸۲، متوفی ۶۵۴ در دمشق.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت و اثر تصحیح و مقابله ندارد. این نسخه با نسخه چاپ سنگی مختصر اختلافاتی دارد و اگر چه خود نیز مغلوط است، امّا برای مقابله با چاپی مفید خواهد بود.

«۱۲۲» تذکره الفقهاء

(فقه ـ عربی)

از: آیه اللّه علاّمه جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهَّر حلّی (متوفی ۷۲۶)، رحمه اللّه.

نسخه: جزء ۱۲ و ۱۳ کتاب است از آغاز اجاره تا آخر کتاب الوقف. تاریخ ختم

تألیف جزء ۱۲ چنان که در این نسخه آمده: پنجم شوال ۷۱۵ در حلّه، و تاریخ ختم استنساخ این جلد: ۲ ربیع الاول ۱۲۳۴. تاریخ ختم تألیف جزء ۱۳ در این نسخه: ۱۶ جمادی الاولی ۷۱۶ در سلطانیّه و این جزء، تاریخ استنساخ ندارد و نام کاتب مطلقًا به نظر نرسید و اثر تصحیح و مقابله و تحشیه و امتیازی ندارد.

«۱۲۳» ترتیب اختیار الرجال

(رجال ـ عربی)

از: ملاّ عنایه اللّه کوپایی اصفهانی، علیه الرحمه.

کتاب: در عنوان «تلخیص الأقوال. ش ۱۸۱» شرحی پیرامون علم رجال نوشته ایم. یکی از قدیمی ترین کتاب هایی که در این علم تألیف شده، «رجال کشّی» است که آن را «معرفه النّاقلین عن الأئمّه الصّادقین» خوانده اند.

نویسنده این کتاب، ابو عمرو محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشّی از دانشمندان امامیّه و در طبقه مرحوم شیخ کلینی (متوفی ۳۲۹) بوده است. پس از کشّی، شیخ الطائفه أبو جعفر طوسی قدس سره (متوفی ۴۶۰)، کتاب او را به سال ۴۵۶ در نجف اشرف تلخیص و بر هفت جزء تقسیم کرد. تلخیص شیخ به نام «اختیار الرجال» خوانده می شود، لکن چون از اصل کتاب کشّی قرن ها است خبری نیست، اکنون «رجال کشّی» را بر همین انتخاب شیخ اطلاق می کنند، و در کتب رجال نیز آن را به رَمز «کش» مشخّص می نمایند.

پیرامون اصل و منتخب این کتاب در «ذریعه ۱: ۳۶۵ و ۱۰: ۱۴۱» و «فهرست دانشگاه ۲: ۴۸۲ ببعد» و جاهای دیگر سخن رفته است و چون «اختیار الرّجالِ» شیخ که از زمان خود او مورد توجّه واقع شده ترتیبی در نام راویان نداشت و استفاده از آن بسی

دشوار بود، چند تن از دانشمندانْ به ترتیبِ این کتاب همّت گمارده و در «ذریعه ۴: ۶۶» و «فهرست دانشگاه ۲: ۴۹۹» معرّفی شده اند.(۱)

از جمله این دانشمندان، مرحوم ملاّ ـ عنایه اللّه کوپایی اصفهانی شاگرد مولانا احمد مقدّس أردبیلی و آخوند ملاّ عبداللّه شوشتری اصفهانی و شیخ بهائی است ــ رحمه اللّه علیهم اجمعین ــ . وی در رشته علم رجال بسیار رنج برده و کارهای سودمند گرانبهایی به انجام رسانده است. از گزارش زندگانی او جز اندکی که از «روضات الجنات: ۴۰۳» و آثار خود او به دست می آید، اطّلاعی نداریم و آنچه در «مستدرک الوسائل» و «فوائد رضویّه ۱: ۳۴۲» و «ریحانه الأدب ۳: ۳۲۶» و جاهای پراکنده «ذریعه» و «فهرست دانشگاه» گفته اند، چیزی سوای همان مطالب نیست، چنان که حاج ملاّ علی طهرانی قدس سره نیز در «توضیح المقال: ۶۱ ــ تاریخ تألیفش ۱۲۹۹» چند سطری که درباره این دانشمند نوشته به استناد تألیفات رجالی اوست، گوید: «و منهم: المولی عنایه اللّه: کتابه «مجمع الرجال» من أقوی الشّواهد علی عُروجه أقصی مَدارج الفضل و الکمال و زیاده غوره و تعمّقه فی علم الرّجال. و رأیت أیضًا له حواشی علی «نقد الرّجال». و له أیضًا ترتیب النجاشی و الکشّی و الحواشی علیه».

در «روضات: ۴۰۳» فرماید که: «فاضل ثقه أمین، زکیّ الدّین عنایه اللّه... قهپایی اصفهانی رجالی ملقّب به زکیّ نجفی که أصل و ریشه او و محلّ تحصیلش در نجف أشرف بوده...».

بعد، آثار او را برشمرده، و از بعض أرکان نقل فرموده که او دانشمندی محقّق و در

---

۱ – ۱) «اختیار الرجال» با غلط های بسیار به سال ۱۳۱۷ به اهتمام مرحوم شیخ علی محلاتی در بمبئی چاپ حروفی شده و بر این کتاب، مرحوم میرداماد (متوفی ۱۰۴۰) تعلیقات فراوانی نوشته است «ذریعه ۶: ۸۸». مجدّدًا اختیار و همچنین تعلیقات در این اواخر به طبع رسید.

علم رجال بسیار وارد و دلیر بود. سپس شاگردی او را نزد سه دانشمند یاد شده از «مجمع الرّجال» استنباط نموده و افزوده اند: «وی معاصر أمیر سیّد مصطفی تفرشی صاحب «نقد الرّجال» بود و با او حکایت ها دارد که در اینجا نمی آورم و شاید در ترجمه سیّد به پاره ای از آنها اشارت کنم». اما آنجا هم چیزی یاد نشده است.

از آثار ملاّ عنایه اللّه این کتاب ها موجود و هیچ یک به طبع نرسیده است: ۱ _ «ترتیب رجال کشّی» که همین کتاب مورد گفتگو است. ۲ _ «ترتیب رجال شیخ طوسی». ۳ _ «ترتیب فهرس شیخ طوسی» که از هر دو در «مجمع» یاد کرده. ۴ _ «ترتیب رجال نجاشی» که نام همه أشخاص مذکور در آن را چه با عنوان و چه در ذیل عنوان دیگران به ترتیب حروف گرد آورده و از خود نیز تعلیقات سودمند بر کتاب افزوده است. نسخه این ترتیب نزد حاجی نوری و نسخه دیگر نزد آیه اللّه آقا سیّد حسن صدر در کاظمین بوده: «ذریعه ۴: ۷۰». ۵ _ حاشیه بر «نقد الرّجال». نسخه آن را صاحب «توضیح المقال» دیده است: «توضیح: ۶۲». «ذریعه ۶: ۲۲۸» دیده شود. ۶ _ «مجمع الرّجال». قهپایی پس از کوشش هایی که در علم رجال و ترتیب کتاب های آن نمود، کتابی مبسوط و بزرگ به ترتیب دقیق درین علم نوشته و هر چه در کتب رجال سابق بود در اینجا جمع آوری کرده «مجمع الرّجال» نامید و به سال ۱۰۱۶ از تألیف آن فراغت یافت.(۱) نسخه أصل این کتاب که به خطّ مؤلّف و پر از حواشی اوست در یک جلد قطور اکنون نزد صاحب «ذریعه» موجود و نویسنده آن را زیارت کرده است. برای توضیح بیشتر رجوع شود به

۱- ۱) مؤلّف در پایان کتاب از شاه عبّاس اوّل تجلیل کرده و از جمله گوید: «الّذی خصّه اللّه تعالی من بین الملوک بصحیح الاعتقاد و کمال العقل و وفّقه علی إعلاءِ کلمه الفرقه الناجیه...»، و پس از دعای شایسته در حقّ او، تاریخ ختم تألیف را در دارالسلطنه اصفهان در سحر شب دوشنبه ۲۳ جُمادای دوم ۱۰۱۶ نوشته است. رحمه اللّه علیه.

«الذریعه ۱: ۳۶۵ و ۴: ۶۵ تا ۶۷ و ۶: ۲۲۸ و ۱۰: ۱۳۸» و «فهرست دانشگاه ۲: ۴۸۲ ببعد».(۱)

«ترتیب اختیار الرجال» را قهپایی بر این روش نوشته که ابتدا پس از دیباچه کوتاهی، عین حدیث های مذکور در أوّل «إختیار» را نقل و سپس شروع به ترجمه ها نموده، کنیه های مصدّر به «ابن» و بعد مصدّر به «أب» و سپس اسامی را به ترتیب حروف ألفبا آورده و ترجمه های کتاب را به یونس بن یعقوب تمام کرده و در پایان، مختصری مشتمل بر نام و نسب مؤلّف و تاریخ اتمام کتاب «ظهر دوشنبه ۱۷ محرم ۱۰۱۱» نوشته است.

«ترتیب» در «ذریعه ۴: ۶۶» یاد شده و نسخه خطّ مؤلّف را در کتب موقوفه شیخ عبدالحسین طهرانی در کربلا و نسخه دیگر را در کتابخانه آقا سیّد حسن صدر _ رحمه اللّه علیهما _ نشان داده و فرموده اند که نسخه خطّ مؤلّف مشتمل بر حواشی کثیره ای از خود او و به خطّ او است و در آخر آنها رمز نام خود را «ع» نهاده است.

آغاز: «بسم... الحمد... و بعد؛ لما کان کتاب «اختیار الرّجال» المتجزّی علی سبعه أجزاء للشیخ الأجل... محمد بن الحسن الطوسی... الموضوع لذکر رجال الخاصه «ظ» و بیان حالهم بالرّوایات الوارده فیهم و أقوال المعتمدین فی هذا الفنّ المنتخب من کتاب الشیخ المتقدّم أبی عمرو... الکشّی... فی معرفه الرجال من العامّه و الخاصّه... المشهور بکتاب الکشّی لانتخابه منه؛ غیر مرتب، و کان یترتّب علیه الأمور العظام من الإشتباه فی الرّجال و عدم سهوله تحصیل المطلب و تمام معرفه حاله حیث کانت متفرّقه فیه و غیرها،

۱- ۱) این کتاب شریف به همّت والای عالم عامل محقّق جلیل حاج سیّد ضیاءالدین علّامه فانی اصفهانی «متوفی در ماه شوّال ۱۴۱۹» در هفت مجلّد در چاپخانه های اصفهان به طبع رسید و در سال ۱۳۸۸ ق، خاتمه یافت. جزاه اللّه تعالی خیرًا.

تشرّفتُ بترتيبه على ترتيب حروف الهجاءِ بعين عبارته بغير تغيير فيها إلاّ ما يلزمه من ذكر كلّ رجل متّصل بآخر فى عنوان بما يخصّ به و التزام ذكر كلّ رجل غير معنون يُفهم مدحه فى الكتاب من روايه أو قول بعنوان، بل إلتزام ذكر كلّ ما يظهر من ذكره فايده من مدح أو ذمّ فى المحلّ المناسب له؛ إيفاءً لحقّه، و كذلك المذكور بالذّمّ... و أوردت المصدّر بالكنى و الألقاب فيه مقدّمًا مرتّـبًا لتناسبه للمصدّر بالألف... و أنا العبد عِنايت اللّه بن شرف الدين القهبائى الزكىّ النجفى حامدًا مصلّيًا. حمدويه بن نصير الكشىّ...».

انجام: «قد تمّ ترتيب هذه النسخه الشّريفه على حروف الهجاءِ المسمّيه باختيار الرجال للشيخ الجليل الطّوسى من كتاب الشيخ أبى عمرو.. المشهور بالكشى لانتخابه إيّاه منه، على يد مرتِّبه أقلّ خلق اللّه تعالى و أحوجهم إلى رحمته عنايت اللّه بن شرف الدين بن محمود بن شرف الدين على.. القهبائى أصلًا الزّكىّ لقبًا النّجفى توطّنًا، وفّقنى اللّه على الرّجوع إليه... فى ضحوه يوم الاثنين سابع عشر شهر محرّم الحرام سنه حادى عشر و الف... ببلده اصبهان... و الحمد للّه.».

* * *

نسخه: دارای ۱۶۲ برگ به خطوط گوناگون نَسخ و نستعليق و شكسته ۲۱ سطرى. گمان مى رود برخى از اوراق به خطّ مؤلّف باشد، و يادداشت هايى كه در كنار پاره اى از صفحات هست(۱) مؤيّد اين گمانست.

روى برگ ۱ نام كتاب «منتخب رجال كشّى» و سپس وقفنامه اى به خطّ و مهر محمد كاظم بن مرحمت و مغفرت پناه حاجى ميرزا محمد صادق گلستانه الحسنى الحسينى به

ص : ۱۱۵

۱- ۱) از اين گونه يادداشت ها: «انشاء اللّه تع حديث... ازينجا زده شود؛ و در ذيل... نوشته شود كه خيلى مناسب است».

تاریخ غره صفر ۱۲۳۶ دیده می شود که در آن نوشته: «عالیجناب، فضایل مآب، قدوه المحقّقین، سیّد الفضلائی؛ مقتدی الأنامی؛ مجتهد العصر و الزّمانی حاجی سید محمد باقر(۱) زید فضله؛ حسب الوصیّه مرحوم مغفور حاجی میرزا محمد صادق گلستانه وقف نمود این کتاب را با سایر کتب دیگر به نهجی که در ظهر کتب دیگر مرقوم شد است...». مهر: «عبده محمد کاظم بن محمد صادق گلستانه». در همین صفحه تملّک ابوطالب حسینی دیده می شود: «قد شرّفنی اللّه تعالی بتملکه... فی سوق بلدی اصفهان... و أنا ابن حبیب اللّه ابوطالب الحسینی...... ذی الحجّه سنه ۱۱۷۵». مهر: «ابوطالب بن حبیب اللّه الحسینی». ایضًا مهر شخص دیگری: «الموفّق عبده للسّداد محمد علی بن عبدالجواد».

کاغذ اصفهانی، قطع ۱۳ × ۱۹، جلد میشن قهوه ای مقوّایی ضربی، داخل کاغذ گلی رنگ. نام کاتب و تاریخ کتابت در نسخه نیست و عنوان ها عمومًا در هامش نوشته شده است.

ترجمه احقاق الحقّ: إثبات الحقّ

«۱۲۴» ترجمه ادعیه کافی

(دعاء ــ فارسی)

از: میر محمد سلیم بن میر محمد صادق حسینی طالقانی، علیه الرحمه.

کتاب: ترجمه کتاب دعاءِ «کافیِ» شیخ کلینی ــ رضوان اللّه علیه ــ است در شصت باب.

آغاز: «بسم... امّا بعد، چون بندگان مأمورند که حوائج مشروعه خود را از درگاه الهی به أدعیه مأثوره مسئلت نمایند، و اَدعیه کلینی از جمله ادعیه معتمدٌ علیها

ص : ۱۱۶

۱- ۱) حاج سید محمد باقر حجه الاسلام رشتی شفتی بیدآبادی اصفهانی، علیه الرحمه.

است؛ داعی دوام دولت قاهره، میر محمد سلیم ابن میر محمد صادق طالقانی را به خاطر رسید که در این اوراق ادعیه و معنی آن را بیان نماید تا همه کس را از آن بهره آید».

انجام: «تمام شد کتاب دعاء و بعد از او است کتاب فضل القرآن. تمّ کتاب الدعاءِ من الکلینی متنًا و شرحًا علی ید أقلّ السّادات و الطلبه میر محمد سلیم ابن میر محمد صادق الحسینی الطالقانی».

نسخه: نام کاتب و تاریخ تألیف و کتابت ندارد. متن ادعیه با مرکّب و به خطّ نَسخ مشکول و ترجمه در زیر سطور به شنگرف به خطّ نستعلیق نوشته شده، و نسخه به شکل بیاض است و بعید نیست که به خطّ شخص مترجم باشد.

«۱۲۵» ترجمه أناجیل أربعه

(دینی _ فارسی)

از: میر محمّدباقر بن اسماعیل حسینی خاتونابادی اصفهانی، ملّاباشی «معلّم» شاه سلطان حسین صفوی، متولّد ۱۰۷۰، متوفّی مسمومًا در ربیع یکم ۱۱۲۷، مدفون در تکیه خاتونابادی های تخت فولاد اصفهان، صاحب «ترجمه تفسیر علیّ بن ابراهیم. ش ۱۲۶» و «ترجمه عهدنامه امیرالمؤمنین علیه السلام . ش ۱۴۰» و «رساله در کفّارات شرعیّه. ش ۴۰۷». والد ماجدش صاحب «شرح الکافی. ش ۵۱۶» است.

میر محمّدباقر دارای شخصیّتی کاملاً ممتاز و مقرّب نزد شاه بوده و در سخنوری بر فراز منبر تدریس، بیانی هوش ربا داشته، و آثار چندی را برای شاه و به نام او تألیف یا از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

شرح حال و نام آثارش در «کواکب منتثره: ۸۷ _ ۸۹» و «دانشمندان مهدوی: ۱۵۸:

ص : ۱۱۷

ش ۲۲۲» و «زندگینامه علّامه مجلسی ۱: ۳۲۴» و «مکارم الاثار ۱: ۱۱۲» و «فهرست منزوی ۱: ۳۹۲» و «شهداء الفضیله: ۲۳۴» آمده است. محدّث قمّی ـ أعلی اللّه مقامه ـ در کتاب شریف «منتهی الامال ۲: ۵۵. چاپ علمیّه اسلامیّه» که خاندان معظّم سادات خاتونابادی را معرّفی نموده، درباره میر محمّدباقر ملّاباشی فرماید:

«... و در مدرسه چهارباغ اصفهان تدریس می فرمود و در سنه (۱۱۲۷) یکهزار و یکصد و بیست و هفت او را به زهر شهید کردند. درتاریخ او گفته شد: آمد جگر از شهید ثالث بیرون (۱۱۲۷ = ۲۲۳ - ۱۳۵۰)، در تخت فولاد، در جوار والدش، در یکی از حجرات مدفون گشت».

بیفزاییم که گوشه هایی از احوال آن جناب در چند جای «وقائع السنین و الأعوام» دیده می شود، و داستان افول ستاره اقبال او در سال ۱۱۲۷ آمده و بالاخره گوید: «و در شب سه شنبه ششم شهر ربیع الاوّل سنه هزار و صد و بیست و هفت، سه ساعت به طلوع صبح مانده از دنیا رحلت نمود، به آزار ذات الریه، در وقتی که آفتاب در برج حوت بود. اللّهم اغفر له.... و عذّب من سعی فی دمه».

کتاب: ترجمه انجیل های چهارگانه «کُتب عهد جدید» از کتب مقدّس مسیحیان است که میر محمّد باقر به فرمان شاه از نسخه عربی به فارسی ترجمه کرده و خود در حواشی توضیحاتی پیرامون مطالب گوناگون آن اناجیل نوشته است.

تاریخ تألیف: بیستم شوّال المکرّم ۱۱۰۸، دو سالی پیش از درگذشت علّامه مجلسی أعلی اللّه مقامه و مقامه.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، مانا نسخه ای است که به فرمان مؤلّف برای پیشکش به شاه و با امتیازاتی استنساخ شده است.

ص : ۱۱۸

دانشـمند کوشای روحانی حاج شیخ رسول جعفریان، در سال های «۱۳۷۳ ـ ۱۳۷۵ ش» به همّت والای خود کتاب را از روی همین نسخه و یک نسخه دیگر، دوبار در تهران چاپ کردند و مقدّمه مبسوط و ممتّعی بر آن نوشتند.

ص : ۱۱۹

از مرحوم میر محمّـدباقر یک دفتر متفرّقات «بیاض» شـکل در دست داریم که در برگ چهارم آن عمود نسب خود را در آغاز جوانی نوشـته است. این نسب نامه به این صورت ــ غیر از اختلافات جزئی ــ دو سه نام در میان اسامی، بیشتر از آنچه دیگران نوشـته اند دارد، مانند چند جای «وقائع السنینِ» عمّش میر عبدالحسین، و «الفیض القدسی» و خاتمه «مستدرک الوسائل» لابدّ از همـان وقـایع، و «منتهی الامال ۲: ۵۵» و از آن در «شــهداء الفضـیله»، و «کـواکب منـثره: ۲۳۷» از مشـجّرات میر عبـدالکاظم، و «مکارم الاثار ۱: ش ۷۴» از مسـتدرک، و «نابغه فقه و حدیث: ۲۴۷»، و بالاخره «نورالأبصار» به قلم مرحوم آقا سـیّد حسین آزاد خاتونابادی، که این هر دو همانند «مکارم» است. و اللّه العالم.

«۱۲۶» ترجمه تفسیر علیّ بن ابراهیم

(تفسیر ــ فارسی)

از: میر محمّدباقر بن اسماعیل حسینی خاتونابادی ــ علیه الرحمه ــ صاحب «ترجمه أناجیل. ش ۱۲۵».

کتاب: ترجمه فارسی «تفسیر علیّ بن ابراهیم قمّی» ــ رضوان اللّه علیه ــ است به حذف أسانید، که به دستور شاه سلطان حسین صفوی ترجمه شده و مترجم در مقدّمه، شرح مبسوطی در مدح و ثناءِ شاه و عصر و زمان او نوشته، و سبک و اسلوب کار خود را نیز به تفصیل بیان کرده، و گویا تألیف آن ناتمام مانده است. عبارات کتاب یکدست و شیوا است.

نسـخه: نـام کـاتب و تاریـخ کتـابت نـدارد و به خطّ یکی از خوشـنویسان زمان است که آثار دیگری هم از او به نظر رسـیده و معرّفی کرده ایم.

علی أیّ حال، نسخه شاهانه است و دارای یک سرلوح زیبا و صفحات به طلا

ص : ۱۲۰

جدول کشی شده می باشد.

«۱۲۷» ترجمه ثواب الأعمال و عقاب الأعمال

(حدیث _ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: مجموعه روایاتی است در باب ثواب و عقاب اعمال. اصل عربی آن تألیف شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی _ علیه الرحمه _ است و به طبع رسیده.

آغاز: «بسم. أشهد أن لا اله الاّ اللّه وحده لا شریک له... گفت شیخ ابوجعفر... آنچه باعث بود مرا بر تألیف کردن این کتاب».

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت: عصر روز سه شنبه ۱۷ جمادای دوّم ۹۷۸. از کتابخانه نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد علی، فرزند آیه اللّه حاج میر سیّد محمّـد موسوی برادر معظّم امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» و سه برگ آغازین به خطّ آن دو بزرگوار و افزوده ای در انجام از آقای حاج میر سیّد محمّد است، و هم ایشان در ظهر نسخه نوشته اند: «ترجمه زواره ای می باشد ظاهرًا». دارای ۹۶ برگ.

«۱۲۸» ترجمه حدیث إهلیلجه

(عقائد _ فارسی)

از: رضیُ الدین محمّد بن بهاءالدین محمّد بن حسن علیّ بن عبداللّه شوشتری، معروف به ملاّ محمّد رضیّ شوشتری.

کتاب: ترجمه حدیث شریف اهلیلجه است که از ناحیه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در ردّ طبیعیان و مُلحدان روایت شده، و خود رساله مبسوطی گردیده و به نام «إهلیلجه» شهرت یافته است.

مترجمْ متن رساله را با مرکّب سیاه و در زیر هر سطری ترجمه آن را به شنگرف نوشته

و همه جا توضیحی از خود در هامش صفحات آورده، و کتاب را به نام شاه سلطان حسین صفوی موشّح و به او تقدیم داشته است.

در «کواکب منتره: ۶۷۶» ملاّ محمّد رضی را عنوان کرده و پس از نام و نسبش، تنها آگاهی که از او داده اند این است:

«له شرح أدعیه السّرّ (ذریعه ۱۳ رقم ۲۱۹) فارسیًّا، ألّفه لمریم بیگم من بنات الصّفویّه. عند السیّد شهاب الدین».

او در مقدّمه کتاب جای گفتگو، از خود و پدرانش چنین یاد کرده است: «قدیمی بنده داعی این دودمان أبد مقرون، ابن بهاءالدین محمد بن حسن علی بن عبداللّه الشوشتری: رضیّالدین محمّد، که اباء و اجدادش در انتشار دین مبین و طریقه حَقّه ائمّه طاهرین و دعاگویی دوام دولت أبد قرین و فاتحه خوانی بقای سلطنت ذُریّه آل طآه و یآس، همه از بندگان و دعاگویان قصب السبق ربوده اند...». سبحان اللّه!

نسخه: ظاهرًا اصل است و به خطّ نسخه و نستعلیق زیبای مؤلّف که در پایان گوید: «و کتب العبد الداعی ابن بهاءالدین محمّد: رضیّالدین محمد، فی سنه ۱۱۲۴».

همه صفحات جدول کشی به طلای اشرفی و دارای یک سرلوحه در صفحه اوّل است.

«۱۲۹» ترجمه حدیث مفضّل

(اخبار ــ فارسی)

از: فخرالدّین ماوراء النّهری، نزیل بلده قم دار المؤمنین، رحمه اللّه.(۱)

---

۱ – ۱) شرح حال خواندنی ایشان را در «روضه نضره: ۴۳۳» و مآخذ آنجا ملاحظه فرمایند. در آنجا نسخه دیگری از ترجمه مورد بحث را نزد «محمّد الواعظ الخوانساری المعاصر بالکاظمیّه» نشان داده اند، که ــ با کم لطفی ــ منظورشان مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد محمّد موسوی اصفهانی والد ماجد آیه اللّه صاحب «أحسن الودیعه» باشد. أعلی اللّه تعالی درجاتهم.

کتاب: ترجمه مبسوطی است به فارسی از حدیثِ مفضّل بن عمر _ علیه الرحمه _ که از حضرت امام جعفر صادق _ صلوات اللّه و سلامه علیه _ روایت کرده و معروف است به «توحید مفضّل» و در «کتاب التوحید» بیاید.

مترجمْ در مقدّمه گوید که «حامی المساکین و الفقراءِ محبّ العلماءِ و الصّلحاءِ مجمع الفضائل و الکمالات مصدر المعارف و الخیرات زائرِ بیت اللّه، الوفیّ حاجی نظر علیّ» از مؤلّف خواسته است که حدیث مفضّل را به فارسی ترجمه کند.

تاریخ اتمام ترجمه: «ماه محرم در سال پنجمین در عشر هفتمین از مائه بعد الألف» که می شود محرّم ۱۰۶۵.

نسخه: به خطّ نسخ و نستعلیق محمدطاهر بن ملک حسین (ظ) فراهانی. ختم استنساخ: یکشنبه عشر آخر ربیع دوم ۱۰۸۲ «در مزرعه عالیجاه مقرّب الخاقانی آقائی (ظ) موسوم به مزرعه سنجیدی در چلبی (ظ) که به اتّفاق حضرت مخدومی محمود بیکا به سیر مزرعه مزبور رفته بودیم.

«۱۳۰» ترجمه الدُّروع الواقیه

(دعاء _ فارسی)

از: مغیث الدین محمد بن شمس الدین محمد حسینی طهرانی، علیه الرحمه.(۱)

کتاب: ترجمه کتاب «الدّروع الواقیه من الأخطار، فیما یعمل مثله فی أیّام کلّ شهر علی التّکرار» تألیف سیّد رضیّالدین علیّ بن طاوس رضی الله عنه است بر سبیل اختصار، که آن را مترجم پس از مراجعت از سفر حجّ به اورنگ آباد، بر حسب میل و رغبتِ «سیّد أجلّ

ص : ۱۲۳

۱- ۱) محمّد الرازی: مغیث الدین بن شمس الدین محمد الحسینیّ، من العلماء الأعلام. سافَر إلی محروسه بُرهانپور، بُرههً. رأیت بخطّه نسبه و تملّکه لکتاب «الدروس» أیّام إقامته فی برهانپور فی شوّال (۱۰۸۷)، وصَکُّ خاتمه الکبیر: [مغیث الدین محمّد الحسینی]: «الروضه النّضره: ۵۱۷».

میر منصور» نگاشته است.

نسخه: نیمی از برگ آخر ندارد. لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. ظاهرًا متعلّق به سده یازدهم است و گویا استنساخ هم ناتمام بوده. از کتابخانه مرحوم آقا شیخ محمّدرضا نجفی أبوالمجد اصفهانی.

«۱۳۱» ترجمه رساله صادقیّه

(حدیث ــ فارسی)

از: محمد محسن بن عین علی ورنوسفادرانی.(۱)

کتاب: ترجمه و شرح رساله حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که به اصحاب خود قلمی فرموده اند در وظائف شیعیان، به روایت «روضه کافی» از اسماعیل بن جابر.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: سنه ۱۲۰۸ و گویا به خطّ مترجم یا به تصحیح او است.

«۱۳۲» ترجمه ریاض السّالکین فی شرح صحیفه سیّد العابدین

(دعاء ــ فارسی)

از: مترجم، در شش مجلّدِ کتاب که معرّفی می کنیم نام خود را نیاورده است، لکن در حاشیه پردامنه ای که بر اوائل نسخه جای گفتگو به خطّ خود نوشته، مطلبی را به کتاب دیگر خود «أُمُّ العرفان فی تفسیر القرآن = أُمّ الحقائق. ش ۴۷»، و در حاشیه اوائل همین جلد، تحقیق درباره عدل را به کتاب دیگر خود «کشکول اللغه» و در جای دیگر تحقیق

---

۱ – ۱) نسخه ای از «سلوك الرجال» تألیف آخوند ملّا محمّد محسن بن عین علی ورنوسفادرانی در کتابخانه مدرسه رضویّه قم، در یک مجموعه می باشد، چنان که در فهرست آقای مدرّسی آمده است. ورنوسفادران، از محلّات سده ماربین از دیه های حومه غربی اصفهان است.

درباره تقبیل را به لغت قبل کتاب یاد شده، حواله داده است. الی غیر ذلک.

پس مؤلّف یا در حقیقت مترجم «ریاض السّالکین» همان «محمّد المدعوّ بسلیمان الجرجی ابن تاریقلی» است که در «أمّ الحقائق» آمده و او را ملاّ سلیمان گرجی می خوانده اند، رحمه اللّه علیه.

کتاب: ترجمه «ریاض السالکین» معروف به «شرح صحیفه سیّد علیخان» است که مرحوم سیّد علیخان مَدنی شیرازی «صحیفه مبارکه سجّادیّه» را به عربی و بدان نام شرح کرده، و مترجم به امر شاه سلطان حسین صفوی (چنان که در مقدّمه گوید) آن را به زبان فارسی درآورده است و در بسیاری از مواضعِ آن، مطلبی را از خود به عنوان «مترجم گوید» اضافه نموده و این اضافات غالبًا نقل مطالب دو شرح صحیفه میر محمّدباقر داماد و مرحوم آخوند، یعنی علاّمه مجلسی است، با برخی منقولات دیگر.

همچنین در بعضی جاها حاشیه ای ــ عمومًا به عربی ــ در توضیح و تکمیل مطالب متن آورده و حواشی همگی به خطّ شخص مترجم می باشد. و در حاشیه اوّل نسخه گوید:

«و اکثر آنچه در ترجمه دیباجه و ادعیه نوشته ام موافقت دارد با ترجمه آقا حسین مرحوم بر صحیفه کامله».

نسخه: جلد اوّل کتاب است از آغاز تا آخر دعاءِ اوّل صحیفه کامله. کاتب: محسن بن احمد بن شرفجهان صفوی. تاریخ پایان استنساخ: سنه ۱۱۲۶.

توضیحًا چنان که گفتیم از این کتاب شریف شش مجلّد از یک دوره همسان به نظر رسیده و از میان آنها جلد ششم مفقود شده، و از جلد هشتم به بعد آگاهی نداریم.

چنان که در پیشگفتار این فهرست اشاره شد، کوشش و اهتمام شاهان صفوی در احیاء و تأیید و ترویج زبان فارسی و آیین پاک تشیّع، در سیاست ضدّ ترکان عثمانی، و تشویق و تأیید و تکریم روزافزون علماء و دانشمندان و مکاتب هنری سبب پیدایش

این همه آثار علمی بزرگ و کوچک در این زبان شده است.

«۱۳۳» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم و مشتمل است بر شرح دعاءِ دوّم صحیفه تا پایان دعاءِ ششم. مقدّمه و خاتمه ای ندارد و در پایان چنین نوشته است:

«صلوات اللّه علیهم اجمعین تمّت هذا آخر المجلّد الثانی من ترجمه ریاض السالکین و یتلوه المجلّد الثالث انشاء اللّه تعالی فی ترجمه الدعاءِ السّابع، و الحمد للّه وحده، ۸ شهر جمادی الاُولی سنه ۱۱۲۶».

سپس سطری دیگر نوشته بود که محو کرده اند و شاید آن سطر شامل نام کاتب و یا نام مؤلّف نیز بوده است و تاریخ مذکور، معلوم نیست که تاریخ ختم تألیف است یا تاریخ ختم استنساخ.

کاتب: همان شخصی است که بقیّه مجلّدات را نوشته و سبک نگارش و سایر خصوصیّات مانند نسخ دیگر است و از آغاز تا انجام به تصحیح شخص مؤلّف رسیده، و حقیر در خطوط مؤلّف دقّت کردم در این مجلّد نامی از خود و دیگر تألیفاتش به میان نیاورده است.

«۱۳۴» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوّم کتاب و ترجمه شرح دعاءِ هفتم صحیفه کامله است تا پایان دعاءِ شانزدهم. مقدّمه و خاتمه ای ندارد.

انجام: «هذا آخر المجلّد الثالث و یتلوه المجلّد الرابع من الدعاء السابع عشر، انشاء اللّه تعالی. کتبه الفقیر الحقیر المذنب العاصی: محمد محسن بن أحمد بن شرفجهان...».

ص : ۱۲۶

کلمه شرفجهان و کلمه دیگری پس ازآن را محو کرده اند. این مجلّد نیز همانند مجلّد اوّل تمامًا به تصحیح شخص مؤلّف رسیده و حواشی کمی نیز به خطّ خود بر آن نوشته است.

خطّ و کاغذ و جدول کشی و دیگر مشخّصات همانند سایر مجلّدات است.

بیفزاییم که با تدبّر در مطالب مرقوم در «فهرست مرعشیّه قم ۹: ۲۷۵ ش ۳۴۷۹»، معلوم گردید که نسخه مجهول المؤلّفی که به عنوان «شرح صحیفه سجّادیّه» به اختصار ذکر کرده اند، همانا نسخه دیگری است از همین جلد سوّم کتاب مورد بحث ما که ظاهرًا میر محمد اسماعیل حسینی خاتونابادی از روی همین نسخه «جای گفتگو» نویسانده و گهگاه از خود نیز حاشیه ای بر آن نوشته است.

«۱۳۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد چهارم کتاب است. مشتمل بر ترجمه شرح دعاءِ هفدهم تا پایان دعاءِ بیستم که در باب مکارم اخلاق است.

این جلد نیز مقدّمه و خاتمه ای ندارد. نام کاتب و تاریخ کتابت هم ندارد و به خطّ کاتب مجلّدات دیگر است.

در اوائل نسخه، مؤلّف در حاشیه به لغت «بلس» و «طین» در «کشکول اللغه» خود، و در جای دیگر به کتاب «امّ العرفان = ام الحقائق. ش ۴۷» خود ارجاع داده است.

نسخه، سرتاسر به تصحیح شخص مؤلّف رسیده است.

«۱۳۶» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد پنجم کتاب و مشتمل است بر ترجمه شرح چهار دعاء، از دعاءِ ۲۱ صحیفه «و کان من دعائه علیه السلام إذا أحزنه أمر...» تا دعاءِ ۲۴ «و کان من دعائه

علیه السلام لأبویه علیهماالسلام».

این جلد نیز مقدّمه و خاتمه ای ندارد و نام کاتب و تاریخ کتابت نوشته نشده، لکن به خطّ و خصوصیّات مجلّدات دیگر است و خطوط تصحیحی شخص مؤلّف گهگاه در حاشیه ها دیده می شود. بر این مجلّد حاشیه ای که در آن نامی از سایر آثار خود آورده باشد نیست و هکذا در متن.

«۱۳۷» نسخه دیگر

نسخه: ظاهرًا جلد هفتم کتاب و مشتمل است بر ترجمه و شرح چهار دعاء از دعاءِ **۲۹** صحیفه «و کان من دعائه علیه السلام اذا قتر علیه الرزق: اللّهمّ انّک ابتلیتنا» تا دعاءِ ۳۲ «و کان من دعائه علیه السلام بعد الفراغ من صلوه اللیل لنفسه بالاعتراف بالذنب» که آخر آن دعاء چنین است «صلوه لا حدّ لها و لا منتهی یا ارحم الراحمین».

این جلد نیز مقدمه و خاتمه ای ندارد و نام کاتب و تاریخ کتابت هم نوشته نشده، لکن به خطّ و خصوصیّات همان مجلّدات سابق الذکر است و همانند آنها، و تمامًا به تصحیح شخص مؤلّف رسیده و حواشی چندی به خطّ خود بر مواضع عدیده نگاشته است و مکرّر مطالبی را از جمله درباره «غلبه الرجال» و «بیان الأسراف» و «الفقیر المسکین» و «قلب» و جز اینها به کتاب دیگر خود «کشکول اللغه» و یکجا به نام «کجکول اللّغه» و هم چند مطلب را به تفسیر خود «أمّ العرفان» حواله داده است.

«۱۳۸» ترجمه سیر و سلوک

(اخلاق ــ فارسی)

از: حسین بن علی تبریزی خسروشاهی.

کتاب: ترجمه رساله عربی «سیر و سلوک» پیشوای سلسله شیخیّه، سیّد کاظم بن قاسم

ص : ۱۲۸

رشتی است که خسروشاهی آن را به امر وی به فارسی ترجمه کرده و دیباچه ای در تعریف و تمجید سیّد بر آن افزوده است.

تاریخ ختم اصل عربی: دوشنبه ۱۱ شب گذشته از صفر ۱۲۳۸ در دهکده سراوان(۱) رشت. تاریخ ختم ترجمه: چهارشنبه ۲۴ شوّال ۱۲۴۲. چاپ شده.

نسخه: به خطّ زیبای علیّ بن ملاّ زین العابدین منجّم تبریزی، در کربلا. ختم کتابت: سه شنبه ۲۸ ماه رجب ۱۲۴۷.

«۱۳۹» ترجمه الصّلوه

(فقه _ فارسی)

از: مولانا محمّد بن مرتضی کاشانی معروف به ملاّ محسن فیض (متوفی ۱۰۹۱) علیه الرحمه.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به خطّ یکی از خوشنویسان (ترجمه نویسان) زمان شاه سلطان حسین صفوی نوشته شده و ظاهرًا همانْ کاتبِ نسخه های «ترجمه ریاض السالکین» باشد.

«۱۴۰» ترجمه عهدنامه امیرالمؤمنین علیه السلام

(عهدنامه _ فارسی)

از: مرحوم میر محمدباقر بن میر اسمعیل حسینی خاتونابادی، صاحب «ترجمه اناجیل اربعه. ش ۱۲۵» و جز آن.

کتاب: ترجمه فارسیِ عهدنامه ای است که حضرت امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیهماالسلام

---

۱ - ۱) در کتاب «فهرست کتب مشایخ شیخیّه ۲: ۱۱۷» که این کتاب را عنوان کرده اند به جای سراوان، «شیروان» آمده است و در «ذریعه ۱۲: ۲۸۳» که دو نسخه از اصل عربی رساله را در کتابخانه حجّت کربلا و نزد آقا میرزا محمود کلباسی نشان داده اند، «سیروان» ضبط شده و درست همان سراوان است: «فرهنگ آبادی های ایران: ۲۵۰». در نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه (فهرست، ج ۱۱: ۲۴۵۳) نام موضع مرقوم قید نگردیده است.

به مالک اشتر رحمه الله نوشته اند و مترجم به فرمان شاه سلطان حسین صفوی آن را به فارسی درآورده و به نام او مصدّر کرده است. تاریخ ترجمه ندارد.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به خطّ یکی از خوشنویسان زمان مؤلّف است.

«۱۴۱» ترجمه کتاب الإقبال بصالح الأعمال

(ادعیه ــ فارسی)

از: مترجم، در سه مجلّد موجود نام خود را ــ شاید از سر تواضع و احترام ــ ننوشته است. امّا از آنجا که در اواسط اعمال ماه رجب گوید: «و کمترین به هر دو طریق در کتاب های مؤلَّفه خود یاد کرده ام و به تفصیل در کتاب «هِبه الرّجال» مذکور است»، لذا از این نشانی با رجوع به «الذریعه ۲۵: ۱۵۹ ش ۵۲» او را شناختیم. در آنجا فرماید:

«هبه الوصال فی أدعیه الهلال. لملاّ عبدالمطّلب بن الحسن بن محمّد الاصفهانی، و هو الّذی انتخب منه کتابه الموسوم «هدیّه الأجلّه فی أدعیه رؤیه الأهلّه» و أهداه إلی الشّاه سلطان حسین الصفوی، کما صرّح به فی أوّل الهدیّه».

و در (ص ۲۰۴ ش ۲۸۱) فرماید:

«هدیّه الأجلّه فی أدعیه رؤیه الأهلّه. لملاّ عبدالمطّلب بن الحسن بن محمّد الاصفهانی. کتبه للشّاه سلطان حسین الصّفویّ بعد أن کتب اوّلاً ـ «هبه الوصال فی أدعیه الهلال» فانتخب منه هذا الکتاب مرتّبًا علی فصول ثلاثه و خاتمه... و هو کتاب جلیل، رأیت النسخه فی مکتبه الشریعه».

صاحب «ذریعه» همین مطالب را در «کواکب منتثره: ۴۷۵» نیز آورده اند، امّا هیچ گونه آگاهیِ دیگری از ملاّ عبدالمطّلب در آنجا هم دیده نمی شود.

کتاب: ترجمه «کتاب الإقبال» سیّد رضیّالدین ابوالقاسم علیّ بن موسی، معروف به سیّد ابن طاوس حسنی داودی حلّی است، رضوان اللّه علیه.

نسخه: ترجمه اعمال دو ماه مبارک رجب و شعبان است و بقیّه در جلدهای دیگر. نام کاتب، در پایان اعمال ماه رجب، به طلای اشرفی این چنین است: «تمّت الکتاب علی ید الفقر مرتضی بن ملّامحتشم ترجمه نویس».

در اواسط اعمال ماه شعبان، مترجم ـ به خلاصه ـ گوید که:

«نوّاب اشرف اقدس همیون أعلی... بالمُشافهه العلیّه العالیه فرمان هُمیون و اشاره به نفاذ مقرون صادر» کردند که آنچه در کتاب اقبال ذکر نشده از کتب دیگر، مترجم نقل نماید. که معلوم می شود «إقبال» به فرمان شاه سلطان حسین ترجمه شده است.

تاریخ آغاز ترجمه در اواخر این مجلّد، سال ۱۱۲۰ آمده است، و مترجم گوید که این کتاب را پس از ترجمه کتاب «مُهج» یعنی «مهج الدعوات» و پس از ترجمه کتاب «المُجتنی» که هر دو از مرحوم ابن طاوس است ترجمه کرده است. پس این هم دو اثر دیگر از ملا عبدالمطلب، رحمه اللّه.

این مطلب نیز ناگفته نماند که در «ذریعه ۴: ۱۴۰» و «کواکب منتشره: ۱۲۲ و (۵۶۲) » فرموده اند که ملّا محمدتقی بن علی نقی طبسی شاگرد مرحوم آقاجمال خوانساری، کتاب «مهج الدعوات» را به فرمان شاه سلطان حسین صفوی به فارسی ترجمه کرده است! و نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی است.

«۱۴۲» نسخه دیگر

نسخه: مخصوص اعمال ماه مبارک رمضان است، با همان خطّ و اسلوب و مختصّات جلد یکم (ش ۱۴۱). بدون ذکر نام کتاب و مترجم و کاتب. از آخر آن

یکی دو برگ افتاده است. نسـخه در کمال نفاست و به چندگونه مرکّب و طلا نوشته و جدول کشی شده است و در اثر کثرت استفاده و استعمال کمی معیوب گردیده.

«۱۴۳» نسخه دیگر

نسخه: مخصوص اعمال ماه شوّال المکرّم و ذوالقعده الحرام است.

آغـاز: «بسم. نمونه دهم، در آنچه یـاد کنیم آن را از فایـده هـای مـاه شـریف شوّال». و نزدیـک به همین عبارت در آغاز نمونه یازدهم که مربوط به ماه ذی القعده است.

انجام: «إنّ عَذابی لشَدید. تمّت الکتاب، بعون الملک الوهّاب، و به توجّه نوّاب کامیاب قمر رکاب فلک جناب. تمّت تمّ، تمّ».

در این جلد نیز نام مترجم و تاریخ ترجمه و نام کاتب و تاریخ کتابت نیست. کاتب از خوشنویسان ممتاز و ترجمه نویسان ماهر عهد شاه سلطان حسین است. ترجمه دعاها را به شنگرف در زیر سطرها و عنوان ها را به رنگ های گوناگون نوشته و در آغاز هر نمونه یک سرلوح زیبا به کار برده است.

ترجمه مجالی المجالی: مرآت آگاهی

«۱۴۴» ترجمه مختصر مصباح المتهجّد

(دعاء ــ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: ترجمه فارسـی «مختصـر مصباح المتهجّد» یا «مصباح المتهجّد صغیر» است که اصل و مختصر، هر دو تألیف شیخ الطائفه محمّد بن حسن طوسـی قدس سره است در عبادات و ادعیه. این نسخه ترجمه، ابتدا متن عربی مقدّمه شیخ را آورده و سپس به ترجمه کتاب

پرداخته است که به این عبارت آغاز می شود:

«فصل، فی ذکر عبادات الشّرع. عبادات در شرع پنجست: ۱ نماز ۲ زکوه ۳ روزه ۴ حج ۵ جهاد. پس نماز مکرّر می شود در هر روز و شب، و روزه در سالی یکبار، و زکوه هر آنکس را که مالك مالی باشد...».

دعاءها به فارسی ترجمه نشده و عینًا نقل گردیده است، و نام مؤلّف (مترجم)، معلوم نشد.

نسخه: به خطّ نسخ خوب، و عنوان ها به طلا و شنگرف و لاجورد است و صفحات جدول کشی شده و کاتب بیش از ربع کتاب را استنساخ نکرده و تا مقداری «از آن دعائی که مخصوصست به عقیب ظهر آنچه روایت کرده معاویه بن عمّار از ابی عبدالله علیه الصلوه و السلام: یا اسمع السامعین...» نوشته است.

نام کاتب و تاریخ کتابت و آثار مقابله و تصحیح ندارد. ظاهرًا در اوائل سده دهم نوشته شده و شبیه نسخه دیگر است. تعداد اوراق: ۳۵ برگ.

«۱۴۵» ترجمه مختصر مصباح المتهجّد

(دعاء ــ فارسی)

از: نامعلوم.

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است، از اوّل به مقدار هشت برگ و از آخر تا اواسط «فصل در احکام زکوات» دارد که به این عبارت منتهی می شود:

«فأمّا گاهی که رأی ایشان در باب مقاتله با کفّار نیکو و درست باشد در دین اسلام و رقاب بنده».

عنوان ها به شنگرف نوشته شده و از حیث خطّ و کاغذ و تزیینات همانند نسخه دیگر باشد. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست و آثار مقابله و تصحیح دارد. مقدار موجود

اصل ۱۱۹ برگ، اندازه ۲۱ × ۱۳، نوشته ۸ و نیم × ۱۶.

«۱۴۶» ترجمه مختصر مصباح المتهجّد

(دعاء ــ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: ترجمه فارسی دیگری است از «مختصر مصباح المتهجّد» شیخ طوسی ــ رضوان اللّه علیه ــ و با ترتیبی دیگر.

نسخه: از اوّل و آخر اندکی ناقص است و به این عبارت آغاز می شود:

«أهله مسرورًا. و یکبار شستن واجب بوَد و دویم سنّت چنانکه مذکور شد، و سنّت بوَد مرد را که ابتداءِ به شستن از ظاهر دست کند».

انجام: «و ما ختم می کنیم خاتمه این کتاب را به زیارت جامعه، تیمّنًا و تبرّکًا. بـدانکه زیارت جامعه جامع ترین و فاضل ترین و بلیغ ترین و فصیح ترین زیارت هاست... و استرعاکم أمر خلقه و قرن».

خطّ نسخه خوب و عنوان ها به شنگرف نوشته شده و صفحات جدول کشیده. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. ظاهرًا در اواخر سده دهم نوشته شده است. مقدار موجود ۱۹۶ برگ.

ناگفته نماند که در «ذریعه ۴: ۱۳۶. ش ۶۵۵» نیز «ترجمه مصباح المتهجّد الصّغیر» عنوان شده و نسخه آنجا هم مجهول المؤلّف است.

«۱۴۷» ترجمه معالم الأُصول

(اصول فقه ــ فارسی)

از: آقاهادی فرزند آخوند ملاّ محمّدصالح مازندرانی، (متوفی ۱۱۲۰)، خواهرزاده

علاّمه مجلسی مولانا محمّدباقر، رضوان اللّه علیهم اجمعین.

کتاب: ترجمه شرح مانندی است از اصول کتاب «معالم الدین و ملاذ المجتهدین» تألیف شیخ ابومنصور حسن فرزند شهید ثانی شیخ زین الدین بن علی بن احمد شامی عاملی _ علیهم الرحمه _ ، متوفّی ۱۰۱۱.

تاریخ پایان ترجمه: روز آدینه دهم ماه رمضان ۱۰۸۹.

متن عربی و ترجمه به سال ۱۳۷۹ ق، «با مقدّمه و تصحیح مرتضی مدرّسی چهاردهی، معلّم دانشگاه طهران» _ رحمه اللّه علیه _ ، طیّ ۴۴۴ صفحه، در تهران به چاپ رسید.(۱)

نسخه: از آنجا که کاتب از روی نسخه بی اوّل و آخری نوشته است، چند برگ از آغاز و چند برگ از آخر نانویس و کتاب نیز ناشناخته مانده است تا آن که به مدد نسخه چاپی شناخته شد.

از اوّل تا به آخر، دارای حواشی «منه» است و آثار مقابله دارد. کاتب در بسیاری از حواشی تاریخ گذارده و در چند جا هم نام خود را «عبدالکریم دربندی» و تاریخ نوشتن حواشی را ماه رجب و شعبان ۱۱۹۱ قید کرده است.

آغاز نسخه: «نامی اشرف است از جماد و نامی منقسم می شود به حسّاس و غیر حسّاس».

انجام: «عمل نموده باشند بر یکی از ین دو روایت او أولی خواهد بود».

ص : ۱۳۵

۱- ۱) روی صفحه عنوان و جلد کتاب نوشته اند: «ترجمه و شرح آقا هادی مترجم مازندرانی». نسبت درست آن است که در «کواکب منثره: ۸۰۵» عنوان فرموده اند: «هادی المترجم الاصفهانی ابن محمّد صالح المازندرانی».

«۱۴۸» ترجمه مکارم الاخلاق

(آداب شرعی ــ فارسی)

از: مترجم، به علّت فقدان اوراقِ اوّل نسخه، ناشناخته است.

کتاب: ترجمه «مکارم الأخلاق» رضیّ الدین ابو نصر حسن بن فضل طبرسی ــ علیه الرحمه ــ از علماءِ قرن ششم هجری است و این ترجمه از علی بن حسن زواره ای نیست.

نسخه: یک برگ یا بیشتر از آغاز ناقص است.

آغاز موجود: «که ما در عقب او میرویم و بخدا قسم که چندان پینه کردم این جامه خود را»، که این قسمت از ترجمه مقدمه کتاب است و سپس فهرست ابواب و فصول با تعیین شماره اوراق نسخه که به موجب شماره نویسی گوشه اوراق، ۳۱۵ برگ است.

انجام: «و صلوات فرستد خدا بر سیّد و آقای ما محمّد و آل اطهار او و رحمت فرستد رحمت فرستادنی. بحمد اللّه تعالی ترجمه این کتاب خیر نظام به انجام رسید و شاهد دلارای این مرام به حُلّه زیبای اتمام مطرّز و مزیّن... و آن ولینعمت عالم و عالمیان و پناه جهان و جهانیان پیوسته به سعادت و دولت بر فراز سریر سلطنت و فرمان روایی کامیاب...».

نام کاتب و تاریخ کتابت و تاریخ تألیف ندارد. ظاهرًا نگارش ترجمه و استنساخ از حدود زمان شاه سلطان حسین و برای شاهِ وقت نگارش یافته است. عناوین مطالب به سرخی همه جا در متن و حاشیه، هر دو به خطّ جلی نوشته شده. در چندین موضعِ نسخه کلمه «وقف» دیده می شود. شاید با دقّت در تمام نسخه مترجم شناخته شود.

در «ذریعه ۴: ش ۶۷۲» است که سیّد امیر نظام الدین عبدالحیّ مترجم «ألفیّه»، ترجمه

مکارم الاخلاق دارد و صاحب «ریاض العلماء» گفته است که آن را به خطّ خوش صاحبش در اردوباد دیده است.

و در همان «ذریعه ۴: ش ۳۵۲» که ترجمه ألفیّه شهید را عنوان کرده اند، نام و نسب مترجم را سیّد امیر نظام الدین عبدالحیّ بن عبدالوهاب بن علی حسینی قاضی هرات از سوی شاه اسماعیل صفوی (متوفی ۹۳۰) نوشته و گویند که او رساله «المعضلات» را در (۹۵۹) تألیف کرده است.

ایضًا رجوع به «احیاءالداثر: ۱۱۹ و ۱۲۰» شود.

«۱۴۹» ترجمه مناقب امیرالمؤمنین، سلام اللّه علیه.

(مناقب ــ فارسی)

از: مرحوم میر محمّد یوسف حسینی(۱) از علمای اواخر عصر صفوی.

کتاب: شامل یکصد منقبت و فضیلت در حقّ امیرالمؤمنین و اولاد طاهرین آن حضرت ــ صلوات اللّه علیهم أجمعین ــ است به نقل از کتب سنّیان، تألیف شیخ ابوالحسن محمّد بن أحمد بن علی بن حسین بن شاذان قمّی، معروف به ابن شاذان فقیه، فرزند خواهر ابن قولویه قمّی و استاد شیخ ابوالفتح کراجکی (متوفی ۴۴۹) که در (۴۱۲)، کتاب را نزد مؤلّفش در مسجدالحرام خوانده است، رحمه اللّه علیهم اجمعین.

نسخه: تمام است و نام کاتب ندارد و آخرش چنین است:

«ما قام قائم علی الأرضین. و قد فرغتُ من تسویده فی سلخ شهر ربیع الثانی فی السّنه الثالثه عشر بعد الألف و المائه من الهجره...».

معلوم نیست که این تاریخ اتمام ترجمه است یا تاریخ استنساخ. در همین موضع در

---

۱ – ۱) کاتب نسخه «الفوائد الطوسیّه» خود را محمّد یوسف بن المظفّر الحسینیّ المازندرانیّ و تاریخ کتابتش را اواخر ذی الحجّه ۱۰۷۵ نوشته است. همو باشد یا دیگری، دانسته نیست.

هامش نوشته اند: «بلغ مقابله من خطّ المؤلّف، سلّمه اللّه تعالى».

ترجمه نصیحه الملوک: الدرّ المسبوک

ترکیب ابوالبقاء: التبیان فی إعراب القرآن

«۱۵۰» تسدید العقائد فی شرح تجرید القواعد

(کلام ـ عربی)

از: شمس الدین محمود بن ابی القاسم (عبدالرحمن) بن احمد اصفهانی.

کتاب: شرح «تجرید الکلامِ» محقّق خواجه نصیرالدین محمّد طوسی ـ علیه الرحمه ـ است، به «قال، اقول».

نام کتاب در متن نسخه ما به صورت فوق ضبط شده و در «الذریعه» و غیره به صورت «تسدید القواعد، فی شرح تجرید العقائد» و در «کشف الظنون» و «هدیّه العارفین»، «تشیید القواعد» است. نگارنده در اینجا رعایت ضبط نسخه را نمود.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، مانا که از سده هشتم باشد. تملّک کمال الدین حسین بن محمّدعلی استرابادی و مهر او «عبده کمال الدین حسین» و بخشیدن علاّمه مذکور نسخه را به فرزندش محمّد علی به خطّ فرزند، و نیز تملّک همو «محمّد علی بن کمال الدین حسین بن محمّد علی الاسترابادی» و دو مهر او «افوّض امری الی الله، المذنب محمد علی ۱۰۹۸ ظ» و «محمد نبیّ اللّه علیّ ولیّ اللّه»، و نیز تملّک محمّد حسین بن کمال الدین حسین استرابادی در اوّل و آخر نسخه هست.

از کتب کتابخانه خانوادگی نیاکان گرامی ـ علیهم الرحمه ـ است.

ص : ۱۳۸

«۱۵۱» التصریح بمضمون التوضیح

(نحو ــ عربی)

از: خالد بن عبداللّه ازهری.

کتاب: شرح مزجی کتاب «التوضیح» جمال الدین ابو محمد عبداللّه بن یوسف ابن هشام انصاری است در شرح «ألفیّه» ابن مالك در علم نحو و به طبع رسیده.

نسخه: از آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ ختم کتابت معلوم نیست. لکن روی ورق اوّل این شرح به خطّ کاتب نوشته شده:

«قد ابتدأت بکتابه هذا الکتاب المستطاب و أنا الفقیر الی اللّه الغنیّ سلیمان بن صالح بن سلیمان الشامی(۱) و ذلک یوم الثّلثاء ثامن عشر شعبان المبارک سنه اثنین «کذا» و تسعین و ألف».

فهرست مباحث کتاب در همین صفحه به خطّ کاتب نوشته و شماره برگ ها نیز در ذیل عناوینْ تعیین شده که آخرین مبحث «تصریف» برگ ۲۱۴ بوده. فعلاً تا برگ ۲۳۵ نسخه، موجود است.

«۱۵۲» تعلیقات شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: شمس الدین محمّد بن احمد خَفْری (سده دهم).

برای آگاهی از خلاصه احوال و آثار او به «روضات الجنّات: ۶۴۶ و ۳۹۳، چاپ ۱۳۶۷ ق» و کتب فراوان تراجم و فهارس متأخّر رجوع شود.

کتاب: حاشیه ای است بر بخشی از «قِسم إلهی» شرح علاءالدین علی قوشجی، معروف

۱- ۱) ظاهرًا همان است که در «کواکب منتشره: ۳۲۱» به نام «سلیمان الکاظمی ابن صالح العاملی» عنوان شده است.

به شرح جدید، بر «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین طوسی ــ أعلی اللّه مقامه ــ و همین روزها (۱۳۸۲ ش) در تهران از طرف مرکز نشر میراث مکتوب چاپ شد.

«حاشیه خفری» تا بیش از سه قرن در حوزه های کلامی مورد توجّه و تعلیم و تدریس بود. شیخ محمّد مهدی رازی در کتاب «مشکاه المَسائل» که تاریخ تألیفش (۱۲۳۰) در تهران است گوید: «حاشیه خفری» را نزد جناب آخوند ملّا علی نوری حکیم خوانده است و «شرح مختصر الاصول عضدی» و غیره را نزد استاد اعظم آخوند ملا محمّد علی نوری اصفهانی» ــ رحمه اللّه علیهم اجمعین ــ : «معجم العزیز الطباطبائی: ش ۶۳۲».

«تعلیقات علی الحواشی الخفریّه. ش ۱۵۴» از مولانا عبدالرّزاق لاهیجی» و «حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۶۲» از آقا جمال الدین محمّد خوانساری و «حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۹۴» از مولانا میرزا محمّد شیروانی، ملاحظه شود.

نسخه: به خطّ «أقلّ الطلبه محمّد سعید بن اسماعیل المازندرانی». تاریخ ندارد، و از سده دوازدهم است.

«۱۵۳» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز و انجام ناقص است و هیچ نام و نشانی از کاتب و تاریخ کتابت و غیره ندارد. دارای حواشی «منه» و «سلطان» و جز آنها است.

«۱۵۴» تعلیقات علی الحواشی الخفریّه علی شرح إلهیّات التّجرید

(کلام ــ عربی)

از: مولانا عبدالرزّاق بن علیّ بن حسین لاهیجی، علیه الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است بر «حاشیه فاضل خفری. ش ۱۵۲» بر الهیّات «شرح ملا علی

قوشجی» بر کتاب «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین طوسی قدس سره .

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت نـدارد و به قرائن در اواسط سده ۱۳ نوشته شده. آقا میرزا سیّد محمّد مهدی نایب الصّدر ــ علیه الرحمه ــ شرحی درباره کتاب روی برگ اوّل نوشته است، و اندکی تعلیقات متفرّقه در حواشی دارد. نیز این یادداشت روی داخل جلد نسخه است: «میرزا محمد حسن کتاب فروش فی المعامله الثانیه فی شعبان ۱۲۶۴». مهر «عبده الراجی محمد باقر بن عبدالجواد» نیز روی برگ اوّل دیده می شود.

«۱۵۵» تعلیقاتٌ علی الصّحیفه الکامله السجّادیّه

(دعاءــ عربی)

از: مولانا محمّد بن مرتضی، معروف به آخوند ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ ــ ۱۰۹۱)، علیه الرحمه.

کتاب: حواشی بر «صحیفه کامله سجّادیّه» است در توضیح عبارات و تفسیر لغات مشکله و به طبع رسیده. تاریخ پایان تألیف: «تمّ شرح الدعاء ۱۰۵۵».

نسخه: به خطّ نجم الدین بن محمد حسین حسینی. تاریخ ختم کتابت: «یوم الأربعاء» از ماه صفر ۱۰۸۹.

از کتابخانه نیای گرامی آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدّین روضاتی، علیه الرحمه.

«۱۵۶» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ عبدالرحیم طالقانی. تاریخ کتابت ندارد و از سده یازدهم است. ظهر نسخه «حسین بن محمد بیک اصفهانی» گوید که نسخه را برای خود نویسانده است.

ص : ۱۴۱

«۱۵۷» تعلیقات مَنهج المقال

(رجال ــ عربی)

از: محقّق وحیدآقا محمّد باقر بن محمّد اکمل بهبهانی (متوفی ۱۲۰۶)، رحمه اللّه.

کتاب: حاشیه محقّقانه است بر «منهج المقال» یعنی رجال کبیر مرحوم میرزا محمّد استرآبادی، و چاپ شده است.

نسخه: اثر تصحیح و حاشیه ندارد. کاتب: ابراهیم بن عالیجناب میرزا عبدالمجید. تاریخ ختم کتابت: ۱۷ جُمادای دوّم ۱۲۵۲.

«۱۵۸» تفسیر الأئمّه لهدایه الأُمّه

(تفسیر ــ عربی، فارسی)

از: میرزا محمّدرضا نصیری واقعه نویس سابقِ سابق = (چنین است عبارت وقفنامه مورّخه ۱۱۲۹ در آغاز نسخه با تکرار سابق) و به تعبیر خودش در «کشف الأیات»: محمّدرضا بن عبدالحسین مُنشئ المَمالک.

«مُنشئ المَمالک» لقب یا مَنصب عبدالحسین است که در زمان سلطنت شاه صفی صفوی (۱۰۳۸ ــ ۱۰۵۲) آن مقام را داشت. محمد معصوم مورّخ اصفهانی در «خلاصه السّیر: ۲۶۸» گوید:

«سنورنامه که از جانب حضرت ظلّ اللّهی نوشته مصحوب ساروخان ارسال شده و میرزا عبدالحسین مُنشئ الممالك انشاء نموده».

سنور یعنی سرحدّ: «دستور شهریاران: ۳۳۷». همین عنوان و اصل سنورنامه که در حقیقت یک مصالحه نامه اضطراری است در «خلد برین: ۲۲۰ ذیل تاریخ عالم آرا» «ظ» برگرفته از «خلاصه السّیر» نیز هست، و درباره آن در «سفارتنامه های ایران: ۵۰»

ص : ۱۴۲

سخنی گفته اند.

بهترین ترجمه این لقب «مُنشئ الممالک» همانا «وزیر امور خارجه» است...: «سازمان اداری حکومت صفوی: ۱۱۷».

امّا واقعه نویس، در همین کتاب سازمان گوید:

«مجلس نویس که واقعه نویس نیز خوانده می شد از مَصادر و ارباب مَناصب مهمّ به شمار می رفت و طبق اظهارات شاردن (۵: ۳۴۳) در غیبت وزیر اعظم امور مربوط به او را انجام می داد. در مجالس و اجتماعات به دست چپ شاه می نشست و غالبًا او را به نام وزیر چپ «وزیر دست چپ» می نامیدند».

نیز رجوع به کتاب «مقدّمه ای بر شناخت أسفار تاریخی» شود.

باری، مقصود این است که مُنشئ المَمالك در «کشف الأیات»، لقب عبدالحسین است نه محمّدرضا، و به موجب عبارت وقفنامه، محمّدرضا لقب واقعه نویس یا «مجلس نویس» داشته است نه مُنشئالممالک، و این همان است که در «الکواکب المنتثره: ۲۷۰ محمد رضا مجلس نویس و ۲۷۱ محمدرضا النصیری» عنوان شده است، یعنی این هر دو عنوان _ نه «محمد رضا منشئ الممالك: ۲۷۱» _ مربوط به صاحب «تفسیر الأئمّه» و «کشف الأیات» است که در «الروضه النضره ۲۲۱ _ ۲۲۲» احوال و آثارش به اختصار و در «الذریعه ۴: ش ۱۱۶۸» در متن و حاشیه به درستی و تفصیل آمده است.

کتاب: تفسیر بزرگی است در چندین مجلّد کلان بر قرآن کریم بر وفق اخبار اهل بیت علیهم السلام که ترجمه آیات و اخبار شریفه را نیز به فارسی آورده و معروف به «تفسیر واقعه نویس» بوده است.

ص : ۱۴۳

صاحب «ذریعه» مجلّد نخست و مجلّد دیگری از آن را دیده و وصف کرده اند. همان گونه که مختصر تفسیر را نیز در «ج ۲۰ ش ۲۵۱۹» شناسانده و فرمایند که آن نیز از خود مؤلّف اصل است در شش مجلّد و به فارسی محض.

اینک مجلّدات کتاب جای گفتگو در گوشه و کنار کتابخانه های شخصی و عمومی قم و مشهد مقدّس و تهران و جاهای دیگر پراکنده و موجود است و هیچ جلدی از آن تا به حال چاپ نشده است.

نسخه: جلد دوّم است. وقفنامه مورّخه ۱۱۲۹، در آغاز نسخه هست که آن را با سایر مجلّدات بر طلبه ساکن مدرسه سلطانیّه که عالیجاه... آقا کمال در محلّه عبّاسابادِ اصفهان بنا کرده، وقف نموده است.(۱)

مرحوم میرزا عبداللّه افندی صاحب «ریاض العلماء» در بالای نخستین برگ نسخه

ص : ۱۴۴

---

۱ – ۱) ... و مقرّر شد که تا هنگام عزّ جُلوس ــ یعنی جلوس شاه سلطان حسین صفوی به سلطنت در سال ۱۱۰۵ ــ و شرف یافتن اُمراء از سعادت زیارت و پای بوس، اگر امر ضروری باشد اُمراءِ مُلک آرا، با هم مصلحت دیده و آرای خود را متّفق ساخته به اتّفاق هم به وساطت مقرّب الخاقان آقا کمال ریش سفید حرم محترم به عزّ عرض رسانند: «دستور شهریاران: ۱۷، تهران، ۱۳۷۳، به کوشش محمد نادر نصیری مقدّم» تألیف محمّد ابراهیم نصیری مجلس نویس فرزند میرزا زین العابدین منشئ الممالک برادر میرزا محمد رضا صاحب «تفسیر الأئمّه». در پیش گفتار کتاب، خاندان و نیاکان مؤلّف را شناسانده اند. کتاب دیگری که در دست است و به علّت نقصان اوّل نسخه نام آن دانسته نیست و با نام «ألقاب و مواجب دوره سلاطین صفویّه، به تصحیح دکتر یوسف رحیم لو، مشهد مقدّس، ۱۳۷۱» چاپ شده، تألیف میرزا علی نقی نصیری از همین خاندان است. در «ص ۳ و ۴» گوید: «و دستور آن است که آقایان سفید را فلان بیگ و فلان آقا می گویند و لفظ آقا را در آخر اسم او قرار می دهند مثل ابراهیم آقا و ابراهیم بیگ، و آنچه سیاه اند لفظ آقا را پیش از اسم او می گویند مثل آقا کمال، که سفید و سیاه از هم امتیازی داشته باشد». این دو کتاب نیز همانند «تذکره الملوک» در شناخت اوضاع و احوال دولت صفوی و خصوص عصر شاه سلطان حسین و مصطلحات رایج در آن زمان بسیار ارزشمند بوده و پیشگفتار هر دو نیز دارای کمال امتیاز و اعتبار است و در آنها رجال خاندان نصیری طوسی و نیاکانشان را شناسانده اند.

نوشته است: «تتمّه تفسیر آیه الم ذلک الکتاب الی آخر الایه».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

«۱۵۹» نسخه دیگر

نسخه: جلد نهم است، از تفسیر سوره مبارکه یوسف (۱۲) تا سوره مبارکه نحل (۱۶). علامات و مشخّصات و مختصّات همانند نسخه (۱۵۷) است. نام کاتب و تاریخ کتابت در این نسخه نیز به نظر نرسید.

خطّ و مُهر مرحوم صاحبِ «ریاض العلماء» به گونه چند نسخه دیگر، روی برگ اوّل است. با این عبارت: «جلد هفتم که ملاّ حسین چیکا _ دنباله این کلمه بریده شده، شاید چیکانی بوده _ کتابت نموده، جلد تمام».

«۱۶۰» نسخه دیگر

نسخه: جلد دهم است، در تفسیر تمام سوره مبارکه بنی اسرائیل «۱۷».

کاتب: علی نقی بن مرحوم محمّد مؤمن ابهری، و نویسنده گوشه های صفحات که به شنگرف، حزب ها و جزءها را با دیگر نشانه های مربوط به آیات شریفه نوشته است، نام خود را در برگ آخر: «نمّقه العبد میر باقر» نوشته است. مشخّصات این جلد نیز همانند دو جلد پیشین است.

صاحب «ریاض العلماء» روی برگ اوّل نوشته است: «به فرزندی میرزا احمد، وفّقه اللّه تعالی، بخشیده شده است». مُهر.

«۱۶۱» نسخه دیگر

نسخه: جلد چهاردهم است، از تفسیر سوره مبارکه قصص (۲۸) تا سوره مبارکه

أحزاب (۳۳). علامات و مشخّصات و مختصّات همانند نسخه های پیشین است. نام کاتب و تاریخ کتابت به نظر نرسید.

خطّ شریفِ صاحبِ «ریاض العلماء» روی برگ نخستین چنین است: «بسم اللّه، به فرزندی میرزا احمد، وفّقه اللّه تعالی، بخشیده شد». مُهر.

وقفنامه به تاریخ: محرّم ۱۱۲۹، جهت مدرسه سلطانیّه که آقا کمال در محلّه عبّاس آباد ساخته بود. نام مؤلّف در این وقفنامه این گونه است: «مرحوم مبرور میرزا محمّد رضا نصیری واقعه نویس سابق سابق».

تفسیر ابن العربی: تأویلات القرآن الکریم

تفسیر بیضاوی: أنوار التنزیل و أسرار التّأویل

تفسیر حسینی: مواهب علیّه

«۱۶۲» تفسیر التّحریر

(ریاضی ــ عربی)

از: ملاّ عبدالعلی بیرجندی.

کتاب: شرح و تفسیر کتاب «تحریر المجسطی» خواجه نصیرالدین طوسی علیه الرحمه است، به «قوله. أقول» که به امر استادش قطب الدین محمود بن مسعود شیرازی به رشته تحریر کشیده و به نام سعدالدین محمد ساوجی موشح گردانیده است.

نسخه: کامل است، جز اینکه با شتابزدگی نوشته شد و بسیار مغلوط و فاقد أشکال هندسی می باشد. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از آثار قرن «۱۱ ــ ۱۲» است. تملّک میر محمّد اسمعیل بن ابوالمحسن حسینی در ۱۱۹۹، ظهر نسخه هست.

ص : ۱۴۶

«۱۶۳» تفسیر سوره الحمد و البقره

(تفسیر ــ عربی)

از: مرحوم آخوند ملّاصدرا، صدرالدین محمّد بن ابراهیم شیرازی.

کتاب: تفسیر فلسفی عرفانی سوره مبارکه حمد و شصت و پنج آیه از سوره مبارکه بقره است، و به طور کامل و مکرّر چاپ شده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن واضح است که در سده سیزدهم نوشته شده و حواشی حکیم إلهی آخوند ملّا علیّ بن جمشید نوری اصفهانی بر کتاب نیز، به خطّ کاتب متن در حواشی آمده است.

چند برگی از آخر سوره حمد و از آغاز سوره بقره در نسخه نیست.

مُهر تملّک نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین چهارسوقی: «الراجی جلال الدین بن محمّد مسیح الموسویّ» ظَهر نسخه هست.

«۱۶۴» تفسیر القرآن الکریم

(تفسیر ــ عربی)

از: علیّ بن ابراهیم بن هاشم قمی، علیهم الرحمه.

کتاب: از اقدم تفاسیر شیعه است مستند به روایات اهل بیت علیهم السلام با یک مقدّمه در انواع آیات قرآن کریم و خاتمه ای در فضائل و خواصّ آیات شریفه(۱)، و به طبع رسیده.

نسخه: به علّت بریدگیِ برگ آخر، نام کاتب و تاریخ کتابت آن معلوم نیست. ظاهرًا از سده «۹ ــ ۱۰» می باشد. چند برگ از آغاز نسخه نیز ناقص بوده که نیای گرامی، مرحوم

۱- ۱) این خاتمه که به عنوان «فضایل القرآن» شروع و مشتمل بر روایات مسنده در خواصّ سوره هاست ظاهرًا از اضافات این نسخه است و از اصل تفسیر نبوده، چنان که در نسخه های چاپی نیز نیامده است.

آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی چهارسوقی، نوشته و تکمیل کرده اند. ظهر نسخهْ تملّک مورَّخ شوّال ۱۲۷۷ و مهر «عبده محمّدکاظم»، و نیز تملّک و مهر مرحوم حاج میرزا قوام الدین رشتی دیده می شود.

«۱۶۵» نسخه دیگر

نسخه: چند برگ از آغاز کتاب ناقص است و از پایان نسخه مستفاد می شود که کاتب آن محمّد طالقانی، در ۲۲ صفر ۱۰۴۲ آن را به انجام رسانیده و به شرح مرقوم در حاشیه، حمزه بن علیقلی در اواخر شوّال ۱۰۹۹، از مقابله نسخه با چند نسخه شریفه کم غلط فراغت یافته است.

«۱۶۶» تفسیر القرآن الکریم

(تفسیر ــ عربی)

از: فُرات بن ابراهیم بن فرات الکوفیّ ــ علیه الرحمه ــ، از محدّثان شیعه در قرن سوم.

کتاب: مجموعه روایاتی است در تفسیر آیاتی از قرآن کریم که در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده، و به طبع رسیده است.

نسخه: به خطّ عفیف الدین طیفور بن سراج الدین جُنید الحافظ الواعظ. در «الضّیاء اللّامع: ۷۲» آمده است:

«طیفور بن سراج الدین جنید، هو عفیف الدین الحافظ الواعظ المفسّر الجلیل، رأیت تفسیره الکبیر «الذریعه ۴: ۲۸۰» المقصور علی الأحادیث المَرویّه عن الأئمّه الطاهرین علیهم السلام. أکثر النّقل فیه عن «تفسیر فرات بن ابراهیم الکوفی. الذریعه ۴، ۲۹۸» و فی آخره أورد أحادیث کثیره فی مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، و فرغ منه الأربعاء (۱۸) ذیالحجّه و هو یوم الغدیر سنه (۸۷۶) و النسخه بخطّ پیر محمد بن علیّ بن

بهمن، فرغ من الکتابه (۱۶ جمادی الأولی ۹۰۹) فی مکتبه سلطان المتکلّمین»، انتهی.

فراغ از کتابت: روز چهارشنبه هیجدهم ذی الحجّه (۸۰۰ یا ۸۰۰ و کسری). ظهر نسخه نام کتاب «تفسیر غیاث بن ابراهیم، رضی اللّه عنه» نوشته شده است. رجوع به هر دو عنوان در «ذریعه» فرمایند.

تملّک صاحب مُهر «لک البهاء کلّه ۱۰۸۸»، و تملّک و مُهر «عبده مهدی بن عبدالکریم» به تاریخ غرّه ربیع یکم ۱۲۴۷، و مُهر «سلام علی ابراهیم»، و تملّک حاج میرزا عبدالرزّاق رشتی اصفهانی به تاریخ ذی الحجّه ۱۳۱۳ و مهر او «عبده عبدالرزّاق بن محمد کاظم»، همگی ظهر نسخه هست.

«۱۶۷» تفسیر القرآن الکریم

(تفسیر ــ عربی)

از: یکی از علماءِ اصفهان در سده سیزدهم.

کتاب: تفسیر عرفانی محقّقانه و بسیار مفیدی است بر قرآن کریم از آغاز سوره مبارکه حمد تا آیه شریفه ۲۵ سوره اعراف. برخی کلمات و شعر فارسی به ندرت در آن دیده می شود.

آغاز نسخه: «متی اصطلح الغنم و الذئب قال الراعی من حین اصطلح الراعی مع اللّه».

انجام: «قال فیها أی فی المحبّه تحیون بصدق الهمّه و قرع باب العزیمه و فیها تموتون بطلب الحقّ علی جادّه الشریعه بأقدام الطریقه و منها تخرجون الی عالم الحقیقه. و العلم عند اللّه تع».

نسخه: اصل و به خطّ مؤلّف است و مع الأسف برگ اوّل آن مفقود شده و در هیچ جای نسخه نامی و تاریخی دیده نشد، جز در پایان مطلبی در حاشیه بالای برگ چهارم

ص : ۱۴۹

سوره الأنعام که به طور صریح نوشته است «جعفر الخراسانی» و این امضاء و مطلب حاشیه، به عین خطّ متن است و در بیشتر صفحات هم از این قبیل مطالب به همین خط در حواشی دیده می شود. به نظر می رسد که این صاحب امضاء، خود مؤلّف تفسیر باشد به ظنّ قوی، امّا شناخته نشد که کیست.

تملّک نیای گرامی مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جمال الدین موسوی چهارسوقی به تاریخ ۱۶ ماه شوال ۱۳۲۱ در هامش برگ سوّم نسخه هست که می رساند از کتابخانه والد ماجدشان آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم چهارسوقی بوده است.

«۱۶۸» تفسیر القرآن الکریم

(تفسیر ــ عربی)

از: ناشناس.

آغاز: «لِمَنْ یَشآءُ إناثًا و یَهَبُ لِمَنْ یَشآءُ الذُّکُورَ، فوهب اللّه لداود سلیمان، نِعْمَ الْعَبْدُ إنّهُ أوّابٌ، یعنی مُقبلًا إلی طاعه اللّه إذْ عُرِض عَلَیْهِ بِالْعَشِیّ، یعنی فی آخر النهار، الصّافِناتُ الجِیادُ، یعنی الخیل. قال الکلبیُ و مقاتل: صفن الفرس إذا رفع إحدی یدیه».

انجام: «سوره النّاس ستّ آیات مکّیه. بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. قوله اللّه تبارک و تعالی قُل أعُوذُ بِرَبّ النّاس، یعنی سیّد النّاس، و یقال: أستعیذ بخالق النّاس، و یقال: أستعیذ باللّه الّذی هو رازق الخلق. ثمّ قال: مَلِکِ النّاس، یعنی خالق النّاس و مالکم و له نفاذ الأمر و الملک فیهم. ثمّ قال عزّ و جلّ: إله النّاس، یعنی خالق النّاس و مُعطیهم و مانِعهم. مِنْ شَرّ الوَسْ واس کذا، یعنی من شرّ الشّیطان، و یقال أستعیذ باللّه لیحفظنی من شرّ الشیطان لأنّی لا أستطیع أن أحفظ نفسی من شرّه لأنّه یجری فی نفس الانسان...

و أمّا شیاطین الإنس فیأتی علانیهً. و روی أبومعاویه عن عثمان بن واقد أرسلنی أبی

إلی محمّـد بن المنکـدر أسـئله عن المعوّذتین أ هُمـا من کتاب اللّه تعالی؟ قال: من لم یزعم أنّهما من کتاب اللّه تعالی فعلیه لعته اللّه و الملائکه و النّاس أجمعین إلی یوم الدین».

سپس مطلبی نقـل شـده که بقیّه آن در برگ آخر بوده و افتـاده است. آخرین برگ موجود آخرین برگ کرّاسه چهاردهم می باشد، کما یظهر من النّسخه.

«۱۶۹» تفسیر کازور

(تفسیر _ فارسی)

برای آگـاهی از اقوال گونـاگون درباره مؤلّف و کتاب که تفسـیر قرآن کریم است به زبان فارسـی، بایـد به «الـذریعه ۴: ۳۰۹: تفسـیر گازر، و ۵: ش ۵۰۲: جلاـء الأذهان» و «إحیاء الـداثر: ۶۱ _ ۶۲» و «فهرست آقـای احمـد منزوی» رجوع شود. در نسـخه معتبر جای گفتگو، نام مؤلّف نیست و نام کتاب «تفسیر کازور» به همین شکل، در پایان آمده است.

نسخه: از سوره مبارکه أنعام است تا پایان کهف.

آغاز: «بسم... الحمد للّه حقّ حمده و الصّـلوه علی خیر خلقه محمّد و آله المعصومین. سوره الأنعام. عبداللّه عبّاس گفت که این سوره به یکبار فرود آمد به مکّه، هفتاد هزار فرشته بودند با وی به تسبیح و تهلیل».

انجام: «و هر که همه سوره بخوانـد وی را نوری باشـد از زمین تا به آسـمان. تمّت کتابه المجلّد الثانی من تفسـیر کازور، بعنایه اللّه، علی ید العبد... حسـین بن علیّ بن حسن به عیسی الحسینیّ السّبزواریّ مولدًا و محتدًا و منشأ، یوم الخمیس من العشر الأوّل لذی الحجّه الحرام، فی سابعه، لسنه تسعین و ثمانمائه. اللّهمّ اغفر لصاحبه و مصنّفه و قارئه...».

این تاریخ «پنجشنبه هفتم حجّه ۸۹۰» درست و مطابق تقویم است، و در هامش

همین موضع کاتب نوشته است که صاحب نسخه: «و هو الصاحب المحترم مفخر الحاجّ و الحرمین [کذا] خواجه حاجی فتح اللّه بن المرحوم خواجه مجدالدین استرآبادی.

و أمّا الکاتب، فقال الشیخ «رحمه اللّه علیه» فی «الضیاء اللّامع: ۴۸»: «الحسین السبزواریّ هو السیّد عزّالدین الحسین بن نورالدین علیّ بن بهآءالدین حسن بن شرف الدین عیسی الحسینی. کتب بخطّه الجیّد نسخةً من «الدُّروس» فی کرَک نوح من جبل عامل... و فرغ الکاتب من الکتابه یوم السّبت ۲۳ رجب (۸۷۱) و صحّحها بخطّه و قلمه و قرأها علی بعض مشایخه و علیها بلاغاته الکثیره... و علی ظهر الصّفحه الأُولی اجازه أحد مشایخه هذه صورتها: قرأ علیَ السیّد الامام الأعظم الأکمل صاحب النّفس القدسیّه و الأخلاق المرضیّه جامع الکمالات النفسانیّه السیّد الأعظم فرع الشجره الأحمدیّه و الزّیتونه العلویّه السیّد عزّ الدنیا و الدین حسین... و کتبَ... محمّد بن أحمد بن محمّد المطاریّ و ذلک فی العشر الاخر من شهر رمضان المعظّم سنه ۸۷۲».

صورت تمام اجازه شریفه در «ضیاء» آمده است. برای معرّفی کاتب جلیل القدر به همین اندازه اکتفا شد. و نسخه کتاب «دروس» موصوف را مرحوم شیخ در نزد مرحوم آقای حاج سیّد ضیاءالدین علّامه فانی اصفهانی دیده اند، رحمه اللّه علیهما.

خطّ نسخه: بسیار خوانا و نَسخ جلیّ است. همان گونه که در وصف نسخه «دروس» فرموده اند. تملّک «مخدوم بن نوراللّه بن نورالهُدی الحسینی الرضویّ الشجریّ» و مُهر محو شده او روی برگ آغازین است.

«۱۷۰» التّفسیر الوسیط

(تفسیر ــ عربی)

از: ابوالحسن علیّ بن أحمد الواحدی.

نسخه: از اوّل سوره مبارکه مریم است تا آخر قرآن کریم.

ص : ۱۵۲

کـاتب: «محمود بن أبی الـنُّـهی بن أبیبکر بن عبـدالکریم الابهری. ظ. فی المـدرسه العزیّه ظ بمـدینه السّـلام تبریز، فی غرّه النّهار من یوم الثلثاء ۲۱ ربیع الاول ۷۳۱، بعد قرائته علی فخر الملّه و الحقّ و الدّین أحمد بن الحسن الجاربردیّ».

در صفحه آخر: اجازه جاربردی مذکور برای کاتب است بخطّ المُجیز.

«۱۷۱» تفصیل وسائل الشّیعه إلی تحصیل مسائل الشّریعه

(حدیث ــ عربی)

از: مولانا محمد بن حسن حُرّ عاملی، علیه الرحمه.

نسخه: از آغاز کتاب است تا آخر باب طهاره الحدید.

انجام: «اقول تقدّم وجهه، و اللّه أعلم».

کاتب: صـفرعلی بن اسـمعیل نجف آبادی اصـفهانی. تاریخ ختم اسـتنساخ: ۱۲۵۱. هیـچ گونه اثر تصـحیح و مقابله و تحشـیه و امتیازی ندارد.

«۱۷۲» نسخه دیگر

نسـخه: از آغـاز کتـاب زکـات است تـا آخر کتـاب اعتکاف. نام کاتب و تاریـخ کتابت به نظر نرسـید، و مسـلّمًا در اواسط قرن سیزدهم استنساخ شده و امتیازی ندارد.

«۱۷۳» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد چهارم است از آغاز کتاب جهاد تا انجام کتاب وصایا (که پس از آن جزءِ پنجم و کتاب نکاح است).

کاتب: صفرعلی بن اسمعیل نجف آبادی اصفهانی. تاریخ ختم استنساخ: روز دوشنبه

۴ صفر ۱۲۵۱.

اثر تصحیح و مقابله و تحشیه و هیچ امتیازی ندارد. روی برگ اوّل فهرست کتب این جلد به اختصار نوشته شده و نیز: «کتابت این مجلد تخمینًا ۲۶۲۰۰ بیت».

«۱۷۴» نسخه دیگر

نسخه: جلد پنجم و از آغاز کتاب نکاح است تا کتاب لقطه و «باب حکم التقاط اللّحم و الجبن و البیض».

انجام: «فقال هُم فی سعه حتّی یعلموا».

کاتب: صفرعلی بن اسمعیل نجف آبادی اصفهانی. تاریخ پایان استنساخ: پنجشنبه ۲۷ ذی الحجه ۱۲۵۱.

هیچ نوع امتیاز و تصحیحی ندارد. روی برگ اوّل نوشته اند: «۳۴۵۶۰ بیت است تخمینًا».

«۱۷۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد ششم کتاب است از «کتاب الفرایض و المواریث» تا آخر.

انجام: پایان نسخه که مشتمل بر تاریخ تألیف و نام کاتب و تاریخ کتابت است عینًا نقل می شود: «و کان الفراغ من تألیفه فی منتصف رجب سنه ۱۰۸۲. ثم یقول الفقیر الی اللّه الغنی مصطفی بن عبدالواحد ابن سیار الحویزاوی محتدًا المشهدی مسکنًا: انّی قد نسختُ هذه النسخه المبارکه من نسخه الأصل و کان الفراغ منها فی الیوم التاسع من شهر ربیع الثانی من شهور سنه ۱۱۰۰».

در هامش این موضع نوشته اند: «به تاریخ شهر محرّم سنه ۱۱۳۰ ملاحظه شد» و مهر

ناخوانا، ظاهرًا: «عبده زین العابدین الحسینی».

روی برگ اوّل نسخه وقف نامه «نوّاب مریمی آداب فاطمی ألقاب... مریم بیگم» به تاریخ ۱۱۱۶ نوشته و به مُهر مشار الیها رسیده است که تولیّت پس از او با پادشاهِ وقت و نسخه در «مدرسه واقفه واقعه در خارج دروازه حسناباد» باشد.

کاتب نسخه، شاگرد صالح مؤلّف است و در «امل الأمل» عنوان دارد و از آنجا در «کواکب منتثره: ۷۲۷».

«۱۷۶» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب الفرایض و المواریث است تا پایان کتاب بدون خاتمه. نام کاتب و تاریخ کتابت و اثر مقابله و تصحیح ندارد.

«۱۷۷» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتابِ «الفرائض و المواریث» است تا پایان کتاب و خاتمه آن. تاریخ ختم تألیف این جلد، نیمه ماه رجب ۱۰۸۲.

کاتب نسخه: محمد مؤمن بن ملا محمد طالقانی «بحسب الأمر امیرالسادات العظام و نجباء الکرام حاوی الاصول و الفروع جامع المعقول و المنقول اعنی مجتهد الزمان سید رضی علوی اصفهانی». تاریخ ختم استنساخ: اواسط جمادای یکم ۱۰۹۶. آثار مقابله و تصحیح و حاشیه ای ندارد.

«۱۷۸» التّقریرات

(اصول فقه ــ عربی)

از: نیای معظّم راقم فهرست، آیه اللّه آقای حاجّ میرزا سیّد حسن چهارسوقی (متولّد روز شنبه سوم ماه رجب ۱۲۹۴، متوفّی شب پنجشنبه سیزدهم جُمادای یکم ۱۳۷۷،

مدفون در وادیالسلام نجف اشرف)، فرزند گرامی آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیح (۱۲۵۵ _ ۱۳۲۵)، فرزند فرزانه آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّدباقر موسوی صاحب روضات الجنّات (۱۲۲۶ _ ۱۳۱۳)، أعلی اللّه تعالی مقاماتهم.

کتاب: تقریرات مبسوط درس اصول فقه استادالفقهاء مرحوم آیه اللّه آقا سیّد محمّدباقر موسوی درچه ای اصفهانی، مجتهد جلیل القدر (۱۲۶۴ _ ۱۳۴۲) است، در دو مبحث:

۱ _ مبحث ظنّ، با تاریخ ۲۹ جُمادای یکم ۱۳۱۶ تا ۱۵ ذی القعده ۱۳۱۷.

۲ _ مبحث اصل برائت و احتیاط، که در روز ترویه ۱۳۱۷ شروع و در ۱۵ شوّال ۱۳۱۹ به مسأله أقلّ و أکثر ختم شده است.(۱)

نسخه: اصل مبیّضه خطّ مؤلّف بزرگوار است. صورت چند اجازه مؤلّف و چند مادّه تاریخ به خطّ شریف ایشان در آغاز نسخه هست.

«۱۷۹» تقویم آیات القرآن

(علوم قرآنی _ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: کشف الأیات قرآن کریم است بر اُسلوب قدیم و ظاهرًا از آثار قرن ۱۱ _ ۱۲

ص : ۱۵۶

۱- ۱) از جمله کسانی که تقریرات درس استاد الفقهاء آقای درچه ای را نوشته اند: میرزا محمّد جعفر فرزند میرزا محمّد علی بن مؤمن بن محمّد حسین بن میر عبدالحفیظ بن میر محمّد اشرف «صاحب علاقه التجرید» است، که تقریرات درس استاد را در فقه و اصول _ هر دو _ نوشته و در چهار مجلّد قرار داده است. مرحوم آقای علاّمه امینی صاحب الغدیر _ أعلی اللّه مقامه _ دوره را به نجف اشرف منتقل و در کتابخانه امیرالمؤمنین _ علیه السلام _ نهاده اند: «کواکب منتثره: ۲۲۶». یاد شده، عالم جلیل مرحوم حاج سیّد جعفر سدهی، والد ماجد مرحوم آقای حاج سیّد جمال الدین صِهری واعظ عالم شهیر اصفهان متولّد (۱۳۲۱) متوفی (۷ _ ع ۲ _ ۱۳۸۸) مذکور در «دانشمندان مهدوی: ۲۳۷» است. ایشان خود اثر پدر یعنی «تقریرات» را به مرحوم علاّمه امینی اهداء کرده اند.

می باشد. یک نسخه دیگر نیز در «الذریعه» معرّفی شده است، به اجمال.

آغاز: «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. این رساله ایست در باب یافتن آیات قرآن که در کـدام جزو است مثلًا بعد از کلمه «اتّخذ» این شکل «کج ا» نوشـته اند، شـکل اوّل که کاف و جیم است علامت «جزو» است یعنی این آیه در جزو ۲۳ است و شکل دوم که الف است علامـت «رکوع» است یعنی در رکوع اول جزو ۲۳ و علامت ۲۳ که در بالا نوشـته شده آن نیز علامت جزو است به واسـطه تبیین نوشـته انـد، و همه علامـات از این قرار است. القسم الأـوّل فی أوائـل الأـی. باب الألف من الألف بعـدهما التّاء - ءأتّخذ، کج ۲۳ ۱).

نسخه: به خطّ غیاث الدّین محمّد بن امیر جعفر حسنی. تاریخ پایان استنساخ: اوّل محرم ۱۱۱۶ در مدرسه جدّه کبیره اصفهان.

در چهـار صـفحه اوراق بـدرقه آخر نسـخه نیز مطـالب متفرّقه از احصـاءِ آیـات قرآنی و فهرست ابواب «تقویم آیـات القرآن» و ساعات استخاره نوشته شده است.

روی برگ اوّل وقفنامه نسخه نوشته شده واقف: «اقلّ الطلبه عبد الجلیل تبریزی» و «اختیار تولیه غیر را نیز به اوستادی ام فضیلت و کمالات پناه مستغنی الألقابی آخوند ملّا محمّد شریف تبریزی مفوّض نمودم».

تاریخ تحریر وقفنامه: ماه شوّال ۱۱۳۹.

«۱۸۰» تکمله المصادر

(لغت ــ عربی به فارسی)

از: نامعلوم.

کتـاب: در تکمیـل دو کتـاب «مصـادر» زوزنی و «مصـادر» بیهقی «یا: بُستی» نگاشـته شـده است به ترتیب ابواب ثلاثی مجرّد و مزید، در ۲۸ باب. نسخه ای دیگر از این کتاب در کتابخانه سلیمانیّه استانبول «شهید علی پاشاه: ۲۶۹۹» موجود است.

ص : ۱۵۷

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. از قرائن، در اوائل سده یازدهم نوشته شده، لکن تمام و مصحّح است و فهرست ابواب در مقدّمه به خطّ کاتب آمده است.

تملّک و مُهر ابوالفضائل بن حاجی حسین یزدی: «عبده ابوالفضائل» و نصیر بن حاجی میرزا بیک یزدی: «نعم المولی و نعم النّصیر ۱۱۰۳» و «منتظر فتوح لطف إلهی ۱۱۱۶» و «نعم المولی و نعم النصیر ۱۰۸۵» و «و اذکر فی الکتاب اسمعیل» و «عبدالرزّاق بن محمد کاظم» در تاریخ ۲۴ ذیحجه ۱۲۹۳ و «قوام الدین بن عبدالرزاق» در نسخه هست.

در حاشیه های بالای صفحات از آغاز تا برگ ۷۴ متنِ «تهذیب المنطق» و تا برگ ۴۲، قدری از «حاشیه تهذیب المنطق» از آخوند ملّا عبداللّه یزدی _ علیه الرحمه _ به خطّ کاتبِ اصل نوشته شده است.

«۱۸۱» تلخیص الأقوال فی تحقیق أحوال الرجال معروف به رجال وسیط

(رجال حدیث _ عربی)

از: میرزا محمد بن علی استرآبادی، علیه الرحمه.

دانش اسلام به وسیله گروهی بیشمار از مردم زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و زمان ائمّه اطهار علیهم السلام به ما رسیده است. این دانش ها را به زبان عربی؛ حدیث، روایت، خبر می نامند و آنها که این دانش ها را به ما رسانیده اند، رُوات (جمع راوی) گویند. خواه از مردم زمان پیغمبر اکرم یا زمان ائمّه اطهار علیهم السلام . در قرن سوّم هجری که انبوهی از روایات و احادیث اسلامی در سینه های راویان و محدّثان و هم در گوشه و کنار خانه های آنها، بر روی پوست، یا استخوان حیوانات، یا برگ و پوست بعضی از درختان و به نُدرت بر

روی کاغذها جمع شده بود و از طرفی نیز دانشمندان بزرگی در دنیای اسلام به پا خاستند و وارث آن همه آثار اسلامی گشتند، برای آنکه ترتیبی در کار روایت ها داده و راویان را بشناسند و در نتیجه همچنان که در خود روایت ها نیز دستور بود، روایت های درست را از نادرست تشخیص دهند، گروهی از دانشمندان، نام های راویان را و آنچه درباره آنها از مشایخ خود شنیده بودند در دفترهایی جمع کرده و بر آنها نام «أسماء الرّجال»، «معرفه الرّجال»، «فهرست أسماء الرّجال»، «المشیخه»، «التّراجم»، «معرفه أخبار الرّجال»، «تاریخ الرّجال» و امثال اینها گذارده، و کم کم راوی شناسی علمی مخصوص گشته و به علم «رجال» شهرت یافت و تألیفات بی شماری درین رشته پدید آمد که نام بیشتر آنها در «الذریعه إلی تصانیف الشّیعه ۱۰: ۸۰ تا ۱۶۱» آمده، و هم گروه بسیاری از نویسندگان کتب رجال و تألیف آنها در «فهرست دانشگاه ۲: ۴۸۵ تا ۴۹۷» یاد شده اند.

بزرگ ترین دانشمند راوی شناس محقّق شیعه، میرزا محمّد بن علی بن ابراهیم استرآبادی(۱) است که سوای دو کتاب «آیات الأحکام» و حاشیه «تهذیب الأحکام»، سه اثر مهمّ در رشته رجال و راوی شناسی نگاشت. بزرگ تر و معروف تر و محقّقانه تر از دو دیگر «منهج المقال» است که به رجال کبیر شهرت یافته و چاپ شده. میرزا این کتاب را هنگامی که در نجف اشرف می زیسته تألیف نموده و به سال ۹۸۴ آن را پایان داده است.

صاحب «کشف الحُجب: ۴۸۸»، کتابِ «منهج المقال» را به عنوان «مجمع الأقوال»

۱- ۱) در فهرست مرکزی دانشگاه تهران که نسخه بسیار نفیس «منهج المقال» را معرّفی کرده اند، مؤلّف را به عبارت شگفت آور «مولی سیّد میرزا» و «حسینی» وصف نموده اند. امّا باید دانست که آن مرحوم از طرف مادر شریف بوده اند و سیادت از جانب پدر نداشته اند، اگر چه این اشتباه سابقه داری است و صاحب کتاب «جامع الرواه» نیز گویا بر این باور بوده است.

ذکر کرده است.

دوّمین کتاب رجالی او، همین «تلخیص الأقوال» است که به رجال وسیط مشهور شده و آن را پس از «منهج المقال» تألیف و در ۱۰ ج ۲ _ ۹۸۸ تمام کرده است.(۱)

سوّم: کتاب معروف به وجیز و رجال صغیر که نسخه آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است «فهرست آنجا ۲: ۳۵۹ و ۶: ۶۰۶». صاحب «ریحانه الأدب» چند بار این «رجال صغیر» را «توضیح المقال» خوانده است، بدون ذکر مأخذ و گویا اشتباه است.

میرزا محمّد مدّتی از پایان زندگی خود را در مکّه معظّمه گذرانیده و عاقبت به سال ۱۰۲۸ در همانجا وفات و در جوار مزار حضرت خدیجه علیهاالسلام به خاک رفت. شرح حالش اجمالًا در «ریحانه الأدب ۲: ۴۲۴» مسطور است.

آغاز: «بسم... الحمد للّه و کفی و سلام علی عباده الّذین اصطفی. أمّا بعد، فهذا کتاب «تلخیص الأقوال» فی تحقیق أحوال الرّجال قد أثبتُّ فیه الأسماءَ علی ترتیب الحروف، مُراعیًا للأوّل ثمّ الثانی و هکذا. و للأصل من عدم الزّیاده حرفًا و حرکهً فقدّمتُ مثلًا عبید علی عُبیده، و عَمرو علی عُمر فی أسمآءِ الرّجال، ثمَّ یتبعها من أسمآءِ الابآءِ و الکُنی

۱- ۱) «تلخیص الاقوال» در «الذریعه ۴: ۴۲۰» یاد شده و نسخه وقفی مورّخه ۱۰۱۵ دارای اجازه به خطّ مؤلّف را در کتابخانه شیخ عبدالحسین طهرانی _ أعلی اللّه مقامه _ در کربلا نشان داده اند. نسخه ای نیز در «فهرست دانشگاه ۲: ۵۴۹» مورّخه ۱۰۸۹ معرّفی شده و نام کتاب در اوّلْ «تلخیص الاقوال» و در دوّمْ «تلخیص المقال» آمده است. ما نیز نسخه ای به همین نام خواهیم آورد «ش ۱۸۶». تکمله: در کتاب شریف «الروضه النضره» صاحب الذریعه که به سال ۱۴۱۱ چاپ شد، ده نسخه به عنوان اوّل و سه نسخه به نام دوّم، با مشخّصات هر یک معرّفی شده و شرح حال یک صفحه ای مرحوم میرزای استرآبادی نیز در صفحه ۴۹۷ دیده می شود. لازم است یادآور شویم که صفحه اوّل نسخه جای گفتگو نونویس است و معلوم نیست در برگ اصلی مفقود، «تلخیص الأقوال» بوده است یا «تلخیص المقال».

و نحوهما و أَعلمُ للخلاصه «صه» و للنّجاشی...».

پس از ذکر علامتهای اختصاری، شروع در باب الف و نام هایی که به حرف الف آغاز می شود نموده و به باب یاء خاتمه داده، و بعد بابی برای کنیه ها و لقب ها و نسبتها و زنانی که روایت حدیث کرده اند نهاده، و خاتمه ای قرار داده مشتمل بر ده فائده و در آخر فائده دهم، سند روایت خود را به اصحاب حدیث متّصل نموده است.

انجام: «فرغ منه مؤلّفه الرّاجی عفو ربّه الهادی محمد بن علی الاسترآبادی عاشر شهر جمادی الاخره سنه ۹۸۸ حامدًا مصلّیًا... و کتب بیُمناه الدّاثره فقیر عفو ربّه القویّ الغنیّ محمّد باقر الموسویّ الحسینیّ، ببلده اصفهان».

نسخه: دارای ۳۲۳ برگ است که برگ اوّل و برگ آخر آن نونویس و به خطّ نیای بزرگوار، آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّدباقر چهارسویی صاحب «روضات الجنّات»(۱) ــ أعلی اللّه مقامه ــ می باشد و بقیّه در زمان خود مؤلّف نوشته شده و حاشیه های فراوان و بسیار مهمّ شخص مؤلّف با توقیع «منه سلّمه اللّه» و «منه دام ظلّه» و «منه مدّ ظلّه العالی» است،(۲) و نسخه در نهایت صحّت و دارای آثار مقابله می باشد.

متن: خطّ نستعلیق بسیار خوب ۱۹ سطری، حواشی نَسخ ممتاز، عناوین به شنگرف، جدول کشیده با طلای اشرفی، کاغذ دولت آبادی، قطع ۱۲ و نیم × ۲۵. جلد تیماج

ص : ۱۶۱

۱ـ ۱) متولّد ظهر ۲ شنبه ۲۲ صفر ــ ۱۲۲۶ در خوانسار، متوفی اواخر ثلث اوّل شب ۲ شنبه ۸ ج ۱ ــ ۱۳۱۳ در اصفهان، مدفون در بقعه تکیه مخصوص به نام خود در تخت پولاد اصفهان ــ برّد اللّه مضجعه الشریف ــ . ایشان امضاءِ نام و نسب خود را در پایان نسخه ــ چنان که نقل کردیم ــ «محمدباقر الموسویّ الحسینیّ» مرقوم فرموده اند.

۲ـ ۲) از حاشیه مفصّلی که بر ترجمه «الحسین بن اسکیب» مرقوم فرموده، معلوم می شود که نسخه «خلاصه الأقوال» علاّمه حلّیِ مورد استفاده ایشان، دارای حواشی و تعلیقات شهید ثانی و به خطّ خود آن جناب بوده است. رضوان اللّه علیهم أجمعین.

سرخ مقوّایی ضربی طلای اشرفی صفوی اعلا. داخل: تیماج زرد تیره، جدول کشیده.

گویا نسخه برای شخصیّت والایی نوشته شده و فراهم گشته است و نیز این که برگ نخستین دارای سرلوح و تزیین ارزشمند بوده، در زمان دور، آن را جدا کرده اند!.(۱)

«۱۸۲» نسخه دیگر

نسخه: کامل و مصحّح است و دارای حواشی مؤلّف و حواشی دیگر با امضاءِ «مح سد، عُفی عنهما» که بی شکّ همان محمد بن سعید قطیفی یکی از مالکان نسخه است.

کاتب: صلاح بن بَراهیم بن محمد بن سعید بن حسین اللحیل الجمریّ الأوالیّ الموالی. تاریخ کتابت، سنه ۱۰۷۷ و تاریخ ختم تألیف در این نسخه نیز دهم جمادای دوم ۹۸۸ قید شده است. ظهر نسخه این شرح دیده می شود: «هو اللّه. دخل فی حیازه أقلّ عباد اللّه و أحوجهم الی رحمه ربّه، الفقیر الی اللّه الغنیّ محمّد بن سعید القطیفیّ، عفی اللّه عنهما، بتاریخ شهر ربیع المولود للسنه السادسه و الثمانین و ألف». مهر خوانده نمی شود.(۲)

أیضًا تملّک احمد بن ملاّ أبوالحسن، و تملّک «ابن عبدالحسین الحسینی» و مهر او «محمد معصوم الحسینی».

«۱۸۳» تلخیص المحصّل

(کلام ــ عربی)

از: خواجه امام نصیرالدّین محمّد بن محمّد بن حسن، محقّق طوسی، أعلی اللّه مقامه.

ص : ۱۶۲

---

۱ – ۱) نسخه خوبی از «تلخیص» و «فهرست شیخ الطائفه طوسی» و «ایضاح الاشتباه» در کتب اهدایِی امام جمعه به دانشکده ادبیّات تهران موجود است «فهرست: ۶۲».

۲ – ۲) «الروضه النضره»: محمّد القطیفیّ ابن سعید: رأیت بعض تملّکاته لکتُب علمیّه فیها المجلّد الثانی من «المسالک»، کتَب تملّکه علیه فی (۱۰۸۷)، و النسخه عند مشکور الحولاوی فی النجف».

کتاب: شرح «قال. أقول» و تهذیب و تصحیح کتابِ «محصّل أفکار المتقدّمین و المتأخّرین من الحکماء و المتکلّمینِ» محمد بن عمر، فخر رازی است در علم کلام، و در «کشف الظنون» گوید که محقّق در ماه صفر ۶۶۹ (تسع و ستین و ستّمائه) از تحریر آن فراغت یافته است.(۱) کتاب به صورت ناقص و تحریف شده در ذیل اصل «محصّل» در مصر چاپ شده است.

نسخه: از برگ ۸ تا اواسط ظهر برگ ۱۳ به تصدیق میرداماد و غیره به خطّ علاّمه حلّی ــ قدّس اللّه روحه ــ است، و از آنجا تا پایان برگ ۱۸ به خطّی شبیه خطّ مرحوم علاّمه است، و از برگ ۱۹ تا برگ ماقبل آخر به خطّ دیگری است با تصحیحاتی به خطّ علاّمه. هفت برگ آغاز نسخه و برگ آخر که از اصل نسخه مفقود بوده ظاهرًا در زمان میرداماد نوشته شده است.

تملّک جناب میرداماد «محمّـد بن محمّد المدعوّ بباقر داماد الحسینی» به تاریخ ۱۰۰۲ در اصفهان و مُهر او «یثق بالملک القادر الغنیّ، عبده محمّـدباقر بن محمّد الحسینیّ» و تملّک سیّد محمّد بن محمد صالح حسینی و مُهرِ «عبدالقادر الحسینی» در ظهر نسخه هست.

در هامش برگ ۸، میرداماد گواهی داده است که از آنجا خطّ علاّمه حلی است. رحمه اللّه علیهم اجمعین.

«۱۸۴» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ محمّد حسین بن محمّد حسین «کذا» هزارجریبی. تاریخ ختم کتابت:

ص : ۱۶۳

۱- ۱) تاریخ تألیف در این نسخه و نسخه ش ۱۸۳ نیامده است.

غرّه ماه رجب ۱۰۰۴. تملّک حاج محمد شفیع خوئی و مهر او «عبده الرّاجی محمّد شفیع» ظهر نسخه و تاریخ ولادت آقا محمّد صالح شب جمعه ۲۷ ذی القعده ۱۱۱۷ و زایجه او در آخر نسخه است.

«۱۸۵» تلخیص المفتاح

(ادب ــ عربی)

از: خطیب دمشقی محمّد بن عبدالرحمان قزوینی (متوفی ۷۳۹).

کتاب: تلخیص قسم سوّمِ «مفتاح العلومِ» ابو یعقوب یوسف سکّاکی در فنون بلاغت است، با افزودن فوائدی.

نسخه: به خطّ نصرالدین عبدالمؤمن حسنی. تاریخ استنساخ: روز پنجشنبه ۲ ماه رجب ۹۸۹ در شهر اکره.

روی صفحه اوّل فهرست کتاب و بالای اوراق عدد شمار اوراق نسخه به سیاق نوشته شده است. حواشی متفرّقه در هامش نسخه به خطّ کاتب هست.

«۱۸۶» تلخیص المقال فی تحقیق احوال الرجال

(عربی)

پیرامون این کتاب و مؤلّفش محقّق بزرگ میرزا محمد استرآبادی رحمه الله و نسختی از آن در شماره «۱۸۱» گسترده سخن گفتیم. اینک نسخه دیگری را می شناسانیم.

دو مطلب شایان ذکر نیز به عنوان تکمیل گفته های سابق باید نوشت:

اوّل این که: دانشمند محقّق بارع، حاج ملاّ محمّد بن علی اردبیلی از شاگردان علاّمه مجلسی و عالم جلیل شیخ جعفر کمره ای، که در اماکن مقدّسه عراق عرب می زیسته و بنا به نگارش آقا رضی بن محمّد قزوینی در ماه ذوالقعده ۱۱۰۱ در کربلای معلّی بدرود

زنـدگی گفته است، کتـابی بس مفیـد و گرانبهـا در علم رجـال و راوی شناسـی به نام «جامع الرّواه» تألیف نموده(۱) که درین اواخر در طهران به طبع رسـید. وی این کتـاب را به منزله ذیلی بر «تلخیص المقالِ» استرآبادی قرار داده و تمام آن را از آغاز تا انجـام در رجـال خود پراکنـده نموده تـا آنجـا که خطبه و دیبـاچه و خاتمه را نیز نقل کرده است، جز این که حواشـی فراوان و بسـیار مهمّ شـخص مؤلّف «تلخیص» بر کتابش در این کتاب دیده نمی شود. ظاهرًا نسـخه نه چندان معتبر مورد استفاده مرحوم اردبیلی، دارای تمام حواشی نبوده است، و این نقیصه بزرگی است که لازم است در یک چاپ محقّقانه تدارک شود.

هنگـامی کـه نویسـنده ایـن فهرست در حـوزه درس مرحـوم آیه اللّه عظیم الشّـان نـابغه المتـأخّرین حـاج آقـا حسـین طباطبـائی بروجردی ــ اعلی اللّه مقامه الشریف ــ(۲) در قم مشغول تحصیل بود، آن عالم بزرگ، فرمان طبِع «جامع الرّواه» را از آن روی که رجال بسـیار مفید و مهمّی است صادر نمود و خود نیز مقدّمه جامعی برای آن کتاب املاء فرمود که عینًا در آغاز نسـخه به طبع رسید. این مقدّمه دارای فوائد بسیار و شایان مراجعه است.

ص : ۱۶۵

---

۱ - ۱) تاریـخ فراغت از تألیف «جامع الرواه» شب ۱۹ ربیع الاول ۱۱۰۰. آقا رضـی ابن محمد قزوینی که خود نسـخه ای از این کتاب را در نجف اشـرف ظرف چند سال از روی نسـخه اصل استنساخ و در روز پنجشنبه ۲۷ محرّم ۱۱۱۵ از آن فراغت یافته است در صـفحه اوّل نسـخه خود که تاریخ رحلت مؤلف را یاد کرده است، چنین نوشـته: از مؤلّف قدس سره شنیدم این کتاب را در مدت ۲۵ سال تصنیف کرده است: «مقدمه جامع الرواه، صفحه ل».

۲ - ۲) آیه اللّه بروجردی قدس سره در ماه صفر ۱۲۹۲ (یا اوائل ۱۲۹۱) در بروجرد متولّد و صبح ۵ شنبه ۱۳ ماه شوال ۱۳۸۰ در بلده طیبه قم وفات یافت و بر حسب دسـتور خود ایشان در دالان مسجد اعظم مدفون شد. شرح حال آن مرحوم را نویسنده این فهرست در کتاب «زنـدگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۱۶۰ ــ ۱۶۴» نوشـته و به طور مبسوط در چند کتاب مسـتقل نیز تدوین و هم در کتاب «تاریخچه شهر سامرا» مذکورست.

دوّم این که: نـام کتـاب در نسـخه ای که به شـماره «۱۸۱» شـناساندیم، در برگ اوّل و دیبـاچه مؤلّف که به خـطّ شـریف نیای معظّم، صـاحب «روضات الجنات» است؛ «تلخیص الأقوال» آمـده و درین نسـخه ــ جای گفتگو ــ به خطّ شـیخ احمـد احسائی «تلخیص المقـال». در موضـع سـابق نیز یـاد کردیـم کـه در «ذریعه ۴: ۴۲۰» بسـان اول، و درنسـخه «فهرسـت دانشـگاه ۲: ۵۴۹» همچون ثـانی است. در «جامع الرواه: ۷»، تلخیص المقـال است و در همه جـای «مصـفّی المقال»، تلخیص الأقوال. جز اینکه در ص ۴۳۰ مصـفّی که اجمـالی از شـرح حـال استرآبـادی و نسـخ کتب رجـالی او را یـاد کرده، هر دو را ضـبط و «الأقوال» را به صورت نسخه بدل نوشته اند.

نسخه: دارای ۲۵۶ برگ و ۲ برگ عطف در اوّل و آخر. صـفحه اوّل و از برگ ۲۵۱ تا آخر نونویس و به خطّ عالم شهیر شیخ احمد احسائی(۱) است و بقیّه گویـا در زمان مؤلف نوشـته شـده که بعضـی از حاشـیه ها دارای توقیعِ «منه دام ظله»، یا «منه مدّ ظلّه» می باشد. احسائی در پایان این نسخه نوشته است:

«و قد فرغ من تتمیم هذا الکتاب بهذه الأوراق العبدُ الفقیر المسکین أحمد بن زین الدّین بن ابراهیم بن صقر بن ابرهیم بن داغر، السّاکن قریهَ «المطیرفی» متأصّـلًا، غفر اللّه لهم اجمعین، ضُـحی الخمیس الثامن و العشـرین من ربیع الثانی سـنه ۱۱۹۹ من الهجره النّبویّه، علیه و آله السلام، ذاکرًا حامدًا مصلّیًا مستغفرًا راجیًا خائفًا سائلًا من الجواد الکریم».

نسخه در پاره ای از جاها دارای آثار مقابله است. تصحیحات در حواشی مختلف نوشته شده. تمام حواشی مؤلّف در این نسخه نیامده و در چند موضع حاشیه هایی با

ص : ۱۶۶

---

۱ - ۱) ولادتش در مـاه رجب ۱۱۶۶، وفـاتش روز ۱ شنبه ۲۱ ذی القعـده ۱۲۴۱، مدفنش در قبرسـتان بقیع مدینه منوّره، شـرح حالش مفصّلا در «روضات الجنات ۱: ۲۱۶ ــ ۲۳۲» طبع اصفهان در متن کتاب و حواشی نویسنده این فهرست مذکورست.

امضـای «محمّـد بن محمّـد بـاقر الخراسانی، عفی عنه» دیـده می شود. روی برگ ۲ تملّـک «أبـو جعفر...» به تاریـخ غرّه ع ۲ ــ ۱۲۱۷ و در اوّل و آخر نسـخه مُهر «لا اله الاّ اللّه الملك الحقّ المبین. عبده...» هست که پس از کلمه ابو جعفر و عبده محو شده و خوانده نمی شود.

خط نسخ ۲۲ تا ۲۵ سطری، ۴ برگ آخر شکسـته نستعلیق، حواشی مختلف، عناوین به سرخی، کاغذ زاغی شکری رنگ، جلد دو شـکل تیماج قهوه ای که با تیماج سـیاه تعمیر شـده، آستر یک طرف تیماج قرمز، طرف دیگر بـدون آستر است. قطع ۱۳ × ۲۴، متن نوعًا ۷ × ۱۸.

«۱۸۷» تمهید القواعد الأُصولیّه و العربیّه لتفریع فوائد الأحکام الشّرعیّه

(قواعد ــ عربی)

از: شهید ثانی شیخ زین الدّین بن علیّ بن احمد شامی عاملی، علیهم الرحمه.

نسـخه: تاریـخ تألیف و نام کاتب نـدارد. تاریخ انجام کتابتِ قسم اوّل، ۱۲۲۳ است. یـک حاشـیه در اوائل کتاب از «ملاّ محمّد علی نـوری، مـدّ اللّه أیّـام إفـادته» و حاشـیه ای دیگر از «محمّـد تقی عفی عنه» است که این شـخص تملّـک خود را به عنوان و امضاءِ «اقلّ الطلبه محمّد تقیّ بن محمّد بشیر» به تاریخ ۲۵ ماه رجب ۱۲۸۶، در ظهر نسخه نوشته است.

«۱۸۸» نسخه دیگر

تاریـخ پایان تألیف در این نسـخه: وقت ظهر روز جمعه مفتتح ربیع دوّم ۹۵۸ ضـبط شده است، بر خلاف نسخه دیگر (مجموعه ش...) که آن درست است و مطابق تقویم.

نسخه: به خطّ بانویی است که خود را «أقلّ خلق اللّه منزلاً و مرتبهً: بنت محمّد هادی بن مانی» شناسانده است.

تاریخ پایان استنساخ: روز جمعه ۱۶ ربیع دوّم ۱۰۳۵. برگ اوّل مفقود شده است.

تنبیه الخاطر: نزهه النّاظر

«۱۸۹» التّنبیهات العَلیّه علی وظائف الصّلوات القلبیّه

(معارف ــ عربی)

از: شهید ثانی شیخ زین الدین بن علی بن احمد شامی عاملی، علیهم الرحمه.

کتاب: در اسرار نمازها است. تاریخ تألیف: روز شنبه نهم ذی الحجّه (عرفه) ۹۵۱.

نسخه: نام کاتب ندارد، لکن تاریخ انجام کتابت: روز شنبه از ربیع دوّم ۱۰۹۵ در پایان نسخه قید شده. تملّک و مهر مرحوم سیّد محمّدعلی موسوی لاریجانی مازندرانی اصفهانی، و نیای گرامی، آیه اللّه حاجّ میر سید علی بن آیه اللّه حاج میر سید محمد موسوی چهارسوقی در ظهر نسخه هست.

«۱۹۰» تنزیه الأنبیاءِ و الأئمّه صلوات اللّه علیهم و سلامه

(کلام ــ عربی)

از: سیّدنا الشریف الأجلّ المرتضی ذوالمجدین ابوالقاسم علیّ بن الحسین بن احمد الموسوی، اعلی اللّه مقامه.

نسخه: تمام است. کاتب: ابن المرحوم اسمعیل محمد عبدالله. تاریخ پایان کتابت: پنجشنبه ۱۲ ماه رمضان ۱۰۸۴. امتیازی ندارد.

ص : ۱۶۸

در آخر نسخه سه صفحه درباره اسامی و احوال آباءِ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به فارسی نوشته شده و در صفحه چهارم، شرحی درباره ادلّه فقهیّه شیعه به عربی.

«۱۹۱» التنقیح الرائع من المختصر النافع

(فقه ــ عربی)

از: شیخ مقداد بن عبداللّه سیوری حلّی معروف به فاضل مقداد، علیه الرحمه.

کتاب: در شرح «مختصر نافع» محقّق حلّی است به «قوله»، در دو مجلّد.

نسخه: شامل هر دو مجلّد است: اوّل از مقدّماتی در تعریف فقه تا کتاب وصایا. دوّم از کتاب نکاح تا دیات.

کاتب: محمّد بن حسین بن محمّد، در غره ربیع دوم ۱۰۳۰ از کتابت آن فارغ شده.

تملّکِ محمّد تقی بن محمّد مهدی سهروردی شهیر به شولستانی به سال ۱۰۱۴ با مُهرِ «عزّ من قنِع و ذلّ من طمِع، محمّد تقی، سنه ۱۱۰۳» و تملّک مهدی ملقّب به آقا بزرگ ابن حاجی و مهر «افوّض أمری إلی اللّه، عبده محمد مهدی، ۱۱۶۶ ظ» و اجازه گرفتن مرحوم حاج میرزا محمّد باقر بن علی نقی موسوی زنجانی اصفهانی از سرکار شریعتمدار حاجی شیخ مرتضی در نجف برای تصرّف کردن در کتاب به تاریخ ماه صفر ۱۲۶۱ و تملّک مرحوم حاج آقا محمّد بن حاج میرزا ابوالقاسم بن حاج میرزا محمدباقر زنجانی در ظهر نسخه دیده می شود.

«۱۹۲» تنقیح المرام

(اصول فقه ــ عربی)

چنانکه در «حاشیه عدّه الاُصول. ش ۳۱۲» یاد کرده ایم، کسانی از شاگردان مولانا خلیل قزوینی نگارنده «حاشیه عدّه الاصول» بر کتاب مذکور او حاشیه نوشتند که از

جمله آنها حاج ملّا علی اصغر بن محمّد یوسف قزوینی است. وی در این باب، کتاب «تنقیح المرام» جای گفتگو را در چندین مجلّد بزرگ نگاشت.

نسخه ما مجلّد اوّل کتاب است که تمام این مجلّد فقط گزارش حاشیه اولی از حواشی خلیلیّه «مذکور در شماره یاد شده» می باشد. قزوینی در آغازِ این مجلّد گوید: «چون دانشجویان به فراگرفتن حواشی عدّه الأُصول فاضل مؤیّد... مولی خلیل قزوینی بسیار راغبند، لکن در آن مطالب مشکلی بود، من این کتاب را در حلّ مشکلات و توضیح عبارات آن نوشتم...».

از نسخ و مجلّدات دیگر این کتاب اطّلاعی در دست نیست و در فهارس موجود چیزی نیافتیم، جز اینکه در «ذریعه ۴: ۴۶۴» که آن را عنوان کرده است، فرماید: «نسخه ای از مجلّد سوّم کتاب را که به آخر مبحث مجمل و مبیّن منتهی می شود به خط نگارنده آن دیدم که در عاشورای ۱۱۱۰ «سال درگذشت علاّمه مجلسی ثانی» از تألیف آن فراغت یافته و در ظَهر نسخه فرزندش ملّا محمّد مهدی بن علی اصغر «که پس از این یاد خواهد شد» نوشته بود این نسخه مجلّد سوم حاشیه عدّه پدرش می باشد، و چون ملّا محمّد مهدی در نزدیکی سال ۱۱۲۹ وفات یافت، دو وصیّ او که برادرانش ملّا محمّد مؤمن و حاج محمّد حسین بوده اند، این نسخه را به دانشمند جلیل حاج محمّد رضا قزوینی ــ که به سال ۱۱۳۶ در فتنه افغان ها شهید شد ــ فروختند و در ظَهر نسخه شرحی مبنی بر فروش آن به نحو مذکور نگاشتند. این نسخه اکنون در نجف اشرف نزد آقا سید محمّد باقر حفید آیه اللّه آقا سید محمّد کاظم طباطبائی یزدی موجود است». پایان کلام ذریعه.

در «حاشیه عُدّه الأُصول. ش ۳۱۲» نیز گفته ایم که در «ذریعه» از «تتمیم أمل الآملِ» مرحوم شیخ عبدالنبی قزوینی نقل کرده اند که ملّا احمد طالقانی حاشیه ای بر حاشیه عدّه

ص : ۱۷۰

ملّا خلیل و تنقیح المرام ــ جای گفتگو ــ نگاشته است.

شرح حال حاج ملاّـ علی اصغر، مؤلّف کتابِ مورد بحث در «أمل الأمل: ۵۱» آمده و آنجا است که وی عالم فاضل ماهر صالحی است و پیش دانشمندان قزوین از جمله مولانا خلیل و برادرانش ملّا محمّد باقر و رضیّالدین محمّد تحصیل کرده، او را است کتابی بزرگ در ادعیه به نام «سفینه النّجاه» و «رموز التفاسیر الواقعه فی الکتب الأربعه و غیرها من کتب الحدیث»، و حواشی مبسوطی بر «حاشیه عدّه» ملّا خلیل که جدًّا دقیق نوشته، و او را است «فهرست أشعار مغنی اللّبیب»، وی از معاصران است، انتهی.

امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات: ۳۹۹» نیز شرح حال وی را از أمل الأمل آورده و مطالبی از «تنقیح المرام» او نقل فرموده و ترجمه را به شرح حال فرزندش ملّا محمّدمهدی پایان داده اند. در کتب تراجم دیگر نیز مانند «فوائد رضویّه: ۲۷۴» و «أعیان الشیعه ۴۱: ۸۴» و «معجم المؤلّفین ۷: ۳۹» از این دانشمند به اجمال یاد کرده اند، لکن از تاریخ تولّد و وفات او اطّلاعی نداده اند، و چنان که گذشت مجلّد سوّم تنقیح المرام را در عاشورای ۱۱۱۰ به پایان رسانیده و در شماره «...» نیز که «سفینه النّجاه» او را می شناسانیم، خواهیم گفت که در ۸ ربیع دوم ۱۰۹۸ از نگارش مقاله سوّم آن فراغت یافته است.

شیخ حرّ ــ علیه الرحمه ــ در «أمل الأمل: ۷۰» از دانشمندی به عنوان «مولانا محمّد یوسف بن پهلوان صفر قزوینی»(۱) یاد کرده و گوید: «وی از شاگردان ملّا خلیل و مردی

۱- ۱) در طبع اوّل أمل، اشتباهًا «محمد بن یوسف بن...» است، لکن در طبع دوّم آن و همچنین در نسخ خطّی أمل و مواضع دیگر ــ مانند «مجموعه رسائل ریاضی» که به خطّ همین شخص در کتابخانه دانشمند فاضل آقای سید محمد موسوی جزائری نجفی موجود است ــ همه جا محمد یوسف دیده می شود. رجوع به «فهرست دانشگاه ۱: ۱۱۳ و ۱۲۹» شود.

فاضل و عالم و از معاصران است، در بعضی از مدارس قزوین درس می گفت و کتابی مبسوط در «آداب حجّ و کیفیّت وضع مسجد الحرام» و رساله کوچکی در «مناسک حجّ» نگاشت»، انتهی.(۱)

نویسنده فاضلِ «فهرست دانشگاه ۱: ۱۱۳ و ۱۲۹» ـ بدون این که مأخذی برای نظریّه خود آورده باشند ـ این شخص را پدر ملاّ علی اصغر، مؤلّف تنقیح دانسته اند، در صورتی که این انتساب از کتب تراجم و فهارس و جاهای دیگر تا آنجا که تحقیق کردیم، به هیچ وجه مستفاد نمی شود. اضافه بر این که صاحب «ذریعه ۱۱: ۴» آنجا که رساله آداب الحجّ را عنوان کرده، فرماید: «للمولی محمد یوسف بن پهلوان صفر القزوینی، ساکن اصفهان...».

باری، ملاّ علی اصغر را فرزندانی بوده و یکی از آنها ملاّ محمّـد مهدی سابق الذکر است که مرحوم شیخ حرّ در «أمل الامل: ۶۹» در ترجمه او فرماید: «مولانا محمّـد مهدی بن علی اصغر قزوینی، فاضل عالم محقّق ماهر صالح ثقه معاصر، کتاب هایی دارد، از جمله «عین الحیوه» در ادعیه که فضائل دعائها را در آن به فارسی آورده است. «الإنتقاد» در نحو. «شرح الجمل»(۲) از مولانا خلیل... إلخ».

---

۱ – ۱) برای آگاهی بیشتر به کتاب های: «ذریعه ۲۰: ۸۶. مجموعه ریاضیّه» و «الروضه النضره اشتراکی: ۳۷۴ و ۶۴۶» و کذا «الکواکب المنتثره: ۸۳۴» و «تلامذه العلاّمه المجلسیّ: ۱۳۵، ش ۲۰۲» و «اجازات الحدیث: ۲۸۵، ش ۱۰۶» مراجعه فرمایند.

۲ – ۲) نام این کتاب در طبع اوّلِ أمل الأمل و نسخه خطّی ـ خطّ نیای معظّم، صاحب روضات، أعلی اللّه مقامه ـ ، ضمن شرح حال ملاّ خلیل، کتاب «الجمل» به لفظ جمع آمده، لکن در چاپ دوّم «المجمل» دیده می شود و در شرح حال ملاّ علی اصغر در هر سه نسخه «شرح الجمل» باز به لفظ جمع و در همه مواضع روضات نیز به همین صورتست. صاحب «ذریعه ۵: ۱۴۲ و ۱۳: ۱۷۷» فرماید: در «ریاض العلماء» ضمن شرح حال ماتن و شارح در هر دو جا «مجمل» یاد شده و خود شارح نیز آن را به همین نام خوانده و نسخه أملِ صاحب روضات مصحَّح نبوده که در آن «جمل» داشته است، انتهی. این فرمایش مؤلّف بزرگوار ذریعه است. لکن گذشت که در سه موضع أمل الأمل های چاپی، علاوه بر نسخه خطی «الجمل» دیده می شود، و اللّه العالم. ناگفته نماند که خلیل بن احمد نحوی معروف نیز کتابی به نام «جمل الاعراب» در علم نحو نگاشته است که نسخه آن را به شماره (۲۲۸) می شناسانیم.

صاحب أمل چند کتاب دیگر از تألیفات ملاّ محمّد مهدی را یاد کرده و گوید: نام کتاب های او و پاره ای از احوال فضلاءِ قزوین را از خطّ و نامه خودِ او که برای من فرستاده بود نقل کردم، انتهی.

از جمله آثار ملاّ محمّد مهدی که در أمل یاد نشده و پس از فرستادن آن نامه به شیخ حرّ تألیف کرده، کتابِ «ذُخر العالَمین(۱) فی شرح دعاءِ الصّنمین» است که نُسخ آن در «ذریعه ۱۰: ۹ و ۱۳: ۲۵۶» و «فهرست دانشگاه ۱: ۱۱۲» یاد شده است. تاریخ تألیف این کتاب در «فهرست دانشگاه» نیامده و در «ذریعه ۱۰: ۹» فرماید: روز چهارشنبه ۱۳ جمادای دوّم ۱۱۱۶ از تألیف آن فراغت یافته و نسخه ای که تاریخ کتابتش اوائل ذی القعده ۱۱۱۹ بوده دیده ام، انتهی.

لکن در «ج ۱۳ ص ۱۱۷ س ۲۲ و ص ۲۵۶ س ۱» فرماید: وی در ۱۱۱۹ این کتاب را تألیف کرده است!

ممکن است همین تاریخ اخیر درست باشد. زیرا مؤلّفِ «أعیان الشّیعه ۴۷: ۸۲» درباره این کتاب گوید: «ینقل فیه عن المولی خلیل و الاقا رضا القزویتیین و یعبّر عن کلّ واحد منهما بالأستاذ. فرغ منه ذی القعده ۱۱۱۹».(۲)

۱- ۱) در ذریعه اشتباهًا «ذخر العاملین» چاپ شده است.

۲- ۲) در حدود سال ۱۳۹۶ ق، چند جزءِ پراکنده از «ذخر العالمین» دستنویس به دست آمد که کاتب آن «ملاّ عبداللّه ابن مرحمت پناه آخوند ملاّ محمد» و تاریخ کتابتش نیمه ماه رجب یکهزار و سیصد است و عبارت خاتمه مؤلّف این چنین است: «یقول الفقیر الشارح محمد مهدی بن الحاج علی أصغر القزوینیُ _ عفا اللّه عنه و عن والدیه _ تمَّ ما یسّر اللّه تعالی ایرادَه فی شرح هذا الدعاءِ و له الشکر، و علی رسوله و أوصیائه التحیّه و الثناء، فی اوائل شهر شوّال _ ختم بالخیر و الاقبال _ من شهور سنه ۱۱۱۹ تسع و عشر و مائه بعد الألف». أیضًا: شرح حال ملاّ محمد مهدی _ علیه الرحمه _ در «کواکب منتثره: ۷۶۲ _ ۷۶۳» نیز چاپ شده است.

«ذخر العالمین» به عربی نیز ترجمه گردیده و در «ذریعه ۴: ۱۰۲» یاد شده است.

کتاب دیگری نیز از او به نام «دلیل الدّعاه فی شرح عین الحیاه» که متن «عین الحیاه» هم از خود اوست، در ذریعه و فهرست دانشگاه معرّفی کرده اند.

غیر از ملاّ محمّد مهدی مذکور، دو فرزند دیگر نیز از ملاّ علی اصغر صاحب ترجمه می شناسیم: ملاّ محمّد مؤمن و حاج محمّد حسین که در پیشتر از آنها یاد کردیم.

* * *

مطلب دیگری که پیرامون «تنقیح المرام» جای گفتگو باید اضافه کنیم این که، نگارنده در حیات ملاّ خلیل تألیف کتاب خود را شروع کرده، لکن به نیمی از مجلّد اوّل نرسیده، استادش درگذشت. لذا از آغاز کتاب تا مبحث علم تفصیلی باری به أشیاء یعنی تا نیمه های مجلّد اوّل «برگ ۱۲۴ نسخه» همه جا گوید: «قوله، أیّده اللّه» و از آنجا به بعد «برگ ۱۲۵» گوید: «قوله، قدّس اللّه سرّه و جعل الجنّه مثواه».

روی برگ اوّل نسخه ما در گوشه ای شماره «۱۰۰۰۰» دیده می شود، مانا که خواست نگارنده ازین عدد، شماره ابیات این مجلّد باشد. اینک سایر مشخّصات:

آغاز: «بسم... الحمد للّه رب العالمین.. و بعد، فیقول راجی رحمه ربّه الغنیّ المغنی، ابن محمّد یوسف: علی اصغر القزوینیُ...: لمّا رأیت توفّر دواعی المحصّلین إلی تعلّم الحواشی المعلّقه علی «عدّه الاُصول» للمولی الفاضل المؤیّد، و الحبر الکامل المسدّد، محیی العقائد الدّینیّه، مروّج الاُصول الیقینیّه، مُظهر نکات الآیات و دقائقها، موضح

لطائف الرّوايات و حقائقها، معزّ الحقّ و معين الـدّين، عون الاسـلام و ملجأ المسـلمين، سـميِّ خليل الرّحمن «كذا»، خليل العلم و ناصر ذوى الايمان ــ جزاه اللّه تعالى... ــ فانّه كتابٌ عزيز مشتمل على قواعد متقنه... لكنّ أكثر متعاطيه قد حُرموا توفيق الإهتداءِ الى ما فيه على وجه الكمال، لاشـتمال كثير من مطالبه على غموض و إشـكال. فتعرّضتُ لتوضـيح مطالبه و حلّ مشكلاته، مع قلّه البضاعه؛ و تصدّيت لتنقيح مقاصده و تفصـيل مجملاته مع فقد الاسـتطاعه. و ما تحرّزتُ فيه عن الإطناب، إذ ليس الغرض فيه إلّا تسـهيل الصّـِعاب. و سـمّيته «تنقيـح المرام» و على اللّه تعالى التّوكّل و به الاعتصام... قوله ــ أيّده اللّه ــ : «من أهل زماننا». خصّ أهل زمانه بما نسب إليهم، مع أنّه مشتركٌ بينهم و بين من تقدّمهم؛ لاختصاص الصرف بهم...».

انجـام: «قوله ــ قـدّس سرّه ــ : «لاـ على القطعيّه أيضًـ ا». يعنى لا يلزم بمحض... و الاعتراض منـدفعٌ لأنّ حجّيّته ليست ضـروريّهً، فالحـاجه مـاسّهٌ إلى إثباتها ليترتّب عليها قطعيّه. تمّت الكتاب فى يوم الجمعه، وقت الضّـحى ١٣ جمادى الأخر(ه) من شـهور سنه ١١٢۵».

نسخه: دارای ۲۷۶ برگ، برگ اوّل و برگ آخر و روی برگ دوّم سـفید اسـت. روی برگ ۲۳ و ۴۱ این جمله دیده می شود: «اقلّ الحاج عبدالحسین دهدشتی». مهر: «عبدالحسین بن محمّد کریم». همین مهر ظهر برگ ۲ و مهر «عبده محمّد باقر» نیز روی برگ مذکور است. روی برگ ۲، عبارت «ابتیاعی آمیرزا حسن کتاب فروشِ سرِ نیم آورد»، نوشته شده.

کاغذ: چار بغل، جلد تیماج زرد حاشیه کرمک طلا کوب، آستر میشن زرد خط کشی شده با طلا، دارای سرطبل. خط نستعلیق ۲۳ سطری، آیات قرآنی به نسخ مضبوط،

ص : ۱۷۵

عناوین در هامش و «قولُه» در متن به شنگرف نوشته شده. قطع ۱۵ × ۲۴، متن ۸ و نیم × ۱۷. نام کاتب ندارد. آثار مقابله و تصحیح تنها در چند برگی از آغاز نسخه دیده می شود. چند جای اوائل نسخه نیز حاشیه هایی مختوم به رمز «منه» یا «منه دام ظلّه» نوشته شده است.

«۱۹۳» تهذیب الأحکام

(حدیث شریف ـ عربی)

از: شیخ ابوجعفر محمّد بن الحسن الطوسیّ، شیخ الطائفه، أعلی اللّه مقامه.

نسخه: کامل است و تمامًا به خطّ علیّ بن محمّد بن حسن بن محمد، معلّم خوراسکانی از بلوک جی اصفهان است و تنها قسمتی از کتاب صلوه آثار مقابله و تصحیح و قدری حواشی متفرّقه دارد.

تاریخ پایان استنساخ کتاب زکوه و زیادات آن: روز پنجشنبه ۲۰ ماه شعبان ۱۰۰۷ و کتاب صوم: سه شنبه ۳ ماه رمضان و کتاب حج: شنبه ۲۸ ماه رمضان و کتاب جهاد: دوشنبه ۸ شوال و اجارات: پنجشنبه ۲ ذی القعده، همگی در همان سال ۱۰۰۷. تاریخ فراغت از استنساخ کتاب نکاح که پیداست پیشتر نوشته بوده: دوشنبه سوّم ربیع الاول ۹۷۲ و کتاب العتق و غیره: دوشنبه ۵ ذی الحجه ۱۰۰۷ و صید و ذبایح: ۱۱ ذیحجّه و وقوف و صدقات: سه شنبه ۱۲ ذیحجّه و وصایا: یکشنبه ۱۷ ذیحجه و فرایض و مواریث: چهارشنبه سلخ ذیحجه، همگی در همان سال ۱۰۰۷ و کتابِ حدود: شنبه چهاردهم محرم ۱۰۰۸ و دیات و قصاص: دوشنبه ۲۴ محرم ۱۰۰۸، و در این موضع کاتب شرحی نوشته است به خلاصه این که این نسخه را بر حسب امر عالیحضرت سیادت و رفعت پناه... حاجی امیر جلال الدین حسن حسینی استنساخ کرده است. سپس مشیخه تهذیب را نوشته و ۲۴ محرم ۱۰۰۸ تاریخ کرده است.

ص : ۱۷۶

«۱۹۴» نسخه دیگر

نسـخه: از اوّل کتـاب است تـا پایـان جهـاد و امر به معروف که پس از آن دُیون و کفالاـت و حوالاـت است، و از آغـاز ناقص است.

آغاز موجود: «ببعض الوجوه قلنا کذلک نقول لأنّ المسح یجب فی التیمّم».

نام کاتب که به خطّ نسخ خوب نوشته، معلوم نیست و تاریخ کتابت ندارد. ظاهرًا در قرن ۱۱ نوشته شده.

سراسر نسخه دارای آثار مقابله و حواشی متفرّقه نافعه است.

«۱۹۵» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب تا آخر کتاب الحجّ است.

در آخر کتاب الصـلوه، تاریخ کتابت: «فی لیله اثنان [کذا] من أوائل العشر الأوّل من شهر شعبان المعظّم سنه ۱۰۷۵»، و بدون نام کاتب است.

«۱۹۶» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب است تا آخر زیادات کتاب صلوه که احکام نماز میّت است.

نام کاتب و تاریخ کتابت به نظر نرسید. به قرائن در قرن ۱۲ استنساخ شده است. حواشی کمی از «م ق ر سلّمه اللّه» که مقصود مرحوم علاّمه مجلسی (متوفی ۱۱۱۰) است، و از غیر ایشان، به خطّ کاتب نسخه نوشته شده.

تمام صفحات به شنگرف و لاجورد جدول کشی دارد.

«۱۹۷» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب است تا آخر زیادات کتاب الصلوه که نماز میّت است.

کاتب: سیّد علیّ بن ضیاءالدین محمّد طباطبائی اصفهانی. تاریخ پایان کتابت طهارت: ۲۴ جمادی الاولی ۱۱۱۱ و پایان نسخه: روز جمعه غره ربیع الاول ۱۱۱۶ ظ.

آثار مقابله و تصحیح و حواشی پراکنده و مفیدی در نسخه هست. از جمله حواشی با رمز «س ع ی، عفی عنه».

«۱۹۸» نسخه دیگر

نسخه: چند برگی از اوّل ناقص است و از آخر نیز تا مقداری از کتاب نکاح را شامل است. تمامًا به خطّ نسخ خوب است و آثار مقابله و تصحیح و تحشیه و نام کاتب و تاریخ کتابت مطلقًا ندارد. ظاهرًا در قرن ۱۱ _ ۱۲ نوشته شده است.

«۱۹۹» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب زکوه است تا پایان زیادات کتاب تجارت.

کاتب: حسن بن جمعه بن علی زبیدی نجفی (چنان که در آخر کتاب صوم نوشته است).(۱)

در پایان کتاب حج آمده است: «تمّ الجزو الرابع من کتاب تهذیب الأحکام و آخره

۱- ۱) حسن الزبیدیّ النجفیّ ابن جمعه بن علی. کَتَب لنفسه فی النجف حاشیهَ صاحب المدارک علی ألفیّه الشهید و فرغ منه فی الاثنین ۱۲ رجب (۱۰۰۲)، ثمّ قرأه بتمامه علی المؤلّف، فکتب هو علی آخر النسخه اجازهً له، وصفه بالأخ الصالح التقیّ الشیخ حسن بن جمعه. تاریخها یوم الأربعاء تاسع رجب (۱۰۰۷): «الروضه النضره: ۱۴۴».

کتاب الحج». و در هامش این موضع نیز این شرح دیده می شود:

«بلغ المقابله بنسخ معتبره علیها العمل فی هذه الأوقات، فصحّ ان شاء اللّه. و کتب جواد بن سعد بن جواد عفی عنه»، که این شخص همان عالم بزرگوار شیخ جواد کاظمی صاحب تألیفات جلیله است «الروضه النضره: ۱۲۶».

تاریخ پایان استنساخ کتاب زیارات، روز جمعه ۷ ذی الحجه و پایان کتاب جهاد، روز شنبه ۱۵ ذی الحجه ۱۰۱۳ و تاریخ استنساخ پایان کتاب، روز پنجشنبه دهم صفر همان سال ۱۰۱۳ می باشد.

صفحه اوّل دارای سرلوحه قدیمی است، و تمام صفحات جدول کشی شده، و چندان اثر تصحیح و تحشیه ندارد.

«۲۰۰» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب الزکاه است تا پایان کتاب مکاسب، با کمی حواشی دربرخی صفحات.

نام کاتب ندارد. تاریخ استنساخ در پایان کتاب الصّیام، «یوم الخمیس» جُمادای یکم ۱۰۹۴ قید شده است. برگ اوّل ندارد.

«۲۰۱» نسخه دیگر

نسخه: فاقد اوّل است و از اندکی قبل از «باب زکوه الذهب» شروع و تا آخر کتاب المزار، خاتمه یافته، و سرتاسر نسخه دارای حواشی گوناگون و مفیدی است.

نام کاتب: پیغمبر قلی بن باباعلی مشهدی. تاریخ ختم استنساخ: پنجم ماه رجب ۱۰۹۶.

ص : ۱۷۹

«۲۰۲» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب جهاد است تا پایان تهذیب، و آغاز آن مفقود شده است.

نام کاتب در آخر نسخه: «پیرمحمد مقیم ابن حاجی پیر نورالدین اصفهانی زبده زنده پیر احمد جامی»، و تاریخ پایان استنساخ، روز پنجشنبه ۱۲ ذی القعده ۱۰۵۶ می باشد.

نسخه مقابله و تصحیح شده و در هامشِ ورق آخر شرحی است به قلم «اسمعیل بن باقر الحسینی الشهیر بخاتون آبادی» که گوید نسخه را در مشهد مقدس رضوی با نُسخ صحیحه مقابله کرده و در روز بیستم ماه شعبان ۱۰۷۰، از آن فراغت یافته است.

«۲۰۳» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب طلاق «باب حکم الایلاء» است تا پایان مَشیخه.

کاتب: محمدحسین بن یحیی نوری مازندرانی که به موجب شرحی که در خاتمه نگاشته، خود از علماء و فضلاء بوده است.(۱)

تاریخ انجام استنساخ: روز سه شنبه ۲۶ محرّم ۱۰۹۹. سراسر نسخه به دقّت مقابله و تصحیح شده، و نسخه بدل های بسیار و حواشی بی شمار از کتب گوناگون به خطّ کاتب فاضل بر آن نقل گردیده، و میزان صحّت و سُقم همه احادیث شریفه در حاشیه ها به رمز و به رنگ سرخ تعیین شده است. شکر اللّه مساعیه الجمیله.

ص : ۱۸۰

۱- ۱) برای آگاهی از احوال و آثار موجود این عالم جلیل به «کواکب منتثره: ۲۲۴ _ ۲۲۵» و «فهرست مرعشیّه. ش ۱۲۷۷» و «تلامذه العلاّمه المجلسی: ۹۵» رجوع فرمایند.

«۲۰۴» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب الدیون است تا آخر کتاب الدیات.

شاید یک برگ از آخر افتاده باشد. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد، و از آثار قرن ۱۱ ـ ۱۲ می باشد.

«۲۰۵» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب الدیون و الکفالات است تا پایان کتاب طلاق، و به موجب ارقام معیّنه دارای ۳۲۷ برگ.

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و تمام به خطّ نسخ یکی از خوشنویسان زمان است.

در آخر کتاب نکاح در حاشیه به خطّ کاتب، «۷ ذیحجّه الحرام سنه ۱۰۸۲» نوشته شده که گویا تاریخ کتابت است.

چهار سرلوح بسیار ممتاز دارد و تمام صفحات جدول کشی و سراسر نسخه دارای آثار مقابله و تصحیح و حواشی گوناگون و سودمند است. در آخر نسخه پشت و روی یک برگ بدرقه، مطالبی از «بحارالانوار» نقل شده است.

تهذیب المنطق: مجموعه (ش...) و رجوع به تکمله المصادر (ش ۱۸۰)

«۲۰۶» تهذیب الوصول

(اصول فقه ـ عربی)

إلی علم الأُصول

از: علاّمه حلّی، ابو منصور جمال الدین حسن بن یوسف بن المطهّر، علیهم الرحمه.

کتاب: در مباحث اصول فقه است به نحو اختصار و به طبع رسیده.

ص : ۱۸۱

نسخه: نام کاتب ندارد. ختم کتابت: دوشنبه ۲۳ ربیع دوّم ۱۰۵۵. در اوراق عطف اوّل و آخر نسخه، فهرست کتاب به اجمال و تفصیل آمده، یادداشت های متفرّق و اشعارِ گوناگون نوشته شده. دارای تملّك و مُهر محمّدعلیّ بن محمّد باقر الحسینی و محمّد محسن بن محبّ علی شوشتری.

«۲۰۷» نسخه دیگر

نسخه: در متن نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن در هامش، این دو عبارت نوشته شده: «قد تمّت فی یوم الاثنین العشرین من شهر الشوّال (کذا) من شهور سنه اثنی عشر و ألف». ایضًا: «در روز دوشنبه بیستم شهر شوال سنه ۱۰۱۲ تمام شد، ابتداءِ سنه لوئیل. کاتبُه حمزه بن ضیاءالدین محمد الهرندی (یا التبریزی) . »

کمی حواشی متفرّقه دارد، لکن اثر تصحیح و مقابله و امتیازی ندارد.

«۲۰۸» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ محمد سلیم بن امیر حسین الحسینی (یا الحسنی) الرازی.(۱) تاریخ پایان استنساخ ناخوانا است و ظاهرًا سنه ۱۰۵۰ باشد. حواشی متفرّقه ای بر اوائل نسخه هست. صورت وقفی از «مولانا محمّد شریف بربری» که تولیت آن را با «سیّد عبدالرسول حسینی بربری» قرار داده، ظهر نسخه نوشته شده است.

توحید صدوق: کتاب التوحید

ص : ۱۸۲

۱- ۱) محمد سلیم الرازی العالم الفاضل الحکیم الماهر، بدون نام پدر و نسبت در «روضه نضره: ۲۴۸ _ ۲۴۹» با تاریخ (۱۰۶۶) یاد شده است.

«۲۰۹» توضیح الاشتباه و الاشکال فی «ضبط» أسامی الرواه و ألقاب الرجال

(رجال ــ عربی)

از: مرحوم ملاّ محمّـد علیّ بن محمّـد رضا ساروی (منسوب به ساری مازنـدران). مؤلّف کتاب را به ترتیب کتب رجال حـدیث نگاشـته و بسـان «ایضاح الإشـتباه» علاّمه حلّی قـدس سـره محـدّثینی که نام و نسب یا لقب و کنیت یا نسـبت آنها محتاج ضـبط بوده، در آن آورده، و به اندکی از شرح حال آنان همچنان که در کتب رجالیّه یاد شده، اشاره می کند.

از بـاب مثـال ترجمه ابوتمـام طائی را چنین آورده است: «حبیب ــ بالفتـح ــ بن أوس ــ بفتـح الهمزه و سـکون الواو ثم السّـین المهمله ــ أبو تمام الطائی ــ بتخفیف المیم کسـحاب. کان إمامیًّا، و له شـعرٌ کثیرٌ فی أهل البیت علیهم السلام. و ذکر أحمد بن الحسـین ــ رحمه اللّه ــ أنّه رأی قصـیدهً یـذکر الأـئمّه حتّی انتهی الی أبی جعفر الثّـانی علیه السـلام، لأـنّه توفی فی أیّامه. و قال الجاحظ إنّه کان من رؤساءِ الرّافضه، و له کتاب «الحماسه» و کتاب «مختار شعر القبایل» » .

از شـرح حـال و گزارش زنـدگانی این مؤلّف که در اواخر قرن دوازدهم می زیسـته و کتـاب خود را به سال ۱۱۹۳ تمام کرده است، هیـچ گونه اطّلاـعی در دست نیست، لکن نظر به اینکه امـام مجـدّد صـاحب «روضـات الجنّـات: ۶۳۲ رقم ۶۱۶» عنوانی مستقلّ برای او قرار داده اند، مؤلّف «فهرست دانشگاه» گمان کرده اند [گزارش زندگی او در روضات الجنات دیده می شود]، در صورتی که کمترین اطّلاعی از ترجمه حال او در آن کتاب نیست و تنها از کتابش اسـتنباط نموده اند که مردی دانشـمند و دقیق بوده.

ص : ۱۸۳

نسخه های این کتاب در چند کتابخانه یافت می شود که در ذریعه و فهرست دانشگاه و فهرست های دیگر نشان داده شده است.

آغاز: «بسم... الحمد اللّه المحمود المتعال... أمّا بعد، فهذا کتاب «توضیح الاشتباه و الإشکال فی أسامی الرّواه و ألقاب الرّجال»(۱) لما رأیت من کثره التّصحیف و التّحریف فی الأقوال، و دریتُ أنّ فی التّصحیح جزیل الأجر فی المآل، و رتّبته علی ترتیب الحروف...».

انجام: «هذا آخر ما أوردناه، و الحمد للّه وحده، و قد فرغ منه مؤلّفه الرّاجی إلی عفو ربّه تعالی: محمّد علی بن محمّد رضا السّارئی المازندرانی، تاسع شهر شوّال المکرم من شهور سنه ۱۱۹۳...».

نسخه: دارای ۱۰۵ برگ و ۲ برگ عطف در اوّل و آخر، کاغذ فستقی، خط نسخ ۱۴ إلی ۱۸ سطری، حواشی نستعلیق، عناوین به سرخی، جلد تیماج سرخ، آستر تیماج ماشی رنگ، قطع ۱۳ و نیم × ۲۱، متن نوعًا ۸ × ۱۵. دارای حواشی بسیار از مؤلف به رمز «منه ره». نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، امّا چیزی از زمان مؤلّف دور نیست. نسخه از آنِ نیای معظّم، صاحب «روضات الجنّات» بوده است.

ص : ۱۸۴

---

۱ – ۱) چنین است نام کتاب و مُرادف آن درنسخه ما. لکن در نسخه خطّی دیگر که از کتابخانه مرحوم ابوالمجد آقا شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی به دست آمد و نیز در نسخه چاپی کتاب «فی ضبط أسامی» إلخ است که معلوم می شود «ضبط» از قلم کاتب نسخه مورد بحث افتاده است. نسخه چاپی مقصود همان است که آقا میر جلال محدّث ارموی _ علیه الرحمه _ سه چهار سالی پس از نشر این فهرست (ج ۱) در طهران به طبع رسانید تنها از روی نسخه شخصی خودشان که مع الأسف به هیچ وجه شایسته اعتماد نبوده است. در «روضات الجنّات» و به تبع آن (ظاهرًا) در سایر کتب، مانند «الذریعه ۴: ۴۹۰»، «فهرست دانشگاه ۲: ۵۵۰»، «مصفی المقال: ۲۸۰»، «ایضاح المکنون»، «معجم المؤلّفین ۱۱: ۱۰» و غیر از اینها همگی مُرادف را «فی تصحیح الأسماءِ و النسب و الألقاب من الرجال» ضبط کرده اند.

«۲۱۰» التّیسیر

(علوم قرآنی ــ عربی)

از: ابو عمرو، الدّانی، عثمان بن سعید مُقری اندلسی (متوفی ۴۴۴).

رجوع به «مجلّه مجمع اللّغه العربیّه بدمشق ۷۵: ۲: ۳۸۱» شود.

کتاب: در بیان قراءات سبعه قرآن کریم است.

نسخه: نام کاتب ندارد. پایان کتابت: روز شنبه ۵ ماه رجب ۱۱۰۹. اثر تصحیح و مقابله و امتیازی ندارد. روی برگ اوّل سند روایت کتاب به این شرح نوشته شده است:

«الرّصافی، قال: قرأت علی الشیخ ابی بکر محمّد بن محمّد بن منتلیون کذا الأنصاری، عن أبی جعفر الحصار و أبی عبداللّه بن نوح، قراءةً علیهما، عن أبی الحسن ابن هذیل، قراءةً علیه، عن ابی داود، عن مؤلّفه أبی عمرو عثمان بن سعید بن عثمان الدّانی المُقری، رض».

آغاز: «بسم. الحمد للّه المتفرّد بالدّوام المتطوّل بالإنعام».

انجام: «و إن کان آخر السّوره هاءً کنایه موصوله بواو حذف صلتها... فاعلم ذلک موفّقًا لطریق الحقّ و منهاج الصّواب، ان شاء اللّه و باللّه التوفیق».

اوّل باب وقف: «باب ذکر الوقف علی أواخر الکلم. إعلم أنّ من عاده القرّاءِ أن یقفوا علی أواخر الکلم المتحرّکات له فی الوصل بالسّکون لا غیر».

«۲۱۱» الثّاقب فی المناقب

(مناقب ــ عربی)

این کتاب شریف درباره معجزات پیغمبر اکرم و بتول عَذرا و ائمّه طاهرین ــ سلام اللّه علیهم اجمعین ــ است، و بنا به نگارش شیخ عمادالدین حسن بن علی بن محمّد طبری

مازندرانی در دو کتابش «کامل بهائی» و «مناقب الطاهرین»، مؤلّف آن شیخ امام علّامه ناصر الشّریعه حجّه الاسلام عمادالدین ابو جعفر محمّد بن علیّ بن محمّد طوسی مشهدی است.

امام مجدّد، صاحب «روضات الجنّات: ۵۶۷ _ ۵۷۰» که عنوانی برای مؤلّف این کتاب وضع و تحقیقی کامل در احوال و آثارش فرموده و شطری از مطالب کتاب الثاقب را نقل کرده اند، فرماید: «اکثر احادیث این کتاب را که پیرامون معجزات و آیات اهل بیت است، صاحب کامل بهائی به فارسی ترجمه و در دو کتاب مذکورش نقل کرده است و از ین دو کتاب و کتب فقهی دانشمندان شیعه که فتاوی مؤلّف ثاقب را به عنوان «عماد طوسی» نقل می کنند، معلوم می شود که وی در طبقه شاگردان شیخ طوسی (۳۸۵ _ ۴۶۰) و فرزندش شیخ ابو علی (متوفای بعد از ۵۱۵) بوده و شیخ منتجب الدین (۵۰۴ _ بعد از ۵۸۵) نیز در کتاب «فهرست: ۱۱» خود که شامل تراجم رجال بعد از شیخ طوسی است، او را چنین یاد کرده و ستوده است: «شیخ امام عماد الدین ابو جعفر محمّد بن علی بن حمزه طوسی مشهدی، فقیه عالم واعظ، او را است تصانیفی، از جمله: «الوسیله»، «الواسطه»، «الرائع فی الشرائع»، «المعجزات(۱)» و «مسائل فقهیّه». »

سپس صاحب روضات فرموده اند که کتاب الوسیله او، نام کاملش همچنان که در مقدّمه آن آمده «الوسیله الی نیل الفضیله» است و کتاب تحقیقی نفیسی است مشتمل بر قریب هشت هزار بیت و از متون فقهی خوش ترتیب و تهذیب به شمار می رود.(۲)

کلام صاحب «ریاض العلما» را نیز نقل فرموده که در احوال شیخ نصیرالدین علیّ

ص : ۱۸۶

۱- ۱) گویا مقصود از کتاب المعجزات همین کتاب الثاقب باشد.

۲- ۲) این کتاب در سال ۱۲۷۶ ضمن مجموعه فقهی بزرگ که معروف به «الجوامع الفقهیّه» و مشتمل بر ۱۲ کتاب و رساله نفیس است، در طهران به طبع رسیده.

بن حمزه بن حسن طوسی گفته است: «پس از این شرح حال شیخ اجلّ فقیه عمادالدین ابوجعفر محمّد بن علیّ بن حمزه بن محمّد بن علی طوسی مشهدی را که مشهور به ابن حمزه و معروف به ابو جعفر ثانی است _ در حرف میم _ نقل خواهیم کرد(۱)».

همچنین صاحب روضات فرموده اند: «از محقّق کرکی بسیار تعجّب می کنم چگونه در یکی از اجازات مبسوطش که اینک نزد من است، نام ابن حمزه مورد بحث را «هبه اللّه بن حمزه» ضبط کرده و هم او را از فقهای حلب دانسته است!

سپس درباره کلام محقّق کرکی و منشأآن به تفصیل سخن رانده و فرموده اند از جمله کسانی که تصریح به نام صاحب «ثاقب» و کتابش «وسیله» نموده اند، شیخ یحیی ابن سعید هذلی حلّی (۶۰۱ _ ۶۸۹) مؤلّف کتاب «الجامع للشرایع» است در کتاب شریفش «نزهه النّاظر فی الجمع بین الأشباه و النظائر» که گوید: «و قال الشیخ ابو جعفر محمّد بن علی الطوسیّ، المتأخّر، رضی اللّه عنه، فی الوسیله».

نیای بزرگوار _ اعلی اللّه مقامه _ پس از ذکر کلام فاضل حلّی و مطالبی که از آن مستفاد می شود، باز از گوشه و کنار در مقام تحقیق احوال و آثار مؤلّف کتاب الثاقب برآمده و در مورد طریق روایتی متّصل به او فرموده اند که سیّد عبدالحمید بن فَخار موسوی حائری از او روایت می کند، پس وی در طبقه پدر سیّد عبدالحمید که سیّد شمس الدین ابو علی فَخار بن مَعَد مؤلّف کتاب «الحجّه علی الذاهب الی تکفیر ابیطالب» و متوفّای ۱۷ ماه رمضان ۶۳۰ باشد قرار دارد.(۲)

۱- ۱) مع الأسف باب میم ریاض العلماء که مجلّد چهارم از بخش تراجم علمای شیعه و باب مهمّ آن کتاب است، مفقود شده و در دست نیست.

۲- ۲) خاندان سیّد فخار و تراجم رجال آن را به تفصیل در جلد اوّلِ «جامع الانساب: ۲۳ و ۲۶ و ۱۱۳ و ۱۱۹» معرفی کرده ایم، و چنان که بیاید ابن حمزه _ علیه الرحمه _ داستانی را در سال ۵۶۰ در کتاب مورد بحث نقل فرموده است.

دیگر از جمله مطالب متنوّعی که در «روضات الجنات» ذیل عنوان مؤلّف «ثاقب» آمده، شرحی است که در تعریف کتاب نگاشته اند به این مضمون که: «الثّاقب فی المناقب» کتابی است در باب خود بس طریف و میان نظائرش ممتاز، جامع بسیاری از فضائل و معجزات غریبه پیغمبر اکرم و حضرت فاطمه زهرا و ائمّه هُدی ـ سلام اللّه علیهم ـ و چون این کتاب را محمّدین ثلثه متأخّرین یعنی صاحب «وافی» و «وسائل» و «بحار» نداشته اند و از مطالب آن چیزی نقل نکرده اند، سزاوارست که ما کتاب خود «روضات» را از آن خالی نگذاریم و مقداری از مطالب عالیه آن را در اینجا بیاوریم.

سپس تا پایانِ عنوان را، مطالب منقوله از کتاب الثاقب اشغال نموده و در آخر تصریح کرده اند که تاریخ تولّد و وفات و آثار دیگر مؤلّف این کتاب تا این زمان بر ما معلوم نگردید، جز این که بنا بر تحقیقاتی که کردیم دانستیم که وی مردی است بزرگ از خاندانی با جلالت که شرح و وصف محامد اوصافشان نتوان داد.

مآخذ دیگر شرح حال ابن حمزه: «اعیان الشیعه ۶: ۶۵»، «ریحانه الادب ۳: ۱۳۰»، «فوائد رضویّه: ۵۶۴ ـ ۵۶۶»، «الکنی و الألقاب ۱: ۲۶۲ ـ ۲۶۳»، «معجم المؤلّفین ۱۱: ۴»، و در «فوائد رضویّه» گوید که من نسخه کتاب الثاقب را در خزانه کتب محدّث نوری، صاحب «مستدرک الوسائل» دیده و از آن نقل کرده ام.

مؤلّفِ «ذریعه ۵: ۵» کتاب را به صورت «ثاقب المناقب» عنوان و شرحی درباره آن داده اند به خلاصه این که از کلام شیخ منتجب الدین معلوم می شود با او معاصر بوده، چون اسنادی برای کتابش ذکر نکرده است.

همچنین در «ذریعه» است که ابن حمزه در کربلای معلّی وفات یافت و در خارج باب النجف در بقعه مخصوصی که اینک زیارتگاه است دفن شد. صاحبان «مدینه المعجزات» و «کشکول انیس المسافر» و «الدمعه الساکبه» و «دار السّلام» و «وقایع

الأیّام» از این کتاب نقل کرده اند.

صاحب «روضات» از این کتاب، سه داستان نقل فرموده اند، یکی داستان ابوالصمصام صحابی و هشتاد ناقه، که ابن حمزه آن را از شیخ خود ابو جعفر محمّد بن حسین بن جعفر شوهانی مجاور مشهد رضوی روایت کرده، دیگر داستان ابو عبداللّه محدّث که به اعجاز امیر المؤمنین علیه السلام نابینا شد، و ابن حمزه این داستان را در کاشان به خطّ شیخ ابوعبداللّه جعفر بن محمّد دوریستی که به سال ۴۷۳ به عبارت فارسی نوشته بود، یافت و سپس خود به عبارت عربی درآورد و به سال ۵۶۰ در کتاب «ثاقب» نهاد.(۱) سوّم، داستان انوشیروان مجوسی اصفهانی که از مقرّبان دولت خوارزمشاه بود و به مرض برص دچار شد و به مجرّد توسّل به قبر مطهّر حضرت علی بن موسی الرضا علیهماالسلام از آن مرض شفاء یافت، و خود ابن حمزه شاهد این واقعه بوده و مردم خراسان هم دیدند، این مجوسی پس از شفا یافتن به کیش اسلام درآمد و صندوقی از نقره برای مرقد مطهّر آن حضرت، ترتیب داد.

نسخه این کتاب در کتابخانه نیای معظّم اعلی، آیه اللّه العظمی آقای حاج میرزا سید زین العابدین موسوی (۱۱۹۰ _ ۱۲۷۵)، پدر دانشور صاحب روضات _ که شرح حال ایشان را در «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۹۷» نگاشته ام و در حدود سال ۱۲۵۰ از خوانسار به اصفهان مهاجرت فرموده و خاندان بزرگی در این شهر تشکیل داده اند _ بوده و ابتدا به دستور آن مرحوم، فرزند دانشمند بزرگوارش آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمّد هاشم چهارسویی _ أعلی اللّه مقامه _ شرحی درباره کتاب و نویسنده اش مستخرج از کتاب «مناقب الطاهرین» روی برگ اوّل نسخه نگاشته اند و چون ظاهرًا ایشان قبل از

ص : ۱۸۹

---

۱ – ۱) گویا این که در نشریّه «اخبار التراث العربی ۳۳: ۳» مصنّف کتاب الثاقب را گوید: «المتوفّی ۵۶۰ ه_ » اشتباهی است ناشی از این تاریخ.

برادر دانشور خود ــ صاحب روضات ــ کتاب را معرّفی کرده انـد، آغاز و انجام کلام ایشان را عینًا نقل می کنیم تا حقّ عظیم ایشان نیز در این موضوع محفوظ ماند، و عبارت آن مرحوم چنین است:

«بسم اللّه... و بعد، فهذا کتاب «الثاقب فی المناقب» و هو کتابٌ شریف لطیف حسن التّرتیب جیّد التّبویب، لم أرفی کتب المعجزات و المناقب مثله. فیه أحادیث غریبه و أخبار شریفه، لعمری یلیق أن یکتب بمداد المسک و العنبر و أقلام النّور علی صفحات خدود الحور، و حقیقٌ بأن یرقم بالخناجر علی بطون العیون و الحناجر! و هو علی ما قاله الشّیخ الجلیل و الفاضل النبیل المحدّث المتتبع الماهر الفقیه النّبیه صاحب المصنّفات اللّطیفه و المؤلّفات الشریفه المولی حسن بن علی بن محمّد بن الحسن الطبریُّ المازندرانی «برّد اللّه مضجعه» فی کتابه «مناقب الطاهرین»: من مصنّفات الشیخ الامام العلاّمه الفقیه ناصر الشریعه حجّه الاسلام عمادالدین ابی جعفر محمّد بن علی بن محمّد الطوسی المشهدی، نوّر اللّه مرقده... و لم أرَ أحدًا من متأخّری المتأخّرین ینقل عنه إلاّ شیخنا العالم الفاضل الفقیه العلاّمه الشیخ یوسف البحرانیّ ــ أعلی اللّه مقامه ــ فإنّه فی کتاب «الدرر النّجفیّه» ینقل خبرًا عنه من غیر ذکر مصنّفه. و هذا منه و من أمثاله من المحدثین یدلُّ علی عدم علمه بمصنّفه، فانّ دیدنهم ذکر المصنّف مع الکتاب کما لا یخفی علی اولی الالباب. و الحمد للّه... و انّما رتّبت هذه الکلمات و نمّقتها بأمر والدی العلاّمه ــ ادام اللّه تعالی أیّامه ــ و أنا الحقیر الفقیر المحتاج الی عفو اللّه القویّ محمّد هاشم الموسویّ. عفی عنه»، انتهی.

این نسخه نفیس تا هنگام فوت نیای معظّم اعلی مرحوم آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین، در کتابخانه شخصی ایشان بوده و بعد از فوت که موجودی کتابخانه میان فرزندان گرامی تقسیم شده، در سهم آیه اللّه العظمی صاحب روضات واقع و آن مرحوم

ص : ۱۹۰

صفحه اوّل نسخه را که ناقص بوده، به خطّ خود از روی نسخه دیگری استنساخ و هم از آغاز تا انجام، با آن نسخهْ مقابله و تصحیح کرده و در پاره ای از جاها حاشیه ای نوشته اند، و در حاشیه آخرین برگ این شرح را مرقوم داشته اند:

«هو اللّه تعالی. فرغتُ من مقابلته مع نسخه مصحّحه لم تخلُ بعد ذلک من سقم، بَیدَ أنّی لم آلُ جهدًا بإعانهٍ من اللّه تبارک و تعالی فی الإجتهاد الصّحیح عند الشبهات الوارده علیَ و ما کنتُ أُثبتُ شیئًا إلاّ بعد الاطمینان الکامل، و لم ألف تصحیفًا فیه إلاّ بالغتُ فی إرجاعه إلی ما هو الحقّ الحقیق إن شاء اللّه. و بالجمله، فهذه أصحّ نسخه ـ ان شاء اللّه تعالی ـ من نسخ الکتاب، أرجو من اللّه تعالی منفعه الأصحاب... و أنا الفقیر الی رحمه ربّه الغنیّ القویّ محمّد باقر بن زین العابدین الموسوی... تحریرًا فی یوم الاثنین لخمس لیالٍ بقین من محرّم الحرام ۱۲۷۷».

* * *

نسخه دیگری از کتاب «الثاقب» در کتابخانه ملک در تهران به نظر نگارنده رسید که در «فهرست کتابخانه» هم به شماره «۳۷۵۶» ثبت شده، و دارای ۲۴۴ برگ ۱۵ سطری است و خطّ و کاغذ آن شبیه نسخه ما و کاتب آن «محمّد بن قسطه» است. ظهر نسخه تملّک آقا سیّد ریحان اللّه بن سیّد جعفر کشفی دارابی «مورّخه ۱۳۲۴» دیده می شود. به «فهرست امام جمعه کرمان: ۲۵» و نشره «أخبار التّراث العربی ۳۳: ۳» نیز مراجعه فرمایند.

آغاز: «بسم... الحمد للّه العلیّ مجده، الغالبُ جنده، الفایض فضله، الدّائم طوله، الّذی له الخلق و بیده الخذلان و النّصر، و إلیه المرجع و المصیر و هو العلیم القدیر... و أشهد أن لا إله الاّ اللّه... و أشهد أن محمّدًا عبده و رسوله... ثمّ انّه لمّا دنا أجله و انقضی نحبه و آثر جوار ربّه نظر لأُمّته نظر الوالد لولده، و رکز فیهم رایه الحقّ، و نصب لهم لوآء

ص : ۱۹۱

الصّدق، و خلف فيهم الثقلين: كتاب اللّه و عترته أهل بيته دليلين فى الظلمه قائدين الى الرحمه، و ذكر أنّ الكتاب يصدّق بعضه بعضًا... و الدليل على أحكامه مَن جعله النبىُ صلّى اللّه عليه و آله له قرينًا و نصبه عليه أمينًا بقوله: انّى مخلفٌ فيكم الثقلين كتاب اللّه و عترتى أهل بيتى... و قد دلَّ الكتاب على أنّهم المعصومون من الزّلل المأمونون من الخطل بقوله تعالى: إنّما يريد اللّه ليذهب عنكم الرجس... قال اللّه تعالى: يا أيّها الّذين آمنوا اتّقوا اللّه و كونوا مع الصّادقين. ثمّ نفى الإختيار عن غيره و أضافه إلى أمره بقوله: و ربّك يخلق ما يشاء و يختار، ما كان لهم الخيره. فتناسى أكثر الاُمّه وصيّته...

ثمّ إنّى ذكرت ذات يوم من خصائصهم نتفًا و من فضائلهم طرفًا بحضره من هو شعبه من تلك الدّوحه الغرّاءِ و زهره من تلك الرّوضه الغنّاءِ. فاستحسن واردَها و استطرب «ف. خ ـ» شاردَها، و استحلى مذاقها، و استوسع نطاقَها، فأشار بتصنيف أمثالها و توريف ظلالها و جمع ما ندَرَ من فوائدها و شذّ من فرائدها.

فاستخرت اللّه تعالى فى ذلك وطفقتُ أجمع على ترتيب غريب و تركيب عجيب و أنظم على أن أذكر اوّلًا طرفًا من المعجزات لسيّد الأنبياء... صلّى اللّه عليه و آله، ثمّ أُثنى بما فى كتاب اللّه تعالى من آيات الانبياءِ... ثم إنّى أذكر بإزاءِ كلّ آيه آيةً توازيها، و بدل كلّ فضيله فضيلةً تضاهيها من آيات أئمّتنا ـ ع ـ . ثم أستأنف الكلام و أرتّب النّظام و أبتدئ بذكر أميرالمؤمنين على عليه السّلام، ثمّ أستأنف الكلام و أذكر قليلًا من آياته و طرفًا من دلالاته. ثمّ أذكر لسيّده النّساءِ السيّده الحوراء فاطمه الزهراء ـ عليها أفضل الصّلاه و السلام ـ ما يدلُّ على شرف فضائلها و يهدى الى وضوح دلائلها. ثمّ أذكر لكلّ واحدٍ من الأئمّه على التّرتيب و النّسق إلى الحجّه المنتظر عليه السّلام بعض آياته ليدلَّ على شرف غايته، إذ لو ذهبتُ بأجمع ما ظهر من الآيات و ما بَهر على ايديهم من الدّلالات لضاق الزّمان و تعذّر الامكان و فَنى القلم و نفَد البياض. و إنّ أصحابنا ـ رضى اللّه عنهم ـ

قد صنّفوا فی هذا المعنی کتبًا و صحفًا ضخمهً، و أنا ألتقط منها ما هو أروع فی السمع و أوقع فی القلب و أملأ للصّدر. و قد رسمتُه «سمّیته. خ_» ب_ «الثّاقب فی المناقب»...».

انجام: «عن یوسف بن أحمد الجعفری، قال: حججتُ سنه ستّ و ثلثین و ثلثمائه، ثمّ جاورت بمکّه ثلث سنین، ثمّ خرجت عنها منصرفًا الی الشام. فبینما أنا فی بعض الطریق و قد فاتتنی صلوه الفجر فنزلتُ من محملی و تهیّأتُ للصلوه، فرأیت أربع نفر فی محمل فوقفت أعجبُ منهما «منها. ظ»، فقال لی أحدهم: ممَّ تتعجّب؟ ترکتَ صلاتک! فقلت: و ما علمک بی؟ فقال: تحبّ أن تری صاحبَ زمانک؟ فقلت: نعم! فأومی إلی أحد الأربعه، فقلت له: و انّ له دلایل و علامات، فقال: أیّما أحبّ الیک؟ أن تری المحمل و ما علیه صاعدًا إلی السّماءِ، أوتری المحمل دون ما علیه یرتفع الی السماءِ؟ فقلت: أیّهما فهو دلاله. فرأیتُ المحملَ و ما علیه صاعدًا الی السّماءِ، و کان الرجل أومی إلی رجل به سمره و کأنّ لونه الذّهب بین عینیه سجّاده.

انتهی الکتاب بعون اللّه و توفیقه فی وقت العصر، یوم الربوع، سادس عشرین شهر شعبان المعظم المکرم فی سنه ستّه و ثلثین «کذا»(۱) من الهجره النبویّه... علی ید أفقر عباد اللّه الغنی: محمّد بن محمّد الجزائری الإبریسمی...

و حرّر بمکّه المشرّفه بالجبل المبارک ابوقبیس مشاهده البیت الحرام. غفر اللّه للکاتب و الآمر بذلک».

فهرست:

الباب ۱ فی ذکر طرف من معجزات نبیّنا محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم. ف فی بیان مقدّمات الکتاب. ف فی بیان آیاته الّتی ظهرت علی یده علیه السّلام فی المیاه. ف فی بیان آیاته الوارده فی الأطعمه و الأشربه. ف فی ظهور آیاته فیما نزل من السماءِ. ف فی

۱- ۱) گویا مقصود «ستّه و ثلثین و الف» باشد، به شهادت خطّ و کاغذ.

ظهور آیـاته صـلّی اللّه علیه و آله و سـلّم فی إبراءِ المرضـی و الأعضـاءِ المُبـانه و المجروحه. ف فی بیـان ظهور آیـاته فی کلام الجمادات. ف فی بیان آیاته من کلام البهائم و الطفل الّذی لم یبلغ حین الکلام. ف فی بیان ما یقرّر من ذلک من کلام الذّراع المسـموم و الشاه المسـمومه. ف فی ظهور آیاته صلّی اللّه علیه و آله من دُرور اللّبن من ضرع الشاه الّتی ما بها لبن. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی الاستسـقاءِ و إظلال السحاب علیه و غیره. ف فی ظهور آیاته صلّی اللّه علیه و آله فی طاعه الشجر و الحجر له. ف فی ظهـور آیـاته صـلّی اللّه علیه و آله فی إحیـاءِ الموتی. ف فی ظهور آیـاته صـلّی اللّه علیه و آله من ظهور النّور. ف فی بیان ظهور آیاته صلّی اللّه علیه و آله من الأخبار. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی معانٍ شتّی.

الباب ۲ فی بیـان معجزات الانبیاءِ الّتی ذکرها اللّه تعالی فی القرآن و بیان فضائلهم و ما جعله اللّه سـبحانه و تعالی لأهل بیت نبیّنا ـ علیه و علیهم السّلام ـ ممّا یضاهیها و یشاکلها و یُدانیها. ف فی ذکر آدم صلوت اللّه علیه. ف فی ذکر ابرهیم خلیل اللّه صلّی اللّه علیه و آله. ف فی بیان آیات اسـمعیل علیه السّلام. ف فی ذکر یوسف علیه السّلام. ف فی ذکر آیات ایّوب علیه السّلام. ف فی بیـان آیـات کلیم اللّه موسـی علیه السّلام. ف فی بیـان آیـات داود علیه السّلام. ف فی بیـان معجزات نبیّ اللّه سـلیمان علیه السّلام. ف فی ظهور آیات آصف بن برخیا. ف فی بیان آیات روح اللّه عیسی بن مریم علیه السّلام.

الباب ۳ فی معجزات امیرالمؤمنین و سـید الوصـیّین علیّ بن ابیطالب علیه السّلام. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام من إحیاءِ الموتی. ف فی ظهور آیـاته علیه السّلام ممّا رأی فی المنـام ثمّ ظهر حکمه فی الیقظه. ف فی بیـان ظهور آیاته علیه السّلام من الأشـجار. ف فی ظهـور آیـاته علیه السّلام مع الحیّات. ف فی بیـان ظهور آیـاته علیه السّلام مع الأسـد. ف فی ظهور آیـاته مع الشمس. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی إقدار اللّه تعالی إیّاه

ص : ۱۹۴

على ما لم يقـدر عليه غيره. ف فى ظهور آياته عليه السّـلام فى الإخبار بالغايبات. ف فى بيان ظهور آياته عليه السّـلام فى أشـياء شتّى.

الباب ۴ فى ذكر آيات ستّ النّساءِ فاطمه الزّهراء صـلوت اللّه عليها... ف فى ذكر آياتها عليهاالسّـلام و هى فى بطن أُمّها. ف فى بيان آياتها بإنزال الملك من السّـماءِ بتزويجها عليهاالسّلام. ف فى بيان آياتها مع الرّحا. ف فى بيان ظهور آياتها عليها السّلام مع القدر و النّار. ف فى بيان آياتها فيما أُنزل عليها من السّماءِ. ف فى بيان ظهور آياتها فى غليان القدر بغير نار.

الباب ۵ فى بيـان آيـات السـبط الزكىّ أبى محمّـد الحسن بن علىّ عليه السّـلام. ف فى بيـان آياته من إحياءِ الموتى. ف فى بيان ظهور آيـاته فيما يشاكل ذلك. ف فى بيان ظهور آياته عليه السّـلام من إخراج الثّمره من الشـجر اليابس. ف فى ظهور آياته من إظهـار بعض حكم القيمه و أحوالها فى الـدنيا. ف فى بيان ظهور آياته فى انقلاب الرجل امرأةً و الإمرأه رجلاً. ف فى بيان آياته فيما أعطاه جبرئيل من فاكهه الجنّه. ف فيما ظهر من آياته عليه السلام من الإخبار بالغايبات.

الباب ۶ فى بيان آيات السـبط الشـهيد ابى عبداللّه الحسين بن على عليهماالسّلام. ف فى ظهور آيته عليه السّلام من خصال النبى صلّى اللّه عليه و آله و ظهور آيـاته بعـد موت رسول اللّه. ف فى بيـان ظهور آيـاته فى إبراءِ الأبرص. ف فى بيان ظهور آياته فى إسواد الشّـعر بعـد مـا ابيضّ. ف فى بيـان ظهور آيـاته مع الماءِ. ف فى بيان ظهور آياته فى اظهار موضع قبره. ف فى ظهور آياته بعـد الموت. ف فى بيان آياته عليه السّـلام مع فُطرس الملك. ف فى بيان ظهور آياته عليه السّـلام فى إجابه الدعاء. ف فى بيان ظهور آياته من الإخبار بالغائبات. ف فى بيان ظهور آياته فى معان شتّى.

الباب ۷ فى ذكر آيات زين العابدين علىّ بن الحسين صلوات اللّه عليهما. ف فى بيان

ظهور آیـاته علیه السّـلام فی إنطـاق اللّه تعالی الحجر الأسود حجّه له. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّـلام فی إحیاءِ الموتی. ف فی بیـان ظهور آیـاته فی اسـتلانه الغلّ من الحدیـد فی یـده. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّـلام فی کون النّبیّ معه. ف فی بیان ظهور آیـاته فیمـا صـلّی علیه أهل الأرض و السّـماءِ. ف فی ظهور آیاته فی طاعه الوحش له و التماسـهم منه الحاجه. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام من الإخبار بالمغیّبات. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی معانٍ شتّی.

الباب ۸ فی ذکر آیات أبی جعفر محمّـد بن علیّ علیهما السّـلام. ف فی بیان ظهور آیاته فی إحیاءِ الموتی. ف فی بیان آیاته فی إبراءِ الأـعمی. ف فی ظهور آیـاته فی خروج الثمر من الشـجره الیابسه. ف فی ظهور آیاته فی العنب و اللباس. ف فی بیان ظهور آیـاته علیه السّـلام فی مـا رأی من ملکوت السّـماءِ. ف فی بیـان ظهور آیـاته فی الإخبار بالمغیّبات. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی معانٍ شتّی.

الباب ۹ فی ذکر دلالـت الامـام الصّـادق جعفر بن محمّـد علیه السّـلام. ف فی بیـان ظهور آیـاته فی إحیـاء الموتی. ف فی بیان ظهور آیـاته فیما أخبر به من حـدیث النّفس. ف فی بیان ظهور آیاته من الإخبار بالغائبات. ف فی بیان آیاته و معجزاته فی معانٍ شتّی.

الباب ۱۰ فی ذکر معجزات موسـی بن جعفر علیـهما السّـلام. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی إحیاءِ الموتی. ف فی بیان ظهور آیـاته علیه السّـلام و معجزاته من کلاـمه فی المهـد. فی بیان ظهور آیاته فی الإخبار من آجال الناس. ف فی إخباره عن حـدیث النّفس. ف فی ظهور آیاته من إخباره بالمغیّبات. ف فی بیان ظهور آیاته فی معانٍ شتّی.

الباب ۱۱ فی آیات ابی الحسن علی بن موسـی الرضا علیهما السّـلام. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّـلام فی الاستسـقاءِ. ف فی بیان ظهور آیاته فیما ظهرت فی الأسود. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّـلام فی قلب الحجر ذهبًا. ف فی بیان حدیث النّفس فی ظهور

آیاته علیه السّلام. ف فی بیان ظهور آیات تجری مجری تلک. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی الإخبار بآجال النّاس. ف. فی آیاته فیما أخبر به ممّا رآه فی المنام. ف فی بیان آیاته فی الإخبار بالمغیّبات. ف فی بیان ظهور آیاته فی معان شتّی.

الباب ۱۲ فی بیان آیات ابی جعفر محمّد بن علی التقیّ علیه السّلام. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی إحیاءِ الموتی. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فیما کلّم فی المهد. ف فی بیان آیاته علیه السّلام فی کمال عقله فی سنّ الأطفال. ف فی بیان ظهور آیاته فی کلام العصی فی یده علیه السّلام. ف فی بیان ظهور آیاته فی قطع المسافه. ف فی بیان ظهور آیاته مع الشجر. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام من العلم بحدیث النفس. ف فی بیان ظهور آیاته من العلم بالاجال. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی الإخبار بالغائبات. ف فی ظهور آیاته فی معانٍ شتّی.

الباب ۱۳ فی ذکر آیات ابی الحسن علی النقیّ علیه السّلام. ف فی بیان ظهور آیاته فی إحیاء الموتی. ف فی بیان ظهور آیاته من الماءِ و الشجر. ف فی بیان معجزاته فی الحجر و الرمل. ف فی بیان ظهور آیاته فی الإعلام عن آجال الناس. ف فی ظهور آیاته علیه السلام من الإخبار بالغائبات. ف فی ظهور آیاته علیه السّلام فی معان شتّی.

الباب ۱۴ فی ذکر آیات ابی محمّد الحسن بن علی العسکریّ علیه السّلام. ف فی بیان ظهور آیاته فی الحصا. ف فی بیان ظهور آیاته من الإخبار بحدیث النفس. ف فی بیان آیاته علیه السلام فی الإخبار بالغائبات. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی معان شتّی.

الباب ۱۵ فی ذکر آیات صاحب الزمان الخلف الصالح المنتظر المهدیّ محمّد بن الحسن علیه السلام. ف فی بیان ظهور آیاته فی حال ولادته و بعدها. ف فی بیان ظهور آیاته فی حال طفولیّته علیه السّلام. ف فی بیان ظهور آیاته من الإخبار بآجال النّاس. ف فی بیان ظهور آیاته بالغائبات. ف فی بیان ظهور آیاته علیه السّلام فی معان شتّی..

نسخه: دارای ۲۲۹ برگ و ۲ برگ کاغذ فرنگی سفید عطف در اوّل و یک برگ در آخر. کاغذ چاربغل، خط نسخ ۱۸ سطری، از آغاز تا انجام نسخه به تصحیح آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» رسیده و آثار مقابله و تصحیح در تمام صفحات دیده می شود. عناوین در متن به شنگرف و در هامش به خط صاحب روضات ــ علیه الرحمه و الرضوان ــ نوشته شده. جلد تیماج مشکی جدید، آستر کاغذ گلی فرنگی، قطع ۱۴ × ۲۰ و نیم، متن ۷ و نیم × ۱۵.

روی برگ ۱ تملّک نیای گرامی چنین است: «ممّا جرّه القضاء و ساقه القدر إلی ملکی البائر فی شهور سنه ۱۲۷۶. الحمد للّه علی کلّ نعمه» مهر: «محمّد باقر بن زین العابدین الموسوی ۱۲۵۸». ایضًا به خطّ ایشان: «عدد ابیات کتاب تخمینًا هزار بیت و کسری از قرار بیتی پنجاه حرف...».

«۲۱۲» ثمره الفؤاد

(اسرار احکام ــ عربی)

از: قطب الدین محمّد بن شیخ علی الشریف الّلاهجی، از دانشمندان بزرگ سده یازدهم هجری است، که اثر نفیس او؛ «محبوب القلوب» شهرتی بسزا دارد.

«محبوب القلوب» به زبان عربی و مشتمل بر یک مقدّمه و سه مقاله و یک خاتمه است. «مقدّمه» در بیان حقیقت فلسفه و منشأ آن و مبدأ سایر علوم و وصف حکماءِ بزرگ یونان و فُرس و هند و سایر بلاد و تراجم آنان و اجمالی در حدود بلادشان. «مقاله یکم» در احوال حکماء از زمان حضرت آدم علیه السلام تا بدو ظهور اسلام و نقل کلمات و حکمت های منقوله از آنان. «مقاله دوّم» در احوال فلاسفه اسلام و علماءِ علم کلام و نقل مقالات و کلمات آنان، با ذیلی در احوال عرفاءِ مشایخ موحّدین صوفیّه. «مقاله سوّم» در احوال ائمّه اخیار علیهم السلام و نقل جمله ای از احادیث مشتمله بر حِکم و اسرار،

ص : ۱۹۸

با ذیلی در احوال بزرگان مشایخ شیعه امامیّه. «خاتمه» در احوال مؤلّف و پدران.

از این کتـاب نفیس تنها مقـدّمه و مقاله یکم طیّ ۱۶۰ صـفحه به قطع بزرگ و چاپ سـنگی در طهران به طبع رسیده و حواشی بسیاری که مؤلّف بر کتاب خود نوشته نیز در اطراف نسخه مطبوعه آمده است(۱) .

سه نسخه کامل از «محبوب القلوب» در طهران در کتابخانه های مجلس و مدرسه سپهسالار و کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود و نسـخه اخیر اصحّ و انفس از دو دیگر و مشـتمل بر ۱۱۱۷ صـفحه و به خطّ عمادالـدین محمود (برادر مؤلّف) و ملّا برخوردار لاهیجانی و شیخ محمد جعفر (پسر مؤلّف) می باشد و چندی پس از درگذشت مؤلّف استنساخ شده است(۲).

ص : ۱۹۹

---

۱ - ۱) مؤلّف «طرائق الحقـائق ۳: ۲۸۷» که در سـفر گیلاـن خود این کتـاب را دیـده [شب را به مطالعه کتاب «محبوب القلوب» مشغولی بود...] در حاشیه گوید:«کتاب محبوب القلوب، تألیف قطب الدین محمّد بن علی اشکوری گیلانی، در تراجم حکماء و متألّهین است و جناب حاجی میرزا نصیر گیلانی آن را بطبع رسانیـده، و یکی از مریدان مرحوم حاجی محمّد حسن نائینی به امر وی آن را از عربی به فارسـی ترجمه نموده خوب از عهـده برآمـده است. منه». پراکنده گویی: مرحوم علاّمه محمّد قزوینی «طرائق» را برای یـافتن نـامی از اشـکوری و محبوب القلوبش تفحّص و تصـفّح نموده و آن را نیـافته است، نه در طرائق و نه در سـائر کتـاب هایی که نامشان را نوشـته و در دسترس داشـته است:«یادداشـتهای قزوینی ۶: ۱۵۲». امّـا در فهرست کتابخانه خود چاپ شده در همان «یادداشتها ۸: ۹۹» ذیل عنوان «محبوب القلوب» مطالبی درباره آن کتاب و مؤلّفش آورده و عبارت «طرائق» را هم نقل کرده است!

۲ - ۲) برای اطّلاـع از تفصـیل خصوصـیّات این نسـخه رجوع شود به مقـدّمه جلـد اوّل «تفسـیر شـریف لاـهیجی: ۳۳ به بعـد» و «فهرست دانشگاه ۱۴: ۳۹۴۰ به بعد». در کتاب اخیر که به تفصـیل تمام نسـخه را معرفی کرده اند، از جمله مراجع جدید شـرح حـال لاـهیجی؛ مجلّه «فرهنگ ایران زمین. دوره ۷ مورّخه ۱۳۳۹ ش» را یـاد کرده انـد. یـک نسـخه دیگر نیز در «فهرست امام جمعه کرمان: ۱۰۴» یاد شده و آگاهی بیشتر در «فهرست آقای احمد منزوی ۲: ۲: ۷۲۹» آمده است.

خاتمه «محبوب القلوب» را نویسنده فاضل مقدّمه جلد اوّل «تفسیر شریف لاهیجی: ۱۲_ ۳۲» طیّ بیست صفحه، عینا از روی دو نسخه اولی نقل فرموده. مع الأسف در این خاتمه مبسوطِ مفصّل، با اینکه مؤلّف آن را به نام شرح حال خود و پدرانش نگاشته، بیش از چند جمله ای در این باره ها نیاورده و بقیّه، مطالب گوناگون دیگری است از احادیث و اخبار و اشعار موعظه و نصیحت و آداب طلب علم و غیره. آنچه پیرامون شرح حال او در آنجا آمده است ذیلاً به اختصار ترجمه می کنیم.

در باب نام و نسب و نسبت خود گوید: «مؤلّف کتاب... قطب الدین محمد بن شیخ علی بن عبدالوهاب بن پیله فقیه، اشکوری دیلمی لاهیجی. اشکور، ناحیتی از نواحی دیلم است و تا مسکن فعلی ما که لاهیجان است تقریبًا هفت فرسخ فاصله دارد... جدّ أعلایم پیله فقیه اشکوری مردی فقیه و صالح بود و به علوم زبان که سابقًا در بلاد گیلان مرسوم و متداول بود از قبیل نحو و صرف و تفسیر و معانی و بیان معرفت داشت. و «پیله» به زبان اهل گیلان به معنی «بزرگ» است، و پیله فقیه یعنی «فقیه بزرگ». پیله فقیه در اشکور می زیست تا اینکه به تکلیف والی آن بلاد به لاهیجان منتقل گردید(۱).

«در این اوقات سید جلیل سید محمّد یمنی به اتفاق فرزندش سیّد نبیل فاضل سید علیّ و یگانه فرزند سید علیّ سیّده فاطمه، از دیار خود به جهت خوف از سلطان روم به ایران آمدند و در دارالسلطنه قزوین نزد شاهنشاه أعظم... شاه طهماسب صفوی موسوی اقامت گزیدند و سیّد محمد پس از سه ماه توقّف در قزوین درگذشت و چون هوای قزوین برای سید علی و دخترش سازگار نبود، شاه رخصت داد تا به بلاد گیلان که هوایش موافق هوای بلاد یمن بود منتقل شدند و در أشکور در منزل جدّم «پیله فقیه» إقامت کردند،

۱- ۱) نسختی از «تنسوق نامه ایلخانی» به خطّ پیله فقیه در کتابخانه حاجی سیّد نصراللّه تقوی بوده است: «الذریعه ۴: ۴۵۸».

لکن چون والی لاهیجان در همان ایّام جدّم را به لاهیجان خواند، آنان نیز به معیّت او بدان سامان رفتند... و والی، قطعه زمینی در محلّه «میدان» که محلّ سکونت خود و دیگر والیان بود برای آنان خریداری کرد و در آنجا خانه ای ساخت و ایشان را در آنجا مسکن داد... پس از آن، سید علی به سبب مرافقت و مؤالفتی که با نیاکانم یافته بود، یگانه دختر خود «سیّده فاطمه» را به عقد جدّم مولانا عبدالوهاب ابن پیله فقیه که مردی فقیه و پارسا بود درآورد...

«سپس پدرم شیخ مولانا علیّ از آن سیّده جلیله متولد شد و پدرش مولانا عبدالوهّاب در صغر سنّ او وفات یافت و شیخ مولانا علیّ به همّت و تربیت ما در به اعلی درجات علم و عمل نائل آمد و جامع علوم معقول و منقول گردید و شیخ الاسلام لاهیجان شد و مرجعیّت امور مسلمین یافت وصیت دانش و کمالات او در بلاد گیلان بلکه در تمامی ایران منتشر گشت... تا آن که پدرم دختر شیخ المشایخ عصر و خلاصه المنجّمین زمان شیخ إسمعیل ـ متولّی مرقد مطهّر منوّر شیخ الأولیاء و الأتقیاء «شیخ رضا کیا» را که در نیم فرسخی طرف شرق بیرون شهر لاهیجان واقع است ـ به حباله نکاح خود درآورد و چهار پسر از او به وجود آمد، و خود در یکی از سال های وبائی فُجأةً در أثناءِ نماز صبح بدرود حیات گفت و سنّ او در آن هنگام تقریبا شصت و سه سال بود...

«پس ازین اتّفاق، مرحوم شیخ جلال که فرزند بزرگتر پدرم و مردی خوش محاوره و دارای طبیعتی وقّاد و سلیقتی نقّاد و بسیار پارسا و پرهیزگار بود، زمامدار امور وی گردید. لکن دیری نپایید که پس از سه سال از فوت پدر در عنفوان شباب وفات یافت و او سه سال از من بزرگ تر بود.

«پس چون برادرم درگذشت قضا و قدر مرا به کارهای پدر و برادر کشانید و کأس

ص : ۲۰۱

رنج و تعب چشانید، و روزگار غدار مدّتی مرا از تحصیل دانش و کسب آداب باز داشت...»(۱) .

* * *

تـا اینجا بود آنچه از خاتمه «محبوب القلوب» در باب شـرح حال مؤلّف اسـتفاده می شود و مطالب دیگر خاتمه چنانکه گفتیم مشـتمل بر روایـات و مواعـظ و اشـعاری است که ربطی به شـرح حـال نـدارد، و در پیش گـذشت که نسـخه «محبوب القلوبِ» کتابخانه مرکزی دانشـگاه طهران را سه نفر تحریر کرده اند و کیفیت آن در پشت نسـخه نوشـته شده، از آن جمله: « ... قاضـی عماد الدین [محمود، برادر مؤلّف] تمام متن و حواشی را تا اواسط حالات حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به خطّ نسخ و تعلیق نوشـته و مرحوم شـد، مرحوم ملاّـ برخوردار که از زمره علمـای معتبرین لاهیجان و گاهی هم در مجالس محترمه عقود و مبایعات محرّر شـرعیات بوده، حواشـی را به اتمام رساند، مرحوم شیخ جعفر پسر مؤلّف باز به امر مرحوم میرزا سیّدی، فهرست کتاب را به خطّ ثلث تحریر نمود. ـ رحمهم اللّه ـ ...».

عبارت ملاّ برخوردار نیز که در آخر نسـخه نگاشته، در مقدّمه تفسیر«ص ۳۶»، نقل شده و آنجاست که تاریخ فراغ از استنساخ، روز پنج شنبه ۱۶ ماه ذوالقعده ۱۰۹۵ بوده و هم در مقدّمه مذکوره از ظهر نسـخه، کلامی نقل شده که در آنجا مؤلّف را چنین وصف کرده است:

«... قطب فلک علم و دانش و مرکز مدار فهم و بینش، محیط مُحاط غرایب فنون

---

۱ – ۱) در «فهرست دانشگاه ۱۴: ۳۹۴۸» پس از آنکه فشرده ای از مطـالب «محبوب القلوب» را که در بالاـ نقل کردیم آورده، گوید: [همین نکات در «خیر الرجال» هم هست و گویا قرینه باشد که لقب او بهاءالدین هم بوده است].

و علوم و حاوی محوی مراتب منثور و منظوم، عمود قوائم شریعت پناهی، سالك مسالك هوشمندی و آگاهی؛ الشّیخ الأجل الامجد الواصل إلی غفران الملك الرحمن المنان، شیخ قطب الدین محمد، شیخ الاسلام بلده طیّبه لاهیجان».

بنا به نقل نویسنده فاضلِ مقدّمه تفسیر «ص ۴۱ ــ ۴۲»، شیخ محمّد جعفر فرزند مؤلّف نیز که فهرست «محبوب القلوب» نسخه کتابخانه مرکزی را ترتیب و به خطّ خود در آغاز آن نگاشته و تصریح کرده است که در روز غدیر سال ۱۰۹۵ «۲۵ روزی پس از ختم استنساخ اصل نسخه» از آن فراغت یافته است، شرحی ظهر نسخه قلمی داشته که در مقدّمه تفسیر نقل شده و در آنجا ازین عبارت که گوید: «و از تألیفات مرحوم مغفور شیخ قطب الدین محمد شیخ الاسلام بلده مزبوره»، به خوبی مستفاد می شود که مؤلّف پیش از آن تاریخ (۱۰۹۵) بدرود زندگی گفته بود، و نویسنده فاضل مقدّمه تفسیر از این تصریح و هم از عبارت شخص مؤلّف در حاشیه شرح حال جالینوس حکیم که اوائل مقاله یکم «محبوب القلوب: ص ۵۲ نسخه چاپی» است و در آنجا داستان زلزله عظیم گیلان و لاهیجان را نگاشته و تاریخ وقوع زلزله را هنگام نماز صبح روز چهارشنبه عید قربان ۱۰۸۸ قید نموده است؛ ازین دو تاریخ استفاده کرده و چنین نتیجه گرفته اند که وی میان این دو تاریخ یعنی ظرف هفت سال فاصله درگذشته است.

پاره ای از مطالب بالا را مؤلّف فاضلِ «فهرست دانشگاه ۱۴: ۳۹۳۸ ــ ۳۹۵۳» نیز آورده و تصویر یازده صفحه از متن و آغاز و انجام و فهرست نسخه دانشگاه را عینا چاپ کرده اند که موجب سپاس گزاری است.

از جمله مطالبی که از حاشیه مذکور مستفاد می شود، این است که صاحب ترجمه دارای فرزندی نیز به نام شیخ ابوسعید بوده که خبر سلامتی کسان خود را برای پدر ــ که آن هنگام در اصفهان می زیسته ــ نگاشته است.

نیز از جمله مطالبی که در متن «محبوب القلوب: ۵۱ ـ ۵۲» ضمن شرح حال جالینوس آورده و در مقدّمه تفسیر «ص ۳۷ ـ ۳۸» نیز نقل شده است، داستان حریق خزائن بزرگ سلطنتی رومیّه است که از کتابی که جالینوس در باب «نفی غمّ» نگاشته، نقل فرموده و از جمله اشیاءِ قیمتی که طُعمه این حریق شده، نُسخ نفیسه ای بوده به خطّ ارسطاطالیس و خود جالینوس و دیگر حکماءِ بزرگ. سپس مؤلّفِ محبوب القلوب گوید: «نظیر این سانحه یعنی وقوع حریق در کتب نفیسه جالینوس، برای من نیز اتّفاق افتاده و در حدود سال ۱۰۵۸ در شهر لاهیجان قریب ششصد مجلّد کتب نفیسه ام و سایر اشیاء و خانه ها دستخوش این آتش سوزی شد، که در میان آن کتب، نُسخی به خطّ محقّق طوسی و علاّمه حلّی ـ طاب ثراهما ـ و هم به خطّ بزرگان دیگر وجود داشت و نیز بسیاری از نوشته های پدر و برادرم ـ روّح الله روحهما ـ و آنچه خود نوشته و تصحیح و مقابله با نسخ صحیحه کرده بودم تمامًا از میان رفت تا آنجا که چیزی برای من جز سرمایه ام که حسن ظنّ به خدای تعالی و دوستی اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله است باقی نماند».

* * *

این بود گزیده ای از آنچه در باب احوال قطب الدین لاهیجی از کتاب محبوب القلوبش مستفاد می شود، و درباره برادرانش که خود تصریح فرموده اولاد ذُکور پدرش منحصر به چهار نفر بود، نام دو نفر از آنها «شیخ جلال و قاضی عمادالدین محمود» معلوم گردید و نام یک تن دیگر مجهول ماند، و از فرزندانش نیز «ابوسعید» را خود ذکر کرده و خط شیخ محمّد جعفر هم ظهر نسخه محبوب القلوب موجود است.

نخستین جایی که پس از محبوب القلوب، ترجمه مؤلّف را در آن می توان یافت، «أمل الأمل: ۵۵ ـ ۵۶» است که وی در آنجا چنین یاد شده:

«مولانـا قطب الـدين محمّـد بن علىّ الشـريف الـديلمىّ الّلاهـجىّ. فاضـلٌ عـالم جليل القـدر، له مصـنّفات منها «رساله فى العالم المثالى» و غير ذلك. و هو من المعاصرين».

مؤلّف بزرگوار «ذريعه» تصريح فرموده اند كه صاحب ترجمه نزد سيّد المحقّقين مير محمّد باقر داماد قدس سره (متوفى ۱۰۴۰) شاگردى كرده، و نويسنده فاضل مقدّمه «تفسير شريف لاهيجى» در اين باره چنين توضيح داده اند:

«نـاگفته نمانـد: تـاكنون من در كلمات خودِ مؤلّف به اين مطلب برنخورده ام كه وى به تلمّـذ خود نزد مير داماد تصـريح كرده باشـد، ليكن جماعتى به آن تصـريح كرده اند، بلكه از كلام بعضـى از ايشان مانند صاحب ذريعه برمى آيد كه وى در محبوب القلوب در ترجمه حال خود به اين امر تصريح كرده است، فراجع إن شئت»(۱).

چنانچه موضوع شاگردى قطب الدين نزد ميرداماد به ثبوت رسد توان گفت كه قطبْ در حدود سال هزار هجرى متولّد شده، و وفات او نيز چنانكه گذشت ميان سال هاى ۱۰۸۸ _ ۱۰۹۵ واقع شده است.

پس از كتـاب «امـل الأمل» در ساير كتب تَراجم متأخّرين نيز نوعًا مطالب آن كتاب را عينًا يا مضـمونًا نقل كرده و اطّلاع مهم و تازه ترى نـداده اند، و در «فهرست حقوق: ۳۷۵ _ ۳۷۶» كه نسـخه اى از «شرح شرح مختصر المنتهى» تأليف محقّق تفتازانى را معرّفى كرده؛ يكى از امتيازات نسخه را چنين ياد نموده اند:

«خطّ قطب الـدين محمد بن شـيخعلى شـريف لاهيجى دارنده نسـخه با مُهر او «أغثنى يا قطب الأقطاب ۱۰۶۳» در صفحه عنوان هست». انتهى، و تصوير صفحه مذكوره در مقدّمه تفسير (ص ۹۸) چاپ شده است.

ص : ۲۰۵

۱- ۱) گمان مى كنيم اين مطلب از شرح حال ميرداماد در «محبوب القلوب» مستفاد مى شود، نه از شرح حال خود مؤلّف.

آثار دیگر:

سوای «محبوب القلوب» که یاد کردیم و «ثمره الفؤاد» که جای گفتگو است، مؤلّف را کتاب ها و رساله هایی است که آنچه تاکنون شناخته شده، بدین قرار است:

۱_ «شرح صحیفه سجّادیه». نسخه این شرح نزد نویسنده فاضلِ مقدّمه «تفسیر شریف لاهیجی» موجود و پیرامون آن در مقدّمه مذکوره (ص ۷۵ _ ۸۲) سخن گفته و در آغاز مبحث چنین آرند:«از جمله تألیفات مؤلّف ترجمه ای است شرح مانند بر «صحیفه سجّادیّه...»».

سپس بخش هایی از آن کتاب را نقل و در پایان سخن گفته اند: «باید دانست که این شرح صحیفه با صِغَر حَجم، مشتمل بر بیانات بسیار سدید و تحقیقات بسیار مفید است که اگر خوض در نقل منتخبات آن کنیم باید همه را نقل کنیم، زیرا همه اش منتخب و نفیس است و این مقدار که نقل شد برای معرّفی آن به عنوان نمونه کافی است، و معرّفی آن از این نقطه نظر است که نسخه این شرح تاکنون در جایی نام برده نشده و معرّفی نگردیده است».

۲_ «فانوس خیال» یا «رساله مِثالیّه»، که در آخر آن گفته است: «تمّت الرساله الّتی سمّیناها «فانوس الخیال فی إرائه عالم المثال» بعون اللّه الملک المتعال، فی غرّه شوّال _ ختم بالخیر و الإقبال _ سنه ۱۰۷۷ من الهجره المقدّسه»(۱).

ص : ۲۰۶

---

۱ - ۱) مقدمه تفسیر شریف لاهیجی: ۵۵. فانوس خیال را که عمر خیّام در شعر خود به کار برده: «فانوس خیال از او مثالی دانیم»، مرحوم استاد سعید نفیسی این چنین توضیح داده است (با تلخیص): «فانوس خیال، جَدِّ سینمای امروز است، و آن فانوسی بوده است که در آن شمع روشن می کرده اند و روی شیشه هایی نقش هایی می کشیدند و آن شیشه های نقش دار را از جلوِ روشنایی شمع _ البتّه در تاریکی _ می گذاردند و آن نقش روی شیشه بر دیوار یا پرده سفیدی می افتاد... مقصودِ... خیّام از این رباعی آن است که وضع انسان درین عالم و تصوّری که انسان از این جهان می کند مانند فانوس خیال است که در آن عالم، فانوسی است و خورشید چراغ آن است و مردم مانند صورتهایی هستند که در این فانوس گردان هستند، یعنی یک یک میآیند و میروند: کتاب «در مکتب استاد: ۱۸۹». از رباعی دیگری در «مجموعه خطّی محمّد بن عبدالحسین آل الحسینی الجزائری» از عمر خیّام آمده است: دانی چه بوَد آدم خاکی خیّام فانوس خیالیّ و چراغی در وی

این رساله نیز در مقدّمه تفسیر (ص ۴۹ _ ۶۴) و «فهرست دانشگاه» معرّفی شده است.

۳_ «لطائف الحساب». نسخه این کتاب در آستان قدس رضوی موجود و در «فهرست رضویّه ۴: ۴۱۵» فرماید که نسخه مذکوره به شماره «۵۶۰۹ عمومی، ریاضی خطّی» است. «مقدّمه تفسیر: ۴۳».

۴_ «رساله در شرح بیتی از مثنوی». نسخه آن را که ضمیمه «ثمره الفؤاد، شماره ۲۱۲»، است آنجا می شناسانیم.

مؤلّف در این چند کتاب و رساله که تا حال ذکر شد، لقب خود را «قطب الدین» یاد کرده است، جز این که دو کتاب مهمّ دیگر نیز در دست است که نام مؤلّف در آنها بر این نهج آمده: «بهاءالدین محمّد بن شیخ علی الشریف اللّاهجی»، یعنی در این دو کتاب به جای قطب الدّین، لقب بهاءالدین است و نویسنده فاضل مقدّمه تفسیر شریف لاهیجی که مکرّر از آن یاد کردیم، بسیار کوشیده و ادلّه چندی اقامه فرموده تا ثابت گرداند که نویسنده این کتاب ها یک نفرست لاغیر اگرچه در بعضی کتاب ها لقب خود را قطب الدین و در برخی بهاءالدین یاد کرده است، و البتّه تحقیقاتی که درین باره نموده اند قابل اعتماد و شایسته اعتبار است، و آن دو کتاب، یکی بنام:

«خیرالرجال» است که در بیان احوال رجال اسانید کتاب «من لایحضره الفقیهِ» شیخ

صدوق در نهایت اتقان و اعتبار نگاشته و به سال ۱۰۷۵ (۱) مطابق عدد نام کتاب از آن فراغت یافته و در مقدّمه «تفسیر شریف لاهیجی: ۷ _ ۸ و ۷۲ _ ۷۵» پیرامون آن گفتگو شده است، و دیگری:

«تفسیر قرآن مجید» است به زبان فارسی، که در همین دو سه سال اخیر به همّت چند تن از دانشمندان در چهار مجلّد کلان در طهران به طبع رسید، والحقّ تفسیر بسیار شیوا و مفیدی است، و مجلّد اوّل آن دارای یک مقدّمه صد صفحه ای است که مکرّر ذکر آن در این مبحث گذشته است.

عبارتی که در پایان این تفسیر شریف دیده می شود قدری در انتساب آن به صاحب «محبوب القلوب» ایجاد شبهه نموده. زیرا علاوه بر این که لقب مؤلّف در اینجا «بهاءالدین» آمده، تألیف کتاب را نیز در شهر «پتنه» از بلاد هندوستان نشان می دهد، و آن عبارت چنین است:

«تمّ تألیف هذه الترجمه الأنیقه علی ید مؤلّفها بهاء الدین محمّد بن الشیخ علیّ الشّریف اللّاهجی _ عفا اللّه عنهما _ فی الشهر المولود [فیه] من نزل علیه القرآن _ صلوات اللّه علیه و آله _ فی یوم الثلثاء الرابع و العشرین من سنه ستّه و ثمانین و ألف من هجره خیرالبریّه _ علیه و آله الصلاه و التّحیّه _ فی بلده البتنه _ صانها اللّه عن الفساد و الفتنه _ من بلاد الهند». «مقدّمه تفسیر:۱۲»، «أعیان الشیعه ۴۶: ۴۵».

لکن نویسنده فاضل مقدّمه ازین عبارت استظهار فرموده اند که شاید مؤلّف در آخر کارِ تألیفِ تفسیر به هندوستان و شهر «پتنه» افتاده باشد.

ناگفته نماند که مؤلّف بزرگوار «ذریعه» در کتاب جلیل القدر دیگرش «مصفّی المقال»

---

۱ – ۱) در مقدّمه تفسیر (ص ۸) گویا از کلام «ذریعه» گمان برده اند که تاریخ تألیفِ «ثمره الفؤاد» نیز در همین سال بوده است، لکن چنان که خواهد آمد تاریخ نسخه شماره [۲۱۲] ما، ۱۰۷۲ می باشد.

برای قطب الدین و بهاءالدین دو عنوان مستقّل «ص ۳۶۹ و ۴۱۵» قرار داده و در ذیل بهاءالدین استظهار تعدّد فرموده اند، لکن در «ذریعه ۷: ۲۸۲» ذیل عنوان «خیر الرّجال» استظهار اتّحاد، و اللّه العالم (۱).

صاحب «تفسیر» در «اعیان الشّیعه ۴۶: ۴۵» و «تاریخ علماء و شعرای گیلان: ۷۹» به عنوان بهاءالدین مذکور است. در اعیان فرماید:

«بهاءالدین محمّد بن الشیخ علی شریف اللاّهیجی. کان من أعلام محقّقی عصره. ذکره الزنوزیُّ فی «ریاض الجنّه» و قال إنّه رأی له کتاباً فی التّفسیر فی مجلّدین کبیرین، رآه فی مکتبه الشیخ عبدالحسین فی خراسان...».

سپس مختصّات تفسیر را ذکر و دو تألیف دیگر او را چنین یاد کرده است:

«۲ ــ کتاب خیرالرّجال، فی رجال أسانید [کتاب] من لایحضره الفقیه، علی ترتیب الأبواب و ذکر فی البین أسامی الرجال و الرواه بترتیب الحروف، فرغ منه سنه ۱۱۲۸»(۲).

«۳ ــ الرّساله المِثالیّه، فارسیه. رتّبها علی أنوار و إشراقات و لمعاتٍ فی بیان أسامی عالم المثال و التقسیم و الوسعه و الأشکال و الأصقاع و البُلدان و وساطه الأشباح بین الأجسام و الأرواح و غیر ذلک، رأیتها فی طهران فی عدّه أوراق مع جمله رسائل متنوّعه، و عرّبتها».

نویسنده «تاریخ علماء و شعرای گیلان» گوید: «المولی بهاءالدین لاهیجی. آن جناب از ولایت لاهیجان است، از علماء و مفسّرین زمان خود بوده که مثل آن بزرگوار کم

۱- ۱) رجوع به مقدّمه تفسیر: ۷ ــ ۸ شود.

۲- ۲) این تاریخ صحیح نیست و ظاهرًا منشأ آن کلام صاحب «کشف الحجب» است که وی نیز ۱۱۲۸ را تاریخ تألیف دانسته و گویا تاریخ استنساخ نسخه ای از خیرالرجال بوده است. «رجوع به مقدّمه تفسیر: ۸ شود.»

دیـده شـده است، و در حکمت و تفسـیر ید طولایی داشت. یکی از تألیفات مولانا کتاب «خیرالرجال» فی ذکر أسانید «[کتاب] من لایحضره الفقیه» است که بغایت نیکو نوشته است» انتهی.

در «فهرست دانشگاه ۱۲: ۲۹۳۸ _ ۲۹۵۱» یک نسخه «مجموعه» به شماره ۳۹۵۰ معرّفی شده است که مشـتمل بر هفت رساله و جمعًا ۱۲۳ برگ می باشد، و چهار رساله آغاز آن همه به خطّ صاحب «محبوب القلوب» و بقیّه به خطّ مفید بن سعید لاهیجانی است و تصویر ده صـفحه نمونه خطّ قطب نیز در آنجا چاپ شـده است. ذیلاً با رعایت اختصار، فهرستی از رسائل آن مجموعه به دست می دهیم:

۱_ «فیصـل التفرقه بین الاسـلام و الزنـدقه» تـألیف ابوحامـد محمّـد غزّالی، تاریـخ اسـتنساخ آخر ذوالقعـده ۱۰۸۷ در اصـفهان، نویسنده نسخه که صاحب «محبوب القلوب» است بر آن حاشیه دارد.

۲_ «المنقذ من الضلال» غزّالی، در روز پنج شنبه ۲۴ ذوالقعده ۱۰۸۷ و آخر ماه رجب ۱۰۸۸ آن را استنساخ کرده است.

۳_ «إثبات واجب» از مولانا رجبعلی واحد تبریزی، به سال ۱۰۸۸ در اصفهان استنساخ شده است.

۴_ «شرح ابیات»، از خود اشکوری است که در شرح بیتی از نظامی و رباعی ای از سحابی و رباعی دیگر از گمنام نوشته است و جابجا از منظومات خود آورده که آنها را مؤلّف فاضل فهرست گردآورده و نقل کرده اند.

این چهار رساله به خطّ نسـتعلیق زیبای قطب الدین اشـکوری است و بقیه «۵_ الوجیزه فی الرجال» و «۶_ الأوزان و المقائیس» هر دو از علاّمه مجلسی و «۷_ المقادیر الشـرعیّه و الموازین الطبیّه» از قاضی بن کاشف الدین محمّد یزدی، هر سه رساله به قلم مفید بن

سعید لاهیجانی استنساخ شده است.

* * *

«ثمره الفؤاد» جای گفتگو کتابی است در اسرار عبادات و معاملات و وظائف قلبی و باطنی انسان دوشادوش وظائف ظاهری عملی و بسیار با حالت و ذوق نوشته شده و پر از آیات و اخبار و اشعار فارسی و عربی و قصص و حکمت ها است، جابجا مؤلّف اشعاری از خود آورده، و همچنان که نگارنده فهرست دانشگاه، منظومات او را از مجموعه مذکور در فوق گرد آورده و نقل کرده اند؛ ما ذیلاً اشعاری را که در «ثمره الفؤاد» به خود نسبت داده است، نقل می کنیم:

مانده در کسوت الفاظ، معانی پنهان جامه بر قامت آزاده دلان زندان است

بر سرِ ما شد زنخوت، بارِ ما دستار ما سبحه ما، از ریا در دست ما زنّار ما

پشت حرص از بار خواهشها خمید و وانشد یک گره در رشته طول امل از کار ما

به خاکِ یثربِ نقل ار تیمّم می کنی بهتر که از بهر طهارت آب از یونان عقل آری

در راه طلب پای فلک آبله دارد جویای تو در هر کفِ خاکی تله دارد

بیُمن گریه، طفل از مادر خود شیر می گیرد دعاها را اجابتها زفیض چشم جو پُر شد

خاموشی ارباب فنا بانک رحیل است گوش شنوا هر که درین قافله دارد

بیگانگی زخلق جهان عین وحدت است زان آشنای کس نشود آشنای او

سوای اینها، ابیات دیگری نیز بدون ذکر قائل آنها در «ثمره الفؤاد» آمده است، چنانکه اشعار عربی و فارسی زیادی هم از دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام و مثنوی

ص : ۲۱۱

و سنائی و مواضع دیگر آورده و در ثمره سادسه هم دو بیتی از «سوانح سفر حجازِ» شیخ بهائی به این عنوان نقل کرده است:

«و من هذا قال شیخ أصحاب الشریعه و قدوه أرباب الحقیقه فی منظومته الموسومه بسوانح سفر الحجاز...».

موضوعِ بحثِ از اسرارِ عباداتِ شرعیّه پیش از مؤلّفِ «ثمره الفؤاد» نیز عنوانی داشته و جمعی از بزرگان شیعه و اهل سنّت درین باب آثاری دارند. مانند: مرحوم شهید ثانی در «اسرار الصلوه» و فیض کاشانی در «المحجّه البیضاء» و «حقائق» و عبدالرزّاق کاشانی در آثارش و غزّالی در «احیاء العلوم» و جز اینها، چنانکه نام بعضی نیز در آغاز همین کتاب آمده است.

«ثمره الفؤاد» در «ذریعه ۵: ۱۵» چنین یاد شده است:

«ثمره الفؤاد للمولی قطب الدین محمّد بن الملاّ شیخ علی الشریف الّلاهیجی الأشکوری مؤلّف «محبوب القلوب» الّذی کان من تلامیذ المیرالداماد، و توفی بعد (۱۰۷۵). فیه بیان أسرار الأحکام و حقائق الأعمال من العبادات و غیرها. اوّله... رتّبه علی مقدّمه فی أنّ العقل هو الرسول الباطن بإمداد الشرع، ثمّ مائدتین فی کلّ منهما أثمارٌ فی أسرار العبادات و أسرار المعاملات إلی آخر الدیات، و ألحقَ به خاتمهً فی تعیین الفرقه الناجیه الإمامیّه الاثنی عشریّه... رأیت نسخه عصر المؤلّف و هی موقوفه الحاجّ عماد الفهرسی للخزانه الرضویّه و هی بخطّ المیر یوسف، فرغ من الکتابه فی (۱۰۷۵) فی حیاه المؤلّف و أطراه کثیرًا و وصفه بشیخ الاسلام، و ذکر أنّه کتبه بأمر المیرزا عبداللّه بعد إطرائه الکثیر له. و نسخه اُخری أیضًا فی المشهد الرضویّ کانت فی مکتبه المولی المحدّث الشیخ عبّاس القمّی، رحمه اللّه»، انتهی.

نسخه دیگری از «ثمره» به خطّ مبارک نیای عظیم الشأن اعلی آیه اللّه الحاج میرزا

سیّد زین العابدین موسوی ــ اعلی الله مقامه ــ در دست داریم.

و نسخه دیگری که ازین کتاب می شناسیم، نسخه خطّ مؤلّف است که در کتابخانه مرحوم آقا میرزا فضل اللّه شیخ الاسلام در زنجان بوده و آقای دکتر حسین علی محفوظ کاظمینی در «مجلّه معهد المخطوطات العربیّه ۲: ۳۵» آن را چنین وصف کرده اند:

«ثمره الفؤاد(۱) لقطب الدین محمّد بن الشیخ علیّ الشریف الّلاهجی الأشکوری، بخطّه»(۲).

فهرست: «ثمره الفؤاد» مشتمل است بر یک مقدّمه درباره کلّیاتی از امور باطن و تصفیه نفس و دو مائده و یک خاتمه.

«المائده الاولی»، و فیها أثمارٌ من أسرار العبادات. «الثمره الاُولی» فی الأفعال القلبیّه للطهاره. «الثمره الثانیه» فی الأفعال القلبیّه للصلوه الیومیّه. «الثمره الثالثه» فی الأفعال القلبیّه للزکوه. «الثمره الرابعه» فی الأفعال القلبیّه للصوم. «الثمره الخامسه» فی الأفعال القلبیّه للحج. «الثمره السادسه» فی الأفعال القلبیّه للجهاد.

«المائده الثانیه»، فیها أثمارٌ لذیذهٌ من الأفعال القلبیّه و الأعمال الباطنیّه للمعاملات الشرعیّه. «الثمره الاُولی» فی الأعمال القلبیّه للبیع و التجاره. «الثمره الثانیه» فی الوظیفه القلبیّه للرهن. «الثمره الثالثه» فی الاعمال القلبیه للودیعه. «الثمره الرابعه» فی الأعمال القلبیّه للعاریه. «الثمره الخامسه» فی الأفعال القلبیّه للوکاله. «الثمره السادسه» فی العمل القلبیه [کذا] للشرکه. «الثمره السابعه» فی الأفعال القلبیّه للحواله. «الثمره الثامنه» فی الأعمال القلبیّه للضمان. «الثمره التاسعه» فی الأعمال الباطنیّه للدَّین. «الثمره العاشره» فی الأعمال القلبیه للنکاح. «الثمره الحادیه عشر» فی الأفعال القلبیّه للطلاق. «الثمره الثانیه عشر» فی

۱- ۱) در مجله اشتباهًا «خمره الفؤاد» چاپ شده.

۲- ۲) لاهیجی در این کتاب از کتاب «محبوب القلوب» خود یاد کرده است.

الأعمال السرّيّه للعتق». «الثمره الثالثه عشر» فی الأعمال الباطنيّه للأيمان و النذور. «الثمره الرابعه عشر» فی الأعمال السرّيّه للدعاوی و البيّنات. «الثمره الخامسه عشر» فی الأفعال القلبيّه للمواريث و الوصايا. «الثمره السادسه عشر» فی الأعمال القلبيه للصيد. «الثمره السابعه عشر» فی الأعمال السرّيّه للذبائح. «الثمره الثامنه عشر» فی الأعمال القلبيّه للحدود. «الثمره التاسعه عشر» فی الأفعال السرّيّه للقصاص. «الثمره العشرون» فی الأعمال القلبيّه للديات.

خاتمه الرساله. در تعيين فرقه ناجيه و نشان های ايشان و بيان افتراق امّت به هفتاد و دو فرقه. در اين مبحث گويد: [كما اعترف بذلك و أنصف حجّه الاسلام ــ عندهم ــ أبو حامد محمّد بن محمّد الغزّالیُّ الطوسیُّ فی كتابه «سرّ العالمين»، و قد أفشی سرّ معتقده فيه بقوله «استقرّت الحجّه...»].

آغاز: «بسم... الحمد للّه الّذی جعل قوام الدين و نظام اُمور المسلمين منوطًا بأعمال الجوارح ظاهرًا، و مربوطًا بأفعال القلوب باطنًا. و الصّلوه علی متمّم مدار الإصطفاءِ و معدّل نهار الاهتداءِ اوّل الأنبياءِ باطنًا و آخرهم ظاهرًا؛ و وصيّه الّذی هو سهيمه فی الخلقه النوريّه أوّلاً و مُعينه فی تأديه الرساله إلی الخليقه آخرًا؛ و أولاده خلفاء الله فی أرضه، المستحفظين للأمانه الموروثه من آبائهم الكاملين المكمّلين؛ كی لا يتطرّق عليها الفساد و الإختلال من مَساس المجنبين، و تفرّق الاتّصال من وساطه المخبطين؛ صلوةً تامّةً باقيةً إلی يوم الدين.

و بعد، يقول الفقير إلی اللّه الغنی اللّطيف المغنی: قطب الدين محمّد بن شيخعلی الشريف الّلاهجی: إنّ الأعمال ــ كما هو مزعوم أرباب الكمال ــ شرّعت لغرض النيّه و صيرورتها شجرةً مغروسةً فی أرض القلب و ملكةً راسخةً لجوهر النفس. فالنيّه هی المقصود بالذات من الأعمال، كما المقصود من الأبدان الأرواحُ؛ فهی روح العمل، كما

الإخلاص روح النّيه.

و النّيه هى العزم المقارن للفعل المطلوب شرعًا على وجهه، و حيث انّ النّيه هى العزم المذكور عُلم أنّه لامدخل فيها للّسان، و من هذا سنح بخاطرى الفاتر بالنظم الفارسى:

مانده در كسوت الفاظ، معانى پنهان جامه بر قامت آزاده دلان زندان است

و ما يتخيّله بعض القاصرين من أن ضميمه اللّسان إلى القلب يحصل بها معونه فى القصد، من الخيالات النّاشيه عن الجهل بحقيقه النّيه. و قد ورد فى الحديث مرفوعًا عن سيّدنا رسول اللّه صلى الله عليه و آله و معنعنًا عن مولانا أبى عبداللّه الصّادق عليه السلام أنّ اللّه تعالى يحشر النّاس على نيّاتهم يوم القيامه. و فى مخاطبات الامام موسى بن جعفر عليهماالسلام لهشام بن الحكم: يا هشام! كيف يزكو عند اللّه عملك و أنت قد شغلت قلبك عن أمر ربّك و أطعت هواك على غلبه عقلك؟!.

فظهر أنّ مفروض القلوب أشرف و آكدُ من مفروض الأبدان كما فى التنزيل... و لذا فهم الكليم ـ عليه شرائف التسليم ـ من خلع النّعلين بقوله تعالى «اخلع نعليك» اطّراح الكونين، فامتثل ـ سلام اللّه عليه ـ ظاهرًا بخلع النّعلين، و باطنًا باطّراح العالمين؛ كما قال من قال:

دل در پى اين و آن نه نيكوست ترا يكدل دارى بس است يك دوست ترا

و هذا هو الاعتبار، أى العبور من الشىء إلى غيره، و من الظاهر إلى السرّ، و لا يكون هذا رخصهً فى رفع الظواهر و الاعتقاد فى إبطالها حتّى يُعتقد مثلًا: لم يكن معه ـ على نبيّنا و عليه السلم ـ نعلان، و لم يسمع الخِطاب من خالق العباد. حاش للّه عن هذا الاعتقاد؛ فإنّ إبطال الظاهر رأى الباطنيّه الّذين نظروا بعين العوراء إلى أحد العالَمين، و لم يعرفوا الموازنه بينهما، كما أنّ إبطال الأسرار مذهب الحشويّه و مطمح أنظار أرهاط القيل و القال، و الّذى يجمع بينهما فهو من أصحاب الكمال و أرباب الحال!

پاى درين ره نه و رفتار بين حلقه برين درزن و اسراربين

و العلماءُ العرفاءُ كزين الفقهاء الشـهيد الثانى و الفاضل البحرانى و العارف الكاشـى و الكامل الغزّالى ــ شـكر الله مساعيهم ــ قد أوردوا فى تأويل الآيات و أسرار العبادات تحقيقاتٍ شريفه و تدقيقاتٍ لطيفه، لكن قلّما بيّنوا لكلّ باب من الفقه بابًا يقارنه معامله العبد مع ربّه، حتّى ظهرو بان لناظرى المطالب الفقهيّه بنظر البصيره من العبادات و المعاملات حقايقها و أسرارها.

فحـدانى ذلك إلى تأليف هـذه الرساله(۱) الّتى سـمّيناها «ثمره الفؤاد»، موردًا فيهـا لأكثر فرضٍ فرض على الأبـدان على مـا فى صحف أهل الإيمان بنظيره المفروض على القلوب و الضمائر، لئلّا يتغافل عاملٌ بواحدٍ عن الأخر، و لا يكتفى طالب للثّمر بأوراق الشجر؛

زنهار! ازين گلستان قانع مشو به خارى...

... يكى زر زد و خانه بى قوت يافت يكى كهربا جُست و ياقوت يافت!

و وضـعتُ تلـك الأثمـار النضـيجه المجتبّيه من شـجره طوبى كلاـم أهـل الولاـيه، فى مائـدتين؛ فى كـلّ مائـده نـوعٌ من الأثمـار الملكوتيّه، و أهديتها لذوى القلوب من الأحباب، طوبى لهم و حسن مآب،

و مسك حديثى فى هواها لأهله يضوع، و فى سمع الخليّين ضائع

خوان ترا اين دو نواله سخن دست نديدست بدو دست كن

گر نمكش هست بخور نوش باد ور نه زِ ياد تو فراموش باد!

مقـدمه نـافعه لقلوب الأـبرار، ينبغى ايصالهـا إلى مـذاق فؤادهم، قبل تناول الاثمار، إنّ مولانا موسـى بن جعفر عليهماالسّـلام قال لهشام بن الحكم...».

انجام: «و قد روى جابر بن عبداللّه الانصاريُّ ــ رضى اللّه عنه ــ أنّه جاء رجل إلى مولانا

ص : ۲۱۶

۱- ۱) الرساله: أعم من الكتاب، لجواز أن يكون بالقول دون كونها مكتوبه، و يطلق فى العرف على كتاب صغير الحجم. منه.

الامـام الحسن بن علىّ عليهماالسـلام فقـال: يـابن رسول اللّه! أنا من شـيعه أميرالمؤمنين، فغضب _ سـلام اللّه عليه _ و قال له: يا عبـداللّه! فـإذًا أنت كـإبراهيـم الخليـل الّـذى قـال اللّه: «و إنّ من شـيعته لإبراهيم إذ جاء ربّه بقلبٍ سـليم». إن كنت له فى أوامره و زواجره مطيعًا فقـد صدقت، و إن كنت بخلاف ذلك فلا تزد بذنوبك هذه الدعوهَ العظيمه الشـريفه الّتى لستَ من أهلها، لا تقل «أنا من شيعه أميرالمؤمنين عليه السّلام» ولكن قل «أنا من مواليه و محبّيه و مُعدى أعدائه»؛

همُ القوم، من أصفاهُم الودَّ خالصًا تمسّک فى اُخراه بالسّبب الأقوى

هُم القوم، فاقوا العالمين مَناقبا محاسنها تجلى و آياتها تروى

موالاتهم فرضٌ و حبّهمُ هدى و طاعتهم ودٌّ و ودُّهم تقوى

فالحمدللّه الّذى قدختم كتابى بختام المسک و هو التّقوى، فانّ العاقبه للمتّقين».

نسخه: داراى ۹۲ برگ و يک برگ عطف در آخر، كاغذ فسـتقى، جلد تيماج قهوه اى و حاشـيه سـرخ با كرمک و خط كشى طلاـ آستر تيمـاج سبز با خطّ طلا، خطّ نسـتعليق زيبا ۱۴ سـطرى، خط كشـى شده به طلا و لاجورد، عناوين به شـنگرف، بالاى آيات كريمه قرآنى نيز به شـنگرف خط كشيده. قطع ۱۱ × ۱۸ و نيم، متن ۵ و نيم ×۱۲. حواشى توضيحى فراوان مؤلّف، همه جا در هامش به خطّ نسـتعليق متن مختوم به «منه» و در چنـد موضع از اواسط كتاب «منه، و فقه اللّه» نوشـته شده است. خطّ اين نسـخه كاملاًـ شـبيه خـطّ شـخص مؤلّف است كه در «فهرست دانشـگاه» تصوير آن ديـده مى شود، جز اين كه در برخى مواردِ بسـيار جزئى، كلمات يا اعراب ها به غلط نوشـته شـده(۱). اين نسـخه تاريـخ كتـابت و نام كاتب نـدارد، لكن نظر به اضافات و اصلاحاتى كه نسبت به نسخه

۱- ۱) نسـخه اى از كتاب «قتبسات» مرحوم ميرداماد در دست داريم كه متن آن يا دست كم حواشـى «منه» آن، به همين خطّ و قلم نوشته شده است.

شماره پس از این و مورّخه «روز جمعه ۴_ ع ۱ _ ۱۰۷۲» دارد، گویا اندکی پس از آن نسخهْ نوشته شده است. روی برگ اوّل اثر پنج شش مهر و تملّک دیده می شود که آنها را محو کرده اند، تنها مهر «علی ابن محمّد الموسوی» نمایان است که مقصود نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرسیّد علی مجتهد چهارسویی می باشد.

«۲۱۳» نسخه دیگر

نسخه ای از این کتاب را در شماره پیش شناساندیم. اینک نسخه ای دیگر:

این نسخه ضمیمه رساله کوتاهی است در شرح بیتی از مثنوی جلال الدین بلخی و جمعًا دارای ۹۰ برگ است، برگ اوّل و آخر عطف، و تا روی برگ ۸۳ اصل کتاب ثمره نوشته شده. پشت آن برگ و روی برگ ۸۴ سفید و از پشت این برگ تا روی برگ ۸۹ رساله شرح بیت مثنوی است. کاغذ زاغی، جلد تیماج سبز، آستر شده با تیماج گلی جدید، خط نستعلیق زیبا ۱۴ سطری. کمی از حواشی مؤلّف نیز به خطّ نستعلیق متن به رمز «منه» در هامش نوشته شده، و خطّ این نسخه نیز کاملاً شبیه به خطّ نسخه پیشین است و پیداست که این نسخه از نُسخ ابتدائی مؤلّف است و نسبت به نسخه پیشین نواقص بسیار دارد. اغلاط املائی جزئی در این نسخه، بیش از نسخه پیشین دیده می شود. عناوین به شنگرف و بالای آیات قرآنی نیز به شنگرف خطّ کشیده شده است. قطع ۱۳ × ۲۲ ، متن ۷ × ۱۴ .

روی برگ یکم نسخه این عبارت، به خطّ نیای بزرگوار، مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد حسن چهارسویی نوشته شده است: «کتاب ثمره الفؤاد، فی کیفیّه النّیه و حقیقتها و أحکامها، لقطب الدین محمّد بن شیخعلی الّلاهجی». روی برگ ۲، یک مهر ناخوانا، و نیز مهر «سیّد مرتضی الحسینی» و مهر «أنا مدینه العلم و علیٌّ بابها» و مهر

«لا إله الاّ اللّه الملك الحقّ المبين...» دیـده می شود. پشت برگ ۸۳، در هامش دو حدیث از حضـرت عسکری و حضرت سیّد الشهداء علیهماالسلام به خطّ نسخ زیبای مرحوم آیه اللّه چهارسویی نوشته شده است.

پایان این نسـخه: «فالحمدللّه الّذی قد ختم کتابنا بختام المسک، و هو التقوی فانّ العاقبه للمتّقین، فی یوم الجمعه الرابع من شـهر ربیع الأوّل سنه ۱۰۷۲».

* * *

پس از «ثمره الفؤاد» در این نسخه، رساله شرح یک بیت از مثنوی است.

آغاز رساله: «بسم... حمـد نامحـدود أحـدی را که بلنـد ساخت هر که را پستی گزید، و پست ساخت آن که را بلندی طلبید؛ و هو الّذی فی علوّه دانٍ، و فی دنوّه عالٍ؛ فأینما تُولّوا فَثَمّ وجهُه المتعال،

جهانرا بلندیّ و پستی توئی ندانم چه هر چه هستی توئی

و صلوه نامعدود بر سفیر بی نظیر او که با وجود ایجاد بلندی و پستی عالم به سبب وجود باجودش فقر و مسکنت را شعار نفس مقدّس خود ساخته به کلام بلند «الفقر فخری» کلاه گوشه فقراءِ باب اللّه را عرشسا ساختند،

با همه چون خاک زمین پست بود وز همه چون باد تهی دست بود

و بر آل أطهـار او که علوّ پستی را بر دُنُوّ بلنـدی نشـأه فـانیه رجحـان داده مسـتدعی بـدعاءِ «اللّهمّ! لاـترفعنی فی النّاس درجهً إلاّ حططتنی عند نفسی مثلها، و لا تُحدث لی عزًّا ظاهرًا إلاّ أحدثتَ لی ذلّه باطنهً عند نفسی بقدرها» بودند؛

هر جا که از بلندی و پستی سخن روَد از آسمان بلندتر از خاک کمترم

باعث فقیر محتاج توفیق ایزدی: قطب الـدّین محمّـد بن شـیخعلی الشـریف الّلاهجی بر تحریر این سـطور آنکه یکی از دوسـتان حقیقت بین که نشیب و فراز أطوار ناهنجار دنیای

ناپایـدار به عینین سـر و سـرّ دیـده بود، و نغمات بی آهنگ زیر و بم روزگار غـدّار به صـماخَین گوش و هوش شـنیده؛ تحقیق معنی بیتی از أبیات مولوی معنوی که در «مثنوی» فرموده:

هر که بالاتر رود أبله تر است استخوان او بَتر خواهد شکست

نمود...».

انجـام رساله: «بنابراین چنانچه أمیر مؤمنان ـ علیه سـلام اللّه الملک المنّان ـ که کلام حقیقت انتظامش مومیایی شکسـتگیهای جسم و جان است فرموده اند «رحم الله امرءً عرف قدره و لم یتعدَّ طوره»: درود معبود کسی را سزاوار باشد که عارف بر احوال خود گشته تجاوز از حدّ ننماید و شکر مُنعم حقیقی بر صحّت حال و نیل بر کفاف حلال نماید و بجاه و مال غیر که در أکثری از أشـخاص زیـاده از آنچه به او رسـیده اگر رسانـد بـاعث طغیـان حال و خسـران مآل است، چنانکه کریمه «إنّ من عبادی من لایصـلحه إلّا الفقر، لو أغنیته لأفسده» و حدیث شـریف نبویّه «انظروا إلی من هو أسـفل منکم و لا تنظروا إلی من هوفوقکم، فانّه أجدر ألّا تزدرءوا نعمه اللّه علیکم» شاهد است، بر آن رشک نبرد و غبطت ننماید که: به هر کس آنچه می بایست دادست؛

إذا ما کساک اللّه سربال صحّه و لم تخلُ عن قوت یحلّ و یعذب

فلا تغبطنّ المکثرین فإنّما علی قدر ما یکسوهمُ الدهر یسلب

دادهِ خود سپهر بستاند نقش «اللّه» جاودان ماند»

نسـخه رسـاله: چنـانکه گفتیم، این رسـاله مختصـر در ده صـفحه است که هشت صـفحه آن، پیرامون مطالب عرفانی و سـلوک مشـتمل بر چند آیه و حدیث و اشعار فارسی عرفانی و کلمات عرفاء است و حواشی چندی نیز از مؤلّف دارد و دو صفحه آخر در بیان «قصد ناظم» است.

«۲۱۴» ثواب الأعمال و عقاب الأعمال

(حدیث ــ عربی)

از: شیخ صدوق ابوجعفر محمّد بن علیّ بن بابویه القمّی، علیه الرحمه.

نسخه: کامل است، لکن تصحیح نشده و مغلوط می باشد. پایان استنساخِ ثواب الأعمال: ماه شوّال ۱۰۸۰، و استنساخ عقاب الأعمال: ۱۸ ذی القعده همان سال. کاتب: ملاّ مهرعلی، ساکن مشهد مقدّس که برای حاجی محمد شریف جیلانی نوشته است.

نسخه دیگر: مجموعه ش (...)

«۲۱۵» جامع الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام

(حدیث ــ عربی)

از: مرحوم سیّد عبداللّه بن محمّدرضا شُبَّر حسینی (متوفی ۱۲۴۲)، علیه الرحمه.

کتاب: نظیر «بحارالانوارِ» مرحوم علاّمه مجلسی است در چهارده مجلّد، به تفصیلی که زیر عنوان «جامع المعارف و الأحکام»، در «الذریعه ۵: ش ۲۸۱» فرموده اند.(۱)

نسخه: مجلّد پنجم است در مزار، یعنی زیارات و مَشاهد و مساجد. تاریخ ختم تألیف این مجلّد: روز جمعه ششم محرّم ۱۲۳۴. کاتب خوش نویس: درویش بن مرحوم کاظم. تاریخ ختم استنساخ: هفتم ربیع یکم ۱۲۳۶.

نسخه را آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیح چهارسوقی در ۱۲۸۲ «از یَدِ زوجه سیّد رضای مخمل فروش معرَّفه به جناب آشیخ حسین جاوانی» خریده و در ربیع دوم ۱۲۸۳، آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنات» آن را به یازده ریال از فرزند گرامی

۱- ۱) چند مجلّد از این کتاب شریف در «نشریّه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۲: ۱۴۶ ــ ۱۴۷» شناسانده شده است.

خریده اند. سپس بار دیگر از راه ارث به همان جناب انتقال یافته و از ایشان نیز به فرزندشان مرحوم آیه الله حاج میرزا سید حسن چهارسوقی در روز مبعث ۱۳۲۶ منتقل شده است، نیاکان گرامی، علیهم الرحمه و الرضوان.

ابیات کتاب: تخمینًا شانزده هزار و کسری در ظهر نسخه تعیین شده است.

«۲۱۶» جامع الأخبار

(حدیث ــ عربی)

از: نامعلوم، به تفصیلی که در «الذریعه» و غیره نوشته اند.

نسخه: به خطّ منصور بن ابراهیم بن میر حسین بوته سری. تاریخ پایان استنساخ: شوّال **۹۳۱**.

آغاز: «بسم. الحمد للّه الأوّل بلا أوّل کان قبله و الاخر بلا اخر یکون بعده».

انجام: «و قال ع: بشّر المشّائین فی الظّلم بنور تامّ یوم القیمه. تمّت».

« ۲۱۷»

جامع الزیارات عبّاسی

(زیارات ــ فارسی)

از: محقّق سبزواری آخوند ملّا محمّد باقر بن محمّد مؤمن متولّد به سال ۱۰۱۷، از دانشمندان و فقیهان بنام عهد صفوی که در اصفهان می زیسته و نزد شیخ بهائی و میرفندرسکی و ملّا حسنعلی شوشتری ــ علیهم الرحمه ــ درس خوانده و سرانجام به سال ۱۰۹۰ در اصفهان وفات یافته، جنازه اش را به مشهد مقدّس رضوی نقل و به مُحاذات قبر مرحوم شیخ حرّ عاملی در سرداب جنوبی مدرسه میرزا جعفر، پهلوی صحن مطهّر دفن کردند. تاریخ وفاتش را چنین گفته اند:

شد شریعت بی سر و افتاد از پا اجتهاد

محقّق سبزواری ــ علیه الرحمه ــ مورد توجّه شاه وقت عبّاس ثانی صفوی و سلطان ــ

العلماء خلیفه سلطان بوده و در زمان خود بر جمیع علماء مقدّم و مشمول عنایات و احترامات خاصّه قرار داشته، چنانکه همین «جامع الزیارات» را به دستور شاه نوشته است. وی را تألیفات نافعه دیگری است که برخی از آنها در این فهرست آورده خواهد شد. شرح حالش در کتب تراجم، مضبوط و اجمالاً در «ریحانه الادب ۳: ۴۸۸» و «الروضه النضره» مذکور است. برخی احوال و آثارش نیز در «وقائع السنینِ» مرحوم خاتونابادی دیده می شود که خود از نزدیکان ایشان بوده است.

آغاز: «بسم... الحمد للّه ربّ العالیمن و العاقبه للمتّقین... أمّا بعد، چون همگی خاطر قدسی مظاهر ملکوت ناظر نوّاب أشرف أقدس.. شاهی... الشّاه عبّاس الحسینی الموسوی الثّانی.. متوجّه نیل مثوبات اُخروی و تحصیل قربات معنویست به أنواع طاعات و عبادات میل وافر دارند... زیارت حضرت رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و زیارات حضرات أئمّه معصومین... است، اراده أشرف أعلی متوجّه آن شده بود زیارت هر یک... در هر وقت... استحباب داشته باشد کتاب علیحده مذکور شود.. و ترجمه زیارت به عبارت فارسی مذکور شود، تا نوّاب أشرف بمقتضای آن عمل نموده... و کمترین بندگان محمد باقر سبزواری حسب الأمر الأشرف الأعلی بخدمت جمع و تألیف مذکور مأمور گردید... و این کتاب موسوم است به «جامع الزّیارات عبّاسی» و مرتَّب است بر چند فصل. ف ۱ ــ در زیارت حضرت رسول. ف ۲ ــ در زیارت حضرت فاطمه زهرا.. و زیارت أئمّه أربعه بقیع... ف ۳ ــ در زیارت حضرت أمیرالمؤمنین... ف ۴ ــ در زیارت حضرت امام حسین... ف ۵ ــ در زیارت حضرت امام موسی کاظم و امام محمّد تقیّ.. ف ۶ ــ در زیارت حضرت امام رضا... ف ۷ ــ در زیارت حضرت امام علیّ نقیّ و حضرت امام حسن عسکریّ و حضرت صاحب الزّمان... ف ۸ ــ در بعضی زیارات که مخصوص هیچ یک از أئمّه نیست... ف ۹ ــ در تفصیل ایام سال که

در (کدام) یک از لیالی و ایّام استحباب زیارت کدامیک از أئمه... وارد شده».

سپس شروع در فصل اوّل نموده و ترجمه عبارتهای زیارات را نیز نوشته است.

پایان نسخه: «و ما أمّلت فی زیارتکما إنَّه قریب مجیب. تمّ ما وجدناها من هذه الزیاره، وفّقنا اللّه لتحصیل باقیها، و الحمد للّه...».

این کتاب در «الذریعه ۵: ۵۷» یاد شده و نسخه ای از آن را در کتابخانه سیّد عبدالحسین حجّت در کربلا نشان داده اند.

نسخه: دارای ۱۲۹ برگ، که برگ اوّل و آخر عطف است، و ۲ برگ از وسط و یک برگ از آخر نونویس و به خطّ نیای گرامی، عالم فاضل متتبّع مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد چهارسویی است که فقط دعاهای ناقص را از روی کتب ادعیه تکمیل نموده و از کلام ایشان در پایان نسخه که ذکر شد معلوم می شود که نسخه دیگری از این کتاب نداشته اند. بقیّه نسخه به قرینه خطّ و کاغذ در زمان مؤلّف نوشته شده. خط نسخ ۹ سطری، ترجمه ها نستعلیق، کاغذ ترمه، قطع ۱۲ × ۱۸، عناوین و ترجمه ها به سرخی، جلد تیماج سیاه. صحّافی و تجلید به دستور متمّم نسخه.

«۲۱۸» جامع الشّتات فی النّوادر و المتفرّقات

(فوائد علمی ـ عربی و فارسی)

از: آخوند ملاّ محمد اسمعیل بن حسین بن محمد رضا مازندرانی اصفهانی، معروف به فاضل خاجویی که در محلّه خاجوی اصفهان سکونت داشته. وفاتش: ۱۱ شهر شعبان ۱۱۷۳. مدفنش در تخت پولاد اصفهان نزدیک قبور فاضلان و آخوند ایژه ای ـ علیهم الرحمه ـ . دبیر، شاعر اصفهانی در تاریخ فوتش گفته:

بهر تاریخ او دبیر نوشت: خانه علم منهدم گردید

ص : ۲۲۴

شرح حالش اجمالاً ـ در «ریحانه الأدب ۱: ۳۷۰ ط ۲» و «مکارم الاثار ۷: ش ۱۴۹۸» و «تذکره القبور: ۵۳ ـ ۵۵». تألیفات این دانشمند بسیار و هر یک در موضوع خود شاهکار است. از جمله: «شرح اربعین حدیث» و «فوائد رجالیّه» و «شرح دعاءِ الصباح. ش ۴۹۸ » و «تعلیقه آیات الأحکام» و همین «جامع الشتات» پرفایده ترین کتاب های او به شمار می رود.(۱)

فاضل خواجویی را نیز رساله محقّقانه ای است در اثبات افضلیّت ائمّه اطهار ــ علیهم السَّلام ــ بر انبیاءِ عظام، سوای حضرت خاتم الأنبیاء ــ صلّی اللّه علیه و آله و سلّم ــ که نامش «ذریعه النجاه» و مانند بسیاری دیگر از تألیفاتش در «جامع الشتات» یاد شده است.

«جامع الشَّتات»، کشکولِ بسیار مفید و ممتِّعی است و فهرست آن را از این پس خواهیم آورد.

آغاز: «بسم... بعد حمد اللّه ول ـیِّ ـه جامع الشتات، و الصَّلوه علی نبیِّه المتحلّی بأحسن السِّمات و علی آله الشَّاعرین بقاطبه الدّقایق و تمام النِّکات».

انجام: «روی أنَّ نبیَّهم لمَّا دعا اللّه أن یملِّکهم أتی بعصا یُقاس بها من یملَّک علیهم فلم یساوها الاّ طالوت، و مثل ذلک فی هذه الأُمّه درع نبیّهم فی أئمّتهم، علیه و علیهم من الصلوات أفضلها و من التسلیمات أکملها».

فهرس مطالب: شرح حدیث نبوی (الناس معادن...) ــ شرح حدیث «استبصار» از حضرت صادق علیه السَّلام درباره مقدار کرّ (إذا کان الماء ثلثه أشبار...) ــ شرح جمله

۱ـ ۱) از «جامع الشتات» نسخه شماره ۷۵۴۴ کتابخانه آستان قدس رضوی در «فهرست الفبایی: ۱۶۰» یاد شده و گویند مختلف الخطّ و بی تاریخ است. یک نسخه نیز در فهرست مرعشیّه قم (ج ۱۱ ش ۴۳۹۲) معرّفی شده است. فهرست آقای احمد منزوی (ج ۱ ص ۶۵۵) هم دیده شود. برای توضیح اشتباهی که درباره فاضل شده است رجوع به «شرح الکافی. ش ۵۱۶» در همین فهرست فرمایند.

(وصول معدم خیر من مثرجاف) در وصیّت أمیرالمؤمنین علیه السَّلام به محمَّد حنفیّه ـ شرح حدیث (القرآن ذلول ذو وجوه...) ـ شرح حدیث (یحمل هذا الدّین فی کلّ قرن عدول...) ـ شرح داستان إفک ـ شرح حدیث نبوی (فضّلونی علی الأنبیاءِ إلاّ علی یونس بن متّی...) و معراج حضرت یونس علیه السَّلام ـ شرح عبارت (اوَّلیَّته تعالی و آخریَّته) و نقل کلام علاّمه مجلسی در «شرح صحیفه» راجع به این عبارت و اعتراض به آن ـ شرح حدیث نبوی «معانی الأخبار»: (ملعون ملعون من کمَّه اعمی...) و تعرُّض کلام مرحومین صدوق و ملاّ میرزا شیروانی در این باره ـ شرح حدیث (انّ إبرهیم علیه السّلام مرَّفی أرض کربلا و هو راکب...) مرویٌّ در ج ۱۰ «بحار الأنوار» ـ شرح این رباعی:

ممکن بوَد که هستی واجب شود فنا وین ممتنع که مهر تو از دل شود جدا

در تنگنای عکس نقیض خیال تو ترسم که صورتم ز هیولی شود جدا!

شرح حدیث مروی از ابوجعفر علیه السَّلام (انَّ أیُّوب علیه السّلام مع جمیع ما ابتلی به لم تنتن له رایحه...) ـ تفسیر فقهی آیه شریفه (و اذا قرءَ القرآن فاستمعوا له و أنصتوا) ـ شرح کلام صاحب «تحفه»: (سبب محو القمر أنَّ الأشعَّه تنعکس من البحار...) و تعرّض کلمات محقّقین بزرگ ـ شرح حدیث عَلوی (اذا حضر سلطان من سلطان اللّه جنازهً فهو أحقّ بالصَّلوه علیها...) و نقل کلام مرحوم فیض در «وافی» ـ حلّ قیاس مشکل (الطَّلاق یتوقَّف علی النّکاح...) در کلمات فقها ـ شرح حدیث أبوذرّ و گفتار ابن شقیق به او (لو کنت رأیت رسول اللّه لسألته هل رأیت ربَّک؟) مروی در «نهایه» ابن اثیر ـ شرح حدیث نبوی (المؤمن یأکل فی معاءٍ واحد و الکافر یأکل فی سبعه أمعاء) ـ شرح حدیث نبوی (انّ الرّضا بالکفر کفر) ـ تفسیر فقهی آیه شریفه (انّما المُشرکون نَجس) و تکلیف کفَّار ـ شرح حدیث نبوی (الطّلاق بید من أخذ بالسَّاق) ـ مسئله احکام نظر مترتّب بر مسئله وطی ـ شرح حدیث نبوی (ما اقلَّت الغبراء و لا اظلّت الخضراء علی أصدق لهجه من أبیذرّ)

ص : ۲۲۶

ـ شرح حدیث حضرت صادق علیه السَّلام (مَن قرأ فی المصحف متِّع ببصره...) ـ شرح کلام امیر المؤمنین علیه السَّلام (عقول النِّساءِ فی جمالهنَّ و جمال الرِّجال فی عقولهم) ـ شرح حدیث قدسی (ما تردَّدتُ فی شیءٍ أنا فاعله...) ـ شرح حدیث نبوی (لو کانت لی ید ثالثه...) ـ شرح حدیث (الولد الحلال یشبه بالخال) ـ شرح کلام علاّمه حلّی (انّ الصابون اذ الاقته نجاسه...) ـ حکم مخالفین امامیّه در باب امامت ـ شرح حدیث «صحیفه رضویَّه» که حضرت مجتبی علیه السَّلام (دخل المستراح فوجد لقمهً ملقاه...) و بیان احکام و امور کثیره مستنبطه از این حدیث ـ شرح کلام بیضاوی در تفسیر آیه شریفه (لا ینال عهدی الظَّالمین) و کلام عصام الدین محشّی بیضاوی و ردّ بر آنها ـ ردّ کلام زمخشری در تفسیر آیه شریفه (أ لم یروا کم أهلکنا قبلهم من القرون...) ـ شرح حدیث (... فی الجنَّه علی صور أبدانهم لو رأیته لقلت فلان) و ردّ کلام مرحوم شیخ بهاءِ الدین عاملی در «شرح اربعین حدیث» پیرامون این عبارت، و کیفیَّت خلق بهشت و دوزخ ـ شرح جمله (وصول معدم خیر من مثرجاف) که در اوائل کتاب شرح کرده و در اینجا قریب به همان عبارات تکرار شده ـ شرح حدیث «کافی» و «فقیه» از حضرت صادق علیه السَّلام (انَّه سئل عن المیِّت هل یبلی جسده؟ قال: نعم حتَّی لا یبقی له لحم...) ـ شرح حدیث «فقیه» از ابو جعفر علیه السَّلام (انکم تلقِّنون موتاکم لا اله الاّ اللّه...) ـ شرح قول حکماء (انَّ الأفلاک بأجمعها حیَّه ناطقه) ـ مقاله ای در باب وحدت وجود و تعدّد نمود بی بود.(۱) مصحّح نسخه اینجا در حاشیه نوشته اند: (لم یکن هذا العنوان الی آخره فی

۱- ۱) فاضل در خاتمه این مقال گوید: «و ما را در تفصیل مذاهب این طائفه و تزییف أقوال و اعتقادات ایشان رساله ای است مبسوط. فمن أراد الاطّلاع علیها فلیرجع إلیها». فاضل مرحوم در کتاب دیگرش «شرح دعاءِ صباح» در شرح فقره شریفه «لا إله إلاّ أنت» مطالب مهمّی بیان داشته و در آخر کار پس از جمله ای که در باب ذکر قلبی آورده گوید: «و لنا علی إبطال وحده الوجود رساله مفرده وجیزه نقلنا فیها زبده أقوالهم و عمدهَ ما تشبّثوا به علیها و أشرنا فیها ما فیه و علیه. فلیطلب من هناک». انتهی. و تقدّم تألیفِ «رساله وحدت وجود» بر أصل تألیفِ «شرح دعاءِ الصباح» از این عبارت معلوم نمی شود. زیرا در آخر شرح گوید که این دعا را در عنفوان شباب شرح کرده و در پیری آن را از سواد به بیاض آورده است، و لذا شاید مطلب حواله دادن به رساله در این شرح را پس از اصل تألیف و هنگام مبیّضه کردن آن که در اواخر زمان حیاتش بوده الحاق کرده باشد، و اللّه العالم. ناگفته نماند که «رساله وحدت وجود» تاریخ ندارد و نسخه دستخطّ مبارک خود فاضل مرحوم ـ أعلی اللّه مقامه ـ دارای سی صفحه کتابت است و به نظر این ضعیف، در اواخر زمان تسلّط حرامیان غلیجایی تألیف شده است.

نسخه الأصل) ـ شرح حديث مرویّ در «معانی الأخبار»: (لعن رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم النامصه و المنتمصه...) ـ بحث در پیرامون استدلال شافعی به روایت عبداللّه بن عمر (إنَّ سیِّدنا رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله مرَّ براع و هو یزمر بزماره...) و ترجمه ابن عمر ـ شرح و توضیح (الظَّاهر عنوان الباطن) ـ تفسیر آیه شریفه (فما استمتعتُم به منهنَّ...) و کلام بیضاوی و زمخشری و دیگران درباره مُتعه و تحقیق مسئله ـ تفسیر آیه شریفه (الّذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم...) ـ شرح حدیث «خصال» از رسول أکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم (ثلثه إن لم تظلمهم ظلموک...) ـ جواب سؤالی که از مؤلّف شده درباره أئمه أطهار علیهم السَّلام: (هل کانوا متعلِّمین عند غیرهم..؟) و جواب سؤال دیگر: (هل فرقٌ بین التقاءِ الختانین و غیبوبه الحشفه فی وجوب الغسل...؟) ـ شرح حدیث (علماء أمَّتی خیر من أوصیاءِ بنی إسرائیل) ـ تفسیر آیه شریفه (لئن بسطت الیَ یدک...) ـ فرق میان ملَّت و دین ـ تفسیر فقهی آیه شریفه (و الّذین هم لفروجهم حافظون...) ـ شرح عبارت دعاءِ (لا ملجأو لا منجی و لا مفرّ...) ـ شرح حدیث نبویّ (یا علی! لک أوّل نظره...) ـ شرح کلام شبلی درباره توحید (مَن سئل عن التَّوحید فهو جاهل...) ـ شرح کلمه توحید و روایت نبویّ (ما من الکلام أحبّ إلی اللّه عزّ و جلّ من

قول لا اله الاّ اللّه...) و شرح ۳ حدیث دیگر درباره کلمه طیّبه ــ توضیح و تشریح (العبودیّه جوهره کُنهها الرُّبوبیَّه...) ــ شرح ۲ حدیث «کافی» از حضرت صادق علیه السَّلام (کان أمیرالمؤمنین سلام اللّه علیه إذا لم یکن أدم یقطع الخبز بالسکّین) و نظیر آن ــ شرح عبارت دعاءِ «صحیفه» در دعاءِ صباح و مساء: (یولج کلّ واحد منهما فی صاحبه...) و بیان مرحوم شیخ بهاءالدّین ــ بحث در پیرامون عبارت رساله «چهار آینه» تألیف مرحوم فاضل اصفهانی معروف به هندی در فصل إثبات وحدت صانع ــ تفسیر آیه شریفه (و قال لهم نبیُّهم إنَّ اللّه قد بعث لکم طالوت ملکًا...) ــ حدیث (کان اللّه و لم یکن معه شیءٌ) و کلام ابن جُنید ــ جواب سؤالی درباره صفات ثبوتیه... ــ تفسیر آیه شریفه (إنَّ الأبرابر یشربون من کأس...) و کلام مرحوم ملاّ میرزا محمّد بن الحسن شیروانی و بحث در امامت ــ شرح حدیث «معانی الأخبار» از پیغمبر أکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم (انَّ ولد الزّنا شرّ الثّلثه) و تطبیق بر ثانی ــ تحقیق درباره مطلبی که از علاّمه حلّی سؤال شده و جواب آن مرحوم (فی جواب مَن سأله عمَّا ورد أنَّ آدم و نوحًا ضجیعان لمولینا أمیر المؤمنین علیه السّلام...) و بحث درباره أفضلیَّت أئمَّه علیهم السلام ــ تحقیق در حدیث مرویّ از حضرت صادق علیه السَّلام (لا یحلّ الفتیا لمن لا یستغنی من اللّه بصفاءِ سرّه...) و أحادیث درباره تزکیه نفس و توجُّه ــ بحث در پیرامون حدیث نبوی (إنَّه سُئل عن القیمه متی تکون؟ قال: إذا تکاملت العدَّتان...) ــ حدیث مناجاه موسی علی نبیِّنا و آله و علیه السلام مرویّ در «مجمع البحرین»: (و قد قال: یا ربِّ! لِمَ فضَّلت أُمَّه محمّد علی سائر الأُمم؟......) و کلام مؤلّف درباره گریه بر سیّد الشُّهداء علیه السَّلام ــ تحقیق درباره حدیث مرویّ در «قواعد شهید» : (لا تدخل الحکمه جوفًا مُلِئَ طعامًا) ــ تحقیق درباره حدیث (نیَّه المؤمن خیر من عمله) ــ إنتقاد بر کلام مرحوم شهید ثانی در «درایه الحدیث ــ باب حدیث مشهور»: (قال بعض العلماء: أربعه أحادیث تدور علی

الأـلسن و ليس لهـا أصل...) ــ تحقيق در كلام مرحوم صاحب «مـدارك» بعـد از نقل كلام محقِّق: (الفصل الخامس فى احكام الأَـموات...) ــ بحث و تحقيق پيرامون كلاـمى كه «مجمع البيـان» از اهـل تحقيق نقـل فرموده: (ليس يمتنع أن يخلق اللّه حوّا من جمله جسد آدم...) ــ تحقيق كلام ابن سينا در فصل پنجم از مقاله دهم إلهيّات «شفاء» در مقام تعيين خليفه و امام (ثمّ يجب أن يفرض السَّانُّ طاعه من يخلفه...) و بحثى لطيف پيرامون إمامت و خلافت.(۱)

پايان فهرست «جامع الشتات»

* * *

خـاجويى هم در اين كتـاب و هم در «فواد رجـاليَّه» مكرّر از كتـابِ «مجمع الرّجـال» مرحوم ملاّ عنايت اللّه قهپايه اى نقل كرده است.

«جـامع الشَّتـات» را مؤلّـف ابتـدا تـأليف و سـپس در آن تغييراتى داده و برخى مطـالب و عبـارات را بيش و كم نموده و نسـخه ديگرى نوشته است.

نسـخه موجود ظاهرًا مبيَّضه اوّلى است كه كاتبِ بى نام و نشانى به خطّ نسخ زيبا نوشـته است، امّا تمام نسخه به خطّ او نيست و چندى پس از او شخص دانشمندى اين نسخه را با نسخه متأخِّر مؤلّف كه به خطّ خود او بوده مقابله و به دقَّت تصحيح نموده و هم مطالبى را كه مؤلّف به نسـخه اوّلى اضافه نموده، آورده و مقـدارى از آخر نسـخه را نيز كه ناقص بوده، تكميل كرده است. اين مصحِّح دانشمند گويا نياى گرامى، آيه اللّه حاج

---

۱ – ۱) فاضل خاجويى در هامش اين موضع نگاشته: «نقل عن الشيخ العارف مجد الدين البغدادى أنه قال: رأيت النبى صلى اللّه عليه و آله فى المنـام. فقلت: مـا تقول فى حق ابن سـينا؟ فقـال صـلى اللّه عليه و آله: هو رجل أراد أن يصل إلى اللّه بلا وساطتى فحجبته هكذا بيدى، فسقط فى النار. أقول: و يؤيّده أنه قال بقِدم العالم؛ و إجماعُ المسلمين منعقد على كفر من قال به».

میر سیِّد علی مجتهد چهارسویی (متولّد ۲۹ ج ۲ _ ۱۲۴۷ _ متوفّای ۱۷ محرَّم ۱۳۲۶) برادرزاده امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» و فرزند مرحوم آیه اللّه حاج میر سیِّد محمّد بن الحاج میرزا زین العابدین موسوی چهارسویی بوده اند. این تشخیص را تنها از راه شباهت خطّ داده ایم و جز اینْ دلیل دیگری موجود نیست.

«جامع الشتات» در «الذریعه ۵: ۶۰» یاد شده. و نسخه ای ناقص از آن را در کتابخانه بی نظیر مرحوم شیخ محمّد سماوی (۲۷ حجَّه ۱۲۹۲ _ ۱ شنبه ۲ محرَّم ۱۳۷۰ در نجف) که پس از فوت وی متفرّق شد، نشان داده و فرموده اند که بر این نسخه، حواشی بسیاری از شیخ عبدالنَّبیّ نامی است که شناخته نشد.

نسخه: دارای هفتاد برگ، کاغذ آهاردار و بیشتر جدول کشیده و مطالب را در متن و حاشیه نوشته اند که از متن به حاشیه و از حاشیه به متنِ صفحه دیگر می پیوندد. قطع ۲۴ × ۱۶. متن صفحات غالبًا دارای ۱۸ سطر، و دارای جلد تیماج حنایی است.

جامع الفوائد: مجموعه ش (...)

الجامع الکبیر: مقدّمه الجامع الکبیر

جامع المعارف و الاحکام: جامع الاحکام

«۲۱۹» جامع المعجزات

(مناقب _ فارسی)

از: محمّد واعظ اصفهانی که معاصر با مرحوم آقای حاج ملاّ محمّد مهدی نراقی (متوفّی ۱۲۰۹) یا نزدیک زمان ایشان بوده است، چون در این کتاب از «مُحرق القلوب» آن مرحوم نقل می کند.

ص : ۲۳۱

نسخه: مجلّد دوم کتاب است مشتمل بریک مقدّمه دراثبات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و ۲۴ باب در انواع معجزات آن حضرت و یک خاتمه در برخی مناقب سیّده نساء العالمین فاطمه الزهراء علیهاالسلام و حکایت ازدواج آن حضرت.

کتاب مرغوبی است، و چند برگی از آخر نسخه ساقط شده، لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نگردید. به «فهرست مرعشیّه قم. ش ۱۹۱۹» رجوع شود.

«۲۲۰» جامع المقاصد فی شرح القواعد

(فقه ـ عربی)

از: شیخ علیّ بن عبدالعالی عاملی مجتهد، معروف به محقّق کرکی، أعلی اللّه مقامه (متوفّی ۹۴۰).

کتاب: حاشیه و شرح مبسوطی است بر کتاب «القواعد» علاّمه حلّی قدس سره ، به «قوله»، در چند مجلّد.

نسخه: از اوّل کتاب است تا آخر جزء ثانی که پس از آن کتاب تجارت خواهد بود، در ۲۴۴ برگ. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به قرائن از آثار قرن ۱۲ است.

«۲۲۱» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل است از آغاز کتاب تا آخر نماز عیدین.

انجام: «ما هو أعمّ من الکلّ و البعض. تمّ الجزء الأوّل، و الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی محمد و آله اجمعین».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. ظاهرًا در اواخر قرن دهم یا اوائل یازدهم نوشته شده و مصحّح است.

ص : ۲۳۲

تملّك و مُهر عنایت اللّه بن عبدالکافی نایینی روی برگ اوّل است. برای آگاهی های دیگر از این دانشمند نایینی، به «کواکب منتشره: ۵۶۶» رجوع شود.

«۲۲۲» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز تا انجام کتاب النّکاح است: «...مقتضی کلام اهل اللّغه أنّ استعمال لفظ النّکاح».

انجام: «و لیکن هـذا آخر الجزءِ السّابع من کتاب شـرح القواعـد و یتلوه فی الثّامن، ان شاء اللّه تعالی بمنِّه: قوله الفصل الثالث فی التّفویض، و فرغ من تسویـده مؤلّفه... علیُ بن عبـدالعالی بالمشـهد المقـدّس الغرویّ.. نصف النّهـار من یوم السّـبت تقریبًا ثامن عشری شهر جُمادی الأُولی من سنه ۹۳۵».

اثر تصحیح و مقابله در نسخه دیده نمی شود، لکن همه جا حواشی پراکنده کمی نوشته شده است.

«۲۲۳» جلاء العیون

(سیره ــ فارسی)

از: مولانا محمّدباقر بن محمّدتقی، علاّمه مجلسی، علیه الرحمه (متوفّی ۱۱۱۰).

کتاب شریف: در بیان احوال و مناقب و مصائب حضرات چهارده معصوم علیهم السلام است و مکرّر به طبع رسیده است.

نسـخه: یک برگ از اوّل ناقص است و قسـمت پایین برگ آخر را نیز که لابـدّ مشـتمل بر نام کاتب و تاریخ کتابت بوده بریده اند. لکن ظاهر است که به خطّ نستعلیق یکی از کاتبان حدود زمان مؤلّف نوشته شده، و اثر تصحیح و مقابله و امتیازی ندارد.

ص : ۲۳۳

«۲۲۴» نسخه دیگر

نسخه: نیمه دوّم کتاب و از آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتاب معلوم نیست. به قرائن در سده دوازدهم نوشته شده. دو برگ اوّل نونویس و از «باب پنجم، در بیان تاریخ ولادت و شهادت حضرت سیّد شهداء» شروع می شود.

واقف نسخه: «سیّده نجیبه امّ کلثوم بیگم بنت مرحمت و غفران پناه میرزا محمد سعید معروف به غیرت». تاریخ وقفنامه: «۱۴ ماه رمضان ۱۲۶۵».

روی برگ اوّل: «تاریخ وفات مرحوم... والد... در شب جمعه ۱۴ ماه رجب... ۱۲۷۲». اثر تصحیح و تحشیه و امتیازی ندارد.

«۲۲۵» جمال الأُسبوع

(دعاء ــ عربی)

بکمال العمل المشروع

از: سیّد رضیّالدّین ابوالقاسم علیّ بن موسی بن جعفر حسنی، معروف بن ابن طاوس حلّی، رضوان اللّه علیهم.

کتاب: در آداب و اعمال و اوراد و اذکار وارده در شبانه روز ایّام هفته است. مؤلّف خود در مقدّمه گوید: این کتاب چهارمین جزء از اجزاءِ چهارگانه کتاب «مهمّات فی صلاح المتعبِّد و تتمّات لمصباح المتهجّد» است که آن ذیلی بر «مصباح المتهجّد» مرحوم شیخ طوسی می باشد. به طبع نیز رسیده.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت: ۱۱۰۴. از کتب خانوادگی است.

«۲۲۶» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، ظاهرًا از آثار سده دوازدهم است. تملّک

نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سید جمال الدّین موسوی چهارسوقی فرزند آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمد هاشم چهارسوقی به تاریخ ۱۶ شوال ۱۳۲۱ ظهر نسخه هست.

«۲۲۷» الجمع بین التفسیر و التّأویل و ما یهمّ فیه من الأخبار و الأثار و أسرار التنزیل

(تفسیر ــ عربی)

از: ناشناخته. آنچه روی صفحه عنوان نسخه نوشته اند: «تفسیر ایجی» درست نیست، و ایجی ها در «دانشمندان و سخنسرایان فارس ۴: ۳۴۸» به تفصیل ذکر شده اند.

کتاب: تفسیر عرفانی متوسّطی است بر قرآن کریم. بسیار جامع و نفیس، و از تألیف رُبع نخست آن که پایان تفسیر سوره مبارکه انعام است به روز چهارشنبه دوازدهم جُمادای یکم ۸۷۹ در مدینه منوّره، بین المنبر و القبر الشریف، فراغت یافته است.

آغاز: «بسم. أمّا بعد، فانّ جدّی الشهید إمام عرفاءِ وقته...(۱) قد ألّف کتابًا جامعًا بین أقوال السّلف فی التفسیر و ...».

نسخه: تا آغاز سوره مبارکه کهف است. نام کاتب و تاریخ کتابت نامعلوم و از قرائن، کمی پس از تألیف استنساخ شده است.(۲)

۱- ۱) نام را در نسخه محو کرده اند، و معلوم می شود که مقصود، همان شخصی است که در سراسر کتاب از او با عنوان «قال الکاشف» نقل می کند، و در سطر دوّم ظهر برگ سوّم تصریح کرده است که او شیخ ابو محمد روزبهان بقلی است، همان که شرح حالش در «شدّ الازار: ۱۷» و به تفصیل در مقدّمه کتابش «عبهر العاشقین»، و تفسیرش «عرائس البیان» در «فهرست دانشگاه ۱، ۱۷» یاد شده، و مقداری از عرائس در حواشی «صفوه الصفاء» چاپ شده است.

۲- ۲) بقیّه نسخه این تفسیر در تملّک مرحوم حاجی خانبابا خان مشار صاحب کتاب مؤلّفین و غیره بوده و خود آن را به کتابخانه آستان قدس رضوی بخشیده است و در جلد یازدهم فهرست آن کتابخانه (ص ۵۹۴) معرّفی کرده اند. این جانب آن نسخه کرامند را در اسفندماه ۱۳۶۵ در آن کتابخانه زیارت کردم، تتمّه همین نسخه موصوفه می باشد، لا غیر.

مطلب جالبی درباره حضرت ابوطالب علیه السلام در «ص ۲۶۸» آورده است.

«۲۲۸» الجُمل فی النّحو

(ادب ــ عربی)

از: ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرحمن بن محمّد جرجانی (متوفی ۴۷۱).

کتاب: مشتمل است بر پنج فصل: ۱ - مقدمات ۲ - عوامل افعال ۳ - عوامل حروف ۴ - عوامل اسماء ۵ - اشیاء متفرقه.

ظاهرًا مؤلّف برای این کتاب اسمی قرار نداده و چون در مقدمه گوید: «هذه جمل رتّبتها ترتیبًا قریب المتناول»، لذا به عنوان کتاب الجمل شهرت یافته و گویا هنوز به طبع نرسیده است.

در پایان کتاب نیز گوید: «فهذا آخر ما أوردنا من الجمل فی عوامل الإعراب». و این کتاب غیر از رساله مختصری است که به عنوان «عوامل جرجانی» چاپ شده و مشهور است.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: «یوم الخمس» محرّم ۱۰۸۴.

دو نسخه دیگر از «الجمل» در مجموعه ها (ش... و ...) ذکر می شود.

«۲۲۹» جُمل الإعراب

(نحو ــ عربی)

نگارنده «ذریعه ۵: ۱۴۳» این کتاب را عنوان کرده و فرموده اند: تألیف پیشوای لغت ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد بن عمرو بن تمیم أزدی بصری (متوفی ۱۷۰ یا ۱۷۵) است که علاّمه حلّی ــ أعلی اللّه مقامه ــ در «خلاصه الأقوال: ۳۳»(۱) تصریح به تشیّع و امامی

---

۱ – ۱) الخلیل بن أحمد. أفضل الناس فی الأدب، و قوله حجّه فیه، و اخترع علم العروض، و فضله أشهر من أن یذکر، و کان امامیَ المذهب: «خلاصه».

بودن او نموده، صاحب «ریاض العلماءِ» آن را «جُمل الإعراب» و سیوطی در «بغیه الوعاه: ۲۴۳ _ ۲۴۵» «الجمل» و ابن خلّکان «کتاب العوامل» خوانده اند... نسخه جدیدِ مورّخ ۱۲۶۰ این کتاب در کتابخانه شیخ محمّد سماوی در نجف اشرف موجود و صاحب «ریاض العلماء» نسخه قدیمی آن را سراغ داشته است «پایان کلام ذریعه».

پس خلیل در عصر و زمان حضرت امام موسی بن جعفر علیهماالسلام که در سال ۱۸۳ «به پنجاه و پنج سالگی» به شهادت رسیدند، می زیسته است.

طاشکپری زاده نیز در «مفتاح السعاده ۱: ۹۴ _ ۹۶» در ترجمه خلیل از این کتاب به نام «الجمل» یاد کرده، و همچنین نیای معظّم در «روضات الجنّات: ۲۷۱ _ ۲۷۴» که شرح حال خلیل را نگاشته اند پس از نقل کلام سیوطی و بحث درباره «کتاب العین» گویند: «و کتابه الجُمل، صغیرٌ جدًّا، و کأنّ عندنا نسخهً منه، و له ایضًا کتابٌ فی العوامل». انتهی.

نسخه ای که صاحب روضات ذکر فرموده اند، همین است که ما در اینجا می شناسانیم.

نویسنده «ریحانه الأدب ۵: ۱۲۰» و مؤلّف «معجم المؤلّفین ۴: ۱۱۲» نیز «جمل» را در تألیفات خلیل آورده اند، لکن این کتاب در «کشف الظنون» به هیچ عنوان مذکور نیست، و در «فهرس المخطوطات المصوّره ۱: ۸۲» _ پس از معرّفی سه نسخه از کتاب «الجمل فی النّحو» تألیف ابوالقاسم عبدالرحمن بن اسحق زجّاجی نحوی (متوفای ۳۳۹) که به طبع هم رسیده _ وصف نسخه ای از کتاب مورد بحث که در کتابخانه ایاصوفیای ترکیه موجود است چنین آمده: «الجمل، فی النحو. کتب علیه أنّه للخلیل بن أحمد الفراهیدی، و هذا خطأ. فالکتاب لعالم من العلماءِ المتأخّرین عن عصر الخلیل. نسخهٌ کتبتْ فی القرن السّابع. أیا صوفیا...».

ص : ۲۳۷

در «مجلّه معهد المخطوطات العربیّه ۵: ۲۵ و ۲۸» که دانشمند فاضل آقای دکتر حسین علی محفوظ کاظمینی، فهرست نفائس کتابخانه آستان قدس علوی را در نجف اشرف نشان داده اند؛ دو نسخه به نام های «الجمل فی النحو» و «جمل علم النحو» دیده می شود که ممکن است یکی از آنها یا هر دو همین کتاب مورد بحث باشد.

شرح حال و اسامی تألیفات خلیل و مآخذ دیگر شرح حال او _ تقریبًا به استقصاء _ در این کتاب ها نیز یاد شده است: معجم المطبوعات: ۸۳۵. تاریخ آداب اللّغه العربیّه ۲: ۱۴۰ _ ۱۴۴. الأعلام ۲: ۳۶۳. معجم المؤلّفین ۴: ۱۱۲ _ ۱۱۳. مصادر الدراسه الأدبیّه ۱: ۱۰۰ _ ۱۰۲. همچنین در «الوافی بالوفیات ۱۳: ۳۸۵: ۴۸۸» و کتاب شریف نفیس «قاموس الرّجال ۴: ۲۹ _ ۳۱ ط ۱».

شایان توجّه این که مؤلّفِ «الأعلام» در عداد آثار خلیل، از کتابی به نام «جمله آلات العرب» یاد و به وجود نسخه آن اشاره کرده است.(۱) این کتاب همانست که جرجی زیدان در «تاریخ آداب اللّغه العربیّه: ۱۴۴» نیز یاد کرده و نسخه آن را در کتابخانه ایاصوفیای ترکیه نشان داده و از جمله کتاب هایی دانسته که به خلیل نسبت داده اند.

گمان می کنیم نسخه «جمله آلات العرب» مذکور همان «الجمل، فی النّحو» است که در «فهرس المخطوطات المصوّره» یاد شده، و شاید نسخه قدیمی هم که مؤلّف «ریاض العلماء» از کتاب مورد بحث دیده همان نسخه ترکیّه باشد، و اللّه العالم.

اینک گزیده ای از ترجمه خلیل بن احمد که نویسنده «ریحانه الادب» آورده اند نقل می کنیم و سپس به معرّفی کتاب مورد بحث می پردازیم:

«... عالمی است عامل، صدوق، فاضل، حکیم، ادیب، عاقل، عابد، زاهد، قانع

۱- ۱) در پاورقی صفحه ۳۶۳ «الاعلام» نیز گوید: در یمن کتابی به نام «التّفاحه» در علم نحو موجود و از آنِ خلیل دانسته شده است.

و متواضع، و أقوال حکیمانه بسیاری بدو منسوب و مردم می گفتند که بعد از صحابه کسی متّقی تر از خلیل را سراغ نداریم و نضر بن شمیل گوید که خلیل در بصره باتمام عسرت گذارنده و قدرت دوفلوس نداشته، و شاگردان وی در اثر تعلیمات او ثروت بی نهایت داشته اند...».

«باری، خلیل در نجوم نیز ماهر و از ائمّه و پیشوایان علم ادب، و فضل و کمال و زهد او مشهور و اقوالش حجّت و در کتب نحویّه و أدبیّه منقول و محلّ استشهاد و در علوم ادبیّه افضل مردم، و به تصریح علاّمه و ابن داود و بعضی دیگر از علمای رجال؛ امامی مذهب ــ بلکه موافق آنچه از مستطرفات «سرائر» ابن ادریس نقل شده ــ از اکابر مجتهدین امامیّه بوده است...».

«و نیز نخستین کسی است که تمامی حروف هجای زبان عرب را در یک بیت جمع کرده است:

صفْ خلقَ جودٍ کمثل الشمس إذ بزغتْ یحظی الضّجیع بها نخلاً بقنطار

«و هم چنانچه معروف است، اوّلین کسی بوده که لغت عرب را در کتابی که «کتاب العین» نامیده ضبط و تمامی الفاظ آن لغت و قواعد و أحکام آنها را به ترتیب حروف هجا تدوین نموده، لکن اساس ترتیب را موافق رویّه هندوان که در ترتیب حروف لغت سنسکریت داشته اند مبنی بر مخارج حروف داشته...».

«خلیل از تلامذه ابو عمرو بن علاء و أیّوب و أبو عمرو عیسی بن عمر و بعضی دیگر و استاد سیبویه و أصمعی و نضر بن شمیل، و مبتکر و واضع علم عروض بوده»، انتهی.

اینک کتاب الجمل: این کتاب مشتمل بر ۱۱ باب است، به این شرح:

۱ ــ باب جمل المنصوبات. النّصب. و قُدّم لأنّه أکثر الإعراب طرقًا و وجوهًا فالنّصب ثمانیةٌ و أربعون وجهًا: نصبٌ من مفعول به، و من مصدر، و من قطع، و...

۲ ــ باب جمل الرفع. و هی اثنان و عشرون وجهًا. الفاعل، و ما لم یسمّ فاعله، و...

۳ ــ باب جمل الجرّ. الجرّ تسعه أوجه: بِعَن و أخواتها، و جرّ الزّائده و...

۴ ــ باب جمل الجزم. و هو أحد عشر وجهًا: جزم بالأمر، و بالنّهی بغیر فاء، و...

۵ ــ باب جمل الألفات. و هی اثنان و عشرون ألفًا: ألف وصل، و ألف قطع و...

۶ ــ باب جمل الّلامات. و هی ثلثون لامًا: لام الصّفه، و لام الأمر و...

۷ ــ باب جمل الهاآت. و هی تسع هاآت: هاء سح، و هاء استراحه، و...

۸ ــ باب جمل التّاآت. و هی أربع عشرتاءً: تاء السّح، و تاء التّأنیث، و...

۹ ــ باب جمل الواوات. و هی عشرهٌ: واو سح، و واو استینافٍ، و...

۱۰ ــ باب جمل لام ألفات. و هی اثنا عشر: لا نهی، و لا استثناء، و...

۱۱ ــ باب جمل الماآت. و هی أربع عشره: ما، و تفسیرها تنصرف إلی وجوه کثیره...

مطالب ابواب را یکان یکان شرح داده و مثال هایی به نظم و نثر آورده است.

آغاز: «بسم... قال الخلیل بن أحمد، رحمه اللّه تعالی: هذا کتاب «جمل الإعراب» إذ کان جمیع النّحو فی الرّفع و النّصب و الجرّ و الجزم و جمل الألفات و الّلامات و الهاآت و التّاآت و الواوات و الّلام ألفات و الماآت. بیّنّا کلّ معنی فی بابه، باحتجاجاتٍ من القرآن و الشواهد من الشعر. فمَن عرف هذه الوجوه بعد نظره فی هذا المختصر الّذی صنّفناه فی النّحو استغنی عن کثیر من کتب النّحو، و لا قوّه إلاّ باللّه. باب جمل المنصوبات...».

انجام: «و «ما» یقوم بمعنی «من» مثل قوله تعالی «فما یکذّبک بعدُ بالدّین»، و قس علی ما بیّنت لک، إن شاء اللّه تعالی. و هذا ما وجدناه مکتوبًا. و الحمد للّه علی إتمامه و کماله. و صلّی اللّه علی محمّد المصطفی، صلّی اللّه علیه و آله و سلّم کثیرًا دائمًا دائمًا سرمدًا أبدًا.

تمّت الکتاب بعون الملک الوهّاب. بحسب الفرموده حاجی ام، أخوی، آقا محمّدا، دام ظلّه، علی ید العبد فخرالدّین دزفولی، به تاریخ سیم ماه ذی حجّه الحرام سنه أربع و عشرین و مائه بعد ألف من هجره النّبویّه، صلّی اللّه علیه. سنه ۱۱۲۴».

نسخه: دارای ۵۱ برگ. روی برگ ۱ این مطالب نوشته شده: «هذه رسالهٌ للخلیل بن احمد النحوی الصّرفی، و هذا من العجائب الغرائب و من الاتّفاقات». «من متملّکات الفقیر الحقیر محمّد بن مرحوم شیخ علی». مهر «محمّد رسول اللّه» و «أفوّض أمری اللّه، عبده محمّد». «منتقل شد از کمترین، أصالهً و وکاله برادر خودم میرزا ابوطالب به خدّام آقایی آقا سید حسین؛ مدّ ظله». مهر «صائب بن عبدالرحیم ۱۱۳۶». «للسیّد الجلیل السیّد حسین؛ دام ظله».(۱) ظهر برگ آخر نیز مطالب و اشعاری چند نوشته شده.

کاغذ اصفهانی، جلد تیماج زرد یک لا، خط نسخ ۱۲ سطری، عناوین در متن و هامش به شنگرف، قطع ۱۲ × ۱۸، متن ۷ × ۱۲ و نیم.

نام کاتب و تاریخ کتابت از پایان نسخه نقل شد. در هامش چند موضع حاشیه هایی به خطّ مرحوم عالم فاضل سید محمّد جواد(۲) از جمله برادران گرامی امام مجدّد صاحب روضات که برخی دیگر از خطوط و آثار او را ــ ان شاء اللّه ــ در این فهرست می شناسانیم، دیده می شود.

در پایان یکی از این حواشیْ نام خود را چنین نوشته: «جواد بن زین العابدین الموسویّ

ص : ۲۴۱

---

۱ - ۱) مقصود مرحوم عالم مجتهد جلیل القدر آیه اللّه العظمی آقا سید حسین بن الحاجّ میر ابوالقاسم موسوی، متوفای ۸ ماه رجب ۱۱۹۲ نیای أعلای نگارنده این فهرست، و خود دارای تألیفات بسیار است. از جمله: «حاشیه شرح لمعه» و «شرح زیارت عاشورا» و «رساله در اجماع» و غیرها که ضمن شرح حال آن مرحوم در «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۱۰۱ ــ ۱۰۲» یاد کرده ایم.

۲ - ۲) تولّد آقا سیّد جواد ۱۷ صفر ۱۲۱۹ در خوانسار واقع شده و همانجا درگذشته است، لکن از تاریخ وفاتش اطّلاعی نداریم.

الحسینیّ الهاشمیّ». ذیل همین حاشیه شخص دیگری، گویا مرحوم آیه اللّه العظمی آقا میرزا محمّد هاشم ــ برادر آقا سید جواد ــ حاشیه ای نوشته و نظر علمی او را در آنجا نپذیرفته اند.

«۲۳۰» جُنّه الأمان الواقیه و جَنّه الایمان الباقیه

(دعاء ــ عربی)

از: شیخ تقیّالدین ابراهیم بن علیّ بن حسن کفعمی عاملی، علیه الرحمه.

کتاب: دارای پنجاه فصل است در آداب شرعیه و اوراد و اذکار و اعمال مستحبّه و مباحث مفیده و دارای حواشی بسیار از شخص مؤلّف، سپس ملحقی در ادعیه و احراز دیگر، معروف به «مصباح کفعمی» و به طبع رسیده است.

تاریخ انجام تألیف: روز سه شنبه ۲۷ ذی القعده ۸۹۵: «الذریعه».

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ فراغت از کتابت: سه شنبه ۱۴ ذی القعده ۱۰۷۹.

در برگ آخر، مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملك منشی شیرازی شرحی نگاشته که حاج شیخ یحیی امام جمعه و جماعت شیراز نسخه را به رسم ارمغان به او داده است، به تاریخ شب چهارشنبه هفتم ماه شعبان ۱۳۰۳ و مهر کرده: «رکن الملك».

ظهر نسخه، تاریخ تولّد محمد صادق در روز پنجشنبه ۲۱ ذی القعده ۱۲۵۹ و تواریخ تولّد دیگر و تملّك رکن الملك و تملّك و مهر نیای گرامی آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی ــ أعلی اللّه مقامه ــ به تاریخ ربیع دوم ۱۳۴۱ و خطوطی از آن مرحوم هست.

«۲۳۱» الجُنّه الواقیه و الجَنّه الباقیه

(دعاء ــ عربی)

از: شیخ تقیّ الدین ابراهیم بن علی بن حسن کفعمی (متوفی ۹۰۵. ظ) ــ علیه الرحمه ــ .

ص : ۲۴۲

کتـاب: مختصـری است در ادعیه و اوراد دعاءهـا و حرزهـا و تعویـذها و زیـارت هـا و.... مشـتمل بر چهـل بـاب یا فصل و «ظ» منتخب از «جنّه الأمان الواقیه و جنّه الایمان الباقیه. ش ۲۳۰» معروف به «مصباح کفعمی» که هر دو به طبع رسیده است.

نسـخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به خطّ نسخ زیبا و مصـحّح است و تمام صفحات دارای جدول کشی و ظاهرًا در قرن یازدهم نوشته شده است.

دعاءِ کمیل و دعاءِ مشلول و طریقه نماز میّت، ضمائم نسخه است.

«۲۳۲» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ ندارد و گویا از سده دوازهم است.

«۲۳۳» جنّه السّاعی

(معارف دینی ــ عربی)

دانشـمند فاضل محمـد نصـیر، این کتاب را از روی اخبار و احادیث مـذهبی در علم اخلاق نوشـته، چون دارای مَذاق اخباریان بـوده، در مقـدّمه از توسـعه دامنه اصـول فقه خورده گرفته، هم از مسـلک صوفیگری و لاأُبـالیگری هـای زمـان خود، به شـدّت نکوهش کرده است. گزارش زندگانی این نویسنده در دست نیست، جز آنکه در «ذریعه ۵. ۱۵۸» نسخه ای از «جنّه السّاعی» را در کتابخانه دانشمند بزرگوار آقای سیّد عبداللّه برهان المحقّقین سبزواری نشان داده و مدفن محمّد نصیر را در بارفروش (بابل کنونی) مازندران تعیین فرموده است.(۱) نویسنده، در آغاز این کتاب از سه تألیف دیگر خود:

ص : ۲۴۳

---

۱ – ۱) در «کواکب منتشره: ۷۷۹» چنـد سـطری درباره محمّـد نصـیر به اسـتناد مصـنّفاتش نوشـته و گویند که او در کتاب «نور الیقین» نسخه کتابخانه مدرسه آیه اللّه بروجردی در نجف اشرف، خود را «المیر محمّد نصیر بن المیر محمّد معصوم المشهدی» شناسانده است. در «ذریعه ۲۴ ش ۲۰۸۳» ذیل عنوان «نورالیقین» سـخنانی فرسـنگها به دور از شأن و معرفت و عقیده و طریقت مؤلّف بزرگوار «علیه الرحمه» و همچنین مخـالف بـا موضوع کتاب، هماننـد بسـیار جاهای دیگر، افزوده شـده است که موجب تحیّر و تـأسّف می باشـد، اللّهمّ اجعـل عواقب اُمورنا خیرًا. برای آگاهی بیشتر به کتاب «تراجم الرجال. ش ۲۶۷۹» و مجلّه «آینه پژوهش. ش ۵۲. ص ۵۳ ــ ۵۸» رجوع فرمایند.

«نور الیقین فی أصول الدّین» و «مرآه المصلّین» در مسائل نماز و «حدیقه الدّاعی» در ادعیه یاد کرده است.

دیباچه «جنّه السّاعی» به بَراعت استهلال مشتمل بر نام بسیاری از کتب متقدّمان و متأخّران در اخبار و ادعیه و فضائل است و در آنجا از «بحار الأنوار» و «مرآه العقول» یاد کرده که می رساند مؤلّف پس از علاّمه مجلسی می زیسته است.

آغاز: «بسم... الحمد للّه الّذی أضاء قلوب أهل الجنّه بنور الیقین و الاستبصار و أجری عیون أخبار رضاه بفضله فی حدیقه جامع المحدّثین الأخیار، و منحهم کنز العرفان، و جعل مسکّن فؤادهم دُرر معانی الأخبار، و ألبسهم دُروع التّوکّل و جنّه نصره الحقّ، و أعدّ لهم عده الانتصار، و بیّن لهم محاسن الخصال بمجالس ذکر صفات الشّیعه و مصفّی قصص لألیء البحار...

اما بعد، فیقول محمّد نصیر: قد ظهر قول سیّد الأنام محمّد: و الأرض ملئت ظلمًا و جورًا لمن کان عقیلا، لأنّ تفسیر القرآن وکّل إلی العمریّین، والحدیث قیّد و خصّص برأی الأصولیّین، کأنّهم لایرونه برأسه کفیلا، و قدّم علی الأصول علم الفضول، و أشرک المنطق باللّه الخالق... و یدرّسون کتب المخالفین و یترکون حدیث الصّادقین و لا یحصّلون براهین أصول الدّین تحصیلاً یقولون بزیاده الوجود علی الذّات و لزومه له و کذا فی الصّفات و یطوّلون أدلّه الحقّ تطویلا... و یتغنّون بالأذکار کالصّوفیّه شرّ الأحزاب و یسمّونهم المسلمین مع دعوی الوصول و کشف الحجاب، بل یستدعون منهم لو کانوا علیلا؛ یثنون الصَّلوه فی یوم الجمعه، و یستنکفون عن حضور الجماعه...

و حلقوا اللّحی و فتلوا الشوارب، وردّوا تفسیر الشّیخ بهاءالدین للشّارب.. و ما لم یذکر من الأوضاع المبتدعه اکثر ممّا ذکرناه. و تذکّرت «فلیظهر العالم علمه فمن لم یفعل فعلیه لعنه اللّه» فأردت أن أفصّل الحقّ لطالبیه تفصیلا، فوفّقت لإتمام «نور الیقین فی أصول الدّین» و الشّروع فی تحقیق الفروع فی «مرآه المصلّین» و جعل اللّه فی «حدیقه الدّاعی» للدّاعین سلسبیلا، فبقی علم الأخلاق فشرعت فی هذا الکتاب و سمّیته «جنّه السّاعی»... تزیین الکتاب بذکر بعض أولی الألباب».

فهرس کتاب: «تزیین الکتاب بذکر بعض أولی الألباب» (مشتمل است بر ۷۵ درّ):

درّ ۱ حدیثی در فضیلت عبدالمطّلب. درّ ۲ تا ۱۰ حدیث هایی در احوال ابوطالب علیه السلام و إثبات ایمان آن جناب. درّ ۱۱ تا ۱۴ در فضل حمزه و جعفر فرزندان عبدالمطّلب علیهم السلام . درّ ۱۵ در فضل جعفر طیّار و سلمان فارسی. درّ ۱۶ تا ۲۶ فضائل سلمان و ابوذر و مقداد و عمّار. درّ ۲۷ تا ۵۷ عدیّ بن حاتم و ابو رافع و بلال و ابان بن تغلب و مالک اشتر و محمّد بن ابی بکر و رشید هجری و صعصعه و طرمّاح بن عدّی و جابر بن یزید جعفی و ابو حمزه و یونس بن عبدالرحمن و برید و ابوبصیر و محمد بن مسلم و زراره و ابان ابن تغلب و حمران و سایر اصحاب بزرگوار و نیکو سیرت ائمّه اطهار علیهم السلام و آخرین آنها در درّ ۷۵ محمّد بن عثمان بن سعید العمری است. «نظم لألیءَ منثوره من الأخبار فی فضل المؤمن و صفاته علی الإختصار» درین قسمت حدیث سماعه بن مهران را درباره عقل و جهل و لشکر آنها از حضرت صادق علیه السلام آورده و یکایک جُنود عقل و جهل را عنوان و شرح داده و برای هر یک از عنوان ها نامی نهاده است:

«۱ــ مَهوی من أفئدتهم هواء فی ذکر الخوف و الرّجاء. ۲ــ دوافع الجور فی العدل و الجور. ۳ــ دُرر دار البقاء فی الرضاء بالقضاء. ۴ــ مُزیل الکفر فی باب الشکر. ۵ــ تحف

ذوی التّعقّل فی الحرص و التوکّل. ۶ـ منجیات النّصب فی الرحمه و الغضب. ۷ـ اماته الخفّه فی فضل العفّه. ۸ـ معتق الرّقبه فی الزّهد و الرّغبه. ۹ـ مدمّر من یحشرو هم رزق فی مدح الرّفق. ۱۰ـ واضع الذّلّ و الإصر فی التواضع و الکبر. ۱۱ـ جنّه أهل العلم فی السّفه و الحلم. ۱۲ـ تحف أولی النّظر فی بعض أنحاء الهذر. ۱۳ـ لقلب اللّئیم فقر فی الغنی و الفقر. ۱۴ـ الجواهر المنیعه فی التعطّف و القطیعه. ۱۵ـ قواصم الهلوع فی فضل القنوع. ۱۶ـ تحفه ذوی القدر فی الوفاء و الغدر. ۱۷ـ معادن المنفعه فی الطّاعه و المعصیه. ۱۸ـ ملقی الملحد فی الجبّ فی البغض و الحبّ. ۱۹ـ مفضح شبه الذّئب فی الصّدق و الکذب. ۲۰ـ هدایا أهل الدّیانه فی فضل الأمانه. ۲۱ـ أسباب الخلاص فی فضل الإخلاص. ۲۲ـ لألیءُ مصفّاه فی فضل المداراه. ۲۳ـ موائد الأمان فی باب الکتمان. ۲۴ـ للمؤمنین نعیمه فی ذمّ النّمیمه. ۲۵ـ موانع الفسوق فی البرّ و العقوق. ۲۶ ـ أنباء نقیّه فی باب التّقیّه. ۲۷ـ دوافع السّخافه فی القذر و النّظافه. ۲۸ـ عطاء و حباء فی باب الحیاء. ۲۹ـ قاتل الشّیطان فی القصد و العنوان. ۳۰ـ منار الهدی فی ذمّ الهوی. ۳۱ـ علی الشّیطان حربه فی فضل التّوبه. ۳۲ـ عطایا الغفّار فی الإصرار و الإغترار. ۳۳ـ دروع الحافظه فی باب المحافظه. ۳۴ـ تراث سادات أولی الألباب فی نوادر مقصود الکتاب.»

انجام: «دُرّ: و عن السّکونی، عن أبی عبداللّه علیه السلام ، قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من أطاع امرءته أکبّه الله علی وجهه فی النّار. قیل: و ما تلک الطّاعه؟ قال: تطلب إلیه الذّهاب إلی الحمّامات والعرسات و العیدان و النّیاحات و الثّیاب الرّقاق؛ فیجیبها».

نسخه: دارای ۲۴۴ برگ و ۱ برگ عطف در اوّل و ۳ برگ عطف در آخر. کاغذ: اصفهانی، خطّ نسخ، عناوین به سرخی، جلد تیماج فرسوده یک لا. قطع ۱۱ × ۱۷ و نیم. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و با اینکه مقابله و تصحیح شده باز بی غلط نیست.

ص : ۲۴۶

«۲۳۴» جنّه الفردوس

(حدیث ــ فارسی)

از: سیّد علیّ الحسینیّ العُریضیّ الإمامی، علیه الرحمه.

کتاب: شرح «کتاب من لا یحضره الفقیه» مرحوم شیخ صدوق است به فارسی.

مؤلّف در مقدّمه، پس از ذکر نام «سلطان سلیمان پادشاه الحسینیّ الموسویّ الصفویّ بهادرخان» گوید:

«بنابراین، داعی دوام دولت قاهره ــ که أبًا عن جدٍّ مشمول عواطف سلطانی است ــ به شرح و ترجمه هشت کتاب حدیث به این ترتیب پرداخته به «هشت بهشت» موسوم ساخت... جنّه الفردوس، شرح من لا یحضره الفقیه. جنّه الخُلد، شرح کافی. جنّه النّعیم، شرح تهذیب. جنّه المأوی، شرح استبصار. جنّه المقام، شرح کمال الدین و تمام النعمه. جنّه الصّدق، شرح أمالی. جنّه عدن، شرح علل الشّرائع. جنّه السّلام، شرح عیون أخبار الرضا علیه السلام . و اکتفاء به اصل احادیث شده، از قول مؤلّفان قلیلی ذکر می شود و تفصیل کلام در هر مقام از سایر تصنیفات بنده درگاه سید علی الحسینی العریضی الإمامی ظاهر می گردد، از آن جمله کتاب «مجمع البحرین» در چهل و پنج مجلّد. و این ترجمه «جنّه الفردوس» است، تاریخ کتاب: خاتم جم.(۱) کتاب طهارت و در لغت به معنی پاکیزگی».

انجام: «پس علیّ و فاطمه و حسن و حسین اهل بیت من و متاع من اند. از ایشان پیش مرو، ایشان را پاک... ساختی».

نسخه: به خطّ نستعلیق و شکسته. تمام یا بعضی به خطّ شخص مؤلّف یا تصحیح خود او است. در ذیل صفحه آخر نوشته اند:

«هو. میر سیّد علی امامی... بتاریخ شهر رجب المرجّب سنه ۱۰۸۶». مُهر: «أفوّض

ص : ۲۴۷

۱- ۱) خاتم جم، سال ۱۰۸۴ را می رساند، یعنی سال تألیف کتاب.

امری الی اللّه. نجف قلی».

«۲۳۵» جوامع الجامع

(تفسیر ــ عربی)

از: امین الاسلام ابوالفضل علیّ بن حسن بن فضل طَبَرسی ــ أعلی اللّه مقامه ــ .

کتاب: سومین تفسیر جناب طَبَرسی است که روز شنبه ۱۸ صفر ۵۴۲ به تألیف آن شروع فرموده و در ۲۴ محرّم سال بعد از آن فراغت یافته، و به طبع رسیده است.

نسخه: ربع اوّل کتاب است، کاتب: محمّد خلیفه بن دجله بن عبدالنبیّ بن زیّار، جزایری مولد سمنانی مسکن. در نهم شوال ۱۰۲۳ به نوشتن آن آغاز کرده و روز پنجشنبه دهم جُمادای یکم ۱۰۲۵ فراغت یافته است.

در آغاز نسخه، محمّد بن مظفّر بن ابرهیم، معروف به تقیّالدین صوفی زیابادی قزوینی نزیل سمنان، استاد کاتب نسخه، اجازه روایتی برای وی نگاشته و تنها شیخ روایتی که در این اجازه برای خود ذکر کرده شیخ نظام الدین ابوالفتح عامر بن فیّاض جزایری مشهدی راوی از مولانا عبداللّه شهید شوشتری و آخوند مولانا احمد اردبیلی است، رحمه اللّه تعالی علیهم اجمعین.

تاریخ اجازه: روز پنجشنبه دهم جمادی الاولی ۱۰۲۵ در جامع شهر سمنان. مُجیز در این اجازه گواهی داده است که کاتب... فاضل نِحریر... شیخ محمّد خلیفه جزایری نسخه را نزد وی محقّقانه خوانده است.(۱) شخص کاتب نیز در همه اوراق بلاغ مقابله را قید و جابجا تاریخ دقیق آن را ذکر کرده است.

از آغاز تا انجام نسخه، حواشی مفیدی به خطّ کاتب، منقول از «کشّاف» و «مجمع البیان» و «معالم التنزیل» و «تفسیر ابوالفتوح» و کتب دیگر به عربی و فارسی نوشته شده

۱- ۱) مجیز و مجاز، هر دو در «روضه نضره: ۱۰۰ و ۲۰۳» عنوان دارند.

است. مهر کاتب «اقل الخلیقه محمّد خلیفه» ظهر نسخه هست.

«۲۳۶» نسخه دیگر

نسخه: ربع آخر کتاب است از آغاز تفسیر سوره مبارکه مجادله تا آخر قرآن کریم. تا آغاز سوره تغابن نونویس است و از اوائل این سوره تا آخر به خطّ محمّد خلیفه جزائری سمنانی سابق الذکر. تاریخ ختم کتابت در هامش انجام آن: شب جمعه ۲۷ ذی قعده ۱۰۲۷، و تاریخ ختم قرائت و تصحیح آن نزد تقیّ الدین صوفی استاد کاتب، روز چهارشنبه (بیاض) ذی الحجه ۱۰۲۸.

مختصّات این نسخه نیز مانند ربع اوّل است و مع الاسف بیش از نصف دوره این نسخه بی نظیر مفقودالاثر می باشد. نسخه از کتابخانه اجدادی است.

«۲۳۷» نسخه دیگر

نسخه: نیمه دوّم کتاب است و آغاز آن افتاده و از تفسیر آیه شریفه «وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلَو الشَّیاطینُ» شروع می شود.

کاتب شخصی است به نام محمود که پدرش را ظُلمًا مقتول کرده اند، و در سال ۱۰۵۴ در شهر ایروان از نوشتن فراغت یافته است.

«۲۳۸» جواهر التّفسیر لتحفه الأمیر

(تفسیر ـ فارسی)

از: حسین بن علی، واعظ کاشفی سبزواری، صوفی سنّی.

کتاب: تفسیر عرفانی و مبسوطی است بر قرآن کریم تا آیه شریفه ۸۴ سوره مبارکه

نساء و بیش از این مقدار تألیف نشده و دارای مقدّمه مفصّل و مفیدی است در فوائد متعلّقه به قرآن کریم. مطالب و اشعار صوفیانه در این تفسیر بسیار دیده می شود(۱).

نسخه: از اوّل تفسیر است تا پایان سوره مبارکه حمد. چند برگ از آغاز نسخه مفقود شده. نام کاتب معلوم نیست. فراغت از کتابت: روز یکشنبه ۱۸ ربیع الاوّل ۱۰۷۷، و چون رقم سال کتابت را محو کرده اند آنچه پس از دقّت معلوم شد همین سال ۱۰۷۷ بود، لکن احتمال خطا در تشخیص رقم عشرات بعید نیست.

تملّک نجف علی بن محمّد صالح بروجردی «ظ» در پایان نسخه هست.

«۲۳۹» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز تفسیر سوره مبارکه بقره است تا آیه ۲۸۰ و بقیّه تفسیر این سوره که شش آیت است از نسخه مفقود شده، دو برگ آغاز آن نیز نو نویس است و از قرائن، نسخه متعلّق به سده دهم و یازدهم است.

«۲۴۰» جواهر العُقول فی شرح فرائد الاصول

(اصول فقه ـ عربی)

از: سیّد ابوالقاسم بن معصوم حسینی اشکوری نجفی، رحمه اللّه علیه.

کتاب: در شرح «فرائد الأصول» مرحوم شیخ الطائفه مرتضی الأنصاری است، در چند

---

۱ – ۱) کاشفی خود در مقدّمه «مواهب علیّه» یا «تفسیر حسینی» سبب تألیف را گوید: «... که قبل از ین به اشارت... امیر علیشیر (نوائی)... عنان توجّه به تألیف کتاب «جواهر التّفسیر، لتحفه الأمیر» که محتوی بر چهار مجلّد است انعطاف پذیرفت، و اتمام مجلّد اوّل... دست داده... امّا به واسطه وفور علایق ...... تحریر بواقی مجلّدات در حیّز تعویق... می افتاد، تا غرّه محرّم المکرّم (۸۹۷)... به خاطر فاطر... رسید که... ترجمه مبرّا از تکلف...».

جزء و به طبع رسیده.

نسخه: شامل جزء اوّل است در مسأله حجّیّت قطع و قدری از ظنّ و جزءِ اوّل از مجلّد دوّم در اصل براءت. تاریخ استنساخ جزءِ اخیر: ۱۳۰۹. نام کاتب ندارد و ظاهرًا به خطّ شخص شارح است.

تملّک مرحوم آقا شیخ محمّدرضا ابوالمجد، ظهر هر دو جزء نسخه هست.

جواهر الفرائض: الفرائض النصیریّه

«۲۴۱» جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام

(فقه ــ عربی)

از: آیه اللّه العظمی شیخ محمّد حسن بن شیخ باقر نجفی، أعلی اللّه مقامهما.

نسخه: از اوّل کتاب تا مسائل حیض، و ناقص الاخر است. به تصحیح مرحوم شیخ موسی خمایسی و ظاهرًا شخص مؤلّف می باشد.

«۲۴۲» نسخه دیگر

نسخه: از «رکن ثانی» در طهارت ترابیّه، تا آخر طهارت است که کاتبِ آن، محمدجعفر بن محمدکاظم طباطبائی در ۱ع۷ (۱۲۶۶) از آن فارغ شده، و از آغاز جلد دوّمِ «کتاب الصلوه» تا مسأله هفتم «اذا دخل وقت نافله الزوال مثلًا فلم یصلّ و سافر استحبّ له قضاءُها و لو فی السّفر» به خطّ محمّد جعفر بن محمّد کاظم طباطبائی که در روز پنجشنبه هفتم محرّم ۱۲۶۹ از استنساخ آن فراغت یافته است.

«۲۴۳» نسخه دیگر

نسخه: مشتمل بر تمام کتاب حجّ است که تاریخ ختم تألیف آن روز یکشنبه ۲۶ ماه رمضان ۱۲۵۶ و تاریخ ختم استنساخ روز جمعه سوّم ربیع یکم ۱۲۶۳ و کاتب محمّد علی بن شیخ حمید نجل حاجی مطرعفکاوی اصلاً باهلی نسبًا ساکن نجف اشرف است.

نیز مشتمل بر کتاب جهاد و کتاب امر به معروف و نهی از منکر است که تاریخ ختم تألیف اخیر، روز شنبه ۲۶ جمادای دوّم ۱۲۵۷ و تاریخ ختم استنساخ روز چهارشنبه صفر ۱۲۶۲ و کاتب محمدعلی یاد شده است، و این آخرین جلد کتاب «جواهر الکلام» است، و در چند موضع از حواشی این نسخه نوشته اند که تمامًا با نسخه اصل مصنّف «سلّمه اللّه» مقابله و تصحیح شده است.

«۲۴۴» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز تا انجام نکاح در دو جزء.

کاتب: علی بن شیخ جعفر قفطانی. تاریخ کتابت جزءِ اوّل: روز جمعه ۷ ذی الحجه ۱۲۵۳. در هامش این موضع و هم در هامش آخر جزء ثانی قید کرده اند که این نسخه با نسخه صحیحه ای که با نسخه مصنّف «سلّمه اللّه...» مقابله شده، مقابله و تصحیح شده است. تاریخ تألیف جزء ثانی که پایان نکاح است، نزدیک عصر روز ۴ شنبه، ۱۴ ربیع دوّم ۱۲۴۷ بوده و در این موضع، مؤلّف اشاره به طاعون عظیم بلاد عراق نموده اند. تاریخ استنساخ جزء دوّم: عصر روز جمعه «ثالث ثالث ثالثه السّتین بعد الالف و المائتین».

«۲۴۵» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب طلاق است تا آخر نذر و عهد که مجموعًا یازده کتاب می باشد.

آغاز: «القسم الثالث من الأقسام الّتی بُنی علیها هذا الکتاب فی الایقاعات».

در آخر کتاب لعان این شرح به خطّ کاتب نوشته شده: «قد فرغت من نقل الجزء الاول من ایقاعات جواهر الکلام لاستاذ الکل فی الکل الشیخ محمد حسن أدام اللّه ظلّه العالی و... و انا الاقلّ الجانی علیّ القفطانیّ... حرّر یوم النصف من رجب سنه ۱۲۶۳ ...».

در آخر کتاب تدبیر و غیره: «تمّ یوم الجمعه ثالث عشر من شوّال سنه ۱۲۳۳ . و ظاهرًا این تاریخ تألیف است یا کاتب اشتباه نوشته است.

در آخر کتاب نذر و عهد که پایان نسخه است: «و قد وقع الفراغ من تسویده یوم الاثنین ۱۶ من شهر شوال سنه (۱۲۶۳)». و در هامش همین موضع: «بلغ مقابله بقدر الجهد و الطاقه علی ید الجانی فلاح».

«۲۴۶» نسخه دیگر

نسخه: از «القسم الثانی من الأقسام الأربعه الّتی بُنی علیها الکتاب فی العقود، جمع عقد» از مباحث کتاب متاجر، تا پایان کتاب الحجر است و خاتمه آن چنین می باشد:

«تمّ المجلّد الثالث من العقود بعون اللّه الرءوف الودود، و یتلوه المجلّد الرابع فی الضّمان».

کاتب: محمد جعفر بن محمد کاظم طباطبائی. تاریخ استنساخ: ۶ ماه رجب ۱۲۶۸.

در برخی از مواضع آثار مقابله و تصحیح دارد. ظهر نسخه تعداد اوراق آن ۳۱۶ برگ تعیین شده است.

ص : ۲۵۳

«۲۴۷» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب ضمان تا آخر وصایا که مجموع شانزده کتاب است.

کاتب: علی بن مرحوم شیخ جعفر قفطان. پایان استنساخ: روز سه شنبه ۱۶ ماه رمضان ۱۲۶۲، ظاهرًا در نجف اشرف.

نسخه بسیار معتبر و مصحّح است که با اصل خطّ مؤلّف معظّم در زمان حیات، مقابله شده است.

«۲۴۸» جواهر المسائل

(فقه _ فارسی)

از: محمّد مهدی بن محمّدباقر محلّاتی.

کتاب: اختصار «تحفه الأبرارِ» حجّه الاسلام حاج سیّد محمدباقر بن محمدنقی موسوی شفتی اصفهانی بیدآبادی است، در احکام نماز.

نسخه: نام کاتب ندارد. در پایان نسخه، تاریخ ۱۲۴۸ و در هامش، مقابله با نسخه اصل قید شده است. ظهر برگ آخر، مُهر شخص مرحوم سیّد حجه الاسلام و ذیل آن عبارت: «حقیر این کتاب را صحیح می دانم» و سپس مهر «عبده مهدی بن محمّدباقر» دیده می شود، اللّهمّ اغفر لهم.

«۲۴۹» الجواهر المنثوره فی الادعیه المأثوره

(دعاء _ فارسی)

از: سیّد عبدالحسیب علوی فاطمی حسینی اصفهانی فرزند میر سیّد احمد علوی عاملی، یاد شده در ذیل «علاقه التجرید» و «لوامع ربّانی».

کتاب: مجموعه ای است از دُعاها و حرزهای مجرّب.

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. ظاهرًا حدود زمان تألیف استنساخ شده است. تملّك و مهر «عبده محمد حسین الحسینی...» و «عبده ابوالقاسم الحسینی ۱۲۰۲» در نسخه هست.

«۲۵۰» حاشیه ارشاد الأذهان الی أحکام الایمان

(فقه ـ عربی)

از: محقّق کرکی شیخ علی بن حسین بن عبدالعالی، علیهم الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است بر «ارشاد الأذهانِ» علاّمه حلّی در فقه امامیّه.

نسخه: همانند اغلب نسخه های کتاب از آغاز تا کتاب البیع است. نام کاتب ندارد و تاریخ پایان استنساخ ۹۸۱ می باشد. نیمی از برگ آخر بریده شده و به جای آن نیم برگی که دارای چندین تاریخ تولّد از اشخاص گمنام است الصاق کرده اند. در آغاز و انجام نسخه، یادداشت های گوناگون نوشته شده، مُهر «الواثق بالله الغنی، محمّدباقر بن محمّد مهدی الحسنی الحسینی ۱۱۹۰ ظ» در چند جای نسخه هست که مقصود سیّد محمدباقر بن محمدمهدی بن محمدحسین بن محمدصالح خاتونابادی است، علیهم الرحمه.

«۲۵۱» حاشیه اصول الکافی

(حدیث ـ عربی)

از: سیّد بدرالدین حسینی عاملی.

کتاب: مجموعه حواشی سیّد بدرالدین است بر «اصول کافی» شیخ کلینی که محمّدتقی موسوی در سال ۱۰۹۴، آنها را از هامش اصول کافی که سیّد بدرالدین به خطّ خود حواشی آن را نوشته بوده جمع آوری و مدوّن کرده و یک مقدّمه موجز و خاتمه ای در معرّفی کتاب بر آن افزوده و در خاتمه از خدا توفیق جمع آوری حواشی

محشّی را بر فروع کافی خواسته است، رحمه اللّه علیهم.

نسخه: به خطّ محمدتقی موسوی گردآورنده حواشی است و ظهر نسخه نیز وقفنامه ای نوشته بوده که بعدًا آن را محو کرده اند.(۱)

«۲۵۲» حاشیه الألفیّه

(فقه ــ عربی)

از: جعفر بن محمد.(۲) همین قدر در آخر کتاب خود را معرّفی کرده است.

کتاب: حاشیه ای است بر رساله ألفیّه شهید اوّل در فقه صلوه. ختم تألیف: دهم ذی قعده ۹۲۵.

نسخه: کامل است و نام کاتب را محو کرده اند. ختم کتابت: ۲۰ ماه رمضان ۹۲۷. ظهر نسخه صورت نسب سلاطین صفویه را به نحوی که در کتب متداول دیده می شود نوشته اند، جز اینکه گوشه برگ اوّل پاره شده و پنج شش نام از آغاز آن نامعلوم است. خصوصیّات دیگری در نسخه نیست.

«۲۵۳» حاشیه أنوار التنزیل و أسرار التأویل

(تفسیر ــ عربی)

از: عصام الدین ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفراینی حنفی.

کتاب: حاشیه محقّقانه ای است بر تفسیر بیضاوی در دو جزء: اوّل تا آخر سوره مبارکه اعراف. دوّم، از سوره نبأ تا آخر قرآن کریم. و در مقدّمه، آن را به سلطان سلیمان خان اهدا کرده است «کشف الظنون».

۱- ۱) این کتاب شریف به سال ۱۴۲۵ ق، از روی همین نسخه در قم چاپ شد.

۲- ۲) این جعفر بن محمّد، در اجازات الذریعه و در احیاء الداثر و در تکمله أمل الأمل، تنها به استناد اجازه ای که در بحارالانوار نقل شده است، عنوان دارد و در احیاءالداثر فرماید که یک نسخه قواعد علاّمه به خطّ او در کتابخانه آستان قدس موجود است به استناد فهرست آنجا.

نسـخه: از اوّل است تا آخر سوره مبارکه مائـده. برگ اوّل و آخر مفقود است و ظاهرًا در سـده دهم اسـتنساخ شده. حواشـی به امضای «صدرالـدین» و «عبـدالله» دارد. مهر نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الـدین روضاتی «الراجی جلال الـدین بن محمد مسیح الموسوی» روی برگ اوّل نسخه هست.

«۲۵۴» حاشیه أنوار التّنزیل و أسرار التّأویل

(تفسیر ــ عربی)

از: شیخ بهاءالدین محمّد بن حسین بن عبدالصمد عاملی، معروف به شیخ بهائی (متوفی ۱۰۳۰) أعلی اللّه مقامه.

کتاب: حاشـیه ای است بر تفسیر قاضی ناصرالدین عبداللّه بیضاوی (متوفّی ۶۸۵)، و با مختصر تفاوتی در هامش تفسیر مذکور، به سال ۱۲۸۳ ق، در طهران چاپ شده است.

آغاز: «الحمد للّه الّذی جعل نسخه عالم الإمکان».

انجام موجود: «و انّ الوجه الخامس أحسن من الرابع و أقلّ تکلّفًا منه و أمّا تزییف».

نسـخه: ناتمام است و نام کاتب و تاریـخ کتابت نـدارد. گویا در سـده سـیزدهم نوشـته شده. مُهر «محمّد بن ابوالحسن الرضوی ۱۲۴۱» و تملّک محمّد طاهر بن احمد الجیلانی ۱۲۴۵، در آغاز نسخه هست.

«۲۵۵» حاشیه أنوار التّنزیل و أسرار التّأویل

(تفسیر ــ عربی)

از: شـیخ محیی الـدین محمّـد بـن مصـلح الـدین مصـطفی القـوجی، معروف بـه شـیخ زاده، (متـوفی ۹۵۰)، کمـا فی «معجم المطبوعات».

کتاب: حاشیه مبسوط مفصّلی است بر تفسیر بیضاوی، در شش مجلّد و بارها چاپ شده است.

ص : ۲۵۷

نسخه: مجلّد سوّم کتاب است، شامل سوره مبارکه نساء تا پایان سوره مبارکه یوسف.

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن پیدا است که در حدود زمان تألیف نوشته شده است. نام مؤلّف و تاریخ تألیف نیز در نسخه نیست.

در بالای برگ اوّل نوشته اند: «حاشیه شیخی زاده بر تفسیر بیضاوی». قطع بزرگ، مذهّب، جلد تیماج ترنج دار.

«۲۵۶» حاشیه تهذیب المنطق

(منطق ــ عربی)

از: مولانا عبداللّه بن شهاب الدین حسین یزدی شهابادی (متوفّی ۹۸۱) علیه الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر «تهذیب المنطقِ» سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی (متوفی ۷۹۲)، و این حاشیه از کتب متداول درسی و معروف است به «حاشیه ملاّ عبداللّه» و در «معجم المطبوعات» نام آن را «تحفه شاهجهانی» ضبط کرده است.

نسخه: به مقدار ۲۴ برگ از اوّل ناقص است. کاتب: هدایت اللّه ابن محمد شریف گیلانی. تاریخ ختم استنساخ: ۲۳ ربیع یکم ۱۰۸۰.

حاشیه جدیده جلالیه: حاشیه شرح تجریدالکلام

«۲۵۷» حاشیه تهذیب الاحکام

(فقه الحدیث ــ عربی)

از: شیخ محمّد بن حسن بن زین الدین عاملی رحمه اللّه علیهم اجمعین.

آن بزرگوار در دهم ماه شعبان المعظّم ۹۸۰ متولّد و در شب دوشنبه دهم ذی القعده الحرام ۱۰۳۰، در مکّه مکرّمه وفات یافت، و إلیه یتّصل نسب بعض أجدادنا من آل صدرالدین العاملیّ علیهم الرحمه.

ص : ۲۵۸

کتاب: حاشیه ای است بر «تهذیب الأحکام» شیخ طوسی علیه الرحمه در شرح مشکلات و توضیح مجملات آن.

نسخه: شامل کتاب طهارت و صلوه است. در آخر طهارت، کاتب نام خود را محمّدرضا فیروزآبادی و تاریخ فراغت از کتابت را روز یکشنبه ۱۸ شوال ۱۰۲۲، در کربلای معلّی یاد کرده و گوید از روی نسخه خطّ مصنّف نوشته است. در آخر کتاب صلوه، کاتب خود را محمّد مؤمن تبریزی معرّفی نموده، گوید آن را به سال ۱۰۲۷ در کربلا استنساخ کرده است.

مؤلّف شخصًا از آغاز تا اواخر نسخه را مقابله و تصحیح فرموده و اضافاتی در برخی جاها نوشته است.

تملّک جعفر بن کمال بحرانی و فرج اللّه (شاید حویزی) و محمد زکیّ بن حاجی وشتاسب، و همچنین مهر مرحوم حاج سیّد محمدباقر حجّه الاسلام شفتی بیدآبادی در ظهر نسخه دیده می شود.

«۲۵۸» حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: جلال الدین استرآبادی صدری معروف به ملاّ جلال استرآبادی ــ علیه الرحمه ــ از علماءِ شیعه در اواسط قرن دهم و اوائل زمان شاه طهماسب: «ذریعه ۶: ۶۸» و «احیاءالداثر: ۴۰».

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر «حاشیه قدیمه دوانیّه» که حاشیه اوّلی ملاّ جلال الدین محمّد دوانی صدیقی (متوفی ۹۰۷) است بر «شــرح جدید تجرید» کـه شـرح مزجی ملاّـ علی قوشجی (متوفی ۸۷۹) است بر «تجرید الکلام» حضرت خواجه نصیرالدین محمّد طوسی قدس سره ، و عجالهً و معلوم نیست محشّی تا به کجا شرح کرده است.

ص : ۲۵۹

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و ظاهرًا در اوائل قرن ۱۲ نوشته شده.

آغاز: «بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. قوله: أمّا بعد حمد واجب الوجود على نعمائه. أمّا، هنا للاستيناف أى هو واقع فى ابتداءِ الكلام من غير أن يكون ههنا مجمل».

انجام: «قوله: فإنّ الجوهر القابل للأبعاد لا ـ يكون الّا كذلك. ليس المراد أنّه لا يكون إلّا متقاطع الأبعاد... و فى عباره الشرح متعلّقًا بالأبعاد كما ينطق به قوله: و تقييد الابعاد بكونها على الوجه المذكور، آ ه. و يفسّر بوجه آخر كما ذكرنا ايضًا، فاندفع التدافع. بخطّه».

بقيّه صفحه سفيد و نانوشته است.

از اوّل تا آخر نسخه حواشى بسيار مختوم به كلمه «بخطّه» است و لابدّ مقصود اين است كه اين حواشى را خود مؤلّف كتاب به خطّ خود نوشته بوده و كاتب از خطّ شخص مؤلّف نقل كرده است. نيز اندكى حواشى مختوم به رمز «م ص ح عفى عنه» به خطّ محشّى نوشته شده و او مرحوم آقا مير محمّدصالح خاتونابادى است كه تملّك و مهر ايشان «محمد صالح الحسينى» و نيز واگذارى نسخه را به فرزندش «زين العابدين» روى برگ اوّل ديده مى شود. ايضًا تملّك و مُهر ابوالقاسم بن محمّد اسمعيل حسينى خاتونابادى.

«۲۵۹» حاشيه حاشيه شرح تجريد الكلام

(كلام ــ عربى)

از: حبيب اللّه بن عبداللّه دهلوى، مشهور به ملاّ ـ ميرزا جان باغنوى شيرازى شافعى (متوفّى ۹۹۴) معاصر مولانا احمد محقّق مقدّس اردبيلى (متوفّى ۹۹۳). شرح حالش در «دانشنامه جهان اسلام، ج ۴» و مقاله «حاشيه شرح حكمه العين» چاپ شده در «ميراث شهاب ۴۳، ۴۴: ۴۸ ــ ۶۶ (۱۳۸۵) ». رجوع به «حاشيه شرح تجريد الكلام.

ص : ۲۶۰

ش ۲۸۴» شود.

کتاب: حاشیه ای است بر «حاشیه قدیمه ملّا جلال دوانی بر شرح تجرید قوشجی. ش ۲۸۵». رجوع به «ذریعه ۶: ش ۳۴۸» و «فهرست مرکزی تهران ۳: ۲۲۹» شود.

آغاز: « [قال] المصنّف ــ رحمه اللّه ــ : أمّا بعد حمد واجب الوجود علی نعمائه. لا یبعد أن یقال: فی ترک الموصوف ههنا ایماء لطیف الی ما سیجیء من أنّ صفاته، تعالی».

انجام: فی مسافتین مساویتین أن تکون الحرکه فی الأوّل أشدّ من الحرکه فی الثانی.

نسخه: به خطّ شمس الدین اردستانی. تاریخ پایان کتابت: روز یکشنبه ۲۱ ربیع دوم ۹۸۸، در بقعه متبرّکه علائیّه. در همه جا دارای حواشی فراوان است از «منه، سلّمه اللّه ــ مدّ ظلّه» و «ص د ق، ره» و «ملّا سلطانحسین» و «غیاث، غفر اللّه له» و «ه ــ . ی (هادی)، عفی عنه» و «میرزا رفیعا، رحمه اللّه»، و اشخاص دیگر جز اینها.

ظهر نسخه تملّک و مُهر «عبده محمّد صالح بن محمّد الحسینی» دیده می شود.

«۲۶۰» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از آثار اوائل سده یازدهم است. دارای حواشی مؤلّف و غیره. روی برگ آخرْ وقفنامه کتاب است به خطّ محمد صالح بن محمد علی مازندرانی که به مقتضای وصیّت سیادت و مرحمت پناه میر خلیل اللّه مازندرانی آن را به نظارت والد ماجد خود به سال ۱۱۱۸ وقف بر طلّاب اصفهان نموده و مهر کرده است: «عمل صالح محمّد دگر است ۱۱۱۷».

تملّک نعیم الدین محمّد شیرازی و تاریخ شروع او به خواندن «حاشیه جلیله جلالیّه قدیمه» در روز پنجشنبه ۲۱ محرّم ۱۰۱۴، ظهر نسخه هست با ابیاتی پراکنده از چند تن شاعر.

ص : ۲۶۱

«۲۶۱» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت: روز دوشنبه عشر اخیر جمادای یکم ۱۱۰۱ در اصفهان. دارای حواشی «منه» و «میر اسمعیل مدرّس، سلّمه اللّه» و «مسیح».

تملّک و مُهر سیّد محمّد بن محمّد طاهر حسینی «سیّد محمّد الحسینی ۱۱۵۲» و تملّک «محمّد اسمعیل بن ابوالحسن (یا ابوالمحسن) حسینی خاتون آبادی در ۱۲۲۸، و محمّد رحیم بن محمّد علی، و تملّک و مُهر والد ماجد نگارنده فهرست «محمّد هاشم بن جلال الدّین الموسویّ» به تاریخ ۱۳۳۸، همه در ظهر نسخه است.

روی برگ آخر، یادداشتی است از محمّد علیّ بن ملّا محمّد سنگسری.

«۲۶۲» حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: آقا جمال الدین محمّد خوانساری اصفهانی فرزند آقا حسین محقّق خوانساری علیهما الرحمه (متوفی ۱۱۲۲): «دو گفتار، روضاتی: ۶۳»، صاحب «اصول الدین. ش ۳۸» و «حاشیه الروضه البهیّه. ش ۲۷۱» و «حاشیه شرح مختصر المنتهی. ش ۳۰۵» و «رساله در طینت. ش ۴۰۳».

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر حاشیه شمس الدین محمّد خفری «تعلیقات شرح تجرید الکلام. ش ۱۵۲».

نسخه: دارای ۹۵ برگ، به قطع ثُمن «۱۱ × ۱۷». نام کاتب و هیچ گونه یادداشتی ندارد. تاریخ پایان کتابت: روز پنجشنبه نخستین روز ماه مبارک رمضان ۱۲۴۵. دارای حواشی از «محمّد اسماعیل الاصفهانی، ره» و جز او.

در کتاب «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۱۷۵. چاپ اصفهان. ۱۳۳۲ ش» و در

«شرح روضات الجنّات ۱: ۲۱۵ ـ ۲۱۶. چاپ اصفهان. ۱۳۴۱ ش»، مطلبی راجع به آخوند ملّا اسماعیل حکیم اصفهانی نوشته بودیم،(۱) و از آن زمان ها با مرحوم استاد جلال الدین همایی پیرامون احوال و آثار آن حکیم گفتگویی به استمرار داشتیم و مدّتی نسخه «حاشیه شوارق الإلهام. ش ۳۱۱» را ـ چنان که خواهیم گفت ـ در اختیار استاد گذاشتیم، تا اینکه در اوائل سال (۱۳۵۱ ش) نسخه جای گفتگو به دست آمد و چون دارای حواشی حکیم بود آن را نیز چندی در اختیار استاد نهاده و آن مرحوم مقاله ای به عنوان «ملّا اسماعیل اصفهانی حکیم» تنظیم و به سال (۱۳۵۶ ش) در «نشریّه دانشکده ادبیّات و علوم انسانی (اصفهان). ش ۱۳ و ۱۴» به چاپ رسانیده و همین نسخه را نیز به تفصیل معرّفی کردند.

اینک در اینجا ـ پاس یاد آن دانشمند جامع ـ برخی از سخنانشان را با تذکّراتی می آوریم و باقی کلام را به «حاشیه شوارق الالهام. ش ۳۱۱» حوالت می دهیم. استاد نوشته اند (ص ۲۶):

«حواشی جمالیّه بر حواشی خفریّه. آقا جمال خوانساری (متوفّی ۱۱۲۵) فرزند آقاحسین (متوفی ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹ هـ . ق)... نسخه ای از حواشی جمالیّه آقا جمال خوانساری به خطّ یکی از علمای قرن سیزدهم هجری، روی کاغذ آبی سمرقندی، با خطّ تحریری پُخته و بسیار صحیح و منقّح، که پیداست خطّ عالم اهل فنّ است نه بیگانه، این حقیر از کتابخانه... به طور امانت گرفتم که تاریخ فراغ از کتابتش روز پنجشنبه اوایل ماه رمضان ۱۲۴۵ قمری است، و در آخر نسخه عبارت ذیل را نوشته است: «قد فرغتُ من تسوید هذه الحاشیه الشریفه الجمالیّه بإعانه اللّه الخفیّه و الجلیّه فی یوم الخمیس الغرفی شهور رمضان المبارک من شهور سنه ۱۲۴۵». متأسّفانه هیچ کجا

۱- ۱) تفصیل این مطلب در «حاشیه شوارق الإلهام. ش ۳۱۱» خواهد آمد.

اثری از نام و امضای کاتب نسخه ندارد».

اینک چند تذکّر:

۱ ـ تاریخ فوت آقا جمال الدین در شب یکشنبه دوم ماه رمضان یکهزار و یکصد و بیست و دو، و تاریخ فوت پدر بزرگوارش آقا حسین در شب سه شنبه غرّه ماه رجب یکهزار و نود و هشت، درست است. چنان که در کتاب «دو گفتار: ۶۲ ـ ۶۴» به تفصیل نوشته ایم.

۲ ـ تاریخ پایان نسخه جای گفتگو را استاد همایی به علّت ضعف چشم و رنگی بودن برگ های نسخه که آبی غلیظ است، اشتباه خوانده اند، و درستِ آن «فی یوم الخمیس الغُرّه، شهر رمضان المبارک» است. یعنی در پنجشنبه نخستین روز آن ماه شریف.

۳ ـ این که کاتب دانای نسخه، نام خود را در هیچ جا ننوشته است، و افزون بر این روی برگ نخست و آخر نیز هیچ گونه اثر تملّک و نام و نشانی دیده نمی شود، بدان علّت است که در نیمه نخست سده سیزدهم و دوران آقا محمّدخان قاجار و فتحعلی شاه با شکوفایی فقاهت و اجتهاد و ظهور آثار مهمّ فقهی و اصولی و تشکیل مجالس درس فقیهان بزرگ و گرمی حوزه های علوم شرعی، بازار آثار علوم عقلی به کسادی گرایید و معدودی که ذوق و شوق آن گونه علوم را داشتند، در اقلّیّت افتاده و تا حدّی در حال تقیّه واقع و در خُفیه و پنهانی اشتغال می ورزیدند.

از این روی است که برخی نسخه های کتب و رسائل حکمت و فلسفه و عرفان را در آن زمان ها به کلّی بی نام و نشان می نوشتند و تنها خود ارباب فنّ آنها را می شناختند. از این گونه آثار، شمار بسیار دیده شده و همین امر حتّی فهرست نویسان ماهر را برای شناخت آنها به زحمت و اشتباه انداخته است.

ص : ۲۶۴

امّا پیش از سده سیزدهم و در امتداد عصر و زمان دو محقّق بزرگوار خوانساری و نظایرشان، تدریس و تعلیم علوم عقلی تا اواخر سده دوازدهم رایج بوده و از باب نمونه «حاشیه خفری» و تعلیقات گوناگون آن، به خصوص تعلیقات مرحومین آقا جمال الدین و آخوند ملاّ عبدالرزّاق جزو کتب درسی بوده است.

یک تن از مدرّسان بنام آن زمان آقا میرزا سیّد ابوالقاسم خاتونابادی (متوفّی ۱۲۰۲: مکارم الاثار ۱: ش ۷۴) که از دانش آموختگان حوزه آخوند ملاّ اسماعیل خاجویی و آقا محمّد بیدآبادی است که سی سالی در مدرسه سلطانی چهارباغ به تدریس کتب حکمت اشتغال داشته، و مرحوم آیه اللّه آقا سیّد ابوالقاسم جعفر موسوی (۱۱۶۳ ـ ۱۲۴۰: مکارم ۴: ش ۵۶۶) نیای گرامی امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» ـ أعلی اللّه تعالی مقاماتهم ـ مدّتی نزد آن مرحوم، کتاب خَفری را با دو حاشیه یاد شده آن می خوانده، و همزمان به سال ۱۱۹۱ هر آن دو حاشیه را به خطّ شریف خود استنساخ نموده است، و آن نسخه کرامند را صاحب «کرام برره: ش ۱۰۹ و ۱۱۵» نزد آقا سیّد محمّد رضای تبریزی در نجف اشرف دیده اند.

همچنان که جناب سیّد بحرالعلوم (۱۱۵۵ ـ ۱۲۱۲) شیخِ اجازه آقا سیّد ابوالقاسم جعفر یاد شده و شاگرد والد ماجد ایشان آیه اللّه حاج سیّد حسین مجتهد موسوی ـ قدّس اللّه أسرارهم ـ نیز به مدّت چهار سال نزد آقا میرزا سیّد ابوالقاسم خاتونابادی حکمت و کلام خوانده و فقه و اصول و دیگر علوم شرعیّه را آن استاد از سیّد بحر فرامی گرفته است: «مکارم ۲: ش ۱۷۵».

بگذریم، استاد همایی، سپس در مقاله یاد شده (ص ۲۷) نوشته اند:

«باری، در حواشی نسخه چنان که گفته شد از «ملاّ محمّد اسماعیل اصفهانی» بسیار و از ملاّ علی نوری نیز چند موضع تعلیقاتی به عنوان «للأستاد» آورده و ظاهر این است

که کاتب نسخه که قطعًا از علما و فضلای آن زمان بوده سِمت تلمّذ و شاگردی نزد آن هر دو استاد داشته است و به طوری که در پیش گفته ام ملاّ محمّد اسماعیل را به دعای «رحمه اللّه» و نوری را به دعای «مدّ ظلّه» و «زید عمره» و «سلّمه اللّه» و امثال آن یاد کرده است».

و (در صفحه ۲۸) نوشته اند: «از جمله افادات عالمانه کاتب که به خطّ خود پشت ورق اوّل نسخه نوشته بیان اشاراتی است که آقا جمال در حواشی خود مکرّر به کار برده است به این قرار: بعض المحقّقین ملاّ عبدالرزّاق...».

امّا این توضیح اشارات از افادات کاتب این نسخه نیست، بلکه ـ ظاهرًا ـ از خود مرحوم جمال المحقّقین است، چه این حقیر چند نسخه از این کتاب شریف را که دیده ام، همه در سر آغاز، عین آن توضیحات را داشته اند.

بالاخره، استاد دو سه صفحه دیگر پیرامون فوائد مُستفاد از نسخه جای گفتگو و ملاّ محمّد اسماعیل و حاج میرزا بدیع درب امامی، کاتب نسخه حاشیه شوارق ـ رحمهما اللّه ـ مطالبی نوشته اند که در «حاشیه شوارق الإلهام. ش ۳۱۱» استفاده می کنیم، و نتیجه تحقیق خود را در صفحه ۳۱ این چنین بیان کرده اند:

«عقیده نگارنده: آنچه به ذهن نگارنده تقریب می شود این است که ملاّ محمّد اسماعیل اصفهانی محشّی حواشی جمالیّه با ملاّ اسماعیل واحدالعین صاحب حواشی شوارق یکی است و وفات ملاّ اسماعیل در حدود ۱۲۴۳ هجری قمری، سه سال قبل از وفات آخوند ملاّ علی نوری اتّفاق افتاده است...».

در این باره نیز در «حاشیه شوارق الالهام. ش ۳۱۱» سخن خواهیم گفت، و مقاله یاد شده استاد همایی، سال ها بعد (۱۳۶۹ ش) در کتاب «مقالات ادبی» ایشان نیز به چاپ رسید.

ص : ۲۶۶

«۲۶۳» حاشیه حاشیه شرح الشمسیّه

(منطق ــ عربی)

از: عماد بن یحیی بن علی فارسی «مقدّمه این نسخه» یا عماد بن محمد بن یحیی بن علی فارسی «کشف الظنون».

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» و «قال الشارح» بر «حاشیه» میر سیّد شریف علی بن محمّد جرجانی (متوفی ۸۱۶) معروف به «حاشیه کوچک» بر شرح قطب الدین محمّد بن محمّد رازی معروف به قطب تحتانی (متوفی ۷۶۶) که به نام «تحریر القواعد المنطقیّه فی شرح الرساله الشمسیّه» برای غیاث الدین محمّد بن خواجه رشید وزیر سلطان محمّد خدابنده تألیف کرده است «کشف الظنون»، و «الرساله الشمسیّه» متن مختصری است در علم منطق تألیف نجم الدین علی بن عمر، دبیران قزوینی معروف به کاتبی (متوفی ۶۷۵)، شاگرد خواجه نصیرالدین محمد طوسی قدس سره (متوفی ۶۷۲) .

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و ظاهرًا در قرن دهم استنساخ شده. تملّک محمّد مهدی بن محسن رضوی و مهر او «علی اللّه فی کلّ الأُمور توکّلی، و بالخمس أصحاب الکساءِ توسّلی. عبده محمّد مهدی بن محسن الرضوی» در صفحه آخر و روی برگ دوّم هست.

«۲۶۴» نسخه دیگر

نسخه: مقدّمه ندارد و بعد از بسمله، چنین آغاز می شود:

«قوله: و رتّبته علی مقدّمه و ثلاث مقالات، الخ. إعلم أنّ من دأب المصنّفین».

از آخر نیز ناقص است و تا به این عبارت: «و اعلم أنّ بین ما ذکر فی هذا المقام من بیان الأقسام».

ص : ۲۶۷

حواشی متفرّق بر نسخه هست و نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. ظاهرًا در قرن یازدهم نوشته شده است.

«۲۶۵» حاشیه حاشیه شرح الشمسیّه

(منطق ــ عربی)

از: ملاّـ قره داود، از شاگردان سعدالدین «کشف الظنون»، یا مولانا داود ــ رحمه اللّه ــ (چنانکه کاتب در پایان نسخه حاضر نوشته است).

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» و «قال الشارح» بر حاشیه میر سید شریف علی بن محمد جرجانی (متوفی ۸۱۶)، معروف به «حاشیه کوچک» که در شماره ۲۶۰ گذشت.

نسخه: یکی دوبرگ از اوّل ناقص است.

آغاز موجود: «و لا یخفی أنّه لا یتعلّق کلمه علی بالترتیب بشیءٍ من هذین المعنیین».

انجام: «ظاهرًا و صریحًا لا ضمنًا، فهو لا یلائم المقام و یمکن أن یقال: أشار رحمه اللّه الی الجواب و الایراد بقوله فالاولی. تمّت حاشیه الشرح الشمسیّه لمولانا داود، رحمه اللّه».

کاتب: عبدالواحد بن ابوالقاسم حسینی مازندرانی. تاریخ ختم استنساخ: آخر ماه شعبان ۱۰۹۸.

«۲۶۶» حاشیه الحاشیه الخطائیّه علی الشرح المختصر لتلخیص المفتاح

(ادب ــ عربی)

از: آخوند ملاّ عبداللّه شاه آبادی یزدی، (متوفی ۹۸۱) علیه الرحمه.

کتاب: تعلیقه ای است بر حاشیه نظام الدین عثمان بن عبداللّه خطائی حنفی معروف به

مولانازاده «حاشیه شرح تلخیص المفتاح. ش ۲۹۷» که به «حاشیه خطائی» مشهور شده و آن تعلیقه ای است بر «شرح مختصرِ» ملّا سعدالدین تفتازانی (متوفی ۷۹۲) بر «تلخیص المفتاح» جلال الدین محمد قزوینی معروف به خطیب دمشق (متوفی ۷۳۹)، که در آن قسم سوّمِ «مفتاح العلومِ» سراج الدین ابویعقوب یوسف بن محمد سکّاکی (متوفی ۶۲۶) را که در فنّ معانی و بیان است تلخیص نموده است.

تاریخ تألیف حاشیه مورد بحث در این نسخه، ۱۷ ذیحجه ۹۷۲ در شیراز در مدرسه صدریّه منصوریّه آمده است، لکن در مآخذ دیگر سال ۹۶۲ ذکر شده است.

کاتب: شفیع بن محمد الحسنی الحسینی الطبسی الگیلکی. تاریخ استنساخ: شب چهارشنبه ۱۵ صفر ۱۰۷۴.

آغاز نسخه ساقط شده و نام کتاب در نسخه به نظر نرسید.

«۲۶۷» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ تألیف محشّی را ندارد. تاریخ استنساخ: روز یکشنبه سلخ محرّم ۹۸۸.

آغاز: «بسم. حمدًا لمن خلق الانسان و علّمه البیان، و شکرًا لمن أعلمه بدائع المعانی فی روائع التبیان».

انجام: «أمّا فی تفسیر الأوّل الثّانی أو فی تفسیر الثّانی حتّی لا یفوت ذلک الحسن، هذا. و المرجو من اللّه تعالی حسن الخاتمه و صلاح العاقبه و صلّی اللّه علی محمّد و آله أجمعین».

«۲۶۸» حاشیه حاشیه عدّه الأصول

(کلام ـ عربی)

از: محمّدباقر بن غازی قزوینی: «کواکب منتثره: ۹۲ ـ ۹۳».

ص : ۲۶۹

کتاب: حاشیه ای است بر مبحث کلام «حاشیه عدّه الأصول. ش ۳۱۲» برادر مؤلّف مولانا خلیل قزوینی علیهما الرحمه.

نسخه: به خطّ مرتضی بن مراد خان رودباری. تاریخ استنساخ: ۱۱۲۶. مهر: «الواثق باللّه الغنیّ محمدمهدی الحسنی الحسینی» و «انّی عبداللّه آتانی الکتاب» و «عبده محمّد علی» و خطّ مرحوم آقای حاج میرزا سیّد محمّدباقر توی سرکانی، در نسخه هست.

حاشیه الخَفری: تعلیقات شرح تجرید الکلام. ش ۱۵۲

«۲۶۹» حاشیه الروضه البَهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه _ عربی)

از: شیخ جعفر بن عبداللّه بن ابراهیم حُویزی کمره ای اصفهانی، معروف به شیخ محمّدجعفر قاضی علیه الرحمه.

نیای معظّم _ قدّس اللّه سرّه الشریف _ در کتاب «روضات الجنّات: ۱۵۰ چاپ سنگی دوم» فرموده اند که اصل آن جناب از حویزه و تولّدش _ بدون آگاهی از تاریخ آن _ در کمره و مَسکنش اصفهان و مضجعش در نجف اشرف بوده است.

عمده تحصیلات عالیه آن مرحوم در اصفهان و به خُصوص نزد علاّمه بزرگ مرحوم آقا حسین محقّق خوانساری (۱۰۱۶ _ ۱۰۹۸) بوده و به دامادی آن جناب نیز نائل گردیده است.(۱)

ص : ۲۷۰

۱- ۱) شیخ محمّد جعفر خود در کتاب ارزشمند «تحفه سلطانی: ۱۰۸، چاپ خاور ۱۳۳۹ ش» گوید: «و حقّ در مسأله حرکت آن است که استاد محقّق و ربّانیّ مدقّق _ که مثلش در زمان فلاسفه تا به حال به هم نرسیده _ آقا حسین _ أدام اللّه فیض افاداته، و أفاض علی قبره سجال رحماته _ در کتب خود تنقیح آن نموده و آن این است...». از این دوگونه دعاء نوشتن می توان گمان کرد که شیخ محمّد جعفر اصل کتاب را در زمان حیات استاد تألیف کرده و همان است که نسخه هایش به نام «اصول دین» در «فهرستواره کتاب های فارسی ۶: ۷۳» ذکر شده و پس از سال ها و هنگام پذیرش منصب شیخ الاسلامی و درخواست شاه، مقدّمه بسیار ممتازی بر آن افزوده و به نام شاه «تحفه سلطانی» خوانده است. نسخه های آن نیز در همان «فهرستواره، ۶: ۹۶» مذکور است. امید که عالم محقّقی با استفاده از نسخه های گوناگون، این کتاب شریف را به چاپ شایسته ای برساند.

عالم جلیل میر عبدالحسین حسینی خاتونابادی (۱۰۳۹ ـ ۱۱۰۵) در کتاب تاریخ «وقایع السّنین: ۵۴۰» آورده است که دو ماهی پیش از وفات آقا حسین، شاه سلیمان صفوی (۱۰۵۴ ـ ۱۰۷۷ ـ ۱۱۰۵) علاّمه مجلسی (۱۰۳۷ ـ ۱۱۱۰) را ـ با التماس مکرّر ـ به شیخ الاسلامی آن سرزمین برین تعیین نمود، و نیز در همان سال:

«در روز پنجشنبه نوروز سنه ۱۰۹۸، شیخ فاضل عالم ألمعی یلمعی فطن سرآمد ارباب شعور و فطانت و سرکرده جامعیّت علوم و فنون، شیخ جعفر کمره به تکلیف نوّاب اشرف... شاه سلیمان ـ وفّقه اللّه ـ قاضی اصفهان شد. متّع اللّه المسلمین بفوائد قریحته الصّائبه و أخلاقه الزاکیه السنیّه».

میر عبدالحسین به سال ۱۱۰۵ در گذشته و بازماندگانش پس از او، وقایع چندی را نوشته و به کتاب ملحق کردند. از جمله در «ص ۵۵۱» است که پس از یک سال و نیم از درگذشت علاّمه مجلسی (متوفّی ۲۷ ماه رمضان ۱۱۱۰)، منصب شیخ الاسلامی هم ـ از سوی شاه سلطان حسین بن شاه سلیمان ـ به شیخ محمّدجعفر قاضی تفویض شد.

و در «ص ۵۵۳» که هم از ملحقات وقایع است، گوید:

«در ماه جُمادی الثانیه سنه یکهزار و یکصد و پانزده، محمود آقای ناظر به سفر حجّ بیت اللّه الحرام رفت و ضریح کاظمین را برده نصب نمود، در ماه شعبان المعظّم و مشغول تعمیر کربلای معلّی شد... و در این سال فاضل مدقّق صاحب فطرت عالیه شیخ محمّد جعفر کمره شیخ الاسلام اصفاهان اراده حجّ نموده به اتّفاق محمود آقا رفتند

و در کرمانشاه بیمار شد و در امام موسی « علیه السلام » چاق شد و باز در آنجا نُکس کرده به کربلا رفت و از آنجا متوجّه نجف اشرف شده و در دو فرسخی نجف اشرف به رحمت خدا رفت «رحمه اللّه»، و در نجف اشرف مدفون شده در حوالی مدفن علاّمه «ره». و در این سال آخوند ملاّ محمّد سراب نیز رفت و مباشر تجهیز مرحمت پناه شیخ محمد جعفر او شده بود، و جمعی از اتباع شیخ مرحوم نیز فوت شدند در این سفر و صبیّه شیخ نیز فوت شده بود».(۱)

آخوند ملاّ محمّد سراب _ علیه الرحمه _ صاحب کتاب «ضیاء القلوب» است.

بیفزاییم که عالم ادیب بارع در نثر و نظم شیخ محیی الدین بن حسین حویزی آل ابی جامع عاملی «مذکور در کواکب منتشره: ۷۱۶» که ساکن حویزه بوده و به اصفهان نیز سفر می کرده است، یک قصیده مانندِ بیست و هفت بیتی و ناتمام، در تودیع با شیخ محمد جعفر، زمانی که عازم سفر حجّ شد، سروده و در بیاض متفرّقات خود نوشته و تاریخ آن را جُمادای یکم ۱۱۱۵ گذارده است:

«و قلت أیضًا مودّعًا لحضره علاّمه دهره و وحید عصره شیخ الاسلام و المسلمین الشیخ جعفر _ حرسه اللّه تعالی _ لمّا توجّه الی حجّ بیت اللّه الحرام و زیاره النبیّ و الأئمّه

۱- ۱) نسخه اصل تاریخ «وقایع السنین»، در تملّک عالم جلیل مرحوم حاج سید آقا میرزای اصفهانی (متوفی ۱۳۱۲) بوده است و آن را در اختیار صاحب «مستدرک الوسائل» قرار داده و ایشان در چند جای خاتمه مستدرک از آن نقل کرده اند «مانند: صفحات ۵۳ و ۱۵۴ و ۲۰۱ و ۲۹۰ جلد بیستم چاپ مؤسّسه آل البیت»، امّا به اشتباه نام مؤلّف را امیر محمد اسماعیل خاتونابادی نوشته و اصل و ملحقات را نیز از هم تمیز نداده اند. حاج سید آقا میرزای اصفهانی و حاج میرزا یحیای میرزا شفیع، دو تن دستیار دانشمند اصفهانی حاجی نوری بوده اند، که این دو بزرگوار هر چه توانسته اند در گردآوری منابع و مآخذ برای ایشان کوشش کرده اند. نسخه اصلِ وقایع در اواسط سده چهاردهم در ایران ظاهر شده و با تأسّف بسیار، در آن دخل و تصرّف گردیده و مجعولاتی بدان افزوده اند که به نسخه چاپی نیز راه یافته است.

ـ علیهم أفضل الصلوه و السلام ـ فی جُمادی الأولی سنه ۱۱۱۵، و لم یتّفق إتمامها، و قد بدالی عن ارسالها إلیه ـ سلّمه اللّه تعالی ـ و هی:

هنّ السلیمات یا سلیم ودّعها قلبی السقیم»

تا آخر.

شیخ محیی الدین پس از آگاهی از درگذشت شیخ محمدجعفر قاضی، در ذیل آن ابیات این گونه نوشته است:

«و قد توفّی ـ رحمه اللّه ـ فی هذا السفر، فی شهر شعبان (۲۳) من السنه ۱۱۱۵».

پس، به موجب آنچه نقل کردیم دانسته شد که قاضی مرحوم در جُمادای یکم (۱۱۱۵) عزم سفر حجاز را از طریق عراق داشته و در جُمادای دیگر به همراه کاروان محمود آقای ناظر از اصفهان خارج شده و پس از یکی دو ماه وارد شهر مقدّس کاظمین شده و از آنجا به کربلای معلّی مشرّف گردیده و به سوی نجف اشرف رهسپار و در دو فرسنگی مانده به نجف، در بیست و سوم ماه شعبان المعظّم ۱۱۱۵، جان به جان آفرین سپرده و در نجف اشرف به خاک رفته است.

با این کیفیّت، مقصد اصلی آن مرحوم که سفر حجّ بود حاصل نگردید، و ناگفته نگذاریم که تاریخ دقیق فوت شیخ محمد جعفر به صورتی که نقل کردیم تنها در نوشته مرحوم شیخ محیی الدین ضبط شده است.

این نیز ناگفته نماند که امام مجدّد ـ طاب ثراه ـ در پایان شرح حال شیخ جعفر فرموده اند که از جمله شاگردان او سیّد فاضل... میرزا قوام الدین محمّد سیفی قزوینی است که با او بسیار نزدیک بود تا آن که زمان شیخ به اجل محتوم سرآمد:

«و ذلک بأرض العراق ـ المحروسه ـ حین مراجعته من سفر الحجّ فی حدود سنه خمس عشره بعد مائه و ألف، فرثاه سیّدنا المکرّم».

ص : ۲۷۳

سپس مرثیه طولانی سیّد سیفی ــ علیه الرحمه ــ را نقل فرموده اند.

صاحب «مستدرک الوسائل ۲۰: ۵۳» پس از نقل آنچه از ملحقات «وقایع السّنین» گذشت، عبارت کتاب شریف «روضات» را آورده و گوید آن اشتباه است:

«اشتباهٌ، فانّه ــ رحمه اللّه ــ لم یوفّق للحجّ، کما نصّ علیه الخاتون آبادیُّ المعاصر له و کان یکتب الوقائع یومًا فیومًا».

اینک گوییم که اوّلاً، در کلام خاتونابادی نصّ بر مدّعا نیست و وقایع را هم آن چنان روز به روز ننوشته و نسخه منحصر به فرد آن هم به دست مبارک امام مجدّد ــ طاب مثواه ــ نرسیده است.

ثانیًا، به نظر می رسد که مأخذ آن بزرگوار، سخن مرحوم سیّد عبداللّه جزائری «متوفی ۱۱۷۳: کواکب منتشره: ۴۵۶» باشد که در «تذییل السُّلافه، ترجمه ش ۵، نسخه خطّ فرزندش سیّد بهاءالدین محمّد» در ذیل احوال امیر قوام الدین محمّد سیفی گوید:

«و من شعره فی مَرثیه الشیخ جعفر القاضی لمّا توفّی بالعراق عند قدومه من الحجّ، سنه خمس عشره بعد المائه و الألف: الدّهر ینعی الینا المَجد و الکرَم»، تا آخر اشعار که در «روضات» آورده اند و صاحب «أعیان الشیعه: ج ۱۶ و ج ۱۷ مکرّرًا» و دیگران از آنجا اخذ کرده اند.

پس این سخن از «تذییل سلافه العصر» ــ و احتمالاً أیضًا از خاتمه «معارج الأحکام» آقا میر سید حسین قزوینی ــ بوده است.

بگذریم، اگر چه در این فهرست بنای نوشتن شرح حال محقّق کمره ای نبود، لکن آنچه ذکر شد به نظر لازم آمد، و اکنون نیز دریغ است که به جانب ادبی ــ نثر و نظم ــ آن مرحوم که تالیِ منشآتِ گران سنگ استادشان محقّق خوانساری است، اشاره نشود.

اصولاً، در سراسر عصر صفوی توجّه به ادبیّات که پایه و اساس فهم علوم معقول

و منقول به شمار می آید، کاملاً مشهود است.

از دفتر گزیده پرآوازه صمدیّه «الفوائد الصمدیّه» مرحوم شیخ بهاءالدین محمّد عاملی (م ۱۰۳۰) و شروح آن گرفته تا کتاب «النهایه فی شرح الهدایه» مرحوم ملاّ محمد علی تونی خراسانی اصفهانی «مقاله راقم این فهرست، چاپ اصفهان، ۱۳۸۱ ش»، در این خلال، آثار ادبی بسیاری به نظم و نثر در دو زبان عربی و فارسی در دست است، و گوشه هایی از آن کوشش ها در «أمل الامل» و تکمله ها و «ریاض العلماء» و به خصوص در «سُلافه العصر» و «تذییل السلافه» دیده می شود. و به این نکته نیز توجّه دهیم که شاهان صفوی در راه مبارزه فرهنگی با زبان های دیگر _ به خصوص زبان ترکی _ کوشش فراوانی در نشر و توسعه زبان فارسی داشته و دانشیان را به تألیف و ترجمه در این زبان مادری همه گونه ترغیب و تشویق کرده اند.

پس، شگفت آور نیست که فقیه مجتهد قاضی شیخ الاسلام متورّع متشرّعی چون شیخ محمّد جعفر کمره ای، در فنون نظم و نثر و ادب نیز دست توانا داشته باشد.

نمونه را در کتاب «بیان بدیع»(۱) تألیف مُنیف دانشمند ادیب اصفهانی میرزا ابوطالب فندرسکی از شاگردان مقرّب آقا حسین محقّق خوانساری _ علیهما الرحمه _ می توان دید.

او نخستین شاهدی که از دیگران در کتاب خود آورده از آن استاد است، گوید:

«و چنان که جناب زبده المجتهدین اعتضاد الملّه و الدین استاد البشر العقل الحادی عشر، استاد یَم آقا حسین خونساری فرماید، رباعی...»: ص ۳۲.

او به تقریب، ده بار در مدح استاد سخن گفته و شواهدی از نظم و نثر او آورده است،

همچنان که بارها ابیاتی از جناب شیخ محمّدجعفر به شاهد آورده و از او تجلیل

---

۱ - ۱) بیان بدیع. میرزا ابوطالب فندرسکی. مقدّمه، تصحیح و تحشیه سیّده مریم روضاتیان _ حفظها اللّه _ دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، قم، ۱۳۸۱.

کرده است. همانند «ص ۱۳۱ تا ۱۳۸»:

«... چنان که فاضل کامل علاّمه شیخ محمّد جعفر کمریی در مدح استاد خویش أعنی استاد الدوران نِحریر الزمان علاّم ذوفُنون وارث حکمت ارسطو و افلاطون قدوه العالمین خاتم المجتهدین، استاد یَم آقا حسین خونساری _ أدام اللّه ظلاله _ گوید، بیت:

یا غزالاً لحظه للصّارم القتّال تال مُهجتی من حبّ هذا طرفک المکسال سال

«... چنان که فاضل کامل علاّمه شیخ محمّد جعفر کمریی در مدح استاد المجتهدین قدوه العالمین حضرت آقا حسین _ دام ظلّه _ گوید، شعر:

فخر أصناف الوری آقا حسین ذو التُّقی الّذی من کفّه بحرٌ علی الأمجاد جاد

ذو العُلی شمس الضحی بدر الدجی نجم الهُدی کم فتًی من غوره عن حندس الإلحاد حاد»

«... چنان که فاضل زمان و علاّمه دوران شیخ محمّد جعفر کمریی در مدح استاد خویش أعنی استاد المجتهدین رکن الملّه و الدین آقا حسین خونساری _ أدام اللّه ظلاله _ گوید:

لوتری زبرًا له عن مثله السّحار حار خلتَ ماءَ الخضر من مکنون ذی الأسفار فار

تمام این قصیده شگفت آور بیست و چهار بیتی را حجّه الحقّ حاج ملاّ هادی حکیم سبزواری (۱۲۱۲ _ ۱۲۸۹) _ أعلی اللّه مقامه _ در کتاب شریف «الراح القَراح: ۳۶۱ _

ص : ۲۷۶

۳۶۶»(۱) هم به شاهد آورده و شرح کرده اند:

«و مثلها: قصیده عملها شیخ الاسلام جعفر الاصفهانیُ ــ علی طرز الطنطرانیّ ــ فی الحبر العلاّمه حاوی المعقول و المنقول الفاضل الکامل آقا حسین الخوانساریّ، طاب ثراه و جعل الجنّه مثواه: یا غزالاً...».

مانا که مرحوم حاجی دفتری از اشعار و آثار قاضی را در دست داشته و چه بسا در اصفهان به دست آورده باشند، چه در صنعت توریه ــ از صنایع معنوی ــ نیز تمام سروده بیست بیتی آن جناب را در «ص ۱۳۹ تا ۱۴۱» آورده و شرح کرده اند: و قول شیخ الاسلام جعفر الاصفهانی...:

ضلّ سبیلَ الهدی و بانا مَن مثّل القدّ منک بأنّا

و در باب تأکید المدح بما یشبه بالذّم، نیز سه بیت بر سبیل شاهد آورده و شرح کرده اند: «و من الثانی قول شیخ الاسلام جعفر الاصفهانی»: ص ۲۵۶.

و در صنعت جناس خطّی از صنایع لفظیّه «ص ۳۷۱ ــ ۳۷۲»، دو فقره از نامه دوستانه شیخ محمّدجعفر قاضی را به جناب آخوند ملّا میرزای شیروانی (۱۰۳۳ ــ ۱۰۹۸) داماد مولانا محمد تقی مجلسی و از شاگردان بارع آقاحسین خوانساری ــ علیهم الرحمه و الرضوان ــ آورده و شرح کرده اند:

«و منها الفقرتان من رساله ودادٍ بعثها الشیخ جعفر شیخ الاسلام الی الفاضل المدقّق الشیروانیّ، و هی هذه: هدایا إخلاص لا تفیدها ید الأبد إلّا احکامًا...».

این بود آنچه درباره گوشه هایی از احوال و آثار مرحوم شیخ محمّد جعفر قاضی، صاحب «حاشیه الروضه البهیّه»، در تاریخ «آدینه ۲۷ ربیع یکم ۱۴۲۶» به نگارش

۱- ۱) الراح القَراح، تألیف الفیلسوف الکبیر... السبزواری، صحّحه و قدّم له و علّق علیه: مجید هادی زاده ــ استاد فاضل، سلّمه اللّه ــ ، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.

درآوردیم، و اینک معرّفی کتاب و نسخه هایش:

کتاب: حاشیه معتبر مشهوری است بر «شرح اللمعه» شهید ثانی قدس سره ، و در حواشی برخی نسخه های چاپ سنگی نیز موجود است.

نسخه: در حیات محشّی نوشته شده و علاوه بر حواشی شخص او، چند حاشیه نیز از «محیی الدین، سلّمه اللّه» به خطّ کاتب در اوائل نسخه هست.

جای جای نسخه افتادگی داشته و به صورت اوراقی بوده تا این که «محمّد حسین» آن را در دارالسلطنه تبریز خریداری و تا جایی که توانسته نواقص آن را به خطّ خود تکمیل کرده است. این شخص گویا آقا محمد حسین فرزند آقا محمد علی هزارجریبی فقیه بزرگ باشد.

آغاز و انجام: همانند نسخه دیگر است.

«۲۷۰» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ محمّد بن ابوالقاسم موسوی، گویا در اصفهان. تاریخ استنساخ: یکشنبه غرّه ماه رجب ۱۲۶۴. اثر مقابله و تصحیح و حاشیه نویسی ندارد. همچنین نام کتاب و مصنّف ندارد، بلکه به خطا، روی جلد نوشته اند: «حاشیه فی النحو».

آغاز: «بسم. نحمدک یا إلهی و نصلّی علی نبیّک الهادی و آله الهُداه».

انجام: «و تعلّق حقّ الملک یفید جمیع آثاره فلا بدّ من جعل الملک مشروطًا بأحد الأمرین، و الکلام بعدُ موضع نظر. قوله».

«۲۷۱» حاشیه الروضه البهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه ــ عربی)

از: آقا جمال الدّین محمّد بن آقا حسین خونساری اصفهانی، صاحب «حاشیه حاشیه

ص : ۲۷۸

شرح تجرید الکلام. ش ۲۶۲».

کتاب: تعلیقه ای است بر «شرح لمعه» شهید ثانی.

نسخه: تا کتاب الصلوه است و به خطّ محمّد بن عبداللّه، و تاریخ ختم کتابت: روز جمعه هشتم صفر ۱۲۰۶ در تبریز.

تملّک و مُهر محمّدعلی به تاریخ ۱۲۱۲ و تملّک و مهر آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» به تاریخ ۱۲۷۰ و یادداشتی از مرحوم آیه اللّه حاج سیّد محمد باقر بن حاج سیّد عبدالغفّار توی سرکانی اصفهانی، در ظهر نسخه دیده می شود.

امام مجدّد صاحب روضات در ظهر نسخه مرقوم فرموده اند که «عدد ابیات کتاب بیست و شش هزار بیت و کسری است، و عمده شرح مرحوم آقا جمال همین مجلّد است و تتمّه را که تقریبًا دو ثلث این مجلّد می شود به طریق اختصار نوشته است».

«۲۷۲» نسخه دیگر

نسخه: تمام است، لکن در اواسط آن مقداری افتادگی دارد. علامت تصحیح و مقابله ندارد.

در آخر مجلّد اوّل مؤلّف نام خود را «جمال الدین محمّد بن حسین الخوانساری» و تاریخ ختم تألیف این مجلّد را ماه رمضان ۱۱۰۴ قید کرده است.

کاتب تاریخ کتابت این جلد را پنجشنبه غره ماه رجب ۱۲۴۶ و نام خود را باقر بن محمد ابراهیم نجف آبادی نوشته است.

در پایان کتاب تاریخ ۲۳ ذی القعده (سنه ثلاث و خمسین من المائه الثانیه بعد الالف) دیده می شود که یا کاتب نقل از نسخه ای کرده است که از روی آن نوشته و یا در ضبط تاریخ استنساخ خود اشتباه کرده است.

ص : ۲۷۹

پس از پایان نسـخه، چند برگ مقاله ای است در باب نذر که به این عبارت: «اعلم أنّ المعهود من النذر أن یکون متعلّقًا بفعل» شروع و به این عبارت «فی توجیه رجب، فتأمّل، انتهی» ختم می شود.

«۲۷۳» نسخه دیگر

نسخه: جلد نخست است تا کتاب صلوه.

تاریـخ تـألیف: «و کـان ذلـک فی شـهر رمضـان المبارک سـنه اربع و مائه بعـد الألف». کاتب: محمّـد صالـح بن محمّـد کاظم خاتونابادی.

ظهر نسـخه، یادداشتی به خطّ محمّد صادق بن محمّدرضا الحسـینی الخاتونابادی به خطّ خوش: «قد وقع شـروع شـرح اللمعه مع هذه الحاشیه فی خدمه الاستاد العالم الکامل المحقق المدقق الفاضل النحریر ملّا محمّد علی النوریّ المازندرانی، فی شهر محرّم الحرام ۱۲۲۹ مع جمع من الطّلاب، و کتبت هـذه للتذکّر... و انا... ابن محمد رضا محمد صادق الحسـینی الخاتونابادی» مشاهده می شود.

«۲۷۴» نسخه دیگر

نسخه: از حاشیه مبحث اذان «شرح لمعه» است تا مقداری از کتاب زکوه.

آغاز: «قوله فی کتاب الصّلوه فی الفصل الثالث».

انجام: «و لا یشمل ما یشتریه أحد و الّالما اختصّ الحکم».

بقیّه ساقط شده است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. ظاهرًا از آثار قرن ۱۲ ــ ۱۳ می باشد.

ص : ۲۸۰

«۲۷۵» حاشیه الروضه البهیّه فی شرح اللمعه الدمشقیه

(فقه ــ عربی)

از: میرزا محمّد اصفهانی معروف به دیلماج علیه الرحمه.

در «ذریعه ۶: ش ۵۱۳» دو نسخه از حاشیه «میرزا محمد المعروف بالدیلماج و لذا یُعرف بحاشیه الدیلماج» را یاد کرده اند و این که برخی از حواشی در هامش نسخ چاپ سنگی هست. و در «روضه نضره: ۵۱۷» محمّـد الدیلماج الاصفهانی را عنوان و فرموده اند که شاگردش عبدالوهّاب اصفهانی «کتاب من لا یحضره الفقیه» شیخ صدوق را به سال ۱۰۸۶ در اصفهان با او مقابله کرده و نزدش فراگرفته است و او را «العالم العامل الفاضل الکامل جامع المعقول و المنقول المیرزا محمّـد الدیباج» شناسانده است.

در اینجا از حاشیه مورد بحث ــ به علّت فراموشی ــ سخنی نگفته اند و ناشناس ماندن این عالم بزرگ نیز از جهت مفقود شدن حرف میمِ کتاب «ریاض العلماء» است. دیلماج یعنی مترجم.

کتاب: حاشیه ای است بسیار معتبر بر «شرح لمعه» شهید ثانی، از طهارت تا دیات.

نسخه:به خطّ شمس الدین علیّ بن استاد شاه قاسم فیروزآبادی قاینی. تاریخ کتابت: روز سه شنبه نهم جمادی الاولی (۱۰۹۲). در چند موضع تعلیقاتی به امضاءِ «موسی بن جعفر» دارد. ظهر برگ نخست نیز تملّک همین شخص به عنوان «موسی بن جعفر بن احمد بن لطفعلی تبریزی» و مهر او و تملّک و مهر علی نقی بن علی تبریزی و ادریس الموسوی الحسینی و «المهدیّمن هدیت ۱۱۴۹» دیده می شود.

ص : ۲۸۱

«۲۷۶» حاشیه الروضه البهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه ــ عربی)

از: مرحوم حاجی میرزا محمّد معصوم بن میر محمّد علیّ حسینی خاتون آبادی.

کتاب: در مقدّمه به این شرح معرّفی شده است: «بسم... امّا بعد، فیقول... محمّد معصوم... هذه تعلیقه وجیزه علی الروضه البهیّه... من تقریرات شیخنا و استادنا الامام العالم العلاّمه قدوه المحقّقین و زبده المدقّقین المؤیّد بتأییدات الباری رفیع بن رفیع الجیلانی، لازالت أیّام افاداته... قوله... الظرف مستقرّ... الظرف المستقرّ ما کان متعلّقه عامّاً أی من أفعال العموم».

انجام: «قوله: للإطلاق أی لاطلاق کلام المصنّف «ره» و لو قال: لإطلاق المستند ــ و هو أخبار کثیره ــ لکان أولی، کما لا یخفی».

مولانا رفیع بن رفیع گیلانی مقیم اصفهان، عالم بزرگوار دارای تألیفات اصولی و فقهی معتبر، در «کرام برره: ش ۱۰۳۳» شرح حال دارد و درگذشتش را در حدود ۱۲۴۵ نوشته اند. امّا «المشهدی» در عنوانش اشتباه است و مشهدی رفیعای دیگری است که در «کواکب منتشره: ۲۸۳» ذکر شده است.

همچنین مطلبی که از «اللآلیء الثمینه» نقل فرموده اند، ربطی به این عالم بزرگوار ندارد. پس از «و له آثار جلیله هامّه» تا «انتهی ملخّص ما فی اللآلیء» در سطر یکم (صفحه ۵۷۸) زائد و اشتباه است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. به قرائن در زمان مرحوم آقا میر محمد معصوم در اواسط قرن ۱۳ نوشته شده است. آثار تصحیح و مقابله ندارد.

ص : ۲۸۲

«۲۷۷» حاشیه الروضه البَهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه ــ عربی)

از: یکی از دانشمندان سده دوازدهم.

کتاب: حاشیه مبسوط معتبری است بر کتاب المیراثِ شرح لمعه شهید ثانی قدس سره . و در آن از «الزهرات الذویّه فی الروضه البهیّه» که حاشیه مدوّنه بزرگی است بر شرح لمعه، از معاصر خود، علاّمه مرحوم مولانا شیخ علی شهیدی (۱۰۱۳ ــ ۱۱۰۳)، مکرّر نقل می کند، امّا به عنوان حاشیه و تعلیقه:

«ثمّ ههنا دقیقه لفظیّه قد أفادها بعض من عاصرناه من حفَده الشارح فی تعلیقاته علی ذلک الشرح...».

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. در زمان مؤلّف نوشته شده و تا اواسط نسخه حواشی بسیار از شخص مؤلّف «منه، دام ظلّه» دارد.

آغاز: «بسم... استحقاق انسان، إلخ. فیه أنّ المراد بالانسان فی الموضعین إمّا الانسان بالفعل أو الأعمّ منه و من الانسان بالقوّه...».

انجام ناتمام: «لموافقتها لمذهب بعض العامّه. قوله: سواء کان الأبوان موجودان».

ظهر نسخه: «من متملّکات أقلّ طلبه بدرالدین ابن نورالدین محمّد الحسینیّ». سجع دو مهر بادامی: «عبده بدرالدین الحسینی ۱۱۳۲». ۱۳۶ برگ وزیری.

حاشیه الروضه البهیّه: مخزن الأسرار الفقهیّه

حاشیه الروضه البهیّه: المناهج السّویّه

«۲۷۸» حاشیه ریاض المسائل

(فقه ــ عربی)

از: مرحوم آخوند ملاّ محمد تقی بن حسینعلی هروی اصفهانی صاحب «الحدیقه النجفیّه. ش ۳۴۸».

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر کتاب «ریاض المسائل فی بیان أحکام الشرع بالدلائل» تألیف مرحوم آقا میر سید علی طباطبائی کربلائی (متوفّی ۱۲۳۱).

نسخه: از آغاز کتاب طهارت است تا مبحث تغسیل و تکفین که به خواهش جمعی از طلّاب که ریاض را در نزد شارح می خوانده اند تألیف کرده، چنان که خود در آخر این نسخه گفته، و هم گفته است: چون کلام بدینجا رسید دوست داشتم به این دو بیت خاتمه دهم:

ولایتی لأمیر النحل تکفینی عند الممات و تغسیلی و تکفینی

و طینتی عجنت من قبل تکوینی فی حبّ حَیْدَرَ، کیف النار تکوینی

و سپس گوید: فراغت حاصل شد از این تعلیقات در مشهد حسین بن علی علیهماالسلام بر دست مؤلف در روز ۲۱ محرم ۱۲۸۹....

ناگفته نماند که در مقدّمه نیز مؤلّف گوید: «انّ هذا تعلیقه وجیزه علّقتها علی کتاب ریاض المسائل» که این کتاب را مؤلّف به عنوان «تعلیقه» یاد کرده است.

نام کاتبِ نسخه معلوم نشد و پیداست در کربلاـ نوشته شده در زمان مؤلّف و به دست یکی از شاگردانش، چون در آغاز کتاب کاتبْ خود به حُمره چنین نوشته است:

«هذه تعلیقه علی الریاض لأستادنا الأعظم و مولانا الأفخم زبده المحقّقین و قدوه المدققین الاخوند ملاّ محمدتقی الهروی».

ظاهرًا نسخه به نظر مؤلف رسیده و چند جا در حاشیه احتمال دارد به خطّ خود مطالبی نوشته باشد.

ص : ۲۸۴

«۲۷۹» حاشیه زبده الأصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: شیخ بهاءالدین محمّد بن حسین عاملی اصفهانی ــ علیهما الرحمه ــ (متوفی ۱۰۳۰).

کتاب: حاشیه ای است که شیخ بر «زبده الاصول» تألیف خود نگاشته و چنان که در پایان این نسخه آمده در ۱۲ محرم ۱۰۱۸ از تبییض آن فراغت یافته است.

نسخه: به خطّ علی بن کربلای رضاقلی ایروانی. روز پنجشنبه ۱۶ ماه رجب ۱۲۳۹ در مدرسه جدّه کوچک اصفهان از استنساخ آن فراغت یافته است.

«۲۸۰» حاشیه شرایع الاسلام

(فقه ــ عربی)

از: محقّق کرکی شیخ علی بن حسین بن عبدالعالی ــ علیهم الرحمه ــ (متوفی ۹۴۰).

کتاب: حاشیه ای است بر «شرایع الاسلام، فی أحکام الحلال و الحرامِ» محقّق حلّی علیه الرحمه.

نسخه: از آغاز تا کتاب تجارت است. ختم کتابت: ماه صفر ۹۷۳. مقداری از اوّل نسخه ناقص بوده که مجتهد جلیل مرحوم آقای حاج میر سیّد علی چهارسوقی (نیای گرامی) آن را نوشته و تکمیل نموده اند. تملّك و مهر آن مرحوم به تاریخ ۱۲۶۹، ظهر نسخه هست. تملّك و مهر طاهر بن کربلائی محمدعلی سورکی در آخر نسخه دیده می شود.

نسخه دیگر در مجموعه شماره (...)

«۲۸۱» حاشیه شرایع الاسلام فی أحکام الحلال و الحرام

(فقه ــ عربی)

از: نامعلوم، و ظاهرًا از محقّقین قرن سیزدهم بوده است.

نسخه: از شرح کتاب التجاره که یازدهمین کتاب شرایع است تا آخر کتاب العاریه که بیست و یکمین کتاب می باشد، و کاتب نام خود و تاریخ کتابت نسخه را ننوشته، تنها در چند موضع در حاشیه یادداشت کرده است که نسخه را از روی نسخه اصل و نسخه دیگر استنساخ نموده.

«۲۸۲» حاشیه شرح الاشارات

(فلسفه ـ عربی)

از: مرحوم آقا حسین بن جمال الدین محمّد، محقّق خوانساری (متوفی ۱۰۹۸).

کتاب: چنان که خودْ در آخر قسم إلهی یعنی پایان کتاب اشاره کرده است، تعلیقه ای است بر کتاب «مشکلات الاشارات» که شرح خواجه نصیرالدین طوسی ـ علیه الرحمه ـ است بر کتاب «الاشارات و التنبیهات» شیخ الرئیس ابوعلی سینا و بر شرح شرح که ظاهرًا مقصودش کتاب «المحاکمات بین شارحی الاشارات» قطب الدین رازی است و بر «حاشیه محقق شیرازی باغنوی» که مقصودش ملاّ حبیب اللّه معروف به میرزاجان است. و این کتاب مشتمل است بر دو بخش طبیعیّات و الهیّات، و در «ذریعه ج ۶ ص ۱۱۱» تاریخ فراغت از تألیف آن را روز دوشنبه ۴ ماه شعبان ۱۰۷۱ ذکر کرده اند.

نسخه: نام کاتب ندارد و تاریخ ختم استنساخ: روز یکشنبه ۲۲ صفر ۱۱۰۴، و حواشی از فرزند مؤلّف، آقا جمال الدین محمد خوانساری با رمز «جم، مد ظله العالی» و امثال این تعبیرات در نسخه هست.

تملّك مرحوم میر محمد اسمعیل بن ابوالمحسن حسینی خاتونابادی، به تاریخ ۱۲۱۴ روی برگ اوّل نسخه نوشته شده.

آغاز نسخه: «بسم... قال المح [یعنی المحاکم] قد عرفت فیما سبق أنّ الاشاره، إلخ، أی الحکم».

ص : ۲۸۶

«۲۸۳» حاشیه شرح الألفیّه

(نحو ــ عربی)

از: شیخ حسن بن علی بن احمد شافعی ازهری، معروف به بدرالدین مَدابِغی (متوفی ۱۱۷۰).

مآخذ شرح حالش در «الأعلام ۲: ۲۰۵ ــ ۲۰۶» و «معجم کحّاله ۳: ۲۴۸» مذکور است.

کتاب: حاشیه مَدابِغی است، بر «شرح نورالدین ابوالحسن علی بن محمّد اشمونی، بر ألفیّه ابن مالک»(۱) و بسیار مهمّ، مبسوط و پر فائده.

نسخه: به خطّ مقبل بن حسن است که از حواشی نسخه شخص محشّی، استخراج کرده و به هنگام اذان عصر روز پنجشنبه پایان (ختام) ماه رجب ۱۱۹۶، در صالحیّه شام، از آن فراغت یافته است.

تملّکِ ابراهیم البلاغی و علی آل سلیمان و مهرِ حجّه الاسلام شفتی «محمد باقر بن محمد نقی الموسوی» ظهر نسخه است.(۲)

حاشیه شرح الایساغوجی: مجموعه ش (...)

«۲۸۴» حاشیه شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: حبیب اللّه بن عبداللّه دهلوی، مشهور به ملّا میرزاجان باغنوی، صاحب «حاشیه

۱- ۱) فی نشره «أخبار التراث العربیّ» الّتی یُصدرها معهد المخطوطات بجامعه الدول العربیّه. العدد ۳۰. السنه الثانیه. القاهره. یوم الأحد «۹ / ۹/ ۱۳۹۲» ص ۸: «الأستاذ عبدالکریم الأسعد، من سوریا، و هو یُعدّ رساله ماجستیر موضوعها «أبوالحسن الاشمونی و کتابه منهج السّالک إلی ألفیّه ابن مالک. و ذلک فی کلّیّه الاداب بجامعه عین شمس تحت إشراف الدکتور رمضان عبدالتوّاب الاستاذ المساعد...»».

۲- ۲) دور نیست که سیّد حجّه الاسلام ــ أعلی اللّه مقامه ــ در نگارش «حاشیه البهجه المرضیّه» خود از این نسخه استفاده شایان فرموده باشد.

حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۵۹».

کتاب: حاشیه ای است بر مبحث جواهر و أعراض شرح ملّا علی قوشجی «ظ»، بر تجرید الکلام خواجه نصیرالدین طوسی أعلی اللّه مقامه.

آغاز: «قوله: فناسب ذلک. حاصل وجه المناسبه».

انجام: «علی أنّ الحرکه و السّکون مهمّ الکون دون الخبر».

نسخه: خطّ قوام الدین محمّد. تاریخ پایان کتابت: شب هفتم محرّم ۱۰۶۲.

تملّک عمادالدین محمود حسینی و دو مهر او: «یا عماد من لا عماد له» و «یا اللّه المحمود...» و تملّک و مهر «عبده ابوالحسن» که ظاهرًا از مرحوم ملّا ابوالحسن شریف عاملی است، ظهر نسخه هست.

«۲۸۵» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: ۱۱۲۴.

مُهر «محمّـد بـاقر العلوم» و «لاـ إله إلاّ اللّه الملک الحقّ المبین. محمّـد باقر بن محمـد تقی ۱۱۵۷» و «لاـ إله الاـ اللّه الملک الحقّ المبین. محمّد رضا» ظهر نسخه هست.

«۲۸۶» حاشیه شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: جلال الدین محمّد بن أسعد دوانی، معروف به محقّق دوانی (متوفّی ۹۰۸).

کتاب: حاشیه ای است بر «شرح تجرید» ملّا علی فاضل قوشجی، که از هنگام نگارش آن تا این اواخر، یعنی در طول بیش از چهار قرن مورد اعتناء و استقبال و دست مایه طلّاب فلسفه و کلام بوده و معروف است به «حاشیه قدیمه جلالیّه»، و حاشیه بر آن در شماره های (۲۵۷) و (۲۵۸) گذشت.

نسخه: به خطّ سلطان محمّد حسینی دامغانی. پایان استنساخ: روز دوشنبه «یا دوّم» ماه رمضان ۱۰۶۵، در مدرسه معصومه بلده طیّبه قم.

در دو برگ آخر، چند تحقیق علمی از محمد هادی بن معین الدین محمّد آمده است. _ همان دانشمند ماهر متبحّر مذکور در «روضه نضره: ۶۲۸ _ ۶۲۹» _ .

روی برگ یکم، چند تملّک و یادداشت از خاندان بزرگ سادات خاتونابادی اصفهان دیده می شود ازجمله مُهر امیر عبدالواسع «عبده عبدالواسع الحسینی ۱۱۴۷ ظ» و تاریخ شروع یکی از این خاندان در قرائت کتاب در روز شنبه هشتم شوّال ۱۱۰۴، نیز تاریخ شروع دیگری به خواندن آن در اواخر ذیالحجّه ۱۰۶۶، و تملیک میر محمّد صالح امام جمعه(۱) نسخه را به فرزند ارجمندش میر محمد حسین، و مُهر او «محمّد صالح الحسینی ۱۰۹۰ ظ»، و تملّک و مهر همو «العبد محمّد حسین الحسینی...»، و تملّک فرزند میر محمد حسین که نامش با گوشه هایی دیگر از تملّکات در صحافی رفته است.

ایضًا: تملّک نیای گرامی، آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» و مُهر ایشان «محمدباقر بن زین العابدین الموسوی» در همان جا هست.

اوائل نسخه دارای حواشی بسیاری است، از جمله چند حاشیه از «حمزه» که ظاهرًا مقصود ملّا حمزه گیلانی فیلسوف حکیم بارِع اواخر زمان صفویّه است و شرح حالش به اجمال در «کواکب منتشره: ۲۲۸» دیده می شود.

ص : ۲۸۹

۱- ۱) در کنار خطّ آن مرحوم، امام مجدّد نوشته اند: «هذا خطّ الأمیر محمد صالح الخاتون آبادی زوج ابنه العلّامه المجلسی «ره» و أبو أسباطه و کان امام الجمعه باصبهان». گوشه هایی درباره علماءِ أعلام سادات خاتونابادی در «کتاب دو گفتار» و «مقاله در احوال و آثار ملّا محمّد علی تونی»، هر دو از این جانبْ یاد شده است.

«۲۸۷» نسخه دیگر

نسخه: از آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست.

حواشی از ملّا میرزا و آقا حسین و آقا جمال خوانساریین ــ علیهم الرحمه ــ دارد.

ظهر نسخه تملّك عمادالدین محمّد حسینی، و مُهر «و إنّه فی أُمّ الکتاب لدَینا لعَلیٌ حَکیم» و تملّك و مُهر والد ماجد نویسنده این فهرست «محمّد هاشم بن جلال الدین الموسویّ» دیده می شود.

«۲۸۸» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است و دارای حواشی بسیار از «منه، رحمه اللّه» و «آقا جمال، ره» و «عب، رحمه اللّه» و «ملّا میرزا، رحمه اللّه» و «آقا، مدّ ظلّه» و غیره.

«۲۸۹» نسخه دیگر

نسخه: از آخر ناقص است. دارای حواشی «منه» و «صدرالدین دشتکی» و «میرزا جان» و غیره.

شرح حال دوانی در ظهر نسخه ــ به اختصار ــ از کتاب «سُلّم السّماوات» نقل شده است.

نسخه از کتابخانه خاندان فیض کاشانی ــ علیه الرحمه ــ بوده، خطوط آنان در ظهر نسخه دیده می شود، و تملّك میر علی بن حاجی محمّد سلیم مهروشنی. شرحی نیز به خطّ مرحوم آقا سیّد محمّد مهدی نایب الصدر اصفهانی دارد، و در این اواخر از کتابخانه مرحوم آقا شیخ محمّد رضا نجفی اصفهانی ــ علیه الرحمه ــ بوده است.

«۲۹۰» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل ناقص می باشد و در صفحه آخر، کاتب نام خود را محمّد قاسم بن ملّا ابراهیم... ، و تاریخ کتابت را سنه ۱۰۹۶ در مدرسه میرزا محمد شفیع اصفهان قید کرده است. حواشی متفرقه در سراسر نسخه هست.

آغاز نسخه: «بوجود آخر لم يناقض ذلك».

«۲۹۱» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز و انجام ناقص است، و دارای حواشی بسیار از «منه» و «آقا حسین» و «آقا جمال» و «ملّا میرزا» و «ملّا عبداللّه» و «کمال الدین حسین لاری». از آثار سده یازدهم است.

«۲۹۲» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ استنساخ: روز پنجشنبه هشتم ماه رمضان ۱۰۶۷. حواشی «منه» و کمی از حواشی «جم» در حاشیه ها نوشته شده. و در آخر نسخه دو صفحه به عنوان «المطالب تنقسم إلی أُمّهات» به نقل از «شرح القسطاس» به خط کاتب نوشته شده است.

در ذیلِ تاریخ استنساخ، مهری است که سجع آن «اللّهمّ اجعلني بحق النّبيّ كاسمي معصومًا» می باشد.

«۲۹۳» نسخه دیگر حاشیه شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: جلال الدین محمّد بن اسعد دوانی صدیقی، معروف به محقّق دوانی.

ص : ۲۹۱

کتاب: «حاشیه جدید» است بر «شرح تجرید الکلام» ملّا علی فاضل قوشجی، و مؤلّف آن را به تقریبی در ردّ بر امیر صدرالدین محمّد دشتکی (۸۲۸ _ ۹۰۳) نگاشته است، زیرا دشتکی پس از دیدن «حاشیه قدیمه جلالیّه»، خود حاشیه ای بر «شرح تجرید» نگاشته و در آن بر دوانی بسیار خرده گیری کرده است.(۱)

دوانی در اواخر این شرح، مطلبی به فارسی از «شرح حکمت علائی» نقل کرده و گوید: «گمان می کنیم این شرح از شیخ عمر بن الخیّام است».

نسخه: اوّل و آخر ندارد و از آثار آغاز سده یازدهم می نماید.

«۲۹۴» نسخه دیگر حاشیه شرح تجرید الکلام

(کلام _ عربی)

از: مولانا میرزا محمّد بن حسن مدقّق شیروانی اصفهانی (متوفی ۱۰۹۸) _ علیه الرحمه _ صاحب «حاشیه شرح مختصر المنتهی. ش ۳۰۴» و «شرح معالم الاصول. ش ۵۳۳» : «دو گفتار، روضاتی: ۲۸ و مواضع دیگر». نمونه خطّ آن مرحوم در «فهرست رضویّه ۵: روبروی ص ۴۳۲» دیده می شود.

کتاب: به شرحی که خود محشّی در مقدّمه فرموده، حواشی است بر إلهیّات «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین طوسی رحمه الله و بر «شرح جدید» که شرح علاءالدین علی قوشجی است و نیز توضیح مشکلات «حاشیه شمس الدین محمد بن احمد خفری. ش ۱۵۲» بر شرح مزبور.

مؤلّف در مقدّمه، مدحی بلیغ از شاه سلیمان صفوی نموده و این کتاب را تحفه

---

۱ - ۱) دشتکی حاشیه جدید دوانی را نیز ردّی نگاشته است. شرح حال دشتکی و دوانی در «احیاء الداثر اشتراکی: ۲۱۸ _ ۲۲۲» آمده است، امّا سخنان و آراءِ شخصی متصدّی تحقیق، به جای حاشیه، بر حسب معمول، متن را دچار انحراف از مقصد و مرام مصنّف بزرگوار کرده است.

حضرت او گردانیده است.

در مقدّمه یا موضع دیگری از نسخه حاضره، مطلقًا نامی از ملّا میرزای شیروانی نیست و حقیر از تطبیق آغاز نسخه با آنچه از سرآغاز نسخه کتابخانه مجلس در فهرست آن کتابخانه نقل شده است، دریافتم که این حاشیه از مرحوم شیروانی است. در «ذریعه ۶: ش ۷۲۶» تاریخ تألیف را به نقل از یک نسخه، در «ماه رجب ۱۰۷۶» نوشته اند.

نسخه: شامل دو بخش است به دو خط. بخش اوّل از آغاز حاشیه است که به این عبارت شروع می شود:

«خیر ما یوشّح به معاقد الکلام» تا شرح «قوله و انتفاعه بأن یقال انّ صفه العالم، ا.ه».

و خاتمه چنین است:

«أو بجوهر مجرّد هو المبدع الأوّل له «تع» ممّا سبق تفصیله و کذلک ما سیجیء من حضور الاشیاءِ بأعیانها. تمّت».

بخش دوّم به این عبارت شروع می شود:

«قال المص، قدّس سره: و انتفاء القبح ید ل علی صدقه. أقول: یمکن أن یکون مراده أنّ انتفاء القبح»،

و به این عبارت خاتمه می یابد که پایان نسخه است:

«و هذه الأولویّه ضروریّه. هذا اخر کلام المص أطال اللّه عمره، و الحمد للّه رب العالمین».

نام کاتب ها و تاریخ کتابت مطلقاً در نسخه نیست و ظاهرًا، تمامًا در زمان حیات محشّی نوشته شده و مقصود از «المصنف، أطال اللّه عمره»، مولانا میرزای محشّی است.

«۲۹۵» حاشیه شرح تلخیص المفتاح

(ادب ــ عربی)

از: ابوطالب بن ابوالفتح الحسینی «مقدّمه کتاب».

ص : ۲۹۳

در «احیاء الداثر: ۱۱۱» فرماید: «المیر أبوطالب بن المیر أبی الفتح الحسینی الشیرازی. له حاشیه علی شرح الجامیّ الموسوم بالفوائد الضیائیّه، و نسخه الحاشیه موجوده فی «الرضویّه»، تاریخ کتابتها (۱۰۰۸) »: «الذریعه ۶. رقم ۲۸۳». پایان.

ملاّ عبدالرحمن جامی متولّد ۸۱۷، متوفّی ۸۹۸ است. از این روی با در نظر گرفتن تاریخ کتابت (۱۰۰۸)، میر ابوطالب را در اعلام قرن دهم نوشته اند.

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر کتاب «مختصر المطوّل» که شرح مزجی دوّم و مختصر سعدالدین تفتازانی مسعود بن عمر (متوفی ۷۹۲) است بر «تلخیص المفتاحِ» خطیب دمشق جلال الدین محمّد بن عبدالرحمن (متوفی ۷۳۹) که تلخیص قسم معانی بیان «مفتاح العلومِ» سکّاکی است و شاید نام این حاشیه «أشعّه لامعه» باشد.

حاشیه بر شرح مزجی اوّل را به عنوان «حاشیه المطوّل» می نویسیم.

آغاز: «بسم. نحمدک اللّهمّ علی تلخیص البیان... امّا بعد فیقول... انّ هذه أشعّه لامعه و أنوار ساطعه طالعه من مطالع شرح کذا الثانی لمختصر المعانی».

انجام موجود: «قوله: الفنّ الأوّل. اعلم أنّ الکتاب و أجزائه یطلق علی المعانی السّبعه المشهوره... فما ذکره الفاضل المحشّی هنا قاصر علی ما لا یخفی علی صاحب الطبع السّلیم و الفهم المستقیم».

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و مطلب در وسط صفحه آخر، ناتمام مانده است. ظاهرًا از آثار قرن یازدهم می باشد.

«۲۹۶» حاشیه شرح تلیخص المفتاح

(ادب ــ عربی)

از: نامعلوم، و با مراجعه به «کشف الظنون» نیز شناخته نشد.

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر کتاب «مختصر المطوّل» تفتازانی (ش ۲۹۵).

ص : ۲۹۴

آغاز: «بسم. نحمدك اللّهمّ على ما أعطيتنا من سوابغ النّعم و بوالغ الحكم».

انجام:«بل المتروك بالمتروك اليه فيق ترك المعين الى غير المعين او الخطاب».

نسخه: نام كاتب ندارد. تاريخ ختم استنساخ: شنبه ششم جماداى يكم ۱۲۴۶.

حاشيه شرح حكمه العين: مجموعه ش (...)

«۲۹۷» حاشيه شرح تلخيص المفتاح

(ادب ــ عربى)

از: فاضل خطايى (يا ــ خطآئى)، عثمان بن عبداللّه، نظام الدين حنفى، مولانازاده.

آگاهى مستندى كه از اين فاضل دانشمند داريم معاصر بودن با مير سيّد شريف جرجانى حنفى متوفى به سال ۸۱۶ است، چنان كه در اوائل حاشيه بر مطوّل «در نهمين صفحه نسخه خطّى ما» گويد:

«الى ذلك أشار السيّد ــ سلّمه اللّه ــ فى حواشى الكشّاف» كه اين گونه دعاء، صريح در حالت زنده بودن مير سيّد شريف است.

ديگر، گفته كاتب چلبى (متوفى ۱۰۶۷) در «كشف الظنون ۱: ۴۷۶» است كه همين كتاب مورد بحث را اين گونه شناسانده است:

«و حاشيه مولانا نظام الدين عثمان الخطايى المتوفى سنه (۹۰۱) احدى و تسعمائه، و هى حاشيه لطيفه».

نيز در (ستون ۴۹۷) حاشيه ديگرى از او بر كتاب «التلويح فى كشف حقائق التنقيح» باز از تفتازانى در اصول فقه را گويد:

«و حاشيه العلّامه مولانازاده عثمان الخطايى. ذكره حسن چلبى و نقل عنه» كذا. كه از اين دو موضع «كشف الظنون» معلوم مى شود كه اين شخص:

۱ ـ نامش عثمان است بدون ذکر نام پدر و شهرتش خطایی است و در هر دو موضع خطایی با دو یاء آخر الحروف است.

۲ ـ در موضع اوّل مولانا و در موضع دوّم مولانازاده است.

۳ ـ در موضع دوّم لقب او را نظام الدین نوشته است.

۴ ـ در موضع نسخه، وفاتش را هم با رقم و هم با حروف، در نهصد و یکم دارد و این بسیار شگفت آور است، چه با معاصر بودنش با شریف جرجانی متوفی به سال هشتصد و شانزده سازش ندارد، مگر آن که بسی بیش از یکصد سال عمر کرده باشد یا این که تاریخِ ۹۰۱ اشتباه باشد و مؤیّد این نظر، نقل حسن چلبی متوفی در هشتصد و هشتاد و شش از او است.

دو دیگر: اسماعیل پاشا در «هدیّه العارفین ۱: ۶۵۶» گوید:

«الخطائی. عثمان بن عبداللّه، نظام الدین الخطائی الحنفی المعروف بمولانازاده المتوفی سنه (۹۰۱). له حاشیه علی التلویح للتفتازانی فی الاصول، حاشیه علی مختصر التفتازانی لشرح التلخیص، حاشیه علی المطوّل فی المعانی و البیان».

کحّاله در «معجم المؤلّفین ۶: ۲۵۸ ـ۲۵۹» همین سخنان را بی کم و بیش آورده است. پس در «هدیّه العارفین» نام پدر و مذهب حنفی داشتن او را افزوده و «خطایی» را با همزه و یاء، «ئی» نوشته است.

ملاّی دیگری از اهل سنّت امّا شافعی مذهب در «الکواکب السّائره» و از آنجا در «شذرات الذهب»، و از هر دو در «معجم المؤلّفین ۱: ۳۱۰» به این صورت آمده است:

«احمد مُنلازاده. توفّی فی حدود (۹۰۱). أحمد بن عثمان السمرقندیّ الخطابیّ الشافعیّ الشهیر بمُنلازاده شهاب الدین، عالم فقیه مُقرئ، من تصانیفه کتابٌ جمع فیه من الهدایه و المحرّر، شرح هدایه الحکمه، و شرح الشمسیّه».

ص : ۲۹۶

شیخ بزرگوار ما قدس سره در «الذریعه ۶: ۷۰»، آنجا که سخن از حاشیه جای گفتگو داشته اند، در حاشیه، بحثی مفصّل پیرامون نویسنده آن فرموده و با این که چاپ قدیم «کشف الظنون» را در دست داشته و آنجا نیز «خطایی» با دو یاء بوده است، آن را نپذیرفته و آن شخصی را که در «شذرات الذهب» دیده اند ــ به ظن قوی ــ همان صاحب حاشیه مورد بحث و نسبتش را «خطابی» به باءِ دوّم حروف و منسوب به جدّش خطّاب دانسته اند.

با توضیحاتی که نوشتیم این نظریّه را نمی توان پذیرفت، و اطاله سخن در این باب به ملاحظه همین حاشیه «ذریعه» بود، و اللّه المستعان.

کتاب: حاشیه ای است بر شرح مختصر تفتازانی بر «تلخیص المفتاح»، به «قَولُه».

نسخه: نام کاتب ندارد. پایان کتابت: ۲۹ محرّم ۱۱۰۷. اندکی از حواشی مرحوم ملّا عبداللّه یزدی بر این کتاب ــ که به شماره ۲۶۵ گذشت ــ در کنار صفحات آمده است.

«۲۹۸» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب ندارد و تاریخ پایان کتابت: «یوم الخمیس» ماه صفر ۱۰۲۳. چند برگ از آغاز افتاده و اوائل نسخه دارای حواشی پراکنده ای است.

«۲۹۹» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب که خود از اهل فضل بوده ندارد، و از سده یازدهم یا دوازدهم است. حواشی بسیار از مرحوم ملّا عبداللّه یزدی دارد. همچنین حواشی دیگر از: جمال، کمال، خواجه، شاه علی، سلط، محمد هادی دام ظلّه، سیف، فصیح، رضی، چلبی، سیّد، حسین، ن، سع، عصام الدین، و دیگران.

تملّك محمّدباقر بن آقا محمد و مُهر او «یا امام محمّد باقر» ظهر نسخه هست. و نیز تملّک شخصی که سجع مهر او «حسین منّی و انا من حسین» است.

روی برگ نسخه ابیاتی منسوب به امیرالمؤمنین ــ سلام اللّه علیه ــ و فوائد متفرّقه چندی به خطّ کاتب نوشته شده است.

«۳۰۰» حاشیه شرح الشمسیّه

(منطق ــ عربی)

از: میر سید شریف محقّق جرجانی علیّ بن محمد حسینی حنفی (متوفی ۸۱۶).

کتاب: حاشیه ای است به «قوله. أقول» بر کتاب «تحریر القواعد المنطقیّه» تألیف قطب الدین محمّد بن محمّد رازی، معروف به ملاّـ قطب تحتانی (متوفی ۷۶۶)، در شرح رساله «الشمسیّه» در علم منطق تألیف نجم الدین عمر بن علی قزوینی معروف به کاتبی (متوفی ۶۷۵)، و در «کشف الظنون» گوید حاشیه میر سیّد شریف مذکور معروف است به «حاشیه کوچک»، و در «ذریعه» گوید که به طبع رسیده است.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ پایان استنساخ: ۱۰۱۳. حواشی متفرّقه از محشّیان این کتاب در حاشیه ها نوشته شده است.

«۳۰۱» حاشیه شرح مختصر المنتهی

(اصول فقه ــ عربی)

از: میر سید شریف جرجانی علیّ بن محمّد بن علیّ حسنی حسینی حنفی استرآبادی (متوفی ۸۱۶).

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر شرح قاضی عضدالدین عبدالرحمن بن احمد بن عبدالغفّار ایجی شیرازی شافعی (متوفی ۷۵۶) بر کتاب «مختصر منتهی السؤل و الأمل فی علمی الأصول و الجدل» معروف به «مختصر الاصول»، که هم «مختصر» و هم

«منتهی» هر دو تـألیف ابو عمر و عثمان بن عمر بن ابی بکر مالکی معروف به ابن الحاجب (متوفی ۶۴۶)، و این حاشیه ای است در کمال توضیـح و تحقیق و سیّد شـریف از اوّل شـرح قاضـی عضد شروع کرده و تا آخر مبحث مقدّمه واجب رسانیده است، فقط: «ذریعه: ۶ ص ۷۵ سطر ۲۶».

آغـاز: «بسم اللّه الرحمن الرحیم. قوله: الحمـدللّه. أردف التّسـمیه بالتّحمیـد فی مفتتـح الکلام اقتفاءً لما ورد فی الأخبار و اقتـداءً بطریق الأخبار و أداءً لبعض حقوق...».

«قوله من لطف اللّه تعالی. یعنی من لطف اللّه سبحانه بعباده إحداث الموضوعات اللّغویّه. فانّه، أی فانّ اللّه».

آغاز مبحث مبادی لغویّه: «بأن یصـرّح أهل اللّغه باسـمه ظ کقولهم هذا اللّفظ مجاز او بحدّه کقولهم هذا اللّفظ مستعمل فی غیر وضع أوّل علی وجه یصحّ».

انجـام: «و لا ـ یلزم إهمـال حالهـا لأنّهـا قـد علمت ههنا و اللّه اعلم بالصّواب. تمّ فی منتصف شـهر ذیالحجّه الحرام سـنه (۱۰۳۹)، حسب الاراده مخـدومی أعزّی فضـیلت پناهی مولانا حسـین شـیرازی نوشـته شد. العبد المذنب أقلّ خلق اللّه ابن محمّد الخفری عبداللّه، عفی عنهما».

تملّک محمّـدعلی بن محمّـد صادق مجلسـی و محمّـد مهدی بن محمد حسـین الحسـینی و یادداشت های دیگر در اوّل و آخر نسخه هست.

«۳۰۲» حاشیه شرح مختصر المنتهی

(اصول فقه ــ عربی)

از: ملاّ میرزا جان حبیب اللّه باغنوی شیرازی صاحب «حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۵۸».

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر شرح مختصر الأصول عضدی (ش ۳۰۱).

ص : ۲۹۹

آغاز: «قوله: من لطف اللّه تعالی إحداث الموضوعات اللّغویّه. هذا الکلام یدلّ بظاهره علی أنّ الأصوات و الحروف مخلوقه له تعالی».

انجام: «لا یصیر سببًا لأن نعمل به دون الأخر، فتامل، فتامل. تمّ بحمد اللّه و حُسن توفیقه».

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، به قرائن در قرن یازدهم نوشته شده و تمامًا به یک خطّ و اسلوب است. مهرِ محمّد جواد الموسوی در آخر نسخه هست. از کتابخانه مرحوم آقا شیخ محمّد رضا ابوالمجد اصفهانی.

«۳۰۳» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ مولانا اسمعیل بن محمّد حسین خاجویی (متوفّی ۱۱۷۳) است و تا شرح «قوله: و أین أحدهما من الاخر»، به این جمله خاتمه یافته است که: «إذ سیجیءُ أن لا فرق بین العامّ المخصّص» و بقیّه نوشته نشده است.

ظهر نسخه فقط تملّک میر محمّد اسمعیل بن أبوالمحسن الحسینی الخاتون آبادی در ماه رجب ۱۲۰۱ دیده می شود.

ناگفته نماند که مطلقاً هیچ نام و نشانی از مؤلّف اصل و شارح و محشّی و کاتب و امثال آن، در هیچ جای نسخه به نظر نرسید. این جانب تمام مشخّصات فوق را از آگاهی های شخصی خود و تطبیق با نُسخ و علائم خارجی ثبت و ضبط نمود و در آنچه نوشته شد جای هیچ گونه تردید و شبهه ای باقی نیست، و الحمد للّه ربّ العالمین.

«۳۰۴» حاشیه شرح مختصر المنتهی

(اصول فقه ــ عربی)

از: آخوند مولانا میرزای شیروانی (متوفی ۱۰۹۸)، صاحب «حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۹۴».

ص : ۳۰۰

کتاب: حاشیه ای است به «قولُه» بر «شرح قاضی عضدایجی. ش ۳۰۱»، همان حاشیه ای که در «ذریعه ۶: ۱۲۹ ش ۶۹۶» آن را از یکی از علمای شیعه دانسته و گفته اند که شاید از آقا جمال خوانساری باشد. و در همان جا «ش ۷۰۸» گویا به پیروی از برخی نسخه ها، به اشتباه، حاشیه ملّا میرزا جان باغنوی را به ملّا میرزای شیروانی نسبت داده اند.

آغاز: «بسم. قوله: بأن یصرّح أهل اللّغه باسمه بأن یقول: هذا مجاز، أو بحدّه».

انجام موجود: «و ینافی العلّیه و ینحصر الفرق بین هذا الدلیل و الدلیل الثانی فی أنّه فی الأوّل».

نسخه: از آخر ناقص است و هیچ گونه امتیاز و مختصّاتی ندارد و در حواشی نیز چیزی نوشته نشده است.

در گوشه بالای روی برگ اوّل نوشته اند: «حاشیه ملّا میرزا شروانی».

«۳۰۵» حاشیه شرح مختصر المنتهی

(اصول فقه ـ عربی)

از: جمال الدین محمّد بن الحسین الخوانساری «خاتمه مؤلّف»، معروف به آقا جمال ـ علیه الرحمه ـ ، صاحب «حاشیه حاشیه تجرید الکلام. ش ۲۶۲».

کتاب: حاشیه ای است به «قَولُه» بر «شرح [حاشیه. ظ] میر سیّد شریف جرجانی حنفی متوفّی ۸۱۶» بر «شرح مختصر ابن الحاجب. ش ۳۰۱». و این حاشیه مرحوم آقا جمال در چندین مجلّد است.

نسخه: به موجب شماره اوراق که در برخی از صفحات گذارده اند، هفتاد و هشت برگ از اوّل آن ناقص است.

آغاز موجود: «قطع النظر عن حصول المُعارض الأقوی».

انجام: «قول الشارح: قالوا ثانيًا لو صحّ، إلخ. أنت خبير... كما لا يخفى. هذا ما تيسّر لنا من الكلام فيما يتعلّق بالأحكام، و الحمد... و لقد تمّ بيد مؤلّفه الفقير... جمال الدين محمّد بن الحسين الخوانسارى، عفى عنهما، فى أواخر شهر رجب المرجّب سنه سبعين (كذا) بعد الألف...».

تاریخ پایان استنساخ: روز یکشنبه ۲۶ جمادای یکم ۱۱۱۸. نام کاتب ندارد.

آقا جمال، در این مجلّد از خالوی خود «مولانا محمدباقر سبزواری» و پدر خود «آقا حسین خوانساری» در چند موضع نقل کرده و در آن تاریخ، هر دو بزرگوار زنده بوده اند. حواشی مؤلّف در سراسر نسخه به خطّ کاتب نوشته شده است.

«۳۰۶» نسخه دیگر

نسخه: از مبحث ادلّه شرعیّه «من قول المصنّف، قال: مسئله: الأدلّه الشرعیّه: الکتاب و السنّه و الاجماع و القیاس»، تا ابتدای مبحث اجماع.

آغاز: «قال الشارح: لأنّ الدلیل وحیٌ أو غیره. قال فی النّهایه».

انجام: «فلا یکون فیه تعارض أصلًا فلا یلزم نسخ، فتأمّل. و یتلوه مبحث الاجماع».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. از آثار سده ۱۳ است.

«۳۰۷» حاشیه شرح مختصر المنتهی

(اصول فقه ــ عربی)

از: سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی هروی، معروف به ملّا سعد.

کتاب: حاشیه مبسوطی است به «قَولُه» بر شرح عضدالدین عبدالرحمن ایجی (ش ۳۰۱)، و در «فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جلد ششم» به عنوان «شرح الشرح محقّق تفتازانی» (۷۲۲ ــ ۷۹۲)، معرّفی شده است.

ص : ۳۰۲

آغاز: «الحمد للّه الّذی وفّقنا للوصول إلی منتهی أصول الشریعه الغرّاء، و شرح صدورنا بنور الإهتداءِ الی سلوک محجّتها البیضاء».

انجام: «سهل الاطّلاع علی الترجیح علی ما فیه جهه واحده لا جهات علی ما فیه جهتان. الی غیر ذلک من التفاصیل. و هذا معنی قوله. و فیما ذکر ارشاد لذلک. و اللّه الهادی الی سبیل الرشاد. و هو حسبی و نعم الوکیل».

نسخه: به خطّ محمد بن علیّ بن حسن بن حسین الـ ْرلْدی (کذا) الاصفهانی است که در ۱۹ ربیع یکم ۸۸۸، در دارالملک شیراز نوشته است. اوائل نسخه صحّافی و تعمیر شده است.

«۳۰۸» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ أیّوب بن قطلوبک حنفی. تاریخ پایان استنساخ: ۲۷ جُمادای یکم ۷۹۷ در جوار مدرسه صرغتمشیّه قاهره.

تملّک عماد [جمال] الدین محمّد بن حسن بن اسحق حسینی و عماد بن سیّد غلامعلی حَسنی و تملّک و مهر «عبده محمّد جعفر بن غلامعلی» و تملّک محمّد باقر توی سرکانی در اصفهان در ۲۵ ذی القعده ۱۲۳۵ و مُهر نیای بزرگوار، آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین حفید امام مجدّد صاحب الروضات ــ أعلی اللّه مقامهما ــ در ظهر نسخه هست.

توضیح: بیست برگ از آغاز نسخه به خطّی مُغایر خطّ بقیّه نسخه است، و در بالای برگ چهل و یکم نوشته اند: «نصف کمتر از این موضع افتاده است»، و گویا این سخن درست است، چون کاتب اصل در گوشه بالای نخستین برگ هر جزوه «کرّاسه» شماره پیاپی جزوه را نوشته و در این موضع شماره «۱۱» گذارده که معلوم می شود پیش از آن،

ده جزوه بوده است، و هر جزوه دارای ده برگ، و جمعًا نسخه در اصل دارای «۲۱ جزوه» بوده که شماره گذاری شده است. در حال حاضر نسخه دارای «۱۲۸ برگ» می باشد.

«۳۰۹» حاشیه شرح مطالع الأنوار

(منطق ــ عربی)

از: علیّ بن محمّد بن علی حسنی حسینی حنفی، معروف به میر سیّد شریف جرجانی (متوفّی ۸۱۶).

کتاب: حاشیه است بر «لوامع الأسرار» که شرح قطب الدین محمّد بن محمّد رازی شافعی (متوفی ۷۶۶) است، بر «مطالع الأنوار» قاضی سراج الدین محمود ارموی (متوفی ۶۸۹)، و در هامش شرح مطالع چاپ شده است.

نسخه: به خطّ محمّد مؤمن گنابادی. تاریخ پایان استنساخ: غُرّه ذی الحجّه ۱۰۱۳. ظهر نسخه تملّک محمد رضا بن بابا میر القمی الحسینی و علی نقی بن علی، دیده می شود.

«۳۱۰» حاشیه الشّفاء

(حکمت ــ عربی)

از: مرحوم آخوند ملاّ محمّدباقر بن محمد مؤمن سبزواری خراسانی (متوفی ۱۰۹۰).

کتاب: تعلیقه ای است بر قسم حکمت الآهی کتاب الشّفاءِ شیخ الرئیس ابو علی سینا.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و ظاهرًا در زمان حیات محشّی استنساخ شده و شاید برخی اضافات در حاشیه ها به خطّ خود ایشان باشد. چند حاشیه به امضاءِ «ظ. هـ» و غیره دارد.

آغاز: «بسم. الحمد للّه ربّ العالمین... امّا بعد فانّ کتاب الإلهیّات من الشفاءِ ممّا قد

کثرت مراجعه المحصّلین الیه».

انجام: «و کلّ جزء من أجزاء النظام له غایه و المرجع أخیرًا الی العنایه الأُولی و رجع إلی نفس الذّات الأحدیّه».

روی برگ اوّل، تملّک «ابوالقاسم الحسینی الخاتون آبادی» نوشته شده.

«۳۱۱» حاشیه شَوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

از: آخوند ملّا محمّد اسماعیل فرزند آخوند ملّا سمیع یا محمّد سمیع اصفهانی، معروف به ملّا اسماعیل واحدالعین علیه الرحمه.

از گزارش زندگانی این حکیم محقّق مدقّق استاد بارع، جز اندکی آگاهی ــ آن هم در حدّ وصف علم و کمال او ــ در دست نیست. بلکه اشتباهاتی هم به وجود آمده است.

در جلد ششم الذریعه «ش ۷۸۱» که حاشیه جای گفتگو، و «ش ۶۵» که حاشیه أسفار بی ذکر مأخذ، و در جلد سیزدهم «ش ۱۳۷۴» که «شرح العرشیّه»، هر سه را از حکیم استاد شناسانده و در «کرام برره: ۱۴۰» که عنوانش کرده اند، وفاتش را در هر چهار جا به سال ۱۲۷۷ نوشته اند، و برای تعیین این تاریخ هیچ مأخذی نیاورده اند و منشأ آن دانسته نیست.

مرحوم معلّم در «مکارم الاثار ۶: ش ۱۳۵۳» و این حقیر در شرح «روضات الجنّات ۱: ۲۱۷» به استناد آن قول ناشناخته، همان تاریخ ۱۲۷۷ را نوشته ایم.

لکن، اوّلاً در نسخه کتاب جای گفتگو که به خطّ عالم مؤتمَن جلیل القدری است، همه جا ــ در حواشی ــ برای مصنّف طلب رحمت و مغفرت شده، از جمله به این لفظ: «منه، اعلی اللّه سبحانه مقامه فی غُرفات الجنان»، و تاریخ کتابت نسخه ۱۲۷۲ می باشد.

یعنی پنج سال پیش از تاریخ ذریعه و کرام.

و ثانیًا، نسخه ای از «حاشیه حاشیه الخَفری علی شرح التجرید» در شماره (۲۶۱) شناساندیم که پایان کتابت آن در پنجشنبه غُرّه ماه رمضان المبارک ۱۲۴۵ است و در حواشی آن از اوّل تا آخر، به خطّ کاتب متن ـ که او نیز عالم مؤتَمَنی بوده ـ حاشیه هایی است با توقیع «محمّد اسمعیل الاصفهانی، ره» و «محمد اسمعیل، ره» و «للأستاد محمّد اسمعیل، ره» و در همه جا «ره» که مخفَّف «رحمه اللّه» باشد آورده، و این می رساند که آخوند ملاّ اسماعیل در ۱۲۴۵ حیات نداشته است.

بیافزاییم که در حواشی آن نسخه حاشیه های بسیار نیز با همان خطّ و ربط از جناب آخوند ملاّ علی بن جمشید نوری مازندرانی اصفهانی ـ متوفّای شب آدینه بیست و سوم ماه رجب ۱۲۴۶ ـ دارد که همه جا پس از نام ایشان، «زید عمره» و «مدّ ظلّه» و نظیر این دعاها نوشته است.

در ضمن، باید گفت که شواهد چند گویای آن است که در این دو اثر، ملاّ محمّد اسماعیل دیگری متصوَّر نیست، و باید حواشی جمالیّه را از آنِ همین محشّی شوارق جای گفتگو دانست.

از جمله شواهد مهّم این که مرحوم آقا میرزا محمّد بن سلیمان تنکابنی (متولّد ۱۲۳۴ یا ۱۲۳۵)،(۱) در احوال شریف العلماءِ ساکن کربلای معلّی، متوفّی به بیماری طاعون همگانی کربلا در روز ۲۴ ذی قعده ۱۲۴۶ ـ یعنی همان سال فوت آخوند ملاّ علی نوری در اصفهان ـ در کتاب «قصص العلماء: ص ۹۷ ـ ۹۸، چاپ یکم سنگی

---

۱ – ۱) به تعبیر خود آن مرحوم در ص ۶۶: «و مولد این فقیر در سنه ۱۲۳۴ یا هزار و دویست و سی و پنج بود». و در همان جا گوید: «و والد ماجد در عربیّت بسیار مسلّط شد، و در نزد آخوند ملاّ علی نوری مدّت بیست و دو سال تلمّذ نمود و کتب ملاّ صدری را در نزد او دید».

تهران، ۱۲۹۶، بی شماره صفحه» گوید:

«و از جمله تلامذه شریف العلماء آخوند ملاّ اسماعیل یزدی بود... و در آن عهد دو ملاّ اسماعیل وحید عصر بودند: یکی ملاّ اسماعیل واحدالعین اصفهانی که از شاگردان آخوند ملاّ علی نوری بوده، در حکمت، مسلّم عصر، و او را بر «شوارق» حواشی است، و دیگر ملاّ اسماعیل یزدی...»، انتهی.

امّا این وحید عصر یزدی در کربلا جانشین مرحوم شریف العلماء است در علم اصول فقه، گذشته از این که هیچ گونه اثر مکتوبی از او معرّفی نشده است.

مقصود این است که «محمد اسماعیل الاصفهانی» در نیمه نخست سده سیزدهم، جز همین صاحب «حاشیه شوارق الالهام» شخص دیگری یافت نشد.

در جای دیگری از کتاب «قصص» که نام حکیم بزرگوار اصفهان آمده است در ضمن شرح حال حاجی ملاّ محمد تقی برغانی شهید ثالث _ اعلی اللّه مقامه _ است که در باب مرحوم شیخ احمد احسائی معروف (ص ۳۶) گوید:

«وقتی شیخ به اصفهان رفت ملاّ اسماعیل واحدالعین _ که از تلامذه آخوند ملاّ علی بوده _ به مجلس شیخ رفت و در مسئله علم، میان او و شیخ صحبت شد، و ملاّ اسماعیل بر او غالب بود. و ملاّ اسماعیل ارشد تلامذه آخوند ملاّ علی بوده و او را حواشی بر کتاب شوارق است».

شگفتا که با این اوصاف، و نیز ادّعای شاگردی پدرش مرحوم ملاّ سلیمان طبیب نزد آخوند ملاّ علی به مدّت بیست و دو سال، که مستلزم حشر و نشر داشتن او با جناب ملاّ اسماعیل است، دیگر هیچ مطلبی راجع به حکیم در «قصص» نیاورده است.

شگفتاورتر این که نام هیچ استادی جز آخوند ملاّ علی و نام هیچ شاگردی برای

حکیم، جز مرحوم حاجی ملاّـ هادی سبزواری «درگذشته ۲۸ حجّه ۱۲۸۹: مکارم ۲: ش ۱۹۱» در مآخذ دیده نمی شود، هم چنان که در آثار موجودِ خود حکیم نیز نام استادی به میان نیامده است.

امّا حاجی در گزارش موجزی که از «کیفیّت تحصیل خود و...» نوشته، به صراحت فرماید:

«قریب به هشت سال در اصفهان ماندیم... پنج سال حکمت دیدم خدمت زبده الحکماءِ الإلهیّین فخرالمحقّقین و بدرالعالمین و العاملین و المتخلّقین بأخلاق الروحانیّین بل بأخلاق اللّه جناب حقائق آگاه آخوند ملاّ اسماعیل اصفهانی _ قدّس سرّه الشریف _ . و چون آخوند ملاّ اسماعیل مرحوم شدند دو سه سالی بالإختصاص خدمت جناب حکیم متألّه استاد الکلّ المحقّق الفائق و النور الشارق آخوند ملاّ علی النوریّ، قدّس اللّه نفسه و طیّب رمسه، حکمت دیدم»: «مجلّه یادگار، س ۱، ش ۳»، «مکارم الاثار، سال ۱۲۱۲، ۲: ش ۱۹۱».

با این که مرحوم حاجی در آغاز همین گزارش فرموده است که تا پایان یازده سالگی خود «عشره کامله» در سبزوار بوده و ده سال هم «عشره کامله» در مشهد مقدّس رضوی به سر برده و سپس آهنگ اصفهان کرده است، امّا تاریخ تولّد _ و نیز تاریخ دیگری _ در این گزارش ننوشته، و مشهور در سال تولّد ایشان یکهزار و دویست و دوازده است، لکن مرحوم فرصت شیرازی (۱۲۷۱ _ ۱۳۳۹) در مقدّمه ای که بر دیوان اشعار حاجی نوشته گوید: «بعضی تولّد او را در سال ۱۲۰۲ گفته اند»: «مکارم: ۴۵۱».

با این اوصاف نمی توان تاریخ فوت مرحوم ملاّ اسماعیل حکیم اصفهانی را _ و لو به تقریب _ از گزارش حاجی سبزواری هم به دست آورد. افزون بر این که مرحوم آقای

تنکابنی سال عمر حاجی را تا نود و پنج سال و بیشتر هم افزایش داده است! در صورتی که اگر تولّد، ۱۲۱۲ باشد، مدّت عمر هفتاد و هشت و اگر ۱۲۰۲ باشد هشتاد و هشت سال می شود.

آقای تنکابنی در «قصص: ۴۳، همان چاپ سنگی نخست» مطالبی درباره حاجی سبزواری و بزرگواری و کرامات او و سپس دیدار خود با آن جناب نوشته که آغازش چنین است:

«و این فقیر مؤلّف کتاب در سالی که به سفر خراسان می رفتم چون به سبزوار رسیدم مسائلی چند از کلام و حکمت و تفسیر در رساله جمع نمودم و آنها اشکالات عویصه بود و خدمت حاجی ملّا هادی سبزواری دادم که از معاریف حکمای زمان و از تلامذه آخوند ملّا علی نوری بوده و نود و پنج سال از عمر او می گذشت...».

بقیّه مطالب و به خصوص شرح دیدارش با جناب حاجی بسیار خواندنی و شگفتاور است، امّا تاریخ آن سفر و آن دیدار معلوم نشد.

در اینجا باز یادآور شویم که موضوع شاگردی حکیم نزد استاد نوری و ارشد تلامیذ بودن را تنها در کتاب «قصص» می بینیم، والاّ چگونگی تحصیلات حکیم جز همان دو کلمه به کلّی مجهول است، همان گونه که از تاریخ تولّد و مولد و منشأ و دیگر خصوصیّات زندگی و وفات و مدفن و اقرباء و ارحام حکیم هیچ گونه آگاهی در دست نیست، و ما تنها مأخذ معتبری که در بیان اوصاف علمی و کمالات عالیه حکیم داریم همان گواهی بلندی است که مرحوم حاجی سبزواری درباره آن بزرگوار با الفاظ شامخه اظهار داشته و اعلی ترین پایگاه ترقّی و تعالی انسانی را می رساند: زبده الحکماءِ الإلهیّین... تا آخر.

دربـاره «مكـارم الاثار» چنان كه پيشتر گفتيم، جناب معلّم ـ عليه الرحمه ـ تنها به اسـتناد «ذريعه»، حكيم را در سال (۱۲۷۷ ق، ۱۲۴۰ ش) عنوان فرموده و چند سطری به تلفيق از آن كتاب و «قصص» آورده و به نسخه «حاشيه شوارق» جای گفتگوی ما نيز اشاره نموده اند: «جلد ششم. ش ۱۳۵۳»، و ما آنجا در پاورقی (ص ۲۱۵۲) نوشتيم كه:

«در (ج ۴ ص ۱۲۶۶) تصوير قطعه «بِتـا هلاك شود دوست در محبّت دوست» به خطّ درويش چاپ شـد كه كاتب در ذيل آن چنين نوشـته است: «بنا بخواهش دوست گرامی علاّمی آخونـد ملاّ محمّد سـميع حفظه اللّه تعالی در صدد تحرير و تسـطير اين چند كلمه برآمد بتاريخ ۱۱۸۹» راقم اين سـطور احتمال می دهد كه آن شخص همين ملاّ محمّد سميع پدر واحدالعين باشد، و اللّه العالم. م.»».

امّا روضات الجنّات، اگر چه نامی از حكيم اصـفهانی در آن كتاب شـريف نيامده است، امّا در حاشـيه شـرح حال مرحوم شيخ احمد بن زين الدين احسائی (جلد اوّل، چاپ اصفهان، ۱۳۸۲ ق، ش ۲۲) سخنی بدين گونه نوشتيم:

«و أوّل مَن تعرّض لنقض كلمـاته و ردّ أقـواله فی المعقول هو الفيلسوف البـارع الحكيم الملاّـ محمّـد اسـمعيل بن محمّـد سـميع الاصفهانی المعروف بواحد العين...»».

و چنان كه گذشت مرحوم تنكابنی نوشـته اند هنگامی كه شـيخ به اصفهان وارد شد ملاّ اسماعيل به مجلسش رفت و در مسئله علم صحبت كردند و ملاّ اسماعيل بر او غالب بود.

تاريـخ ورود شـيخ احمـد از يزد به اصـفهان ـ چنان كه از «فهرست كتب مشايـخ ۱: ۲۱۰ ـ ۲۱۱» مسـتفاد می شـود ـ در نيمه نخسـت سـال يكهزار و دويسـت و بيست و نه (۱۲۲۹) بوده و چهـل روز در اين شـهر اقامت داشـته و سـپس به طرف كرمانشاه رهسپار و در دوّم ماه رجب همان سال وارد كرمانشاه شده است.

ناگفته نگذاریم که شیخ احمد اجازه روایتی مبسوطی به درخواست جناب حاجی محمد ابراهیم کرباسی (متولّد ۱۱۸۰ متوفّی ۱۲۶۱) برای ایشان نوشته و تاریخ آن «شب ۲۵ ذیقعده ۱۲۲۹» می باشد. پس باید گفت استجازه در اصفهان و نوشتن اجازه در کرمانشاه بوده است. این اجازه را مرحوم معلّم حبیب آبادی از روی نسخه اصل آن در بیست و پنج صفحه استنساخ نموده و در «امالی» خود نهاده و به چندین اشتباه تاریخی آن در حاشیه تذکّر داده است.

به هر حال، حضور چهل روزه شیخ در اصفهان را ــ بدون ذکر تاریخ ــ حاج سیّد کاظم بن قاسم رشتی شاگرد بنام و مصاحب علی الدوام شیخ که خود در این سفر حضور داشته است، در کتاب «دلیل المتحیّرین، نگاشته سال ۱۲۵۸» به زیبایی وصف نموده و به موضع علماءِ اصفهان با شیخ سخن گفته و اسماء و اوصاف شریفه نه نفر از بزرگان علماء و از جمله حکیم اصفهانی را به قلم آورده است، اگر چه درباره مباحثه حکیم و شیخ سخنی گفته، بل، حکیم را به کمترین وصفش یاد کرده است، و باید در نظر داشت که شیخ احمد در آن هنگام با زبان و زیّ و لهجه خاصّ عربی شیوا و ممتاز و کوله باری از علم و دانش والای مخصوص و ادبیّات قویّ غنیّ و جاه و جلال زاهدانه عارفانه، با التزام به اظهار نوافل و رواتب و اوراد و اذکار و امثال این تعیّنات و قیود، شرح کبیر جامعه کبیره به دست؛ در این شهر ظاهر شده است.

باری، عبارت «دلیل المتحیّرین. برگ سیزدهم نسخه خطّی» چنین است:

«فلمّا خرج و وصل الی اصفهان و کنت بخدمته الشریفه تلقّاه أهل اصفهان لا سیّما علماؤهم و حکّامهم و أعیانهم بأحسن ملقی... و بلده اصفهان إذ ذاک الزمان ــ کهذا الزمان ــ صرّه ایران مجمع العلماءِ الفحول و معدن فضلآءِ المعقول و المنقول و فی ذلک

الزمـان روضه العلم مخضـرّه و سوق المعرفه و الفضـل عـامره، و فيهـا من أعيـان العلمـاءِ من الفقهاءِ و الحكماءِ ما يعجز عن بيان وصفهم اللسان و لا يتحمّل درك معالم فضلهم الجَنان، مثل:

جناب السيّد الأجلّ السند الأنبل مرجع الأنام حجّه الاسلام موئل الأصاغر و الأكابر السيّد محمد باقر، و مثل العالم الفاضل العامل الكامل علّامه الدهر و وحيد العصـر ذوالفهم العالى المسـتقيم و المولى الولىّ الحميم الحاجّ محمّد ابراهيم الملقب بالكرباسىّ، و العالم العامل و الفاضل الكامل الورع التقىّ الشـيخ محمّـد تقى، و العالم المتقن و الفاضل المؤتمن قـدوه العلماءَ الأطياب الميرزا بـاقر النوّاب، و الحكيم العظيم و العـالم الحميم ذو الفهم الراسـخ و الفضل الباذخ العلىّ الولىّ الملاّ على النورىّ، و العالم الكامل الملاّ محمّـد علىّ النورىّ، و الفاضل الجليل الملاّ اسـماعيل الملقّب بواحد العين، و العالم الأعلى الأنور الأزهر الملاّ على اكبر، و المولى الأولى صاحب الرياسه الكبرى الاقا مير محمّد حسين سلطان العلماءِ، و غيرهم من العلماءِ العظام و الفضلاءِ الفخام...».

از اين جماعت معظّم، مرحوم آقاى آخونـد ملاّ على اكبر ايژه اى ــ از اعاظم حوزه مرحومان ميرزا سـيّد ابوالقاسم مدرّس سابق الـذكر و آقا محمّد بيدآبادى ــ در يازدهم شوّال ۱۲۳۲ پيش از بقيّه درگذشـته است و پس از او جناب سلطان العلماء حاج مير محمّد حسين امام جمعه در شب دوشنبه ششم ماه صفر ۱۲۳۳ وفات كرد.

در «فهرست كتب مشايـخ» آورده انـد كه شـيخ احمـد پس از درگـذشت محمّـد على ميرزا دولتشـاه حـاكم كرمانشـاه (وفاتش ۱۲۳۷) از كرمانشاه خارج و به مشـهد مقدّس رضوى و بعد به يزد رفته و سه ماه درنگ نموده و سـپس به اصـفهان وارد شده و از آنجا به كرمانشاه بازگشته و از آنجا به عتبات عاليات مشرّف شده و آهنگ سفر حجّ كرده

ص : ۳۱۲

و در بیست و یکم ذی قعده ۱۲۴۱ در نزدیکی مدینه منوّره فوت شده است. «فهرست ۱: ۲۱۵».

این آمدن بار دوّم شیخ به اصفهان از «دلیل المتحیّرین» به هیچ روی مستفاد نمی شود.

* * *

از اینها همه بگذریم و بنگریم به سخنان استاد جلال الدین همایی و برخی اشتباهات.

مرحوم همایی در مقاله «صفحه یی از تاریخ اصفهان (قرن ۱۱ ـ ۱۴)» که در چند شماره از مجلّه «وحید» در تهران چاپ شد، در شماره سوم سال پنجم (ص ۲۸۴ ـ ۲۸۵) پی در پی از حکیم بزرگوار، به «درکوشکی واحدالعین» تعبیر کرده، وفاتش را «علی الأصحّ در حوالی ۱۲۷۰» نوشته و در پاورقی گویند: «امّا به تازگی مأخذ معتبری به نظرم رسیده است که حدود ۱۲۷۰ ق را معلوم می کند. این موضوع را هم در مقاله «ملاّ اسماعیل خواجوئی» جداگانه خواهم نوشت...».

منظور استاد همایی از مأخذ معتبر همین نسخه حاشیه شوارق است که به نظر ایشان رسانیده بودیم و چنان که در «حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۶۲» گفتیم، ایشان درباره این هر دو نسخه و کتاب، مقاله «ملاّ اسماعیل اصفهانی حکیم» را ارائه نمودند.

امّا نسبت «درکوشکیِ» واحدالعین را استاد در مقاله اخیر (ص ۲۱) این چنین متعرّض شده اند:

«و چون از مردم محلّه درکوشک (=درب کوشک) اصفهان بود، گاهی او را «درکوشکی» نیز می گفتند».

این گفته استاد در جای دیگری دیده نشد و دور نیست که از اوهام و اشتباهات باشد. «و چون از مردم محلّه درکوشک... گاهی او را درکوشکی نیز می گفتند» ادّعایی بیش

نیست. ایشان ننوشته اند که چه کسی یا کسانی این چنین می گفته اند!

وصف نسخه

مرحوم همایی در مقاله اخیر «ملّا اسماعیل اصفهانی حکیم»، نسخه جای گفتگو را (در ص ۲۲) این گونه معرّفی کرده اند:

«توضیحًا نسخه خطّی بسیار ممتاز از حواشی شوارق ملّا اسماعیل به خطّ زیبای حاج سیّد محمّد بدیع ابن سیّد مصطفی موسوی درب امامی اصفهانی معروف به حاج میرزا بدیع درب امامی (متوفّی ۱۳۱۸ هـ . ق) مدفون در تکیه میر سیّد محمّد شهشهانی، اوایل تخت فولاد اصفهان دیده ام که تاریخ شروع کتابتش اوایل ماه صفر (۱۲۷۲ هـ) و تاریخ اتمامش پنجشنبه یازدهم ربیع المولود (۱۲۷۲ هـ . ق) است و صاحب حاشیه را به دعای «رحمه اللّه» با رمز «ره» ذکر کرده علامتِ این که در آن تاریخ فوت شده بود. عبارت خاتمه نسخه این است:

«وقع الفراغ من هذه الحاشیه المنسوبه الی مولل‍ـنا محمّد اسمعیل الاصفهانی ره‍ـ ، یوم الخمیس الحادی عشر من شهر ربیع المولود سنه ۱۲۷۲ علی ید أقلّ الطّلاب محمّد بدیع بن السیّد مصطفی الموسویّ الدرب إمامیّ» و مقدار کتابت را پشت نسخه پنج هزار بیت نوشته و خطّش نَسخ و ثلث خوش اسلوب پخته شیوا است».

استاد همایی افزوده اند: «حاج میرزا بدیع درب امامی اصفهانی کاتب نسخه از مدرّسان بزرگ مدرسه نیماورد اصفهان بوده و مخصوصًا در تدریس «قوانین الأصول» شهرتی بسزا داشته است... و در فلسفه ظاهرًا شاگرد همین ملّا اسماعیل اصفهانی واحدالعین بوده و تعبیر «مولانا» در خاتمه نسخه قرینه یی برای نسبت شاگردی و استادی تواند بود».

ص : ۳۱۴

در صفحه ۳۰ این چنین افزوده اند:

«امّا از طرف دیگر تلمّـذ حاج میرزا بدیع درب امامی متوفی (۱۳۱۸ هـ . ق) نزد ملاّ محمّد اسـماعیل اصفهانی صاحب حواشی شوارق بـا فرض وفات او قبل از (۱۲۴۵) و در حوالی (۱۲۴۳ هـ . ق) مسـتلزم این است که حاج میرزا بدیع لااقلّ نزدیک صـد سال یا ۹۸ سال عمر کرده یعنی مثلًا حدود (۱۲۲۰) هجری متولّد شده باشد... توضـیحًا علاوه می کنم از مرحوم استادی علاّمه العلمـاء حـاج آقا رحیم ارباب اصـفهانی ــ رحمه اللّه علیه ــ (۱) که خود از شـاگردان درس قوانین حـاج میرزا بـدیع بوده اند تحقیق کردم، فرمودند حاج میرزا بدیع اسنّ علمای عصر خود بود و سنّ ایشان از حوالی نود سالگی متجاوز بود...».

و در صفحه ۳۱ باز گفته اند:

«و این ملاّـ اسـماعیل همـان کسـی است که حاجی سبزواری در اصـفهان نزد او تحصـیل فلسـفه کرد، و حاج میرزا بـدیع درب امامی هم از شاگردان او بود و حواشی شوارق او را در سال ۱۲۷۲ برای خود کتابت کرد...»

اینک گوییم:

۱ ــ مرحوم حاج میرزا حسـنخان شـیخ جابری انصاری (تولّـد ۱۲۸۷، وفات ۱۳۷۶ ق) در «تاریـخ اصـفهان. جلد سوم. ش ۱۶۳، ص ۴۷»، حاج میرزا بـدیع موسوی درب امامی را گوید: «وفاتش ۱۳۱۸ در سنّ شـصت و هفت سالگی»، و مرحوم معلّم حبیب آبادی (تولّد ۱۳۰۸، وفات ۱۳۹۶ ق) در کتـاب خطّی «امـالی. ص ۱۹۱ ــ ۱۹۲» شـرح حال مرحوم بـدیع را از زبان عالم جلیل آقای حاج میرزا فتح اللّه (متولّد

---

۱ - ۱) آن بزرگوار از مشایـخ کبـار این ذرّه بی مقـدار بودنـد. مرحوم اسـتاد، تولّـد ایشان را «شـنبه ۱۲ جمـادای دوّم ۱۲۹۷» و درگذشتشان را در شب عید غدیر (۱۳۹۶ مطابق ۱۹ آذر ماه ۱۳۵۵) نوشته اند. رحمه اللّه علیهما.

۴شنبه ۱۷ ربیع یکم ۱۳۰۱، متوفی شنبه ۱۱ ماه رجب ۱۳۷۷) فرزند آن مرحوم نوشته و از جمله این که: «در عصر آدینه ۲۱ شعبان ۱۳۱۸ در سنّ شصت و هفت سالگی وفات کرده».

این دو مأخذ معتبر می رساند که تولّد حاج میرزا بدیع درب امامی _ اعلی اللّه مقامه _ در سال (۱ _ ۱۲۵۰ ق)، چند سالی پس از درگذشت آخوند ملاّ اسماعیل حکیم بوده است، و کلمه «مولانا» هم در نوشته ایشان هیچ گونه دلالتی بر استاد و شاگردی ندارد. عکس مرحوم آقای حاج میرزا بدیع نیز که در جلد هفتم «مکارم الاثار: ۲۷۲۶» چاپ شد حاکی اندکی بیش از شصت سالگی است.

تفصیل مطالب «امالی» را به سال ۱۳۳۲ ش، در کتاب «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۱۷۱ _ ۱۷۵. چاپ اصفهان» نقل کرده و نسخه «حاشیه شوارق» جای گفتگو را نیز یادآور شده ایم و با در نظر گرفتن تاریخ کتابت آن درباره حکیم نوشته بودیم: «وفاتش را در «الذریعه، ج ۶» به سال (۱۲۷۷) ضبط فرموده، ولی ظاهرًا درست نیست و باید حدود ۱۲۷۰ باشد».

مرحوم استاد همایی کتاب زندگانی را در جریان چاپ مرور می کردند و اتّفاق را در همین شرح حال حاج میرزا بدیع، دو حاشیه نوشته اند که همانجا به چاپ رسید. امّا گویا هم ایشان به هنگام نوشتن مقاله و هم این حقیر در زمان نوشتن تعلیقه روضات، از مطالب مرقوم در کتاب زندگانی غفلت کرده ایم.

سخنان استاد در صفحات ۳۱ و ۳۲، درباره چگونگی تدریس مرحومان آخوند ملاّ علی نوری و ملاّ محمّد اسماعیل حکیم اصفهانی است که هیچ گونه سندی در این خصوص ارائه نکرده اند و ظاهرًا منشأ آن اظهارات استنباط ظنّی خود ایشان است.

ص : ۳۱۶

تا آن که، مقاله را به نقل سه بیت شعر سروده آخوند ملّا علی و سه بیت هم از خودشان پایان داده اند. چکیده آن مطالب را در «دو رساله در فلسفه اسلامی: ۱۴» نیز آورده بودند. و بالاخره، جریان فکری فلسفه را در «دو رساله: ۲۱ ــ ۲۲» زیر عنوان «مکتب فلسفی مخالف ملّا صدرا» شرحی نوشته اند، به خلاصه این که:

«مرحومان آقا حسین و آقا جمال الدین خوانساری و آقا میر محمّد اسماعیل خاتونابادی و بسیاری دیگر از بزرگان فلسفه و کلام، پیرو مکتب مرحوم آخوند ملاّ رجبعلی تبریزی اصفهانی بوده اند...». دریغا که استاد تاریخ درگذشت آن هر سه بزرگوار را نادرست نوشته اند.

حُسن ختام

در پایان این مقال، نمونه ای از طرز تفکّر و تراوش قلمی حکیم بزرگوار را از صفحه چهل و سوّم «حاشیه شوارق» جای گفتگو ارائه نموده و سپس دو بیت شعر سروده آن مرحوم را به همان شکلی که بر روی پاره کاغذ فرسوده یافته ایم به تصویر می آوریم و از آن در دستخطّ عالمانه بسی چیزها نیز می توان فهمید که به همین اشاره بسنده می کنیم.

قال الحکیم: «قوله: و القوانین العلمیّه مع توحید. ا هـ . أقول: فانّها حجاب العلم حجابکذا الأکبر، و اعلم أنّ الحجُب کلّها راجعه إلی حجابٍ واحدٍ هو النّفْس و الأنانیّه، فلا بُدّ من رفعها بقتلها. فَاقْتُلُوا أنفُسَکم ذلکم خیرٌ لکم. و لا تَقُولوا لِمَنْ یُقْتَلُ فی سَبیل اللّه أمواتٌ بَل أحیآءٌ عِنْد رَبّهم وَلکن لا تَشْعُرُون. و هذا القتل إنّما یتحقّق بتهذیب الباطن عن الأخلاق الرذیله و الملکات الردیّه من الکبر و العُجب و الریاءِ و البخل و غیرها من الصفات المذمومه. فالعلم الّذی یکون حجابًا هو العلم الرسمیُ الّذی لا یوجب لصاحبه إلاّ الأنانیّه و التکبّر و لا یحصل منه إلاّ البُعد عن المُبتغی. فلا بدّ من رفضه تحصیلًا للغایه

ص : ۳۱۷

العظمی. و أمّا العلم الحقیقیُ فلا بدّ منه فی السلوک فیصیر العلم و البیان بالسلوک کشفًا و عیانًا. فلا تَتَّبع الهَوی فَیُضِلّک عَن سَبیل اللّه». و در حاشیه این بیت آمده است:

برون از شهر بند عقل شهری است که در هر کوچه اش غوغای عسق است

کاتب جلیل القدر برای «عشق» هیچ نقطه نگذارده است، رحمه اللّه علیه.

ص : ۳۱۸

معرّفی نسخه شریفه «حاشیه شوارق الالهام» دارای ۱۰۶ برگ بـه حجم ثُمن ۱۹ × ۱۱ و سخنی درباره محشّی حکیم و کاتب علیم آن و برخی فوائد پراکنده پایان یافت، و «شرح المشاعرِ» احسائی به شماره (۵۳۰) بیاید. و الحمدللّه ربّ العالمین. «۲۴ _ ج ۱ _ ۲۶».

«۳۱۲» حاشیه عُدّه الأُصول

(اصول فقه _ عربی)

«عُدّه الاُصول» از آثار گرانبهای حضرت شیخ الطائفه ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی (۳۸۵ _ ۴۶۰) _ علیه الرحمه _ است که آن را پیرامون مسائل مهمّه اصول فقه نگاشته، و خود در آغاز آن فرموده است که چون امامیّه را کتابی مبسوط و محقّقانه در این فنّ نبود که بتوان بدان استناد کرد، لذا به درخواست اصحاب خود آن را در دو جزء نگاشت، و ابتداء فصلی در شناختن ماهیّت اصول فقه و انقسام آن و چگونگی ترتیب ابواب آن آورد. شیخ الطائفه در عدّه پیرامون مسائل مهمّ اصول گسترده سخن گفته و تحقیق کرده است، لکن بسیاری از مطالبی که در کتاب خود از آنها بحث فرموده اینک از مسائل اصول فقه شناخته نمی شود. وی درین کتاب از «تلخیص الشافی» خویش که به سال ۴۳۲ نگاشته یاد کرده است.

سیّد بحرالعلوم _ قدّس اللّه روحه _ در «فوائد رجالیّه» خود در وصف این کتاب فرموده است:«کتاب العُدّه، و هو أحسن کتاب صنّف فی الاُصول».

دانشمند بزرگ عهد صفوی، مولانا خلیل بن غازی قزوینی (۱۰۰۱ _ ۱۰۸۹) صاحب «الشافی. ش ۴۶۷» و «صافی. ش ۵۶۲»، حاشیه هایی بر کتاب عدّه نگاشت که ذیلاً پیرامون آنها گفتگو می کنیم، و گویا کسی جز این دانشمند بر کتاب مذکور گزارشی ننوشته، نه از دانشمندان پیش از او و نه پس از او. لکن بر حاشیه مولی خلیل _ جای

گفتگو _ تعلیقاتی نگاشته شده که یاد می کنیم.

شرح حال ملاّخلیل قزوینی در عموم کتب تراجم به تفصیل آمده، از جمله معاصر او شیخ حرّ عاملی (۱۰۳۳ _ ۱۱۰۴) در کتاب «أمل الآمل: ۴۴» فرماید:

«المولی الجلیل خلیل بن الغازی القزوینیّ، فاضلٌ عالم علاّمه حکیم متکلّم محقّق مدقّق فقیه محدّث ثقه ثقه جامع الفضائل ماهرٌ معاصرٌ، له مؤلّفاتٌ منها:«شرح الکافی» فارسیٌ، و شرح عربیٌّ، و «شرح العُدّه» فی الاُصول، و «رساله الجمعه»، و «حاشیه مجمع البیان»، و «الرّساله النّجفیّه»، و «الرّساله القمیّه»، و «الجمل(۱) فی النّحو»، و «رموز التّفاسیر الواقعه فی الکافی و الرّوضه» و غیر ذلک. رأیته بمکّه فی الحجّه الاُولی، و کان مجاورًا بها، مشغولاً بتألیف حاشیه مجمع البیان. توفی سنه ۱۰۸۹. و قد ذکره صاحب «السّلافه» و أثنی علیه ثناءً بلیغًا و ذکر بعض المؤلّفات السّابقه» انتهی.

امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات: ۲۶۵ _ ۲۶۷» نیز شرح حال ملاّ خلیل را به تفصیل آورده و در آنجا از «ریاض العلماء» نقل فرموده اند که وی به سال ۱۰۰۱ در قزوین به دنیا آمد و نزد شیخ بهائی و میرداماد درس خواند و با خلیفه سلطان نیز در نزد حاج ملاّ محمود رنانی و حاج ملاّ حسین یزدی شاگردی کرد، و نزد سلاطین و امراءِ دولت صفوی محترم بود. پیش از آنکه به سی سالگی رسد متولّی و مدرّس روضه منوّره حضرت عبدالعظیم در ری گردید، لکن به پیش آمدی بر کنار شد. پس به مکّه معظمه رفت و مدّتی مجاور بود، تا به قزوین بازگشت و به تصنیف و تألیف و نشر دانش ها پرداخت. و او را با حُکام قزوین و طهران داستان ها است.

سپس صاحب ریاض شطری از متفرّدات و اقوال شاذّه مرحوم خلیل را برشمرده که

۱- ۱) توضیح ذیل «تنقیح المرام. ش ۱۹۲» مراجعه شود.

ما آن مطالب و چیزهای دیگری نیز که صاحب روضات و دیگران فرموده اند به کوتاهی و ترتیب در زیر نقل می کنیم:

متفرّدات ملاّ خلیل:

۱ ــ تحریم نماز جمعه در زمان غیبت امام علیه السلام و منع شدید از اقامه آن(۱).

۲ ــ سلوک روش أخباریان و انکار شدید طریقه اجتهاد.

۳ ــ اعتقاد به صحّت جمیع اخبار کتاب «کافی» شیخ کلینی و وجوب عمل به آنها.

۴ ــ آنچه در «کافی» به لفظ «رُوی» آمده از کلام صاحب الأمر علیه السلام است.

۵ ــ قول به ثبوت معدومات.

۶ ــ عمل به علم «نه گمان» در مسائل فرعیّه مذهبی در زمان غیبت.

ص : ۳۲۱

۱- ۱) وی اوّلین بار در «شرح کافی» فارسی تحریم نماز جمعه را مفصّلاً نگاشت. مرحوم ملاّ محمّد طاهر قمی رساله ای در ردّ او تألیف و بسیار از او نکوهش کرد و وجوب نماز جمعه را ثابت نمود. قزوینی این رساله را دید و خود ردّی بر آن نوشت و بسی از قمی خرده گرفت و بر او تاخت. لکن تا حدّی از نظر تحریمی اوّل خود عدول کرد. پس از این باز رساله دیگری نگاشت و در آن به طریقه انصاف گرایید و از تفسیق نماز جمعه گزاران انکار نمود. این مطلب از روضات: ۲۶۶ و ۳۳۶ به خوبی مستفاد می شود، لکن در «فهرست دانشگاه ۵: ۱۳۵۸» اشتباهًا گفته اند که «او نماز آدینه را واجب می دانست و در همین زمینه با محمّد طاهر قمی ستیزها کرده است.» انتهی. در صورتی که در پاورقی صفحه ۱۵۰۴ فهرست مذکور، مطلب را به درستی یاد کرده اند. در اینجا مناسب است بیافزاییم که قائل «أقول» در آخر شرح حال مولانا خلیل در «روضه نضره: ۲۰۴» پیرو افکار و حدسیّات همیشگی خود پیرامون اوضاع علمی و مواضع علماءِ عصر صفوی، کلماتی چند نوشته اند که عطف به ما سبق باید کرد! ضمنًا، در همان «روضه: ۲۶۸» در ترجمه شمس الدین محمّد شیرازی ــ به نقل از «شُذور العقیان» ــ داستانی راجع به او و مولانا خلیل آورده اند که برای آگاهی بیشتر از موضوع و تفصیلی از احوال این هر دو دانشمند باید به «نجوم السماء: ۱۰۴» رجوع فرمایند.

۷ ـ قبح و ذمّ شدید از سیاق ارباب حکمت و عرفان و اصحاب طبّ و منجّمان.

۸ ـ منافسات و مراسلات تندی که با دانشمند بزرگ آخوند ملاّ محمّد طاهر قمّی داشت.

۹ ـ تحریم شرب تنباکو و تألیف رساله ای در این باب و ارسال برای علاّمه مجلسی(۱).

۱۰ ـ مناظره و مخالفتی که با جناب آخوند ملاّ محسن فیض داشت و بعدًا از او معذرت خواست.

۱۱ ـ انکار وجود جنّ پس از زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله : «روضات ۷۲۹».

۱۲ ـ شکل اوّل نتیجه نمی دهد، زیرا مستلزم دور است(۲):«قصص العلماء».

۱۳ ـ جواز ترجیح بلامرجّح: «قصص العلماء: ۲۶۴ و ص ۳۲۸ همین فهرست»(۳).

مرحوم افندی، پس از آنکه پاره ای از مطالب فوق را نقل کرده، گوید:«و عندی أنّه کان معوجَّ السلیقه ـ غایته - فی فهم عبارات الأئمّه و الأصحاب، و ترجمته بالفارسیّه ـ مع تمام مهارته فی اللّغه و عمله بقوانین العربیّه ـ قد اشتبه جدًّا فی تفسیر طائفه منها کما عُرف ذلک منه مرارًا».

بالجمله، نیای گرامی، صاحب روضات پس از نقل مطالب ریاض و داستان های دیگر، شرحی پیرامون «صافی» و «شافی» و حاشیه عدّه او نگاشته و شاگردانش را یاد فرموده، ترجمه را به شرحی راجع به قزوین و بعضی از دانشمندان آن سرزمین پایان

۱- ۱) مولانا خلیل سی و شش سالی از مولانا محمّد باقر مجلسی (متولّد ۱۰۳۷) بزرگ تر و با مولانا محمّد طاهر تقریبًا همسنّ و سال و از مولانا محسن (متولد ۱۰۰۷) شش سالی بزرگ تر بوده است.

۲- ۲) این اشکال را شیخ ابوسعید ابوالخیر برای ابوعلی سینا نوشت و جواب شنید.

۳- ۳) دیگر اقوال شاذّه ملاّخلیل را بایستی در آثار او یافت.

داده اند.

با تمام اوصاف مذکوره عموم دانشمندان به جلالت قدر وعظمت شأن ملّا خلیل _ علیه الرحمه _ مُذعن و معترفند و از فضائل و کرامات او داستان هایی نقل کرده اند که شمّه ای از آنها در روضات و «فوائد رضویّه: ۱۷۲ _ ۱۷۴» و جاهای دیگر یاد شده(۱)، و نکات مفیدی نیز پیرامون زندگانی و موقعیّت او در «فهرست دانشگاه ۵: ۱۳۵۷ و ۱۳۸۵ و ۱۶۶۹» مذکور است. و در «ذریعه ۶: ۷۹» فرماید که میرصدرالدین محمّد بن محمّد صادق حسینی قزوینی، به سال ۱۱۰۳ «رساله یی در انتقاد بر مولی خلیل قزوینی» نگاشته است.

محدّث قمی در کتاب «فوائد رضویّه» گوید: «قبر شریفش در قزوین در مدرسه معروفه منتسب به اوست» انتهی.

و باید دانست که مولی خلیل صاحب ترجمه غیر از حاج محمّد خلیل قزوینی است که «اثبات حدوث الإراده» او را به شماره [۴] شناساندیم.

حاشیه عدّه الاصول:

قزوینی در مقدّمه کتاب مورد بحث که حاشیه نخستین عبارتی است از «عدّه» که آن را گزارش داده و به «حاشیه اولی» شناخته می شود گوید: «بسیاری از دانشجویان زمان ما

ص : ۳۲۳

---

۱ - ۱) یک نسخه از شرح عربی کافی شریف که در زمان خود مولانا خلیل شارح استنساخ شده به نظر این جانب رسید که ظهر آن این اشعار _ ظاهرًا _ در مدح شارح نوشته شده است: ای نور شمع فضل! که امروز در جهان از کائنات کرده ترا ایزد انتخاب! عالم تویی که پیروِ شرع پیمبری و این نخل را همی دهی از جوی دیده آب! آنها که صوفی اند دم از غیب می زنند، و آنان که گشته حکمتشان بر گلو طناب؛ سرگشتگان وادی جهل و حماقت اند لب تشنه اند وآب بجویند از شراب! بادا، بقای عمر تو در دهر، تا بوَد بر آسمان نشانه یی از ماه و آفتاب!

از کتاب هایی که اصحاب ما ـ علماءِ امامیّه ـ در اصول فقه نگاشته اند روی گردان شده و به کتاب های دیگران، مانند «شرح مختصر حاجبی» پرداخته اند، به گمان اینکه آنها بهتر از کتب اصحاب است. من نیز مدّتی به خواندن و تدریس و ترویج آن گونه کتب مشغول بودم، و چنانکه عادت مدرّسان است در رفع اشکالات کتاب هایی که بر آنها خوانده می شود؛ من نیز به این کار دلخوش بودم، لکن توجّه دانشجویان به این کتاب ها کم کم سبب رواج بسیاری از مطالب باطله و ضعف ایمان ضعفاء العقول گردید... من که این وضع ناگوار را می دیدم بر آن شدم که دانشجویان را ازین راه بازگردانم تا ثوابی برده باشم. پس این حواشی را بر کتاب «العدّه فی اصول الفقه» تألیف شیخ الطائفه... نگاشتم، و در پاره ای از حواشی گسترده سخن گفتم تا آنجا که هر یک به صورت رساله ای درآمده شایستگی استقلال یافت، بخصوص حاشیه اولی، که در آن پرده از پاره ای اسرار وجوب پیروی از اهل بیت اطهار علیهم السلام برداشتم و خطاءِ دیگران را که از سلوک این طریقه سرباز زدند، روشن ساختم... إلخ».

شارح در دنباله این مطالب باز راجع به اخبار و آثار امامیّه سخنانی آورده، سپس عبارتی از «عدّه» را عنوان کرده و پیرامون آن طیّ چهار مقدّمه گسترده سخن گفته که فهرست مطالب آنها را پس از این خواهیم آورد.

حاشیه اولی ـ جای گفتگو ـ به تنهایی کتاب مفصّلی شده و از آن نسخه های متعدّد در دست می باشد، لکن تا آنجا که اطّلاع داریم تمامًا به طبع نرسیده است. شاگرد دانشمند مؤلّف، ملّا علی اصغر بن محمّد یوسف قزوینی نیز همین حاشیه را در یک مجلّد بزرگ به نام «تنقیح المرام» شرح کرده که در شماره (۱۹۱) پیرامون آن سخن گفتیم.

قزوینی پس از نوشتن حاشیه اولی به گزارش بقیه کتاب «عدّه» پرداخت که آن نیز در مجلّدی دیگر قرار گرفت.

ص : ۳۲۴

از این حواشی، قسمتی در کنار و بقیّه «در ۱۱۷ صفحه به خط نستعلیق» ضمیمه دو کتاب «عدّه الاُصول» و «رساله اجتهاد و تقلید» محقّق بهبهانی، به سال ۱۳۱۷ در طهران چاپ شده، و ابتدا دو سطری از آغاز حاشیه اولی در آن آمده و پس از اسقاط قریب به تمام حاشیه مذکوره چند صفحه ای نیز از آخر همین حاشیه عینًا آورده شده و بعد حاشیه دوّم چنین آغاز می شود:

[قوله «و أبدأ فی أوّل الکتاب فصلًا یتضمّن ماهیّه اصول الفقه و انقسامها و کیفیّه ترتیب أبوابها». البدء _ کالمنع _ الإنشاء و الإحداث...].

مقدّمه شارح نیز در نسخه چاپی نیامده است و این مقدار چاپ شده تنها حواشی مجلّد اوّل کتاب «عدّه» که مشتمل بر ۵۴ فصل است می باشد و از حواشی مجلّد دوّم اطّلاعی نیافتیم.

مجملاً، حاشیه ای که مولانا خلیل بر نخستین عبارت مورد نظر از کتاب عدّه «قوله: لأنّ الشّریعه کلّها مبنیّه علیه، إلخ» نگاشته، چون بسیار طولانی شد و خود به صورت رساله ای درآمد، لذا مستقلًا تدوین و به «حاشیه اولی» یا «مجلّد اوّل حواشی ملّا خلیل» شهرت یافت و قسمت های دیگر حواشی به عنوان «حاشیه ثانیه» یا مجلّد دوّم، شناخته می شود که چنان که گفتیم از مجموع این دو حاشیه قسمتی از اوّل و آخر حاشیه اولی ونیمی از حاشیه ثانیه «که تا پایان مجلّد یکم عدّه رسیده» ضمیمه کتاب العدّه چاپ شده است.

نسخه های رضویّه و سپهسالار و دانشگاه نیز که در فهرست های آن کتابخانه ها شناسانده شده، عمومًا مشتمل بر «حاشیه اولی» و قدری از «حاشیه ثانیه» است.

در «ذریعه ۶: ۱۴۸(۱)» که این کتاب را عنوان کرده اند، از «ریاض العلماء» نقل

۱- ۱) کتاب مورد بحث در حرف شین «ذریعه ۱۳: ۳۶۸» نیز به عنوان «شرح عدّه الاصول» یاد شده است.

نموده اند که حاشیه عدّه ملّاخلیل در دو مجلّد است، یکی به «حاشیه اولی» و دیگری به «حاشیه ثانیه» شناخته می شود، در آنها مسائل کثیره از اصول و فروع و غیرهما و اقوال غریب و عجیب آورده، در تمام مدّت عمر خود مشغول تغییر دادن این حواشی بود، لذا نُسخ آنها مختلف شده به اختلافات شدیده که خارج از حدّ ضبط و احصاست، و بعضی از شاگردانش افکار سابق او را در «حاشیه اولی» ترجیح می دادند و نسخه خود را به افکار جدیده او تبدیل نمی کردند، انتهی.

مرحوم محدّث نوری نیز این مطلب را در «مستدرک الوسائل ۳: ۵۰۷» از ریاض نقل کرده اند.

تعلیقاتی که جمعی از شاگردان مولانا خلیل بر کتاب مورد بحث نگاشته اند و در آغاز عنوان بدانها اشاره نمودیم و در ذریعه نیز یاد شده، اینها است:

۱ ــ حاشیه ملّا احمد طالقانی، که شیخ عبدالنبی قزوینی ــ علیه الرحمه ــ در «تتمیم أمل الأمل» گوید: «نام او عبدالدّائم بود و علماءِ قزوین تغییر داده، أحمد خواندند، تحصیلاتش نیز در نزد علماءِ قزوین و مردی بسیار بافهم بود و در علوم مختلفه کتاب نوشت، از جمله «شرح بدایه الهدایه» شیخ حرّ و «حاشیه بر حاشیه ملّاخلیل» و بر «حاشیه ملّا علی اصغر». »

۲ ــ حاشیه مولی احمد بن خلیل قزوینی، فرزند و شاگرد محشّی که در أمل الأمل و ریاض از او یاد شده و در حیات پدر به سال ۱۰۸۳ درگذشت(۱).

۳ ــ حاشیه ملّا محمّد باقر بن غازی قزوینی، برادر ملّا خلیل، که از بزرگان علماءِ عصر خود بوده و تصانیف بسیار داشته؛ تا اوائل سده ۱۲ زنده بوده است. نسخه حاشیه او را

---

۱ - ۱) بحمدالله، نسختی از این حاشیه به خطّ مرتضی بن مرادخان الرودباری، مؤرخه ۱۱۲۶ از کتابخانه تویسرکانی، نصیب گردید.

در فهرست سپهسالار ۱: ۵۶۶ شناسانده اند.

۴ ـ حاشیه ملاّ علی اصغر که به نام تنقیح المرام است و در شماره (۱۹۱) معرّفی شد. اینک مشخّصات جای گفتگو:

آغاز: «بسم... الحمد للّه ربّ العالمین، و الصلوه علی سیّدنا و نبیّنا و عدّتنا فی شدّتنا محمّد و علی سیّد الاوصیاء و سند الأولیاء أمیرالمؤمنین و آلهما الطیّبین الطاهرین و لا ـ سیّما حجه الله علی العالمین و أمینه فی أرضه و سمائه الحجّه بن الحسن الامام المنتظر القائم بالحقّ، رزقنا اللّه تعالی إدراک دولته و حسن ملازمته، به و بابآئه علیهم السلام .

أمّا بعد، فیقول الغنیُّ بربّه عمّا سواه: خلیل بن الغازی القزوینیُّ... إنّ اکثر طلبه العلم من أهل زماننا قد رغبوا عن کتب اصول الفقه لأصحابنا الامامیّه، رضوان اللّه علیهم... قوله: «لأنّ الشریعه کلّها مبتیّهٌ علیه، إلخ» إشارهٌ إلی دلیل علی وجوب شدّه الاهتمام بعلم أصول الفقه لیتبیّن به فائدته، و الحاجه إلیه و تحریر الدّلیل یحتاج إلی تمهید مقدّمات أربع. المقدّمه الاُولی...».

انجام: «و أمّا الاعتراض علی المستدلِّ بأنّ کلّ من قال بحجّیّه الإجماع قائلٌ بأنّه حجّه قطعیّه فالتمسّک بالظاهر فیه یستلزم جعل الظاهر دلیلاً ـ علی أقوی منه، فممکن الدفع؛ لأنّ له أن یقول إنّما استدلَّ به علی أصل الحجّیّه، لا ـ علی القطعیّه أیضًا. قدتمّت الحاشیه الاُولی من الحواشی الخلیلیّه علی «عُدّه الاُصول» فی یوم الأربعاءِ فی العشر الأوّل من شهر محرّم الحرام سنه ۱۰۸۹. کتبه محمّد معصوم ابن ملاّ محمّد باقر الطالقانی، عفی عنهما ذنوبهما».

در هامش پایان نسخه چنین نوشته شده است: «بلغ قبالاً من اوّله إلی آخره هنا أصلاً و حاشیهً مع الأصل، أُمّ النّسخِ و فی هامشه خطُّ المحشّی ـ أدام اللّه تعالی ظلاله علی مفارق الأنام و لا سیّما العالِمین من العالمین ـ و صحّح بقدر الجهد و الوسع، الاّ مازاغ عنه

ص : ۳۲۷

البصر، فی مجالس آخرها شهر محرم الحرام سنه تسع و ثمانین و ألف من الهجره. قابَله أخوه ابن ملاّ محمّد باقر: حبیب اللّه الطالقانی، عفی عنهما».

فهرست مطالب(۱) : مقدّمه اوّل: در تمییز مبدأ مبادی علم از غیر آن.

مقدّمه دوّم: تقیّد احکام پنج گانه به شرعی و عقلی و ذکر معنای حکم شرعی و حکم عقلی.

معنای معصیت کبیره.

مراد از مدح و ذمّ مأخوذ در حدّ احکام عقلی.

معنای قبح ذاتی و تنبیه بر قبح ذاتی کذب.

معنای اطلاق مشیّه اللّه بر افعال عباد.

معنای مشیّتِ حتم و مشیّتِ عزم.

معنای وقت فعل و ترک، و استطاعت.

تحقیق معنای ترجیح بلا مرجّح لغهً و اصطلاحًا.

بیان جمع بین امتناع قبیح بر ذات باری و معصومین، و بین قدرت باری و معصومین بر قبیح، و ردّ بر نظّام و صاحب «مواقف».

تحریر محلّ نزاع در باب قدرت باری میان متکلّمین و فلاسفه.

استدلال بر جواز تخلّف معلول از علّت تامّه.

تحقیق کامل در صفات باری.

علم تفصیلی باری تعالی به همه اشیاء.

دلائل ثبوت معدومات در خارج.

برهان بر بطلان تجرّد نفوس و عقول.

۱- ۱) کتاب، خود، دارای فهرست نیست و ما پس از یک مرور اجمالی، این فهرست را تنظیم کردیم.

مقدّمه چهارم: در اینکه علم به مسائل اصول فقه مستلزم علم به احکام فقهیّه و اصلیّه

ص : ۳۲۹

است نه واقعیّه.

پایان مقدّمات ۴ گانه حاشیه اولی و تقریر دلیل بر وجوب شدّه اهتمام به علم اصول.

نسخه: دارای ۱۵۹ برگ. ظهر برگ ۱، تملّک و مهر ملاّ محمّـد بیک بن حاجی عبـدالکریم «بنـده آل محمّد: کریم ۱۱۲۴»، و مهر «لاـ إله الاّـ اللّه الملـک الحقّ المبین. عبـده محمّـد تقی» و تملّـک نیـای بزرگوار، عالم جلیل مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جمال الـدین موسوی چهارسویی (متوفی ۴ ماه رجب ۱۳۳۹ در اصـفهان، مـدفون در نجف اشـرف، جنب پدر عالی قدر خود، مرحوم آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم موسوی چهارسویی)، مورّخه ۱۶ شوّال ۱۳۲۱ دیده می شود. در گوشه ای از همین صـفحه نوشته شده: «شرح ملاّ خلیل». ظهر برگ ۱۵۸ برگ آخر سـفید است. کاغذ اصفهانی رطوبت رسیده، جلد تیماج قهوه ای فرسوده یک لا با ترنج و سر ترنج، خطّ نسخ ۱۶ سطری، عناوین همه جا در متن و هامش به شنگرف، حواشی «منه دام ظلّه العـالی و سـلّمه اللّه تعـالی، من خطّه دام ظلّه» شکسـته نسـتعلیق به خطّ کاتب متن. بالای سه چهار صـفحه اوّل و ظهر برگ ۱۵۲ متن کتاب «عدّه» تا جمله «و یرغبُ أهل الفضل عنها» نوشـته شده، در پاره ای از مواضع، حواشـی مختلفی از «شرح منهاج» و «نهایه» ابن اثیر و «ملاّ عبـدالرزّاق» و رمز «سـمع» و «شـرح مقاصـد» و «قاموس» و «مواقف» و «شـرح کافی ملاّصـدرا» دیده می شود که ظـاهرًا اینهـا نیز منقول از خطّ شارح است. قطع ۱۲ و نیـم × ۱۹، متن ۶ × ۱۲ و نیم. همه جای نسـخه آثار تصـحیح و مقابله دارد و نام کاتب و مصحّح و تاریخ کتابت و تصحیح از انجام نسخه نقل شد.

«۳۱۳» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم و سوّم و به تعبیر دیگر «حاشیه ثانیه عدّه الاصول» است، و به چاپ

رسیده.

آغاز: «قوله: أبدأ فی أوّل الکتاب فصلًا یتضمّن ماهیّه أصول الفقه».

انجام مجلّد دوم: «و هذا القول الحاد. تمّ المجلّد الثانی من الحواشی الخلیلیّه علی عدّه الاصول للشیخ أبی جعفر...».

آغاز مجلّد سوم (که بی فاصله از برگ بعد شروع می شود) :

«هذا ابتداء المجلّد الثالث من الحواشی الخلیلیّه...».

انجام مجلّد سوم: «فیما نحن فیه الیه. تمّت الحواشی الخلیلیّه علی النصف الأوّل من کتاب العدّه... و یتلوه فی النصف الثانی: فصل فی ذکر الوجوه الّتی یحتاج الأشیاء فیها إلی بیان و ما به یقطع البیان. تمّ».

مجلّد دوّم که نیمه نخست نسخه است دوبار مقابله و تصحیح شده و متن کتاب عُدّه نیز در بالای صفحات نوشته شده است، و کاتب نامش فقط در پایان این جلد «بابا بن محمد صالح قزوینی» و تاریخ پایان کتابت ۱۰۷۱ نوشته و گواهی مقابله با نسخه اصل «اُمّ النسخ» در آخر این جلد در هامش، یکبار به تاریخ «یوم الثلثاء ماه جمادی اوّل ۱۰۷۱» و بار دیگر در روز چهارشنبه نهم ربیع دوّم ۱۰۹۱ گزارش شده است.

جلد سوّم، مطلقاً اثر مقابله و تصحیح ندارد و به خطّ همان کاتب است.

«۳۱۴» حاشیه فرائد الاصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: یکی از شاگردان ناشناس مؤلّف فرائدالاصول.

کتاب: حاشیه ای است به «قوله. اقول» بر کتاب «فرائد الأصولِ» مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری قدس سره و در زمان حیات ایشان نوشته شده است و مقداری نیز پس از وفات آن مرحوم.

ص : ۳۳۱

نسخه: از اوّل کتاب استصحاب است تا آخر تعادل و تراجیح.

آغاز: «قوله قده: المراد بالابقاءِ الحکم بالبقاءِ. أقول: أراد الاستاد بهذا التفسیر الاشاره الی ما قد یورد فی هذا المقام».

انجام: «و لو خصوص الاطمینان منه من أیّ سبب حصل و هو کماتری فاسد».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و پیداست در حدود زمان محشّی و در نجف اشرف نوشته شده است.

«۳۱۵» حاشیه الفوائد الضیائیّه فی شرح الکافیه

(نحو ـ عربی)

از: ابراهیم بن محمد بن عربشاه اسفراینی، معروف به عصام الدین.

کتاب: حاشیه ای است بر «الفوائد الضیائیّه» که به «شرح جامی» شناخته می شود و مقصود، شرح ملّا عبدالرحمن جامی است بر کتاب «الکافیه» ابن حاجب در علم نحو.

نسخه: به خطّ عسکری حسینی است و تاریخ کتابت ندارد. ظاهرًا در قرن ۱۲ نوشته شده. آثار وقف در آن هست، و بر چند موضع در حواشی نسخه، مرحوم میر بهاءالدین مختاری از علماءِ مشهور قرن ۱۲ اصفهان، به خطّ مبارک خود حاشیه ای نوشته و امضا کرده است «بهاء».

«۳۱۶» حاشیه الفوائد الضیائیّه فی شرح الکافیه

(نحو ـ عربی)

از: مرحوم سیّد نعمه اللّه موسوی جزائری. صاحب «زهر الربیع. ش ۴۵۲».

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر کتاب «الفوائد الضیائیّه» ملّا عبدالرحمن جامی که

معروف است به «شرح جامی» بر کتاب «الکافیّه» تألیف ابن حاجب مشهور، و به طبع رسیده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و در نیمه اوّل قرن ۱۳ نوشته شده و بسیار مغلوط است و غیر قابل استفاده و هیچ امتیازی ندارد.

تملّکِ «اقل السّادات و الطلبه»، به تاریخ ۱۸ ذی الحجه ۱۲۴۲ در آخر نسخه هست.

حاشیه قدیمه جلالیه: حاشیه شرح تجرید الکلام

«۳۱۷» حاشیه قواعد الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام

(فقه ــ عربی)

از: محقّق کرکی نورالدین علی بن حسین بن عبدالعالی عاملی (متوفی ۹۴۰) علیه الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر کتاب «قواعد الأحکام» علاّمه حلّی قدس سره .

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به قرائن در اوائل قرن یازدهم استنساخ شده است.

آغاز: «بسم. کتاب الطهاره. قوله رحمه اللّه: فالوضوء یجب للواجب من الصلـوه و الطواف و مسّ کتابه القرآن. وجوب الصلوه و الطواف ثابت بأصل الشرع».

انجام: «قوله: و بنی الشاکّ فی العدد علی الأقلّ. تمّ».

روی برگ اوّل، فائده ای از «شیـخ بهاءالدین محمّد العاملی مدّ ظلّه العالی»، و تملّک «من جمله کتب الع الأقلّ علیّ بن الحسـن الجیلانی»، در آغاز کتاب هست.

ص : ۳۳۳

حاشیه قوانین: القسطاس المستقیم

«۳۱۸» حاشیه کتاب من لا یحضره الفقیه

(حدیث ــ عربی)

از: میر محمّد صالح بن عبدالواسع حسینی خاتونابادی علیهما الرحمه. صاحب «ذریعه النجاح. ش ۳۹۳».

کتاب: حواشی چندی است بر کتاب «من لا یحضره الفقیهِ» مرحوم شیخ صدوق، از «باب میاه» تا نماز میّت که احمد بن محمّد مهدی شریف خاتون آبادی ــ شاگرد محشّی ــ آنها را به خطّ محشّی و پس از فوت او یافته و استنساخ کرده است.

نسخه: به خطّ همان احمد بن محمّد مهدی شریف خاتونابادی است، در شش برگ بزرگ و ظهر نسخه مطالب فوق را یادداشت کرده است.

«۳۱۹» حاشیه الکشّاف

(تفسیر ــ عربی)

از: میر سیّد شریف جرجانی زین الدین ابوالحسن علیّ بن محمّد بن علیّ حسینی (متوفی ۸۱۶).

کتاب: حاشیه ای است بر تفسیر «الکشّاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل» تألیف جار اللّه محمود زمخشری، و در ذیل کشّاف به طبع رسیده است.

نسخه: به خطّ نستعلیق خوب محمّد هاشم بن نقدعلی رضوی حسینی خوانساری. تاریخ ختم کتابت: نهم ذی الحجه ۱۰۹۱. متن کشّاف تا مقداری که حاشیه شده در بالای صفحات نسخه به خطّ کاتب نوشته شده است.

حاشیه لوامع الأسرار: حاشیه شرح المطالع

«۳۲۰» حاشیه المتوسّط

(نحو ــ عربی)

یا «حاشیه علی الشرح المتوسط المسمّی بالوافیه علی الکافیه»

از: میر سیّد شریف جرجانی علی بن محمد حسینی (متوفی ۸۱۶).

کتاب: حاشیه ای است بر کتاب «الوافیه» که شرح متوسّط سیّد رکن الدین حسن بن محمّد حسینی استرآبادی (متوفی ۷۱۷) است بر کتاب «الکافیه فی النحو» تألیف ابو عمر و عثمان ابن حاجب (متوفی ۶۴۶).

در کشف الظنون گوید، میر سیّد شریف، حاشیه مذکوره را نتوانست تمام کند و فرزندش محمّد آن را تمام کرد.

نسخه: نام کاتب ندارد.

آغاز: «بسم. الحمد للّه علی عظمه جلاله حمد عریق بمطالعه جماله».

انجام: «من کلّ وادٍ الاّ فی وقف وقایه اللّه السّاری فی و السباع. تمّت الحاشیه المتوسط...».[کذا].

تاریخ استنساخ: ۹ ذی القعده ۹۷۸.

«۳۲۱» ضمیمه رساله مختصره، در تحقیق زکوه

(فقه ــ فارسی)

از: نامعلوم.

آغاز: «بسم. بدان وفّقک اللّه «تع» زکوه در غلاّت اربعه که گندم و جو».

انجام: «و فی الحدیث هاتوا ربع عشر أموالکم، و الحمد للّه ربّ العالمین. این چند

کلمه حسب الالتماس بعض اعزّه... سمت تحریر یافت و أنا... محمد شریف کشمیری... تمت فی بلده السیستان شهر صفر ۱۰۱۹»

نسخه: دارای پنج صفحه است.

«۳۲۲» حاشیه المطوّل

(معانی بیان ــ عربی)

از: ملاّ حسن چلبی ابن محمّد شاه بن محمّد فَناری رومی حنفی (متوفّی ۸۸۶): «زِرِکلی ۲: ۲۱۶».

کتاب: حاشیه ای است محقّقانه بر «مطوّل» سعدالدین تفتازانی (رجوع به ش ۲۹۳) و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد بن علیّ الکلیبولیّ. تاریخ پایان کتابت: ۹۷۷.

سیّد احمد قاضی سابق قسطنطنیه ابن سیّد حاج محمّد ارض رومی، نسخه را در اواخر محرّم ۱۱۰۱ به بهای ۱۴ غروش در قسطنطنیه خریده و ظهر نسخه یادداشت کرده است.

مُهر «توکّلت علی اللّه و اعتصمت باللّه و ما توفیقی الاّ باللّه، عبده احمد»، و مُهر «عبده محمد حسین بن محمد الموسویّ» در آخر نسخه، و «محمّد باقر بن زین العابدین الموسوی» امام مجدّد صاحب روضات الجنّات و نواده گرامی «الراجی جلال الدین بن محمد مسیح الموسوی» ــ رضوان اللّه علیهم ــ روی برگ اوّل دیده می شود.

کاتب مقدّمه چلبی را ننوشته است. نگارنده این فهرست، آن را از روی نسخه دیگر با شرح حال مؤلف در آغاز نسخه آورده است.

«۳۲۳» نسخه دیگر

نسخه: از آخر ناقص است و از آثار سده دوازدهم می باشد.

ص : ۳۳۶

«۳۲۴» حاشیه المطوّل

(معانی بیان ــ عربی)

از: میر سیّد شریف جرجانی. صاحب «حاشیه المتوسّط. ش ۳۲۰».

نسخه: از آخر ناقص است و تا شرح قول مصنّف «و هذا معنی لطف مسلکه» رسیده است.

آغاز: «بسم... فهذه حواش علی الشرح المشهور لتلخیص المفتاح کنت قد قیّدتها علیه».

انجام موجود: «فیه اشاره الی أن تلافی المطلوب بقدر».

تا اواسط، نسخه دارای حواشی بسیاری است. مخصوصًا از شخصی که به این صورت ها رقم زده است: «عبد النبی عثمانی»، «عبدالنبی احمد ابادی»، «عبدالنبی احمد نگری» و «عبدالنبی غریب».

مهر بزرگ وقفنامه از درآمد «املاک موقوفه مرحوم حاجی ملا احمد قهپایه ای به تولیت جناب آقا میرزا محمود خان قهپایه و نظارت جناب شریعتمدار آقای حاجی میرزا محمد حسن حکیمباشی» به جهت طلّاب اصفهان در چند جای نسخه هست.

خطوط «مهدی بن شیخ محمّد بن مرحوم شیخ عیسی» و «کاظم بن سیّد احمد امین عاملی» و جز آنها روی برگ اوّل دیده می شود.

«۳۲۵» حاشیه المطوّل

(معانی بیان ــ عربی)

از: نامعلوم.

کتاب: حاشیه مفصّلی است بر «مطوّل» تفتازانی.

آغاز: «قوله: افتتح کتابه، ا هآ. أی کتابه المقدّر فی الذهن إن کانت الخطبه ابتدائیّه».

انجام: «قوله: فمفتون، من الفتن، بمعنى الاحراق... أى فمنهم الصالحون و منهم دون ذلك، و المقصود أنّ البصره مصر جامع، و اللّه أعلم».

نسخه: به خطّ نستعليق زيبا در سده ۱۲ يا ۱۳ نوشته شده، لكن بدون تاريخ و نام كاتب است.

تملّك محمّـد نصير بن محمّـد على و خطّ مرحوم آقاى حاج سيّد محمّد باقر تويسركانى، به تاريخ ۳ ربيع الثانى ۱۳۵۰، ظهر نسخه هست.

«۳۲۶» حاشيه معالم الأصول

(اصول فقه ــ عربى)

از: شيخ محمّد بن حسن بن زين الدين عاملى، عليهم الرحمه.

كتاب: حاشيه اى است بر مقدّمه اصوليّه «معالم الدين و ملاذ المجتهدينِ» شيخ حسن فرزند ارجمند شهيد ثانى، و اين حاشيه از فرزند مؤلّف است كه پس از درگذشت پدر نگاشته.

نسخه: در زمان محشّى نوشته شده و تا اواخر آن به دست خود وى تصحيح و مقابله گرديده. نام كاتب و تاريخ كتابت ندارد.

ظهر نسخه تملّك درويش على بن محمد مقيم (ظ) حلّى در ۱۱۴۴ و محمّـد بن شيخ درويش العوض ساكن حلّه در ۱۱۸۷ و مهر نياى گرامى، آيه اللّه حاج مير سيد على بن حاج مير سيّد محمّد موسوى چهارسوقى، ديده مى شود.

«۳۲۷» حاشيه معالم الاصول

(اصول فقه ــ عربى)

از: محمّد ابراهيم بن حسين الحسينىّ، معروف به حاج ميرزا ابراهيم مجتهد شيرازى ــ عليه الرحمه ــ. شرح حالش در «مكارم الاثار ۵: ۱۴۹۱».

کتاب: حاشیه ای است بر تمام مقدمه اصولیّه «معالم الدین و ملاذ المجتهدین».

نسخه: تاریخ تألیف و نام کاتب ندارد. ختم استنساخ: جمعه اواخر ذیقعده ۱۲۴۸، و در حیات شارح کتابت شده.

ظهر نسخه تملّک محمّد حسین بن محمّد اشرف خراسانی در مدرسه جدّه کوچک اصفهان به تاریخ ۱۲۵۹، و تملّک نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سیّد جمال الدین چهارسوقی در ۱۶ شوال ۱۳۲۱ دیده می شود.

«۳۲۸» حاشیه معالم الاصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: استاد وحید آقا محمّد باقر بن محمّد اکمل بهبهانی علیهما الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است بر مقدّمه اصولیّه «معالم الدین و ملاذ المجتهدین».

نسخه: به خطّ محمّد حسن بن شیخ محمّد باقر السعدی. فراغ از کتابت: ظهر چهارشنبه ۱۷ صفر ۱۲۱۰.

تملّک علی بن شیخ محمّد باقر السعدی و بخشیدن مرحوم حاج محمد جعفر بن محمد صفی فارسی آباده ای مجتهد اصفهانی نسخه را به «قرّه العین ثمره فؤاد عطاء اللّه» در ۱۶ ذی الحجه ۱۲۷۸، ظهر نسخه نوشته شده.

«۳۲۹» حاشیه معالم الأُصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: حاج میر محمّد حسین بن میر عبدالباقی حسینی، امام جمعه اصفهان، معروف به سلطان العلماء، متولّد شب یکشنبه سلخ ذی القعده ۱۱۶۰: «فهرست گلپایگان: ۱۳۷» به نقل از خطّ خودش: متوفّی شب دوشنبه ششم ماه صفر ۱۲۳۳: «مکارم الاثار ۳: ش ۴۴۵»، «دو گفتار، روضاتی: ۴۶»، صاحب «رساله در حُکم نقل جنائز. ش ۴۰۰».

شیخ محمّد مهدی بن محمّد رازی، از فضلای گمنام نیمه نخست سده سیزدهم که مدّتی در اصفهان به سر برده و نزد شش تن بزرگـان آن عصـر و مصـر دانش آموخته است، در کتاب «مشـکاه المسائل» خود که آن را در سال (۱۲۳۰ ظ) به پایـان برده و نسخه منحصر آن در کتابخانه آستان قدس (به شماره ۴۹۶۷) موجود است، درباره جناب حاج میر محمد حسین گوید:

«کان فاضـلًا عالمًا عاملًا باذلًا محقّقًا مدقّقًا شاخصًا فقیهًا، ذاالشّوکه و الشّان، جلیل المرتبه و المکان، وجیهًا عند العوامّ و الخواصّ و الأـمراءِ و السّـلطان، یُخـاطب بسـلطان العلمـاء، قاضـی حوائـج النّـاس و ملاذ النّاس و ملجأ العوام و الخواص. له فتاوی کثیره و تألیفات أینقه و الأموال الکثیره...»: «معجم السیّد عبدالعزیز: رقم ۱۹۸».

کتاب: تعلیقاتی است بر برخی از مواضع «معالم الدین و ملاذ المجتهدین»، از مرحوم شیخ حسن عاملی ـ اعلی اللّه تعالی مقامه و مقامه ـ .

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، و حواشی چندی بر آن از دانشمندی در پایان نسخه به خطّ کاتب اصل آمده است.

پیش از این در دست مرحوم آقا شیخ محمّد رضا ابوالمجد نجفی اصفهانی بوده است.

«۳۳۰» حاشیه معالم الاصول

(اصول فقه ـ عربی)

از: آخوند ملاّ محمّد صالح بن احمد مازندرانی اصفهانی علیه الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است بر مقدّمه اصولیّه «معالم الدین و ملاذ المجتهدین».

نسخه: به خطّ فضل اللّه بن مرحوم ابراهیم نوری. ختم کتابت: هفـدهم محرم ۱۱۰۴ به فرمان حاجی محمّد رضا نوشته شده و یکی دو برگ از آغاز نسخه افتاده است.

ص : ۳۴۰

«۳۳۱» حاشیه معالم الاصول

(اصول فقه ـ عربی)

از: نامعلوم

کتاب: حاشیه ای است بر مقدّمه اصولیّه «معالم الدین و ملاذ المجتهدین» از آغاز تا مبحث اجتماع امر و نهی.

نسخه: ناقص است و نام کاتب و تاریخ ندارد. آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم موسوی چهارسوقی، ظهر نسخه تملّک خود را در (۱۲۷۵) نوشته و افزوده اند که نسخه حاشیه ای است بر معالم، مشتمل بر ابکار فوائد متأخّرین به خصوص سیّد بحرالعلوم و آقا سیّد علی طباطبائی صاحب «ریاض». محشّی از شاگردان این دو تن بوده است رحمه اللّه علیهم.

«۳۳۲» حاشیه معالم الاصول

(اصول فقه ـ عربی)

از: نامعلوم.

کتاب: حاشیه ای است بر مقدّمه اصولیه «معالم الدین و ملاذ المجتهدین».

نسخه: مسوّده اصل است به خطوط مختلف و مشابه. مانا که قدری از مسوّدات دو حاشیه است بر معالم از دو مؤلّف و تقریرات دروس استادان خود را می نوشته اند. نام امیر سیّد علی طباطبائی و ملّا علینقی سالیانی و غفّار(۱) در نسخه آمده است.

ظهر نسخهٔ مهرِ «یا امام علیّ النقیّ» و مهر آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین موسوی

---

۱ – ۱) این شخص به ظنّ قویّ، عبدالغفار بن زین العابدین بن علی اکبر نوری سالیانی، کاتب نسخه «ملاذ الاوتاد» است که شاگرد ملا علینقی سالیانی بوده و در هامش کتابِ مذکور، شرحی بر معالم به نام «بحار العلوم و نجاه الغموم» به او نسبت داده است. شاید نسخه جای گفتگو از این دو سالیانی باشد.

چهارسوقی، نیای نویسنده این فهرست دیده می شود. روی برگ آخر یادداشتی به تاریخ ۲۷ ذیقعده ۱۲۳۲ نوشته شده.

حاشیه معالم الاصول: هدایه المسترشدین

حاشیه معالم الاصول: وسیله وصول العالم

حاشیه الوافیه: حاشیه المتوسّط

«۳۳۳» حجّه البالغه فی أسرار اعتقادات الاحمدیّه

(اعتقادات _ فارسی)

از: حاج عبدالمطّلب بن حاجی محمد حسن اصفهانی، مشتهر به عبّاس آبادی، از شاگردان و پیروان شیخ احمد احسائی و سیّد کاظم رشتی و از متعصّبان فرقه، بلکه از معاندین با متشرّعه.

کتاب: چنان که در «الذریعه» فرماید کتابی مبسوط و دارای مقدّمه ای مشتمل بر چندین عنوان است، و ظاهرًا هر عنوانی خود رساله ای مستقل نیز گردیده، و مقصودش از«اعتقادات الاحمدیّه» همان شیخ احمد احسائی است که پیروانش بعدًا به «شیخیّه» شهرت یافتند.

نسخه: شامل دو عنوان است:

۱ _ «عنوان سیم از طریق دویم از مقدمه کتاب حجّه البالغه... در باب مطلق علم اللّه از تعبیر و بیان و اَداء و کیفیّات آنها». و این عنوان خود یک رساله بلکه کتاب مستقلّی شده با خطبه و دیباچه و در پایان آن گوید:

ص : ۳۴۲

«تمّت اصل و ملحقات رساله... فی بیان عنوان اثبات تحقّق أنّ للّه علمین، فی محروسه کاظمین علیهما السلام من ید مصنّفه... فی شهر جمادی الثانی ۱۲۵۷...».

کاتب: «اقلّ الطلبه احمد بن اسمعیل الخراسانی الترشیزی النامقی فی صحن المقدّس من ابی عبدالله علیه السلام». تاریخ کتابت: ۷ ماه رجب ۱۲۵۹.

در چند موضعْ کاتب حاشیه ای بر رساله نوشته که یک موضع را مؤلّف به خطّ خود ردّی نوشته است.

روی برگ اوّل این نسخه، این شرح نوشته شده است:

«صورت تصدیق مرحوم سیّد، نوّراللّه ضریحه و اعلی اللّه مقامه. بسم اللّه الرحمن الرحیم... و بعد فانّ الحقیر الفانی الجانی کاظم بن قاسم الحسینی الرشتی قد نظر فی هذه الرساله التی صنّفها ذو الفطره الزکیه و الفطنه المرضیّه الأکرم الأمجد الحاجّ عبدالمطّلب فی مسئله البداء المتفرّعه علی مسئله علم اللّه سبحانه فقد أجاد علی ما وقع نظری علیه فی بیان علم اللّه سبحانه و مراتبه و أفاد و تکلّم بالمراد و هو لعمری حقیق أن یکتب بالنّور علی و جنات الحور فکلّ ما یتفرّع علیه علی التفریع الواقعی فی جمیع المباحث من البداءِ و غیره حق لا شکّ فیه و لا ریب یعتریه، جزاه اللّه عنّا افضل الجزاءِ و صلّی اللّه علی محمّد و آله آل اللّه، و کتب بیمناه الداثره الع کاظم بن قاسم الحسینی الرشتی ۲۳ ط ۱۲۵۷».

۲ ــ «عنوان هفتم از طریق دویم از باب ششم از فصل هفتم مقدمه کتاب حجه البالغه... در بیان حرمت عمل به مظنّه که به علل چند... بنحو تجرید نسخه یی گردید». و این عنوان نیز خود رساله، بلکه کتابی مستقلّ است با خطبه و دیباچه، و کاتب در آخر آن گوید:

«حسب الخواهش جناب حقایق و معارف مآب عمده المحققین و قدوه العارفین فخر الحاج حاجی الحرمین مطاعی حاجی عبدالمطلب در تسوید و نگارش این رساله برآمده و در شهر ربیع الاولی ۱۲۵۹ در کاظمین... به اتمام رسانید، کتبه اسد اللّه التماس دعا داریم».

ظاهرًا خطوط مؤلّف در حواشی این رساله نیز هست.

ضمیمه

(صورتظ جواب مکتوب عالیجناب معلّی القاب)

سلاله السّاده و النجباء میرزائی میرزا عبدالغنی سلّمه الله تعالی

جواب نامه ای است که میرزا عبد الغنی (ظاهرًا خاتونابادی) به حاج عبدالمطّلب اصفهانی مذکور فوق نوشته و او را واسطه قرار داده است که دستور العملی از حاج سید کاظم رشتی برایش بگیرد و او مطلب را به سیّد گفته و سیّد جواب مفصّلی داده است که حاج عبدالمطلب به صورت این مکتوب درآورده و گویا به خط خود در شش صفحه نوشته و امضا کرده و در آخرِ دو رساله فوق، ضمیمه کرده و برای میرزا عبدالغنی فرستاده است.

«۳۳۴» حدائق الحقائق فی شرح کلمات کلام اللّه الناطق

(شرح نهج البلاغه ــ عربی)

از: علاءالدین محمّد بن ابی تراب گلستانه اعلی اللّه مقامه.

کتاب: شرح «نهج البلاغه» مرحوم سیّد رضی است به شرح مزجی. تاریخ پایان جزء ثانی: ۱۰۸۰.

نسخه: از اواسط جزء ثانی است که شرح خطبه شقشقیّه است از بحث راجع به خلیفه

ثانی. تاریخ استنساخ این بحث: دوشنبه نوزدهم ماه شعبان ۱۰۹۶، و بحث دوّم، راجع به خلیفه سوّم و بقیه خطبه شقشقیّه که پایان جزء دوّم است. تاریخ استنساخ این جزء نیز ۱۰۹۶، و جزء سوّم کتاب از خطبه «بِنا اهتدیتم فی الظلماء» تا خطبه «و اللّه لو وجدته قد تزوّج به النّساء»، تاریخ استنساخ: سه شنبه هیجدهم شوال ۱۰۹۶. کاتب: ناصر بن جمّاز الحسینی از فضلاءِ زمان.

از کتابخانه اجدادی است و مُهر نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین روضاتی روی برگ اوّل نقش بسته است.

«۳۳۵» حدائق الحقائق فی فسر دقائق أفصح الخلائق

(عربی)

از: قطب الدین محمّد بن حسین بن حسن کیدری بیهقی ــ علیه الرحمه ــ .

کتاب: شرح «نهج البلاغه» مرحوم سیّد رضی است به «قوله، علیه السلام»، و در آن از شرح قطب راوندی و امام احمد وبری ــ علیهما الرحمه ــ بسیار نقل می کند.

تاریخ پایان تألیف: اواخر ماه شعبان ۵۷۶. برای آگاهی بیشتر به «نامه آستان قدس ۲۵: ۱۱» رجوع شود.

نسخه: به خطّ محمّد شریف بن علی رضا مازندرانی. پایان کتابت: روز جمعه از عشر اوّل ماه صفر ۱۰۴۹.

از نگاه به نسخه دانسته می شود که آن از روی یک نسخه کهن نوشته شده و چون کاتب مایه علمی چندانی نداشته، از عهده قرائت درست برنیامده و نوعًا عبارات را به صورت غلط استنساخ کرده و در اوائل نسخه نیز جابجا مقدار کلمه یا جمله یا چند سطر را نانویس گذارده است.

از کتابخانه نیاکان بزرگوار، آیات عظام آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین موسوی، حاج میر سیّد محمّد فرزند گرامی ایشان، و بالاخره، آقای میرزا سیّد جلال الدین چهارسوقی _ اعلی اللّه مقاماتهم _ بوده است.

«۳۳۶» حدائق المقرّبین

(فارسی)

از: میر محمّد صالح حسینی خاتون آبادی علیه الرحمه، که تألیف دیگر او «آداب ستّیه» را به شماره [۳] معرّفی نمودیم.

«حدائق المقرّبین» در احوال ملائکه و انبیاء و ائمّه اطهار علیهم السلام و بعضی دیگر از طبقات ممتازه و بیان تفضیل بعضی بر بعض دیگر است.

موضوع «تفضیل» از جمله مباحثی است که از قدیم مورد نظر و بحث بوده است. سیّد مرتضی علم الهدی _ طاب ثراه _ (۳۵۵ _ ۴۳۶) سوّمین مسأله از «جوابات المسائل الرازیّه» را به این موضوعِ «تفضیل الأنبیاء علی الملائکه» اختصاص داده و چهار صفحه در این باره سخن گفته است (ص ۱۰۹ _ ۱۱۲ چاپ قم) و در خلال آن بحث، به رساله جداگانه خود در این موضوع اشاره فرموده است. اینک به منظور واضح شدن مسأله، صورت استفتا و سؤال را به فارسی درمی آوریم و برای آگاهی از پاسخ آن بزرگوار شایسته است به اصل کتاب رجوع شود. صورت سؤال به این مضمون است:

«چه می فرمایید درباره پیامبران و فرشتگان، آیا کدام یک از این دو گروه برتر و افضل و ثوابشان بیشتر است، و عقیده واجب در این باب چیست؟».

در زمان شاه طهماسب صفوی نیز مرحوم سیّد المحقّقین سیّد حسین موسوی عاملی معروف به مجتهد و مفتی (متوفی ۱۰۰۱) کتاب «دفع المناواه عن التفضیل و المساواه» را در همین موضوع نوشت و در «۴ ع ۱ _ ۹۵۹» از تألیف آن فراغت یافت، «الذریعه.

ص : ۳۴۶

مرآه الکتب. الروضه النضره. إحیاء الداثر».

* * *

در حدیقه پنجم «حدائق المقرّبین» احوال گروهی از صحابه بزرگوار و یاران ائمّه اطهار علیهم السلام و سی نفر از علماءِ نامدار شیعه که نخستین آنها شیخ کلینی صاحب «کافی» و آخرین، علاّمه مجلسی باشند، ذکر نموده و از این بابت کتابْ مورد استفاده کسانی که در تراجم دانشمندان تألیف دارند نیز بوده. با این وصف، نسخ آن کمیاب است و تنها نسخه دیگری به نظر نگارنده رسیده که چندان قابل اعتماد نیست.(۱)

نسخه ثالثی نیز مسموع گردید که در اصفهان وجود دارد.

مؤلّف «الذریعه ۶: ۲۸۹» کتاب را عنوان نموده، لکن نسخه ای از آن نشان نداده و فرموده است که صاحب «روضات الجنّات» و حاجی نوری در «الفیض القدسی» از آن نقل کرده اند.

نیای گرامی صاحب روضات قدس سره خود مستقیمًا از این کتاب استفاده و نقل کرده اند، لکن حاجی نوری به آن دسترسی نداشته و حتّی در «الفیض القدسی: ۳۳» و چند جای دیگر که به توسّط روضات از این کتاب نقل نموده، اشتباهًا مؤلّف آن را میر محمّد حسین خاتون آبادی (فرزند میر محمّد صالح) معرّفی کرده، امّا در «مستدرک ۳: ۳۸۶» استدراک این اشتباه شده است.

«حدائق المقربین» بنا به روش مؤلّف در اغلب آثارش، دارای فهرست مطالب است که خود نگاشته و در آغاز آنها نهاده است. ما نیز همان فهرست را بعدًا در اینجا نقل می کنیم.

---

۱ – ۱) انجام آن نسخه: «قد وقع الفراغ من کتابه هذا الکتاب المستطاب فی خامس شهر ربیع الأول، علی ید أقلّ العباد، ابن حاجی ابراهیم: هادی خاتون آبادی جیی اصفهان... فی عام ۱۱۱۷. تمّ».

آغاز: «بسم... هدیر(۱) کبوتران ملائکه مقرّبین در بروج مشیّده سمواتْ تسبیح و تقدیس خداوندی است که لألی نعم و جواهر أیادیش افزونتر از آن است که به میزان عقول و مقیاس حواسّ توان سنجید... امّا بعد؛ تهی دست جواهر فضایل و معانی محمّد صالح بن عبدالواسع الحسینی... بعرض طالبان شوارع هدایت... می رساند که اگرچه طبیعت امکان که عَرَضِ لازم هر فردی از أفراد ممکنات است مشوب به جهات نقص... است، و شرافت و کرامت ذاتی مخصوص ذات کمال الصّفات جناب اقدس الآهی است؛ لیکن چون قامت قابلیّت انسان بطراز «وَلَقَدْ کرّمْنا بَنی آدمَ» شرف امتیاز یافته... این بنی نوع را بر سایر انواع موجودات تفضیل داده اند، و صنف پیغمبران و أوصیای عالیشان از أصناف نوع انسان بمزید کرامت... ممتاز... و از أشخاص این صنف با عزّ و تمکین، حضرات سیّد المرسلین و ائمّه طاهرین... بأعلی درجات کرامت رسیده... لاجرم همه خلایق از اوّلین و آخرین و ملائکه مقرّبین و سایر انبیاء و مرسلین مأمور به این إذعان و مکلّف به تولّای ایشانند... و بر طبق این مطلب أخبار معتبره بسیار در کتب و آثار وارد شده، و با وجود آنکه حال بر این منوال است أساطین علماء از متأخّرین و قدماء متعرّض این مطلب أسنی نشده... و به این سبب این غرض اقصی بر اکثر طالبان طریق هُدی مشتبه و مستور... بوده،

تا در این زمان سعادت توأمان بندگان ثریّا مکان نوّاب کامیاب... الشاه سلطان حسین الصّفوی الموسوی الحسینی... که فیما بین سلاطین روزگار و خواقین معدلت آثار، بمزید حسن عقیدت و صفای طویّت اختصاص دارند، بلکه در میان سلسله علیّه خود نیز به کمال اهتمام در پیروی شرع سیّد أنام و نشر آثار آبای عظام ـ علیهم صلوات اللّه الملک

۱- ۱) هدیر، بر وزن امیر: بانگ کبوتر.

العلاّم ـ ممتازند، و با وجود تحمّل أعباءِ سلطنت و أشغال ملّت و دولت؛ پیوسته بتفتیش مسائل دینیّه و تحقیق معارف یقینیّه مشغول می باشند؛ به تنقیح این مطلب و تحقیق فضایل و منازل أجداد طاهرین خود راغب و أحوال متعلّقه به ایشان طالب بودند، و خاطر ملکوت ناظر به تبیین اقاویل و فتاوی علماء و إبانه حقّ و استخراج آیات و روایات دالّه برین غرض اقصی متعلّق گردید؛

لهذا این قلیل البضاعه بتألیف این رساله کثیر الفائده و تنقیح این مطلب... پرداخت، و به تفضیل انبیاء و مرسلین و ملئکه مقرّبین و تفضیل صحابه أخیار حضرت سیّد أبرار و اصحاب ائمه اطهار و تفضیل سایر ناس از طبقات علمای کرام و سادات واجب الاحترام نیز عنان قلم را منعطف گردانید... و این رساله نبیله به «حدائق المقرّبین» موسوم و به پنج حدیقه مرتّب گردید...».

انجام: «و یقین بدان که حق تعالی به بندگان مؤمنین؛ رؤوف و رحیم و به شیعیان ائمه طاهرین ـ صلوات اللّه علیهم اجمعین ـ عطوف و کریم است. و الحمدللّه علی افضاله... به اینجا ختم می کنم این کتاب جزیل الأبواب را...

صوره خط المؤلف: وقد وقع الفراغ من اتمام هذه النّسخه الشریفه فی اواسط شهر اللّه المبارک شهر رمضان من شهور سنه خمسه عشر و مائه بعد الالف، و الحمدللّه رب العالمین... و وقع الفراغ من استنساخ هذا الکتاب المتسطاب الّذی قلّ ما یوجد مثله فی هذه الابواب، علی ید أقلّ السّادات و الطلاّب فی ضحوه یوم الخمیس سادس عشر شهر رجب المرجّب سنه ثمان و ثلثمائه و ألف ۱۳۰۸».

و در هامش کاتب گرامی نسخه چنین نوشته اند: «قوبل بحسب الوسع و الطاقه، و له الحمد».

ص : ۳۴۹

فهرست کتـاب: «بسم... فهرست کتـاب «حـدائق المقرّبین» تـألیف أحقر داعیان دوام دولت قاهره محمّـد صالـح الحسـینی... این کتاب مشتمل است بر پنج حدیقه:

حـدیقه اول: در تفضـیل ملائکه، بعضـی بر بعضـی، و این حـدیقه مشـتمل است بر ۷ بـاب: باب ۱ ــ در بیـان کثرت ملائـکه و عجایب خلقت ایشان. باب ۲ ــ در بیان اصـناف ملائکه... «ده صنف»... باب ۳ ــ در بیان آنکه ملائکه معصومنـد از گناهان... باب ۴ ــ در بیان مـذاهب علماء در باب ملائکه... باب ۵ ــ در بیان بعضـی از احوال ملائکه... باب ۶ ــ در بیان تفضیل بعضی از ملائکه بر بعضی. باب ‌-۷ در بیان روح و اصناف آن و در این باب مذکور می شود بعضی از سُرادقات و حجُب.

حدیقه دوم: در تفضـیل بعضـی از انبیاء و مرسـلین بر بعضـی و تفضیل ایشان بر ملائکه و این حدیقه نیز منطوی است بر ۷ باب: باب ۱ ــ در بیان عدد انبیاء و مرسلین. باب ۲ ــ در بیـان نبی و رسول و فرق میان آنها. باب ۳ ــ در بیان أولوالعزم و معنی آن. باب ۴ ــ در بیـان آنکه همه پیغمبران معصومنـد از گناهان... باب ۵ ــ در بیان عصـمت ایشان از سـهو و نسیان... باب ۶ ــ در بیان تفضیل همه پیغمبران بر ملائکه... باب ۷ ــ در بیان تفضیل پیغمبران بعضی بر بعضی.

حدیقه سیم: در تفضیل رسول خدا و ائمه هدی ــ علیهم التحیّه و الثناء ــ بر همه عالمیان و تفضیل بعضی از ایشان بر بعضی، و این حدیقه مشتمل است بر ۱۴ باب بعدد آن مقرّبان ربّ الأرباب: باب ۱ ــ در تفضیل سیّد کاینات ــ صلّی اللّه علیه و آله ــ بر همه موجودات... باب ۲ ــ در بیان تفضیل آن حضرت بر سایر أنبیاء و مرسلین... باب ۳ ــ در بیان تفضیل أمیرالمؤمنین و فاطمه زهراء و سـایر ائمه طـاهرین ــ صـلوات اللّه علیهم أجمعین ــ بر همه انبیاء و مرسـلین. باب ۴ ــ در بیان آنکه علم حضـرت سیّد المرسلین و علوم ائمه طاهرین صلوات اللّه علیهم اجمعین زیاده است از علوم سایر انبیاء

و مرسلین... باب ۵ _ در بیان آنکه ایشان عالم بودند به همه علوم و بیان اسباب حصول علم برای ایشان، و در این باب ایراد می شود کتب آسمانی و کتاب «جفر و جامعه» و «مصحف فاطمه علیهاالسلام» و «ناموس» و «دیوان».. باب ۶ _ در بیان آنکه کتب و آثار پیغمبران گذشته همه به ایشان به میراث رسیده... باب ۷ _ در بیان آنکه همه پیغمبران و ملائکه مقرّبان پناه می بردند در شدّتها و بلاها به ایشان و مأمور بودند به اعتقاد به ولایت ایشان، و این طویل الذّیل است... باب ۸ _ در بیان تفضیل حضرت سیّد المرسلین بر امیرالمؤمنین و سایر ائمه طاهرین _ صلوات اللّه علیهم أجمعین _ و در این باب مذکور می شود مناظره نواب گیتی ستان _ أنار اللّه برهانه _ با حاتم بیک وزیر و محاکمه شیخ بهاءالدین محمّد _ علیه الرّحمه _ . باب ۹ _ در باین آنکه أمیرالمؤمنین و همه ائمه طاهرین «ص» امام بودند و نبی و رسول نبودند... باب ۱۰ _ در بیان آنکه حضرت امیرالمؤمنین تالی حضرت سیّد المرسلین است و بعد از آن حضرت افضل است از همه عالمین، و در این باب مذکور می شود بعضی از قصص معراج... باب ۱۱ _ در بیان تفضیل آن حضرت بر سایر ائمه طاهرین صلوات اللّه علیهم اجمعین. باب ۱۲ _ در بیان اختصاص آن حضرت بخطاب مستطاب امیرالمؤمنین... باب ۱۳ _ در بیان تفضیل حسنین علیهماالسلام بر سایر ائمه طاهرین صلوات اللّه علیهم اجمعین... باب ۱۴ _ در بیان مساوات سایر ائمه طاهرین علیهم السلام با تفضیل حضرت صاحب الامر _ علیه السلام _ بر آن هشت امام دیگر.

حدیقه چهارم: در تفضیل فاطمه زهراء _ صلوات اللّه علیها _ بر همه زنان عالمیان، و این حدیقه مشتمل است بر هفت باب: باب ۱ _ در بیان فضیلت فاطمه زهراء صلوات اللّه علیها. باب ۲ _ در بیان فضیلت خدیجه کبری. باب ۳ _ در بیان فضیلت حضرت مریم صلوات اللّه علیها. باب ۴ _ در بیان فضیلت آسیه رضی اللّه عنها. باب ۵ _ در بیان تفضیل

فاطمه زهراء صلوات اللّه علیها بر ایشان. باب ۶ ــ در بیان بعض از نساء طاهرات و بقیّه زوجات طاهرات حضرت رسالت ــ صلی اللّه علیه و آله ــ، و در این باب ۱۲ نفر از زنان مکرّمات مذکور می شود. باب ۷ ــ در بیان سایر نساء مکرّمات که از تتبع أخبار و روایات ظاهر می گردد، و در این باب ۲۱ نفر از آن نساء طاهرات ایراد می شود.

حدیقه پنجم: در بیان جمعی از أخیار که بحسب درجه بعد از انبیاء و ائمه علیهم السلام اند، و این حدیقه نیز مشتمل است بر هفت باب: باب ۱ ــ در بیان گروهی از صدّیقان که مقرّب بودند نزد خداوند عالمیان. باب ۲ ــ در بیان صحابه حضرت رسول «ص» و منازل ایشان، و در این باب مذکور می شوند ۲۱ نفر از أکابر صحابه. باب ۳ ــ در بیان اصحاب حضرت امیرالمؤمنین و سایر ائمه طاهرین ــ صلوات اللّه علیهم اجمعین ــ و این باب مشتمل است بر ایراد سه گروه از اصحاب ایشان: ۱ ــ اصحاب امیرالمؤمنین ــ علیه السلام ــ و از اصحاب آن حضرت ۱۴ نفر مذکور می گردد که از أخیار اصحاب آن حضرتند. ۲ ــ اصحاب حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات اللّه علیهما... ۳ ــ اصحاب سایر ائمه کرام علیهم السلام، و از اصحاب ایشان چهل نفر از اجلّاء و اعاظم اصحاب ایشان ایراد می شود. باب... ۴ ــ در بیان جمعی از اکابر دین که در زمان غیبت امام بوده اند و در نزد حق تعالی گرامی و مقرّبند... باب ۵ ــ در بیان گروهی از مقرّبان از اهل این أعصار و أزمان و در این باب بیان می شود آثار و علامات مقرّبان. باب ۶ ــ در بیان فضایل سادات رفیع الدّرجات و اختلاف طبقات ایشان در فضیلت و کرامت... باب ۷ ــ در بیان فضیلت مؤمنان، و در این باب بیان می شود اختلاف مراتب ایمان و تفاوت درجات مؤمنان، و به این باب این حدیقه و این کتاب ختم می شود، واللّه المستعان. مؤلّف این کتاب و جامع این حدائق و ابواب گوید که خداوند

عالمیـان شـقاوت و سـعادت مکلّفـان و اشـخاص بنی نوع انسـان را مبتنی بر کفر و ایمـان گردانیـده... پس هر مؤمنی که طالب کمـال ایمـان و محبّت باشـد و مَثوبـات جلیله و مراتب عالیه آن نشأه را خواهـد بایـد که خود را محروم نگردانـد از مطالعه این کتاب...».

کاتب این نسخه: مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیح موسوی چهارسویی (نیای گرامی پدر نگارنده این فهرست) یکی از هفت نفر فرزنـدان دانشـمند مرحـوم آیـه اللّه العظمی صـاحب «روضـات الجنّات» است، که در ۲۷ شـوّال ۱۲۵۵ متولّـد شـده و در ۹ ذوالحجّه ۱۳۲۵ وفات یافته و در جنب مزار کثیر الأنوار پدر نامدارشان در تخت پولاد اصفهان مدفون گردید.

ایشـان این نسـخه را به خـط نسـخ زیبای خود اسـتنساخ نموده(۱)، حواشـی مؤلّف را نیز به خـطّ شکسـته و نسـتعلیق در هـامش صفحات نوشـته و چنانکه عبارت ایشان از پایان نسـخه نقل شد، در روز پنج شـنبه ۱۶ ماه رجب ۱۳۰۸ از استکتاب آن فراغت یـافته و نسـخه را بـا اصل آن مطابقه و تصـحیح نموده و در اختیار پـدر بزرگوارشان گـذارده انـد. ایشان نیز در روی برگ اوّل اجازه ای به خطّ و مهر خود، مشـتمل بر تعریف و تمجیـد اصل تألیف و مؤلّف و کاتب نگاشـته و به فرزنـد دلبند گرامی اجازه داده انـد که جمله احادیث و اخبار ائمّه اطهار را به طُرق معلومه مجیز از ایشان روایت نمایـد و یکی از مشایخ اجازه خود را نیز چنین یاد کرده انـد: «... أجلّهم و أقـدمهم هو أفقه أهل زمانه و أوثق من یعتنی بشانه و یقـدّم علی أقرانه مولینا و سیّدنا و سـمیّنا الأسمی الحاجّ السیّد محمّد باقر الموسوی الرشتی القاطن باصفهان...». تاریخ این اجازه: ۱۸ ماه شعبان ۱۳۰۸ است.

۱- ۱) آثار دیگری نیز به خطّ ایشان موجود است که به موقع خود در این فهرست آورده می شود.

نسخه: دارای ۲۳۸ برگ (۴۷۶ صفحه)، به این شرح که ۴۶۳ صفحه اصل کتاب، ۸ صفحه فهرست مؤلّف، ۱ صفحه اجازه و ۲ برگ سفید عطف در اوّل و آخر است. کاغذ فرنگی، خطّ نسخ ۲۱ سطری، عناوین در متن و هامش به سرخی نوشته شده، جلد تیماج تریاکی رنگ، آستر کاغذ ابری اصفهانی، قطع ۱۴ × ۲۲، متن ۸ و نیم × ۱۵.

«۳۳۷» الحدائق الناضره فی أحکام العتره الطاهره

(فقه _ عربی)

از: مرحوم شیخ یوسف بن احمد بحرانی درازی عصفوری (۱۱۰۷ _ ۱۱۸۶) _ أعلی اللّه مقامه _. احوال و آثارش در «کواکب منتشره: ۸۲۸ _ ۸۳۱».

نسخه: از «الباب الثالث فی بقیّه الصّلوات» است تا آخر کتاب صلوه که جلد چهارم باشد. کاتب: محمد رضا بن محمد جعفر. تاریخ ختم استنساخ: ۲۰ ذی الحجه ۱۲۴۵.

اثرِ مقابله و تصحیح و تحشیه ندارد.

«۳۳۸» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب زکوه است تا اواخر کتاب اعتکاف و از آخر چند برگ ناقص است. نام کاتب معلوم نیست، لکن در آخر کتاب خمس، تاریخِ ۱۲۴۵ دیده می شود.

«۳۳۹» نسخه دیگر

نسخه: تمام کتاب حجّ و مزار است. کاتب: ابراهیم بن محمد نجف آبادی اصفهانی. تاریخ استنساخ: ۲۳ ربیع یکم ۱۲۴۵. اثر تصحیح و مقابله و تزیین ندارد.

«۳۴۰» نسخه دیگر

نسـخه: مجلّد نکاح است با لواحق آن و یک صـفحه ای از آغاز کتاب نوشـته نشده. تاریخ ختم اسـتنساخ، ۱۴ ربیع یکم ۱۲۴۸ می باشد. نام کاتب ندارد.

«۳۴۱» الحدائق النديّه فی شرح الفوائد الصمديّه

(نحو ــ عربی)

از: صدرالدین علیّ بن نظام الدین احمد حسنی حسینی، معروف به سیّد علیخان شیرازی علیه الرحمه.

کتاب: شـرح کبیر مزجی بر «الفوائد الصـمدیّه» معروف به «صـمدیّه»، تألیف شـیخ بهاءالدین محمّد عاملی قدس سره است و به طبع رسیده.

تاریخ تألیف: دوشنبه ۱۳ جمادای دوّم ۱۰۷۹ در هند.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن در بیشتر اوراقِ اوائل نسخه، مؤلّف مقابله آن را با نسخه اصل گواهی کرده است.

تملّک محمّـد تقی بن میرزا محمـد حسـین و مهر او «العبد المذنب محمد تقی الحسـینی» و مهر «عبده محمد اسـمعیل ۱۲۲۲» و تفصـیل بخشـیدن آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنات» نسـخه را به فرزند گرامی خود آقا میرزا سـید مسـیح و مهر هر دو بزرگوار، ظهر نسخه هست.

نیز در آنجا به خطّ کاتب آمده است که شماره ابیات کتاب بیست و یک هزار و یکصد و بیست بیت است.

ص : ۳۵۷

«۳۴۲» حدود و دیات

(فقه ــ فارسی)

از: مولانـا محمّـد بـاقر بن مولانا محمّـد تقی، علاّمه مجلسـی ــ أعلی اللّه مقامهما ــ (متولّـد ۱۰۳۷، متوفّی ۱۱۱۰): «دو گفتار، روضاتی: ۶۱ ــ ۶۲».

کتـاب: در مبـاحث حـدود و دیـات و تعزیرات است، به تفصـیل. تاریـخ پایـان تألیف: پنجم جمادای یکم ۱۱۰۲، و چاپ شـده است.

نسـخه: به خط محمّـد تقی بن محمّـد مقیم موسوی رضا توفیقی ساکن اصـفهان. تاریخ اسـتنساخ: شـنبه هشـتم ذوالقعده ۱۲۳۷. برگ اوّل ندارد.

«۳۴۳» نسخه دیگر

نسـخه: به خطّ شـریف نیای اعلی، مرحوم آقای حاج سـیّد حسـین بن حاج میر ابوالقاسم مجتهد موسوی حسـینی، اسـتاد و شیخ اجازه مجتهدان بزرگ زمان سـیّد محمد مهدی بحرالعلوم و میرزا ابوالقاسم صاحب «قوانین» در اصول فقه ــ اعلی اللّه مقاماتهم ــ . پایان کتابت در عصر روز دوشنبه ۲۶ ذیحجّه ۱۱۳۵.

«۳۴۴» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ محمّد رضا بن آ محمّد باقر بن ملاّ ملک احمد. اتمام کتابت: روز دوشنبه ۱۷ ربیع دوّم ۱۲۶۸.

مهر نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین روضاتی در ظهر نسخه هست.

ص : ۳۵۸

«۳۴۵» الحدیده الحسینیّه فی قطع لسان أعوان الأمویّه

(مناظرات ــ عربی)

از: محمد صالح بن محمد محسن القرشی.

کتاب: در ردّ بر یکی از اتباع معاویه و یزید در منع از لعن آنان. به هنگام توقّف در بلده شماخی تألیف شده است.

نسخه: تاریخ و نام کاتب ندارد.

«۳۴۶» حدیقه الشیعه

(امامت ــ فارسی)

کتاب: «حدیقه الشیعه» با عنوان جلد دوّم مکرّر به طبع رسیده و نسخ خطّی آن نیز موجود است و در آنجاها مؤلّفِ کتاب را مرحوم آخوند ملّا احمد مقدّس اردبیلی ــ رحمه اللّه علیه ــ ذکر کرده اند.

امّا این نسخه جای گفتگو و نسخه های دیگری از همین جلد دوّمِ حدیقه در دست است که مقدّمه آن به نام سلطان عبداللّه قطب شاه، ساکن حیدرآباد هند و مؤلّف آن «معزّالدین محمّد بن محمّد رضا اردستانی» معرّفی شده و این نام در نسخه حاضره در حاشیه ورق دوّم نوشته شده است، و مطلقًا در متن نسخه حاضره، نه اسمی از جلد اوّل کتاب و نه نام کتاب و نه نام مؤلّف آن مذکور نیست، و بلکه از مقدّمه کتاب مستفاد می شود که این نسخه خود یک کتاب مستقلّی است، لکن در حاشیه صفحه اوّل به خطّی غیر از خطّ متن، عبارتِ «چون جزو اول از کتاب حدیقه الشیعه» الخ، و نیز این که این نسخه: «المسمّی بشواهد الأئمّه» است، قید شده است. و غیر از مطالب مقدّمه و اندکی از خاتمه و شروحی که در نسخه منسوب به مقدّس اردبیلی درباره مذمّت از صوفیّه نوشته

شده و در این نسخه نیست، دیگر این نسخه هیچ گونه تفاوتی با نسخه چاپی حدیقه الشیعه منسوب به محقّق اردبیلی ندارد، و الله العالم.

نسخه: به خطّ «کتبه العبد الأقلّ محمّد علی الحسینی جهالمالی استرابادی در هنگامی که به سر کاری مسجد جامع دارالسلطنه حیدرآباد مشغول بود این توفیق یافت تحریرًا فی تاریخ دوم شهر جمـد الثانی «کذا» سنه ۱۰۶۲»، عینًا از آخر نسخه نقل شد. و در ذیل همین موضع این شرح با قلم خوردگی روی اسامی دیده می شود:

«ولادت با سعادت قره العیونی میر محمد حسینی ولد سیادت پناه میر اسحق بن سیادت و نجابت دستگاه... (پارگی دارد) جهانمالی اتفاق افتاد در شب پنجشنبه سیم ماه جمید الثانی «کذا» وقت سحر سنه احدی سبعین و الف من الهجره ۱۰۷۱».

و باز دو تاریخ تولّد دیگر در پایین صفحه بوده است که بریده شده و در صحافی از بین رفته است. و نیز این شرح در همین موضع است:

«مالک این کتاب شریف میرزا عبدالوهاب خان سرتیپ فوج اصفهان است و در سنه هزار و دویست و هشتاد در اصفهان خریده بسیار خراب بود تعمیر نموده» الخ. مهر: «عبدالوهاب ابن محمد رفیع».

کاغذ نسخه تمامًا به رنگ لاجوردی است و کاتب به خطّ نستعلیق مستعجلاً استنساخ نموده. لکن در مواضع عدیده از اوّل تا آخر، در حواشی نوشته اند که مقابله شده است.

«۳۴۷» حدیقه المتّقین فی معرفه أحکام الدین لارتقاء معارج الیقین

(فقه ــ فارسی)

از: مرحوم آخوند ملاّ محمد تقی مجلسی اعلی اللّه مقامه، صاحب «روضه المتّقین.

ص : ۳۶۰

ش ۴۳۰».

کتاب: در بیان احکام طهارت و صلوه و زکوه و خمس و صیام است و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد قاسم بن ملك محمّد است که به خواهش «عالیجناب اخند ملاّ جعفر جیلانی»(۱) نوشته. ختم کتابت: روز سه شنبه ۱۵ صفر ۱۲۱۰ [یا ۱۲۱۵].(۲) دو برگ از آغاز نسخه مفقود شده. یادگار مرحوم آقا سیّد فضل اللّه بن سیّد محمّد هاشم حسینی بهشتی اصفهانی «خواهر زاده نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه چهارسوقی» به تاریخ شب هشتم ربیع دوم ۱۳۲۲ در آخر نسخه هست.

«۳۴۸» الحدیقه النجفیّه فی شرح فواتح الروضه البهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه ــ عربی)

از: آخوند ملاّ محمّد تقی بن حسینعلی، هروی اصفهانی نجفی ــ علیه الرحمه ــ (متوفی در کربلای معلّی ۱۲۹۹) . صاحب «السبع المثانی. ش ۴۵۸» و «حاشیه ریاض المسائل. ش ۲۷۸».

کتاب: شرح مقدّمه «شرح لمعه» شهید ثانی ــ رضوان اللّه علیه ــ و دارای فوائد جلیله ای است.

از کتاب «الذریعه ۶: ش ۲۴۲۸» دانسته می شود که «حدیقه» سه مجلّد است:

۱ ــ در شرح مزجی دیباچه تا اول طهارت.

۱- ۱) ظاهرًا مقصود صاحب «شرح المشاعر» است.

۲- ۲) به قرینه تاریخ ختم کتابت نسخه «حاشیه معالم الاصولِ. ش ۳۲۷» محقق بهبهانی که به خطّ محمّد حسن بن شیخ محمّد باقر السعدیّ در چهارشنبه ۱۷ صفر ۱۲۱۰ است، ظاهرًا در اینجا (۱۲۱۰) صحیح باشد و یک روز اختلاف ضرری ندارد، چون آفاق مختلف است.

۲ _ در شرح تمام کتاب متاجر.

۳ _ شرح کتاب های اجاره، وکالت، شُفعه، اقرار و قدری از غصب.

نسخه: همان بخش نخست، و از آغاز و انجام دو سه برگ ناقص است، از این روی نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد.

«۳۴۹» الحدیقه الهلالیّه

(دعاء _ عربی)

از: بهاءالدین محمّد بن حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی، معروف به شیخ بهائی، علیه الرحمه، متوفی ۱۰۳۰.

کتاب: حدیقه چهل و سوّم از کتاب «حدائق الصالحین، فی شرح صحیفه الامام زین العابدین علیه السلام» است که شرح صحیفه سجادیّه باشد و تألیف آن ناتمام مانده، و این حدیقه به صورت کتابی مستقلّ می باشد که در قزوین شروع به نگارش آن نموده و در کاظمین در اوائل جُمادای دوّم ۱۰۰۳، تألیف آن تمام شده است، و به طبع رسیده.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و در زمان مؤلّف نوشته شده. دو برگ اوّل آن مفقود است.

«۳۵۰» حِرْزُ الأمانی و وجه التّهانی معروف به «الشاطبیّه»

(قراآت _ عربی)

از: «الشیخ الامام المُقرئُ ولیّ اللّه، أبو [محمّد] القسم بن فیرُّهِ بن خلف بن أحمد الرُّعَینیّ ثمّ الشّاطبیّ، رحمه اللّه»: به خطّ کاتب در ظهر نسخه. وفات: ۵۹۰ در قاهره: «الأعلام، زرکلی ۵: ۱۸۰: القاسم بن فیُّره».

کتاب: قصیده ای است در قراآت هفتگانه قرآن کریم، دارای ۱۱۷۳ بیت شعر، در

کمال اِبداع، و مطبوع است: «معجم المطبوعات». شرحی بر آن به شماره (۴۹۵) بیاید.

نسخه: نـام کـاتب و تاریـخ کتـابت نـدارد. به قرائن در سـده نهم نوشت شـده، و همان زمان در میان سـطرها و کنار صـفحات حواشـی فراوان نوشـته بوده اند، بعدها نسخه فرسوده و معیوب گشته، تا این که در اوائل سده دوازدهم متن اشعار را به دقّت از کنـاره اوراق معیوب جـدا کرده و از نو، به صورت متن و حاشـیه درآورده و صـحافی نموده و نسـخه را در کمال نفاست احیاء کرده انـد و صـفحه عنوان و دو صـفحه آغازین را تشـعیر و طلاانـدازی و جـدول کشـی و کمندانـدازی نموده اند، و گویا این کارها به دسـتور مالک نسـخه، مرحوم امیرالدین محمّد زاهدی طبیب از پزشـکان بنام زمان شاه سـلطان حسـین صـفوی، ساکن محلّه نو اصفهان، انجام گرفته است.

«۳۵۱» الحِصن الحَصین من کلام سیّد المرسلین

(دعاء ــ عربی)

از: شـیخ شمس الدین محمّد بن محمّد بن محمّد بن علی عمری دمشقی شیرازی، معروف به ابن الجزری شافعی (متوفّی ۸۳۳): «الأعلام، زرکلی ۷: ۴۵ ــ ۴۶».

کتـاب: در دعاءهـا و حرزهـای معتبره که از طریق اهل سنّت از پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله روایت شـده، و در اواخر سال ۷۹۱، هنگامی که دمشق در محاصـره تیمور لنگ بوده، آن را برای اسـتخلاص از چنگ دشمنان دین تألیف کرده است. تاریخ فراغت از تألیف: یکشـنبه ۲۲ ذی الحجه ۷۹۱، در مـدرسه ای که خود مؤلّف در «رأس عقبه عبّـِان» داخل شـهر دمشق احـداث کرده بود. کتاب به طبع رسیده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و ظاهرًا حدود زمان تألیف نگاشته شده است. از کتابخانه آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمّدهاشم چهارسوقی بوده، تملّک فرزند ایشان،

نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سید جمال الدین به تاریخ ۱۶ شوال ۱۳۲۱، ظهر نسخه هست.

«۳۵۲» حقّ الیقین فی اصول الدین

(اصول دین ــ عربی)

از: مرحوم آخوند ملاّ محمّد طاهر بن محمّد حسین قمی، صاحب «تحفه عبّاسی. ش ۱۱۶».

کتاب: در یک مقدّمه است و پنج باب و خاتمه، در بیان اصول دین بر وفق مذهب شیعه و اخبار اهل بیت علیهم السلام .

نسخه: به خط علیّ بن درویش شبیل (ظ) الشریف. تاریخ استنساخ: ۱۲ ربیع دوّم ۱۲۴۰.

«۳۵۳» حلّ مشکلات الاشارات

(فلسفه ــ عربی)

از: خواجه نصیرالدین محمّد بن محمّد بن حسن محقّق طوسی ــ أعلی اللّه مقامه ــ (متولّد ۵۹۷، متوفّی ۶۷۲): «الأعلام، زرکلی ۷: ۳۰ ــ ۳۱».

کتاب: شرح کتاب «الاشارات و التنبیهاتِ» شیخ الرئیس ابو علی ابن سینا است و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ افضل بن محمّد شفیع خراسانی تونی. تاریخ استنساخ: روز آدینه ۱۰۷۹، در مدرسه جدّه اصفهان. دو داستان سلامان و ابسال در دنباله آمده است، لکن نسخه فاقد قسم منطق می باشد.

تملّک کمال الدین محمّد بن معین الدین محمّد فسوی «میرزا کمالای شیرازی اصفهانی داماد مرحوم آخوند ملاّ محمّد تقی مجلسی، متوفی ۱۰۷۰» ــ علیهما الرحمه ــ و صاحب «شرح الشافیه. ش ۵۰۵» و مهر او «شفیع کمال الدین فی الآخره، محمّد

و عترته الطاهره، ۱۰۸۰» و «یا من له القدره و الکمال، ۱۰۸۰» ظهر نسخه هست. چند حاشیه نیز به امضاءِ «کمال. وفّقه اللّه تعالی» در سراسر نسخه هست.

ظهر برگ آخر، اسامی شروح و حواشی اشارات به خطّ میرزا کمالا نوشته شده است.

«۳۵۴» حیاه جاودانی

(قرآآت ــ فارسی)

از: حاج محمّد رضا فرزند محبّ علی سبزواری مشهدی، حافظ قاری روضه رضویّه (متوفی ۱۰۵۵ در شصت سالگی)، مدفون در روضه رضویّه، پایین پای مبارک: «ذریعه» به نقل از ملاّ مصطفی قاری شاگرد وی در «رساله سند قرائت عاصم».

کتاب: منظومه مبسوطی است در قرائت و تجوید و فرش سوَر قرآنی، در مقابل «حرز الأمانی شاطبی. ش ۳۵۰»: «ذریعه». و خود گوید که این نظم فارسی شاطبی است.

نسخه:از آخر ناقص و مبتور است و لذا تاریخ تألیف و کتابت و نام کاتب معلوم نیست. و ظاهرًا از آثار سده دوازدهم است.

وقفنامه ماه شوّال ۱۱۲۱ روی برگ اوّل است. وقفی: آقا شفیع طبق وصیّت او.

آغاز: «حیات جاودانی در قراءت سبعه. بسم...

درین منظومه کردم ابتدا اوّل ببسم اللّه که رحمن و رحیمست وز حال بندگان آگاه

انجام موجود: «بتنوین لفظ اوّل دان به حال وقف الف دارد».

«۳۵۵» حیاه الحیوان

(موسوعات ــ عربی)

از: ابوالبقاء کمال الدین محمّد بن موسی دَمیری مصری شافعی، متوفی ۸۰۸.

نسخه: مجلّد دوّم کتاب است از حرف ضاد معجمه تا آخر، که فهرس آن با تعیین

ارقام صفحات به شکل لاتینی ــ رایج کنونی ــ با عنوان «برنامج الکتاب» به خطّ کاتب اصل، ظهر نسخه آمده است.

این نسـخه به خطّ مغربی جَلیّ نوشـته شده و بسـیار نفیس است، و در پایان آن کاتب به طلای مزیّن نوشته است: «ممّا نسخ عن أمر عبـداللّه المتّکل علی اللّه أبی محمّـد حسن، نصـره اللّه» و سـپس تاریخ اسـتنساخ: روز جمعه ۱۸ ربیع دوّم (عـام ز ۴ و) که ظـاهرًا مقصود سال ۷۷۶ باشـد، بنـا بر حساب جمل. و نام کاتب «علیّ بن سـعد بن علیّ بن محمّـد بن عبـداللّه الخنـدقی» آمـده است.

صفحه اوّل دارای یک سـرلوح طلای تزیینی و یک ترنج طلا در حاشـیه است و در سـرلوح عبارت «قال الشیخ الامام ابوعبدالله محمّد الدّمیریّ» به طلا نوشـته شده. تعداد اوراق نسـخه در گوشه بالای صـفحات به خطّ کاتب و به صورت لاتینی، ۱۸۷ تعیین شده است.

تملّک محمد تقی بن محمد رضا رازی در دارالسلطنه اصفهان به سال ۱۰۴۹، ظهر نسخه دیده می شود.

«۳۵۶» حیاه القلوب

(مناقب ــ فارسی)

از: علاّمه مجلسی، مولانا محمّد باقر بن محمّد تقی (متوفی ۱۱۱۰) ــ علیهما الرحمه ــ .

نسخه: مجلّد دوّم است از آغاز تاریخ رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا باب ۲۸ و از آخر ناقص است.

انجام موجود: «و ابن شهر آشوب از سلمان روایت کرده است».

نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد و به قرائن در قرن سیزدهم نوشته شده است، و هیچ نوع امتیازی ندارد.

ص : ۳۶۶

«۳۵۷» حیاه النفس فی حظیره القدس

(عقائد ـ عربی)

از: مرحوم شیخ احمد بن زین الدین احسائی، مقتدای شیخیّه.

کتاب: مشتمل بر یک مقدّمه و پنج باب و خاتمه است در مباحث اصول دین و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمد حسین شهیر به میرزا جان ابن محمد رضی حسینی. تاریخ ختم کتابت: دهم جمادی الاولی ۱۲۶۸.

«۳۵۸» الخرائج و الجرائح

(معجزات ـ عربی)

از: الشیخ الامام قطب الدین ابوالحسین سعید بن هبه اللّه الراوندی رضی الله عنه ، صاحب «منهاج البراعه». که در آنجا پیرامون احوال و آثارش بحث شده است.

مرحوم آقای حاج سیّد عبدالعزیز طباطبائی نیز در هفتمین بخش از سلسله مقالات «نهج البلاغه عبر القرونِ» چاپ شده در نشریّه شریفه «تراثنا. ش ۳۸ و ۳۹. قم. ۱۴۱۵: ۲۵۴ ـ ۲۹۷»، زیر عنوان «منهاج البراعه»، درباره جناب قطب و خاندان و آثارشان قلمفرسایی کرده و در آغاز، نام و نسب ایشان را بدون توضیح این گونه نوشته اند:

«قطب الدین ابوالحسین سعید بن عبداللّه بن الحسین بن هبه اللّه بن الحسن بن عیسی الراوندی، و یقال له اختصارًا: سعید بن هبه اللّه».

برای توضیح اجمالی پیرامون این نام و نسب، مختصری در «ثقات عیون: ۱۲۴» دیده می شود و محتاج تحقیق بیشتر است.

کتاب: شامل بیست باب در معجزات حضرات معصومین علیهم السلام و أعلام نبوّت و دلائل

ص : ۳۶۷

امامت و مسائل مربوط به معجزات است، و مکرّر به طبع رسیده.

نسخه: کامل و معتبر است. نام کاتب نـدارد. تاریـخ پایان کتابت: روز آدینه بیسـتم ربیع دوّم ۸۹۵. تملّک و مُهر «عبـده الراجی محمّد جواد الموسوی» در تاریخ ۱۲۳۴ و تملّک بهرام علی در ۹۵۲، ظهر نسخه هست.

«۳۵۹» خزائن الجواهر سلطانی

(دعاء ــ فارسی)

از: میر محمّد حسین بن محمّد صالح حسـینی خاتونابادی ــ علیهما الرحمه ــ . «دو گفتار، روضاتی: ۲۸ ــ ۲۹» و «رساله تونیّه: مقاله در بیان احوال و آثار ملاّ محمد علی تونی».

کتاب: مجموعه ای است در ادعیه و زیارات و اعمال عبادتی.

نسـخه: خزینه دویم است در بیـان فضایل و اعمال ماه مبارك شـعبان، مشـتمل بر چنـد باب، و مقـدّمه آن در بیان احکام رؤیت هلال و آنچه متعلّق به آن است، و خـاتمه در بیـان نمـاز خسوف و کسوف و آیـات و زلزله و احکـام آن، و بیان روز نوروز و اعمال آن.

در آخر خزینه دویم (پیش از خاتمه)، این عبارت به خطّ کاتب و متّصل به متن کتاب دیده می شود:

«و فرغت من تحریره فی شهر ربیع الاول المنتظم فی شهور سنه احدی و عشرین و مائه بعد الألف».

از آخر خاتمه یکی دو ورق ساقط شـده و لـذا نام کاتب و تاریـخ کتابت معلوم نشد، بی شكّ در زمان مؤلّف اسـتنساخ شده و خطوط خود وی نیز در نسخه هست.

«۳۶۰» الخصال

(حدیث ــ عربی)

از: شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی ــ رضوان اللّه علیهم ــ .

کتاب: در آداب شرعیّه عددیّه است که در احادیث اهل بیت علیهم السلام وارد شده است در دو جزء و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ عالم مجتهد مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد محمّد مهدی چهارسوقی، فرزند اکبر آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنات». تاریخ فراغت از استنساخ جزءِ اوّل: اواخر ماه شعبان ۱۲۶۶. فراغت از جزء دوّم: پنجم ذیقعده ۱۲۶۶.

کاتب معظّم همه جا در حواشی توضیحات و حدیث های دیگری از سایر کتب آورده است. روی اوراق عطف اوّل و آخر نیز مطالبی به خطّ عالم عامل بزرگوار، مرحوم آقا میرزا سید علاءالدین فرزند کاتب نسخه ـ اعلی اللّه مقاماتهم ـ دیده می شود.

«۳۶۱» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: جمعه ۱۲ ماه رمضان ۱۱۳۲. در پایان جزء اوّل، اسمعیل بن شیخ ابراهیم عبدالعالی در ۱۱۳۳، بلاغ نسخه را نوشته است.

ظهر نسخه، تملّک محمّد و مُهر او «اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد» و تملّک مورّخ ۱۱۵۰ و مهر «حسین الرضوی ۱۱۴۸» و مُهر «عبدالوهاب بن محمّد مهدی الموسوی» که در جمادای دوّم ۱۲۸۳ کتاب را بابت طلبی که از «مرحومه مغفوره عمّه خیر النساء بیگم» داشته، قبول کرده است و مهر «محمّد باقر بن محمّد نقیّ الموسویّ» یعنی مرحوم سیّد حجّه الاسلام شفتی بیدآبادی اعلی اللّه مقامه.

«۳۶۲» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ «اباالفتح بن مسعود بن شیخ محمّد القاری». تاریخ استنساخ: ظهر روز سه شنبه ۲۱ جُمادای یکم ۹۶۴ در دارالسلطنه تبریز. برگ نخست افتاده بوده مرحوم

ص : ۳۶۹

عالم کامل آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی ــ نیای اعلی ــ به خطّ خود نوشته و نسخه را تکمیل کرده اند. روی برگ اوّل یادداشتی از «مهدی بن محمّد باقر فشارکی» مرحوم آقا میرزا مهدی فرزند مرحوم آخوند ملّا محمّدباقر فشارکی ــ علیهما الرحمه ــ از علماءِ بزرگوار اصفهان به تاریخ «۲۰ حجه ۱۲۸۹» نوشته شده است.

«۳۶۳» نسخه دیگر

نسخه: شامل هر دو جلد کتاب، به خطّ حاجی محمّد طالب بن مولانا محمّد. پایان استنساخ: شانزدهم ذیقعده ۱۰۶۳. فهرست کتاب در آغاز نسخه گذارده شده است.

خلاصه ابن مالک: الألفیّه

«۳۶۴» خلاصه الأذکار و اطمینان القلوب

(دعا ــ عربی)

از: مولانا محسن فیض کاشانی محمّد بن مرتضی رحمه اللّه علیهما.

کتاب: مشتمل بر دعاها و ذکرهای وارده در کتاب و سنّت است، برای تمام ساعات شب و روز و به طبع رسیده. فراغت از تألیف: ۱۰۳۳ در ۲۶ سالگی مؤلّف.

نسخه: به خطّ محمّد امین بن محمّد ابراهیم. تاریخ کتابت: روز دوشنبه پنجم ذی القعده ۱۱۳۲. مُهرهای «الواثق باللّه الغنیّ، محمّد علیّ الحسینیّ ۱۲۱۷» و «عبده محمّد صادق بن زین العابدین الموسوی»، «عبده محمّد صادق الموسوی»، «افوّض امری الی اللّه عبده احمد ۱۱۱۹»، «عبد الغنیّ بن محمد علیّ اللمامی» و خطّ مبارک مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرزا سید حسن چهارسوقی ــ نیای گرامی ــ در اوّل و آخر نسخه است.

ص : ۳۷۰

«۳۶۵» نسخه دیگر

نسخه: دو برگ آخر و نام کاتب و تاریخ کتابت و امتیازی ندارد.

«۳۶۶» خلاصه اللّغات و تفسیر المشکلات

(لغت ـ عربی به فارسی)

از: اسماعیل بن لطف اللّه باخرزی.

کتاب: ترجمه لغات متداول و مشکل عربی است به فارسی، مختصر و مفید.

نسخه: برگ آخر ندارد و کاتب و تاریخ آن نامعلوم است. به قرائن متعلّق به سده یازدهم است.

«۳۶۷» خلاصه المنهج

(تفسیر ـ فارسی)

از: مولانا فتح اللّه بن شکر اللّه شریف کاشانی (متوفی ۹۸۷. ظ) اعلی اللّه مقامه. «ذریعه ۷: ش ۱۱۳۰».

نسخه: از اوّل کتاب است تا تفسیر آیه شریفه «انّما یفتری الکذب» از سوره مبارکه نحل، و اوراق پس از آن در این جلد نیست. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از آثار قرن ۱۱ ـ ۱۲ می باشد.

«۳۶۸» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم از یک دوره هشت جلدی است، از تفسیر سوره مبارکه نساء تا آخر سوره مبارکه أنعام. خطّ نسخ شیخ محمد مهدی سهندی ابن شیخ ابو تراب سهندی

کُجُجی. تاریخ کتابت ندارد.

«۳۶۹» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوّم از دوره هشت جلدی است، از تفسیر سوره مبارکه اعراف تا آخر سوره مبارکه کهف. نام کاتب ندارد و تنها در پایان تفسیر سوره هود تاریخ ۱۰۹۶ قید شده و ظاهرًا به خطّ کاتب مجلّدات دیگر است.

«۳۷۰» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد هفتم از دوره هشت جلدی است از تفسیر سوره مبارکه یسآ تا آخر سوره مبارکه النجم. خطّ نستعلیق و نسخ. بی نام کاتب.

«۳۷۱» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد هشتم (یعنی مجلّد آخر) دوره است، از تفسیر سوره القمر تا آخر قرآن کریم. خطّ نسخ شیخ محمد مهدی سهندی است، لکن در این مجلّد نام خود را ننوشته و تاریخ هم ندارد.

خلاف: مسائل الخلاف

«۳۷۲» خلافیّه

(فقه ــ فارسی)

محقّق سبزواری مولانا محمّد باقر بن محمّد مؤمن، مؤلّف «جامع الزّیارات عبّاسی ش ۲۱۷» این کتاب را مانند رساله های علمیّه مجتهدین برای استفاده و عمل مقلّدین نگاشت و بر یک مقدّمه و ۳ باب «طهارت، نماز، روزه» مرتب گردانید و در آن فتاوی

خود را آورد و به آراءِ مختلفه مجتهدین دیگر در مسائل نیز اشاره نمود.(1) تاریخ تألیف این رساله معلوم نیست، لکن در عهد سلطنت شاه عباس دوّم تألیف شده که (چنانکه در «مضمار دانش» گفته ایم)، شاهیِ او از ۱۶ صفر ۱۰۵۲ تا ۲۵ ع ۱ _ ۱۰۷۷ بوده است.

نسخ این رساله نسبةً فراوان و در «ذریعه ۷_ ۲۳۹» یاد شده است.

آغاز: «بسم... درین اوان سعادت نشان که از مَیامِن إشراقات انوار اقبال اعلی حضرت شاهنشاه... شاه عباس الثّانی الحسینی الموسوی الصّفوی... عرصه جهان بأنوار معدلت و راحت منوّر است... و خواصّ و عوامّ به امور دینی رغبت بیحدّ می نمایند، و أکثر خلایق به طاعات و عبادات و اقامت صلوات و جماعات اشتغال دارند، و روز به روز در میل به معرفت مسائل شرعیّه و دانستن امور دینیّه می افزایند، و در اجتماع مجامع و معابد و مدارس می کوشند؛ به خاطر فاتر فقیر محمّد باقر السّبزواری رسید که کتابی در معرفت احکام شرعیّه ضروریّه به عبارت فارسی بنویسد... بر وجهی که مشتمل باشد در مسائل خلافیّه بر آنچه در نظر این فقیر اصحّ و اقوی است... و در تحریر کتاب مذکور شروع نمود و از إطناب و إکثار و تعرّض مسائلی که کمتر به آن احتیاج واقع می شود احتراز نمود و به خلافهای معتدّبه اشاره کرده شد...».

انجام: «این کفّاره مخیّر است چون کفّاره رمضان یا نه، و أشهر و اقرب اوّلست».

فهرست: مقدّمه درباره معرفت اصول دین و مجملی پیرامون اجتهاد و مذاهب

ص : ۳۷۳

---

۱ - ۱) با تأسف، مقدّمه نویس ناآگاه کتاب «روضه الأنوار عبّاسی. چاپ تهران. ۱۳۷۷ ش. ص ۳۶» بی مُحابا، نوشته است: «رساله فارسی الخلافیّه نگارش دیگر سبزواری است که به خلافات أصحاب پیامبر صلّی اللّه علیه و آله پرداخته است»!

مجتهدان و أخباریان و قائلان به احتیاط، و در پایان مقدّمه مختصری در باب وجوب تقلید از مجتهد اعلم نگاشته است: باب ۱ ــ در طهارت، و درین باب دو مقصد است. مقصد ۱ در طهارتی که به نیّت احتیاج دارد و آن وضو و غسل و تیمّم است، لاجرم این مقصد را بر سه رکن مرتب داشت. مقصد ۲ در طهارتی که به نیّت احتیاج ندارد، و در این مقصد سه رکن است. باب ۲ ــ در احکام نماز، و درین باب سه مقصد است. مقصد ۱ در نمازهای یومیّه... و درین مقصد سه رکن است. مقصد ۲ در نمازهای واجب غیر از نمازها که در شبانه روز مکرّر می شود، و درین مقصد چند فصل است. مقصد ۳ در بعضی احکام متعلّقه به نماز و درین مقصد چند فصل است. باب ۳ در صوم، و درین باب ۱۳ فصل است، و فصل آخرین در اعتکاف.

نسخه: دارای ۲۰۰ برگ. دو برگ اوّل و آخر سفید، و روی برگ ۲، چند مهر مختلف منقوش است، کاغذ زاغی، خط نسخ ۱۸ سطری، عناوین به شنگرف، جلد تیماج زرد با ترنج و سرترنج و سرطبل، آستر کاغذ گلی، اوراق جدول کشیده به طلای اشرفی و لاجورد، آغاز کتاب دارای سرلوح تذهیب طلا اشرفی و لاجورد و شنگرف، قطع ۱۱ × ۱۹ و نیم، متن ۶ × ۱۴. این نسخه آثار تصحیح و مقابله ندارد و مغلوطست. نسخه دیگری در شماره بعد معرّفی خواهد شد.

«۳۷۳» نسخه دیگر

پیرامون نسخه ای از «خلافیه» محقّق سبزواری در شماره قبل سخن گفتیم. اینک نسخه ای دیگر از این کتاب را ذیلاً ـ می شناسانیم.

این نسخه قسمتی از مقدّمه کتاب را فاقد است و همچنین برگ آخر را. و از جهت صحّت بهتر از نسخه سابق است.

ص : ۳۷۴

نسخه: دارای ۱۱۷ برگ. کاغذ زرد اصفهانی، خط نسخ ۲۰ سطری، عناوین به سرخی، بالای عبارات عربی و اوائل مطالب نیز به سرخی خط کشیده شده و هم عناوین به سرخی در حاشیه ها قید شده. جلد تیماج قرمز یک لا، قطع ۱۱ × ۱۷ و نیم، متن ۷ و نیم × ۱۲ و نیم. نسخه از کتابخانه نیای گرامی، آیه اللّه مرحوم حاج میرسیّد محمّد موسوی چهارسویی «یاد شده در ذیل تحفه عبّاسی. ش ۱۱۶» بوده است.

«۳۷۴» درایت نثار

(ردّ صوفیّه ـ فارسی)

از: محمّد بن محسن بن مرتضی کاشانی، معروف به علم الهدی، علیهم الرحمه.

کتاب: چنان که در مقدّمه گوید، رساله ای است «در لعن و طعن جماعت صوفیّه که تابع معاندان اهل بیت پیغمبرند...».

نام کتاب در ظهر نسخه به خطّ کاتب متن چنین است: «کتاب درایت نثار، فتح اللّه به أعینَ الاعتبار». لکن در متن تصریح به نام کتاب نشده و تنها در آغاز آن گوید: «نگارنده این کلمات درایت نثار: علم الهدی...».

کتاب در شش گفتار است. تاریخ پایان تألیف: ماه صفر ۱۱۰۷، در قریه قمصر کاشان.

نسخه: نام کاتب ندارد، لکن بی شبهه به خطّ شخص مؤلّف یا یکی از نزدیکان او است و شاید همان صاحب مهر «إنّه من سُلیمان» باشد که ظهر نسخه ذیل نام کتاب دیده می شود. تاریخ پایان استنساخ: ماه رجب ۱۱۰۸.

مهرهای دیگرِ ظهر نسخه: «الراجی محمّد محسن الفیضی» و «یا محسن اغفر لی. محمّد علم الهدی ۱۱۱۶» که مهر شخص مؤلّف است و «محمّد هاشم بن جلال الدین الموسویّ» که از آنِ والد ماجدِ نویسنده این فهرست است، رحمه اللّه علیه و علیهم.

ص : ۳۷۵

«۳۷۵» الدّر المنثور من المأثور و غیر المأثور

(شرح احادیث ــ عربی)

از: شیخ علیّ بن محمّد بن حسن بن شهید ثانی زین الدین عاملی رضوان اللّه علیهم.

نسخه: مشتمل بر دو جزءِ کتاب است. تاریخ پایان استنساخ جزءِ اوّل: شب ۱۵ جُمادی الاولی ۱۰۷۹ و تاریخ استنساخ جزءِ دوم: سلخ جُمادی الاولی همان سال. کاتبِ هر دو جزء: «عبداللّه» و بیش از این معرّفی ندارد.

تمام صفحات جدول کشی شده و صفحه اوّلِ جزء اوّل، دارای سرلوح معمولی است. فهرست کتاب در جَداول ترسیمی در آغاز نسخه نوشته شده است، لکن دو سه برگ از آغاز فهرست ساقط گردیده. در سراسر نسخه هیچ گونه حاشیه و اثر تصحیح و مقابله به نظر نرسید.

«۳۷۶» الدرّ المسبوک فی نقل نصیحه الملوک

(اخلاق سیاسی ــ عربی)

از: نامعلوم.

کتاب: ترجمه عربی «التّبر المسبوک فی نصیحه الملوکِ» ابو حامد محمّد غزّالی طوسی است که در آداب و اخلاق سیاسی و نصائح به سلاطین، خطاب به سلطان محمّد بن ملک شاه سلجوقی نوشته است.

نسخه: دارای ۲۹ برگ (۱۴ × ۱۹) و چند برگ عطف و بدرقه. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، ظاهرًا در سده نهم استنساخ شده است. نام کتاب به خطّ کاتب متن در ظهر نسخه چنین آمده است:

«کتاب التّبر المسبوک فی نصیحه الملوک. منقول من اللغه الفارسیّه إلی الالفاظ العربیّه. للشیخ الامام زین الدین حجّه الاسلام شرف الأئمّه الأعلام أبو حامد محمّد بن محمّد بن محمّد الغزالیّ...».

آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» که مالک نسخه بوده اند، در ظهر نسخه _ به نقل از ابن خلّکان _ نوشته اند که ترجمه عربی از صفیّالدین ابوالحسن علیّ بن المبارک اللّخمیّ الاربلی است. از «کشف الظنون ۲: ۱۹۵۸» مستفاد می شود که ترجمه اربلی به نام «نتیجه السّلوک» است و نسخه ما که آغاز آن را نیز نقل کرده نامش «الدرّ المسبوک» می باشد، لکن در نسخه حاضر چنین نامی نوشته نشده و ما به استناد کشف عنوان را انتخاب کردیم. در «کشف» گوید: «... و نقله بعضهم من الفارسیّه الی العربیّه و سمّاه الدرّ المسبوک فی نقل نصیحه الملوک. اوّله: الحمد للّه علی إنعامه و إفضاله. إلخ...».

ظهر نسخه چند تملّکِ محو شده هست، و در برخی از مواضع؛ نیای گرامی مطالبی متناسب با متن کتاب در حاشیه نوشته اند. استاد جلال الدین همائی در مقدّمه فارسی «نصیحه الملوک» از ین نسخه یاد کرده اند.

«۳۷۷» الدروس الشرعیّه فی فقه الامامیّه

(فقه _ عربی)

از: شهید اوّل محمّد بن مکّی، رضوان اللّه علیه.

نسخه: ظاهرًا تمام است. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. کمی حواشی متفرقه و آثار مقابله و تصحیح دارد و به قرائن در سده یازدهم استنساخ شده است. روی برگ اوّل، تملّک و مُهر محمّد امین بن شیخ شکر، و نیز فهرست کتب دروس، ظهر برگ عطف

ص : ۳۷۷

نوشته شده است.

«۳۷۸» نسخه دیگر

نسخه: تمام است از کتاب طهارت تا کتاب رهن، در ۲۹۱ برگ.

انجام: «و هذان الفرعان مع اشتراط الرهن فی البیع. هذا آخر کلامه قدس اللّه سرّه... و انّی فرغت من تتمیم هذه النّسخه الشریفه الشهیدیّه فی ضحوه یوم الخمیس ۳ شهر شوال... موافق لثانی شهر فروردین ماه جلالی من شهور سنه (۱۰۴۴)... و أنا... ابن کمال الدین اشرف الحسنی الحسینی محمّد یدعی طاهر الطباطبائی... بلغ قبالاً».

روی برگ اوّل، فهرست کتب دروس (۴۸ کتاب) و شماره اوراق نسخه به خطّ کاتب، و ایضاً تعداد اوراق و سطور و ابیات کلّ نسخه «۱۴۱۲۵ بیت تخمینًا»، و ایضًا تملّک و مهر نویسنده نسخه و فرزندش «رضیّالدین محمد الحسینی ۱۰۸۴» دیده می شود. نسخه مصحَّح کامل مرغوبی است.

«۳۷۹» دلائل الأحکام فی شرح شرائع الاسلام

(فقه ــ عربی)

از: آقا سیّد ابراهیم بن محمّد باقر موسوی قزوینی حائری (متوفی ۱۲۶۲) علیه الرحمه.

کتاب: حاشیه ای است به «قوله» بر کتاب «شرایع الاسلام» محقق حلّی مولانا ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن بن یحیی قدس سره ، و چنان که از «ذریعه» مستفاد می شود، تقریبًا تألیف آن تمام است.

نسخه: از آغاز است تا پایان کتاب صوم. و این است عبارت آخر نسخه:

«و النّصوص و السّیره و انّه لو حرم لشاع. قوله: کتاب الاعتکاف و الکلام فیه فی

اقسامه و أحكامه. هذا آخر ما كتبه ــ قدّس اللّه روحه و نوّر ضريحه ــ فی العبادات، و قد تمّت علی يد العبد الأثم ابوالقاسم الكاتب النجفیّ فی ليله الجمعه ۲۳ صفر من سنه (۱۲۷۳)».

ناگفته نماند که کلام کاتب مقیّد به «عبادات» است. یعنی در قسم عباداتْ شارح بیشتر ننوشته است و ناظر به قسم معاملات نیست.

توضیح: به قرائن، این نسخه از روی نسخه خطّ شریف مؤلّف استنساخ شده و تا آخر نماز مسافر را خود جلد اوّل قرار داده و خاتمه ای در آن موضع نگاشته و تاریخ پایان تألیفِ جلد یاد شده سحر شب شنبه از دهه نخست ماه شوّال ۱۲۴۶ قید شده است، و پس از آن کتاب زکوه است.

«۳۸۰» نسخه دیگر

نسخه: شگفتا که در سراسر نسخه حاضره هیچ نام و نشانی از مؤلّف و کتاب مطلقًا به نظر نرسید و آنچه مسلّم می نماید این که شرح شرائع است به «قوله»، و حقیر با مروری که در سراسر نسخه کردم، مظنونم شدم که یک مجلّد از «دلائل الاحکام» آقا سیّد ابراهیم است که نسخه مجلّد عبادات آن را معرّفی کردیم و سبک نگارش هر دو کتاب کاملاً مطابق یکدیگر می باشد، و در این مجلّد، مطلقًا نامی از مشایخ شارح و نامی از تألیفات دیگر خودش به نظر نرسید، و حقًّا کتاب بسیار معتبری است و از متأخّرین هم نامی نیاورده و تنها یکجا نام «حدائق» و یکجا نام «ریاض» دیده شد و در کتاب وصایا هم گوید: «کما حقّقناه فی کتبنا الاصولیّه» که البتّه می دانیم از آقا سید ابراهیم دو کتاب «ضوابط» و «نتایج الافکار» در اصول فقه بسیار مشهور است. و در این مجلّد آنچه به نظر رسید، ارجاع به کتاب های حدود و زکات و صوم و متاجر و بیع و وکالت و رهن از

همین کتاب خود کرده است.

نسخه: شامل این کتاب ها است: اجاره، وقوف و صدقات، سکنی و تحبیس، هبات، وصایا، نکاح، طلاق، خلع، ظهار، لعان. نام کاتب و تاریخ کتابت مطلقًا ندارد. مسلّمًا حوالی زمان شارح در نجف اشرف استنساخ شده است.

آغاز: «بسم. کتاب الاجاره هی لغةً الأجره و هی کری الأجیر، لا مصدر آجر فانه الایجار».

انجام: «ففی استلزام ذلک للاقرار بالاجزاءِ و نفیه اذ لا ملازمه بینهما وجهان».

«۳۸۱» دلیل المؤمن فی سلوک سبیل المهیمن

(امامت ـ فارسی)

از: میر محمّد مؤمن بن میر قوام الدین محمّد حسینی حسنی علیه الرحمه.

کتاب: در ردّ یکی از قضات رومیان است و در آن حدیث «الناس علی دین ملوکهم» را شرح کرده و سپس در باب اوّل راجع به امامت ائمّه اثنی عشر علیهم السلام و در باب دوّم حدیثِ «خلقت الخیر و أجریته علی یدی من أحببته» و ابطال مذاهب باطله جبریّه و اشباه آن است.

این رساله در زمان حیات پدر مؤلّف و بعد از درگذشت علاّمه مجلسی (سال ۱۱۱۰) تألیف شده و مصدّر است به نام شاه سلطان حسین.

نام کتاب به شرحی که در بالا نوشتیم، در متن نیست، فقط به خطّ ناشناسی در بالای صفحه اوّل نوشته شده، و در پایین صفحه نوشته اند: «در تفسیر حدیث الناس علی دین ملوکهم و چند حدیث دیگر، فارسی، تألیف میر محمدمومن بن میر قوام الدین الحسینی،

قطع کوچک، کاغذ سمرقندی شکری مجدول مذهّب، جلد تیماج بیاضی سفید». نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

«۳۸۲» الدمعه السّاکبه و المصیبه الراتبه و المناقب الثاقبه و المثالب العائبه

(مناقب و مصائب ــ عربی)

از: آخوند ملا محمد باقر بن عبدالکریم دهدشتی بهبهانی نجفی علیه الرحمه.

کتاب: در احوال و مناقب و مصائب پنج تن آل عبا ــ صلوات اللّه و سلامه علیهم ــ است، در دو جزء و به طبع رسیده و تاریخ ختم تألیف جزء اوّل در این نسخه، ۱۲ ماه رجب ۱۲۷۶ قید شده است.

نسخه: به خطّ احمد بن محمد علی اصفهانی، متخلّص به غوّاص است که از خوشنویسان و شاعران اصفهان بوده ــ چنان که از همین نسخه مستفاد می شود ــ و در آخر کتاب قصیده ای در مناقب حضرت سید الشهداء علیه السلام به عربی از خود آورده است.

کاتب در بالای صفحه اوّل هر دو جزء، شرحی به عربی نگاشته و مدح و تعریف بلیغ از «آقا میرزا محمّد مهدی» که این نسخه را به دستور او استنساخ کرده نوشته است.

«۳۸۳» دیباجه برهان الصادقین

(مواعظ ــ فارسی)

از: محمّد صالح واعظ، ابن حاجی محمّد صادق ایواغلی.

این شخص همان مترجم رساله «أسرار الصلوه ــ التنبیهات العلیّه» شهید ثانی ــ رضوان اللّه علیه ــ است که آقای حاج سیّد جلال الدین حسینی محدّث ارموی، آن را در (۱۳۶۸ ق) در تهران چاپ کردند.

ص : ۳۸۱

کتاب: دیباچه «برهان الصادقین» است که نویسنده قصد داشت در آن چهل حدیث در فضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گردآوری و به فارسی برگرداند، لکن گویا موفّق نشده و تنها این دیباچه مفصّل را که خود اثر مستقلّی است، نگاشته و خواسته است آن را به مطالعه شاه سلطان حسین صفوی برساند، و سرتاسر این دیباچه در شکایت از مردم زمان و ارباب مناصب و اطرافیان شاه و قاضیان و متولّیان موقوفات است، و هم در آن اظهار فقر و مسکنت نموده، و گاهی نیز اشعاری از خود آورده، و در جایی گوید که هفتاد و نه سال از عمر او گذشته است.

نسخه: اصل خطّ نگارنده است و چند سطری از پایین برگ اوّل محو شده و در سوابق ایّام شخصی در نام محمّد صالح تصرّف کرده و خواسته است محمّد رضا بنویسد. مُهرِ «عبده الراجی رجبعلی» در نسخه هست.

«۳۸۴» دیوان اشعار

(نظم ـ فارسی)

از: صائب تبریزی محمّد بن علی، ملقّب به مُستعدّخان (متوفی ۱۰۸۷ در اصفهان): «هديّه العارفين».

کتاب: مجموعه غزلیّات و غیرها است و مکرّر چاپ شده است.

نسخه: دارای حدود «۱۲۱۶۰» بیت شعر است و دو سه برگ از اوّل و وسط افتاده دارد. کاتب: محمّد کاظم خاتونابادی. تاریخ ندارد و گویا در زمان خود شاعر نوشته شده. مُهر «السعید سعید فی الدارین (۱۰۵۰)» و یادداشت «بتاریخ چهارشنبه ۱۶ ذیقعده (۱۲۱۲) در کاشان به ید مهدی بن ابوطالب الحسنی الحسینی در دکان کتاب فروشی...» روی برگ آخر دیده می شود.

ص : ۳۸۲

«۳۸۵» دیوان اشعار

(نظم ــ فارسی و عربی)

از: میر محمّـد بـاقر داماد حسـینی ابن میر شـمس الـدین محمّـد استرآبادی، متخلّص به اشـراق ــ علیه الرحمه ــ (متوفی ۱۰۴۰) مدفون در نجف اشرف.

کتاب: در اصفهان چاپ شده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ ندارد، گویا نزدیک زمان ناظم نوشته شده است.

خطّ والـد ماجد نویسـنده فهرست، آیه اللّه میرزا سـیّد محمّد هاشم روضاتی در حواشـی و مُهر پدر بزرگوار ایشان، آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین چهارسوقی ــ علیهما الرحمه ــ در ظهر نسخه دیده می شود.

«۳۸۶» الدیوان

(نظم ــ عربی)

از: سیّد شریف رضیّ محمّد بن الحسین الموسوی (متوفی ۴۰۶) أعلی اللّه مقامه.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ پایان کتابت: ۷ ماه رمضان ۱۰۶۹. در گوشه صفحه آخر نوشته اند:

«بلغ مقابله علی الاُمّ المنسوخ منها علی حسب الطاقه فصحّ، و الکمال للّه سبحانه. جمادی سنه ۱۰۷۰».

واضح است که نسخه در یَمَن و برای امام یمن نوشته شده. روی برگ اوّل، این مطالب دیده می شود:

۱ ــ «هذی دیوان الرضی رحمه اللّه تع».

۲ــ «من خزانه مولانا امیر المؤمنین المهدی لدین اللّه ربّ العالمین». إلخ.

«۳۸۷» ذخیره المعاد

(مواعظ ـ فارسی)

از: آخوند ملاّ محمّد باقر(۱) بن ملاّ محمّد جعفر فشارکی اصفهانی علیهما الرحمه (متوفی ۱۳۱۴).

کتاب: پنجاه و شش مجلس موعظه منبری است و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد بن ابوالقاسم حسینی(۲) است. تاریخ استنساخ: پنجم ربیع الاول ۱۳۲۷. از کتابخانه مرحوم آقای حاج میرزا سیّد محمد باقر تویسرکانی اصفهانی بوده و یادداشت هایی به خطّ آن مرحوم در هامش سراسر نسخه نوشته شده است.

«۳۸۸» ذخیره المعاد فی شرح الارشاد

(فقه ـ عربی)

از: محقّق سبزواری اصفهانی آخوند ملا محمّد باقر بن محمّد مؤمن علیهما الرحمه (متوفی ۱۰۹۰) صاحب «خلافیّه. ش ۳۷۲».

کتاب: در شرح مزجی «ارشاد الأذهان الی أحکام الإیمانِ» علاّمه حلّی قدس سره است و به طبع رسیده.

نسخه: مجلّد اوّل است، تمامًا در شرح کتاب طهارت. تاریخ اتمام تأليف: اواخر ماه

---

۱ – ۱) داماد نیای گرامی، آیه اللّه حاجّ میر سیّد محمّد موسوی چهارسویی، برادر معظّم امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» اعلی اللّه مقامهما.

۲ – ۲) مرحوم آقای حاج میرزا محمّد باقر تویسرکانی در هامش پایان نسخه چنین نوشته اند: «فوت مرحوم مبرور آقا سیّد محمّد قمشه کاتب این نسخه که از صلحاء و دوستان قدیمی ما بوده و از تلامذه خلد آشیان مرحوم مبرور آقای والد (یعنی مرحوم آقای حاج سیّد عبدالغفار تویسرکانی) أنار اللّه مضجعه الشریف بوده، فی لیله العاشر من شهر ربیع الثانی من عام ۱۳۳۲».

رمضان ۱۰۵۰. کاتب: عبداللّه بن محمّد سعید خونساری. تاریخ کتابت: روز چهارشنبه ۱۶ ربیع یکم ۱۲۲۶. تملّک علیّ بن ابوالفضل محمد موسوی به تاریخ نهم صفر ۱۲۶۸ و مهر نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین روضاتی، در ظهر نسخه هست.

«۳۸۹» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب صلوه است تا تعقیبات.

نام کاتب و تاریخ ندارد. به قرائن در سده دوازدهم نوشته شده و ربع اوّل نسخه دارای حواشی بسیار به خطّ «رض عفی عنه»، برخی از خود او و برخی از دیگران است.

بقیّه نسخه امتیازی ندارد.

«۳۹۰» نسخه دیگر

نسخه: در هامش صفحه اوّل نوشته اند، مجلّد چهارم کتاب است و تمامًا در شرح کتاب حجّ است، و این نسخه همانند نسخه چاپی تا شرح کلام مصنّف «و یستحبّ إتیان المساجد بالمدینه و قبور الشهداءِ بأُحد خصوصًا قبر حمزه» رسیده، و آخرین جمله موجود: «و رواه الکلینیُّ عن عمّار السّاباطیّ عن الصادق علیه السلام» است.

نام کاتب و تاریخ کتابت و تزیینی ندارد و ظاهرًا مصحّح است و حدود زمان مؤلّف نوشته شده است.

«۳۹۱» نسخه دیگر

نسخه: فقط مشتمل بر کتاب حج است و آخر آن نانویس مانده و لذا نام کاتب

و تاریخ کتابت معلوم نشد.

انجام موجود: «هو المسجد الّذی ردّت فیه الشمس لأمیر المؤمنین (ع) بالمدینه و رواه الکلینیُّ عن عمّار الساباطیّ عن الصادق علیه السلام».

مقدار کثیری از نسخه، علامت مقابله دارد و نیز حواشی بسیار به توقیع «ع ص م» که ظاهرًا مقصود مرحوم میر محمّد معصوم حسینی خاتونابادی است.

روی برگ اوّل نوشته اند: «عدد اوراق ۲۲۴ که نوشته شده است، از کتب وقفی مرحمت پناه میر محمد معصوم خاتون آبادی می باشد».

این تاریخ فوت روی ورق عطف است: «فوت صبیّه مرحوم ملاـ محمّـد طاهر زوجه میرزا محمّـد نصیر طبیب، به تاریخ شب پنجشنبه ۸ شهر ربیع الثانی (۱۱۸۱) برحمت ایزدی پیوست».

«۳۹۲» الذریعه إلی اصول الشریعه

(اصول فقه ــ عربی)

از: سیّد مرتضی علم الهدی علیّ بن الحسین الموسویّ أعلی اللّه مقامهما.

کتاب: در مباحث اصول فقه است، به روش قدیم.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، تملّک محمّد بن علیّ ابن خاتون عاملی در قزوین سال ۱۰۲۷، و تملّک و مهرِ محمّد جعفر بن محمّد باقر الشریف السبزواری که فرزند گرامی مرحوم آخوند ملّا محمد باقر بن محمد مؤمن محقّق سبزواری است، و نیز تملّک محمّد علیّ بن ابراهیم بن مرتضی، نواده آن مرحوم در ظهر نسخه دیده می شود.

«۳۹۳» ذریعه النجاح

(فارسی)

میر محمّد صالح حسینی خاتون آبادی _ علیه الرحمه _ مؤلّف «حدائق المقرّبین. ش ۳۳۶» این کتاب را در باب اعمال و ادعیه معتبره سال و پاره ای از زیارات و فضائل هر یک از ماه ها و آداب شرعیّه آنها تألیف نموده و بر یک مقدّمه و دوازده باب و خاتمه مرتّب کرده است.

امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات: ۱۹۸» در ذیل ترجمه میر محمّد حسین خاتون آبادی فرزند دانشمند مؤلّف که ترجمه او را آورده و آثارش را برشمرده اند فرماید:

«منقولست که وقتی مردم از علّامه مجلسی خواهش تألیف «زادالمعاد» نمودند فرمود: به «ذریعه النّجاح» عمل کنید که شما را کفایت است».(۱)

تاریخ تألیف این کتاب معلوم نیست، لکن مقدّمه را به نام شاه سلیمان صفوی (متوفی ۱۱۰۵) مصدّر نموده و هم تاریخ کتابت نسخه ما که ۱۱۰۱ است، می رساند که لااقلّ هفت سال قبل از «زادالمعاد» تألیف شده است.

نسخه دیگری از این کتاب در «فهرست آستان قدس ۲: ۲۵۸» معرّفی شده و تاریخ کتابت آن را ۱۲۴۶ نوشته اند، و در «ذریعه ۱۰: ۳۲» فرموده که نسخه ای هم در کتابخانه آصفیّه استانبول موجود و تاریخ کتابت آن ۱۱۱۰(۲) است.

آغاز: «بسم... ذریعه نجاح سرگشتگان گرداب عصیانْ حمد و ثنای مجیب الدّعواتیست که به بادبانی دست دعاپیشه در هر نفس صد هزار کشتی تن را از چهار موجه بحر معصیت به ساحل نجات کشانیده... و بعد، بر رای طالبان منهج رشاد و سالکان مسلک

---

۱ - ۱) مؤلّفْ داماد و شاگرد علامه مجلسی بوده و «زاد المعاد. ش ۴۴۸» در زمان سلطنت شاه سلطان حسین به سال ۱۱۰۷ تألیف شده است.

۲ - ۲) سال وفات علّامه مجلسی.

سـداد مسـتور و مخفی نمانـاد که باعث بر ایجاد بنی نوع انسان... بر وفق طغرای غرّای «و ما خلقتُ الجنَّ و الإنسَ إلاّ لیَعبـدون» مداومت بر طاعات و اشـتغال به عباداتست... و چون اکثر کتبی که علمای کبار ــ رضوان اللّه علیهم ــ درین باب تألیف نموده انـد به لغت عربی است و اکثر خلق را از آن بهره کـاملی و حظّ شـاملی نیست، و بعضـی از أعمـال که از طرق مخالفین منقول شده و أدعیه که خود تألیف نموده اند نیز در آن کتب مسـطور گردیده، و با وجود أعمال معتبره و أدعیه مأثوره احتیاج به آنها نمی شود؛ بنـابرین این غریق بحر مَعاصـی ابن میر عبـدالواسع: محمّد صالـح الحسـینی ــ عفی [عفـا] اللّه عنهمـا ــ خواست که کتـابی درین بـاب تـألیف نمایـد که مقصـور باشـد بر ذکر بعضـی از أعمـال و أدعیه مشـهوره که در مراتب أسانیـد در أعلای درجات اعتماد و اعتضاد باشد، و فضایل و آداب هر یک را به لغت فارسـی ترجمه نماید، تا اکثر شـیعیان این بلاد از این رساله بهره مند گردند، و اطلاع بر فضایل آن أعمال موجب مزید رغبات ایشان گردد، و در هر مقامی بعضـی از فوائد و مسائل را که مناسب باشـد ایراد نمایـد تا نفعش عظیمتر باشـد و عمل کننـده به این کتاب از رجوع به کتب دیگر مسـتغنی باشد. و چون این سعـادت عظمی و مـوهبت کـبری از ثمرات امن و أمـان و برکـات عهـد و أوان سـلطان... سلیمان الحسـینی الموسوی الصّفوی بهادرخان... برای این گمنام میسّر گردیـده بود، لهذا جرأت نموده این هدیّه.... را به پایه سـریر أعلی مرفوع گردانید... او را به «ذریعه النّجاح» مسمّی گردانید، و مرتّب ساخت بر مقدّمه و ۱۲ باب و خاتمه».

انجام: «و باید دانست که مشهور میان منجّمان آن است که اگر تحویل پیش از زوال واقع شود آن روز روز نوروز است، و اگر بعد از زوال واقع شود روز دیگر روز نوروز است».

سپس کاتب نوشته است: «بتاریخ دهم شهر رجب المرجّب سنه ۱۱۰۱ مرقوم قلم

ص : ۳۸۸

شکسته رقم گردید، علی ید الأحقر (کذا) عباد اللّه إبن ظهیرا، رقم نویس سابق خاصّه... عنایت اللّه الحسینی نهاوندی (؟)... حسب الاشاره بندگان ذیشان سموّالقدر و المکان عالیحضرت رفیع منزلت والا مقداری آقائی مهدیخان بیکا (ظ)، سلّمه الله تعالی...».

فهرست: مقدّمه: در فضیلت دعاء و آداب و شرایط و اوقات استجابت آن. باب ۱ در اعمال ماه رجب و در آن چند فصل است. باب ۲ در اعمال ماه شعبان و در آن چند فصل است. باب ۳ در اعمال ماه مبارك رمضان و در آن چند فصل است. باب ۴ در اعمال ماه شوال و در آن چند فصل است. باب ۵ در اعمال ماه ذی قعده. باب ۶ در اعمال ماه ذی حجه و در آن چند فصل است. باب ۷ در اعمال ماه محرم. باب ۸ در اعمال ماه صفر. باب ۹ در ربیع الاول. باب ۱۰ درماه ربیع الاخر. باب ۱۱ در ماه جمادی الاولی. باب ۱۲ در ماه جمادی الاخره. خاتمه: در بیان فضیلت و شرافت و بزرگی عید نوروز و آداب آن.

نسخه: دارای ۱۷۶ برگ، حواشی مؤلّف به عنوان «منه عفی عنه» به خطّ کاتب متن. نسخه در کتابخانه نیای معظّم، آیه اللّه مرحوم حاج میر سیّد محمّد بوده و در چند موضع حواشی به قلم ایشان هست. در ظهر برگ ۱۲۳ نیز تحقیقی به خطّ والد نویسنده مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد محمّد هاشم روضاتی (متولّد ۱۵ محرم ۱۳۱۹ در اصفهان _ متوفی ۲۷ ج ۱ _ ۱۳۵۶ در نجف) نوشته شده. کاغذ اصفهانی، خط نسخ و نستعلیق ۲۱ سطری، عناوین بشنگرف، قطع ۱۲ × ۲۵، متن ۷ و نیم × ۱۹، جلد تیماج قهوه ای، آستر کاغذ ابری اصفهانی. آثار مقابله ندارد، امّا نسخه قابل اعتمادی است.

ص : ۳۸۹

«۳۹۴» ذِکرَی الشیعه فی أحکام الشریعه

(فقه ـــ عربی)

از: شهید اوّل شیخ محمّد بن مکّیّ عاملی قدس سره ، شهید به سال ۷۸۶.

نسخه: از اوّل ناقص است.

آغاز: «الغسل و کذا لو أهملتْ غسلی النهار و دخل اللیل».

انجام: «و لیکن هذا آخر المجلّد الأوّل من کتاب ذِکْرَی الشیعه، و یتلوه ـــ إنش ـــ فی المجلّد الثانی کتاب الزکوه. و فرغ منه یوم الثلثاء لتسع بقین من صفر ـــ ختم بالخیر و الظفر ـــ سنه ۷۸۴».

کاتب: عبداللّه بن موسی بن عمار بن مشرف البحرانی الحسایی. تاریخ پایان استنساخ: روز دوشنبه ۱۳ ذی القعده ۱۰۵۵.

«۳۹۵» ربیع الشّیعه

(مناقب ـــ عربی)

از: بنا بر مشهور، منسوب است به سیّد رضیّالدین ابوالقاسم علیّ بن موسی بن جعفر، ابن طاوس حسنی (۵۸۹ ـــ ۶۶۴).

کتاب: در احوال و مناقب چهارده معصوم است ـــ صلوات اللّه علیهم اجمعین ـــ و با اندک تفاوتی به عنوان صحیح خود، «إعلام الوری بأعلام الهدی» به طبع رسیده است.

نسخه: به خطّ محمّد صادق بن محبّ علی مقیم اصفهان. تاریخ ختم استنساخ: جمعه ۱۴ جمادی الاخره ۱۰۹۶. برگ اوّل نونویس و به خطّ نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی چهارسوقی است.

ص : ۳۹۰

نسخه از کتابخانه مرحوم حاج میرزا یحیی اصفهانی(۱) عالم محقّق جلیل القدر معاصر حاجی میرزا حسین نوری و دوست ایشان بوده و خود ابتدا در هامش برگ دوّم نوشته است که میر داماد در «رواشح» این کتاب را به ابن طاوس نسبت داده و از آن نقل کرده است، سپس امضاء و مهر کرده: «شفیع یحیی فی الاخره، محمّد و العتره الطاهره». بعد اضافه کرده است که من به اجازات ابن طاوس و اجازه علاّمه به بنی زُهره نظر کردم، در آنجاها «ربیع الألباب» نام یکی از کتب ابن طاوس است نه ربیع الشیعه، پس آنچه سیّد داماد فرموده محلّ نظر است، و امضاء و تاریخ کرده: ماه شعبان ۱۳۰۴.

باز افزوده است که استرابادی در «رجال وسیط» هم بسیار از ربیع الشیعه ابن طاوس نقل می کند و همه مواضع را من با این نسخه تطبیق کردم درست بود.

باز در برگ آخر نسخهْ شرحی مبسوط نگاشته است و در آنجا گوید که این نسخه همان کتاب «إعلام الوری» از شیخ طبرسی است، و هیچ گمان ناشایستی نسبت به سیّد ابن طاوس نمی توان برد، و من چنین می اندیشم که طبرسی ابتدا این نسخه را به همین نام تألیف نموده و بعضی هم آن را استنساخ کرده اند، لکن پس از مدّتی خود طبرسی شخصًا تصرّفاتی در آن نموده و سرآغاز آن را تغییر داده و به «إعلام الوری» نامیده است، و چون نسخه اولی در آن نام مؤلّف نبوده به دست کسی افتاده و گمان کرده که تألیف ابن طاوس است، چون از جمله تألیفات ابن طاوس یکی «ربیع الألباب» است و این اشتباه تا این زمان به جای خود باقی مانده است.

حاج میرزا یحیی مطلب را به همین جا خاتمه داده و تاریخ کرده است: هفتم محرم ۱۳۱۷ در اصفهان. ظهر نسخه نیز تملّک خود را با نام و نسبت کتاب در تاریخ غره

۱- ۱) در «الذریعه ۲: ۴۹۴» فرماید که علاّمه ماهر حاج میرزا یحیی بن میرزا محمّد شفیع مستوفی اصفهانی را بالغ بر سی تألیف بوده است.

صفر ۱۳۰۸ نوشته و مهر کرده است.

«۳۹۶» الرساله الإثنا عشریّه فی الردّ علی الصّوفیّه

(عقائد ــ عربی)

از: عالم کامل متبحّر، افضل المحدّثین، مولانا محمّد بن الحسن العاملی، معروف به شیخنا الحُرّ، (متولّد ۱۰۳۳، متوفّی ۱۱۰۴)، مدفون در مشهد مقدّس رضوی. قدّس اللّه روحه.

کتاب: در بیان ابطال طریقه تصوّف و اثبات انحراف صوفیان از طریق ائمّه اطهار علیهم السلام ، در دوازده باب و هر باب شامل چند فصل.

مؤلّفْ در این کتاب پیرامون بیشتر مَباحث صوفیانه سخن گفته و با دستمایه احاطه کاملی که به اخبار و احادیث شریفه داشته آن مباحث را با مَوازین روایات معصومین علیهم السلام سنجیده و سپس ابطال کرده است.

تاریخ تألیف ندارد، و به سال ۱۴۰۰ ق، طیّ دویست و اندی صفحه، از روی تنها یک نسخه معمولی در قم چاپ شده و شایسته چاپ محقّقانه است.

نسخه: به خطّ نیای اعلی، آیه اللّه العظمی آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین موسوی چهارسوقی والد ماجد امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» است و ایشان تاریخ تولّد پدر بزرگوارشان را هشتم ذی القعده ۱۱۹۰ و وفات را اوّل مَطلع فجر روز دوشنبه دهم جُمادای دوّم ۱۲۷۵ نوشته اند.

مع الأسف چند برگ از آخر نسخه مفقود شده و تاریخ کتابت نامعلوم است.

تصویر اجازه آقا حسین محقّق خوانساری به شیخ حُرّ، به خطّ مبارک نیای اعلی در

کتاب «دو گفتار، روضاتی: ۱۸» چاپ شده است. اعلی اللّه تعالی مقاماتهم.

«۳۹۷» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ عالم فاضل آیه اللّه آقا سیّد ابوالقاسم موسوی فرزند آیه اللّه آقا سیّد جواد موسوی فرزند نیای بزرگوار اعلی، آیه اللّه العظمی آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین موسوی اعلی اللّه تعالی مقاماتهم.

سنّت تألیف و نگارش و استنساخ و احیاءِ آثار علماءِ اعلام، در طول چهار قرن ــ از عهد صفوی به بعد ــ موروثی نیاکان گرامی است و برخی از این گونه کارها در همین فهرست وارد شده است.

ترقیمه کاتب: «و کتب بیده الجانیه الفانیه: أبوالقاسم بن جواد الموسوی، قُبَیل ظهر یوم السّبت لأربع خلون من شهر ربیع الأوّل عام إحدی و سبعین بعد ألف و مائتین...».

مأخذ این نسخه غیر از نسخه پیشین بوده است.

کاتب معظّم، نسخه «شرح دعاءِ الصباح. ش ۴۹۸» را نیز در همین سال ۱۲۷۱، به خطّ ممتاز خود تکمیل کرده است.

آقا سیّد ابوالقاسم، خالوی مرحوم آیه اللّه العظمی آقای حاج سیّد احمد مجتهد خوانساری (متولّد ۱۳۰۹ در خوانسار، متوفّی شب شنبه ۲۷ ربیع دوم ۱۴۰۵) بوده است. یعنی مادر گرامی آقای حاج سیّد احمد نواده نیای اعلی، آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین، و پدر ایشان مرحوم آیه اللّه حاج سیّد یوسف بن آقا سیّد حسن (آقا میرزابابا) ابن آقا سیّد محمّد مهدی ــ صاحب رساله «عدیمه النظیر» ــ ابن آقا سیّد حسن فرزند نیای گرامی، آیه اللّه العظمی آقای حاج سیّد حسین مجتهد موسوی (متوطّن

و متوفّی و مدفون در خوانسار به سال ۱۱۹۲) بوده اند. «روضاتی: دو گفتار، گفتار دوم».

«۳۹۸» رساله در أحكام حجّ

(فقه ــ فارسی)

از: ظاهرًا مرحوم آقای حاجّ سیّد اسد اللّه بن حاج سیّد محمّد باقر موسوی شفتی ــ اعلی اللّه مقامهما ــ . صاحب «أحكام الخمر. ش ۱۲» و «كتاب الفقه».

كتاب: رساله «مختصری است در واجبات حجّ تمتّع».

نسخه: اصل مسوّده و به خطّ مؤلّف است و نام و تاریخ در آن دیده نمی شود.

رساله فی أحكام الخمر و...: أحكام الخمر و...

«۳۹۹» رساله در ارث

(فقه ــ فارسی)

از: آخوند ملّا علی اكبر بن محمّد باقر ایژهی اصفهانی اعلی اللّه مقامه.

كتاب: در احكام مواريث است، به نحو مبسوط و مستوفا و در خاتمه، مبحث فدك را شرح داده است.

نسخه: به خطّ ابو تراب بن ابوالقاسم حسینی نطنزی. تاریخ پایان استنساخ: چهارشنبه عشر دوّم(۱) ماه رجب ۱۲۲۲ در اصفهان. مُهر كاتب، «عبده ابوتراب بن ابوالقاسم

---

۱ – ۱) به موجب يادداشتی كه در هامش يكی از صفحات نسخه كتاب «الألفيّه» ابن مالك «ش ۴۴» ديده می شود، تاريخ وفات سيّد رضا نام موسوی، سه شنبه ۱۲ شهر رجب ۱۲۲۲ بوده است. شايد چون چهارشنبه، سيزدهم آن ماه می شده و شماره ۱۳ را معمولاً ـ نحس می دانند، خصوصًا كه مصادف با چهارشنبه باشد كه آن هم مشهور به شومی است كاتب عمدًا به همين ملاحظه، تصريح به ۱۳ ننموده و تعبير فوق را نوشته است، و اللّه العالم.

الحسینی» و «عبده الراجی ابوتراب الحسینی» در اوّل و آخر نسخه هست.

الرساله الألفیّه: الألفیّه. ش ۴۵

«۴۰۰» رساله در حُکم نقل جَنائز

(فقه _ فارسی)

از: آقا میر محمّد حسین بن میر عبدالباقی حسنی حسینی، امام جمعه اصفهان، صاحب «حاشیه معالم الاصول. ش ۳۲۹».

کتـاب: در بـاب مسأله فرسـتادن نعش مردگان است از جایی به جای دیگر و بیان احکام اموات و قبور و مسأله بناءِ بر گور. در آن از استادش آقا محمّد باقر محقّق بهبهانی _ اعلی اللّه مقامه و مقامه _ نقل می کند.

نسـخه: به خطّ میر محمّد اسـماعیل بن محمّد باقر حسـینی واعظ اصـفهانی امام مسـجد جدید عبّاسـی عمّوی آقا میر سیّد حسن مـدرّس محلّه نوی _ علیهم الرحمه _ «مکـارم الاثار ۲: ش ۱۵۴». شـرح حال کاتب در جلـد نهم، سال ۱۳۰۰ هنوز چاپ نشده است.

پایان کتابت: «یوم الثلث» ربیع دوّم ۱۲۲۵. مُهر فخرالدین محمّد الحسینی در آغاز و انجام نسخه هست.

نسـخه دیگری از همین رسـاله به ضـمیمه اثری دیگر از مرحـوم آقـا میر محمـد حسـین، در «جواب پـادری نصـرانی» آن هم به فارسـی که در روز آدینه دهم ربیع یکم ۱۲۳۱ از نگارش آن فراغت یافته، در «فهرست کتابخانه مرکزی دانشـگاه تهران. ج ۱۶ ص ۲۸» معرّفی شده است.

گویا کاتبِ این نسخه پس از مدّتی خود رساله ای در همین موضوع به فارسی تألیف کرده است که دو نسخه از آن دیده شده است:

۱ ـ نسخه ای که در یک مجموعه قرار داشته و همگی به خطّ خود میر محمد اسماعیل «حاج میر اسماعیل» است و در آن از سال (۱۲۴۰) تا (۱۲۴۴) تاریخ دیده می شود. مجموعه در کتابخانه سابق شهرداری اصفهان بوده و مرحوم معلّم حبیب آبادی صاحب «مکارم الاثار»، فهرست آن را در حاشیه نسخه «ارشاد المسلمینِ» مرحوم آقا سیّد عبداللّه ثقه الاسلام که به خطّ خود او است، نوشته است.

۲ ـ نسخه ای که در نشریّه «میراث شهاب. شماره ۲۳، ۲۴» این گونه شناسانده اند:

«رساله فارسی در مسئله نقل اموات به سوی مشاهد مقدّسه، از محمّد اسماعیل بن محمّد باقر الحسینی الواعظ الاصفهانی... در پایان این رساله پنج صفحه نام منابعی را که مؤلّف در تألیف کتاب از آنها بهره برده آورده است...»

بیفزاییم که درباره موضوع رساله جای گفتگو ـ سوای بحث هایی که در کتب فقهیّه آمده است ـ رساله های جداگانه چندی نیز تألیف گردیده که در کتاب شریف «الذریعه الی تصانیف الشیعه» ذیل این عنوان ها معرّفی شده اند:

«جواز نقل الموتی» ۳ عنوان. «رساله فی جواز نقل الموتی». «الحجّه البالغه للشیعه فی جواز نقل الموتی فی الشریعه». «رساله فی تحریم نقل الجنائز»...

«۴۰۱» رساله در زکوه و خمس

(فقه ـ فارسی)

از: نامعلوم و در زمان صفویّه در اصفهان تألیف شده. تاریخِ ذیحجّه ۱۱۳۲ در آخر کتاب معلوم نشد که از آنِ تألیف است یا استنساخ. برگ اوّل نسخه مفقود شده. مهر مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد محمّد هاشم روضاتی والد ماجد نویسنده فهرست در ظهر نسخه دیده می شود.

ص : ۳۹۶

«۴۰۲» رساله در سیر و سلوک

(تصوّف _ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: رساله ای است در سیر و سلوک عرفانی و ابیاتی از سعدی و حافظ در آن دیده می شود.

آغاز: «بسم... اللّه لا إله إلّا هو. درود بیحدّ بر آن ظهور که شهود ذاتش مقصود از صفاتست».

انجام: «همه را در دایره محبّت جمع کن و در آسیای معرفت بسای و بدست توکّل غلوله بند، در دریای معرفت پرتاب کن، و لا یُشْرِکُ بِعِبادَةِ رَبِّه أحَدًا».

نسخه: نام مؤلّف و کاتب و تاریخ تألیف و کتابت ندارد.

رساله در شرح بیتی از مثنوی: ذیل ثمره الفؤاد. ش ۲۱۳.

«۴۰۳» رساله در طینت

(معارف _ فارسی)

از: جمال الدین محمّد بن آقا حسین خونساری، معروف به آقاجمال خونساری _ رحمه اللّه علیهما _ صاحب «حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۶۲».

کتاب: درباره آفرینش طینت و سرشت مؤمن و کافر است که شاه سلطان حسین صفوی مُشافَهةً تألیف آن را از مؤلّف خواسته است. وی درین رساله پیرامون ده حدیث از کتاب شریف «کافی» درباره طینت بحث کرده است. به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد طاهر بن محمّد مقصود، تاریخ ختم استنساخ: عصر یوم الأربعاء، ماه ذیقعده ۱۱۶۷. برگ اوّل و هشتم نونویس و به خطّ نگارنده این فهرست است.

ص : ۳۹۷

«۴۰۴» رساله در علم نحو

(ادب ـ فارسی)

از: میر بهاء الدین محمّد بن محمّد باقر حسینی مختاری نائینی اصفهانی ـ علیه الرحمه ـ صاحب «زواهر الجواهر. ش ۴۵۵».

کتاب: در علم عربیّت است به زبان فارسی، مشتمل بر یک فاتحه و دو مقاله و یک خاتمه و دارای تحقیقاتی است ادبی از مؤلّف.

نسخه: از آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست و به قرائن نزدیک به زمان مؤلّف (قرن ۱۲) نوشته شده و فاقد امتیاز است.

تکمله: در «ذریعه ۲۴: ش ۴۵۷» فرماید:

«نحومیر. فارسی نظیر «صرف میر»، لبهاءِالدین محمّد المختاری النائینیّ (۱۰۸۰ ـ ۱۱۴۰). ذکره فی رسالته فی ترجمه أحوال نفسه». پایان.

این دو تاریخ برای تولّد و وفات، هر دو تقریبی است و هیچ کدام بعینه معلوم نیست، چنان که در شرح حال میر بهاءالدین در «کواکب منتثره: ۱۰۷ ـ ۱۰۹» به درستی نوشته اند: «حدود ۱۰۸۰ ـ حدود ۱۱۴۰».

نام و سلسله نسب میر معظّم در «مکارم الاثار ۲: ش ۱۵۴ ص ۳۷۷ ـ ۳۷۸» یاد شده است.

«۴۰۵» رساله عملیّه تویسرکانی

(فقه ـ فارسی)

حاج ملّا حسینعلی بن نوروز علی ملایری توی سرکانی اصفهانی قدس سره این رساله را برای استفاده مقلّدین فارسی زبان خود در مسائل شرعیّه نگاشته است.

حاج ملّا حسینعلی از مجتهدان بزرگ اصفهان در نیمه اوّل دوران سلطنت ناصرالدین

شاه قاجارست. شرح حال او اوّلین بار در آخرین صفحه مجلّد آخر «روضات الجنّات» آمده و در آنجا از او تجلیل فراوان شده است. به خلاصه اینکه وی از دانشمندان بزرگ و از محقّقان علم فقه و اصول بوده، نوبت تدریس و فتوی دادن در اصفهان به وی رسید پس از آن که از تحصیل دانش در این شهر فراغت یافت. از جمله استادانش قدوه المجتهدین مرحوم شیخ محمّدتقی صاحب «حاشیه معالم» بود و از او اجازه روایت یافت و با اینکه از علماءِ بزرگ ایران و عراق، خصوصًا دانشمندان بروجرد بیشتر اخذ علم نموده، باز در اجازاتش اسناد خود را به غیر از طریق صاحب حاشیه ذکر نمی کند. تألیفاتش:«کشف الاسرار» در شرح شرایع الاسلام، که یازده مجلّد آن را نگاشت. «المقاصد العلیّه» که حاشیه ای است بر قوانین اصول در دو جلد. «فصل الخطاب» در اصول که آن نیز دو مجلّد است. کتابی در «اصول عقائد و مکارم اخلاق». «رساله ای در ردّ اخباریّه». «تعلیقه بر جامع عبّاسی» که در آن مسائلی که با شیخ بهائی اختلاف نظر دارد ذکر می کند.

وفاتش روز ۲۸ صفر سال ۱۲۸۶ در اصفهان اتفاق افتاد و سنّ او نزدیک هفتاد بود. جنازه اش را به تخت پولاد حمل و در بقعه تکیه محقّق خوانساری به خاک سپردند. پایان کلام روضات به اختصار.

امام الحرمین، میرزا محمّد بن عبدالوهّاب بن داود همدانی (متوفی ۱۳۰۳) که از دانشمندان آن زمان و دارای طرق روایتی فراوان است در ملتقطات «فصوص الیواقیت: ۱۰» که دفتری است مشتمل بر مادّه تاریخ های بسیار گوید:

«و من ملهمات التواریخ قولنا فی وفات الحاجّ المولی حسین علی التویسرکانی الاصفهانی و هو من مشایخ اجازاتنا:

ذوالصفات الحسنی حسین علی من علیه رحی المعالی تدور

روّج الدين باذلاً سعيه ما عاش فيه و سعيه مشكور

و مُذاختار روضه القدس شوقا طربتْ نفســه اليها تطير

فقضى نحبه و سار إليها و دعاه اليه أرّخْ «غفور»

۱۲۸۶

و قولنا أيضاً:

حُزنى على شمس الفقاهه لهفى على قمر النّباهه

تا گويد:

غمم الرّدى أرّختِه: «أصدت صفا شمس الفقاهه»

لكن اين ماده اخير ۱۲۸۸ مى شود.

شرح حال حاج ملاّ حسينعلى در «الكرام البرره ۱: ۳۶۳» اشتباهًا به عنوان حسنعلى و «۴۳۸ _ ۴۳۹» مفصّلًا مذكور و در آنجا است كه نام كتابى كه در اصول عقائد و مكارم اخلاق نگاشته «نجاه المؤمنين» است و به سال ۱۲۷۲ آن را براى فرزندش محمّد تأليف كرده و شيخ محمّد نبىّ بن احمد تويسركانى صاحب «لألئ الأخبار» از او اجازه روايت دارد و صورت اجازه اش كه تاريخ آن ماه رجب ۱۲۷۹ مى باشد، در آخر كتاب لألى به طبع رسيده است. ميرزا محمّد امام الحرمين هم از او اجازه دارد كه تاريخ آن ۱۲۸۳ مى باشد. همچنين مرحوم شيخ عبدالحسين شيخ العراقين طهرانى «متوفاى ۲۲ صيام ۱۲۸۶» و شيخ محمّدتقى بن باقر همدانى «۱۲۶۳ _ ۱۳۱۴» شاگرد شيخ انصارى، همه از او اجازه روايت دارند.» انتهى.

حاجى از شاگردان مرحوم حاج سيّد شفيع جاپلقى نيز بوده. چنانكه جاپلقى خود در كتاب «الروضه البهيّه» به اين موضوع تصريح كرده است.

مرحوم حاج ميرزا عبدالغفار بن سيّد محمّد حسين حسينى توى سركانى (متوفاى

۱۳۱۹) _ از دوستان امام مجدّد صاحب روضات _ نیز شاگرد حاج ملّا حسینعلی و هم به دو اجازه، مُجاز از او بوده و چنانکه صاحب روضات خود فرموده انـد به درخواست ایشان است که شـرح حال آن مرحوم را در آن کتاب آورده اند، و صورت دو اجازه یاد شده در کتاب «ریاض الأبرارِ» نویسنده این فهرست موجود می باشد.

حاج ملّا حسینعلی در «اعیان الشیعه ۲۷: ۹۲ _ ۹۳» نیز یاد شـده و در آنجاست که میرزا حبیب اللّه بن فتحعلی کرمانی که از شاگردان وی بوده بر کتاب «فصل الخطابِ» او حاشیه نوشته است. در خاتمه «مستدرک ۳۹۹» نیز از او و طریق روایتش یاد شده است.

مؤلّف کتاب «معجم المؤلّفین ۴: ۳۳ و ۳۷» یک بار او را به عنوان «حسین ابن علی بن علی الملایری التویسرکانی الاصفهانی» و بار دیگر به عنوان «حسین علی بن نوروز علی التویسرکانی» ذکر کرده است. در «تذکره القبور - رجال اصفهان: ۸۹ _ ۹۰» نیز شرح حال او را نوشته و تألیفاتش را ستوده و درباره «نجاه المؤمنین» گوید: «بسیار کتاب مختصر مفید پرفایده خوبی است». و هم درباره مدفنش فرماید: «و از برای آن مرحوم لحد آماده ساخته پیدا شد.»(۱)

آغاز: «بسم... و بعد، چنین گوید أقلّ النّاس علمًا و عملاً و أکثرهم خطأ و زللاً: حسینعلی التویسرکانی که این مختصری است در مهمّات أحکام و مسائل شرعیّه، نظر به خواهش جمعی از برادران دینیّه، و آن مشتمل است بر چنـد باب و هر بابی مشتمل است بر چند مقصد».

انجام: «و سایر کفّارات را به تفصیل در «کشف الأسرار» ذکر کرده ایم، و اللّه الهادی الی الصّواب. تمّ الکتاب فی سنه ۱۲۷۳».

ص : ۴۰۱

۱- ۱) برای آگاهی دیگر به «فهرست مرعشیّه قم ۴: ۳۰۰» رجوع فرمایند.

فهرست: باب اول در طهارت است و در آن چند مقصد است. ب ۲ در نماز است و در آن چند مقصد است. ب ۳ در زکوه است و در آن چند فصل است. ب ۴ در خمس است و در آن چند فصلست. ب ۵ در صومست... و در آن چند مقصد است.

نسخه: دارای ۷۴ برگ. روی برگ ۱، مهر والد ماجد نویسنده فهرست و در پایان رساله در هامش، این شرح دیده می شود که به خط مؤلّف است:«مقابله شد با نسخه معتبره من البدو الی هنا، ان شاء اللّه خالی از غلط است».

کاغذ فرنگی، خط نسخ، عناوین به سرخی نوشته شده، جلد تیماج سیاه یک لا، قطع ۱۱ × ۱۵ و نیم، متن ۶ × ۱۱. نام کاتب ندارد.

رساله در لعن و طعن جماعت صوفیّه: درایت ثنار. ش ۳۷۴

رساله فی الردّ علی میرزا محمّد الأخباریّ: المسائل و الأجوبه

«۴۰۶» رساله فی القضآءِ و القدَر

(کلام ــ عربی)

از: شیخ ابو محمّد «علیّ بن» عنایه اللّه بسطامی، معروف به بایزید ثانی، معاصر شیخ بهاءالدین محمّد عاملی (متوفّی ۱۰۳۰) و راوی از شیخ حسین بن عبدالصمد، والد بهائی (متوفی ۹۸۴)، و از او سیّد حسین بن حیدر کرکی مجتهد بزرگ اصفهان (متوفّی ۱۰۴۱) رحمه اللّه علیهم اجمعین.

کتاب های «الانصاف فی معرفه الأسلاف» و «معارج التحقیق» و «جوابات المسائل الکلامیّه» از آثار او در «ذریعه» و «روضه نضره: ۷۶» یاد شده اند، و خود در اواسط اثر جای گفتگو از تألیف دیگرش «أنوار الهُدی فی تحریر کلام السیّد المرتضی» یاد کرده است. بیش از این از گزارش زندگانی این دانشمند، آگاهی در دست نیست.

ص : ۴۰۲

این جانب در مقدّمه الطبع رساله «خلق الأعمال» به نام «رساله جبر و تفویض، چاپ اصفهان، ۱۳۸۱ ق» از این کتاب جای گفتگو نقل کرده و سخنی گفته ام.

کتاب: پیرامون مبحث قضاء و قدَر است، مرتّب بر سه مسأله.

نسخه: به خطّ عطوه بن علی بن محمّد شهیر بعلیق. تاریخ پایان استنساخ: روز دوشنبه ششم جُمادای دوّم ۱۱۹۰.

تملّك محمّد علیّ بن سیّد راضی حسینی و خطّ و مُهر «محمّد بن علیّ طباطبائی» و خطّ مبارک آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم چهارسوقی و تملّك فرزند ارجمندشان _ نیای گرامی _ آیه اللّه آقا میرزا سیّد جمال الدین چهارسوقی به تاریخ شانزدهم شوّال المكرّم ۱۳۲۱ _ سال تقویم و تقسیم کتابخانه معظمه والد ماجدشان _ ظهر نسخه هست.

تکمله: نام مؤلّف در سرآغاز نسخه جای گفتگو «أبو محمّد عنایه اللّه الشهیر ببایزید البسطامی» است و در کتاب شریفِ «روضات»، یکجا «ابو محمّد بن عنایه اللّه» و دیگر جا «ابو محمّد عنایه اللّه» دیده می شود و در «ذریعه» و «روضه نضره»: «ابو محمّد علیّ بن عنایه اللّه» است و گویند که او خود به سال (۹۸۷) در آخر نسخه ای از «شرح التذکره» نظام اعرج، «ابو محمّد بایزید بن عنایه اللّه البسطامی» امضاء کرده است.

«۴۰۷» رساله کفّارات شرعیّه

(فقه _ فارسی)

از: محمّد باقر بن اسمعیل الحسینی «خاتونابادی» صاحب «ترجمه أناجیل اربعه. ش ۱۲۵».

کتاب: حسب الأمر شاه سلطان حسین در باب کفّارات شرعیّه «سوای آنچه متعلّق به افعال حجّ است» تألیف شده و تاریخ ندارد.

ص : ۴۰۳

نسخه: از اوّل یکی دو سه برگ ناقص و از آخر تمام است، لکن نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. مسلّمًا در زمان مؤلّف استنساخ شده است.

«۴۰۸» رساله فی حکم اللّباس المشکوک

(فقه ـ عربی)

از: آیه اللّه حاجّ میرزا محمّد حسین نایینی غروی ـ رحمه اللّه علیه ـ (متولّد ۱۲۷۷، متوفّی شنبه بیست و هفتم جُمادای یکم ۱۳۵۵).

کتاب: تقریرات درس آیه اللّه العظمی میرزا سیّد محمّد حسن شیرازی ـ علیه الرحمه ـ است.

آغاز: «بسم... الحمد للّه علی ما أنعم و ألهم... و بعد، فیقول أفقر البریّه إلی رحمه ربّه الغنیّ محمّد حسین الغرویّ النائینیّ».

نسخه: تحریر جدید رساله است به التماس برادران دینی پس از آن که چندی در مسوّده مانده بود. نام کاتب و تاریخ کتابت و مشخّصات دیگری ندارد.

آخرین تحریر این رساله در ۱۳۵۸ ق، ضمیمه جلد دوّم «مُنیه الطالبِ» مرحوم آقا شیخ موسی خوانساری «از صفحه ۲۳۸ تا ۳۰۵» چاپ سنگی شده و پس از آن نیز به طبع رسیده است: «مکارم الاثار ۶. ش ۱۳۶۶».

«۴۰۹» رساله در امر به معروف و نهی از منکر

(مواعظ ـ فارسی)

از: حاج سیّد حسن موسوی واعظ کاشانی اصفهانی ملقّب به سلطان الواعظین، (متوفّای غرّه ربیع دوّم ۱۳۲۰)، مدفون در تکیه آقا میرزا ابوالمعالی، تخت فولاد اصفهان، در اطاقی خاصّ: «دانشمندان مهدوی: ش ۳۴۶».

مختصری از شرح حال سلطان و فرزندان گرامی در مأخذِ یاد شده، هست.

کتاب: درباره امر به معروف و نهی از منکر و نکوهش کذب و غیبت و نمّامی و تهمت و نیز شمّه ای از مناقب و فضل علماء دین، نوشته شده در یک مقدّمه و چهار مقاله و یک خاتمه.

مؤلّف این کتاب را به منظور دفع تهمت از خود نگاشته و در آن از کتاب دیگرش «منهج الواعظین» یاد می کند.

او پیشتر رساله ای به نام «مواعظ حسنه» تألیف کرده و در آن سخنانی پیرامون لزوم اطاعت امر سلطان وقت ناصرالدین شاه و ظلّ السلطان آورده بود و نشر آن رساله سبب تکفیر نویسنده شد.

مرحوم حاج میرزا حسنخان شیخ جابری انصاری (۱۲۸۷ _ ۱۳۷۶) در «تاریخ اصفهان و ری و همه جهان: **۲۹۵**، چاپ اصفهان، **۱۳۲۱** ش» این مسأله را در وقایع سال **۱۳۰۴** ق، نوشته و چند سطری درباره انگیزه تألیف رساله سخن گفته و چاپ و نشر آن را به ظلّ السلطان نسبت داده است. شیخ جابری در آن تاریخ تقریبًا هفده ساله بود.

باری، سلطان الواعظین برای حفظ جان خود از اصفهان خارج و به تهران و سپس به عتبات عالیات رفت و به علماء و مجتهدین عراق و شهرهای ایران متوسّل شده و آنان براءت وی را از نسبت کفر نوشته اند که صورت تمامی آن گواهی ها در خاتمه کتاب جای گفتگو آمده است.

نسخه: به خطّ مؤلّف و صورت نامه های علماء به خطّ دیگری است. تاریخ تألیف و تحریر در نسخه نیست، لکن برخی از نامه ها دارای تاریخ (۱۳۰۵) می باشد. شمار برگ های اصل کتاب، هفتاد برگ (۱۴۰ صفحه) است.

آغاز رساله: «بسم. الحمد للّه الّذی جعل لسان العلماءِ مفتاحًا لبیان بدائع المعانی».

انجام: «و لازم شد که به جهت رفع شکوک و شبهات از خواطر اهل ایمان و عموم

شیعیان صورت این اوراق و رسائل ثبت این رساله موجزه گردد تا مطالعه کنندگان بر سبیل حقّ مستقیم باشند و گمان بد به ذرّیه طیّبه فاطمه ــ سلام اللّه علیها ــ نبرند، و جمیع اصول ممهوره این سوادها در نزد داعی حاضر است، هر کس می خواهد به نظر او می رسانم، و السلام علی من اتّبع الهدی».

در برگ «۷۱»، صورت نامه ای است از زبان مردم اصفهان به علماءِ نجف اشرف و سپس گواهی علماءِ اعلام است و نامه های آنان، تا برگ «۱۱۵».

پس از آن سه برگ سپید، و از پشت برگِ «۱۱۹» تا برگ «۱۳۰» شرحی است که یکی از علمای عراق «ظ» درباره رساله اصلی حاج سیّد حسن نوشته و کلمات او را از آن رساله به «قوله. قوله» به فارسی شرح کرده و توضیح داده، و خلاصه، مطالب او را تأویل و سیّد را از نسبت کفر و انحراف تبرئه نموده است.

نویسنده این مقاله معلوم نیست.

از پشت برگ «۱۳۱» تا پشت برگ «۱۳۶» همچنان صورتِ نامه های دیگری است از علماء و گواهی های آنان.

از برگ «۷۱» تا آخر مجموعه، عمومًا به خطّ کاتب تا حدّی خوش خطّ نوشته شده است، والسّلام.

«۴۱۰» رساله در بیان عقائد مذهب شیعه

(عقائد ــ ترکی)

از: نامعلوم.

کتاب: به زبان ترکی است، در باب اثبات حقّانیّت مذهب شیعه و خلافت بلا فصل حضرت امیرالمؤمنین علیّ بن أبی طالب ــ علیه الصلوه و السلام ــ و ردّ بر عامّه.

نسخه: به خطّ مقصود علی شیرازی. پایان استنساخ: روز سه شنبه ۲۶ محرّم ۱۰۷۵.

ص : ۴۰۶

«۴۱۱» رساله در بیان مذهب شیعه

(عقائد ــ ترکی)

از: نامعلوم.

کتاب: به زبان ترکی است، در بیان اصول مذهب شیعه امامیّه، مشتمل بر مقدّمه و پنج باب و خاتمه، و گویا در اوائل عهد صفویّه تألیف شده است.

نسخه: به خطّ نستعلیق خوب ملاّ محمّد کاتب.

انجام: در ماه «شعبان (۱۰۵۷) حسب الاشاره بندگان عالیحضرت رفیع منزلت متعالی مخدوم علی الاطلاق مستخدم الأمثال و الأقران... خلاصه دودمان مرتضوی محمّد حسین میرزای صفوی...».

توضیح: این نسخه و نسخه شماره پیشین را در سال (۱۳۵۳ ش) دیده و به همین اندازه درباره آنها نوشته ایم.

«۴۱۲» الرساله المشقیّه

(اصول فقه ــ عربی)

از: سیّد عبدالکریم بن محمّد رضا الحسینی الّلاهجی.

کتاب: در باب ظُنون اجتهادی است از مباحث علم اصول فقه، به تفصیل تمام.

مؤلّف در آن از نیای معظّم، آیه اللّه العظمی مرحوم آقا شیخ محمّد تقی اصفهانی صاحب «هدایه المسترشدین ــ حاشیه معالم» متوفّای ظهر آدینه پانزدهم شوال ۱۲۴۸ یاد کرده و ایشان را استاد خود خوانده است، چنانکه در «مقام سادس ــ مشترکات. روی برگ ۹۸» گوید:

«فقول شیخنا الاستاد ــ نوّر اللّه مضجعه ــ یرتقی إلی عشرین»

و در حاشیه گوید:

«شیخنا الأُستاد محمّد تقی. ره».

در آغاز کتاب، فهرست مطالب آن را به صورت مستقلّ به دست داده و مقدّمه ای نیز برای فهرست نگاشته است. درین مقدّمه به تقریبی گوید:

«... من، پس از آنکه از پاره یی فنون قضای وَطر کردم و در اسرار آنها دقّت و نظر نمودم؛ به صدق همّت خواستم که باز اطمینان خاطر را در تحصیل دانش از أفواه رجال بکوشم. از این روی، علّامه فهّامه ضابط درایت و حافظ روایت، عماد اسلام و ملجأ أنام، افضل متأخّران متبحّر، محیی ملّت و دین، همنام صادق «السّمیّ الصّادق»، که به شرایع پدرانش ناطق و بر معاصرانش فائق است؛ یافتم، و دریافتم که سزاوار است رموز و دقایق فنّ را از او بیاموزم، و از تحقیقات عالیه او بهره ور گردم، و از مرویّات او اجازه روایت یابم. پس نزدش به شاگردی پرداختم و در دریای دانش او غوطه ور گشتم و بس لؤلؤ شاهوار یافتم و به سلک نظم درآوردم و این کتاب را نوشتم و آن را هدیّه اعلی ـ جنابش نمودم... و تمام این کارها در دارالسّلطنه اصفهان به یُمن اقبال... معتمدالدوله العلیّه... منوچهرخان بود...».

چنانچه مقصود نویسنده از «السمیُّ الصادق» صفت و موصوف و شخصی باشد که هم نام مؤلّف «عبدالکریم» بوده، چنین شخصی را نشناختیم، لکن اگر الف و لام در «السمیّ» زائد و سهوًا نوشته شده باشد، ممکن است مقصود همنام امام صادق علیه السلام باشد(۱) و شخصی که در آن عصر به این نام می شناسیم؛ مرحوم آقا میر محمّد صادق فرزند آقا سیّد محمّد از علما و دانشمندان و مدرّسین مبرّز اصفهان است که معروف به کتابفروش بوده و به سال ۱۳۰۳ در اصفهان وفات یافته و اجمالاً شرح حالی از او در

ص : ۴۰۸

۱- ۱) یعنی هم لقب، نه همنام که جعفر است، اگرچه ممکن است مرادش همین اخیر باشد، واللّه العالم.

«رجال اصفهان ـ تذکره القبور: ۶۳» یاد شده است(۱).

منوچهرخان نیز که نویسنده در مقدّمه بر او ثناء گفته، همان معتمدالدوله منوچهرخان گرجی، حکمران معروف اصفهان است که به سال ۱۲۵۲ درگذشته است.

مع الأسف هیچ گونه اطّلاعی از احوال نویسنده این کتاب به دست نیامد.

آغاز مقدّمه فهرست: «باسم ربّیالأجلّ الأعظم، أحمده حمدًا لذاته العلیّ الأقدم، أشکره شکرًا علی ما أنعم، و علّم من الاُصول ما لم نعلم».

انجام فهرست: «فی ذکر الحجّه علی ما هو المختار».

کتاب مشتمل بر چهار سفر است، بدین تفصیل: «السفر الأوّل» فی معرفه المجتهد و الاجتهاد و حجّیه ظنّه و ما یناسب من المسائل. «السفر الثانی» و هو الأدلّه: الکتاب و السنّه و الإجماع و العقل، و فیه مقامات. «السفر الثالث» فی مشترکات الأدلّه. «السفر الرابع» فی بیان تعارض الأدلّه.

این اسفار هر یک مرتّب بر مقامات و صفحات و سطوری است. از باب مثال: «المقام الرابع فی الأدلّه العقلیّه. و فیه صفحات. الاولی: فی المقدّمات. و فیه سطور. السطر الأوّل...».

در پایان دیباچه فهرست، راجع به سفر سوّم گوید: «وبسطنا الکلام فی الثالث، لأنّ المسائل الاُصولیّه و مهمّاتها مذکوره فیه، و مشقتُ فیه بل فی سایره علی اُسلوب کان نحو حاشیه و تعلیقه ل_«معالم الفقه»، لحُسن ترتیبه و تداوله بین علماء الاُصول. و لعلّ ذلک لخلوص نیّته و صفاء عقیدته، مع ذکر أکثر عبارات «زبده الاُصول»، و اندمجت فیها مسائل سقطت و اندرجت فواید حصّلتها من زبر المحقّقین من المتأخّرین و المتقدّمین

ص : ۴۰۹

۱- ۱) نسختی از مجلّد دوّم «المناهج السّویّه فی شرح اللمعه الدمشقیه» از تألیفات فاضل اصفهانی (هندی) به سال ۱۲۴۵ برای این دانشمند استنساخ شده است.

أهملت رومًا للاختصار...».

آغاز: «بسم... أحمده حمدًا لايفى الطاقه بأدائه، أشكره شكرًا لايسع القلم بإحصائه؛ لا اُحصى ثناءً عليك كما أثنيتَ على نفسك و اُصلّى و اُسلّم على صفوه أنبيائك و سيّد أوصيائك، و على آله الّذين هُم اُمنآئك الّذين جعلتهم مشكوةً لعبادك و مصباحاً لمعرفه عبادتك؛ كأنّهم كوكبٌ درّيٌّ يوقد من شجرةٍ مباركةٍ زيتونةٍ... أمّا بعد، فيقول المحتاج الجانى و بفضل ربّه الملتجى: عبدالكريم الحسينى الّلاهجىُّ: لمّا رأيتُ فى كتب الاُصوليّين متقدّميهم و متأخّريهم أنّ الظنون الإجتهاديّه تكون حجّةً، ولاحَ عن بعضهم أنّها بقولٍ مطلقٍ ليست بحجّه، بل الخاصّه منها حجةٌ، و شاع عن الأخباريّين أنّها - مطلقًا _ ليست حجّةً؛ و الحال أنّهم فى كتب الفروع و الإستدلال عاملون بالظنون من حيث لايشعرون! حتّى صرّح بعضهم بأنّ النّزاع بيننا و بين الاُصوليّين لفظيٌّ _ كما فى «الفوائد الحايريّه»... فبقى الكلام مع الاُصوليّين فى هذا الأصل الأصيل... لكن الإقدام فى هذا الأصل و الخوض فيه لم أكن أنا أهلاً [له]، لأنّ كلّ واحدٍ من الفريقين يكونون أساتيد الفنّ و المهَره، و محيين للشريعه و الملّه. لهذا وقع الخوض فى عهده التّعويق و التّسويف، حتّى خطر ببالى الفاتر و قلبى القاصر أن أرضّت النفس بالمجاهده و المشاقّه، لعلّ تتبّهت بما هو الحقّ. فإذن تتبهتُ بما رووه مستفيضاً: مشقّتان لاثالث لهما: «المشق بالأقلام و المشى بالأقدام». فشرعتُ فى المشق و المشى فى ذلك الأصل على اُسلوبهم.

فسمّيته ب_ «الرّساله المشقيّه فى الظنون الإجتهاديّه». و تحقيق الحقّ ينوط على المشق فى الصّفحات العديده:

الاُولى. فى تحقيق أنّ بأىِّ سبب و حاجه صار المجتهد مرجعًا للشيعه و النّاس...

والثانيه. فى تحقيق معنى الإجتهاد و المجتهد و مايناسبه من الألفاظ، بل ما يرادفه،

ص : ۴۱۰

و أیّ شخص هو؟

و الثالثه. فی بیان معنی العلم و الظنّ. و الرّابعه. فی شرح بعض المسائل المتفرّعه. و الخامسه. فی بیان ما یتعلّق بالإجتهاد و التقلید من الأقوال و الأحکام. و فی إتمامه التوکّل علی القادر المتعال...».

انجام: «و منها: ما فی أیدی المخالفین من الجلد و اللّحم. فالمشهور بین الأصحاب أنّه طاهر مطلقًا، ما لم یحکم بکفر من بیده منهم، و به نصوصٌ کثیرةٌ مؤیّدةٌ لظاهر حال المسلم، من تجنّبه للمحرَّم و النّجس و المشتبه، و لذلک فروعٌ کثیرةٌ أکثرها فی «التّمهید» مذکوره».

نسخه: دارای ۳۰۴ برگ. ۸ برگ اوّل، فهرست کتاب و دو برگ آخر، «مقاله ای در علم مناظره، للقاضی الامام عضدالدین، رحمه اللّه» و «رساله ای در علم مناظره، من مصنّفات ملاّ حنفی فی سنه ۱۰۵۳» و نیز رساله ای دیگر در همین فنّ از عبدالرزّاق که پایان آن چنین است:

«قد فرغ من تألیفه أضعف عباداللّه: عبدالرزّاق، فی ۶ شهر شوّال سنه ۹۹۶ فی المکه [کذا] المعظمه، حرسها اللّه تعالی. مشقه العبد المذنب الجانی، ابن محمّد رضا الحسینی: عبدالکریم اللاّهیجانی».

کاغذ فرنگی، جلد تیماج قهوه ای روشن ضربی، آستر کاغذ سبز، خط شکسته نستعلیق ۲۵ سطری مؤلّف، بالای عناوین و رؤوس مطالب به سرخی خطّ کشیده، اصلاحات و اضافات همه جا به خطّ مؤلّف در حاشیه ها نوشته شده است. قطع ۲۱ × ۳۰، متن ۱۲ و نیم × ۲۱. نسخه تمامًا به خطّ مؤلّف است و تاریخ ندارد، لکن پس از شوال ۱۲۴۸ (تاریخ درگذشت نیای معظّم، صاحب حاشیه معالم) و پیش از ۱۲۵۲ (سال وفات منوچهر خان) تألیف شده است.

ص : ۴۱۱

«۴۱۳» رساله مناظره ابن أبی جمهور

(مناظرات کلامی ــ عربی)

از: شمس الدین محمّد بن علی بن ابی جُمهور احسائی ــ علیه الرحمه ــ صاحب «عوالی اللّآلی».

کتاب: داستان مناظره مؤلّف است با ملاّ عبداللّه هروی سنّی در مسأله امامت که به سال ۸۷۸ هنگامی که ابن ابی جمهور نزدیک چهل سال از عمرش گذشته و در مشهد میهمان سیّد محسن بن محمّد رضوی قمی بود، واقع شده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. ظاهرًا از آثار سده «۱۱ ــ ۱۲» است. ظهر نسخه، مهر «الواثق باللّه الغنیّ، محمّد حسین الحسینیّ ۱۱۸۲» و خطّ مرحوم آقای حاج میرزا محمّد باقر تویسرکانی است.

«۴۱۴» رساله فی المنطق شاید نامش «فوائد ضروریّه» باشد.

(منطق ــ فارسی)

آغاز: «بسم.. الحمد للّه الّذی عرَّفنا المنطق و البیان، و علَّمنا ما لم نعلمْ و أکمل علینا الحجَّه علی النَّوع الأتمِّ... و بعد، چون بعضی از برادران دینی بتحریر رساله ای که متضمن أکثر مسائل ضروریِّه علم منطق باشد؛ کمترین خادم مؤمنان و غبار قدم عالمان، بنده آثم نادم ابن محمّد رضا ابوجعفر محمّد قاسم ــ تجاوز اللّه عنهما الغفور الرَّاحم ــ را تکلیف نمودند، و این علم موقوفٌ علیهِ حُصول علم أصول و فروع است، و بر جمیع محصِّلانِ معرفت و دین تحصیل این ضرور است؛ با قلَّت بضاعت و أسباب و کثرت أشغال و تشویش بال، بجمع این فوائد ضروریَّه اقدام نمود، و اللّه الموفِّق للرَّشاد و علیه التَّوکُّل فی المبدأ والمعاد».

مطالب را با عنوان: «فائده، فائده» شرح می دهد. از این رساله فقط یک جزوه هفت برگی به نظر رسید و باقی آن مفقود شده است. مؤلِّف که «ابوجعفر محمّد قاسم بن محمّدرضا» نام دارد، نویسنده کتاب «سراج الهُدی» در مسأله بَداء است که در «فهرست دانشگاه ۳: ۵۸۱» معرّفی و تصویر اجازه و خطّ و امضائش «مورّخه چهارشنبه ۲۸ صفر ۱۱۳۲» در همان فهرست «۵: ۱۶۴۹» طبع شده است. قطع ۱۱ و نیم × ۱۸، کاغذ فرنگی، خط شکسته نستعلیق ۱۳ سطری.

رساله در نقل نعش موتی: رساله در حکم نقل جنائز

«۴۱۵» رساله فی نکاح الذمیّه

(فقه ــ عربی)

از: آقا محمّد علی بن آقا محمّد باقر هزارجریبی مازندرانی نجفی رحمه اللّه.

کتاب: در مسائل متعلّقه به نکاح زن غیر مسلمان است.

نسخه: در زمان مصنّف نوشته شده. هیچ گونه خصوصیّت دیگری ندارد.

رساله در نماز جعفر طیّار: ش ۲ ضمیمه ش ۱

«۴۱۶» رساله یوحنّا

(مناظرات مذهبی ــ فارسی)

از: نامعلوم، و منسوب است به شیخ ابوالفتوح رازی مفسّر اعلی اللّه مقامه.

کتاب: مختصری است در مناظرات مذهبی شیعه و سنّی و اثبات حقّانیّت مذهب شیعه به سبکی شیرین و دلنشین، و مناظره کننده خود را یوحنّا بنی اسرائیلی ذمّی مصری در آغاز رساله معرّفی کرده است، و در «الذریعه ۱۱: ۲۳۰» فرماید که نام این رساله «منهاج المناهج» است، و در «ج ۲۳: ش ۸۵۴۷» زیر آن عنوان، شرحی مرقوم داشته،

و آخرالأمر در «ج ۲۵: ص ۲۹۶ و ۲۹۷. ش ۱۸۹ و ۱۹۰» یوحنّا و کتاب یوحنّا، اوّلی به فارسی و دیگری به عربی را به تفصیل تمام گزارش فرموده اند.

باری، رساله یوحنّا در تبریز و تهران مکرّر چاپ شده است، لکن با نسخه جای گفتگو، قدری از لحاظ عبارت اختلاف دارد.

نسخه: به خطّ محمّد تقیّ بن حسن علی عقیلی. پایان استنساخ: سلخ ربیع الاخر ۱۰۳۴. چند برگی از اوائل نسخه مفقود شده است.

آغاز موجود: «و سلامی که نشر آن قوّه ناطقه انسان برنتابد، و درودی که بتقدیر...».

انجام: «... گفتم و بر دل خود بستم و اعتقاد کردم چون دانستم که حق اینست و بر مذهب شیعه ام و بر آن بمیرم و بر آن زنده شوم ان شاء اللّه تعالی».

از کتابخانه نیای اعلای گرامی، آیه اللّه مرحوم حاج میر سیّد محمّد موسوی چهارسوقی بوده است.

«۴۱۷» الرشاد، فی شرح الارشاد

(نحو ــ عربی)

از: سیّد شمس الدین محمّد بن میر سیّد شریف علیّ بن محمّد جرجانی.(۱)

ص : ۴۱۴

---

۱ – ۱) نجم الدین خضر بن محمّد حبلرودی رازی نجفی «ذریعه از ریاض» در اوائل کتاب نفیس خود «التوضیح الأنور بالحجج الوارده لدفع شُبه الأعور» که به سال (۸۳۹) در حلّه آن را تألیف کرده است (مأخذ فوق)، در ضمن پاسخ این عنوان: «قال الأعور: الثالث من وجوه احتجاجهم بالعلم»، الخ، چنین گفته است: «ذکر الأستاد العلاّمه شمس فلک المعالی ــ لازال مُفیدًا للمستعدّین بفیض اشرافه الدّرر و اللّآلی ــ فی کتاب «الرشاد فی شرح الارشاد» فی وجه تسمیه النّحو بالنّحو أنّ أبا الأسود الدئلیّ» إلخ. کتاب شریف «التوضیح الأنور» به سال ۱۴۲۴ ق، با مقدّمه و فهرس مطالب (طیّ ۶۶۲ صفحه) در قم چاپ شد و مطلب فوق در صفحه ۲۱۱ دیده می شود. در صفحه ۶۵۴ تاریخ فراغ از تألیف، پگاه یکشنبه ۲۶ صفر ۸۴۰ در حرم مولانا و سیّدنا امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته شده است، و حقّا این کتاب بی نظیر شایسته تحقیق و شرح و تفسیر می باشد. بیفزاییم که شیخ نجم الدین پس از نقل عبارتِ کتاب الرشاد فرماید: «و مع تصریح مثل هذا العلاّمه الّذی هو المشار الیه بالبنان فی البیان و رئیس المدرّسین بشیراز، بل سلطان الکلّ فی هذا الزمان» الخ.

کتاب: شرح مزجی بر «الارشاد الهادی نحو الرشاد»، تألیف سعدالدین عمر تفتازانی است. در «ذریعه» فراغت از تألیف آن را در شیراز در قبّه شریفیّه «مزار میرسیّد شریف» دهم جُمادای یکم ۸۲۳ یاد کرده اند.

نسخه: نام کاتب و تاریخ ندارد. داخل جلد، تملّک «محمّد صادق بن حاجی زین العابدین لاهیجانی در اصفهان» دیده می شود.

«۴۱۸» رضوان الأمِلین فی تعلیقات القوانین

(اصول فقه _ عربی)

از: مرحوم آقا میر سیّد محمّد بن عبدالصّمد حسینی شهشهانی اصفهانی.

کتاب: حاشیه ای است بر «القوانین المحکمه» مرحوم میرزای قمی، در علم اصول فقه، در چند مجلّد.

نسخه: مجلّد دوّم است از شرح قانون هفتم از قوانین هفده گانه مبحث اوامر تا مبحث نَسخ. تاریخ تألیف و استنساخ و نام کاتب ندارد.

«۴۱۹» رَوادع النفوس

(مواعظ _ فارسی)

از: میر محمّد صالح حسینی خاتون آبادی اصفهانی، صاحب «ذریعه النجاح. ش ۳۹۳».

کتاب: شامل یک مقدّمه است در مذمّت عصیان و نافرمانی خداوند و سه باب در گناهان کبیره و اخبار مربوطه و دیگر منهیّات شرعیّه، و خاتمه ای در توبه و کفّارات.

تاریخ پایان تألیف: (ظاهرًا) اوایل محرّم ۱۰۹۲.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت در خاتمه ندارد، لکن در هامش اواسط نسخه کاتب چنین نوشته است: «در اصفهان حسب الفرموده نوّاب کامیاب خانی عظیم القدر و الشانی سمّو القدر و المکانی منبع الجود و الاحسانی محمّد رضا خانا، دام اقباله العالی، مرقوم قلم خجسته رقم گردید، یوم الثلثا اواخر شهر ذی الحجّه الحرام سنه (۱۱۰۵)، و انا العبد الضعیف عبدالوهاب الدماوندی، غفر اللّه...». برگ اوّل نسخه نونویس است.

«۴۲۰» الرّوضه البهیّه فی شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه ــ عربی)

از: شهید ثانی شیخ زین الدین بن علی بن احمد شامی عاملی اعلی اللّه مقامه.

نسخه: شامل هر دو مجلّد و کامل است و کاتبِ تمامِ متن و حاشیه: محمّد علی بن محمّد حسین بن محمّد علی بن احمد نیریزی، که مجلّد اول را در قریب دو سال استنساخ کرده و در ماه رمضان ۱۲۵۸ از نوشتن آن فراغت یافته، چنانکه این مطالب را در پایان جزء اوّل نگاشته و هم در ذیل آن گوید که در ماه محرم ۱۲۶۲ هر دو جلد را به پدرش هبه نموده و پدر آن را وقف کرده است.

سپس در روی یک برگِ جداگانه، کاتب به عربی شرحی مبسوط نوشته است که این نسخه را در ایّام و لیالی تحصیل استنساخ کرده متنًا و هامشًا و سپس با نُسخ صحیحه در حین مباحثه و مذاکره با طلّاب علوم دینیّه مقابله و تصحیح کرده است و بعدًا نسخه را به «جناب ابوی سرکار حاجی میرزا محمّد حسینا» هبه نموده.

روی برگ اوّل جلد دوّم نیز صورت وقفنامه نوشته شده و تاریخ ختم استنساخِ مجلد دوّم؛ ذی القعده ۱۲۵۷ و در هامش باز شرحی در مورد هبه نمودن نسخه به پدرش

و سپس وقف کردن نسخه توسّط او نوشته است.

روی برگ اوّل مجلّد اوّل نیز مراتب هبه و وقف «که بر کافه طلاب علوم دینیّه اصفهان وقف نموده» به تفصیل قید گردیده و مهر کاتب «عبده الراجی محمد علی بن محمد حسین الشریف» و مهر پدرش «عبده الراجی محمد حسین الشریف» است و تاریخ وقفیّه؛ اواسط صفر ۱۲۶۲ می باشد.

کاتبْ متنِ لمعه را همه جا به سرخی نوشته و خطّ متن لمعه و شرح آن نَسخ و خطّ حواشی شکسته و نستعلیق و همه بسیار ممتاز و اعلی است و تمام صفحات جدول کشی شده است.

«۴۲۱» ضمیمه صیغ العقود و الایقاعات

(فقه ـ فارسی)

از: «قدوه المدقّقین و زبده المتأخرین و أعلم المتبحّرین و أفقه المجتهدین علّامه العلماءِ خیر الحاجّ و المعتمرین الحاجّ محمّد جعفر بن مرحمت و غفران پناه حاجی محمد صفی آباده، من محالّ فارس»: مقدمه نسخه.

نسخه: به خطّ همان کاتب «شرح لمعه» می باشد.

«۴۲۲» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل کتاب «شرح اللّمعه» است. کاتب: محمّد مؤمن بن حاجی محمّد شفیع. تاریخ پایان استنساخ: روز شنبه ۱۵ ربیع الاول ۱۱۲۱. بخصوص نیمه اوّل نسخه دارای حواشی گوناگون و فراوانی است.

«۴۲۳» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل تا کتاب مُساقات. یکی دو برگ از آغاز افتاده است. کاتب: نامعلوم. تاریخ پایان استنساخ: یکشنبه دهم صفر ۱۲۰۶. در پایین صفحه آخر آمده است که: «حسب خواهش عالیجناب... علاّمی فهّامی ملاّ محمّد حسین... خلف مرحوم حاجی ملاّ عبدالعظیم قلمی گردید».

در همه صفحات حواشی گوناگونی نوشته شده است.

«۴۲۴» روضه الزهراء

(سیره ــ فارسی)

از: نامعلوم. از برخی سخنان مؤلّف ــ به خصوص در جلد دیگر ــ برمی آید که او از ردیف منشیان بوده است نه از طبقه علماء و محدِّثان بزرگ.

از علاّمه مجلسی (متوفی ۱۱۱۰) به این گونه نقل می کند: «در «بحارالأنوار» بَحرِ زاخر، جهانِ مَفاخر، ملاّ محمّد باقر مجلسی، طاب ثراه»، و در جلد دیگر، تاریخ تألیف؛ ۱۱۱۴ یاد شده، و نام کتاب را در ظهر نسخه نوشته اند. در متن چون ناقص است دیده نشد.

کتاب: تا آنجا که از نسخه بی اوّل و آخر جای گفتگو دانسته می شود، تألیفی است در بیان سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت اطهار علیهم السلام و این که این جلد مشتمل بر سه باب بوده است:

باب نخست: ــ ظاهرًا ــ در احوال آباء و اجداد حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله ، امّا این نسخه با یک سرلوحه تزیینی بسم اللّه، به این جمله آغاز می شود:

«پس چون اسمعیل را ایّام زندگانی به نهایت انجامید پسر خود قیدار را که حامل نور

محمّدی بود وصیّ نمود و سفارش کرد که تو نیز چنان کن که من کردم».

به طور خلاصه، این بخش تا برسد به باب دوّم، مشتمل است بر انتقال نور محمّدی صلی الله علیه و آله تا هنگام تولّد آن حضرت، و سپس احوال حضرت خدیجه و حکایت تجدید بنای کعبه و بعثت نبوی و اسلام حضرت حمزه و حکایت هجرت به شعب ابوطالب و ذکر اولاد آن حضرت و ولادت حضرت زهرا علیها و علیهم السلام.

باب دویم: در تزویج زهره زهراء به علیّ مرتضی، و این باب مشتمل بر سه فصل است. فصل دویم: ولادت حضرت مجتبی. فصل سیم: ولادت حضرت سیّد الشهداء علیهم السلام .

باب سیّم: در وفات اشرف کائنات صلی الله علیه و آله .

نسخه: از آخر ناقص است و به این عبارت رسیده است که: «پس همه را در این مصیبت، گریه امری لازم و اندوه حکمی متحتّم باشد، بلکه جنّ و ملك و زمین و فلك و ثابت و سیّار و جبال و احجار و نبات و اشجار».

خطّ نستعلیق خوش، جدول کشیده، و به علّت نقص نسخه نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد، امّا مسلّم است که در زمان مؤلّف نوشته شده است.

«۴۲۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دیگری است از «روضه الزهراء» و گویا به خطّ مؤلّف.

از باب دوازدهم در احوال امام چهارم است تا باب... در احوال امام نهم علیهم السلام ، و این باب ــ علی القاعده ــ باید باب هفدهم باشد، جز این که مؤلّف در شماره ابواب پیشین دچار اشتباه شده و برای این باب شماره ای تعیین نکرده است.

آغاز: «بسم... باب دوازدهم از بیست باب روضه الزهراء، فی مناقب بتول [کذا

[العذراء. در ذکر حضرت سیّد الساجدین...».

انجام: «فصل سیم. در اولاد امجاد آن حضرت. فرزندان آن حضرت چهار بوده اند: امام علیّ النقیّ و موسی مُبرقَع و حکیمه و خدیجه. امّا موسی در قم وفات یافته و قبرش در آنجاست(۱) و عقب از او دو پسر است: محمد و احمد، و اولاد ایشان را رضوی گویند و بیشتر ایشان در قم می باشند، و در عهد سلطنت سلطان حسین میرزاءِ تیموری جمعی از ایشان به مشهد مقدّس رضوی ــ علی ساکنها الف صلوه و سلام ــ نقل نموده در آنجا سُکنی کرده اند و سادات رضوی مشهد مقدّس از نسل ایشان است. و از ایشان است میرزا ابوطالب و میرزا ابوصالح، که اوّلین به ازدواج صبیّه نوّاب خاقان رضوان مکان نوّاب علیّه شاهزاده بیگم سرافراز و صدارت خاصّه طوبی آشیان به او مفوّض بوده. و ثانی را که او نیز به ازدواج صبیّه نوّاب خاقان رضوان مکان و به صدارت عامّه سرافراز بوده است.

«تمّ من [کذا] تألیف هذه الرساله «ظ» فی شهر رجب المرجّب من شهور سنه اربع عشر [کذا] و مائه بعد ألف...»

و نیز در آخر باب احوال حضرت امام صادق علیه السلام گوید:

«تمّت هذه الرساله... علی ید مؤلّفه فی شهر شوّال... سنه ۱۱۱۴...».

«۴۲۶» روضه الشّهداء

(مقتل ــ فارسی)

از: ملّا حسین بن علی واعظ کاشفی سبزواری، صاحب «بدایع الأفکار. ش ۹۰. فضل الصلوات».

۱- ۱) این شهرت بسیار کهن و رائج نادرست است. جناب موسی فرزند امام نهم علیه السلام هرگز به ایران نیامده و آن که به قم آمد و قبرش در آنجا است فرزندش محمّد بن موسی است و چون محمّد پیوسته برقعی «نقابی» بر رخ داشت مردم قم او را مبرقِع می گفتند، و نسل و نژاد هم از برادرش احمد بن موسی است نه از محمّد مبرقِع، کما حقّقناه فی موضعه.

کتاب: در احوال و مناقب و کیفیّت شهادت و مَقتل بعضی از انبیاء و حضرت رسالت و خاندان رسالت علیهم السلام است در ده باب و یک خاتمه، و از کتب بسیار مشهور مصیبت خوانی و به طبع رسیده. تاریخ تألیف: روز چهارشنبه پنجم ربیع الآخر ۹۷۰.

نسخه: به خطوط مختلف است و مقدار زیادی از اوّل و آخر به خطّ نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی چهارسوقی است و تا پایان باب دهم نوشته و خاتمه آن را که در باب احوال امام زادگان و انساب ایشان باشد، ننوشته اند. تاریخ استنساخ: ماه رجب ۱۲۸۵.

«۴۲۷» نسخه دیگر

نسخه: از آثار سده دهم ـ یازدهم است و چون فاقد اوراقی از آغاز و انجام بوده، همان نیای گرامی، آقای حاج میر سیّد محمّد موسوی ـ اعلی اللّه مقامه ـ مقدار ناقص را به خطّ خود افزوده اند و فعلاً ـ این نسخه تمام است و دارای خاتمه. نام کاتب اصل و متمّم و تاریخ در نسخه نیست.

«۴۲۸» روضه الصّفاء فی سیره الأنبیاءِ و الملوک و الخلفاء

(تاریخ ـ فارسی)

از: محمّد بن خاوند شاه بن محمود، معروف به میر خواند (متوفّی ۹۰۳).

نسخه: مجلّد اوّل کتاب است که به نام امیر علی شیر نوایی خاتمه یافته. کاتب: حسن بن داود.... تاریخ استنساخ: چهارم ربیع یکم ۱۰۶۱.

«۴۲۹» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد آخر و خاتمه کتاب است، مطابق با جلد هفتم چاپ حروفی تهران. قطع

ص : ۴۲۱

بزرگ و خطّ نسخ جلیّ عالی و بسیار مغلوط است. نام کاتب ندارد. تنها در پایان اصل تاریخ و پیش از شروع در خاتمه، تاریخ استنساخ: ذی الحجّه یکهزار و یک قید شده است.

تمام صفحات به طلای اشرفی جدول کشی شده و دو صفحه آغازین دارای جدول و گل و بوته در حاشیه و طلاکاری در میان سطرها می باشد.

روضه الکافی: الکافی

«۴۳۰» روضه المتّقین فی شرح أخبار الأئمّه المعصومین

(حدیث _ عربی)

از: مولانا محمّد تقی مجلسی _ علیه الرحمه _ صاحب «حدیقه المتّقین. ش ۳۴۷».

کتاب: شرح مزجی کتاب «من لا یحضره الفقیهِ» مرحوم شیخ صدوق است و موشّح به نام شاه عبّاس ثانی صفوی و در چهارده مجلّد چاپ شده است.

نسخه: از آغاز تا باب فضل مساجد است و آخر ندارد.

مُهرِ «ابوطالب بن میرزا بیک الموسوی» و «محمد معصوم الحسینی ۱۱۱۸»، ظهر نسخه هست.

«۴۳۱» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل است و نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد.

سرآغاز دارای سرلوحه ممتاز و همه صفحات جدول کشیده و مذهَّب است. ظهر نسخه نوشته اند:

«هو. پیشکش افادت و افاضت پناهی علاّمی مولانا محمّد تقی مجلسی. به تاریخ

شهر رمضان المبارك سنه ۱۰۶۴».

ویژگی ها همانند دو مجلّد دیگر «ش ۴۳۲ و ۴۳۳» است.

«۴۳۲» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم و از «ابواب الزکوه» است تا آخر شرحِ «باب الفروض علی الجوارح» که پایان جزءِ دوّم «کتاب من لا یحضره الفقیه» است.

انجام تألیف: «سنه ۱۰۶۲».

کاتب: محمّد مؤمن جرفادقانی. تاریخ پایان استنساخ: چهارشنبه نهم ماه شعبان ۱۰۶۴.

سرآغازِ صفحه اوّل، دارای سرلوح ممتاز و همه صفحات مجدول مذهّب است، همانند مجلّد اوّل «ش ۴۳۱»، و در این دو نسخه هیچ گونه خطّی از مصنّف یا دیگری به نظر نرسید، و بالطبع حواشی شخص مؤلّف را نیز که گویا پس از استنساخ این نسخه ها نگاشته است ندارد.

«۴۳۳» نسخه دیگر

نسخه: شامل «أبواب القضایا و الأحکام» است. تاریخ تألیف و کتابت و نام کاتب ندارد و شاید به خطّ کاتبِ دو مجلّد دیگر (ش ۴۳۱ و ۴۳۲) باشد که به دستور شخص مؤلّف جهت پیشکش نوشته شده است.

مع الأسف، هیچ اثر تصحیح و مقابله و تحشیه ندارد، و اوصاف تزیینی به شرح همان دو نسخه است.

روی برگ اوّل نوشته اند: «پیشکش افادت و افاضت پناهی علاّمی مولانا محمد تقی مجلسی، به تاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۶۴».

«۴۳۴» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم و از «أبواب الزکوه» است تا بخشی از «باب الحقوق» که پس از آن «باب الفروض علی الجوارح» است.

مع الأسف یک جزوه از آخر نقص دارد و شماری از اوراق اوّل نسخه از قسمت پایین آسیب دیده و در این اواخر تعمیر شده است. این نسخه در دست شخص مؤلّف بوده و در همه جا حواشی به خطّ مبارک خود بر آن نوشته است.

نام کاتب و تاریخ کتابت به علّت نقص آخر معلوم نشد.

«فایده ارزشمندی از خطّ شخص مؤلّف»

در اوائل در باب ما یجوز الإحرام فیه و ما لا یجوز» ذیل روایت «و روی عن حَنان بن سَدیر» که شارح گوید: «و فی بعض النسخ بالقافین منسوب الی قرقوب»، شخص شارح به خطّ خود در هامش این چنین نوشته اند:

«قرقوب: بلده من عمل کسکر، کوره قصبتها واسط، بناه الحجّاج فی العراق، کان خراجها اثنی عشر ألف ألف مثقال، کاصبهان: «ق»، و الظاهر اطلاق المثقال علی الدینار و حسابه بقیمه الحال: ألف ألف تومان و ستّمائه ألف تومان. و الظاهر أنّه کان مع الجزیه، فانّهم کانوا مجوسیًّا و صار بحمد اللّه تبارک و تعالی أفضل بلاد الدنیا من حیث المذهب، فانّه لا یوجد فی اصفهان و نواحیه غیر الاثنا ـ کذا ـ عشریّ، سوی جُلفا و گبراباد، فانّهم خارجیّان. منه».

ص : ۴۲۴

«۴۳۵» ریاض السّالکین فی شرح صحیفه سیّد العابدین

(عربی)

از: سیّد صدرالـدین علیّ بن میرزا احمـد بن محمّـد معصوم حسینی مدنی، معروف به سیّد علیخان شیرازی ــ علیه الرحمه ــ (متوفی ۱۱۲۰): «کواکب منتشره: ۵۲۱».

کتـاب: شـرح پنجاه و چهار دعاءِ صـحیفه کامله سـجادیّه است در ۵۴ روضه و شـرح مقـدّمه. آغاز تألیف: ۱۰۹۴. پایان تألیف: ۱۱۰۶.

هر روضه، خطبه جداگانه و خاتمه و تاریخ دقیق تألیف دارد، و کتاب مکرّر چاپ شده است.

نسخه: نیمه نخست کتاب است، شامل بیست و هفت روضه، به خطّ سه چهار نفر.

نخستین روضه و بخشـی از دوّم کـاتب آن معلوم نیست. کاتبِ صـفحات بیشتر، محمّـد صالـح بن ابوالقاسم تبریزی است که از کتابت روضه دوازدهم در بیست و نهم ربیع دوّم ۱۱۲۹ فراغت یافته.

از روضه سوّم به بعـد را که ابتـدا نسـخه مسـتقلّی بوده، مرحوم آیه اللّه العظمی آقـای حاج میرزا سـیّد زین العابـدین موسوی به فرزند بزرگوارشان آیه اللّه آقای حاج میر سـیّد محمّد چهارسوقی ــ نیای اعلی ــ بخشیده و مُهر کرده اند: «عبده زین العابدین الموسوی ۱۲۲۳».

در ظهر برگ نخست، علاّمه مرحوم حـاج ملاّ محمّـد جعفر گیلانی رشتی اصـفهانی صاحب «شـرح المشاعر. ش ۵۳۲» نوشته است که نسـخه را از آقا سـیّد شـفیع شـشتری به وساطت حاجی سـیّد علی داماد جناب حاجی سیّد زین العابدین خریده است و مهر کرده: «عبده جعفر بن محمّد صادق». سپس تملّک نواده آن مرحوم، عالم جلیل حاج میرزا

ص : ۴۲۵

عبدالرزّاق رشتی و مُهر او «عبده عبدالرزّاق بن محمّد کاظم» است و پس از آن، تملّك و مُهر فرزندش؛ مرحوم حاج میرزا قوام الدین رشتی دیده می شود. به گوشه هایی از سرگذشت این خاندان در «شرح المشاعر. ش ۵۳۲» اشاره خواهیم کرد رحمه اللّه تعالی علیهم اجمعین.

«۴۳۶» ریاض العابدین فی شرح صحیفه مولانا و مولی المؤمنین علیّ بن الحسین زین العابدین

(فارسی)

از: بدیع الزمان قهبائی، معروف به ملّا بدیع هرندی، که آن را به نام شاه صفی صفوی نوشته است.

شاه صفیّ سام میرزا، فرزند محمّد باقر میرزا، فرزند شاه عبّاس اوّل است. او پس از درگذشت شاه عباس در ۱۰۳۸ به سلطنت رسید و در ۱۰۵۲ وفات یافت.

از گزارش احوال بدیع الزمان آگاهی در دست نیست. شاید در بخش مفقود «ریاض العلماء» مذکور بوده است. او از شیخ بهاءالدین عاملی (متوفی ۱۰۳۰) اجازه روایت داشته و پس از شیخ و میر محمد باقر داماد (متوفی ۱۰۴۰) تا زمان مولانا محمدتقی مجلسی (متوفی ۱۰۷۰) می زیسته است رحمه اللّه علیهم اجمعین.

کتاب: دارای نسخه های فراوان است که در «ذریعه ۱۱: ش ۱۹۷۵» و «نسخه های خطّی شروح و ترجمه های صحیفه سجّادیّه: ش ۲۷» معرّفی، و به سال ۱۳۷۴ ش، در تهران چاپ شده است.

نسخه: به خطّ درویش علی بن یوسف طالقانی. تاریخ استنساخ: عشر دوم ماه شعبان ۱۰۷۵. اثر تصحیح و مقابله و تحشیه ندارد. روی برگ اوّل، وقفنامه حاجی دولت، به

تولیت «میر محمّد باقر ولد مرحوم میر علیرضای مشهور به پیشنماز» به تاریخ ماه رمضان ۱۰۷۵ و مهر او «پیرو دین محمّد دولت» نوشته شده است.

«۴۳۷» ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل

(فقه ــ عربی)

از: مرحوم آقا میر سیّد علیّ بن محمّد علیّ طباطبائیّ کربلائی (متوفی ۱۲۳۱) علیه الرحمه.

کتاب: شرح کتاب «المختصر النافع من کتاب الشرائع» محقق حلّی قدس سره ، و معروف است به «شرح کبیر» و مکرّر چاپ شده است.

نسخه: تنها «کتاب الصّلوه» است و امتیازی در آن به نظر نرسید، اگر چه در پایان «بلغ قبالاً» دارد.

کاتب: صفر علیّ بن اسمعیل نجف آبادی اصفهانی است که نسخه را «حسب الأمر الأرفع الأقدس الأشرف الأعلی الأورع أعلم العلماءِ و افضل الفضلاءِ و أفقه الفقهاءِ قُدوه المدّققین و فخر المحقّقین السلاله السّادات النّجبائیّ العظام الثمره الشجره النبویه «ص» کهف الحاجّ و المعتمرین حاجی الحرمین الشریفین حاجی میر محمد علی المدرّس فی دار السلطنه اصفهان أدام اللّه...» استنساخ کرده و در روز چهارشنبه پنجم جمادی الاولی ۱۲۵۵ از کتابت آن فراغت یافته است.

یک نسخه از کتاب الطلاق تا آخر شرح کبیر نیز به خطّ همین کاتب معرّفی می شود.

«۴۳۸» نسخه دیگر

نسخه: شامل کتاب الزکوه و الخمس و الصّوم و الاعتکاف، به خطّ «یقین علی

ص : ۴۲۷

اشتهاردی» است، و پس از آن کتاب الحجّ و العمره است به خطّ کاتب دیگری که تاریخ پایان استنساخ در آخر آن سنه ۱۲۶۲ قید شده است.

«۴۳۹» نسخه دیگر

نسخه: تمام کتاب طلاق و خلع و مُبارات است و پس از آن تمام کتاب دیات، و از اوّل تا آخر به دقّت مقابله و تصحیح شده است. کاتب تمام نسخه: صفر علی بن مرحوم اسماعیل نجف آبادی اصفهانی که نسخه کتاب صلوه ریاض به خطّ او را نیز شناساندیم. تاریخ استنساخ مُبارات: پنجشنبه ۲۲ ذیالحجّه ۱۲۵۵ و تاریخ استنساخ دیات: سه شنبه بیستم ماه شعبان ۱۲۵۵، و مانند نسخه صلوه، هم در آخر مبارات و هم در آخر دیات، کاتب تصریح کرده است که نسخه را حسب الامر... اعلم العلماء... حاجی میر محمد علی مدرس، در اصفهان نوشته است.

کتابت کتاب طلاق و خلع و مبارات را کاتب «۱۱۲۴۴ بیت» تخمینًا و کتابت دیات را تخمینًا «۱۲۹۱۴ بیت» تعیین کرده است.

«۴۴۰» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب تجارت است تا آخر کتاب وصایا.

کاتب: محمد علی بن مرحوم هاجی عظیم معمائی یا معمار یزدی. تاریخ استنساخ روز ۴ شنبه ۲۹ ذی الحجه ۱۲۲۶.

ظاهرًا مقابله و تصحیح نشده و امتیازی ندارد. ظهر نسخه نوشته اند: «عدد اوراق ۲۶۸ ورق». نام کتاب در نسخه نیست و پس از دقّت در عبارات و مراجعه به ریاض، شناخته شد.

«۴۴۱» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب تجارت است تا آخر کتاب وصایا.

نام کاتب و تاریخ کتابت نـدارد. ظاهرًا حدود سال ۱۲۳۰ نوشـته شده و تصـحیح و مقابله نگردیده و بسـیار مغلوط است. نام و نشانی از کتاب و مؤلّف در نسخه نیست و پس از دقّت بسیار در عبارات و مراجعه به ریاض شناخته شد.

«۴۴۲» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب القرض است تا پایان کتاب وصیّت.

کاتب: محمّد کدکنی خراسانی. تاریخ استنساخ: محرّم ۱۲۷۷. اثر تصحیح و مقابله و تحشیه ندارد.

«۴۴۳» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب الاجاره است تا پایان لِعان.

آغاز: «کتاب الاجاره و هی لغهً الأجره و هی کری الأجیر».

انجام: «لاستقراره بالموت فلا یرفعه اللّعان المتجدّد...».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. به قرائن در اواسط قرن سیزدهم در اصفهان استنساخ شده و هیچ اثر تصحیح و امتیازی ندارد.

«۴۴۴» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب الاجاره است تا پایان کتاب که «احیاءِ موات» باشد. تاریخ

استنساخ: روز پنجشنبه ۱۳ صفر ۱۲۴۰. نام کاتب و آثار مقابله و تصحیح ندارد. روی برگ اوّل نسخه نوشته است: «جلد ثانی شرح کبیر».

ظهر نسخه این مطلب تاریخی نوشته شده است:

«به تاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۴۶ نوّاب اشرف والا عبّاس میرزا از دارالسّلطنه تبریز حرکت نمود به دارالخلافه طهران خدمت بندگان اقدس والا فتحعلی شاه قاجار، و بندگان اقدس نظر باستعداد و جمعیّت او مضطرب شد و سرکار امین الدوله را امر نمود که او را بنحوی از انحاء از دارالخلافه اخراج نماید، سرکار امین الدوله چاره را منحصر دیده و او را مختارالدوله نمودند و مبالغ کلّی تحوّلا ـ به ولایات حواله کردند، و از دارالخلافه بیرون آمد و عزیمت یزد نمود و لطفعلی میرزا که به محاصره یزد مدّتی قیام نموده بود از خوف، عزیمت به کرمان نمود و عباس میرزا وارد یزد شد و عبدالرضا خان که با حسنعلی میرزا معارض شده بود بخصوص شهر یزد تمکینی از نایب السلطنه نمود و بعد از چند یوم عزیمت کرمان نمود تا خدا چه مقدّر نموده باشد».

«۴۴۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوّم از یک دوره و شامل کتاب های لقطه، مواریث، قضاء، شهادات، حدود، قصاص و دیات که پایان کتاب است.

نام کاتب و اثر تصحیح و مقابله و تحشیه ندارد، و در ۱۲۴۴ نوشته شده است.

«۴۴۶» ریاض المؤمنین

(دعاء ــ فارسی)

از: محمّد بن محمّد، مدعوّ به شاه محمّد.

علاّمه أوحد مولانا شاه محمّد اصطهباناتی اصلًا و مولدًا، شیرازی موطنًا و منزلاً: از

سخنان شاگردش محمّد مؤمن جزائری شیرازی در کتاب «طیف الخیال. ش ۵۸۴» با القاب و اوصاف بسیار. محمّد مؤمن متولّد ۱۰۷۴ در شیراز، وفاتش معلوم نیست.

شاه محمّد در یکصد و سی سالگی در حدود ۱۱۳۰ در شیراز وفات یافته است.

مآخذ: «هامش صفحه ۵۲۰ خاتمه مستدرک الوسائل، چاپ سنگی. ج ۲۱ مستدرک چاپ قم: ۲۳۷»، «أعیان الشیعه ۴۵: ۳۲۵»، «ذریعه ۱۱ ش ۱۹۷۸» و «کواکب منتثره: ۳۳۰ و ۷۴۸».

کتاب: ترجمه و شرح فارسی «صحیفه کامله سجّادیّه شریفه» است، مشتمل بر پنجاه و پنج روضه.

شاه محمّد، نخست به سال ۱۰۸۳ در داکای بنگال، شرح مزجی مبسوطی بر آن صحیفه مبارکه نگاشت و در سال ۱۱۱۴ که در اصفهان بود، نسختی از آن را به شاه سلطان حسین صفوی اهداء کرد. شرح عربی به نام «ریاض العارفین فی شرح صحیفه سیّد السّاجدین، علیه السلام» در ۱۳۷۹ ش، در تهران چاپ شد: «نسخه های خطّی شروح و ترجمه های صحیفه سجّادیه: ش ۲۸».

نسخه های خطّی شرح عربی بسیار است، امّا از شرح فارسی جای گفتگو، نسخه دیگری در دست نیست.

شارح در مقدّمه گوید که چون در نُسخ صحیفه خلاف اصل بسیاری راه یافته بود و خود نسخه ای داشته که آن:

«موافق اُمّ النسخ بود که عبارت از نسخه شیخ بهاء الملّه و الدین العاملی باشد که والد ماجِدِ او شیخ حسین بن عبدالصّمد، اوّلاً ببلاد عجم آورده بود، در زمان سابق جهت ضبط نسخه و توضیح معضلات، شرحی به عربی در سلک تحریر درآورده، تا در این

ایّام خجسته انجام سنه هزار و صد و چهارده هجری، از پیشگاه.... شاه سلطان حسین.... صفوی.... حُکم قضا بنیان.... نسبت به این حقیر.... شرف نفاذ یافت به این که شرح این صحیفه کامله مبارکه _ که به عربی تحریر یافته _ به فارسی تقریر یابد....».

نسخه: به خطّ یار محمّد از خوشنویسان _ ترجمه نویسان _ زمان.

تاریخ پایان استنساخ: «در عید اضحی سنه ۱۱۱۴ هجری در دارالسلطنه اصفهان سمت تحریر یافت».

شاید این تاریخ مربوط به انجام تألیف باشد، امّا کاتب پس از یاد نام خود، باز تاریخ ۱۱۱۴ را قید کرده است.

تمام برگ ها به طلا و الوان جدول کشی شده و صفحه نخستین دارای سرلوح طلا و دو صفحه آغازین با حاشیه گل و بوته طلا و الوان و نیز تشعیر است. قطع بزرگ. کاغذ سمرقندی، جلد بلغار...

* * *

در این جا بی مناسبت نیست به این نکته بسیار مهمّ توجّه دهیم که همه آثار و علائم به جای مانده از دوران دویست و چند ساله دودمان صفوی، گویای اهتمام تامّ و کوشش فراوان آنان است در ترویج زبان فارسی _ در قبال ترکی _ و تحکیم مبانی این زبان، به انواع وسائل گوناگون، که اهمّ از همه، تشویق و تأیید علماء و فضلاء به تألیف و تصنیف کتب و رسائل و ترجمه آثار مهمّ عربی _ خرد و کلان _ به زبان شیرین فارسی، همان گونه که در حمایت و نصرت مذهب پاک تشیّع و یاری شیعیان، تا پای جان ساعی و کوشا بودند و از تأیید و تشویق و اعانت عالمان کوتاهی و تعلّل نکردند. تو خود حدیث مفصّل بخوان از این مجمل.

ص : ۴۳۲

«۴۴۷» زاد الزائرین و جامع الزیارات

(زیارات ـ فارسی)

از: محمّـد حسن بن محمّد عسکری حسنی سمنانی، معروف به حاج میرزا عسکری ـ رحمه اللّه علیه ـ صاحب کتاب عظیم الشأن «منهاج العارفین» مطبوع مشهور. تولّد و وفات نامعلوم است: «کرام برره: ش ۶۶۹».

کتاب: در آداب زیارت و عموم زیارت های مأثوره مشاهد مشرّفه است، در یک مقدّمه و شش مقصد و خاتمه. تاریخ تألیف: ماه محرّم ۱۲۴۶، در کربلای معلّی. کتابِ جامع معتبری است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. روی برگ آخر، گواهی مقابله با تاریخ ۱۲۵۱ نوشته شده است. مهر مرحوم آقای حاج سیّد جعفر بیدآبادی «عبده الراجی محمّد جعفر بن محمّد باقر الموسوی» ظهر نسخه هست.

«۴۴۸» زاد المعاد

(ادعیه ـ فارسی)

از: علاّمه مجلسی مولانا محمّد باقر بن محمّد تقی (متوفی ۱۱۱۰) علیهما الرحمه.

کتاب: در بیان اعمال عبادی سالیانه است «عمل السّنه»، دارای پانزده هزار بیت کتابت، مصدّر به نام شاه سلطان حسین صفوی. تاریخ پایان تألیف: ماه رمضان ۱۱۰۷. کتاب شریف ده ها بار چاپ شده و مایه خیر و برکت بیوت اهل ایمان است.

نسخه: تزیینی و صفحه اوّل دارای سرلوح و حاشیه طلاکاری و همه صفحات جدول کشی شده. خطّ نسخ ممتاز. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و حدود زمان تألیف نوشته شده است. حاشیه و آثار مقابله ندارد.

ص : ۴۳۳

«۴۴۹» زبده البیان فی براهین أحکام القرآن

(فقه القرآن ــ عربی)

از: محقّق اردبیلی، مولانا احمد بن محمّد (متوفی ۹۹۳) علیه الرحمه.

کتاب: در تفسیر فقاهتی آیات شریفه مشتمل بر احکام است. از طهارت تا دیات به ترتیب کتب فقه و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد صالح بن خان احمد نهایی اهری که به سال ۱۰۷۹ در اصفهان از روی نسخه «مورّخه دهم صفر ۹۸۹، به خطّ حَیدر بن شاه محمّد طبسی نجفی در نجف، مصحّحه مورّخه چهارشنبه ۲۳ ذی الحجه ۹۹۲»، استنساخ کرده است.

از کتب خانوادگی.

«۴۵۰» نسخه دیگر

نسخه: به علّت فقدان اواخر آن، کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. آنچه مسلّم است درزمان حیات مؤلّف نوشته شده و ظاهرًا اصلاحات و اضافات مرقوم در حواشی به خطّ مبارک شخص مؤلّف است. حواشیِ «منه مدّ ظلّه العالی» و حواشی دیگر با توقیع «ف» و حواشی دیگر از «قاموس»، «صحاح»، «مقدّمه»، «شرح نصاب» و غیرها ــ همگی به خطّ کاتب متن ــ دارد. چهار برگ آخر نونویس و تاریخ آن ۵ ذیالحجّه ۱۲۴۸ می باشد.

روی برگ اوّل مهری است به توقیع «المؤمن حیّ فی الدارین» که ظاهرًا متعلّق به پدر محقّق سبزواری است و ذیل آن این عبارت: «قد انتقل بعد ارتحاله رحمه اللّه الی أقلّ تلامذته و احقر داعیه بالغفران محمّد بن علی الشهیر بابن خاتون فی سنه ۱۰۳۶» و سپس مهر او که خوانده نمی شود، و نیز تملّک محقّق سبزواری (متوفی ۱۰۹۰): «مالکه الفقیر محمّدباقر السبزواری» و مهر ناخوانای او.

ص : ۴۳۴

«۴۵۱» زُبده البیان فی رُسوم مصاحف عثمان

(علوم قرآنی ــ عربی)

از: ناشناخته.

کتاب: این کتاب نفیس پیرامون آگاهی هایی درباره «قرآن کریم» نوشته شده، و در آن از وجوه إعجاز قرآن و سبب جمع آن در خلافت ابوبکر، و هم در خلافت عثمان، و چگونگی کتابت و تعداد مصاحف در آن زمان، و ترتیب سوره های قرآن و محلّ نزول آنها که کدام در مکّه و کدام در مدینه بوده و اختلاف روایت ها درین باره، و تعریف خطّ و تقسیمات آن، و رسم الخطّ قرآن، و شرح قرائت های هفتگانه، و اعراب کلمات و مطالب صرفی مربوط به آیات شریفه، و مطالب گوناگون دیگر گفتگو می کند.

مع الأسف نویسنده این کتاب شناخته نشده، و چنین اثری بدین نام در «کشف الظنون» و «إیضاح المکنون» و «معجم المطبوعات» و فهارس کتابخانه هایی که در دسترس است یاد نشده، امّا آشکارست که مؤلّف، دانشمندی سنّی مذهب بوده، و از اینکه نام شیخ محمّد بن الجزری (متوفّی ۸۳۳) را در کتاب آورده معلوم می شود پس از او می زیسته است.

آغاز: « «کتاب زبده البیان فی رسوم مصاحف عثمان» بسم... الحمد للّه الّذی شرّفنا بالإیمان و عزّزنا بالإسلام و إحسان (کذا)، و خصّصنا بخیر کتاب هو حجّه الحقّ و نور الهدی و الفرقان، و بأفضل رسول سیّد الخلق محمّد الهادی بأوضح البرهان صلّی اللّه علیه و آله و صحبه و سلّم کلّ حین و أوان.

اما بعد فلایخفی علی ذوی البصائر و الإیقان أنّ معرفه رسوم المصاحف حقیق بأن

یعتنی بها الإنسان، إذ هی علم شریف یعرف به نمق حروف نسخه إلهیّه... ثمّ إنّ الأئمّه صنّفوا کتباً جمّه فی هذا الشّأن و أعقلها «العقلیّه»(۱) للإمام أبی القاسم الشّاطبیّ الحاویه لما فی «المقنع» للشّیخ الکبیر أبی عمرو الدّانی. لکنّ الأوّل لنظمه صعب الإفاده، و الثّانی أطنب بکثره الأسانید و...

ولمّـا قصر الهمم العالیات أو لایفیالوقت لیحیط العلم بجمیع الغایات... اقتصرتُ فی هذا الکتاب علی أصول المسائل و معظم التّعلیلات، بحیث لم أترک شیئًا من رسوم المصاحف السّتّه العثمانیه الّلاتی(۲) ذکرها الّتی أرسلت إلی البلدان، مختصرًا علی نحو عشر ألفاظ مأخذه بأوفی التّبیان، کاشفاً عن خبایاها، موضحًا خفایاها بقدر الإمکان.

و سمّیته «زبده البیان فی رسوم مصاحف عثمان» و رتّبته علی عشره أبواب، أحدها فی فرش الحروف و التّسعه فی الأصول.

الباب الاول منها فی حذف الألف و إثباتها و زیادتها. ب ۲ فی حذف الیاء و إثباتها و زیادتها. ب ۳ فی حذف الواو و إثباتها و زیادتها. ب ۴ فی قیاس الهمزه. ب ۵ فی الهمزه علی خلاف هذا القیاس. ب ۶ فی الألفات المنقلبه عن الواو. ب ۷ فی الألفات المنقلبه عن الیاء. ب ۸ فی المقطوعات و الموصولات. ب ۹ فی هاءِ السّکت. و قدّمت علی هذه العشر عشرًا اخر، خمس مقدّمات و خمس فوائد، فنبیّن فی المقدّمات: وجوه إعجاز القرآن، و سبب جمعه فی عهدی أبیبکر و (ظاهراً) عثمن رضی اللّه عنهما (ظاهراً)، و کمّیّه مصاحفه، و کیفیّه کتابتها، و ترتیب سور القرآن، و نسبتها إلی مکان نزولها، و تعریف الخطّ و تقسیمه. و نفصّل فی الفوائد حکمه مصلحه الرّسم و لزوم متابعته.

و ستّ تنبیهات فی معنی قوله صلی الله علیه و آله : «أنزل القرآن علی سبعه أحرف» یوضح بها سبب

۱- ۱) صواب «العقیله» است.

۲- ۲) صواب الأتی است.

نزوله علی أوجه مختلفه، و أنّها سبعه و ما المقصود بهذه السبعه؟ و هل هی متفرّقه فی القرآن أم لا؟ و إلی أیّ أمر (ظاهراً) یتوجّه اختلافها، و أنّ معانیها ترجع إلی شیئین، و أنّ المصاحف العثمانیه هل هی مشتمله علی مجموعها أو علی حرف واحد منها؟ و أنّ القراآت الموجوده الیوم هل هی جمیعها أو بعضها؟ و ما المقبول و المردود من القراآت؟ و هل یجوز خلط القراآت بعضها ببعض أم لا؟».

انجام: «... و قد سبق حذف ألف الکلمت فی القاعده الثامنه و فی الفرش، و سبق رسم منوّه بالواو فی الباب السّادس، و اللّه اعلم. تمّت رساله «زبده البیان فی رسوم مصاحف عثمان»، کتبه محمّد أمین ولد علی أکبر اصفهانی إثنا عشری، فی یوم السّبت من عشر أول ربیع الأوّل سنه ۱۰۸۸ فی مسجد شیخ لطف اللّه، نور اللّه مرقده».

نسخه: دارای ۵۱ برگ و ۱ برگ عطف در آخر که روی برگ اوّل و پشت برگ آخر، مطالب گوناگون نوشته شده، و در روی برگ ۱، حدیثی نوشته شده و سپس چنین تاریخ کرده: «بتاریخ روز جمعه هشتم شهر جمادی الثّانیه من شهور سنه ۱۱۲۸». کاغذ دولت آبادی، خطّ نسخ ۱۹ سطری، عناوین به سرخی، قطع ۱۳ × ۱۹، جلد میشن زرد یک لا، داخل میشن سرخ. نسخه تصحیح نشده و مغلوط است.

«۴۵۲» زَهْر الربیع

(متفرّقات ــ عربی)

از: سیّد نعمت اللّه بن عبداللّه حسینی موسوی جزائری علیه الرحمه. صاحب «حاشیه الفوائد الضیائیّه. ش ۳۱۶».

کتاب: مجموعه ای است از مطالب گوناگون تاریخی و ادبی و مذهبی و قصص و امثال و اشعار و هزلیّات در دو مجلّد و به طبع رسیده. تاریخ تألیف مجلّد اوّل: روز دوشنبه ششم ربیع یکم ۱۱۰۹ در اصفهان.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ استنساخ مجلّد اوّل: چهارم ماه رمضان ۱۲۲۹ و تاریخ استنساخ مجلّد دیگر: دوّم ربیع الاول ۱۲۳۰.

حواشی به امضای «فتحعلی» دارد(۱) و ظهر نسخه این شرح دیده می شود: «ملاّ عبدالرحیم قمشه رهن گذارده نزد حقیر محمد کاظم به پنج روپیه سفیدی».

«۴۵۳» الزهرات الذویّه فی الرّوضه البهیّه

(فقه _ عربی)

از: شیخ علیّ بن محمّد بن حسن بن زین الدین الشهید الثانی علیهم الرحمه.

کتاب: حاشیه مبسوطی است بر «شرح لمعه» شهید ثانی، نیای گرامی مؤلّف، در دو مجلّد. مجلّد اوّل از طهارت تا حجّ که در ۱۴ ربیع یکم ۱۰۷۴ از آن فراغت یافته و مجلّد دوّم از جهاد است تا دیات، مورّخ چهارشنبه ۲۷ جمادای دیگر ۱۰۷۵. مقداری از کتاب در حواشی برخی نسخ شرح لمعه چاپ شده.

نسخه: در زمان شارح نوشته شده. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن شارح خود از اوّل تا آخر نسخه را با اصل مقابله و تصحیح و تکمیل فرموده، در اوائل محرّم ۱۰۸۸ از تصحیح جلد اوّل و در چهارم صفر همان سال از تصحیح جلد دوّم فراغت یافته. روی برگ اوّلِ مجلّد دوّم نیز طیّ شرحی نوشته است که این نسخه را مرحوم ملاّ محمّد شریف گیلانی وقف کرده و مهر شارح درین موضع چنین است: «حسن الظن بربّه العلیّ. عبدُ محمّـِد و آله، علیّ ۱۰۴۳». مع الأسف برگ اوّل این نسخه مفقود شده است.

ص : ۴۳۸

۱- ۱) برخی از این حواشی را نیای گرامی، آیه اللّه مرحوم حاج میر سیّد محمّد چهارسویی در یکی از مجموعه های خود نقل کرده و به «مولانا فتحعلی، زند، غفر له و رحم» نسبت داده اند. تاریخ نقل حواشی در آن مجموعه، محرّم ۱۲۷۳ می باشد.

«۴۵۴» الزهره البارقه لمعرفه احوال المجاز و الحقیقه

(اصول فقه ــ عربی)

از: سیّد حجه الاسلام مرحوم حاج سیّد محمّد باقر بن محمّد نقی شفتی اصفهانی بیدآبادی.

کتاب: در باب مسأله مجاز و حقیقت از مسائل علم اصول است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. کاتب نسخه را ناتمام گذارده است.

«۴۵۵» زواهر الجواهر فی نوادر الزواجر

(مواعظ ــ عربی)

از: میر بهاءالدین محمّد بن محمّدباقر حسینی مختاری نائینی اصفهانی. «ش ۴۰۴».

کتاب: شبه مقاماتی است ادیبانه در مواعظ نافعه و به طبع رسیده. تاریخ تألیف: روز جمعه ۱۲ ذی القعده ۱۱۰۹.

نسخه: از اوّل ناقص است. نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: اواخر محرم ۱۲۴۶. از کتابخانه نیای گرامی، آیه اللّه مرحوم آقا میرزا سید جمال الدین موسوی چهارسوقی.

«۴۵۶» زیارتنامه مشهد مقدّس رضوی

(فارسی، عربی)

از: آقا جمال الدین محمّد بن آقا حسین خوانساری ــ علیهما الرحمه ــ ، صاحب «حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۶۲».

کتاب: مجموعه ای است از زیارات معتبره حضرت ثامن الأئمّه الأطهار علیّ بن موسی الرضا علیهم السلام و چند زیارت جامعه و زیارات امامزاده ها و قبور اهل ایمان، و به نام

شاه سلطان حسين صفوى تأليف شده است.

حواشى تفسيرىِ محقّقانه از مؤلّف در هامش نسخه نوشته شده و با اين كه اصل كتاب داراى خاتمه است، امّا تاريخ تأليف ندارد.

نسخه: به خطّ محمّد محسن بن ملاّ محراب قزوينى. تاريخ پايان استنساخ: سلخ ماه رمضان **۱۱۲۳**. نخستين برگ نسخه و برگى از اواخر آن مفقود بوده، نياى گرامى علاّمه آيه اللّه حاج مير سيّد محمّد موسوى ـ عليه الرحمه ـ به خطّ شريف خود نوشته و تكميل كرده اند.

«۴۵۷» نسخه ديگر

نسخه: نام كاتب و تاريخ كتابت ندارد و آگاهيم كه به دستور نياى بزرگوار، آيه اللّه آقاى حاج ميرزا سيّد حسن چهارسوقى ـ اعلى اللّه مقامه ـ از روى نسخه پيشين نوشته شده و كاتب آن عنايت اللّه خان بقراطى است كه نسخه «مفرّح الروح» نيز به خطّ او است و در آنجا ياد شده است، لكن استنساخ ناتمام مانده و تا دعاى نهم از ادعيه بعد از زيارات، بيشتر نوشته نشده است.

آخرين بازنگرى نخستين جلد فهرست در شب آدينه ۲۳ ربيع دوم ۲۸ «۲۱ /۲ /۸۶» با تيمّن و تبرّك به زيارتنامه مشهد مقدس رضوى پايان يافت، چنان كه افتتاح دفتر نيز به

زيارتنامه ديگر شده بود.

ص : ۴۴۰

جلد ۲

اشاره

ص : ۱

«۴۵۷» السّبع المثانی

(مناقب ــ عربی)

از: آخوند ملّا محمّد تقی بن حسینعلی هروی اصفهانی حائری (متوفی به سال ۱۲۹۹): «کرام برره: ش ۴۴۰»، «مکارم الاثار ۳: ش ۲۴۴». صاحب «الحدیقه النجفیّه. ش ۳۴۷»

کتاب: در احوال و مناقب حضرات چهارده معصوم علیهم السلام است در هفت باب و یک خاتمه درباره موت و برزخ و حشر و بهشت و دوزخ، و در دو مجلّد است: مجلّد اوّل شامل چهار بابِ نخستین در احوال اصحاب کساء علیهم السلام ، و مجلّد دوّم از باب پنجم است تا آخر. تاریخ تألیف مجلّد دوم: دوشنبه ۲۸ ذی الحجّه ۱۲۹۰.

نسخه: مجلّد دوّم و مبیّضه خطّ شخص مؤلّف است. تاریخ استنساخ: چهارشنبه سوم جُمادای دوّم ۱۲۹۵.

در «ذریعه ۱۲: ش ۸۸۴» فرموده اند که نسخه جلد دوّم این کتاب را به خطّ مؤلّف در کتابخانه مرحوم آیه اللّه شیخ علی کاشف الغطاء دیده اند.

ص : ۷

پس بایـد مؤلّف از این جلـد، دو نسـخه به خطّ خود نوشـته باشد. و در مسـتدرکات پایان «جلد ۱۵: ۳۹۰» افزوده انـد که مجلّد نخست به خطّ مصنّف، نزد سیّد محمّد علی روضاتی است.

این نادرست است، و مجلّد نخست این کتاب به خطّ غیر مصـنّف و به تصـحیح خود آن مرحوم در کتابخانه شخصـی دانشـمند نامـدار حـاج میرزا محمّـد بـاقر الفت ــ علیه الرحمه ــ در اصـفهان بود و آن را با نسـخه های دیگر از کتب عربی کتابخانه اش وقف کرد که پس از فوت ایشان به کتابخانه دانشکده ادبیّات اصفهان منتقل گردید. تاریخ استنساخ نسخه الفت، ۱۲۹۷ است.

باری، در ظهر نسـخه ما، تملّک عالم بزرگوار حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی اصفهانی به تاریخ «۴ ماه رجب ۱۳۲۹» و مُهر ایشان «عبده ابوالقاسم بن محمّد باقر الموسوی» و نیز تملّک فرزند جلیلش حاج آقا محمّد زنجانی اصـفهانی به تاریخ «۸ صفر ۱۳۳۸» و مهر او «محمّد بن ابوالقاسم الموسوی» دیده می شود.

* * *

حـاج میرزا ابوالقـاسم زنجـانی، نخسـتین دامـاد از پنـج تـن دامـاد بزرگـوار نیـای گرامی «آیـه اللّـه حـاج میر سـیّد علی مجتهد چهارسوقی متولّد زوال یکشنبه ۲۹ ج ۲ ــ ۱۲۴۷ در اصـفهان، متوفی در نجف، هفتم محرّم ۱۳۲۶ مـدفون در بقعه عمّ معظّم و پدر همسر خود، آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم چهارسوقی، در وادی السلام».

زنجـانی از شـاگردان و مجازین آقا میرزا سیّد محمّـد هاشم و حاج میرزا بـدیع و سـپس چنـد تن از علماءِ نجف اشـرف است. وفـاتش در ماه رجب ۱۳۳۶ اتفـاق افتـاده و در تکیه شخصـی خود واقع در تخت فولاد اصـفهان به خاک رفت: «مقابر اصـفهان استاد همائی: ۳۳۱»، «دانشمندان مهدوی: ش ۱۱۵».

فرزند آن جناب، حاج آقا محمّد زنجانی یکی از هشت تن فرزندان ذکور و اناث پدر، در شب جمعه پنجم جمادای دوّم ۱۳۷۷ وفات یافت و در تخت فولاد دفن شد و از او پنج فرزند دختر بازماند رحمه اللّه تعالی علیهم اجمعین.

«۴۵۸» سجاوندی

(تجوید ــ عربی، فارسی)

ص : ۸

از: نامعلوم.

کتاب: در علم وُقوف و سجاوندی قرائت و تجوید قرآن کریم است و اگر چه متن آن به زبان عربی است، امّا همه جا حواشی «منه» به فارسی دارد.

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است و از آثار قرن ۱۰ ــ ۱۱ می باشد.

آغاز موجود: الفاسقون منهم ط لا یؤمنون۷ رسول نبذ.

انجام موجود: الرحمن لا القرآن لا الانسان لا البیان لا بحسبان ص ه ــ

«۴۵۹» السَّرائر الحاوی لتحریر الفتاوی

(فقه ــ عربی)

از: شیخ ابو جعفر محمّد بن منصور بن احمد بن ادریس عجلی حلّی، معروف به ابن ادریس (متوفی ۵۹۸) علیه الرحمه.

نسخه: مجلّد اوّل کتاب است تا آخر کتاب متاجر و بُیوع، در ۲۸۷ برگ. نام کاتب ندارد. تاریخ استنساخ: روز دوشنبه ۲۷ ماه رجب ۱۰۱۸ در شهر حیدرآباد کلکنده. همه جای نسخه دارای آثار تصحیح و مقابله است و فهرست این مجلد در آغاز نسخه به خطّ کاتب نوشته شده.

روی برگ اوّل، تملّک احمد بن محمد علی استرآبادی و مهر او «نظام الدین احمد ۱۰۸۶»، و مُهر «أفوّض أمری إلی اللّه الغنیّ رفیع الدین محمد الحسینی الموسوی» دیده می شود.

«۴۶۰» سراج الملوک

(مواعظ ــ عربی)

از: ابوبکر محمّد بن الولید بن محمد الفَهَری الطرطوشی (متوفی ۵۲۰).

کتاب: مشتمل بر ۶۴ باب است، در سیاست پادشاهان و آداب و اخلاق و مواعظ متعلّقه بدانها و مکرّر چاپ شده است: «معجم المطبوعات: ۱۲۳۹».

نسخه: نام کاتب ندارد، لکن شاید سجع مهری که در آخر کتاب است «الواثق باللّه، بشیر عبداللّه»، نام او باشد. تاریخ پایان کتابت: روز جمعه ۲۱ جمادای دیگر ۱۰۸۵، و پس از آن ابیاتی است در مدح کتاب به خطّ کاتب نسخه.

«۴۶۱» سرمایه ایمان

(اصول دین ـ فارسی)

ص : ۹

از: آخوند ملّا عبدالرزّاق لاهیجی، متخلّص به فیّاض علیه الرحمه.

در «ذریعه ۱۲: ش ۱۴۷» وفات او را در قم به سال ۱۰۵۱ و در «ریاض نضره: ۳۱۹» به سال ۱۰۷۲ نوشته اند. «گوهر مراد» در «ذریعه ۱۸: ش ۲۵۸» و «دیوان فیّاض» در «ذریعه ۹: ش ۵۶۹۶» دیده شود. نیز: «دومین دو گفتار، روضاتی».

کتاب: در مباحث اصول دین و مذهب امامیّه و مختصرِ «گوهر مرادِ» مؤلّف است در یک مقدمه و پنج باب و به طبع رسیده.

نسخه: از آثار سده دوازدهم و دو برگ از آخر ناقص بوده است. آیه اللّه حاج میر سید محمد موسوی، در روز یکشنبه غره جمادی الاخره ۱۲۶۶ آن را نوشته و تکمیل کرده اند. ظهر نسخه، فرزند ایشان نیای گرامی، آیه اللّه حاج میر سیّد علی چهارسوقی نوشته اند که نسخه را در ۱۲۶۵ خریداری کرده اند.

«۴۶۲» سفینه النجاه

(دعاء ــ فارسی)

از: حاج ملّا علی اصغر قزوینی صاحب «تنقیح المرام. ش ۱۹۱».

کتاب جای گفتگو، که به مقالات خمس و مقالات و مقال نیز خوانده می شود، اثر بسیار مفصّل و جامعی است، مشتمل بر یک مقدّمه و پنج مقال که عمومًا در پنج مجلّد قرار دارد، و چنان که در «کشف الحجب: ۳۱۰» و «ذریعه ۱۲: ۱۹۹ ــ ۲۰۱» و «فهرست دانشگاه ۱. ۱۲۸ ــ ۱۳۰» آمده؛ مقدّمه: در فضیلت دعاء و آداب و اوقات آن است. و مقال یکم: در دعاها و اعمالی که متعلّق به شبانه روز است، مقال دوّم: دعاهایی که متعلّق به هفته هاست، مقال سوّمِ «جای گفتگو»: دعاها و اعمالی که در عرض سال باید به جای آورد، مقال چهارم: دعاهای گوناگونی که مختص به وقت و زمان معیّن نیست، مقال پنجم: در زیارت ها و آداب و شرایط آنها.

مؤلّف بزرگوار «ذریعه»، پیرامون ابواب و فصول و سایر مشخّصات و همچنین نسخه هایی که از این کتاب دسترسی یافته اند، به طور مبسوط سخن گفته اند.(۱) ما به کوتاهی، چند سطری در معرّفی نُسخ می آوریم:

۱ ــ نسخه کامل، شامل مقدّمه و هر پنج مقاله با فهرستی که در آغاز آن آمده. این

۱- ۱) سفینه در «ج ۲۱ ص ۳۸۶ و ۳۹۳» نیز به عنوان مقال و مقالات، طیّ چند سطری یاد شده است.

نسخه بسیار ممتاز و عالی که در زمان مؤلّف نوشته شده و مشتمل بر «۳۳۷ برک» به قطع بزرگ است، در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود و در «فهرست دانشگاه ۱: ۱۲۸ _ ۱۳۰» شناسانده شده است. ایضًا نسخه ای در همان «فهرست ۸: ۱۸۷».

۲ _ نسخه کامل دیگری در کتابخانه مدرسه کوچک مرحوم حاج میرزا حسین خلیلی طهرانی در نجف اشرف.

۳ _ نسخه مرغوب قدیمی شامل مقال اوّل و ثانی در کتابخانه صاحب ذریعه در نجف.

۴ _ نسخه ای از مقال سوّم، در کتب مرحوم سیّد محمّد لواسانی در نجف اشرف و نسخه ای دیگر در کتب مرحوم آقا سیّد میرزا هادی خراسانی در کربلای معلّی.

۵ _ نسخه ای شامل مقال ۱ و ۲ و ۳، در کتابخانه آستان قدس رضوی در مشهد.

۶ _ نسخه ای مشتمل بر مجلّد یکم تا چهارم، در کتب سیّد عبدالرّزاق حلونجفی.

۷ _ نسخه ای شامل مقال ۳ و ۴ و ۵، در کتابخانه مدرسه آیه اللّه بروجردی در نجف.

۸ _ نسخی از مقال پنجم «زیارات» در کتابخانه آقا میرزا علی اکبر عراقی در نجف اشرف و در کتابخانه مرحوم سیّد محمّد مهدی صدر در کاظمین و در کتابخانه آقا شیخ هادی کاشف الغطاء در نجف و در کتابخانه دانشکده الهیّات مشهد «فهرست ۲: ۴۲۷ و ۴۹۷».

«سفینه النّجاه» با اینکه اثر بسیار جامع و نفیسی است، هنوز به طور کامل چاپ نشده است، لکن در ذریعه فرماید، تنها مقال چهارم آن که در ادعیه مطلقه گوناگون است به سال ۱۲۶۳ در لکهنو «هندوستان» به مباشرت سیّد قائم علی چاپ شده و مرحوم سیّد حسین سیّد دلدار علی نقوی نصیرآبادی بر آن تقریظی نوشته است.(۱)

مقال سوّم «جای گفتگو» را نیز در «ذریعه» فرماید که مؤلّف در تاریخ هشتم ربیع دوّم ۱۰۹۸ از تألیف آن فراغت یافته است.

اینک مشخّصات و فهرست مقال سوّم و مختصّات نسخه ما:

آغاز: «بسم... الحمدللّه ربّ العالمین. و الصّلوه و السّلام علی أفضل خلیقته محمّد و آله المعصومین. و بعد، چون بتوفیق إلهی به انجام رسید مقال اوّل و دوم، شروع شده

---

۱ – ۱) در «مؤلّفین کتب چاپی ۴: ۴۷۳» گوید که سفینه النجاه به سال ۱۳۰۰ ق، طیّ ۲۹۹ صفحه وزیری، در لکهنو چاپ سنگی شده است.

در مقال سوم. مقال سوم: در ادعیه و اعمالی که در عرض سال می باید به عمل آید، و در آن مقدّمه ایست و دوازده باب مشتمل بر أعمال دوازده ماه و خاتمه مشتمل بر أعمال روز نوروز. مقدّمه. در اعمالی که در هر ماه به عمل باید آورد، از آن جمله أدعیه رؤیت هلال است...».

انجام: «سلامٌ هی حتّی مطلع الفجر. تمام شد اعمالی که می باید در عرض سال به عمل آید».

نسخه: دارای ۱۷۴ برگ. برگ ۱ و ۲ و ۱۷۴ و روی ۳ و ۱۷۳ سفید است. روی برگ ۱، تاریخ وفات مرحوم آیه اللّه العظمی صاحب «روضات» و برادر گران قدرشان صاحب «مبانی» و مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیح فرزند صاحب روضات و مادّه تاریخ هایشان به خطّ نیای گرامی بزرگوار، مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد حسن روضاتی چهارسویی، فرزند آقا میرزا سیّد مسیح نگاشته شده، روی برگ ۳ تملّک و مهر آقا میرزا سیّد مسیح دیده می شود که پدر دانشور نسخه را به آن مرحوم اهداء کرده اند. سپس تملّک و مهر مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد حسن است.

ظَهر برگ آخر این فائده جلیله دیده می شود:

«بر سه پارچه نان بنویسد و در وقت ابتداءِ بُروز نوبه لقمه اوّل را بخورد، اگر نوبه عارض شد لقمه دویم را در قبل از بُروز نوبه یوم بعد بخورد، اگر باز نوبه عارض شد لقمه سیّم را قبل از بروز نوبه یوم سیم بخورد، البتّه در سیّم بلاشبهه قطع می شود، و غالبًا حاجت به سیّم نمی شود و زیاده از صد مورد به تجربه رسانیده ام...».

سپس دعاها را نقل کرده و گویند: «وجدتُ ذلک منقولاً عن خط جدّنا الأمجد المیر(۱) قدّس اللّه نفسه الزکیه، و کتب أفقر المربوبین: محمّد حسن الموسوی».

کاغذ اصفهانی، جلد تیماج مشکی کوبیده با ترنج و سرترنج، آستر کاغذ صورتی رنگ، خط نسخ مرغوب ۲۱ سطری، دعاها تمامًا إعراب شده؛ عناوین به شنگرف، بالای برخی از کلمات نیز به شنگرف خط کشیده، قطع ۱۳ و نیم × ۱۹ و نیم، متن

---

۱ - ۱) مقصود، مرحوم عالم زاهد محقّق جلیل القدر آیه اللّه حاج میرزا ابوالقاسم بن حسین موسوی صاحب کتاب «مناهج المعارف» است که از شاگردان علّامه مجلسی ثانی (متوفی ۱۱۱۰) بوده و به سال ۱۱۵۸ وفات یافته و در قودجان در مقبره ای خاصّ دفن شده است. قدّس اللّه تعالی أرواحهم.

۷ × ۱۴. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. همه جا نسخه بدل های ادعیه در هامش نوشته شده. حواشی و تعلیقات زیادی به خطّ مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین موسوی «والد ماجد صاحب روضات» و سبط جلیل ایشان، آقای میرزا سیّد مسیح چهارسویی دیده می شود. این حواشی یا دعاهایی است که در متن نیامده و یا فضیلت و ثواب دعاهای مذکور در متن و یا تصحیح عبارات نسخه و افتادگی ها است.

در نسخه ما تاریخ تألیف ذکر نشده، لکن در صفحه پیشتر گذشت که مؤلّف ذریعه تاریخ تألیف مقال سوّم را «۸ ع ۲ _ ۱۰۹۸» یاد کرده اند، لابدّ در یکی از نسخی که به نظر ایشان رسیده، دیده اند.

«۴۶۳» سؤال و جواب

(فقه _ فارسی)

از: حجّه الاسلام شفتی بیدآبادی حاج سیّد محمّد باقر بن محمّد نقیّ موسوی، متوفّای روز یکشنبه سوّم ربیع دوّم ۱۲۶۰ _ اعلی اللّه مقامه _ : «مکارم الاثار ۵: ش ۹۵۷».

کتاب: مجموعه ای است از سؤال ها و نامه هایی که از اطراف به سیّد حجه الاسلام نوشته شده و احکام و جواب های مفصّل و مختصری که سیّد به آنها داده است، از (۱۲۵۴) تا (۱۲۵۸). دو مجلّد از سؤال و جواب های فقهی دیگر سیّد در زمان حیاتش به طبع رسیده است.

نسخه: به خطّ یکی دو تن از کاتبان سیّد است و در یکی دو جا در حاشیه خطّ خود سیّد دیده می شود. مهر «عبده رجبعلی بن محمد» در آغاز نسخه است. از بقایای کتابخانه خانوادگی سیّد.

«۴۶۴» سؤال و جواب

(فقه _ فارسی)

کتاب: مجموعه ای است از سؤال هایی که در ابواب فقهیّه به صورت استفتاء از نیای گرامی، آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم بن زین العابدین موسوی چهارسوقی (۱۲۳۵ _ ۱۳۱۸) _ اعلی اللّه مقامهما _ با جواب هایی که آن بزرگوار نگاشته اند و اصل آنها پراکنده شده رونوشتی از هر کدام در این کتاب به دستور خود ایشان و به خطّ مرحوم فاضل بیدآبادی به طور مرتّب ضبط و به صورت کتابی بزرگ و گران بها در آمده است.

سیر و سلوک: ترجمه سیر و سلوک

سیر و سلوک: رساله در سیر و سلوک

«۴۶۵» سیره النّبیّ صلی اللّه علیه و آله معروف به «سیره ابن هشام»

(تاریخ ـ عربی)

از: عبدالملک بن هشام حمیری بصری نزیل مصر (متوفی ۲۱۸).

نسخه: به خطّ نسخ، با عنوان های درشت و الوان و مضبوط. صفحات دارای جدول، و آثار تصحیح و مقابله دارد.

نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. روی برگ نخست عنوان کتاب و نام مؤلّف به خطّ جلیّ تزیینی ألوان نوشته شده و در حاشیه این شرح دیده می شود:

«استنسختُ هذا الکتاب سیره ابن هشام لنفسی بحمد اللّه و صار من مواهب اللّه ملکی. الفقیر إلی اللّه یحیی بن حسن، وفّقه اللّه».

سپس مهری از همین شخص که سجع آن درست خوانده نشد.

«۴۶۶» الشّافی فی شرح الکافی

(شرح حدیث ـ عربی)

از: مولانا خلیل قزوینی، صاحب «حاشیه عدّه الأصول. ش ۳۱۱».

کتاب: نخستین شرح مولانا خلیل است بر کتاب شریف «الکافِی» شیخ ابو جعفر محمّد بن یعقوب الکلینیّ ـ أعلی اللّه مقامه ـ که به امر اعتمادالدوله سیّد حسین حسینی خلیفه سلطان (۱۰۰۱ ـ ۱۰۶۴: «روضه نضره: ۱۶۸») آن را در مکّه معظّمه به شرح مزجی نگاشته و ناتمام ماند، و شرح دوّم او «صافی. ش ۵۶۱» است که به فارسی نوشته است.

تاریخ اتمام تألیف مجلّد اوّل: سلخ ذی الحجّه ۱۰۵۷ در مکّه معظّمه. هفت سالی پیش از «شرح الکافی، ش ۵۱۶» از آخوند مولانا محمّد صالح مازندرانی علیه الرحمه. برای آگاهی بیشتر از کتاب و نسخه های آن به «الذریعه ۱۳: ش ۱۲» و فهارس کتابخانه های عمومی رجوع فرمایند.

نسخه: مجلّد اوّل است شامل شرح کتاب عقل و توحید از اصول کافی شریف. کاتب: محمّد تقی بن جلال قزوینی. تاریخ کتابت: هیجدهم ماه صفر ۱۰۸۶، گویا در قزوین، و تمام به تصحیح شخص شارح.

تملّک و مُهر «محمّد باقر بن محمّد اسمعیل الحسینی ۱۱۶۳» در ماه محرّم ۱۱۷۹ و «عبده محمّد اسمعیل بن محمّد باقر الحسینی ۱۲۲۳» ـ پدر و پسر از سادات بزرگوار

خاتونابادی اصفهان ـ ، و تملّک عمّ اعلای گرامی، قوام الاسلام، آقا میرزا سیّد مجتبی روضاتی ظهر نسخه هست رضوان اللّه علیهم اجمعین.

ذیل

یک نسخه از کتاب «الشافی» جای گفتگو که در زمان مصنّف نوشته شده به نظر رسید و در ظهر آن، این اشعار آبدار که لابُدّ خطاب به شخص مولانا خلیل است، مرقوم گردیده بود:

ای نور شمع فضل که امروز در جهان از کائنات کرده ترا ایزد انتخاب!

عالم تویی که پیرو شرع پیمبری وین نخل را همی دهی از جوی دیده آب

آنها که صوفیند دم از غیب می زنند وانان که گشته حکمتشان بر گلو طناب،

سر گشتگان وادی جهل و حماقتند لب تشنه اند و آب بجویند از شراب!

بادا بقای عمر تو در دهر تا بوَد بر آسمان نشانه ای از ماه و آفتاب!

آگاهی تازه

در کتابخانه عمومی علاّمه امینی، صاحب «الغدیر» قدس سره در نجف اشرف، یک نسخه بسیار معتبر «الشّافی» هست، از آغاز شرح کتاب الطهاره تا اوّل کتاب الحیض، در یکصد و سیزده برگ.

آن نسخه به خطّ شیخ حسین بن افضل بیک از شاگردان شارح است، و تا شرح حدیث ششم از باب پانزدهم (ص ۶۸ نسخه) را نزد خود وی خوانده است «فی مجالس آخرها أواخر شهر شعبان المعظّم سنه ۱۰۸۹...» و در آخر نسخه نوشته است که تمام آن را در «دار الموحّدین قزوین، فی المدرسه الخلیلیّه» با نسخه اصل مقابله کرده و به روز شنبه بیست و پنجم ماه شوّال ۱۰۸۹، پنجاه و دو روز پس از فوت شارح، آن را به پایان رسانیده است.

از این سخنان دانسته می شود که مولانا خلیل قزوینی، در تاریخ سوّم ماه رمضان ۱۰۸۹ وفات یافته و تا چند روز مانده به پایان عمر هشتاد و هشت ساله خود، به تدریس کتاب شافی و تعلیم احادیث شریفه اهل بیت اطهار علیهم السلام اشتغال داشته است.

این آگاهی از «فهرست مخطوطات مکتبه أمیر المؤمنین علیه السلام العامّه» است به قلم عالم

فاضل متتبع محقّق خبیر بصیر، حاج سیّد عبدالعزیز طباطبائی نجفی _ اعلی اللّه مقامه _ چاپ شده در مجلّه گرامی «تُراثنا: ۷۹ _ ۸۰، رجب _ ذوالحجّه ۱۴۲۵. نسخه ش ۹۷۱» که در ماه محرّم ۱۴۲۷ منتشر شد و در پنجشنبه غرّه ماه صفر به دست این حقیر _ عفا اللّه تعالی عنه _ رسید. و الحمد للّه ربّ العالمین.

«۴۶۷» الشّافی المنتخب من کتاب الکافی

(حدیث _ عربی)

از: آخوند مولانا محسن فیض کاشانی محمّد بن شاه مرتضی قدس سره (متوفّی ۱۰۹۱).

کتاب: منتخب کتاب «الوافیِ» خود مؤلّف است که مجموعه احادیث کتب اربعه می باشد. «الشافی» در دو مجلد است و چاپ شده.

نسخه: مجلّد دوّم است از کتاب صلوه تا آخر. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، و از اوّل تا آخر شخص مؤلّف یا یکی از فرزندانش آن را تصحیح نموده است، و در آغاز، فهرست ابواب کتاب آورده شده. مُهر «محمّد باقر العلوم» و «أفوّض أمری الی اللّه، عبده احمد» ظهر نسخه دیده می شود.

«۴۶۸» شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام

(فقه _ عربی)

از: محقّق حلّی نجم الدین جعفر بن حسن بن یحیی قدس سره (۶۰۲ _ ۶۱۶).

کتاب: در همه ابواب فقه شیعه و در غایت اشتهار است و مکرّر چاپ شده.

نسخه: به خطّ ابو نصر بن حاجی محمّد حسین تویسرکانی. تاریخ استنساخ جلد اوّل: ذی الحجّه «۱۰۸۲، که فرزندی محمّد حسین از مطالعه این نسخه بهره مند گردد».

دو برگ از آغاز جلد اوّل و چهار برگ از آخر جلد دوّم نونویس است. مشخّصات از آخر جلد اوّل آورده شد. سراسر نسخه، دارای حواشی متفرّقه است.

«۴۶۹» نسخه دیگر

نسخه: یک برگ از آغاز افتاده دارد و گویا اواخر آن نیز به خطّ تازه تری است. نام کاتب روی برگ آخر بوده است، محو کرده اند. تاریخ ختم کتابت: پنج شنبه چهارم جُمادای دوّم ۱۰۹۸. معظم نسخه دارای حواشی پراکنده ای است.

«۴۷۰» نسخه دیگر

نسخه: جلد دوّم است از کتاب نکاح تا آخر.

آغاز نسخه افتادگی دارد و در آخر شرحی است به خلاصه این که شماری از اوراق را محمّد بن احمد بن علیّ بن احمد بن أبی جامع نوشته است. تاریخ کتابت ندارد و از سده «۱۰ ــ ۱۱» است. مقداری حواشی بر نسخه هست که پاره ای از آنها دارای رمز «ع» می باشد.

«۴۷۱» شرح الأُرجوزه الرضاعیّه

(فقه ــ عربی)

از: آیه اللّه العظمی آقا سیّد صدرالدین محمّد بن صالح موسوی عاملی اصفهانی، صاحب «قرّه العین. ش ...».

کتاب: شرح اُرجوزه ای است در مسائل رضاع، از خود شارح معظّم. برای آگاهی بیشتر: «ذریعه ج ۱: ۴۷۶ و ج ۱۳: ش ۲۳۱ و ۲۳۲».

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، مانا که به دست مبارک شخص شارح تصحیح شده. در برگ آخر یادگار حسن بن ملاّ زینل دیده می شود، و از کتابخانه دخترزاده مؤلّف، نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سیّد جمال الدین فرزند آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم چهارسوقی بوده است رضوان اللّه علیهم اجمعین.

شرح الاستبصار: کشف الأسرار

«۴۷۲» شرح أسماءِ اللّه الحسنی

(فارسی)

از: حبیب اللّه صفاهانی.

خداوند تبارك و تعالی را نام هایی است بس گرامی، که از جمله آنها نود و نه نام بسیار مشهور و در دعاها و روایات اسلامی و مخصوصًا در دعای جوشن معروف(۱) که

---

۱ – ۱) نسخه ای از این دعای شریف در کتابخانه خدیوی مصر موجود است که به دستور ملك أشرف قایتبای (متوفی ۹۰۱) با طلای خالص نوشته شده. حدیث شریف اسماء حُسنی را دو تن از مشایخ معروف طریقت و سنّت ــ یکی در اصفهان و دیگری در خراسان ــ در عصر و زمان شیخ مفید ــ اعلی اللّه مقامه ــ (متوفی ۴۱۳)، در کتاب های خود آورده اند، هر دو به

یـک سـند و ذیل عنوان ابوالعباس سیّاری (متوفّی به سال ۳۴۲).۱ــ حافظ ابونُعَیم احمـد بن عبداللّه اصـفهانی (متوفّی ۴۳۰) در کتاب «حلیه الأولیاء و طبقات الأصفیاء ۱۰: ۳۸۰ به اختصار».

منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام است، وارد شده. دانشمندان در قرون مختلفه این نام ها را گزارش داده و کتاب ها به عنوان «شرح الأسماء الحُسنی» نوشته اند، که یکجا در «الذریعه ۲: ۶۶» از ۱۷ شرح و در «کشف الظّنون ۲: ۱۰۳۱ به بعد» از ۳۱ شرح یاد شده است.

از نفیس ترین و پرفایده ترین این گزارش ها کتاب «علم الهُدی و أسرار الاهتداء فی فهم معنی سلوك أسماءِ اللّه الحُسنی» است تألیف شیخ أبوالعبّاس أحمد بن علی بونی (متوفی ۶۳۰) که تنها نسخه گرانبهای موجود آن را در دست داریم.

و از جمله شرح ها همین است که در این عنوان ذکر می کنیم:

این شرح از شخصی است به نام حبیب اللّه صفاهانی که در زمان شاه عبّاس ثانی «۱۰۵۲ _ ۱۰۷۷» می زیسته و کتاب خود را در سال ۱۰۶۱ به نام او نوشته، امّا مؤلّف را درست نشناختیم.

از دانشمندان زمان صفویّه سه نفر به نام حبیب اللّه مشهورند. ۱ _ سیّد میرزا حبیب اللّه بن حسین بن حسن حسینی موسوی عاملی کرکی نزیل اصفهان، مشهور به صدر که معاصر شیخ بهائی (متوفی ۱۰۳۰) بوده و در «أمل الآمل: ۹ ط ۱» و «خلاصه السّیر» محمّد معصوم اصفهانی و جاهای دیگر یاد شده است. ۲ _ میرزا حبیب اللّه بن میرزا عبداللّه اصفهانی صاحب «توصیف الوزراء» در احوال وزراءِ سلاطین صفوی (به فارسی) که صاحب «ریاض العلماء» در ترجمه خلیفه سلطان از آن نقل کرده و از آنجا معلوم می شود که مؤلّف قبل از سال ۱۱۰۰ فوت شده(۱). ۳_ ملاّ حبیب اللّه عبّاس آبادی اصفهانی که حزین در «تذکره: ۴۰ ط اصفهان» شرح حال مجملی از او نوشته و گوید: «العارف باللّه المولی حبیب اللّه طاب ثراه. ساکن عبّاس آباد اصفهان، و در عقلیّات مشهور زمان بود. نتائج أفکار حکماء را با معارف اصحاب شهود تطبیق نموده و به مشرب و مسلك صوفیه أنس و عادت گرفته...». تاریخ تألیف «تذکره حزین» در ۱۱۶۵ بوده و ملاّ حبیب اللّه قبل از آن تاریخ وفات کرده است که می نویسد «رحمه اللّه». ممکن

۱- ۱) بنگرید به «أعیان الشیعه ۲۰: ۸۹ _ ۹۱» و «ذریعه ۴: ۴۸۹».

است مؤلّف «شرح اسماء اللّه» یکی از این سه نفر باشد.(۱)

آغاز: «بسم... ستایش و سپاس بی اندازه و قیاس؛ صانعی را که خزاین قلوب عارفان را از جواهر شناخت و معرفت خود رشک أطباق پُر دَراریِ أفلاک ساخت... و بعد چنین گوید عبد جانی حبیب اللّه صفاهانی که این رساله ای است در بیان معانی أسمای شریفه إلهی و تنبیه بر آن که عباد اللّه را چه بهره و حظّ هست از باطن آن أسماء و ظاهر آنها. مزیَّن بنام نامی و معنون به اسم سامی نوّاب کامیاب... ابُو المظفَّر شاه عباس ثانی حسینی بهادرخان...

مقدمه؛ أشهر أسماء اللّه نود و نه اسمست، و هی هذه: اللّه الّذی لا إله الاّ هو. الرّحمن الرحیم. الملک. القدّوس. السلام. المؤمن. المُهَیمن. العزیز. الجبّار. المتکبّر. الخالق. البارئ. المصوِّر. الغفّار. القهّار. الوهّاب. الرّزّاق. الفتّاح. العلیم. القابض. الباسط. الخافض. الرّافع. المعزّ. المُذلّ. السَّمیع. البصیر. الحکیم. العدل. اللّطیف. الخبیر. العلیم. العظیم. الغفور. الشَّکور. العلیّ. الکبیر. الحفیظ. المُقیط. الحسیب. الجلیل. الکریم. الرَّقیب. المجیب. الواسع. الحکیم. الودود. المَجید. الباعث. الشَّهید. الحقّ. الوکیل. القویّ. المتین. الولیّ. الحمید. المُحصی. المُبدئ. المُعید. المُحیی. المُمیت. الحیّ. القیّوم. الواجد. الماجد. الواحد. الأحد. الصَّمد. القادر. المُقتدر. المقدّم. المؤخّر. الأوَّل. الاخر. الظّاهر. الباطن. الولیّ. المتعال. البرّ. التَّوّاب. المُنعم. المنتقم. العفوّ. الرّؤوف. المالک. الملک. ذوالجلال و الإکرام. المُقسط. الجامع. الغنی. المُغنی. المانع. الضّارّ. النّافع. النُّور. الهادی. البدیع. الباقی. الوارث. الرَّشید. الصَّبور. اللّه اسم موجود بحقّ...».

سپس شروع به گزارش لغوی و عرفانی هر یک از اسمای شریفه موافق شرع مطهَّر نموده و گاه به مناسبت مقام، حکایت های شیرین آورده است. امّا تعداد این نام ها، ۱۰۲ نام می شود و در پاره ای موارد، دو نام را طیّ یک عنوان شرح داده است مانند: «الواحد الاحد».

انجام: «دیگر آنکه صبر کند بر امور وارده خلاف مقتضای طبع و راضی باشد به آنچه جاری می شود از قضا و قدر الهی تا ترقّی کند به عالم قدس و کرامه، کما أشار الیه تعالی: إنَّ اللّه مع الصّابرین. وفَّقنا الله تعالی لذلک بمنّه و رحمته. هذا آخر ما أردنا ایراده،

۱- ۱) در «لغت نامه دهخدا: حرف ح: ۲۴۹ و ۲۵۰» عدّه ای از دانشمندان را به نام حبیب اللّه یاد کرده، امّا از آنجا نیز مطلبی که مربوط به این مؤلّف باشد، استفاده نمی شود.

و نسأل اللّه تعالی العفو عمّا وقع فیه من الزَّلل و الخلل. و کان ذلک دَآدِیٔ(۱) شهر جمادی الاولی لسنه إحدی و ستّین بعد الألف من الهجره النَّبویّه، علی مُهاجرها ألف صلوه و تحیّه، و کتب بیمناه الفانیه العبد المذنب حبیب اللّه عفی عنه».

نسخه: به خطّ شکسته نستعلیق زیبای مؤلّف، ۱۲ سطری، ۱۱۵ برگ، کاغذ دولت آبادی نخودی، قطع ۱۶ × ۲۲، عناوین به شنگرف، برخی صفحات دارای حواشی از خود مؤلّف است با امضای «منه عفی عنه». جلد: تیماج پسته ای زرکوب قالبی، داخل: تیماج سرخ جدول کشیده.

«۴۷۳» شرح الاشارات و التنبیهات

(حکمت ــ عربی)

از: خواجه نصیر الدین محمّد بن محمّد بن الحسن محقّق طوسی قدّس اللّه سرّه (متوفی ۶۷۲).

کتاب: شرح کتاب «الاشارات و التنبیهاتِ» شیخ الرئیس ابو علی بن سینا است و به طبع رسیده و مشتمل است بر قسم منطق و قسم طبیعی و قسم ما قبل علم طبیعی.

نسخه: دو قسم آخری کتاب است که در ده نمط است و قسمتی از نمط تاسع و تمام نمط عاشر، تقریبًا دو جزوه از آخر این نسخه مفقود شده است و چند ورق آغاز آن نیز نونویس می باشد.

آغاز: «قال الشیخ: هذه اشارات الی اصول».

انجام موجود: «الهمس الصّوت الخفیّ... جناح الطایر».

حواشی گوناگون در سراسر نسخه نوشته شده و در بسیاری مواضع آثار مقابله دارد. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست و ظاهرًا از آثار قرن «۱۱ ــ ۱۲» می باشد، و امتیازی ندارد.

«۴۷۴» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و پیداست که در اواسط یا اواخر قرن دوازدهم به خطّ کاتب خوش خطی در اصفهان «ظ» استنساخ شده. اوراق عطف و بدرقه اوّل

---

۱ – ۱) دآدی جمع دأداء...: آخر ماه و شب ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ یا سه شب از آخر ماه: «فرهنگ آنندراج» و «منتهی الادب».

و آخر نسخه را بریده اند. متن اشارات به شنگرف و عناوین به لاجورد نوشته شده.

حواشی از «محاکمات» و «آقا حسین» و «شرح مقاصد» و «م. ن» و «نوری، ره» و «م ح ن» و «شرح امام» و «س، ره» و «میر محمد اسمعیل، ره» و «شرح تذکره خفری» و کتب لغت و غیره، به خطّ شکسته نستعلیق کاتب دارد و ظاهرًا نسخه مصحّح خوبی است.

آغاز: «بسم. قال الشیخ رحمه اللّه: هذه اشارات».

انجام: «قیل هذا صوره خط المصنّف فی آخر الکتاب: قد فرغ المصنّف من تسویده أواسط شهر صفر سنه (۶۴۴) حامدًا...».

«۴۷۵» نسخه دیگر

نسخه: قسم دوّم کتاب و از آخر ناقص است. لذا نام کاتب و تاریخ کتابت نامعلوم و ظاهرًا از سده یازدهم است.

انجام موجود: «الأمر ترجع الی الجسم الّذی هو القابل لا الی الاراده».

شرح اصول الکافی: شرح الکافی

«۴۷۶» شرح الألفیّه

(نحو ــ عربی)

از: بدرالدین محمّد بن محمّد بن عبداللّه بن مالک دمشقی، معروف به ابن الناظم.

کتاب: شرح اُرجوزه مسمّی به «خلاصه»، معروف به «ألفیّه» ابن مالک پدر شارح مذکور. فراغت از تألیف به قول «کشف الظنون»: محرّم ۶۷۶، و به طبع رسیده است.

نسخه: به خطّ نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیح موسوی چهارسوقی، فرزند آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات».

شروع در کتابت: ۱۲ ربیع یکم ۱۲۶۷. فراغت از کتابت: چهارشنبه ۱۲ ربیع یکم ۱۲۷۰ در اصفهان.

دارای حواشی از؛ زکریّا و خالد و ابن عقیل و محمد هاشم الموسوی (والد ماجد نویسنده این فهرست) و «شواهد» و محمد حسن الموسوی (فرزند معظّم کاتب جلیل القدر نسخه). مُهر کاتب بزرگوار «عبده الراجی مسیح الموسوی» در ظهر نسخه هست رحمه اللّه و رضوانه علیهم.

«۴۷۷» شرح الألفیّه

(نحو ــ فارسی)

از: ناشناخته.

کتاب: شرح فارسی است بر ألفیّه ابن مالک، در علم نحو.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، به قرائن از آثار قرن «۱۱ ــ ۱۲» می باشد.

آغاز: «و ما سواها ناقص و النقص فی + فتی و لیس ذاک دائمًا، قفی. یعنی: و آنچه از سوای... تمام است یعنی غیر افعال تامّه ای است که اکتفاءِ به مرفوع می کنند او ناقص است».

انجام: «و ان مصارع تلاها صرّفا + الی». روی برگ اوّل و پشت برگ آخر نانویس مانده است.

«۴۷۸» شرح الأنموذج

(نحو ــ عربی)

از: جمال الدین محمّد بن عبدالغنیّ اردبیلی (متوفی ۶۴۷).

کتاب: شرح «الأنموذج» جاراللّه زمخشریِ معروف مشهور است که مکرّر به طبع رسیده.

نسخه: بسیار معمولی و فاقد امتیاز است و نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و اواخر آن نانویس و ناقص است.

«۴۷۹» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب ندارد. پایان استنساخ: روز چهارشنبه هفتم ذی القعده ۱۰۷۶، در دارالسلطنه اصفهان. امتیازی ندارد.

شرح الباب الحادی عشر: معین الفکر

«۴۸۰» شرح بیست باب

(تقویم ــ فارسی)

از: ملّا مظفّر منجّم جنابدی.

کتاب: شرح مزجی «بیست باب در معرفت تقویم» تألیف نظام الدین عبدالعلی بیرجندی صاحب «شرح التذکره. ش ۴۸۷»، و کتاب بسیار معتبری است.

نگارش این شرح در ۱۰۰۴ پایان یافته است و مرحوم شیخ بهاءالدین محمّد عاملی (متوفی ۱۰۳۰) به سال ۱۰۲۳ بر آن تقریظ نوشته و بر شارح ثنا گفته است: «روضه نضره: ۵۶۸». نیز «فهرست کتابخانه مجلس ۲۲: ۲۸ ــ ۲۹» رجوع شود.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ استنساخ: روز جمعه از ماه ذیحجّه ۱۱۲۲. خطّ نستعلیق و مصحّح. جداول و دوائر و أشکال به دقّت ترسیم شده است.

«۴۸۱» شرح تجرید الکلام

(کلام ــ عربی)

ص : ۲۲

از: ملّا علی، فاضل قوشجی.

کتاب: شرح مزجی «تجرید الکلامِ» محقّق طوسی است و به طبع رسیده.

نسخه: تنها مقصد دوّم کتاب است در جواهر و اعراض. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، ظاهرًا از آثار سده یازدهم است. حواشیِ بسیار از ملّا میرزا جان باغنوی و چند حاشیه از مولانا حمزه جیلانی حکیم فاضلِ اواخر عهد صفوی «کواکب منتثره: ۲۲۸» در نسخه هست. از کتابخانه مرحوم آقا شیخ محمّد رضا نجفی ابوالمجد اصفهانی.

«۴۸۲» نسخه دیگر

نسخه: تنها مقصد سوّم کتاب است در الهیّات تا آخر. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، مانا از آثار سده یازدهم است. حواشی بسیار از عموم محشّیان دارد. تملّک نیای گرامی، آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی چهارسوقی ظهر نسخه هست و یکی از اوراق اواخر نیز به خطّ آن مرحوم است.

«۴۸۳» نسخه دیگر

نسخه: تنها مقصد دوّم کتاب است در جواهر و اعراض و به چند خطّ و کاغذ مختلف نوشته شده و دارای حواشی زیاد گوناگونی است. صفحه آخر به خطّ نیای بزرگوار، آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی، برادر گرامی آیه اللّه العظمی صاحب روضات الجنات است.

«۴۸۴» نسخه دیگر

نسخه: شرح إلهیّات کتاب است تا آخر، یعنی از مقصد سوم در اثبات صانع تا بحث امر به معروف و نهی از منکر که پایان کتاب می باشد.

کاتب: نجم الدین فخرالدین طریح. تاریخ کتابت: نیمه جمادای یکم ۱۰۶۳. حواشی گوناگون در همه صفحات نوشته شده و همه جا آثار مقابله با عبارت «بلغت قرائهً أیّده اللّه» دیده می شود.

شرح تجرید الکلام: تسدید العقاید

شرح تجرید الکلام: شوارق الالهام

ص : ۲۳

«۴۸۵» شرح تحریر الأحکام

(فقه ــ عربی)

از: ناشناخته.

کتاب: شرح صوم «تحریر الأحکام الشرعیّه، علی مذهب الامامیّه» تألیف علاّمه حلّی است، به شرح مزجی و برگ اوّل ساقط شده، لذا نام شارح معلوم نشد؛ لکن از مرحوم میرزای قمی صاحب «قوانین الاصول» و مرحوم سیّد طباطبائی صاحب «ریاض المسائل» نقل می کند.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و پایان آن نانویس مانده، ظاهرًا خطّ شخص شارح است.

«۴۸۶» شرح التّذکره فی علم الهیئه

(هیئت ــ عربی)

از: میر سیّد شریف جرجانی، صاحب «شرح المواقف السلطانیّه. ش ۵۴۲».

خواجه نصیرالدین طوسی ــ قدّس اللّه روحه ــ هنگامی که در شهر مراغه می زیسته، به سال ۶۵۷ پس از تألیف «تحریر مجسطی» کتابی دیگر در علم هیئت نوشته اند به نام «التذکره» مرتّب بر چهار باب و چون در این کتاب متعرّض شرح مطالب «تحریر مجسطی» نیز شده اند، لذا «شرح تحریر مجسطی» هم بر آن اطلاق می شود.

این کتاب در «ذریعه ۴: ۵۰» به عنوان «التذکره النصیریّه» یاد شده و شروح بسیاری که دانشمندان بر آن نوشته اند نیز در همانجا و هم در «ج ۱۳: ۱۴۳ ــ ۱۴۴» معرّفی شده است. نسخه ای از این کتاب در مجموعه نفیس «یاد نامه خواجه نصیرالدین طوسی ۱: ۳۱» به عنوان «تذکره الهیئه» و نسخه ای دیگر در «آثار الشیعه الامامیّه ۴: ۶۲» به عنوان «تذکره در علم هیئت» و نسخه ای نیز در «سرگذشت و عقائد فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی: ۱۱۴» به عنوان «تذکره نصیریّه» یاد شده و در کتاب اخیر گوید: «این کتاب را خواجه طوسی به درخواست عزّالدین زنجانی به تاریخ ۶۵۹(۱) در مراغه تألیف کرده» و در پاورقی، شرح حال عزّالدین زنجانی «ابو محمّد عبدالوهاب بن ابراهیم بن محمّد

---

۱ – ۱) چنان که گذشت، در ذریعه تاریخ تألیف تذکره را ۶۵۷ نوشته اند و در «فهرست رضویّه ۳: ۳۳۷» اشتباهًا ۵۶۹ چاپ شده است.

نزیل تبریز، الخزرجی الزنجانی، الادیب الفاضل المتوفی سنه ۶۶۰» مؤلّف کتاب «التصریفِ» مشهور را از کتاب «مجمع الاداب» ابن فُوَطی نقل کرده است.

در «آثار الشیعه الامامیّه» و مواضع مختلف «ذریعه»، شروح و حواشی بسیاری بر کتاب تذکره شناسانده اند، از جمله:

۱ ـ «شرح التذکره النّصیریّه» عبدالعلی بن محمّد بیرجندی متوفای ۹۸۴، مورّخ ۹۱۳.

۲ ـ «توضیح التذکره» نظام الدین حسن بن محمّد مفسّر أعرج نیشابوری، مورّخ ۷۱۱.

۳ ـ «التکمله فی شرح التذکره» از فاضل خفری، مورّخ ۹۳۲.

۴ ـ «حاشیه التذکره» از شیخ عبدالوهاب مشهدی که در قرن ۱۳ می زیسته.

۵ ـ «شرح التذکره» میر سیّد شریف جرجانی، جای گفتگو.

میر سیّد شریف جرجانی که شرح حالش در «روضات الجنّات: ۴۷۵ ـ ۴۷۷» به عنوان «شریف الدین علی بن محمّد بن علی حسینی حنفی جرجانی استرابادی مشتهر به سیّد شریف» آمده، از دانشمندان بنام اسلام است که در فنون حکمت و کلام و ادب و ریاضیّات و تفسیر و سائر علوم شرعیّه سرآمد روزگار بوده و تألیفات کثیره او که بالغ بر پنجاه عنوان است، پیوسته مورد استفاده دانشمندان واقع و از مبتدی تا فارغ التحصیل به آثار او محتاج بوده و می باشند.

تولّد او بنابر مشهور به سال ۷۴۰ و وفاتش در شیراز به سال ۸۱۶ واقع شده، و قاضی سیّد نوراللّه مرعشی ـ رضوان اللّه علیه ـ ضمن شرح حال مبسوطی که برای او در «مجالس المؤمنین ۲: ۲۱۷ ـ ۲۲۰» نگاشته اند، وی را از شیعیان خالص معرّفی کرده و دلائلی بر مدّعای خود اقامه فرموده اند.

مواضع دیگری که برای شرح حال میرسیّد شریف اجمالاً یاد می کنیم: «معجم المطبوعات: ۶۷۸ ـ ۶۸۰»، «الأعلام ۵: ۱۵۹ ـ ۱۶۰»، «ریحانه الادب ۲: ۳۲۲ ـ ۳۲۴» و «معجم المؤلّفین ۷: ۲۱۶». نوع مآخذ دیگر ترجمه وی هم در کتب مذکوره یاد شده اند.

«شرح التذکره» میرسیّد شریف، جای گفتگو، بنا به نگارش «ذریعه ۴: ۵۱ و ۱۳: ۱۴۴» و «فهرست رضویّه ۳: ۳۳۷» در شیراز به سال ۸۱۱ تألیف شده، لکن در نسخه

ما چیزی از این دو مطلب نیست و ظاهرًا کاتب نسخه اسقاط کرده است.

نسخ این شرح نسبتهً کمیاب است و به طوری که از دو کتاب مذکور مستفاد می شود، دو نسخه از آن در کتابخانه آستان قدس موجود می باشد، یکی مورّخه ۸۲۵ و دیگری مورّخه ۸۸۱.

فاضل خفری در شرح خود که موسوم به «التکمله فی شرح التذکره» است، عبارات شرح سیّد شریف را _ تبرّكًا _ مندرج ساخته و خود نیز در مقدّمه به این مطلب تصریح کرده است، لکن در نسخه ای از آن که در اصفهان به نظر نگارنده این فهرست رسید، تمایزی بین دو شرح دیده نشد و چنان که در «ذریعه» و مواضع دیگر گفته اند، دانشمند فاضل میرزا ابوطالب سبط میر ابوالقاسم فندرسکی رحمه اللّه بر شرح فاضل خفری حاشیه ای نگاشته است.

آغاز: «بسم... تبارک الذی جعل فی السّماء بروجًا... و بعد، فإنّ علم الهیئه مرقاهٌ منصوبهٌ... و مدارج ما أودع اللّه فیها من بدایع حکمٍ لاتحصی و صنایع فطر لاتستقصی؛ فینجلی لمن تفکّر فیها و اعتبر... ذاته و عظمه صفاته ما یتحیّر فیه بصایر الأفهام، و تدهش به مناظر العقول و الأوهام... بالسّعاده العظمی فی الآخره و الاُولی، و ذلک فضل اللّه یؤتیه من یشاء.

ثمّ إنّ کتاب «التذکره»...(۱) من أصول مسائله علی قواعدها و من فروع مباحثه علی زبدها و فرایدها، فیه خلاصه آراء المتقدّمین و نقاوه أفکار المتأخّرین، مع نکتٍ سریّه و لطایف بهیّه ممّا استنبطه مؤلّفه بطبیعته الوقّاده و قریحته النّقّاده، لم یتنبّه لها مَن تقدّمه، و اقتدی به من تأخّر عنه.

فأردتُ أن أشرحه شرحًا متوسّطًا بین طرفی إخلال و إملال، کاشفًا عن خرایده بإیضاح و إملال، جاعلًا لعوائده علی طرف الثّمام، موصلًا لطالبیه الی غایه المرام لیتبصّر به المبتدی فی هذه الصّناعه، و یتذکّر من کان له بضاعه. و من اللّه التّوفیق، و إلیه انتهاءُ الطریق، و أنا أشرع فی المقصود و أقول متوکّلًا علی الصّمد المعبود: من القضایا الّتی تشهد بها الفطره السلیمه...».

انجام: «... امّا بُعدُ محدّب الفلک الأعظم فلا یعلمه إلاّ اللّه سبحانه. و فی بعض النّسخ: «ولنختم الکتاب ههنا حامدین للّه تعالی و مصلّین علی نبیّه المصطفی و علی آله الطّیّبین

۱- ۱) کلیّه مواضعی که نقطه نهاده ایم از آن است که نسخه ضایع شده و عجالهً تکمیل آن میسّر نشد.

الطاهرين و حسبنا اللّه و نعم الوكيل». و قد وقع الفراغ عن بسط الكتاب و حلّ جمل هذه الأبواب، تذكرةً للأحباب و تبصره لأُولى الألباب؛ على حسب ما اقتضاه الحال، مع تزاحم الأشغال و تطرّق الاختلال الى أحوال البال. و قد وقع الفراغ من انتساخه ظهر الرابع من شعبان، على يد أحقر خلق اللّه البارى؛ ابن حسين: علاءالدين محمّد القارى، سنه ۹۸۳».

فهرست: «الباب ۱ فيما يجب تقديمه على العلم، و فيه فصلان. الباب ۲ فى هيئه الأجرام العلويّه، و فيه ۱۴ فصلًا. الباب ۳ فى هيئه الأرض و قسمتها إلى العامر و الغامر، و فيه ۱۲ فصلًا. الباب ۴ فى معرفه مقادير الأبعاد و الأجرام، ۷ فصول.

نسخه: داراى ۱۲۱ برگ. روى برگ ۱ اشتباهًا نوشته اند: «شرح تذكره خفرى». دو سه مهر ناخوانا نيز روى همين برگ ديده مى شود. در آخر نسخه اين شرح نوشته شده: «بسم اللّه خير الأسماء: ممّا أعارنيه مالك الملوك، ۱۱۴۸، و أنا الواثق باللّه القوىّ». مهر: «زين الدين على الشريف الموسوى». نسخه ابتداءً به خطّ نستعليق ۲۱ سطرى نوشته شده لكن قبل از سال ۹۸۳ اوراق بسيارى از مواضع مختلف آن مفقود گرديده و در آن سال، كاتب مذكور اوراق مفقود را به خطّ تعليق ۲۶ الى ۳۰ سطرى نگاشته و تكميل كرده است. بالاى عبارات متن خط شنگرف كشيده، عناوين و دوائر و اشكال هندسى نيز نوعًا به شنگرف است، كاغذ اصفهانى، جلد ميشن زرد يك لا، آستر كاغذ شكرى رنگ. قطع ۱۷ و نيم × ۲۴، متن نوعًا ۱۰ × ۱۸. همه جا در هامش حاشيه هاى مؤلّف مختوم به كلمه «منه» آمده و نسخه مقابله و تصحيح شده است. روى برگ آخر دائره بزرگى به شنگرف ترسيم و ظهر آن برگ، شرح مبسوطى از «فصوص» محيى الدين نقل و از او تجليل شده است. نام كاتبِ قسمت جديد نسخه و تاريخ كتابت در بالا ثبت شد و بخشى از اوراق اوّل كتاب ضايع شده بود كه سواى برگ نخستين، بقيّه از روى يكى از نسخ آستان قدس تكميل گرديد.

«۴۸۷» شرح التّذكره فى علم الهيئه

(هيئت ــ عربى)

از: عبدالعلىّ بن محمّد بن حسين بيرجندى (متوفاى ۹۸۴).

ص : ۲۷

کتاب: شرح «مختصر الهیئه» معروف به «التذکره» تألیف خواجه نصیرالدین محمّد طوسی قدس سره است که در «ش ۴۸۶» از آن گفتگو کردیم، و شارح در ماه ربیع یکم ۹۱۳ هجری از آن فراغت یافته است: «احیاء الداثر: ۱۲۵»، «رجال قاین آیتی: ش ۲۲»، «مجلّه دانشکده الهیّات مشهد مقدّس. ش ۲»، «مجلّه آینه پژوهش. ش ۵۰».

نسخه: به خطّ محمّد حسین بن محمّد یوسف طالقانی و تاریخ استنساخ دهم ربیع دوّم ۱۰۵۱ بوده، و دارای ۴۶۲ برگ و در نهایت اعتبار است.

محمّد صادق بن محمّد تقی منجّم که مالك نسخه بوده، در صفحه آخر، فائده ای به این شرح نوشته است:

«این نسخه از روی نسخه که جدّ فقیر مولانا مظفّر منجّم از روی نسخه به خطّ شارح نوشته و با آن مقابله کرده نوشته شده و این نسخه نیز چون با نسخه خطّ جدّ فقیر مقابله شده به منزله آن است که این نسخه با نسخه به خطّ شارح مقابله شده باشد. تاریخ این شرح چنان که در ورق ۱۱۶ این کتاب قلمی شده و شارح آن را در مبحث کواکب ثابته ذکر کرده «الف و ثمانمائه رومی»، و تاریخ اتمام چنان که شارح در آخر این کتاب ذکر کرده شهر ربیع الأوّل نهصد و سیزده هجری. تاریخ شرح میر سیّد شریف، ۸۱۱ هجری. تاریخ شرح شمس الدین محمّد خفری، ۹۲۱ هجری. و اگر چه شمس الدین محمّد و ملاّ عبدالعلی در یکزمان بوده اند امّا هیچ کدام شرح یکدیگر را ندیده اند و ایشان نیز با یکدیگر ملاقات نکرده اند و شرح ملاّ عبدالعلی مقدّم است به هفت سال بر شرح شمس الدین محمّد خفری».

پایان فوائدی که محمّد صادق منجم ـ علیه الرحمه ـ نوشته است.

«۴۸۸» شرح التّلویحات

(فلسفه ـ عربی)

از: عزّالدوله سعد بن منصور، معروف به ابن کمونه اسرائیلی.

کتاب: شرح «التّلویحات» شیخ الاشراق شهاب الدین سهروردی مقتول به سال ۵۸۷ است، در سه قسمِ منطق، طبیعی، الآهی.(۱) تاریخ پایان شرح: سال ۶۶۷: «فهرست مجلس».

نسخه: شخصی آن را برای کاتب عالم عاملی استنساخ کرده که نام خود و او را در

۱ - ۱) برای شناختن کتاب و نسخ دیگر آن: نگاه به «فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه ج ۳ ص ۲۱۱ به بعد» و «فهرست مجلس ج ۵ ص ۳۱۴ ـ ۳۱۸» مفید است.

آخر نسخه نوشته بوده و اهل خیری! هر دو اسم را با سایر خصوصیّاتشان تراشیده و محو کرده است.

تاریخ استنساخ: قبل الظهر نهم صفر ۸۹۹. در خاتمه قسم منطق و قسم طبیعی، اسم و تاریخی ندارد. ظهر نسخه نیز مهر و تملّك و یادداشت هایی بوده که تمامًا محو و نابود شده است. از بقایای کتابخانه آقا شیخ محمّد رضا نجفی ابوالمجد اصفهانی.

«۴۸۹» شرح تهذیب الأحکام

(شرح حدیث ــ عربی)

از: محدّث علاّمه، سیّد نعمت اللّه موسوی حسینی جزائری شوشتری ــ علیه الرحمه ــ (۱۰۵۰ ــ ۱۱۱۲) : «کواکب منتشره: ۷۸۵ ــ ۷۸۹». صاحب «زهر الربیع. ش ۴۵۱».

کتاب: شرح صغیر مرحوم سیّد جزائری است بر «تهذیب الأحکام» شیخ طوسی به «قوله»، در چند مجلّد و مشتمل بر فواید بسیار.

نسخه: مجلّد دوّم است در شرح کتاب صلوه. کاتب محمّد محسن بن محمّد قاسم شوشتری. تاریخ کتابت: ربیع دوّم ۱۰۹۳. تملّك «محمّد مهدی بن محمّد حسن الحسنی الحسینی» و مُهر «عبده مرتضی بن محمّد مهدی الحسینی ۱۱۷۹» و مهر «عبده محمّد صالح بن سیّد مرتضی الحسنی الحسینی» ظهر نسخه هست.

شرح تهذیب الأحکام: غایه المرام

شرح تهذیب الاحکام: ملاذ الاخیار

«۴۹۰» شرح تهذیب المنطق

(منطق ــ عربی)

از: سیّد هبه اللّه حسینی شهیر به شاهمیر.

سعدالدّین مسعود بن عمر محقق تفتازانی (متوفی ۷۹۲) کتاب «تهذیب المنطق و الکلام» را به سال ۷۸۹ در دو بخش نوشت. بخش اوّل در منطق. بخش دوّم در کلام. بخش دوّم گزیده کتاب «المقاصد» خود اوست. بخش اوّل با نهایت اختصاری که داشت، بهترین کتاب در علم منطق شناخته شده در اطراف جهان پراکنده گردید و بسیاری از دانشمندان بر آن شرح و حاشیه نوشتند. از پرسودترین آنها، «حاشیه ملاّ عبداللّه» است که مکرّر به طبع رسیده.

از گزارش دهندگان این بخشِ «تهذیب» به شرح مزجی متوسّط، سیّد هبه اللّه حسینی شهیر به شاهمیر است. این شخص نویسنده «آداب سلطنت» می باشد که در ۸۸۲ به اسم

سلطـان علاءالملک (؟) تألیف، و به سال ۸۹۸ تجدید نظر و تصـحیحش کرده، نسخه مورخه ۸۹۸ آن در کتابخانه آستان قدس موجـود و به همین اسم در «ذریعه ۱: ۲۰» عنوان، و از آن جـا نیز به «ریحانه الأدب ۲: ۲۹۵» نقل شده، امّا در «کشف الظنون» و ذیل آن مذکور نیست.

دیگر از آثار شاهمیر «شـرح رساله هیئت ــ فارسـی هیئت» تألیف ملّا علاءالدّین علی (فاضل قوشچی متوفّی ۸۷۹ در اسلامبول) می باشـد که تمام یا قسـمتی از آن در هامش فارسی هیئت، به سال ۱۳۱۹ چاپ شده(۱) و ناشـر در هامش صفحه آخر، او را چنین ستوده است: «إمّام الرّیاضیّین و أفضل المتقدّمین و المتأخّرین هبه اللّه الحسنی الحسینی الشّهیر بشاهمیر، طاب ثراه». مؤلّفِ «گاهنامه ۱۳۱۱: ۱۸۶» نیز نام شاهمیر و این گزارش او را یاد کرده است.

نسـخه ای خطّی از «شرح فارسی هیئت» در «فهرست دانشگاه ۳: ۲: ۹۱۹» معرّفی شده و در آنجا چنین آمده است: «این گزارش از سیّد هبه اللّه شاهمیر حسنی حسینی شیرازی است و در آن از رساله «تامّ المقاله ــ در ترصید سمت و جهت قبله» خود که در جـوانی نوشـته است نـام می برد، و در پایـان، جهت قبله میهن خویش، شـیراز را می شـناساند و از محقّق قــیّومی قاضـی زاده رومی یاد می کند، و از سـخنانش پیداست که سنّی است. می گوید که به هندوسـتان رفتم و نخست به گجرات رسیدم به نزد أبوالفتح محمود شاه(۲) شدم و به درخواست او آغاز سال را در یکم سرطان که آغاز فرمانروایی و تخت نشینی او بود گذاردم تا در دادوستد و کشاورزی و دریانوردی بر مردم دشوار نباشد».

تکلمه: بیفزاییم که ملّا حسین حافظ تبریزی یا حافظ حسین کربلائی تبریزی که در شب چهارشنبه شانزدهم ذی القعده ۹۹۷ در دمشق وفات یافته در کتاب «روضات الجنان و جنّات الجنان ۱: ۴۷۲ ط ۱» در ذیل عنوان مرقد و مزار دَده عمر ایدینی شهیر

۱- ۱) این نسـخه به اهتمام حاج شـیخ احمد شیرازی با «خلاصه الحساب» و «سی فصل» و چند رساله دیگر در طهران طبع شده است. این مجموعه را ناشـر آن در هامش صـفحه آخر «فارسی هیئت» به نام «کلمات الریاضیّین» خوانده است. گزارش شاهمیر بر «فارسی هیئت» در «کشف الظنون» و ذیل آن مذکور نیست.

۲- ۲) در گجرات سه کس به نـام محمود شـاه فرمانروایی کردنـد. یکی محمود شاه بایقرا (۸۴۹ــ ۱۷ رجب ۸۶۳ ــ ۲ رمضان ۹۱۷). دوّمی محمود شاه ناصرخان (۶ شعبان تا ۲۴ شوال ۹۳۲). سوّمی محمود پسر لطیف (از ۹۴۴ تا ۹۶۱) لین پول. زامباور «فهرست دانشگاه».

به روشنی متوفّی ۸۹۲ گوید:

«یکی از فضلای بزرگ فارس موسوم بوده به هبه اللّه بن عطاءاللّه الحسنی الحسینی المشتهر بشاه میر (رحمه اللّه) که دانشمند و محدّث متبحّر بوده، به خدمت حضرت دده مشرّف شده و إنابت نموده و مُلقّن گشته به ذکر، و رساله نوشته در باب أسناد خود، در هر بابی از تفسیر و حدیث و قِراءت، و طُرق طریقت مشایخ خود را نقل کرده، از آن جمله حضرت دده را آورده و آن طریق را به این نوع بیان فرموده: الذکر المقیّد بالضّربین...»، تا آخر که دو صفحه ای را اشغال کرده است.

فعلاًـ بیش از این اطّلاعی از احوال و آثار شاهمیر شیرازی نداریم، و ناگفته نگذاریم که نباید این شخص را با سیّد شاه میر حسینی تبریزی مُجاز از مرحوم شیخ بهائی در سال ۱۰۰۸ اشتباه کرد(۱)، اینک گزارش او بر «تهذیب».

«شرح تهذیب المنطق» را در «کشف الظّنون ۱: ۵۱۷» چنین یاد کرده است: «... و شرح هبه اللّه الحسینی الشهیر بشاه میر، و هو شرح ممزوج مختصر، أوّله: غایه تهذیب الکلام.»

آغاز: «بسم... غایه تهذیب الکلام فتح المنطق بحمد المنعام، و تثنیه نبیّه النّبیه المِقدام محمّد، مقنّن قواعد الاسلام، و آله المهدیّین سبیل (سُبُل، ظ) السّلام، و أصحابه المهتدین مسالک الإعتصام. أما بعد فیقول الفقیر الحقیر هیبه اللّه(۲) الحسینی الشهیر بشاهمیر ألهمه اللّه بفیضه الکثیر: إنّی علّقتُ علی «تهذیب المنطق و الکلام» للإمام الهُمام التمام البحر العلّامه النّحریر الفهّامه، سعد الملّه و الإفاضه والدّین مسعود التفتازانی أدرکه اللّه بفضله السّبحانی، علی طریق التّعلیم و التّفهیم حواشی موصلةً إلی المعنی المستقیم المفهوم من فحاوی کلامه التّقویم (القَویم. ظ)؛ تسهیلًا لموارد الکتاب علی الأولاد و الأحباب... ثم سألنی بعض من أجلّه الاصحاب و شطر من ذوی الألباب أن أجعله شرحًا ممزوجًا متینًا.... و أقول: قال المصنف...».

انجام: «.. و إلاّ فهی مقاصد للمنطقی بالتّحقیق. ختمنا الکلام فهی (فی، ظ) قسم

ص : ۳۱

---

۱ – ۱) «ذریعه ۱: ۲۳۸» اجازه شیخ بهائی را برای این شخص یاد کرده و در ج ۴ صفحه ۱۹۹ او را از مشایخ و استادان امیر فیاض بن هدایه اللّه حسینی مؤلّف کتاب «التصوف و العرفان» به نقل از همین کتاب، معرّفی فرموده، و «أعیان الشیعه ۳۶: ۱۸» نیز این آگاهی را از ذریعه آورده است.

۲– ۲) چنین است در نسخه.

المنطق من «تهذيب المنطق و الكلام» مع غايه ينتج (تنقيح، ظ) المرام بعون المفيض الملهم العلّام فى يوم الإثنين فى الرّابع عشر من محرّم الحرام، عمّت ميامنه بالفيض و الإلهام فى عام واضح جديد بين الأنام، و نرجو أن يكون لتقويه قواعد الإسلام... و أن يوفّقنا لشرح قسم الكلام فإنّه المفضال المنعام الموفّق بحصول المرام».

چنانكه ديده مى شود شارح در روز دوشنبه ۱۴ ماه محرّم از اين گزارش فراغت يافته، به نظر مى رسد، اينكه گويد: «فى عام واضح جديد بين الأنام» مقصودش تاريخ عام واضح باشد به حساب جمل و شمار آن ۹۲۶ مى شود، كه ۲۸ سال پس از تجديد نظر در «آداب سلطنت» خواهد بود. يا آنكه عام واضح جديد تاريخ باشد كه شمار آن ۹۴۷ و بنابراين تاريخ تأليف «شرح تهذيب»، ۴۹ سال پس از تجديد نظر در كتاب ياد شده بوده، امّا هيچ يک با «تقويم و ستنفلد» سازش ندارد. واللّه أعلم.

نسخه: داراى ۶۳ برگ، نام كاتب و تاريخ كتابت ندارد و خالى از غلط نيست، خطّ تعليق ۱۹ سطرى، كاغذ فستقى، همه جا روى متن «تهذيب» به سرخى خط كشيده، عنوان ها نيز به همين رنگ است. قطع ۱۲ × ۱۸ و نيم. جلد تيماج سرخ يك لا.

شرح تهذيب الوصول الى علم الاصول: منيه اللبيب

«۴۹۱» شرح تهذيب المنطق

(منطق ــ فارسى)

از: جمال الدين محمّد بن محمود حسينى شهرستانى.

كتاب: شرح مزجى (تهذيب المنطق) ملّا سعد تفتازانى (متوفى ۷۹۲) است. نسخه هاى ديگرى از اين شرح در «ذريعه ۱۳: ش ۵۵۷» و «احياء الداثر: ۲۲۴ ــ ۲۲۵» ياد شده و اين كه تاريخ فراغ شارح در پگاه روز بيستم ماه رجب ۹۹۱ بوده است.

شگفتا كه هيچ گونه آگاهى از احوال و آثار ديگر شارح معظّم در دست نيست.

نسخه: نام كاتب و تاريخ كتابت و اثر تصحيح و تحشيه ندارد. خطّ نستعليق ظاهرًا متعلّق به سده يازدهم. ظهر برگ آخر يادداشت «تاريخ فرزندى اعزّى ارجمندى محمّد مؤمن... در شب پانزدهم رجب (۱۰۷۰) سيچقان ئيل...» نوشته شده و امضا ندارد.

«۴۹۲» شرح حاشيه تهذيب المنطق

(منطق ــ فارسى)

از: ميرزا حيدرعلى ابن ميرزا محمّد مهدى بن ملّا هاشم مباركه اى لنجانى، معروف به نديم الملك و نديم باشىِ ظلّ سلطان و ملقّب به فخرالأُدباء.(۱)

۱ – ۱) از این شخص رساله ای به عنوان «تاریخ اصفهان» و «ترجمه مروج الذهب» مسعودی در «فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی (فرهنگ) اصفهان ۱: ۱۵ و ۶۶» معرّفی شده است. نسخه دیگری از «تاریخ اصفهان» مذکور را نیز مؤلّف به خطّ خود نگاشته و به کتابخانه مرحوم آقای تویسرکانی اهدا کرده است. آثار دیگری نیز از آن مرحوم و تصویر او نزد آقای دکتر سیّد احمد تویسرکانی «سلّمه اللّه» است، کما حدّثنی به. شرح حالی از ندیم «مکارم الاثار، سال ۱۲۸۴» و نیز در «مقدمه دیوان طرب: ۱۲۸»، و شرح حالی از استاد موصوفش در «مکارم الاثار، سال ۱۳۲۴» هست.

کتاب: شرح فارسی «حاشیه تهذیب المنطق» معروف به «حاشیه ملّا عبداللّه» است، و چنانکه در خاتمه آن گوید، هنگامی که در مدرسه جدّه بزرگ اصفهان، حاشیه ملا عبداللّه را در خدمت مرحوم آقا میرزا محمّد حسین همدانی می خوانده است، این کتاب را تألیف کرده و در شنبه ۲۳ ذی الحجّه (۱۳۰۰) از آن فراغت یافته.

نسخه: اصل خطّ مؤلّف است و اخیرًا از کتابخانه آیه اللّه حاج میرزا محمّد باقر توی سرکانی بوده.

«۴۹۳» شرح حدیث الغمامه من إعجاز مولانا أمیر المؤمنین علیه السّلام

(شرح حدیث _ عربی)

از: محمّد، یُدعی: سعید، الشّریف، القمّیّ: سرآغاز کتاب. صاحب «شرح کتاب التّوحید. ش ۵۲۲»، متولّد ۱۰۴۹، وفات: نامعلوم.

گزارشی از احوال و آثار او در «شرح کتاب التّوحید. ش ۵۲۲» خواهد آمد.

کتاب: شرح ادبی _ عرفانی و ذوقی خبر مفصّل، مشکل و غریب غَمامه «سحابه، بساط» است که سعید آن را در ایّام اقامتش در اصفهان به سال ۱۰۹۹ آغاز کرده است.(۱)

سال ۱۰۹۹، شصت و دو سالگی علّامه مجلسی _ اعلی اللّه مقامه _ و اوج اشتهار و مرجعیّت آن بزرگوار در این دیار است، و شارح ما در پنجاه سالگی.

در «الذریعه ۱۳: ۱۹۰ _ ۱۹۲» چند شرح بر این حدیث را با عنوان «شرح حدیث البساط» یادآور شده و نخستین آنها شرح «قاضی محمّد سعید بن محمّد مفید القمّیّ،

---

۱ - ۱) گویا چندی پس از مجلّد دوّم «شرح کتاب التّوحید» که در پنجم محرّم الحرام آن سال _ هم در اصفهان _ به پایان برده است. او در شرح حدیث بیست و پنجم از «شرح الأربعین حدیثًا» فرماید: «... أیّام وقوفی بإصبهان _ المحروسه _ لبعض دواعی الضّروره...». امّا دانسته نیست که مرادش در اینجا سال (۱۰۹۹) است یا (۱۰۹۶) که در آن سال هم در اصفهان بوده، یا جز این دو سفر؟.

تلمیذ المحدّث الفیض الکاشانی» جای گفتگو را آورده، و در وجه تسمیه حدیث فرماید:

«انّ السّحابه هبطت بأمیر المؤمنین علیه السلام و انبسطت علی الأرض بأمره کالبساط فجلس القوم علیها و رفعتهم الرّیح حتّی وصلوا إلی جبل قاف و غیره...».

شارح، در این اثر، حدیث را از سه کتاب گرفته و اختلافات جزئی آنها را نیز یادآور شده است، و آن سه کتاب: «المجموع الرائق: ش...» و «المحتضر: ش...» و «بحرالمناقب» از درویش بُرهان (ناشناخته) است که نامش علی فرزند ابراهیم، از مردم سده دهم و نسخه عربی کتابش در دست شارح بوده، و اینک تنها ترجمه ملخّص آن به فارسی به نام «دُرّ بحر مناقب» موجود و به سال ۱۳۱۳ ق در تبریز چاپ شده است: «إحیاء الدّاثر: ۱۵۱».(۱)

آغاز: «بسم. الحمد للّه مُدیر الأدوار و معید الأکوار طبقًا عن طبق».

شارح سعید، در آغاز، مقدّمه ای نهاده و در آن دو مطلب آورده است:

مطلب یکم: به منظور کشفِ حجاب و رفع عُجاب از غرائب حدیث غمامه، تعداد چهل حدیث کوتاه گویای مناقب و مقامات والای معصومین علیهم السلام را ــ عمومًا از کتاب «بصائر الدرجات» صفّار ــ علیه الرحمه ــ نقل کرده و در حواشی، برخی توضیحات درباره آنها داده است.

مطلب دوّم: تمهیدات شش گانه ای برای روشن شدن ذهن خواننده کتاب نوشته و در آن از سخنان ابن عربی اندلسی و در حواشی از اَشعار «مثنوی» استفاده کرده است.

در آخرین تمهید، خبری را از کتاب «مصباح الأنوار» و «الخرائج و الجرائح» آورده و در حاشیه گفته است: «مصباح الأنوار تصنیف الشیخ أبو جعفر الطوسیّ (ره) و الخرائج القطب الراوندیّ، أعلی اللّه مقامه. منه».

امّا «مصباح الأنوار» از شیخ الطائفه قدس سره نیست، بلکه از شیخ هاشم بن محمّد است، چنان که در «ذریعه» و «ثقات عیون» فرموده اند.

مقدّمه «شرح حدیث الغمامه» سی و چهار صفحه نسخه را دربر گرفته است.

سپس، شارح وارد اصل مطلب شده و گوید:

«خبر الغمامه من إعجاز مولانا و سیّدنا أمیر المؤمنین، صلوات اللّه و سلامه علیه.

---

۱ – ۱) خبر غمامه در «المجموع الرائق ۲: ۳۲۷ ــ ۳۳۹، چاپ تهران، ۱۴۱۷ ق» و «المحتضر: ۷۱ ــ ۷۶، چاپ بسیار ناقص نجف

اشرف، ۱۳۷۰ ق» آمده است.

أقول: هذا الخبر كالمستفيض عند جمهور الخاصّه... و قد ذكر هذا الخبر أكثر علمائنا بأسانيدهم المعتبره فی أكثر كتبهم المدوّنه سيّما شيخنا الصّدوق القمّیّ ــ رض ــ فی كتابه المسمّی بمجموع الرّائق...».

واضح است كه ادّعای مستفيض بودن خبر غمامه و اين كه اكثر علماءِ ما به اسانيد معتبره در اكثر كتبشان آن را آورده باشند، شامل چند گونه اغراق و مبالغه است، و نسبت دادن كتاب «المجموع الرّائق» به شيخ صدوق قمّی رضی الله عنه نيز نادرست است، و از «رياض العلماء» مستفاد می شود كه اين نادرستی شايع بوده است يعنی اين كه آن كتاب را كه مؤلّفش سيّد هبه اللّه موسوی (سده ۷ ــ ۸) است، در آن زمان ها برخی به شيخ صدوق و برخی به شيخ مفيد نسبت می داده اند. بگذريم.

شارح، عبارات حديث غمامه را ــ جمله، جمله ــ با عنوان «متن» آورده و شرح كرده است. در نسخه، همه جا عبارات متن به سرخی نوشته شده است.

او در سخنان خود، علاوه بر استفاده از اخبار و احاديث اهل بيت عليهم السلام و كتب ادب و آداب، مكرّر از كلام ابن عربی اندلسی نيز ــ با تجليل و تقديس ــ استفاده می كند، رويّه ای كه در ديگر تأليفات خود به كار برده است. از اشعار «مثنوی» و جز آن نيز گاه در متن و گاه در حاشيه به استشهاد می آورد.

شارح، پس از اتمام شرح خبر غمامه، باز برای تأييد صحّت مضامين آن خبر، «خطبه البيان»(۱) معروف را ــ با ادّعاءِ استفاضه ــ با توضيحاتی آورده، و سپس همچنان با عنوان «ختامه مسكيّه» حديثی از آخر كتاب «بصائر الدرجات» منقول از صباح المدائنی، از مفضّل آورده ــ و آن در حقيقت، نامه ای است از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام در پاسخ به نامه مفضّل به آن حضرت ــ كه شارح، جمله، جمله، با عنوان «متن» نقل و شرح كرده و با وصيّتی كتاب را به پايان برده است.

---

۱ – ۱) برای معرّفی اجمالی و مهمّ اين خطبه و شروح آن به «الذريعه ۱۳: ۲۱۸ و ش ۷۷۵ تا ۷۷۷ و نيز ۷: ۲۰۰ و ۲۲: ش ۶۸۶۰ و ۲۴: ش ۱۰۹۳» رجوع فرمايند. در كتاب شريف «بحارالأنوار» خطبه البيان و امثال آن را روايات غاليان و اشباه آنان دانسته اند: «و ما ورد من الأخبار الدالّه علی ذلك كخطبه البيان و أمثالها فلا يوجد الاّ فی كتب الغُلاه و أشباههم...». كتاب الامامه، باب نفی الغلوّ فی النبیّ و الأئمّه. در «فذلكه»×××× توضيح درباره غلوّ و تفويض: «بحار ۲۵: ۳۴۸، تهران، ۱۳۸۸».

نسخه جای گفتگو همانند نسخه دیگر ما «مجموعه ش...» تاریخ ختم تألیف ندارد و این دو نسخه تقریبًا شبیه یکدیگرند، امّا در نسخه سوّم ما «مجموعه ش...» که در بسیاری از جاها با آن دو اختلاف دارد تاریخ پایانش این چنین است:

«... و اتّفق الفراغ من هذه النمیقه فی سنه ألف و مائه، علی یدی مؤلّفه المفتاق إلی رحمه بارئه اللّطیف محمّد المدعوّ بسعید الشّریف، عفی [عفا] اللّه عنه».

آغاز هر سه نسخه این گونه است:

«... و أنعم علیّ بإعطاءِ الرّخصه عام تسع و تسعین من ثانی ألف الهجره، أیّام إقامتی بإصبهان _ المحروسه _، حین ما ارتقی العمر درجات الخمسین و وصل إلی إحدی مَراقی السّتّین...».

از این عبارت و از پایان «مرقاه الأسرار» که از رسائل «کتاب الأربعیّات» خود او است معلوم می شود که محمّد سعید به سال یکهزار و چهل و نه (۱۰۴۹) پای به این جهان گذارده است، یعنی دوازده سالی پس از تولّد علاّمه مجلسی _ أعلی اللّه مقامه _.

همین جا یادآور شویم که این بزرگوار، یعنی مولانا العلاّمه المجلسیّ، خبر غمامه را در آخر باب چهاردهم مجلّد هفتم کتاب شریف «بحار الأنوار» که «باب أنّهم علیهم السلام سُخّر لهم السّحاب و یُسّر لهم الأسباب» است، پس از نقل چهار حدیث، همه از کتاب «الاختصاص» شیخ مفید _ أعلی اللّه مقامه _ فرماید:

«أقول: قال الشیخ حسن بن سلیمان _ رحمه اللّه _ فی کتاب «المحتضر»: روی بعض علماءِ الامامیّه فی کتاب «منهج التحقیق إلی سواءِ الطریق» باسناده عن سلمان الفارسیّ».

سپس خبر غمامه را _ بتمامه _ از آن کتاب، بدون هیچ توضیح و تفسیری، آورده و در پایان فرموده است:

«أقول: هذا خبرٌ غریب لم نره فی الأصول الّتی عندنا و لا نردّها و نردّ علمها إلیهم علیهم السلام»:(۱)

۱- ۱) مرحوم حاج امین الشریعه خویی در کتاب «میزان الصواب ۲: ۷۹۰، تهران، ۸۴ ش» خبر غمامه را با ترجمه و شرح آورده و در (ص ۷۹۵) گوید: «... پس شروع به ذکر حدیث غمامه کرده و آن حدیثی است که مجلسی در «عین الحیات» آن را با ترجمه ذکر و روایت کرده است و شیخ جلیل صدوق به اسناد خود و در کتاب مجموع الواثق من أنهار الحدائق...». اغلاط چاپی و غیره فراوان است، و ادّعاءِ وجود حدیث غمامه و ترجمه آن در کتاب شریف «عین الحیات» علاّمه مجلسی قدس سره به اثبات نرسید.

«بحار الانوار ۲۷: ۳۳ _ ۴۰، چاپ دار الكتب الاسلاميّه، طهران، ۱۳۹۰».

پس بايد از جناب سعيد كه اين «خبر غريب» را _ ولو به مذاق دور از متعارف _ شرح و تأويل نموده است، سپاسگزار بود رحمه اللّه عليه.

شارح در آخرين صفحه كتاب، پس از وصيّتى به برادران ايمانى در اِذعان و اعتراف به مقامات شامخه و معجزات باهره ائمّه اطهار عليهم السلام و تحذير از تأمّل و اِنكار، گفته است:

«و ليكن هذا آخر ما أردنا ايراده مِن كشف بعض أسرار هذا الخبر، فإن أصبنا فى ذلك فمن اللّه الأكبر و من أنوار الأئمّه الاثنى عشر، و إن أخطأنا فمن أنفسنا منبع الشرّ و الضّرر، و نستغفر اللّه من هفوات اللّسان و ترّهات أهل الشكّ و العدوان، و من اللّه أسأل العصمه عن الخطاءِ، و إلى اللّه المشتكى. إلى هنا آخر كلام الشارح العلّامه، رحمه اللّه تعالى».

نسخه: به خطّ محمّد باقر اصفهانى «فرزند احمد، غفر اللّه له». تاريخ پايان استنساخ: پسين روز دوشنبه دهم صفر المظفّر ۱۲۱۶. داراى ۱۱۳ برگ و چند برگ بياض عطف و بدرقه. حجم: جيبى. اثر مقابله و تصحيح ندارد.

كاتب در طرّه صفحه نخست به سرخى نوشته است:

«هذه رساله الحاديه عشر من رسائل الأربعيتّات للمولى الكامل العارف الكاشف قاضى سعيد القمىّ، و هى شرح خبر الغمامه من إعجاز مولانا و سيّدنا أميرالمؤمنين، صلوات اللّه و سلامه عليه».

مُهر كاتب در گوشه همان صفحه «لا إله إلّا اللّه الملك الحقّ المُبين. عبده محمّد باقر» نقش بسته است.

گويا نسخه «كتاب الأربعيتّات. ش...» به دستور همين شخص نوشته شده است.

«در اربعين ۱۴۲۷ مبيّضه شد».

«۴۹۴» نسخه ديگر

نسخه: نام كاتب و تاريخ كتابت و اثر تصحيح و مقابله و امتيازى ندارد، و از آثار نيمه سده سيزدهم است.

دو نسخه ديگر از «شرح حديث الغمامه» كه در مجموعه ها بيايند:

۱ ــ نسخه ضمیمه «دلائل الإمامه» طبری: «مجموعه ش...».

۲ ــ نسخه میان «أسرار العبادات» و «شرح الأربعین حدیثًا»: «مجموعه ش...».

در «فهرستگان نسخه های خطّی ۴: ش ۱۷۷۶» چهل و یک نسخه از این اثر را شناسانده اند.

«۴۹۵» شرح حرز الأمانی

(تجوید ــ عربی)

از: ناشناخته.

کتاب: شرح قصیده لامیّه «حرز الأمانی و وجه التّهانی. ش ۳۴۹» معروف به «شاطبیّه» ابومحمّد القاسم بن فیرُّه شاطبی شافعی مقرئ (۵۳۸ ــ ۵۹۰) است: «الوافی بالوفیات ۲۴: رقم ۱۶۵».

آغاز: «بدأتُ ببسم اللّه... أوّلاً منصوبٌ علی الظرف أو علی صفه موصوفٍ محذوفٍ، تفسیره: نظمًا اوّلاً».

انجام: «أی ماولیه لشعبه حالٌ من المکسور أی حالکونها قراءه».

نسخه: از آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت دانسته نیست. ظاهرًا در سده دهم کتابت شده. تملّک آقا محمّد جعفر ولد آقا محمّد رضا ظهر نسخه هست.

«کاشف المعانی. ش...» و «شرح عقیله أتراب القصائد. ش...» ملاحظه شود.

شرح خبر رأس الجالوت: الفوائد الرضویّه

«۴۹۶» شرح خلاصه الحساب

(ریاضی ــ عربی)

از: شیخ جواد بن سعد بن جواد کاظمی علیه الرحمه: «الروضه النضره: ۱۲۶ ــ۱۲۷».

کتاب: شرح مزجیِ «خلاصه الحسابِ» مرحومِ شیخ بهاءالدین محمّد عاملی (متوفی ۱۰۳۰)، استاد شارح است و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد یونس بن یسن. تاریخ استنساخ: «۱۵ جمادی الاولی ۱۰۹۶» در نجف اشرف. اشکال ریاضی همه به شنگرف در متن و حواشی رسم شده است. مُهر «العبد رضا بن محمّد مهدی الحسنی الحسینی» و تملّک محمد حسین شراره در برگ اوّل دیده می شود. از کتابخانه آیه اللّه آقا شیخ محمّد رضا ابوالمجد اصفهانی بوده است.

«۴۹۷» شرح دعاءِ الصباح

(عربی)

از: آخوند ملّا اسمعیل «به رسم الخطّ خودشان» محمّد بن حسین بن محمّدرضا مازندرانی خاجوئی، صاحب «جامع الشّتات. ش ۲۱۷».

ص : ۳۸

کتاب: شرحی است بسیار محقّقانه و آموزنده بر دعاءِ شریف صباح منتسب به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ، و آن را در «الذریعه ۱۳: ص ۲۵۲ _ ۲۵۳، بدون شماره» عنوان کرده و فرموده اند: «طبع بهامش «زاد المعاد» المطبوع بالقطع الکبیر... و اسمه مفتاح الفلاح فی شرح دعاءِ الصّباح». و در «ج ۲۱ ش ۵۳۷۲» به نقل از «فهرست کتابخانه دانشکده الهیّات تهران ۱: ۸۱۱ د» فرموده اند: «مفتاح الفلاح و مصباح النجاح، فی شرح دعاءِ الصّباح، لمحمّد اسماعیل بن حسین بن...».

اینک گوییم که: اوّلاً در «فهرست مشار» نزدیک به چهل گونه چاپ «زاد المعاد» مرحوم علاّمه مجلسی یاد شده است امّا از این که «شرح دعاءِ الصّباح» در هامش نسخه ای باشد در آنجا خبری نیست.

ثانیًا: در همان «ذریعه ۲۱ ش ۵۳۷۴» نوشته اند: «مفتاح الفلاح و مصباح النجاح» اسمٌ لدعاءِ الصّباح المنسوب إلى أميرالمؤمنين عليه السلام كما صرّح به الحاجّ مولی [كذا] هادی السبزواریّ فی شرحه للدعاءِ...».

همین سخن درست است، یعنی که نفس آن دعاءِ شریف به این عبارت وصف شده است، و مرحوم آخوند ملاّ اسماعیل نیز به همین مطلب در سرآغاز کتابش تصریح نموده است: «هذا الدعاءُ الشریف الموسوم بدعاءِ الصباح الموصوف بمفتاح الفلاح و مصباح النجاح».

پس ادّعاءِ این که «مفتاح الفلاح و مصباح النجاح» نام شرح آخوند ملاّ اسماعیل است خطای محض می باشد، و شارح _ گویا احترامًا و تواضعًا _ نامی برای شرح خود نگذارده است. مع الأسف کتاب را با همان عنوان اشتباه، در مشهد مقدس «به سال ۱۴۱۴ ق» چاپ کرده اند.

نسخه: دارای ۶۷ برگ، کاغذ اصفهانی آبی رنگ، «۱۷ و نیم × ۱۱». از برگ ۴۲ تا آخر به خطّ آقا سیّد ابوالقاسم موسوی، کاتب _ همزمانِ _ نسخه «الرساله الاثناعشریّه. ش ۳۹۶»، و ترقیمه اش این چنین است:

«قد تشرّفتُ بتتمیم هذا الکتاب المستطاب فی ظهر یوم الأحد غرّه شهر محرّم الحرام، و هو یوم تحویل الشمس إلى المیزان. و أنا العبد الأثم ابوالقاسم بن جواد الموسویّ، سنه ۱۲۷۱ من الهجره...».

چهل و یک برگ اوّل نسخه به خطّ شخص دیگری از أعلام همین خاندان است. علیهم الرحمه و الرضوان.

تملّک «میراثی» آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّـدهاشم چهارسوقی ــ أعلی اللّه مقامه ــ به تاریخ ۱۲۷۵ «سال فوت والد ماجد» و مُهر ایشان «محمّدهاشم بن زین العابدین الموسویّ» ظهر نسخه هست.

«۴۹۸» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ نیای اعلی، عالم جلیل آیه اللّه حاجّ میر سیّد محمّـد بن زین العابدین موسوی چهارسوقی. ختم استنساخ: ۲۹ جمادای دیگر ۱۲۹۱. ظاهرًا از روی نسخه سابق الذکر استنساخ شده است.

«۴۹۹» شرح دیوان مرتضوی

(فارسی)

از: قاضی حسین بن معین الدین میبدی یزدی، صاحب «شرح الهدایه. ش ۵۴۸».

کتاب: شرح دیوان اشعار منسوب به امیرالمؤمنین و امام المتّقین علیّ بن ابی طالب علیه السلام است، با یک مقدّمه محقّقانه مفصّل و مبسوط در هفت فاتحه، و به طبع رسیده.

میبدی در مقدّمات مذکوره بسیار دم از تسنّن زده و دفاع از آن سه خلیفه نموده و آشکارا به مذهب مخالفان اهل البیت علیهم السلام و مشرب متصوّفان گراییده است. فراغت از تألیف: ماه صفر ۸۹۰.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، مانا از قرن یازدهم است. ظهر نسخه، سیّد محمّد موسوی شوشتری اصفهانی نوشته است که نسخه از آنِ حاجی میرزا عبدالرزاق رشتی است. تملّک و مهر «قوام الدین بن عبدالرزّاق الرشتی» نیز ظهر نسخه هست.

شرح الروضه البهیه: المناهج السویّه

«۵۰۰» شرح زبده الأصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: شیخ محمد جواد کاظمی معروف به فاضلِ جواد، صاحب «شرح خلاصه الحساب. ش ۴۹۵».

کتاب: شرح «زبده الأُصول» شیخ بهاءالدین عاملی ــ علیه الرحمه ــ است به «قال، أقول» و در زمان حیات شیخ تألیف شده.

نسخه: به خطّ جعفر بن آقا اسمعیل خوانساری. تاریخ استنساخ: «لیله الاحدی من

العشر الاخر» ماه ذی القعده ۱۲۳۱. دارای حواشی «منه» به خطّ کاتب.

«۵۰۱» شرح زبده الأصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: آخوند ملّا محمّد صالح بن احمد بن شمس الدین سَرَوی مازندرانی (متوفّی ۱۰۸۶)، داماد علّامه مجلسی اوّل علیهما الرحمه.

کتاب: شرح مزجی است بر کتاب «زبده الاصولِ» شیخ بهاءالدین محمّد عاملی (متوفّی ۱۰۳۰) اعلی اللّه مقامه.

نسخه: تقریبًا دو ثلث آن در زمان مؤلّف استنساخ شده و دارای حواشی «منه، دام ظلّه» است و نصف دیگر در سده سیزدهم کتابت شده و فاقد تصحیح، تحشیه و امتیاز است، و نام کاتب و تاریخ هیچ یک از دو کتابت نوشته نشده است.

«۵۰۲» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ محمّد علی بن محمود جان بهبهانی است که از روی نسخه اصل نوشته و در صفحه آخر در حاشیه از قول شارح آورده است که به سال ۱۰۳۸ مطابق «تمّ الشرح بحمده» از آن فراغت یافته است.

پایان استنساخ: شنبه پنجم شوّال ۱۲۳۳. مُهر کاتب فاضل: «عبده محمّد علی» و مُهر «عبده محمّد صالح الطباطبائی» در پایان، و فهرست مطالب به خطّ مرحوم آقای حاج میرزا محمّد باقر توی سرکانی اصفهانی، ظهر نسخه هست.

«۵۰۳» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ محمّد کاظم بن محمّد نصیر هزارجریبی. پایان کتابت: ۱۲۱۷. حواشی شخص شارح در همه جای نسخه نوشته شده، و روی برگ اوّل یک رباعی در تاریخ تألیف «زبده» به خطّ کاتب نسخه، و نام کتاب و مؤلّف به خطّ جدّنا الامام المجدّد صاحب «روضات الجنّات» ــ اعلی اللّه مقامه الشریف ــ و مُهر مبارک ایشان دیده می شود.

شرح الشّاطبیّه: شرح حرز الأمانی: کاشف المَعانی××××

«۵۰۴» شرح الشافیه

(صرف ــ عربی)

از: کمال الدین محمّد، فسوی شیرازی، میرزا کمالا.

ابن الحاجب، جمال الدین ابو عمرو عثمان بن عمر بن ابی بکر بن یونس، روینی

مصری دمشقی اسکندری؛ از فقیهان مالکی مذهب و صاحب تألیفات مُتقَنه مشهوره ای است، مانند «شافیه» در تصریف و «کافیه» در نحو و «منتهی السؤل و الأمل فی علمی الأُصول و الجدل» و «مختصر المنتهی» که همه در کمال شهرت و اهمیّت است و مکرّر به طبع رسیده.

«الکافیه» او نخستین بار به سال یکهزارم هجری (۱۵۹۲ م) در ۹۵ صفحه در ایتالیا (روما) چاپ شد: «قائمه بأوائل المطبوعات العربیّه ص ۱».

ابن حاجب به سال ۵۷۰ در اسنای صعید مصر متولّد شد، پدرش مردی کُرد و لشگری بود و به دربانی امیر عزّالدین موسک صلاحی اشتغال داشت. وی ابتدا در قاهره به تحصیل علوم پرداخت و جمله ای از قراآت و احادیث را نزد شاطبی خواند و فقه را از ابومنصور ابیاری فراگرفت، سپس به دمشق رفت و در زاویه مالکیانِ مسجدِ جامعِ آنجا به تدریس پرداخت و فضلاء به او متوجّه شدند و نزدش به استفاده پرداختند، علم نحو بر او غلبه داشت و دارای قریحه ای تند و ذهنی مستقیم بود. پس از مدّتی به مصر بازگشت و به سال ۶۴۶ در اسکندریّه درگذشت و در تربت شیخ ابن ابیشامه که بیرون باب البحر است به خاک رسید(۱).

«شافیه» کتاب کوچکی است در علم صرف و در خاتمه آن بابی در فنّ خط آورده است. شافیه چنان که در «فهرست دانشگاه» آرد، حدود یکهزار بیت است و هم جداگانه و هم با گزارش هایی از دیگران مکرّر به طبع رسیده است که از همه مشهورتر «شرح نظام أعرج نیشابوری» است که جزو کتب درسی می باشد، و دیگر «شرح رضیّ استرابادی علیه الرحمه» است. آقا هادی بن ملّا محمّد صالح مازندرانی ــ علیهماالرحمه ــ نیز که معروف به آقا هادی مترجم و دارای تألیفاتی است، بر شافیه گزارشی به فارسی نگاشته که نسخه آن در «فهرست دانشگاه ۲: ۴۰۷ ــ ۴۰۹» شناسانده شده است.

«شرح شافیه» جای گفتگو، نگارش دانشمند جلیل کمال الدین محمّد بن معین الدین محمّد فسوی شیرازی، معروف به میرزا کمالا، داماد مولانا محمّدتقی مجلسی (۱۰۰۳ ــ ۱۰۷۰) است و در «ذریعه ۱۳: ۳۱۴» یاد و آغاز آن را نقل کرده، لکن نسخه ای نشان نداده اند.

۱ـ ۱) «معجم المطبوعات: ۷۱»، «فهرست دانشگاه ۲: ۴۰۵».

شرح حال میرزا کمالا در «روضات الجنّات: ۴۹۶» در حرف کاف به عنوان «کمال الدین محمّد» آمده و در آنجاست که وی از علماء و ادباء و فضلاءِ اوائل سده دوازدهم هجری بوده، شرحی مزجی مبسوط و خوبی بر شافیه ابن حاجب در علم تصریف و شرحی بر قصیده مشهور دعبل خزاعی نگاشته و من «صاحب روضات» بیش ازین اطّلاعی بر احوال او نیافتم، جز این که در ذیل ترجمه فاضل هندی طریقِ روایتیِ او خواهد آمد، و نسبت او به «فسا» است که شهری است در فارس...

و در ذیل ترجمه مرحوم فاضل هندی «ص ۶۲۱» کلامی از میرزا ابراهیم قاضی اصفهانی نقل شده است که از جمله گوید: «و أروی عن جماعه من مشیختی الّذین صادفتُهم و قرأتُ علیهم مؤلّفاتهم. منهم العلّامه الجلیل الورع المحقّق الفقیه المفسّر الأدیب المتکلّم المولی کمال الدین محمّد بن معین الدین محمّد الفسوی، قدّس سرّه».

نویسنده پاورقی «تذکره القبور ــ رجال اصفهان: ۱۲۷» آنجا که قبور مدفونین در بقعه منوّر مجلسیّین را یاد کرده، گوید: «سیزدهم ــ قبر میرزا کمال الدین فسائی شیرازی که داماد مجلسی اوّل بوده، در همان بقعه است، و شرح بر شافیه ابن حاجب نوشته در صرف که شرح بسیار خوب و مرغوبی است».

«شرح قصیده دعبل» میرزا کمالا در «ذریعه ۱۴: ۱۲» یاد شده و آنجاست که وی در ۱۴ ماه رمضان ۱۱۰۳ در اصفهان ازین شرح فراغت یافت، و این شرح به سال ۱۳۰۸ در طهران به طبع رسیده است(۱).

آغاز: «بسم... ربّ اشرح لی صدری و یسّرلی أمری، إنّک علی کلّ شیء قدیر، و بالإجابه جدیر، الحمدللّه الّذی أمال قلوبنا برحمته إلی صرف الهمم نحو اقتناءِ الکمال، و تفضّل علینا برأفته بإدغام النعم فیالنعم علی کلّ حال.... بعد، فیقول أفقر المذنبین إلی عفو ربّه و رحمته... محمّد الشهیر بکمال الدین بن محمّد الشهیر بمعین الدین الفسوی... : هذه عُجالهٌ أجریتُها مجری الشرح لشافیه جمال الدین أبی عمرو عثمان بن أبی بکر

---

۱ – ۱) برای آگاهی بیشتر از احوال و آثار مرحوم میرزا کمالا به «زندگینامه علّامه مجلسی ۲: ۳۵۱» و «کواکب منتشره: ۶۱۸» و «دو گفتار: ۲۱، ۲۳، ۴۷» از این جانب، رجوع فرمایند. (ش ۳۵۲) این فهرست نیز دیده شود. بیفزاییم که از رساله مرحوم میرزا حیدرعلی الماسی در «أنساب خاندان علاّمه مجلسی» و «مرآه الأحوال» مرحوم آقا احمد کرمانشاهی معلوم می شود که از کمالا هیچ گونه بازمانده و اعقابی شناخته نشده است. از تاریخ تولد و وفات آن مرحوم هم خبری نیافتیم.

المعروف بـابن الحاجب، راجيًا من اللّه ــ عمّت آلاؤه ــ أن ينفع بها كلَّ طالب. و اقتصـرتُ فيها على كشف المقاصـد، و طويتُ الكشـح عن الزوائـد؛ إلاّ ما ناسب المقام واقتضـته الحال من النكت و الفوائـد، ليوافق مبتغى من حدانى ابتغائهم على هذا التعليق، مع كثره الشواغل...».

انجـام: «مع أنّ ألفها رابعه فى الطرف فتمال اسـمًا. وليكن هـذا آخر العُجاله الّتى قصـد تعليقها على هـذه الرساله مع الاحتراز عن الايجاز المخلّ و الإطاله المُملّ. والعذر عمّا فيه من السهو و الخلل قلّهُ البضاعه و كثرهُ الشواغل و توفّرُ الدواعى إلى العجل.

و اتّفق تعليقها على يد مؤلّفها المذنب الراجى عفو ربّه و مولاه... فى عدّه أشـهر خاتمتها خاتمه شـهر رمضان المبارك من السـنه الثامنه من المائه الثانيه من الألف الثانى من الهجره، و الحمدللّه المحمود فى أفعاله و الصلوه على سيّد رسله و آله. قد وقع الفراغ من تسويدها فى يوم الجمعه ثامن عشر شهر ربيع المولود من شهور سنه ثمان و عشرين و مائه بعد الألف. تمّت».

نسخه: دارای ۱۵۲ برگ. برگ های اوّل و آخر سفید است، روی برگ ۲، تملّک و مهر محمّد کاظم مورّخه «ج ۱ ــ ۱۲۴۲» و تملّک و مهر «محمّد باقر بن محمّد باقر» و پاره ای اشعار عربی نوشته شده، کاغذ چاربغل، جلد تیماج قرمز، آستر تیماج مشکی باسرطبل، خطّ نسخ ۲۵ سـطری، عناوین در متن یا حاشـیه ها به شنگرف، بالای عبارات متن «شافیه» نیز به شنگرف خط کشیده شده. قطع ۱۷ × ۲۷، متن ۹ و نیم × ۱۹ و نیم. حواشـی مؤلّف همه جا در هامش به خطّ شکسته نستعلیق مختوم به «منه» یا «منه، مدّظلّه العالی» یا «منه، زیدت برکاته» و امثالها نوشـته شده. حواشـی دیگری نیز از «محمّد کاظم قزوینی» دارنده نسخه و «محمّد صادق» و «سیّد محمّد، دام ظلّه» دیده می شود. نسـخه نام کاتب ندارد. تاریخ تألیف «آخر ماه رمضان ۱۱۰۸» و تاریخ استنساخ «جمعه ۱۸ ع ۱ــ ۱۱۲۸» از پایان نسخه در بالا نقل شد.

«۵۰۵» شرح الشافيه شرح كتاب التصريف

(صرف ــ عربی)

از: احمد بن حسن جاربردی.

کتـاب: در شـرح کتـاب الصّیـرف ابن حـاجب معروف است که مشـهور به «الشـافیه» می باشـد، به «قوله»، و شـارح آن را به نـام سعدالدین محمّد بن تاج الدین علی ساوی مصدّر

نموده است.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: ۱۱۰۷. تعداد اوراق «۱۶۵ برگ». دارای حواشی متفرّقه است.

«۵۰۶» شرح الشّافیه

(صرف ـ عربی)

از: نامعلوم.

کتاب: در شرح «الشافیه» ابن الحاجب عثمان بن عمر کُردی (متوفی ۶۴۶) است، در فنّ صرف.

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است و لذا نام مؤلّف و کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. ظاهرًا نسخه متعلّق به سده نهم یا دهم است.

آغاز نسخه: «سفرجل و قرطعب» للشّیءِ الحقیر «و جحمرش» للعجوز «و قزعمل» للإبل الضخم.

پایان نسخه: «و الکسر ضعیف عکس من ابنک» فانّ الکسر فی مثله واجب علی الأصل و الفتح ضعیف لأنّه لم یکثر کثره من مع لام.

خریداری از بقایای کتابخانه مرحوم آقا شیخ محمّد رضا نجفی ابوالمجد اصفهانی.

«۵۰۷» شرح شافیه أبی فراس، فی مناقب آل الرسول و مثالب بنی العباس

(مناقب و مثالب ـ عربی)

از: ابو جعفر محمّد ابن امیر الحاجّ الحسینی ـ علیه الرحمه ـ صاحب چند تألیف که در «ذریعه» و ذیل عنوانش در «کواکب منتثره: ۶۴۳» یاد شده اند. او در سده دوازدهم در نجف اشرف می زیسته و چندی پس از ۱۱۸۰ درگذشته است. عمود نسب او تا حضرت امام زین العابدین علیه السلام را در «ذریعه ۱: ش ۲۲۳» نوشته اند، امّا در «کواکب»، چند مورد ـ سهوًا ـ افتادگی دارد.

شرح حال ابو فِراس نیز در «دائره المعارف»های بزرگ فارسی و عربی به تفصیل و در «الکنی و الألقاب» به اختصار آمده است.

کتاب: شرح «الشافیه» قصیده میمیّه حارث بن سعید بن حمدان، ابو فِراس حَمدانی مقتول به سال ۳۵۷ است، و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ دو کاتب است و قسمت آخر به خطّ حسن بن سیّد یوسف بن سیّد

نعمت حسینی جزائری است. تاریخ استنساخ: «پنجشنبه ۱۵ ذی القعده ۱۲۳۸». مطالب متفرّقه ای در اوائل و اواخر نسخه نوشته شده است. ظهر نسخه اسامی حاجی محمّد بن شیخ نورالدین طریحی و سیّد حسن سیّد یوسف دیده می شود. ابتیاعی از کتابخانه عمّ اکرم اعلی مرحوم آقا میرزا سیّد مجتبی قوام الاسلام روضاتی.

شرح شرایع الاسلام: أحکام الخمر و سائر المسکرات

شرح الشّرح: حاشیه شرح مختصر المنتهی

شرح الصّحیفه السّجادیّه: ریاض السّالکین

شرح الصحیفه السّجادیّه: شفاء الصّدور

«۵۰۸» شرح عقیله أتراب القصائد فی أسنی المقاصد

(قراآت ـ عربی)

از: نامعلوم.

کتاب: شرحی است بر منظومه رائیّه أبو محمّد قاسم بن فیرُّه شاطبی که نامش «عقیله أتراب القصائد، فی أسنی المقاصد» است و آن نظم کتاب «المُقنِع» عثمان بن سعید دانی است، در رسم مصحف کریم.

نسخه: به خط حافظ محمّد افندی بعرب زاده القرّا «کذا». تاریخ کتابت: ماه شوّال ۱۱۳۶. چند برگ از آغاز نسخه مفقود شده است و لذا اسم کتاب و مؤلّف معلوم نشد. «شرح حرز الأمانی. ش ۴۹۴» ملاحظه شود.

ابتیاعی از کتابخانه مرحوم آقا شیخ محمّد رضا ابوالمجد نجفی.

«۵۰۹» شرح غُرر الحکم و دُرر الکلم

(شرح حدیث ـ فارسی)

از: مولانا جمال الدین محمّد بن مولانا آقا حسین خوانساری ـ رحمه اللّه علیهما ـ صاحب «حاشیه حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۶۱».

کتاب: شرح مبسوط فارسی است ـ به درخواست شاه سلطان حسین صفوی ـ بر کتاب قاضی ناصح الدین ابوالفتح عبدالواحد بن محمّد بن عبدالواحد تمیمی آمدی ـ علیه الرحمه ـ متوفّی در نیمه نخست سده ششم، که مجموعه ای است از کلمات قِصار منقول از

حضرت امیرالمؤمنین _ علیه الصلوه و السّلام _ : «الثقات العیون: ۱۶۹». چاپ شده است.

نسخه: مشتمل بر شرح کلماتی است که از حرف الف به لفظ «إیّاك» شروع شده تا آخر حرف الف. و سپس حرف باء تا آخر شرح حدیث «بُشر المؤمن فی وجهه و حُزنه فی قلبه». نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به خطّ و سبك نسخه های دیگر است. صفحه اوّل دارای سرلوح طلا و سایر صفحات نیز مجدول مذهّب است.

«۵۱۰» نسخه دیگر

نسخه: مشتمل بر شرح کلماتی است که با حرف میم آغاز می شود. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، امّا واضح است که در زمان شارح به خطّ خوش یکی از ترجمه نویسان آن زمان نوشته شده. صفحه اوّل دارای سرلوح طلا و دیگر صفحات مجدوَل مذهّب است.

«۵۱۱» نسخه دیگر

نسخه: مشتمل بر شرح کلماتی است که از حرف نون به لفظ «نعم» شروع شده تا آخر کتاب که حرف یاء است و به شرح «یقبح بالرجل أن یقصر عمله عن علمه و یعجز فعله عن قوله» خاتمه یافته.

انجام: «و امر می کند مردم را به آن. و الحمد للّه علی ما وفّقنی... و آله الغرّالکرام. و کان ذلك فی شهر محرّم الحرام سنه ألف و مائه و سبع عشره من الهجره» که این سال ۱۱۱۷، تاریخ انجام شرح است.

کاتب: محمّد صادق، که نویسنده نسخه های دیگر همین دوره نیز بوده است.

توضیحًا، پس از انجام کتاب، قسمتی از حرف لام آمده است. از لام زائده تا شرح «لذّه الکرام» و روی برگ اوّل چنین نوشته اند: «اجزاءِ باب حرف لام درین جلد بیجا گذاشته شده باید در جلد سابق پیش از باب میم جلد شود».

صفحه اوّل باب لام مذکور، دارای سرلوح کوچکی است، و روی برگ اوّل چنین نوشته شده:

«کتاب ترجمه غرر و درر تألیف مرحمت پناه آقا جمال، قطع بزرگ کاغذ سمرقندی مجدول بطلا، جلد بلغار ترنج دار، به تاریخ شهر رجب _ کذا _ ۱۱۲۲».

الشرح القدیم: تسدید العقاید

«۵۱۲» شرح قصیده البُرده

(مدائح _ عربی)

ص : ۴۷

از: مولانا محمّد صالح مازندرانی، صاحب «شرح الکافی. ش ۵۱۶».

«قصیده بُرده» از جمله قصائد طنّانه ای است که در مدح پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سروده شده و سراینده آنها شرف الدین ابوعبداللّه محمّد بن سعید بن حمّاد ابن محسن بن عبداللّه بن صنهاج بن هلال صنهاجی، معروف به امام بوصیری است. وی از ادیبان و شاعران دانشمند عرب است که به سال ۶۰۸ متولّد و به سال ۶۹۶ در اسکندریّه مصر بدرود زندگی گفت. شرح حال بوصیری در پاره ای از کتب تراجم از جمله «فوات الوفیات ۲: ۲۰۵» و «ریحانه الأدب ۱: ۱۷۷ _ ۱۷۹» یاد شده است.

قصائدی که این شخص در مدح حضرت رسول صلی الله علیه و آله سروده در منتهی درجه شهرت و عظمت است، مانند «قصیده همزیّه» و «قصیده بانت سعاد» و همین «قصیده بُرده» و دیگر قصائد که نوعًا با گزارش های گوناگون به طبع رسیده است.

قصیده بدیعیّه بُرده که به نام «الکواکب الدرّیّه فی مدح خیر البریّه» نیز شناخته می شود، یکصد و شصت و دو بیت است: ۱۲ بیت مطلع، ۱۶ بیت پیرامون نفس و هواهای نفسانی، ۳۰ بیت مدائح رسول صلی الله علیه و آله ، ۱۹ بیت در مولد آن حضرت، ۱۰ بیت در دُعابَه، ۱۷ بیت در مدح قرآن کریم، ۱۳ بیت در معراج آن حضرت، ۲۲ بیت در جهادهای آن حضرت، ۱۴ بیت در استغفار، و ۹ بیت در مناجات.

در وجه تسمیه این قصیده به «برده» گویند که بوصیری را بیماریی عارض شد و او برای شفای خود این قصیده را سرود و به حضرت نبوی توسّل جست. سپس در خواب دید که آن حضرت بُردی بر او پوشاندند، از برکت آن عنایت، وی از مرض شفا یافت و از آن پس، قصیده بدین نام خوانده شد و پیشینیان آن را برای شفای از بیماری ها و برآمدن حاجات خود حفظ می کردند و می خواندند.

این قصیده بارها به طبع رسیده، از جمله با گزارش های عربی و فارسی یا با ترجمه های فارسی، تاتاری، جاوه ای، ترکی، آلمانی، که برای شناساییِ بیشتر می توان به «معجم المطبوعات: ۶۰۳ _ ۶۰۵» و «فهرست دانشگاه تهران ۲: ۷۱۵ _ ۷۲۱» و فهرست های دیگر رجوع نمود. این قصیده با سه ترجمه فارسی و ترکی و آلمانی، دوبار در بیش از یکصد سال پیش از این زمان در شهر وین «اتریش» چاپ شده است.

قصیده «برده» را گزارش ها و تخمیس ها و تسبیع ها و ترجمه های فراوانی است که

پیرامون بسیاری از آنها، نویسنده فاضلِ «فهرست دانشگاه» سخن گفته اند، و مقاله بسیار جامع و ممتّع آقای أسعد الطیّب با عنوان «البُرده و الأعمال الّتی دارت حولها» در نشریّه شریفه «تراثنا. ش ۳۸ _ ۳۹ و ش ۴۱_ ۴۲» چاپ شده است و پیرامون شرح مورد گفتگو در شماره دوّمین (ص ۱۹۴) سخنی گفته و از نسخه ما و نسخه مرعشیّه قم نیز یاد کرده اند.

از جمله گزارش ها جای گفتگوست. این گزارش نفیس که گویا چندان نسخه ای از آن در دست نیست، نویسنده آن دانشمند بزرگ آخوند ملاّ صالح مازندرانی «حُسام الدین محمّد صالح بن احمد بن شمس الدین سرَوی مازندرانی اصفهانی» داماد مجلسی اوّل مولانا محمّد تقی بن مقصود علی است رحمه اللّه علیهم.

شرح حال وی در عموم کتب تراجم مانند «روضات الجنات: ۳۳۰ _ ۳۳۱» و «تذکره القبور _ رجال اصفهان: ۱۳۰ _ ۱۳۱» یاد شده است. تألیفات این دانشمند مانند «شرح اصول کافی» و «حاشیه معالم الأصول» و «شرح زبده الاُصول»، همه بسیار مفید و خوش بیان و پر از تحقیق است. وی به سال ۱۰۸۶ وفات یافت و در بقعه منوّر مجلسیّین، جنب مسجد جامع اصفهان به خاک رسید. قبراو دارای سنگ لوح است و مرثیه ای که «زاهد اصفهانی» در فوت او سروده روی آن نوشته اند. مادّه تاریخ چنین است:

جُست تاریخ وفاتش زاهد که: کی آن ذات مؤیّد شده فوت

هاتفی گفت بتاریخ که: «آه صالح دین محمّد شده فوت»

در «روضات الجنّات» و برخی کتب تراجم متأخّران، شطر آخر را که «صالح دین محمّد شده فوت» است، مادّه تاریخ دانسته اند که به حساب جمل «۱۰۸۰» می شود،(۱) لکن صواب آن است که کلمه «آه» را از شطر اوّل نیز باید به حساب آورد که جمعًا «۱۰۸۶» خواهد بود. بنابراین تردیدِ صاحب «ذریعه ۱۴: ۶» و غیره درباره تاریخ فوت میان ۱۰۸۱ و ۱۰۸۶ موردی نخواهد داشت، بخصوص که بر سنگ لوح در زیر مصراع تاریخ، رقم (۱۰۸۶) به روشنی و وضوح تمام حک شده است.

از «شرح قصیده بُرده» جای گفتگو، صاحب روضات یاد فرموده، لکن صاحب «ذریعه ۱۴: ۶» چون به نسخه ای از این کتاب دست نیافته اند، موضوع را با تردید تلقّی نموده پس از عنوان کتاب و نام شارح گویند: «ذکره فی الروضات، و لعلّ مراده «شرح

۱- ۱) در جمع حساب نیز اشتباه شده و آن را «۱۰۸۱» دانسته اند.

المقصوره الدُّرَیدیّه» الّذی مرّ بعنوان شرح الدریدیّه»(۱).

صاحب «ریحانه الأدب ۳: ۴۲۴ _ ۴۲۶» نیز در شرح حال مرحوم ملاّ محمّد صالح از «شرح قصیده برده» یاد کرده است(۲).

شارح، اوّل یک یا چند بیتی از قصیده را نقل و سپس الفاظ و لغات قصیده را یکان یکان تفسیر و ترکیب و سپس معانی اشعار را به کوتاهی آورده و ربط اشعار قبل و بعد را با یکدیگر بیان می کند.

آغاز: «بسم... الحمدللّه الّذی خلق نور محمّد قبل خلق الأرض و السماء، و جعله دلیلاً علی کمال القدره و عظمه الکبریاء، و الصّلوه علیه و علی آله الّذین هم أکرمُ الأحبّاء، سیّما أمیرالمؤمنین علیّ بن أبیطالب سیّد الأوصیاء.

و بعد، فإنی لمّا نظرتُ إلی قصیده بُرده، الّتی نظمها فی مدح النبیّ شرفُ الدین محمّد أبو عبداللّه المصری، وجدتها... علی درر الفوائد، محتویه علی غرر الفرائد؛ أحببتُ أن أشیر إلی تفسیر لغاتها و ترکیبها فی کلّ باب، ثمّ إلی ملخّص معانیها من غیر إخلال و لا إطناب. فأقول: لمّا کان مبناها العشق و المحبّه علی الکمال، عطف عنان المقال إلی وصفه، فقال:

أمِنْ تذکّر جیرانٍ بذی سَلم مزجتَ دَمعًا جری من مُقله بدم

أم هبّت الرّیح من تلقاء کاظمه و أومض البرقُ فی الظلماءِ من أضم

من: تعلیلٌ للمزج، و المصدر مضافٌ إلی المفعول. و الجیران: جمع جار، و فی التنکیر مع دوام التذکّر إشعارٌ بأنّهم لعلوّ المقام لایصل إلیهم الأوهام. و السلم...».

انجام: «و ملخّص المعنی: یارب! وائذنْ لسحائب رحمه فائضه منک علی الدوام... ما رنّحت ریح الصبا أغصان و العذبات «کذا»، و أطرب العیس حادی العیس بطرائف النغمات. یقول الفقیر إلی اللّه الغنی: محمّد صالح بن أحمد المازندرانیُّ: هذا آخر ما أردتُ إثباته فی هذه السطور ذخیرهً لیوم ینفخ فی الصور، مسبّحًا بحمد بدیع الظلمات و النور، و مصلّیًا علی نبیّه ما اختلف اللّیالی و الشهور، محمّد الّذی نشط الخلائق بحدائه

۱- ۱) با تأسّف، در «الروضه النضره: ۲۸۸» تکرارِ همان تردید به چشم می خورد، لکن تاریخ فوت در آنجا اصلاح شده است.

۲- ۲) از همین «شرح برده» یک نسخه نیز به شماره «۸۸۷» در فهرست مرعشیّه قم معّرفی شده است.

فی القبور، فی زمن مکمن الخفاء إلی عالم الظهور، و علی آله و أصحابه الشافعین لأهل الفجور، و یسأل عنهم إذا بُعثر ما فی القبور. تمّت القصیده الشریفه الموصوفه بالبرده لأهل العشق و الحال فی سنه ۱۰۸۳».

نسخه: دارای ۱۲۷ برگ. برگ ۱ و ۲ و آخر عطف و سفید است. روی برگ ۱، مُهر «الراجی جلال الدین بن محمّد مسیح الموسوی» است، یعنی نیای گرامی نگارنده این فهرست؛ مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین چهارسویی، نواده امام مجدّد صاحب «روضات الجنّات» که در شب پنج شنبه ۲۱ ماه صفر ۱۲۸۳ متولّد و چاشت ۱۶ ماه رمضان ۱۳۶۰ وفات یافت و پهلوی پدر نامورش در بقعه منوّر تکیه امام مجدِّد صاحب روضات در تخت پولاد اصفهان ×× شد. شرح حال آن مرحوم را نگارنده در «زندگانی آیه الله چهارسوقی: ۱۷ ــ ۱۸» نگاشته است.

روی برگ سوّم، این شرح به خطّ کاتب نسخه نوشته شده: «شرح [مولانا] محمّد صالح مازندرانی بر قصیده بُرده که عبداللّه بصری [کذا] در شأن حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده». أیضا: «هو المالک الحقیقی. هذا کتاب من جمله کتب الفقیر: محمّد حسین بن محمّد محسن، عفی عنهما».

در پایین پشت برگ ۱۲۶ در هامش نیز همین تملّک با اضافه «الشهیر بتاج» دیده می شود. پشت برگ آخر اشعاری است که به این جمله شروع شده است: من کلام جناب والا:

چاره نتوان کرد ای دل ناوک تقدیر را بر کشم از سینه تا کی آه بی تأثیر را

شعر آخر:

شادی ایّام نبود سازگار طبع ما بهر ما بگذار «والا» خاطر دلگیر را

کاغذ اصفهانی و فستقی، جلد مقوّایی دو رو، کاغذ ألوان و نقّاشی شده، حاشیه تیماج، دارای سرطبل، خط نسخ ۱۲ سطری، بالای کلمات به شنگرف خط کشیده، قطع ۱۳ × ۱۹ و نیم، متن ۷ × ۱۲. نسخه نام کاتب ندارد و تاریخ «سنه ۱۰۸۳» که در پایان آمده است درست معلوم نگردید که تاریخ نگارش شرح است یا تاریخ استنساخ نسخه. هیچ گونه اثر مقابله و تصحیح ندارد و لذا بی سقط و غلط نیست.

«۵۱۳» شرح قصیده دِعبِل

(مناقب دینی ــ عربی)

از: کمال الدین محمّد بن معین الدین محمّد فسوی «فسایی» فارسی شیرازی، معروف

به میرزا کمالا. صاحب «شرح الشافیه. ش ۵۰۴» علیه الرحمه.

کتاب: شرح قصیده تائیّه مادح اهل بیت علیهم السلام دِعبِل بن علی خُزاعی است، در مناقب و مراثی خاندان نبوّت و مثالب اعداءِ ایشان، و به طبع رسیده. فراغت از تألیف در اصفهان روز شنبه ۱۴ ماه رمضان ۱۱۰۳.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن از شیوه خط پیداست که کاتب آن نیای بزرگوار اعلی، آیه اللّه العظمی حاج میرزا سیّد زین العابدین موسوی، والد ماجد امام مجدِّد صاحب «روضات الجنات» است. آیه اللّه معظّم آقای حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی در ۲۲ صفر (۱۳۳۹) روی برگ اوّل، نسخه را معرّفی نموده اند رضوان اللّه علیهم اجمعین.

شرح قصیده رائیّه مونس الأبرار: تحفه الأخیار

«۵۱۴» شرح قطر النّدی و بلّ الصّدی

(نحو ــ عربی)

از: جمال الدین ابو محمّد عبداللّه بن یوسف بن عبداللّه ابن هشام نحوی حنبلی مذهب (متوفی ۷۶۱): «الکُنی و الألقاب» و «دائره المعارف بزرگ» فارسی و عربی.

کتاب: شرح کتاب «قطر النّدی و بلّ الصّدی» تألیف خود شارح است در علم نحو، به «ص. ش»، و به طبع رسیده است.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ استنساخ در اصفهان: ۲۳ ماه شعبان ۱۰۵۶. اوراق آغازین را موریانه خورده است، نسخه معمولی است و امتیازی ندارد.

«۵۱۵» شرح الکافی، الشریف

(شرح حدیث ــ عربی)

از: میر محمّد اسماعیل بن میر محمّد باقر حسینی اصفهانی خاتونابادی (۱۰۳۱ ــ ۱۱۱۶).

قدیم ترین مأخذ درباره آن جناب کتاب « وقائع السّنین و الأعوام » تألیف برادر کهترش میر عبدالحسین (۱۰۳۸ ــ ۱۱۰۵) است با اضافات و ملحقات فرزندان مؤلّف، و اگر در کتاب «ریاض العلماء» شرح حالی داشته، بسان بسیاری دیگر از بزرگانی که آغاز نام شریفشان محمّد بوده در حرف میم آن کتاب قرار گرفته که متأسّفانه مفقود شده است.

در حال حاضر، چنان که در «ترجمه اناجیل اربعه: ش ۱۲۵» از مرحوم میر محمّد باقر فرزند همین میر محمّد اسماعیل گفتیم، شرح احوال بزرگان این خاندان ــ علیهم الرحمه ــ

را در همـان کتـاب «وقـایع» و «روضه نضـره» و «کواکب منتره» و «أعیـان الشـیعه» و «مکارم الاثار» و کتب مرحوم آقای مصـلح مهدوی می توان یافت.

امّا عـالم محـدّث بزرگوار، حاج شـیخ عبّاس قمی ـ اعلی اللّه مقامه ـ در کتاب شـریف «منتهی الامال ۲: ۵۵، چاپ گراوری» شرحی نوشته اند که مهمّ است و مأخذ آن را نیافتیم. فرماید:

«فرزنـد دیگر میر محمّـد باقر، میر محمّد اسـماعیل است که عالم فاضل کامل زاهد تارک دنیا بوده.... و از رساله اجازات سـیّد نورالدین بن سـیّد نعمت اللّه جزائری ـ علیهما الرحمه ـ نقل شده که در حال این سیّد جلیل [چنین] نگاشـته که در سنّ هفتاد سالگی عزلت از خلق اختیار کرده در مـدرسه تخت فولاد که از بنای خود ایشان است سُـکنی نموده و قبر خود را در حجره ای از حجرات کنـده و شب ها بعـد از فریضه مغرب و عشاء در میان آن قبر رفته و تهجّـد در قبر گذاشـته و بعد از آن از قبر بیرون می آمده و شرح بر اصول کافی و تفسیر قرآن می نوشته، و روزها جمعی از طلّاب مُستعدّ که از جمله مرحوم والدم سیّد نعمت اللّه بوده در خـدمت ایشان بودنـد. عاقبت در همانجا وفات فرمود و در همان قبر مـدفون شـد، و بعد از فوت ایشان شاه سـلطان حسین حجره را بزرگ کرده و قُـبّـه برای او ساخت که ألان در تخت فولاد موجود است».

ایـن حقیر، در شب آدینه «۲۸ محرّم ۱۳۹۹» با آقا سـیّد محمّد جزائری نگارنده خبیر بصـیر کتاب «شـجره مبارکه» و «نابغه فقه و حـدیث» که آن هنگـام سـاکن اهواز بودنـد، درباره مطالب مرحوم محـدّث قمی مکالمه داشـتم، ایشان از «رساله اجازات سـیّد نورالدّین» و ناقل از آن و آن سخنان، هیچ آگاه نبودند و بسی استعجاب کردند.(۱)

بـاری، اسامی تألیفات و آثار جناب میر محمّـد اسـماعیل و فرزنـد گرامی یاد شـده را در «زنـدگینامه علّامه مجلسـی ۱: ۳۲۳ تا ۳۲۷» با لغزش هایی و نیز در «کواکب منتره: ۶۰ ـ ۶۲ و ۸۷ ـ ۸۹» می توان یافت. امّا کتاب مورد بحث:

کتـاب: شـرح قسم اصول کتاب «الکافیِ» شـریفِ ثقه الاسـلام محمّـد بن یعقوب کلینی رازی ـ رضوان اللّه علیه ـ است، و در «الذریعه: ج ۱۳، ص ۹۵ ش ۳۰۴»، تنها به استناد

---

۱ – ۱) عـالم فاضـل محقّق متتبع، از یـاران «جـامع الأنسـاب» در پنجـاه سال پیش از این زمان؛ در نخستین هفته ماه رجب ۱۴۲۶ «اواخر دهه دوّم مرداد ماه ۱۳۸۴» دار فانی را وداع گفت. رحمه اللّه تعالی علیه.

«تتميم أمل الامل»، یاد شده است امّا نسخه ای نشان نداده اند.

نسخه: از مجلّد اوّل تا آخر مجلّد چهارم است در شرح احادیث کتاب التوحید، تا پایان شرح حدیث اوّل از باب جوامع التوحید.

چند برگی از آغاز نسخه مفقود، یا نوشته نشده است.

آغاز موجود: «انّما یکون بلا ملاحظه شیءٍ آخر، و فی العرف ظاهر، اذ الاختراع لا یقال عُرفًا إلّا فیما یکون بلا احتذاءِ مثال».

انجام: «و إحاطه الحسّ بالمحسوسات أو العقل بالمعقولات، بل هی علی نحو آخر، علی ما مرّ مرارًا، لا کإحاطه وجود الشیءِ بمهیّته، و اللّه أعلم بکیفیّه ملکوته و إحاطه جبروته علی ما هی علیه. و قد تمّ المجلّد الرابع من شرح اصول الکافی، علی ید أحقر العباد و أحوجهم الی غفرانه، المُذنب، اسمعیل الحسینیّ الاصفهانی الخاتونابادی، یوم الثلثاء ثالث شهر ذی القعده الحرام سنه الأربع [کذا] الّتی بعد المائه الّتی بعد الألف من الهجره».

نام کاتب ندارد، و در همین موضع آخر نسخه گوید که آن را «حسب الفرموده.... منسوب مؤلّف.... میرزائی میرزا محمّد علیّا الحسینیّ الخاتونابادی...» در سال ۱۲۳۳ نوشته است.

بیفزاییم که در خاتمه جلد دوّم، نام مؤلّف «اسمعیل بن باقر الحسینی الاصفهانی الخاتونابادی. سنه ۱۱۰۴» آمده است.

اسماعیل خاتونابادی دیگر

در طبقه متأخّر از آقا میر محمّد اسماعیل خاتونابادی اصفهانی شارح «کافی» جای گفتگو (متوفی ۱۱۱۶) و در طبقه مقدّم بر آخوند ملّا اسماعیل مازندرانی خاجویی صاحب «جامع الشتات. ش ۲۱۷» (متوفی ۱۱۷۳)، دانشمند متبحّر پارسای دیگری ــ از غیر طبقه سادات ــ در حومه اصفهان می زیسته است به نام حاج اسماعیل خاتونابادی، که دریغ آمد آگاهی های خود را درباره این دانشمند ناشناخته نیاوریم و اشتباه بزرگی که درباره او واقع شده است، بیان نکنیم. پس گوییم:

نخستین جایی که نام آن مرحوم و نام پدرش دیده می شود «اجازه موسّعه» عالم جلیل قاضی میرزا ابراهیم بن غیاث الدین محمّد خوزانی اصفهانی شهید به سال «۱۱۶۰» است، که وی آن اجازه را برای مولانا محمّد زمان کاشانی اصفهانی نوشته

و تاریخ پایانش روز آدینه چهاردهم ماه صفر «۱۱۳۹» است. قاضی در زُمره چند تن عالمانی که از آنها اجازه روایت نداشته لکن در نزد آنان درسی خوانده است، به اختصار گوید: «و قرأتُ علی مولانا المحقّق المدقّق العلّامه الزاهد العابد الأورعیّ الحاجّ محمّد اسماعیل بن الحاج محمّد امین الخاتون آبادی».

این اجازه نامه شریفه به سال «۱۴۱۹» طیّ ۲۹ صفحه و چهار صفحه پیش گفتار در هفتمین دفتر «میراث اسلامی ایران» در قم چاپ شد و پنج سالی پیش از آن به هنگام چاپ «الکواکب المنتشره: ۸ ــ ۱۱» زیر عنوان «ابراهیم الخوزانی» از تصویر نسخه آن اجازه مطالبی نقل شده است، امّا با کمال تأسّف هر دو جا با تصحیف و اغلاط. تحریف آشکاری که در هر دو دیده می شود این است که ناشران محقّق کواکب و اجازه، زحمت رجوع به فرهنگ ها و یا دست کم پرسش از آشنایان اصفهانی را به خود نداده و نسبت خوزانی را نشناخته و آن را خوراسکانی دانسته اند، و بینهما بُعد المشرقین.

صاحب «اجازه» خود تصریح کرده است که در شهر اصفهان زاییده شده و هم آنجا می زیسته، امّا نیاکانش خوزانی بوده اند: «الخوزانیّ أصلاً الاصفهانیّ مولدًا و موطنًا و مسکنًا».

خوزان یکی از سه دهکده ــ به نام سده ــ از دهات بلوک ماربین است و به فاصله دو فرسخی بیرون شهر و سمت غرب واقع است و در کتاب شریف «روضات الجنّات» نیز آنجا که از قاضی یاد کرده اند او را «المنتسب إلی قریه خوزان ماربین» مرقوم فرموده اند و ناشر محترم اجازه این عبارت را در پیشگفتار خود هم آورده اند!

امّا خوراسکان از دهات بلوک جی، به فاصله دو فرسخی در طرف شرقی شهر جای دارد، که موطن اصلی دوست گرامی، آقای حاج شیخ رسول جعفریان دانشمند است.

امید که اجازه نامه نفیس میرزا ابراهیم خوزانی اصفهانی شهید به صورت صحیح چاپ شود و اشتباهات کواکب منتثره نیز در چاپ دیگر اصلاح گردد، إن شاء اللّه.

باری، فعلاً این اجازه قدیم ترین موضعی است که از حاج اسماعیل خاتونابادی با عنوان «حاج محمّد اسماعیل» یاد شده و نام پدرش هم تنها در آنجا «حاج محمّد امین» دیده می شود، و در سال تحریر اجازه ــ یعنی ۱۱۳۹ ــ و دوران آتش افروزی افغان غلزایی در این دیار، حاجی در قید حیات بوده و مسکن و مأوایش قریه خاتوناباد از قُرای بلوک جی، واقع در طرف شرق اصفهان به دو فرسخ کمتر فاصله؛ جای امن

و ایمنی بوده است.

دوّمین جایی که از حاج اسماعیل خاتونابادی یاد شده است کتاب نفیس و مغتنم، امّا ناتمام «تکمله امل الامل» نگارش عالم فاضل حاج ملاّ عبدالنبیّ بن محمّد تقی قزوینی یزدی متولّد «۱۱۲۶ ظ» است که در «۱۱۹۱» کتاب خود را به امر سیّد بحرالعلوم (۱۱۵۵ _ ۱۲۱۲) تألیف کرده و آن هنگام نزدیک شصت و پنج سال داشته است: «و الان قاربنا نحو الخمس و السّتین: ص ۱۳۱، چاپ قم، ۱۴۰۷» و از پایان عمر و درگذشتش خبری در دست نیست، امّا تا سال «۱۱۹۷» حیات داشته است که در این سال بر کتاب «المشکوه» سیّد بحرالعلوم تقریظ نوشته است.

حاج ملاّ عبدالنبیّ که به اصفهان نیز سفر کرده، هیجدهمین نفر که در یک صفحه از کتابش محامد اوصاف او را نوشته حاج اسماعیل خاتونابادی است، و نوزدهمین «مولانا اسماعیل المازندرانی الساکن من محلّات اصبهان فی خاجو».

او درباره حاجی گوید:

«الحاج اسماعیل الاصفهانی الخاتون آبادی. من أعاظم العلماءِ و أکابر الفقهاءِ، و هو و إن صادفتُ زمانه و أدرکتُ أوانه لکن ما حصل لی التشرّف بخدمته و القیام له فی سدّته، لکن رأیت المشایخ و العلماءَ یثنون علیه کثیرًا و یمدحونه خطیرًا»، تا آخر.

قزوینی هیچ تاریخی در این شرح حال ننوشته است.

ناگفته نگذاریم که حاج ملاّ عبدالنبیّ، هفتمین عنوان نیم صفحه ای کتابش برای قاضی خوزانی است، این چنین:

«میرزا ابراهیم بن میرزا غیاث الدین محمّد الاصفهانی الخوزانی، قاضی اصبهان ثمّ قاضی العسکر النادریّ. اُعجوبه الدهر و أغروبه الزمان، فاضل عزّ مثله فی زمانه بل فی سائر الأزمان... تبرّکتُ بملاقاه حضرته و استفضتُ بتکریر ورودی الی حقوته...».

سوّمین موضعی که از حاج اسماعیل خاتونابادی یاد شده است، دست نوشته ای از مرحوم آقا میر عبدالباقی خاتونابادی فرزند میر محمّد حسین بن میر محمّد صالح حسینی، امام جمعه های پی در پی اصفهان؛ است که نظر به اهمیّت آن باید توضیح دهیم:

عالم فرزانه سیّد عبداللّه بن سیّد نورالدین بن سیّد نعمت اللّه جزائری «متولد حدود ۱۱۱۲ متوفّی ۱۱۷۳: کتاب شجره مبارکه حاج سیّد محمّد جزائری»، در اجازه نامه

مبسوطه بسیار ارزشمندش که تاریخ انجام آن روز یکشنبه دوّم جُمادای دوّم «۱۱۶۸» است و به عنوان «الاجازه الکبیره» معروف و به همین نام به سال «۱۴۰۹» در قم چاپ شده است؛ به هنگام ذکر نام و شرح حال «السیّد الجلیل المتکلّم الحسیب صدرالدین بن محمّد باقر الرضویّ القمیّ المجاور بالغریّ...» در زُمره تألیفات او گوید:

«منها: رساله فی حدیث الثقلین و أنّ أحدهما أکبر من الاخر، أطال الکلام فی تعیین الأکبر و جرت بینه و بین المولی اسماعیل الخاتون آبادیّ الساکن بمحلّه خاجو _ من محلّات اصبهان _ مراسلاتٌ فی ذلک، یردّ أحدهما علی الاخر...».

آقا سیّد عبداللّه به علّت عدم شناخت لازم، بین دو اسماعیل خلط کرده و آخوند ملّا اسماعیل مازندرانی خاجویی را به اشتباه، خاتون آبادی وصف نموده است.

نسخه خطّی اصیل اجازه یاد شده که اینک نزد این ضعیف است «به سال ۱۴۰۶ در اصفهان خریداری شد»، به خطّ سیّد بهاءالدین محمّد فرزند شخص مُجیز و تاریخ کتابتش، شب دوشنبه نیمه ماه شعبان المعظّم ۱۱۸۷ می باشد.

این نسخه، همان زمان ها در دست آقا میر عبدالباقی امام جمعه بوده و در چند جا به خطّ خود حاشیه ای بر آن مرقوم و «عب قی ×× عفی عنه» امضاء کرده است. از جمله، در موضع یاد شده «روی برگ هشتادم»، که بالای نام «المولی اسماعیل» نوشته است: «هو المازندرانیّ الساکن بمحلّه خاجو»، و سپس بلافاصله برای توضیح راجع به خاتونابادی و این که او غیر از خاجویی است و مُجیز به اشتباه افزوده، این گونه در حاشیه افاده فرموده است:

«و المولی الجلیل النبیل الحاج اسمعیل الخاتون آبادیّ کان من أعاظم الفضلاءِ و فریدًا علمًا و عملًا و زهدًا و ورعًا تارکًا للدنیا کثیر الاحتیاط فی العلم و العمل متعبّدًا علّامًا فهّامًا متکلّمًا ماهرًا فی العلوم العربیّه و التفسیر و الأصولین، من أهل خاتون آباد، صانها اللّه عن الفساد. و فی ذلک الأوان و فی قطعه من الزمان بسبب استیلاءِ الأفغان و اختلال الدوله الصفویّه و انزواءِ العلماءِ الأعیان المشار الیهم بالبنان، انتقل والدی العلّامه _ طاب ثراه _ من اصبهان إلی هذه القریه مقیمًا بها سبع سنین خوفًا من سوانح الزمان، و اتّفق بینه و بین هذا الفاضل مُوالاه روحانیّه و مواخاه ایمانیّه أشدَّ ما کان قبل هذا. و لقد شرّفنی اللّه بلقائه و فزتُ بخدمته کلّ یوم مدّهً طویله بل سنین و أنا ابن عشر سنین،

و شرعت مقدّمات الصرف و النحو و المنطق عنده تيمّنًا و تبرّكًا، و كان يتلطّف بی و يدعو لی بالخير. و بعد انتقال السلطنه الی الصفويّه نقل والدی ـ بأمر السلطان ـ إلی اصفهان، ففزتُ فی كلّ عام مرّةً أو مرّتين بخدمته و اقتبستُ من أنوار معرفته. حتّی قُبض فی عام اربعين و نيّف من الهجره! و هو ابن سبعين و نيّف، و دفن فی مقبره معروفه فی هذه القريه موضوعه له «ره» من أخيه العالم العامل الحاج ابراهيم، و اتّفق حضور والدی «ره» ـ و هو المرحوم المغفور المبرور المشكور الأمير محمّد حسين بن الأمير محمّد صالح الحسينیّ «طاب ثراهما»، الّذی سبق وصفه من شيوخ السيّد المجيز المؤلّف و ممّن استجاز هو منه. عب قی ×× عفی عنه ـ عند وفاته و غسله، و حضر عند وفاته والدی «قدّس اللّه روحه» و غُسله و الصلوه عليه و دفنه، و هو من كراماته بل كراماتهما «طاب ثراهما»، لأنّه فی غير وقت موعود و لا بسبب معهود، و ذهب إلی هذه القريه شوقًا إلی لقائه بعد صلوه الجمعه فی يوم كان مظنّه المطر فيه، فمرض و مات «رحمه اللّه»، و ذكرنا فی ترجمته ما يليق بحاله فی رسالتنا المعموله فی «رجحان الجمع بين الجمعه و الظّهر» و أنّه الاحتياط فی الدين و دأب العلماء الديّانين الاخذين بحائط الدين و ذكرهم و هذا الفاضل منهم. شكر اللّه مساعيهم الجميله و قدّس اللّه ارواحهم الشريفه. عب قی، عفی عنه» پايان.

«عب قی» يعنی عبد الباقی.

اينك توضيح دهيم كه: از سخنان پر عُجمه و غموض آقا مير عبدالباقی مستفاد می شود كه: ۱ـ حاج اسماعيل اهل و ساكن دهكده خاتوناباد بوده، و ۲ـ و در يورش ياغيان غلزايی افغان به اصفهان كه در ماه محرّم الحرام «۱۱۳۵» آغاز شد و تا «۱۱۴۲» ادامه يافت، آقا مير عبدالباقی، برای فرار از فتنه ياغيان، در خدمت پدرش آقا مير محمّد حسين امام جمعه به آن دهكده وارد و به مدّت هفت سال در آنجا اقامت داشته اند، و ۳ـ و آن هنگام آقا مير عبدالباقی، ده ساله بوده است. پس بايد تاريخ تولّدش را ـ كه در جای ديگر ديده نمی شود ـ در سال «۱۱۲۵» يا اندكی بيش و كم دانست، و ۴ـ و او در آن هفت سال نزد حاج اسماعيل دروس مقدّماتی خوانده است. و نيز معلوم می شود كه ۵ـ پس از قلع و قمع ياغيان غلزايی در «۱۱۴۲»، امام جمعه و همراهان به موطن خود اصفهان بازگشته اند و آقا مير عبدالباقی خود، سالی يكی دو بار برای ديدار حاج

اسماعیل به خاتوناباد سفر می کرده است، تا آن که حاجی در یکهزار و یکصد و چهل و اندی ـ حدود سال «۱۱۴۵» ـ در همان دهکده وفات یافته و برادرش عالم عامل حاج ابراهیم برای او مقبره ای ساخته است، و هم این که اتّفاق را آقا میر محمد حسین، روزی پس از نماز جمعه به شوق دیدار حاج اسماعیل به خاتوناباد می رود که مُواجه با فوت حاجی گشته و در مراسم غسل و کفن و دفن او شرکت نموده و بر جنازه اش نماز می خواند.

آقا میر عبدالباقی افزوده است که او خود شرح حال حاج اسماعیل را آن چنان که شایسته بوده در رساله «رُجحان الجمع بین الجمعه و الظهر» آورده است، که ما از آن رساله آگاهی نداریم.

آقا میر محمّد حسین حسینی خاتونابادی شیخ الاسلام و امام جمعه اصفهان در ماه شوّال «۱۱۵۱»، در اصفهان وفات یافته و جنازه اش به مشهد مقدّس رضوی منتقل و آنجا دفن شد: «رساله تونیّه یا: مقاله در بیان احوال و آثار ملّا محمد علی بن محمّد رضا تونی خراسانی» و «مکارم الاثار ۲: ش ۱۲۵».

امّا آقا میر عبدالباقی که پس از پدر امام جمعه اصفهان گردید، شرح حال ایشان ـ تا اندازه ای ـ در همان موضع «مکارم الاثار» و «کرام برره» و «اعیان الشیعه» آمده است و در «کرام» تاریخ فوت آن مرحوم را به نقل از یکی از اجازات مرحوم حاج سیّد محمّد باقر حجّه الاسلام شفتی به سال «۱۲۰۷» آورده اند.

اینک باید بگوییم که نسخه موصوفه «اجازه کبیره» را آقا سیّد بهاءِ الدین محمّد جزائری که در «۱۱۸۷» استنساخ کرده، همان زمان ها یعنی در ظرف بیست سال آخر حیات آقا میر عبدالباقی در اختیار ایشان قرار گرفته و مطالعه کرده و چندین جا حاشیه ای بر آن افزوده است.

سیّد بهاءالدین محمّد در شب پنجشنبه سیزدهم جُمادای دوّم «۱۲۲۱» در شوشتر وفات کرده و همانجا در جِوار پدر و جدّ خود به خاک رفت. شرح حالش در «شجره مبارکه: ص ۲۰۵ ـ ۲۰۶، چاپ اهواز، ۱۳۷۹، تألیف آیه اللّه حاج سیّد محمّد جزائری» متوفی اوائل ماه رجب «۱۴۲۶»، آمده است.

اشتباه بزرگ: با کمال تأسّف باید بگوییم که پس از زمان تحشیه آقا میر عبدالباقی، یک نفر کاتب ناشناخته ای یک نسخه از روی همان نسخه اجازه کبیره با همان حواشی

ـ کلاّ یا بعضًا، با اغلاطی چنـد ـ استنساخ کرده و عین عبارت خاتمه نسـخه سیّد بهاءالـدین محمّـد را هم ـ بالتمام ـ آورده است، و این شـبه تـدلیس موجب گردیـده که محقّق اجازه کبیره چاپ قم آن نسـخه مجهول الکاتب را به خطّ سیّد بهاءالدین محمّـد قلمـداد کننـد و حواشـی مرحوم میر عبـدالباقی را هم به سیّد بهاءالدین محمّد نسبت دهند، و در مورد ما نحن فیه تمام مطـالبی را که آقـا میر عبـدالباقی در حق حـاجی خاتونابادی نوشـته ـ با تحریفاتی ـ درباره فاضل خاجویی به حساب آورنـد: «ص ۹۹ چاپ قم»، و این اشتباه بزرگ، باعث بر تحریر این مقال مفصّل شد؛ و اللّه من وراءِ القصد.

این را نیز ناگفته نگذاریم که نسخه موصوفه اصیل اجازه کبیره با گذشت زمان در تملّك آقا سیّد محمّد شفیع شوشتری مهاجر به اصفهان «۱۲۱۱ ـ ۱۲۷۴: مکـارم الاثار ۲: ش ۱۷۳» فرزند سیّد محمّد بن سیّد عبدالکریم بن سیّد محمّدجواد بن آقا سیّد عبداللّه جزائری صاحب الاجازه درآمده و پس از او به فرزندش آقا سیّد محمّد «۱۲۴۹ ـ ۱۳۲۲: همان مأخذ» منتقل گردیده و این عـالم جلیل القـدر ساکن محلّه شهشـهان اصـفهان نیز تعلیقاتی از خود یا به نقل از کتب تراجم و تاریـخ در حواشـی نسـخه نوشته است.

و در پایان یادآور شویم که اثر مکتوبی از حاج اسـماعیل خاتونابادی به نظر نرسـید، جز این که در کتاب «تراجم الرجال ۱: ش ۳۰۳» آمده است:

«اسـماعیل بن محمّـد امین الاصـبهانیّ. قابَـلَ مجموعةً فیها رساله آداب البحث لمیر فخرالـدین و دانشـنامه شاهی للاسترآبادی و کانت کتابه المجموعه فی سنه ۱۰۹۲».

گویا این شخص همان حاجی خاتونابادی باشد، و اللّه العالم.

«این مقال در نیمه محرّم الحرام ۱۴۲۷ تحریر شد».

«۵۱۶» شرح الکافی

(حدیث ـ عربی)

از: آخوند مولانا محمّد صالح بن احمد مازندرانی (متوفی ۱۰۸۶)، صاحب «شرح قصیده البُرده. ش ۵۱۲».

کتاب: شـرح اصول و کمی از فروع کتاب «الکافی» مرحوم شـیخ کلینی است، در نهایت اتقان، و جا به جا ردّ بر شـرح صـدرا، که تا پایان کتاب توحیـد «مجلّـد اوّل» مزجی و از کتاب الحجّه «مجلّـد دوم» تا آخر به «قوله» گزارش شـده است. تاریخ تألیف شرح کتاب عقل و علم (۱۴ صفر ۱۰۶۳) و توحید (پنجشنبه غرّه ماه رمضان ۱۰۶۴) و حجّت در

(جمعه چهارم ماه شعبان ۱۰۶۷). به طبع رسیده است. «ذریعه ۱۳. ص ۹۷ _ ۹۸ و ۱۴. ش ۱۵۸۷».

نسخه: به خطّ زیبای شاه قلی بن محمّد یوسف افشار برادر مرتضی قلی کاتب نسخه نفیس «جامع الرواه» معروف که هر دو تن از نَسخ نویسان مشهور عهد صفوی بوده اند. تاریخ استنساخ عقل و توحید که مجلد اوّل است: «پنجشنبه ۲۲ ذی القعده ۱۱۰۵» و کتاب الحجّه: «پنجم صفر ۱۱۰۳» و أنفال: «شب جمعه نهم ربیع الأوّل ۱۱۰۳».(۱)

نسخه: از اوّل کتاب تا باب الفیء و الأنفال است. دارای سه سرلوح بسیار ممتاز اصلی و تمام صفحات جدول کشیده. برگ اوّل اصلیِ مجلّد اوّل قدیمًا مفقود شده و به جای آن برگ دیگری است با سرلوح زیبا و جدول که بسیار شبیه به اصل می باشد.

آقا هادیِ مترجم، فرزند گرامی شارح، به خطّ زیبای خود و با کمال دقّت نسخه را مقابله و تصحیح فرموده و در نُه جا حاشیه نوشته است.

آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمّد هاشم موسوی چهارسوقی، برادر معظّم آیه اللّه العظمی امام مجدّد صاحب روضات الجنات، دو نیای گرامی، در پنج جا حاشیه دارند. مهر صاحب روضات و تملّک و مهر آیه اللّه آقای حاجّ میرزا سید حسن چهارسوقی _ علیهم الرحمه و الرضوان _ در غرّه ماه شعبان ۱۳۲۱ ظهر نسخه هست.

«۵۱۷» نسخه دیگر

نسخه: بخشی از مجلّد اوّل است از آغاز تا پایان کتاب عقل که پس از آن در جلد دیگر شرح کتاب توحید خواهد بود. تاریخ تألیف: ۱۴ صفر ۱۰۶۳.

کاتب: مولانا آقا محمّد هادی مازندرانی فرزند علاّمه مؤلّف، به خطّ نسخ زیبا. تاریخ استنساخ: روز چهارشنبه ۲۸ صفر ۱۰۷۶، و سپس گواهی کاتب گرامی به مقابله تمام نسخه با اصل، و ختم مقابله در روز چهارشنبه ۱۳ ربیع یکم ۱۰۷۶. عناوین مطالب و اندکی حواشی متفرّقه در هامش نسخه نوشته شده.

در ذیل صفحه آخر این شرح آمده است: «هو. پیشکش افادت و افاضت پناه مولانا محمّد صالح مازندرانی بتاریخ شهر شعبان المعظم ۱۰۷۶». مُهر «مقصود دو عالم خَلف فرزند است ۱۰۶۴».

۱- ۱) معلوم می شود مجلد دوّم را پیش از اوّل استنساخ کرده است.

«۵۱۸» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم کتاب است مشتمل بر شرح کتاب الحجّه. این مجلّد دارای مقدّمه مؤلّف است به نام شاه صفی ثانی حسینی موسوی صفوی.

خطّ، نسخ ممتاز. کاتب در آخر کتاب الحجّه که تاریخ تألیف آن روز جمعه چهارم شهر شعبان ۱۰۶۷ می باشد، خود را «ابن محمّد صالح، محمّد حسین» معرّفی کرده و تاریخ استنساخ این باب روز یکشنبه نهم ذی الحجّه ۱۰۷۳ است. پس از آن «باب کراهیه التّوقیت» شروع می شود، و انجام نسخه چنین است: «و لا یبعد تخصیص السؤال بمن عداه، و اللّه أعلم».

سپس کاتب به خطّ شکسته نستعلیق زیبای خود چنین نوشته است: «قد تمّ فی یوم الخمیس ثانی شهر رجب المرجّب فی سنه ۱۰۷۴ علی ید اصعف عباد اللّه الغنیّ، ابن مولانا محمّد صالح المازندرانی، محمّد حسین، غفر اللّه له...».

ظهر ورق آخر نوشته اند: «هو. پیشکش مولانا محمّد صالح، بتاریخ شهر شعبان ۱۰۷۷».

«۵۱۹» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل است از آغاز شرح اصول کافی تا پایان کتاب عقل که پس از آن در جلد دیگر کتاب توحید خواهد بود.

سطر آخر کتاب و نام و نشان کاتب و تاریخ کتابت را محو کرده اند، و به خطّ مغایر متن، نوشته و تمام کرده اند و به این عبارت خاتمه یافته است که:

«فرغ من اتمامه العبد المذنب الراجی رحمه ربّه الغنیّ: محمّد صالح بن حسین الأبهری، ۶ شهر ربیع الاخر سنه ۱۰۷۰».

در هامش همین موضع صفحه آخر، شرح دیگری نوشته بوده که آن را نیز محو کرده اند و تنها تاریخ «شهر صفر سنه ۱۰۶۳» به زحمت دیده می شود.

آثار وقفیّت در برخی صفحات هست که آن را نیز محو کرده اند و هکذا تملّکی که روی ورق اوّل بوده است. نشانه مقابله و تصحیح و امتیازی ندارد.

شرح الکافی: الشافی

ص : ۶۲

شرح الکافی: صافی

«۵۲۰» شرح الکافیه

(نحو ــ فارسی)

از: ابوالفتح الحسینی.

کتاب: شرح «الکافیه» ابن حاجب عثمان بن عمر کُردی (متوفی ۶۴۶) است، و برای سیّده شاهزاده مهین بانو سلطانم، به فارسی نگاشته شده.

نسخه: فاقد برگ آخر است و لذا تاریخ تألیف و کتابت و نام کاتب معلوم نیست.

آغاز: «بسم. محامد کافیه و مدایح شافیه وافیه علیمی را سزد... این کلمه چند است فارسی در ترجمه رساله نادره عربی که در علم نحو کافیه است».

انجام موجود: «و پوشیده نماند که اختتام به مبحث وقف در رسم الخطّ آخر و اوّل سبب حسن خاتمه رساله کافیه و ترجمه وافیه است و الحمد... علی محمّد و آله علیه و علیهم».

شرح الکافیه: الفوائد الضیائیّه

«۵۲۱» شرح کتاب البرهان و الجدل و الحدّ و المغالطه

(منطق ــ عربی)

از: ناشناخته. شاید از آثار فخر رازی باشد.

آغاز: «الفصل الخامس فی البرهان و الحدّ. العلم إمّا تصوّرٌ فقط و إمّا تصوّرٌ معه تصدیق. أقول: العلم هو حصول صوره الشّیءِ فی الذهن و هذا الحصول لا یخلو إمّا أن لا یقترن به شیء من الأحکام و هو التصوّر السّاذج أو یقترن به حکم مّا».

انجام: «کما یق: کلّما یتصوّر العاقل فهو کما یتصوّره، إذ لفظ هو یعود تارةً إلی المعقول و تارةً إلی العاقل، و اشتراک القسمه».

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت و حاشیه ای ندارد و ظاهرًا در سده «۱۰ ــ ۱۱» نوشته شده است.

«۵۲۲» شرح کتاب التّوحید

(حدیث ــ عربی)

از: محمّـد بن مفید، الملقّب بسعید الشّریف القاضی القمّی: «سرآغاز جلد دوم همین اثر»، صاحب «شرح حدیث الغمامه. ش

۴۹۳».

کتاب: شرحِ «کتاب التّوحیدِ» شیخ صدوق ابوجعفر محمّد بن علیّ بن بابویه قمیّ ـ علیه

ص : ۶۳

الرحمه _ است، که نسخه های شرح در سه مجلّد شایع است و به طبع رسیده، و هر جلد دارای مقدّمه و خاتمه می باشد، و در این سه جلد، احادیث شریفه تا چهل و یک باب از ابواب شصت و هفتگانه «کتاب التّوحید» شرح شده و افزون بر آن به نظر نرسیده است.

تاریخ پایان جلد سوم: هیجدهم ماه رمضان المبارک یکهزار و یکصد و هفت (۱۱۰۷) است در دومین سال تقلّد _ اشتغالِ _ شارح به شیخ الاسلامیِ دارالمؤمنین قم.

شارح کیست؟

در «شرح حدیث الغمامه. ش ۴۹۳» گفتیم که گزارشی از احوال شارح در این موضع می نویسیم، جز این که چون آن شرح حال _ یا در جستجوی شرح حال _ به درازا کشیده شد و به گونه رساله ای درآمد، آن را جداگانه به عنوان «رساله سعیدیّه» به همراه «رساله تونیّه»، بنام «دومین دوگفتار»، همزمان با چاپ نخستین جلد این فهرست، منتشر کرد. پس تفصیل را به همان دفتر حوالت داده، و اینک:

در اینجا به اختصار می نویسیم که از این بزرگوار، یعنی محمّد بن مفید ملقّب به سعید شریف قاضی، مشهور به قاضی سعید قمی، در هیچ یک از کتب و رسائل بازمانده از سده های یازدهم و دوازدهم هیچ گونه نام و نشانی دیده نمی شود، جز در یک اثر صوفیانه متعصّبانه بنام «تحفه العشّاق» از محمّد کریم قمی که در آن قاضی را استاد خود خوانده و اجازه روایتی هم از او گرفته است. محمّد کریم در کتابش دو بار از آقا محمّد سعید قاضی با تجلیل و احترام یاد کرده است، و بس.

امّا نخستین بار که قاضی در کتب تراجم احوال عنوان شده، در کتاب شریف «روضات الجنّات» امام مجدّد _ رضوان اللّه علیه _ است، در نیمه دوم سده سیزدهم، که برای او عنوانی خاصّ قرار داده و تنها به دلالت آثار علمی او به مدح و ثنائش پرداخته اند.

حال، آنچه از آثار قلمی شخص قاضی به دست می آید این است که او در تاریخ دهم ذیقعده (۱۰۸۴) از نوشتن رساله «مرقاه الأسرار» در قم فراغت یافته و خود گوید که آن هنگام سی و پنج سال از عمرش گذشته بود. پس ولادتش به سال (۱۰۴۹) می شود. و آخرین تاریخی که از او در دست است سال (۱۱۰۷) می باشد که در پایان جلد سوم «شرح کتاب التّوحید» گوید که در دومین سال تصدّی منصب شیخ الاسلامی، در هیجدهم ماه رمضان آن سال از آن فراغت یافته است. پس آن هنگام پنجاه و هشت

سال داشته، و پس از آن تاریخ، دیگر هیچ خبری از قاضی سعید قمی در دست نیست.

امّا آثار قلمی جناب قاضی ــ که تمامًا به زبان عربی است و چاپ شده اند ــ منحصر است به: سه مجلّد «شرح کتاب التّوحید» جای گفتگو، و کتاب «الأربعین لشرح أحادیث الأئمّه الطاهرین» که آن نیز به پایان نرسیده، و یازده رساله با نامهای خاصّ که در زمان متأخّر اراده تکمیل آنها را تا چهل رساله زیر عنوان «کتاب الأربعیّات لکشف أنوار القدسیّات» داشته و آن نیز همانند آن دو دیگر متوقّف شده است، و بالأخره، اجازه روایتی که برای محمّد کریم قمی یاد شده نوشته است و چاپ نشده، و نیز شبه اجازه دیگری در یک نسخه از مجلّد نخست «شرح کتاب التّوحید». همین و دیگر هیچ.

یک اثر کتابتی هم از قاضی سعید نسخه «مغنی اللّبیب» است که در همین فهرست «ش...» معرّفی خواهد شد.

پس آثار دیگری که در عصر و زمان ما به قاضی سعید قمی نسبت داده شده است، مانند «کلید بهشت»، «أسرار الصّنایع» و «تعلیقات اثولوجیا» و «دیوان اشعار» هیچ یک از قاضی نیست، و به شرحی که در «سعیدیّه» نوشتیم از آنِ حکیمباشی درباری همزمان قاضی یعنی حکیم محمّد سعید قمی است که او در عصر خود معروف به حکیم کوچک بوده، و این نام هم در این هشتاد سال اخیر بسان اشتباهات دیگر به حساب محمّد سعید قاضی گزارده شده است!

بیش از این در اینجا نمی نویسیم و تفصیل قضایا موکول به رساله سعیدیّه است.

اینک وصف نسخه جای گفتگو:

نسخه: حجم: «۱۶ × ۲۱». شمار برگهای اصلی: «۲۳۳». دو برگ عطف در آغاز و یک برگ بدرقه در آخر، سفید است.

نخستین جلد «شرح کتاب التّوحید» از پشت برگ سوم تا روی برگ یکصد و نهم.

از پشت برگ ۱۰۹ تا پشت برگ ۱۱۱ رساله «حقیقه الصّلوه» یا «روح الصّلوه» قاضی سعید است که گویا خود آن را ملحق به جلد اوّل کتابش کرده است.

از پشت برگ ۱۱۳ تا پشت برگ ۲۳۲ مجلّد دوم «شرح کتاب التّوحید» است.

کاتب، مجموع را در اصفهان از روی نسخه اصل خطّ قاضی استنساخ کرده است.

ص : ۶۵

جای سند۱.٪٪

کـاتب نسـخه: کاتب تمام این دفتر به خطّ شکسـته نسـتعلیق جَلیّ خوانا که در هر سه موضع نام خود را نوشـته «محمّـد علیّ بن مظفّر حسـین» است، و او همانا «حکیم عارف گوشه گیر زاهـد مُرتاض میرزا محمّد علیِ میرزا مظفّرِ اصـفهانی: مکارم الاثار ۱: ش ۳۵» است.

پایان استنساخ جلد یکم: روز آدینه هشتم ذی قعده (۱۱۸۷).

جای سند۲.٪٪

پایان استنساخ رساله «حقیقه الصّلوه»: ماه صفر (۱۰۹۰).

ص : ۶۶

جای سند۳٪٪

پایان استنساخ جلد دوم: روز دوشنبه سیزدهم ربیع یکم (۱۱۸۶).

جای سند۴٪٪

هیچگونه نام و نشان و اثر تملّکی در هیچ جای نسخه نیست.

وقفنامه نسخه: روی برگ نخست مجلّد یکم، وقفنامه نسخه بخطّ و مُهر ملاّ مصطفی قمشه ای «مکارم ۲: ش ۲۱۲» داماد جلیل القدر کاتب، نوشته شده و تاریخ آن چهل روز پس از درگذشت کاتب است. امّا چندی بعد، نسخه به دست مسکینی افتاد که برگ دوم عطف را روی صفحه وقفنامه چسبانیده و دیگر آثار وقف را نیز محو کرده و آن را به فروش رسانیده است.

راقم فهرست، به زحمتی دو برگ چسبیده را از یکدیگر جدا کرده و صورت وقفنامه را نمایان ساخت.

در چند سال قبل که خواستند کتاب را در تهران چاپ کنند، حقیر، این نسخه را که از

کتب خانوادگی در دست داشت، مدّتها در اختیار مباشر محقّق کتاب قرار داد که از آن استفاده کردند.

امتیاز این نسخه حواشی و نظرات تصحیحی مرحوم آخوند ملّا علی نوری «مکارم ۴: ش ۶۶۸» حکیم نامبردار اصفهان است که بخطّ شریف خود، در کنار برخی صفحات نوشته است. این حواشی را نیز در چاپ کتاب آورده اند. امید که به صورت کامل و صحیح از نسخه و تعلیقات حکیم استفاده شده باشد.

چند آگاهی درباره پدر و جدّ کاتب نسخه:

پدر کاتب معروف به میرزا مظفّر بوده ولکن به تصریح خود کاتب، نام او مظفّر حسین است، و مهمّ این که میرزا محمّد علی رساله «استقصاء النّظر» علاّمه حلّی را به خطّ شکسته بسیار ملیح استنساخ نموده و آن را ضمیمه نسخه ای از «کتاب الألفین» علاّمه _ اعلی اللّه مقامه _ قرار داده و در عبارت تملّکی که در آن نوشته است، خود را: «ابن مظفّر حسین المنجّم محمّد علیّ» خوانده، یعنی پدر را منجم وصف کرده است.

جای سند ۵٪٪

دیگر این که یک نسخه از کتاب «لوائح القمر» ملّا حسین کاشفی «مورّخه ۱۰۸۱» در دست داریم که در روی برگ دوم این عبارت دیده می شود:

ص : ۶۸

جای سند ۶٪٪

«انتقل الیّ بالارث الشرعیّ و أنا العبد العاصی: ابن محمّد علیّ المنجّم، مظفّر حسین الخاطی عفی عنهما»، و سجع مُهرش: «در دو جهانست مظفّر: حسین ۱۱۱۰»، و در ذیل آن:

«هو. وهبتُ هذا الکتاب لِولد[ی] الأعزّ الأرشد _ طوّل اللّه تعالی [عمره] _ و هو محمّدعلی، و أنا العبد الخاطی ابن محمّدعلی: مظفّر حسین...»، و سجع مُهر: «لا اله الّا اللّه الملک الحقّ المبین. مظفّر حسین منجّم ۱۱۳۳».

از مجموع مطالب منقول از نسخه های یاد شده معلوم گردید که: میرزا محمّدعلی _ کاتب نسخه مورد بحث _ فرزند میرزا مظفّر حسین منجم فرزند محمّدعلی منجّم است، که هم پدر و هم جدّ پدری، هر دو موصوف به منجّم بوده اند.

از جمله غرائب این که در کتاب «رستم التواریخ» معروف، میرزا محمّدعلی را سیّد نوشته و در چند جا تصریح به انتساب خلیفه سلطانی کرده است؛ مطلبی که در چند نسخه موجود مذکور دیده نمی شود، شاید که انتساب به خلیفه سلطان مرعشی از طریق مادر میرزا مظفّر حسین بوده، و لذا از پدر و پسر به میرزا تعبیر شده است، صفتی که برای سادات مادری می گفته اند. واللّه العالم.

«در شب یکشنبه ۲۶ ربیع یکم ۲۸ مبیّضه شد»

«۵۲۳» شرح لبّ الألباب

(نحو _ عربی)

از: ناشناخته.

کتاب: شرح مزجی است بر کتاب «لبّ الألباب فی علم الإعراب» تألیف تاج الدین محمّد بن محمّد بن احمد بن السّیف، معروف به فاضل اسفراینی (متوفّی ۶۸۴): «العباب. ش...» و «شرح اللباب. ش ۵۲۴».

نسخه: از آغاز به مقدار یک جزوه ناقص است و لذا نام شارح و شرح و خصوصیّات دیگر معلوم نشد. کاتب: حسن بن عبدالحسین ترکه (ظ). تاریخ استنساخ: دهم ماه رمضان ۱۰۳۷.

آغاز موجود: «الألف و الیاء فیهما بواسطه العامل و الإعراب هو الّذی فی آخره».

ص : ۶۹

انجام: «و انّما عرض له ما أوجب قطع كامه من النّسيان، تمّ الكتاب...».

«۵۲۴» شرح اللباب فی علم الإعراب

(نحو ـ عربی)

از: قطب الدين محمّد سيرافی فالی.

پيرامون كتاب «اللّباب فی علم الإعراب» و يكی از شروح آن «العُباب» در [ش...] به تفصيل سخن گفته ايم، اينك يكی ديگر از شروح لباب را گزارش می دهيم:

اين شرح از قطب الّدين محمّد بن مسعود بن محمود بن ابی الفتح سيرافی فالی(۱) است كه انجام تأليف آن در شهر شيراز به روز پنج شنبه ۱۴ ربيع الأوّل ۷۱۲ ـ يعنی ۲۲ سال قبل از تأليف عُباب (۲) ـ واقع شده، و اين تاريخ به گواهی «تقويم و ستنفلد» درست بوده و (۴ ع ۱) كه در نسخه امام جمعه كرمان نوشته، خطا است.

شارح از دانشمندان بزرگ سده هشتم هجری در فارس است، و شرح حال او به طور مبسوط در «شدّالإزار: ۴۳۲ ـ ۴۳۵» و شرح حال پدرش در همان كتاب (ص ۴۳۰ ـ ۴۳۲) مذكور و هر گونه نقص و اجمالی هم كه در آن بوده علاّمه محمّد قزوينی در تعليقات خود ذيل صفحات مذكوره و هم در حواشی آخر كتاب (ص ۵۱۷ ـ ۵۲۷) رفع و تكميل كرده است، و به هر حال چون «شدّالإزار» كتاب معروف متداولی است از نقل مطالب آن صرف نظر نموده و خواستاران را به مراجعه به كتاب مذكور حوالت می دهد.

در چند كتاب ديگر نيز شرح حال سيرافی آمده است كه در حواشی «شدّ الإزار» نامشان ذكر شده، و وفات او را در آنجا به سال ۷۲۱ ضبط كرده اند.

بيافزاييم: در روی برگ ۲۹ سفينه «كنز الجواهر من لطائف الأكابر» يعنی «بياض تاج الدين احمد وزير ـ ۷۸۲ هجری، چاپ ۱۳۵۳» اين عبارت به خطّ نسخ كاتبِ عنوان ها ديده می شود: «من مَقاطر أقلام المولی الأعظم أقضی قضاه الاسلام قطب المله والدين محمّد الفالی أعلی اللّه قدره».

۱ـ ۱) «سيراف» و «فال» هر دو از نواحی فارس است. رجوع شود به «معجم البلدان ۳: ۲۹۴ و ۴: ۲۳۲» و «شدّالازار» كه گويد: فال يكی از بلوكات معروف گرمسيرات فارس است و واقع است به كلّی در جنوب شيراز نزديك به خليج فارس، و اكنون بلوك فال را «گله دار» گويند...

۲ـ ۲) تاريخ تأليف «عباب» جُمادای يكم ۷۳۵ است.

در متن «شدّالإزار: ۴۳۳» این کتاب ها از مصنّفات قطب الدّین ذکر شده است: «التّقریب فی التّفسیر»، «توضیح الحاوی فی الفقه»، «شرح التوضیح»، «شرح اللّباب»، «شرح القصیده العمیدیّه(۱)»، «الإغراب فی الإعراب».

صاحب «کشف الظنون ۲: ۱۵۴۴» نیز آنجا که شروح کتاب لباب را ذیل عنوان لباب آورده، از این شرح یاد و آغاز آن را نقل کرده است، و میرزا عبداللّه افندی ــ رحمه اللّه علیه ــ در «ریاض العلماء: ق ۲۱۲ ب، نسخه عکسی نگارنده» گوید: «باب الفاء. الفالی: نسبه الی مدینه «فاله» بالقرب من ایذج، والمنسوب الیه جماعه من الخاصه و العامه». سپس گوید: «و من المنسوبین الیه: محمّد بن مسعود بن محمود بن ابی الفتح السّیرافی الفالی، شارح کتاب «اللّباب» فی النّحو... ثم من مؤلّفات الفالی «شرح التّجرید» للخواجه نصیر، و لعلّه للفالیِّ المذکور مؤلف «اللّباب» ».

نسخ دیگر این شرح: دو نسخه در دار الکتب العربیّه مصر، هر دو مورّخ به سال ۷۳۲(۲). یک نسخه در کتابخانه آستان قدس، مورّخ به سال ۷۶۴. یک نسخه در نزد دانشمند فاضل آقا سیّد محمّد موسوی جزائری در اهواز، مورّخ به سال ۷۷۹. یک نسخه نیز در «فهرست امام جمعه کرمان. ص ۹۴» از سده دهم و یازدهم یاد شده است.

در «فهرست دار الکتب» اشتباهًا «فالی» به فاء را که نسبت مؤلّف است به فال فارس، «قالی» به قاف ضبط نموده، و متابعةً این اشتباه در «فهرست سپهسالار» هم واقع شده، و در «فهرست رضویّه ۳: ۲۸» نیز اشتباه به صورت دیگر رخ نموده، «فالی» را «غالی» تصوّر کرده اند. ایضاً از این که شارح در آخر کتاب گفته است: «شکر اللّه تعالی سعیَ مصنّفه فیما أفاد... فلقد استفدنا من کلامه فوائد کثیرةً، و التقطنا... فرائدَ غزیره»، نگارنده فهرست اخیر گمان برده اند که «شرح را در زمان حیوه مصنّف تألیف نموده و از او

---

۱ – ۱) قصیده عمیدیّه همان حبسیّه اشکنوانیّه است، از صاحب عمیدالدین اسعد، پسر خال صفیّ الدین ابوالخیر مسعود (پدر شارح) که به دستور اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی در قلعه اشکنوان محبوس و همانجا در یکی از دو جُمادای ۶۲۴ مقتول شد. وی این قصیده را در آن حبس انشاد نموده و چون وسیله نوشتن نداشته بر پسرش تاج الدین محمّد که او نیز محبوس بوده و نجات یافته است، خوانده و او حفظ کرده و پس از رهایی از حبس، برای پدر شارح و دیگران روایت کرده است. قصیده افزون از یکصد بیت در آخر «معلّقات سبع» طبع ایران و هم در اروپا چاپ شده است.

۲ – ۲) بنا به نقل مؤلّف «فهرست سپهسالار ۲: ۳۷۰» از «فهرست دارالکتب العربیه ۲: ۱۳۴».

تحقیقات شنیده و درج کرده»! در صورتی که فاضل اسفراینی مصنّف «لباب» در سال ۶۸۴ وفات یافته که ۲۸ سال قبل از اتمام شرح بوده است!

آغاز: «بسم... الحمد للّه الّذی هدانا الی معرفه إعجاز القرآن... و علی آله و أصحابه الّذین نصروا الدّین بما هو غایه الامکان. و بعد، فانّ کتاب...(۱) النّحو للامام المحقّق الاسفراینیّ ــ أکرم اللّه تعالی مثواه و بکرامه الفوز أرضاه ــ لایخفی مقداره و لا یشقّ غباره... و کان فی بعض ألفاظه انعقادٌ یحتاج الی تحلیل، وإطلاق یفتقر الی تعلیل...».

بقیّه دیباچه شارح ــ به علّت ریختگی بعض کلمات از فساد نسخه ــ قابل نقل نیست و حاصل کلامش این که شارح هنگامی که «لباب» را درس می گفت، شاگردان از او خواستند تا شرحی بر آن بنویسد و او نظر به بضاعت مُزجاتش انکار داشت، امّا عاقبت خواهش آنان را مقرون به اجابت گردانید و این شرح را نوشت.

نسخه ما برگ اوّل کتاب را فاقد بود و فاضل محترم آقای سیّد محمّد جزائری از روی نسخه خود تکمیل کردند، و ریختگی کلمات از نسخه ایشان است.

انجام نسخه ما: «قال المصنف ــ رحمه اللّه ــ فی أواخر (آخر: نسخه آقای جزائری) الکتاب و إذ قدوفینا بما وعدنا من توفیر الأقسام الأربعه حقّها فلنختم الکتاب، حامدین للّه تعالی و مصلّین علی نبیّه محمّد و آله الطّیّبین الطاهرین، و هو حسبنا و نعم الوکیل (المعین. نسخه آقای جزائری و ش... این فهرست)، و صلّی اللّه علی محمّد و آله اجمعین (این جمله در نسخه آقای جزائری و ش... این فهرست نیست) ».

سپس در هامش به خطّی شبیه خط متن چنین نوشته است: «ختم اللّه له بالحسنی، یوم الخامس من شهر اللّه الرّجب سنه اربع و ثلثین (ظ) و ثمانمئه». گویا این تاریخ کتابت باشد.

انجام نسخه آقای جزائری: «و هو حسبنا و نعم المعین. و یقول العبد الضّعیف محمّد بن مسعود بن محمود بن ابی الفتح السّیرافیُّ الفالیُّ ــ أحسن اللّه خاتمته ــ : شکر اللّه تعالی سعی مصنّفه فیما افاد... فی الآخره ما تمنّاه و أراد، فلقد استفدنا من کلامه فوائد کثیره، و التقطنا ممّا... فرائد غزیره. و قد اتّفق الفراغ من إملاء هذا الشّرح، بحسب ذهنی القاصر... و المأمول من علماء الزّمان و أکابر الخلاّن... أن ینظروا فیه بعین الانصاف... فی الخمیس الرّابع عشر من ربیع الاوّل سنه اثنتی عشر و سبعمائه، بمحروسه شیراز من

۱- ۱) در اثر ریختگی خوانده نمی شود.

فارس، حرسها اللّه تعالی من الآفات و صان اهلها من المخافات، تمّت کتابته فی تاریخ سنه تسع و سبعین و سبعمائه علی ید العبد الضعیف محمود...».

نسخه: دارای ۲۵۲ برگ و ۴ برگ عطف در اوّل و آخر. صفحه اوّل و خاتمه شارح در روی برگ ۲۵۳ به خطّ مؤلّف این فهرست است منقول از خطّ آقای سیّد محمّد جزائری. نسخه دارای آثار تصحیح و حواشی منقول از کتب گوناگون بر بعضی از مواضع کتاب. عناوین مطالب همه جا در حاشیه به سرخی نوشته شده و بر روی متن لباب نیز خطّ سرخ کشیده اند. خط تعلیق ۲۵ سطری، کاغذ زاغی حنایی رنگ. قطع ۱۳ × ۲۱ و نیم، متن ۸ × ۱۴. جلد تیماج سبز ضربی با ترنج و سرترنج، آستر کاغذ سرخ فرنگی.

«۵۲۵» شرح اللّمعه الدمشقیّه فی فقه الامامیّه

(فقه ـ عربی)

از: «ظاهرًا» مرحوم شیخ علیّ بن شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی علیهما الرحمه.

کتاب: شرحی است بر متن «اللّمعه الدمشقیّه» شهید اوّل به «قال المصنّف».

نسخه: از فصل چهارم کتاب تجارت در بیع ثِمار است تا خیار مفلس. نام شارح و کاتب و تاریخ کتابت ندارد. با رجوع به «الذّریعه ۱۴: ۴۹» احتمال دادیم شارح آقا شیخ علی باشد.

«۵۲۶» شرح اللّمعه الدمشقیّه

(فقه ـ عربی)

از: آقا محمّد مهدی فرزند فرزانه حاجی محمد ابراهیم کرباسی اصفهانی ـ علیهما الرحمه ـ «که قبرش پشت سر حاجی است و اعظم اولاد حاجی بوده و بعد از حاجی بلکه در زمان او از رؤساءِ علماءِ اصفهان و امامت مسجد حکیم هم عمدهً با ایشان بوده که هنوز هم اولاد آن مرحوم دارند و مرجع در فتوی و احکام بوده و صداقتهای غریبه از او نقل می شود... و عمده اش مشغول خدمت حاجی بوده و زحمت در علوم می کشیده. به هر حال عالمی بوده است با اطّلاع و تحقیق، و اجازه از مرحوم سیّد داشته، و در اصول و فقه و غیر اینها کتابها نوشته... شرح بر قدری از «لمعه» چهار جلد...» : «تذکره القبور: ۱۵۹» و در پاورقی همانجا وفات آقا محمّد مهدی را شب شنبه «۴ ج ۲ ـ ۱۲۷۸» نوشته اند. شرح حالش در «مکارم ۶: ش ۱۳۷۵» ـ سهوًا ـ ناقص چاپ شد.

کتاب: شرح مزجی است بر کتاب «اللّمعه الدمشقیّه» شهید اوّل، محمّد بن مکّی عاملی رضوان اللّه علیه.

نسخه: آغاز: «کتاب العتق و هو بالکسر یطلق علی مَعان و هی: الکرم و الجمال» تا شرح قول شهید: «یسلم ما قابل الجنایه»، و پس از آن «کتاب اللقطه» تا شرح قول شهید: «الاّ بتفریط أو قصد التملّک»، و پس از آن «کتاب احیاء الموات» تا شروط احیاء و قصد تملّک که پیداست ناتمام است، و پس از آن «القول فی المشترکات» تا «الأمر الثانی فی بیان موضوع الطریق و حکمه» که به عبارت «و هو تحدید الطرق» خاتمه یافته، و پس از آن «کتاب الصید و الذباحه» و «کتاب الاطعمه و الاشربه».

نسخه به آداب اکل و شرب پایان یافته و آخرین عبارت چنین است: «و أکله فی الشتاءِ یسخن الکلیتین فیدفع البرد».

نام کاتب و تاریخ کتابت و نیز نام مؤلف و کتاب در هیچ جای نسخه نیست و بلکه اشتباهًا روی جلد نوشته اند: «مفتاح الکرامه...».

حقیر پس از تفحّص و تصفّحِ نسخه کتاب را شناختم، بخصوص که با سبک تألیف آقا محمد مهدی و دیگر فرزندان حاجی آشنایی کامل دارم و مطلقًا شبهه ندارد، چنان که در مواضع عدیده از پدر خود حاجی کرباسی نقل کرده، از این قبیل: «فی المنهاج والدنا المحقق العلاّمه، دام ظله» و نام خودش از این جا معلوم می شود که در شرح قول شهید «حتّی یذهب ثلثاه او ینقلب خلّا» گوید: «السیّد العلاّمه السمیّ فی المصابیح» که مقصود سیّد محمّد مهدی بحرالعلوم ــ اعلی اللّه مقامه ــ است.

«۵۲۷» شرح مختصر الأصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: قاضی عضدالدین عبدالرحمن بن احمد ایجی (متوفی ۷۵۶).

کتاب: شرحی است به «قال، أقول» بر کتاب «مختصر منتهی×× السّول و الأمل فی علمی الأصول و الجدل»، که هم مختصر و هم اصل «منتهی» هر دو تألیف ابو عَمرو عثمان بن عمر معروف بن ابن حاجب مالکی (متوفّی ۶۴۶) است، و شارح تمام عبارات متن را شرح نکرده بلکه آنچه را که محتاج دیده شرح کرده است.

تاریخ پایان شرح، چنان که در آخر این نسخه و هم در «کشف الظنون» آمده است بیست و ششم شعبان ۷۳۴ می باشد.

ص : ۷۴

نسخه: بخطّ نستعلیق علی اکبر بن عین اللّه الویستی. تاریخ استنساخ: شب شنبه دهم جمادای یکم ۱۰۷۲. کاتب، متن مختصر را در حاشیه ها نوشته است. برخی حواشی متفرّقه نیز دارد.

این دو بیت روی برگ اوّل نسخه نوشته شده و با نسبت به «میرزا علیرضا منشی»:

دل بسته جای مهره به گهواره دایه اش این طفل دل ربا نشود پس که می شود!

عمریست با شِکستگی دهر کرده خو منشی اگر رضا نشود پس که می شود!

«۵۲۸» شرح المختصر النافع

(فقه ــ عربی)

از: ××

در «المهذّب البارع. ش...» از مختصر نافع و شروح آن یاد کرده و گفته ایم که مجتهد بزرگ، آقا میرسیّد علی طباطبائی کربلائی، معروف به صاحب ریاض ــ اعلی اللّه مقامه ــ دو شرح بر مختصر نگاشته اند. نخستین شرح ایشان همان «ریاض المسائل» بسیار مشهور است که مکرّر به طبع رسیده(۱). نسخه های آن «ش ۴۳۶ - ۴۴۴» گذشت.

چون ریاض مفصّل و مبسوط و استدلالی بود، خود نگارنده آن را کوتاه کرد که به «شرح صغیر» معروف گردید و در ابواب عبادات آن از مسائل احتیاطی یاد نمود تا برای عمل مقلّدین و همگان به کار آید. تاریخ نگارش این کتاب معلوم نگردید(۲) و در «فهرست سپهسالار ۱: ۴۶۲» گوید این شرح مزجی صغیر دارای حدود ۲۶۷۷۴ بیت کتابت است.

نُسخ شرح صغیر فراوان است و در «ذریعه ۱۴:۶۰» و «فهرست رضویّه ۲: ۸۲»

ص : ۷۵

۱- ۱) صلوه ریاض، نزدیک به پایان دهه دوّم صفر ۱۱۹۴ و اعتکاف، شب ۲ شنبه ۲۶ ع یکم ۱۱۹۶ و وصیّت آن در ۱۱۸۹ و لعان در سه شنبه پایان صفر ۱۱۸۸ نوشته شده و بخش بازپسین آن در نیمه شب آدینه ۲۷ صفر ۱۱۹۲ به نگارش در آمده است: «فهرست دانشگاه ۵: ۱۹۳۹». بنابراین، شارح بزرگوار از حدود ۲۵ تا ۳۵ سالگی خود به نگارش این کتاب مهمّ مشغول بوده است.

۲- ۲) شرح صغیر ــ جای گفتگو ــ به سال ۱۴۱۰ ق در سه مجلّد «بالغ بر ۱۵۰۰ صفحه» از روی چند نسخه در قم چاپ شد و در یکی از نسخه ها تاریخ پایان نگارش در شب چهارشنبه ششم جُمادای دوّم سال ۱۲۰۴ قید شده است و عبارت خاتمه آن نسخه این چنین بوده است: «و فرغ من تسویده مؤلّفه الفقیر الی رحمه ربّه الغنیّ علیّ بن محمّد علی الطباطبائیّ، لیله الأربعاء و هی السادسه من شهر جُمادی الثانی [کذا] سنه ألف و مائتین و أربعه من الهجره». امّا این تاریخ با «تقویم و ستنفلد» سازش ندارد که غرّه آن ماه را سه شنبه نوشته است، واللّه العالم.

و «فهرست سپهسالار» و «فهرست دانشگاه ۵: ۱۹۳۹» و فهرستهای دیگر از نُسخ متعدّد آن معرّفی شده است. در «روضات الجنّات: ۱۲۷ و ۴۰۱» نیز از نسخه ای که در ظهر آن شارح مرحوم به خطّ مبارك خود اجازه مبسوطی به نیای اعلای امام مجدّد نگارنده روضات داده بودند، یاد شده است.

این کتاب را شارح در دو مجلّد قرار داده، مجلّد یکم از آغاز(۱) تا پایان کتاب الوصیّه، مجلّد دوّم از کتاب النکاح تا آخر ابواب فقه. نسخه ما از آخر اندکی ناقص است و به عبارت «کما لو وجد قتیلٌ فی دار قومٍ أو محلّتهم أوقریتهم» که عبارت متن مختصر است «ص ۳۲۱ طبع اخیر قاهره» در مسائل کتاب القصاص، پایان یافته و کاتب، بقیّه شرح این کتاب و کتاب الدّیات را ننوشته است.

شرح حال صاحب ریاض در عموم کتب تراجم متأخّرین، مانند «روضات الجنّات: ۴۰۰» و غیره به تفصیل آمده. اجمالاً این که وی میرسیّد علی بن محمّد علی بن ابیالمعالی صغیر ابن ابیالمعالی کبیر، طباطبائی است که جمعی از نیاکانش در اصفهان می زیسته اند، و خود در ۱۲ ربیع یکم ۱۱۶۱ در کاظمین به دنیا آمده و نزد دایی و پدر زن خود آقا محمّد باقر وحید بهبهانی و فرزند او آقا محمّد علی و شیخ یوسف بحرینی صاحب «حدائق» تحصیل کرده، جمعی از علماء و مجتهدان بزرگ، از مجلس درس او برخاسته اند، چون حاجی کرباسی و حاج محمّد جعفر استرآبادی و سیّد جواد عاملی و غیرهم اعلی اللّه تعالی مقاماتهم.

آقا سیّد علی در کربلای معلّی مقیم بوده و عاقبت در ماه محرّم ۱۲۳۱ در همان شهر به رحمت ایزدی پیوست.

آغاز مجلّد یکم: «بسم... الحمدللّه رب العالمین، و صلّی اللّه علی خیر خلقه محمّد و آله الطاهرین. کتاب الطهاره، و أرکانه اربعه. [الرّکن [الاوّل، فی المیاه والنّظر» فیه «فی المطلق و المضاف و الأسآر. أمّا المطلق» و هو ما یستحقّ إطلاق الإسم من غیر إضافهِ «فهو فی الأصل...»».

انجام مجلّد یکم: «و یلحق بهادیهُ العمد، علی الأظهر الأشهر، خلافًا للحلّی، فخصَّ

۱- ۱) مقدّمه مختصر را شارح شرح نکرده، بلکه از ابتدای کتاب طهارت شروع نموده و کتاب جهاد را نیز مطلقًا شرح نکرده اند.

الحکم بدیه الخطأ، و النّادرِ، فنفاه فیها أیضًا. و هما ــ لا سیّما الثانی ــ ضعیفان جدًّا، و الحمدللّه تعالی. کیجاجان».

آغاز مجلّد دوم: «بسم... الحمد للّه رب العالمین، وصلّی اللّه علی خیر خلقه محمّد و آله الطاهرین. «کتاب النّکاح» هو لغةً الوطی، علی الأشهر...».

انجام مجلّد دوم نسخه: «و هی «کما لو وجد قتیلٌ فی دار قوم أو محلّتهم أوقریتهم» ».

نسخه: دارای ۴۱۸ برگ. روی برگ ۱، مطالب گوناگون فقهی و چند بیت شعر و تملّک و مهر «نصر اللّه بن عبداللّه» نوشته شده. ظهر برگ ۱ و چند موضع دیگر تملّک و مهر اسمعیل نامی به این سجع «قربان شدن از کمال اسمعیل است ۱۲۳۴(۱)» دیده می شود و چنان که گذشت از کتاب الحجّ نسخه بیش از یک ربع آن نوشته نشده و کتاب الجهاد را نیز فاقد است. جای آن، ظَهر برگ ۱۱۰ تا روی برگ ۱۱۳ سفید است. ظهر برگ ۱۱۳ از کتاب التجاره شروع می شود. ظهر برگ ۲۴۵ که پایان کتاب النکاح است، کاتب به سرخی نام خود را چنین نوشته: «خدایا بده یک کیجا خجیر. س. ی. د. ع. ل. ی.

ا. ص. ق. ر». در پایان کتاب الوصایا و کتاب احیاء الموات نیز نوشته است: «کیجاجان». در پایان کتاب المواریث نوشته است: «کیجاجان من تن دیم بلاره ۱۲۴۰». در پایان کتاب القضاء چنین است: «تمّ سنه ۱۲۳۰،

کیجا جان من تن دیم بلاره زمانه دگر دهاد اند اماره

مناجات ها کنم جان خداره که شاید بورم خجیر کیجاره»

در یک موضع نیز حاشیه ای به خطّ کاتب و به این رمز «س. ع. ل. ی. ا. ص. ق. ر» نوشته شده و از مجموع این مطالب معلوم می شود کاتب این نسخه شخصی بوده ظاهرًا به نام سیّد علی اصغر و نسخه را در ۱۲۴۰ و حدود آن نوشته است، لکن همه جا اصغر را «ا. ص. ق. ر» یعنی با قاف نگاشته و گویا اهل لرستان بوده که کلمات و اشعاری به زبان محلّی خود نوشته است و مفهوم آنها بر ما روشن نگردید.(۲) نیمی از روی برگ ۴۱۵ تا

---

۱ - ۱) در سال ۶۳۵ که کمال اسمعیل شاعر شهیر اصفهانی به دست مغولان کشته شد، در حین شهادت این رباعی را سرود: این کشته اگر کمال اسمعیل است قربانی او نه قابل تبدیل است قربان شدنش کمال باشد در عشق قربان شدن، کمال اسمعیل است وی در صومعه خود که در کناری ساخته بود و اکنون در محلّه قدیمی جویباره نزدیکی مسجد جامع اصفهان واقع است، به قتل رسید و همانجا مدفون شد.

۲ - ۲) در زبان گیلکی کیجا یعنی دختر، و ریکا پسر است «از فرهنگ نام ها».

آخرین برگ کتاب سفید است.

کاغذ فرنگی، خطّ نسخ ۲۱ سطری، عناوین و خطوط بالای عبارات متن به سرخی جلد تیماج مشکی کوبیده، آستر کاغذ آبی، قطع ۱۵ × ۲۷، متن ۸ و نیم × ۱۹.

مجلّد اوّل که تا کتاب الوصایا (برگ ۱۹۹) است، دارای آثار تصحیح می باشد و حواشی توضیحی مختصر و گوناگون بسیار به فارسی و عربی در هامش صفحات به نستعلیق و شکسته نوشته شده. مجلّد دوّم فاقد این امتیازات است.

«۵۲۹» شرح مراح الارواح

(صرف ـ عربی)

از: چنان که در هامش صفحه اوّل نوشته اند: مولانا شمس الدین الشهیر بدینغوز.

در «کشف الظنون» ذیل عنوان «مراح الأرواح» گوید: «شرحه المولی احمد المعروف بدیکقوز المتوفی سنه... و هو شرح مفید معتبر».

و در «الشّقائق النّعمانیّه» گوید: «المولی شمس الدین احمد المشهور بدیکقوز. کان مدرّسًا ببعض المدارس الرومیّه ثم صار مدرّسًا بمدرسه السّلطان بایزید خان بمدینه بروسا و توفّی و هو مدرّس بها...».

و در «معجم المطبوعات» گوید: «دیکقوز (أو) دیکنقوز، شمس الدین احمد المعروف بدیکنقوز أو دنقوز، من أبناءِ القرن التاسع للهجره».

و سپس گوید که این شرح در مصر چاپ شده است.

کتاب: شرح مزجی «مراح الأرواح» تألیف فاضلی به نام احمد بن علیّ بن مسعود است که آگاهی از احوال او در دست نیست و یک نسخه خطّی از آن کتاب که در سنه ۸۴۰ نوشته شده، در مصر موجود است. پس مؤلّف اهل قرن نهم یا پیش از آن بوده، و بر این کتاب شروح چندی است که برخی نیز چاپ شده است.

آغاز: «شرح مراح الأرواح. بسم. اللّهمّ یا مصرّف القلوب! صرّف قلوبنا نحو رضائک».

انجام: «و طاویان، و طوی مجهول طوی فانّه لو أعلّ الواو فیهما بقلبه ألفًا أو بإسکانها لثقل الکسره علیها لم یلزم اجتماع الإعلالین إلّا أنّه لا یعلّ حملاً علی طوی. تمّ. قد اتّفق فراغ القلم من الجولان فی بحر المداد و برّ الأوراق علی ید الضعیف ابن علیّ أفضل:

ملکُ علیّ طالقانی...».

نام کاتب به شرح فوق است و تاریخ کتابت ندارد. ظاهرًا در سده (۱۱ ـ ۱۲) نوشته شده. تملّک احمد بن داود النّجفیّ و علاءالدین بن داود النجفیّ در اوّل و آخر نسخه هست.

«۵۳۰» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. به نظر می رسد کاغذ نسخه، استانبولی بوده و در حوالی سده (۱۰ ـ ۱۱) در همان بلاد نوشته شده باشد.

کاتب نسخه «ظ» در حاشیه صفحه اوّل در یک جدول به شنگرف نوشته است:

«و هذه [کذا] الکتاب مؤلّف مولانا شمس الدّین الشّهیر بدینغوز».

اوائل نسخه حواشی متفرّقی از «عبد الرّحمن» و «تعریفات» و «شرح دیباجه المصباح» و «اختری» و «صدر الشریعه» و «شرح منظومه» و «سیّد علی» و «عبدی» و «شرح الأساس» و «شرح علاء» و «لمحرّره» و غیره دارد.

«۵۳۱» شرح المشاعر

(حکمت ـ عربی)

از: شیخ احمد بن زین الدین أحسائی: «حاشیه شوارق الالهام. ش ۳۱۰». نیز، رجوع شود به شرح «روضات الجنّات. ش ۲۲. چاپ اصفهان. ۱۳۴۱ ش».

کتاب: شرح بر «مشاعر» آخوند ملّا صدرای شیرازی است و در حقیقت ردّ بر مشاعر به زعم شارح است و سرتاسر اهانت و اسائه نسبت به صدرالمتألّهین.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ استنساخ: روز یکشنبه هفتم ماه شعبان ۱۲۶۷. کاتب آن را برای عالم فاضل... حاج ملّا عبدالرحیم استنساخ کرده است.

«۵۳۲» شرح المَشاعر

(حکمت ـ عربی)

از: حاجی محمّد جعفر بن حاجی محمّد صادق لاهیجانی اصفهانی، معروف به لنگرودی رشتی ـ رحمه اللّه علیه ـ (متوفّی ۱۲۶۰).

مرحوم آقای تنکابنی در «قصص العلماء: ۱۲۰ چاپ (۱۳۱۳ ق)» ذیل احوال سیّد حجّه الاسلام حاج سیّد محمّد باقر بیدآبادی

ـ أعلی اللّه مقامه ـ حاجی محمّد جعفر را از زمره فضلاءِ تلامذه حکیم نامدار آخوند ملّا علی نوری برشمرده و چنین گوید:

«و حاجی محمّد جعفر لنگرودی، و من ـ تنکابنی ـ «شواهد رُبوبیّه» را با آقا محمّد

مهدی، ولد حاجی کرباسی در نزد او ــ لنگرودی ــ می دیدم». آقا محمّد مهدی صاحب «شرح اللمعه. ش ۵۲۶» است.

نیز، در شرح حال خود «ص ۷۲» در شمار اساتید علم معقول خویش، وی را به عنوان «حاجی محمّد جعفر لنگرودی ساکن اصفهان» یاد کرده است:

«و تلمّذ این فقیر در علم معقول در خدمت تلامذه آخوند ملّا علی نوری شده، مانند آخوند ملّا آقای قزوینی و حاجی محمّد جعفر لنگرودی ساکن اصفهان...».

حاجی محمّد جعفر، سرسلسله دودمانی معتبر در اصفهان است که همگی به نام خانوادگی «رشتی ــ آقای رشتی» معروف و مشهورند و تا حال که دو قرن از تشکیل این خاندان در این ولا می گذرد و شش هفت نسل از آنان متعاقب شده، اهل علم و فضل و کمال و صلاح و سداد میان آنان بوده است، و با برخی از خاندان های دیگر علمی و روحانی اصفهان، مانند خاندان سیّد حجّه الاسلام شفتی بیدآبادی و حاجی کرباسی و مسجد شاهیان و خاندان ما نیز نسبت مُصاهرت یافته اند که بخشی از آن را پس از این خواهیم گفت.

کتابخانه این طایفه نیز بسی معتبر بوده و تعدادی از نسخ آن کتابخانه در این فهرست معرّفی شده اند.

با تأسّف، صاحب «ذریعه» و نویسنده فاضل «فهرست دانشگاه تهران ۳: ۲۳۶ و ۲۸۲» که نسخه «حاشیه بر حاشیه خفری بر شرح تجرید قوشجی» حاجی و نسخه ای از «شرح مشاعر» جای گفتگو را شناسانده اند و همچنین متصدّی چاپ همین «شرح مشاعر» و برخی دیگر از فضلاء و ارباب تراجم؛ حاجی محمّد جعفر و دودمان او را به هیچ روی نشناخته اند، و چون ــ همان گونه که گفتیم ــ صاحب «ذریعه» ــ اعلی اللّه مقامه ــ از احوال آن مرحوم آگاه نبوده اند، شرح مختصری در سه موضع از کتاب دیگر خود «الکرام البرره. عنوان های: ۴۸۶ و ۴۸۸ و ۵۰۹» به گمان تعدّد ــ یا به سهو ــ نوشته اند و عنوان شماره «۴۸۷» نیز مشتبه به نظر می رسد.

برای آگاهی بیشتر از این خاندان بیافزاییم که در روز یکشنبه هفدهم ذی الحجّه ۱۳۹۰، مطابق ۲۵ بهمن ماه ۱۳۴۹ راقم سطور را با مرحوم آقای حاج شیخ محمّد حسین رشتی، در مجلس ختم مرحوم فاضل نوری در شبستان مدرسه چهارباغ اصفهان، اتّفاق ملاقات افتاد و ایشان چند آگاهی زیر را یادآور شدند:

۱ـ آقای حاج شیخ محمّد حسین خود دیده اند که مرحوم آقا میرزا محمود فرزند آقا محمّد مهدی فرزند حاجی کرباسی ـ رحمه اللّه علیهم ـ در جزوه ای نوشته است که: مرحوم میرزا محمّـد جعفر رشتی شارح «المشاعر» در روز هفته مرحوم سیّد حجّه الاسلام حاج سیّد محمد باقر بیدآبادی (متوفی یکشنبه ۲ یا ۳ ربیع دوّم ۱۲۶۰)، وفات یافته و مرحوم حاج آقا ـ یعنی حاجی کرباسی ـ بر او نماز خواندند و نماز سیّد حجّه الاسلام مذکور را فرزندش مرحوم حاج سیّد اسد اللّه خواندند.

۲ـ مرحوم میرزا محمّـد جعفر در نجف اشرف در ایوانی در وادی السلام مدفون است با جمعی از فرزندانش و به مزار حاج میرزا عبدالرزّاق بن میرزا محمّـد کاظم بن میرزا محمّد جعفر مذکور، با شهرت به قبر میرزا عبدالرزّاق کرباسی ـ به مناسبت اتّصالی که به خاندان کرباسی داشته ـ شناخته می شود.

۳ـ فاضل نوری، نجم الشریعه، نجم الدین نوری، فرزند مرحوم حاج میرزا بهاءالدین نوری، صاحب دفتر خانه و از متمکّنین اصفهان و از علاقه مندان به مرحوم آقای حاج شیخ محمّـد باقر الفت نجفی بود و به خانه آن مرحوم سال ها رفت و آمد می کرد. صبح روز جمعه پانزدهم ذی الحجّه ۱۳۹۰ در خانه خود ـ بر حسب معمولش ـ به حمّـام رفته، غسل جمعه به جای آورده و به لباس کَن حمّـام آمده و همانجا سکته ای بر او عارض شده، وفات کرده است و روز شنبه پس از مراسم تشییع جنازه در حیاط تکیه بابارکن الدین در تخت پولاد به خاک سپرده شد. تولّدش به سال (۱۳۱۰ ق) بوده که هشتاد سال قمری و چند ماهی عمر کرد. پایان.

فاضل نوری در کتاب «سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان: ۷۴» و «مکارم الاثار (۱۳۱۰)» یاد شده است.

باز، همان آقای حاج میرزا محمّد حسین رشتی، در دیداری دیگر، به روز سه شنبه ششم ذی الحجّه ۱۴۰۶ فرمود که پدرانشان همه حاجی بوده اند و بالاتر از حاج محمّـد صادق را آگاه نیستند و نمی شناسند، و این که مادر حاج میرزا عبدالرزّاق، یعنی زوجه حاج میرزا محمّد کاظم بن حاجی محمّد جعفر لنگرودی ـ چنان که در «مخزن الأسرار الفقهیّه. ش...» نیز خواهیم گفت ـ ، مخدّره نبات بیگم دختر آقا محمّد مهدی کرباسی داماد حاج سیّد محمّد باقر حجّه الاسلام، و زوجه حاج میرزا عبدالرزّاق دختر

حاج سیّد جعفر بیدآبادی فرزند سیّد حجّه الاسلام بوده اند. انتهی.

حاج میرزا عبدالرزّاق، به سال (۱۳۱۹ ق) در سفر به عتبات در نجف اشرف وفات یافت و حاج سیّد جعفر، سال بعد در عاشورای ۱۳۲۰ ق، همان گونه در نجف اشرف درگذشت: «دانشمندان مهدوی».

فرزند حاج میرزا عبدالرزّاق، حاج میرزا قوام الدین رشتی در ۱۳۱۵ متولّد و در هفتم ماه صفر ۱۳۶۵ در تهران وفات کرد و در قم به خاک رفت: «دانشمندان مهدوی».

فرزندش حاج شیخ محمّد حسین که آن مطالب را از ایشان آوردیم، متولّد حدود ۱۳۳۷ ق، در پگاه روز شنبه سوم ربیع یکم ۱۴۱۴ دار فانی را وداع گفت و در مقبره کوچک مسجد سیّد اصفهان دفن شد: «مزارات اصفهان مهدوی: ۱۶۵» رحمه اللّه و رضوانه علیهم اجمعین.

أسفا، که حاج شیخ محمّد حسین آخرین فرد اهل علم و عمل و روحانیّت این خاندان جلیل بود و پس از او چراغ فروزنده دین و دانش در این خاندان، بسانِ چندین خاندان علمی و روحانی این وِلا، و جاهای دیگر به خاموشی گرایید، و عمده سبب این فاجعه، وضع قوانین طاغوتی ـ به جای احکام شرع انور ـ در باب مالکیّت اراضی و مستغلّات بود، که عموم خانواده های محترم علمی و سادات گرامی از این راه مشروع و حلال اِمرارِ معاش می نمودند و با وضع قانون ظالمانه لغو مالکیّت، کار آنان به جایی رسید که دار و ندار خود را برای امر معاش به فروش رسانیدند، از جمله کتاب ها و آثار علمی نیاکان را، و به ناچار ترک زیّ موروثی نموده، به شغلی از مشاغل معمولی وارد شدند... ألا، لعَنَ اللّهُ مَن سَدّ سَبیلَ المَعروف.

بازگردیم به سخنانی دیگر درباره مرحوم حاجی محمّد جعفر:

۱ ـ در «فهرست دانشگاه تهران ۳: ۲۳۶» آمده است که وی را حاشیه ای است بر بخش إلهی شرح تجرید قوشجی و بر حاشیه فاضل خفری بر آن، و نسخه ناتمام آن را شناسانده اند.

همین نسخه در دو جای «ذریعه ۶: ۶۵ و ۱۱۴» به تکرار یاد شده، و لازم به تذکّر است که مطلب مذکور در غلطنامه همین جلد ششم (ص ۴۰۹)، به این عبارت: «رأیت بخطّ هذا المحشّی کتاب من لا یحضره الفقیه، فرغ منه فی ۱۰۷۶»، استدراک نموده اند و کاتب آن نسخه را ـ که لابدّ او نیز نامش محمّد جعفر لاهیجی بوده ـ همین حاجی

محمّد جعفر شارح المشاعر پنداشته اند؛ اشتباه و توهّم خطایی است، فلا یُغفل.

۲ ـ خطّ و مهر مرحوم حاجی محمّد جعفر در ظهر نسخه «ریاض السالکین. ش ۴۳۴» ـ چنان که گذشت ـ دیده می شود و سجع مهرش «عبده جعفر بن محمّد صادق» است.

۳ ـ سال ها پس از نوشتن مطالب یاد شده، یک برگ یادداشتی به خطّ یکی از سادات معظّم خاتونابادی به دست آمد که در آن وفیات چند تن از بزرگان علماءِ اصفهان را نوشته بودند و برخی از آن یادداشت ها به خطّ و امضاءِ «معصوم بن محمّد علی الحسینی الخاتون آبادی» است و از جمله، شرح زیر درباره صاحب ترجمه به نظر آمد که بسیار مغتنم است، به این عبارت:

«وفات مرحمت پناه علاّمه العلماءِ فی فنّ الحکمه، الفرید فی التقدّس و التّقوی العابد الزاهد حاجی محمّد جعفر رشتی، غُفر له، یوم جمعه هشتم شهر ربیع الثانی سنه (۱۲۶۰). اللّهمّ اغفره «کذا» و لجمیع المؤمنین. و سنّ شریف ایشان هشتاد «و» سه سال بود». انتهی بلفظه.

۴ـ از آنچه گذشت دانسته شد که نام آن بزرگوار، در سجع مُهرش «جعفر» و در دیگر آثار: حاجی محمّد جعفر، حاج ملاّ محمّد جعفر، میرزا محمّد جعفر، و شهرتش نیز چند گونه: لنگرودی، لاهیجانی، رشتی و بالاخره اصفهانی است.

۵ ـ همچنین دانسته شد که: حاج محمّد جعفر شارح المشاعر در روز آدینه هشتم ربیع دوّم ۱۲۶۰ در اصفهان وفات یافته و مرحوم حاجی کرباسی حاج محمّد ابراهیم صاحب «الاشارات» بر جنازه اش نماز گزارده، و پس از آن به عتبات عالیات حمل و در وادی السلام نجف اشرف دفن شده است.

* * *

اینک وصف کتاب و نسخه:

کتاب: شرح بسیار متین و معتبر رساله «المَشاعر، فی الحکمه المُتعالیه» از صدرالمتألهین شیرازی است و به طبع رسیده.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن در ظهر آن شخصی گواهی کرده است که نسخه به خطّ مرحوم حاج میرزا محمّد کاظم رشتی اصفهانی فرزند شارح است. سپس این شرح دیده می شود: «بسم. بتوسّط جناب آخوند ملاّ علیرضا، بمبلغ پنج قران به این

احقر، مرتضـی بن عبدالرزّاق بن محمّد کاظم بن محمّد جعفر ــ المصنّف لهذا الکتاب ــ انتقال یافت، بتاریخ ۴ شهر ربیع الأوّل ۱۳۲۳». مُهر: «مرتضی».

کـاتب این تملّـک، عالم بزرگوار حاج آقا مرتضـی رشتی داماد مرحوم آیه اللّه آقای حاجّ شـیخ جمال الـدین مسـجد شاهی ــ خالوی گرامی جدّه اُمّی این ضعیف ــ است که به نوشته مرحوم آقای حاج میرزا محمّد باقر اُلفت در «دفتر انساب خانوادگی»، حاج آقا مرتضـی در ماه محرّم ۱۳۶۲ ق فوت و در بقعه تکیه مرحوم آقا میرزا ابوالمَعالی دفن شـده و سـنّش در حـدود پنجاه و هفت سـال بود. و مرحوم آقـای مهـدوی در کتـاب «سـیری در تخت فولاـد: ۶۱» نوشـته انـد که: «بعـدًا به عتبات مقـدّسه منتقل گردید».

آخوند ملاّ علیرضا، از محترمین طبقه مقدّم تجّار کتاب بوده است رحمه اللّه علیهم اجمعین.

«در نیمه ماه رمضان المبارک ۱۴۲۶ تحریر شد».

«۵۳۳» شرح معالم الأصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: مولانا محمّد بن حسن شـیروانی اصـفهانی، معروف به آخوند ملاّ میرزای شـیروانی، صاحب «حاشیه شرح تجرید الکلام. ش ۲۹۳».

کتاب: در شرح مقدّمه اصولیّه «معالم الدین و ملاذ المجتهدین. ش...» است، به «قوله»، از آغاز تا «باب بناءِ العامّ علی الخاصّ» و این شرح عربی شارح ــ علیه الرحمه ــ است.

نسخه: دارای حواشی «منه، رحمه اللّه» و نام کاتب و تاریخ ندارد و ناتمام مانده است.

«۵۳۴» شرح معالم الأصول

(اصول فقه ــ فارسی)

از: مولانا میرزای شیروانی، صاحب شرح عربی (ش ۵۳۳).

کتاب: در شرح مقدّمه اصولیّه «معالم الدین. ش...» است به «قوله»، از آغاز تا «باب الإجماع»، به زبان فارسی.

نسـخه: نام کاتب ندارد و در روز پنجشنبه بیست و پنجم ماه رمضان ۱۲۴۳ کتابت آن پایان یافته و کاتب نوشـته است که شمار ابیات کتاب ــ تخمینًا ــ یازده هزار بیت است.

از کتابخانه نیای گرامی، آیه اللّه آقا میرزا سیّد محمّد مسیح اعلی اللّه مقامه.

«۵۳۵» شرح المُغنی

(نحو ــ عربی)

از: بدرالدّین محمّد بن عبدالرحیم بن الحسین العمریّ المیلانی: «کشف الظنون

ص : ۸۴

و مقدّمه همین نسخه». تاریخ تألیف: ماه رجب ۸۰۱: «کشف الظنون».

کتاب: شرح مزجی است بر کتاب «المغنی» در علم نحو، تألیف فخرالدین احمد بن الحسین الجاربردیّ، استاد شارح، متوفّی ۷۴۲ در تبریز.

نسخه: به خطّ محمّد زمان بن احمد الحسینیّ. تاریخ استنساخ: دوشنبه غرّه ربیع یکم ۱۰۵۱.

«۵۳۶» نسخه دیگر

نسخه: کامل و معتبر و محشّی است. نام و نسب شارح در آغاز این نسخه: محمّد بن عبدالرحیم بن محمّد العمریّ المیلانیّ است.

کاتب: محمود بن احمد بن مولانا ابراهیم بن مولانا بهاءالدین بن شیخ بایزید السنقریّ. تاریخ پایان کتابت: یوم الأربعاءِ ذی الحجّه ۱۰۲۰. روز هفته ندارد. اشعار فارسی از جامی و غیره در اطراف حواشی به خطّ کاتب نوشته شده، و این بیت در هامش صفحه آخر به سرخی ثبت است:

بکتْ عُیونی، علی شُیونی! فساءَ حالی، و لا أُبالی که دانم آخر، طبیب وصلت، مریض خود را، کند مُداوی

«۵۳۷» شرح مفاتیح الشّرائع

(فقه ــ عربی)

از: ملّا محمد هادی بن ملّا مرتضی بن ملّا محمّد مؤمن کاشانی، که این ملّا محمّد مؤمن برادر مرحوم آخوند ملّا محسن فیض کاشانی مشهور است.

کتاب: شرح کتاب «مفاتیح الشرائع» تألیف آخوند ملاـ محمد محسن فیض کاشانی است، در ابواب فقهیّه، و چنان که در «الذریعه ۱۴: ۷۹» فرموده ملاّـ محمّد هادی شرح خود را در زمان حیات ماتن «یعنی فیض» تألیف کرده است. و این شرح متکفّل تمام متن «مفاتیح» است به کلمه «قال» و سپس شرح عبارت به «اقول».

نسخه: از اوّل کتاب مفاتیح الحجّ است تا آخر کتاب الزیارات، و پس از آن کتاب مفاتیح النذور و العهود است تا آخر دیات، و پس از آن «خاتمه الفنّ فی أحکام الجنائز» است تا آخر فنّ عبادات و سیاسات.

انجام: «و لیکن هذا آخر ما نورده فی الشرح المتعلّق بفنّ العبادات و السّیاسات من مفاتیح الشرائع... و کان فراغ المؤلّف من تألیفه فی العشر الأوّل من شهر شعبان المعظّم سنه «کذا» بقریه قمصر من قری قاسان».

کاتب نسخه: رضا ابن محمّد جعفر بیک. تاریخ استنساخ: ۲۶ صفر ۱۲۴۶.

ناگفته نماند که نام مؤلّف و سال تألیف در نسخه نیست.

«۵۳۸» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب مفاتیح العطایا و المروّات است تا پایان کتاب، به خطّ رضا ابن محمّد جعفر بیک، همان که نسخه پیشین را نوشته است.

تاریخ استنساخ: ۱۲۴۶. کاتب نام خود را در این نسخه ذکر نکرده، ولکن شبهه ای در اتّحاد نویسنده این دو مجلّد نیست.

انجام: «هذا آخر ما یتعلّق بشرح المفاتیح. شرح اللّه صدورنا بنور الهدایه و الرشاد و فتح علینا أبواب الخیر و السداد... و العالم لیس بأهل للاعتراض علی أهله. ثمّ الحمد للّه الملک العلّام...».

تاریخ تألیف و نام مؤلّف در این جلد نیز دیده نشد.

«۵۳۹» شرح مفاتیح الشّرائع

(فقه ــ عربی)

از: ناشناخته.

کتاب: شرح «مفاتیح الشرائع» آخوند ملّا محسن فیض کاشانی است، به «قوله».

نسخه: از شرح مفاتیح المطاعم و المشارب است تا کتاب وصایت.

آغاز: «بسم... الأکل و الشّرب من ضروریّات هذه البنیه الضعیفه».

انجام: «فیقتصر فیما خالف الأصل علی موضع الوفاق. کذا قالوا و العلم عند اللّه و عند أهله».

کاتب نام خود و تاریخ ختم کتابت را در پایان شرح کتاب الشفعه این چنین آورده: «قد فرغت من تسوید هذا الجلد من شرح المفاتیح حسب الشهوه! المخدومی عالیجناب... آقا میرزا، فی یوم الخمیس من ذیالحجّه (۱۲۰۶)... و حرّره... محمّد حسین بن مرحوم ملّا محمّد شریف بن... ملّا محمّد حسین نوری».

تعداد اوراق مکتوب نسخه: ۱۷۹ برگ است و فهرست مفصّل کتاب در آغاز آن با تعیین عدد اوراق نوشته شده.

تملّک میر محمّد اسمعیل بن ابوالمحسن حسینی خاتون آبادی بتاریخ «۲۵ صفر ۱۲۷۱» و مهر او در آغاز نسخه هست.

روی برگ اوّل واقعه تاریخی محمّد حسین خان نائب الحکومه که آغاز آن فتنه «به

تاریخ یوم جمعه ۲۳ شهر ذیقعده الحرام ۱۲۶۵ در مسجد شاه اصفهان» بوده و مجروح شدن وی در این ماجرا و فوت او و سپس حرکت مرحوم آقا سیّد اسداللّه حجّه الاسلام در روز جمعه ۷ ربیع المولود به طرف تهران و اهانت به سیّد و قتلِ حدودِ دویست نفر از مردم اصفهان در این واقعه و عزل سپهدار در «سه شنبه ۲۶ صفر ۱۲۶۷» به تفصیل نوشته شده و به خطّ مرحوم خاتون آبادی است.

«۵۴۰» شرح کتاب المفصّل للزمخشری

(نحو ــ عربی)

از: ناشناخته، و اجمالاً «شرح المفصّل» یعیش که به طبع رسیده است، نیست.

انجام نسخه: «تمّ المجلّد الأوّل من شرح المفصّل، و الحمد للّه وحده و صلواته علی سیّدنا محمّد و آله، و یتلوه من أصناف الاسم الأسماء المتّصله بالأفعال».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، لکن نسخه بسیار مرغوب و ظاهرًا از آثار سده هشتم است.

«۵۴۱» شرح مقاصد الطالبین

(کلام ــ عربی)

از: مسعود بن عمر بن عبداللّه تفتازانی هروی شافعی (متوفی ۷۹۲)، معروف به ملّا سعد، شاگرد قطب الدین محمّد رازی و قاضی عضد ایجی شافعی.

تاریخ دقیق وفاتش ــ منحصرًا ــ در پایان نسخه شرح الکشّافش این گونه آمده است:

«و لمّا بلغ المصنّف الی هذا المقام، بعد أن شرح من «صاد» الی «الفتح»، فتح اللّه علیه أبواب دارالسلام، فدخل فیها امتثالاً لقول الملک العلّام: و اللّهُ یَدْعُو إلی دارِ السّلِمِ، و أکرمه بالنّعمه العُظمی و بالقُرب و الزّلفی، و أسکنه فی الجنّه العُلیا، تغمّده برضوانه و أحلّه بُحبوبه جِنانه. و کان وفاته ــ رحمه اللّه ــ ضحوه یوم الاثنین الثانی و العشرین من محرّم سنه اثنین و تسعین و سبعمائه»: نسخه (ش ۱۱۰۲۴) مرعشیّه قم «فهرست ۲۸: ۷۳۰».

کتاب: شرح بر «المقاصد ــ مقاصد الطالبین» خود شارح است در علم کلام، به «قوله»، و چاپ شده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از آثار سده نهم است.

مُهر «عبده رفیع الدین الحسینی» و تملّک ابوالقاسم بن محمود بن منصور بن قطب الدین الحسنی الحسینی و مُهر او «المتوکّل علی اللّه الغنیّ ابوالقاسم بن محمود الحسینی» و تملّک محمّد شریف بن قطب الدین حسینی ایزی، به تاریخ ماه رجب

۱۰۶۰ در اصفهان و مُهر او «خادم الشریعه بفضل اللّه الغنیّ محمّد شریف بن قطب الدین الحسینی» و تملّک فتح اللّه بن قطب الدین محمّد بن عبد الحیّ بن محمود بن... بن قطب الدین محمّد دیباجی جعفری حسینی، در ظهر نسخه هست.

همچنین: یادداشتی از نیای مجدِّد معظّم، آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» ــ أعلی اللّه مقامه ــ به تاریخ ۱۳ ماه رمضان ۱۲۷۵ در همان صفحه مرقوم است.

«۵۴۲» شرح منهاج الوصول

(اصول فقه ــ عربی)

الی علم الأصول

از: سیّد برهان الدین عُبید اللّه بن محمّد فرغانی عبری (متوفی ۷۴۳).

کتاب: شرح «منهاج الوصول» قاضی ناصرالدین عبداللّه بیضاوی (متوفی ۶۸۵) است، به «قال، أقول».

نسخه: به خطّ عمر بن احمد بن علیّ بن حسین دیری «ظ». تاریخ کتابت: یکشنبه ۲۵ صفر ۸۷۹، درست در همان سالی که «معراج الوصول. ش...» نوشته شده است.

تملّک جعفر بن شیخ عبد علی قرشی و عبداللّه بن محمّد رضا بن محمّد باقر مازندرانی و محمّد بن محمّد بن علاءالدین بن أبی الفتوح حسینی، ظهر نسخه هست.

در اواسط کتاب، در حاشیه، به خطّ خوش آمده است: «حکم الصلوه فی الدار المغصوبه. نمّقه العاصی جعفر القرشیّ و هذا الکتاب فی ملکه. کان ذلک فی سنه ألف و مائتین و أربعین».

آغاز: «بسم... أمّا بعد، فانّ الطلبه لمّا رأوا ما کتبناه فی شرح بعض المختصرات».

انجام: «فجاز الاستفتاء فی اصول الدین لکلّ واحد، سواء کان مجتهدًا أولا. و اللّه اعلم بالصّواب...».

شرح منهاج الوصول: معراج الاصول

«۵۴۳» شرح المواقف السّلطانیّه

(کلام ــ عربی)

از: میر سیّد شریف جرجانی علیّ بن محمّد بن علیّ حسینی حنفی استرابادی (۷۴۰ ــ ۸۱۶)، صاحب «شرح التذکره. ش ۴۸۶».

کتاب: شرح مزجی «المواقف السّلطانیّه»، تألیف عبدالرحمن بن احمد فارسی شافعی،

معروف به قاضی عضد ایجی (متوفی ۷۵۶) است، در مباحث کلامی و به طبع رسیده. تاریخ تألیف شرح روز شنبه اوائل شوّال ۸۰۷ در سمرقند.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: ۲۸ ماه شعبان ۸۹۲ و ظاهرًا هر نیمه آن به خطّ کاتبی جداگانه است. برگ اوّل نیز به خطّ دیگری است.

تملّک و مهر عبدالخالق اصفهانی و تملّک محمّد بن حبیب اللّه، ظهر نسخه هست.

«۵۴۴» نسخه دیگر

نسخه: بسیار زیبا و تمیز از آثار سده یازدهم است. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

مهر «ابن محمّد تقی علینقی» و مهر «محمّد جعفر بن علینقی» و مهر سیّد حجّه الاسلام شفتی بیدآبادی «محمّد باقر بن محمّد نقی الموسویّ» ظهر نسخه است. از کتابخانه رشتی.

«۵۴۵» شرح موجز القانون

(طبّ ـ عربی)

از: نفیس بن عوض بن حکیم کرمانی، برهان الدین طبیب.

کتاب: شرح مزجی «موجز القانونِ» علاءالدین ابوالحسن علیّ بن أبی الحزم قَرْشی دمشقی، معروف به ابن نفیس (متوفّی به ماه ذی القعده ۶۸۷) است در علم طبّ مشتمل بر چهار فنّ، که شارح این شرح را به روزگار اُلغ بیک نوشته و در سمرقند در غرّه ذیحجه ۸۴۱ از آن فراغت یافته و کتابش مکرّر به طبع رسیده است: «فهرست مرکزی».

نسخه: تنها شرح فنّ اوّل است. کاتب: محمّد باقر ابن المرحوم المغفور حاجی محمّد جواد زرگر. تاریخ استنساخ: غرّه شهر رجب ۱۲۷۲.

متن به خطّ نسخ و برخی جاها به شنگرف و شرح به شکسته نستعلیق نوشته شده و اثر مقابله و تصحیح ندارد.

آغاز: «قال الشیخ الامام الحبر الکامل علاءالدین علیّ ابن أبی الحزم القَرْشیُ المتطبّب: صیغه تفعُّل هـهنا للمبالغه، مثل تقدّس و تمجّد».

انجام: «ثمّ عالج السدّه الواقعه فی الأمعاءِ. قد تمّ شرح فنّ الأوّل».

داخل جلد کتاب این یادداشت دیده می شود: «بتاریخ یوم هیجدهم شهر صفرالمظفّر (۱۲۷۴) پیش حاجی ملاّ زَکیّ «فارسی هیئت» را با «شرح بیست باب» شروع کردم. حرّره احمد الحسینیّ».

ایضًا، روی برگ اوّل: «یادگار احمد بن محمد حسن الحسینیّ المنجّم. ۱۸

ص : ۸۹

محرّم ۱۲۷۵».

نویسنده یادداشت و یادگار، حاج میرزا سیّد احمد اصفهانی منجّم دانشمند روحانی، شاگرد و داماد عالم بزرگوار آقا میرزا ابوالمَعالی کرباسی (متوفّی ۱۳۱۵ ق) و نیای خاندان معظّم سادات ملّاباشی اصفهان است، وفاتش به سال ۱۳۳۱ ق: «دانشمندان مهدوی: ۱۰۷».

از حاجی ملّا زکیّ که استاد «فارسی هیئت» و «شرح بیست باب (ملّا مظفّر)» در نیمه دوم سده سیزدهم در اصفهان بوده است، اثری نیافتیم، جز این که مرحوم آقای مهدوی در کتاب «سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان: ۱۲۹» قبری را یاد کرده اند که در سمت غربی کوچه مقابل غسّالخانه قدیمی تخت فولاد قرار داشته و گویند: معروف است از ملّا زکیّ داماد حکیم داود هندی است. حال، این همان حاجی ملّا زکیّ باشد یا دیگری، معلوم نیست. الشّیءُ بالشّیءِ یُذکر!

بیفزاییم که: سوگمندانه، آخرین فرد روحانی خاندان معظّم ملّاباشی، سیّد عزیز عالم فاضل مقدّس خلیق، حاج آقا حبیب ملّاباشی بود که سالیانی چند (قبل و بعد از ۱۳۷۰ ق ـ ۱۳۳۰ ش) همگام تنی چند طالب علم نوجوان اصفهانی از بیوت روحانی این سامان در حوزه علمیّه قم ـ که جهانی از معنویّت و دین و دانش بر آن حاکم بود ـ اشتغال داشتیم و آن مرحوم در تحصیل بسی جدّی و کوشا بود.

والد ماجدش عالم جلیل القدر متشخّص متعیّن، حاج میرزا محمود ملّا باشی فرزند حاج میرزا سیّد احمد منجّم دانشمند، و والده ماجده او صبیّه حاج میرزا هاشم امام جمعه بنام اصفهان، از تبار امام جمعه های سادات بزرگوار خاتونابادی و از منسوبین به خاندان علّامه مجلسی بودند رضوان اللّه تعالی علیهم اجمعین.

وضع و تصویب و اجرای قوانین الحادی لغو مالکیّت اراضی و مستغلّات و کوتاه شدن دست صاحبان حقوق از ممرّ معاش و رزق و روزی حلال سبب خاموش شدن چراغ روحانیّت در این خانواده ها و دیگر خانوادهای بزرگ اصیل و نجیب این سامان و دیگر جاها گردید و شد آنچه شد...

حاج آقا حبیب در جُمادای (۱۴۲۳) در اصفهان به رحمت ایزدی پیوست و در قم به خاک سپرده شد رحمه اللّه علیه.

ص : ۹۰

«۵۴۶» شرح نهج البلاغه

(فارسی)

از: مولانـا محمّـد صالـح بن حـاجی بـاقر قزوینی، معروف به روغنی، معاصـر محـدّث علاّمه شـیخ حُرّ عاملی (۱۰۳۳ ــ ۱۱۰۴)، رحمه اللّه علیهما.

چون تاریخ تولّد و وفات شارح نامعلوم بود، لذا او را هم در «روضه نضره: ۲۸۳ ــ ۲۸۴» و هم در «کواکب منتثره: ۳۷۱ ــ ۳۷۲» عنوان فرموده و آنچه از احوال و آثارش یافته اند، در آن دو جا نگاشته اند.

کتاب: شرح بسیار مفید و محقّقانه ای است بر کتاب شریف «نهج البلاغه»، به زبان فارسی مرغوب و چاپ شده است.

نسـخه: بخشـی از اواخر کتاب است به خطّ شـخص شارح و چون اوراق نسخه که یکصد و یک برگ است در صحّافی پس و پیش شده و هیچ گونه اسم و رسـمی و علامت و نشانی در آنها نبود که بتوان آن را شـناخت، مدّتی صرف وقت شد تا آن که پس از فحص بسیار آن را شناختیم.

آغاز نسـخه مطابق است با صفحه ۸۱ بخش سوّم نسـخه چاپ طهران (۱۳۲۱ ق) تا پایان شـرح، لکن برگ آخر نیز مفقود شده است.

این نسخه برای تصحیح چاپ مغلوط کتاب بسیار مفید و مغتنم است.

«۵۴۷» شرح نهج البلاغه

(عربی)

از: ابو حامد عبدالحمید بن هبه اللّه بن محمّد مدائنی، معروف بن ابن أبی الحدید معتزلی (۵۸۶ ــ ۶۵۵).

نسـخه: جزءِ دوم کتـاب است و در پایان، گزارش مقابله و تصـحیح زین العابـدین العاملی و تاریـخ ختم مقابله با نسـخه قـدیمه معتبره: «یوم الثلثاء من شهور جمادی الأولی من سنی ۱۱۰۱» نوشته شده است.

شرح نهج البلاغه: حدائق الحقائق

«۵۴۸» شرح الهدایه

(حکمت ــ عربی)

از: قاضی حسین بن معین الدین میبدی متوفی ۹۱۱، شارح دیوان مرتضوی (ش ۴۹۹).

کتاب: شرح مزجی کتاب «الهدایه ـ هدایه الحکمه» تألیف اثیرالدین مفضّل ابن عمر ابهری (متوفّی ۶۶۳) است و به طبع رسیده: «ذریعه ۱۴: ش ۲۰۵۳».

نسخه: از آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد، به قرائن از آثار قرن ۱۰ ـ ۱۱ است. برگ اوّل نیز نونویس می باشد. سرتاسر نسخه دارای حواشی مفیده بسیار از کتب گوناگون به خطّ کاتب و غیره است.

«۵۴۹» شرح الهدایه

(حکمت ـ عربی)

از: صدرالمتألّهین صدرالدین محمّد بن ابراهیم شیرازی، معروف به آخوند ملاّ صدرا (متوفی ۱۰۵۰)، صاحب «شواهد الربوبیّه. ش ۵۵۷».

کتاب: شرح مزجی کتاب «الهدایه للحکیم الکامل و النّحریر الفاضل اثیرالدین مفضّل الأبهری»: از مقدّمه صدرا. چاپ شده است.

نسخه: کامل است و به خطّ محمّد نصیر بن ملاّ حسن بالانکائی.

تاریخ استنساخ: ۱۱۱۴. حواشی بسیار با توقیع «ش ح ن» به خطّ کاتب نوشته شده و تمام صفحات جدول کشی و صفحه اوّل دارای سرلوح بدیع و زیبایی است.

«۵۵۰» شرح الوافیه

(اصول فقه ـ عربی)

از: آقا سیّد صدرالدین محمّد رضوی همدانی، مجاور نجف شرف، اعلی اللّه مقامه.

تاریخ تولّد و وفاتش معلوم نیست و در سده دوازدهم می زیسته: «کواکب منتثره: ۳۸۲» با اشتباهاتی چند، و «الذریعه ۱۴: ش ۲۰۲۹».

کتاب: حاشیه مبسوطی است به «قوله» بر رساله «الوافیه» در اصول فقه، تألیف مولانا عبداللّه بن محمّد بشروی، معروف به فاضل تونی ـ علیه الرحمه ـ (متوفی ۱۰۷۱) .

نسخه: به خطّ «العبد الاقلّ زین العابدین» است، و تاریخ استنساخ: اواخر ربیع دوّم ۱۲۲۷. ظاهرًا از شیوه خطّ برمی آید که کاتب از فضلاءِ خوانسار بوده است. همه جا در حاشیه، متن «الرساله الوافیه» تونی ـ به گونه نُسخ دیگر که به نظر قاصر رسیده ـ به خطّ کاتب نوشته شده است. روی دو برگ آخر نسخه فوائد فقهیّه ای دیده می شود.

«۵۵۱» الشّفاء

(حکمت ـــ عربی)

ص : ۹۲

از: شیخ رئیس ابو علی حسین بن عبداللّه ابن سینا (متوفی ۴۲۷).

کتاب: در حکمت نظری است در دو جلد إلهیّات و طبیعیّات، و به طبع رسیده.

نسخه: از اوّل فنّ اوّل طبیعیّات است در سماع طبیعی تا آخر فنّ ششم که آن کتاب نفس است.

نام کاتب در آخر نسخه نیست. تاریخ کتابت: ماه صفر ۱۰۱۶، و در این موضع نوشته اند: «قوبلت من أوّله إلی آخره مع نسخه کان فی حواشیها خطّ نصیر الملّه و الدّین نصیرالدّین الطوسیّ».

در اوائل نسخه حواشی به توقیع «م ح ق» دارد که ظاهرًا از میرداماد باشد.

روی برگ اوّل نوشته اند: «امانت عالیحضرت صامی (سامی. ظ) قبله گاهی جالینوس الزمانی حکیم امیرالدین محمّدا، سلّمه اللّه تعالی، باید که در اصفهان به محلّه نو برساند».

«۵۵۲» نسخه دیگر

نسخه: از فنّ چهارم از جمله ثانیه است تا آخر کتاب نبات.

آغاز: «بسم. الفنّ الرابع من الجمله الثانیه، و قد فرغنا من تعدید الأمور العامّه».

انجام: «و لنختم کلامنا فی النّبات...».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و در دو موضع مطالبی محو شده است که ـ ظاهرًا ـ نام کاتب و تاریخ بوده است و در هر دو موضع در حاشیه دارد که: «انتقل منه الی أقلّ العباد مقصود بن قاسم بن عماد، فی ۲۰ جمادی الثانی. ظ (۹۷۳).

ظهر آخرین برگ نسخه زایجه ای است که به این شرح آغاز می شود:

«ولادت مهدیقلی بیک در بلده قم، ولادت: قبل از طلوع افتاب روز سه شنبه بیست و یکم شهر رمضان المبارک سنه (۱۰۵۵) هجری به یک دقیقه و هشت ثانیه، موافق اوّل تشرین الأوّل سنه (۱۰۹۵) و با بیست و هفتم فروردین ماه قدیم سنه (۱۰۱۵) و بیست و هفتم ابانماه جلالی سنه (۵۶۷)».

صحّت این تاریخها جای تأمّل است. بیست و یکم ماه رمضان ۱۰۵۵ ق در «تقویم و ستنفلد» روز آدینه می باشد.

روی برگ اوّل شرحی راجع به وقفیّت نسخه به تاریخ ذیحجّه ۱۱۷۰ نوشته شده است. تاریخ کتابت نسخه ـ ظاهرًا ـ در قرن دهم بوده است.

«۵۵۳» نسخه دیگر

نسخه: فنّ سیزدهم کتاب است. کاتب: سیّد حسن بن سیّد علی حسینی.

تاریخ پایان تحریر: اوائل ذیالحجّه ۱۰۶۸.

«۵۵۴» شفاء الصّدور فی شرح الزّبور

(دعاء ــ فارسی)

از: میرزا عبدالرحیم بن سیّد محمّد الحسینیّ الموسویّ الشهرستانیّ.

در «کواکب منتشره: ۴۲۸» فرماید: «عبدالرحیم الشهرستانی ابن محمّد الحسینیّ، معاصر الشاه سلیمان الصّفویّ (۱۰۷۷ ــ ۱۱۰۵). ألّف باسمه «ترجمه ثواب الأعمال» تألیف الصدوق «ذریعه ۵: رقم ۷۷»، بالفارسیّه. أوّله: حمدی که حامدان ملأ اعلی از أدای آن عاجز، و شکری که زبان شاکران...».

کتاب: شرح «صحیفه کامله سجّادیه معظّمه» است به فارسی و به غایت مبسوط و مفید.

نسخه: ظاهرًا مجلّد اوّل است تا شرح دعاءِ «و کان من دعائه علیه السّلام لنفسه و أهل ولایته: یا من لا تنقضی عجائب عظمته» که در آخر آن چنین است:

«اینست آنچه این بی بضاعت اراده داشت که در سلک تحریر و رشته ترقیم کشد، از بضاعت مُزجاه و قلیل. و اگر ــ بعون اللّه و حُسن توفیقه ــ صبح امید از ظلمت فنا طالع بوده باشد، در شرح دعاءِ صباح و مساء و ما بقی خواهد کوشید».

تاریخ تألیف ندارد، لکن مؤلّف در سرآغاز آن را به نام شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵ ــ ۱۱۳۴) موشّح گردانیده است.

کلماتی در پایان نسخه که مشتمل بر نام کاتب و تاریخ کتابت ــ ظاهرًا ــ بوده، پاک شده و جای آن بعدًا نوشته اند: «الکتاب، بعون الملک الوهّاب، شهر ذیحجّه ۱۱۱۶».

برگ های آغازین دارای سرلوحه و حاشیه گل و بوته، و صفحات جدول کشی به طلای اشرفی شده است.

«۵۵۵» شمع یقین یا آیینه دین

(کلام ــ فارسی)

ص : ۹۴

از: ملاّ حسن گیلانی، به تعبیر «تذکره نصرآبادی»، یا: میرزا حسن لاهیجی، به ضبط دیگران (متوفّی ۱۱۲۱). پدرش جناب آخوند ملاّ عبدالرزّاق صاحب «شوارق الالهام. ش ۵۵۶» و مادرش دختر آخوند ملاّ صدرای شیرازی صاحب «شواهد الربوبیّه. ش ۵۵۷»، و همگی مقیم قم بوده اند رضوان اللّه علیهم اجمعین.

گزارش احوال و آثار علمی فراوان او در «کواکب منتثره اشتراکی: ۱۷۷ _ ۱۸۰» آمده است.

کتاب: در بیان اصول عقائد دین مبین است به تفصیل، مشتمل بر یک مقدّمه و پنج باب و خاتمه، و به طبع رسیده. تاریخ فراغ از تألیف: سال ۱۰۹۲.

نسخه: یک برگ از آغاز و برگ هایی از آخر ناقص است، و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. ظاهرًا در زمان مؤلّف یا نزدیک آن نوشته شده و آثار مقابله و تصحیح دارد.

توضیحًا: نام کتاب در «ذریعه» و «کواکب» همانند مشهور بر سر زبان ها «شمع الیقین»، و در این نسخه «شمع یقین»، بی الف و لام است، چنان که گوید: «تسمیه آن به شمع یقین یا آیینه دین مُناسب نمود». در نسخه چاپی هم بی الف و لام است.

«۵۵۶» شوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام

(کلام _ عربی)

از: مولانا عبدالرزّاق بن علی بن حسین لاهیجی _ علیه الرحمه _ (متوفی ۱۰۷۲) .

کتاب: شرح مزجی «تجرید الکلام» خواجه نصیرالدین طوسی قدس سره است.

نسخه: از «المطلب الرابع: الکیفیّات الإستعدادیّه» است تا آخر مبحث «الکلام فی العلم بالکلّیّات و الطّبائع المرسله و الجزئیّات المجرّده» که از اواسط تا اواخر مجلّد ثانی مطبوع کتاب است.

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از آثار سده دوازدهم است. چند جای نسخه، مهر «عبده محمّد باقر بن محمّد اسمعیل الحسینی ۱۱۹۱» دارد.

«۵۵۷» شواهد الرُّبوبیّه فی المَناهج السّلوکیّه

(حکمت _ عربی)

از: صدرالمتألّهین، آخوند ملاّ صدرا، صدرالدین محمّد بن ابراهیم شیرازی (متوفی ۱۰۵۰). در «ذریعه ۱۴: ش ۲۳۸۲» به اشتباه «صدرالدین ابراهیم» چاپ شده است.

کتاب: از جمله آخرین مصنّفات صدرا و حاوی نظرات و تحقیقات شخصی آن فیلسوف متشرّع نامدار است در پنج مشهد، و به طبع رسیده. و مرّ له «شرح الهدایه. ش ۵۴۹».

نسخه: نام کاتب و تاریخ ندارد. به قرائن در سده سیزدهم نوشته شده و یکجا، در اواخر کتاب، حاشیه ای به امضاءِ «المحرّره محمّد رضا» دارد که ـ احتمالاًـ خطّ کاتب نسخه است و لا یُبِدّ همان حکیم عارف استاد قمشه ای صهبا تخلّص معروف (متوفّی ۱۳۰۶ ق) که شاگرد بی نظیر آقا میرزا حسن فرزند آخوند ملّا علی نوری است، علیهم الرحمه.

حواشی مهمّ دیگری از آغاز تا اواخر نسخه به یک خطّ نوشته شده است به شرح زیر:

۱ـ حواشی بسیار از «الأستاد المحقّق العلّامه النوریّ. ره» که مقصود همان جناب آخوند ملّا علی (متوفّی ۱۲۴۶) است.

۲ـ حواشی از «شیخ حسین. ره» یا «ش. ح. ن. ره»، که ـ ظاهرًا ـ مقصود شیخ حسین ابن ابراهیم گیلانی، حکیم اشراقی از اعاظم شاگردان صدرا باشد. گزارش حالش در «کواکب منتثره اشتراکی: ۱۹۱ ـ ۱۹۲».

۳ـ حواشی بسیار از «الأستاد المحقّق محمّد صادق الخراسانی، حفظه اللّه». احتمالاً همان مذکور در «تراجم رجال ۳: ش ۲۳۶۵ و ۲۳۷۴». در جای دیگری یافت نشد.

۴ـ حواشی گوناگون از «أسفار» و «شرح اشارات خواجه» و «تفسیر صافی» و «أصفی».

نام کتاب در متن این نسخه به صراحت «شواهد الرّبوبیّه» است، نه «الشّواهد الرّبوبیّه» که در چاپ مشهد (به سال ۱۳۴۶ ش) و «الذریعه» است.

داستان: در سرآغازِ «الإشراق الثّامن فی الصّراط» حاشیه شگفت آوری نوشته شده است که عینًا در اینجا می آوریم:

«رأیتُ بخطّ العالم الفاضل الکامل الجامع للمعقول و المنقول، ابن المرحوم الشیخ زین الدین آقا محمّد فی حاشیه شواهده هکذا:

قالت لی حوریهٌ فی لیله الثُّلثاءِ عاشر جُمادی الأولی سنه (۱۱۷۵) فی خَلسه رأیت فیها عالم النور من البهاءِ و السّرور، ما لا عینٌ رأت و لا أذُنٌ سمعت، مشرفهً علیَ من غُرفه من فوقها غُرفٌ. فصرتُ مدهوشًا من البهجه و السّرور، و کأنّی متدلّیهٌ بهذا العالم! فسألتُها عن السّاعه و عن إدراک هذه المقامه. فقالت: اذا دخلت الطامه فی العامه و زالت الملابسه

أو التّسبّب بالباءِ و اتّصل كلّ فرع بأصله بطل الزمان و المكان»!

آقا محمّد شيخ زين الدين در «مكارم الاثار ۲: ۱۲۶» و «دانشمندان مهدوی: ۳۰۴» عنوان دارد.

شواهد صغرای عینی: فرائد القلائد و...

«۵۵۸» الصّافی

(تفسیر ــ عربی)

از: مولانا محسن فیض کاشانی محمّد بن مرتضی قدس سره (۱۰۰۷ ــ ۱۰۹۱).

کتاب: تفسیر قرآن کریم است، به اخبار معتبر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ، و مکرّر چاپ شده است.

نسخه: نیمه اوّل کتاب است، به خطّ و تزیین بسیار عالی. کاتب: محمّد اسمعیل الحسینیّ الأردکانیّ الیزدیّ. تاریخ استنساخ: ماه رجب ۱۲۸۸.

صفحه اوّل نسخه دارای سرلوح بسیار ممتاز است و تمام صفحات جدول کشی به طلای اشرفی. اثر مقابله و تصحیح و تحشیه ندارد.

«۵۵۹» نسخه دیگر

نسخه: نیمه دوّم کتاب است، از آغاز تفسیر سوره مبارکه کهف تا آخر.

کاتب: محمّد اسمعیل حسینی یزدی که نیمه نخست هم به خطّ او است. تاریخ کتابت: سنه ۱۲۹۰ در اصفهان. تمام صفحات مجدول و خطّ نسخه نسخ بسیار خوب است. در پایان کار، کاتب از بی عنایتی کسی که دستور استنساخ داده، ناله بسیار کرده و گوید تقریبًا کتاب را به این نفاست بی اجر و مزد به پایان رسانیده. پس از دقّت معلوم شد از آغاز و انجام نسخه یک برگ افتاده است.

«۵۶۰» نسخه دیگر

نسخه: نیمه دوّم کتاب است، از سوره مبارکه کهف تا آخر قرآن کریم.

کاتب نام خود را ننوشته. تاریخ اتمام کتابتِ سوره مبارکه احزاب که پایان رُبع سوّم کتاب است: محرّم ۱۲۳۰، و تاریخ اتمام کتابت ربع چهارم که پایان کتاب است: ششم ربیع یکم ۱۲۳۰.

عالم فاضلی حواشی مفیدی به نقل از کتب معتبره بر تمام کتاب نوشته است و شاید کاتب اصل نسخه نیز همین شخص بوده و در بیش از چهل موضع تاریخ نگارش

حاشیه ها را نوشته و از ربیع دوّم ۱۲۳۰ تا ماه رمضان ۱۲۵۳ تاریخ دارد و بقیّه حواشی بی تاریخ است، و در چند موضع تصریح کرده که در اصفهان و در مدرسه نماورد نوشته است، از جمله: در تاریخ شب دوشنبه ۲۳ صفر ۱۲۳۷، و دیگر در: شب چهارشنبه ۲۷ ذی الحجّه ۱۲۳۶.

ده صفحه در ابتدا و پانزده صفحه در انتهاءِ نسخه نیز اوراق سفید بوده که همان شخص عالم مطالب گوناگون فراوان و بسیار مفید از کتب عدیده استخراج و در آنها نقل کرده است.

نسخه از کتب خانوادگی است و در اوّل و آخر مهر نیای گرامی، آیه اللّه العظمی آقا میر محمّد صادق موسوی چهارسوقی «عبده محمّد صادق بن زین العابدین الموسوی» بوده و محو شده است.

«۵۶۱» صافی شرح کتاب الکافی

(حدیث ــ فارسی)

از: مولانا خلیل بن الغازی قزوینی، صاحب «الشافی. ش ۴۶۶»، معاصر آخوند مولانا محمّد صالح مازندرانی شارح دیگر کافی شریف «ش ۵۱۶» که سه سالی پیش از مولانا خلیل در ۱۰۸۶ در اصفهان وفات یافته است رحمه اللّه و رضوانه علیهما.

جای سند./٪

کتاب: دوّمین شرح شارح است بر کتاب «کافی» شریف شیخ کلینی ــ اعلی اللّه مقامه ــ که به دستور شاه عبّاس دوّم صفوی (۱۰۵۲ ــ ۱۰۷۷) در شهر قزوین، به گونه «اصل، شرح» نوشته و در آغاز مدح و ثناءِ فراوان از آن شاه آورده است: «ذریعه ۱۴: ص ۲۷ و ۱۵: ش ۱۷».

تألیف این شرح ــ همانند تألیف اصل «کافی» شریف ــ مدّت بیست سال به درازا کشیده و به گزارش مرحوم مشار در «فهرست کتابهای چاپی فارسی» هفت مجلّد از

کتاب، در اوائل سده بیستم میلادی در لکهنو چاپ شده است.

شارح معظّم در ترجمه و شرح احادیث کمال علمیّت و نهایت دقّت را با تمام مهارت به کار گرفته و از جمله التزاماتش این است که همواره لفظ جلاله «اللّه» و «رسول اللّه» را به فارسی نیاورده و همان الفاظ مقدّسه متن را آورده است جزاه اللّه تعالی خیرًا.

تاریخ فراغت از مجلّد اوّل که شامل دو کتاب عقل و توحید از سی جزءِ «کافی» شریف است ـ به میمنت سی جزو قرآن کریم ـ : روز چهارشنبه ۲۴ محرّم ۱۰۶۶. تاریخ ویژه کتاب عقل در «ش ۵۶۳» ذکر می شود.

نسخه: مجلّد اوّل و مبیّضه اصل خطّ شارح، و روی برگ آغازین، آن را به فرزندش ابوذر اختصاص داده است. از مولانا خلیل سه فرزند دانشمند می شناسیم:

۱ ـ احمد، عالم محقّق (متوفی ۱۰۸۳): «روضه نضره: ۳۱».

۲ ـ ابوذرّ، فاضل عالم (متوفی ۱۰۸۴): «روضه نضره: ۲۱۳».

۳ ـ سلمان، فاضل عالم جلیل (متوفی پس از ۱۱۱۵): «روضه نضره :۲۴۸» «کواکب منتثره: ۳۱۸».

سلمان و فرزندش سعید نسخه های «ش ۵۶۳» و پس از آن را مقابله و تصحیح کرده اند.

مُهرِ «خداوندا تقیّ را متّقی کن» ـ عین همان مُهر ظهر نسخه «غایه البادی. ش...» ـ و مُهر «محمّد جعفر بن علینقی» و مُهر نیای بزرگوارمان عالم ورع صبور، آیه اللّه آقا میرزا سیّد جلال الدین روضاتی «الرّاجی جلال الدّین بن محمّد مسیح الموسویّ» ـ أعلی اللّه مقامه الشریف ـ ، ظهر نسخه هست.

چهار نسخه از همین گونه یا مُشابه آن در «فهرست نسخه های خطّی کتابخانه غرب: ۳۴» به اختصار یاد شده است.

«۵۶۲» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد پنجم «ظ» کتاب است در شرح کتاب طلاق «جزءِ نوزدهم» که روز شنبه ۲۱ جُمادای دوّم ۱۰۷۷ از نگارش آن فراغت یافته، و عتق که روز سه شنبه ۲۴ همان ماه بدان شروع و روز یکشنبه ۲۷ ماه رجب پایان یافته، و صید که سه شنبه ۲۹ آن ماه در آن شروع و پنجشنبه آخر ماه شعبان از آن فارغ شده، و ذبائح که آدینه غرّه ماه رمضان آغاز و پنجشنبه ۱۴ تمام شده، و أطعمه «جزءِ ۲۳» که به روز یکشنبه سوّم

محرّم ۱۰۷۸ از تألیف آن دست کشیده است.

کاتب نام خود را در آخر عتق، محمّد بن میر حاجّ قزوینی نوشته، و تمام نسخه به دست شخص مؤلّف جلیل «ظ» تصحیح شده است. با تأسّف، برگ اوّل در نسخه نیست.

«۵۶۳» نسخه دیگر

توضیح: هفت مجلّد از یک دوره به حجم رحلی بزرگ که دارای امتیازات فوق العاده و یکسان است، به یک شکل و اندازه و بهترین صحّافی و تجلید در سال (۱۳۵۳ ش) رؤیت شد که مختصّات هر یک را

به اختصار نوشته ایم:

۱ ـ نسخه: مجلّد اوّل است، با خصوصیّات تألیفیِ «ش ۵۶۱»، و در این نسخه تاریخ تألیف کتاب عقل ـ که در آن نسخه نیست ـ: روز چهارشنبه ۲۸ محرّم «۱۰۶۵» قید شده است. تاریخ استنساخ: روز سه شنبه ۲۳ محرّم «۱۱۱۴». تاریخ استنساخ کتاب توحید: روز جمعه سوّم ذی الحجّه «۱۱۱۴».

کاتب: محمّد یحیی بن محمّد رضا قزوینی. متن «کافی» شریف به خطّ نسخ و ترجمه و شرح به خطّ نستعلیق، و هر دو خطّ در اعلی درجات کمال و زیبایی است.

تمام صفحات به طلای اشرفی جدول کشی شده و دارای دو سرلوح کامل نیم صفحه ای بی نظیر است.

در ذیل صفحه آخر، مولانا سلمان قزوینی فرزند شارح، شرحی نگاشته است مبنی بر این که به دستور امر اشرف اقدس اعلی نسخه را استکتاب و تصحیح نموده، و مُهر کرده است به تاریخ ۱۱۱۵.

«۵۶۴» نسخه دیگر

۲ ـ نسخه: مجلّد دوّم است از دوره بسیار ممتاز شاهانه، و این مجلّد مشتمل است بر ترجمه و شرح کتاب الحجّه، و مؤلّف در مقدّمه گوید که به تاریخ محرّم ۱۰۶۶ در آن شروع نموده است و در روز جمعه ۲۳ جمادی الاولی ۱۰۶۷ «بِدارالموحّدین قزوین» از آن فراغت یافته.

کاتب: محمّد علی بن محمّد حسین طالقانی. فراغت از استنساخ: ۱۱۱۴.

متن «کافی» شریف به خطّ نَسخ و ترجمه و شرح به خطّ نستعلیق اعلی. تمام صفحات به طلا جدول کشی شده و برگ اوّل دارای سرلوح ممتاز است.

در ذیل صفحه آخر فرزند شارح سلمان بن خلیل در ۱۱۱۵ گواهی کرده است که استکتاب از روی نسخه اصل «أمّ النّسخ» و تصحیح مکرّر، بر حسب امر اشرف اقدس اعلی انجام گرفته است.

«۵۶۵» نسخه دیگر

۳ _ نسخه: مجلّد چهارم (ظاهرًا) است از دوره بسیار ممتاز یاد شده و مشتمل است بر شرح کتاب دعاء «کتاب پنجم کافی شریف» و شرح کتاب فضل القرآن «کتاب ششم کافی شریف» و شرح کتاب العِشره «کتاب هفتم که خاتمه اصول کافی شریف است، و پس از آن کتاب طهارت و اوّل فروع کافی شریف است».

تاریخ شروع در شرح کتاب دعاء: جمادای آخر ۱۰۶۸ و تاریخ ختم آن: روز پنجشنبه ۱۵ ربیع دوّم ۱۰۶۹ و پایان استنساخ: ۱۱۱۴، و کاتب محمّد علی بن محمّد حسین طالقانی. تاریخ شروع در شرح فضل قرآن: ربیع دوّم ۱۰۶۹ و تاریخ ختم آن: روز شنبه ۲۲ جمادای یکم ۱۰۶۹، و شروع در عشرت در همان ماه و فراغت از آن که پایان مجلّد حاضر و پایان شرح اصول کافی شریف است در چهارشنبه ۲۵ جمادای دوّم «و انتقال الشّمس الی حَمَل فی ساعتین و نصف ساعه من لیله الجمعه السّابع و العشرین من الشهر المذکور» سنه ۱۰۶۹ در «دار الموحّدین» قزوین.

کاتب محمّد علی بن محمّد حسین طالقانی. تاریخ پایان کتابت: یکشنبه ۱۹ ذیحجه ۱۱۱۴. در آخرین صفحه نسخه شرح معهود سلمان فرزند شارح در امر استکتاب و تصحیح نسخه به تاریخ ۱۱۱۵ نوشته شده است.

تمام صفحات مجدوَل و در صفحه آغاز هر یک از سه کتاب سرلوح بسیار ممتاز دارد.

«۵۶۶» نسخه دیگر

۴ _ نسخه: از مجلّدات دوره بسیار ممتاز یاد شده است که شرح خصوصیّات آن پیشتر گفته شد. و این مجلّد مشتمل است بر ترجمه و شرح تمام کتاب صلوه از اجزاءِ فروع کتاب کافی شریف.

شارح در مقدّمه این جلد گوید: «و بعد، چون نوّاب هُمیون اشرف اقدس اعلی... بالمشافهه... مأمور ساخت... خلیل بن الغازی القزوینی را به شرح کافی... شروع شد در شرح کتاب الصلوه که کتاب یازدهم است، بتاریخ رجب سال (۱۰۷۰) هجری».

مقصود شارح از «نوّاب هُمیون» شاه عبّاس دوم صفوی است.

پایان تألیف: روز پنجشنبه دهم جُمادای دوّم ۱۰۷۱. کاتب: محمّد علیّ بن محمّد حسین طالقانی. پایان کتابت: روز سه شنبه دوّم جُمادای دوّم ۱۱۰۸.

متن کافی شریف به خطّ نسخ، ترجمه و شرح به خطّ نستعلیق و در کمال زیبایی استنساخ شده. تمام صفحات به طلا جدول کشی و برگ اوّل دارای سرلوح ممتاز است.

در ذیل صفحه آخر نواده شارح سعید بن سلمان به خلیل قزوینی گواهی استنساخ و تصحیح را به امر شاه نوشته است.

«۵۶۷» نسخه دیگر

۵ _ نسخه: از مجلّدات دوره بسیار ممتاز یاد شده است که خصوصیّات آن گفته شد.

این مجلّد مشتمل است بر ترجمه و شرح تمام کتاب زکوه از اجزاءِ فروع کافی شریف که آن کتاب دوازدهم است و شارح در جُمادای دوّم ۱۰۷۱ در آن شروع نموده «و این مجلد پس از کتاب صلوه است»، و تاریخ تألیف زکوه: شب ۴ شنبه ۲۳ ربیع یکم ۱۰۷۲ بوده، و کاتب همان محمّد علی بن محمّد حسین طالقانی است.

پایان استنساخ: ربیع یکم ۱۱۱۵ و در هامش «بلغ قبالًا» نوشته شده، و سپس شرح کتاب صیام که سیزدهمین کتاب کافی است در ربیع آخر ۱۰۷۲ شروع به شرح و در روز جمعه دهم ماه شعبان همان سال از آن فراغت یافته.

کاتب نام خود و تاریخ کتابت را در آخر کتاب صوم ننوشته، امّا پیداست که به خطّ نستعلیق زیبای همان کاتب طالقانی است.

مولانا سلمان فرزند شارح در آخر کتاب صوم شرحی نگاشته است که این نسخه را از «اُمّ النّسخ» استکتاب و استنساخ و تصحیح نموده است «امتثالاً للأمر الأقدس الأعلی» که مقصودش بدون شكّ امر شاه سلطان حسین صفوی است.

دو سر لوح بسیار ممتاز دارد و همه صفحات جدول کشی شده.

«۵۶۸» نسخه دیگر

۶ ـ نسخه: از مجلّدات دوره بسیار ممتاز یاد شده است که خصوصیّات آن پیشتر گفته شد، و این مجلّد مشتمل است بر ترجمه و شرح تمام کتاب حجّ از اجزاءِ فروع کافی شریف. شارح در مقدّمه این جلد نیز مطالبی که در مقدّمه جلد صلوه متعرّض شده، تکرار کرده است و گوید:

«شروع نمود در شرح کتاب الحجّ که کتاب چهاردهم است به تاریخ شعبان المعظّم سنه ۱۰۷۲».

تاریخ پایان تألیف این جلد: روز شنبه سلخ ماه شعبان ۱۰۷۴.

کاتب: محمّد علیّ بن محمّد حسین طالقانی. تاریخ استنساخ: ۱۱۱۶.

در ذیل صفحه آخر نواده شارح سعید بن سلمان بن خلیل گواهی کرده است که استکتاب از روی «أمّ النّسخ» و تصحیح بر حسب امر اقدس اعلی «شاه سلطان حسین مقصود است» انجام گرفته.

«۵۶۹» نسخه دیگر

۷ ـ نسخه: از آغاز کتاب نکاح است تا آخر آن، که در چهارشنبه یازدهم محرم ۱۰۷۷، شارح از آن فراغت یافته، و سپس کتاب عقیقه است که در روز شنبه ۱۹ صفر همان سال خاتمه یافته و سپس کتاب طلاق است که در روز شنبه ۲۱ جمادای دوم سال مذکور شرح آن تمام شده است.

نام کاتب: محمّد تقی. تاریخ پایان استنساخ: روز سه شنبه ۱۹ صفر ۱۱۱۸.

در صفحه آخر، سعید بن سلمان بن الشارح شرحی نگاشته است که به حسب فرمان اشرف اعلی «لا بدّ فرمان شاه سلطان حسین» نسخه را با کمال دقّت استکتاب و مقابله و تصحیح کرده است. مُهر «سعید من تولّی أهل البیت».

نسخه از لحاظ خطّ نستعلیق و کاغذ و سرلوحه و جدول کشی صفحات و تجلید از شاهکارهای بی نظیر زمان است.

«۵۷۰» نسخه دیگر

نسخه: شرح کتاب بیستم است از «کتاب العتق و التدبیر و الکتابه» تا آخر کتاب «دَواجن». تاریخ پایان تألیف: روز پنجشنبه ۲۸ جُمادای دوّم ۱۰۷۸ در قزوین.

کاتبِ نسخه چنانکه در صفحه آخر است: محمّد علیّ بن محمّد حسین طالقانی.

تاریخ پایان کتابت: روز چهارشنبه سوّم ماه رجب ۱۱۲۰.

علامت مقابله و تصحیح در نسخه دیده نمی شود و تمام صفحات جدول کشی شده و در چند موضع دارای سرلوح عالی است.

«۵۷۱» نسخه دیگر

نسخه: آغاز: «اصل: کتاب فضل القرآن. شرح: این کتاب ششم است از سی کتاب که جزءِ کتاب کافی ابو جعفر...» است.

تاریخ پایان تألیف این کتاب: روز شنبه ۲۲ جمادای یکم ۱۰۶۹. کاتب: بهاءالدین. تاریخ کتابت ندارد.

پس از این شرح کتاب العِشره «کتاب هفتم» است و تاریخ پایان تألیف آن در «دارالموحّدین قزوین»: روز ۴ شنبه ۲۵ جمادای دوّم ۱۰۶۹، «با شرح مربوط به انتقال شمس به حمل، چنانکه در نسخه دیگر گذشت».

کاتب: بهاءالدین ابن نظام الدین قرشی. تاریخ کتابت ندارد و در هامش «بلغ» دارد.

این دو بخش به خطّ نسخ نوشته شده، و پس از آن بخش های دیگری به خطّ نستعلیق است که اوّل و آخر ندارد، و پس از آن مقداری از شرح کتاب دعاء که آن کتاب پنجم کافی شریف است و شارح در روز پنجشنبه ۱۵ ربیع دوّم ۱۰۶۹ از آن فراغت یافته، و نام کاتب ندارد، لکن به نظر می رسد به خطّ نسخ همان بهاءالدین قرشی است.

معلوم نیست در همان زمان ها که نسخه را صحّافی و جلد کرده اند، چرا آن را تا به این حدّ مشوّش و درهم نموده اند.

«۵۷۲» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل ناقص است، و از اواخر باب سوّم شروع می شود که باب چهارم آن «باب أنّ رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله أوّل من أجاب و أقرّ للّه عزّ و جلّ بالرّبوبیّه» است تا آخر کتاب الایمان و الکفر.

آغاز موجود: «و تکلیف در أبدان است و از ین قبیل است که وجود ذهنی را وجود ظلّی می نامند».

انجام: «و فرغ الشّارح خلیل بن الغازی القزوینیُ... من تحریر شرح هذا الکتاب «الایمان و الکفر» در یوم پنجشنبه غرّه شهر ربیع الأوّل سنه ۱۰۸۷».

کاتب: «سگکُ آستان علیّ بن ابی طالب علیه السلام: محمّد ولد شروین خوینی من أعمال قلا بر سلطانیّه».

تاریخ کتابت معلوم نشد. ظاهرًا نزدیک به زمان تألیف استنساخ شده. آثار مقابله و تصحیح مطلقًا در نسخه نیست.

تملّکِ «صلاحیت شعار، کربلایی نریمان ابن المرحوم شکری خوینی» در آخر نسخه هست.

«۵۷۳» صحائف الأعمال

(دعاء _ فارسی)

از: حیدر بن نعمه اللّه طبسی. محدّث قمی علیه الرحمه فرماید: حیدر بن نعمه اللّه الطبسیّ، عالم فاضل کامل، صاحب کتاب «صحائف الأعمال» در ادعیه مأثوره، فارسی است، مرتّب بر یک فاتحه و سه صحیفه و خاتمه، و تاریخ آن در آخرش این بیت است:

سال و مه، روز وقت إتمامش شد رقم «صبح ثانی از شوّال»

و این مطابق است با سنه ۱۰۰۶: «فوائد رضویّه: ۱۶۷».

و مؤلّف فاضل «فهرست دانشگاه ۱: ۱۵۱» گوید: «صاحب «ریاض العلماء» ملّا عبداللّه افندی (متوفی ۱۱۳۰) در «صحیفه ثالثه» خود دعائی از این کتاب نقل نموده و آن را به ملّا حیدر علی بن نعمه اللّه طبسی نسبت داده، از احوالات نگارنده چیزی در دست نیست. تاریخ نگارش از یک بیت آخر کتاب برمی آید که «۲ شوّال ۱۰۰۶» می باشد». انتهی.

سپس نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه را که فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت است، معرّفی کرده اند. و باید دانست که تاریخ فوت صاحب «ریاض العلماء»، تقریبی است.

در «فهرست رضویّه ۲: ۲۸۲» نیز نسخه ای که سیّد علی طبسی به سال ۱۰۶۸ نوشته یاد شده، لکن چون اوائل آن نسخه مفقود بوده، مؤلّفِ کتاب را نشناخته اند.

درباره تاریخ تألیف «صحائف الأعمال» که گذشت جمله «صبح ثانی از شوّال» است، در «فهرست رضویّه» نیز به همین صورت نقل شده، لکن در نسخه ما _ چنانکه خواهد آمد _ «صبح ثانی شوّال» است و کلمه «از» در آن نیامده، بنابرین برابر با ۹۹۸ می شود.

مؤلّف در آغاز و انجام و گاه در خلال کتاب خود، اشعاری آورده که معلوم می شود دارای طبع شعر بوده است.

آغاز: «بسم... الحمد للّه الّذی أمرنا باقامه الصّلوه، وسیلهً لجزیل الثّواب والحسنات؛

و دعانا إلی تلاوه الدّعوات، نتیجهً لقضاءِ الحاجات و رفع الدّرجات. و الصّلوه علی رسوله المخصوص بعموم الدّعاء و خصوص المناجات، و آله السّالکین من المفروضات و المسنونات.

و بعد از ادای حمد و ثنای حضرت واجب الطاعتی که وظائف طاعات مکلّفین بی وسیله عرض نیاز نماز و سجود درگاه بی نیازش سمت قبول و صورت وصول ندارد... بر ضمایر زاکیه أهل طاعت و خواطر صافیه اصحاب دعوت، واضح ولائح است که چون تکلیف به اقامت صلوات _ که از ضروریّات دین و أفضل أعمال مکلّفین است _ وسیله حسنات و آمرزگاری، و واسطه نجات و رستگاری است، و ترغیب به تلاوت دعوات که به صلوه و سایر عبادات مقرون و ملحق است و به أکثر اوقات چون نماز منسوب و متعلّق از مستحبّات و مؤکّدات است...

و آنچه در باب نماز و دعا از کتب معوّله و صحف معتبره سمت تحریر یافته اکثری به حدّ إطناب و إکثار؛ قریب، و از طریق ایجاز و اختصار؛ بعید و غریب بود، و بعضی به إستیفای زبده مقصود وافی و در أدای خلاصه آن کافی نبود؛

به خاطر فاتر فقیر مُسیء و حقیر مَنسیّ: حیدر بن نعمت اللّه طبسی، رسید که خلاصه ای مشتمل بر ذکر صلوات و دعوات و فضائل و مثوبات آن، مأخوذ از کتب ثقات، چون: «مصباح» و «مهج الدّعوات» و «عدّه الدّاعی» و [مصباح] کفعمی» و «من لا یحضره الفقیه» و «مکارم الأخلاق» و «ثواب الأعمال» و «إقبال بالأعمال» و «جمال الاُسبوع» و أمثال این مجموع، مرتّب بر أوقات أیّام و أسابیع و شهور، جمع و تألیف نماید، و گاهی از بواقی عبادات و دَواعی اُجور و حسنات، اندکی به محلّ خود تبعیّت مذکور سازد...

و ترتیب این خلاصه بر فاتحه و سه صحیفه و خاتمه اتّفاق افتاد، و آن را «صحایف الأعمال» نام نهاد. واللّه الهادی الی الرشاد.

فاتحه. در احوال عمل صلوه و دعا.

صحیفه اوّل. در أعمال یومیّه.

صحیفه دوم. در أعمال هفته.

صحیفه سوم. در أعمال شهوریّه.

خاتمه. در أعمال مطلقه.

امّا فاتحه در أحوال عمل نماز و دعاء، مشتمل بر ۳ قول. قول اوّل در ماهيّت و فضيلت و أقسام نماز، نماز عبارت است از مجموع أفعال معهوده...».

انجام: «لوجع الرّجل: بر كاغذی نويسد و برپای بندد، كه درد ساكن شود، كه: «والتفّت السّاق بالسّاق إلی ربّك يومئذٍ المساق».

دعای صحايف به پايان رسيد و صحايف دعاء به اختتام كشيد، بحمداللّه و المنّه كه بتوفيق رفيق كارساز جمع و تأليف صحايف دعاء و نماز، به طريق أيسر ميسّر گرديد، و به إمداد خاطر خسته و خامه زبان شكسته، سطری چند شكسته بسته از آغاز و انجام به اتمام رسانيد، بيت:

شكر كز لطف ايزد متعال شد تمام اين صحايف الاعمال

سال و مه، روز و وقت إتمامش شد رقم «صبح ثانی شوّال»

تمّ تحريرًا فی ظهر يوم الإثنين، تاسع شهر صفر ــ ختم بالخير و الظفر ــ من شهور سنه ثمانين و ألف».

نسخه: دارای ۳۰۷ برگ. دو روی برگ ۱ و روی برگ ۲، مطالب گوناگونی به خطّ حاج ملّا عبداللّه هرندی(۱) نوشته شده. ظهر برگ ۲ نيز كه صفحه اوّل كتاب است، به خطّ همو است، و در هامش روی برگ ۳ چنين نوشته: «قد صار هذا الكتاب مالی ــ أحسن اللّه بالهُدی حالی ــ و أنا عبدالله بن حاجی هادی». برگ های «۲۹۴ تا ۳۰۰»

ص : ۱۰۷

---

۱ - ۱) در (اعراب و تفسير ستّ سور. ش...) از اين دانشمند ياد كرديم، و فرزند او ملّا محمّد نيز در (عدّه الحصن الحصين. ش...) مذكور است. مؤلّفِ «تذكره القبور ــ ط ۲: رجال اصفهان: ۱۴۳» در باب پنجم كه وصف قبرستان آب بخشان اصفهان است و اكنون از آن اثری نيست فرمايد: بيرون بقعه، طرف چپ، قبر حاج محمّد هادی هرندی برادر ملّا محمّد مهدی كه در مقبره مجلسی است [می باشد]، او را از اجلّه مقدسين شمرده اند، اولاد او تاكنون از علماء و ائمّه هرند [بشمارند]. پسرش حاجی ملّا عبداللّه مؤلف سه كتاب است: «دلائل الدين» سه جلد. «نور القبور» اصول الدين. «مجمع أسرار القرآن». انتهی. آقای معلّم حبيب آبادی در پاورقی تذكره توضيح داده اند كه حاج ملّا عبداللّه وفاتش سنه ۱۲۵۶ به سن ۷۸ سالگی، قبرش در پهلوی امامزاده اسحق واقعه در هرند ــ از دهات كوهپايه ــ می باشد. انتهی. لكن به علّت درهم بودن عبارت تذكره، مؤلّف بزرگوار «ذريعه ۸: ۲۵۰» آنجا كه «دلائل الدين» را عنوان كرده اند مدفن حاجی ملّا عبداللّه را در قبرستان آب بخشان تصوّر كرده اند. توضيحًا نسخه كتاب «نور القبور و سرور يوم النشور» در كتابخانه مركزی دانشگاه طهران موجود و در «فهرست دانشگاه: ۲۳۸» معرفی شده است.

اصل نیز به خطّ همین شخص است. ظهر برگ آخر صفحه ای است از تصریف «أمثله». کاغذ چاربغل، جلد تیماج قرمز با ترنج و سرطبل، آستر تیماج مشکی، خط شکسته نستعلیق ۱۳ سطری، دعاها نسخ مضبوط، عناوین و علامات به شنگرف، قطع ۱۳×۲۰، متن ۸ × ۱۴. تاریخ تألیف و کتابت از انجام نسخه نقل شد. نام کاتب و آثار تصحیح و مقابله ندارد.

«۵۷۴» صِحاحُ اللّغه

(لغت ــ عربی)

از: ابو نصر اسمعیل بن حمّاد جوهری فارابی تُرکی (متوفّی ۳۹۳ ظ).

کتاب: از مصنّفات بسیار مشهور و معتبر لغت است و مکرّر چاپ شده.

نسخه: به خطّ نَسخ بسیار ممتاز عبدالکریم بن حبیب اللّه. تاریخ پایان کتابت: روز جمعه نهم جمادی الأولی ۱۱۰۴. ظهر نسخه تملّک و مُهر «عبده الراجی اسداللّه بن عبداللّه» و صورت وقفنامه ای است از محمّدرضا ابن مرحوم مولانا جمشید، غلام خاصّه شریفه، به تاریخ ربیع الثانی ۱۱۲۹.

«۵۷۵» الصحیفه الثّانیه السّجادیّه

(دعاء ــ عربی)

از: مولانا محمّد بن حسن بن علیّ بن محمّد، معروف به شیخ حُرّ عاملی، صاحب «الفوائد الطوسیّه. ش...».

کتاب: جامع شصت و پنج دعاء از ادعیه حضرت سیّد السّاجدین امام زین العابدین علیّ بن الحسین علیهماالسلام است که از کتب معتبره گرد آورده و مقدّمه مبسوطی تقریبًا مُساوی با اصل ادعیه، در نود و سه فصل پیرامون مسائل مربوط به دعاء و نیایش بر آن نگاشته که بسیار مفید است.(۱)

این کتاب چنانکه در «الذریعه» آمده، به طبع رسیده است.

تاریخ فراغت از تألیف: ماه رمضان ۱۰۵۳.

نسخه: به خطّ محمّد مهدی بن عبدالرّضا حسنی حسینی مختاری سبزواری.

تاریخ پایان کتابت: روز جمعه دوّم جُمادای دوّم ۱۰۷۳ در مشهد مقدّس رضوی، از روی نسخه خطّ مؤلّف که از دست او گرفته است.

۱ – ۱) مؤلّف پس از این تألیف نسخه دیگری بدون مقدّمات مذکوره ترتیب داده است که در شماره بعد نسخه ای از آن را می آوریم.

«۵۷۶» الصّحیفه الثّانیه السّجّادیّه

(دعاء ــ عربی)

از: مولانا محمّد بن حسن، معروف به شیخ حرّ عاملی اعلی اللّه مقامه.

کتاب: نسخه دیگری است از «صحیفه ثانیه» که در شماره پیشین معرّفی شد، و مؤلّف در مقدّمه گوید که به خواهش یکی از دوستان مقدّمه مبسوط نسخه اوّلی را حذف نموده و این نسخه را بسی مختصر مرتّب کرده است.

نسخه: به خطّ نسخ ممتاز محمّدرضا بن موسی از خوشنویسان ماهر عهد ناصری. تاریخ کتابت: روز جمعه ۲۱ ماه رجب ۱۲۷۵ ظاهرًا در اصفهان و به امر میرزا سلیمان خان رکن الملک.

کاغذ نسخه پوست آهو بره است و دارای سرلوحه با تذهیب قاجاری و جداول ممتاز. تملّکِ سلیمان بن محمّد کاظم و مهر او «رکن الملک» ظهر نسخه و مهر دیگرش «عبده الراجی سلیمان» در آخر نسخه هست.

«۵۷۷» الصّحیفه العلویّه و التّحفه المرتضویّه

(دعاء ــ عربی)

از: شیخ عبداللّه بن صالح بن جمعه السّماهیجی البحرانیّ ــ علیه الرحمه ــ صاحب «القامعه للبدعه. ش...».

شرح حال این عالم متتبع کثیرالتّألیف اخباری مسلک، در کتاب شریف «روضات الجنّات: ۳۷۰ ط اوّل، ۳۶۳ ط دوّم» آمده و تاریخ وفاتش را از «لؤلؤه البحرین» این گونه نقل فرموده اند: «لیله الأربعاءِ التّاسع من شهر جُمادی الثّانیه سنه الخامسه و الثّلثین بعد المائه و الألف».

یعنی در شب چهارشنبه نهم جُمادای دوّم ۱۱۳۵، و این چنین است در چند نسخه خطّی و چاپی «لؤلؤه» و جاهای دیگری که از آن گرفته اند، مانند «قصص العلماء».

پس در «مکارم الاثار ۳: ش ۳۷۱ ص ۸۲۵» که گوید: «وفاتش شب ادینه ۹ ج ۲ سنه ۱۱۳۵ در بهبهان»، «آدینه» سهوالقلم است و جای شبهه نیست، چون غرّه آن ماه در تقویم سه شنبه است.

خطای دیگر در نسخه پر غلط «أنوار البدرین: ۱۷۴ ط نجف ۱۳۷۷» باز به نقل از همان «لؤلؤه»: «تاسع عشر» است که «عشر» زائد است.

امّا تاریخ تولّد شیخ عبداللّه، آن نیز تنها مستند به اجازه موسّعه «الإجازه الکبیره» سیّد عبداللّه جزائری (۱۱۱۲ ــ ۱۱۷۳) است که در شرح حال او «ق ۱۴۸ ظ، نسخه خطّ سیّد بهاءالدین محمّد فرزند مُجیز، ص ۲۰۵ چاپ قم ۱۴۰۹» گوید: «و ذکر فی عدّه من مسفوراته أنّه ولد سنه ستّ و ثمانین و ألف».

شگفتا که در «أعیان الشیعه ۳۸: ۱۱۸» در آغاز شرح حال نوشته اند: «ولد ۱۰۷۶» و سپس عبارات اجازه کبیره را به تفصیل آورده اند، جز «و ذکر فی عدّه مسفوراته أنّه ولد سنه ستّ و ثمانین و ألف» را که آن را حذف کرده و نیاورده اند و این از عجائب است! و ۱۰۷۶ نیز تصحیف از ۱۰۸۶ است.

به هر حال، شیخ عبداللّه، همانند استادش شیخ سلیمان به عبداللّه الماحوزی (۱۰۷۵ ــ ۱۱۲۱) کمتر از پنجاه سال زیسته است، و نام و نشان تألیفات فراوانش در «کواکب منتشره: ۴۶۱ ــ ۴۶۴» یاد شده است.

کتاب شریف: شامل یکصد و پنجاه و شش گونه دعاء و حِرْز و تعویذ و مناجات است که از حضرت امیرالمؤمنین و امام المتّقین علیّ بن أبیطالب ــ صلوات اللّه و سلامه علیه ــ روایت شده، و به چاپ رسیده است.

فراغت از تألیف: روز چهارشنبه آخر شوّال المکرّم ۱۱۲۹ در دهکده أصبع بحرین.

نسخه: به خطّ محمّد باقر بن محمّد رضا القاری. تاریخ پایان کتابت: روز آدینه چهارم ربیع دوّم ۱۲۳۲.

امتیاز نسخه در این است که عالم متبحّر متتبع آگاه، آیه اللّه الحاجّ میر سیّد محمّد موسوی چهارسوقی، نیای گرامی ــ أعلی اللّه مقامه الشریف ــ نسخه را به دقّت هر چه تمام تر، از اوّل تا به آخر، مکرّر در مکرّر، مطالعه نموده و با کتب معتبر مقابله فرموده و نسخه ــ بدل های فراوان بر آن نوشته، و هم دعاهای دیگری که منسوب به آن امام هُمام ــ علیه الصلوه و السلام ــ در مواضع معتبر یافته، به عنوان مستدرک در حواشی نسخه و هم در برگ های جداگانه در اوّل و آخر نسخه گردآوری کرده و مجموعه ای پرارزش به وجود آورده است. جزاه اللّه تعالی خیرًا و أقرّ به عینه فی الجنّه المأوی.

نیای معظّم در ظهر نسخه نوشته اند که آن را والد ماجد بزرگوارشان، آیه اللّه العظمی آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین ــ اعلی اللّه مقامه ــ در روز غدیر ۱۲۴۸ به ایشان بخشیده اند.

ص : ۱۱۰

«۵۷۸» الصواعق المحرقه

(ردّیه ــ عربی)

از: ابوالعبّاس احمد بن محمد هیتمی، معروف به ابن حجر مکّیّ، متوفی ۹۷۳.

کتاب: به گمان نویسنده آن در ابطال و ردّ عقائد شیعه است، برای منحرفان پس از او تا عصر حاضر! لکن ــ به إلجاءِ قادر متعال ــ بسیاری از فضائل و مناقب اهل بیت نبویّ و اولاد اطهار علیهم السلام و پیروانشان در آن آمده و نویسنده ناخودآگاه زبان به اقرار و اعتراف گشوده است، از قبیل آنچه در فصل اوّل از باب سوّم گوید:

«.. ففی ذات أولاده (صلّی اللّه علیه [و آله] و سلّم) من الشّرف ما لیس فی ذات الشّیخین...»: «الصواعق ۱: ۱۷۳، مؤسّسه الرساله، بیروت، دار الوطن، الریاض، ۱۴۱۷».

تاریخ پایان تألیف: ۱۲ شوّال المکرّم ۹۵۰: تصویر آخر مقدّمه الطبع.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، گویا در سده دوازدهم نوشته شده، و از آغاز و انجام افتادگی دارد. تملّک و مهر «عبده محمدباقر بن محمدحسن ۱۳۲۱» به تاریخ ماه رمضان ۱۳۳۰ در اوّل و آخر نسخه هست.

«۵۷۹» صوافی الصّافی

(تفسیر ــ عربی)

از: یعقوب بن ابراهیم الحویزیّ البختیاریّ، متوفی ۱۱۴۷ در حویزه.

کتاب: تفسیر موجز ممتازی است بر قرآن کریم، و گویا مبتنی بر سه تفسیر «صافی، أصفی، مصفّی» از مرحوم آخوند ملاّ محسن فیض کاشانی.

ده سالی پیش از این زمان، راقم این فهرست مقاله ای پیرامون این کتاب شریف و مصنّفش به تفصیل نوشت که در مجلّه «بیّنات ۱۲ سال سوم شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵. قم» با عنوان «مفسّر فقیه علاّمه حویزه و تفسیر صوافی الصافی» چاپ شد (از ص ۱۵۸ تا ص ۱۶۹).

آن مقال به صورت صحیح در «مجموعه مقالات» تجدید چاپ خواهد شد، ان شاء اللّه تعالی. و اینک در اینجا به گفتار حزین لاهیجی «۱۱۰۱ یا ۱۱۰۳ ــ ۱۱۸۰» بسنده می کنیم:

حزین لاهیجی ــ علیه الرحمه ــ در کتاب تاریخ و سفرنامه خود، پیرامون سال ۱۱۳۶ گوید:

«پس به شهر حویزه رفتم، سیّد محمّدخان بن سیّد فرج اللّه خان مشعشع در آن

مملکت والی بود، مراسم مودّت تقدیم کرد، و از افاضل آن بلده بود شیخ یعقوب حویزاوی، در فنون ادبیّه و حدیث و فقه و مَغازی و سیَر و انساب؛ مهارت و حفظی قویّ داشت»: «تاریخ حزین: ۷۰. اصفهان. ۱۳۳۲. به تصحیح و اهتمام مرحوم آقای حاج میرزا محمدباقر الفت».

نسخه: بخطّ شخص مؤلّف است. تاریخ پایان: غرّه ذی القعده (۱۱۴۰). چند برگ از اوّل ناقص است. ظهر نسخه تملّک «عبّاس البلاغی» دارد. ابتیاعی از بقایای کتابخانه آقا شیخ محمدرضا ابوالمجد نجفی.

توضیح درباره نام کتاب، از «فرهنگ فارسی دکتر محمّد معین»: «صوافی، جمع صافیه: ۱ _ آن قسمت از غنایم که به پیغمبر و امام می رسید و از غنایم دیگر _ که میان غازیان تقسیم می شد _ ممتاز بود. ۲ _ اَملاک خالصه».

جای سند.٪٪

ص : ۱۱۲

صیغ العقود و الایقاعات: ش ۴۱۹ پیوست ۴۱۸

«۵۸۰» ضوء المصباح یا: الضوء علی المصباح

(نحو ــ عربی)

از: تاج الدین محمّد بن محمّد بن احمد بن السّیف الاسفراینی، صاحب «اللّباب فی علم الإعراب» یاد شده در «العُباب. ش...».

کتاب: شرحی است ــ حاشیه مانند ــ بر کتاب «المصباح» ناصر بن عبدالسیّد مطرّزی، در علم نحو، به «قوله»، که شارح آن را به خواهش دانشمندی از شرح کبیر سابق ناتمام خود «المفتاح فی شرح المصباح» منتخب کرده است، و به طبع رسیده. «معجم المطبوعات: ۴۳۶ و ۱۷۶۰».

آغاز: «إنّ أحقَّ ما یتوشّح بذکره صدور الکتب و الدفاتر».

نسخه: بخطّ محمّد بن محمود بن علیّ المدعوّ سعید الشّادمانیّ. پایان کتابت: نیمه شب هفتم صفر «۷۲۵»، در حال غربت در مدرسه مجیریّه بخارا.

ترجمه فارسی برخی از کلمات بخطّ کاتب در حواشی دیده می شود. ظهر نسخه، نام کتاب «شرح المصباح» قید شده، و نیز ابیاتی از «طبری» بخطّ کاتب آمده است. در اواسط نسخه تاریخ ولادتی در پنجشنبه دهم ذی القعده «۷۳۵» و دو غزل از «سلیم» و پنج بیت عربی در ضبط مسائل حال از مولانا عمادالدین الکلکی، نوشته شده.

تملّک محمّدعلی الحسینی که به سال ۱۰۹۰ در کرمان نسخه را خریده، و تملّک

فرزندش عبدالقادر بن محمّدعلی الحسینیّ الاردبیلیّ و مُهر او «عبدالقادر الحسینیّ ۱۱۲۴» و تملّک و مهر «سیّد محمّد الحسینی» و تملّک محمّد المدعوّ ببهاءالدین العاملی، در نسخه هست.

جلد: میشن مشکی، آستر میشن قهوه ای، با ترنج وسط جلد.

«۵۸۱» نسخه دیگر

نسخه: گویا از سده نهم است و فاقد دو برگ از آغاز و یک برگ از انجام، که از روی نسخه (ش ۵۸۰) تکمیل شد.

در حواشی سراسر این نسخه مطالبی از دیگر شروح «المصباح» و کتب دیگر نقل شده است، و مطلب شایان توجّه این که در اوائل کتاب «روی برگ ۲۳» در سخن شارح چنین آمده است: «و ذکر جدّی، رحمه اللّه»، و در حاشیه این موضع ـ از نسخه جای گفتگو ـ این توضیح دیده می شود: «أی المصنّف»، که از این توضیح معلوم می شود مطرّزی جدّ شارح اسفراینی بوده است. لکن این مطلب در جای دیگر به نظر نرسید.

همچنین، در موضع دیگر «روی برگ ۲۱» در ذیل این عبارتِ شارح: «و قد نبّهت هـ‍ـل‍ـهنا علی رموز خلاـ عنها الأصل المنتخب»، در هامش چنین آمده است:

«أی أصل الشّرح الّذی شرحَه المصنِّف و سمّاه بالمفتاح ثمّ انتخب «ضوء المصباح» منه».

«۵۸۲» ضیاء القلوب

(فارسی)

از: عالم ربّانی و فاضل صمدانی مولانا محمّد بن عبدالفتّاح تنکابنی مازندرانی مشهور به فاضل سَراب(۱)، که از جمله افاضل شاگردان ملّا محمّدباقر سبزواری صاحب «جامع الزّیارات عبّاسی» بوده و از او جمعی دیگر از دانشمندان آن عهد روایت می کند.

شرح حالش در «روضات الجنات ۶۱۹ ـ ۶۲۰» و خاتمه «مستدرک: ۳۸۶» و «تذکره القبور ـ رجال اصفهان: ۲۵ ـ ۲۸» و «قصص العلماء: ۳۸۷» و «الفوائد الرضویه: ۵۵۰ ـ ۵۵۱» و «ریحانه الادب ۲: ۱۷۹» و «معجم المؤلّفین ۱۰: ۱۸۰» و «أعیان الشّیعه ۴۵: ۲۷۱ ـ ۲۷۲» و مواضع دیگر مذکورست.

---

۱ – ۱) در قصص العلماء: ۳۸۷ گوید: محمد بن عبدالفتاح تنکابنی از اهل بلد مؤلفِ کتاب و از اهل قریه ایست مسمّاه به «سراب» که در سابق اوقات آبادانی بود، اکنون خراب و در جِوارخورده ییلاق تنکابن واقع است...

در «أعیان الشّیعه» چیزی سوای نقل قسمتی از «رساله حجیّت أخبار و إجماع» و یادی از «رساله وجوب عینی نماز جمعه» که هر دو از فاضل سراب است دیده نمی شود، علّت این است که مؤلّف أعیان الشّیعه قبل از مبیّضه کردن حرف میم کتاب خود وفات یافته و آنچه نوشته هم به صورت یادداشت بوده است.

فاضل سراب را تألیفات بسیاری است بالغ بر سی کتاب و رساله، و أسامی پاره ای از آنها در روضات و سایر مآخذ شرح حال وی که عمومًا از روضات گرفته اند مذکور، و از جمله: «سفینه النّجاه» وی که در اصول دین نگاشته و پیرامون إمامت بطور مستوفی بحث کرده است، نسخه آن در «فهرست رضویّه ۱: ۴۶» معرّفی و سال تحریر آن را ۱۱۰۲ تعیین کرده اند. ظاهرًا نسخه کتاب کلامی ناشناخته که از فاضل سراب در «فهرست دانشگاه ۳: ۵۷۸ و ۶: ۲۵۱۲» یاد و تاریخ ختم تألیف آن را نیمه روز پنجشنبه ۱۴ ج ۲ _ ۱۱۰۲ نوشته اند؛ نسخه ای از همین «سفینه النّجاه» باشد که به علّت ناقص الاوّل بودن نسخه آن را نشناخته اند، و اللّه العالم.

دیگر از تألیفاتش «رساله رؤیه الهلال» که در ۲۶ محرّم ۱۱۰۶، و «رساله فصول أذان(۱)» که عصر جمعه أواسط ماه شعبان ۱۰۹۸، و «رساله در حلّ شبهه جذر الأصمّ» که در أواسط ج ۱ _ ۱۰۹۷، و «رساله توحید _ إثبات وجود صانع» که در اواخر حجّه ۱۱۰۳، و «رساله شبهه المیزان» که در أوائل حجّه ۱۰۸۸ (ظ)، و «رساله حجیّت أخبار و إجماع» که در ماه رمضان ۱۱۰۵، و «رساله وجوب عینی نماز جمعه» که در أواخر ماه رمضان ۱۱۰۶، از تألیف آنها فراغت یافته است؛ نُسخ تمام اینها در کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران موجود، و به ترتیب در «فهرست دانشگاه ۵: ۱۹۲۱ و ۱۹۶۰ و ۳: ۵۵ و ۲۱۳ و ۴: ۹۰۵ و ۵: ۱۶۷۶ و ۲۰۹۴» معرّفی و توصیف شده اند و بیشتر آنها به خطّ شیخ محمّد بن حبیب گیلانی شاگرد مؤلّف است که در زمان حیات او إستنساخ کرده و هر یک را تاریخ گذارده است.

---

۱ – ۱) آقای جزائری صاحب کتاب «نابغه فقه و حدیث» در نامه مورّخه «۲۸ صیام ۸۱» از اهواز چنین مرقوم داشته اند: «من این رساله را دارم... نهایت، در فصول اقامه است نه اذان، و مؤلّف «فهرست دانشگاه» اشتباه کرده است. رد أوائل آن گوید: قد اشتهر بین الأصحاب کون فصول الاقامه مَثنی مثنی عدا التهلیل فی آخرها، إلخ، و این نسخه ضمن مجموعه یی است در عصر مؤلّف و حواشی «منه مدّ ظلّه» بر آن نوشته شده».

بیشتر تألیفات فاضل سراب به عربی است. وی بنا بر نگارش «روضات الجنات» که در سایر کتب نیز از آنجا نقل کرده اند، در روز عید غدیر (۱۸ حجّه) سال ۱۱۲۴ در اصفهان وفات یافته و در تکیه ای مخصوص به خود که هنوز هم برقرار است؛ روبروی تکیه آقا محمّدکاظم واله شاعر معروف واقع در خیابان ابتدای تخت فولاد مزار عمومی اصفهان مدفون شد و بقعه ای عالی بر قبر او ساختند.

از أعقاب فاضل سراب هنوز در اصفهان جمعی به سر می برند.

کتاب «ضیاء القلوب» که جای گفتگوست از آثار نفیسه کلامی این دانشمند است که به زبان فارسی تألیف کرده و مشتمل بر چهار مقصد گردانیده، توحید، نبوّت، إمامت و معاد؛ لکن غرض اصلی او از تألیف این کتاب بحث در خصوص مسأله امامت بوده و لذا سایر مباحث به طور اختصار بیان دشه و هر یک بیش از دو سه برگ از این کتاب مبسوط را اشغال نکرده است، در صورتی که مبحث امامت آن را می توان یکی از کتب مشروح و استدلالی این موضوع به شمار آورد.

مع الاسف نسخه ما نقص کوچکی بر آن وارد شده و نصف بالای برگ اول که مشتمل بر خطبه بوده با قسمتی از مقدّمه مؤلّف در سابق بریده شده و کاغذ سفید به جای آن إلصاق گردیده است.

آغاز موجود: «و بعد، چون عمده کتب شافیه وزُ بر... و جمعی که بعربی ربطی است بسبب آشنایی بآن زبان و باعث انتفاع... انتفاعی که بآن اکتفا توان نمود نمی توانند برد، بنا بر این این ذرّه بیمقدار... محمّد بن عبدالفتّاح تنکابنی ـ غفر اللّه ذنوبهما و ستر عیوبهما را خاطر رسید که بعد از استخاره بزبان فارسی... تألیف نماید که برادران ایمانی و طالبان حیاه جاودانی بعد از تخلیه نفس از عادات و أهواء و دست شستن از پیروی آباء و کبراء که ضرر رساننده بر دین و ایمان و محروم کننده از نعمتهای جاودان ازینها بیرون نیست؛ تأمّل در براهین و أدلّه نموده از حضیض تقلید که درین علم انتفاع ظاهری ندارد متصاعد گشته به أوج استدلال رسیده به آرام تمام متمکّن گردند، و این کتاب را «ضیاء القلوب» نامید، و آن مشتمل است بر چهار مقصد».

فهرست مطالب: مقصد اوّل، در اثبات صانع تعالی و بعض امور متعلّقه بر صانع و این مشتملست بر چند فصل: فصل ۱ ـ در اثبات صانع، فصل ۲ ـ در بیان علم صانع، فصل

۳ _ در اینکه علم واجب تعالی عین ذات اوست، فصل ۴ _ در بیان عینیّت وجود واجب، فصل ۵ _ در اشتراک معنوی موجود میان واجب و ممکن. مقصد ثانی: در نبوّت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم . مقصد ثالث: در امامت، مقدّمه اولی، در اجماع و بعض اموری که متعلّق است به آن. مقدّمه دوم، در بعض آنچه در سقیفه بنی ساعده واقع شده. فصل ۱ _ در امامت حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام . فصل ۲ _ در آنچه متعلّق به امامت ابوبکر است. فصل ۳ _ در آنچه متعلّق است به امامت عمر بن الخطاب. فصل ۴ _ در آنچه متعلّق است به امامت عثمان به عفّان. فصل ۵ _ در مطاعن، و در این فصل مناقب جناب أمیرالمؤمنین علیه السلام و مطالب متفرّق دیگری از کتب أهل سنّت آورده. فصل ۶ _ در إثبات امامت سایر ائمّه اثناعشر علیهم السلام . مقصد رابع: در مجملی از معاد جسمانی.

انجام: «و اگر یقین به یکی ازین دو بهم نرسد آن را در عرصه امکان بگذارد. و اکتفا به همین قدر می کند در کتاب، و ذکر نمی کند اموری که مشهور است که درین مبحث ذکر می کند أقلّ خلق اللّه الغنی: محمّد بن عبدالفتّاح التّنکابنی، غفر اللّه ذنوبهما، قد تمّ فی ثالث عشر من شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۰۴(۱) علی ید أقلّ خلق اللّه و أضعفهم میرزا علی بن محمّد یوسف، غفر اللّه ذنوبهما...».

نسخه: دارای ۱۸۷ برگ، روی برگ ۱ و دو روی برگ آخر سفید است، نام کتاب و مؤلّف روی برگ ۱ نوشته شده و چنان که گفتیم نیمی از برگ ۱ در سابق بریده شده و نقصانی به خطبه و دیباچه کتاب وارد گردیده است. کاغذ دولت آبادی، خط نستعلیق، عبارات عربی نسخ زیبا، ۲۳ سطری، مقاصد و فصول و خط بالای عناوین و عبارات عربی به سرخی، جلد تیماج سبز، آستر تیماج قرمز، هر دو روی جلد با طلا خط کشی، و نسخه در این اواخر صحافی شده است، قطع ۱۶ × ۲۵، متن ۱۰ × ۱۸، در هیچ جای نسخه حاشیه ای دیده نمی شود و آثار مقابله ندارد و خالی از غلط نیست.

«۵۸۳» طیف الخَیال فی مناظره العلم و المال

(منشآت-عربی)

از: محمّد مؤمن ابن الحاجّ محمّد قاسم ابن الحاجّ محمّد ناصر ابن الحاجّ محمّد.

ص : ۱۱۷

---

۱ - ۱) چنین است تاریخ سال در نسخه، و ظاهرًا مقصود ۱۱۱۴ باشد که به رسم قدیم نوعًا صفر رقم عشرات را در امثال این سنوات هم می گذارده اند.

الامامیّ مذهبًا، العجمیّ لقبًا، العربیّ نسبًا، الشیرازیّ مولدًا، الجزائریّ محتدًا، الشیعیّ معتقدًا:

«خِزانه الخَیال: ۲۰۶، چاپ قم، ۹۳ ق، ۵۲ ش».

تولّد: محمّد مؤمن تاریخ تولّد خودش را ــ تا جایی که آگاه شده ایم ــ در دو کتاب خود نوشته است.

اوّل، به نقل «آثار عجم»، در «دُرر الحِکم» به این عبارت: «وُلِد المحرّر أواسط أوّل الحُرم عام ۱۰۷۴». سخن «آثار عجم» را خواهیم آورد.

دوّم، به نقل «ذریعه ۴: ش ۱۰۴۳»، در «تعبیر طیف الخَیال»، که بالواسطه از جلد اوّل آن کتاب، این گونه آورده اند:

«ولدتُ فی شیراز فی دارنا الواقعه فی المحلّه المنسوبه الی الشیخ عروه، و ذلک... فی ضُحی السّبت سابع عشر شهر رجب الأصبّ من سنه أربع و سبعین و ألف».

این تاریخ را ــ با ارقام ــ در «کواکب منتثره: ۷۴۸» نیز از همان مأخذ آورده اند، لکن به هنگام تجدید نظر، در آن میان افزوده اند که: «ثمّ فی سنه ۱۱۳۰ ألّف کتابه خزانه الخیال»، و این موهم آنست که تاریخ یاد شده از «خزانه» باشد،(۱) و لیس کذلک. ترجمه محمّد مؤمن در «کواکب» به هنگام چاپ ــ به دست ناشر ــ با عباراتی خاصّ بازسازی شده و دارای اشتباهاتی است و نوشته اصل نامعلوم است.

در مستدرکات «ذریعه ۲۵: ۳۶۲» ــ به خطا و تشتّت حواسّ ــ این تاریخ غلط و به کلّی زائد را برای محمّد مؤمن افزوده اند: «المولود ۱۷ ــ رجب ۱۰۸۴»!

وفات: در برخی مواضع، تاریخ وفات محمّد مؤمن را ــ بدون ارائه مأخذ ــ به سال ۱۱۳۰ «یکهزار و یکصد و سی تمام» نوشته اند، لکن این تاریخ پایان تألیف «خزانه الخیال» است، و در مآخذ اصلی شرح حالش هیچ سخنی از پایان زندگی و تاریخ فوت دیده نشد.

قدیم ترین مأخذ ترجمه محمّد مؤمن کتاب «سبحه المرجان، فی آثار هندستان، چاپ بمبئی ۱۳۰۳» تألیف میر غلامعلی آزادبلگرامی «۱۱۱۶ ــ ۱۲۰۰: مکارم ۱: ش ۶۳» است، و حاصل سخن او را مرحوم داور «حدود ۱۲۵۱ ــ ۱۳۲۵» در تذکره «مرآه الفصاحه: ۵۶۶» به فارسی درآورده است، این گونه:

۱- ۱) توجّه دهیم که در «تقویم و ستنفلد» غُرّه آن ماهِ رجبْ سه شنبه است.

«او شاعری است نیکوبیان، و در زمان سلطان اورنگ زیب عالمگیر از شیراز به هند سفر کرده، و در دیار خود و هند کسب فضائل کرده، و مدّتی ملازمت فاضل خان _ که از اُمراءِ سلطان اورنگ زیب بوده _ کرده، و در بعض قصائد خود گفته:

لا غروَ إن سرت نحو الهند من تعَب فالعینُ إذرَ مِدت ترتاح فی الظلَم

و او را تصانیف چند است...». هیچ تاریخی در این مأخذ نیامده است.

دیگر: نیای معظّم «۱۲۲۶ _ ۱۳۱۳» _ أعلی اللّه مقامه _ مطالب ارزشمندی از «خِزانه الخَیال» در کتاب شریف «روضات الجنّات» نقل فرموده اند، از جمله، سخنان محمّد مؤمن را در مدح شیخ بهائی _ علیه الرحمه _، و به این مناسبت، او را این چنین ستوده اند:

«مولانا العالم العارف الجامع المؤیّد البارع المسدّد الحاج محمّد مؤمن...، و له کتب مبسوطه...، منها کتابه الموسوم بخِزانه الخَیال...».

دیگر: حاجی میرزا حسن حسینی فسایی «۱۲۳۷ _ ۱۳۱۶: مکارم ۴: ش ۵۱۸» _ علیه الرحمه _، در کتاب مهمّ «فارسنامه ناصری ۲: ۱۴۱، چاپ سنگی طهران، ۱۳۱۳ ق»، در عِداد علماءِ شیراز گوید:

«مولانا محمّد [کذا] شیرازی، صاحب کتاب «طیف الخَیال فی مناظره العلم و المال»، ولد حاجی قاسم جزائریّ الأصل، از شیراز مسافرت به هندوستان نمود و چون ساغرش از نوال بزرگان آن سامان تهی بماند به معیشتی ضنکاء قناعت کرده برای تسلّی خاطر شروع در کتاب «طیف الخَیال» نموده و در سال هزار و صد و شانزده به انجام رسانید و در آخر آن کتاب نوشته است سنین عمرم میانه ثلثین و اربعین است».

به معیشتی ضنکا اشاره است به آیه شریفه و مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنْكًا: «۱۲۴، سوره مبارکه طآهآ».

دیگر: مرحوم میرزا آقای فرصت، محمّد نصیر حسینی شیرازی «۱۲۷۱ _ ۱۳۳۹: مکارم ۶: ش ۱۲۳۲»، در کتاب نفیس «آثار عجم: ۴۲۹، چاپ سنگی بمبئی، ۱۳۵۴ ق»:

«مولانا محمّد مؤمن شیرازی ابن الحاجّ محمّد قاسم ابن الحاجّ ناصر الجزایری، که از علماءِ شیعی است، در رساله مسمّی به «درر الحکم» که آن رساله جزئی از کتاب «لطایف الظرایف» است و آن جلد هفتم از «محاسن الاخبار و مجالس الأخیار»، وصفی از شیراز

گوید به الفاظی بی نقطه و از مولد و سال ولادت خودیش در آن اشاره کند...».

و تاریخ ولادت را از آنجا این چنین آورده: «وُلد المحرّر أواسط أوّل الحُرم عام ۱۰۷۴»، و سپس سخن محمّد مؤمن را در اوصاف شیراز آورده است.

فرصت _ علیه الرحمه _ عبارت تاریخ را در حاشیه ای این گونه ترجمه کرده است:

«زای‌ءیده شده است تحریرکننده «یعنی مصنّف» در اواسط اوّل شهرهای حرام «که ذیقعده باشد» سنه یکهزار و هفتاد و چهار».

امّا مقصود محمّد مؤمن از اوّل شهرهای حرام ماه شریف رجب است نه ذیالقعده، چنان خود نیز در جای دیگر تصریح کرده است.

و نیز بیافزاییم که مُرادف نام «محاسن الأخبار» در نسخه جای گفتگو «و مُجالس الأخیار» به ضمّ میم ضبط شده است.

دیگر: عبدالحیّ بن فخزالدین حسنی لکهنوی «۱۲۸۶ _ ۱۳۴۱: مکارم ۸: ش ۱۶۳۴» در کتاب «نُزهه الخواطر و بهجه المسامع و النواظر۶: ش ۶۷۳، چاپ حیدرآباد دکن، ۱۳۷۶ ق» گوید:

«الشیخ الفاضل محمّد مؤمن بن الحاجّ محمّد قاسم الشیعیّ الجزائریّ،الأدیب المشهور».

سپس نام استادان و مصنّفات او را برشمرده و داستانی از کتاب «مجالس الأخیار» او آورده، و ظاهرًا مقصودش «محاسن الأخبار و مجالس الأخیار، فی سبع مجلّدات» است که در ضمن مصنّفاتش نوشته است. عبدالحیّ جز تاریخ تألیف «سبکه اللجین» محمّد مؤمن که به سال (۱۱۰۱) بوده است هیچ تاریخ دیگری در آن شرح حال نیاورده و از آخر و عاقبت او و خاکجایش نیز سخنی نگفته است.

باری، ملاّ محمّد مؤمن را مصنّفات بسیاری است همه به زبان عربی، و همواره کوشش او در به کار گرفتن انواع صنایع بدیع ادبی و منشیانه فصیح و بلیغ و ممتاز بوده است، و عموم آثار او را شیخنا العلاّمه _ أعلی اللّه مقامه _ در جای جای «الذریعه» آورده اند، و بالخصوص، شرح درست و دقیق در جلد چهارم ذیل عنوان «تعبیر طیف الخَیال» که مؤمن در آن کتابْ «طیف الخَیالِ» جای گفتگو را شرح کرده است، و شگفتا که بهنگام گزارش اسامی مصنّفاتش در «طیف» از «تعبیر» هم یاد می کند!

دو مجلّد از تعبیر در کتابخانه مرحوم آقای قاضی طباطبائی در تبریز بوده است که

مجلّد نخست فقط به شرح خطبه «طیف» اختصاص داشته و برگ آغازین آن مجلّد و برگ پایانی جلد دوم مفقود شده، و آگاهی های صاحب «ذریعه» در جلد چهارم از آنجا است.

نسخه «تعبیر طیف الخیال» در دست فقیه بزرگ شیخ یوسف بحرانی «۱۱۰۷ _ ۱۱۸۶» علیه الرحمه بوده و در کتاب کشکول «انیس المسافر» از آن نقل فرموده اند. فراجعه.

از عجائب است که مرحوم حزین لاهیجی «متولّد ۱۱۰۱ یا ۱۱۰۳ متوفّی ۱۱۸۰» در دو کتاب گرانقدرش «تاریخ» و «تذکره شعراء» هیچ یادی از ملّا محمّد مؤمن نکرده است، در حالی که هر دو دانشمند در بلاد ایران و هند تردّد داشته اند!

بگذریم، و به معرّفی کتاب و نسخه بپردازیم که مقدّمه به طول انجامید.

کتاب: منشآتی است پیرامون تفاضُل و مُفاخرت، شرافت و آفت علم و مال، عقل و جهل، سیف و قلم و امثال این مباحث، متضمّن شرح احوال و آثار نگارنده و سفرها و سوانح زندگی و ترجمه استادان و مشایخ، و بالجمله، در هر میدان و از هر مقوله ای به خامه ادیبانه و منشیانه قلمفرسایی کرده است، مشحون از اشعار خوب و بدایع مرغوب.

تاریخ آغاز تألیف در نیمه های شوّال المکرّم ۱۱۱۴، ختم تألیف: نیمروز شنبه ۱۸ شوّال ۱۱۱۶، در زمان حیات حاج محمّد قاسم پدرش.

فهرست مطالب کتاب را مؤلّف خود به تفصیل با تعیین برگشمار نوشته و در آغاز آن نهاده است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. پس از برگ اوّل که آغاز فهرست و دارای سرلوح است، بقیّه فهرست و برگ اوّل اصل مفقود شده.

مُهر «پادشاه غازی جهاندار شاه حکیم الممالک فدوسیه احدی ۱۱۲۴» روی برگ آخر نسخه هست. روی برگ اول مُهر مرحوم حاج میرزا عبدالرزّاق رشتی «عبده عبدالرزّاق بن محمّد کاظم» یاد شده در «شرح المشاعر. ش ۵۳۲»، و روی برگ عطف پنج رباعی فارسی است که در بالای آنها شاعر چنین نوشته است:

«از رباعیات حقیر سیّد احمد خَلف مرحوم آقا سیّد مرتضی لاهیجانی است که به رسم یادگار نوشته شد». شماره برگ های اصل: ۲۹۴ برگ. خطّ نسخ مشکول. عنوان ها در متن و حاشیه به سرخی نوشته شده و همه صفحات دارای چندگونه جدول کشی است.

جای سند./:/

ص : ۱۲۲

«۵۸۴» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ «اقلّ الطلّاب احمد بن علی محمّد. ظ». در پایان، کاتب اسم و رسم شخصی را که نسخه را به فرمانش استنساخ کرده نوشته بوده و به عمد محو کرده اند. تنها تاریخ استنساخ «شهر محرّم ۱۲۷۶» خوانده می شود.

فهرست کامل مصنّف طیّ یازده صفحه در آغاز نسخه هست، و هم فهرست و هم اصل کتاب دارای خطبه و دیباچه جداگانه است.

خط نسخ ممتاز، عناوین در متن و حواشی به رنگ سرخ. جمعًا دارای حدود ۲۴۰ برگ.

نسخه از کتابخانه والد ماجد نویسنده این فهرست «عفا اللّه عنهما» است.

«۵۸۵» العُباب فی شرح اللباب

(نحو ــ عربی)

کتاب «اللّباب فی علم الاعراب» تألیف علاّمه إمام تاج الدّین محمد بن محمد بن أحمد بن السّیف معروف به فاضل إسفراینی، متوفی به سال ۶۸۴، از متون علم نحو زبان عربی است که تا حدود قرن دهم بسیار مشهور و متداول بوده، و چند تن از دانشمندان بر آن شروحی نوشته اند که در «مفتاح السعاده۱: ۱۵۰» و «کشف الظنون ۲: ۱۵۴۴» و مواضع دیگر معرفی شده است.

نام و أوصاف و تاریخ وفات إسفراینی از «کشف الظنون ۲: ۱۵۴۳» است، و در آغاز «عُباب» چنانکه ذیلاً دیده می شود، او را بیش از این ستوده، لکن سیوطی در «بغیه الوعاه: ۹۴» گوید: [محمد بن محمّد بن احمد تاج الدین الاسفراینی صاحب «اللباب» لم أقف له علی ترجمه] . وطاشکپریزاده در «مفتاح السّعاده ۱: ۱۵۰» او را امام فاضل خوانده و از دو دیگر تألیفات او «ضوء المصباح» که شرح «المصباح فی النحو» تألیف إمام مطرّزی متوفی ۶۱۰ است، و «لب اللباب» که تلخیص لباب خود اوست، یاد کرده است.

«ضوء المصباح» چنانکه در «معجم المطبوعات: ۴۳۶» گوید به سال ۱۸۵۰ م در لکهنوِ هند طبع شده، و در «کشف الظنون ۲: ۱۷۰۸» از شروح و تعلیقات آن یاد کرده است.

«لبّ اللباب»(۱) نیز از متون متداوله بوده، و مؤلف آن را برای شمس الدین صاحب

۱- ۱) این نام «لبّ اللباب» از «مفتاح السعاده» است، لکن در «کشف الظنون» و نسخه کهن کتاب «لبّ الألباب» می باشد.

دیوان نوشته، و بر این کتاب همچنین شرحی است که در «کشف الظنون ۲: ۱۵۴۵» مذکور، و به نگارش «مفتاح السعاده ۱: ۱۴۹» بهترین و گرانمایه ترین آنها شرح صاحب «عُباب» است. مؤلّف «کشف الظنون» اندکی از آغاز این شرح را نقل نموده و گوید: از این عبارت معلوم می شود که سیّد عبداللّه اولین شارح «لبّ» باشد، و سپس از تعلیقه سیّد أحمد بن عبداللّه قریمی بر شرح سیّد عبداللّه یاد کرده است.

اسفراینی را نیز شرح دیگری است بر «مصباح» که آن را «مفتاح» نامیده، و در «کشف الظنون» گوید: «ضوء» تلخیص این کتابست.

از جمله شروح بسیار مفید «لباب» همین «العُباب» است که نویسنده آن عبداللّه بن محمّد بن أحمد حسینی نیشابوری، مشهور به سید جمال الدین نقره کار(۱) از دانشمندان قرن هشتم هجری است، و علاوه بر علوم معقول و منقول و فروع و أصول؛ در صرف و نحو زبان عرب اُستادی ماهر بوده، بیشتر آثار خود را در این رشته نوشته است.

شرح حالش را زین الدّین طاهر ابن حبیب متوفّی ۸۰۸ در «ذیل درّه الأسلاک فی دوله الأتراک» آورده، گوید: پدرم در تاریخ خود(۲) او را در شمار درگذشتگان سال ۷۷۶ یاد کرده و زمخشریِ زمانش خوانده است. سپس ابن حجر عسقلانی متوفی ۸۵۲ در «إنباء الغُمر بأبناء العمر» ترجمه سیّد را مجملاً نگاشته، و آشکار است که آن را از «إبن حبیب» گرفته، و سخن او پس از این در ضمن کلام سخاوی خواهد آمد.

سخاوی متوفی ۹۰۲ صاحب «الضّوء اللاّمع» شاگرد ابن حجر که نسخه یی از «الدّرر الکامنه» استادش را به خط خود إستنساخ و إستدراکاتی بر بعضی از مواضع آن نبشته(۳) شرح حال سیّد را در هامش آن نسخه ضبط(۴) و إبتدا کلام ابن حبیب را آورده، سپس

---

۱ – ۱) در اواسط حاشیه مولانا فصیح الدین بر «مطوّل» تفتازانی ــ نسخه ــ ظ ــ خطّ قاضی نوراللّه شهید، قدّس سرّه ــ این عبارت آمده است: [و کذا قال السیّد المشهدیّ فی شرح اللباب المشتهر بنقره کار] . معلوم می شود که «شرح اللباب» مشتهر به نقره کار است نه نویسنده آن. و صریح تر در حاشیه یی در اوائل همان کتاب گوید: [قلت: و من هذا ظهر ضعف ما قال المشهدیُ فی نقره کار] . در جاهای دیگری هم که از سیّد جمال الدین یاد کرده، او را «الشارح المشهدیّ» وصف نموده است.

۲– ۲) گویا مقصودش «دره الاسلاک» است.

۳– ۳) این نسخه در دست دکتر سالم کرنکوی آلمانی مصحح «درر کامنه» طبع حیدرآباد ۱۳۴۸ بوده است.

۴– ۴) مصحح «درر» هنگام طبع، این شرح حال را در ص ۲۸۶ ج ۲ به شماره ۲۲۰۶ در متن آورده و ذیل صفحه نوشته است: این ترجمه در هامش نسخه سخاوی و به خط اوست.

گويد: «ابن خطيب الناصريه(۱) نيز ترجمه سيّد را ذكر كرده؛ و من (سخاوى) درشگفتم كه چگونه شيخ ما (ابن حجر در «درر») از سيّد نامى نبرده با آنكه مشهورست كه او شافعى مذهب بوده، و ابن حبيب و ابن خطيب ناصريّه نيز برين گواهند، و هم در حلب؛ مدرّس مدرسه أسديه كه از بزرگ ترين مدارس شافعيّه بود، شناخته مى شد، أمّا در «شرح منار(۲)» ديده ام كه سيّد به يارى حنفيان برخاسته و هر جا أدلّه مذهبشان آرد، گويد كه نزد ما چنين است و نزد شافعى چنان، و غالباً گفتار حنفيان را توجيه مى كند، و من (سخاوى) ندانم كه اين توجيهات از باب إعتراف به حقّ است با وجود إختلاف مذهب، يا آنكه توجيه مذهبى است؟».

سپس سخاوى دلائلى ديگر بر حنفى بودن سيّد از كلام خودش آورده، و گويا پس از مدّتى به شرح حالى كه ابن حجر در «إنباء الغمر» از سيّد نوشته برخورد كرده و دنباله مطالب را در هامش «درر» چنين آورده است:

بعدها ديدم كه شيخ ما (ابن حجر) سيّد را در شمار كسانى كه به سال مرقوم (۷۷۶) درگذشته اند ياد كرده و در وصفش گفته است: «شريف جمال الدين در علم أصول و عربيّت بارع بود، و تدريس مدرسه أسديّه حلب و برخى مدارس ديگر را به عهده گرفت و مدّتى در دمشق و چندى در قاهره إقامت گزيد، و هم پيشوايى بعضى از خانقاهها بدو واگذار شد». پس ازين جمله، سخاوى خود گويد: اين سخن مأخوذ از ابن حبيب است، و ابن حجر چنانكه عادت اوست كه پيوسته بر حنفيان نكته گيرى مى كند، بر سخن ابن حبيب هم نكته گرفته و گفته است: «أمّا سيّد به روش شيعيان مى رفت (و كان يتشيّع!) و هفتاد سال زندگى كرد».

سخاوى إضافه كرده كه: همچنين ابن حجر سه بيت شعرى را كه ابن حبيب از نظم سيّد آورده، نقل كرده و أشعار اينهاست:

هذّب النَّفس بالعلوم لترقى... تا آخر.

باز سخاوى گويد: كسانى كه ترجمه سيّد را نوشته اند، از مصنّفات جيّده او، مانند

۱- ۱) صاحب «تلخيص درّه الاسلاك» ياد شده.

۲- ۲) «منار الانوار» در أصول فقه از حافظ الدين نسفى متوفى ۷۱۰ است كه سيّد آن را شرح كرده.

«شرح تسهیل» و «شرح لبّ» در نحو و «شرح منار» در أصول و غیر اینها یادی نکرده، چنانکه از وصف عظمت او نزد سلاطین و أعیان، و این که کسی در مجالس برتر از او نمی نشست، بلکه او به یک جانب و قاضی القضاه به جانب دیگر قرار می گرفت؛ نیز خودداری نموده اند.

سپس سخاوی داستانی از حضور سیّد و شیخ الاسلام بُلقینی در مجلس أمیر اُلجای نقل کرده و گوید: شیخِ ما ابن حجر به شافعی بودن یا حنفی بودن سیّد تصریح نکرده و اللّه أعلم، و پس از این جمله، خود سخاوی دلیلی از خارج آورده که حنفی بودن سیّد را می رساند، و به همین جا ترجمه او را در هامش «درر کامنه» پایان داده است.

حافظ سیوطی متوفی ۹۱۱ در دو موضع «بغیه الوعاه فی طبقات اللّغویین و النحاه» شروح مختصری راجع به صاحب «عباب» نوشته و گویا متوجّه یکی بودن صاحب دو ترجمه نشده، موضع أوّل در ص ۲۸۷ به عنوان «عبداللّه بن محمد بن أحمد الحسینی النیشابوری» که در اینجا فقط عبارت ابن حجر را نقل کرده، در صورتی که إشعاری به نحوی یا لغوی بودن صاحب ترجمه ندارد. موضع دوم در ص ۲۹۴ که گوید: عبدالله عجمی سیّد جمال الدین نقره کار، به معنی سازنده نقره، صاحب «شرح لبّ» و «شرح لباب» و «شرح شافیه ــ در تصریف»، و اینها کتاب هایی مشهور و متداول در دست مردم است، و من (سیوطی) ترجمه حالی ازو نیافتم؛ جز آنکه در «شرح شافیه» گفته که آن را برای امیر اُلجای نوشته، و أمیر در حدود ۸۰۰ می زیسته، و نیز کتاب «شرح تلخیص» او را یافتم که برای امیر منکی بقا تألیف کرده بود.پایان کلام سیوطی

طاشکپری زاده متوفی ۹۶۲ نیز در «مفتاح السعاده۱: ۱۴۹» آنجا که کتب مختصر علم نحو را عنوان کرده گوید:

«و از جمله کتب مختصر علم نحو «لبّ اللّباب» است؛ و بر آن شروحی نوشته اند که أحسن و أفضل آنها شرح سیّد عبداللّه بن محمد حسینی عجمی سید جمال الدین نقره کار است». سپس کلام سیوطی را از «بغیه» آورده و گوید: «و او راست «شرح تنقیحِ» فاضل صدرالشّریعه در أصول فقه، و من (صاحب مفتاح) در بعضی از نسخ این شرح دیده ام که سیّد تاریخ إتمام آن را در روز عید ماه شوّال ۷۷۱ نوشته بود. و نیز از جمله کتب مختصر علم نحو «لباب الإعراب» است.. و این کتاب را شروحی چند است، از جمله:

شرح سیّد عبداللّه شارح «لبّ»... و از جمله: شرح دیگری موسوم به «عُباب»...».

روشن است که «عُباب» نام همان شرح سیّد عبداللّه است، و خود شرح مستقلّ دیگری نیست.

«کشف الظنون ۲: ۱۵۴۳ ببعد» نیز «لباب» و «لبّ الألباب» إسفراینی را عنوان و طیّ گزارشی که از شروح این دو کتاب می نویسد؛ دو شرح سیّد را با ذکر بعضی خصوصیّات یاد می کند.

ابن عماد متوفّی ۱۰۸۹ نیز ترجمه سیّد را در «شذرات الذّهب ۶: ۲۴۲» در شمار درگذشتگان سال ۷۷۶ بسان ابن حجر و سیوطی آورده، و هم نیای مجدِّد «أعلی اللّه مقامه» در «روضات الجنّات: ۱۵۵ و ۵۰» مجملی دراین باره از «بغیه» و غیره نقل فرموده اند.

مجموعه آثار سیّد در مواضع مختلف «مفتاح السعاده» و «کشف الظنون» و «إیضاح المکنون» و «معجم المطبوعات: ۷۷۵» بمناسبت «شرح شافیه ابن حاجبِ» او که مکرّر چاپ شده، و «فهرست خدیویّه ۴: ۷۸ و ۷۹» و «فهرست دارالکتب العربیّه ۲: ۱۳۴» و «فهرست رضویّه» و «فهرست سپهسالار ۲: ۳۶۹» و فهرست های دیگر آمده است.

در خاتمه این مقال، این نکته را نیز ناگفته نگذاریم که صاحب «ریحانه الأدب ۴: ۲۲۹» درباره صاحب «عباب» چنین آورده: «... به نوشته بعضی، گاهی إظهار تشیّع می کرده، بلکه چنانچه نقل شده محقّق کرکی نیز معتقد به تشیّع وی بوده و از دانشمندان إمامیّه اش داند.»(۱)

اشتباه «فهرست سپهسالار»: در «ریحانه الأدب ۴: ۲۲۹» گوید: «و یک نسخه خطّی از کتاب «عباب» به شماره ۳۱۷۳ در کتابخانه مدرسه سپهسالار جدید طهران موجود است».

این اشتباه از مؤلّف محترم «فهرست کتابخانه سپهسالار ۲: ۳۶۹ به بعد» است که «العباب فی شرح اللّباب» را با «شرح لبّ الألباب» یکی دانسته، و با اینکه تقریبًا به همه مصادر کار؛ دسترسی داشته و مراجعه کرده، باز درین إشتباه واقع و نسخه یی از «شرح لبّ» سیّد عبداللّه را که در آن کتابخانه بوده همان «العباب» پنداشته؛ کتاب را اینطور عنوان نموده اند: «۴۲۱ ـ شرح لبّ الألباب ـ العباب»، و در چند سطر بعد، دو متن را یکی

---

۱ – ۱) مطلب از این قرار است که در «ریاض العلماء ۳: ۲۲۶» درباره نقره کار می فرماید: «و لکن قد صرّح الشیخ علیّ الکرکیّ ـ من علمائنا ـ فی بعض تعلیقاته علی هوامش کتاب «ذکری» الشهید بأنّ هذا السیّد من علماءِ أصحابنا». این عبارت در «الحقائق الاحضه××: ۱۲۳» نیز با قدری مسامحه نقل شده است.

گمان کرده؛ گویند: «لبّ الألباب یا لباب در علم نحو...». و هکذا تا آخر شرحی که راجع به نسخه نوشته شده چندین خطاء در آن رفته است.

أما نسخه سپهسالار چنان که گفتیم «شرح لبّ» است نه «عباب _ شرح لباب»، و آن نسخه به نظر راقم سطور رسیده و آغازش چنین است: «بسم... الحمد للّه قاشع غمام الغموم... و بعد، فإنّ «لبّ الألباب(۱) فی علم الإعراب» لا یخفی علی ذوی الألباب أنّه کثیر الفوائد... و لم یشرحه أحد من فضلاءِ الدهر و علماءِ العصر، و قد کان یختلج فی صدری..».

پس از این جملات، شرحی در أوصاف أمیر فخرالدین أبوطالب علوی وزیر(۲) نگاشته، کتاب را به او إهداء کرده، و آخر نسخه چنین است: «و إنما عرض له ما أوجب قطع کلامه من النساء. وقع الفراغ من تنمیقه بعون اللّه و حسن توفیقه علی ید... عبدالجلیل بن حسن فی أوائل شعبان... وقت الظهر سنه تسعین و سبعمائه ۷۹۰».

«العباب فی شرح اللباب»: کتاب پر سود محقّقانه یی است، و شارح گاهگاه آراءِ مخصوصه خود را پیرامون مطالب نحوی در سراسر کتاب آورده است، و گزارش «لباب» پس از یک مقدّمه ۱۶ سطری از شارح شروع شده، همه جا متن را به حُمره از شرح ممتاز کرده است.

آغاز: «بسم.. ربّ أعن. اللّهمّ صلّ علی سیّدنا محمّد أشرف الخلق و آله و صحبه و سلّم، الحمد للّه الّذی له الکلمه العلیا و الأسماء الحسنی. أفعاله المقتضیه لإعراب وجوده لا بتعب حرکات، و کلامه المبنیّ علی الصّدق و المعرب بالبیان و الحقّ لا بإعانه أدوات؛ تقدّس عن أن یتناوله الصّفات، و تعزّز عن أن یحیط به تصاریف اللّغات... و الصّلاه و السّلام علی رسوله محمد المصطفی لعقائل کراماته الکافیه.. و علی آله و اصحابه معادن الصّلاح و سفائن النّجاح... و بعد، فانّ کتاب «اللباب _ فی علم الاعراب» لما کان کتابًا صحیحًا معانیه... شرحته شرحًا ینحلّ به ألفاظه و معانیه و ینکشف ترکیباته و مبانیه، و سمّیته «العباب فی شرح اللّباب» بعد أن وجّهت وجهی إلی تدقیقه أزمنه... قال

ص : ۱۲۸

۱- ۱) سابقاً لب اللباب بوده، شخصی آن را تراشیده و لب الالباب نوشته است.

۲- ۲) پیرامون نام و نسب و گزارش زندگانی این شخص به تفصیل در نسخه خطّی «جامع الانساب» سخن گفته ایم.

الأستاد المحقّق الامام المدقّق تاج الملّه و الدّين شرف الاسلام و المسلمين محمد بن محمّد بن أحمد سيف الإسفراينى: بسم...».

انجام: «و بهذا البيان تبيّن وجه اختصاص الجرّ بالاسم و اختصاص الجزم بالفعل؛ و إذ قد وفينا بما وعدنا من توفيه الاقسام الأربعه حقّها فلنختم الكتاب حامدين للّه تعالى و مصلّين على نبيّه محمّد و آله الطاهرين و هو حسبنا و نعم المعين. و لنؤثر نحن أيضًا ختم الكلام فى شرحه، وافين بما وعدنا، حامدين للّه تعالى على نعمائه التوام و آلائه العظام؛ و مصلّين على نبيّه النبيه محمّد و آله مصابيح الظلام و أصحابه الكرام، سائلين اللّه سبحانه التوفيق لإصلاحه بعد مشاوره الرّويّه و تفريغ الفكره إليه. تمّ كتاب «العباب فى شرح اللّباب» بعون اللّه الملك الوهّاب. قال مؤلّف الكتاب رحمه اللّه: عبدالله بن محمد الحسينى جزاه اللّه بمغفرته و عفا عنه بفضل رحمته: فرغ من تأليفه فى جمادى الأُولى لسنه خمس و ثلثين و سبعمائه.

كتبه محمّد بن أحمد بن حسن العسابى (؟) الامساطى (؟) الحنفى، عفا اللّه عنه و عن والديه... بتاريخ رابع شوّال المبارك سنه تسع و خمسين و ثمان مائه».

چنانكه ديده مى شود، مؤلف در ماه جمادى الاولى ۷۳۵ از تأليف «عباب» فراغت يافته، و كاتب (محمّد بن أحمد بن حسن... حنفى) نسخه را در ۴ ماه شوال ۸۵۹ به پايان رسانيده است.

نسخه: داراى ۲۴۱ برگ (أصل كتاب) و ۲ برگ فهرست آن در آغاز و ۱ برگ عطف در آخر، و نيمه پايين برگ ۲۴۱ زير سطر آخر منقول در بالا؛ قديمًا بريده شده و كاغذ ديگرى چسبانيده اند. كتاب مصحَّح و داراى آثار مقابله و حواشى پراكنده از كتب مختلف، و در چند موضع تملّك «صفى الدّين بن على الصّيفوى» و مهر «زين العابدين ابن محمد رضا الحسينى ۱۲۰۸ يا ۱۲۸۰» و روى برگ ۱ و پشت فهرست مطالب متفرّقى نوشته اند. خط تعليق ۲۵ سطرى، متن «لباب» بشنگرف، كاغذ دولت آبادى، قطع ۱۶ × ۲۱، جلد تيماج سرخ مقوّايى، داخل ميشن سياه.

«۵۸۶» عُدّه الأصول

(اصول فقه ــ عربى)

از: شيخ الطائفه ابو جعفر محمد بن الحسن طوسى، قدّس سرّه.

كتاب: در مسائل اصول فقه است به روش قديم و به طبع رسيده.

ص : ۱۲۹

نسخه: تمام و به خطّ «اقلّ الحاجّ و الطلبه محمد جعفر»، و در ۱۴ ماه شعبان ۱۲۷۲ از کتابت آن فراغت یافته است.

«۵۸۷» عُده الحصن الحصین من کلام سید المرسلین

(عربی)

از: ابن الجَزری(۱) شافعی، محدّث حافظ تاج القرّاء قاضـی القضاه شمس الدین أبوالخیر محمّد بن محمّد بن محمّد بن(۲) علی بن یوسف عمری دمشـقی شـیرازی، صاحب کتاب های مطبوع و بسیار مشـهور «غایه النهایه ــ یا ــ طبقات القرّاء» و «النّشـر فی القراءات العشر» و «منجد المُقرئین» و غیرها.

وی در ۲۵ ماه رمضان ۷۵۱ در دمشق به دنیا آمد(۳) و آنجا نشو و نما یافت و به تحصـیل علم مشغول شد، و بیش از هر چیز به علوم شـریفه قرآنی که اشـرف دانش هـاست پرداخت، و در علم الحـدیث نیز کـار کرد و تبحّر یـافت، و از کثرت ممارست در علوم قرآنی و بخصوص تجویـد و قراءات در این دو فنّ شـهره آفـاق و سـرآمد روزگـار گردیـد، و حافظ قرآن کریم و حافظ حـدیث نبوی شــناخته شــد، و در دمشـق مـدرسه ای بسـاخت و آن را «دارالقرآن» نامیــد و مردم را همی علـم قرائـت قرآن بیاموخت(۴).

شـاه صـاحب دهلوی در «بسـتان المحـدّثین» گویـد: «أوقـات او معمور به همین سه شـغل: یا قرائت قرآن، یا إسـماع حـدیث، یا عبادت، و در اوقات او برکت محسوس بود، با وجودی که مردم برای طلب این دو علم شـریف بر وی هجوم و إزدحام داشـتند و أوراد و عبادات هم وظیفه داشت هر روز آن قـدر تصـنیف می کرد که یک کاتب جیّد سـریع الکتابه می تواند نوشت، و در سفر و حضـر بیـدار و قائم اللّیل می مانـد، و هرگز روزه دوشـنبه و پنج شـنبه از او فوت نشده، و سه روزه از هر ماه نیز روزه می داشت، و مؤلّفات

۱- ۱) منسوب به جزیره «ابن عمر» که شهری است بالای موصل.

۲- ۲) نسب مؤلف به شـرحی که نقل کردیم عینًا در مقـدمه کتاب مورد بحث و «الأعلام ۷: ۲۷۴» آمده است، لکن در «معجم المؤلّفین ۱۱: ۲۹۱» قبل از نام علی چهار محمّد و در «معجم المطبوعات: ۶۲» دو محمد ذکر کرده اند.

۳- ۳) سخاوی گوید: پدر ابن الجزری مرد تاجری بود، چهل سال متأهّل بود و او را فرزندی نمی شد، تا آنکه حجّ گذارد و از آب زمزم نوشـید بـدین نیّت که او را فرزنـد عالمی شود، پس این فرزنـد متولّد شد در شب شـنبه ۲۵ ماه رمضان ۷۵۱ در شهر دمشق، داخل خطّ القصّاعین، بین السورین: «الضوء اللامع ۸: ۲۵۶».

۴- ۴) در «ضوء لامع» گوید که در ماه شعبان ۷۷۳ متصدّی امر قضاءِ دمشق نیز شد، لکن در این باره به مقصد نرسید و پس از چند روزی معزول گردید.

او همه مفید و نافع افتاد...»: عبقات الانوار: مجلّد غدیر ۱: ۴۹.

ابن جزری چند سفر به مصر رفت، و در سال ۷۹۸ در دمشق برای او پیش آمدی شد که ناچار از فرار گردید و از راه اسکندریّه و دریا به بلاد روم رفت و به ابویزید بن عثمان صاحب شهر «برصا» ــ بورسای معروف امروزی ــ پیوست و مورد إکرام او قرار گرفت، و چندین سال در نزد او بماند و به شغل شریف خود پرداخت، و همه جا معرفت مردم را به قرآن کریم و علوم قرآنی و حدیث نبوی زیاده کرد، و در تألیف و تدریس و تعلیم و نشر این دانش ها بکوشید، تا اینکه تیمور لنگ به آن دیار لشگر کشید و ابو یزید را بکشت. پس از این واقعه ابن جزری نیز با تیمور آشنا گردید و به او پیوست و در ملازمتش به سال ۸۰۵ به ماوراء النّهر و سمرقند سفر کرد و مَقدمش بر تیمور گرامی شد و مورد تعظیم و تکریم او قرار گرفت و از جانب او به منصب قاضی القضاتی شیراز مأمور گشت(۱)، و از راه خراسان و یزد و اصفهان به شیراز رفت و مدّتی طویل در آن شهر بماند و به مشاغل علمی خود پرداخت، و از فیض قدوم او مردم شیراز را معرفتی به سزا در علوم عالیه اسلامی حاصل شد.

سپس در سال ۸۲۲ به قصد حجّ از شیراز خارج و در راه گرفتار شد و اموال او به غارت رفت، چنانکه از حجّ بازماند و ناچار به ینبع حجاز رفت و در ربیع یکم ۸۲۳ به مدینه منوّره وارد شد و در غرّه ماه رجب به مکّه معظمه مشرّف گردید و حج بگذارد و به عراق بازگشت، و دیگر بار به حجاز شد و حجّ نمود(۲) و در ۸۲۷ به دمشق و سپس به قاهره رفت و مورد عنایت و تکریم ملکِ أشرف واقع گردید، و بار دیگر به حجّ خانه

۱- ۱) در «الشقائق النعمانیه» گوید: به الزام سلطان شیراز به أمر قضا پرداخت. و سخاوی در «ضوء لامع ۹: ۲۵۷» گوید با تیمور به سمرقند رفت و در آنجا بود تا تیمور مرد، سپس به شیراز رفت و به نشر قراءآت و حدیث پرداخت و مردم از او بهره ور شدند، و از جانب اولاد تیمور متصدّی امر قضا، در شیراز و بلاد دیگر گردید، انتهی. توضیحًا، مرگ تیمور را حافظ ابرو در «ذیل ظفرنامه: ۳۰» به تاریخ نیمه ماه شعبان ۸۰۷ نگاشته، و در «ترجمه عجائب المقدور: ۲۳۶» و «مجمل فصیحی» مانند «منتظم ناصری ۲: ۴۷» شب چهارشنبه ۱۷ شعبان. پس آنچه در کتاب «از سعدی تا جامی: ۲۷۴» است که تاریخ را ۱۲ ماه رجب ۸۰۷ قید کرده اند مربوط به آغاز بیماری تیمور است نه مرگ او. و چهارشنبه هفدهم ماه شعبان ۸۰۷ بودن، موافق «تقدیم و ستنفلد»×× است.

۲- ۲) چنانکه در «معجم المؤلفین» آمده، لکن در «ضوء لامع» از این سفر حج او چیزی نیست.

خدا شتافت و به قصد تجارت به یمن رفت و به سلطان یمن پیوست و برای او روایت حدیث کرد، و از جانب او صله یافت و با مالی فراوان به قاهره بازگشت و مدّتی بماند، و در ۸۲۸ باز به حجّ رفت و آغاز سال بعد به قاهره مراجعت کرد.

سپس از راه شام و بصره به شیراز بازگشت، تا عاقبت در روز جمعه پنجم ربیع یکم ۸۳۳ در آنجا وفات یافت و در مدرسه یی که خود ساخته بود، به خاک سپرده شد(۱).

از جمله آثار ذی قیمت ابن جزری کتابی است در مناقب حضرت أمیرالمؤمنین علیه السلام به نام «أسنی المطالب، فی مناقب علی بن أبی طالب» که در جزو تألیفات او در کتب تراجم، مانند «الأعلام» و غیره یاد شده است و چنانکه خواهیم گفت نُسخ آن نیز موجودست.

از سایر آثار او نیز به خوبی واضح می شود که از برکت حفظ و ممارست کلام اللّه مجید و علوم قرآنی و أحادیث شریفه، وی را ولاءِ خالص و محبّت سرشار نسبت به خاندان عصمت و طهارت بوده، چنانکه نظریّه او را در خصوص حدیث غدیر «مَن کنت مولاه فعلیٌّ مولاه» نیای معظّم، صاحب «روضات الجنّات: ۷۲۰» به واسطه یکی از مجموعه های معتبره از یکی از تألیفات او چنین نقل کرده اند، که گفته است: «هذا حدیثٌ حسنٌ من هذا الوجه، صحیحٌ من وجوهٍ کثیرهٍ تواترَ عن أمیرالمؤمنین علیّ ــ علیه الصّلوه و السّلام ــ و هو متواترٌ أیضًا عن النبیّ صلی اللّه علیه و سلّم؛ رواه الجمُّ الغفیر، و لا عبره بمن حاول تضعیفَه ممّن لا اطّلاع له فی هذا العلم» إلخ.

سپس در «روضات» فرموده اند که در هامش مجموعه مذکوره است که مقصود ابن جزری از «بمن حاول...» همانا میر سیّد شریف جرجانی است که در کتاب «شرح مواقف» خود منع تواتر این حدیث نموده است.

ناگفته نماند که مطلب فوق منقول از روضات را ابن جزری در کتاب نفیس «أسنی المطالب» ــ که دو نسخه خطی از آن نزد صاحب «عبقات الانوار» بوده ــ یاد کرده و ایشان تمام کلام او را در آنجا «مجلّد غدیر ۱: ۴۶ ــ ۴۷» نقل فرموده اند، و مؤلّف کتاب عظیم القدر «الغدیر فی الکتاب و السّنّه و الادب ۱: ۱۲۹» نیز ضمن شرح حال مختصر ابن الجزری مطالبی از کتاب «اَسنی المطالب» آورده اند، فراجع(۲).

---

۱ – ۱) فکانت منیته بها [بشیراز] قُبیل ظهر یوم الجمعه خامس ربیع الاول سنه ثلاث و ثلثین، بمنزله من سوق الاسکافیّن منها، و دفن بمدرسته الّتی أنشأها هناک: «الضّوء اللامع ۹: ۲۵۷».

۲ – ۲) یکی دیگر از آثار ابن الجزریّ منظومه رفیعه «ذات الشفاءِ فی سیره المصطفی صلّی اللّه علیه و آله» است که نسخه عزیز الوجود شرح آن به نام «رفع الخفاء» تألیف شیخ محمد بن الحاج حسن بصری شهرزوری×× شافعی صوفی معروف به قاری و ابن الحاجّ (متوفی ۱۱۸۰) را اینک در دست داریم، و ابن الجزری برخی از فضائل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را خیلی خوب به سلک نظم کشیده است.

* * *

شرح حال ابن الجزری به طور مبسوط در بسیاری از معاجم تراجم مذکور، و اجمالاً کتب ذیل را یاد می کنیم:

۱_ «روضات الجنّات: ۷۱۹_۷۲۰» و تعلیقات مؤلّف این فهرست که در هامش آن کتاب چاپ شده. ۲_ «الشقائق النّعمانیه، فی احوال علماءِ الدّوله العثمانیّه ۱:۹۸_۱۰۷» . ۳_ «قضاه دمشق _ الثّغر البسّام، فی ذکر من وَلی قضاءَ الشّام: ۱۲۱_۱۲۲» . ۴- «الأعلام ۷: ۲۷۴_۲۷۵». ۵_ «معجم المطبوعات: ۶۲_۶۳». ۶_ «معجم المؤلّفین ۱۱: ۲۹۱_۲۹۲». ۷_ «ریحانه الأدب ۱: ۲۶۵». ۸_ «الضوء اللّامع لأهل القرن التّاسع ۹: ۲۵۵_۲۶۰» تألیف حافظ شمس الدین سخاوی «۸۳۱_۹۰۲» معاصر و معارض حافظ سیوطی. ۹_ «إنباء الغمر» ابن حجر ۸: ۲۴۵». ۱۰_ «مجمل فصیحی: ۱۴۶ و ۲۶۷». ۱۱_ «عبقات الانوار: مجلّد یکم حدیث غدیر: ۴۶_۵۵، ط طهران» که شرح حال ابن جزری در این کتاب أخیر تقریبًا از همه جا مبسوط تر یاد شده است.

همچنین در بخش دوم مجلّد حدیث طیر مَشویّ (ص ۹ به بعد) و برخی مجلّدات دیگر عبقات شریف شرح حال و نقد آراءِ ابن الجزری دیده می شود.

سند روایت او نیز در کتاب «فرائد غیاثی ۲: ش ۲۹۷ ص ۵۵۰_ ۵۵۲» شایسته مراجعه است. در آنجا این گونه وصف شده است: «الامام الکبیر الحافظ الجلیل رُحله الأرض مُسند العالم مولانا شمس الحقّ و الشریعه و الدین أبی الخیر محمد بن محمد بن محمد بن الجزریّ، سلّمه اللّه و أبقاه».

نکته شایان توجّه این که با وجود تصریح مورّخین به انتقال ابن جزری به شیراز و اشتغال او به منصب قضا و مدرسه ساختن او در آن شهر و وفاتش در آنجا و دفنش در همان مدرسه؛ مع الوصف در کتب معمول و متداول متعلّق به تاریخ و جغرافیای شیراز و فارس نامی از این دانشمند بزرگ و مدرسه و مدفنش دیده نمی شود!

مطلب دیگر این که در همه مآخذ، وی را «ابن الجزری» خوانده اند، سوای «ریحانه الأدب» که در آنجا در حرف جیم ألقاب و به عنوان «الجزری» یاد شده است.

سائر مآخذ شرح حال این شخص نیز از مراجعه به کتاب هایی که یاد کردیم معلوم می شود.

* * *

الحصْن الحصین:

ابن جزری در أواخر سال ۷۹۱، هنگامی که دمشق در محاصره تیمور لنگ بود، کتابی نوشت به نام «الحِصن الحَصین، مِن کلام سیّد المرسلین» و در آن دعاها و حرزهای معتبری که به سندهای صحیحه از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به طرق أهل سنّت و جماعت به او رسیده بود جمع کرد، و آن را وسیله استخلاص از دشمن دانست، و خود در انجام آن چنین گوید:

«قال مؤلّفه محمّد بن محمّد بن محمّد، الجزریُّ؛ لطف اللّه تعالی به فی غربته، و أخذ بیده فی شدّته: فرغتُ من ترصیف هذا «الحصن الحصین من کلام سیّد المرسلین»، یوم الأحد، بعد الظهر، الثانی و العشرین، من ذیالحجّه الحرام، سنه إحدی و تسعین و سبعمائه، بمدرسته الّتی أنشاها برأس عَقبه العَبّان(۱)، داخل دمشق _ المحروسه _ حماها اللّه تعالی من الأفات، و سائرَ بلاد المسلمین، هذا و جمیع أبواب دمشق مغلقهٌ، بل مشیّدهٌ بالأحجار، و الخلائق یستغیثون علی الأسوار، و النّاس فی جهدٍ عظیم من الحصار، و المیاه مقطوعهٌ، و الأیدی إلی اللّه تعالی بالتّضرّع مرفوعه؛ و قد اُحرق ظواهر البلد، و نُهب أکثره، و کلّ أحد خائفٌ علی نفسه و أهله و ماله، وَجِلٌ من ذنوبه و سوءِ أعماله؛ و قد تحصّن بما یقدر علیه.

فجعلتُ هذا حصنی، و توکّلتَ علی اللّه و هو حسبی و نعم الوکیل.

و قد أجزتُ أولادی: أباالفتح محمّدًا، و أبابکر أحمدَ، و أباالقاسم علیًّا، و أباالخیر محمّدًا، و فاطمه، و عائشه، و سلمی، و خدیجهَ؛ روایته عنّی مع جمیع ما یجوز لی روایته، و کذلک أجزتُ أهل عصری.

اللّهمّ اغفرْ لمؤلّفه و لکاتبه و لمن قرء فیه و لمن دعا لهم و لسائر المسلمین.

و الحمد للّه، و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و علی آل محمّد و سلّم... فجاء _ بحمد

۱- ۱) در «کشف الظنون» عقبه الکتان است.

اللّه ــ كبيرَ المقـدار، غايهً فى الاختصار، جامعًا للصّحيح من الأخبار؛ لم يؤلّف مثله فى الأعصار، جمع الذّكر النّبوىَ، و الحديث المصطفوىَّ، و الخير الدّنيوىَ، و الأجر الاُخروىَ...».

و در آغـاز كتاب مـذكور گويـد: «بسم... قال الفقير الضـعيف المسـكين، المنقطع إلى اللّه تعالى، الرّاجى من كرمه أن ينجيه من القوم الظالمين: محمّـد بن محمّـد، الجزرىُ، لطف اللّه تعالى به فى شـدّته: أمّا بعـد... فإنّ هـذا «الحصن الحصـين من كلام سـيّد المرسـلين» و سـلاح المـؤمنين، من خِزانه النّبىّ الأـمين، و الهَيكـل العظيم، من قـول الرسـول الكريم، و الحرز المكنون، من لفظ المعصوم المأمون؛ بذلتُ فيه النّصـيحه، و أخرجته من الأحاديث الصـحيحه، أبرزتهُ عدّهً عند كلّ شدّه، و جرّدته جُنّهً تقى من شـرّ النّاس و الجِنّه؛ تحصّنتُ به فيما دهم من المصيبه، و اعتصمتُ من كلّ ظالم بما حوى من السّهام المصيبه، و قلتُ:

ألا! قولوا لشخصٍ قد تقوّى على ضعفى، و لا يخشى رقيبه

خبأتُ له سهامًا فى اللّيالى و أرجو أن تكون له مصيبه

أسأل اللّه العظيم أن ينفع به و أن يفرّج عن كلّ مسـلم بسببه؛ على أ نّه ــ مع اقتصاره و اختصاره ــ لم يدعْ حديثًا صحيحًا فى بابه إلّا استحضره و أتى به.

و لمّـا أكملتُ ترتيبه و تهـذيبه طلبنى عـدوٌّ(۱) لاـ يمكن أن يـدفعه إلاـ اللّه تعالى، فهربتُ منه مختفيًا، و تحصّـنتُ بهـذا الحصن؛ فرأيتُ سـيّد المرسلين صلّى اللّه عليه و سلّم و أنا جالسٌ على يساره، و كأنّه صلّى اللّه عليه و سلّم يقول: ما تريد؟ فقلت: يا رسول اللّه! ادعُ اللّه لى و للمسلمين. فرفع صلّى اللّه عليه و سلّم يديه الكريمتين و أنا انظر إليهما، فدعا، ثمّ مسح بهما وجهَه الكريم.

و كان ذلك ليله الخميس، فهرب العـدوّ ليله الأحد(۲)، و فرّج اللّه عنّى و عن المسـلمين ببركه ما فى هذا الكتاب عنه صـلّى اللّه عليه و سلّم.

و قد رمزتُ للكتب الّتى خرّجتُ منها هذه الأحاديث بحروفٍ تدلُّ على ذلك سلكتُ

۱- ۱) و هو تيمور: «كشف الظنون ۱: ۶۶۹».

۲- ۲) ... و اين رؤيـا شب پنجشـنبه بـود، و تيمور كه دشـمن ابن الجزرى بود شب يكشـنبه بگريخت...: «عبقـات الأـنوار، مجلد غدير ۱: ۴۸».

فیها أخصر المسالک، فجعلتُ علامةَ «صحیح البخاری: (خ)»، و...».

وی بعد از ذکر رموز و علاماتی که برای مآخذ کتاب خود «الحصن الحصین» آورده مقدّمه یی مشتمل بر أحادیثی در فضیلت دعا و ذکر و آداب آنها و أوقات إجابت و أحوال و أماکن آنها، ذیل عناوین مخصوصه یی آورده، سپس وارد أصل کتاب شده و أدعیه و أوراد و تعقیبات مسنونه مرویّه را طیّ عناوین چندی با ذکر مآخذ آنها بدون سند یاد کرده است.

مؤلّف حصن، چنانکه کلام او را از خاتمه کتابش در بالا نقل کردیم؛ بعد الظهر روز یکشنبه ۲۲ ذوالحجّه ۷۹۱ از تألیف آن فارغ شده، و سپس روایت کتاب مذکور و سایر آثار و مرویّات خود را به فرزندان پسر و دخترش که نام آنها را نیز یاد کرده و همچنین به أهل عصر خود اجازه داده است که از او روایت کنند.

«الحصن الحصین» یکبار در مصر به سال ۱۲۷۷ طی ۱۶۰ صفحه به طبع حجری رسیده، و بار دیگر نیز به سال ۱۳۲۰ در بولاق، و همچنین در هامش کتاب «خزینه الأسرار» محمّد حقّی به سال ۱۲۹۷ در مصر چاپ شده، و در «کنز المطبوعات» از نسخه یی که با حواشی مولوی عبدالحیّ لکهنوی در هند چاپ شده یاد کرده است. دو نسخه خطی نیز از همین کتاب که یکی از آنها مورّخ به سال ۹۴۵ می باشد در «فهرست رضویّه ۲: ۲۵۵» معرّفی شده، و نسخه بسیار مصحّح محشّی و مرغوبی نیز که ظاهرًا متعلّق به قرن نهم و دارای ۱۴۳ برگ است در دست مؤلّف این فهرست می باشد.

کتاب الحصن در «کشف الظنون ۱: ۶۶۹ _ ۶۷۰» به تفصیل معرّفی شده، و گوید مؤلّف چهل سال پس از تألیف این کتاب «۱۸ ماه پیش از وفاتش» در شیراز شرحی بر آن نگاشت و «مفتاح الحصن» نامید و در ماه رمضان ۸۳۱ از آن فراغت یافت.

وی دوبار نیز کتاب الحصن را کوتاه کرد که یکی «عدّه الحصن الحصین» جای گفتگوست، و دیگری «جُنّه الحصن الحصین» که هر دو در «ضوءِ لامع» و «کشف الظنون» و جاهای دیگر یاد شده است.

در «کشف الظنون» گوید که شیخ علی بن سلطان محمّد هروی معروف به قاری «متوفای ۱۰۱۴» شرح مزجی بسیطی بر حصن نگاشته و آن را «الحرز الثّمین للحصن الحصین» نامید و در نیمه دوم جمادای دوم ۱۰۰۸ از آن فراغت یافت، و مؤلّف

«معجم المطبوعات: ۱۳۱۰ و ۱۷۹۲» گوید که این شرح در هامش کتاب «الدّرّ الغالی» عثمان وهبی به سال ۱۳۰۴ در مطبعه امیریّه مکّه معظّمه به طبع رسیده است.

هم در «کشف الظنون» است که شخصی به نام یحیی بن عبدالکریم کتاب الحصن را به ترکی گردانیده و آن را «مصباح الجنان» نامید. و در «فهرست آصفیّه ۱: ۱۱» از یک «مختصر الحصن الحصین» ناشناخته معرّفی شده است.

* * *

«عدّه الحصن الحصین» جای گفتگو، چنانکه گذشت یکی از دو تلخیصی است که ابن الجزری از اصل کتاب خود «الحصن الحصین» نموده، و در «کشف الظنون» نیز یاد و در آنجا است که سیّد اصیل الدین عبداللّه بن عبدالرحمن حسینی واعظ؛ عدّه را به فارسی ترجمه کرد و پاره یی از مهمّات بر آن افزود و بر پنج فصل مرتّب گردانید و به «غرفه الحصن» نامید و در جمادای یکم ۸۳۷ آن را در شهر هرات به پایان رسانید.

تاریخ تألیف عدّه الحصن در نسخه ما و در کشف الظنون یاد نشده، و مطلقًا نسخه دیگری نیز ازین کتاب در فهرست های موجود نشان داده نشده است.

مؤلّف در مقدّمه این کتاب گوید: مردم مکرّر از من می خواستند که «حصن حصین» را _ با اینکه آن نیز مختصر بود _ کوتاه کنم، تا اینکه به اصرار دوستی به این کار دست زدم و حصن را کوتاه و آن را به ده باب مرتّب کردم.

سپس ابواب ده گانه کتاب را یاد نموده که ما پس ازین عین عبارات آن را نقل خواهیم کرد.

از آغاز نسخه ما معلوم می شود که دانشمند بزرگ شافعی ابن حجر عسقلانی حافظ شهاب الدّین أبوالفضل أحمد بن علی «۷۷۳ _ ۸۵۲» که از دوستان و مصاحبان مؤلّف بوده و در چند جای کتاب نفیس خود «الدّرر الکامنه» او را ستوده است؛ این کتاب را از مؤلّف روایت کرده و عبارت او نیز پس ازین خواهد آمد.

باز در آغاز این نسخه شرحی از خود ابن الجزری در تعریف و تمجید کتاب و تضمین اعتبار و صحّت مطالب آن آمده، و همچنین شرحی از امام علّامه شیخ الاسلام فخرالمحدّثین جمال الدین محمّد بن ابی بکر بن صالح مشهور به ابن الخیّاط الیمنیّ در تعریف و تمجید کتاب مذکور است که آن نیز آورده خواهد شد، و چون کاتبِ نسخه

تمـام این شـروح را به سـبک متن کتاب درآورده و تمایزی بین این تقریظ ها و أصل نـداده و همه را پی در پی به یک خط و رسم نوشته است؛ ما نیز در نقل آغاز کتاب متابعت نسخه را نمودیم.

آغاز: «بسم... وجـدتُ فی نسـخه اُمّ الاُمّ المکتَتب منها هـذه النسـخه المبارکه ما مثله: وُجـد فی نسـخه المصـنّف هذا الفصل فی وصف الکتاب؛ و لعمری کما وصف و زیاده، فللّه الحمـد و المنّه: هذا کتابٌ مبارک صـحیح مجرّب، صاحبه دائمًا عزیز مقرّب، توجّه به النّاس فی شدّه البأس و عند الیأس؛ فوجدوه عُدّهً عند کلّ شدّه، و حصنًا حصینًا و حرزًا أمینًا و...».

سپس جمله هـایی دیگر در تعریـف و تمجیـد کتـاب و تحریض و ترغیب مسـلمین به اسـتفاده از آن نموده و چنین خـاتمه داده است:

«و تقبل منه الدّعوات، و حمی عن الأفات، و صانه عن المخافات؛ و صلّی اللّه علی محمّد و آله أجمعین».

و پس از این شرحی که از مؤلّف در تعریف کتاب نقل شده چنین است: «و نظیر ما وجدته فی نسخه أُمّ الأُمّ المکتَتب منها هذه النسـخه المبارکه، بخطّ الامام العلاّمه شیخ الاسلام فخر المحدّثین جمال الدّین محمّد بن أبی بکر بن صالح، الشهیر بابن الخیّاط الیمنیّ؛ نفع اللّه به و أعـاد علینا من برکاته: لمّا وصل مصـنّف هـذا الکتاب الامامُ العلاّمه شـمس الـدّین الجزریُّ إلی الیمن و قُرء علیه هـذا الکتاب المبارک ــ و کانت نسـختی هـذه بیـده ــ فلمّا وقف علی هذه التّعالیق بخط والدی ــ رحمه اللّه ــ قال الشّیخ الدّیّن: و اللّه ما کان الا عندی «کذا» ما صنّفت هذا الکتاب...

بسم... ربّنا! آتنا من لـدنک رحمهً إنّک أنت الوهّاب. قال الشـیخ الامام العالم الحافظ العلاّمه أبوالفضل شـهاب الـدین أحمد بن علی بن حجر العسـقلانیُّ الشـافعی المصـریُّ: قـال صاحبنـا الشـیخ الامام المحـدّث العالم الحافظ، تاج القرّاءِ(۱) شـمس الأئمّه و الـدّین، أبـو الخیر محمّـد بن محمّـد بن محمّـد بن علی بن یوسف، الجزریّ الشـافعی الدمشـقی: رحمه اللّه و قـدّس روحه و نوّر ضریحه:

الحمدللّه الّذی جعل ذکره عُدّه الحصن الحصین.... و بعد، فإنّه لمّا کان کتابی «الحصن

۱- ۱) در اصل «تاج القرآن» است.

الحصين، من كلام سيّد المرسلين» ممّا لم اُسبق إلى مثله من المتقدّمين، و عزّ تأليف نظيره على من سلك طريقه من المتأخّرين، لما احتوى من الاختصار المبين و الجمع الرّصين و التّصحيح المتين و الرّمز الّذى هو على العز و معينٌ؛ حدانى على اختصاره فى هذه الأوراق من أصله المذكور؛ بعد أن كنتُ سئلتُ فى ذلك مرارًا فى سنين و شهور، ممّن أنس غربتى و كشف كربتى و أوجب الحقُّ علىَ مكافاتَه، و لم أقدر عليها إلاّ بالدّعاءِ له. فأسأل اللّه تعالى نصره و معافاته...

و جعلته فى عشره أبواب، كلُّ باب يتعلّق بأنواع و أسباب.

الباب ١ـ فى فضل الذّكر و الدّعاءِ و الصّلوه و السّلام على النّبىّ صلّى اللّه عليه و سلم و آداب ذلك. ب ٢ـ فى أوقات الإجابه و أحوالها و أماكنها و من يستجاب له و بما يستجاب و اسم اللّه الاعظم و أسمائه الحُسنى و علامه الاستجابه و الحمد عليها. ب ٣ـ فيما يقال فى الصّباح و المساءِ و اللّيل و النّهار عمومًا و خصوصًا و أحوال النّوم و اليقظه. ب ۴ـ فيما يتعلّق بالطهور و المسجد و الأذان و الصّلوه الراتبه و صلوات منصوصات. ب ۵ ـ فيما يتعلّق بالأكل و الشّرب و الصّوم و الصّلوه و الزكوه و السّفر و الحجّ و الجهاد و النكاح. ب ۶ـ فيما يتعلّق بالاُمور العلويّه كسحاب و رعد و برق و مطر و ريح و هلال و قمر. ب ٧ـ فيما يتعلّق فى اُمور بنى آدم من امورٍ مختلفات باختلاف الحالات. ب ٨ ـ فيما يهمّ من عوارض و آفات فى الحيوه إلى الممات. ب ٩ـ فى ذكرٍ ورد فضله و لم يخصَّ وقتًا من الاوقات و استغفارٍ يمحو الخطيّات و فضل القرآن العظيم و سوَرٍ منه و آيات. ب ١٠ـ فى أدعيّهٍ صحّت عنه صلّى اللّه عليه و سلّم مطلقاتٍ غير مقيّدات.

فجاء ـ بحمد اللّه ـ كبير المقدار، غايةً فى الاختصار، جامعًا للصّحيح من الأخبار، و لم يؤلّف مثله فى الأعصار؛ جمع الذّكر النّبوىَ، و الحديثَ المصطفوىَ، و الخير الدّنيوىَ، و الأجر الاُخروىَ.. أسأل اللّه أن ينفع بن أهله، و أن ينصر به كلّ مظلوم... و علامه الرّقوم الّتى يشتمل عليها هذا الكتاب: «صحيح البخارى: (خ)»، و... و علامه الموقوف: (مو)، و هو قليلٌ. و الحمد للّه... الباب الاوّل فى فضل الذّكر...».

انجام: «اللّهمّ إنا نسئلك العافيهَ فى الدّنيا و الاخره.

وليكنْ ذلك آخر ما نعدّه من «عدّه الحصن الحصين، من كلام سيّد المرسلين»، من

تألیف الامام العالم العلّامه، قاضی القضاه، شمس الدین، أبیالخیر، محمّد بن محمّد بن محمّد، الجزری الشافعی الدّمشقیّ، رحمه اللّه، آمین یا ربَّ العالمین، برحمتک یا أرحم الرّاحمین.

تمّت النسخه الشریفه فی لیله الخمیس، فی شهر اللّه المبارک رجب».

نسخه: دارای ۱۴۳ برگ، روی برگ اوّل تملّک و مهر «محمّد بن حاجی ملّا عبداللّه» که از دانشمندان «هَرند» در سده سیزدهم بوده، دیده می شود. کاغذ: فستقی سفید و زرد و رنگ های دیگر، جلد میشن مشکی مستعمل یک لا، خطّ نسخ معرب ۹ سطری، عناوین و علامات به شنگرف، صفحات ۱ و ۲ دارای لوح نقّاشی و همه صفحات دارای جدول دو خطّ شنگرفی است. قطع ۱۱ × ۱۵ و نیم، متن ۶ و نیم × ۱۰ و نیم. تاریخ کتابت تنها روز و ماه آن «پنجشنبه از ماه رجب» معلوم و سال نوشته نشده، لکن به قرائن متعلّق به سده دهم است. تاریخ تألیف و نام کاتب و آثار مقابله و تصحیح ندارد. از دانشمند هرندی «پدر و پسر»، ذیل «صحائف الأعمال.ش ۵۷۳» یاد شد.

ص : ۱۴۰

«۵۸۸» عدّه الداعی و نجاح الساعی

(دعا ــ عربی)

از: ابوالعبّاس جمال الدین احمد بن شمس الدین محمد بن فهد اسدی حلّی معروف به ابن فهد.

کتاب: در یک مقدّمه و شش باب است در بیان حقیقت دعاء و آداب آن و بعضی از ادعیه مأثوره و اسماءِ حُسنی و امثال ذلک.

تاریخ فراغت از تألیف: شب دوشنبه ۲۶ جمادای یکم ۸۰۱.

نسخه: به خطِّ یحیی. ظاهرًا مولانا یحیی طالقانی که فخرالدین (شاید فخرالدین طریحی صاحب مجمع البحرین متوفی ۱۰۸۵) در حاشیه گواهی داده است که وی نسخه را از اول تا آخر نزد او خوانده است.

تاریخ ختم استنساخ: سه شنبه ۱۶ شوال ۱۰۷۱.

در یکی از اوراق آخر نسخه محمد رضا بن محمد مهدی هرندی نوشته است که: شب پنجشنبه سوم ماه رجب ۱۱۸۱ به علّت فقدان پدر و مادر و برادر و خواهر و مسافرت برادر دیگر ــ مولی محمد کاظم ــ و فزونی دشمن و کمی یاور و فوت عبدالمطلب خادم، مهموم و مغموم بودم؛ آیه الکرسیّ خواندم رفع شد.

مهر «لا اله الا اللّه الملک الحقّ المبین. محمد رضا» و «محمد هاشم الموسوی» و تملّک و خطّ نیای گرامی، آیه اللّه حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی ظهر نسخه است.

«۵۸۹» نسخه دیگر

ص : ۱۴۱

نسخه: به خطّ محمد صادق بن مولانا حسین جیلانی. تاریخ ختم استنساخ سنه ۱۰۶۶. اندک حواشی و اثر مقابله دارد.

«۵۹۰» نسخه دیگر

نسخه: به خطّ محمّد رضا بن جمید (جمشید ؟). تاریخ ختم تحریر: ربیع دوم ۱۰۷۴. آثار تصحیح و مقابله دارد و در صورت خطّ مصنّف که در هامش صفحه آخر نقل شده است. تاریخ فراغت از تألیف: شب دوشنبه ۱۶ جمادای یکم ۸۰۱ دیده می شود.

«۵۹۱» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. به قرائن در قرن ۱۳ نوشته شده. تاریخ تألیف بسان نسخ دیگر دارد. آثار مقابله و تصحیح در حاشیه ها نوشته شده است.

«۵۹۲» العقد الطهماسیّ

(فقه ــ عربی)

از: شیخ حسین بن عبدالصمد جباعی حارثی پدر شیخ بهائی.

کتاب: درباره وسواس و طهارت و احکام آها و شمّه ای پیرامون طهارت قلبیّه است که به أمر شاه طهماسب صفوی تألیف شده.

نسخه: بسیار نفیس و مذهّب و مصحّح به تصحیح و محشّی به حواشی شخص مؤلّف و فرزند بزرگوارش شیخ بهاءالدین محمد عاملی است.

نام کاتب ندارد و در پایان نسخه این عبارت آمده: تمّت الرساله فی شهور سنه ثمان و سبعین و تسعمائه».

روی برگ اول آثاری از خط و مهر شیخ بهائی است که آن را در قدیم با کمال قساوت به کلّی محو کرده اند.(۱)

«۵۹۳» علاقه التّجرید

(کلام ــ فارسی)

سلطان الحکماءِ و المتکلّمین خواجه نصیرالدین محمّد بن محمّد بن حسن طوسی متوفّای ۶۷۲ کتاب «تحریر العقائد» معروف به «تجرید الکلام فی تحریر عقائد الاسلام»

۱ - ۱) از کتابخانه مرحوم آیه اللّه آقا میرزا جمال الدین بن آیه اللّه العظمی آقا میرزا محمد هاشم موسوی خوانساری چهارسوقی.

را در بیان اعتقادات شیعه امامیّه نگاشت، این کتاب با این که مختصر بود از جهت تحقیق مطالب و حلّ مسائل مشکله و توضیح مبانی اعتقادی مورد توجّه کلیّه علماء و دانشمندان از شیعه و سنّی واقع گردید و بر آن شرح ها به فارسی و عربی و حاشیه ها نوشتند که ذیل عنوان کتاب در «کشف الظنون» و «الذریعه» و هم در جلد ششم «ذریعه» به عنوان حاشیه و هم در جلد ۱۳ به عنوان شرح از آنها یاد شده است.

از جمله شرح های فارسی «علاقه التّجرید» است که سیّد عالم فاضل ادیب شاعر میر محمّد أشرف بن عبدالحسیب بن أحمد بن زین العابدین حسینی علوی عاملی اصفهانی نگاشت.

* * *

نسب سید زین العابدین مذکور _ چنان که در «جامع الأنساب» و هم در رساله جداگانه در احوال و آثار علماءِ این خاندان، به تفصیل نوشته ایم _ از این قرار است:

زین العابدین بن عبداللّه بن محمّد بن صالح بن جعفر بن أحمد بن حمزه بن قاسم بن حسین بن ابی احمد عبداللّه المشهدی بن محمّد بن علی بن حسین بن حسین بن محمّد الطبّان بن حسین بن ابی علی احمد بن محمّد بن عزیزی بن حسین بن ابی جعفر محمّد بن علی بن حسین الطوّاف بن ابی الحسن علی الخارص ابن محمّد الدّیباج ابن الامام جعفر الصّادق علیه السلام .

حسین بن محمّد طبّان از دانشمندان و نسّابه های بزرگ و قاضی مرو بوده و تألیفاتی در نسب دارد و نام و نسبش در «المشجّر الکشّاف لُاصول السّاده الاشراف: ۷۰» و «عمده الطالب: ۲۳۷» مذکورست(۱). وی پدر قاضی أبوطالب اسمعیل نسّابه مروزی معروف می باشد که شرح حالش در «معجم الاُدباء ۶:۱۴۲ _ ۱۵۰» تألیف یاقوت حموی آمده است.

بالجمله، سیّد زین العابدین مذکور که سر سلسله سادات علوی عاملی است(۲) از علماءِ امامیّه و مقیم جبل عامل بوده و در نزد شیخ علی محقّق کرکی _ قدّس سرّه _ «متوفای ۹۴۰» درس خوانده و یکی از دختران او را به زنی داشته است(۳) و در «روضات

۱- ۱) در «عمده الطالب» و بعضی از مشجرات نامش «حسن» آمده است.

۲- ۲) أعقاب او اکنون در اصفهان و جاهای دیگر بسیارند و مشهور به سادات میردامادی و صهری و سیادت و... می باشند و در میان آنان اهل دانش و روحانیت نیز متعدّد یافت می شود.

۳- ۳) میر شمس الدین محمد حسینی والد ماجدِ میرداماد هم دختر دیگری از محقق را به زنی داشته است که مادر میر بوده، و چنانکه در «روضات: ۱۸۷» فرموده یکی دیگر از دامادهای محقق کرکی نیز سید ضیاءالدین ابوتراب حسن بن سید ابی جعفر محمد موسوی کرکی عاملی است که فرزندش امیر سید حسین مجتهد صاحب «سیاده الأشراف» با میرداماد و سید احمد عاملی خاله زاده می شود.

الجنّات: ۶۴۲» در احوال میر غیاث الدّین منصور دشتکی از او یاد شده است.

فرزندش میر سیّد احمد سبط محقّق کرکی در اصفهان مقیم بوده و از دانشمندان بزرگ شیعه و شاگرد میر محمّدباقر داماد و شیخ بهاءالدّین عاملی ـ قدّس اللّه أسرارهم ـ و هم مُجاز از آنها و از خال خود شیخ عبدالعالی فرزند محقّق کرکی است و به دامادی پسر خانه خود میر داماد سرافراز بوده. میر سیّد احمد را تألیفاتی چند است که از جمله «لوامع ربّانی» او را به شماره [××] در این فهرست یاد خواهیم کرد.

میرزا عبدالحسیب فرزند میر سیّد احمد صاحب «الجواهر المنثوره. ش ۲۴۸» نیز از جمله دانشمندان روشن ضمیر و بزرگوار بوده و کتابی عرفانی از تألیفات او در «الذریعه ۱۲: ۱۵۴» یاد شده به نام «سدره المنتهی و العطیّه العظمی» در معارف و اصول الدین به پارسی که در آخر آن نام و نسب خود را «محمّد عبدالحسیب بن احمد بن زین العابدین العاملی العلوی الفاطمی» نگاشته و در سال ۱۰۶۲ از تألیف آن فارغ شده و سه نسخه از آن را در «ذریعه» نشان داده اند، از جمله نسخه آستان قدس که دارای ۳۰۹ برگ است و در «فهرست رضویّه ۴: ۱۶۱» معرّفی شده. وی کتاب دیگری نیز به نام «الفطره الملکوتیّه فی شرح الاثنی عشریّه» از شیخ بهائی و «شرحی بر دعاءِ صباح» و «الجواهر المنثوره فی الأدعیه المأثوره» دارد، و کتاب های «تقدیس الانبیاء و تمجید الأوصیاء» و «مناهج الشارعین» در اصول و فروع دین و اخلاق ایضًا از تألیفات او در «فهرست دانشگاه ۳: ۵۶۹ و ۵:۱۵۷۲» شناسانده شده و در آنجا تاریخ تألیف مناهج را ماه صفر ۱۰۶۸ ذکر کرده اند.

در «فهرست حقوق: ۲۰۶» کتاب «منتخب مناهج الشارعین» عبدالمناف بن محمود سلماسی را که در ۱۲۴۴ نوشته شده، معرّفی کرده اند.

میرزا عبدالحسیب، چنانکه در «رجال اصفهان: ۹۴» آمده، به سال ۱۱۲۱ وفات یافت و در تکیه آقا رضی شیرازی در تخت پولاد اصفهان مدفون گردید. وی را سه

فرزند بوده به نام های میرزا اشرف و میرزا صدرالدین محمّد و میرزا زین العابدین که در موضع مرقوم ذریعه یاد شده اند.

میرزا صدرالدین محمّد فرزندی داشته به نام میرزا غیاث الدّین احمد که اهل شعر و ادب بوده، معاصرش شیخ محمّد علی حزین گیلانی «متولد ۱۱۰۳ متوفای ۱۱۸۱» که با او اُلفت داشته در «تذکره حزین: ۵۷» گوید:

«میرزا غیاث الدین احمد، برادرزاده میرزا اشرف مرحوم و خلف مرحمت و غفران پناه میرزا صدرالدین محمّد بن میرزا عبدالحسیب است. تحصیل علوم نموده در تقوی و حسن اخلاق یگانه آفاق بود. به موزونی طبع از بدایات عمر به شعر و شاعری رغبت نموده «خیال» تخلّص ایشانست... در غزل و رباعی هم به موافقت فقیر دُری می سُفت. یک سال بعد از آنکه عمّ بزرگوارش جهان بی وفا را بدرود گفت این سیّد والا تبار هم دیدار گرامی در احتجاب نهفت...» تا آخر.

مرحوم رضا قلی خان هدایت در «ریاض العارفین: ۳۲۸» اشتباهًا میر غیاث الدین احمد مذکور را چنین عنوان کرده است:

«خیال اصفهانی. اسمش میرزا غیاث الدین محمّد، خلف میرزا صدرا ولد میر محمّد باقر داماد متخلّص به اشراق است. به مصاهرت آقا جمال خوانساری مخصوص بوده و علوم معقول و منقول کسب فرموده، به صفات حسنه مسلّم اهل زمان خود بوده، در غلبه افاغنه در اصفهان درگذشت. ترکیب بندی در منقبت گفته...» الخ.

در صورتی که از میرداماد فرزند پسری نمی شناسیم، و این اشتباه در «ذریعه ۹: ۱: ۳۰۸» نیز به متابعت از «ریاض العارفین» واقع شده است، فراجع.

* * *

بالجمله، میر محمّد اشرف مصنّف «علاقه التّجرید» خود یکی از دانشمندان متبحّر این سلسله بوده و شرح حالش در «تذکره حزین: ۵۶» چنین مذکورست:

«میرزا اشرف، خلف مرحوم میرزا عبدالحسیب صبیّه زاده سیّد الحکماء امیر محمّد باقر الدّاماد الحسینی، قدّس اللّه روحه. به علوّ حسب و نسب معروف، و به فضائل نفائس موصوف بود. روزگاری به عزّت و احتشام در اصفهان گذرانید. در سنه «۱۱۳۳» ثلث و ثلثین و مائه بعد الألف(۱) به روضات جِنان انتقال نمود. او رفت و خوشدلی ز جهان

۱- ۱) در «لغت نامه. حرف الف: ۲۶۵۵» که کلام حزین را به اجمال نقل کرده تاریخ فوت را به سال ۱۱۳۰ نوشته اند.

خراب رفت. ألطاف و أشفاق آن سیّد عالیمقدار را با این خاکسار نهایتی نبود... به حُکم وراثت در مراتب علمی افادت پناه و از معارف ذوقی آگاه بود و در سخن فهمی صاحب دستگاه. گاهی التفات به گفتن شعر می فرمود. اشعار سنجیده دارد و از آن جمله این چند بیت است که زیب مجموعه نمود:

«آن ماه دو هفته، دلبر جانی من آن یار عزیز، یوسف ثانی من

یکروز نکرد فکر شب های غمم! یکبار نگفت: پیر کنعانی من!» إلخ

تاریخ وفات میر محمد اشرف را در «ذریعه ۳: ۳۵۵» و «مصفّی المقال: ۸۲» و به نقل از ذریعه ـ ظاهرًا ـ در «رجال اصفهان ـ تذکره القبور: ۹۵ و ۲۳۷» و «فهرست دانشگاه ۳: ۵۹۶» و جاهای دیگر به سال ۱۱۴۵ نوشته اند، لیکن به نظر می رسد تاریخی که حزین آورده به صواب نزدیک تر باشد، و مصراع «او رفت...» اشاره به فتنه افغان است که در ۱۱۳۴ شهر اصفهان را فراگرفت.

در «فهرست دانشگاه ۵: ۱۷۰۳ ـ ۱۷۰۶» نسخه یی از «شرح مختصر عضدی» معرّفی شده که در دست میر محمد اشرف بوده و دارای آثار تملّك و خط پدرش میر عبدالحسیب بن احمد و هم میرداماد است. میر محمّد اشرف بر این نسخه حواشی زیادی نگاشته و در آغاز کتاب نوشته است که «در ۲۶ صفر ۱۰۵۵ به خواندن آن پرداختم».

بر فرض صحّت انتساب این کلام به میر محمّد اشرف ناچار در آن تاریخ حدّاقلّ پانزده سال از عمر او گذشته بوده که شرح مختصر عضدی می خوانده، و در این صورت با در نظر گرفتن تاریخ درگذشت او که حزین آورده هنگام فوت بیش از نود سال داشته است.

در دو موضع «رجال اصفهان» مدفن میر محمّد اشرف را در بقعه مخصوصی در خارج قریه ورنوسفادران سده تعیین کرده و گوید: بعدًا جمعی از اولاد و اعقابش نیز در آنجا مدفون شدند.

در «روضات الجنّات: ۱۸۷» نامی از میر سید اشرف آمده و در (ص ۶۲۵) ذیل

احوال حاج شیخ محمّد کاشانی فرماید که وی و میرزا ابراهیم قاضی از سیّد امیر محمّد اشرف حسینی روایت می کنند، و این سیّد اشرف با پسر عمّش میرزا محمّد باقر هر دو از ملاّ محمّد فاضل سراب «مذکور در شماره [××]، اجازه روایت دارند، انتهی.

ظاهرًا مقصود از سید امیر محمّد اشرف همین صاحب عنوان است که از شاگردان علاّمه مجلسی نیز بوده و از ایشان و هم از پدر خود میر عبدالحسیب روایت می کند، و فرزندش میر محمّد حفیظ بن میر سید اشرف از پدر اجازه روایت دارد و سلسله سند او را در «روضات: ۶۴۲» ذیل ترجمه امیر غیاث الدین منصور شیرازی نقل و در آنجا «محمّد حفیظ» را عبدالحفیظ نوشته اند، و در «ذریعه ۱: ۱۴۹» اجازه میر محمد اشرف را از علاّمه مجلسی فرماید اجازه مختصری است، و در «فضائل السادات: ۳۹۵» داستانی مشتمل بر تجلیل علاّمه مجلسی از مؤلّف دیده می شود.

میر محمّد اشرف فرزند دیگری نیز به نام میر مرتضی داشته که اعقاب او فراوان و در آنها جمعی از دانشمندان پدید آمده اند.

شرح حال میر محمد اشرف به اجمال در کتاب های «الفوائد الرضویّه: ۳۹۷»، «أعیان الشیعه ۴۳: ۲۹۶»، «ریحانه الادب ۲: ۴۳۴» و «معجم المؤلّفین ۹: ۶۴» نیز مذکور و در کتاب اخیر وفات وی را به نقل از دانشمند فاضل آقای دکتر حسین علی محفوظ کاظمینی به سال ۱۱۴۵ ضبط کرده که لابدّ ایشان از کتاب «ذریعه» برداشته اند، و اشتباهًا در آنجا دو تألیف برای او ذکر کرده به این صورت: «من تصانیفه: شرح التجرید، و القبسات». در حالی که «قبسات» از تألیفات میرداماد است، و میر سید اشرف هم بر آن شرحی ننوشته بلکه حاشیه یی بر آن دارد، و تنها شرحی که برای قبسات در «ذریعه ۱۳: ۳۹» ذکر کرده اند، شرح حکیم متکلّم محمّد بن علی رضا آقاجانی از شاگردان صدرالمتألّهین است که تاریخ تألیف آن مطابق «شرح قبسات» یعنی ۱۰۷۱ هجری می باشد.

در همان موضع «معجم المؤلّفین» از دانشمند دیگری بنام مولی محمّد اشرف بن مولی حیدر علی ورنوسفادرانی سدهی اصفهانی و مؤلّف «عروه المتّقین فی تفسیر آیه الکرسی» یاد کرده و وفات او را به نقل از فاضل مذکور در سال ۱۱۳۵ نوشته است. پس این شخص را که در «رجال اصفهان: ۲۰۰ و ۲۵۹» و «فهرس رضویّه ۴: ۴۴۳»

و «ذریعه ۴: ۳۲۹» و «مؤلّفین کتب چاپی ۱: ۶۲۱» نیز مذکورست نباید با صاحب عنوان معاصر و همشهری او اشتباه کرد.

آثار میر محمد اشرف:

۱_ «اشرف المناقب»، پس از این یاد می کنیم.

۲_ «حاشیه قبسات» مذکور در فوق.

۳_ «حاشیه شرح مختصر عضدی» که در صفحه ×× ذکر شد.

۴_ «شرح مشیخه تهذیب الحدیث» که به عنوان «رجال السیّد محمّد اشرف» در «ذریعه ۱۰: ۹۶» و «مصفّی المقال: ۸۲» یاد شده و چنان که در آن دو کتاب هم آمده، مرحوم بیان الواعظین اصفهانی در کتاب «خلد برین: ۵۱» خود این کتاب را ذکر کرده و گفته است که نسخه خط مؤلّف در نزد او موجود می باشد.

مع الأسف، نسخه های گنجینه مرحوم بیان به فروش رسید و از دسترس مستفیدان به دور ماند.

۵ _ «ترجمه ألفیّه ابن مالك» در علم نحو، به نظم فارسی.

۶_ «فضائل السّادات» که اسمش حاکی از مسمّی و اثر مهم و پرارزشی است و در میان آثار چاپ شده تمام دانشمندان خاندان مؤلّف از زمان میر داماد _ قدّس سرّه _ تاکنون کتابی به این شهرت و مطبوعیّت نرسیده و حقّا که در موضوع خود نیز اثری ممتاز و یگانه است. این کتاب مبسوط و مفصّل که دالّ بر کمال و تبحّر و تتبع مؤلّف آن می باشد در سال های ۱۱۰۲ _ ۱۱۰۳ تألیف و در ۴۹۰ صفحه وزیری به سال ۱۳۱۴ در طهران به چاپ رسیده(۱) و در این چند سال أخیر نیز تجدید طبع شده است.

مؤلف این کتاب را ابتداءً به نام «اشرف المناقب» برای شاه سلیمان صفوی تألیف کرده، سپس بر آن مطالبی افزوده و به نام شاه سلطان حسین صفوی مصدّر نمود و صورت نسب وی را، هم از طرف پدر و هم از طرف مادرِ شاه عباس که از سادات مرعشیّه بوده ذکر کرده، و نسب مادر خود و مادر مادرش را نیز در پایان کتاب (ص

ص : ۱۴۸

۱- ۱) در کتاب «مؤلفین کتب چاپی ۱: ۶۲۱» و «فهرست کتاب های چاپی فارسی ۱: ۱۱۸۱» آمده است که فضائل السادات دو بار چاپ سنگی شده است در دو سال متوالی ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴. لکن صحّت این مطلب معلوم نگردید.

۴۸۳) آورده است، «اشرف المناقب» را در «ذریعه ۲: ۱۰۷» تنها به استناد همین مطالب که از «فضائل السادات» مستفاد می شود یاد کرده اند.

وی از آغاز تا انجام این کتاب از آثار دو نیای دانشمندش میرداماد و میر سیّد احمدبن زین العابدین نظمًا و نثرًا بسیار نقل کرده از اشعار نغز خود نیز هر جا که مناسب افتاده آورده است، و از صفحه ۵۵ و ۴۰۱ این کتاب معلوم می شود وی شاگرد مرحوم آخوند ملّا محمّد صالح مازندرانی شارح کتاب «کافی» متوفی به سال ۱۰۸۶ و همچنین مرحوم آقا حسین خوانساری «متوفای ۱۰۹۸» بوده که گوید: «قال استادی صالح الفضلاء فی «شرح الکافی»، و «استادی آقا حسین خوانساری».

کثرت مطالبی که امیر محمّد اشرف از انواع و اقسام کتب نفیسه متقدّمین و متأخّرین در فضائل السادات نقل کرده و فهرست آنها را نیز در پایان کتاب ثبت نموده است بی اختیار خواننده را وادار به تحسین می کند.

مطلب مهمّی که از این کتاب (ص ۳۶۲) استنباط می شود این که اصل عربی «تاریخ قم» را مؤلّف در دست داشته و در فهرست مصادر آخر کتاب (ص ۴۸۷) هم گفته است: «تاریخ مدینه المؤمنین بلده قم، للحسن بن محمّد القمی». و همچنین از صفحه (۳۶۳) همان فضائل السادات استظهار می شود که نسخه یی از تاریخ قم فارسی غیر از ترجمه چاپ شده در دست داشته است.

محدّث نوری نیز در خاتمه «مستدرک الوسائل ۳: ۳۶۹» فرموده است که از کتاب «منهاج الصّفوی» میر سیّد احمد بن زین العابدین ــ جدّ میر محمّداشرف ــ بر می آید اصل عربی «تاریخ قم» و ترجمه غیر معروف آن در نزد وی بوده است.

مؤلّف محترم «ذریعه ۳: ۲۷۸» نیز این مطلب را از مستدرک نقل فرموده اند.

در «فهرست رضویّه ۱: ۸۳» ترجمه یی مورّخ ۱۰۷۰ از «مصائب النواصب» قاضی نوراللّه معرّفی شده که مترجم آن محمّد اشرف نامی است و مؤلّف فهرست احتمال داده اند وی مؤلّف «فضائل السّادات» باشد، و اللّه العالم.

۷ــ «علاقه التجرید» جای گفتگو، که چنانکه در آغاز گفتیم شرح مبسوطی است به زبان فارسی بر کتاب «تجرید العقائد» خواجه نصیرالدین طوسی در علم کلام.

شارح در این کتاب نیز از آثار علمی پیشینیان بسیار استفاده و نقل کرده است و گاه

اشعار فارسی خود را هم شاهد آورده، و از شروح مختلف تجرید غالبًا از شرح علاّمه حلّی، شرح حاج محمود، شرح نیرزی، شرح مولانا محمّد بهشتی _ از دانشمندان شیعه _ و از شرح اصفهانی «تسدید القواعد» و شرح ملاّ علی «قوشجی» از دانشمندان اهل سنّت یاد می کند، و از میان آنها مخصوصًا به شرح علاّمه و شرح حاج محمود بیشتر توجه داشته و مکرّر بدانها استناد کرده است.

بخش مربوط به اثبات امامت این شرح بسیار ممتّع و شیرین و مستدلّ نوشته شده و شایان مطالعه است و خود مؤلّف نیز در مقدّمه به این مطلب تصریح نموده.

وی در دیباچه به براعت استهلال نام بسیاری از کتب حکمت و کلام به خصوص کتب جدّش میرداماد را ذکر کرده است.

تنها نسخه نفیس دیگری که از این کتاب می شناسیم نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران است که دارای ۱۳۲ برگ و در «فهرست دانشگاه ۳: ۵۹۶ _ ۵۹۷» معرّفی شده و ظاهرًا اصل خط مؤلّف می باشد.

آغاز: [بسم... حمد مر خدای را که تجرید علایق جسمانیّه، و تهذیب أخلاق ایمانیه را صراط المستقیم أبواب جِنان، و سواد العین بصیرت أعیان اهل جَنان، و کحل الجواهر بینایی و عرفان، و حکمه العین مردمک دیده مردمان، و باعث هدایت به مطالب عالیه، و فهم کنوز رموز و إشارات إلهیّه، و إستغانه [و إستنزال. خ_ . ل_] رواشح سماویّه، و ظهور لطایف غیبیّه، و طریق تحصیل شرح مقاصد و مواقف غیر متناهیه، و اُفق المبین مطالع ایماضات و إشراقات جذوات موسویّه، و قبسات أطوار طوریّه، و شارع النّجات شفای قلوب صدور؛ بأنفاس عیسویّه گردانید.

و صلوه و سلام بر مسلّم سلّم سمای عرش حکمت رسالت و ایقان، و نبراس الضّیای سواد مجموعه عالم امکان، و خاتم اُولی الأید إعتضاد قدرت و إتقان؛ محمّد نبیّه النّبیه، المبعوث علی الانس و الجانّ، و أهل بیت آن حضرت که شواهد رُبوبیّه؛ و تقدمه تقویم الایمان نبویّه، و مختلسان قصب السّبق خلسه الملکوت سابقان مقرّبان، و عروه الوثقای سبع شداد فاتحه کلام اللّه الفرقان اند.

امّا بعد، چون خاطر جمعی از اخوان صفا، و متألّهین با هدایت از أهل تجرید ترجمان کسادی و بوار بازار جواهر و أعراض حکمت و کلام از خُرده بینیِ خِرد متوجّه ترجمان

جُمانه متن «تجریـد الاعتقاد» بود، و به خریـد خریده آن به تَوق تمام راغب و به شوق لا کلام خاطب بودند؛ لهذا کمَیت قلم از سر مـدّ و کشـش قلبی قطره روی را به راه انـداخته در اوراق خاطر مشق سـیاه دلی پیروی کرده، با آبله پا، به دست یاری أنامل تفکّر، پا از اندازه خود بیرون گذاشـته، یکقلم دامن سعی بر کمر زده، از سر تعجیلْ دل داده این معنی شده، قالب تهی، و دو پا یکی ساخته، در میـدان نقش جهان منطق و بیان، و هفت اقلیم عالم خط، و چهارسوق سـطح مربّع صـفحه، و سوق بیـدای بـداءِ کلام؛ رقبه رغبت بر آن کشیده داشت.

سیّمـا در وادی أیمن مبحث امامت علیّه علویّه و علوّ منزله امیر النّحل، یعسوب المؤمنین... که مشـتمل بر آیات و احادیث عُلوی رتبت علوی نسبت که سیّد کلام و کلام سیّد أنام است... بناءً علیه، داعی، ابن عبدالحسـیب الحسینی: محمّد اشرف؛ با کثرت غموم و عوایق که در این جزءِ زمان از امور عامّه است نسبت به عموم خلایق و عدم ملکه و مادّه به این معنی موافق، به صورت شرح بسط بساط خرده فروشی بیان معانی دقیقه بدیع این متن را به أحسن وجهی، بی خودفروشی، مصوّر کرد، و بنا بر مناسبت علاقه خـاطر ملتمسـین این تعلیقـات و تسـمیه متن که مشـتمل بر مسائـل علم کلام و منتظم به أخصـر ألفاظ به أبلغ نظام است؛ مسمّی به «علاقه التّجرید» گردانید...].

انجام: [و حاج محمود این مراتب را در شـرح خود ایراد نموده، و واجب آنست که متوجّه تجسّـس در امر به معروف و نهی از منکر نشـود، به قول خـدای تعـالی که فرموده: «وَ لاـ تَجَسَّسُوا» و «اِنَّ الّـذینَ یُحِبُّونَ أنْ تَشـیعَ الْفـاحِشَه» الآـیه، که این هر دو آیه دلاـلت بر حرمت سـعی در اظهار فاحشه می کنـد. و امّا حـدیث و سـنّت، پس قول آن حضـرت است صـلیّ اللّه علیه و اله: «من ابتلی بشـیءٍ من هـذه القـاذورات فلیسترهـا بستر اللّه». و ایضًـا سـیرت آن حضـرت چنین بوده. تمّ الکلام بخیر المرام ان شاء اللّه تعالی. سنه ۱۱۲۰].

در آخر مقصد سوم کتاب (برگ ۲۷۵) نیز تاریـخ به این صورت دیده می شود: [و منافی عقل نمی نماید به نحوی که صاحب شبهه تصوّر نموده. تمّت الکتاب بعون الملک الوهّاب، فی یوم الجمعه ۱۵ شهر صفر المظفّر سنه ۱۱۲۱].

این نسـخه: ابتـداءً، در دست مؤلّف بوده و اگر چه نـام کاتب نـدارد لکن به قرائن توان گفت به خط یکی از افراد خانـدان وی است که بعد شخص مؤلّف آن را از اوّل تا آخر

ـ سوای بعضـی از اوراق که فاقـد آثـار مقـابله و خط مؤلّف است ـ مطالعه نموده و در پاره ای جاها در حاشـیه مطالبی اضافه کرده یـا کلمـاتی را تغییر داده و اصـلاحاتی در آن نموده است. در چنـد موضع هم علامـت مقابله «بلغ» دیـده می شود. پس از مولّف به شـرحی که ذیلاً می گوییم در تملّک بازمانـدگانش درآمده تا در حدود ۱۳۲۸ که به دست مرحوم آقـای حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی رسید و بعد از فوت ایشان در تملّک پدر نگارنده درآمد.

روی برگ ۱ این یادداشت ها به شـرح دیده می شود: «من کتب والد مرحوم که به تاریخ شـهر محرّم سـنه ۱۱۸۲ به دست این فقیر رسـید. العبـد سـیّد عبـداللّه ابن محمّـد رحیم الحسـینی. مهر: افوّض اَمری الی اللّه، عبده عبداللّه الحسـینی» أیضًا: «من کتب جـدّی المرحوم... [پاک شده است] و دخل فی نوبه العبد الأقلّ محمّد رحیم ابن سـید مرتضـی الحسـینی. مهر: بسم اللّه الرحمن الرحیم». ایضًا: «بسم... هـذا فی ملکی... و أنا الأثم الجانی ابوالقاسم الموسوی الزنجانی، تحریرًا فی شـهر ربیع الأوّل سـنه ۱۳۲۸. مهر: عبـده ابوالقاسم ابن محمّـد باقر الموسوی». أیضًا: «قـد صار لی بعـد ما کان لغیری و سیصـیر کما کان، و أنا العبـد المـذنب الأـثیم محمّـد هـاشم الموسـوی، تحریرًا فی شـهر جُمـادی الاـولی مـن شـهور سـنه ۱۳۴۰. مهر. محمّـد هـاشم بـن جلاـل الـدین الموسوی».

نویسـنده تملّک اوّلی: حاج میرزا محمّد رحیم که در مقابل نواده همنامش به کبیر شـهرت یافته از علماء و فضلاء و ادباءِ سلسله خود بوده، فرزند عالم فاضل ادیب میرزا سـیّد مرتضـی متخلص به سـیّد، مقیم خوزان سده، متوفای ۱۱۶۰ مذکور در «ذریعه ۹: ۲: ۴۸۱»، فرزند میر سیّد اشرف مؤلّف کتابست. حاج میرزا محمّد رحیم در سده ریاست روحانی داشته و در روایت احادیث از عمّ خـود میرزا عبـدالحفیظ مجاز و ماننـد پـدرانش دارای طبـع شـعری روان بـوده به سـال، ۱۱۸۱ وفـات و چنـانکه در «رجـال اصفهان: ۲۳۹» نیز آمده در مقبره خانوادگی که در وسط قریه خوزان واقعست دفن شد.

نویسـنده تملّک دوم: میرزا سـید عبداللّه فرزند حاج میرزا رحیم مذکورست، وی به روز چهارشـنبه دهم ماه صـفر ۱۱۶۵ متولّد شده و در ۲۲ ماه محرّم ۱۲۵۱ وفات یافت(۱) و در مقبره خانوادگی سابق الذکر که به نام وی مشهور است، مدفون شد. میرزا

۱- ۱) در مکارم الاثار ۴: ۱۱۹۸» در سال ۱۲۴۳ ذکر شده است. ملاحظه شود.

سیّد عبداللّٰه نیز از فقهاء و دانشمندان بوده و نزد وحید بهبهانی و میرزای قمی درس خوانده و با مرحوم حاجی کرباسی و حجه الاسلام شفتی _ علیهم الرحمه _ خصوصیّت داشته، در سده ماربین اقامه جماعت و ترویج دین می کرده و اواخر عمر بیشتر در شهر می زیسته است. میرزا سید عبداللّٰه را تألیفاتی است از جمله «شرح مشیخه تهذیب و فقیه» و «انیس المحتاجین» در علوم غریبه و «ترصیع الأسماء». شرح حالش در «مصفّی المقال: ۲۳۷» و «ذریعه ۱۰: ۱۲۷» و «رجال اصفهان: ۲۳۹» مذکور است، و او را فرزند دانشمندی بوده به نام سیّد احمد که روز وفات پدر در گذشته و با هم دفن شده اند. سید احمد را کتابی است به نام «زبده الأسرار» در ادعیه و أوراد و اذکار، که در «ذریعه ۱۲: ۱۸» یاد شده، وی از شاگردان حجه الاسلام شفتی و حاجی کرباسی بوده، أعقابش اکنون در سده و جاهای دیگر به سر می برند و علماء و فضلاء و صلحاء در میان آنها بوده و هست.

نویسنده تملّک سوم: مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم موسوی زنجانی از علماء و روحانیون اصفهان که دارای کتابخانه معتبری بوده، در ماه رجب ۱۳۳۶ وفات و در تکیه مخصوصی در تخت پولاد مدفون شد. شرح حالش را در جلد دوم «جامع الانساب» به تفصیل نوشته ایم و اجمالاً در «رجال اصفهان: ۵۸» نیز یاد شده است.

نویسنده تملّک چهارم: مرحوم میرزا سیّد محمّد هاشم مجتهد علّامه والد ماجد نویسنده این فهرست است و شرح حال ایشان را مفصّل در «زندگانی آیه اللّٰه چهارسوقی: ۱۰۵ _ ۱۱۱» نگاشته ایم. ایشان نسخه را با تعدادی دیگر ز کتب کتابخانه مرحوم زنجانی پس از فوت وی ابتیاع کرده بودند.

نسخه: دارای ۳۵۸ برگ، روی برگ اوّل یادداشت های مذکور نوشته شده. آغاز کتاب از ظهر برگ یکم است و مقصد اوّل «امور عامّه» تا برگ ۸۵. مقصد دوم «جواهر و أعراض» از ظهر برگ ۸۶ تا ۲۰۷. مقصد سوم «اثبات صانع» از برگ ۲۰۹ تا روی برگ ۲۷۶. مقصد چهارم «نُبوّت» از ظهر برگ ۲۷۷ تا برگ ۲۸۸. مقصد پنجم «امامت» از همان برگ تا برگ ۳۳۰. مقصد ششم «معاد و وعد و وعید» از همان برگ تا پایان برگ ۳۵۷. برگ ۳۵۸ سفید است، و ۴ برگ سفید در اول کتاب و ۴ برگ در

آخر «بدرقه» هنگام صحّافی درین اواخر اضافه شده.

کاغذ: چار بغل، خط نسخ خوب ۲۲ سطری، عنوان ها در بعضی مواضع به شنگرف روی عبارات متن عربی «تجرید» که به کلمه «قال» آغاز می شود خط سرخ کشیده شده، بعضی عنوان ها نیز در حاشیه ها آمده، جلد تیماج قرمز، آستر تیماج مشکی، قطع ۱۹ × ۲۵، متن ۱۱ × ۱۷، اصلاحات و اضافات مؤلّف به خط نسخ و نستعلیقِ وی در متن و حاشیه ها دیده می شود، و چنان که گفتیم نسخه نام کاتب ندارد. دو تاریخ ۱۱۲۰ و ۱۱۲۱ در اواخر کتاب به خط کاتب نوشته شده که ممکن است تاریخ تألیف و کتابت هر دو باشد.

«۵۹۴» علل الشرائع و الأحکام و الأسباب

(حدیث ـ عربی)

از: شیخ صدوق محمد بن علی ابن بابویه قمی، اعلی اللّه مقامه.

کتاب: شامل احادیثی است که پیرامون علّت های شرعی اَحکام و غیرها بحث کرده است، از طریق اهل بیت اطهار علیهم السلام . در دو جزء و مکرّر به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ شکراللّه بن محمد حسینی «نویسنده نسخه اصول کافی. ش ۶۸۴». ختم کتابت: ۲۲ ماه صفر ۱۰۶۸.

علاّمه مجلسی مولانا محمّد باقر بن محمّد تقی شخصًا از اوّل تا آخر نسخه را با نُسخ عدیده مقابله و تصحیح کرده، حواشی بسیار به خطّ مبارک در همه جا نوشته، در برخی جاها نیز خطّ پدر بزرگوارش دیده می شود.

در پایان نسخه، علاّمه مجلسی شرحی در باب کیفیّت تصحیح نسخه نوشته و ربیع الاوّل ۱۰۵۸ تاریخ گزارده اند، که بی شبهه یکی از دو تاریخ سال اشتباه است و ظاهرًا ۱۰۵۸ سهوالقلم و درست همان ۱۰۶۸ باشد.

در بعضی جاها نیز مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد محمد صادق موسوی ـ برادر گرامی امام مجدّد صاحب الروضات ـ به خطّ خود حاشیه ای نوشته، و در ظهر نسخه، برادرزاده و مهر جلیل ایشان، آیه اللّه آقا میرزا مسیح چهارسوقی در ذی قعده ۱۲۸۱ شرحی نگاشته و یادآور شده اند که نسخه شریفه را آن عمّ مکرّم به ایشان اهداء کرده اند.

پس از آن اثر تملّک نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه چهارسوقی و هم مُهر هر دو بزرگوار دیده می شود. رحمه اللّه علیهم اجمعین.

ص : ۱۵۴

جای سند

ص : ۱۵۶

جای سند

ص : ۱۵۷

«۵۹۵» عَلم الهُدی و أسرار الاهتدا فی فهم سلوک معنی أسماءِ اللّه الحُسنی

(معارف ــ عربی)

از: شمس الدین ابوالعبّاس احمد بن ابی الحسن علی بن یوسف قرشی بونی.

کتاب: در شرح اسماءِ حُسنای الآهی است با ذکر لطایف عرفانی و اشارات صوفیانه در دو مجلّد و در نوع خود بی نظیر است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، ظاهرًا در سده نهم استنساخ شده و برگ اوّل ندارد و مقدار موجود ۳۳۴ برگ است، و در ظهر برگ آخر این شرح دیده می شود: «کتاب عَلم الهُدای قطع بزرگ کاغذ دولت آبادی جلد تیماج که اول ندارد و به تاریخ ۲۶ شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۰۵ تخاقوی ئیل داخل عرض شد».

مهرهای «رسید از غلامی شاه نجف... سلیمان بعزّ و شرف» و «بنده شاه ولایت...» و «بنده... صفی قلی» که از مهرهای سلاطین صفویّه است در اول و آخر نسخه هست.

از این کتاب دو نسخه عکس مکرّر به شماره های ۷۱۱ و ۷۲۲ در صفحات ۱۹۶ و ۲۰۶ جلد دوم فهرست نسخه های عکسی مرعشی قم در ۲۱۸ برگ ۲۳ سطری دیده می شود که از نسخه شماره ۴۱۳۴ چستر بیتی که نسخه کاملی است به خط عمر بن مهدی احد السمنودی الشافعی القاری ×× عکس گرفته اند.

«۵۹۶» العمده من عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الابرار

(اخبار مناقب ــ عربی)

از: یحیی بن حسن بن حسین بن علی بن محمد بن بطریق اسدی حلّی.

کتاب: شامل ۹۱۳ حدیث نبوی است در مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و اهل بیت اطهار علیهم السلام از طرق اهل سنّت، و برخی مشتغلین قم هم این به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد مؤمن جربادقانی (گلپایگانی)، تاریخ ختم استنساخ نیمه ماه رمضان ۱۰۹۱، از روی نسخه ای که به خط مراد بن علیخان تفرشی بوده و از روی نسخه ای قدیمی که شرف الدین محمد بن زهره الجباعی آن را مطالعه کرده بوده استنساخ نموده.

در پایان نسخه ما گواهی تصحیح و مقابله با نسخه ای صحیح و عتیق نوشته شده

و تاریخ فراغت از مقابله روز شنبه نهم شوال ۱۰۹۱ قید و سپس مهر «سلمان ـ یا السلمان ـ منّا اهل البیت» دیده می شود. ممکنست این شخص مولی سلمان قزوینی فرزند مولی خلیل بن الغازی قزوینی معروف باشد.

ظهر نسخه نام کتاب و مؤلّف به خطّ همین شخص نوشته شده، و نیز تملّک و مهر آیه اللّه العظمی مهر صاحب روضات الجنّات «محمد باقر بن زین العابدین الموسوی». حواشی بدون امضایی در نسخه نوشته شده است.

«۵۹۷» عمده الوصول، الی زبده الاصول

(اصول فقه ـ عربی)

از: شیخ محمد بن علی حرفوشی عاملی

کتاب: در شرح «زُبده الاُصول» شیخ بهاءالدین محمد عاملی استاد شارح است.

نسخه: اندکی از آخر ناقص است و نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. گویا در زمان شارح یا نزدیك به زمان او نوشته شده. در چند موضع حاشیه یی به امضاء محمد جعفر الحسینی دارد.

حاج میرزا عبدالرزّاق بن حاج میرزا محمد کاظم رشتی اصفهانی نسخه را در ۱۷ جمادی دوم ۱۲۹۲ از آخوند ملا علی میرزا کتابفروش به مبلغ پنج قران و نیم خریده، تملّك و مهر رشتی در آغاز و انجام نسخه دیده می شود. در آخر نسخه یادداشت های دیگری مورّخ یوم شنبه ۸ ذیقعده ۱۲۴۸ و پنجشنبه ۸ صفر ۱۲۴۹ و یکشنبه ۱۴ جُمادای یکم ۱۲۴۹ نوشته شده است.

«۵۹۸» عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الایات و الأخبار و الأقوال

(اخبار ـ عربی)

ج ۱ تا ۶

از: شیخ عبداللّه بن نوراللّه بحرانی (رحمه اللّه علیه)، از شاگردان علّامه مجلسی، به تصریح خود مؤلّف در مجلد اوّل که گوید بیست سال نزد آن مرحوم شاگردی کرده است.

کتاب: صد مجلّد است در اخبار اهل بیت و ائمّه معصومین علیهم السلام با شرح و بیان، مانند بحارالانوار.

نسخه: مشتمل بر: ۱ـ مجلّد اوّل است در بیان مقدّمات و فهرست و سایر مطالب

متعلّقه. روی برگ اول کاتب نوشته است: «تخمینًا کتابت آن / ۲۷۰۰ بیت».

۲ـ مجلّد دوم در عقل است دارای مقدّمه و خاتمه، و کاتب روی برگ اول نوشته است: «تخمین کتابت آن / ۲۲۵۰ بیت».

۳ـ مجلّد سوم در علم و متعلّقات آن دارای مقدّمه، و کاتب روی برگ اول نوشته است: «تخمین کتابت آن / ۱۰۴۰۰ بیت»، و ایضًا نوشته اند: «جلد ثالث خطّ ملاّ محمد».

۴ـ مجلّد چهارم در معرفت صانع و اثبات آن. دارای مقدّمه، و کاتب روی صفحه اوّل نوشته است: «تخمین کتابت آن / ۵۵۰۰ بیت».

۵ ـ مجلّد پنجم در توحید، دارای مقدّمه و کاتب که نام خود را در پایان این جلد «محمد» نوشته است. روی برگ اوّل گوید: «تخمین کتابت آن / ۱۱۲۵۰ بیت».

۶ـ مجلّد ششم در عدل، دارای مقدّمه و خاتمه، و کاتب روی برگ اول نوشته است: «تخمین کتابت آن / ۱۰۵۰۰ بیت».

ظاهرًا تمام این مجلّدات به خطّ یک نفر است که همان «ملاّ محمد» باشد و ظاهرًا با سایر مجلّدات که وصف آنها خواهد آمد در شهر یزد استنساخ شده است از روی نسخه اصل. در این مجموعه شش جلدی تاریخ کتابت ندارد و مسلّمًا در اواسط قرن ۱۳ استنساخ شده و در خاتمه همه این شش جلد کاتب نوشته است که با نسخه اصل و نسخه مصحّحه دیگر مقابله و تصحیح کرده است.

«۵۹۹» نسخه دیگر

نسخه: مشتمل است بر کتب ذیل و از دوره مخصوص است:

۱ـ روی برگ اول نوشته اند: «جوامع منتخب الکتب. تخمین کتابت مجلد ۴۹ مع مجلد منتخب از اصول کتاب عوالم... / ۱۸۷۰۰ بیت است. جلد اول / ۱۲۰۰ بیت و جلد ثانی / ۱۷۵۰۰ بیت است تخمینًا».

آغاز: «الاشعث عن موسی بن اسماعیل ابن موسی بن جعفر»، به گمان حقیر، کتاب «جامع الاحادیث» است که از روی نسخه کهنه علاّمه مجلسی نقل کرده و آن نسخه ناقص بوده و علاّمه مجلسی هم آن را نشناخته و «اصلی از اصول قدماء» دانسته و در «بحار» از آن نقل فرموده، ولی تمام آن جداگانه و کامل چاپ شده است، و صاحب

عوالم پس از نقل مقدار موجود آن كتاب، اسناد كتاب «تهذيب الحديث» شيخ طوسى را نقل كرده و سپس «كتاب الامامه و التبصره على بن بابويه» را از نسخه ناقصه علامه مجلسى كه ضميمه «جامع الاحاديث» بوده آورده است.

انجام: «قد اقتبست هذه النسخه من نسخه هى بخطّ المص (ره) و قوبلت معها بالدقه من اولها الى آخراها، لكاتبه. و عدد كتابت اين مجلد ۱۲۰۰ بيت است تخمينًا».

۲ـ «أبواب العقل و الجهل. أبواب فضايل العقل»، كه شايد «ابواب العقل» اشتباه از كاتب است و صحيح آن «كتاب العقل...» باشد، و مقدّمه ندارد و پس از آن بى مقدّمه «كتاب التوحيد» است، و كذلك «كتاب العدل»، و كذلك «كتاب النبوّه»، و كذلك «كتاب قصص الانبياء...» و دنباله آن احوال چهارده معصوم عليهم السلام است به اجمال.

انجام: «و ما زالت تلك دعواهم حتّى جعلناهم حصيدًا خامدين بالسّيف. تمّت قوبلت مع نسخه الاصل... و الكاتب محمد بن حسن، و تخمين كتابت اين مجلد كه منتخب است از مجلّدات اصول عوالم العلوم / ۱۷۵۰۰ بيت».

۳ـ «الجزو الثانى من كتاب الامامه من كتاب عوالم العلوم... من تصانيف اقلّ... عبداللّه بن نوراللّه...».

انجام: «تمّ الجزو الثانى من مجلّدات كتاب الامامه من كتاب عوالم... من تصانيف اقل... عبداللّه...».

كاتب: محمد بن مهدى بن محمد باقر تفتى يزدى. ختم استنساخ: ۴ شنبه ۲۳ صفر ۱۲۷۹ با گواهى مقابله با نسخه اصل.

«۶۰۰» نسخه ديگر

نسخه: نيمه اوّل مجلّد نهم كتاب است مشتمل بر پنج جزء در احوال حضرت رسول اكرم صلى اللّه عليه و آله و سلّم. هر جزء داراى مقدّمه و مختصر خاتمه است. امّا تاريخ تأليف و نام كاتب و تاريخ كتابت ندارد و پيداست به خطّ كاتب بعض مجلّدات ديگر همين دوره است. در هامش صفحه آخر نوشته اند: «بلغ قبالاً مع نسخه الأصل الّتى كانت بخطّ المصنّف، اعلى اللّه مقامه».

«۶۰۱» نسخه ديگر

نسخه مشتمل بر چند جلد است:

۱_ جزء ششم از احوال پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از باب الهجره الی المدینه تا «باب آخر الأخبار: الائمّه: الصادق (۴): کتاب التمحیص».

۲_ کتاب ۴۵، در بیان ذنوب و معاصی.

۳_ کتاب ۲۱، در احوال حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام .

۴_ کتاب ۲۶، در احوال حضرت حجت (ع).

۵ _ کتاب ۱۳، در احوال خلفاءِ ثلاثه که فقط جزءِ اول «مطاعن خلیفه اول» در این نسخه هست، و آخر آن چنین است: «قد وقع الفراغ... محمد جعفر بن المرحوم ملا علی محمد دشتی سنه ۱۲۷۸».

در چند جا اوراق نسخه مشوّش شده است در صحّافی باید بعدًا رسیدگی کامل و اصلاح شود.

«۶۰۲» نسخه دیگر

نسخه: جزءِ سوم از کتاب احوال امیرالمؤمنین علیه السلام است. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. تقریبًا در اواسط قرن ۱۳ کتابت شده و آثار مقابله و تصحیح ندارد. روی ورق اوّل نوشته اند: «عدد کتابت بدقّت شمرده شد پانزده هزار بیت».

«۶۰۳» نسخه دیگر

نسخه: مشتمل بر مجلّدات ذیل است:

۱_ مجلّد یازدهم در احوال سیده النساء فاطمه الزهراء، سلام اللّه علیها.

این جلد دارای مقدّمه و خاتمه است و در هر دو موضع نام مؤلّف و پدرش مذکور، و تاریخ تألیف ندارد. کاتب: محمد مهدی بن محمد باقر. تاریخ ختم استنساخ: روز دوشنبه ۲۵ ذی الحجه ۱۲۷۸، و همو نوشته است که با نسخه اصل مقابله و تصحیح شده است.

۲_ مجلد ۱۲ در امامت ۱۲ امام علیهم السلام در دو جزء و این جزء اول است که دارای مقدمه و خاتمه مؤلف می باشد. به خطّ همان کاتب.

۳_ مجلد ۱۶ در احوال حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام دارای مقدمه و خاتمه مؤلف بدون تاریخ. کاتب همان شخص. تاریخ استنساخ: ۱۲۷۹. «پنج هزار بیت کتابت».

۴ـ مجلد ۱۷ در احوال حضرت سید الشهدا حسین بن علی علیهماالسلام . دارای مقدّمه مؤلّف است و خاتمه یی ندارد. کاتب: محمد مهدی بن محمد باقر تفتی. تاریخ ختم استنساخ: روز جمعه ۲۴ ربیع الثانی ۱۲۸۰. در طرّه صفحه اوّل این مجلد حاج ابوطالب اردکانی در تاریخ ۱۲۸۰ به خطّ تعلیق بسیار خوب شرحی در تعریف و تمجید کاتب نوشته است. «۱۴ هزار بیت کتابت» «از دوره است».

«۶۰۴» نسخه دیگر

نسخه: مشتمل بر کتب ذیل و از دوره مخصوص است:

۱ـ مجلد ۲۸ در احوال عالم علوی از لوح و قلم و عرش و کرسی و...، با مقدّمه مؤلّف و خاتمه «۴۶۰۰ بیت».

۲ـ مجلد ۲۹ در علم نجوم و احوال و احکام آن، با مقدّمه مؤلّف و خاتمه «۷۴۰۰ بیت».

۳ـ مجلد ۳۰ در احوال ملئکه با مقدّمه مؤلف و خاتمه. «۵۸۰۰ بیت» خطّ ملّا محمّد.

۴ـ مجلد ۳۱ در احوال عالم سفلی، با مقدّمه مؤلّف و خاتمه. کاتب: محمد مهدی بن محمد باقر تفتی یزدی. تاریخ ختم استنساخ: روز پنجشنبه ۱۶ جمادای دوم ۱۲۷۹.

۵ ـ کتاب ۳۲ در احوال جمادات و طبایع و معادن و جواهر، با مقدّمه و خاتمه.

۶ـ کتاب ۳۳ در احوال نباتات و متعلقات، با مقدّمه و خاتمه. کاتب: محمّد.

۷ـ به طوری که در روی برگ اول نوشته شده: «۳۴ در حیوان». آغاز: «فی احوال الحیوان و اصنافها و احکامها». مقدّمه و خاتمه ندارد. انجام موجود: «باب الوبر... یشبه الخروف و هو قول شاذّ». در هامش این موضع: «قوبل بأصله الّذی بخطّ المصنّف، ره»، و هکذا، شهادت مقابله با اصل در پایان تمام اجزاءِ یاد شده.

نکته: در پایان جزء ۳۰ مؤلّف خود را چنین معرفی کرده است: «تمّ هذا المجلّد علی ید مؤلّفه عبداللّه بن نورالدین محمّد المدعوّ بنور اللّه».

«۶۰۵» نسخه دیگر

نسخه: مشتمل بر مجلّدات به شرح ذیل است:

۱ـ مجلد ۳۷ «چنانکه در ظهر نسخه نوشته نه در متن»، در احوال طبّ و خواصّ ادویه. متأسّفانه نسخه اصلی که از روی آن استنساخ کرده اند، از اوّل ناقص بوده و نسخه

حاضر، به این عبارت شروع می شود: «و الداء: المرض، و أصله دوء».

انجام: «و خائنه الأعین و ما تخفی الصّدور. تمّ هذا المجلد علی ید مصنّفه عبداللّه بن عبداللّه [کذا] حامدًا مصلّیًا مستغفرًا. تم» نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به خطّ کاتب مجلّدات بعد است.

۲ـ کتاب ۳۸ در احوال دنیا «چنانکه در ظهر نسخه نوشته». این مجلد نیز مقدّمه ندارد و به این عبارت شروع می شود: «ابواب انواع الدنیا و الممدوح منها و معایبها». گویا از آخر نیز ناقص است.

انجام موجود: «حتی أنّ السراج قبل مغیب الشمس ینفی الفقر و یزید فی الرزق». نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و مثل برخی دیگر از مجلدات.

۳ـ کتاب ۴۲ یا ۳۹ در احوال موت و عالم برزخ. این مجلّد مقدّمه مؤلّف را دارد و در مقدّمه یکجا گوید این کتاب ۴۲ جوامع العلوم و المعارف... است، و در چند سطر بعد گوید کتاب ۳۹ عوالم العلوم و المعارف...، خاتمه مختصری نیز دارد. کاتب این جلد: محمد جواد بن محمد باقر بن محمد هادی. تاریخ ختم استنساخ: روز پنجشنبه ۱۵ ماه رجب ۱۲۷۸. «از دوره است».

«۶۰۶» نسخه دیگر

نسخه: بخش اوّل مجلد ۴۸ است در مواعظ و دارای مقدّمه مؤلّف است و نخستین عنوانش چنین است: «ابواب ما أوحی اللّه تعالی الی الملائکه من المواعظ». انجام: «ابواب مواعظ أقاربه علیه الصلوه و السلام الی قیام السّاعه و ساعه القیام». بقیه نوشته نشده است، و نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. در هامش همین موضع آخر کتاب نوشته اند: «قوبل مع نسخه الاصل الی هنا». روی برگ اول نوشته اند: «هذا هو المجلّد ۴۸... من خط ملاّ محمد، عدد اجزاء ۲۳ جزو و دو ورق. و کتابت آن ۱۸۷۵۰ بیت...». «از دوره است».

«۶۰۷» نسخه دیگر

نسخه: ظ جلد دیگر کتاب مواعظ است، از اوّل «ابواب مواعظ الائمه الاثنی عشر، ع» تا «باب موعظه جبرئیل (ع) فی عدم المسواك». این مجلّد بدون هیچ مقدّمه ئی شروع می شود. به عبارت یاد شده «ابواب مواعظ الائمه»، و انجام آن چنین است: «یجمع فیها

ص : ۱۶۴

الوسخ. الواحده: برجمه بالضم». نام کاتب و تاریخ کتابت و اثر تصحیح و مقابله ندارد. تقریبًا در اواسط قرن ۱۳ کتابت شده. روی ورق اول نوشته اند: «۱۶ جزوه و ۵ ورق، چهارده هزار و هشتصد بیت».

«۶۰۸» نسخه دیگر

نسخه: مشتمل بر کتب ذیل الاشعار، و از دوره مخصوص است:

۱ــ مجلد ۵۹ که آن کتاب صوم است. روی برگ اول نوشته انـد: «هذا... خطّ ملاّ محمّد بن حسن و تخمین کتابت آن ۴۱۰۰ بیت است. اجرت کتابت مع مقابله ×× ۷ «یعنی هشت قرآن و نیم عباسی» رایج یزد. از موقوفات جرقویه استکتاب نموده شد».

این جلـد دارای مقـدّمه مؤلّف است و خـاتمه او و تاریـخ ختم تألیف: روز جمعه ۱۷ جمادی الثانیه (کـذا) ۱۱۲۳، و پس از آن کتاب حج است.

۲ــ مجلـدی که آن کتاب حـجّ و عمره است و روی برگ اول ابیات آن... بیت تعیین شده، و مقدّمه ندارد و از «کتاب الحجّ و العمره ابواب الکعبه...» شـروع می شود و پایان آن نیز ناقص می نمایـد و چنین است: «و اذا لقیت هؤلاء فقل لهم ما یقولون» که در باب «تهنیه القادم من الحجّ» است. نام کاتب ندارد.

۳ــ مجلد ۶۳، در مزار است. روی برگ اول نوشته اند: «هذا... خطّ ملاّ محمّد و تخمین کتابت آن سه هزار بیت الاّ پنجاه بیت، و اجرت کتابت مع مقابله ×× ۸ «یعنی ششـهزار و یک عباسی» رایج یزد». مقدمه ندارد و از «کتاب المزار و فیه زیارات النبی و الائمه ع» شـروع می شود. پایـان این جزء: «باب زیاره ابواب القائم ع» است و آخر آن چنین است: «و هو مقابل القبله، تمّ بعون اللّه و الکاتب محمّد ابن الحسن، و قد قویل مع نسخه الاصل بالدقّه من اوّله الی آخره، و کان الاستکتاب ایضا من نسخه الاصل التی هی بخطّ المصنّف، رحمه اللّه علیه».

۴ــ مجلد ۶۳ در مزار، ایضًـا، که دارای مقـدّمه مؤلّف است و در آن تصـریح کرده که مجلـد ۶۳و در زیارات است و سـرآغاز مطلب چنین است: «کتـاب المزار، ابـواب مقـدمات السـفر و آدابه» و خـاتمه این جلـد: «بـاب زیـاره العبـاس (رض) علی الـوجه المأثور» است و ناتمام می باشد.

«۶۰۹» نسخه دیگر

ص : ۱۶۵

نسـخه: به شرحی که در روی برگ اول نسخه نوشته شده، مشتمل بر ۱۹ کتاب است که مختصری از شرح مذکور ذیلاًنقل می شود:

۱_ کتاب ۶۶ مکاسب. ۲_ کتاب ۶۷ بیع و تجارت. ۳_ کتاب ۶۸ قرض و دین. ۴_ کتاب ۶۹ رهن. ۵ _ کتاب ۷۰ حجر. ۶_ کتاب ۷۱ در اجاره. ۷_ کتاب ۷۲ مزارعه و مساقات. ۸ _ کتـاب ۷۳ ودیعه. ۹_ کتاب ۷۴ کفـالت و ضـمان و وکالت. ۱۰_ کتاب ۷۵ صلح. ۱۱_ کتاب ۷۶ مضاربه و بضاعت و شرکت. ۱۲_ کتاب ۷۷ جعاله. ۱۳_ کتاب ۷۸ وقوف و صدقات و هبات. ۱۴_ کتاب ۷۹ مضارعه و سبق و رمایه و رهان. ۱۵_ کتاب ۸۰ وصایا. ۱۶_ کتاب ۸۱ نکاح. ۱۷_ کتاب ۸۲ فراق. ۱۸_ کتاب ۸۳ عتق و تدبیر و کتابت. ۱۹_ کتاب ۸۴ در ایمان و نذور.

کتـاب مکاسب مقـدّمه و خاتمه نـدارد. کتب دیگر تا کتاب ۸۳ تمامًا دارای مقـدّمه می باشـند با تصـریح به شـماره کتاب ها و خاتمه ندارند. و برخی از آنها چند صفحه و حتّی برخی چند سطر بیشتر نیست و ظاهرًا مؤلّف موفّق به تکمیل آنها نشده است.

کتاب ۸۴ هم دارای مقـدّمه و هم دارای خاتمه است و خاتمه آن را که مشـتمل بر مطالبی درباره کتاب و مؤلّف است عینًا نقل می کنیم:

(بـاب کفـاره العهـد... و یسـتغفر اللّه و یتوب. هـذا اخر عهـدنا من ابواب العهود ممّـا عهـدنا من اوّل الکتاب... و آخر موقعنا من الایقاعات... فقلم لساننا و لسان قلمنا و إن کان فی تسویـد هذه الأوراق عند الحجر الأسود فی سواد معظم... و لکن ما ترک من الأمر أعظم... قد وقع الفراغ من کتاب العقود و الایقاعات من ید مصنّفه و مؤلّفه... عبداللّه بن نوراللّه... فی ضحی یوم الثلثا سابع شهر شوال... سنه الرابع و عشرین بعد المائه و الالف... و انّ مصنّفه رجل عاهد اللّه عند الحجر أن لا یقرب محرّمًا ابدًا، فلمّا رجع عاد الی المحرم... تمّ هذا الکتاب بلفظ الاستغفار... علی ید مصنّفه...».

کتب دیگر عمومًا مقـدّمه و خاتمه نـدارد و گویا تألیف آنها نیز ناتمام مانـده است. در هیچ موضع این مجلّد نام کاتب و تاریخ کتابت مـذکور نیست و کاتب آن همان نویسـنده برخی مجلّـدات دیگر می باشـد که به ظنّ قوی محمـد مهـدی بن محمـدباقر تفتی یزدی است و از دوره است.

«۶۱۰» نسخه دیگر

ص : ۱۶۶

نسخه: مشتمل بر کتب ذیل و از دوره مخصوص است:

۱ــ روی برگ اول نوشته اند: «کتاب الصّیدو الذبایح / ۵۱۰۰ بیت». این جلد مقدّمه مؤلّف ندارد. آغاز: «فی الصّید و الذبایح و ما یحلّ و ما یحرم من الحیوان و غیره». انجام: «تمّ هذا المجلّد علی ید مصنّفه و مؤلّفه عبداللّه بن نوراللّه... هذه صوره خط المصنّف و بلغ قبالاً مع اصله اوّلاً و آخرًا، کاتبه الجانی محمد مهدی و قم تم فی سنه ۱۲۸۱».

۲ــ مقداری دیگر از کتاب صید است و آداب اکل و شرب و احکام خمر و ظاهرًا کاتب در اثر تشویش اوراق اصل، موضع این اوراق را ندانسته کجاست. آغاز: «عن سلیمان بن خالد قال سالت ابا عبداللّه (ع) عن الحیتان الّتی یصیدها المجوس». انجام: «فقال ألیس حلوًا قلت بلی قال اشربه و لم أخبره کم العسل».

۳ــ «کتاب الفرایض و المواریث. أبواب ابطال العول و العصبه» مقدّمه ندارد و انجام آن: «ضربنا هم بالسّرط فان لم یستقیموا ضربنا هم السیف».

۴ــ «کتاب القضایا و الأحکام، أبواب من الیه الحکم و اقسام القضا و المفتین و ما یتعلق بها». مقدّمه ندارد و انجام آن: «و أمضی القضیه علی ما أوحی اللّه عزّو جلّ الیه».

۵ ــ «کتاب الشهادات، باب اول کتاب کتب فی الأرض». مقدّمه ندارد و انجام آن: «قد تم کتاب الشهاده علی ید مصنفه و مؤلفه عبداللّه بن نوراللّه... فی آخر شهر جمادی الاخره یوم الأحد من سنه ۱۱۲۳...».

۶ــ «کتاب الاقرار و ما یتعلّق به، باب ثبوت الاقرار بلا بیّنه». انجام: «باب من أقرّ علی نفسه بالقتل... و قال لم افعل ترک و لم یقتل».

۷ــ «کتاب الجنایات و الدیات، أبواب عقوبات قتل النفس». مقدمه ندارد و انجام آن که پایان نسخه است: «قال و أیّ نصره أعظم من أن یدفع القابل الی أولیاء المقتول فیقتله و لا تبعه تلزمه عن قتله فی دین و لا دنیا». در حاشیه گواهی مقابله با نسخه اصل است.

«۶۱۱» نسخه دیگر

نسخه: مشتمل بر کتب ذیل و از دوره مخصوص است:

۱ــ شرح روی برگ اول: «مجلّد نکاح و طلاق و غیر ذلک من الفروع من مجلّدات عوالم العلوم، خط ملّا محمّد بن حسن / ۱۴۵۰۰ بیت». آغاز: «کتاب النکاح ابواب

فضله و الحثّ علیه». مقدمه ندارد. انجام: «تمّ هذا الکتاب علی ید مؤلّفه عبداللّه... فی ضحی یوم السبت الحادی عشر من شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۲۳...». ختم استنساخ محمد بن حسن کاتب: ۱۲۸۳.

۲ــ «أبواب الطلاق أبواب الایلاء». مقدّمه ندارد. انجام: «باب جوامع احکام القذف... قال نعم علیه حدّ». کاتب: همان محمد بن حسن بن محمد و شهادت مقابله با نسخه اصل خط مصنف.

۳ــ کتاب ۸۸: در احکام لقطه و ضالّه، با مقدّمه مؤلّف و تصریح به شماره.

۴ــ کتاب ۸۹: در مشترکات و احکام حریم و احیاء موات به شرح مذکور.

۵ ــ کتاب ۹۰: در شفعه به شرح مذکور.

۶ــ کتاب ۹۱: در غصب به شرح ایضا ــ و این ۴ کتاب اخیر هر کدام بیش از دو سه برگ نیست و بی خاتمه.

۷ــ کتاب ۷۲ (کذا) در قضایا و احکام به شرح مذکور و ظاهرًا کاتب (تسعون) را (سبعون) خوانده.

۸ ــ کتاب ۹۳: در شهادات با مقدمه مؤلّف به شرح فوق.

۹ــ کتاب ۹۴: در قرعه به شرح فوق.

۱۰ــ کتاب ۹۵: در مواریث بر همان نهج و این کتاب خاتمه مؤلّف نیز دارد.

۱۱ــ کتاب ۹۶: در حدود به شرح مرقوم بدون خاتمه.

۱۲ــ کتاب ۹۷: در قصاص و جنایات و دیات به نهج مرقوم و خاتمه مؤلف و تاریخ ختم تألیف روز پنج شنبه در عشر اول ربیع یکم ۱۱۲۴. توضیحًا: کتاب ۹۸ در این مجلد نیست.

۱۳ــ کتاب ۹۹: در احوال بعض رجال با مقدمه مؤلف، و در این جلد فهرست شیخ منتجب الدین است با مطالبی منقول از خط شیخ محمد بن علی جباعی و خاتمه مؤلف.

۱۴ــ کتاب ۱۰۰: در اجازات است با مقدمه مؤلّف بدون خاتمه و ختم استنساخ دوشنبه ۲ رمضان ۱۲۸۱.

«۶۱۲» عَوالی اللّألیِء الحدیثیّه علی مذهب الإمامیّه

(عربی)

ص : ۱۶۸

از: شیخ محمّد بن زین الدّین ابی الحسن علی بن حسام الدّین إبراهیم بن حسن(۱) بن ابراهیم بن ابیجمهور اَحسائی «مقدّمه کتاب». هَجَری، معروف به ابن أبی جمهور، از دانشمندان و محقّقان به نام و پر کار شیعه در قرن نهم و دهم هجری که دارای تألیفات حدیثی و فقهی و کلامی و عرفانی است و شمار آنها را مؤلّف «ریحانه الأدب ۵: ۲۱۵» ضمن شرح حال وی چهارده کتاب تعیین کرده است و برخی از آنها را نیز در این فهرست آورده ایم، از جمله «رساله مناظره. ش ۴۱۳».

تاریخ تولّد و وفات ابن أبی جمهور در جایی به نظر نرسیده و کسی از آن اطلاعی نداده است، جز این که مؤلّف فاضل «فهرست دانشگاه ۵: ۱۴۲۴» _ آنجا که از کتاب مورد بحث و نسخه آن گفتگو کرده و هم در جلد سوم صفحه ۶۲۵ که نسخه یی از مناظره او را با فاضل هروی شناسانده و شرح حالش را با ذکر مدارك عدیده بیان کرده اند _ زمان حیات او را در سنوات ۸۳۸ تا ۹۰۴ به دست آورده اند. لکن شاید از خاتمه اجازه یی که به سیّد شرف الدین محمود داده و پس از این توضیح آن خواهد آمد بتوان استنباط کرد که تا ۹۱۲ هم زنده بوده، و قدر مسلّم این که تا نهم ماه رجب ۹۰۶ حیات داشته است که در آن تاریخ به شیخ علی بن قاسم ابن عذّاقه در شهر حلّه اجازه روایت داده و پس از این ذکر خواهد شد.(۲)

پس آنچه در «منتظم ناصری ۲: ۸۱» در حوادث سنه ۸۹۷ آمده است که در این سال «وفات ابن جمهور [کذا] أحساوی شیعی از معارف» واقع شده؛ چنانچه مقصود صاحب «عوالی» باشد مقرون به صواب نیست.

تعیین سال ۸۳۸ نیز از آنجاست که خود در رساله «مناظره با فاضل هروی» گوید من

ص : ۱۶۹

۱- ۱) در «تکمله امل الامل ۵: ۱۸» حسین چاپ شده و نادرست است.

۲- ۲) شگفتا، در رساله «الرُّدود و النقود. صفحه ۳» که در سرآغاز «عوالی» به سال (۱۴۰۳) در قم چاپ شد، تاریخ درگذشت ابن ابی جمهور را _ صریحًا واضحًا _ در سال نهصد و چهل نوشته اند. و هم به او کنیه «أبو جعفر» داده اند، هر دو به دون ذکر مأخذ. پنج شش سالی پس از چاپ «عوالی»، کتاب «الأقطاب الفقهیّه» همین ابن أبی جمهور در همان شهر مقدّس چاپ شد و در مقدّمه آن بحثی پیرامون عصر و زمان مصنّف نوشته اند و این که تا حال کسی را نیافته اند که تاریخ فوت مشخّصی برای او تعیین کرده باشد!

در این تاریخ نزدیک چهل سال دارم، و آن تاریخ سال ۸۷۸ بوده است.

ابن ابی جمهور دارای طرق روایتی مهمّی است و کسانی که از آنها اجازه روایت دارد نوعًا از بزرگان مشایخ اجازه می باشند که اسامی آنها و طرق روایتشان را در آغاز کتاب مورد بحث آورده و روایت خود را از آنان ضمن هفت طریق شرح داده است و ما پس از این درباره روایات و اجازاتش صحبت خواهیم کرد.

شرح حال وی نیز در عموم کتب تراجم مذکور و پیرامون تألیفاتش در مجلدات متفرّق «ذریعه» بحث شده، و یکی از تألیفات کلامی و عرفانی مبسوط وی به نام «مَجْلی مِرآه المَنْجی» در سال ۱۳۲۹ ق در طهران به طبع رسیده است.(۱)

کتاب «المسالک الجامعیّه(۲) فی شرح الرساله الألفیّه» او نیز که در شرح «ألفیّه» شهید اول ــ قدّس سرّه ــ نگاشته، به سال ۱۳۱۴ در هامش «الفوائد المَلیّه لشرح الرساله النّفلیّه» شهید ثانی ضمن مجموعه شروح و حواشی «ألفیّه» و «نفلیّه» در طهران چاپ شده است.

پیرامون یکی دیگر از آثار ابن ابی جمهور نیز که بنام «کاشفه الحال عن أحوال الاستدال» به سال ۸۸۰ در مشهد تألیف کرده است در «فهرست دانشگاه ۵: ۱۷۱۶ ببعد» بحث شده است.

کتاب مورد گفتگو «عَوالی اللّألی ءِ الحدیثیّه(۳)» از آثار نغز حدیثی و فقهی این دانشمند بزرگ است و کثرت أحادیث و تنوّع آنها و مطالب گوناگونی که در این کتاب آورده دلالت بر کمال تبحّر و حسن انتخاب او دارد، لکن چون نوعًا احادیث آن بی سند

۱- ۱) «مَجْلی مِرآه المَنْجی» ــ به فتح هر دو میم و فتح لام و جیم ــ یعنی جلوه گاه آینه رستگاری. مع الأسف، در عموم مآخذ «مُجْلی مِرآه المُنجی» ــ به ضمّ هر دو میم و کسر لام و جیم ــ بدون تصوّر معنای آن، می نویسند! از جمله در «دائره المعارف الاسلامیّه الکبری ۲: ۲۹۳ ــ ۲۹۶» ذیل عنوان «ابن ابی جمهور» که پی در پی آن گونه اعراب گزاری کرده اند، با نارسایی های دیگر آن مقال، و اللّه العاصم.

۲- ۲) الجامعیّه، با یاء نسبت؛ چون تألیف این کتاب را چنان که خود در مقدمه آن گفته در مسجد جامع کوفه «الحرم الکوفیّ العلویّ» به پایان رسانیده، لذا منتسب به آن مکان شریف کرده است. در «ذریعه ۳: ۴۳۰» نیز که شرح الفیّه دیگری به نام «التحفه الحسینیّه» از ابن ابی جمهور را یاد کرده اند به این مطلب تصریح شده. لکن این کلمه اشتباهًا در همان کتاب «۱۳: ۱۱۴» و «فهرست رضویه ۵: ۶۱۲» به صورت «الجامعه» بدون یاء نسبت آمده است.

۳- ۳) کلمه «اللّألی» را در بسیاری از جاها به شکل «اللّئالی» نوشته اند، در حالی که جمع «لؤلؤ» به صورت لألی باید نوشته شود نه به صورت «لیالی» که آن جمع «لیل» به معنی «شب» است.

ذکر شـده و متن آنهـا نیز در نظر فقهاء و دانشـمندان غریب می نمود، جمعی کتاب او را بی اعتبار دانسـته و از مراجعه به آن و نقل از آن خودداری کردند.

محدّث جلیل القـدر سـید نعمه اللّه جزائری متوفی ۱۱۱۲ مؤلّف «شـرح عیون أخبار الرّضا» و «شـرح تهذیب الحدیث» و «شـرح الاسـتبصار» و «غرائب الاخبـار» و جز اینهـا، شـرحی نیز بر کتاب عوالی نگاشـته و به «الجواهر الغوالی فی شـرح عوالی اللّآلی» یا «مـدینه الحـدیث» نامیده؛ و بنا به نگارش «الذریعه ۵: ۲۷۳ _ ۲۷۴» نسـخه اصل آن نزد عالم بزرگ سـیّد آقای تستری از نواده های سیّد در نجف اشـرف و نسـخه مرغوب دیگری در کتابخانه آسـتان قـدس «فهرست رضویه ۵: ۷۱» موجود است و تـاریخ فراغت از تألیف این شرح در ماه رجب ۱۱۰۵ می باشد.

سیّد جزائری «علیه الرحمه» در فصل اوّل مقدّمه آن کتاب شـرح حال مصـنّف عوالی را آورده و از او بسـیار تمجید نموده و هم گفته است که علاّمه مجلسـی «استاد سیّد» پیشتر به علّت کثرت روایات مرسل و بی سند عوالی از آن روی گردان بود و رغبتی بدان نداشت(۱)، لکن در این اواخر از عقیـده سابق خود رجوع نموده و به آن راغب شده است، زیرا پس از تتبع و جسـتجو بر وی معلوم گردید که حدیث های این کتاب اگر چه بی سند باشد لکن از کتب معتبره گرفته شده است.

تکمله: سیّد بزرگوار در أواسط مجلّد ثانی شرح صغیر «تهذیب الأحکام»، در شرح کلام شیخ «و یکره أن یصلّی الانسان بعمامه لاحنک لها» به گونه یی دیگر چنین فرموده است: [نعم، روی ابن جمهور «کـذا» الأحسائیُّ فی «عوالی اللّآلی» حـدیثًا مُرسـلًا... و لکنّ الظاهر من حاله أ نّه کان یروی الأخبار من حفظه و یأخذ الأحادیث من الکتب الفقهیّه و یرویها بالمعنی، و من أجل هذا لم یُعتبر کتابه و لم یُنقل الأخبار الّتی أوردها فیه شواهد

---

۱ - ۱) چنـانکه در مقـدمه «بحار الانوار ۱: ۳۱» نیز فرمایـد: کتـاب «عوالی اللألـی» اگر چه کتـاب مشـهوری است و مؤلف آن معروف به فضل و دانش، لکن در آنجا پوست را از مغز جدا نکرده و أخبار مخالفان متعصّب را داخل روایات اصـحاب «علماءِ امامیّه» کرده، لذا ما به نقل بعضی از مطالب آن اقتصار نمودیم. انتهی. محقق بحرانی نیز در «لؤلؤه البحرین: ۱۶۶» همین مطالب را تکرار کرده است، همچنان که شـیخ حُرّ عاملی نیز در آخر «وسائل الشـیعه» عوالی و کتاب دیگر ابن ابی جمهور «دُرر اللألی العمـادیّه» را از درجه اعتبـار ساقط دانسـته است. رحمه اللّه علیهم اجمعین. پیرامـون نظریّه شـیخ حرّ در پایـان مقـال و «غوغـای صاحب تکمله» سخن خواهیم گفت.

علی الأحکام، فیجوز (ح) أن یکون قد روی هذین الحدیثین من حاصل عباره ابن بابویه، ره].

صاحب «ریاض العلماء» نیز سخنانی در این باره ها دارد.

نیای معظّم، صاحب «روضات الجنّات: ۵۹۵ _ ۵۹۸» که شرح حال ابن ابی جمهور را مشروحًا نگاشته اند نظریّه قدح در آثار او را تأیید نموده اند، لکن محدّث نوری در خاتمه «مستدرک الوسائل ۳: ۳۶۱ _ ۳۶۵» در مدح و تعریف و توثیق او و اعتماد و اعتبار کتاب هایش داد سخن داده اعتراض قادحین را که از جمله إسناد مسلک تصوّف به او بوده یکان یکان ردّ کرده و اساس طعن در مؤلّف و مؤلَّف را دو چیز دانسته است، یکی إسناد مسلك مزبور، دیگر اختلاط غثّ و ثمین در کتاب عوالی.

پس از بحث در مطلب اول راجع به مطلب دوم گوید که محقّق بحرانی در کتاب «الحدائق الناضره» بعد از آن که مرفوعه زُراره را در أخبار علاجیّه آورده گفته است: ما این روایت را جز در کتاب عوالی نیافتیم، و علاوه بر این که این روایت مُرسَل است و مُسند نیست، مؤلّف عوالی را نیز دانشمندان شخصی مسامحه کار و سهل انگار در نقل أخبار دانسته اند که دائمًا روایات غثّ و ثمین و صحیح و سقیم را به هم مخلوط و ممزوج می گرداند، چنان که این موضوع بر مراجعه کننده به آن کتاب به خوبی واضح و آشکار می شود.

سپس محدّث نوری خود فی الجمله طعن دوم را در برخی از مرویّات کتاب قبول کرده و توضیحی نیز در این باره داده، به خلاصه این که روایات عوالی هم مانند سایر کتب أخبار محتاج بررسی و تحقیق است، و کسی که بخواهد از آن حدیثی بگیرد بایستی متن و سند آن را رسیدگی کند، همچنان که با سایر کتب حدیث رفتار باید کرد.

سپس بحثی راجع به کتاب دیگر مؤلّف «دُرر اللّآلیءِ العمادیّه» که آن نیز به سبک عوالی است نموده و در پایان گفته است: بالجمله، «دُرر» کتاب شریفی است مشتمل بر فوائد طریفه و نکات شریفه خالی از توهّماتی که درباره عوالی کرده اند و مبرّای از طعن هایی که بر آن بسته اند، و این که جمعی نام این کتاب را «نثر اللّألی» نوشته اند خطاست و منشأ آن مقدمه «بحار». انتهی.

«درر اللّألی ءِ العمادیّه» در «ذریعه ۸: ۱۳۳ _ ۱۳۴» نیز مذکور و پیرامون آن سخن گفته اند، و در آنجا و خاتمه مستدرک است که وی در مقدّمه این کتاب گفته: من چون

کتاب «عوالی اللّألی ءِ العزیزیّه فی الأحادیث الـدّینیّه» را که از جمله حسـنات إلهیّه و إنعامات ربّانیّه بود _ تألیف کردم دوست داشـتم که حسـنه یی دیگر به پیرو آن حسنه آورم و طاعتی دیگر پشتیبان آن طاعت گردانم...، از این روی این کتاب را تألیف کردم و به «درر اللّألیءِ العمادیّه فی الأحادیث الفقهیّه» نامیدم تا مؤیّد و مقوّی آن کتاب و تذکره یی برای مطالب سابقه باشد...

وی بیشتر احادیث این کتاب را از «مختلف الشیعه» و تحریر الأحکام الشرعیّه» علاّمه حلّی _ علیه الرحمه _ گرفته است.

نسخه اصـل «دُرر» _ یا از روی آن _ با بلاغ مقابله از نیمه های مبحث طلاق تا خاتمه، در ۳۹۹ برگ در کتابخانه ملک تهران هست و در فهرست آنجـا (ج ۱ ص ۲۹۰) معرفی شـده و گویند که دوّمین تسوید کتاب را مؤلّف در تحریر دسـتان استرآباد به روز پنجشـنبه هفتم ماه شـعبان ۹۰۱ در معـذرت سـلطان فخرالـدین احمـد گورکی، به نام سیّد میر عمادالدین به انجام رسانیده است. توضیحًا، تاریخ موافق تقویم است.

نیز، یک نسـخه از جلد دوم «دُرر» حاوی قسم ۲ و ۳ و خاتمه در «فهرست رضویّه ۵: ۸۳» و یک نسخه از جلد اوّل در «فهرست مجلس ۱: ۲۲» معرّفی شده است، و روی برگ اوّل نسخه مجلس شمار احادیث دو مجلد این کتاب ۵۲۳۶ حدیث قید گردیده، و چنان که گـذشت نام این کتاب در دو جای مقدّمه «بحار الأنوار ۱: ۱۳ و ۳۱» که علاّمه مجلسـی از ابن ابی جمهور و آثارش گفتگو می کنند «نثر اللّألی» یاد شده، و نام کتاب مورد بحث را هم به غین معجمه ضبط فرموده است.

مؤلّف محترم «ذریعه» نیز در حرف عین کتـاب خود بحثی مسـتوفی دربـاره کتـاب «عوالی» فرموده، و نویسـنده فاضل «فهرسـت دانشگاه ۵: ۱۴۲۴» هم مختصری پیرامون این موضوع آورده است.

چند نکته دیگر:

۱ _ نیـای مؤلّفِ عوالی را در «معجم المؤلّفین ۱۰: ۲۹۹» ابی جهور، به اسـقاط میم ضبط کرده و در پاورقی نوشته است که: در «هدیّه العارفین» ابی جمهورست!

این خطای فاحش موجب کمال تعجّب است، زیرا هیچ کتابی از کتب شـیعه را از تراجم احوال گرفته تا فقه و اصول نمی توان یافت که «جُمهور» را «جَهور» نوشته باشند.

و این خطاها عادت و دأب نوع مورّخین اهل سنّت اعمّ از متقدّمین و متأخّرین و معاصرین ایشان و عموم مستشرقین است که غالبًا در تراجم دانشمندان شیعه که در کتب خود می نویسند تحریف یا اشتباهی می کنند یا لاأقلّ ایجاد شبهتی می نمایند که اسباب زحمت مراجعه کنندگان را فراهم می سازند.

۲ ــ نام کتاب: چنانکه در خاتمه مستدرک هم فرموده، در ألسنه و أفواه «غوالی اللّألی» بغین معجمه مشهور و متداول است و مؤلّف «کشف الحجب و الأستار: ۳۹۵» نیز آن را در حرف غین معجمه عنوان کرده، لکن در «فهرست رضویّه ۱: ف ۴: ۶۰» که نسخه اصل خط مؤلّف را معرّفی کرده اند نام کتاب را در حرف عین مهمله «عوالی...» آورده و در عموم نسخ و هم در شرح سیّد جزائری بر کتاب و مواضع بسیار از اجازات و کتب علماءِ سلف همانند نسخه ما همه جا به عین مهمله ــ بی نقطه ــ یاد شده است(۱).

توضیح دیگر درباره صورت کامل نام کتاب این که در نسخه مورد بحث و نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه طهران «فهرست دانشگاه ۵: ۱۴۲۴» و نسخه حاجی نوری «مستدرک ۳: ۳۶۱» و جاهای دیگر «عوالی اللّألیءِ الحدیثیّه علی مذهب الامامیّه» آمده است. لکن گمان می کنیم که این نام را مؤلّف در آغاز کار به کتاب داده و چندی پس از اتمام تألیف آن را به «عوالی اللّألی ءِ العزیزیّه فی الأحادیث الدّینیه» تبدیل کرده است، چنان که در «فهرست رضویّه ۱: ف ۴: ۶۰» آن را به همین صورت عنوان کرده اند و در نسخه دیگری نیز که دیده ایم به همین گونه نامیده شده است، و بالاتر این که مؤلّف خود در اجازه یی که ظهر نسخه عوالی به امیر سید محسن رضوی داده و بعد از این درباره آن سخن خواهیم گفت و هم در کتاب دیگرش «درر اللّألی ءِ العمادیّه» که پس از عوالی تألیف کرده نیز کتاب را به همین نام اخیر خوانده است، و عبارت «درر» در «مستدرک» و «ذریعه» عینًا منقولست و ما نیز آوردیم.

در اجازه یی هم که به سیّد محمود طالقانی داده کتاب را «عوالی اللّئالیءِ العزیزیّه فی الأحادیث النبویّه و الإمامیّه» یاد کرده است، و اگر چنان که پس از این خواهیم گفت

۱- ۱) دامنه اهمال قدماء تا این زمان ادامه دارد. در «الضیاء اللّامع، چاپ ۱۳۶۲ ش» بیش از بیست جا به غین نقطه دار «غوالی اللئالی»، و در «احیاء الداثر، چاپ ۱۳۶۶ ش» در سه جا یا بیشتر به عین بی نقطه چاپ کرده اند.

تاریخ این اجازه ۹۱۲ باشد این آخرین صورتی خواهد بود که مؤلّف کتاب خود را به آن نام خوانده است.

ما نظر به متابعت از نسخه خود نام کتاب را به صورت اوّل ذکر کردیم.

۳ ـ نُسخ کتاب: با وجود شهرت به سزایی که «عوالی» یافته مع الوصف نسخ آن کمیاب و کمتر در دسترس دانشمندان بوده است.

بهترین و کامل ترین و نفیس ترین نسخه های کتاب همانا نسخه اصل آن است که مشتمل بر ۲۳۷ برگ و در کتابخانه آستان قدس موجود می باشد. مؤلّف «فهرست رضویّه» گوید: «این نسخه متنًا و هامشًا به خط مصنّف است و در چهار ماه زمستان که در مشهد مقدّس در خانه میرزا محسن رضوی بوده است نوشته، چنان که خود در ظهر ورق اول به خطّ خود مرقوم داشته، و نیز نوشته که در سنه ۸۹۷ تمام شده، و متن کتاب به خطّ نسخ (۲۵ سطری) و حواشی نیز که از خود مصنّف است به خط شکسته نستعلیق و به امضاءِ «م. د» که علامت محمّد است. نسخه نفاست کلّی دارد... و بعد خود مصنّف (در آخر کتاب) اسم خود و تاریخ کتابت را که شب یکشنبه ۲۳ شهر صفر سنه ۸۹۷ است به خط خود مرقوم داشته» انتهی.

امّا نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه، چنانکه در «فهرست دانشگاه ۵: ۱۴۲۷» گوید پایان کتابت آن در ماه صفر ۱۰۵۵ است و دارای ۲۱۱ برگ می باشد.

۴ ـ آثار دیگر ابن ابی جمهور: قاضی سیّد نوراللّه مرعشی شوشتری ـ رضوان اللّه علیه ـ در «مجالس المؤمنین ۱: ۵۸۱» ضمن شرح حال ابن أبی جمهور به تقریبی فرماید که مولد او شهر «لحسا» است، تحصیل نزد علماءِ آن دیار نموده، به عراق رفته و در نزد شیخ فاضل شرف الدین حسن بن عبدالکریم فتّال که مجاور نجف أشرف و خادم آستان مقدّس علوی بود و دیگر دانشمندان آنجا درس خوانده، به سال ۸۷۷ از راه شام متوجّه مکّه معظمه گردید، و در أثناء برای استفاده علمی مدّت یکماه خدمت شیخ الاسلام علی بن هلال جزائری در کرک نوح اقامت کرد، پس به حجّ نائل آمده به دیار خود برگشت. باز به عراق عرب سفر نمود و پس از زیارت ائمه اطهار متوجّه ایران و تشرّف به خراسان شده در أثنای راه رساله «زاد المسافرین» را در اصول دین نوشت و چون به مشهد مقدّس رضوی مشرّف گردید به صحبت سیّد نقیب میر محسن بن محمّد رضوی قمی رسیده، در

سال ۸۷۸ به دستور آن سیّد شرحی بر رساله مذکور نگاشته «کشف البراهین فی شرح زاد المسافرین» نامید.

چون خبر ورود وصیت دانش ابن ابی جمهور به أطراف مشهد منتشر شد یکی از دانشمندان هرات به دیدن او در خانه سیّد آمده با او در باب امامت مباحثه کرده و مُجاب شد. ابن ابی جمهور این مباحثه را که در سه مجلس به سال ۸۷۸ واقع شده به صورت رساله یی درآورده که مجملی از آن را صاحب «مجالس المؤمنین» و مفصّل تر در «نامه دانشوران ناصری ۳: ۳۷۸ _ ۴۱۶» ذیل شرح حال وی به فارسی نقل فرموده اند.

در «الذریعه ۲۲: ش ۷۱۲۴» این رساله را به عنوان «مناظره ابن أبیجمهور» مفصّلاً آورده اند.

نسخه یی از «کشف البراهین» مورّخ ۸۸۱ در آستان قدس موجودست و در «فهرست رضویه ۱: ف ۱: ۶۹» معرّفی شده، و صاحب «لؤلؤه البحرین: ۱۶۶» فرماید: ابن ابی جمهور را کتابی است در «شرح باب حادیعشر» و نسخه آن در نزد من بود و از دست رفت.

در پایان کتاب «مَجلی» مصنّف خود گوید: مسوّده این کتاب را در اواخر ج ۲_ ۸۹۵ در نجف اشرف هنگامی که در آن مکان مقدّس مجاور بودم پایان دادم، و سپس برای سومین بار به مشهد خراسان مشرف شدم و درین مشهد شریف کتاب را تهذیب و تبییض کردم و از این مبیّضه در شب ۱۶ صفر ۸۹۶ فارغ شدم...

در این اواخر نیز در نشریّه «التراث. ع ۱۱ و ۱۲. نشره دارالتراث فی بیروت _ قم» رساله نه صفحه ای با عنوان «أقلّ ما یجب علی المکلّف» چاپ شد (از ص ۱۱۱ تا ۱۲۰)، که ابن ابیجمهور آن را در نیمروز دوشنبه ۲۵ محرّم ۸۸۹ در مشهد مقدّس رضوی پایان داده است (توضیحًا تاریخ موافق تقویم است).

۵ _ اجازات مؤلّف عوالی: ابن ابی جمهور در سفر سوم خود به مشهد مقدّس مدت دو سال (یا بیشتر) توقف کرده و کتاب «عوالی» را تألیف و سپس برای سیّد نقیب میر سیّد محسن رضوی و دیگران از آغاز تا انجام درس گفته و هنگامی که این کار به پایان رسیده یعنی در نیمه ماه ذوالقعده ۸۹۷ اجازه یی در ظهر نسخه عوالی برای سیّد مذکور

نگاشته و در آن منتهای تجلیل از او نموده و تصریح کرده است که وی از اول تا آخر عوالی را از مصنّف آن شنیده است. این اجازه که در «بحار الأنوار ۲۶: ۴۷ _ ۴۸» ضمیمه طرق هفتگانه روایتی مذکور در اوّل عوالی چاپ شده است از نظر تاریخی شایان مراجعه می باشد. پس از این درباره سیّد محسن رضوی سخن خواهیم گفت، و اسامی هفت شیخ اجازه را در عنوان «فهرست مطالب کتاب» می آوریم.

در بحار پس از ذکر طُرق سبعه مذکوره گوید: «اجازه ابن ابی جمهور احسائی مذکور برای شیخ ربیعه بن جمعه»، سپس متن اجازه را نقل کرده، لکن این اجازه برای شیخ ربیعه بن جمعه نیست بلکه برای سید شرف الدین محمود بن علاءالدین ابن جلال الدین طالقانی صادر شده چنانکه در اول اجازه هم نام مُجاز صریحًا مذکورست، جز این که در پایان این اجازه شیخ ربیعه بن جمعه جزائری که یکی از شاگردان مجیز بود وصایائی برای مُجاز نوشته است، و در پایان؛ تاریخ اوائل ج ۱ _ ۹۱۲ را قید کرده است. شاید بتوان استنباط نمود که این تاریخ در زمان مجیز یعنی ابن ابی جمهور نوشته شده و بنابرین وی تا ۹۱۲ حیات داشته است، و اللّه العالم. در این اجازه نیز آمده است که مُجاز «عوالی» و چند کتاب دیگر را نزد مجیز به دقّت خوانده است.(۱)

در «بحار» اجازه دیگری نیز از ابن ابی جمهور آورده شده که مُجاز شمس الدین محمّد بن صالح غروی مقیم حلّه هنگامی که از اول تا آخر «ارشاد الأذهان» علّامه حلّی را نزد مجیز خوانده وی به تاریخ نیمه ج ۱ _ ۸۹۸ در قریه قلفان استراباد این اجازه روایت را به او داده است.

این مُجاز دو اجازه دیگر نیز از استاد مذکور خود دارد که یکی را در مشهد مقدّس به تاریخ اول ج ۱ _ ۸۹۶ نگاشته و در آن ۲۴ کتاب از تألیفات خود را اسم برده، و اجازه دیگر مورّخ ۲۴ ع ۲ _ ۸۹۶ است که در آخر «مَجلی» نوشته است. محمّد بن صالح مذکور شیخ روایت ربیعه بن جمعه حُویزی سابق الذّکر نیز هست و اجازه یی که برای او ظَهر «ارشاد» علّامه که مجاز به خط خود استنساخ کرده بود، به تاریخ ۸۹۷ در یعقوب محلّه استراباد نوشته در «ذریعه ۱: ۲۴۰» یاد شده است.

۱- ۱) ربیع العبادی العبری ابن جمعه الحویزی و محمود الطالقانی را در «احیاء الداثر: ۸۶ و ۲۴۱» ملاحظه فرمایید.

ابن ابی جمهور در تاریخ روز نهم ماه رجب ۹۰۶ اجازه یی نیز به خط خود در شهر حلّه برای شیخ علی بن قاسم معروف به ابن عذاقه در نسخه بسیار نفیسی از «قواعد الأحکام» علاّمه حلی نگاشته است. این نسخه در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود و در «فهرست رضویّه ۲: ۹۵ _ ۹۶» معرّفی و صورت خط مجیز هم در جلد چهارم مقابل صفحه ۲۳۶ فهرست مذکور دیده می شود.

بیشتر اجازات ابن ابی جمهور در «ذریعه ۱: ۲۴۱ _ ۲۴۲» نیز یاد شده است(۱).

۶_ موضوع کتاب: پیرامون موضوع کتاب «عوالی اللّآلی» این نکته مهمّ را که در جای دیگری به آن اشاره نشده خاطرنشان می کنیم که ابن ابی جمهور به سبک دانشمندانی که در باب آیات الأحکام کتاب نوشته اند خواسته است این کتاب را درباره «أحادیث الأحکام» تألیف نماید، به این معنی که حدیث های محلّ استناد فقهاء را در تمامی ابواب فقه درین کتاب مرتبًا جمع آوری کند. لکن چنین کاری به آسانی انجام پذیر نبوده و راهی جز این به نظر وی نرسیده است که چند کتاب فقهی معتبر را به میان آورده و حدیث های مذکور در آنها را استخراج و در کتاب خود وارد نماید. عاقبت به همین طریق هم عمل کرده و حدیث های چند کتاب محدود را به ترتیبی که در آن کتب ضبط شده عینًا در کتاب خود آورده است. بدون این که در خلال أحادیث ذکر سند کند یا کمترین تصرّف و اظهار نظری نماید. لکن چون خود به این عمل کاملاً تصریح نکرده و از کتاب هایی که حدیث گرفته اسم نبرده است، لذا حرف هایی پیرامون این کتاب و مؤلّف جلیل القدرش پیدا شده و او را «مخلّط» و ناآشنای به أحادیث و فاقد قوّه نقد روایت و نظائر این گونه صفات خوانده اند. در صورتی که مقصود وی تنها آن بوده که احادیث مورد ابتلاءِ فقهاء را که غالبًا در کتب خود به آنها محتاجند یکجا در کتابی جمع کند به همان شکل که در کتب فقهیّه _ معمولاً بدون ذکر سند و راوی _ به کار می برند. و انصاف باید داد که از عهده کار خود به خوبی برآمده است، گذشته از این که پیرامون اغلب این حدیث ها در حاشیه کتاب مفصّلاً بحث می کند(۲).

ص : ۱۷۸

۱- ۱) محمّد الغروی ابن صالح الحلّی و علی عذاقه ابن قاسم العذاقه الحلیّ در «احیاء الداثر: ۲۲۸ و ۱۵۷» عنوان شده اند، و از اجازه دیگری که متعلّق به سیّد حسن آل ابی شبانه است در ذیل این مقال یاد خواهیم کرد.

۲- ۲) بحث های مکتوب در حواشی نسخه در کمال اهمیّت است. مع الأسف چاپ قم «عوالی» فاقد همه حواشی است. امید که در آینده چاپ شایسته ای با تمام حواشی و فوائد مهمّ شخص مؤلّف ارائه شود، ان شاء اللّه.

از بـاب نمونه یـاد می کنیم که تمـامی احـادیث مـذکور در قسم دوم از بـاب دوم که نصف بیشتر کتـاب را إشـغال کرده، عینًا حدیث هایی است که ابن فهد حلّی «علیه الرحمه» در کتاب «المهذّب البارع فی شرح المختصر النّافع» آورده است و هکذا...

جای سندصفحه ۷۰٪٪

ص : ۱۷۹

۷ـ تاریخ إتمام عوالی: در آخرین حاشیه یی که ابن ابی جمهور بر کتاب خود در توضیح حدیث معراج و «مرقّع» و «فقر» مذکور در آن حدیث نوشته چنین گوید: «و اعلم أ نّه لیس المراد بالخرقه المشهوره بین أهل التصوّف هی تلک الخرقه بعینها، بل یریدون بها الأمر المعنویَّ، و هو عباره عن أخذ المعنی عن صاحب المقام بقدر الاستعداد و الاتّصاف بصفاته و التّخلّق بأخلاقه. فالخرقه هی التّشبیه و الصّحبه، و اللّبس هو التّلقّی و الأخذ. و یعبّر عن المعنوی بالفقر و عن الصّوری بالخرقه.

و هذا آخر الحاشیه المسطوره علی بعض الأحادیث المذکوره فی هذا الکتاب بحسب ما سنح للمؤلّف وقت الدرس و المذاکره من الأصحاب، کتبها علی رأس الحاشیه من اوّل الکتاب الی آخره. و الحمد للّه وحده. و وافق تمامها مع تمام قراءه الکتاب فی الیوم السّادس و العشرین من شهر شوّال سنه سبع و تسعین و ثمانمائه ببلده مشهد الرّضویّه ـ علی ساکنها السلام و التحیّه ـ علی ید مؤلّفها الفقیر الی اللّه الغفور: محمّد بن علی بن جمهور، الأحساوی، مؤلّف الکتاب؛ تجاوز اللّه عن سیّآته...».

آغاز: «بسم... الحمد للّه الّذی أعلا أعلامَ العلماءِ الأعلام، و وفّقهم بطریق الدّرایه و الرّوایه لتبیین معالم الاسلام... و بعد، فلمّا کان من لطف اللّه تعالی و عنایته بخلقه بعد خلقهم تکلیفهم تعریضًا لتحصیل السّعاده الأبدیّه... حدانی ذلک علی جمع کتابٍ جامعٍ لأشتات المتفرّقات، من جُمل ما رواه الثّقات عن النّبی و الأئمّه الهداه...، فشرعتُ فی جمعه و تهذیبه، و نهضتُ فی ترتیبه و تبویبه...، فجمعتُه من کتب متفرّقه و مظانّ متباعده، و جعلته فی مرکزٍ و نصاب...، ثمّ رأیت بعد ذلک أن أرفعه إلی خزانه السیّد النّقیب الطاهر العلوی الحسینی الرّضوی الّذی تسنّم من الشرف علی أعلی مَعاقده، و استعلی من المجد علی أرفع مقاعده...(۱). و سمّیته «عوالی اللّألی ءِ الحدیثیّه علی مذهب الامامیّه، و رتّبته

۱- ۱) مؤلف در تعریف و تمجید سید نقیب که این کتاب را ـ بعد از تألیف ـ به او هدیّه نموده مبالغه بسیار کرده و ألفاظ مدح و ثنا و أشعار بلیغی درین خصوص ذکر و او را «امیر الامراءِ فی العالمین و ظهیر النقباءِ و السادات و السلاطین...» خوانده است، و با اینکه نام او را در این دیباچه نیاورده، لکن ـ با در نظر گرفتن آنچه خود در ظهر نسخه اصل موجود در آستان قدس نوشته ـ هویدا است که مقصودش سیّد غیاث الدین محسن بن رضی الدین محمد بن محمد بن علی بن محمد بن حسین بن پادشاه رضوی است که ابن ابی جمهور مکرّر از مصاحبت او و صلاتش در مشهد مقدس برخوردار بوده و چند کتابش را بنام او و مصدّر کرده و توان گفت که تنها طریق روایتی متّصل به او توسّط همین سیّد نقیب است که از او اجازه روایت دارد. شرح حال سید محسن مذکور در «مجالس المؤمنین ۱: ۵۱۸» آمده و ارتباطش با ابن ابی جمهور نیز در صفحه ۵۸۱ به بعد همان جلد کتاب مسطور، و طریق روایت از او به واسطه فرزندش سید محمد مهدی در اجازه سیّد حسین کرکی مذکور در اجازات «بحار: ۱۳۳» آمده است. سیّد در «احیاء الداثر: ۲۰۰» نیز با لقب «کمال الدین» شرح حالی دارد و در سطر چهارم «عنه ولده العالم» درست است. لقب کمال الدین که در عنوان سیّد محمد مهدی فرزندش هم (در ص ۲۵۹) دیده می شود، گویا برگرفته از عبارت اجازه محقّق کرکی به سید محمد مهدی باشد. گفته است «کمال السیاده و الدین محسن...»، لکن این مدیحه دلالت بر مطلوب ندارد، و بحث پیرامون حسب و نسب سیّد محسن موکول به «رساله بُرقعیّه» راقم است.

علی مقدّمه و بـا بین و خاتمه. أمّا المقـدّمه ففیها فصول. الأوّل: فی کیفیّه اسـنادی...». انجام: «قال الراوی: و خرج الملک و أتی منزله و أرسل الیها ثیابًا و هـدایا کثیرهً و کیسًا فیه جمله من المال. فردّت ذلک و لم تقبل منه شـیئًا. و هـذا آخر ما أردنا ایراده و إثبـاته من الأحـادیث الواصـله إلینـا بطریـق الروایه علی الشـرایط المعتـبره و الروابـط المرضـیّه. و للّه الحمـد و المنّه علی التـوفیق لإتمامه... و کان الفراغ من تسویده فی عشر [کذا] الاخر لستّ بقین من ذی الحجّه سنه ستّ و سبعین و ألف».

فهرست مطالب کتاب: مقدمه: شامل ۱۰ فصل. ف ۱_ در کیفیّت اسـناد و روایت تمامی احادیث کتاب، مشتمل بر ۷ طریق «۱» از پدرش(۱) «۲» از سـیّد شـمس الدین محمّد بن موسی الموسوی «۳» شـیخ حرزالدین اُوایلی «۴» سـیّد شمس الدین محمّد بن احمد موسوی «۵» شیخ جمال الـدین حسن بن عبـدالکریم فتّال «۶» شیخ زین الـدین علی بن هلاـل الجزائری «۷» وجیه الدین عبـداللّه بن علاءالدین فتح اللّه کاشانی. ف ۲_ در بیان سـبب جمع آوری احادیث و تألیف این کتاب. ف ۳_ آنچه که مؤلّف به طریق اسناد مُعنعن روایت کرده است. ف ۴_ در ذکر احادیث دیگر به طریق مذکور که از پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله نقل شـده است. ف ۵ _ در ذکر احـادیث فقهی دیگر. ف ۶_ احـادیث دیگر کـه به طریـق واحـد روایت کرده است. ف ۷_ احادیثی بر سـیاق سابق. ف ۸ _ احادیث نبوی مشـتمل بر بسیاری از آداب و معالم دین. ف ۹_ احادیثی که متضمّن چیزی از ابواب فقه است. ف ۱۰_ احادیثی دیگر مشتمل بر بعضی از آداب دینی(۲).

۱- ۱) مؤلف در کتـاب «المَجلی: ۵۲۰» نیز طریق روایت خود را از پـدرش تـا امام کاظم علیه السـلام ذکر کرده است و مشایخ سبعه در سـرآغاز «الضیاء اللّامع: ۱» ذیـل عنوان پـدر ابن ابی جمهور یاد شـده انـد و همگی در جا به جای آن کتاب معنون می باشند.

۲- ۲) حدیث هایی که در این فصول آورده تمامًا نبوی است.

باب ۱_ در احادیث متعلّق به ابواب فقه، مشتمل بر ۴ مسلک. مسلک ۱_ در احادیثی که یکی از متقدّمان علماءِ شیعه از پیغمبر اکرم و ائمّه اطهار علیهم السلام در کتاب خود روایت کرده. مسلک ۲_ در احادیث متعلّقه به مصالح دین که علاّمه حلی در یکی از کتب خود روایت کرده. مسلک ۳_ در احادیث فقهیّه یی که شهید اول در یکی از آثار خود روایت کرده به ترتیب أبواب فقه. مسلک ۴_ ذکر أحادیثی که فاضل مقداد سُیوری روایت کرده.

باب ۲_ در أحادیث متعلّقه به أبواب فقهیّه برحسب ترتیب ابواب، مشتمل بر دو قسم: قسم ۱_ حدیث هایی که یکی از شاگردان فخرالمحقّقین از او روایت کرده بر حسب ترتیب علاّمه حلّی در أبواب فقه از طهارت تا دیات. قسم ۲_ احادیث دیگری که شیخ جمال الدین احمد بن فهد حلّی روایت کرده و اینها نیز متعلّق به أبواب فقهیّه است «برحسب ترتیب محقّق حلّی در ابواب فقه» از طهارت تا دیات.

خاتمه: مشتمل بر دو جمله: جمله ۱_ در ذکر احادیث گوناگون دیگر زائد بر حدیث های سابق. جمله ۲_ در بیان أحادیث متعلّق به علم و اهل علم و حاملان علم و دو حدیث از کتاب «منهاج الیقین فی فضائل أمیرالمؤمنین علیه السلام » تألیف علاّمه حلّی.

نسخه: دارای ۲۱۸ برگ، روی برگ اول و ظهر برگ آخر سفید است، کاغذ ترمه، خط نسخ اعلای ۲۷ سطری، تمام کنارهای نسخه مملوّ از حواشی مؤلّف است که به خطّ نسخه زیبای کاتب متن نوشته شده، عناوین در متن و هامش به شنگرف، بالای برخی کلمات نیز به شنگرف خط کشیده، جلد تیماج مشکی فرسوده، داخل میشن قرمز. تاریخ کتابت: ۲۴ ذوالحجّه ۱۰۷۶، نام کاتب ندارد، قطع ۱۴ و نیم × ۲۶ و نیم، متن ۷ و نیم × ۱۶ و نیم.

روی برگ ۱ این شرح دیده می شود: «عاریهٌ عندی من جناب شیخ حسن آل شیخ محمّد آل شیخ علی آل شیخ جعفر، و أنا الأقلّ حسن الحویزی». و نیز «ملک الأقلّ جعفر». و نیز: «من جمله متملّکات الاحقر الأقلّ علی نقی بن علی». مهر: الواثق باللّه عبده علینقی بن علی.

«ذیل»:

غوغاءِ صاحب تکمله الأمل

حکایتی و شکایتی: صاحب «تکمله» که از لحاظ سنّ در طبقه برخی از اولاد امجاد

ص : ۱۸۲

و بلکه همسـال چنـد تن اَحفـاد امـام مجدّد صـاحب الروضـات ــ اعلی اللّه مقامه ــ است، به روزگار جوانی با مشاهـده کتاب دریابـار اعجاب انگیز عظیم الشأن «روضات الجنّات، چاپ ۱۳۰۶ ق» و در پی مجالست و تأثیرپـذیری از نفَس مسـموم صاحب «المستدرک» که او نیز همسنّ و سال بعضی از فرزندان گرامی امام مجدّد و از کج اندیشی و برداشت های نادرست از مطالب «روضـات»، چنـان که معلوم است بـا آن بزرگوار شِبه مُعانـد بود؛ در خانه نشسـته و با نوشـتن کتابی در تراجم احوال به عنوان «تکمله اَمـل الامـل»، همی در مقـام پهلو زدن به آن کتاب شـریف برآمـده، و پی در پی در سراسـر کتابش از آن آیت عظمای الهی به لفظ «سیّد معاصر» یاد و باری، اشکالی و ایرادی به حق یا ناحقّ وارد می کند تا بلکه خود را هم طبقه و در ردیف مقام والای آن جناب نشان دهد و کتابش را نیز همچنان بدان پایه و مایه رساند.

امّا ــ مع الأسف ــ تـوجّه به آثـار سوءِ این گـونه رو در رویی بـا یـک تن شخصیّت علمی دارای موقعیّت والای مـذهبی و اجتماعی، هم نژاد، هم کیش و هم آیین خود نداشته و ندانسته است که اظهار این گونه مواضع در کتابش ــ خواه و ناخواه ــ دسـتمایه ای برای استهزاء، شـماتت، سـخریّه و شادمـانی مخالفـان عقیـدتی از دیگر فرق و مـذاهب و مسالـك و هـم مـوجب بدآموزی اخلاقی عمومی خواهد بود.

دریغـا که طبقه حضّـار مجلس و مُراودان صـاحب «مسـتدرک الوسائـل» مخـالف بی منطق اصـلی ــ شِنْشِنَه أعرفُها مِن أخزم ــ عمومًـا در آثار خود، چه در کتب تراجم احوال و چه در حواشـی بر کتاب شـریف «روضات»، همان گونه مشـی ناپسـندیده را داشـته انـد که بسـی جای تأثّر و تألّم است. خود بزرگ بینی و تحقیر و اهانت به اولیاءِ خداوند سـبحان کار مردان حقّ نیست و آثار سوءِ آن دامنگیر همه می شود.

گو که در آن کتـاب گو که در آن کتـاب کـبیر الحجم عـدیم النظیر جهـان شـمول ــ روضـات الجنّـات ــ که به همّت والای فقیهی جلیل و علاّمه ای بی بـدیل، یک تنه، طیّ سالها تحقیق و تتبع به منصّه ظهور و بروز رسـیده، یک چنـد مطلب جای تأمّل تاریخی، رجالی ــ به علّت خطاء با قلّت منابع ــ پدید آمده باشد، انصاف را نباید این امر به وسیله عالمانی هم کیش و مسلك موجب هتك حرمت و اهانت و بی احترامی و دشمن شاد کردن شود؛

مرد باید به هر چه در نگرد عیب بگذارد و هنر نگرد

هست در عیبها هنر بینی در میان صدف گهر چینی

و عین الرضا عن کلّ عیب کلیلةٌ کما أنّ عین السّخط تُبدی المَساویا

* * *

باری، نسخه خطی «تکمل الأمل» را پس از اتمام تألیفش «۱۳۳۴ ق» تنی چند از مصنّفان کتب تراجم احوال رجال شیعه، امثال صاحب «الذریعه»، محدّث قمی، امام شرف الدین، صاحب «اعیان الشیعه» و غیرهم ـ رحمه اللّه علیهم ـ به عاریت می گرفته و مطالب مفید و درست آن را در کتابهای خود وارد کرده اند. امّا، گویا به علّت برخی سخنان ناروا و اهانتها و تندی های جابجای آن کتاب پیرامون «روضات»، از جمله آنچه در ذیل عنوان «ش ۲۱۹۱، ج ۵: ۲۱۷ ـ ۲۱۶» بسی سخنان سفهی شرم آور ـ والحیاء من الایمان ـ بر زبان قلم رانده است، و هکذا درباره کسان دیگر؛ همانند قصص و حکایات شگفت آور، بسان کتب کرامات و مقامات صوفیانه ارباب بسیاری از اقارب و ارحام خود، از این روی بازماندگان از چاپ و نشر کتاب امتناع داشته اند، بلکه توان گفت خود آن مرحوم نیز ـ با وجود امکانات وسیع ـ اقدام به چاپ آن اثر کرده است. تا این که در این دو سه سال اخیر، استاد دکتر حسین علی محفوظ کاظمینی «متوفی دوشنبه ۲۲ محرّم ۳۰، آخر دیماه ۸۷» و چند تن دیگر کتاب را در شش جلد امّا با اغلاط چاپی و غیر چاپی فراوان منتشر ساختند: (بیروت، ۱۴۲۹ ق)، و با مطالعه کامل آن، برخلاف انتظاری که از چنان شخصیّتی می رفت، به عبارات تند و مواضع خلاف اخلاق علمی و مذهبی آن واقف شده، اینک تأثّر و تألّم خود را به این شکوائیّه ـ برخلاف میل قلبی و باطنی ـ اظهار داشت، تا مگر اَبناءِ زمان و آیندگان بخوانند و عبرت گیرند و در ارائه افکار و مواضع خود نسبت به بندگان خداوند سبحان و هم کیشان؛ قلم را منزّه نگاه دارند، واللّه العاصم.

* * *

امّا اصل مطلب که باعث آن «حیات و شکایت» شد، این است که در «تکمله أمل الامل» ۵: ۲۱» گوید:

«بقی کلام سخیف! «للسیّد صاحب الروضات، یجب الکشف عن عواره! قال فی

ترجمه الشیخ ابن أبی جمهور: «بل الکلام فی توثیق نفس الرجال والتعویل علی روایاته و مؤلّفاته و خصوصًا بعد ما عرفتَ له من التألیف فی اثبات العمل بمطلق الأخبار الوارده فی کتب أصحابنا الأخیار و ما وقع فی آخر «الوسائل» من کون کتابَیحدیثه خارجَین عن درجه الاعتماد و الاعتبار... إلی آخر کلامه

سپس سخنانی پیرامون عقائد ابن ابی جمهور و ردّ بر مطالب «روضات» آورده، تا آنجا که گوید: «و أقبح من ذلک ما ذکر وقوعه فی آخر «وسائل الشیعه» مع أ نّه لاعین له و لا أثر. هذه نُسخ «الوسائل»، بالعِیان، و ما أدری مِن أین یُخرِج هذالسیّد أمثال هذه الکلمات؟!

سبحان اللّه! ایشان حتّی احتمال صدق سخن امام مجدِّد علیه الرحمه را نداده که ممکن است مطلب مورد نظر در نسخه «وسائل» ایشان وجود داشته و در نسخه قائلِ موهِن از قلم افتاده باشد! لا جرَم در مقام تکذیب برآمده است. سامحه اللّه تعالی.

امّا حقیقت امر این است که یک دوره کامل سه جلدی نسخه اصل کتاب شریف «وسائل الشیعه» بخطّ مبارک شخص مؤلّف ــ یعنی شیخ محمّد حرّ عاملی جدّنا الأعلی من طریق بعض اُمّهات الأجداد ــ موروثی خاندان و نیاکان بوده و سالها در تملّک امام مجدّد و مورد استفاده و استناد آن جناب قرار داشته است(1)، تا آن که سالها پس از فوت «۱۳۱۳» ایشان آن دوره عزیز به حوزه نجف اشرف رفته و با سرگذشتی، اینک در حال حاضر «۱۴۳۰ ق ۱۳۸۸ ش» دو مجلّد از آن دوره در کتابخانه معظمه مرعشیّه قم و جلد دیگر در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود و راقم آن نسخه های گرامی را زیارت قرار داشته، و مطلب مورد نظر امام مجدّد و اِنکارِ صاحب التکمله: «و ما وقع فی آخر الوسائل...»، در صفحه ۱۶۰ ــ ۱۵۹ سی امین جلد آن کتاب شریف به این گونه چاپ شده است:

«هذه کتبٌ غیر معتمده لعدم العلم بثقه مؤلّفیها و ثبوت ضعف بعضهم و لذلک لم أنقل

ص : ۱۸۵

۱- ۱) چنان که در کتاب شریف «روضات الجنّات: ۱۲۷ هر دو چاپ سنگی» ذیل عنوان خودشان، در ضمن ترجمه حال جدّ امجدشان «السیّد العالم الزاهد المجاهد ابوالقاسم جعفر» فرموده اند: «و قد رُزق ثلثه مجلّدات من «الوسائل» بخطّ مؤلّفه الجلیل شیخنا الحرّ العاملی «رحمه اللّه» أیضًا، و هی عندنا الیوم بجُملتها، والحمدلله علی مننه و نعمآئه».

منها شیئًا: ۱ـ کتاب مصباح الشریعه. ۲ـ کتاب غوالی اللّآلی لابن أبی جمهور. ۳ـ کتاب المَجْلی له. ۴ـ کتاب الأحادیث الفقهیّه له...».

سیزده کتاب است که صاحب «وسائل» بر آنها وثوق و اعتماد نداشته و از آنها در کتابش نقل نفرموده است از جمله سه کتاب ابن ابی جمهور! محقّق کتاب توضیح داده اند که این مطالب در هامش نسخه اصل «وسائل» و هم در نسخه مصحّحه دیگر نوشته شده است.

این بود داستان نسبت دادن امام مجدّد به کتاب «وسائل» و غوغاء صاحب التکمله و تکذیب!

اینک سخنی هم راجع به عقائد ابن ابی جمهور:

در «تکمله» شِمّه ای از عبارات «مَجْلی مرآه المَنجی: ۳۱۶ ـ ۳۱۸» آورده و همه را ـ در راه موافقت و تأیید صاحب المستدرک ـ تلقّی به قبول و تأکید بر صحّت آن عقائد نموده است، از جمله آن عبارات این است که:

«خصوصًا الی طائفه الموحّدین و المحقّقین من أهل اللّه المسمّاه بالصوفیه... انّ الشریعه و الطریقه و الحقیقه أسماء مترادفه صادقه علی الحقیقه الواحده الّتی هی حقیقه الشرع».

خدا را، کدام یک از ستارگان درخشان فقه شیعه و مشایخ و اَعلام مذهب جعفری، امثال مرحومان کلینی، ابن بابویه، سیّدین مرتضی و رضی، ابن طاوس، ابن ادریس، محقّق حلّی، علاّمه حلّی، شهیدین و محقّق کرکی، همزمان صاحب عوالی ـ سخنی از درستی مسلک تصوف داشته و دم از طریقت و حقیقت «دو لفظ بِدعی من درآوردی» زده اند؟!

چیزی که می توان درباره نظرات عارفانه و تصوف مآبانه ابن ابی جمهور گفت این است که ما از محیط زندگانی و اطرافیان و مراودان او آگاه نیستیم. گردش روزگار بوقلمون ممکن است محیطی و موقعیّتی برای آن مرحوم پیش آورده بوده که او به ناچار محض تحبیب و ایجاد اتّحاد و همبستگی عقیدتی، به خصوص بودن شیعه در اقلیّت و مضیقت؛ چنان مطالبی را در کتاب خود نوشته باشد، و امثال ذلک. واللّه العالم بحقائق الاُمور.

مع الوصف، از برخی شواهد موجود استنباط می شود که او حتّی در زمان خود و در حوزه متشرّعه و طلّاب فقه و اصول هم متّهم و مشهور به مذاق تصوّف گردیده و چندان مورد توجّه خواصّ نبوده است، تا بدانجا که از باب مثال ــ و به گمان حقیر ــ در اجازه روایتی که برای سیّد جمال الدین حسن بن حُسام الدین ابراهیم بن یوسف بن أبی شبانه بخطّ خود نوشته و تاریخش سوم ربیع الاخر (۸۸۰) است، نام و نشانش را تراشیده و تا حدّ زیادی محو کرده اند، چنان که در تصویر دیده می شود.

این اجازه نامه را ابن ابی جمهور در پایان قاعده اوّل نسخه کتاب «التحریر» علّامه حلّی ــ قدّس سرّه ــ نوشته است، نسخه در «فهرست نسخه های خطّی مرکز احیاء میراث اسلامی (قم)، ج ۸ به شماره ۳۲۳۴» شناسانده شده و تصویر از همانجا است و فرموده اند:

«در پایان قاعده اوّل اجازه ای است از شخصی که نام وی پاک شده...».

راقم این سطور «سیّد محمّدعلی روضاتی» با مطالعه دقیق و کامل آن اجازه و تأمّل در مابقی اسماءِ پاک شده دانستم که اجازه به خطّ شخص ابن ابی جمهور صاحب «الحوالی» است و لاغیر. او در این اثر، تنها از یک تن شیخ اجازه خود یعنی سیّد شمس الدین محمّد بن موسی یاد کرده است.

پس از آن، مُجاز، یعنی سیّد حسن بن ابراهیم بن یوسف، نسخه را به سیّد محمد بن احمد (ظ) الحسینی ــ شاید موسوی شیخ اجازه دیگر ابن ابی جمهور ــ داده و از او هم التماس اجازه روایت کتاب «تحریر الأحکام» را کرده و سیّد محمّد نیز چند سطری مبنی بر اجازه در ذیل اجازه ابن ابی جمهور نوشته است امّا گویا در سنین پیری و تشتّث حواسّ به سر می برده که چند خطاء در نوشته اش به چشم می خورد، از جمله در نام و نسب علّامه حلّی، اعلی اللّه مقامه.

اینک با ارائه تصویر آن یک صفحه، برگرفته از گرامی فهرست یاد شده، نظر به سختی قرائت آن اثر ارزشمند؛ تمام را با حروف معمول نیز ملاحظه خواهید فرمود.

ص : ۱۸۷

جای سند

ص : ۱۸۸

«متن اجازه ابن ابی جمهور»

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. الحمد للّه الّذی خَلق الخلق حین غنیًّا عن طاعتهم و عن معصیتهم، لأنّه لا تنفعه طاعه من أطاعه و لاتضرّه معصیه مَن عصاه. فهو اللّه الغنیُّ ذاتًا و صفاتًا عن کلّ مَن عداه. نحمده علی ما أولانا من مننه و أسداه، و نشکره علی تتالی انعامه و حُسناه. و الصلوه علی النبیّ التّهامیّ الّذی نبّاه بَعد ما اختاره و اصطفاه من جمیع خلقه انتقاه و اجتباه و علی اله أحبّاء و أصفیاه القائمین بأمره فی مبدأه [متن: مبداءیه[و منتهاه، و بعد، فقد سألتنی السیّد الحسیب النّسیب سُلاله ال طآه و یس، المخصوص بعنایه ربّ العالمین جمال الدین حسن بن السیّد الأعظم المحترم المرحوم المغفور حسام الدین ابراهیم بن السیّد النّقیب المغفور یوسف بن أبی شبانه. أدام اللّه معالی سیادته ــ بمحمّد و اله ــ أن أکتب له إجازهً علی هذا الکتاب الأوّل العقود من مصنّفات الشیخ العالم العامل الفاضل الکامل شیخ الشّیعه و مُفتی الشّریعه خاتمه المجتهدین و مکمّل علوم المتقدّمین و رئیس الحکماءِ و المتکلّمین جمال الملّه والحقّ والدنیا و الدین الحسن بن یوسف بن المطهّر، قدّس اللّه روحه الزکیّه و أفاض علی تربته المَراحم الربّانیّه. فأجبته إلی ذلک، و إن لم أکن لذلک أهلاً؛ فإنّ المشایخ الّذین أُسند إلیهم أهلٌ لذلک. و کتب هذه الأحرف تذکرهً له، و قد أجزتُ له روایه الکتاب المذکور. و الإسناد إلی مصنّفه أنّ ما فی أوراقه و ما بین دَفَّتیه من کلام الشیخ المذکور و من منظومه المنثور و من تصانیفه المشهوره و تألیفاته المعموره. فلیرو ذلک لمن أحبَّ غیرَ متوقّف، و ذلک بالطریق لی الی السیّد الأجلّ و الکهف الأظلّ مفتخر السّادات و الأُمم و ناصب ألویه العلوم و الحِکم مدرّس الفریقین و إمام الجانبین شمس الملّه والدین محمّد بن السید الأجلّ الأوحد العالم الکامل الفاضل المرحوم المغفو موسی ــ أدام اللّه فوائده ــ بالطریق له إلی مشایخه ــ رضوان اللّه علیهم ــ إلی مصنّفه، رحمه اللّه تعالی. و کان ذلک فی ثالث شهر ربیع الاخر أحد شهور سنه ثمانین و ثمانمائه [متن: ثمنمیه صحه و صلعم] علی سیّدنا محمّد و اله الطاهرین و سلّم، و کتب الفقیر الی اللّه الغفور [ظ: محمّد بن علیّ بن] ابراهیم بن حسن بن جمهور. أصلح اللّه أحواله؛ بمحمّد و اله. تمّ».

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی محمّد نبیّه و اله أجمعین

ص : ۱۸۹

و بعد فقد التمس منّی السیّد الجلیل حسن بن ابراهیم إجازهَ روایه کتاب تحریر الأحکام تصنیف الشیخ المعظم جمال الدین یوسف بن حسین بن المطهّر فأجزت له روایته فانّه اهل کذلک فالطریق الّتی لی مصنّفه فلیرو ذلک لمن شاء و أحبّ متحرّیًا لی و له و کتبه محمّد بن أحمد [ظ] الحسینی». عینًا نقل شد علی علاّته. والحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی محمّد و اله الطاهرین و سلّم.«شب آدینه ۲۰ ج ۱ ر ۳۰ = ۲۵ / ۲ / ۸۸»

«۶۱۳» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و حواشی فراوان مؤلّف تا اواسط نسخه به خطّ کاتب نوشته شده است. به قرائن از آثار سده یازدهم می باشد.

«۶۱۴» (عهدنامه مالک اشتر)

(مواعظ ــ عربی)

با ترجمه فارسی زیر سطور

دستورالعملی است که امیرالمؤمنین و امام المتقین علیّ بن ابی طالب «صلوات اللّه و سلامه علیهما» به مالک بن حارث اشتر هنگامی که از طرف آنجناب والی مصر گردید نوشته اند.

ترجمه فارسی عبارات در زیر سطرها نوشته شده. در پایان نسخه شرحی به خطّ «لطف اللّه» و به تاریخ ماه شعبان ۱۳۳۲ دیده می شود که نسخه را به «آقا» اهداء کرده است.

«۶۱۵» عین البکاء

(مقتل ــ فارسی)

از: محمد نقی بن احمد بروجردی، متخلّص به نقیّ «نسخه».

کتاب: در ۲۲ باب است در احوال و مناقب و مقاتل حضرت رسالت و حضرت زهراء و ائمّه اطهار تا حضرت امام رضا علیهم السلام و بطبع رسیده. تاریخ تألیف: «گشت از عین البکا این دُر پدید».

نسخه: بخطّ زین العابدین بن مرحوم محمد رفیع کربالی. تاریخ ختم استنساخ ظاهرًا: شنبه ۴ جمادی الاولی ۱۲۳۰ در کرمانشاهان به جهت نورچشمی میرزا علی محمد. ظهر نسخه مرثیه ای است از آقا محمد متخلّص به طلعت در وفات میرزا علی محمّد در ۱۲۳۳. مهر نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه آقا میرزا مسیح موسوی چهارسوقی «عبده الراجی مسیح الموسوی» ظهر نسخه هست.

«۶۱۶» عین الحیاه

(مواعظ ـ فارسی)

ص : ۱۹۰

از: علاّمه مجلسی مولانا محمّد باقر بن محمّدتقی (ره) متوفی ۱۱۱۰.

کتاب: در شرح وصیّت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم است به ابوذر غفاری رضی الله عنه که جامع مواعظ و نصایح می باشد و بطبع رسید.

نسخه: بخطّ نستعلیق قرن ۱۲ و از آخر ناقص است یعنی کاتب ناتمام نوشته و عبارات عربی را به جهت نسخ نویسی بیاض گذارده است. تاریخ تولدهای بسیاری روی برگ اول نوشته شده است.

«۶۱۷» عین الیقین ملقّب به الأنوار والأسرار

(کلام ــ عربی)

از: مولانا محسن فیض کاشانی محمّد بن مرتضی متوفی ۱۰۹۱.

کتاب: در فنون حکمت شرعیّه و توحید است و تاریخ ختم تألیف آن: «نحمل انوار الحکم و اسرار الکلم» مطابق ۱۰۳۶ می باشد.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به قرائن، نزدیک زمان مؤلف نوشته شده است.

«۶۱۸» عیون أخبار الرضا علیه السلام

(حدیث ــ عربی)

از: شیخ صدوق ابوجعفر محمد بن علی ابن بابویه قمی، علیه الرحمه.

کتاب: أخبار و روایات مربوط و منسوب به امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا علیهماالسلام است در دو جزء و کرّر بطبع رسیده.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد لکن مصحّح و مضبوط و دارای حواشی بسیار مفید است اغلب از میرک موسی مشهدی به رمز «م ک». در هامش یکی از اوراق آخر نسخه شخصی صورت خط میرک موسی را نقل کرده که در آنجا گوید نسخه خود را با بیش از بیست نسخه مقابله نموده و ختم مقابله در ۱۱ محرم ۱۰۸۵ بوده و امضا کرده است «موسی الحسینی المدرّس والخادم بالروضه الرضیّه الرضویّه». ناقل شرح مذکور گوید این نسخه را با نسخه میرک موسی با کمال دقّت مقابله کرده است.

ظهر نسخه شروحی بوده «شاید وقفنامه» که بعدًا آن را محو کرده اند. تملک و مهر مرحوم آقا میرزا سید مجتبی قوام الاسلام فرزند آیه اللّه العظمی صاحب روضات الجنات ظهر نسخه هست.

نسخه دیگری مشابه به این نسخه ما در کتاب (فهرست مرعشی ۱۹: ۲۲۹: ۷۴۱۳)

معرفی شده است.

«۶۱۹» عیون الحکم و المواعظ و ذخیره المتّعظ والواعظ

(حکم و مواعظ _ عربی)

از: علیّ بن محمّـد اللیثیّ الواسـطیّ: «بحارالأنوار، جلـد ۱۷» و چنـانکه به خط کـاتب روی برگ اول نوشـته شـده است: الامام الفاضل العالم السّالک النّاسک الکافی علیّ بن أبی نزار ابن الشرفیّه.

کتـاب: مجموعه نفیسـی است از کلمات قصار حضـرت امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیهماالسـلام به ترتیب حروف، در ۳۰ باب و ۹۱ فصل و ۱۳۶۲۸ کلمه(۱).

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و ظاهرًا در قرن نهم استنساخ شده، و این عبارات در صفحه آخر نوشته شده است.

«نقل هذا الکتاب من نسخه الشیخ نعمان بن الشیخ محمّد الابحیّ نسبًا الشافعّی مذهبًا الصالحیّ مسکنًا و مولدًا». ایضًا: «و نقل من نسـخه تاریخ الفراغ منها الثلاثه ثالث یوم شـعبان سـنه سبع و سـبع مائه و نقلت تلک النّسـخه أیضًا مسـتهلّ شـعبان أربع عشره و ستّماته هجریّه بواسط القصب». أیضًا: «و کان تمام مقابلته لیله الأربعاء عاشر جماد الأوّل سنه ستّ و ثمانین و تسعمأته»، لکن این مطالب بخطّ نویسنده کتاب نیست.

روی برگ اول تملّک علی بن الحاجی موسی به تاریخ ۱۱۲۳ نوشته شده است.

«۶۲۰» نسخه دیگر

نسـخه: خطّ نسـخ زیبـای آیه اللّه العظمی آقـا میرزا سیّد محمّـد هـاشم موسوی چهـارسوقی «۱۲۳۵ _ ۱۳۱۸» کـه به امر پـدر بزرگوارشان آیه اللّه العظمی آقای حاج میرزا سیّد زین العابـدین «۱۱۹۰ _ ۱۲۷۵»، در ایّام نوجوانی اسـتنساخ کرده اند. تاریخ کتابت ندارد. خطّ برادرزاده ایشان آقا میرزا سیّد مجتبی قوام الاسلام روضاتی «۱۳۰۲ _ ۱۳۸۳» مورّخه ماه رجب ۱۳۳۸، و خطّ آیه اللّه چهارسوقی «۱۲۹۴ _ ۱۳۷۷» نیای

ص : ۱۹۲

۱- ۱) این ارقام را مؤلّف خود در مقدّمه کتاب آورده است. توضیـحًا در نسخه های موجود باب سی ام وجود ندارد، و مرحوم آقای حاج سیّد عبد العزیز طباطبائی نجفی «ف یکشنبه هفتم ماه رمضان ۱۴۱۶ در قم»، شـرحی جامع پیرامون کتاب و مؤلّف و نسـخه های آن نوشـته اند که در مجلّد سوم مجموعه «المحقّق الطباطبائی فی ذکراه السنویّه الاُولی: ۱۲۸۸ _ ۱۲۹۵، قم، ۱۳۱۷» چاپ شده است.

گرامی «علیهم الرحمه» در ظهر نسخه هست.

جای سند ۸۹

ص : ۱۹۳

جای سند ۹۰

ص : ۱۹۴

«۶۲۱» عیون الاصول الی علم الاصول

(اصول فقه ــ عربی)

از: مرحوم آقا محمّد مهدی بن الحاجّ محمّد ابراهیم کرباسی اصفهانی ــ علیهماالرحمه ــ

کتاب: یک دوره اصول فقه است از مباحث الفاظ تا ادلّه عقلیّه به نحو اجمال و مؤلّف در آخر آن گفته است که در طهران از تألیف آن فراغت یافته در روز ۲۳ ماه مبارک رمضان ۱۲۵۶ در زاویه سیّدنا عبدالعظیم علیه السلام .

نسخه: بخطّ نسخ خوب محمد صادق تکمچین «تکمه چینی». تاریخ ختم استنساخ: شب ترویه ۱۲۷۰ «یا ۱۲۷۵». و در هامش همین موضع گواهی مقابله سراسر نسخه نوشته شده است.

صفحه اول دارای یک سرلوحه ممتاز و تمام صفحات جدول کشی به طلا و شنگرف و لاجورد و مرکّب است. فهرست مطالب در آغاز نسخه به تفصیل بخطّ کاتب نوشته شده.

«۶۲۲» غایه البادی فی شرح المَبادی

(اصول فقه ــ عربی)

از: عالم محقّق جلیل القدر، محمّد بن علیّ بن محمّد جُرجانی، معروف به رکن الدین استرآبادی غروی نزیل حلّه.

کتاب: شرح به «قال دام ظلّه، أقول» کتاب «مبادئ ¨ الوصول إلی علم الاُصولِ» استادش علاّمه حلّی جمال الدین ابومنصور حسن بن یوسف بن علیّ بن محمّد بن المصهّر ــ قدّس سرّه ــ (۶۴۸ ــ ۷۲۶)، که متن مختصری است در علم اصول فقه آن را به خواهش شیخ تقیّالدین ابراهیم محمّد بصری که در «الحائق الراهنه: ۳» عنوان شده و هیچ شرح حالی ندارد ــ نوشته اند، و به طبع رسیده و چندین شرح بر آن در دست است.

شارح کتاب خود را برای سیّد نقیب عمیدالدین ابوطالب عبدالمطّلب بن النقیب شمس الدین علی ابن المختار علوی حسینی «الحقائق الراهنه: ۱۲۵»، و در زمان حیات شخص علاّمه، به سال ۶۹۷ نگاشته است.

«غایه البادی» در «الذریعه ۱۶: ۱۰» یاد شده، و در «۱۴: ۵۳» به گونه دیگر، و در

«۱۶: ۳۸۱ فهرست تصانیف المولی رکن الدین»، و ترجمه شارح به اختصار در «الحقائق الراهنه: ۱۹۴» و به تفصیل بیشتر در «أعیان الشیعه ۴۶: ۲۹: ۲۴۴۸» آمده است. و اثری از او با عنوان «رساله النقض فی تحریم جرّ النفع بالقرض» به خطّ خود وی و تاریخ تألیف شب سه شنبه شش شب مانده از جمادای دیگر سال هفتصد و پنج، در کتابخانه مرعشیّه قم موجود و در نشریّه المیراث شهاب ۲۳ _ ۲۴: ۴۵» وصف شده است با تصویر صفحه آخر رساله.

آغاز موجود: «قد اختبت معانیها الأبکار فی خفاءِ ألفاظها».

انجام: «و قد تبیّن بطلان القیاس فیما تقدّم. و الان حیث و فینا بما وعدنا به جاز أن نقطع الکلام حامدین للّه... محمّد و أصفیائه».

نسخه: برگ اوّل مفقود شده، و بلهوسی نام کاتب و تاریخ کتابت را از آخر نسخه محو کرده، تنها چند کلمه «علی بن سهان؟ بن احمد» از نام کاتب خوانده می شود.

«سیّدنا الشریف الحسیب النسیب امیر سیّد علی حسینی» نسخه را بر عزّالدین حسین استرآبادی و فرزندش «ابرهیم بن الحسین الاسترآبادی محتدًا» خوانده و این دو تن گواهی بلاغ را متاوبًا در حاشیه همه صفحات نوشته اند.

در پایان نسخه نیز عزّالدین به تاریخ پنجم ربیع الاخر ۹۱۷ انجام قرائت امیر سیّد علی را بر او متعرّض شده است.

روی برگ نخست، مُهر «خداوند اتقی را متّقی کن» _ نظیر مهر نسخه «صافی. ش ۵۶۱» دیده می شود.

کنار صفحات دارای حواشی از «غایه المأمول فی شرح مبادئ الاُصول» و «ولد المصنّف» و جز آنها می باشد.

قطع: ۱۶ × ۲۲، ۱۰۱ برگ، متن و تعداد سطرها مختلف است.(۱)

«۶۲۳» غایه المأمول فی شرح زبده الاصول

(اصول فقه _ عربی)

این کتاب گرانقدر یکی از آثار شیخ جواد بن سعد بن جواد کاظمی مشهور به فاضل

---

۱ – ۱) در سابق ایّام سه نسخه از کتاب مورد بحث در دسترس بود و راقم، مشخصات کامل آنها را به تفصیل نوشته و برای آقای منزوی که مشغول به چاپ «ذریعه» بودند فرستاده ام.

جَوادْ است که «الفوائد العليّه ش ۶۵۹» و «مسالک الافهام» او را نیز پس از این خواهیم شناخت.

او این کتاب را به «قال ـ أقول» در شرح «زبـده الاُصول» اسـتادش مولانا شـيخ بهاءالدّين محمّد ابن حسـين عاملی (مذکور در ذيل «نظام الأقوال» و به دستور آن جناب نگاشت.

مؤلّف کتاب «احوال و اشعار فارسی شيخ بهائی: ۱۰۳ و ۱۶۶ ـ ۱۶۷» پيرامون کتاب «زبده» و حواشی و شروحی که دانشمندان از زمان خود شيخ به بعد بر آن نگاشته اند گسترده سخن گفته است.

نويسـنده فاضل «فهرست دانشگاه ۵: ۱۷۰۱» گويد: «شـيخ بهائی در اين رساله مانند «مختصـر حاجبی» و «تهذيب حلّی» و بسـيار گزيـده تر و فشرده تر از آنهـا؛ همـه مسـئله هـای اصـول را آورد، و ماننـد ايـن حـاجب ـ آن هـم گويـا به پيروی از غزّالی در «مستصفی» ـ نمونه ای از منطق در آغاز آن گذارده است. اين را او در ۱۲ محرّم ۱۰۱۸ به انجام رساند».

سپس در پاورقی از شروح و حواشی کتاب ياد کرده اند.

در «ذريعـه ۱۲:۱۹» که «زبـده الاـصول» را عنوان کرده از تاريـخ تـأليف آن سـخنی نگفته انـد، لکن نسـخه ای مورّخ ۱۰۰۵ در کربلا نشان داده و استظهار کرده اند که از تاريخ اين نسخه معلوم می شود تأليف مقدّم بر اين تاريخ است.

حواشی زبده نيز در «ذريعه ۶: ۱۰۲ ـ ۱۰۳» و شروح آن در «ج ۱۳: ۲۹۷ ـ ۳۰۲» آمده است.

«غايه المأمول» جای گفتگو در «کشف الحجب و الأسـتار: ۳۹۱» ياد شـده و آغاز آن را نقل کرده است، در «ذريعه ۱۳: ۲۹۸ و ۱۶: ش ۶۱» نيز مذکور و نسـخه ای از آن را در کتابخانه مرحوم شيخ علی کاشف الغطاء در نجف اشرف و نسخه يی ديگر در کتابخـانه مـدرسه سـپهسالار طهران و جاهـای ديگر نشان داده انـد. نسـخه يی نيز در کتابخانه دانشـکده حقوق طهران است که مورّخ ۱۲۳۵ می باشـد و در «فهرست حقوق: ۴۰۵» شـناسانده شده است. نسـخه يی ديگر مورّخ ۱۱۷۱ در کتابخـانه تاجر وجيه آقای محمّـد أمين خنجی در طهران، و نسـخه يی نيز در کتابخانه دانشـمند محقّق دکتر حسـين علی محفوظ کاظمينی موجود و هر دو در «مجلّه معهد مخطوطات ۳: ۶۵ و ۶: ۳۶ طبع

ص : ۱۹۷

قاهره» معرّفی شده است.

مؤلّف «أعیان الشیعه ۱۷: ۱۴۶» در وصف این کتاب فرماید: «حسنٌ فی الغایه، و عن بعض النسخ أنّ اسمه «بدایه المأمول»، لکنّ فی أکثرها غایه المأمول». و هم در «أعیان ۵۲: ۱۰» است که شیخ یاسین بن علی بحرانی صاحب «مُعین النّبیه» بر این کتاب حاشیه دارد.

آغاز: «بسم... نحمدک یا من وفّقنا لسلوک طریق العمل بکتابه المبین... أمّا بعد، یقول فقیر رحمه ربّه الغنی: محمّد المشتهر بالجواد الکاظمی، وفقه اللّه لتحصیل مرضاته و تجاوز عن سیّآته: لا یخفی علی أحدٍ شرف علم الأُصول من بین العلوم، حیث إنّه المرقاه الی الفوز بالسّعاده الأبدیّه، والموصل الی معرفه الاحکام الّتی صدع بها سیّد البریّه، و انّ الجاهل به أسیرٌ فی قید التقلید، لا یمنّ علیه بالخلاص، مغلولٌ به ثابتٌ فی عنقه، ولات حین مناص».

«و إنّی کنت کثیراً من الأیّام و مدّه من الدهور والأعوام قد صرفتُ فیه جُلَّ أوقاتی، و حصرتُ فیه کلّ مهمّاتی... و لم أر کتابا یستحقّ التّوجّه بالشّر اشر إلیه والإقبال بهمّه عالیه علیه سوی کتاب «زبده الاصول» لشیخنا و استادنا الإمام العالم العلّامه، منبع العلوم و المعارف، منشأ الأسرار و اللّطائف، مُفصح العویصات الدقیقه من المسائل الّتی لم تَفِ بحلّها الطاقه البشریّه مُظهر الرموز الوثیقه الّتی لم یقدر علی استخراجها الطبیعه أفضل العلماءِ من المتقدّمین و المتأخّرین، أعلم الفضلاء من المدقّقین و المتبحّرین، بل رئیسهم فی المعقول و المنقول و قدوتهم فی الفروع و الأُصول، بهاء الحقّ و الملّه و الدنیا و الدین محمّد العاملی، لازالت أیّام افاداته مشرقهً علی العلماء الأعلام، و أوقات سلامته مستمرّه الإناره من انعکاس أشعّه تأیید الواحد العلّام... .(۱)

«فانتقل ذهنی إلی أنّ مثل هذا الکتاب العظیم و الصراط المستقیم محتاجٌ الی شرح یرفع أستار عویصاته الأبیه... فاستخرتُ اللّه تعالی علی هذا الفعل، فجاء الأمر به، فتوجّهتُ تلقاء مَدین المآرب، و فتحتُ عن أغلاق بعض تلک المطالب، و عرضته علی الأُستاد

---

۱ – ۱) از دقّت در أوصاف بلیغه یی که این دانشمند محقّق مدقّق در حقّ مرحوم شیخ بهاءالدین عاملی به کار برده است موقعیّت ممتاز آن بزرگ مرد را در سالهای پایانی زندگی به خوبی آشکار می کند. (رحمه اللّه علیهما و رضوانه).

المصنّف، فاستحسنه و أمر بإتمامه، فوجّهت الهمّه الى حلّ ألفاظه و بيان معانيه... ناقلاً فيه ما كتب الأُستاد المصنّف من الحواشی الخفيّه... و سمّيته ب_«غايه المأمول، فی شرح زبده الأُصول...».

«قال مدّظلّه بعد الخطبه: و رتّبتها علی خمسه مناهج. أقول:...».

انجام: «و حيث انتهی كلام المصنّف _ مدّ ظلّه _ إلی هذا المقام، فلنقتصر علی ما آتيناه من الكلام، حامدين للّه علی توفيقه... تمّ تأليفه علی يد مؤلّفه جواد بن سعد ابن جواد الكاظمی، شهر ذی الحجّه سنه ألف و سبع و عشرين.

و قد اتّفق الفراغ من تسويد هذا الكتاب... علی يد أقلّ العباد و أحوجهم إلی رحمه ربّه الغنی: محمّد باقر، عفی اللّه عنهما «كذا» و عن والديهما. و كان ذلک فی يوم السبت فی اثنين من شهر محرّم الحرام سنه ۱۰۵۱...».

نسخه: دارای ۲۲۶ برگ، دوروی برگ ۱ و روی برگ ۲ سفيد است، تنها نام كتاب روی برگ ۱ و تملّک نيای معظّم، آيه اللّه العظمی صاحب الروضات مورّخ ماه شعبان ۱۲۷۱ روی برگ ۲ ديده می شود. از آغاز تا انجام اين نسخه آثار تصحيح و مقابله مشهود است، و حواشی بسيار با امضاء «منه عفی عنه» دارد كه با قرائن ديگر می رساند تصحيحات و حواشی بخطّ شارح است. روی برگ آخر در هامش، اين شرح نوشته شده: «قد بلغ هذا الكتاب من أوّله الی آخره، و الحمد للّه ربّ العالمين».

قسمتی از حاشيه برگ ۲۲۵ سابقًا بريده شده و كاغذ سفيد إلصاق كرده اند و معلوم است كه مطالبی در آنجا بوده و نخواسته اند باقی باشد.

ظهر برگ آخر تملّک «عبدالحسين بن عبداللّه المشهور بقطش المسلمی... سند ۱۰۵۷» ديده می شود.

ظهر برگ ۹۶ و ظهر برگ ۱۱۱ دو حاشيه نوشته شده به امضاء «لمحرّره مهدی الموسوی». صفحه اوّل كتاب نيز به خط همين شخص است. اين نويسنده _ كه قطعًا از طايفه آيه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» است _ يا فرزند دانشمند ايشان آقا سيّد محمّد مهدی است كه از مجتهدان اصفهان و دارای تأليفاتی بوده و در ۸ ماه رمضان ۱۲۵۱ متولد و در ۱۳ ذيحجّه ۱۳۲۴ وفات يافته، و يا آقا سيّد محمّد مهدی بن سيد حسن بن العلاّمه حاج سيد حسين موسوی خوانساری؛ صاحب رساله مطبوعه «عديمه

النظیر فی احوال ابی بصیر» که از علماءِ بزرگ و مجتهدین طایفه در خوانسار بوده و به سال ۱۲۴۶ وفات یافته است؛ می باشد.

کاغذ: اصفهانی، خط نستعلیق ۲۳ إلی ۲۸ سطری، جلد تیماج گلی با ترنج، آستر میشن حنائی رنگ، قطع ۱۳ و نیم × ۲۵ و نیم، متن نوعًا ۷ × ۱۸. نام کاتب و تاریخ کتابت در بالا نقل شد.

الفوائد الطوسیّه

(عربی)

از: شیخ محمّد بن حسن بن علی بن محمّد بن حسین، عاملی مشغری، معروف به شیخ حُرّ، از خاندان «بنی الحرّ» در بلاد جبل عامل، قدّس اللّه أسرارهم.

در کتاب «سجع البلابل فی ترجمه صاحب الوسائل: ۵» آمده است که علّت اشتهار این خاندان به حُرّ را خود شیخ حرّ در حاشیه نسختی از «أمل الامل» گوید از آن جهت که نسب به حرّ بن یزید ریاحی ــ شهید طفّ ــ می رسانند، و در «الفوائد الرضویّه: ۱۱۱ و ۴۷۶» محدّث قمّی است که برادر شیخ حرّ در کتاب «الدّر المسلوک» نیز به این مطلب تصریح فرموده است.

عاملی نیز نسبت به جبل عامل است، و مَشْغَری ــ بفتح میم و سکون شین و فتح غین معجمه وراء ــ (۱) دهکده ای است در جبل عامل که شیخ حرّ ــ چنان که خود در «أمل الآمل: ۲۴» فرموده ــ شب جمعه هشتم ماه رجب ۱۰۳۳ در آنجا به دنیا آمده است. در خاندان حرّ نوابغ علمی بسیار موجود آمده اند که سرآمد همه، شیخ محمّد حرِّ مذکور است، و در «خطط جبل عامل ۱: ۲۹۴ ــ ۲۹۵» و «سجع البلابل» از بیست نفر رجال دانشمند دیگر این خاندان یاد شده است.

شیخِ حرّ از دانشمندان بزرگ عهد صفوی است که بیش از سی سال از نیمه آخر عمر خود را در ایران به سر برده و در طوس ــ مشهد مقدّس رضوی ــ مجاور بوده است.

«۶۲۴» غایه المرام فی شرح تهذیب الاحکام

(حدیث ــ عربی)

ص : ۲۰۰

---

۱ – ۱) در «معجم البلدان ۵: ۱۳۴» یاقوت و «خطط جبل عامل ۱: ۲۹۳ ــ ۲۹۵» تألیف صاحب «أعیان الشیعه» و «المنجد فی الأدب و العلوم: ۴۹۹» همه «مشغری» را به شکل فوق ضبط کرده اند، لکن در «قصص العلما: ۲۸۹» و مقدمه طبع جدید «وسائل الشیعه: کج» آن را بفتح میم و فتح شین و سکون غین نوشته اند.

یا:

البحور الزاخره

فی شرح أحادیث العتره الطاهره

از: سیّد نعمه اللّه جزائری شوشتری، صاحب «زهرالربیع. ش ۴۵۲».(۱)

کتاب: شرح «تهذیب الأحکام» شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی قدس سره است در هشت «یا هفت» مجلّد. به «قوله...».

نسخه: مجلّد چهارم کتاب است در شرح کتاب حجّ، و سپس مجلّد پنجم در شرح کتاب مزار تا آخر کتاب محاسب.

تاریخ ختم تألیف مجلّد چهارم: روز شنبه اواخر جُمادای یکم ۱۰۹۵ در مدرسه مؤلّف واقع در نزدیکی مسجد جامع، و در همین خاتم به هر دو نام کتاب تصریح کرده است. تاریخ ختم تألیف مزار: عصر ثلاثاء جمادای دوم همان سال و در همان مدرسه. تایخ ختم تألیف جلد پنجم: چهارشنبه ۱۳ جمادای یکم ۱۰۹۶ در اصفهان «فی زمن دوله السلطان المؤیّد شاه سلیمان».

کاتب هر دو مجلد: صفرعلی بن اسمعیل نجف آبادی اصفهانی «حسب الفرموده اقدس ارفع... حاجی میر محمد علی مدرّس دارالسلطنه اصفهان».

تاریخ ختم استنساخ مجلّد پنجم: دوشنبه نهم ذی القعده ۱۲۵۳.

با وجود بلاغ مقابله، اثری از مقابله و تصحیح دیده نمی شود.

تعداد اوراق نوشته هر دو مجلّد چنانکه کاتب در گوشه صفحات رقم کرده (۲۳۴ برگ) است، و فهرست کتب و ابواب با تعیین عدد اوراق بخطّ کاتب در آغاز نسخه نوشته شده. و ایضًا: تعداد ابیات هر دو جلد از این نسخه چنین ضبط شده است: «سی جزو تخمینًا ۲۶۵۰۰ بیت است».

---

۱ – ۱) شرح حال و آثار ایشان را مرحوم آقای حاج سیّد محمد جزائری «متوفی ۱۴۲۶» در کتاب «نابغه فقه و حدیث. چاپ دوم، قم، ۱۴۱۸»، و گروهی از اعقاب آن مرحوم را در کتاب «شجره مبارکه، یا برگی از تاریخ خوزستان، جلد اول، اهواز، بی تا»، همه را به تفصیل نوشته اند. تولد سیّد نعمه اللّه به سال ۱۰۵۰ در دهکده صباغیّه جزائر. وفات در شب آدینه ۲۳ شوّال ۱۱۱۲ در منزل جایدرفیلی. پیرامون «غایه المرام» و مجلّدات و نسخ خطی آنها نیز در «نابغه: ۷۷ ــ ۹۳» گسترده سخن گفته اند.

«۶۲۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد ششم است در شرح کتاب تجارات تا آخر نکاح.

تاریخ تألیف: روز جمعه هشتم صفر ۱۰۹۷، در اصفهان.

نام کاتب ندارد. تاریخ کتابت: ۱۲۴۱.

تملّک و مُهر آیه اللّه حاج شیخ محمّد باقر «نیای گرامی»، فرزند آیه اللّه آقا شیخ محمّد تقی صاحب «هدایه المسترشدین» (علیهماالرحمه) در ظهر نسخه هست.

نیز، این عبارت: عدد ابیات کتاب تقریبًا ۱۴۸۴۰ بیت.

«۶۲۶» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد آخر کتاب است از شرح کتاب طلاق تا آخر دیات.

تاریخ فراغت از تألیف این مجلّد در مدرسه مؤلّف واقع در جوار مسجد جامع شوشتر: صبح روز دوشنبه دوازدهم ربیع دوم ۱۰۹۹.

در آغاز این مجلّد گوید: «... بأنْ وفّقه لتمام مجلّدات ستّه من شرح هذا الکتاب الموسوم بغایه المرام فی شرح تهذیب الأحکام، و قل جائت نوبه المجلّد السابع...».

و در خاتمه گوید: «... کتبتُ شرحًا مبسوطًا علی عبادات هذا الکتاب فی مجلّدات عدیده، و حیث انّ فیه نوعًا من الاطناب و ضربًا من الاسهاب... فمن ثمّ عدلنا الی اختصاره... فصار ثمان مجلّدات».

تاریخ استنساخ: ۲۳ ماه شعبان ۱۲۵۳، نام کاتب به نظر نرسید.

روی برگ اول شماره ابیات این جلد ۱۷۶۴۰ بیت تعیین و فهرست کتب این جلد نیز ثبت شده، نیز کاتب نوشته است که نسخه را «حسب الفرموده اقدس ارفع... حاجی میر محمدعلی مدرّس دارالسلطنه اصفهان» استنساخ کرده است.

آثار مقابله در حاشیه ها دیده می شود.

«۶۲۷» غایه المَرام فی شرح شرائع الاسلام

(فقه ــ عربی)

از: شیخ مُفلح بن حسن صیمری، صاحب «کشف الالتباس. ش ××». از فقهاءِ جلیل القدر سده نهم: «الضیاء اللّامع: ۱۳۷ ــ

۱۳۸»، «أعیان الشیعه»، «تکمله أمل الامل

۶. ش ۲۵۴۶» و «تاریخ العراق بین احتلالین ۳: ۶۹ _ ۷۰». تاریخ تولّد و وفاتش معلوم نیست. نیای گرامی «أعلی اللّه مقامه» در «روضات الجنّات: ۶۳۸ ط ۲» شرح حال و آثار شیخ مفلح «علیه الرحمه» را آورده و در حاشیه مدح بلیغی از «غایه المرام» او فرموده و به این جمله خاتمه داده اند که: «وجدْتُه أسهل کتب الفنّ تناولاً و أکثرها فائدهً و منفعهً للفقیه النّبیه».

نام پدر شیخ در «روضات» و نسخه های «أمل الامل» حسین است و در جاهای دیگر حسن.

در فهرست حاضر ذیل عنوان «مناهج الیقین» نیز از او یادی خواهد شد.

کتاب: در شرح «شرایع الاسلام» محقّق حلّی است در دو جزء، به «قال. اقول».

نسخه: به خطّ «علی، غلام به اخلاص صاحب کتاب شیخ علی جزائری» است، ختم کتابت جزءِ دوم: بیستم محرّم ۱۰۳۴، هر دو جزء در یک مجلّد است. روی برگ اوّل یادداشتهایی بوده برای محو کردن آنها کاغذ سپید چسبانیده اند.» نسخه، از کتابخانه مرحوم حاج محمّد جعفر بن محمّد صفّی آباده ای مجتهد اصفهانی بوده است.

«۶۲۸» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل است از طهارات تا وصایا.

نام کاتب ندارد. تاریخ ختم استنساخ: چهارشنبه نهم ماه شعبان ۱۲۴۵. برگ اوّل نسخه ای که از روی آن نوشته شده ناقص بوده و لذا در این نسخه مقداری از سرآغاز کتاب نیامده است. اثر تصحیح و مقابله و تحشیه ندارد.

«۶۲۹» غررالحکم و دررالکلم

(حدیث _ عربی)

از: ناصح الدین ابوالفتح عبدالواحد بن قاضی محمّد بن عبدالواحد آمِدی تمیمی «نیمه اوّل قرن ششم».(۱)

کتاب: مجموعه یی است از کلمات قصار منقول از حضرت امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیهماالسلام به ترتیب حروف، و مکرّر چاپ شده است.

نسخه: بخطّ طهماسب قلی است، تاریخ کتابت ۱۰۵۰. شخصی نسخه را در ماه

---

۱ – ۱) مرحوم آقای حاج سیّد عبدالعزیز طباطبائی نجفی پیرامون آمدی و کتاب و نسخه های کتاب و متعلّقات آن به تفصیل بحث کرده اند: «المحقّق الطباطبائی فی ذکراه السنویه الاولی ۳: ۱۲۸۱ _ ۱۲۸۵».

شعبان ۱۱۰۶ در شروان به مبلغ ۵/۷ قران خریده، همو «تاریخ ولادت نورچشمی حورالنساء خانم در شب جمعه نهم ماه رمضان ۱۱۳۶» نوشته. تملّک و مهر «یا محسن قد أتاک المسیء ۱۰۷۴» و مهر نیای گرامی، مرحوم آقا آیه اللّه آقا میر محمّد صادق موسوی مجتهد یکی از برادران معظّم آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» ظهر نسخه است.

حاشیه یی بخطّ پدر بزرگوارشان مرحوم آیه اللّه العظمی آقای حاج میرزا زین العابدین مجتهد در هامش نسخه دیده می شود.

«۶۳۰» نسخه دیگر

نسخه: بخطّ احمد بن محمود بن عبدالصمد بن محمّد بن احمد بن اسمعیل حسینی کیلکی، تاریخ کتابت: ربیع الاوّل ۹۵۷، از کتابخانه نیای گرامی راقم، آقا میرزا سیّد جلال الدین روضاتی. کتاب «الفضائل» ابن شاذان «ش ۶۷۶» این نسخه هست.

«۶۳۱» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است.

آغاز موجود: «علم مستفاده الاعتبار یفید الرشاد».

انجام: «لا تخلفنّ وراءک شیئًا من الدنیا فانّک تخلفه... بمعصیته اللّه».

ظاهرًا از آثار قرن ۱۲ می باشد.

«۶۳۲» غررالفوائد و درر القلائد

(محاضرات ـ عربی)

از: سیّد مرتضی علم الهدی ابوالقاسم علیّ بن الحسین بن موسی حسینی موسوی بغدادی علیه الرحمه.

کتاب: در محاضرات و ادب و تفسیر آیات و توضیح احادیث است و مکرّر بطبع رسیده، و به نام «اَمالی ـ یا مجالس ـ سیّد مرتضی» مشهور است.

نسخه: بخطّ علیّ بن احمد بن کمال بن ابراهیم بن مرتضی بن جعفر حسینی که برای خزانه شیخ اعلم اکرم افضل جمال الدین حسن بن علی بن ناصر بن علی خطّی مولد، اُوالی محتِد، احسائی منشأ الملّه و نگاشته است. فراغت از کتابت جزء اوّل (ص ۳۱۷، ج ۱ طبع اخیر مصر): شب شنبه ۱۱ صفر ۹۵۶، و از جزء آخر: عصر دوشنبه ۱۴ ذی الحجه

۹۵۵. سپس تکمله «تتمّه» کتـاب است که مع الاـسف برگ آخر آن مفقود شـده است. روی یکی از اوراق نسـخه مهر «ان اللّه جمیـل یحبّ الجمـال» و «عبـده جمـال» دیـده می شود. نسـخه از کتابخـانه نیای نگارنـده مرحوم آیه اللّه آقا سیّد جلال الـدین روضاتی «اعلی اللّه مقامه» بوده است.

«۶۳۳» نسخه دیگر

نسـخه: بخـطّ نسـتعلیق عنـایت اللّه اکبرآبادی. تاریـخ ختم اسـتنساخ: دهم جمادی الآخر سـنه ۴۸ «ظـاهرًا ۱۰۴۸». اثر تصـحیح و امتیازی ندارد.

«۶۳۴» غنیه النزوع فی الاُصولین و الفروع

(اصول فقه ــ عربی)

از: سیّد عزّالدین ابوالمکارم حمزه بن علی بن زهره الحسینی الحلبی المتوفی بحلب / ۵۸۵.

کتاب: در مباحث اصول کلام و اصول فقه و فقه امامیّه است و بطبع رسیده.

نسـخه: تنها شامل مبحث اصول فقه است، کاتب: محمد علی بن حاجی عبداللّه الهرندی از دانشمندان، ختم استنساخ: روز شنبه هفتم ذیقعده ۱۲۳۷.

«۶۳۵» فارسی هیئت

(هیئت ــ فارسی)

از: ملّا علی قوشجی

نسخه: بخطّ محمدعلی کرونی. تاریخ ختم استنساخ: عصر پنجشنبه غرّه جمادای دیگر ۱۲۲۷ در قریه طهران کرون.

«۶۳۶» فتح الباب إلی الحقّ والصّواب

(اصول فقه ــ عربی)

از: محمّد بن عبد النّبی نیشابوری معروف به میرزا محمد أخباری(۱).

کتـاب: در ردّ بر قائلین به اِنسـداد باب علم است که به خواهش مولی عبدالحسـین ظاهرًا از شاگردانش تألیف کرده و در پایان آن به او اجازه روایت این کتاب و سایر تألیفات و مرویّاتش را داده است. تاریخ ختم تألیف: شنبه اوّل محرم ۱۲۱۰.

نسـخه: نام کاتب ندارد. در اوائل نسـخه حاشـیه ای است به امضاء «لمحرّره مهر علی» که ممکن است کاتب نسخه باشد. تاریخ

ختم استنساخ: ذی القعده ۱۲۱۰.

۱- ۱) شرح حال و آثارش در عموم کتب تراجم، از جمله در آخر «رجال حاج ملّا علی کنی «علیه الرحمه» آمده است.

در پایان نسخه سؤال و جوابی از مولانا محمد باقر بن محمد تقی بخطّ کاتب نسخه نوشته شده است. تملّك و مهر مرحوم آقا شیخ محمّدرضا ابوالمجد ظهر نسخه هست. ایضًا: نام کتاب و دو بیت وی به خطّ کاتب (۱۸۹ _ ۶۱۶۵) از مثنوی به خط کاتب.

قرّه العین

فهرست فصول کتاب

فصل ۱_ تعریف کلمه و کلام ۲_ تعریف إعراب ۳_ تقسیم معرب ۴_ تقسیم إعراب ۵ _ تقسیم فعل ۶_ مرفوعات أسماء ۷_ اسمهای معرفه و نکره ۸ _ مبتدا و خبر ۹_ اسم و خبر کان ۱۰_ حروفی که عمل «لیس» می کنند ۱۱_ حروف مشبهه بفعل ۱۲_ لای نفی جنس ۱۳_ أفعال مقاربه ۱۴_ عسی و اخلولق و أوشك ۱۵_ أفعال قلوب ۱۶_ فاعل ۱۷_ حذف فاعل ۱۸_ باب اشتغال ۱۹_ تنازع عامل ۲۰_ مفعول به ۲۱_ منادی ۲۲_ مفعول له ۲۳_ مفعول فیه ۲۴_ مفعول معه ۲۵_ حال ۲۶_ تمیز ۲۷_ استثناء ۲۸_ نصب به اختصاص ۲۹_ حروف جرّ ۳۰_ حذف تنوین از مضاف ۳۱_ چهار چیز که عمل فعل می کنند ۳۲_ مصدر ۳۳_ اسم فاعل و اسم مفعول ۳۴_ معمول صفت مشبهه ۳۵_ ألفاظ تعجّب ۳۶_ اسم تفضیل ۳۷_ نعم و بئس ۳۸_ نعت ۳۹_ توکید لفظی و معنوی ۴۰_ عطف بیان ۴۱_ عطف نسق ۴۲_ عطف به ضمیر منفصل ۴۳_ بدل ۴۴_ نواصب فعل مضارع ۴۵_ نصب به «أن» ۴۶_ جوازم ۴۷_ حذف شرط إن ۴۸_ مبحث «لو» ۴۹_ تذکیر و تأنیث وزن فاعل ۵۰ _ أسباب منع صرف ۵۱ _ اقسام وقف ۵۲ _ کتاب ألف بعد از واو جمع.

نسخه: دارای ۸۲ برگ، ۲ برگ اول و آخر عطف و سفید است، روی برگ ۲ نیز سفید است، کاغذ فرنگی آهار و مهره شده، جلد تیماج سبز یک لا، خط نسخ ۱۴ سطری، عناوین به سرخی، بالای رؤوس مطالب و شواهد شعری نیز خط کشیده، قطع ۱۴ × ۲۱، متن ۷ و نیم × ۱۴، نام کاتب و تاریخ تألیف در بالا از انجام نسخه نقل شد، تاریخ کتابت ندارد، و کاتب، آقا سیّد عیسی بن محمد علی برادرزاده مؤلّف گرامی و پدر سیّد جمال واعظ مشروطه خواه معروف اصفهانی «مقتول در ۱۳۲۶» است.

تنها در یک جای نسخه حاشیه ای مختوم به «منه، دام ظلّه» به خطّ کاتب نوشته شده.

ص : ۲۰۶

نگارنده این فهرست نسخه را با نسخه آقای الفت مقابله و تصحیح کرده و در «۲۸ شوّال ۱۳۶۷» از آن فراغت یافته است.(۱)

«۶۳۷» فتوح المؤمنين

(مواعظ _ فارسی)

از: فتح اللّه بن عزیز اللّه الأیادی، که مع الأسف تا حال نام او و کتابش را جایی نیافته ایم، جز این که نویسنده این کتاب نفیس دانشمندی شیعی مذهب و ظاهرًا از واعظان مبرّز عصر بوده است، و از آخرین فصل باب یکم عصر نگارنده به خوبی روشن می شود. وی این فصل را «در ذکر پادشاه عالم پناه شاه طهماسب، الصفویّ الحسینیّ، خلّد اللّه ملکه و سلطانه...» نگاشته، و چنان که معلوم است شاه طهماسب دومین شاه صفوی روز ۴شنبه ۲۶ حجّه ۹۱۹ به دنیا آمد، و روز دوشنبه ۱۹ شهر رجب ۹۳۰ «روز درگذشت پدرش شاه اسمعیل» به تخت نشست، و صبح سه شنبه ۱۵ ماه صفر ۹۸۴ بدرود زندگی گفت.(۲)

پس مؤلّف کتاب را میان سالهای ۹۳۰ _ ۹۸۴ تألیف کرده است.

فتوح المؤمنین مشتمل بر ۴۱ باب پیرامون وظائف شرعی و فضائل اخلاقی است، و معمولاً هر باب دارای چند فصل است، و در هر فصل آیاتی از قرآن مجید و روایاتی از پیغمبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم و ائمّه اطهار علیهم السلام نقل می کند و هم حکایتهای اخلاقی بسیار و اشعار فارسی بی شمار می آورد، و عمومًا در آغاز ابواب اشعاری در مناجات و اشعاری در نعت سیّدالمرسلین صلی اللّه علیه و آله و سلم و هم اشعاری در منقبت شاه اولیاء علی علیه السلام ذکر می کند. گویی بیشتر قصد مؤلّف از تألیف این کتاب دستوری برای اهل وعظ و منبر بوده که از آن استفاده کنند و مطالبش را برای شنوندگان نقل نمایند.(۳)

۱- ۱) در تاریخ غرّه ذی الحجّه ۱۴۰۹ «۱۴ تیرماه / ۱۳۶۸» طالب علم جوانی به نام «سیّد محمدعلی بن سیّد محمّد طباطبائی آل بحرالعلوم» که گویا در دانشگاه تهران اشتغال به تحصیل داشت، به اصفهان آمده و او نسخه موصوفه «قرّه العین» تصویری تهیّه کرده با خود به همراه بردند. ده سالی پس از آن زمان که کتاب را از روی تنها همین نسخه با مقدّمه کوتاه و «دارای چند اشتباه» و فارسی در پایان، در سلسله انتشارات دانشگاه تهران «به شماره ۲۳۹۰» در ۲۶۷ صفحه به چاپ رسانیدند.

۲- ۲) کتاب «شاه طهماسب صفوی» اثر مرحوم دکتر عبدالحسین نوائی گنجینه بسیار ارزشمندی است. در (ص ۱۷) گوید که وی ۵۳ سال و ۶ ماه و ۲۰ روز سلطنت داشت و ۶۴ سال و یک ماه و ۱۹ روز در این دنیا زیست.

۳- ۳) چنان که در پایان باب ۱۸ گوید: الهی! خداوندا! حاضران این مجلس و خوانندگان و شنوندگان را بیامرزی و رحمت کنی... .

از «فتوح المؤمنين» نسخه يى در كتابخانه مركزى دانشگاه تهران موجود است كه در «نشريّه كتابخانه مركزى ۱: ۲۲۱» به نام «أخلاق جرجانى» اجمالاً معرّفى، و براى اطّلاع بيشتر لازم است به فهرست آن كتابخانه رجوع شود. در «احياء الداثر: ۱۷۶ ـ ۱۷۷» نيز به چند نسخه ديگر اشاره شده است.

آغاز: [... حمد و ثناى أتمّ، حضرت وَدودى را كه صفاى مودّت و وفاى محبّت را تاج و طوق جانهاى شيفتگان عكس جمال... ذوق سوختگان سبحان جلال ساخت. رؤوفى كه مخموران دُرود درد فراق و معموران سوزاشتياق... افراح شراب إفضال به نواخت. لطيفى كه لطائف جودش ناقصان ظلمت خاك را به تَوالى رشاش... كمال بخشيد. جميلى كه از ساقى كؤوس أنوار جمالش مهجوران باديه حرمان و هيمان و رنجوران زاويه... شربت وصال رسيد، و به اظهار آثار نفس رحمانى سايرانِ عرصه وجود را بارِ عام داد و به أمطار أسرار حقايق و إلهام؛ خطّه شهود را آرام داد.

و صلوات زاكيات و درود ناميات بر صاحب لواى كوثر و مقتداى أهل.... بحر عالم توحيد و بدر فلك تحقيق، كه كاشفان أسرار عرفان و واصفان أنوار وجدانند، خصوصًا حضرت اميرالمؤمنين و امام المتّقين علىّ بن أبى طالب... عليهم الصلوه و السلام.

امّا بعد، چنين گويد مؤلّف اين رساله، الفقير الحقير إلى رحمه اللّه الملك... فتح اللّه بن عزيز اللّه الأيادى، كه عزيزى از برادران دينى و فرزندى از فرزندان طريقى كه همگى همّت خود... و علوم دينى مصروف داشته، و جز خلوص عقيده با اين كمينه نداشته؛ از كمال اخلاص و نور «و وفور: ظ» اختصاص، ازين بنده ضعيف... كه از براى طالبان؛ نسخه اى تحرير و ترقيم كن كه به وسيله آن در علم طاعت و عبادت بيفزايد و از جهل و عصيان... و سبب طاعت ما شود و بر صفحه صحيفه روزگار يادگار مانَد، مزيّن به آيات قرآن ملك علاّم و أحاديث پيغمبر صلى اللّه عليه و آله و سلّم و از حكايات و روايات أئمّه معصومين عليهم السلام و از أكابر دين از هر كتابى از نثر... تا بر تمامت مؤمنين و مؤمنات حجّتى قاطع باشد. هرچند اين بنده گنهكار و ضعيف بى مقدار خود را... كه بدين جرأت إقدام نمايد، و خود را از حساب مقيّدان دين «كذا» شمرد. فأمّا چون حضرت رسالت پناه

محمّـدی... سُـئل عن علم یعلمه فکتمه اُلجم بلجام من النار؛ نخواست که در زمره این طائفه باشـد که حدیث خبر می دهد... به حکم این حدیث که: العلم لا یحلّ منعه، بر خود فرض عین دانست.

پس بنابراین...(۱) ترتیب و ترکیب این کتـاب «فتوح المؤمنین» شـروع کرد، و مرتّب گردانیـد به مقـدّمه و چهـل و یـک باب و خـاتمه. کسـانی کـه ایـن رسـاله را دریابنــد سودمنـد دنیـا و آخرت شونـد ان شـاءاللّه. حـقّ سـبحانه و تعـالی بر خواننـدگان و نویسندگان و شنوندگان و یاد گیرندگان و عمل کنندگان و بر مؤلّف رحمت کناد.

إلهی! بحق عزّت و جلال خودت که دیـده عیب گویان و حسـد حاسـدان از این بنده ضـعیف گناه کار در پوشان. اگر عیبی یا سهوی از زبان قلم واقع شود از کرم بزرگی و لطف و شـفقت خود آن را اصـلاح نماینـد، خـدای عالم بر ایشان رحمت کند و بیامرزد، و باللّه التّوفیق. باب اوّل: در بیان توحید و عدل...].

انجام نسـخه: [شـهرش را گفت که «لا اُقسم بهـذا البلـد»، غربتش را گفت که «إنّ الّذی فرض علیک القرآن لرادّک إلی معاد»، حکمتش را گفت که «حتّی یحکّموک»، نماز و عبادتش را گفت که «إنّ صلوتی و نسکی»].

فهرست مطالب و أبواب و فصول: خطبه، حمد و ثنای إلهی و مناجات و درود و ثناء بر پیغمبر اکرم صـلی اللّه علیه و آله و سلم و أئمّه اطهار علیهم السلام به نثر و نظم.

باب ۱ـ مشتمل بر پنج فصل. توحید، عدل، نبوت، إمامت، معاد. فصل دیگر، در ذکر پادشاه عالم پناه شاه طهماسب.

باب ۲ـ در فضـیلت علم و عالم و متعلّم. خطبه. مناجات. نعت و منقبت. فصل ۱ در فضیلت علم(۲). ف ۲ در بیان قرآن خوانان و متعلّمان و غیره. ف ۳ در شرح احوال قاضیان و منجّمان.

باب ۳ـ در فضـیلت نماز و غیره. خطبه. مناجات. نعت و منقبت. ف ۱ در بیان نماز یومیّه. ف ۲ در بیان عذاب تارک نماز. ف ۳ در نماز حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام . ف ۴ در نماز هفته. ف ۵ در بیان نوافل. ف ۶ در فضیلت شب نیمه شعبان که مولود صاحب الأمر است. ف ۷ در بیان زیارت امام حسین. ف ۸ در فضیلت نماز هفته.

۱- ۱) همه مواضعی که تا اینجا نقطه گذاردیم از نسخه محو شده است.

۲- ۲) در آغاز این فصل گوید: محمدابراهیم در کتاب «تنبیه الغافلین» آورده... .

باب ۴_ در فضیلت ثواب روزه. الخطبه... ف ۱ در بیان فضیلت و ثواب روزه ماه رمضان المبارك. ف ۲ در بیان فضیلت روزه ماه رجب. ف ۳ در فضیلت روزه ماه شعبان. ف ۴ در بیان روزه حرام.

باب ۵ _ در بیان فضیلت زکوه و غیره. الخطبه... ف ۱ در فضیلت زکوه. ف ۲ در فضیلت حجّ. ف ۳ در فضیلت جهاد.

باب ۶_ در بیان وصف دوزخ و هول قیامت. خطبه... ف ۱ در بیان صفت بهشت و عذاب و دوزخ(۱). ف ۲ در بیان صفت دوزخ و عقاب و عتاب. ف ۳ در بیان احوال قیامت.

باب ۷_ در صفت خمرخوارگان و قمار و غیره. خطبه... ف ۱ در عذاب خمر خواره. ف ۲ در عذاب بنج خواره. ف ۳ در بیان قمار و شطرنج. ف ۴ در بیان موعظه.

باب ۸ _ در بیان زنا کنندگان و لواطه و غیره. الخطبه المنظومه... ف ۱ در بیان زنا. ف ۲ و ۳ در موعظه. ف ۴ در بیان عذاب لواطه.

باب ۹_ در بیان عذاب رباخوارگان و أنبارداران. الخطبه... ف ۱ در بیان رباخوارگان. ف ۲ در بیان عذاب انبارداران. ف ۳ در موعظه.

باب ۱۰_ در بیان غیبت و بهتان و موعظه. خطبه... ف ۱ در بیان غیبت و بهتان. ف ۲ در موعظه.

باب ۱۱_ در بیان سخاوت و بخل. الخطبه المنظومه... ف ۱ در بیان سخاء و کرم. ف ۲ در بیان بخیل.

باب ۱۲_ در بیان فضیلت شکرباری. الخطبه... ف ۱ در بیان شکر باری تعالی. ف ۲ در بیان موعظه.

باب ۱۳_ در بیان صبر و شکیبایی. التمجید. ف ۱ در بیان صبر کردن. ف ۲ در موعظه.

باب ۱۴_ در بیان توکّل بر خدای تعالی. خطبه...

باب ۱۵_ در بیان احسان و خیرات و صدقات.

باب ۱۶_ در بیان توبه و استغفار و موعظه. خطبه... ف ۱ در بیان توبه. ف ۲ در بیان

۱- ۱) درین فصل گوید: مولانا حسن شیعی در کتاب «مصابیح» آورده... .

استغفار. ف ۳ در بیان موعظه.

باب ۱۷_ در بیان إکرام ضیف و همسایگان. مناجات... ف ۱ در إکرام ضیف. ف ۲ در بیان إکرام همسایه. ف ۳ در بیان موعظه.

باب ۱۸_ در بیان حقوق والدین و زوج و زوجه و خدمه و عبد و أقارب. خطبه... ف ۱ در بیان حقوق والدین. ف ۲ در آداب نکاح و حقوق زوجه بر زوج و زوج بر زوجه. ف ۳ در حقوق فرزند با والدین. ف ۴ در حقوق خادم و بنده و زیردستان. ف ۵ در حقوق صحبت و اخوّت و شرایط صداقت.

باب ۱۹_ در بیان امانت و دیانت. التحمید. ف ۱ در امانت. ف ۲ در موعظه.

باب ۲۰_ در بیان ثواب صلوات. ف ۱ در بیان صلوات. ف ۲ موعظه.

باب ۲۱_ در بیان موت و فوت. مناجات... ف ۱ در بیان موت. ف ۲ در وفات حضرت سیّد کائنات صلی اللّه علیه و آله و سلم. ف ۳ در وفات حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام . ف ۴ در شهادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام .

باب ۲۲_ در بیان خوف و ترس إلهی. مناجات...

باب ۲۳_ در بیان امر به معروف و نهی از منکر. مناجات... ف در امر به معروف و فضائل و شرایط و آداب آن [حضرت امیر سیّد احمد همدانی _ علیه الرحمه _ در کتاب «ذخیره الملوک» بیان فرموده...(۱)].

باب ۲۴_ در بیان حکمت باری تعالی. تمجید... ف ۱ در بیان حکمت. ف ۲ در بیان إخلاص. ف ۳ در دعا. ف ۴ در موعظه.

باب ۲۵_ در بیان حیا و عفّت. التمجید... ف ۱ در بیان حیا. ف ۲ در بیان عفّت. ف ۳ در موعظه.

باب ۲۶_ در فضیلت حلم. تمجید... ف ۱ در حلم. ف ۲ در بیان خلق و رفق. ف ۳ در موعظه.

باب ۲۷_ در بیان عجب و تکبّر. تمجید...

---

۱ - ۱) در این فصل گوید: «پس امر معروف را چهار رکن باشد. اول محتسب. دوم احتساب. سوم محتسب علیه. چهارم محتسب فیه. و صحّت هر رکن ازین ارکان موقوف است به حصول شرایط و آداب آن». سپس در شرایط و آداب ارکان چهارگانه به تفصیل سخن گفته است.

باب ۲۸_ در بیان شفقت و صدق. تمجید... ف ۱ در بیان شفقت. ف ۲ در بیان صدق. ف ۳ در بیان لجاج. ف ۴ در بیان موعظه.

باب ۲۹_ در بیان تواضع و نکوهش تمجید... ف ۱ در تواضع. ف ۲ در نکوهش و خرسندی. ف ۳ در قصّه عُزیر پیغمبر علیه السلام .

باب ۳۰_ در بیان علوّ همّت. تمجید... ف ۱ در بیان علوّ همّت. ف ۲ در بیان جدّ و جهد. ف ۳ در موعظه. ف ۴ در بیان دخمه نوشیروان.

باب ۳۱_ در بیان رزق و پرستش خدای تعالی. تمجید... ف ۱ در رزق. ف ۲ در پرستش خدای تعالی. ف ۳ در موعظه. ف ۴ در صفت کوه قاف و لوای حمد حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم.

باب ۳۲_ در فضیلت خاموشی و تنها نشستن. تمجید... ف ۱ در خاموشی. ف ۲ در بیان تنها نشستن. ف ۳ در موعظه.

باب ۳۳_ در بیان دوستی باری تعالی. تمجید... ف ۱ در دوستی باری تعالی... ف ۲ در بیان یاد کردن خدای تعالی.

باب ۳۴_ در بیان وفاداری. تمجید... ف ۱ در بیان عهد. ف ۲ در موعظه.

باب ۳۵_ در بیان عدالت و مشاوره. تمجید... ف ۱ در عدالت. ف ۲ در مشاورت و تدبیر. ف ۳ در موعظه.

باب ۳۶_ در بیان شناختن نفس خود و راه شیطان. تمجید... ف در بیان شناختن نفس.

باب ۳۷_ در بیان شناختن دنیا و خرسندی قضا. تمجید... ف ۱ در شناختن دنیا. ف ۲ در پسندکاری بقضا.

باب ۳۸_ در بیان دفع أشرار. تمجید...

باب ۳۹_ دریغ خوردن بر دنیا و یقین داشتن به خدای تعالی و موعظه و تمجید...

باب ۴۰_ در بیان دوستی أهل بیت پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم. تمجید، فصل ۱ در...(۱) ف ۲ در بعضی از مهربانی و شفقت که حضرت رسالت پناه محمّدی صلی اللّه علیه و آله و سلم و أهل البیت علیهم السلام با شیعه خود نموده اند. ف ۲ در بیان دوستی أهل البیت. ف ۳ در بیان وفاداری شیعیان. ف ۴ در بیان آن که شیعیان و محبّان حضرت أمیرالمؤمنین

۱- ۱) برخی از عنوانهای این باب را در اصل کتاب از روی تعصّب محو کرده اند.

علی علیه السلام را از برای خدای تعالی دوست می باید داشت. ف ۵ در بیان آن که برآوردن حاجت شیعیان چه مقدار ثواب دارد. ف ۶ در بیان آن که هر که در طریق محبّت أهل بیت أطهار و أولاد أبرار ایشان از سر تحقیق و راستی قدم اخلاص نهاده دست اعتصام بحبل المتین استوار ساخته... ف ۷ در موعظه.

باب ۴۱ــ در بیان وصیّت و ختم کتاب. تمجید. نعت سیّد المرسلین. منقبه علیّ ولیُّ اللّه. ف ۱ در بیان وصیّت نامه سیّد کائنات. ف ۲ در وصیّت حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام . ف ۳ در بیان وصیّت نامه حضرت نبیّ اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم. ف ۴ در ذکر حضرت رسالت پناه محمّدی صلی اللّه علیه و آله و سلم. ف ۵ در ذکر أعضای آن حضرت.

«پایان فهرست مطالب»

نسخه: دارای ۲۱۸ برگ، روی برگ ۱ مطالب چندی نوشته شده، کاغذ دولت آبادی، جلد تیماج قهوه ای روشن، آستر کاغذ زرد. روی آستر جلد در طرفین چندین تاریخ تولّد از اشخاص گمنام از تاریخ ۱۲۵۳ تا ۱۲۷۸ نوشته شده، دو سه جا تملّک «زین العابدین» مورّخ ۱۲۶۹ و تملّک «محمّد حسین» دیده می شود.

خطّ نستعلیق ۲۳ سطری، عناوین شنگرف، روی برخی کلمات به شنگرف خط کشیده، بعضی از کلمات عربی و عناوین به نسخ نوشته شده، قطع ۱۸ × ۲۷، قطع ۱۴ × ۲۳، نسخه آخر ناقص است و نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست، زمان تألیف در آغاز عنوان تعیین شد، تمام اوراق فرسوده و رطوبت رسیده و بارها تعمیر شده، نسخه غیر مصحّح و پاره ای از مواضع درهم و عبارات نامرتب و مشوّش است.

«۶۳۸» الفرائد البهیّه فی شرح الفوائد الصمدیه

(نحو ــ عربی)

از: میر بهاءالدین محمد بن محمد باقر حسینی مختاری نائینی اصفهانی، صاحب «زواهر الجواهر. ش ۴۵۵».

کتاب: شرح صغیر فرجی «الفوائد الصمدیّه» معروف به «صمدیّه» شیخ بهائی است.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. ظهر نسخه مهر «محمّدباقر ۱۰۹۲ یا ۱۱۹۲» و «ابوالحسن ابن محمّد سعید» و تملّک احمد بن حسین جمال الدین الحلّی بتاریخ رجب ۱۱۷۲ و مهر او «عبده احمد بن حسین جمال الدین» دیده می شود.

«۶۳۹» فرائد القلائد فی مختصر شرح الشّواهد

(ادب ــ عربی)

از: قاضی بدرالدین محمود بن احمد بن موسی، عینی مصری حنفی (۷۶۲ ــ ۸۵۵).

کتاب: شرح شواهد شعری چهار شرح[۱] از شروح «ألفیّه» ابن مالک است که به «شواهد صُغری» معروف و آن را مؤلّف از «المقاصد النحویّه» خود که معروف به «شواهد کُبری» است مختصر کرده و هر دو در مصر چاپ شده است. و به موجب ارقامی که در بالای صفحات ثبت شده مجموعًا ۲۱۰ برگ است.

نسخه: بخطّ حسین بن احمد.

ختم کتابت: روز دوشنبه چهارم ماه رجب ۱۱۱۸ در پایان، «شرح خطبه فرائد القلائد» در ۸ صفحه به خطّ کاتب اصل آمده است، و روی برگ آخر «اسماءِ بُحور پانزده گانه شعر» به نظم عربی نوشته شده.

ظهر نسخه فهرست کتاب و تملّک عبدالرحمن بن شیخ عبداللّه حنبلی قادری دمشقی حلبی دیده می شود.

«۶۴۰» الفرائض النصیریّه

(فقه ــ عربی)

از: خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمّد بن محمّد بن حسن طوسی، قدّس سره.

کتاب: در أحکام ارث است از نظر فقه و حساب.

نسخه: بخطّ محمّد بن رحمه البحرانی است. تاریخ ختم کتابت: پنجم محرّم ۹۶۱ در قُم: ظهر نسخه نام کتاب «کتاب المواریث» بخطّ کاتب قید شده است.

«۶۴۱» دعا فرحُ الصّالحین

(دعاء ــ فارسی)

از: نامعلوم و به قرائن تألیف یکی از علماءِ اواخر زمان صفویه است.

کتاب: در ادعیه و اعمال و زیارات است و همه جا عبارات عربی را ترجمه کرده و در دعاهای طولانی و زیارات ترجمه را در زیر عبارات به فارسی به شنگرف نوشته است.

نسخه: به خطّ یکی از خوشنویسان زمان شاه سلطان حسین است، لکن نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

آغاز: «بسم اللّه الرحمن الرحیم. با سیّم از جزو سیّم از کتاب «فرح الصالحین» در بیان

ص : ۲۱۴

۱- ۱) شرح ابن ناظم و ابن ام قاسم و ابن عقیل و ابن هشام که عینی برای هر یک رمزی نهاده است.

أعمال شب نوزدهم ماه مبارك رمضان و بيان آن در سه فصل مذكور مى شود: فصل اول از باب سيم در تحقيق شب قدر و فضيلت آن».

انجام: «و جدّد عليهم العذاب والغضب و النكال. و تازه گردان بر ايشان عذاب و خشم و شكنجه را».

×××فروع كافى:الكافى

«۶۴۲» الفصول الغرويّه فى الاُصول الفقهيّه

(اصول فقه ــ عربى)

از: علاّمه مرحوم آقا شيخ محمّد حسين بن حاج محمّد رحيم استاجلوى ايوانكى اصفهانى نجفى، عليهما الرحمه.

نسخه: مجلّد اوّل كتاب است در مباحث ألفاظ. تاريخ ختم كتابت: ۲۰ ماه شعبان ۱۲۵۳ و نام كاتب ندارد.

ظهر نسخه نوشته است كه اين كتاب ۱۷۹۱۲ بيت مى باشد.

«۶۴۳» نسخه ديگر

نسخه: مجلّد دوم كتاب است از «المقاله الثّانيه فى الأدلّه السّمعيّه» تا آخر.

انجام: انجام نسخه عينًا نقل مى شود: «هذا غايه ما أردنا بيانه والصلوه على محمّـد و آله. قد فرق (كذا) مؤلّفه من تسويله يوم پنجشنبه هفتم شهر جمادى الاولى سنه ثمانين (كذا) و خمسين و مأتين بعد ألف كتبه العبد على النّجف آبادى».

اثر مقابله و تصحيح و حاشيه و هيچ نوع امتيازى ندارد.

«۶۴۴» نسخه ديگر

نسخه: مجلّد دوم كتاب است از «المقاله الثانيه فى الادلّه السّمعيّه» تا آخر كتاب، جز اين كه چند برگ آخر افتاده است.

انجام موجود: «دلّت على جواز التقليد عند عدم».

«۶۴۵» الفصول المختاره من العيون و المحاسن

(عقائد ــ عربى)

از: سيّد مرتضى علم الهدى ابوالقاسم علىّ بن حسين موسوى، صاحب «الذريعه. ش ۳۹۲». «تنزيه، ش ۱۹۰».

کتاب: انتخابی است بس جلیل القدر از کتاب «العیون والمحاسن» و برخی دیگر از آثار استادش شیخ مفید محمّد بن محمّد بن نعمان بغدادی علیهما الرحمه که در زمان حیات استاد گزین فرموده است در ۳ جزء، و به طبع رسیده.

نسخه: از آخر ناقص است و نام کاتب در پایان جزءِ اوّل «عبداللطیف بن حسین الجامع» آمده و تاریخ کتابت ندارد.

ظهر نسخه محمّد بن شیخ عبداللّطیف جامعی عاملی و تملّك عوض بن شیخ عبد جدّه جزائری و شرحی بخطّ عالم محقّق حاج میرزا یحیی اصفهانی به تاریخ پنجشنبه ۲۷ ذیقعده ۱۳۱۸ که عید نوروز بوده و مهر او «شفیع یحیی فی الآخره محمّد و العتره الطاهره» دیده می شود.

حاج میرزا یحیی از نسخه نفیس دیگری که در تملّك او و در آخر آن اجازه ای بخطّ محقّق کرکی و مورّخ به تاریخ ماه رجب ۹۳۷ بوده یاد می کند.

«۶۴۶» نسخه دیگر

نسخه: بخطّ همّت مازندرانی است که در سال ۱۰۳۲ «یکهزار و سی و دو» هر سه جزء را استنساخ کرده و پس از آن فهرستی را که دانشمندی به نام مظفّر علی بن حاجی حسن بر تمام کتاب نوشته و در روز پنجشنبه پنجم ربیع یکم (۱۰۲۶) از آن فراغت یافته بود استنساخ و ضمیمه کرده است.

«۶۴۷» الفصول المهمّه

(اصول فقه ــ عربی)

از: علی نقی بن حسین تویسرکانی از دانشمندان سده سیزدهم هجری که ظاهرًا مقیم اصفهان بوده، و نسخه بخطّ خود اوست.(۱)

مع الأسف، هیچگونه اطلاعی از أحوال و آثار او نیافتیم، و نامی از او و کتاب مورد بحث در کتب معاجم و فهارس به نظر نرسید.

کتاب: تنها شامل مباحث ألفاظ تا مبحث «نسخ» است و بسیار محقّقانه و به سبک قدیم نوشته شده و در آن آراء و أقوال گوناگون فقهاء و أصولیان و فلاسفه را از قدماء تا

---

۱ – ۱) اگر در کتاب «تراجم الرجال ۲: ش ۱۳۷۲» نام و نشان این شخص دیده می شود، مأخذ آن چیزی جز «فهرست کتب خطّی کتابخانه های اصفهان: ش ۶۹» نیست.

متأخّرین مانند میرزای قمی و حاجی کرباسی نقل کرده و از عبارت آخر نسخه نیز معلوم می شود مؤلّف قصد تکمیل کتاب را داشته است که گوید: «و سیأتی تضعیفه أیضًا فی بحث الإجماع، إنشاء اللّه».

از پاره ای جاهای کتاب مستفاد می شود که نگارنده شاگرد حاجی محمّد إبراهیم ابن حاج محمّد حسن کرباسی «۱۱۸۰ ـ ۱۲۶۱» بوده، و لذا أقوال و نظریّه های او را بسیار نقل کرده است. در أوائل مبحث نهی «ظهر برگ ۱۱۳» در متن، مطلبی از بعض محقّقین آورده و در حاشیه گوید: «العالم العامل المحقّق النّحریر میرزا أبوالقاسم فی تعلیقاته علی شوارع الهدایه فی شرح الکفایه، للأُستاذ، دام ظلّه، و چنان که معلوم است «شوارع الهدایه» یکی از تألیفات فقهی حاجی کرباسی است، و ظاهرًا مقصود از میرزا ابوالقاسم مرحوم میرزا ابوالقاسم معروف به شیخ العراقین «متوفی به سال ۱۳۰۸ در نجف اشرف» فرزند آقا محمّد مهدی فرزند حاجی کرباسی است که از علماء بزرگ بوده و در «نقباء البشر: ۷۶ ـ ۷۷» یاد شده است(۱)، دانشمندان دیگری هم در آن عصر به این نام می زیسته اند، مانند مرحوم عالم محقّق مجتهد شهیر میرزا ابوالقاسم کلانتری طهرانی «۱۲۳۶ ـ ۱۲۹۲» صاحب «تقریرات» که مدّتی در اصفهان نزد علماء این سامان درس خوانده است. رحمه اللّه علیهم أجمعین.

آغاز: [ربّ وفّقنی و لا تکِلنی إلی نفسی. بسم... الحمد للّه المتفرّد بالقِدم والکمال، المتمجّد بالجلال و الجمال، المنزّه عن الأُصول و الفصول، الّذی دلَّ علی ذاته بذاته، و عجزت عن کُنه معرفته الحواسُّ و العقول. و نشکره علی ما هدانا إلی أُصول الفروع و فروع الأُصول، و أرشدنا إلی شرائع الأحکام بمتابعه الکتاب و سنّه الرسول، علیه و علی آله صلوه کثیرهُ مقترنه بالکرامه متلقّیه بالقبول.

و بعد، فیقول العبد الفقیر إلی اللّه تعالی الغنیّ: علی نقیّ ابن حسین، التّویسرکانّی، غفراللّه ذنوبهما و سترعیوبهما: إنّ هذه فصولٌ فی مبانی الأحکام، حسب ما یقتضیه الأوقات و الأیّام. أرجو من اللّه الحفظ و به الاعتصام. و سمّیته بـ«الفصول المهمّه»، و رتّبته علی مقدّمه و مقاصد و خاتمه. المقدّمه فی بیان رسم العلم و موضوعه...].

---

۱ - ۱) برای مرحوم شیخ العراقین ایضًا رجوع به «دانشمندان مهدوی: ۵۰۸» و «ماضی النجف ۳: ۲۳۴» و «فهرست مرعشی ۴: ۳۰۱» و «تکمله الامل ۶: ش ۲۸۱۲» شود.

انجام: [و حاصله أنّ الاجماع فی حال الحضور غیر ممکن، و بعد الوفاه لا معنی للنّسخ إجماعًا. و قد عرفتَ مافیه، و سیأتی تضعیفه أیضًا فی بحث الإجماع، ان شاء اللّه تعالی.]

فهرست مطالب: المقدّمه. فی بیان رسلم العلم و موضوعه و غایته و الحکم و ما یتعلّق به. فصل ۱_ عَلَمُ هذاالعلم فی الأصل مرکّب إضافیٌّ و هو اُصول الفقه. ف ۲_ فی الحکم الشرعی.

المقصد الأوّل: فی نبذٍ من مباحث الألفاظ و فیه مطالب. «المطلب الأوّل» فی الحقیقه و المجاز. ف ۱_ الحقیقه لغةً «فعیله». ف ۲_ فی أنّ دلاله الألفاظ هل هی بالذّات أو بالوضع. ف ۳_ اختلفوا فی توقیفیّه اللّغات و اصطلاحیّتها. ف ۴_ الوضع ینقسم باعتبار الوضع إلی اللّغوی والعرفی والشّرعی، و العرفی إلی العامّ و الخاصّ. ف ۵_ اختلفوا فی أنّ المجاز واقعٌ أولاف. ف ۶_ المشهور أنّ وضع المفردات لیس لإفاده مسمّیاتها لاستلزامها الدّور. ف ۷_ اختلفوا فی أنّ الموضوع له هل الموجود الخارجیّ أو الذّهنی أو المهیّه من حیث هی أو التّفصیل... ف ۸_ فی أنّ الألفاظ موضوعه للمعانی النّفس الأمریّه لا المعلومه. ف ۹_ الوضع المخصوص بلسانٍ إمّا من واضع اللّغات أو من أهل هذا اللّسان. ف ۱۰_ الحقیقه الشرعیّه... ف ۱۱_ اختلفوا فی أنّ الألفاظ المستعمله فی المعانی المجعوله المخترعه من الشارع هل هی أسماء للصّحیحه من المهیّات أو للأعمّ منها و من الفاسده. ف ۱۲_ لا یجوز من الحکیم المخاطبه بماله ظاهرٌ و اُرید منه خلاف ظاهره. ف ۱۳_ القاعده الّتی علیها مدار وضع اللّغات... أنّ اللّفظ اذا کان له حقیقهٌ و مجازٌ یجب حمله علی معناه الحقیقیّ متی استعمل مجرّدًا عن القرینه. «المطلب الثانی» فی المشترک. ف ۱_ اللّفظ إن وضع لمعنیین مجرّدًا عن القرینه. «المطلب الثانی» فی المشترک. ف ۲_ انّ مدلول اللّفظ... لیس إلّا المهیّه المستقلّه والمعنی الواحد. «المطلب الثّالث» فی المشتقّ. ف ۱_ لاخلاف فی کون المشتقّه من الأسماء حقائق فیما کان المبدء باقیًا فیه، و مجازات فیما لم یتّصف به بعد. ف ۲_ مفهوم المشتقّ. «المطلب الرابع» فیما یثبت به اللّغه و یتمیّز حقائقها عن مجازاتها. ف ۱_ اللّغه لفظُ وضع لمعنی. ف ۲_ فی تحقیق التّعارض فی کلمات اللّغویّین و بیان التّرجیح.

المقصد الثانی: فی الأمر. ف ۱_ الأمر حقیقه فی القول المخصوص... و قیل

باشتراكه... ف ۲ــ صيغه «افعَلْ» حقيقةٌ فى الوجوب. ف ۳ــ إذا ورد الأمر عقيب الحظر. ف ۴ــ المشهور المنصور أنّ الامر المجرّد لا يدلُّ على المرّه و التّكرار. ف ۵ــ فى عدم إفاده تعلّق الأمر على الشّرط أو الصّفه التّكرار. ف ۶ــ فى أنّ الامر لادلاله له على الفور و لا على التّراخى. ف ۷ــ فى أنّ متعلّق التّكليف هو الفرد لا الطبيعه. ف ۸ــ فى بيان أنّ الأمر بالأمر ليس أمرًا. ف ۹ــ فى الأمرين المتعاقبين من الشارع ف ۱۰ــ فى أنّ الامر يقتضى الإجزاء. ف ۱۱ــ فى الوجوب الكفائى. ف ۱۲ــ فى الوجوب التّخييرى. ف ۱۳ــ فى إمكان الواجب الموسع و وقوعه. ف ۱۴ــ فى أنّ القضاء بفرض جديد. ف ۱۵ــ فى أنّ الامر بالمركّب ينتفى بانتفاءِ جزئه. ف ۱۶ــ فى أنّ الأصل كون متعلّق الأمر عبادةً. ف ۱۷ــ فى أنّ الاصل عدم تداخل الاسباب. ف ۱۸ــ فى بيان نفى وجوب المقدّمه. ف ۱۹ــ فى الأمر لا يقتضى النّهى عن ضدّه الخاصّ. ف ۲۰ــ فى أنّ الاصل فى الأوامر المباشرةُ. ف ۲۱ــ فى أنّ نسخ الوجوب يستلزم انتفاء الجواز. ف ۲۲ــ فى أنّ الشّروع فى المندوب لا يصيّره واجبًا. ف ۲۳ــ فى شرائط حسن التّكليف.

المقصد الثّالث: فى النّهى. ف ۱ــ فى بيان تعريف مادّه النهى. ف ۲ــ صيغه النهى تستعمل فى معان. ۳ــ فى أنّ المطلوب من النّهى هو التّرك. ف ۴ــ فى دلاله النّهى على التّكرار و الدوام. ۵ــ فى أنّ النهى يدلُّ على الفساد فى العبادات. ف ۶ــ فى إجتماع الامر و انلهى فى الشيءِ الواحد الشخصى.

المقصد الرّابع: فى العموم و الخصوص، و فيه مقدّمه و مطالب. المقدّمه فى تعريف العامّ. «المطلب الاول» فى صيغ العموم. ف ۱ــ فى إثبات صيغه العام. ف ۲ــ فى الصيغ الموضوعه للعموم. ف ۳ــ فى أنّ المفرد المعرّف ليس للعموم و كذا المفرد المضاف. ف ۴ــ فى أنّ الجمع المنكَّر ليس للعموم. ف ۵ــ فى أنّ نحو «لا يستوى» لا يفيد العموم. ف ۶ــ فى عموم المقتضى. ف ۷ــ فى أنّ الخطاب الشّفاهىَّ لا عموم له. ف ۸ــ فى ترك الاستفصال. «المطلب الثانى» فى التخصيص. ف ۱ــ فى منتهى التخصيص و فيه اشارةٌ إلى جوازه. ف ۲ــ فى أنّ العام إذا خصّص مجازٌ أولا. ف ۳ــ فى حجّيّه العامِّ المخصّص. ف ۴ــ فى عدم جواز العمل بالعامِّ قبل الفحص. «المطلب الثالث» فى المخصّص و أحكامه و ما يتعلّق بها، و فيه مناهج. «المنهج الاوّل» فى الإستثناء. ف ۱ــ فى جواز الاستثناءِ المنقطع و كونه مجازًا. ف ۲ــ فى اشتراط الاتّصال فى الاستثناء. ف ۳ــ فى جواز

استثناءِ أقلّ من النّصف و عدم جواز المستوعب. ف ۴_ فی أنّ استثناء کلّ واحد من النّفی و الإثبات یخالف الاخر. ف ۵_ فی تقدیر الدّلاله فی الاستثناء. ف ۶_ الاستثناء المتعقّب للجمل المتعدّده المتعاطفه. «المنهج الثانی فی المخصّص المنفصل». ف ۱_ یجوز تخصیص العام بالعقل. ف ۲_ فی التخصیص بالسّمعیات و ما یلحق بها. ف ۳_ فی جواز تخصیص الکتاب باخبر الواحد. ف ۴_ فی جواز التخصیص بمفهوم المخالفه. «المنهج الثالث. فیما ظنّ أ نّه مخصّص». ف ۱_ فی أنّ عود الضمیر ببعض ما یتناوله العامّ لا یکون مخصّصًا. ف ۲_ فی أنّ السّبب هل یخصّص الجواب أم لا_ ف ۳_ فی أنّ مذهب الرّاوی لا یخصّص العموم. ف ۴_ فی أنّ إراده الخصوص فی الجمله المعطوفه یقتضی تخصیص المذکور فی الجمله المعطوف علیها و «ککک» العکس. ف ۵ _ فی أنّ تخصیص بعض العامّ بالذکر لا یخصّصه. ف ۶_ فی أنّ العاده لا یخصص العامّ. ف ۷_ فی بناء العامّ علی الخاصّ.

المقصد الخامس: فی المطلق و المقیّد. المقصد السادس: فی المجمل والمبیّن.

المقصد السابع: فی المنطوق والمفهوم. ف ۱_ فی المنطوق. ف ۲_ فی حجیّه مفهوم الشرط و تحقیق معناه(۱). ف ۳_ فی مفهوم الغایه و حجّیّته. ف ۴_ فی مفهوم الوصف. ف ۵_ فی مفهوم الحصر و أنّ إنّما یفیده. ف ۶_ فی مفهوم العدد. ف ۷_ فی مفهوم اللّقب.

المقصد الثامن: فی النّسخ. مقدّمه فی معنی النّسخ. ف ۱_ فی محل جواز النّسخ و عدمه. ف ۲_ فی بیان جواز نسخ کلّ من الادلّه بمثله و غیره.

«پایان فهرست»

نسخه: دارای ۲۲۶ برگ، روی برگ ۱ عبارت «امانت عالیجناب مطاع معظّم آخوند ملّا علی نقی تویسرکانی» بخطّ مرحوم سید محمّد مهدی نایب الصّدر «مذکور در

---

۱ – ۱) درین مبحث مؤلف اشاره به مسئله ای دوری نموده و در هامش این شعر را آورده: مسئله الدور جرت بینی و بین من أحبّ لولا مشیبی ماجفی، لولا جفاه ما أشبّ مرحوم آقا سید محمد مهدی نایب الصدر «متوفی ۱۲۶۷ مذکور در ص ۱۱۲» که در روی برگ اول کتاب مورد بحث از مؤلف آن _ چنان که خواهد آمد _ تجلیل کرده، در همین موضع نوشته است: «أقول: ان أولی ما ظفرتُ به فی مسئله الدور من بدایع کلماتهم قول الشاعر؛ و لعلّه فی أهل بیت الوحی و معادن العلم، سلام اللّه علیهم: و لولاکُم ما عرفنا الهَوی و لولا الهَوی ما عرفناکم لمحرّره «م. ه_. الهاشمیّ العلویّ»»، انتهی.

«إعراب و تفسیر ستّ سور. ش ۴۰» و همچنین تملّك نیای بزرگوار، آیه اللّه آقا میرزا سیّد جمال الدّین چهارسویی «مذکور در «حاشیه عدّه الأصول. ش ۳۱۲» مورّخ ۱۶ شهر شوّال ۱۳۲۱ دیـده می شود. و نسـخه از کتابخانه والد ماجدشان مرحوم آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمّد هاشم چهارسویی بوده است. رضوان اللّه علیهم اجمعین.

ظهر برگ آخر، تاریخ چهارشنبه ۱۸ محرّم ۱۲۷۱ نوشته شده، کاغذ اصفهانی آبی رنگ، جلد تیماج مشکی، آستر کاغذ گلی، خط شکسته نستعلیق مؤلّف، ۲۱ تا ۲۳ سطری، عناوین تا نیمه های کتاب به سرخی، بقیّه نوشته نشده، رؤوس مطالب عمومًا در حاشیه ها آمده است، حواشی مؤلّف نیز در سراسر کتاب به خط خود وی مختوم به «منه» یا «منه عفی عنه» و ظَهر برگ ۵۵ مهر «عبده الرّاجی علینقی» که ظاهرًا از آنِ شخصِ مؤلّف است دیده می شود، قطع ۱۸ × ۲۳، متن مختلف و نوعًا ۱۰ × ۱۷، تاریخ تألیف و کتابت ندارد، لکن چنان که گفتیم نسخه خطّ مؤلّف است.

«۶۴۸» الفضائل

(حدیث ــ عربی)

از: شیخ ابوالحسن محمّد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان.

کتاب: صد منقبت از مناقب ائمّه اطهار علیهم السـلام است که مؤلّف از روایات عامّه «اهل سنّت» بدون ذکر سند گرد آورده و به طبع رسیده است(۱).

نسخه: بخطّ احمد بن محمود بن عبد الصّمد حسینی کیلکی، کاتب نسخه «غررالحکم ش ۶۳۰» است.

«۶۴۹» فضل الصّلوات

(عقائد ــ فارسی)

از: ملاّ حسـین واعظ کاشـفی «صاحب بدایع الأفکار، ش ۹۰» کتـاب مبسوطی به نام «تحفه الصّـلوات» در کیفیّت و أنحاء درود فرسـتادن بر حضرت پیغمبر أکرم صلی اللّه علیه و آله و سلّم و فضائل و ثوابهای مترتّبه تألیف کرده و در ماه رمضان ۸۹۹ از آن فراغت یافت.

کتاب: این کتاب به سـبب فوائـد متفرّقه ای که در آن نوشـته بود بزرگ و مفصّل شـد، و چون به نظر ملکه خدیجه بانو همسر سلطان حسین بایقرا رسید؛ مؤلّف را دستور داد که

---

۱ - ۱) این کتـاب غیر از «ایضـاح دفـائن النواصب» همین مؤلّف است که شاگردش شـیخ ابوالفتـح کراجکی در «الاسـتبصار» و دیگر تألیفات خود از آن نقل می کند.

آن را در دفتری دیگر مختصر نماید. و او این کتاب «فضل الصّلوات» را از «تحفه» گزین نموده به نام سلطان حسین میرزا(۱) و زوجه اش و فرزندشان مظفر حسین میرزا مصدّر گردانید.(۲)

کاشفی در این کتاب و سایر آثار مذهبی اش بسیار از پیشوایان أهل سنّت یاد می کند همچون أحمد حَنبل، شافعی، مالک، بوحنیفه، حسن بصری، سفیان ثوری، بوهریره، شبلی و أمثال اینها که نامشان را به احترام ذکر و به کلمات و آرائشان استناد می نماید، أمّا در هیچ یک از آثارش نامی از فقهاء امامیّه دیده نمی شود مگر به ندرت که به استطراد از پیشوایان این مذهب یاد کند.

آغاز: [بسم... سپاس و ستایش مر پادشاهی را که به فضل شامل و فیض کامل أنبیای بزرگوار و رسل عالی مقدار از کافّه خلایق برگزیده،... صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله و أصحابه و سلّم... أمّا بعد، نموده می شود که چون حضرت سلطان دین پناه... معزّ ملک و دین سلطان حسین خلّد اللّه. در رونق ملّت بیضاء و رواج شریعت غرّاء... به نوعی اهتمام می نماید و بر وجهی إلتفات می فرماید که زیاده از آن در حیّز تصوُّر نیاید، هر آینه بدین صورت استدلال می توان کرد بر آنکه محبّت حضرت رسالت صلی اللّه علیه و آله و سلم بر دل بی غلّ آن حضرت غالبست... و لهذا أثر این محبّت از منتسبان حرم محترم... نیز مشاهده می رود، و از دلائل این معنی یکی آن است که مهد أعلی و به راستی ملکه عظمی سمیّه اُمّ المؤمنین خدیجه الکبری... بعد از آنکه کتاب «تحفه الصّلوات» که در فضائل درود و سلام حضرت سیّد الأنام رقم تألیف یافته، مطالعه نمودند... فرمان مطاع شرف إصدار یافت که نکته چند از آن کتاب مستطاب جهت انتفاع عموم مسلمانان انتخاب کرده شود...].

---

۱ – ۱) تولدش محرم ۸۴۲ (به قولی)، جلوسش ۸۷۵، وفاتش روز ۲شنبه ۱۱ حجه ۹۱۱ در منزل بابا اللهی، وی فرزند غیاث الدین منصور بن بایقرا ابن عمر شیخ، یکی از چهار پسر أمیر تیمور گورکان است.

۲ – ۲) در سال ۱۴۱۶ ق (۷۴ ش) به وسیله تلفن از آقای احمد منزوی خواستم که در فهارس خودشان اگر از نسخه «تحفه الصّلوات» آگاهی دارند بگویند، پس از مراجعه اظهار داشتند تنها دو نسخه از آن کتاب که هر دو در خارج است ضبط کرده اند و لا غیر. امّا آقای استاد جعفریان در مقدمه چاپ دوم (وسیله الخادم الی المخدوم ص ۴۷) به نقل از آقای ابوالفضل حافظیان یک نسخه در مجلس به شماره ۱۲۴۹۸ و دو نسخه در مرکزی تهران شماره های ۸۹۹۴ و ۹۱۸۳ نشان داده اند. آقای جعفریان در همان صفحه مطالبی را که ما پیرامون فضل الصلوات در این جا نوشته ایم اشتباهًا به حساب «تحفه الصلوات» گزارده اند.

انجام: [... و گفته انـد صـلوات شـيخ شِـبلی اين بوده كه: اللّهم صلّ علی محمّـد ملأ السّـموات و ملأ العرش العظيم. گوينده اين صلوات را...]. نسخه به همين جا خاتمه يافته و بقيّه را فاقد است.

فهرست مطالب: مقـدمه ايمان به پيغمبران خدای فرض است. فصل ۱ حكمت در صـلوات الهی بر حضرت رسالت پناهی. ف ۲ در كيفيّت صـلوات و تسليمات. ف ۳ در مواطن صلوات (۷۷ موطن). ف ۴ در فضائل و فوائد صـلوات و تسليمات (۷۰ فضيلت وفا يدت)(۱). ف ۵ در مـذمّت تارک صـلوات (۸ عقـوبت). ف ۶ در آداب دُرود دهنــده (۷ وظيفه). خـاتمه در بيان صـلوات متنوّعه (۴۰ نوع).

نسخه تا نوع ۲۱ از ۴۰ نوع را داراست و چنانكه گفتيم بقيّه را فاقد می باشد.

نسخه: بخطّ نستعليق ۹ سطری، ۸۳ برگ و ۲ برگ عطف، كاغـذ فرنگی، قطع ۱۰ × ۱۵، عناوين به شـنگرف، جلد تيماج قهوه ای مقوّايی، نام كاتب و تاريخ ندارد و از قرن يازدهم است.

«۶۵۰» فقه الرّضا عليه السلام

(فقه ـ عربی)

كتاب: در مباحث فقهيّه است و منسوب به حضـرت ثامن الحجـج امام علیّ بن موسـی الرّضا عليه السـلام ، لكن از نظر محقّقان ثابت نيست، و مكرّر چاپ شده است.(۲)

نسـخه: از آغـاز تـا بـاب الحـجّ به خـطّ كـاتب ناشناسـی است و از آنجـا تا آخر به خطّ نيای گرامی راقم، مرحوم آيه اللّه حاجّ ميرسـيّد محمّد موسوی چهارسوقی است و تاريخ كتابت ندارد، در پايان نسخه فائده ای كه سيّد بحرالعلوم قدس سره در كتاب «فوائد رجاليّه» خود پيرامون كتاب نگاشته و همچنين فهرست ابواب آن به خطّ نيای مرحوم آمده است.

××××الفقيه: كتاب من لا يحضره الفقيه

فهرست استبصار: الاستبصار

«۶۵۱» فهرست تهذيب الأحكام

(حديث ـ عربی)

۱- ۱) در اين فصـل نام خود را چنين آورده است: «... آنچه در اين باب از أخبار و روايات و آثار و حكايات به نظر فقير حقير حسين بن علی الواعظ الكاشفی... رسيده...».

۲- ۲) اين كتاب شريف با كتاب «المُقنع» شيخ صدوق ـ طاب ثراه ـ شايان مقايسه است در موارد بسيار.

از: مولانا عبداللّه بن حاجّ محمّد تونی بشروی، صاحب «الوافیه فی اصول الفقه».

کتاب: فهرست مبسوط و دقیقی است برای احادیث و ابواب و مطالب کتابِ «تهذیب الأحکام» شیخ طوسی علیه الرحمه. فهرست مختصری هم در حواشی نوشته شده. تاریخ ختم تألیف: اواخر ذی قعده ۱۰۶۰ «یکهزار و شصت».

نسخه: بخطّ محمّد محسن بن حیدر علی که به أمر عالم کامل میر محمّد حسین «ظاهرًا خاتون آبادی» در مشهد مقدس رضوی نوشته و در ۲۵ شوّال ۱۱۲۸ از آن فراغت یافته.

ظهر نسخه چند جا مهر میرزا حیدر علی الماسی «عبده حیدرعلی بن عزیزاللّه» دیده می شود، همچنین تملّک جدّ امجد اینجانب مرحوم آیه اللّه آقا میرزا سیّد جمال الدین موسوی چهارسوقی در ۱۶ شوّال ۱۳۲۱.

رجوع شود به «فهرست مرکزی ۸ : ۵۵۶» و یادداشت قلمی و «تکمله الذریعه ۱۶: ۳۸۲: ۱۷۷۳ و ۱۷۷۴».

×××فهرست کافی: الکافی ــ فروع

«۶۵۲» فهرست وسائل الشیعه

(حدیث ــ عربی)

از: شیخ محمّد بن حسن حُرّ عاملی، اعلی اللّه مقامه.

کتاب: فهرست ابواب و احادیث «وسائل الشّیعه» تألیف مهمّ مؤلّف است.

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است و کاتب آن معلوم نیست، لکن در زمان مؤلف نوشته شده و ظاهرًا خطوط مؤلّف در هامش برخی صفحات هست.

«۶۵۳» الفوائد الحائریّه

(اصول فقه ــ عربی)

از: آقا محمّد باقر بن محمّد أکمل بهبهانی محقّق وحید قدس سره .

کتاب: سی و شش فائده است در مباحث اصول فقه و به طبع رسیده.

نسخه: نام کاتب و تاریخ ندارد، اندکی ناقص بوده و نیای گرامی آیه اللّه آقای حاج میرسیّد محمّد موسوی چهارسوقی برادر امام مجدّد صاحب «روضات» آن را تکمیل نموده و تملّک خود را در ظهر نسخه نوشته اند. ایضًا: تملّک جمال بن ابراهیم موسوی جیلانی به تاریخ ماه شعبان ۱۲۷۷ دیده می شود.

«۶۵۴» فوائد بدنیّه

(فارسی)

ص : ۲۲۴

از: سیّد فیض اللّه مرعشی «علیه الرحمه» که با رجوع به أخبار اهل البیت علیهم السلام و کتب طبّ، این کتاب را در علم پزشکی تألیف کرده و آن را بر یک مقدّمه و دوازده باب و خاتمه ترتیب داده، غالبًا مآخذ را که عبارت از کتب حدیث و دعا و آداب و طبّ است یاد می کند.

در فهرستها و کتب نسب و شرح أحوال نام این مؤلّف دیده نشد، امّا به گواهی سبک نگارش؛ وی از دانشمندان قرن ۱۱ _ ۱۲ بوده است.

بیافزاییم که چندی پیش از زمان مصنّف «فوائد بدنیّه»، یعنی در عصر فتح علی خان حاکم شوشتر (۱۰۷۸ _ ۱۱۰۶) در آن شهر، دانشمندی همنام مصنّف ما بوده است که مرحوم سیّد عبداللّه شوشتری (متوفی ۱۱۷۳) در کتاب «تذکره شوشتر: ۶۴، چاپ کلکته، ۱۳۴۳ ق»، آنجا که چند تن از معارف اهل فضل و کمال عصر فتح علی خان را برشمرده، از جمله گوید:

«دیگر: آخوند مولانا فیض عُصاره، و او در فنّ طبّ و نجوم مسلّم بود و رساله «طبّ الأئمّه» را با «ذهبیّهِ» حضرت امام رضا علیه السلام ، حسب الاشاره فتح علی خان ترجمه نموده و مَبلغ کمالِ مولانا از آن ترجمه معلوم می شود».

شیخنا العلاّمه «ره»، اوّل او را در «الروضه النضره: ۴۴۴» به استناد «تذکره» عنوان فرموده، و سپس در «الکواکب: ۵۸۶» نیز از «ریاض العلماء» آورده اند و از نسخه های آثارش یاد کرده اند.

ناگفته نماند که از کتاب مورد بحث ما و مؤلّفش تا زمان اشتغال به چاپ کتاب حاضر «۱۴۳۰ ق ۱۳۸۸ ش» نسخه و آگاهی دیگری یافت نشده، و در «ذریعه ۱۶: ش ۱۵۱۸» نیز کتاب را تنها به استناد فهرست این حقیر به عنوان «الفوائد البدنیّه» آورده اند که الف و لام ها زائد و خطا است.

آغاز نسخه: «... شهدیست مصفّی، و بی بصیرتان قَیافی گمراهی را غبار آستان ملایک مطافش کحل الجواهریست نورأفزا... أمّا بعد، چون علم شریف طبّ به موجب العلم علمان... بر علوم دینی رتبه پیش گرفته... علی هذا به خاطر ناقص ضعیف فیض اللّه المرعشی ابن عطاء اللّه بن سیّد محمّد بن عطاء اللّه الحسینی رسید که أخبار حضرت رسالت و آثار سخنان أئمّه هدایت... موافق دستور و ضابط طبیب... تألیف نماید... و این

ص : ۲۲۵

رساله را مسمّی ساخت به «فوائد بدنیّه»، مرتب به مقدمه و ۱۲ باب و خاتمه.

مقدّمه: در أحادیث جواز رجوع به اطبّاء. ب ۱ در فصول أربعه. ب ۲ در آداب خوردن و آشامیدن، و در ۳ فصل است. ف ۱ در مأکول. ف ۲ در مشروب. ف ۳ در حِمیَه. ب ۳ در خواب و بیداری، و در دو فصل است. ف ۱ در آداب خواب. ف ۲ در بیداری. ب ۴ در حجامت و فَصد و حُقنه و قیّ و کیّ، و در آن ۶ فصل است. ف ۱ در بیان أحادیثی که از أئمّه در جواز حجامت و فصد وارد شده. ف ۲ در منافع حجامت و فصد. ف ۳ در روزهایی که در آن روز محمود است. ف ۴ در بیان مواضع حجامت ف ۵ در بیان چیزهایی که پیش از حجامت و بعد از آن باید به عمل آورد. ف ۶ در بیان روزهای منهیّه از حجامت ب ۵ در جواز حمّام و فواید و آداب آن، و در آن ۲ فصل است. ف ۱ در جواز و فواید و مضارّ حمّام. ف ۲ در آداب رفتن حمّام و بیرون آمدن و آنچه درو نباید کرد. ب ۶ در صفات زنان و طریق مباشرت و أوقات محموده و أیام منهیّه و منحوسه مقاربت و چگونگی حمل و آداب مولود، و در آن ۵ فصل است. ف ۱ در صفات زنان. ف ۲ در أوقات ممنوعه زفاف و أیّام منحوسه جماع. ف ۳ در أوقات محموده زفاف و طریقه مقاربت و ایّام و لیالی محسنّه جماع و مباشرت. ف ۴ در چگونگی خلقت جنین و کیفیّت زندگی أیّام رحِم و تکوین. ف ۵ در فوائد أیّام حمل و روز زاییدن و علامت سلامت و شرارت طفل و آداب مولود. ب ۷ در فواید ناخن چیدن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و شانه کردن و نوره کشیدن و آداب هر یک ب ۸ در خواصّ و منافع أدویه مُفرده به ترتیب حروف. ب ۹ در معالجات أمراض مختصّه به أعضاء از سر تا قدم. ب ۱۰ در معالجه أمراض غیر مختصّه به أعضاء. ب ۱۱ در ذکر بعضی از مرکّبات، مشتمل بر ۴ فصل. ف ۱ در أذهان. ف ۲ در سعطوطات. ف ۳ در أشربه. ف ۴ در معاجین. ب ۱۲ در إستشفاءِ به صَدقه و دعاء و درو ۳ فصل است. ف ۱ در استثناءِ به صَدقه و ذکر بعضی از أعمال و أدعیه جامعه. ف ۲ دردهای مخصوصه به أعضاء از سر گرفته تا پا. ف ۳ در أمراض غیر مخصوصه به عضو. خاتمه: در أدعیه عقارب و حیّات و فوائد متفرّقه...».

کاتب این نسخه تا أواخر باب هشتم را پی در پی نوشته، و سپس به دلخواه خود مانده مطالب را گزین نموده و یک باره ترتیب کتاب را بر هم زده است. در آخر نیز فصلی در

شناسایی أیّام ماه از سیّد علی بن طاوس «رضوان اللّه علیه» نقل کرده، و چون برگ آخر نسخه افتاده پایان این قسمت هم ناقص مانده است.

انجام نسخه: «۲۷ــ برای همه کارها نیکست، و فرزند».

نسخه: دارای ۶۱ برگ و ۲ برگ عطف که روی عطف أوّل؛ نیای گرامی، عالم متتبّع محقّق آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد چهارسویی چنین نوشته اند «فوائد بدنیّه، از أخبار أئمّه علیه السلام من تألیفات فیض المرعشی الحسینی، ره».

کاغذ نخودی اصفهانی، خط نستعلیق ۱۷ سطری، عناوین به شنگرف، قطع ده و نیم × ۱۷ و نیم، جلد میشن یک لای سیاه.

«۶۵۵» الفوائد الضیائیّه بحلّ مشکلات الکافیه

(نحو ــ عربی)

از: ملاّ عبدالرحمن جامی

کتاب: شرح کتاب «الکافیه» عثمان ابن حاجب است در علم نحو، و به «شرح جامی» بسیار مشهور و مطبوع. تاریخ فراغت از تألیف: روز شنبه ۲۱ ماه رمضان ۹۱۵. نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، از آثار سده ۱۲ و دارای حواشی گوناگون است.

«۶۵۶» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل به مقدار یکی دو برگ ناقص است و اندکی هم از آخر نانویس مانده و به دو خطّ است و دارای حواشی «غف» که مقصود ملاّ عبدالغفور لاری است در برخی صفحات.

از آثار قرن ۱۲ و ۱۳ می باشد و امتیازی ندارد.

«۶۵۷» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشده. ظاهرًا در قرن ۱۱ ــ ۱۲ نوشته شده و دارای کمی حواشی متفرّق است.

«۶۵۸»

الفوائد الطوسیّه

(فوائد و رسائل ــ عربی)

از: شیخ محمّد بن حسن بن علی بن محمّد بن حسین، عاملی مَشغَری، معروف به شیخ حُرّ، از خاندان «بنی الحرّ» در بلاد جبل

عامل، قدّس اللّه أسرارهم.

ص : ۲۲۷

کتاب: در کتاب «سجع البلابل فی ترجمه صاحب الوسائل: ۵» آمده است که علّت اشتهار این خاندان به حُرّ را خود شیخ حرّ در حاشیه نسختی از «أمل الامل» گوید از آن جهت که نسب به حرّ بن یزید ریاحی ــ شهید طفّ ــ می رسانند، و در «الفوائد الرضویّه: ۱۱۱ و ۴۷۶» محدّث قمّی است که برادر شیخ حرّ در کتاب «الدّر المسلوک» نیز به این مطلب تصریح فرموده است.

عاملی نیز نسبت به جبل عامل است، و مَشْغَری ــ بفتح میم و سکون شین و فتح غین معجمه وراء(۱) ــ دهکده ای است در جبل عامل که شیخ حرّ ــ چنان که خود در «أمل الآمل: ۲۴» فرموده ــ شب جمعه هشتم ماه رجب ۱۰۳۳ در آن جا به دنیا آمده است.

در خاندان حرّ نوابغ علمی بسیار به وجود آمده اند که سرآمد همه، شیخ محمّد حرّ مذکور است، و در «خطط جبل عامل ۱: ۲۹۴ ــ ۲۹۵» و «سجع البلابل» از بیست نفر رجال دانشمند دیگر این خاندان یاد شده است.

شیخِ حرّ از دانشمندان بزرگ عهد صفوی است که بیش از سی سال از نیمه آخر عمر خود را در ایران به سر برده و در طوس ــ مشهد مقدّس رضوی ــ مجاور بوده است.

وی با اینکه در أنواع دانشهای اسلامی دست داشته لکن نظر به کتاب بزرگ و بسیار مهمّی که در أحادیث شیعه به نام «وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه» تألیف کرده به محدّث شهرت یافته است. شیخ حرّ أحادیث این کتاب بسیار نفیس را که حدود یکصد و پنجاه هزار بیت کتابت دارد از بیش از هفتاد کتاب حدیث معتبر از تألیفات متقدّمان علماءِ شیعه گرد آورده، و وجود این کتاب حقًّا نعمت عظمی و موهبت کبرای إلهی برای عالم تشیّع و اسلام و برهان واضحی بر عظمت و أهمیّت تعالیم عالیه این دین مقدّس است در کلیّه شؤون حیات انسانی.

بحمد اللّه تعالی از نسخه های اصل «وسائل الشیعه» دو دوره مسوّده و مبیّضه در کتابخانه های ایران متفرّقًا موجود و سه مجلّد از آنها سابقًا به ارث نیای معظّم، آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» أعلی اللّه مقامه بوده که ضمن شرح حال خود در کتاب

ص : ۲۲۸

۱- ۱) در معجم البلدان ۵: ۱۳۴» یاقوت و «خطط جبل عامل ۱: ۲۹۳ ــ ۲۹۵» تألیف صاحب «أعیان الشیعه» و «المنجد فی الأدب و العلوم: ۴۹۹» همه «مشغری» را به شکل فوق ضبط کرده اند، لکن در «قصص العلما: ۲۸۹» و مقدمه طبع جدید «وسائل الشیعه: کج» آن را به فتح میم و فتح شین و سکون غین نوشته اند.

مذکور از آنها یاد فرموده اند و سخن ایشان در ذیل عوالی اللّألی. ش ۶۱۲» آورده شد.

کتاب وسائل مکرّرًا در ایران در سه مجلّد بزرگ به طبع حجری رسیده و أخیرًا نیز به سی منقّح و محقّقانه در طهران به چاپ حروفی طبع و منتشر شده است. در طبع أخیر مصحّح فاضل آن بیشتر به مصادر کتاب مراجعه کرده اند، لکن بی شبهه مراجعه دقیق و کامل به نسخ اصل «وسائل» بسیار لازم و مهمّ است(۱).

تألیفات حدیثی دیگر شیخ حرّ «علیه الرحمه و الرضوان» که به طبع رسیده است:

۱_ «الجواهر السّنیّه، فی الأحادیث القدسیّه».

۲_ «الصّحیفه الثّانیه السّجادیّه علیه السلام ».

۳_ «بدایه الهدایه فی الواجبات و المحرّمات المنصوصه» که گزیده ای است از کتاب دیگرش «هدایه الأمّه الی أحکام الأئمّه علیهم السلام »، و آن نیز گزیده ای است از کتاب «وسائل الشیعه» بدون ذکر سند و با حذف، مکرّرات، از باب طهارت تا دیات.

۴_ «من لا یحضره الامام» که فهرست مفصّل و مفیدِ «وسائل الشیعه» است.

۵_ «إثبات الُهداه النّصوص والمعجزات» که در إثبات حقیّت و معجزات حضرات چهارده معصوم علیهم السلام است به طریق روایت از کتب عامّه و خاصّه و مشتمل است بر بیش از بیست هزار حدیث به هفتاد هزار سند تقریبًا. این کتاب عظیم القدر أخیرًا به اهتمام جمعی از فضلاء حوزه علمیّه قم با ترجمه پارسی آن در ۷ مجلّد در طهران به طبع رسید.

۶_ «الفصول المهمّه، فی اصول الأئمّه علیهم السلام ». مشتمل بر افزون از هزار باب در معرفت اصول و فروع دین و اصول فقه و طبّ و غیرها، به أحادیث مرویّه از حضرات أئمّه معصومین علیهم السلام . تاکنون چند بار در ایران و عراق به طبع رسیده است.

۷_ «الایقاظ من الهجعه، بالبرهان علی الرجعه» که در آن به افزون از شصت آیه شریفه قرآن کریم و ششصد حدیث و أدلّه قاطعه دیگر موضوع رجعت امامان «علیهم السلام» را ثابت فرموده است. این کتاب نیز به طبع رسیده است.

از جمله تألیفات بسیار مفید و ممتّع شیخ حرّ _ قدّس اللّه سرّه _ کتاب «أمل الامل» فی علماء جبل عامل» یا «تذکره المتبحّرین فی العلماء المتأخّرین(۲)» اوست مشتمل بر دو

۱- ۱) کتاب شریف «وسائل الشیعه» در قم نیز با استفاده از نسخ اصل آن به خوبی تجدید چاپ شد. جزاهم اللّه خیرًا. همچنین دیگر مصنّفات یاد شده در متن.

۲- ۲) در کتاب «الأعلام ۶: ۳۲۱» اشتباهًا گوید «تذکره المتبحّرین» قسم ثانی کتابست و هنوز به طبع نرسیده.

قسم، قسم اوّل در أحوال دانشمندان بلاد جبل عامل، و قسم ثانی در أحوال دانشمندان دیگر.

این کتاب نفیس نیز که در سالهای ۱۰۹۶ _ ۱۰۹۷ در مشهد مقدس رضوی تألیف شده مکرّر به طبع رسیده و از مآخذ مهمّ کتب تراجم به شمار می رود.

ایشان شرح حال خود را در حرف میم قسم اوّل این کتاب آورده و آنجا پس از ذکر تاریخ تولّد خود که نقل کردیم فرماید: در قریه مشغَر نزد پدر و عمّش شیخ محمّد حرّ و نیای مادریش شیخ عبدالسّلام بن محمّد حرّ و دایی پدرش شیخ علی بن محمود و جمعی دیگر درس خوانده، و در قریه جُبَع نیز بر عمّ مذکور و شیخ زین الدین بن محمّد بن حسن بن شهید ثانی و شیخ حسین ظهیری و دیگران _ رحمه اللّه علیهم اجمعین _ شاگردی کرد، و چهل سال در دیار خود ماند، و دو بار به حجّ خانه خدا نائل شد، سپس به عراق رفت و به زیارت بقاع متبرّک ائمّه هُدی علیهم السلام مشرّف گردید، و از آنجا به ایران آمد و به زیارت مشهد مقدس رضوی در طوس نائل آمد و در آنجا رحل اقامت افکند و در ضمن دو بار دیگر حجّ گذارد و دو بار هم به عراق رفت.

سپس به ذکر تألیفاتش پرداخته(۱) و در پایان، کلام مرحوم سیّد علی خان شیرازی مدنی را که در «سلافه العصر: ۳۶۷» راجع به مؤلّف فرموده و او را ستوده است نقل نموده، و سپس مقداری از أشعار عربی خود را آورده(۲) و ترجمه را پایان داده است.

در خاتمه «أمل الامل: ۷۶» نیز تصریح کرده است که آغاز ورودش به مشهد رضوی در سال ۱۰۷۳ بوده.

شیخ حرّ، عاقبت در روز بیست و یکم ماه رمضان المبارک ۱۱۰۴ در مشهد مقدّس رضوی به سنّ هفتاد و یک سال و دو ماه و یازده روز وفات یافت، و برادر دانشورش شیخ احمد حرّ مؤلّف کتاب «الدّر المسلوک فی أحوال الانبیاء و الأوصیاء و الخلفاء و الملوک(۳)» که پس از برادرش به شیخ الاسلامی مشهد مقدّس رسیده بر جنازه او در

ص : ۲۳۰

۱- ۱) در «سجع البلابل» پنجاه و دو کتاب از تألیفات مرحوم شیخ حرّ ذکر شده است.
۲- ۲) در شرح حال او نوشته اند که دیوان أشعارش دارای قریب بیست هزار بیت است، و آقای دکتر محفوظ در مقاله ای که در «مجلّه معهد مخطوطات ۴: ۲۲۹» نوشته نسخه اصل آن را در کتابخانه مرحوم شیخ محمد سماوی در نجف اشرف نشان داده اند.
۳- ۳) این کتاب از نفائس کتب تاریخی است، و در «ذریعه ۸: ۷۰ _ ۷۱» پیرامون آن مفصّلا بحث کرده و مطالبی راجع به خاندان مؤلّف نگاشته اند که شایان مراجعه است. مؤلف «معجم المؤلفین ۹: ۲۰۴» اشتباهًا این کتاب را به برادر مؤلف آن _ صاحب عنوان _ نسبت داده است.

زیر قبّه منوّره نماز خوانـد و در سـردابی که در مدرسه میرزا جعفر، پهلوی بر جنازه صـحن مطهّر رضوی واقع است، به مُحاذات قبر علاّمه سبزواری «جامع الزیارات عبّاسی: ش ۲۱۷» به خاک سپرده شد(۱).

تاریخ وفات شـیخ حرّ را صاحب «خلاصه الأثر ۳: ۴۳۲» و یکی دو نفر دیگر از مـورّخین اشـتباهًا به سالهـای ۱۰۷۹ _ ۱۰۷۳ یا ۱۰۹۹ نوشته اند، چنانکه در «الأعلام ۶ : ۳۲۲» و جاهای دیگر نیز به این مطلب تصریح شده است.

شیـخ حرّ در خلال مدّت توقف خود در مشـهد مقدّس سـفرهایی نیز به اصـفهان و شـیراز و جاهای دیگر کرده و با دانشـمندان بزرگ عصر خود همچون علاّمه مجلسی روابط حسنه ای داشته است.

نکته شایان توجّه این که در آثار علمی شیح حرّ با وجود اقامت ایشان در بلاد ایران کتابی به زبان فارسی دیده نمی شود.

برخی از مصادر شـرح حال مؤلف: «روضات الجنّات: ۶۱۶ _ ۶۱۹»، «ریحانه الادب ۱: ۳۱۵ _ ۳۱۶»، «الأعلام ۶: ۳۲۱ _ ۳۲۲»، «أعیان الشیعه ۴۴: ۵۲ _ ۶۴»، «معجم المـؤلّفین ۹: ۲۰۴ _ ۲۰۵»، «فهرست سـپهسالار ۱: ۳۴۱ به بعد»، «قصـص العلما: ۲۸۹ _ ۲۹۳»، «الفوائـد الرّضـویّه: ۴۷۳ _ ۴۷۷» محـدّث قمّی، «منتخـب التّواریـخ: ۶۸۶ _ ۶۸۷» خراسـانی، مقـدّمه طبع جدیـد «وسائل الشـیعه»، «سـجع البلابل فی ترجمه صاحب الوسائل» که در مقدّمه جلد اول «إثبات الهداه» چاپ شده است، مقاله فاضلانه آقای شانه چی در شماره ۱۱ مجلّه شریفه «نامه آستان قدس: ۳۱: ۴۲» مورّخ شوّال ۸۱.

* * *

کتـاب: «الفوائـد الطوسـیّه» جـای گفتگو، مجموعه ای است از مطالب گوناگون حـدیثی و فقهی و ادبی و رجالی که مؤلّف در طول مدّت اشـتغالات علمی خود و در جواب سؤالاتی که درین باره ها از او شده به رشته تحریر درآورده، و چنان که از پایان نسخه ما

۱- ۱) رجوع به «الفوائد الرضویه: ۴۷۶» شود که عبارت «الدر المسلوک» را در این باره نقل کرده است.

استفاده می شود به سال ۱۰۷۵ آن مطالب را گردآوری و مجلّد اوّل «الفوائد الطوسیّه» نامیده است. بعضی از رساله ها و منظومات مستقلّ خود را نیز در این کتاب مندرج فرموده که پس ازین به تفصیل می شناسانیم.

گویا مجلّدات دیگر این کتاب تألیف نشده، و مؤلّف خود در «أمل الامل: ۲۴» که هفت سال قبل از وفاتش تألیف کرده به هنگام ذکر تألیفاتش فرماید: کتاب «الفوائد الطوسیّه» یک مجلّد از آن که مشتمل بر یکصد فائده(۱) در مطالب متفرّقه است از دست تألیف خارج شده. انتهی.

در «أعیان الشیعه ۴۴: ۵۵» و «فهرست سپهسالار ۱: ۳۴۱» نیز که از این کتاب یاد کردهاند به همین نحو نوشته اند. و در «سجع البلابل: یج» فرماید: «کتاب الفوائد الطوسیّه، یشتمل علی فوائد کثیره و مطالب متنوّعه فی فنون العلم، و هو حسنٌ جدًّا، و عندنا نسخهٌ من المجلّد الاوّل منه».

با این که فوائد طوسیّه کتاب مفید و مهمّی است مع الوصف نسخ آن کمیاب و نسخه هایی که فعلاً می شناسیم اینها است: ۱ــ نسخه خطّ مؤلّف، در کتابخانه محدّث قمّی ــ رحمه اللّه علیه ــ چنان که در «فوائد الرضویّه: ۴۲۴» و «سفینه البحار ۱: ۲۱۵ ط ۱» خود تصریح کرده. ۲ــ نسخه کتابخانه دانشمند محقّق حاج میرزا عبّاسقلی آقا واعظ چرندابی، در تبریز(۲). ۳ــ نسخه مؤلّف محترم «سجع البلابل»، در قم. ۴ــ نسخه ای که مؤلّف «کشف الحجب والأستار: ۴۰۵» در دست داشته و آغاز آن را نقل کرده و گوید: «مشتمله علی اثنین و مائه فائده، ذکر فیها فوائد مفیده و مباحث سدیده فی حلّ بعض الأحادیث المشکله، إلاّ ما لا یرضاه أهل الاُصول و یخالفه فیه الفحول».

در شماره سابق الذّکر «نامه آستان قدس: ۳۷» گوید: «فوائد طوسیّه، شامل صد فائده.

---

۱ – ۱) چنان که پس از این خواهیم گفت نسخه ما مشتمل بر شصت و یک فائده است، شاید مؤلّف بعد از تألیف جلد اول مطالب دیگری نیز بر آن افزوده و در نسخه های متأخّرِ الحاق شده، چنان که نسخه صاحب «کشف الحجب» دارای ۱۰۲ فائده بوده، و مؤلف کتاب «فاروق الحق» ــ که پیرامون اختلافات حاصله میان مجتهدان و أخباریان است و در حاشیه کتاب «الحقّ المبین» کاشف الغطاء در طهران چاپ شده ــ نیز مطلب مفصلی از فائده نودم این کتاب نقل کرده و گوید: «خاتمه. قال الشیخ الحرّ العاملی فی الفائده التسعین من کتاب «الفوائد الطوسیه» فی جواب «رساله الاجتهاد» ما نصّه:...»، الخ.

۲ – ۲) مقاله دانشمند فاضل آقای دکتر حسین علی محفوظ کاظمینی در «مجله معهد المخطوطات الغربیه ۳: ۹».

منتخبی از این تألیف در مجموعه ای به توسط یکی از شاگردان شیخ گرد آمده و ضبط شده که از آن نسخه ای در کتابخانه مدرسه نوّاب مشهد موجود است».

آیه اللّه مرحوم آقا میرزا سیّد محمّد هاشم موسوی روضاتی، پدر مؤلّف این فهرست، «یاد شده در ش ۳۹۳» نیز به سال ۱۳۵۲ شروع به استنساخ، «فوائد طوسیّه» ــ از روی نسخه مورد بحث ــ نموده و فقط سی فائده از آغاز آن را به خطّ خود نگاشته اند که اینک موجودست.

مؤلّف «کتاب الأوائل: ۲۹۱ و ۳۷۷» نیز مطالبی از این کتاب نقل کرده است.

مؤلّف در آخر کتاب فهرستی برای مطالب آن تنظیم نموده که ذیلاً «با توضیحاتی» نقل می کنیم.

آغاز: «بسم... الحمد للّه علی إفضاله، و الصّلوه و السّلام علی محمّد و آله. و بعد، فیقول الفقیر إلی عفو اللّه الغنیّ: محمّد بن الحسن بن علیّ، الحرّ العاملیّ ــ عامله اللّه بلطفه الخفیّ وا لجلیّ ــ : هذه فوائد فی حلّ بعض الأحادیث المشکله، و فرائد فی تحقیق بعض المسائل المعضله(۱) الّتی کان یسألنی(۲) عنها بعض أهل العلم و الکمال، فأکتبُ لهم فی شرحها ما یقتضیه الحال و یخطر بالبال. فأردتُ جمعها بعد الشتات، لیُستعان بها علی حلّ بعض المشکلات. و المسؤل من الناظر فیها إصلاح الخلل، و العفو عن الهفو و الزلل. و سمّیته «الفوائد الطوسیّه»، و اللّه الموفّق. حدیث محمّد بن عبید، فی باب الرّؤیه من «الکافی»: قوله علیه السلام فیه اتّفق الجمیع، لاتمانع بینهم، أنّ المعرفه من جهه الرّؤیه ضروره، فإذا جاز أن یری اللّه بالعین وقعت المعرفه ضروره. أقول: ربّما یستدلّ بهذا الحدیث علی حجّیّه الإجماع، و فیه أ نّه یحتمل کونه احتجاجًا علی العامّه بما هو حجّه عندهم...».

انجام: «و هذه الوجوه و إن کان فیها بعض التداخل فبینها فرقٌ لا یخفی، و الدّاعی إلی جمعها التّیمّن بالعدد، واللّه تعالی أعلم. المسئله الثامنه فی حدیث «شهر رمضان لا ینقص

أبدًا». تمّ الجزء الاوّل من کتاب «الفوائد الطوسیّه» بحمد اللّه تعالی و عونه، علی ید مؤلّفه العبد محمّد بن الحسن بن علی بن محمّد، الحرّ العاملی المشغَری، عفی اللّه عنهم. و کتب فی رسالته محمّد یوسف بن المظفّر الحسینی المازندرانی(۳)، غفر اللّه له و لوالدیه

۱- ۱) در نسخه «المفصله» است.

۲- ۲) در کشف الحجب: یسألنی فی طوس، است.

۳- ۳) به استناد به این فهرست، در «روضه نضره: ۶۴۶» برای این شخص عنوانی قرار داده و استظهار کرده اند که او از جمله مستفیدان از مصنّف بوده و نسخه موصوفه را نزدش از روی نسخه اصل نوشته است! میر محمد یوسف حسینی نام مترجم در «ترجمه مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام . ش ۱۴۹» گذشت.

و لجميع المؤمنين والمؤمنات. و تمّت الرساله مؤلّفه فى أواخر ذى الحجّه الحرام سنه ۱۰۷۵ من الهجره، و الحمد للّه ربّ العالمين، و كتب كتابتًا فى أوّله و آخره فى شهر رجب المرجّب سنه ۱۰۷۹».

چنان كه ديده مى شود كاتب از نوشتن الفاظ عربى عاجز بوده و جمله هاى مغلوط و نامربوطى در پايان كتاب آورده، جز اين كه مستفاد مى شود مؤلّف در أواخر ماه دوالحجّه ۱۰۷۵ از تأليف كتاب فراغت يافته و كاتب نسخه نيز در ماه رجب ۱۰۷۹ آن را استنساخ كرده است.

از نام كتاب و جمله [فى طوس] كه در نسخه صاحب «كشف الحجب» بوده هم مستفاد مى شود كه در طوس ـ مشهد مقدّس رضوى ـ تأليف شده است.

فهرست: [بسم ... الحمد للّه ربّ العالمين، و صلّى اللّه على محمّد و آله الطاهرين. و بعد، فهذا فهرست الجزء الأوّل من كتاب «الفوائد الطوسيّه»، و قد كنّا وضعنا لكلّ ورقهٍ علامتها من مراتب العدد، و كتبنا تحت كلّ عنوان هنا علامه الورقه الّتى اتّفق ذلك المطلب فيها. ثمّ رأينا أ نّه لا يتعدّى إلى كلّ نسخه، فوضعنا العلامات تحت العنوان فى الأصل وهنا، ليسهل استخراج المقصود، بتوفيق اللّه تعالى. ۱ـ حديثٌ فى باب الرّؤيه من «الكافى». ۲ـ حديثٌ آخر فى باب الرّؤيه. ۳ـ حديث المسيح فى التّيمّم فى موضع القطع. ۴ـ حديث قياس ابليس. ۵ـ حديث عباره فى التّعريف بأل. ۶ـ حديث أرواح الكفّار. ۷ـ الأجسام [فائده: الأجسام الطبيعيّه جواهر يمكن أن يفرض فى كلّ منها خطوط ثلثه...]. ۸ ـ اسم الجنس [إعلم أنّ اسم الجنس مادلّ على ذاتٍ صالحه لأن تصدق على كثيرين...]. ۹ـ عبارهٌ فى «حاشيه الخطايى». [قوله فى «حاشيه الخطايى»: اللّهمّ إلاّ أن يفرق بين التّصريح بالفعل و تقديره...]. ۱۰ـ التّقديرات الشّرعيّه [فائده: الرّطل العراقىُّ مائه و ثلثون درهمًا...]. ۱۱ـ نوافل الجمعه فى السّفر. ۱۲ـ حديث خلق العقل. ۱۳ـ حديث من عرف الحقّ [تأويل حديث و قد سأل عنه بعض الطلبه، و ذكر هذا السّائل أ نّه وجده فى بعض الكتب، و لفظه «من عرف الحقّ لم يعبد الحقّ»]. ۱۴ـ تفسير الزّجاجه و المصباح من «الكافى». ۱۵ـ حديث الأكل متّكئًا. ۱۶ـ عبارهٌ فى بحث الطواف من «شرح اللّمعه».

ص : ۲۳۴

۱۷_ تسمیه المهدیّ علیه السلام . ۱۸_ حدیثُ فی باب النّذر من «التّهذیب». ۱۹_ نصیحهٌ [تهذیب النّفوس فرضٌ واجب و جهادها ضربٌ لازب]. ۲۰_ حدیث صلوه الرّجل والمرأه [فی کتاب «من لا یحضره الفقیه»: روی جمیلٌ عن أبی عبداللّه علیه السلام أنه قال: لا بأس بأن تصلّی المرأه بحذاءِ الرّجل و هو یصلّی...]. ۲۱_ عبارهٌ فی «البیان» [قوله فی «البیان»: و التّیمّم بدلاً من الوضوء والغسل]. ۲۲_ عبارهٌ أخری فی «البیان» [ولیکن الأقرب، علی الأقرب. أقول:... أقول: سألنی بعض العلماء عن هذه العباره و ما قبلها، فکتبُ له ما ذکرته، فاعترض بما صورته... انتهی، فکتبت فی جوابه:...]. ۲۳_ عبارهٌ فی کتاب «الاحتجاج» [قوله علیه السلام فی الإحتجاج: و أمّا رحمک فمنکوره و قرابتک فمجهولهٌ...]. ۲۴_ عبارهٌ فی «عیون الأخبار» [قوله علیه السلام فی «عیون الاخبار» بعد الإحتجاج علی سلیمن المروزی فی أنّ الإراده حادثهٌ...]. ۲۵_ حدیث الأغسال [حدیث محمّد بن مسلم: الغسل فی سبعه عشر موطنًا، الخ]. ۲۶_ حدیث هلکت المحاضر [فی باب مایعاین المؤمن و الکافر من «الکافی» یقول فیه الامام علیه السلام : هلکت المحاضر و نجا المقرّبون]. ۲۷_ حدیث «انّکم تلقّنون موتاکم لا إله إلاّ اللّه». ۲۸_ حدیث «طعن فی حیوه الغلام». ۲۹_ عباره البیضاوی فی الیتامی. ۳۰_ عبارته فی السّفهاء. ۳۱_ حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربّه[(۱)]». ۳۲_ حدیث اذا أحببتُه کنتُ سمعه [فی الحدیث القدسی: ما تقرّب إلیّ عبدی بشیءٍ أحبَّ إلیَّ ممّا افترضتُ علیه...]. ۳۳_ حدیث التّرجیع [فی «الکافی» فی آخر باب ترتیل القرآن]. ۳۴_ حدیث «تغنّوا بالقرآن». ۳۵_ حدیث أجزاءِ الشهوه [انّ اللّه قسّم الشهوه عشره أجزاء، تسعه فی النّساءِ و واحد فی الرجال...]. ۳۶_ حدیث الریح بعد الروح [إنّ اللّه تطوّل علی عباده بثلاث ألقی علیهم الرّیح بعد الرّوح...]. ۳۷_ حدیث «ثلثه أدری أیّهم أعظم جُرمًا». [رواه الصدوق فی «الفقیه» و «الخصال» و غیرهما عن رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله].

ص : ۲۳۵

۱- ۱) در «لوامع ربّانی. ش» گفته ایم. که مرحوم امیر سید احمد بن زین العابدین علوی رساله ای به نام «المعارف الالهیّه» در شرح این حدیث نگاشته است. جلال الدین سیوطی متوفی ۹۱۱ نیز رساله ای به نام «القول الا شبه فی حدیث من عرف نفسه فقد عرف ربّه» تألیف کرده که در ضمن کتاب الحاوی للفتاوی ۲: ۴۱۲ _ ۴۱۷» او در مصر به طبع رسیده، و نگارنده در تعلیقات رساله «جبر و تفویض: ۱۱» تألیف صدرالمتألّهین ماخذ حدیث را نوشته ام. أیضًا رجوع شود به «احادیث مثنوی، ص ۶۰. برای ش ۳۲ «عوالی اللّألی ۱: ۴۰۸ ط قم» و «أوراد الأحباب و فصوص الاداب: ۲۴۰»، و برای ش ۳۳ و ۳۴ کتاب «غرائب الأخبار» مرحوم سیّد جزائری، مراجعه شود، مفید است.

۳۸ـ حـديث«و من تحت الثرى» و «الحموله» [فى بـاب أنّ الأئمّه أركان الارض...]. ۳۹ـ حديث القضيب [فى باب ما فرض اللّه من الكون مع الائمّه عليهم السـلام من «الكافى»]. ۴۰ـ حديث «رسول اللّه صـلّى اللّه عليه و آله و سـلم الذّكر» [فى باب أنّ أهل الـذكر الّذين أمر اللّه بسؤالهم هم الأئمّه عليهم السـلام من اصول «الكافى»]. ۴۱ـ حـديث إخبـار كلّ امرء بماله و ما عليه. ۴۲ـ حديث «الّذين تقوم عليهم القيمه» [فى باب تسـميه من رآه عليهم السـلام من «الكافى».]. ۴۳ـ حديث «يعلم مثل علمه أو ما شاء اللّه» [فى باب أنّ الأئمّه عليهم السـلام ورثهٌ]. ۴۴ـ حديث «الإثنى عشر بعد الاثنى عشـر عليهم السلام ». ۴۵ـ فى قولهم «نقيض الموجبه الجزئيّه [سالبهٌ كليّهٌ]». ۴۶ـ قولهم «كلّما هو لازم العامّ لازم الخاصّ». ۴۷ـ حديث التقصـير فى فرسخ و فى عشره أيّام. ۴۸ـ تعلّق علم اللّه بالمعلومـات. ۴۹ـ حال «تفسـير العسـكرىّ عليه السـلام ». ۵۰ـ «ارجوزهٌ فى المواريث» [نظمهـا مؤلّف هـذا الكتاب إجابهً لالتماس بعض الأصحاب]. ۵۱ـ «قصيدهٌ فى مدحهم عليهم السلام » [من نظم جامع الكتاب فى مدح أميرالمؤمنين و الأئمّه من أولاده عليهم السلام]. ۵۲ـ «رسالهٌ فى إثبات تواتر القرآن». ۵۳ـ مسئله: تعليق الطلاق. ۵۴ـ حديث دعائم الاسلام [فى «الكافى» فى باب دعائم الاسـلام عن زراره عن ابى جعفر عليه السـلام قال: بُنى الاسـلام على خمسه...]. ۵۵ـ حديث الاثنى عشـر من ولد رسول اللّه صـلّى اللّه عليه و آله و سـلم [فى «الكافى»]. ۵۶ـ حديث «أوّل صـلوه فرضت وقت الإسراءِ: الظهر» [فى «الفقيه»]. ۵۷ـ شرح خطبه لأميرالمؤمنين عليه السلام : [التمسه منّى بعض الرّؤساء على وجه الاختصار، لتحقيق بعض لغتها و بيان نبـذه من نكتها. روى الصّـدوق فى «المجالس» باسـناده... قال أميرالمؤمنين عليه السـلام : واللّه ما دنياكم عندى...]. ۵۸ـ حديث «حتّى يموت جميع الخلائق إلاّ الثقلين» [فى بـاب الـدّعاء فى أدبـار الصّـلوات من اصول «الكافى». ۵۹ـ «رسـاله فى نفى تحريم صلوه الجمعه فى زمان الغيبه». ۶۰ـ توثيق الصّدوق [حال الصدوق ـ قدّس سرّه ـ إعلم أنّ محمّد بن على بن الحسين بن موسى بن بابويه ـ رض ـ لم يوثّقه الشـيخ و لا النّجاشىُّ و لا غيرهما...(۱)]. ۶۱ـ جواب شبهه للفخر الرّازى فى قوله تعالى «و لقد قال لهم هرون» [المسئله السابعه فى جواب شبههٍ أورِدَ على الرازى فى تفسيره الكبير]. تمّ الفهرست، و الحمد للّه وحده، فى التّاريخ].

چند توضيح پيرامون كتاب:

ص : ۲۳۶

۱- ۱) در اين خصوص، توضيح چهارم را كه در پايان همين عنوان مى آيد ملاحظه فرمايند.

۱ــ شیخ حرّ، چنانکه خود نیز در «أمل الآمل: ۲۴» فرموده(۱) تعـدادی از رسائل و منظومات گوناگون خود را ــ بتمامها ــ در این کتـاب منـدرج سـاخته است، از جمله: «المسائـل الاثنـا عشـریّه». مؤلّف هنگامی که به مشـهد مقـدّس رضوی مشـرّف شـده مسائلی را از او پرسـیده اند که در جواب بعضی از آنها کتابی به این نام نگاشته، و آنگاه که فوائد طوسیّه را تألیف کرده است پـاره ای از آن مسائل را در این کتاب آورده، و در هامش فوائـد آنجا که حـدیث خلق العقل را در متن آورده، مقـدّمه این اثنا عشـریّه را هم ذکر نموده، و مسائـل ۱۲ گـانه را به این شـرح یـاد کرده است: «۱ــ حدیث خلق العقل، شـماره ۲»، «۲ــ حدیث قیاس ابلیس، شـماره ۴»، «۳ــ حـدیث من عرف الحقّ، شـماره ۱۳»، «۴ــ حدیث الترجیع، شـماره ۳۳»، «۵ــ حـدیث من عرف نفسه، شماره ۳۱»، «۶ــ توثیق الصّدوق، شـمره ۶۰»، «۷ــ جواب شـبهه للفخر الرازیّ، شماره ۶۱»، «۸ــ حدیث شـهر رمضان لا ینقص أبدًا»، «۹ــ حدیث الخصال المضـمونه للمؤمن»، «۱۰ــ توجیه عباره فی کتاب الصوم من «شـرح اللّمعه»، «۱۱ــ فی بطلان الجبر»، «۱۲ــ؟»(۲).

«ارجوزه فی المواریث» مشتمل بر یک مقدّمه و ۱۹ فصل «۲۷۵ بیت».

«قصیدهٌ فی مدح أمیرالمؤمنین و الأئمّه من أولاده علیهم السلام ». حدود ۴۵۰ بیت.

«رسالهٌ فی اثبات تواتر القرآن». رساله ای است در ردّ یکی از معاصـرین مؤلّف که تفسـیری بر قرآن کریم نگاشـته و در مقدّمه آن فصلی درباره عدم تواتر قرآن آورده بود. «۷۵ صفحه». در حال حاضر آن شخص مفسّر شناخته نشد.

«رسالهٌ فی نفی تحریم صـلوه الجمعه فی زمان الغیبه». این رساله مفصّل را در ردّ کسی که(۳) از معاصرین مؤلّف بوده و «رساله ای در تحریم نماز جمعه در زمان غیبت» در ردّ «رساله نماز جمعه شـهید ثانی» تألیف کرده بود نگاشـته است. تاریخ تألیف این رساله

۱- ۱) و فی «الفوائد الطوسیه» أیضًا رسائل متعدده طویله نحو عشره، یحسن إفراد کلّ واحده منها.

۲- ۲) عنوان مسئله ۱۲ از قلم کاتب افتاده است.

۳- ۳) در «سـجع» این شـخص را «مولی محمّد ابراهیم نیشابوری»، دانسـته اند، بدون ذکر مأخذ، امّا چنین کسـی و رساله اش به درستی شـناخته نشد. مرحوم شـیخ حرّ ألفاظ رساله مردوده را جابجا آورده و ردّ کرده اند. شاید به این وسیله صاحب رساله را بتوان شـناخت. از باب مثال: [فأوّل ما نَقل عباره الشیخ فی «الخلاف»... قال المُعاصر: «هذا صریحٌ فی نفی الوجوب الحتمیّ و هو عند التحقیق کعباره المرتضی» انتهی. أقول...].

.۱۰۷۳. «۱۲۸ صفحه».

۲ـ فائده هفدهم که در فهرست کتاب به عنوان «تسمیه المهدیّ علیه السلام » مذکور است در أصل کتاب نیامده، و شاید مؤلّف ابتداءً فائده ۱۷ را اختصاص به کتاب «کشف التعمیه فی حکم التسمیه» خود که در همین موضوع بوده داده است، لکن کاتب به علّت مفصّل بودن کتاب از استنساخ آن صرف نظر کرده.

«کشف التعمیه» و «نزهه الأسماع فی أحکام الاجماع» و «الاثنا عشریّه فی الرّدّ علی الصّوفیّه» و «هدایه الاُمّه الی أحکام الأئمّه» را که تمامًا از تألیفات گرانقدر شیخ حرّ است شاید در این فهرست معرّفی کنیم.

۳ـ فائده پنجاه و سوم نیز که در فهرست به عنوان «مسئله: تعلیق الطلاق» مذکورست در اصل کتاب ـ نسخه ما ـ دیده نمی شود.

۴ـ نیای گرامی، آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم موسوی چهارسویی «اعلی اللّه مقامه» در حاشیه برگ ۲۰۹ این کتاب پیرامون فائده ۶۰ که در توثیق شیخ صدوق است چنین نوشته اند:

«رحم اللّه المؤلّف بما بالغ فیه من توثیق هذا الرّجل، و هو و إن سعی غایه السّعی إلاّ أ نّه لم یأت بلفظٍ صریح فی توثیق خصوص هذا الشیخ. و نحن ـ بحمد اللّه ـ وجدنا ذلک أیضًا، و هو قول الفاضل محمّد بن ادریس فی سرائره فی کتاب النکاح، حیث ذکر مذهبًا لهذا المحدّث، ثمّ قال: انّه کان ثقةً، جلیل القدر، بصیرًا بالأخبار، ناقدًا للاثار، عالمًا بالرّجال، و هو اُستاد المفید محمّد بن محمّد بن النعمان ـ ره ـ لمحرّره، عفی عنه». تکمله: مرحوم آخوند ملّا محمّد تقی مجلسی (متوفی ۱۰۷۰) در اوّل شرح مشیخه فقیه «روضه المتّقین ۱۴: ۱۶» درباره شیخ صدوق «رضوان اللّه علیه» فرموده است: «و وثّقه ابن طاوس صریحًا فی کتاب النجوم بل وثّقه جمیع الأصحاب لما حکموا بصحّه أخبار کتابه، بل هو رکنٌ من أرکان الدین...» تا آخر.

و ایضًا در این خصوص به کتاب «قصص العلماء: ۲۳۷ ط حروفی اوّل» ذیل احوال شیخ بهائی رجوع شود.

۵ ـ در «الذریعه ۱۰: ش ۶۱۶» فرماید: «الردّ علی الفوائد الطوسیّه. الذّی الّفه الشیخ الحُرّ قبل (۱۰۹۰)، و الردّ لبعض العلماء المعاصرین للحُرّ، فرغ منه فی «رمضان ۱۰۹۳»

و هو ردٌّ على الفائده ۴۹ منه فی منعه من البرائه الأصليّه و الاستصحاب...» تا آخر.

صاحب ذریعه فرمایند که نسخه را نزد فرزند مرحوم ملاّ نوروز علی بسطامی در مشهد مقدس رضوی دیده اند.

نسخه: دارای ۲۱۵ برگ، روی برگ ۱ نام کتاب و مؤلّف آن همچنان که خود در ظهر نسخه اصل نگاشته بود به خط کاتب نوشته شده، و شخصی در دو جا نسخه را به خط مؤلّف معرّفی نموده که خطاست، تملّك و مُهر اسمعیل الخراسانی، و مهر «فضایلخان خانه زاد فدوی پادشاه عالم گیر غازی»، و مُهر نیای معظّمِ نویسنده این فهرست «الراجی جلال الدین بن محمّد مسیح الموسویِ»، و هم این شرح روی برگ مذکور دیده می شود:

«امانت اینجانب در لکهنو نزد میرزا محسن صاحب فرستاده شد». برگ آخر و ظهر برگ ۲۱۴ سفید است، و فهرستی که مؤلّف خود برای کتاب ترتیب داده اند دو روی برگ ۲۱۳ و روی برگ ۲۱۴ نوشته شده.

کاغذ: فستقی و اصفهانی موریانه خورده، جلد تیماج مشکی، آستر تیماج قرمز، خط نستعلیق ۱۷ سطری، عناوین در متن و هامش به شنگرف، قطع ۱۳ × ۱۹ و نیم، متن ۷ × ۱۲ و نیم، نام کاتب و تاریخ کتابت در بالا نقل شد.

کنز الفوائد

(عربی)

این کتاب شرحی است بر کتاب «إرشاد الأذهان إلی أحکام الإیمان» علاّمه حلّی ـ قدّس اللّه تعالی سرّه ـ مؤلّف «مناهج الیقین» مذکور در شماره [ ] این فهرست.

«إرشاد الأذهان» از گرامی ترین کتب فقهیّه شیعه امامیّه و مشتمل بر قریب پانزده هزار مسئله است که افزون از پنجاه شرح و حاشیه بر آن نوشته شده و در مواضع متفرّق «ذریعه ۱: ۵۱۰ ـ ۵۱۲ و ۶: ۱۴ ـ ۱۷، ۱۰۹ و ۱۳: ۷۴ ـ ۸۰» و «فهرست دانشگاه ۵: ۱۷۷۱ به بعد» و جاهای دیگر از آنها یاد شده است.

یکی از شروح مفصّل ارشاد کتاب «مجمع الفائده والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان» مرحوم مقدّس اردبیلی است که به طبع رسیده و از مصادر مهمّ به شمار می رود.

بعضی دیگر از شروح إرشاد را نیز ـ از جمله «منهج الرشاد» [شماره] ـ درین فهرست خواهیم آورد.

«کنزالفوائد» یکی از شروح مفصّل این کتاب است که شخصی به نام آخوند ملاّ مؤمن از دانشمندان قرن سیزدهم هجری نگاشته و مع الأسف تاکنون اطلاعی از احوال او نیافته ایم، لکن نظر به قرائنی شاید از خاندانهای علمی آذربایجان بوده است(۱).

«۶۵۹» الفوائد العليّه فی شرح الجعفريّه

(عربی)

این کتاب نفیس یکی دیگر از آثار فقهی دانشمند بزرگ شیخ جواد بن سعد بن جواد کاظمی مشهور به فاضل جواد صاحب «غایه المأمول. ش ۶۲۳» و «مسالک الأفهام» است.

جای گفتگو کتابی است که در شرح «الرساله الجعفريّه» نگاشته است.

جعفريّه رساله ای است مشتمل بر پنج باب(۲) در مباحث نماز و مقدّمات آن از طهارت و دیگر واجبات و مندوبات، که مؤلّف آن محقّق کرکی شیخ نورالدین علی ابن حسین بن عبدالعالی، أعلی اللّه مقامه، صاحب «جامع المقاصد» متوفّای ۹۴۰ آن را در مشهد مقدّس رضوی نگاشت و در نیمه روز پنجشنبه ۱۰ جمادای دوم ۹۱۷ از آن فراغت یافت.

در «ذریعه ۵: ۱۱۰ _ ۱۱۱ و ۱۳: ۱۷۴ _ ۱۷۶» از این کتاب و گزارشهای بسیاری که دانشمندان از زمان مؤلّف به بعد بر آن نوشته اند یاد شده است.

الفوائد العليّه، جای گفتگو نیز که یکی از شروح مزجی جعفريّه است در «ذریعه ۱۳: ۱۷۴» اجمالاً مذکور و معرّفی نسخه آن را حوالت به مجلّد حرف فاء داده اند.

در «جلد ۱۶ ش ۱۶۲۹» کتاب را عنوان فرموده و چند نسخه معرّفی نموده و از نسخه آقا سیّد حسن صدر آورده اند که: «فرغ منه ضحوه نهار الخمیس ثامن ربیع الثانی...»، امّا خود آقای صدر در شرح حال مبسوط فاضل جواد «تکمله امل الامل ۲: ش ۳۰۵» هم در ص ۳۰۰ و هم در ص ۳۰۱ همانند نسخه ما «الثانی من شهر ربیع

۱- ۱) در مجلّد هیجدهم الذریعه (ش ۱۱۹۶) یک نسخه از همین کتاب را که همانند نسخه ما شامل طهارت و صلوه بوده در کتابخانه مرحوم حاج میرزا باقر آقای قاضی طباطبائی تبریزی نشان داده و شارح را مؤمن اردبیلی دانسته و گویند که چون نسخه بی تاریخ است عصر شارح معلوم نگردید.

۲- ۲) پنج باب گفته «الذریعه» است و درست آن یک مقدّمه و چهار باب و یک خاتمه می باشد.

الثانی» نوشته اند، ۸۱، پس «ذریعه» اشتباه است، و غرّه ۲۴ در «تقویم و وستنفلد» پنجشنبه است، امّا اختلاف یک روز طبیعی است، و اللّه العالم.

مؤلّف «کشف الحجب و الأستار» از این کتاب نامی نیاورده، و در فهرستهای موجود نیز نسخه ای نشان داده نشده است.

فاضل جواد، این کتاب محقّقانه را چند سالی پس از تألیف «غایه المأمول» و پیش از «مسالک الأفهام» در شهر کاظمین نگاشته، و چنان که خواهد آمد در نیمه روز پنجشنبه دوم ربیع دوم ۱۰۳۲ _ هیجده ماه پس از درگذشت استادش شیخ بهائی، علیه الرحمه _ از تألیف آن فراغت یافت.

توضیحًا، کتاب دیگری به نام «الفوائد العلیّه» نیز نگاشته شده است که در شرح «ألفیّه شهید أوّل»، است آن هم در مباحث متعلّق به صلوه، و نگارنده آن شیخ هرون ابن خمیس جزائری، معاصر فاضل جواد است، و چهار سال پس از شرح جعفریّه _ جای گفتگو _ به سال ۱۰۳۶ از آن فراغت یافته، و نسخه خطّ خود جزائری در آستان مقدس رضوی موجود و در «فهرست رضویّه ۲: ۹۳» شناسانده شده است.

آغاز: «بسم... الحمدللّه علی إنعامه العمیم و إفضاله الجسیم، الّذی من إنعامه أن شرّع لعباده الأحکام، و بیّن لهم فی ذلک طرق الحلال و الحرام، و أمرهم بالمحافظه علی فعل الصّلوه فیما عیّنه من الأوقات،... أمّا بعد، فیقول المفتاق إلی رحمه ربّه الجواد: جواد بن سعد بن جواد _ أصلح اللّه أحواله یوم التّناد _ لمّا کان أفضل ما یتقرّب به العبد الذّلیل إلی مولاه الجلیل، بزعد المعرفه: الصّلوه، علی ما تظافرت به الأخبار... و کان القیام بها علی الوجه المأمور به محتاجًا الی معرفه ظاهر أحکامها من مکنونها، و مفروض أفعالها من مسنونها... لاجَرم، وجب علی المکلّف معرفه أحکامها علی الوجه المنقول...

و لمّا کانت «الرّساله الجعفریّه» للإمام العالم العلاّمه شیخنا المحقّق و إمامنا المدقق، أفضل المتأخّرین و أکمل المتبحّرین، قدوه المجتهدین، الشیخ علیّ بن عبدالعالی _ تغمّده اللّه بغفرانه... _ کافلهً فی معرفه ذلک، محیطهً بما هنالک؛ کان الّلائق التوجّه بالشّراشر إلیها و الإقبال بهمّهٍ عالیه علیها، لکنّها لمّا کانت _ مع صغر حجمها و وجازه نظمها _ فی غایه الإشکال و نهایه الإعضال؛ قد اشتملت علی أحکام دقیقه خلتْ عنها أکثر المصنّفات... کان المناسب لها شرحًا یکشف عنها إشکالها، و یرفع عنها إعضالها، و یبیّن قویَّ الأقوال

من ضعیفها، و متینَ الدّلائل من سخیفها...

فشمّرتُ عن ساعدی فی شرحها علی الوجه المذکور، و أبرزته شرحًا یلیق به أن یکتب بالذّهب علی صفحات خُدود الحور،... و سمّیته بـ«الفوائد العلیّه، فی شرح الجعفریّه، واللّه الهادی...».

قال المصنّف ـ رحمه اللّه ـ : بسم اللّه الرّحمن الرّحیم: ابتدأ بالبسمله اقتداءً بکتاب اللّه الملک العلّام...».

انجام: [و قد روی السیّد السعید رضیُّ الدّین بن طاوس فی نهایته صلواتٍ أُخری قریبه من ذلک. و فقنا اللّه و إیّاکم للعمل بصوالح السّنن... و حیث انتهی کلام المصنّف إلی هذا المقام فلنقطع الکلام، حامدین للّه تعالی...

فرغ من تسویدها مؤلّفها العبد الجانی الحقیر المعترف بالتقصیر، جواد بن سعد بن جواد الکاظمیُّ، و کان الفراغ من تألیفها ضحوه نهار الخمیس الیوم الثانی من شهر ربیع الثانی، سنه اثنین و ثلثین بعد الألف، فی مشهد الإمامین السّندین [السیّدین؟] المعصومین المظلومین الکاظمین... والحمد للّه ربّ العالمین.

قد وقع الفراغ من تسوید هذه النّسخه الشریفه ضحوه یوم الأربعاء، خامس عشر شهر ربیع الاوّل سنه سبع و ثلثین بعد الألف من الهجره النّبویّه، علی یدالعبد الاقلّ: میرزا حسین بن محسن الحسینی، عفی اللّه عنهما...].

نسخه: دارای ۳۲۲ برگ، ظهر برگ ۳۱۹ و برگهای ۳۲۰ تا ۳۲۲ سفید است، روی برگ ۱ تملّک «حسین بن موسی الأردبیلی(۱)»، مهر: «بنده آل محمّد: حسین» و مطالب گوناگونی دیده می شود، روی برگ ۳۲۰ نیز فرائد متفرّقی از مرحوم شیخ بهائی نقل شده است.

کاغذ: اصفهانی، جلد یک لنک مقوّایی ابری عطف تیماج، خط شکسته تعلیق ۲۰

ص : ۲۴۲

---

۱ – ۱) در اوائل نسخه دو سه جا حاشیه های مختوم به رمز «ح. ن» دیده می شود که ممکن است از این شخص باشد، و در «امل الامل: ۴۳» ترجمه دانشمندی بنام «مولانا حسین بن موسی الاردبیلی» هست که گوید: وی ساکن استرآباد و مردی فاضل و فقیه و صالح و از معاصران شیخ بهائی «متوفی ۱۰۳۰» بود. او راست «شرح الرساله الصومیّه» شیخ بهائی و «حواشی شرح تهذیب الوصول» عمیدی. در جایی از شرح صومیه گوید: چون به اینجا رسیدم شنیدم که شیخ بهائی در اصفهان وفات یافت و جنازه او را به مشهد مقدس رضوی بردند. انتهی. احتمال می دهیم دارنده نسخه مورد بحث همین دانشمند باشد. واللّه العالم.

سطری، پاره ای از عناوین به شنگرف، بالای عبارات متن با مرکّب خطّ کشیده، قطع ۱۳ × ۲۰، متن ۸ × ۱۴، تاریخ تألیف و کتابت و نام کاتب در بالا نقل شد و نسخه در حیات نگارنده و پنج سال پس از تألیف استنساخ شده و آثار مقابله دارد.

«۶۶۰» الفوائد المدنیّه

(ردّ اجتهاد ــ عربی)

از: ملّا محمّد امین بن محمّد شریف استرآبادی أخباری متوفی ۱۰۳۳ در مکّه مکرّمه.

کتاب: در ردّ بر قائلین به اجتهاد و تقلید است و به طبع رسیده.

نسخه: به خطّ شیخ محمّد بن احمد جیلانی است. تاریخ ختم استنساخ در شهر لاهور در ماه رمضان ۱۰۷۷ از روی نسخه ای که اکثر آن به خطّ مؤلّف بوده. تاریخ ختم تألیف: ماه ربیع الاوّل ۱۰۳۱ در مکّه معظّمه.

چند برگ از آغاز نسخه مفقود شده است. و چندین برگ از اوائل مقدار موجود از طرف بالای صفحه پارگی داشته که صحافی کرده اند.

آغاز موجود: «إن قبلت و إن لم یقبل... بالدرهمین قبلتهما عن الدین فانّ من علیه الدین مخیّر».

فوائد المرام

در جلد اوّل این فهرست «حاشیه شرائع الاسلام. ش ۲۸۰» از محقّق کرکی علیه الرحمه را شناساندیم، امّا به دلالت «ذریعه ۶: ص ۱۰۷ ش ۵۷۶»، زیرا در هیچ جای نسخه ها نام و نشانی از مؤلّف نداشت، و آنجا از ذکر این مطلب ــ به علّت نداشتن شاهد و مستندی ــ صرف نظر شد که بر روی رَف بالای نسخه نوشته اند «المجلّد الأوّل من فوائد المرام».

اینک در جلد شانزدهم «ذریعه ص ۳۵۸ ش ۱۶۶۴» نسخه «فوائد المرام. تعلیقات علی شرائع الاسلام» را بدون نام مؤلّف شناسانده اند و در پایان بحث فرموده اند: «والمظنون أنّ هذا هو حاشیه الشرائع للمحقّق الکرکیّ المذکور فی ج ۶ ص ۱۰۷».

پس، این دو نسخه از حاشیه الشرائع محقّق کرکی است که نام «فوائد المرام» بر آنها نهاده شده است.

بیافزاییم که اثر گرانقدر مورد نظر به سال ۱۴۲۳ ق در دو جلد به تحقیق شایسته شیخ محمّد الحسّون علیه الرحمه، چاپ شد: «حیاه المحقّق الکرکی و آثاره. المجلّد العاشر

و المجلّد الحادی عشر. حاشیه شرائع الاسلام»، و سوای مقدّمه ای که بر آن نوشته اند، در جلد دوم آن مجموعه کرامند «ص ۴۱۸ تا ۴۲۶».

که پیرامون همان حاشیه بحث کرده و ۲۵ نسخه خطّی از آن را معرّفی کرده و نامهای گوناگونی که بر نسخه ها و دیگر جاها بر آن اثر دیده اند در هیچ یک «فوائدالمرام» یاد نشده است، واللّه العالم.

«۶۶۱» الفوائد الملیّه بشرح الرّساله النّفلیّه

(فقه ــ عربی)

از: شهید ثانی شیخ زین الدین بن علی بن احمد شامی حاملی، اعلی اللّه مقامه.

کتاب: شرح مزجی «نفلیّه» شهید اوّل شیخ محمّد بن مکّیّ عاملی قدس سره است در بیان مستحبات نماز، دنباله رساله «ألفیّه» که همو در واجبات نماز نگاشته.

تاریخ ختم تألیف: روز پنجشنبه یازدهم صفر ۹۵۵. چاپ شده است.

نسخه: از آغاز و انجام و اواسط آن ناقص بوده، نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه حاجّ میرسیّد محمّد چهارسوقی آن را تکمیل فرموده است، بدون ذکر نام خود و تاریخ کتابت.

«۶۶۲» فیروزجات طوسیّه علی الدرّه النجفیّه

(فقه ــ عربی)

از: آخوند حاج ملاّ محمّد بن حسن طوسی مشهدی، علیه الرحمه.

کتاب: شرح مزجی است بر منظومه «الدره البهیّه» از مرحوم آقا سیّد محمد مهدی بحرالعلوم طباطبائی نجفی، از آغاز تا آخر کتاب طهارت، و در کربلا تحت قبّه مطهّره حسینیّه در روز پنجم ذیحجّه ۱۲۲۷ از آن فراغت یافته.

نسخه: به خطّ ابوالقاسم بن محمّد ازغدی مشهدی، ختم کتابت: «یوم الثلثاء» جمادای دوم ۱۲۳۵. تملّک و مهر داود بن اسداللّه در اواخر ماه رجب ۱۲۷۴، و کربلائی محمّد عبدالحسین خان بهادر به تاریخ چهارشنبه دوم جمادای دوم ۱۲۳۶ مطابق ۱۵ ماه ثانی (ظ) ۱۲۰۱ جلالی در کربلا.

«۶۶۳» القامعه للبدعه فی ترک صلوه الجمعه

(فقه ــ عربی)

از: عبداللّه بن صالح البحرانیّ، صاحب «الصّحیفه العلویّه. ش ۵۷۷».

کتـاب: در اثبـات وجوب عینی نمـاز آدینه است به ادلّه و براهین گونـاگون که به درخواست میرزا قانع نام(۱) _ جناس ناقص قامع، قانع _ تألیف کرده و در پسین روز پنجشنبه چهاردهم ماه صفر (۱۱۲۹) در بهبهان از آن فراغت یافته است:

«حدانی علی جمعها و تألیفها و تحریرها و تصنیفها عمده الأکابر الأماجد و زبده أرباب المَاثر و المحامد میرزا قانعا...».

«القامعه» در چهار فصل و یک خاتمه است:

فصل نخست: در بیان آیات شریفه ای از قرآن کریم که مؤلّف وجوب عینی نماز آدینه را از آنها استفاده کرده است.

جای سندالقامعه

ص : ۲۴۵

---

۱ - ۱) در کناره صفحات «۸۶ تا ۸۸ نسخه ش ۳۳۴۲ تذکره نصـرآبادی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران» نویسنده ناشناخته ای شـانزده تن شاعر ولایت کوه گیلویه را شـناسانده است، چهارمین آنها: «میرزا قانعا. از جمله صاحب کمالان عصـر بوده و نادره دهر... معزّز و محترم بوده نزد حکّام و بیگلربیگـان... و تخلّص او قانعا بوده... تا در سـنه (۱۱۳۳) در اصفهان فوت شده، خاطر احبّاء را قرین هموم و غموم نمود...» پیوست «تذکره نصرآبادی: ۷۹۷ _ ۷۹۸. تهران، ۱۳۷۸».

فصل دوم، در ذکر هفتاد و پنج حدیث شریف که مصنّف باز برای اثبات مدّعای خود کوشش فراوان به کار برده و آنها را دلیل اثبات وجوب عینی دانسته است.

او در ذیل حدیث هفتادو سوم که حول توقیع شریف «و أمّا الحوادث الواقعه» است از جناب فاضل اصفهانی «العلاّمه الفهّامه الأمین الشیخ بهاءالدین المعروف بالفاضل الهندیّ، سلّمه اللّه تعالی...» که قول به تحریم را از او آورده، به نحو گسترده و با تجلیل یاد کرده، که فاضل در آن زمان سرآمد اقران و مقدّم علماءِ اعیان و بسی مشار بالبنان بود، و همچنان پیرامون آراء و اقوال فقهاءِ متأخّر و معاصر خود نیز بحث کرده است، امّا نسبت به مرحوم مولانا خلیل قزوینی «متوفّی ۱۰۸۹، صاحب صافی. ش ۵۶۱» که سالها از وفاتش گذشته بود، به نحو دیگری سخن رانده است:

«لا یقال: إنّکم قد حکمتم بالرجوع الی رُواه الحدیث و العارفین به و قدادّعیتم إجماع المحدّثین علی القول بالوجوب العینیّ و نفی التحریم، فما تقولون فی الفاضل الجلیل و العالم النبیل مولانا خلیل القزوینیّ؟ فانّه کان أخباریًّا صِرفًا و محدّثًا بَحتًا یحرّم الاجتهاد

صریحًا، و مع ذلک کان یحرّم الجمعه فی زمان الغیبه. فکیف یکون اتّفاق رواه الحدیث علی الوجوب؟

لأنّا نقول: لا ـ یخفی علی من مارَس الحدیث و صرف عمره فی مُزاوله الأحادیث أنّ الرجل المذکور و إن کان هو الفاضل المشهور إلاّ ـ أ نّه غیر سلیم الذوق فی فهم الأخبار و معرفتها و ظهورها و صراحتها، کما لا ینکره من مارَس تصانیفه و عاشَر توالیفَه سلّمنا، لکن لا ـ نسلّم عدمَ خطائه، فانّ غیر المعصوم جائز الخطاءِ کما قلناه فی غیره... سلّمنا، لکن انّه رجل واحد فلا یعارض به قول جمع کثیر و جمّ غفیر...».

فصل سوم، در بیان اجماع است، و فصل چهارم، در بیان دلیل عقل

و امّا خاتمه قامعه، در آن چهارده دلیل از ادلّه کسانی که به آن دلائل قائل به حرمت نماز آدینه در زمان غیبت شده اند آورده و هر یک را به مذاق خود ردّ کرده و رساله را با نصائحی پایان داده است.

آغاز: «بسم...، و به نستعین، بعد حمد اللّه و ثنائه و الصّلوه علی أولیاءِ اللّه و خلفائه الامرین بالجمعه و النّاهین عن البدعه...».

انجام: «و کتب علی تشوّش البال و اضطراب الأحوال... بعصر الخمیس رابع عشر شهر صفر... فی بلده بهبهان... للسّنه التاسعه و العشرین و المائه و الألف... مؤلّفها... عبداللّه بن صالح بن جمعه بن شعبان السماهیجیّ البحرانیّ، حامدًا مصلّیًا...».

نسخه: دارای یکصد و سیزده، برگ و یک برگ عطف، به حجم بغلی، و به خطّ نسخ خوش کاتبی نامعلوم است که برای مؤلّف نوشته و مؤلّف آن را با پیش نویس خود به دقّت و مکرّر مقابله و تصحیح کرده و در حواشی به علامت بلاغ توشیح و در برخی مواضع مطالبی به خطّ خود در حاشیه ها افزوده، و روی برگ نخست نوشته است:

«بسم...، مالکها مؤلّفها، عفی اللّه عنه».

ابتیاعی از بقایای کتابخانه مرحوم مجدالدین نصیری امینی.(۱)

«۶۶۴» القانون

(طب ــ عربی)

ص : ۲۴۷

---

۱ - ۱) کتاب مورد بحث در مجموعه کرامند «میراث بهارستان. مجموعه ۱۳ رساله. دفتر اوّل کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. تهران ــ ۱۳۸۸»، با مقدّمه و خاتمه ای از صفه ۷۶۷ تا ۸۷۸ چاپ شده. جزاهم اللّه خیرًا.

از: الشيخ الرئيس ابوعلى حسين بن عبداللّه به سينا

كتاب: در علم طبّ يونانى است و در غايت شهرت و عظمت و مكرّر در ايران و هند و مصر و اروپا به طبع رسيده است.

نسخه: از اوّل كتاب ثالث در معالجات است تا پايان كتاب چهارم در حِمّيات. خاتم چنين است:

«و لقد وفّق لترقيم هذا الكتاب المستطاب و تتميم هذا الخطاب أقلّ خدّام العلوم الحقيقيه و أحقر طلاّب الرسوم الفاضله التحقيقيّه بهاءالدين محمّد بن شمس الدين محمّد الموسوىّ الحسينىّ الفاطمىّ العلوىّ المحمّدى الهاشمىّ القرشىّ، فى اوائل تحصيله لهذا الفن، وفقه اللّه... و كان ذلك فى اواسط شهر شوال المكرم من سنه احدى و عشرين و مائه بعد الألف من الهجره...».

و در هامش چنين است: «عدد اوراق الكتاب من أوّله الى هنا ثلث و ستمائه ۶۰۳». پس از اين ۵ برگ شامل متفرقاتست.

اندازه ۱۸ × ۲۴، متن ۱۲ × ۱۷ و نيم. خطّ نسخ ۲۱ سطرى.

«۶۶۵» القبسات

(فلسفه ــ عربى)

از: امير محمّد باقر داماد حسينى متوفّى ۱۰۴۰، اعلى اللّه مقامه.

نسخه: به دو سه خطّ مختلف است و نزديك زمان مؤلّف نوشته شده، و روى برگ آخر تاريخ ختم استنساخ چهارم جماداى دوم ۱۰۷۷ در شهر حيدرآباد قيد شده است لكن نام كاتب يا كاتبان معلوم نشده.

در برخى از مواضع نسخه حواشى با رمز (س م س سلّمه اللّه) و امثال اين تعبير نوشته شده است. روى برگ آخر پانزده بيت از اشعار خود مؤلّف است ظاهرًا كه با اين بيت آغاز مى شود:

اى كه گفتى پاى چوبين شد دليل ورنه بودى فخر رازى بى دليل

«۶۶۶» نسخه ديگر

نسخه: نام كاتب و تاريخ كتابت ندارد و خاتمه آن چنين است: «و ما غيرت فيه الكمّيّه و الجهه هو لازم النّقيض».

ظهر نسخه نام كتاب «كتاب الومضات» نوشته شده است.

«۶۶۷» قُرّه العَین و سرُور النّشأتین

(کلام منظوم ــ فارسی)

یا:

و سرور القلب فی الدارین

از: نیای معظّم، آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد باقر موسوی چهارسوقی «۱۲۲۶ ــ ۱۳۱۳» صاحب کتاب گران قدر «روضات الجنّات»، أعلی اللّه مقامه الشریف.

کتاب: شامل یکهزار و هشتصد و یازده بیت شعر است در اصول عقائد پنجگانه و معارف عالیه دین مبین اسلام، طیّ هشتاد و پنج عنوان که در پنجاه سالگی خود سروده اند:

گذشت از عموم ارچه پنجه، و نیست زِمن خیری در این دیری که فانی است

ولیک امّیدوارم کز من آخِر بمانَد یادگار این دُرّ فاخِر

و به سال یکهزار و دویست و هفتاد و هفت «۱۲۷۷» از آن فراغت یافته اند:

که تاریخ فراغش را خرد گفت: چه درّی کان لب الماس فرسُفت

پس «۱۲۶۱» که بالای مصرع مادّه تاریخ در نسخه دیده می شود اشتباه است.

نسخه: به خامه خوش نیای گرامی آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد حسن مجتهد چهارسوقی «۱۲۹۴ ــ ۱۳۷۷» فرزند ارجمند آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیح مجتهد «۱۲۵۵ ــ ۱۳۲۵» خَلف الصدق ناظم والامقام است. رضوان اللّه علیهم اجمعین.

تاریخ پایان استنساخ: نهم ربیع یکم ۱۳۱۲، یک سال و دو ماهی پیش از ارتحال نیای معظّم.

در برگهای عطف سرآغاز نسخه ابیاتی در مَراثی اهل البیت علیهم السلام ، از شخص امام مجدِّد، اعلی اللّه مقامه، نوشته اند، و در کلّ دارای هفتاد برگ است، به قطع رُقع. عنوانها به شنگرف نوشته شده و مع الاسف چند صفحه آسیب دیده است.

تا چهل صفحه آثار مقابله دارد، و در بسیاری از حواشی صفحات مطلبی متناسب شعر متن، به نقل از کتب حدیث مرقوم شده است.

ص : ۲۴۹

جای سند ۱۷۳

ص : ۲۵۰

جای سند ۱۷۴

«۶۶۸» قرّه العین

(عربی)

از: نیای گرامی اعلی(۱)، آیه اللّه آقا سیّد صدرالدّین محمّد بن صالح بن محمّد بن

ص : ۲۵۱

---

۱ - ۱) علویّات طاهرات: اجدّه أمّی ابن ضعیف «سیّد محمد علی روضاتی» صبیّه مرضیّه آیه اللّه آقا میرزا سیّد جمال الدین چهارسوقی، و مادر گرامی آن مرحوم علویّه حبیبه بیگم _ تنها زوجه محترمه آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم موسوی چهارسوقی _ صبیّه مرضیّه آیه اللّه العظمی آقا سیّد صدرالدین از معقوده جلیله اش «مسمّاه به جان جان» دخت والاگهر آیه اللّه العظمی شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی است. رضوان اللّه تعالی علیهم اجمعین.

ابراهیم موسوی جبل عاملی، اعلی اللّه مقامه.

نگارنده شرح حال و نسب آن مرحوم و خاندان بسیار بزرگ و أصیل ایشان را در کتاب «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۲۱۱ _ ۲۲۰» و مجلّد دوم «جامع الأنساب» به تفصیل نگاشته ام، و اینک مجملی از مطالب کتاب اول را _ با اصلاحاتی _ در اینجا یاد می کنم:

«سید صدرالدّین محمّد که مادرش دختر شیخ علی بن شیخ محیی الدّین بن شیخ علیّ بن شیخ محمّد بن شیخ حسن بن شهید ثانی بوده، از اکابر علماء إمامیّه در عصر خود و از غالب علوم اسلامی _ فقه، اصول، حدیث، رجال، ادب و فنون شعریّه _ دارای حظّی وافر بوده، شرح حالش در «روضات الجنّات: ۳۳۲» و «ریحانه الادب ۲: ۴۶۷» و غیره آمده است. زوجه صالحه ایشان دختر مرحوم شیخ جعفر نجفی _ أعلی اللّه مقامه صاحب «کشف الغطاء» _ بوده، و عمده تحصیلاتش در نزد وی و سید بحرالعلوم و میر سیّد علی طباطبائی و سیّد محسن أعرجی و پدر بزرگوار خود او شیخ سلیمان عاملی و سیّد جواد عاملی؛ صورت گرفته، از پنج نفر اول و میرزا محمّد مهدی شهرستانی و غیرهم اجازه روایت دارد، رحمه اللّه علیهم أجمعین.

«تولّد آن مرحوم در قلعه «شدغیث» جبل عامل به سال ۱۱۹۳ اتّفاق افتاده و در هفت سالگی به معیّت پدر نامور و عشیره خود به عراق عرب مهاجرت کرده، پس از انجام امر تحصیلات به اصفهان آمده مدّی توقف فرموده و جمعی از اعاظم علماء این سامان همچون أخوین حجّتین آیتین صاحب «روضات الجنّات» و صاحب «مبانی الاُصول» و غیرهم از محضر پر فیضش استفاده ها برده، پس از مدّتی باز به طرف عراق عرب و نجف اشرف متوجّه شده، در شب اوّل صفر ۱۲۶۳ در آن مکان مقدّس دار فانی را وداع کرد.(۱)

ص : ۲۵۲

۱- ۱) تاریخ فوت آقا سید صدرالدین را که در شب اول صفر ۱۲۶۳ نوشته ایم نقل از «طبقات الاجازات» آقا سیّد حسن صدر است، و در «روضات طبع اول» شب جمعه ۱۴ محرم ۱۲۶۳ است، لکن در چاپ دوم _ مطابق نسخه اصل _ به ۱۲۶۴ تصحیح شده و در «مستدرک الوسائل» نیز ۱۲۶۴ است، و به شواهد و قَرائنی تاریخ اخیر أصحّ می باشد: «صفحه ۲۴۰ کتاب زندگانی». حیرت آور است که این اختلاف در عموم کتب تراجم و تواریخ دیده می شود، صاحب «تکمله الأمل ۱: ۲۴۰ ط قم _ ۲۰۳ ط بیروت» به نقل از سیّد محمّد علی بن السیّد الی الحسن گوید که در شب جمعه اوّل ماه صفر ۱۲۶۳ وفات یافت، امّا خود، در (ص ۱۰۴ ط قم ص ۵۷ ط بیروت) به سال ۱۲۶۴ نوشته است. مصنّف عالیقدر «بغیه الراغبین ۱: ۱۶۸ ط بیروت» به شب جمعه ۱۴ محرم ۱۲۶۴ تصریح فرموده است. محدّث قمی در «فوائد رضویّه» سال ۱۲۶۴ و در «کنی و ألقاب» ۱۲۶۳، و صاحب «کرام برره: ۶۶۹» اوائل صفر ۱۲۶۳ را اختیار فرموده اند. رحم اللّه معشر الماضین. بیافزاییم که تفصیل احوال و آثار و اعقاب آقا سید صدرالدین در «بغیه الراغبین ۱: ۱۴۷ _ ۲۷۹» دیده می شود.

«آقا سیّد حسن صدر در «طبقات الاجازات بالرّوایات» علّت مهاجرت ایشان را از جبل عامل شرح داده، و نیز فرموده که جدّش علّامه متبحّر سیّد شرف الدین محمّد داماد شیخ حرّ عاملی _ ره _ بوده و از او روایت می کند، و آقا سیّد صدرالدین بواسطه پدر دانشور خود سیّد صالح و هم بلاواسطه او از جدّ مذکورش روایت می نماید،

«آقا سیّد صدرالدین دارای تألیفات بسیاری است که از جمله دوازده کتاب در «روضات الجنّات» و «ریحانه الأدب» یاد شده است... الخ: «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی».(۱)

در کتاب «مکارم الآثار ۱: ۸ _ ۱۴» نیز شرح حال صاحب عنوان و خاندان جلالت توأمان ایشان مذکور و از جمله این که:

«آقا سیّد صدرالدین بعد از سالها که در عراق عرب مانده بود به اصفهان آمد و آنجا سکونت نمود، و شهرت و أهمیّتی تمام به هم رسانید، و از جمله علماء آن شهر معدود گردید، اگر چه در آن زمان به واسطه شهرت و ریاست مرحوم سیّد حجه الاسلام رشتی؛ سایر علماءِ اصفهان _ چنان که در «قصص العلما: ۱۰۷» نوشته _ در تحت الشّعاع او واقع شده بودند. و آنجا به تدریس و إفاضت پرداخت، و چندین نفر از فیض تدریس و روایت از او سرافراز و به مقامات عالیه ممتاز گردیدند: ۱_ مرحوم سید محمّد حسن موسوی ۲_ مرحوم حاج میرزا زین العابدین خوانساری ۳_ مرحوم شیخ انصاری... و این سه نفر مخصوصًا از او اجازت روایت داشته اند. ۴_ مرحوم آقا میرزا محمّد باقر چهارسویی، که در «روضات» در احوال او فرماید: وی را با من شفقتی تمام بود و مرا در

۱- ۱) مجموعه سه رساله از آن بزرگوار در پنجاه و پنج برگ به خطّ زین العابدین نام در «فهرست مرعشیّه قم: ۱۰ ش ۳۷۲۴» معرّفی شده است.

تـألیف این کتـاب یـاری فرمود. و در بعضـی از تراجم دیگر اشـارت بـدان دارد که از وی اسـتفاده هایی نموده. ۵ _ آقـا میرزا محمّد هاشم چهارسویی که نزد او درس خوانده و هم از او روایت می کند،

«مرحوم آقـا سـید صدرالـدین چنـدین کتاب نیز تألیف نموده ۱_ کتـاب «أُثْرَه العِتره»(۱) در فقه اسـتدلالی که مجلّدی بزرگ است. ۲_ «حاشیه بر کتاب نقد الرجال» میر مصـطفی تفریشـی ۳_ «رسـاله ای در أحـوال محمّـد بن أبی عیمر» که در «قصـص العلما: ۱۰۸» فرمـوده ۴_ «رسـاله ای در حجّیّـت مظنّه» انجـام تـألیف آن سـنه (۱۲۴۲) ۵_ «رسـاله ای در شـرح مقبـوله عمر بن حنظله» ۶_ «رسـاله ای در مسائـل ذوالرّأسـین» بر طریقه ای که شـیخ جعفر نوشـته ۷_ کتـاب «قرّه العیـن» در نحـو که آن را در أواخر عمر خود در مـدّت بیش از یـک مـاه برای فرزنـدش سـید محمّـد تقی تـألیف کرده، و شواهـد مباحث و مسائل آن را از آیـات مبـارکه قرآن مجیـد آورده با بعضـی شواهـد منظوم و منثور دیگر، و این کتاب را از آیات مبارکه قرآن مجیـد آورده با بعضی شواهد منظوم و منثور دیگر، و این کتاب با اختصارش از جلائل کتب نحویّه و دارای مطالب نادره و فوائد نافعه بسیاری است(۲). ۸ _ کتاب «القسطاس المستقیم(۳)» در اصول فقه ۹_ «قصائد و أشعار» فاخره بسیاری مطوّلاً و مختصرًا که بعضی از آنها را هم خود شرح نموده ۱۰_ کتاب «قوت لایموت» که رساله ای است عملیّه برای مقلّـدین ۱۱_ کتاب «المجال» در رجال که در «الاسناد المصفّی: ۲۴» و جاهای دیگر نوشته اند ۱۲_ کتاب «المستطرفات» ۱۳_ «منظومه ای در رجال» به وضعی لطیف با شرح آن ۱۴_ «حواشی متفرّقه بر منتهی المقال» که مرحوم آقا

۱- ۱) الأثره بوزن عُقده هی البقیّه من العلم تؤثر... و العتره هنا ذرّیه رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله... «بغیه: ۱۶۴».

۲- ۲) نیای معظّم، آیه اللّه العظمی آقا میرزا سیّد محمّد هاشم موسوی چهارسوقی داماد گرامی آقا سیّد صدرالدین، در مختصر شرح حالی که از خود و استادان خود نوشته و به مجموعه رسائل «مجمع الفوائد و مخزن الفرائد: ص ۳۱۲ _ ۳۱۳. چاپ سنگی ۱۳۱۷ ق» معروف به «مَبانیالاصولی» ملحق کرده اند، در زمره آثار آن مرحوم این چنین فرموده اند: «منها: رسالته الموسومه بقرّه العین، فی النحو، فانّهـا مع صـغر حجمهـا تفوق علی «المُغنی» مع طوله و بسـطه. و کمـا أنّ «الصـمدیّه» ممّا یناسب فهم المبتـدی؛ فهذه الرساله یوافق ادراک المنتهی». در «بغیه الراغبین ۱: ۱۶۴ س ۱» نام مجموعه به اشتباه «معدن الفؤاد» چاپ شده است.

۳- ۳) در کتاب جای گفتگو آن را «قسطاس الاصول» خوانده است.

سید حسن صدر آنها را تدوین و به نام «نُکت الرجال» بر «منتهی المقال» موسوم نموده». انتهی. و اینک جای گفتگو:

این کتاب، چنانکه وصف آن از «مکارم الآثار» گذشت کتاب مختصر و مفیدی است در علم نحو و مؤلّف بزرگوار آن را برای فرزندش «محمّد تقی» تألیف کرده(۱)، در بسیاری از مواضع و مسائل نحوی اجتهاد و نظر خود را به عبارت «و عندی...» و «فی نظری...» و امثال اینها بیان فرموده است. کتاب مرتّب به فصولی است «۵۲ فصل» که فهرست آن را می آوریم، و تنها نسخه دیگری که از آن می شناسیم در کتابخانه دانشمند بزرگ آقای الفت اصفهانی است. نسخه ای هم به خط نگارنده این فهرست در کتابخانه حجّه الاسلام آقای حاج سید حسین موسوی خادمی «حفید مؤلّف» موجود است.

آغاز: [بسم ... الحمد للّه الّذی رفعَ عَلم العلماء بالإبتداء، و نصبَهم لندبه المستغیث و استجابه النّداءِ، و أعربَ بِهم عن کلمات الحُجج و المحجّه البیضاء، و فضّل مدادهم علی دماءِ الشهداء، و ذلک فضل اللّه یؤتیه من یشآء، موصلاً بالصّلوه و السّلام علی من جلّ فی نعوته عن مضارع، و فی أمره الماضی عن منازع؛ محمّد و آله، شفعاء یوم الجزآء.

و بعد، فیقول العبد المسکین صدرالدّین ابن صالح ابن محمّد الموسوی العاملیُّ: هذه رسالهٌ. فی النّحو، أملیتها لنور بصری و مهجه قلبی الولد الأعزّ محمّد تقی، رقی اللّه به سُلّم العلم و الفضل، و أحیا به ذکر آبائنا الماضین من قبل ــ و سمّیته «قرّه العین» و به تعالی أستعین. فصلٌ. الکلام...].

انجام: [فهذا یا بُنیَّ آخر ما أردتُ تحریره و تحبیره، و قد صرفتُ فیه فوق شهرٍ من

ص : ۲۵۵

---

۱ - ۱) نسخه خطّ همین گرامی فرزند یعنی سیّد محمد تقی ــ علیه الرحمه ــ را این حقیر در سال «۱۴۰۰ ق» نخرد یکی از خویشاوندان خود دیدم و پس از وفات او از سرنوشت آن نسخه و کتابهای دیگری که داشت آگاه نیستم. در آن نسخه نیز تاریخ تألیف نیست و به کلمه «بل بخلاً بهم علیها» پایان یافته، و پس از آن کاتب خود نوشته است: «قد وقع الفراغ من تسوید هذه الرساله الشریفه فی العصر من یوم السبت سابع و عشرین من شهر رجب المرجّب ۱۲۵۳. کاتبُه العبد الفقیر ابنُ المصنّف ــ دام ظلّه العالی ــ محمّد تقیّ الموسوی» که این می رساند سیّد محمد تقی تا آن تاریخ در حیات بوده است. سجع مُهرش «محمّد تقیّ بن صدرالدین الموسوی». درباره سیّد محمد تقی چند سطری در «کرّام برره: ش ۴۴۶» و هم در «بغیه الراغبین ۱: ۱۷۰»، و در هر دو با اشتباهاتی دیده می شود.

عمری علی حین و هَن العظمُ منّی و اشتعل الرّأس شیبًا، اذاتانی تهیئه سراج و فراش و أنیس لقبری. أسأل اللّه أن ینفعک به و إخواننا، و یُلهمک معرفته؛ و یشدّ أرکانک علی طاعته، و یُذیقک حلاوه عبادته؛ فإنّ من رُزق تلک اللّذّه عرف أنّ الکسل کأبی الجعل، یضعفه عبق الورد و و أنّ المنتعش بزهر تهالکالبطّ لا یوثر علی الحمأه غیرها. و مازوی اللّه لذّه الدنیا الدنیّه عن اولیائه بُخلاً علیهم بها ـ تعالی عن ذلک علوّاً کبیراً ـ بل بُخلاً بهم علیها!

قد وقع الفراغ من تسوید هذه الرّساله فی الیوم السادس من الأسبوع الرابع من الشهر الثانی من السنه الثالثه من العشره السادسه من المائه الثالثه من الألف الثانیه، من الهجره النبویّه، علی مهاجرها آلاف التحیّه.

و کان ذلک علی ید أقلّ السّادات عیسی بن المرحوم السید محمّد علیّ بن المرحوم السید صالح بن المرحوم السیّد محمّد العاملی. تمّ. «مهر: عبده عیسی الموسوی»].

توضیحاً: تاریخ مذکور در فوق یعنی «ششمین روز از چهارمین هفته ماه صفر ۱۲۵۳» را نگارنده در «زندگانی آیه اللّه چهارسوقی: ۱۱۴» ـ نظر به عدم ظهور عبارت مذکور در تاریخ تألیف یا کتابت، و هم نظر به نبودن این تاریخ در نسخه آقای الفت ـ آن را تاریخ استنساخ نسخه مورد بحث دانسته ایم، و چنان که در حاشیه صفحه قبل نوشتیم نسخه خط سیّد محمد تقی نیز تنها تاریخ اتمام کتابت نسخه است به روز شنبه ۲۷ ماه رجب همین سال ۱۲۵۳.

فهرست فصول کتاب. فصل ۱ـ تعریف کلمه و کلام ۲ـ تعریف إعراب ۳ـ تقسیم معرب ۴ـ تقسیم إعراب ۵ـ تقسیم فعل ۶ـ مرفوعات أسماء ۷ـ اسمهای معرفه و نکره ۸ـ مبتدا و خبر ۹ـ اسم و خبر کان ۱۰ـ حروفی که عمل «لیس» می کنند ۱۱ـ حروف مشبهه به فعل ۱۲ـ لای نفی جنس ۱۳ـ أفعال مقاربه ۱۴ـ عسی و اخلولق و أوشک ۱۵ـ أفعال قلوب ۱۶ـ فاعل ۱۷ـ حذف فاعل ۱۸ـ باب اشتغال ۱۹ـ تنازع عامل ۲۰ـ مفعول به ۲۱ـ منادی ۲۲ـ مفعول له ۲۳ـ مفعول فیه ۲۴ـ مفعول معه ۲۵ـ حال ۲۶ـ تمیز ۲۷ـ استثناء ۲۸ـ نصب به اختصاص ۲۹ـ حروف جرّ ۳۰ـ حذف تنوین از مضاف ۳۱ـ چهار چیز که عمل فعل می کنند ۳۲ـ مصدر ۳۳ـ اسم فاعل و اسم مفعول ۳۴ـ معمول صفت مشبهه ۳۵ـ ألفاظ تعجّب ۳۶ـ اسم تفضیل ۳۷ـ نعم و بئس ۳۸ـ نعت ۳۹ـ توکید لفظی و معنوی ۴۰ـ عطف بیان ۴۱ـ عطف نسق ۴۲ـ عطف به

ضمیر منفصل ۴۳_ بدل ۴۴_ نواصب فعل مضارع ۴۵_ نصب به «أن» ۴۶_ جوازم ۴۷_ حذف شرط إن ۴۸_ مبحث «لو» ۴۹_ تذکیر و تأنیث وزن فاعل ۵۰_ أسباب منع صرف ۵۱_ اقسام وقف ۵۲_ کتابت ألف بعد از واو جمع.

نسخه: دارای ۸۲ برگ، ۲ برگ اول و آخر عطف و سفید است، روی برگ ۲ نیز سفید است، کاغذ فرنگی آهار و مهره شده، جلد تیماج سبز یک لا، خط نسخ ۱۴ سطری، عناوین به سرخی، بالای رؤوس مطالب و شواهد شعری نیز خط کشیده، قطع ۱۴ × ۲۱، متن ۷ و نیم × ۱۴، نام کاتب و تاریخ تألیف در بالا از انجام نسخه نقل شد، تاریخ کتابت ندارد، و کاتب، آقا سیّد عیسی بن محمد علی برادرزاده مؤلّف گرامی و پدر سید جمال واعظ مشروطه خواه معروف اصفهانی «مقتول در ۱۳۲۶» است.

تنها در یک جای نسخه حاشیه ای مختوم به «منه، دام ظلّه» به خط کاتب نوشته شده.

نگارنده این فهرست نسخه را با نسخه آقای الفت مقابله و تصحیح کرده و در «۲۸ شوّال ۱۳۶۷» از آن فراغت یافته است.(۱)

فیه فوق شهر من عمری علی حین و هن العظم منّی و اشتعل الرّاس شیئًا اذاتانی تهیّئه سراج و فواش و انیس لقبری اسال اللّه ان ینفعک به و اخواننا و یلحمک معرفته و یشدّ ارکانک علی طاعته و یذیقک حلاوه عبادته فانّ من رزق تلک اللذّه عرف انّ الکَسِلَ کابی الجعل یضعفه عبق الورد و انّ المنتعش بذمارتها کالبطّ لا یوثر علی الحماه غیرها و ما ذوی اللّه لذّه هذه الدّنیا الدنیّه عن اولیائه بخلاً علیهم بها تعالی عن ذلک علوّا کبیرا بل بخلاً بهم عَلَیْهَا قَد وقع الفراغ من تسویده هذِهِ الرّساله فی السّادس مِنَ الاُسبوع الرّابع من اللّه عن الثانی من السّنه الثلثه من العشره السّادسه من المائه الثلثه من الاَلْف الثّانیه من الهجره النبویه علی مهاجره بما الاف التحیّه و کان ذلک علی ید اقلّ السّادات عیسی بن ××××× السیّد محمّد علی بن المرحوم السیّد صالح بن المرحوم السیّد محمّد العاملی سیبقی الخط بعد صاحب زمانا م. م م ه و صاحبه و میم فی التّراب.

---

۱ – ۱) در تاریخ غرّه ذی الحجّه ۱۴۰۹ تیرماه / ۱۳۶۸» طالب علم جوانی به نام «سیّد محمد علی بن سیّد محمد طباطبائی آل بحرالعلوم» که گویا در دانشگاه تهران اشتغال به تحصیل داشت، به اصفهان آمده و او نسخه موصوفه «قرّه العین» تصویری تهیّه کرده با خود به همراه بردند. ده سالی پس از آن زمان کتاب را از روی تنها همین نسخه با مقدّمه کوتاه و فهارسی را در پایان، در سلسله انتشارات دانشگاه تهران «به شماره ۲۳۹۰» در ۲۶۷ صفحه به چاپ رسانیدند. مع الاسف، هم در مقدّمه و هم در متن اغلاطی دیده می شود.

بلغ قبالاـ علی نسخه مصحّحه و لمحمد للّه تم م.ع. والموسوی فی ۲۸ شوال ۱۳۶۷ ق والنسخه المشار الیها فی مکتبه العلامه الحاج میرزا محمد باقر الشهیر بالفت و لا یخفی ان کلما فی هامش نسختنا هذه فبخط هذا العبد من التصحیحات و الاسماء و غیرها م.ع. ر السید محمّد علی بن محمد هاشم الموسوی الروضاتی.

سخنی پیرامون کاتب نسخه

آقا سیّد عیسی عمّ آقا سیّد حسن صدر بوده و شرح حال شگفتاوری از او در «تکمله الأمل: ش ۳۰۰ چاپ قم، ج ۱ ش ۳۰۶ ط بیروت» در کمتر از یک صفحه دیده می شود، همه سخن از ریاضات و کرامات و مقامات بدون ذکر سندی و شاهدی یا مشاهده ای. در جایی که نامی از آن مرحوم در کتب تاریخی و رجالی آن زمان مطلقا دیده نمی شود، و اللّه العالم!

«... و قیل انّه عثر علی الکیمیاء فکانت ثروته ثروه الملوک و سیرته سیره الأنبیاء فی الزهد و العباره و الانزواء. فکانت الملوک و الأحراء و الوزراء و أجلّاء العلماءِ علی بابه ینتظرون خروجه و ملاقاته و قد لا یخرج الیهم! و کان نزیل طهران...»

و عاقبت این که آقا سیّد عیسی به عزم سفر حجّ از طهران به همدان رفته و در آنجا به سال ۱۲۸۰ وفات یافته و جنازه اش را در نجف اشرف به خاک سپرده اند. سپس:

«و أعقب السیّد ابراهیم المتقدم ذکره و السیّد جمالَ الدین...».

ناگفته نماند که سه سطر پایان این شرح حال در چاپ بیروتی «تکمله» نیامده است!

و در جلد پنجم «تکمله: ش ۲۱۳۶» در شرح حال آقا سیّد محمد قصیر رضوی علیه الرحمه متوفی به سال ۱۲۵۵ «یعنی فقط دو سالی پس از تاریخ استنساخ قره العین به دست آقا سیّد عیسی!» نیز عجائبی نوشته اند:

«و کان عمّنا السیّد عیسی معروفًا بالعلوم الغربیه و کان السیّد محمّد القصیر قد تلمذ علیه و خدمه»! سبحان اللّه.

و همین است روش نگارش «تکمله أمل الامل» در شرح احوال همه اقارب و ارحام، از جمله برادر آقا سیّد صدرالدین یعنی سیّد محمد علی پدر سیّد عیسی و سیّد هادی والد صاحب التکمله علیهم الرحمه در همان جلد یکم، همه محامد و مدائح و کرامات

ص : ۲۵۸

و خوارق عادات!

ناگفته گذاریم که سیّدنا الامام السیّد عبدالحسین شرف الدین، رضوان اللّه علیه، که نسخه «تکمله الأمل» را در دست داشته اند، در «بغیه الراغبین فی سلسله آل شرف الدین، دو جلد، بیروت، ۱۴۱۱ ق» عموم مطالب آن را نقل فرموده، و از جمله مطالب راجع به مرحوم سیّد عیسی را.

ادامه مطالب از سوی محقّق و متمّم کتاب «بغیه»، در اینجا شایسته بحث نیست.

«۶۶۹» القسطاس المستقیم

(اصول فقه _ عربی)

از: شیخ عبدالوهّاب بن ملاّ یار علی بن ملاّ عین علی، ریزی لنجانی اصفهانی.

کتاب: حاشیه مبسوطی است بر «القوانین المحکمه» مرحوم آقا میرزا ابوالقاسم قمی، قدّس سرّه.

نسخه: مجلّد اوّل از آغاز تا مبحث نهی، و نسخه اصل خط محشّی است. در مقدّمه گوید که در بیست و پنج سالگی شروع به نگارش آن نموده.

تاریخ ندارد و از صاحب «فصول» تعبیر به فاضل معاصر می کند. در ظهر نسخه ابیاتی از یک اُرجوزه اصولیّه بخطّ مؤلّف نوشته شده است.

آگاهی پیرامون مؤلّف و خاندانش

عالم جلیل آقای حاج شیخ محمود شریعت ریزی «متولّد ۱۳۳۲ ق» که اینک در دهکده ریز لنجان اصفهان زعامت امور علمیّه و شرعیّه دارد و تنها فرد روحانی از اولاد ذکور شیخ عبدالوهّاب می باشد، در تاریخ هیجدهم ربیع الاخر ۱۳۸۸ «۲۴/۴/۴۷» توضیحات به شرح ذیل برای نگارنده این فهرست دادند:

ملاّ عین علی مذکور اهل لکای کربلای معلّی بوده و با زنی ایرانی ازدواج نموده و بدین جهت به اصفهان آمده و در دهکده ریز اقامت گزیده. فرزندش ملاّ یارعلی پس از پدر عالم قصبه بوده.

فرزندش شیخ عبدالوهّاب عالمی محقّق و بزرگ و مرجع امور شرعی ریز بوده و متجاوز از نود سال عمر کرده و در اصفهان وفات یافته و جنازه اش را به ریز منتقل و در یکی از ایوان های مسجد جامع ریز که در آن اقامه جماعت می کرده دفن کرده اند. او با صاحب «فصول» روابط دوستانه داشته، و تألیفاتی از او به جای مانده است، از جمله

«شرح معالم الاصول» و «قسطاس» مذکور.

مرحوم شیخ عبدالوهاب سه فرزند دانشمند داشته:

اول مرحوم حاج شیخ مرتضی ریزی «جدّ امّی آقایان رشتی اصفهان» از علماءِ بسیار مبرّز اصفهان متوفی ۱۳۲۹ مدفون در تکیه مخصوص خود در تخت پولاد اصفهان و مذکور در «تذکره القبور ــ رجال اصفهان: ۸۳» و «نقباء البشر» و «مکارم الاثار».

دوم شیخ ابوالمعالی. تحصیلاتش در نجف اشرف بوده و به ریز مراجعت نموده متصدّی امور شرعیّه گردید و همانجا وفات یافته و به نجف اشرف حمل شده است. وی دارای دو فرزند بوده ۱ــ شیخ ضیاءالدین که تنها دختری از او مانده و متعلّقه ابن عمّ خود می باشد ۲ــ شیخ جلال الدین که وی و برادرش در جنب جدّشان در ریز مدفونند و شیخ جلال الدین از شاگردان مبرّز مرحوم آقا شیخ هادی تهرانی اصولی معروف بوده، و تنها فرزندش همین آقای حاج شیخ محمود شریعت می باشند.

فرزند سوم مرحوم شیخ عبدالوهاب: آقا شیخ ابوالفضل ریزی که وی نیز از علماءِ مبرّز بوده و در جنب برادرش شیخ مرتضی دفن شده و در «تذکره القبور: ۸۵» و «نقباء البشر: ۵۴» مذکور است. و در «نقباء» نام پدرش را اشتباهًا مولی محمّد جعفر فشارکی نوشته اند و در ص ۵۵۸ همان کتاب رفع اشتباه شده است(۱).

«۶۷۰» القلائد السنیّه علی القواعد الشهیدیّه

(عربی)

این کتاب را شیخ محمّد بن علی بن احمد عاملی کرکی دمشقی؛ معروف به شیخ محمّد حریری(۲) حرفوشی، از دانشمندان سده یازدهم، در شرح کتاب «قواعد شهید اول» شیخ ابو عبداللّه محمّد بن مکّیّ «ش ۷۸۶» نگاشته است.

«قواعد» از متون مهمّی است که شیخ شهید ــ رضوان اللّه علیه ــ بسیاری از کلّیات فقهی و اصولی را در آن گرد آورده و از زمان خود وی پیوسته مورد مراجعه و بحث و درس

۱- ۱) آقای حاج شیخ محمود ریزی که اطلاعات راجع به خاندان خود را به شرح بالا دادند، در تاریخ پنجم جمادی الاولی ۱۴۱۸ «۱۷/۶/۷۶»، وفات یافت و در مسقط الرأس خود به خاك رفت. «رحمه اللّه علیه».

۲- ۲) در نسخه چاپی «سلافه العصر» اشتباهًا به جای الحریری «الحویزی» چاپ شده، لکن در نسخه خطّی نگارنده «برگ ۲۰۴» صریحًا «الحریری» است.

و استفاده فقهاء و دانشمندان بوده است.

در «فهرست دانشگاه ۵: ۱۹۷۸» گوید: «شهید یکم (متوفی ۷۸۶) بسیاری از قاعده های کلّی فقه و اصول و ادب با فروع آنها در این دفتر گرد آورد، و در این زمینه گویا نخستین کسی باشد از دانشمندان شیعی که بدین کار پرداختند. شماره قاعده ها ۳۰۳ و شماره بیتها نزدیک ۳۶۰۰ می باشد. او در اجازه خود به ابن خازن در دمشق در نیمه روز چهارشنبه ۱۲ رمضان ۷۸۴ از آن با عبارت «کتاب القواعد و الفوائد فی الفقه، مختصرٌ یشتمل علی ضوابط کلّیّه اصولیّه و فرعیّه، یستنبط منها أحکام شرعیّه، لم یعمل الأصحاب مثله» می ستاید و می گوید که یاران پیش از من بدین کار نپرداختند. (روضات ص ۵۹۱)، انتهی.

مؤلّف «الذّریعه ۶: ۱۷۳ و ۱۴: ۱۷» در موضع اوّل نُه حاشیه و در موضع دوم چهار شرح بر این کتاب یاد، و در هر دو جا کتاب مورد بحث را عنوان کرده اند.

شرح حال فاضل حرفوشی در «سُلافه العصر: ۳۱۵ _ ۳۲۳» آمده و در آنجا ستایش بسیار از او شده و مقدار زیادی از اشعارش نقل گردیده است، از جمله در مدح شیخ جواد کاظمی مؤلّف «مسالک الأفهام» این دو بیت شعر را آورده:

جری فی حلبه العلیاء شوطًا بسعيٍ ما عدا سنن السّداد

ففات السّابقین إلی المعالی و ما هذا ببدعٍ من جواد

حرفوشی از دانشمندان جامع بوده، چنانکه در فقه و اصول و نحو و ادب و شعر دست داشته و در این رشته ها نوشته است.

صاحب «سُلافه» فرماید: وی از شام به بلاد عجم «یعنی ایران» منتقل شد، و در آنجاها بماند تا در ربیع دوم ۱۰۵۹ درگذشت، از مصنّفاتش: «شرح الزبده» در اصول. «اللّالئ» السّنیّه فی شرح الاجرّومیّه». «شرح التهذیب» در نحو. «شرح شرح الفاکهیّ علی القطر». «شرح شرح الکافیجیّ علی قواعد ابن هشام». «المختلف» در نحو و «طرائف النّظام» است. سپس ادب و شعر او را ستوده و قصیده ای که در مدح شیخ خود «استادش» شرف الدین دمشقی به سال ۱۰۲۶ سروده نقل فرموده است.

معاصر دیگر حرفوشی، مرحوم شیخ حرّ عاملی نیز وی را در «أمل الامل: ۲۷ _ ۲۸» عنوان کرده(۱) و او را بسیار ستوده، از جمله در وصفش گوید: «أعرفُ أهل عصره بعلوم

۱- ۱) در نسخ معمولی این کتاب نام جدّ حرفوشی به جای أحمد «محمد» نوشته شده که بی شک از اشتباه ناسخان است.

العربيّه. قرء على السيّد نورالدّين عليّ بن عليّ بن أبی الحسن الموسویّ العاملیّ فی مكّه جملهً من كتب الخاصّه و العامّه. له كتبٌ كثيره الفوائد، منها...».

سپس تألیفاتش را یاد كرده و گوید: او را در دیارمان دیده ام، بعد به اصفهان رفت، و هنگامی كه درگذشت قصیده ای طولانی در رثائش سرودم، از آن اشعار است:

أقم مأتمًا للمجد، قد ذهب المجدُ وجدّ بقلب السّودد(1) الحزن و الوجدُ

تا آخر، بعد كلام صاحب «سلافه العصر» را نقل و ترجمه را پایان داده است.

از دو كتاب مذكور و خاتمه كتاب مورد بحث كه چهار سال قبل از وفاتش در اصفهان نوشته مستفاد می شود كه حرفوشی اواخر عمر را در اصفهان می زیسته و شاید در همین شهر درگذشته و به خاک رسیده باشد، لكن از مدفن او اطّلاعی نداریم.

دانشمند ادیب شاعر دیگری از نزدیكان به زمان حرفوشی، شیخ عبدالرحمن بن محمّد بن عبدالرحمن بن یوسف دمشقی معروف به ابن شاشو ـ یا ابن شاشه ـ متولّد ۱۰۵۵ متوفای ۱۱۲۸ نیز در (صفحه ۲۰۱ ـ ۲۰۹) تذكره خود كه به نام «تراجمُ بعض أعیان دمشق». در بیروت چاپ شده؛ ترجمه او را نگاشته، گوید: «فاضلٌ قد اشتهر بالفضل؛ و ناقلٌ صحّ بروایته النّقل؛ ارتفع بخفض جنابه، و انتصب لإفاده طلّابه؛ و أشفی بمعرب بیانه علیل الأفهام، و أسّس قواعد مذهبه بصحیح الأحكام. أجلُّ معلوماته العربیّه،و أكملُ مؤلّفاته «شرح الاجرّومیّه». مازال بالعربیّه معروف، و بحسن علمه و تعلیمه موصوف، تقصده الطلّاب من كلّ ناد؛ مع كمال شهرته فی تلك البلاد. إلی أن صدرت منه بعضُ كلمات أوجبتْ رحلتَه إلی بعض الجهات. ثمّ دخل فارس و أظهر بها مذهبه. ثمّ رحل الهند [كذا] و أدرك هناك مارامَه و طلبه. و له شعر مقبول، و عند أهله محفوظ و منقول، فمنه قوله...».

---

۱ – ۱) عموم كسانی كه این اشعار را نقل كرده اند این كلمه بسیار ساده «السّودد» را چون كاتبان نسخه أمل الامل غالبًا به اشتباه «السود و» نوشته بودند ـ نتوانسته اند بخوانند، لذا در معنای شعر دچار حیرت شده هر كس به شكلی سلیقه خود را اعمال و شعر به این زیبائی و بلندی را دگرگون كرده است، مثلاـ در «روضات الجنّات» چنین است: «و حلّ بقلبی السوء و الحزن والوجد». در أعیان الشیعه: «و حلّ بقلبی بعده الحزن والوجد». در «الغدیر» و شهداء الفضیله: «وجد بقلبی السوء و الحزن و الوجد». و السُودَد، و السُّؤّدُد: كرم المنصب، السیاده الرفیع، المَجد.

سپس چند صفحه ای از کتاب خود را به أشعار او اختصاص داده است.

ادیب شاعر فاضل محمّد امین بن فضل اللّه، محبّی دمشقی «۱۰۶۱ _ ۱۱۱۱» نیز در کتاب نفیس «خلاصه الأثر فی أعیان القرن الحادی عشر ۴: ۴۹ _ ۵۴» شرح حال حرفوشی را آورده و او را بسی ستوده و گوید: در دمشق درس خواند و ترقی کرد و به درسهای عمادی مفتی(۱) حاضر شد و عمادی به فضل او گواهی می داد و از او تجلیل می کرد. تا اینکه مولی یوسف بن ابی الفتح(۲)، حرفوشی را برای اعاده درس خود فراخواند، چند روزی حاضر شد و دیگر نرفت، فتحی از سبب غیبت حرفوشی تحقیق کرد، گفتند: وی این درس را با مقام خود متناسب ندانست. ملّا یوسف خشمگین شد و به سعایت برخاست و کمر به قتل او بست و نزد حکّام دمشق شهادت به رفض او داد. حرفوشی فهمید و از دمشق به حلب و از آنجا به ایران رفت، شاه عبّاس سلطان ایران مقدمش را گرامی داشت و او را رئیس علماءِ دیار خود گردانید، در حالی که هنگام توقفش در دمشق خامل الذکر بود و به بافتن بعضی از پارچه هایی که از حریر به عمل می آید روزگار می گذرانید، و از همین جهت او را حریری می خواندند. بسیاری از دانشجویان به خدمتش می شتافتند و او در همان دکان خود به کارهای علمی می پرداخت و هیچ شغلی او را از کسب دانش باز نمی داشت. «پایان کلام محبّی».

شرح حال ادیب حرفوشی درین کتابها نیز آمده است: روضات الجنّات: ۶۱۳ _ ۶۱۴، أعیان الشّیعه ۴۶: ۱۴۸ _ ۱۵۲، شهداء الفضیله: ۱۱۸ _ ۱۲۲، الغدیر ۱۱: ۲۸۶ _ ۲۹۰، الأعلام ۷: ۱۸۷، معجم المؤلّفین ۱۰: ۳۰۴ _ ۳۰۵، الکنی و الألقاب ۲:

۱- ۱) العمادیّ (۹۷۸ _ ۱۰۵۱) عبدالرّحمن بن محمّد بن محمّد بن عمادالدین، مُفتی دمشق و من أجلّاءِ شیوخها... : «الأعلام ۳: ۳۳۲». عمادی دیگری که حریری رساله «اثبات الواجب قدیم» دوانی و شرح حنفی بر آن و حاشیه میرزاجان را نزد او خوانده حسن الکردی العمادی است که در آخر رساله إثبات این چنین گواهی داده است. «قرأ هذه الرسالهَ مع شرح الحنفیّ و حاشیه میرزاجان بطرَفَیها أفضلُ زمانه و أحسنُ إخوانه شیخ محمّـد الحریریُّ علیَّ و أنا أحقر عباداللّه تراب أقدام الطلّاب حسن الکردیّ العمادیّ سنه ۱۰۳۸. اتمّ. از نسخه مخطوطه یک مجموعه جلیله مشتمل بر خطّ و ربط حریری، قدّس سرّه.

۲- ۲) یوسف بن أبی الفتح بن منصور بن عبدالرحمن السقیفی الدمشقی الحنفی امام السّلطان و علامته الزمان... : «خلاصه الأثر ۴: ۴۹۳ _ ۵۰۰». در پایان ترجمه اش گوید: ولادتش در ماه ذی الحجّه (۹۹۴) و مرگش در (۱۰۵۶) در قسطنطنیّه بود.

۱۹۱ _ ۱۹۲. فوائد الرضويّه: ۵۵۶ _ ۵۵۷، ريحانه الأدب ۱: ۳۱۹ و «تكمله أمل الامل: ۱، ش ۳۴۰ ط قم، ۱: ش ۳۴۷ ط بيروت».

شيخ محمّد را فرزند دانشمندى بوده به نام شيخ ابراهيم كه اين كتاب مورد بحث را به نام او تأليف كرده، و شيخ حرّ نيز در «امل الآمل: ۶» او را عنوان و فرموده است كه مردى فاضل و صالح بود، و نزد پدر خود و غير او درس خواند، و به سال ۱۰۸۰ در طوس وفات يافت و من به جنازه او حاضر شدم، انتهى. و در «روضات الجنّات: ۶۱۴» داستانى از «مجموعه اجازات» كه تأليف شيخ ابراهيم مذكو بوده نقل فرموده است.(۱)

و هم در روضاتست كه گويند شيخ محمّد حرفوشى در يكى از مساجد شام به ديدار ابن ابى الدّنيا معمّر مغربى _ كه نامش على بن عثمن بن خطاب بن مرّه بن مؤيّد همدانى يمانى است و گويند از اصحاب اميرالمؤمنين علىّ بن ابيطالب عليه السلام بوده و آب حيات نوشيده نائل شده و از او اجازه روايت گرفته است!

در «تكمله الأمل ۱: ۱۹۵ و ۳۱۸ ط بيروت نيز به اين داستان اشاره شده است.

در مورد نسبت صاحب ترجمه به «حرفوش»، مؤلّف «أعيان الشيعه ۱۷: ۴۹ به بعد» و ديگران مبسوطًا سخن گفته اند، و در «ريحانه الأدب ۱: ۳۱۹» گويد: منسوب به آل حرفوش است كه امراى بعلبك بوده و در آن شهر و كرك نوح سكونت داشته و تمامًا شيعه دوازده امامى بوده و در بعلبك و غيره تأسيس مساجد كرده و علماء و أشراف را إكرام مى نموده اند، و أصل ايشان از عراق از قبيله خُزاعه و به نياى عالى شان «حرفوش خزاعى» منسوب مى باشند... .

«القلائد السّنيّه» جاى گفتگو، آن گونه كه ذكر شد در شرح كتاب القواعد شهيد اوّل _ رضوان اللّه عليه _ است به طور مزجى، و در خاتمه آن _ چنانكه خواهد آمد _ گويد كه ظهر يكشنبه ششم جُماداى دوم سال ۱۰۵۵ در اصفهان از تبييض آن فراغت يافته است.

اين كتاب بسيار محقّقانه نوشته شده و در آن فوائد ادبى و لغوى و فقهى و اصولى

---

۱ - ۱) شيخ ابراهيم حرفوشى كاتب نسخه حاشيه شيخ على شهيدى بر حاشيه «شرح اللّمعه» خليفه سلطان است. نسخه را در «الذريعه ۱۰: ۲۰۰» و سپس در «فهرست مرعشيّه قم ۹: ۶۰» شناسانده اند و تاريخ كتابتش (۳ _ ج ۱ _ ۱۰۷۷) در اصفهان از روى نسخه خطّ شخص مؤلّف است، و اين مى رساند كه كاتب همانند پدر با مرحوم شيخ على شهيدى مربوط و مأنوس بوده اند. رحمه اللّه عليهم أجمعين.

و روایتی و تاریخی و غیرها بسیار است، و کتابهای گوناگون زیادی که مورد استناد نویسنده قرار گرفته از متون بزرگ و مورد اعتماد به شمار می رود.

وی در چند جا از تألیفات شیخ بهائی ـ رضوان اللّه علیه ـ نقل کرده و از ایشان به کلمه «شیخنا» تعبیر می کند که معلوم می شود در نزد ایشان شاگردی کرده است.

در شرح قاعده «لاضرر و لاضرار» که شیخ شهید ـ قدّس سرّه ـ در أصل «قواعد» شعر ابو العلاءِ معرّی را که گوید:

یدٌ بخَمس مِئینَ عسجَدٍ وُدیتْ ما بالُها قُطعتْ من رُبع دینار

و جوابی که سیّد مرتضی علم الهدی ـ أعلی اللّه مقامه ـ و خود شهید نظمًا به او داده اند نقل فرموده؛ شارح درین مقام شرح مبسوطی نگاشته و شواهدی بر فساد عقیده ابوالعلاء از أشعار او آورده و گوید: «و بالجمله، فالمنقول عنه فی هذا الباب کثیرٌ جدًّا، فلاعبره بما ألّفه بعضهم للنّصره له و دفع المَطاعن عنه و سمّاه «التّحرّی، فی دفع التّجرّی، عن أبی العلاءِ المعرّی(1)» إلخ».

در «کشف الحجب: ۳۴۷» کتاب قلائد را به عنوان «شرح قواعد الشهید» یاد کرده و معلوم می شود نسخه آن را ندیده است. در این کتاب نام عموم تألیفات حرفوشی را آورده و همه جا وفات او را به سال ۱۰۵۱ ضبط نموده که اشتباه است.

نسخه ای از این کتاب در کتابخانه مرحوم سماوی در نجف اشرف بوده و آقای دکتر حسین علی محفوظ کاظمینی در «مجلّه معهد المخطوطات العربیّه ۴: ۲۳۳» از آن یاد کرده اند، و در «فهرست دانشگاه ۵: ۱۹۷۸ ـ ۱۹۷۹» و «ذریعه ۱۴: ۱۷» است که قسمتی از قلائد و بعضی از شروح و حواشی دیگران در هامش اصل کتاب قواعد به سال ۱۳۰۸ در طهران به چاپ سنگی رسیده، و شرح حال حرفوشی نیز در آغاز نسخه آمده و مصحّح آن مجموعه متذکّر شده است که تنها یک ثُلث از قلائد را در دست داشته.

۱- ۱) کتابی به این نام در معاجم و فهارس نیافتیم، ظاهرًا مقصود محقّق حرفوشی کتاب «الانصاف و التحرّی، فی دفع الظلم و التجرّی، عن أبی العلاءِ المعرّی» تألیف کمال الدین ابن العدیم «۵۸۸ ـ ۶۶۰» است که به طبع هم رسیده، واللّه العالم. شیخ یوسف البدیعی (متوفّی ۱۰۷۳) صاحب «صبح المُنبی عن حیثیه المتنّبی» نیز کتابی به نام «أوج التحرّی عن حیثیه أبی العلاءِ المعرّی دارد (کتاب الصبح: ۵۷). و برای اصل شعر و دفاع معرّی، به «زجر النّابح. مقتطفات: ۱۰۸ ط دمشق» و «مجلّه الجامعه الاسلامیّه، ع ۱ س ۶ ص ۴۵» رجوع فرمایند.

نسخه های ما نیز پیش از شرح یک سوم اصل قواعد نیست، و شارح مقداری را که شرح کرده مجلّد اول کتاب قرار داده، چنان که از کلام خود او نیز که در خاتمه گفته است «قد فرغ من تبییض هذا المجلّد مؤلّفه...» این مطلب معلوم می شود(۱).

مقدار موجود تا پایان فوائد مربوط به أحکام وطی است، و آخرین فائده ای که شرح کرده به این عنوان است: «فائده. کلّ هذه الأحکام یتساوی فیها القبل و الدّبر إلاّ التّحلیل و... إلاّ تحریم أُمّ المفعول و اُخته و بنته».

آغاز: «بسم ... نحمدک یا من أوضح لنا مناهج الوصول إلی قواعد الاُصول، و یسّرلنا مسالک الحصول علی إدراک المأمول، قضی لمن بذل وسعه فی درک الحقّ بالوصول إلیه، و حتم بهدایه من جاهد فیه و معونه من توکّل علیه... أمّا بعد، فیقول أحوج الوری إلی ربّه الغنی: محمّد بن علیّ بن أحمد، الحَرفوشیُّ العاملیُّ ـ وفقه اللّه لأحسن العمل، وصانه عن موجب الخطأ و الخطل ـ : إنّ کتاب «القواعد» الّذی ألّفه شیخنا رئیس المحقّقین و زبده المدققین، ظلّ اللّه علی الأنام... من علیه فی العلوم و المعارف المعوّل، الشیخ الجلیس الجلیل، شمس الدّین محمّد، الشهیر بالشهید الأوّل... کتابٌ لم ینسج أحدٌ علی منواله، و لم یظفر فاضلٌ بمثاله، انطوی علی تحقیقاتٍ هی لطایف الأسرار، و احتوی علی اعتبارات هی عرایس الأفکار... لکنّه ـ لفرط الایجاز ـ کادیعدّ من جمله الألغاز... و کان کثیرًا ما یدور فی ذهنی الجامد، و یخطر فی فکری القاصر الخامد؛ أن اُعلّق علیه شرحًا یمیط عنه الحجاب... و کنت أحجم عن ذلک لصعوبه هذاالمرام، و خوفًا من عدم أداءِ حقّته من الکلام.

ثمّ إنّ الولد العزیز علیَّ، المرضیَّ فی أفعاله لدیَّ، سمیَّ الخلیل الأوّاه، الباذل نفسه فیما یرضی اللّه ـ جعلنی اللّه من کلّ سوءٍ فداه... ؛ التمس منی أن اعلّق علیه شرحًا وافیًا بالمراد، کافلاً ببیانه علی درجه الاقتصاد.

فأجبته إلی ملتمَسه و مبتغاه، قاصدًا بذلک وجه اللّه... ناویًا إن وفق اللّه لإتمامه، و منّ بالاسعاف علی اختتامه، أن اُسمّیه بـ«العلائد السّنیّه، علی القواعد الشهیدیّه»، و اللّه أسأل التّوفیق والهدایه... قال المؤلّف ـ روّح اللّه روحه... ـ : «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم. اللّهمّ إنّی أحمدک، و الحمد من عطائک». أردف التسمیه بالتحمید اقتفاءً للقرآن المجید...».

۱- ۱) نسخه اصل قلائد بخطّ مصنّف در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است و در «فهرست ۸: ۳۹۶» یاد شده است.

انجام: «و روایه ابن أبی عمیر مرسلهٌ، إلاّـ أنّ الأصحاب قبلوا مراسیله. و ابرهیم ابن عمر ضعیفٌ. و العمده الاجماع و الأخبار المجبوره بالشّهره.

اللّهمّ اجبرْ خلل أعمالنا بعفوک و غفرانک، و یسّرْ لنا سبیل الوصول إلی طاعتک و رضوانک، و اجعلْ ما کتبناه فی هذه الأوراق ذریعهً إلی دخول جِنانک...

قد فرغ من تبییض هذا المجلّد مؤلّفه الفقیر إلی اللّه الغنی: محمّد بن علیّ بن أحمد، الحرفوشیُّ العاملیُّ؛ فی محروسه اصفهان ــ صینت من نوائب الحدثان ــ ظهر یوم الأحد، السّادس من شهر جمادی الاخره، من شهور سنه خمس و خمسین بعد الألف. و الحمد للّه رب العالمین.

قد فرغتُ من کتابته فی أوائل شهر ربیع الاخر من شهور سنه ۱۱۳۱. و أنا العبد الأقلّ: محمّد رفیع بن ملّاصفات اللّه، عفی عنهما...».

در هامش همین موضع این شرح نوشته شده: «هو. قد وقع الفراغ من مقابلتها و تصحیحها بحسب الجهد و الطاقه ــ إلاّ ما انحسر عنه النظر، و تخطّاه البصر ــ مع حضره والدی ــ أدام اللّه أیّام إفاداته و جعله من العلماءِ العاملین و من الّذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون ــ امتثالاً لأمره، فی أواخر العشر الثانی من الشهر الاخر من شهور سبعین و مائه بعد الألف. و أنا الخاطی ء العاصی: محمّد رضا بن محمّد مهدی، عفی عنهما...».

نسخه دارای ۲۰۹ برگ، روی برگ ۱ تملّک و مهر «عبداللّه بن محمّد کاظم الاصبهانی»، و عالم بزرگ آخوند ملّا علی اکبر اژیه یی اصفهانی «متوفی ۱۲۳۲» است به این عبارت: «من الکتب المختصّه بالداعی، قد اشتریتها فی بلده اصفهان من المولی العالم العامل ملّا ابوالحسن بن محمّد باقر بن محمّد مهدی ــ رحمه اللّه ــ و أنا العبد الخاطی» مهر «عبده علی اکبر بن محمّد باقر». همچنین تملّک و مهر آیه اللّه نیای معظّم، آقا میرزا سیّد محمّد هاشم موسوی چهارسویی و چند بیت اشعار مناجاتیّه روی همین صفحه دیده می شود.

کاغذ اصفهانی جلد تیماج مشکی، آستر کاغذ ابری، خط نسخ ۲۴ سطری، بالای مطالب متن به شنگرف یا مرکّب سیاه خط کشیده، تاریخ تألیف و کتابت و تصحیح و نام کاتب و مصحّح از پایان نسخه نقل شد. یکی دو جا حاشیه ای مختوم به رمز «م. ه» دیده می شود که ظاهرًا از پدر مصحّح است، و در دو سه موضع نیز حاشیه هایی برمز «عب»

نوشته شده که از دارنده اسبق نسخه می باشد. نسخه سقطات بسیار داشته و مصحّح همه جا آنها را در هامش به خط نسخ خود اضافه کرده است. قطع ۱۸ و نیم × ۲۴ و نیم، متن: ۱۲ و نیم × ۸ و نیم.

نسخه ای دیگری ازین کتاب در شماره بعد معرّفی می شود.

«۶۷۱» نسخه دیگر

این نسخه دارای ۲۳۸ برگ است، برگ اوّلِ اصل مفقود شده و جای آن یک برگ سفید است، برگ ۱۱ و ۱۴ نیز مفقود و به جای آنها برگ سفید گذاشته شده. مقدار یک ششم کتاب نیز از آخر مفقود و تا قاعده «الأصل فی اللّفظ الحمل علی الحقیقه الواحده...» موجود است، و برگ ۲۳۸ به این عبارت ختم می شود: [الرّابع أن یکون الوضع خاصًّا والموضوع له عامًّا. و هذا غیر موجود، بل مستحیلٌ].

خط نسخ ۲۱ سطری، پاره ای از عناوین به سرخی نوشته شده و بالای مطالب متن قواعد نیز به سرخی خط کشیده اند. کاغذ اصفهانی، جلد میشن مشکی، داخل کاغذ روزنامه، قطع ۱۷ × ۲۴ و نیم، متن ۱۰ ونیم × ۱۶ و نیم. نام کاتب و تاریخ نسخه به علّت سقط آن معلوم نیست، لکن به واهی خطّ و کاغذ ظاهرًا متعلّق به سده دوازدهم است. در سه چهار موضع حاشیه هایی به امضاءِ «بهاء الحسینی» یا «بها» نوشته شده که بی شک از آن دانشمند بزرگ میر بهاءالدّین محمّد بن محمّد باقر حسینی مختاری «متوفای بعد از ۱۱۳۰» صاحب «زواهر الجواهر. ش ۴۵۵» است. در یک موضع نیز حاشیه ای به امضاءِ «منه، عفی عنه» نگاشته شده، لکن آن نیز به خط مرحوم مختاری است.

«۶۷۲» قواعد الأحکام فی معرفه الحلال والحرام

(فقه ــ عربی)

از: آیه اللّه فی العالمین جمال الدین ابو منصور حسن بن یوسف ابن المطهّر الحلّی، متوفی ۷۲۶، أعلی اللّه مقامه.

کتاب: در دو مجلّد است در ابواب فقه و به طبع رسیده، و در میان همه کتب فقه شیعه از مقام والایی برخوردار و تا چند قرن مطرح تدریس سطوح عالیه بوده و بر آن شروح و تعلیقات فراوانی نوشته شده است.

نسخه: کامل است، از آغاز کتاب طهارت تا پایان دیات، و فقط روی برگ اوّل و در

آخر نسخه نام کاتب و تاریخ کتابت ذکر شده، و کتاب نکاح بلافاصله پس از خاتمه وصایا قرار گرفته است.

کاتب: محمّد باقر تبریزی قمی بابویهی واعظ. پایان استنساخ: اواخر جمادی الاولی ۱۰۳۳.

روی برگ اوّل کاتب نوشته است: «هو المالک. صاحبُ هذا الکتاب صاحب الزمان ـ علیه و آبائه المعصومین صلوات الرحمن ـ لکن فی ید عبده بل کُلیب عتبه داره: العبد العامی المفتقر إلی رحمه ربّه الغافر، أقلّ العباد، محمّد باقر القمیّ ثمّ التبریزی البابوبهیّ الواعظ، بدار الارشاد اردبیل، والعبد و ما فی یده کان لمولاه. نمّقه فی سنه ۱۰۳۳». مُهر: ناخوانا.

أوائل نسخه حواشی متفرّقه بسیار دارد. در شش صفحه عطف آغاز و روی برگ اوّل مطالب فراوانی بخطّ کاتب و به نقل از میرداماد هست، با تعبیر از آن جناب به این عبارت: «مِن شارع النجاه» للسیّد الأعظم ثالث المعلّمین و فخرالعالمین امیر محمّد باقر الداماد، «أدام اللّه ظلال افاداته علی رؤس العباد الی یوم المیعاد».

و ایضًا: «هذه صوره خطّ استادنا المولی الأعظم مولانا حاجی بابا القزوینیّ، قدّس اللّه سرّه العزیز. رقمه فی سنه ۱۰۴۰».

تعداد اوراق نسخه برحسب شماره بالای صفحات: ۴۰۴ برگ.

«۶۷۳» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل کتاب است تا پایان کتاب الوصایا و دارای حواشی بسیار خصوصًا از «ع ل».

کاتب: حسن بن جماعه بن جمعه بن جبر بن جباره بن الحاجیّ صّباح العتّابیّ الربعی.

تاریخ ختم استنساخ: روز دوشنبه ۲۳ صفر ۹۱۳.

در صفحه مقابل خاتمه نسخه شخصی فوت کاتب را چنین یادداشت کرده است: «سبحان من حکم علی رقاب عباده بالموت و لالهم منه مفرّ و لا محیص. و ممّا حکم اللّه تعالی به أنّ حسن بن جماعه مات عند الفجر الثانی أو قبله بیسیر من یوم الاثنین ثامن عشر شهر جمادای الاولی من شهور سنه احدی و ثلاثین و تسعمائه».

روی برگ اوّل نوشته اند: «عدد اوراق ۳۱۰، کلّ ورق ۶۰ بیت ۱۸۶۰۰». و نیز

درباره حواشی خارج از متن نوشته اند: «جمیع اوراق چسبانده که درین میان قواعد است از خرد و بزرگ شصت ورق است». و نیز این شرح: «از کتب مرحوم میر محمد معصوم طاب ثراه» و فهرست اسامی کتب این جلد.

«۶۷۴» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب النکاح است تا آخر. کاتب محمدعلی ابن جعفر جربادقانی. تاریخ ختم استنساخ: «یوم الاربعاء» از ماه ذیقعده ۱۰۷۱.

«ضمیمه»

اجازه روایتی مولانا عبداللّه بن مولانا محمّدتقی مجلسی برای مولانا محمدعلی جربادقانی که همان کاتب نسخه قواعد است به خط مجیز در هفت صفحه.

«۶۷۶» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوم کتاب است از اول کتاب النّکاح تا آخر. یک برگ از پایان نسخه مفقود گردیده و در گوشه بالای اوراق شماره آنها گذارده شده که آخر موجود برگ ۲۷۸ می باشد.

نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد، از آثار قرن ۱۱ ــ ۱۲ است.

ظهر نسخه تاریخ تملک شخصی را به سال ۱۱۲۹ در اصفهان دارد.

«۶۷۷» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اول است از طهارت تا وصایا. چند برگی از آخر ناقص بوده نیای گرامی، آیه اللّه مرحوم حاج میر سیّد محمّد موسوی چهارسوقی به خطّ خود در اوائل ذیقعده ۱۲۷۳ تکمیل فرموده است.

«۶۷۸» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل است. حواشی بسیار از شرح عمیدی و فخر المحققین و شیخ علی و مواضع دیگر در حاشیه ها بخطّ کاتب متن نوشته شده.

ظهر نسخه فهرست ابواب هر دو جلد کتاب یاد شده، و نیز سؤالی که درباره اشکالات «قواعد» از فخر المحققین کرده اند و جوابی که فرموده نیز این عبارت: «اوراق تمام قواعد ۴۳۶ و بالقرطاس ۹: ۱ «۱۰۰۹ ؟» و بالحزمه: اربع و نصف، و الکاتب

وجیه الدین خوش نویس».

تملّک و مهر عنایت اللّه بن عبدالکافی شهدادی نایینی در پارس ئیل ۱۱۳۵ و تملّک و مهر محمّد کاظم بن علاء الدوله منوچهری نایینی در مدرسه شاهیّه اصفهان در غرّه ربیع دوم ۱۰۴۰، همه در ظهر نسخه هست.

«۶۷۹» القواعد و الفوائد یا: قواعد الشهید الأوّل

(کلّیات فقه ــ عربی)

از: شیخ ابوعبداللّه محمّد بن مکّی عاملی، معروف به شهید اوّل، شهید در ۷۸۶، قدّس سرّه.

کتاب: در قواعد فقه شیعه است و به طبع رسیده.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتاب: ۲۳ ذی القعده ۱۲۶۹.

علامت تصحیح، مقابله و حاشیه ای ندارد.

«۶۸۰» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت داشته آن را محو کرده اند. آنچه از تاریخ کتابت باقی مانده: ظهر روز سه شنبه ۲۵ ماه رمضان است، مهر: محمّد باقر بن محمّد تقی موسوی حجّه الاسلام بیدآبادی، و مهر عبدالوهّاب بن محمّد مهدی الموسوی، و مهر نصراللّه بن ابی القاسم الحسینی ظهر نسخه هست.

«۶۸۱» القوانین المحکمه

(اصول فقه ــ عربی)

از: محقّق قمی آقا میرزا ابوالقاسم بن حسن گیلانی، متوفی ۱۲۳۱، قدّس سرّه.

کتاب: از متون تحصیلی و در اصول فقه است و مکرّر به طبع رسیده. ختم تألیف: سلخ ربیع دوم ۱۲۰۵ در قم.

نسخه: تمامًا بخطّ مرحوم آیه اللّه العظمی آقای حاج میرزا سیّد زین العابدین موسوی چهارسوقی والد ماجد صاحب «روضات الجنّات»، أعلی اللّه مقامهما است.

ختم کتابت: شب پنجشنبه هشتم ماه شعبان ۱۲۱۵ در حیات مصنّف. کاتب علاّمه و «علی» و «مهدی» حواشی بسیار بر نسخه نوشته اند. و دو تملّک به مُهر ظهر نسخه بوده که به کلّی محو شده است. لذا دارندگان آن پس از کاتب معظم شناخته نشدند. نویسنده فهرست، نسخه موصوفه را در تاریخ «۱۲ / ۸ / ۳۷ ش» در اصفهان از دست

کتابفروشی ابتیاع کردم.

«۶۸۲» نسخه دیگر

نسخه: در آخر جلد اوّل، کاتب نام خود را «اقلّ الطلّاب محمّد باقر» و تاریخ ختم استنساخ را ۱۲۵۲ ضبط کرده و شرحی به عبارات عربی مخطوط در پریشانی احوال خود نوشته است.

جلد دوم نیز به خطّ همان کاتب است مگر مقدار پانزده برگ از آخر که به خطّ مرحوم آقا میر محمدرضا بن میر محمّد صالح حسینی خاتونابادی است که در ماه رمضان ۱۲۶۷ نوشته است.

«۶۸۳» نسخه دیگر

نسخه: بخطّ محمّد علی بن احمد القمی «القهی ؟». تاریخ ختم استنساخ: روز شنبه هشتم ماه رمضان. ۱۲۱۰.

در پایان نسخه کاتب توضیح داده است که نسخه را با دست چپ خود نوشته، زیرا دست راست او معیوب بوده است.

حواشی مؤلّف و حواشی «ع ل الأرانی» و حواشی متفرّق دیگر و همچنین حواشی مرحوم حاج میرزا معصوم بن میرزا محمد علی حسینی خاتونابادی در سراسر نسخه دیده می شود. برگ اوّل نسخه مفقود شده است.

ضمیمه

مسئله: المتنجّس نجس

سه چهار برگی است در این مسئله ظاهرًا از افادات جناب میرزای قمی صاحب «قوانین» علیه الرحمه.

«۶۸۴» کاشف المعانی فی شرح حرز الأمانی

(تجوید ــ عربی)

از: سیّد ابوالفضائل مجدالدین عبّاد بن احمد بن اسماعیل بن علی بن حسن بن شرفشاه گلستانه حسنی: «الحقائق الرافضه: ۱۰۶» و مقدّمه دانش پژوه بر «معارج نهج البلاغه: ۶۰».

کتاب: شرح قصیده لامیّه «حرز الأمانی و وجه التهانی» معروف به «الشاطبیّه» از ابوالقاسم محمّد بن فیره بن خلف بن احمد رعینی شاطبسی مغربی(۱) است.

ص : ۲۷۲

۱- ۱) نام و نسب شاطبی به این صورت «کاشف المعانی» آمده است.

تاریخ ختم تألیف: شب دوشنبه نهم جمادی الاخره ۷۰۴ در مدینه السّلام بغداد.

نسخه: بخطّ گداعلی بن ابوالفتوح قاری اصفهانی است تاریخ ختم و برگ اوّل ندارد. استنساخ: ظهر روز سه شنبه نهم صفر ۱۱۰۹ که با دست چپ در مسجد جامع عبّاسی اصفهان نگاشته است. و چون نسخه ای که از روی آن استنساخ کرده برگ اوّل نداشته لذا مؤلّف را نشناخته و در هامش برگ آخر، کتاب را «شرح قاصح بر شاطبیّه» دانسته و عدد ابیات آن را شانزده هزار بیت تخمین زده و عدد ابیات منظومه را ۱۱۳۷ بیت قید کرده است. لکن «شرح قاصح» کتاب دیگری است و نام آن «سراج القاریء المبتدی و تذکار المُقری المنتهی» و مؤلف آن علیّ بن محمّد بن عثمان معروف به ابن القاصح است و به طبع رسیده.

«۶۸۵» الکافی بخش اصول

(حدیث ـ عربی)

از: شیخ امام، ثقه الاسلام، ابو جعفر محمّد بن یعقوب بن اسحاق، کلینی رازی، متوفّی ۳۲۸. أعلی اللّه مقامه.(۱)

کتاب: کافی شریف، قدیم ترین جوامع حدیثی اهل البیت علیهم السلام است، در دو بخش: اصول و فروع، سپس کتاب الروضه، و مکرّر به طبع رسیده.

نسخه: بخطّ شکر اللّه بن سیّد محمّد خوراسکانی اصفهانی «کاتب نسخه علل الشرایع. ش ۵۹۴»، از خوش نویسان زمان علاّمه مجلسی، علیه الرحمه.

تاریخ ختم کتابت: جُمادای دوم ۱۰۸۶. از آغاز تا انجام در محضر علاّمه مجلسی مولانا محمّد باقر بن محمّد تقی، مقابله و تصحیح شده، خطوط ایشان و آثار مقابله و تصحیح، همه جا به چشم می خورد. حواشی و توضیحات مفیده در سراسر نسخه نوشته شده، و تمام احادیث از نظر صحّت و سقم با وضع علامت در حاشیه ها مشخّص گردیده است.

۱- ۱) در «نوابغ الرواه: ۳۱۵» و بسیار جاهای دیگر شیخ کلینی را «المجدّد لرأس المائه الرابعه» نوشته اند. امّا این تعبیر نادرست است، زیرا «رأس مائه» پایان مائه است نه آغاز آن، و باید «رأس المائه الثالثه» فرموده باشند، کما هو صنیع ابن الأثیر فی «جامع الأصول» و غیره.

ظهر نسخه: تملّک نیای اعلی، مرحوم آقای حاج سیّد حسین موسوی، مجتهد زمان(۱) _ که نسخه را از کتابخانه مرحوم ملّا محسن خوانساری خریده اند _ و تملّک حفید معظّم ایشان، امام مجّدِد، صاحب «روضات الجنّات»، و آیه اللّه آقا میرزا سیّد مسیح، و آقای حاج میرزا سیّد حسن آیه اللّه چهارسوقی «علیهم الرحمه»، دیده می شود.

این نسخه شریفه و أمثالها، به درازای سه قرن، مایه فیض و خیر و برکت در این خاندان سیادت و روحانیّت نشان بوده و هست و خواهد بود، بمنّه و کرمه.

«۶۸۶» نسخه شگفت آور دیگر

نسخه: شامل تمام قسم اصول و پس از آن فقط کتاب طهارت است، و تمامًا دارای آثار مقابله و تصحیح و حواشی مختلف بسیار از علماء بزرگ است، و در آخر کتاب العقل «قبل از باب فرض العلماء»، مرحوم آخوند ملّا محمّد تقی مجلسی «ره» به خطّ مبارک خود در حاشیه نوشته اند. «أنهاه الولد الأعزّ عبداللّه، أدام اللّه تعالی تائیداته قراءةً و سماعًا و ضبطًا و تحقیقًا و تدقیقًا فی مجالس آخرها اواسط شهر ذی القعده الحرام سنه ستّین بعد الألف الهجریه. تمّقد بیده×× الداثره احرج المربوبین الی رحمه ربه الغنی محمد تقی بن مجلسی، عفی عنهما بالنبی و آله».

سپس در آخر جزء ثانی که «باب ما یفصل به بین دعوی المحقّ و المبطل فی أمر الامامه» است نیز اندکی مفصّل تر همان شرح را در هامش نوشته و تاریخ آن را «أواخر شهر جمدی الاخری ۱۰۶۲» قید نموده، و نیز در پایان جزءِ ثانی از «أنهاه الولد الأعزّ قرّه العینی عبداللّه... فی مجالس آخر اواسط صفر ۱۰۶۳. نمّقه بیده الداثره أبوه محمّد تقی بن مجلسی...».

پس از این موضع دیگر از این قبیل مطالب «یعنی إنهاء» دیده می شود و لکن همه جا آثار مقابله و تصحیح و حواشی مفیده و تعیین حال حدیثها «از قوّت و ضعف و غیره» نوشته شده، و در پایان کتاب اصول، کاتب نسخه نام خود را «عمادالدین بن شیخ نور عقیلی. ظ» یاد کرده است امّا تاریخ کتابت معلوم نشد.

در آغاز نسخه، تملک «محمّد رضیّ بن المولی محمد نصیر المجلسی» و «عبداللّه بن محمّد تقی مجلسی و حسنعلی بن محمد صالح طبری» دیده می شود.

۱- ۱) متوفی به سال ۱۱۹۲، مزار شریفش در شهر خوانسار برقرار است: «نخستین دو گفتار: ۱۲۴».

نسخه فروعی کافی «ش » نیز تقریبًا با همین خصوصیّات یاد خواهد شد.

«۶۸۷» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز اصول کافی است تا پایان کتاب فضل قرآن. نام کاتب به نظر نرسید. تاریخ ختم استنساخ کتاب حجّت: سلخ ذی الحجه ۱۰۴۲. تاریخ ختم استنساخ فضل قرآن: روز سه شنبه دوم ماه رمضان ۱۰۳۹. آثار تصحیح و مقابله و حواشی متفرّقه دارد.

«۶۸۸» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل کتاب است مشتمل بر تمام کتاب عقل و توحید و تمام کتاب حجت. نام کاتب ندارد تاریخ ختم استنساخ: روز یکشنبه غرّه ذی الحجّه ۱۰۹۴. تا اواسط کتاب آثار تصحیح و مقابله دارد و چند حاشیه مختصری از ملا خلیل در اوائل نسخه هست. تمام کتاب در ۱۶۹ برگ و دو برگ بدرقه، و روی پنج صفحه آخر مطالب بسیاری از «تفسیر ابواللیث» نقل شده است.

«۶۸۹» نسخه دیگر

نسخه: تمام مجلّد اصول کافی است از آغاز تا آخر کتاب العشره.

اغلب صفحات آثار مقابله و تصحیح و تحشیه دارد.

کاتب: زکی بن محمدرضا الموسوی. تاریخ کتابت ندارد و ظاهرًا در قرن ۱۱ ــ ۱۲ نوشته شده است.

«۶۹۰» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب است تا پایان کتاب العقل و التوحید و العلم.

کاتب: عبدالحسین بن محمّد باقر حسینی. تاریخ ختم استنساخ کتاب عقل: ماه شوال ۱۰۶۰، و ختم استنساخ کتاب فضل العلم: شب دوشنبه نهم جمادی الاولی ۱۰۶۶، و ختم استنساخ توحید: در عشر سوم ماه رجب ۱۰۶۶.

همه جا آثار مقابله و تصحیح و مختصر حواشی متفرّقه دارد. روی سه برگ عطف اول نسخه مطالب تفسیری و حدیث و اشعار نوشته شده است، از جمله، ابیاتی است به این آغاز:

سواد چشم مرا بی تو روشنایی نیست ز خود جدا شده ام از توام جدایی نیست

روی برگ اوّل عَطف یادداشتی است به تاریخ «دوشنبه ۹ شعبان ۱۲۲۲».

«۶۹۱» نسخه دیگر

نسخه: تمام مجلّد اصول کافی است از آغاز تا آخر کتاب العشره. بخصوص نیمه اوّل نسخه مصحّح و محشّی به حواشی گوناگون است.

کاتب: حسین بن سلطان محمد جربادقانی. تاریخ کتابت ندارد ظاهرًا در قرن یازدهم نوشته شده است.

«۶۹۲» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوم بخش اصول است از «باب طینه المؤمن و الکافر» تا باب النّوادر، و خاتمه آن چنین است: «عن أبی الحسن موسی علیه السلام فی الطهور الّتی فیها ذکر اللّه عزّوجلّ. قال: اغسلها. تمّت».

نام کاتب و تاریخ کتابت در این مجلّد ذکر نشده است. گویا در مجلدات دیگر ذکر شده باشد.

مرحوم میر محمد باقر بن میر اسمعیل حسینی خاتونابادی شرحی روی برگ اوّل نوشته اند به خلاصه این که: این نسخه از درآمد حمّام موقوفه شاه سلیمان «حمام شاه» که در اراضی نقش جهان واقع است استکتاب و بر شیعه امامیّه وقف شده و تولیت را مرحوم میر محمد باقر مذکور به امیر علیرضا قرار داده است و تاریخ آن ماه شوال ۱۱۲۶ می باشد، و مهر کرده.

نسخه هیچ اثر تصحیح و مقابله و حاشیه ندارد.

«۶۹۳» الکافی بخش فروع فقه

(حدیث ـ عربی)

نسخه: از آغاز تا انجام کتاب طهارت نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

از کتاب صلوه تا پایان کتاب عقیقه به خطّ نظر علی بن اسمعیل است. تاریخ کتابت: ۱۰۷۱.

از اوّل تا آخر این نسخه را ابوطالب بن حاج ابوتراب، معروف به حاج ابوطالب محدّث تصحیح و تحشیه کرده است.

روی برگ اوّل کتاب صلوه، محمّدرضا القمیّ نوشته است که نسخه را در ماه شوّال ۱۱۰۳ از حیدرعلی کرده سامی دست فروش خریده.

روی برگ اوّل طهارت، نیای معظّم، آیه اللّه آقا میرزا مسیح «قدّس سرّه» شماره اوراق و اَجزاء و اَبیات نسخه را مرقوم فرموده اند.

معرّفی اجمالی از مصحّح و محشّی نسخه

نخستین جایی که درباره حاجی ابوطالب و پدرش سخنی دیده می شود از ادیب عارف مسلک محمّد علی «شیخ علی» حزین لاهیجی اصفهانی است که در سنّ نزدیک هشتاد سالگی در ۱۱۸۰ درگذشته است.

حزین در سفرنامه خود، ذیل عنوان «ذکر معدودی از افاضل معاصرین» گوید:

«دیگر: مولانای مغفور، حاجی ابوتراب است. وی از صُلحاءِ دهر و از مُصاحبان مولانا محمّد باقر مجلسی بود. به افاده فقه و حدیث مشغول، و اقوالش در شرعیّات معتملٌ علیه، و روزگاری به آسایش داشت. در سال فوت مولانا محمّد باقر درگذشت. فقیر چند نوبت خدمت ایشان را دیده ام. پسرش حاجی ابوطالب نیز از محدّثین بود، بعد از پدر به چند سال درگذشت»: «تاریخ و سفرنامه حزین. تحقیق و تصحیح علی دوانی، تهران، ۱۳۷۵ ش، ص ۶۰».

سال فوت مولانا محمّد باقر علاّمه مجلسی، به تصریح خود حزین، یکهزار و یکصد و ده تمام است، و حزین در آن هنگام کمتر از ده سال داشته، و درباره حاجی ابوطالب ـ چنان که ملاحظه می شود ـ تنها به چند کلمه بسنده کرده، و از این گونه سخن توان گفت که حاجی ابوطالب با حوزه شعر و عرفان ربطی نداشته و لذا چندان مورد پسند حزین نبوده است!

مرحوم آقای حاج شیخ علی دوانی در «ملحقات سفرنامه: ۳۰۵ ـ ۳۰۷»، هر آنچه درباره این پدر و پسر دانشور، در آثار متأخّرین یافته اند با ذکر مآخذ گرد آورده اند.

اینک، ما پیرامون آثار حاجی ابوطالب، بیافزاییم که:

۱ـ یک نسخه از نیمه دوم همین فروع «کافی» شریف، از کتاب النکاح تا پایان کفّارات به تصحیح و تحشیه حاجی ابوطالب اینک در کتابخانه مدرسه صدر بزرگ اصفهان موجود است که تصحیح و تحشیه را در پایان آن به تاریخ چهارشنبه غرّه ربیع

دوم یکهزار و یکصد و هفت «سه سال و اندی پیش از فوت علاّمه مجلسی» گواهی کرده است.

در عصر نادرشاه افشار که حاجی محمّد حسن بن محمّد قاسم کافکی گنابدی خراسانی به اصفهان مهاجرت کرده و به دستگیری و کمک به خانواده های ستمدیده از جور زمان و سفّاکی افغان، کمر بسته بود، نسخه موصوفه و هم نسخه های دیگری را از بازماندگان علماء و فضلاءِ مصیبت زده و غارت شده، خریداری و به سال یکهزار و دویست و یک (۱۲۰۱) وقف کرده است.

حاجی محمّد حسن پدر بسیار بزرگوار مرحوم حاجی کرباسی حاج محمد ابراهیم مجتهد نامدار اصفهان «متوفی ۱۲۶۱» است. به «مکارم الاثار، ج ۵، ش ۹۸۱» رجوع فرمایند.

۲ــ حاجی ابوطالب کتاب «تهذیب المنطق» تفتازانی را به فارسی شرح کرده، نسخه اصل آن را سالها پیش نزد عالم جلیل آقا سیّد محمّد روضاتی فرزند آیه اللّه آقا سیّد عطاءاللّه ابن الامام المجدِّد صاحب الروضات «قدّس اللّه اسرارهم» دیدم. خاتمه در شرح تهذیب المنطق» یاد شده این چنین است:

«و فارغ شد از شرح این رساله وجیزه، شارح آن، اللاّجئ الی اللّه الواهب الغالب، ابن الحاجّ المغفور أبی تراب، غُفرله: ابوطالب، عفی عنه، صبیحهَ یوم الخمیس السابع عشر من شهر شعبان المعظّم من شهور سنه عشرین و مائه بعد الألف، حامدًا...».

پس حاجی ابوطالب تا این تاریخ یعنی ۱۷ ماه شعبان ۱۰۲۰ در حیات بوده و اشتغال علمی داشته است.

۳ــ باز، در سابق ایّام، آقای دکتر سیّد احمد تویسرکانی از نسخه نفیس شرح لمعه «الروضه البهیّه» به خطّ و حواشی حاجی ابوطالب، نزد خود خبر دادند.

۴ــ در «تراجم الرجال ۱: ش ۹۶» آمده است: «ابوطالب بن ابیتراب. کتب نسخه من کتاب «نهج البلاغه» و أتمّها فی یوم الخمیس حادی عشر شهر شعبان ۱۱۱۰، و اختارلها حواشٍ من الشروح و کتب اللّغه تدلّ علی فضل فیه و تتبع».

و بالاخره، برای حاج ابوتراب «پدر» به «تلامذه العلاّمه المجلسیّ والمجازون منه. ش ۷» رجوع فرمایید، و السلام.

«۶۹۴» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب نکاح تا کفّارات و پایان کتاب است.

کاتب: «جز بخشی از کتاب نکاح» محمّد مقیم الحسینی است.

تاریخ پایان کتاب طلاق: چهارشنبه ۱۴ ماه رمضان. کتاب زیّ و تجمّل: شب جمعه ۲۳ ماه رمضان. کتاب مواریث: سه شنبه ۱۸ شوّال. کتاب شهادات: دوشنبه اوّل ذی القعده، همه در سال یکهزار و هشت «۱۰۰۸».

یا تملّک نیای بزرگوارم آقای حاج میرزا سیّد حسن آیه اللّه چهارسوقی در ظهر نسخه.

«۶۹۵» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب طهارت است تا آخر کتاب معیشت.

نام کاتب در آخر کتاب: محمد باقر بن حاج خلف بیک دزماری، و تاریخ ختم کتابت: ۳ ماه رجب ۱۰۳۹ در الکاء دزمار «فی ملک قضاه» قید شده، و در آخر کتاب معیشت نیز به شرح فوق است و به تاریخ شب سه شنبه در اول دهه سوم ماه رجب ۱۰۳۹.

سر تا سر نسخه اثر مقابله و تصحیح و حواشی مختلفی از کتب متفرّقه دارد. تملّک لطفعلی توشمال ابن نجف قلی بیکا، ناظر بیوتات، به تاریخ جُمادای یکم ۱۰۸۸ و مهر او، و نیز تملّک فرزندش گنجعلی بن مرحوم لطفعلی بیکا توشمال باشی با مُهر او:

لطف علی و مهر شهنشاه نجف شد گنجعلی بر دل فرزند خلف

«۶۹۶» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب طهارت است تا اوائل کتاب أیمان و نذور و کفّارات، و از آخر افتادگی دارد.

نام کاتب در آخر کتاب طهارت و آخر کتاب معیشت: محمّد بن الحسن، و تاریخ کتابت در موضع اول: ۱۰۸۶ و در موضع دوم ذی الحجّه ۱۰۶۸ ذکر شده است. احتمالاً تاریخ اوّل درست است.

علامت تصحیح و امتیازی ندارد، و حواشی پراکنده ای در تمام نسخه است.

«۶۹۷» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب العقیقه است تا آخر فروع کافی و پس از آن تمام بخش کتاب الروضه به خطّ عمادالدین ابن شیخ نورالدین العقیلی که این مجلّد را به تمامه و همچنین نسخه مجلّد اصول و کتاب الطهاره را به خطّ نسخ جلّی خود نگاشته و آن نسخه نیز معرّفی شد.

تاریخ فراغت از استنساخ کتاب الدیات سنه ۱۰۵۸، و فراغت او استنساخ کتاب الروضه: ظهر روز شنبه ۶ ماه رجب ۱۰۵۹ می باشد.

بخش فروع تمامًا محشیّ به حواشی مختلف است و خطوط علّامه مجلسی ثانی در هامش برخی صفحات اوّل نسخه دیده می شود، و مرحوم آقا هادی مترجم این مرحوم ملّا محمد صالح مازندرانی نیز حواشی محقّقانه فراوان از خود و دیگران به خطّ نستعلیق و شکسته زیبای خود در نسخه نوشته است و رمز نام آن مرحوم «ه ی» می باشد.

این نسخه نیز از آن آخوند ملاّ عبداللّه ابن مرحوم آخوند ملا محمّد تقی مجلسی اوّل بوده تملّک و مهر او و تملّک و مهر مرحوم در آغاز نسخه دیده می شود.

«۶۹۸» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب المعیشه است تا آخر کتاب النکاح، لکن مقداری از آغاز کتاب در نسخه نیست و از این جمله «قال کنت علی باب شهاب بن عبد ربّه» که قدری قبل از «باب فضل الکتاب» است شروع می شود.

نام کاتب در آخر کتاب المعیشه: عمادالدین العقیلی ذکر شده. و تاریخ کتابت ندارد.

اخیرًا هنگام صحافی کتاب النکاح را مقدّم بر کتاب المعیشه قرار داده اند. آثار مقابله و تصحیح دارد.

«۶۹۹» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب الحیض قسم فروع است تا آخر باب «لیله المزد لغه و الوقوف بالمشعر والافاضه منه و حدوده»، و از آخر ناقص است. پایان: «باب السعی».

این نسخه نیز به خطّ عمادالدین عقیلی است که دو نسخه دیگر از کتاب الکافی را «اصول و فروع» استنساخ نموده و معرفی کردیم، لکن در این نسخه ناقصه نام کاتب و تاریخ کتابت به نظر نمی رسید.

آثار مقابله و تصحیح دارد و بخصوص در پایان کتاب الجنایز علّامه مجلسی اوّل به

خطّ مبارك خود در حاشيه نوشته است كه:

«أنهاه الولد الأعزّ عبداللّه أدام اللّه تعالى تأييده و أوصله الى أقص معارج التحقيق قراءةً و تصحيحًا و تحقيقًا و تدقيقًا فى مجالس آخرها: أواخر شهر ذى الحجّه الحرام لسنه ۱۰۶۲ من الهجره. تنّقه... محمد تقى بن مجلسى...».

أيضًا: نسخه حواشى مختلفه كمى دارد و چند حاشيه نيز به خطّ مرحوم آقا هادى ابن ملّا محمد صالح مازندرانى ديده مى شود. تملّك و مهر مرحوم عبداللّه بن محمد تقى مجلسى كه پاك كرده اند، و تملّك و مهر محمد على بن على اشرف در آغاز نسخه هست.

«۷۰۰» نسخه ديگر

نسخه: از آغاز كتاب جهاد است تا آخر كه خاتمه كتاب نذورات.

كاتب: محمّد مؤمن بن محمّد تقى حسينى. پايان استنساخ: روز جمعه ۶ ماه رمضان ۱۰۷۴. در اواخر كتابهاى اين جلد نيز نوعًا تاريخ دارد.

در خاتمه، فهرست كتب و ابواب اين جلد به خطّ كاتب نوشته شده است. حواشى مختصرى در سراسر نسخه هست.

روى برگ اوّل تملّك «ابن محمّد تقى، قدّس اللّه روحه الشريف»، و سپس مُهر: «عبده زين العابدين ۱۱۲۲».

«۷۰۱» نسخه ديگر

نسخه: از اوّل كتاب النكاح است تا آخر كتاب الوصايا. نام كتابت و تاريخ كتابت معلوم نشد. به دليل حواشى، در زمان حيات علّامه مجلسى مولانا محمّد باقر «متوفى ۱۱۱۰» استنساخ شده.

از اوّل تا آخر نسخه حواشى بسيار از كتب متفرّقه دارد. سرآغاز داراى يک سرلوح مى باشد و تمام اوراق جدول كشى شده.

«۷۰۲» نسخه ديگر

نسخه: نيمه دوم قسم فروع كافى است از اوّل كتاب نكاح تا آخر.

كاتب: عليقلى بن محمد تبريزى. پايان استنساخ: ۱۰۶۱.

اثر تصحیح و مقابله و حواشی متفرقه دارد.

در آغاز نسخه نوشته انـد: «کتاب فروع کافی از اوّل کتاب نکاح تا آخر کتاب نذر. قطع بزرگ، کاغذ سمرقندی، جلد تیماج مشکی به تاریخ شهر صفر ۱۱۴۴».

«۷۰۳» نسخه دیگر

نسخه: مشتمل بر کتاب معیشت و کتاب نکاح و باب فضل الولد است تا باب نوادر، و از آخر ناقص است، و هیچ نوع امتیازی مطلقًا ندارد، و نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. به قرائن در قرن یازدهم نوشته شده.

روی برگ اوّل تملّک نامعلوم و مهر «رَبِّ تَعبْ لی حُکمًا و ألحِقْنی بِالصّالِحین» دیده می شود.

«۷۰۴» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز تا پایان کتاب دواجن، که دو ثلث اوّل کتاب است.

کاتب: محمد زکیّ بن کامران. تاریخ پایان کتابت صلوه: یکشنبه دوم شوّال، و زکوه: دوشنبه ۲۶ ذی القعده ۱۰۸۶ _ ۱۰۸۷، دواجن: سنه ۱۰۸۸.

نسخه دارای تعلیقات مختصری به خطّ کاتب و استنباطات مسائل اصولی در هامش به خطّ نیای معظّم، آیه اللّه العظمی آقا میرزا محمّد هاشم چهارسوقی است. فهرست مفصّل در آغاز نسخه به خطّ کاتب ضمیمه شده، مع الاسف برگ اوّل مفقود است.

«۷۰۵» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل طهارت است تا پایان کتاب عقیقه که پس از آن طلاق است. کاتب: محمد شفیع جابری نایینی. تاریخ کتابت در آخر نسخه به این شرح است:

«قد وقعت الفراغ من نسخه و کتبه فی أوائل: لیله السّبت من لیله اثنین من شهر ذی حجّه الحرام من شهور سنه ۱۰۸۴ اربع و ثمانین و ألف من الهجره، عشره أیّام بقین من السّنه ۱۰۸۳ ثلث و ثمانین و ألف، و کان ابتداء کتابته: یوم النیروز سنه ۱۰۸۳ و ختمه بشرح المذکور»!!!

نسخه دارای آثار مقابله و تصحیح و تمییز احادیث و حواشی متفرّقه است.

ضمیمه

«۷۰۶» رساله در حرمت نماز جمعه در زمان غیبت

(فقه ــ فارسی)

از: مولانا حسن علی «فرزند مرحوم آخوند ملاّ عبداللّه شوشتری»، متوفی ۱۰۷۵.

نسخه: در نه صفحه است. کاتب: همان محمد شفیع جابری نایینی. تاریخ ختم استنساخ به این شرح است:

«تمّت بالخیر و الظفر فی یوم الأربعاء سادس ایّام مضی من شهر الصفر المظفّر من شهور سنه ۱۰۹۷ سبع و تسعین و ألف...»!!!

شخصی «بدون امضاء» در پایان رساله، استهزاء و سرزنشی از مؤلّف در این که قائل به حرمت نماز جمعه بوده نوشته است.

آغاز: «رساله مولانا حسن علی در حرمت نماز جمعه در زمان غیبت امام علیه السلام . بسم... بعد از سپاس و ستایش بی قیاس حضرت واجب الوجود مفیض الخیر و الجود، و درود نامعدود».

«۷۰۷» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل کتاب نکاح است تا آخر قسم، فروع و سپس تمام کتاب روضه کافی. تاریخ استنساخ فروع: بیستم محرم ۱۰۸۱ و تاریخ استنساخ روضه: ۱۲ ماه رمضان ۱۰۸۰.

کاتب تمام نسخه: محمّد سالم بن مرحوم محمّد شریف خوانساری، فقط اوائل نسخه اثر تصحیح و مقابله دارد.

«۷۰۸» نسخه دیگر

نسخه: از کتاب المعیشه است تا آخر کتاب المواریث. و سپس کتاب الروضه. کاتب کلّ نسخه: ابوالقاسم بن محمد الجربادقانی «گلپایگانی». تاریخ پایان کتاب: روز جمعه ۲ دوم ربیع دوم ۱۰۵۶.

کاتب شخص عالم محقّقی بوده و در حاشیه صفحه آخر نوشته است که نسخه را تمامًا بالنسخ مصحّحه مقابله کرده است، و هم حواشی بسیار از آغاز تا انجام با رمز «اب» که ظاهرًا اشاره به نام خود کاتب است، و هم حواشی دیگری از کتب مختلفه به خطّ زیبای خود نوشته است.

روی برگ آخر، فهرست کتاب الروضه کافی نوشته شده است. نسخه بسیار

معتبری است.

«۷۰۹» نسخه دیگر

نسخه: مصحّح است او دارای حواشی و توضیحات از کتب مختلف و بیان صحّت و سقم روایات.

کاتب: محمـد... [پس از محمـد، بقیه نام اصلی کاتب را تراشیده و یوسف نوشته اند] بن محمّد رضا لاهیجانی. تاریخ کتابت عصر یکشنبه هفتم ماه شعبان ۱۰۹۴ در اصفهان.

آخوند ملّا علی نوری حکیم اصفهانی از اوّل تا اواسط نسخه را به خطّ خود حواشی حکیمانه نوشته. ظهر نسخه نیز دو رباعی از خود با عنوان «نوری فدوی» آورده است.

تملّک و مهر حاج میرزا عبدالرزاق رشتی اصفهانی «عبده عبدالرزاق بن محمّد کاظم» به تاریخ ربیع الاول ۱۳۱۵ و فرزندش «قوام الدین بن عبدالرزاق الرشتی» ظهر نسخه هست.

«۷۱۰» نسخه دیگر

نسخه: از قرن یازدهم و اوّل و آخر آن مقداری ناقص بوده، نیای اعلی، مرحوم آیه اللّه حاجّ میر سیّد محمّد موسوی برادر گرامی آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنّات» علیهما الرحمه به خطّ خود تکمیل کرده اند.

«۷۱۱» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد روضه کافی است به خطّ محمّد طاهر بن محمّد باقر فیروزآبادی. تاریخ پایان کتابت: روز سه شنبه ۱۷ ذی الحجّه ۱۰۷۸. صحّت و سقم أخبار و همچنین عناوین مطالب در حاشیه ها به عُمره نوشته شده و اوائل نسخه دارای حواشی متفرقه ای است. اعمال نیمه ماه مبارک رجب در دو برگ آخر نوشته شده است.

«۷۱۲» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد روضه کافی. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به گواهی حواشی، قبل از درگذشت علامه مجلسی «متوفی ۱۱۱۰» استنساخ شده، و نسخه ای است از نظر متن و حوای در کمال صحّت و اعتبار و نفاست.

از اوّل تا آخر نسخه همه جا تعلیقات مفیدی نوشته شده است بر سه گونه: ۱_ تعلیقاتی که جدای از اصل کتاب روی اوراق مستقلّ مختوم به توقیع «حاشیه» نوشته

شده و لابلای برخی مواضع الصاق گردیده است. ۲ـ حواشی متفرّقه توضیحی و غیره از کتب تفسیر و لغت و غیره نیز به توقیع «م ق ر. دام ظلّه»، و نظیر این تعبیر و حواشی اندکی با توقیع «حسین، عفی عنه»، تمامًا به یک خطّ و به خطّ همین شخص حسین نام نوشته شده. ۳ـ حواشی بسیاری که در سراسر نسخه مختوم به توقیع «صلح» فقط، که ظاهرًا مقصود مرحوم آخوند ملا محمّد صالح مازندرانی است، و اندکی حواشی به توقیع «ا م ن» که ظاهرًا مقصود ملاّ محمّد امین استرآبادی است، و مقدار نسبةً است و ظاهرًا علامت «م» فقط.

این سه نوع حواشی منحصرًا به یک خطّ از سبک خطّ او را شناختم و الاّ در هیچ موضع اسمی از خود ننوشته، و این شخص دانشمند همانا مؤلّف «کشکول اللّغه» و «امّ العرفان یا امّ الحقائق. ش ۴۷» و «ترجمه ریاض السالکین. ش ۱۳۲» است، و اللّه العالم.

یک برگ از آغاز نسخه بریده شده است.

«۷۱۳» الکامل البهائیّ فی السّقیفه

(تاریخ دینی ـ فارسی)

از: عمادالدین حسن بن علیّ بن محمّد طبری مازندرانی، معاصر خواجه نصیرالدین محمّد، محقّق طوسی «۵۹۷ ـ ۶۷۲»، علیهماالرحمه.

کتاب: در بیان داستان سقیفه و امامت و خلافت است و در اثبات امامت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه السلام و وقایع آن زمان تا پایان داستان شهادت حضرت سیّد الشهداء علیه السلام به سال ۶۱ هجرت، و به طبع رسیده.

در «الذریعه» که این کتاب را عنوان کرده اند تألیف آن را در دو مجلّد و بخش مطبوع را مجلّد اوّل و بخش دیگر را مفقود دانسته اند. راقم سطور را در این فرضیّه سخنی است که در ذیل عنوان «مناقب الطاهرین» خواهد آمد.

کامل بهائی شامل مباحث کلامی و مناظره های مذهبی و تواریخ و داستانهای شیرینی است و سرآمد همه آثار طبری بلکه در صفّ اوّل مطلق اینگونه تألیفات است.

نیمه اوّل این کتاب بالخصوص دارای تواریخ و وقایع و حکایات مؤلّف است و جابجا نام و نسب خود و صاحب دیوان را یاد می کند، لکن در نیمه دوم از اینگونه مطالب اثری نیست.

فهرستی از مطالب تاریخی کامل: ۱ـ در آغاز کتاب «ص ۷ بمبئی ص ۱۱ ط قم» گوید:

«چنان که در مُلک مازندران که مولد مصنّف این کتاب است، الحسن بن علیّ بن محمّد بن الحسن، صد سال قبل از این پانصد تن شیعی نبودند، امروز که سنه خمسه و سبعین و ستمائه است در وی پانصد تن مخالف نباشند».

لکن در نسخه خطّی ما عبارت مذکور چنین است: «چنان که در ملک مازندران که مولد مصنّف این کتابست، الحسن بن علی بن محمد بن الحسن، از صد سال باز پانصد تن مخالف نباشد».

در «لذریعه ۱۷: ۲۵۲» آمده است که نام جدّ مؤلّف در موضع مذکور از نسخه چاپ بمبئی به جای «علی» حسن آمده، چنان که گذشت در نسخه خطی ما هم به همین صورت است.

۲ـ در «ص ۱۰ ط ۱» درباره خود گوید: «اولین کسی از محبّان و موالیان فقهای اهل البیت که بدین دولت محظوظ شد و حقّ خدمت دینی ثابت کرد و کتب شیعه از بهر این حضرت جهان پناه تصنیف کرد». سپس «مناقب الطاهرین» و «منهج، در عبادات» و «اربعین بهائی» فی تفضیل امیرالمؤمنین را یاده کرده.

۳ـ در همان صفحه درباره «کامل بهائی» گوید: «و چون مناقب الطاهرین و أخوات آن جمله دلایل تولّی بودند لازم بود در قسم تبرّی هم شروعی کردن به بسط تمام مختلط به عربی و عجمی».

۴ـ نیز در همان صفحه گوید: «اسم این کتاب الکامل البهائی فی السقیفه آمد».

۵ـ تاریخ هایی که در این کتاب آمده است: به سال ۶۷۰ در شهر درود کرد بوده، چنانکه در نسخه خطّی ما آمده لکن در نسخه چاپی شهر یزدجرد است، و در «روضات الجنات» ـ لابدّ به نقل از همین نسخه خطی حاضر ـ شهر بروجرد.

به سال ۶۷۲ از قم به اصفهان رفت و به التماس صاحب دیوان هفت ماه آنجا بود.

به سال ۶۷۳ در دهم محرّم در خدمت مخدوم به صحرای دید بطریه ـ و هی قریه بین قم و کاشان ـ بوده و حالِ مقتلِ عترتِ رسول تقریر می کرده.

به سال ۶۷۳ «مناقب الطاهرین» را تمام کرده به اصفهان برده، و در این سال معتکف عتبه جلال خواجه جهان، بهاءالدین محمّد بن محمّد صاحب دیوان بوده.

به سال ۶۵۶ در دامغان بوده، و از سیاق کلامش مستفاد می شود که در آن هنگام جوانی سی ساله بوده است.

در پایان نسخ چاپی تاریخ تألیف ۶۷۵ ذکر شده، لکن در نسخه خطّی ما نیست.

همچنین در «الذریعه» فرماید که در نسخه چاپی کامل بهائی آمده است که وی به سال ۶۰۳ در اصفهان از مفتی یزیدی سماع کرده، لکن اثری از این مطلب نه در نسخه خطّی و نه در نسخ چاپی نیافتیم.

نسخه: بخطّ عبدالهادی بن رفیع الدین الحسینی است، تاریخ پایان استنساخ: روز جمعه ۲۲ صفر ۱۰۱۷. این شخص همان کاتب نسخه «مناقب الطاهرین» است که هر دو نسخه را به یک صورت نوشته است.

کاتب در پایان نسخه گوید که این کتاب دارای دوازده هزار و صد بیت کتابت است.

حاشیه هائی بر چند موضع نسخه از «هادی» و «هادی الحسینی الدلیجانی» است که به خطّ کاتب نسخه و ظاهرًا از خود او است. حاشیه ای نیز منقول از غیاث الدین بن مهدی الحسینی و چند حاشیه از محمّد معصوم الحسینی دیده می شود.

ظهر نسخه تملّک امام مجدّد صاحب «روضات» به سال ۱۲۷۶ و مهر ایشان «محمّد باقر بن زین العابدین الموسویّ»، و تملّک آخرین... فرزند ذکور معظّم ایشان آقا میرزا سید مجتبی روضاتی قوام الاسلام به تاریخ ۱۱ محرم ۱۳۱۵ و مهر ایشان «عبده مجتبی بن محمد باقر الموسوی» دیده می شود.

در پایان نسخه نیز تملّک زین العابدین الشریف شهدادی ابن مرحوم ابوالبقاء کلانتری قصبه نایینی به تاریخ نوروز لوی ئیل ۱۱۷۳ و مهر او «أفوّض أمری إلی اللّه اللّطیف، عبده زین العابدین الشریف» دیده می شود.

ظهر برگ آخر نسخه دو مرثیه برای میر عبدالهادی نوشته شده که ظاهرًا مقصود همان میر عبدالهادی کاتب نسخه است و می رساند که به سال ۱۰۵۰ درگذشته است.

مرثیه اول از «نظاما احمد خانا» و مادّه تاریخ از گفته او چنین است:

وارث علم محمّد زبده آل نبی هادی وادی ملّت آن جهان را کرد جا

که هر دو مصرع مادّه تاریخ است. و آن دیگری از گفته «مولا نادی».

برای آگاهی بیشتر به «فهرست آقای احمد منزوی ۲: ۹۸۰» رجوع فرمائید.

ص : ۲۸۷

کبوات الجیاد فی حواشی سید ان نجاه العباد:

نجعه المرتاد فی شرح نجاه العباد

کتاب الأربعین:

الأربعین

«۷۱۴» کتاب فی آداب الملوک

(اخلاق ــ عربی)

از: نامعلوم.

ص : ۲۸۸

کتاب: در آداب و اخلاق و نُصح پادشاهان است، و نویسنده نزدیک به زمان مستنجد خلیفه عباسی متولّد ۵۱ متوفی ۵۶۶» بوده، چون در فصل چهارم از باب دوم داستانی از زمان خلافت او نقل می کند.

مقدار موجود از اواخر فصل سوم از باب اول است تا فصل هشتم از باب سوم.

آغاز موجود: «تزعجنی قال و أوصنی فی عمّالی خاصه. قال: انظر من کان منهم له عبید».

انجام موجود: «أحسن أفعال القادر علی العفو و أقبحها الانتقام و قد روی انّ عمر بن عبدالعزیز قال لرجل».

نسخه: از اول و آخر ناقص است و ظاهرًا متعلّق به سده نهم است. به علّت همین نقصان، تشخیص نام کتاب و مؤلّف و کاتب و تواریخ آن میسّر نشد.

مقدار موجود ۵۲ برگ. اندازه: ۱۴ و نیم × ۲۰. متن: ۸ و نیم × ۱۴. خطّ نسخ ۱۴ سطری.

«۷۱۵» کتاب ادعیه و اعمال مذهبی

(دعاء ــ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: مرتّب بر ابواب و فصول است (مقدار موجود از شرائط لباس مصلّی است، سپس احکام و اموات و بعد، اذان و اقامه و انواع نمازها و دعاها، و بعد عباداتی که مخصوص به وقت معیّن نیست مثل جهاد و زکات و غیره. ظاهرًا ترجمه ئی است از یک کتاب عربی.

نسخه: از اوّل و آخر و مقداری از وسط ناقص است و از آثار سده دهم.

آغاز موجود: «پشت دست راست را از استخوانکی که آن را زند می گویند».

انجام موجود: «فأمّا گاهی که رأی ایشان در باب مقاتله با کفّار نیکو و درست باشد در دین اسلام و رقاب بنده».

«۷۱۶» کتاب الأربعین فی امامه الائمه الطاهرین

(کلام ــ عربی)

از: عالم جلیل مولانا محمّد طاهر بن محمّد حسین، شیرازیّ الأصل، نجفی المنشأ، شیخ الاسلام و مقیم بلده طیّبه قم، متوفای ۱۱۰۰، صاحب «تحفه عبّاسی، ش ۱۱۶»

و «حقّ الیقین، ش ۳۵۲»(۱).

کتاب: پیرامون إثبات امامت إئمّه أهل بیت علیهم السلام است به أدلّه قاطعه و براهین ساطعه، بخصوص از روایات اهل سنّت، که چون مؤلّف در آن چهل دلیل بر مدّعای خود آورده آن را «کتاب الأربعین» نامیده است.

وی در این کتاب جلیل القدر متعرّض بسیاری از مطالب گوناگون کلامی و مذهبی گردیده، شطری از مناقب اهل البیت علیهم السلام و أحوال صحابه و زوجات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ، و پیشوایان اهل سنّت و عقائد آنان را در اصول و فروع دین بیان کرده است. اهمیّت کتاب از عبارت آغاز و فهرست مطالب آن که نقل خواهیم کرد معلوم می شود.

این کتاب در دو موضع «ذریعه ۱: ۴۱۹ و ۴۳۴» یاد شده، و در موضع اوّل فرماید:

«الأربعون حدیثًا و دلیلاً در امامت ائمّه طاهرین علیهم السلام از مولی محمّد طاهر بن محمّد حسین... او درین کتاب چهل دلیل در اثبات امامت گرد آورده، و مقدّمه ای در خصوص أخبار مرویّه در کتب مخالفان به روایات آنها و به طرق خودشان پیرامون امامت امیرالمؤمنین علیه السلام در آغاز آن نهاده، و أخبار مذکوره را در شش نوع منحصر کرده، و نوع ششمین حدیث «من کنتُ مولاه» است. وی در این کتاب متعرّض عقائد عامّه در فروع و اصول نیز شده، و آن را به «الأربعین فی امامه الأئمّه الطاهرین» نامیده است... نسخه این کتاب را در خزانه کتب علاّمه مولی [ملاّ] محمّد علی خوانساری در نجف اشرف دیدم»، انتهی.

و در موضع دوم «ذریعه» چنین فرموده است: «الأربعون دلیلاً لإمامه أمیرالمؤمنین و الأئمّه المعصومین علیهم السلام ، از مولی محمّد طاهر بن محمّد حسین... است، آغاز آن:... ، وی در این کتاب ابتدا کرده است به مقدّمه ای که در آن بسیاری از اخبر مرویّه از طرق أهل سنّت را که دلالت بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام دارد آورده سپس چهل دلیل بر اثبات امامت آن حضرت از احادیث و غیر أحادیث اقامه نموده و آنها را چند نوع کرده است... پس این کتاب از کتب کلامیّه خواهد بود...» الخ.

مؤلّف «کشف الحجب و الأستار: ۳۶» نیز کتاب را چنین عنوان کرده است:

ص : ۲۹۰

---

۱ - ۱) سخنانی پیرامون مولانا محمّد طاهر و معاصران ایشان در مقاله «سعیدیّه» چاپ شده در «دومین دو گفتار، قم، ۱۳۸۶» شایسته مراجعه است.

«الأربعون فی فضائل أمیرالمؤمنین و إمامته و إمامه الأئمّه الطاهرین، از محمّد طاهر بن محمّد حسین شیرازی نجفی قمّی، معاصر شیخ بهائی. چهل دلیل بر امامت دوازده امام از کتب مخالفان درین کتاب گرد آورده و پاره ای از عقائد اهل سنّت را در فروع و اصول در آن آورده است، آغازش: الحمد للّه...».

لکن معاصر شیخ بهائی (متوفّی ۱۰۳۰) بودن درست نیست و باید معاصر محقّق سبزواری (متوفی ۱۰۹۰) می گفت.

در فهرستهای معمولی که دسترس داشتیم نسخه دیگری از کتاب مورد بحث نشان داده نشده است.

آغاز: «بسم... الحمد للّه الّذی هدانا سبیل الحقّ بنصب الأدلّه و البراهین، و أرشدنا الی طریق إبطال المبطلین، و دلّنا علی جوادّ شوارع الدین، و أوردنا مشارع أنهار علم الیقین. و صلّی اللّه علی محمّد أفضل المرسلین و آله الأبرار الأخیار الطیّبین الطاهرین. أمّا بعد. فإنّی لمّا رأیت أفضل ما یتقرّب به إلی اللّه ربّ العالمین _ بعد معرفه اللّه و معرفه نبیّه سیّد النّبیّین _ معرفه الائمّه الاثنی عشر الأطهار المعصومین، لأنّ معرفتهم من أعظم اصول الدین؛ جمعتُ فی هذا الکتاب أدلّه قاطعهَ علی إمامتهم، هنّ خیر البراهین، مفتتحًا بالنّصوص الوارده فی کتب المخالفین علی إمامه مولانا و مولی الأنام أمیرالمؤمنین، مع الأجوبه الواضحه عن تأویلات المعاندین و شبهات المخاصمین، و مختتمًا ببیان بعض عقائد أهل السنّه فی الفروع و اصول الدین.

و لاشتمال الکتاب علی أربعین دلیلاً علی إمامه الاثنی عشر _ صلوات اللّه علیهم أجمعین _ سمّیته «الأربعین فی إمامه الأئمّه الطاهرین». و أنا عبد عبیدهم: محمّد طاهر بن محمّد حسین، الشیرازی، ثمّ النجفی، نزیل قمّ، دارالمؤمنین... أمّا الفاتحه، ففی النّصوص الوارده فی کتب کتب المخالفین علی امامه أمیرالمؤمنین، مع الأجوبه عن شُبه المعاندین، و إنّما اکتفینا ههنا بنقل هذا النّوع من الأحادیث لأنّ ما لم یکن من هذا النّوع من مناقبه أکثر من أن یحویه هذا الکتاب...».

سپس شرحی پیرامون کتب اهل سنّت که در خصوص فضائل حضرت أمیر علیه السلام تألیف کرده اند و مؤلّف پاره ای از آنها را دیده و بر نام پاره ای دیگر اطلاع یافته است» نگاشته و گوید:

«و اعلم أنّ ما أَورد فی هـذا الکتاب من أحادیث المخالفین و أخبارهم فقد أخذتها من: «صـحیح البخاری»، و «مسـلم»، و «کتاب الفردوس للـدیلمی»، و «المصابیـح للغوی»، و «کتـاب شـرح نهـج البلاغه للشـیخ الفاضل ابن أبی الحدیـد، من علماءِ المعتزله»، و «کتاب رجال المشـکوه»، و «کتاب حیاه الحیوان، لأبی البقا محمّد بن موسی بن عیسی الشافعی»، و «أحکام الماوردی»، و «کتاب شرح المواقف» و «کتـاب شـرح المقاصـد»، و «کتـاب شـرح المختصـر، للعضـدی»، و «شـرح صـحیح البخـاری»، و «تاریـخ أعثم الکوفی». و من کتب ثقات أصحابنا...».

سپس شـروع به ذکر کتابهایی که دانشـمندان شـیعه در این موضوع نگاشـته و روایات و مطالب أهل سنّت را در آنها نقل کرده اند، پرداخته، و بعد از آن گوید:

«وها أنا ذا أشرع فی ذکر الأحادیث المقصوده و أجعلها أنواعًا. النّوع الأوّل...».

انجام: «لأنّ تصـدیق الکاذب عقلًا قبیـحٌ، والقبیـح عقلًا لا یصـدر منه تعالی. فعلی قولهم بإنکار الحسن و القبـح العقلیّین لا یتأتّی تصـدیق الأنبیـاء، لأ نّه کلّمـا أتی بمعجزه قلنـا له: المعجزه لا تـدلُّ علی صـدقک! لأنّ العقل لا یسـتقبح تصـدیق الکاذب، فربّما صـدقک اللّه بالمعجزه و أنت کاذب. فلا یصحّ الاسـتدلال علی صدق أحد من الأنبیاءِ، و لا التدیّن بشـیء من الشـرائع. تمّ بعون اللّه و تأییده. هذا آخر کلام المصنّف رحمه اللّه».

فهرست مطالب: النوع ۱_ ماورد فی کتب مخالف من أنّ أمیرالمؤمنین علیَّ بن أبی طالب علیه السلام وصیُّ رسول اللّه و خلیفته و ما فی معناهما من وجوب اتّباعه و فرض طاعته، من الأحادیث المتفرّقه. منه ما فی «مسـند أحمد بن حنبل»... النوع ۲_ فیماورد من الأحادیث من طرق المخالفین فی أنّ علیَّ بن أبی طالب أمیرالمؤمنین.

النوع ۳_ فیمـا روی عن النّبی صـلی الله علیه و آله أنّ علیّاً مـع الحـقّ و الحقّ معه و مـا فی معنـاه. النّوع ۴_ فیمـا ورد من طرق المخالف أنّ النّبیَّ صـلی الله علیه و آله قال العلیّ علیه السـلام : أنت منّی بمنزله هرون من موسی إلاّ أ نّه لا نبیَّ بعدی. النوع ۵_ فیما ورد فی تفسـیر قوله تعالی «إنّما ولیّکم اللّه و رسوله... إلـخ». النّوع ۶_ فیمـا قال النّبیُّ صـلی الله علیه و آله : «من کنتُ مولاه فعلیٌّ مولاه...».

ردّ أقوال عدیـده مخـالفین در توجیه حـدیث غـدیر و إثبـات دلالت آن بر امامت و خلافت بلافصل أمیرالمؤمنین علیه السـلام و جواب از احتجاج آنان به وجوه عدیده در معارضه با حدیث.

ص : ۲۹۲

جواب تمسّک عضدی و دیگران به اجماع صحابه و نقل کلمات بسیاری از بزرگان أهل سنّت پیرامون این موضوع و إثبات عدم تحقّق اجماع و داستان إحراق باب.

شرح خطبه شقشقیّه و اثبات صحّت آن و نقل شکایات امیرالمؤمنین علیه السلام در خطب و کلمت و نامه ها و أشعار خود، به نقل از کتب و روایات عامّه.

حقیقت داستان خلافت در صدر اسلام.

علّت ترک تعرّض حضرت أمیر علیه السلام .

جواب از تمسّک مخالفین به اینکه نبوّت و امامت در یک خاندان جمع نمی شود.

علّت مخالفت صحابه با نصوص نبویّه در خصوص امر خلافت و نقل کلمات بزرگان مورّخین و محدّثین اهل سنّت که رافع استعجاب و دافع استغراب است.

جواب کلام صاحب «مواقف» پیرامون معارضه نصوص دالّه بر امامت ابی بکر با نصوص دالّه بر امامت حضرت امیر علیه السلام به هشت وجه.

تذنیبٌ، در بیان پاره ای از وجوه دالّه بر عدم اعتماد و وثوق به روایات مخالفین و تعداد جمله ای از روایاتی که در فضائل و مناقب حضرت أمیر کتمان کرده اند، به تصدیق بزرگان علماء أهل سنّت، و ذکر احوال جمعی از صحابه و وقایع عجیبه آنها.

دلیل اول از دلائل چهل گانه بر اثبات إمامت حضرت امیر و سایر أئمّه أطهار علیه السلام در لزوم وجود عالم ربّانی مؤیّد از جانب خداوند تعالی در هر زمان.

دلیل ۲_ در بیان لزوم وجود امام مُبین مؤیَّد معصوم در هر زمان.

دلیل ۳_ در بیان لزوم نصب أمیر مطاع عارف عادل غیر جائر از جانب خداوند برای اقامه حدود در هر زمان.

دلیل ۴_ در تفسیر آیه شریفه «الیوم أکملتُ لکم دینکم... إلخ».

دلیل ۵_ در بیان تواتر نصوص نبویّه بر إمامت أئمّه اطهار علیهم السلام .

دلیل ۶_ در بیان اتّفاق امّت بر عدالت و جلالت و طهارت دوازده امام علیهم السلام .

دلیل ۷_ خبر دادن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به اینکه پس از آنجناب دوازده خلیفه از قریش خواهد بود.

دلیل ۸_ در بیان تواتر حدیث شریف نبوی «إنّی تاركٌ فیکم الثقلین...».

دلیل ۹_ در بیان این که هر یک از أئمّه بر وفق دعوی امامت اظهار معجزه فرمودند.

ص : ۲۹۳

دلیل ۱۰_ در بیان إصرار بنی امیّه و بنی عبّاس در دشمنی و آزار ائمّه اطهار علیهم السلام .

دلیل ۱۱_ در بیان تعظیم دوستان و أولیاء ائمّه اطهار نسبت به شأن و مقام ایشان.

دلیل ۱۲_ در بیان ظهور علوم عدیده از آل محمّد علیهم السلام .

دلیل ۱۳_ در بیان این که امامت به اختیار ثابت نخواهد شد.

دلیل ۱۴_ دلالت دو آیه شریفه «لیس لکَ من الأمر شیء» و «انّ الأمر کلّه للّه» بر امامت حضرات ائمّمه علیهم السلام .

دلیل ۱۵_ دلالت دو آیه شریفه «و لا تقدّموا بین یدی اللّه و رسوله» و «آللّهُ أذن لکم أم علی اللّه تفترون».

دلیل ۱۶_ دلالت آیه شریفه «و ربّک یخلق ما یشاء و یختار...».

دلیل ۱۷_ دلالت آیه شریفه «واللّهُ یزکّی من یشاء...».

دلیل ۱۸_ دلالت آیه شریفه «أطیعوا اللّه و أطیعوا الرسول...».

دلیل ۱۹_ آیاتی که دلالت بر شفقت خداوند متعال بر خلق دارد.

دلیل ۲۰_ آیاتی که متضمّن استمرار بر حقّ الیقین است.

دلیل ۲۱_ آیاتی که در آنها زجر از معاصی وارد شده.

دلیل ۲۲_ دلالت آیه شریفه «انّ عبادی لیس لکَ علیهم سلطان...».

دلیل ۲۳_ آیاتی که متضمّن تقوی است.

دلیل ۲۴_ آیات متضمّن رحمت.

دلیل ۲۵_ آیات متضمّن خوف و وعید.

دلیل ۲۶_ آیاتی که ناطق به موجبات هلاکت است.

دلیل ۲۷_ دلالت آیه شریفه «واعتصموا بحبل اللّه جمیعًا و لا تفرّقوا».

دلیل ۲۸_ آیه شریفه «انّ هذا صراطی مستقیمًا فاتّبعوه».

دلیل ۲۹_ در بیان دلالت آیه شریفه «إن جاءکم فاسقٌ بنبأ فتبیّنوا».

دلیل ۳۰_ در بیان دلالت آیه شریفه «لا ینال عهدی الظّالمین».

دلیل ۳۱_ آیات و روایاتی که دلالت بر وجود منافقان در میان صحابه دارد.

دلیل ۳۲_ آیه شریفه «تعاونوا علی البرّ و التّقوی».

دلیل ۳۳_ آیاتی که در آنها ترغیب به طاعات و أعمال صالحه است.

ص : ۲۹۴

دلیل ۳۴ـ آیه شریفه «و ما جعل علیکم فی الدّین من حرج».

دلیل ۳۵ـ آیه شریفه «و کونوا مع الصّادقین».

دلیل ۳۶ـ در بیان دلالت افضلیّت ائمّه اثنا عشر علیهم السلام نسبت به مدّعیان امامت بر مقصود و شرح بعضی از حالات و مقامات آن هادیان راه حقّ و پاره ای از روایاتی که اهل سنّت در فضائل أمیرالمؤمنین و سایر ائمّه معصومین علیهم السلام به طرق خود از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند.

تذنیب ــ در مختصری از فضائل عُلیا جناب خدیجه رضی اللّه عنها ــ و فضائل حضرت ابوطالب علیه السلام و شمّه ای از وقایع آغاز بعثت. و به اینجا بحث أفضلیت حضرت أمیر و سایر امامان علیهم السلام پایان می یابد.

تذنیب دیگر، در ذکر أئمّه مخالفان بر أفضلیّت خلیفه یکم و نقل عبارت «مواقف» و شرح آن در اقامه ده دلیل بر مدّعی و جواب از آنها.

دلیل ۳۷ـ در بیان پاره ای از امور مربوط به خلافت خلیفه یکم، و تذنیبی در أحوال ابوقحافه، و نقل داستانی از کتاب «نگارستان» قاضی احمد غفاری قزوینی.

دلیل ۳۸ـ در بیان پاره ای از امور مربوط به خلافت خلیفه دوم و شمّه ای از احوال او.

دلیل ۳۹ـ در بیان پاره ای از امور مربوط به خلافت خلیفه سوم و احوال و اعمال او و سلوکش به اصحابه کبار، تمامًا به نقل از کتب تاریخ و حدیث و سیر مشهور و معتبر حضرات اهل سنّت.

دلیل چهلم بر امامت أئمّه أطهار علیهم السلام و بیان أحوال و أعمال عائشه زوجه پیغمبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم.

فصل ــ در بیان حال حفصه زوجه دیگر پیغمبر أکرم صلی الله علیه و آله .

تذنیب ــ در بیان احوال معویه بن أبی سفیان و ذکر مطالبی در باب لعن، و نقل داستان مباحثه ای که در باب مسائل مورد اختلاف شیعه و سنّی میان مؤلّف و یکی از مفتیان حنفیّه در مکّه معظّمه واقع شده است.

خاتمه ــ در بیان شمّه ای از احوال چهار پیشوای اهل سنّت و نقل پاره ای از فتاوی و عقاید آنان.

نسخه ــ دارای ۱۸۵ برگ، روی برگ اوّل تملّک و مهر «ابراهیم بن عبداللّه الموسوی»

ص : ۲۹۵

مورّخ ۱۲۶۵، و مهر «محمّد هاشم ۱۲۱۲»، و تملّک محمد رحیم بن محمّد جمال اصفهانی مورّخ ۸ ذی حجّه ۱۱۳۲ دیده می شود.

کاغذ: فستقی، جلد: تیماج قهوه ای یک لا، آستر: کاغذ سفید، خط: نسخ ۲۲ سطری عناوین به شنگرف، قطع ۱۷ و نیم × ۲۲ و نیم، متن ۱۰ × ۱۷.

نسخه تاریخ و نام کاتب و تاریخ تألیف ندارد، به قرائن پس از فوت مؤلّف استنساخ شده که در چند جا حاشیه به قید «طاب ثراه» دیده می شود و ظاهرًا در اوائل قرن ۱۲ نوشته شده است. نیمه اول کتاب آثار مقابله دارد.

«۷۱۷» نسخه دیگر

نسخه: کامل است و در برخی مواضع اثر مقابله و تصحیح دارد.

نام کاتب و تاریخ کتابت نامعلوم، و به گواهی خطّ و کاغذ، نزدیک زمان شخص مؤلّف علیه الرحمه نوشته شده است.

«۷۱۸» کتاب الأربعین فی أصول الدین

(کلام _ عربی)

از: محمّد بن عمر، طبری، معروف به فخر رازی و ابن الخطیب، متوفّی ۶۰۶.

کتاب: در مباحث کلام و اصول دین است بر مذاق اشعریان اهل سنّت و به طبع رسیده.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ پایان کتابت: ۱۰۶۲. از کتب خانوادگی است.

«۷۱۹» کتاب فی أصول الفقه

(اصول فقه _ عربی)

به خطّ المؤلّف، الّذی کان بعد عصر صاحب «القوانین»، و أظنّ أنّ عندی أیضًا بخطّه بعض آثار.

آغاز: «... أمّا بعد، فهذه رساله فی القواعد الأصولیّه من مبانی المسائل الفقهیّه، و ربّکته علی مقدّمه و مقاصد و خاتمه».

«۷۲۰» کتاب فی أصول الفقه

(اصول فقه _ عربی)

از: مرحوم آقا سیّد محمّد بن محمّد حسین موسوی نجف آبادی اصفهانی(۱).

۱ – ۱) این حقیر، در تاریخ ربیع یکم ۹۷ «اسفند ۵۵»، شرح حالی از آن مرحوم در رساله «هدیّه نجفیّه» نگاشتم، که در سال «۱۳۷۵ ش» در مجموعه «هفده رساله فارسی: ص ۳۷۱ _ ۳۹۹» به کوشش آقای آیه اللّه استادی، توسّط «بنیاد پژوهشهای اسلامی» در مشهد مقدّس رضوی چاپ شد، و پس از آن نیز در یکی دو مجموعه دیگر. «هدیّه نجفیّه» را استاد جلال همایی رحمه اللّه «گل محمّدی» نامید. آن رساله شامل ترجمه حالی از سه تن آیات معظّم اصفهان است:۱_ همین آقا میر سیّد محمّد نجف آبادی «۱۲۹۴ _ ۱۳۵۸». ۲_ آقا سیّد عبداللّه ثقه الاسلام مدرّس صادقی «۱۲۸۵ _ ۱۳۸۲». ۳_ حاج شیخ مهدی نجفی مسجدشاهی «۱۲۹۸ _ ۱۳۹۳». رحمه اللّه علیهم اجمعین.

کتاب: در علم اصول فقه است و تألیفی است مستقلّ و ظاهرًا در دو مجلد یا بیشتر.

نسخه: مقصد دوم کتاب است در أحکام قطع و ظنّ. از مقصد اوّل فعلاً اطّلاعی نداریم و نام کتاب نیز معلوم نگردید، و این نسخه مبیّضه خطّ شخص مؤلّف است.

تاریخ پایان استنساخ، در شهر سامراء، روز سه شنبه ۸ ماه شعبان ۱۳۲۲، و به موجب صفحه شماری که خود مؤلّف با مرکّب سرخ در گوشه بالای صفحات گزارده، مجموع صفحات ۳۶۴ صفحه می باشد.

فهرست مطالب کتاب را اخیرًا در آغاز نسخه نوشته اند.

«۷۲۱» کتاب فی أصول الفقه

(اصول فقه ــ عربی)

از: یکی از علماءِ شافعی مذهب اهل سنّت.

کتاب: در علم اصول فقه است بر طریقه اهل سنّت.

آغاز: «الحمد... الکلام فی المقدّمات و فیه فصول: الفصل الأوّل فی تفسیر أصول الفقه. المرکّب لا یمکن أن یعلم الاّ بعد العلم بمفرداته».

انجام: «لأنّ اکثر مناظرات أهل الزمان فی الفقه دائره علی أمثال هذه الکلمات. و لمّا وصلنا الی هذا الموضع فلنقطع الکلام حامدین... و ان یجعل ما کتبناه محّجه لنا لا علینا، إنّه هو الغفور الرحیم».

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. به قرائن در اواسط قرن ۱۳ نوشته شده. ظهر نسخه تعداد ابیات کتاب: ۱۸۶۷۰ بیت تخمین شده است.

عناوین مطالب کتاب در حواشی به شنگرف نوشته شده.

«۷۲۲» کتاب التجوید

(تجوید ــ فارسی)

از: نامعلوم.

کتاب: آغاز: «بسم... امّا بعد، این مختصری است در معرفت بعضی از قواعد ضروریّه تجوید». انجام: «و قیل من راق، و وقفه و سین هم قیاس سکته است، و اللّه

أعلم بالصّواب».

نسخه: به خطّ: «أقلّ الطلبه محمّد مهدی بن ملّا محمّد اسماعیل مبارکه مسکن.

حسب الفرموده عالیجناب میرزا عبدالغنی قلمی گردید، به تاریخ ۲۸ ذی القعده ۱۲۳۹».

«۷۲۳» کتاب التّوحید

(حدیث ــ عربی)

از: شیخ صدوق ابوجعفر محمّد بن علیّ بن بابویه قمی علیهم الرحمه.

نسخه: بخطّ محمّد طاهر بن شکر اللّه. تاریخ پایان استنساخ: عصر روز یکشنبه پنجم ربیع دوم ۱۰۰۸ «السنه الثامنه من المائه الاولی من الألف الثانی»، و ظاهرًا اشتباه است و صحیح «۱۱۰۸» باشد.

«۷۲۴» کتاب التوحید

(حدیث ــ عربی)

از: مفضّل بن عمر، علیه الرحمه.

کتاب: کتاب معروف است به توحید مفضّل از اصحاب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ، و مطالبی است که آن حضرت در باب خلقت و دلائل اثبات صانع و ردّ بر منکران و دهریان، در چند مجلس بر مفضّل املاء فرموده اند و او می نوشته است، و مکرّر به طبع رسیده(۱).

نسخه: دو بخش است: اوّل، از آغاز تا پایان مجلس اوّل، به خطّ نسخ جلّی با اعراب کامل و ترجمه پارسی. غالب جملات به شنگرف و نام کاتب ندارد، و برگ اول افتاده در برگ آخر تملک حسن بن زین العابدین الشریف... به تاریخ ۱۱۵۹ دیده می شود.

بخش دوم، مجلس دوم است تا آخر، و برگ آخر این قسمت ساقط شده، و شخصی به نام «محمد» در برخی مواضع حاشیه ای نوشته است.

نسخه ابتیاعی از بقایای کتابخانه آقا شیخ محمد رضا ابوالمجد نجفی.

«۷۲۵» کتاب دعاء

(نیایش ــ فارسی)

از: عبدالکریم بن محمّد یحیی قزوینی، از دانشمندان زمان شاه سلطان حسین صفوی، این کتاب را به نام شاه نگاشته و در آغاز او را بسیار ستوده، دعاهایی که از طُرق اهل

۱- ۱) ناشر کتاب «الروضه النضره: ۴۳۳» در ذیل صـفحه نوشته است: «و قد طبع توحید المفضّل مع تقدیم و تأخیر طفیف باسم «الدلائل و الاعتبار» منسوبًا الی الجاحظ، فی حلب، ۱۳۴۶»! نظیر همین عبارات را در ذیل صفحه ۱۱۷ نیز آورده اند!

البیت علیهم السلام برای دفع دشمنان دین و حفظ حدود و ثغور ممالك مسلمین وارد شده و سرداران و لشگریان را به کار آید(۱)، ضمن مقدّمه ای در شرائط استجابت دعاء و سه باب مشتمل بر دعاها و حرزهای معتبر و یک خاتمه در آدابی که دعاء کننده باید پس از انجام مراسم دعا به جای آرد و مراعات نماید؛ گرد آورده مرتّب گردانید.

مؤلّف نامی به کتاب خود نداده، از این روی ما آن را به عنوان عمومی «کتاب دعاء» شناساندیم، چنانکه در «ذریعه ۸: ۲۰۳» نیز _ به نقل از یادداشتهای نگارنده این فهرست _ آن را «الدّعوات والأحراز» نامیده اند.

تاریخ نگارش کتاب تحقیقًا معلوم نیست، جز این که در پایان نسخه، تاریخ «سنه ۱۱۲۴» به خطّ کاتب نسخه قید شده که ممکن است تاریخ تألیف یا استنساخ و یا هر دو باشد.

مؤلّف، در باب اوّل به فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام «لِلّهِ سبحانه سَطواتٌ و نِقماتٌ، فإذا اُنزلتْ بکم فادفَعُوها بالدّعاءِ، فإنّه لا یَدفع البلاءَ إلاّ الدّعاء» استناد کرده، و از جمله دعاهای طولانی و مشهوری که در کتاب آورده و فضیلت و خواصّ آنها را بیان نموده اینها است: دعاء مُجیر، دعاء مشلول، دعاء کمیل. حرزها و عوذه هایی نیز از جمله «حرز أبودجّانه» با ذکر مآخذ یا خواصّ نقل کرده است.

شرح حال مؤلّف این کتاب در جایی به نظر نرسیده، جز آنکه او را کتاب مبسوط و مشهور دیگری است به نام «نظم الغُرر و نضد الدّرر» که ترتیب موضوعی کتاب «غرر الحکم» و شیخ عبدالواحد آمُدی «علیه الرحمه» و شرح و ترجمه و تفسیر فارسی الفاظ شریفه کلمات قصار علوی علیه السلام مندرج در آن کتاب است، و این کتاب را مؤلّف هنگام تشرّف به نجف نگاشته و آن را بر طبق شماره أسماء اللّه الحسنی به ۹۹ کتاب باب مبوّب کرده است.

شرح مبسوط و مفصّل راجع به نظم الغرر و مجلّدات و نسخ موجود آن در «فهرست سپهسالار ۲: ۱۰۵ _ ۱۲۲» آمده، و در آنجا است که تنها پنج مجلّد کتاب مشتمل بر

۱- ۱) مؤلّف در باب ۱۴ کتاب نظم الغرر خود که پس ازین یاد خواهیم کرد، پیرامون «شجاعت و ذمّ جُبن و تهوّر و عجز، و تعلیم آداب حرب و دستور برگزیدن سرداران لشگر و علامات نیك و بد ایشان و طریق حفظ ثغور مملکت و سلوك با سپاه و رعیّت و غیر آن» گفتگو کرده است.

بیست باب در دسترس است و از بقیّه اطلاعی نیست(۱).

قزوینی کتاب نظم را نیز به نام شاه سلطان حسین مصدّر کرده و در مقدّمه مجلّد دوم آن از میزان معلوماتش یاد نموده، اشتغال دائمی خود را در مطالعه و مباحثه و دقّت در أخبار ائمّه اطهار علیهم السلام تعیین کرده است.

وی پیش از آن که به نگارش «نظم الغرر» پردازد کتاب دیگری نگاشت به نام «أصداف الدّرر» آن نیز ترجمه و شرح فارسی «غرر و درر» مذکور و خود در مقدّمه مجلّد دوم نظم الغرر از آن یاد کرده است. مؤلّف فاضل «فهرست دانشگاه ۲: ۱۳۹» گوید: «أصداف الدّرر» در ترجمه غررالحکم آمُدی، به فارسی. از همان عبدالکریم پسر محمّد یحیی قزوینی. در شیراز به سال «۱۳۴۴ ق» چاپ شده است».

و نیز در فهرست مذکور «ص ۱۴۰» گوید: «حالی خوشنویس، عمادالفقراء محسن اردبیلی؛ کتاب عبدالکریم پسر محمّد یحیی قزوینی را به فارسی ترجمه و در شیراز در «۱۳۴۴ ق» چاپ کرده است».

و در صفحه ۱۶۱ همان فهرست آمده است که نسخه أصداف الدّرر در کتابخانه سپهسالار موجود، و میرزا محسن اردبیلی، خود بخشی از «غررالحکم» را ترجمه و به سال «۱۳۴۴» در شیراز چاپ کرده است.

نگارنده این فهرست پس از مراجعه به کتاب محسن اردبیلی که به نام «أنهار جاریه» و از انتشارات فرقه صوفیّه ذهبیّه شیراز است، دریافت که مطلقًا نامی از عبدالکریم ابن محمّد یحیی القزوینی و کتابهای او در کتاب مذکور نیامده و چیزی از آنها درین کتاب چاپ نشده، و آنچه از کلمات قصار و غررالحکم ترجمه شده مترجم آن از خود ذهبیّه بوده اند نه صاحب عنوان. گویا در اثر تداخل یادداشتهای نویسنده فاضل فهرست دانشگاه این اشتباه پیش آمده است، واللّه العالم.

دیگر از آثار ملّا عبدالکریم قزوینی «رساله ای در احوال ذوالقرنین» است که نگارنده «فهرست سپهسالار ۲: ۱۰۵» در پاورقی فرماید در هامش «نظم الغرر، نسخه کتابخانه مجلس شورای ملّی» نوشته شده و دارای مطالب زیاد و افسانه هایی، در حدود ۲۵۰ بیت می باشد.

۱- ۱) در «فهرست تربیت ۲: ۱۹» وصف اجمالی نسخه ای از مجلد دوم دیده می شود.

صاحب کتاب «ذریعه ۴: ۱۲۱» آنجا که أصـداف الدّرر را به عنوان «ترجمه الغرر و الدّرر» یاد فرموده، چنین اظهار کرده اند که پـدر این عبـدالکریم همانا محمّد یحیی بن محمد شـفیع قزوینی است که اثر دیگر خود «ترجمان اللّغه» را به سال ۱۱۱۴ نگاشته است.

فرزنـد دانشـمند صاحب ذریعه در کتاب «فرهنگنامه های عربی به فارسـی: ۲۳۸» گویـد: «ترجمان اللّغه، شـرح و ترجمه قاموس است به فارسـی، و مترجم آن ملاّ محمّد یحیی بن محمّد شـفیع قزوینی که آن را به دسـتور شاه سـلطان حسین صفوی در مدّت سی و یـک ماه و ده روز ترجمه کرده، در دهم [ماه] شـعبان ۱۱۱۴ ق به آن آغـاز کرده و در ۲۰ ربیع الثانی ۱۱۱۷ ق آن را به پایان رسانیده است».

سپس از چاپهای متعـدّد «ترجمان اللّغه» یاد کرده و گویند: «اثر دیگر محمّد یحیی بن محمّد شـفیع: کتاب «الجُموع و المَصادر» می باشد، که جمع های کلمات و مصدرهایی که از قلم صاحب قاموس افتاده در آن گرد آمده است...»(۱).

و در حاشیه راجع به محمّـد شـفیع قزوینی پدر محمّد یحیی گویند: «گویا این محمّد شـفیع پسر ملاّ رفیعا نائنی(۲) رفیع الدین محمّـد بن ملاّـ فتـح اللّه قزوینی متخلّص به واعـظ صاحب «ابواب الجنان» «متوفی به سال ۱۰۸۹» باشـد کهکتاب «أبواب الجنان» پدر را به پایان رسانیده است. ذریعه ج ۱ ص ۷۶ [و ۳: ۳۳۶] دیده شود»، انتهی.

از آنچه نقل شد اسـتظهاراتی که درباره نام و نسب و تألیفات دیگر ملاّ عبدالکریم قزوینی و پدرانش و اطلاعاتی که تاکنون به دست آورده ایم معلوم گردید، لکن در استظهارات مربوط به نسب او بایستی تحقیقات کاملتری نمود(۳)، و اینک کتاب دعاء:

آغاز: «بسم... درّه التّاج زیب و زیور کتاب دعاء، و واسطه العقد جواهر گرانبهای

ص : ۳۰۱

---

۱ – ۱) آن دختـر کیمیـا اثر بـا مقـدّمه و تعلیقـات، در «۱۲۸ صـفحه» به اهتمـام دانشـمند فاضـل جلیل «السـیّد صادق الحسـینی الإشـکوری» در قم چاپ و منتشر گردید، به سال «۱۴۱۸ ق ــ ۱۳۷۶ ش». جراهم اللّه خیرًا. برای آگـاهی بیشتر از احوال و آثار مولانا محمـد یحیی بن محمـد شـفیع قزوینی به مقدّمه علاّمه مرحوم جلال الدین محدّث ارموی بر کتاب شـریف «شـرح غرر و دُرر»، مرحوم آقا جمال الـدین خوانساری «ج ۱ ص لـج»، و کتاب «بقاء و زوال دولت» اثر پر ارج صـدیق بزرگوا اسـتاد نامدار آقای حاج شیخ رسول جعفریان مراجعه فرمایند.

۲– ۲) روشن است که کلمه «نائنی» سهو القلم بوده و رفیع الدین قزوینی شخصی است غیر از میرزا رفیعای طباطبائی نائینی.

۳– ۳) رجوع شود به ترجمه ملاّ عبدالکریم و پدرش محمد یحیی در «کواکب منتثره: ۴۴۵ و ۸۱۹».

استجابت دعوات بی ریاء؛ سپاس و ستایش قاضی الحاجاتی است که به ندای إجابت إنتمای «اُدعوا ربّکم تضرّعًا و خیفهً» قلوب عباد را به أنواع تضرّع و إستکانت آشنا گردانیده، و به وسیله پرتو مصباح «اُدعونی أستجبْ لکم» گم شدگان بَوادی حیرت را از ظلمت جهالت به سر منزل هدایت دلالت فرموده...

و بعد، خوشه چین خرمن دینی، و معتکف زاویه خلوت گزینی: عبدالکریم ابن محمّد یحیی القزوینی، به عرض شیعیان دینی و مؤمنان یقینی می رساند که: نیّر جهان افروز این معنی از مشرق عیان بر صفحات هفت طبقه زمین و آسمان پرتوِ شیوع و ظهور افکنده که انتشار أعلام ایمان و اسلام، و اشتهار آثار ائمّه هُدی ــ علیهم الصّلوه و السّلام ــ و ارتفاع لوای مذهب حقّ در معظم بلدان و أمصار، و اجتماع شملِ شیعه اثنی عشریّه در أکناف و أقطار، و إنمحاءِ سُنن مبتدعه أصحاب خلاف و شقاق، و إندراس رسوم محدَثه أرباب کفر و نفاق؛ به مساعی کامله إخلاص و ایقان، و دواعی جلیله اظهار و إعلان ملّت حقّانیّت اساس... در بَدوِ ظهورِ دولت این سلسله جلیله علیّه عالیه سامیه صفتیه صفویّه... به مرتبه شده که شعشعه دین مبین؛ آفاق جهان را چون دلهای اهل ایمان روشن ساخته...

پس بنابر این مقدّمات ظاهره الدّلالات؛ بر ذمّت همّت مؤمنان، دعاءِ به اِخلاص پادشان سلف... و فرمان فرمایان خلف... واجب و لازم است.

سیّما درین أوان میمنت اقتران، که فرمان فرمایی عرصه وسیع الفضای ایران جنّت نشان، به فرّ وجود یگانه دوران، پشت و پناه اهل ایمان، بهین ثمر شجره طیّبه ولایت... ابوالمظفّر، ابوالمنصور، شاه سلطان حسین حسینی موسوی صفوی، بهادرخان... مزیّن و محلّی است.

پس مقدّمات مذکوره مقتضی آن است که هر أحدی از آحاد مؤمنان... به شکر گزاری این نعمت عظیم الشان، بلسان و جَنان و أرکان، به قدر وسع و إمکان، قیام و اقدام... نمایند...

لاجرم، چون همگی دواعی اخلاص صمیمی فطری کمترین داعیان دوام دولت ابد مدّت، در باطن و ظاهر بر تحصیل دعای خیر به جهت ذات اقدس ارفع همایون... مقصور است... به خاطر فاتر رسید که بعضی از ادعیه مأثوره، که به جهت دفع أعادی دین مبین، و محافظت ثغور مسلمین، و مُداومت بر آنها اعاظم ارکان دولت قاهره متین،

و أفاخم سرداران فیروزی قرین، و سایر جنود و عساکر منصوره را ــ ان شاء اللّه تعالی ــ به کار توانـد آمد، در این رساله ثبت و ترقیم نموده، پیش کش سدّه والا و درگاه معلّی نماید... و این رساله مرتّب است بر مقدّمه و سه باب و خاتمه. أمّا مقدّمه...».

انجام: «و کسی که توکّل نماید بر او کفایت می کند کارهای او را...(۱) منتظر اجابت دعاء و فرج از بلاء و ابتلاء که مطلوب او است بوده، با حُسن اعتقاد به إجابت، زیرا کهدر خبر وارد شده که «أفضل العباده انتظار الفرج. سنه ۱۱۲۴».

فهرست: مقدّمه، در شروط استجابت دعاء، ضمن ۴ فصل. ف ۱ در زمان و مکانی که در آنها دعاء مستجاب می شود. ف ۲ در حالاتی که در آن حالات مظانّ استجابت دعاء است. ف ۳ در بیان جمعی که دعای ایشان مستجاب نمی شود. ف ۴ در آدابی که قبل از دعاء، و در أثنای دعاء رعایت بایـد نمود. باب ۱ در بیـان تأثیر بعض آیات بیّنات و دعوات صالحاتی که در أخبار و آثـار وارد شـده که مشـتمل بر اسم اعظم است. باب ۲ در دفع ضـرر أعـادی و حموم و خوفهای عظیمه و خلاصـی از مُحاصـره دشمنان و غیر آن. باب ۳ عوذه چند که در رفع جمیع شـرور و بلایای دنیویّه باید بخوانند و با خود دارند. خاتمه در بیان آدابی چنـد که داعی را بعـد از دعاء رعایت آنها مواق أخبار و آثار أئمه هـدی ــ علیهم سـلام اللّه مادام [کذا]الارءرض و السّـماء ــ مستحسن و در کار است.

نسخه دارای ۸۲ برگ، روی برگ اوّل و ظهر برگ آخر سـفید و چون برگها فرسوده بوده با کاغـذ ساده تعمیر شده، برگ ۳۰ از اصل مفقود و جای آن برگ نونویس نهاده شده، کاغذ فسـتقی، نسخه اوراق و بی جلد است، خط نسخ مرغوب ۱۰ سطری، دعاهـا و آیات با إعراب، عناوین تا نیمه های کتاب به شـنگرف، بقیّه نوشـته نشـده و جای آنها بیاض است، صـفحه اول دارای سرلوح تذهیبی و همه صـفحات دارای جدول طلائی است، قطع ۱۳ × ۱۹، متن ۸ × ۱۳ و نیم. نام کاتب ندارد و تاریخ «۱۱۲۴» که در پایان نسخه به خط کاتب دیده می شود چنان که گفتیم ممکن است تاریخ تألیف یا کتابت یا هر دو باشد. آثار مقابله و تصحیح ندارد.

«۷۲۵»

کتاب دعاء

(نیایش ــ فارسی)

از: نامعلوم.

ص : ۳۰۳

۱- ۱) به مقدار کلمه ای در نسخه بیاض است.

کتاب: مجموعه ای است از بعضی سور قرآن کریم و دعاهای مشهوره و حرزهای معتبر با ترجمه فارسی برخی از آنها.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. ظاهرًا از سده دوازدهم است.

برگ اوّل که به قرینه دارای سرلوح تزیینی بوده مفقود شده، و سایر اوراق جدول کشیده و نسخه ای ممتاز است.

«۷۲۶» کتاب دعاء

(نیایش ــ فارسی)

از: نامعلوم، به علت نقصان اول و آخر نسخه.

کتاب: دعاءهای لیل و نهار و دعاءهای مختصر و مطوّل است

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است و از آثار قرن ۱۲ می باشد.

«۷۲۷» کتاب الرجال

(رجال حدیث ــ عربی)

شیخ تقیُّالدین حسن بن علی بن داود حلّی «علیه الرحمه»، این کتاب را که به «رجال ابن داود» مشهور است در رجال حدیث نوشت، و آن را مرتّب و مبوّب گردانید و در نامهای رجال و پدرانشان رعایت ترتیب فنّ حروف هجاء را نمود و برای رعایت اختصار هر یک از مآخذ کار خود یعنی کتب رجال پیشینیان را که می خواست در همه شرح حال ها یاد کند به رمزی معیّن آورد، و نیز رمزهایی برای ابواب «کتاب الرّجال» شیخ طوسی ــ رحمه اللّه ــ و نامهای ائمّه اطهار علیهم السلام نهاد که هم کتاب او دارای امتیازی خاصّ شد و هم نویسندگان رجالی دیگر که پس از او آمدند شیوه تألیف او را گرفته و به کار بردند.

از گزارش زندگی ابن داود هیچ اطلاعی در دست نیست، جز آن که خود در حرف حاءِ از جزءِ اول کتاب رجالش عنوانی برای خود وضع و چنین نوشته است که: حسن بن علی بن داود، مصنّف این کتاب، مولدش پنجم جمادی الآخره از سال چهل و هفت(۱)

---

۱ – ۱) ابن داود چون در قرن هفتم می زیسته رقم مئات را ذکر نکرده و به وضوح خود باقی گذارده، دانشمندان بعد برای این که اشتباهی واقع نمی شود ــ چنان که بنا به قول مؤلف «اعیان الشیعه ۲۲: ۲۳۵» در یکی از نسخ کتاب واقع شده و ۷۴۷ نوشته اند ــ تاریخ تولد وی را به صورت کامل (۶۴۷) ضبط کرده اند، و سید علی ابن صابغ «علیه الرحمه» در هامش نسخه ما چنین نوشته است: [الظاهر أن یقال «وست مائه» بعد قوله «و أربعین» لأ نّه ــ رحمه اللّه ــ کان ذلک الوقت عصره] ــ و در متنِ نسخه آقای معلّم حبیب آبادی صریحًا «سنه سبع و أربعین و ستمائه» دیده می شود.

است، او را کتابهایی است...

سپس بیست و هفت کتاب به نظم و نثر از تألیفات خود برشمرده است، ۱۴ کتاب در فقه، یک کتاب در رجال، ۳ کتاب در کلام، ۳ کتاب در منطق، ۳ کتاب در عروض، ۳ کتاب در نحو. و دیگر چیزی از احوال خود در اینجا نیاورده است.

دیگر در احوال محقّق حلّی «علیه الرحمه» صاحب «شرائع» نیز گفته است که: من بر او درس خواندم، و در کودکی مرا تربیت کرد، و بر من التفات و احسانی عظیم داشت، و به من اجازه داد که هر چه تألیف کرده و خوانده یا روایت کرده بود و آنچه روایت آن از او صحیح بود من از او روایت کنم، و در ماه ربیع دوم سال ۶۷۶ درگذشت...».

ازین دو تاریخ معلوم می شود موقع فوت محقّق وی ۲۹ ساله بوده است.

و دیگر در ترجمه سید احمد بن موسی ابن طاوس حلّی «رضوان اللّه علیه» متوفای ۶۷۳ گفته است که: وی پرهیزکارترین فضلاءِ زمانش بود، و من نزد او بیشتر کتابش «بُشری المحقّقین» و هم کتاب دیگرش «الملاذ» ـ که هر دو در فقه امامیّه است ـ و هم چیزهای دیگر از آثارش خواندم، و به من اجازه داد که جمیع تصانیف و روایاتش را ازو روایت کنم.

تا آنجا که گوید: وی مرا تربیت کرد و تعلیم داد و احسان به من نمود، و بیشتر فوائد و نکت این «کتاب الرّجال» از اشارت و تحقیقات اوست...

و دیگر در ترجمه مرحوم سیّد عبدالکریم فرزند سیّد احمد بن طاوس مذکور گفته است: در ماه شعبان ۶۴۸ در کربلا متولّد شد و در کاظمین در ماه شوّال ۶۹۳ وفات یافت و آن هنگام عمرش ۴۵ سال و ۲ ماه و چند روز بود، من از کودکی تا پایان عمرش با او نزدیک بودم...

سپس شروع به أوصاف و مدائح جمیله سیّد بزرگوار کرده و به تألیفاتش ترجمه را پایان داده است.

بیش از این چیزی از احوال ابن داود در دست نیست و در عموم کتاب رجالی که عنوانی برای وی وضع کرده اند کلمه ای از گزارش زندگی او نیاورده اند، و این که مؤلّف فاضل «فهرست دانشگاه ۲: ۵۷۵» گفته اند: «گزارش زندگی ابن داود در نقد الرّجال

ترشی و اجازه شهید دوم به حسین پسر عبدالصّمد و در أمل الآمل شیخ حرّ و مستدرک الوسائل حاجی نوری و ریاس العلماء و ذریعه و ریحانه الادب، و با گسترش بیشتر در أعیان الشیعه ۲: ۳۳۵ تا ۳۵۱ آمده است»، خواستشان همین گونه مطالبی است که یـاد کردیم و هم عقائـد گوناگونی که علماء رجال پیرامون کتاب الرّجالش ذکر کرده انـد، و إلاّ نویسـنده فاضل فهرست خود بیش از همه در این باره ها سخن گفته است.

نویسـنده مـذکور علّت روشن نبودن وضع احوال و منتشـر نشدن کتاب رجال و در دست نبودن سایر آثار ابن داود را چنین می گوینـد: «و چـون ابن داود ماننـد علاّـمه حلّی به دربـار مُغـل راه نـداشت نـامش کم آوازه تر و کتـابش در گـوشه کتابخـانه ها گردآلود مانده است»!!

لکن این کلام به حقیقت مقرون نیست و هیچگونه تناسبی با مقام شامخ علاّمه حلّی ــ قدّس سرّه ــ ندارد، زیرا اگر دربار مغل از برکـات مرحوم علاّمه بلنـدآوازه نشـده باشـد علاّمه از آن دربار طرفی نبسـته انـد، و همانا شـهرت و عظمت رتبه علاّمه حلّی همچون فخرالمحقّقین و شـهید اول و ثـانی و مقـدّس اردبیلی و شـیخ انصاری و صـدها نفر نظائر این بزرگان، ــ علیهم الرحمه والرضـوان ــ که هیچگـونه بسـتگی به آن مقامهـا نداشـته انـد ــ فقـط و فقـط مرهون أعمـال و خـدمات ذی قیمت و مقرون به حقیقت آنان است به عالم دین و دانش، و هرگز نتوان پنـداشت که علت بلنـد آوازه بودن علاّمه حلّی راه داشـتن به دربار مغل است. گذشـته از اینهـا ابن داود خود با وجودی که بیش از یک سال از علاّمه حلّی بزرگتر بوده(۱) در تعریف و تمجید ایشان در رجال خود داد سخن داده و عبارتش را در «مناهج الیقین» این فهرست نقل کرده ایم، فراجع.

امّا علت عـدم اشـتهار ابن داود ــ قـدّس سرّه ــ و مؤلّفاتش هماننـد اشـتهار علاّمه حلّی و مولّفات ایشان مطلبی است در کمال وضوح و بر نویسـنده فاضل نیز مخفی و مسـتور نیست و به هیچ روی نباید انتظار داشـته باشـیم که ابن داود نیز به شهرت علاّمه حلی رسیده باشند، زیرا شخصیّت علمی علاّمه را با هیچ یک از متقدّمین و متأخّرین مقایسه نشاید کرد، و هرگز آثار او را برابر آثار دیگران نتوان گذاشت. علاوه بر این که به قول صاحب

۱- ۱) در کتاب «البابلیات ۱:۱۰۲» جایی که شـرح حال ابن داود را نوشـته اند وارونه فرموده اند که علاّمه یک سال بزرگتر از ابن داود بوده است.

«أعیان الشیعه ۲۲: ۳۳۷» ظاهر آن است که امتیاز و تبحّر ابن داود در علوم ادب و نحو و عروض بوده، و شهید ثانی هم به همین نحو در اجازه ای که برای شیخ حسین والد شیخ بهائی ــ قدّس اللّه أسرارهم ــ نگاشته او را چنین توصیف کرده است: شیخ فقیه ادیب نحوی عروضی ملک العلماء و الشعراء و الادباء تقی الدّین حسن بن علی بن داود حلّی...

وفات ابن داود: صاحب «معجم المؤلّفین ۳: ۲۵۳» در شرح حال وی تاریخ وفاتش را به سال ۷۴۰ نوشته است. امّا این تاریخ درست نیست و بالمرّه بی مأخذ است، و این اشتباه از آنجا پدید آمده که مؤلّف «أعیان الشیعه ۲۲: ۲۳۵» فرموده است: در مسوّده کتابم یافتم که ابن داود در هفتصد و چهل و کسری وفات یافته، و ظاهرًا من این را از «طلیعه(۱)» نقل کرده ام، لکن کسی را نیافتم که تاریخ وفات او را ضبط کرده باشد، و در این تاریخ هم اشکالی است، زیرا در این صورت وی قریب یکصد سال عمر کرده و از معمّرین بوده است، و اگر چنین بود اهل تاریخ می نوشتند، واللّه اعلم. پایان کلام صاحب اعیان الشیعه.

کتاب الرجال ابن داود چنانکه گفتیم(۲) از کتب معتبر و با ابتکار راوی شناسی است روی آن را پس از «خلاصه الأقوال» علاّمه حلّی تألیف کرده و گاهگاه متعرّض اشتباهاتی که در آن رخ داده می شود، امّا کتاب ابن داود نیز اشتباهات فاحش بسیار دارد که پیرامون آنها در «فهرست دانشگاه» و «ذریعه ۱۰: ۸۴ ــ ۸۵» و «سماء المقال ۱: ۹۱ ــ ۹۶» و جاهای دیگر مفصّلاً گفتگو شده است.

بگذریم، تاریخ تألیف خلاصه علاّمه ۱۳ ع ۲ ــ ۶۹۳ است و تاریخ تألیف رجال ابن داود را مؤلّف «الذریعه ۱۰: ۸۵» فرموده اند که در ماه ذی الحجّه ۷۰۷ از آن فراغت یافته و این تاریخ در نسخه مرحوم شیخ عبدالحسین طهرانی در کربلا منقول از خطّ مؤلف آن موجود است.

بنابراین وی چهارده سال و هشت ماه پس از ختم تألیف خلاصه کتاب خود را به پایان رسانیده، لکن تاریخ مذکور در نسخ دیگری که از رجال ابن داود در دست است

۱- ۱) الطلیعه فی احوال شعراء الشیعه، تألیف مرحوم شیخ محمد سماوی نجفی.

۲- ۲) خود نیز در مقدمه جزءِ اوّل پس از وضع رموز گوید: «و هذه لجّه لم یسبقنی أحد من أصحابنا ــ رضی اللّه عنهم ــ الی خوض غمرها، و قاعده انا أبو عذرها».

دیده نمی شود.

نکاتی دیگر: ۱ــ ابن داود رجال خود را بسان خلاصه علاّمه منقسم به دو جزء کرده. جزء اوّل در ذکر راویانی که مدح آنها به وی رسیده است، چنانکه در آغاز محقّق تستری را در «شرح تهذیب» با اندک تفاوتی نقل کرده و از آنجا مرحوم استاد معلّم حبیب آبادی در هامش نسخه ابن داود محشّی به حواشی محقّق تستری آورده است.

بیافزاییم: در روز سه شنبه «۲۲ محرّم ۱۴۲۲» تصویر نسخه خطّی کتاب «زبده الرجال» مرحوم ملاّ خداوِردی بن القاسم الأفشار (نسخه کتابخانه ملک تهران) به دست حقیر رسید، آنجا در ذیل عنوان أحمد بن طاوس که ترجمه او را از ابن داود آورده، پس از سخن ابن داود که گفته است: «و أکثر فوائد هذا الکتاب و نکته من اشاراته و تحقیقه، جزاه اللّه عنّی أفضل جزاءِ المحسنین»، ملاّ خداوِردی گوید:

«انتهی، لا یذهب علیک أنّ کتابه بمَعزلٍ عن التّحقیق، و علی المتدیّن أن یتأمّل و یعرفَ الحقَّ»، انتهی.

برای توضیح بیشتر باید به کتابهای «سماء المقال ۱: ۹۲» و «مَلاذ الأخیار ۱: ۳۷ به بعد» و رجال فاضل خاجویی رجوع شود.

* * *

از باب نمونه:

عالم بزرگوا مرحوم آخوند ملاّ عبداللّه شوشتری ــ آتی الذکر ــ در حواشی خود بر أوائل «تهذیب الأحکام» پیرامون توثیق حسین بن حسن بن أبان ــ از راویان حدیث ــ این چنین فرموده است:

«إنّما لا نعتمد علی ما ذکر ابنُ داود من توثیقه، لأنّ کتابه ممّا لم نجده صالحًا للاعتماد علیه، لِما ظفرنا علیه من الخلل الکثیر فی النّقل عن المتقدّمین و فی نقد الرجال والتمییز بینهم».

این سخن را مرحوم آخوند ملاّ اسماعیل فاضل خاجویی در «رساله فی حکم الغسل قبل الإستبراءِ» از مرحوم محقّق شوشتری نقل فرموده و گوید که فاضل اردبیلی در «مجمع الفائده» و فاضل مجلسی در «شرح فقیه» نیز همین مطلب را متعرّض شده اند.

مرحوم ابن داود توثیق ابن أبان را در ذیل نام محمّد بن أورمه نوشته است، و محقّق

شوشتری، باز در دو حاشیه که بر موضع یاد شده از رجال ابن داود «نسخه خطّی» مرقوم داشته است گوید:

«فیه توثیق حسین بن حسن بن أبان، و لا نعتمد علیه حتّی نجده فی کتب المعتَمدین کالشّیخ والنّجاشیّ و الکشیّ و العلاّمه.ع ا ه».

أیضًا: «قد ذکر الحسین بن الحسن بن أبان فی الممدوحین و لم یوثّقه و هُنا و ثّقه، کما تری».

صاحب «مستدرک الوسائل» در خاتمه (ج ۳، ص ۴۴۲) سخن این جزء گوید؛ و در آغاز جزءِ ثانی گوید: جزءِ اوّل مختصّ «موثّقین و مُهملین» است و جزءِ دوم مختص «مجروحین و مجهولین».

۲ـ در نسخ موجود نامی مخصوص برای کتاب ذکر نشده، بلکه هیچکس نامی برای آن نیاورده، جز این که مرحوم ملاّ نظام الدین قرشی ساوجی شاگرد شیخ بهائی ـ علیهماالرحمه ـ در مقدّمه جلد اوّل کتابش «نظام الأقوال» ـ که نسخه آن را درین فهرست یاد می کنیم ـ گوید: «و کشف المقال فی معرفه الرّجال» للشیخ تقیّ الدین الحسن ابن داود». و نیز گوید: «و أروی کتاب «کشف المقال» لابن داود بالسّند المتقدّم الی الشّیخ الشهید، عن المزیدیّ، عن الشیخ تقیّ الدّین الحسن بن علیّ بن داود»، انتهی.

لکن «کشف المقال» نام کتاب کبیر علاّمه حلّی در علم رجال است که مکرّر در «خلاص» از آن یاد کرده، اگر چه کسی از نسخه آن اطّلاعی نداده است.

۳ـ نسخه های خوب رجال ابن داود فراوان است، برای اطّلاع از آنها رجوع به «فهرست دانشگاه» و «الذّریعه» و «فهرست ادبیّات: ۲۸۴» و «فهرست رضویّه ۲: ۳۶۰» شود.

۴ـ کسانی بر این کتاب حاشیه نوشته اند، مانند مرحوم آخوند ملاّ عبداللّه شوشتری (ظ) متوفی ۱۰۲۱ و شهید ثانی ـ قدّس سرّهما ـ و غیرهما. نسخه مرحوم آقای شریعت اصفهانی دارای حواشی ملاّ عبداللّه به رمز «ع. ب» بوده چنان که در «ذریعه» فرموده، و نسخه ای از دانشمند گرامی آقای معلّم حبیب آبادی اینک در دست نویسنده است که حواشی آن دارای رمز «ع. ا. ه» می باشد و این حواشی را آقای معلّم خود استخراج و در دفتری تدوین کرده اند که بالغ بر ۲۶۰ صفحه شد. گمان می رود این حواشی عین حواشی نسخه مرحوم شریعت باشد. نسخه آقای معلّم به خطّ محمّد علیّ الحسینیّ الاصفهانی(۱)

---

۱ - ۱) این سیّد جلیل همان است که یک مجموعه از کتب رجالیّه نیز به خطّ خود استنساخ نموده و این حقیر فهرست آن مجموعه را در دفتری یادداشت کرده ام، و آن نسخه در معرض فروش بود و آقای حاج سیّد ضیاءالدین علاّمه فانی ابتیاع کردند.

است که در نجف اشرف به سال ۱۰۰۶ پایان داده. درباره حواشی شهید ثانی ذیلًا، سخن خواهیم گفت.

۵ـ از سائر تألیفات ابن داود نسخه ای عتیق از «الجوهره فی نظم التّبصره»، به گونه ای که فاضل محقّق آقای دکتر حسین علی محفوظ به نگارنده اظهار داشتند، در نزد آقای محمّد أمین خنجی تاجر مقیم طهران موجود است، پس از مدّتی نسخه ای نیز به دست این جانب رسید، همانند نسخه خوبی هم از کتاب «تحصیل المنافع» وی که در «ذریعه» و جاهای دیگر یاد شده است. هم چنین در «فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ۸: ۳۶۰ ببعد» چند اثر دیگر از ابن داود شناسانده شده است.

آغاز جزءِ اول: «بسم... الحمد للّه الّذی وفّقنی للتّخلّی عن الحرکات الدّنیویّه، و النّظر فی المهمّات الأُخرویّه، و صرف وجهی عن الوجه الّذی انقضی علیه أکثر العُمر من الإعراض عن الجواهر الحقیقیّه إلی الأعراض المجازیّه، و ذلک من أعظم المنح الرّبانیّه و الهبات الإلهیّه...»:

انجام: «... لم یسمع منه غیر هذا. تمّ الکتاب و الحمد للّه وحده و صلّی اللّه علی محمّد و آله...».

آغاز جزءِ ثانی: «بسم... امّا بعد حمد اللّه علی إفضاله... فإنّی لمّا أنیهتُ الجزءَ الاوّل من کتاب الرّجال المختصّ بالموثّقین و المهملین، وجب أن اُتبعه بالجزءِ الثانی المختصّ بالمجروحین والمجهولین...».

انجام: «أبو یعقوب المعرّی «کش» زیدیٌّ. و کان الفراغ من کتابته نهار الجمعه التّاسع والعشرین من شهر شوّال من شهور سنه سبع و سبعین و تسعمائه... و کان ذلک بخط العبد... محمّد بن محمّد بن زین الدّین بن محمّد المعروف بابن معتوق، غفر اللّه له...».

فهرست مطالب متفرّق قال النّجاشیُّ فی کلّ منهم «ثقه ثقه» مرّتین ۲ـ فصل، اجتمعت العصابه علی ثمانیه عشر رجلاً ۳ـ فصل، فی ذکر جماعه قال النّجاشی انّهم ثقات فی روایتهم مع أنّ مذاهبهم مضطربه غیر صحیحه ۴ـ فصل، فی ذکر جماعه قال النّجاشی فی

کلّ واحد منهم إمّا «لیس بذاک» أو «لا بأس به» أو... ۵_ فصل، فی ذکر جماعه ضبطت روایاتهم بالعدد ۶_ فصل فی ذکر جماعه اشتهرت کُناهم و اختفیت أسمائهم ۷_ باب الکنی ۸_ فصل، فی ذکر أسماء النّساءِ اللّواتی لهنّ روایه غیر مقفّیات.

فهرست مطالب متفرّق و فصولی که در آخر جزءِ ثانی پس از باب یاءِ أسامی آورده است: ۱_ فصل، فی ذکر جماعه من الواقفه، ذکرتهم نَسقًا ۲_ فصل، فی ذکر جماعه من الفطحیّه، نسقًا ۳_ فصل، فی ذکر جماعه من الزیدیّه، نسقًا ۴_ فصل، فی ذکر جماعه من العامّه، نسقًا، ۵_ فصل، فی ذکر جماعه من الکیسانیّه، نسقًا، ۶_ فصل، فی ذکر جماعه من النّاووسیّه، نسقًا، ۷_ فصل، فی ذکر جماعه من الغُلاه، نسقًا ۸_ فصل، فی ذکر جماعه اُطلق علیهم الضّعف ۹_ فصل، فیمن قیل انّه مخلّط أو مضطرب ۱۰_ فصل، فیمن قیل: یُعرف حدیثه تارهً و ینکر اُخری ۱۱_ فصل، فیمن طُعن علیه بفساد مذهبه ۱۲_ فصل، فیمن قیل انّه ثقه لکنّه یروی عن الضّعفاءِ ۱۳_ فصل فیمن قیل: یضع الحدیث ۱۴_ فصل، فیمن وردت فیه اللّعنه ۱۵_ فصل، فیمن قیل انّه لیس بشیءٍ ۱۶_ فصل، فی ذکر من أطلق علیه بأ نّه مجهول ۱۷_ تنبیهات ۱۸_ باب کُنی الضّعفاء.

نسخه دارای ۱۷۸ برگ، برگ اوّل و دو برگ آخر عطف و سفید است.

روی برگ ۱ تملّک، نیای معظّم، آیه اللّه العظمی آقا میرزا سید محمّد هاشم موسوی چهارسویی به تاریخ ۱۲۷۶، و روی برگ ۲ نام کتاب «الکرّاس الأوّل من کتاب أسماءِ الرجال» و نام مؤلّف به سرخی نوشته شده و هم تملّک محو شده «تراب نعال المشتغلین: محمّد بن یعقوب الغریفی (ظ)» مورّخ اوائل شوّال ۱۲۴۵ که آن را در بصره خریده بود، دیده می شود.

ظهر برگ ۱۷۶ در هامش این شرح آمده است: «بلغ مقابلهً بنسخه مقابلهٍ علی الشّهید الثّانی _ قدّست نفسه الزکیه و اُفیض علیها المراحم الرّبانیّه _ و له علیها جملهٌ من فوائد کتبناها و میّزناها بحرف زای، و ربما کان فی بعضها شیء ذکرناه، و ربما کان فی النسخه مواضع مختلّه أشرنا فی محلّها إلی ذلک، و کان خاتمه المقابله یوم الأحد الثامن و العشرین من شوّال سنه ثمان و سبعین و تسعمائه. و کتب المتعاطی لذلک علیٌّ بن حسین بن الصّایغ، تجاوز اللّه تعالی عن سیّآتهم».

سید علیّ بن الصّایغ که مصحّح این نسخه است از فقهاء و دانشمندان جبل عامل و از

شاگردان شهید ثانی و استاد صاحب «معالم» و صاحب «مدارک» ــ رضوان اللّه علیهم اجمعین ــ بوده و شرح حالش در «روضات الجنّات: ۳۹۴» و «إحیاء الداثر: ۱۵۵ ــ ۱۵۷» مذکور است. وی چنانکه در آخر نسخه به شرح فوق نوشته است آن را با نسخه ای که بر شهید ثانی ــ قدّس سرّه ــ خوانده شده و مقابله شده بود مقابله کرده و حواشی و تعلیقاتی را که از شهید ثانی در نسخه مذکوره بود دستور داد تا کاتب در هامش این نسخه آورد و رمز «ز» بالای آنها نهاد، بعدًا ابن صایغ خود نیز تعلیقاتی بر اصل کتاب یا بر حواشی شهید به خطّ خود در این نسخه نوشته است(۱).

خطّ نسخ ۱۵ سطری، عناوین و أسماء و رموز به سرخی، کاغذ دولت آبادی، جلد تیماج مشکی با ترنج و سرترنج، آستر کاغذ صورتی رنگ اصفهانی، نسخه در حدود ۱۵۰ سال قبل تعمیر و جلد شده، قطع ۱۳ × ۱۷ و نیم، متن ۸ × ۱۰ ونیم.

نسخه ای دیگر از این کتاب در شماره بعد معرّفی خواهد شد.

«۷۲۸» نسخه دیگر

پیرامون این کتاب در شماره قبل سخن گفتیم و نسخه ای از آن را شناساندیم.

جای گفتگو نسخه دیگری است که این نیز به قرائن در سده دهم نوشته شده است و با اینکه از حیث صحّت به درجه نسخه قبل نمی رسد لکن باز نسخه مرغوبی است و آثار مقابله دارد و در پایان جزءِ اول در هامش این عبارت دیده می شود: «بلغت المقابله بکتاب شیخنا». و در پایان جزءِ دوم این عبارت: «بلغ قبالاً بنسخةٍ مقروّه علی الشّهید الثانی». مع الأسف این نسخه نام کاتب و مصحّح و تاریخ کتابت و تصحیح ندارد.

آغاز: مانند نسخه قبل.

انجام: جزءِ ثانی: ««کش»: زیدیّ. صوره خط المصنّف، قدّس اللّه روحه و نوّر ضریحه: تمّت الکتاب و الحمد للّه رب العالمین، و صلی اللّه علی سیّد المرسلین محمّد النبی و آله الطاهرین و سلّم تسلیمًا کثیرًا و الحمد للّه وحده».

نسخه دارای ۱۱۴ برگ، برگهای ۱ و ۲ و آخر عطف است، روی برگ ۱ عبارتی است که می رساند نسخه در کتابخانه عمّ اعلی، عالم جلیل مرحوم آقا میر محمّد حسین موسوی چهارسویی «متوفای سلخ جمادی الآخره ۱۳۰۸» فرزند نیای گرامی، آیه اللّه

۱- ۱) وصف این نسخه در ذریعه ۱۰: ۸۵ نیز مجملاً مذکور است.

آقای حاج میر سیّد محمّد یاد شده در ذیل «تحفه عبّاسی. ش ۱۱۶» بوده است: ظهر برگ ۲ صورت نَسَبی نوشته شده، و چنین آغاز می شود: «علیّ بن محمّد بن علیّ و مسیّب بن فخرالدین بن منصور ابنی قُتلغمَلک بن علیّ بن قتلغملک بن محمّد بن جهانشاه بن شهنشاه...». و منتهی می شود به امامزاده أحمد بن موسی بن الامام محمّد الجواد علیه السلام ، که پیرامون این نسب در «جامع الأنساب» سخن خواهیم گفت. روی برگ ۳ مُهر «عبده رفیع الدین محمّد الحسینی ۹۹۶» و تملّک محمّد شفیع الحسینی در ۲۳ ع ۱ _ ۱۰۷۵، و مهر «عبده محمّد صادق ۱۱۵۶» و مهری دیگر دیده می شود.

خط نسخ ۱۹ سطری، عناوین ابواب و خطّ بالای اسماءِ رجال به سرخی، حاشیه ای سوای تصحیحات در نسخه نیست. کاغذ: دولت آبادی، جلد: تیماج قهوه ای حاشیه کرمک کوبیده، وسط ترنج اعلی، آستر کاغذ شکری رنگ، دارای سر طبل با ترنج، قطع ۱۴و نیم × ۲۴، متن ۹ × ۱۵.

خلافیّه

(فارسی)

محقّق سبزواری مولانا محمّد باقر بن محمّد مؤمن مؤلّف «جامع الزّیارات عبّاسی [شماره] این کتاب را مانند رساله های عملیّه مجتهدین برای استفاده و عمل مقلّدین نگاشت و بر یک مقدّمه و ۳ باب «طهارت، نماز، روزه» مرتب گردانید و در آن فتاوی خود را آورد و به آراءِ مختلفه مجتهدین دیگر در مسائل اشاره نمود.(۱) تاریخ تألیف این رساله معلوم نیست لکن در عهد سلطنت شاه عباس دوم تألیف شده که چنان که در «ضمار دانش. ش » گفته ایم، شاهی او از ۱۶ صفر ۱۰۵۲ تا ۲۵ ع ۱ _ ۱۰۷۷ بوده است.

«۷۲۹» کتاب الرجال یا: وجیزه فی تشخیص أحوال الرواه

(عربی)

ص : ۳۱۳

---

۱ – ۱) با تأسّف، مقدّمه نویس ناآگاه کتاب «روضه الأنوار عبّاسی. چاپ تهران. ۱۳۷۷ ش. ص ۳۶»، بی مُحابا، نوشته است: «رساله فارسی الخلافیّه نگارش دیگر سبزواری است که به خلافات أصحاب پیامبر صلّی اللّه علیه و آله پرداخته است»!

این کتـاب، بر روش «خلاـصه الأـقوال» علاّـمه حلّی «علیه الرحمه»؛ پیرامون أحوال رجـال حـدیث و راویـان در کمـال إختصـار گفتگو می کنـد. نویسـنده نامها را به ترتیب حروف تهجّی مرتّب نموده و در نام پدران و نیاکان نیز رعایت این ترتیب را کرده است. مؤلّف شناخته نشد، جز این که در سراسر کتاب از «مقامع الفضل» آقا محمّد علی کرمانشاهی «متولّد ۲۶ ذوالحجّه متوفّی ۲۷ رجـب ۱۲۱۶» فرزنـد دانشـمند محقّق بهبهـانی «رحمه اللّه علیهمـا»؛ نقـل نموده و رمز آن را «مقـا» نهـاده است. تاریـخ إتمام تألیف نیز دهه دوّم ماه رجب ۱۲۸۱ می باشد.

آغاز: «بسم... الحمـد للّه خالق الکائنات، رافع درجات الرّواه بمقدار علوّ الدّرجات، حمدًا یملأ الأرض و السـموات. و الصـلوه و السـلام علی محمّـد أشـرف البریّات و علی آله سـیّما ابن عمّه، افضل التّحیّات. و بعـد فهـذه وجیزه فی تشـخیص أحوال الرّواه و تمییز الضـعاف و غیرهـم من الثقاه؛ أکتب فیه ما رجّح فی النّظر، و أمیّز سـقیمهم من المعتبر، و أبیّن منازلهم، (ان شاء اللّه)، بقدر. أسئل اللّه العصمه من الزّلل، و التّوفیق للاتمام بدفع الموانع و رفع العلل. باب الالف ــ آدم بن اسحق بن آدم...».

انجـام: میمونه زوجه النّبی صـلی الله علیه و آله فیهـا أ نّهـا أفضـل أزواجه بعـد أمّ سـلمه، و فی أمّ سـلمه أنهـا أفضـل أزواجه بعد خدیجه. هذا آخر ما أردنا ایراده، والحمد للّه وحده. تمّ فی یوم الأحد من العشـر الثّانی من شهر رجب المرجّب من السّنه الأولی من العشر التّاسع من المائه الثّالثه من الألف الثانی».

نسخه: دارای ۷۹ برگ و یـک برگ عطف در آخر، کاغـذ فرنگی آهـار مهره، خـط نسـخ ۱۴ سـطری، عنـاوین بابها و نامها به سرخی، قطع: ۱۱ × ۱۸ و نیم، جلد: تیماج سرخ همدانی، داخل: کاغذ أبری اصفهانی. مقابله و تصحیح شده.

«۷۳۰» کتاب فی رسم کلمات القرآن

(تجوید ــ عربی)

از: عمادالدین علی شریف قاری استرآبادی (مقدمه).

کتاب: مشتمل است بر دو قسم: ۱ــ در اصول رسم کلمات قرآن کریم. ۲ــ در فرش و مسائل آن.

پایان قسم اوّل عینًا چنین است: «و کتب مؤلّفه عمادالدین علی الشریف القاریء بیده الفانیه، سلّمه اللّه! فی سلخ شـهر جمادی الثانی من سنه ۹۸۲ فی دار السلطنه جعفرآباد

ص : ۳۱۴

القزوين...».

قسم ثانی خاتمه ای ندارد و انجام آن چنین است:

«سوره النّاس و هی مـدنیّه، ستّ آیات مَدنیّ عراقیّ و سـبع مکّیّ شامیّ، خلافها آیه، کلمُها عشـرون، و حروفها تسـعه و سـبعون، فواصلها س ملک. تمّت الکتاب بعون الملک الوهّاب».

دو برگ عطف و دو برگ بـدرقه از نسـخه بریـده و برداشـته شـده، و روی یک برگ عطف آغاز نسـخه جدولی است به خطّ کاتب در بیان اسماءِ قرّاءِ عشره و غیر ذلک.

سه جای نسخه مهری دارد که سجع آن چنین است: «المتوکّل علی اللّه الغنیّ محمّد بن شمس الدین محمّد الاصفهانی».

×××کتاب الزروع: برزنامه. ش ۹۱

«۷۳۱» کتاب الزیارات

(زیارات ــ عربی)

از: نامعلوم.

کتـاب: در آداب زیـارت پیغمبر اکرم و ائمّه اطهار «سـلام اللّه علیهم» و شـهداء و اولاد أئمّه و سـلمان و قبور مؤمنین و نمازهای مستحبّی آداب مسجد کوفه و غیره، مرتّب بر ابواب و فصول.

آغـاز: «بـاب فی الأمر بزیاره النبیّ صـلی الله علیه و آله من البُعـد و کیفیّتها. روی عنه صـلوات اللّه علیه و آله أ نّه قال: من زارنی بعد موتی».

انجام: «الفصل الثالث: فی زیاره المختار «رحمه اللّه» إذا وقفت علی ضـریحه فقل: السّـلام علیک... و عن اهل بیته علیهم السلم و رحمه اللّه و برکاته».

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ ختم کتابت: دوم شوّال ۱۰۶۳.

آثار مقابله در حواشی نسخه هست، و زیارت جامعه کبیره و دعاء سمات به آخر نسخه ملحق شده.

تملّک محمّـد ابن شـیخ شبیر در برگ آخر و مهر مرحوم حـاج سـیّد اسـداللّه بیـدآبادی «عبـده الرّاجی اسـداللّه بن محمّـد باقر الموسوی» روی برگ اوّل دیده می شود.

«۷۳۲» کتاب زیارات

(زیارات ــ فارسی)

از: نامعلوم. کاتب در آغاز نسخه نوشته است که: «جمع و ترتیب این صحیفه به أمر

جناب مستطاب شریعتمآب... آقای آمیرزا محمّد حسین... ابن الجناب المستطاب عمده العلماء المحقّقین... آقای حاجی میرزا معصوم رع مقامه» انجام شده است.

پس از این دیباچه دو صفحه ای گویا یک برگ بریده شده و شاید مشتمل بر خطبه و نام مؤلّف و نام کتاب بوده است. پس از آن زیارات حضرات چهارده معصوم علیهم الصلوه والسلام ذکر شده است.

نسخه: به خطّ نسخ خوب و مشکول است. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد و از آثار اواسط یا اواخر قرن سیزدهم است.

×××کتاب الفضائل: الفضائل

«۷۳۳» کتاب الفقه

(فقه ــ عربی)

از: مرحوم آیه اللّه حاج سیّد اسداللّه بن الحاج سیّد محمّد باقر حجّه الاسلام موسوی شفتی بیدآبادی(۱).

کتاب: موجزی است در طهارت و صلوه و زکوه و خمس و صیام. کتاب خمس را در قریه هراتمه در شب ۲۴ ذیحجه ۱۲۶۷، و کتاب صوم را در ظهر سه شنبه دهم ماه رمضان ۱۲۷۳ تمام کرده است.

نسخه: مستوده اصل خطّ شکسته مصنّف، تملّک مرحوم حاج سیّد محمد باقر فرزند گرامی مؤلّف علیهماالرحمه با تاریخ «ذیقعده ۱۳۲۲» در ظهر نسخه دیده می شود.

«۷۳۴» نسخه دیگر

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد(۲)، و از روی مبیّضه خطّ مؤلّف و در زمان خود او استنساخ شده، شامل تمام نسخه سابقه است و در پایان چند مسئله از مسائل صوم افزوده شده، نسخه انتقالی از کتابخانه مرحوم حاج میرزا قوام الدین رشتی.

«۷۳۵» کتاب فی الفقه

(فقه ــ عربی)

از: نامعلوم. اجمالاً از اوائل کتاب مستفاد می شود که مؤلّف شاگرد مرحوم آقا محمّد

---

۱ – ۱) شرح حال مختصری از مؤلّف در جلد اوّل این فهرست، «حاشیه ص ۴۰» گذشت، و در «ذریعه ۲۲: ۳۲۰» کتابی به نام «مناقب الأئمّه علیهم السلام » بر آن مرحوم نسبت داده و فرموده است که نسخه آن نزدیک به دوازده هزار بیت کتابت دارد و به سال ۱۲۹۰ از روی خطّ مؤلّف استنساخ شده و در قم نزد شیخ رجبعلی نیشابوری موجود بوده است.

۲- ۲) بظنّ قویّ خطّ کاتب نسخه «أحکام الخمر. ش ۱۲» همین مؤلّف است.

باقر بن محمّد اکمل محقّق بهبهانی «متوفی ۱۲۰۵» بوده است و شاید از دقّت در عبارات آن شناخته شود.

نسخه: بخشی از کتاب طهارت است و به این عبارت آغاز می شود: «الرکن الثانی من الأرکان الأربعه الطهاره: فی الطهاره الخارجیّه الظاهریّه الشرعیّه».

خاتمه نسخه چنین است: «الرکن الرابع فی بیان محلّهما... مضافًا الی تعبیره بلفظ ثمّ. و بالجمله لاخلاف فیه بینهم».

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از آثار اواخر قرن سیزدهم و در زمان حیات مؤلّف نوشته شده است.

«۷۳۶» کتاب فقه

(فقه ـ فارسی)

از: نامعلوم. «الذریعه ج ۱۶، ص ۲۹۴، ش ۱۲۹۱»

کتاب: کتاب فقهی است متوسّط به فارسی و دین مشتمل بر نوزده کتاب.

نسخه: یکی دو برگ از اوّل و مقداری از آخر ناقص است و لذا نام کتاب و مؤلّف معلوم نشد. شاید از تألیفات صاحب «الکامل البهائی. ش ۷۱۱» باشد، واللّه العالم.

در آغاز کتاب، فهرست کتب و ابواب و فصول آن بوده که مقداری از آغاز فهرست مفقود شده و به این عبارت شروع می شود:

«باب ششم در اسب تاختن و تیر انداختن».

پس از بیان فهرست، اصل کتاب به این عبارت آغاز می شود: «حمد نامحدود معبودی را که کاینات را به خورشید آسمان رسالت... امّا بعد این تألیفی است در فقه مذهب ائمّه معصومین صلوات اللّه و سلامه علیهم اجمعین، مشتمل بر ۱۹ کتاب به تفصیلی که بیاید «کتاب اوّل در طهارت و مقدمات صلوه».

آخر کتاب تا باب چهارم از کتاب تجارت است، انجام موجود: «باب چهارم در خیار و آن هفت قسم است... در عقد و بیع را لازم نگردانیده اند».

«۷۳۷» کتاب فی القراآت

(قراآت ـ عربی)

از: نامعلوم. او دارای کتاب دیگری است به نام «أنوار المشارق» به فارسی در تجوید قراآت که مکرّر از آن در این کتاب یاد می کند.

کتاب: در ضبط کلمات قرآن کریم است به ترتیب سوره ها با مقدّمه ای در اسامی قرّاء

ص : ۳۱۷

و فوائد دیگر.

نسخه: یک برگ از اوّل یک برگ از آخر ناقص است و لذا نام کتاب و مؤلّف و کاتب معلوم نشد و ظاهرًا متعلّق به سده یازدهم است.

«۷۳۸» کتاب فی قرآآت

(قرآآت ــ عربی)

از: از عالمی از اهل سنّت و نامعلوم.

کتاب: در ضبط کلمات قرآن کریم است به ترتیب سوره ها به اسلوبی خاصّ و با رموز و علامات.

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است و لذا اسم کتاب و مؤلّف و کاتب معلوم نشد. ظاهرًا از آثار سده ۹ ــ ۱۰ باشد.

«۷۳۹» کتاب مبین

(تفسیر ــ فارسی)

از: محمّد بن مرتضی، معروف به میرزا نورالدین أخباری کاشانی(۱)

کتاب: تفسیر مختصر و خوبی است از قرآن کریم بر وفق اخبار أئمّه اطهار علیهم السلام ، مأخوذ از تفسیر «صافی» مولانا محسن فیض استاد و عمّ پدر مؤلّف. فراغت از تألیف اواخر ماه شعبان ۱۱۲۰(۲).

نسخه: اصل خط مؤلّف است، و فاقد برگ اوّل. نویسنده این فهرست برگ مفقود را از روی نسخه بسیار مغلوط کتابخانه آستان قدس رضوی استنساخ و ضمیمه کرده است.

«۷۴۰» کتابُ مَن لا یحضره الفقیه

(حدیث ــ عربی)

از: شیخ صدوق أبو جعفر محمّد بن علیّ بن الحسین بن موسی بن بابویه القمّی، نزیلی بغداد در «۳۵۵»، متوفّی به سال ۳۸۱ در ری، مدفون در جِوار حضرت امامزاده عبدالعظیم الحسینی. اعلی اللّه مقامهما.

مرحوم آخوند ملاّ صدرا «متوفی ۱۰۵۰» در آخر کتاب «مفاتیح الغیب: ۶۷۸» در

۱– ۱) نسب وی در «الذریعه» چنین آمده است: محمد بن شاه مرتضی بن محمد مؤمن بن مرتضی الکاشانی. و نیز در «ذریعه» نام کتاب «الکتاب المبین» ضبط شده، لکن در نسخه اصل ما «کتاب مبین» است. توضیحًا معرفی خوبی از دانشمندان خاندان فیض در الذریعه ذیل عنوان «مفاتیح الشرایع» دیده می شود.

۲– ۲) در «ذریعه» تاریخ تألیف ۱۰۷۴ قید شده که خطاء است.

حقّ ایشان گفته است: «أعظم المحدّثین روایةً و ضبطًا و أوثقهم درایةً و حفظاً الشیخ الصّدوق الفقیه...».

مرحوم محقّق قمی صاحب «القوانین» متوفی ۱۲۳۱ در اجازه به مرحوم حجّه الاسلام شفتی الحاجّ سیّد محمّد باقر «متوفی ۱۲۶۰»، سخن غریبی دارند: «و منها: الصّدوق عن الامام الأقدم... الشیخ محمّد بن یعقوب الکلینیّ...»: تصویر اجازه به خطّ مجیز: ص ۸. چاپ ضمیمه «فهرست کتب خطی کتابخانه های اصفهان. اصفهان، ۱۳۴۱ ش»! شیخ کلینی به سال ۳۲۹ در بغداد وفات یافته است. رضوان اللّه علیهم اجمعین.

کتاب: مجموعه ای است از احادیث آل محمّد، صلوات اللّه علیهم، در جمیع ابواب فقهیّه و آداب شرعیّه در چهار جزء به انضمام مشیخه مصنّف، و مکرّر چاپ شده است.

نسخه: شامل همه کتاب است، و نام کاتب ندارد، و ظاهرًا به خطّ دو کاتب است. تاریخ کتابت جزءِ اوّل: ربیع یکم ۱۰۴۹. تاریخ جزء آخر: پنجشنبه دهه دوم ذی الحجّه ۱۰۷۲. سپس مشیخه کتاب است، و پس از آن، ترتیب ابجدی مشیخه از دانشمندی که نامش در نسخه نیست. سپس، تراجم جمعی از متأخّرین به نقل از خطّ شیخ حسن صاحب «معالم الدین»، علیه الرحمه. مانا که از نسخه مرحوم شیخ حسن مذکور در «روضات الجنّات: ۱۸۰ ط ۲ سنگی» استنساخ شده باشد.

در پایان، تاریخ فراغ: قبل از ظهر پنجشنبه ۲۹ ماه رمضان «بدون ذکر سال» در «مدرسه بلده طیّبه ساری» قید شده است.

تملّک مورّخه جمعه ۱۷ ماه شعبان ۱۲۵ «۱۲۵۰؟» با مُهر «عبده الراجی علینقی» ظهر نسخه هست.

«۷۴۱» نسخه دیگر

نسخه: جز بخشی از جزءِ سوم و چهارم بقیّه بسیار مصحّح و مضبوط و دارای کمی حواشی مفید است. فهرست مندرج در آغاز کتاب که دو برگ آخر آن موجود و بقیه مفقود شده است و بیست برگ آغاز نسخه و از برگ ۳۶۰ تا آخر، همه به خطّ شکسته نستعلیق مالک نسخه محمّد اشرف بن زین العابدین اشرف حسینی استرآبادی است. بقیه به خطّ نسخ نوشته شده و کاتب در هیچ جا نام خود را ننوشته و احتمال می رود تمامًا خط همان شخص باشد، واللّه العالم.

همین شخص در حاشیه صفحه آخر جزءِ اوّل نوشته است «استکتبتُ هذا الجزء من هذا الکتاب فی مشهد ثامن الأئمه...»، و باز در آخر جزء دوم در حاشیه نوشته است: «استکتبت هذا الجزء ایضًا فی مشهد ابی الحسن علیّ الرضا... أو ان شرّفی بخدمتی سیّدی و سندی و شیخی و مقتدائی جامع المعقول و المنقول علاّمه العلماء فی الفروع و الاصول حلال المشکلات و کشاف المعضلات الأمیر صفیّ الاسلام و المسلمین محمّد، أدام ظلال افاداته علی رئوس المستفیدین...».

در پایان جزء سوم شرحی نوشته نشده است. پس از برگ ۳۸۳ تا آخر نسخه مفقود شده است.

انجام موجود: «باب میراث ولد الولد. روی الحسن بن محبوب عن سعد بن ابی خلف عن».

تملّک شخص مذکور روی برگ اوّل بدون تاریخ نوشته شده، و ایضًا: تملّک حسین بن شیخ عبداللّه، به تاریخ ربیع الثانی ۱۰۴۵. ایضًا: تملّک محمّد بن جلال الدین و مهر او «اقل الخلایق قاضی محمّد ۱۰۰۱». ایضًا: تملّک دیگر به تاریخ ۱۱۰۸ و مهر علیقلی.

«۷۴۲» نسخه دیگر

نسخه: امتیازی ندارد.

کاتب: علی اصغر ولد بابا مرتضی اصفهانی. تاریخ ختم استنساخ: روز شنبه ۲۳ جمادی الآخره ۱۰۹۴، و در پایان، تعداد ابیات کتاب «۳۰۰۰ بیت» تعیین شده است.

«۷۴۳» نسخه دیگر

نسخه: دو جزءِ اوّل کتاب است. نام کاتب در پایان نسخه «ابوالحسن» قید شده و تاریخ کتابت ندارد. به قرائن در اواخر قرن یازدهم یا اوائل دوازدهم نوشته شده و آثار مقابله و تصحیح و همچنین حواشی بسیار از کتب و شروح مختلف در حواشی دیده می شود.

«۷۴۴» نسخه دیگر

نسخه: از اوّل و آخر ناقص و مشتمل است بر قسمتی از کتاب صوم تا کتاب دیات. نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد، لکن در قرن ۱۲ ـ ۱۳ نوشته شده و دارای حواشی مختلفی است.

آغاز: «و أنا صائم، فقال له النبيُّ صلّى اللّه عليه و آله: أعتق رقبه».

انجام: «فما أصيب منه فعلى حساب ذلک و ان قطعت روثه الأنف».

«۷۴۵» نسخه دیگر

نسخه: مشتمل بر جزءِ اوّل و دوّم کتاب است. کاتب جزءِ اوّل در هامش صفحه آخر آن جزء نوشته است: «در مشهد مقدّس در مدرسه مهر جمال مشهورًا مرقوم قلم شکسته رقم گردید، به تاریخ روز پنجشنبه ششم شهر شوّال قریب به پیشین سنه ۱۰۶۷. ابن محمد حسین: محمّد رضا سرایانی».

جزء دوم، به دو خطّ نوشته شده، و تاریخ پایان استنساخ آن: روز شنبه ذی الحجّه ۱۰۷۴، و نام کاتبان جزء دوم معلوم نیست.

نسخه تمامًا یا بعضًا مقابله و تصحیح شده و اندک حواشی متفرقه دارد.

«۷۴۶» نسخه دیگر

نسخه: فاقد جزءِ اول و مقدار زیادی از جزءِ ثانی است، و آغاز موجود چنین است: «و شرفک و کرمک و جعلک مثابه للناس و أمنًا مبارکًا و هدیً للعالمین».

کاتب تمام نسخه: حاجی محمّد قاسم کاتب و معلّم شیرازی فرزند مرحوم خواجه درویش محمد.

تاریخ ختم کتابت جزءِ دوم: سه شنبه ۲۵ ذی الحجه ۱۰۵۷، و جزءِ سوم: دوشنبه ۱۷ ربیع دوم ۱۰۵۸، و جزء چهارم: یکشنبه ۲۰ جمادای دوم، و اسانید: چهارشنبه غره ماه رجب همان سال ۱۰۵۸ می باشد.

تمام صفحات دارای جدول مذهّب است. اثر تصحیح و تحشیه و امتیازی ندارد.

«۷۴۷» نسخه دیگر

نسخه: نیمه دوم کتاب است از ابواب قضایا و احکام تا آخر کتاب و أسانید آن و فهرست اسانید به ترتیب حروف.

نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و به خطّ یکی از کاتبان اوائل قرن ۱۲ نوشته شده. حواشی بسیار از «سلطان، طاب ثراه»، «م ق ر، مدّ ظله العالی» و لا ـ م ت ق، ر ه» و «شیخ حسن، ره» و «مراد» و «م ح ط» و «مسالک» و «ب ه، رحمه اللّه» و «دروس» و از کتب فقه

و لغت و غیرها، به خط کاتب متن و غیره دارد.

«۷۴۸» نسخه دیگر

نسخه: نیمه دوم کتاب و از ابواب قضایا و أحکام است تا اواخر «باب نوادر الوصایا»، که بقیّه مفقود شده است.

کـاتب، نـام خود را در آخر جزءِ ثـالث که به باب معرفه الکبائر خاتمه یافته: علیّ بن محمّـد عیسـی بن سـیّد صدرالـدین محمّد حسینی شوشتری، و تاریخ ختم کتابت را همانجا: ۲۶ صفر ۱۰۵۰ قید کرده است.

انجام موجود: «قال: قلت: أیحلّ له أن یأخذها ممّا فی یده شیئًا».

نسـخه تمامًا مقابله و تصـحیح شده و صحیح و سقیم احادیث در حاشیه به رموز معهوده تعیین گردیده است و شخص عالمی از معاصرین علّامه مجلسی «متوفی ۱۱۱۰» حواشی گرانبهائی از کتب متفرقه در تمام نسخه نوشته است.

«۷۴۹» نسخه دیگر

نسـخه: نیمه دوم کتاب است از «أبواب القضایا و الأحکام» تا آخر کتاب، و نام کاتب و احتمالاً تاریخ کتابت که در آخر نسخه بوده محو کرده اند، و سپس «أسانید کتاب من لایحضره الفقیه» به خطّ همان کاتب نوشته شده.

در برخی از مواضع نسخه حواشی گوناگونی دیده می شود.

«۷۵۰» نسخه دیگر

نسخه: نیمه دوم کتاب است، از أبواب القضایا و الأحکام تا آخر.

کاتب: عمید بن ملّا ابراهیم کریمجانی «من أعمال کسکر» در شهر رشت. تاریخ ختم کتابت: «یوم الثلثا» دهه سوم شوّال ۱۰۹۴.

حواشی متفرّقه بسیار بر نسخه نوشته شده است.

«۷۵۱» نسخه دیگر

نسخه: نیمه دوم کتاب است از «ابواب القضایا و الاحکام» تا آخر.

کاتب: خط مقصود علیّ بن کرم الشوشتری مشـهور به درویش محمّد شوشتری مولدًا، فی یوم الثّلثاءِ سادس ج اوّل ۱۰۵۹: «نقل از آخر نسخه».

ص : ۳۲۲

«۷۵۲» الكشّاف عن حقائق التنزيل و أسرار التأويل

(تفسیر قرآنی ــ عربی)

از: ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمّد خوارزمی معتزلی، معروف به جاراللّه زمخشری، استاد فنّ بلاغت، متوفی ۵۳۸ در جرجانیه خوارزم.

نسخه: از اواسط تفسیر آیه شریفه «إنّما التّوبه علی اللّه للّذین: سوره ۴، آیه ۱۷» است تا آیه شریفه «عفی اللّه عنک لم أذنت لهم: سوره ۹، آیه ۴۳».

آغاز موجود: «فانّ التّوبه تمنع استحقاق المذمّه والعقاب.

انجام موجود: «الّا خبالاً لیس من الاستثناءِ المنقطع فی شی ء کما یقولون لأنّ الاستثناء».

خلاصه، نسخه از اوّل و وسط و آخر افتادگی دارد، و قبل از ورق اخیر نیز یک برگ افتاده و نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد.

به قرائن از آثار قرن ۷ ــ ۸ است و حواشی بسیار بر نسخه به خط کاتب (ظاهرًا) و مختوم به رمز «ه ط» و «س» و نیز بدون رمز نوشته شده، و روی برگ اول این لغت به خط کاتب در حاشیه چنین ترجمه شده است: «التّسویف: کار واپس افکنده» که می رساند کاتب فارسی زبان بوده است.

علی أیّ حال، نسخه بسیار معتبر و مفیدی است و آثار وقف نیز دارد.

«۷۵۳» کشف الایات

(فهارس ــ عربی)

از: میرزا محمّد رضا بن عبدالحسین نصیری طوسی، صاحب «تفسیر الأئمّه. ش ۱۵۸».

کتاب: فهرست بسیار ممتاز کلمات «قرآن کریم» است، به روش علمی و آسان.

تاریخ تألیف را، خود در مقدّمه کتابش «کشف آیات کلام قدس» به نظم آورده که مقصود سال ۱۰۶۷ است:

نام این نسخه و سال تاریخ کشف آیات کلام قدس است

کتاب را در «الذریعه ۱۸: ۳ ــ ۵» با نسخه های متعدّد و مهمّ آن معرّفی کرده و چند سطر از آغاز آن را نقل فرموده اند، لکن چون چند غلط چاپی در آن هست، درست آن را از روی نسخه خطّی می آوریم:

«بسم... کشفُ نقابِ عذار عَذراءِ المَقال بِاسم اللّه الکبیر المتعال و حلیُها فی حجله الکمال بحلیه حمداللّه ذی العزّ والجلال».

مؤلّف، سبب نگارش این اثر گران قدر را در هامش برگ دوم نسخه به فارسی و به تفصیل نوشته است:

«چون پیدا کردن آیات قرآنی که بعضی از آن در خاطر باشد ـ دشوار بود، کمترین خلایق، محمّد رضا بن عبدالحسینِ منشئ الممالک، این کتاب را که مسمّی است به کشف الایات ترتیب داد، و چون کلمات اسمی و فعلی قرآنی سِوای کلمه جلاله در آن جمع شده جهت استدلال و اقتباس نیز بسیار به کار آید. و طریق پیدا کردن آیات از این کتاب آن است که نظر کنند به اصل کلمه مقصوده که مأخذ اشتقاق است...».

تا آخر توضیح مفصّل درباره طریق استفاده از کتاب. جزاه اللّه تعالی خیرًا.

ناگفته نماند که «کشف الایات» مورد بحث را نیز منتخبی است که در «ذریعه ۲۲. ش ۷۷۱۰» معرّفی فرموده اند.

نسخه: به خطّ «مانده علیّ بن حیدر علیّ الواداری جبی الاصفهانی».

تاریخ پایان کتابت: ۲۵ محرّم ۱۱۲۶. آثار مقابله و تصحیح ندارد.

«۷۵۴» کشف الأسرار فی شرح الإستبصار

(حدیث ـ عربی)

از: سید نعمه اللّه موسوی حسینی جزائری، صاحب «غایه المرام. ش ۶۲۴».

کتاب: شرح «استبصار» شیخ طوسی است به «قوله»، در سه جزء: اول: دارای یک مقدّمه در مباحث درایه الحدیث و شرح طهارت و صلوه، و دوم: شامل زکات و خمس و صیام و حج.

تاریخ ختم تألیف طهارت: ربیع یکم ۱۰۸۷ در دارالمؤمنین شوشتر، صلوه: دوشنبه هفتم ربیع یکم ۱۰۸۸ در شوشتر، و خمس: دوشنبه... جمادای دوم همان سال در جوار جامع شوشتر، و حج: عصر روز شنبه بیستم ذی القعده همان سال در همان شهر.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد و از روی نسخه مصحّحه مؤلّف استنساخ شده، لکن اثر مقابله و تصحیح ندارد. از کتابخانه نیای گرامی، مرحوم آیه اللّه حاج میر سیّد محمّد موسوی، اعلی اللّه مقامه.

«۷۵۵» کشف الإلتباس عن «موجز» أبی العبّاس

(فقه ــ عربی)

از: مفلح بن حَسَن الصَمیری، صاحب «غایه المرام. ش ۶۲۷».

کتاب: در شرح «الموجز الحاوی لتحریر الفتاوی» ابوالعبّاس احمد بن فهد الحلّی است و به «قوله، أقول» شرح کرده، از اوّل باب طهارت تا زکوه که تمام اصل است.

تاریخ فراغت شارح از قبییض کتاب: ۲۸ شهر رمضان ۸۷۸، در بحرین.

نسخه: به خطّ «محمّد جعفر الموسویّ خلف مرحمت پناه حاج سیّد حسین»، در شهور سنه **۱۲۳۲** فراغت از استنساخ یافته است.

این نسخه در کتابخانه مرحوم سیّد محمد باقر بن محمد نقی حجّه الاسلام شفتی بوده، مهر و چند حاشیه و فائده به خطّ آن جناب دارد، و همچنین مهر «عبدالوهّاب بن محمّد الموسویّ».

«۷۵۶» کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغرّاء

(فقه ــ عربی)

از: کاشف الغطاء حاج شیخ جعفر بن خضر جناجی نجفی، قدّس سرّه.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. به قرائن خطّ یکی از کاتبان قریب به زمان مؤلّف است. روی برگ اول نوشته اند: «۲۸ جزو ــ عدد ابیات: ۲۶۰۹۶»، و مهر: «محمّد مهدی بن محمّد باقر الموسویّ».

انجام نسخه: «خصوصًا ما کان من المزارع و العقارات بأقسامها من السؤال کما هو ظاهر الحال، واللّه الموفّق الصواب».

فقیه علاّمه ذوفنون حاج ملاّ احمد نراقی «۱۱۸۵ ــ ۱۲۴۵» ــ علیه الرحمه ــ در رساله ای که پیرامون اعتراض به چند عبارت در «کشف الغطاء» و پاسخ به آنها نوشته، کتاب و مصنّف بزرگوارش را این گونه ستوده است:

«و از جمله مؤلّفاتی که متضمّن جُلّ احکام شرع اقدس و حاوی اکثر مسائل دین مقدّس است کتاب «کشف الغطاء» است که در این زمان سعادت اقتران از نتایج افکار و رشحات اقلام وحی آثار شیخ المشایخ العظام و زبده الفقهاءِ الکرام مروّج احکام الشریعه النبویّه و مبیّن الطریقه الحقّه المرتضویّه حاوی المناقب و الفضائل و کاشف

معضـلات المسائل العالم الفاضل الكامل وحيد العصر و فريد الدهر شيخنا الأجلّ الأعظم و خدومنا الأكمل المعظّم الشيخ محمد جعفر ــ أدام اللّه أيّام افاداته و متّع اللّه المسـلمين بطول حياته ــ به منصّه ظهور آمـده، كه الحقّ كتابى است بى شبيه و عـديل و جامع اكثر مسائل فروع و اصول حاوى مهمّات احكام شـريعت حضـرت رسول متضـمّن فروعى كه ــ ابـدًا ــ افكار در اعصار و امصـار به آنهـا نرسـيده و مشـتمل بر وقـايعى كه دقـائق انظـار بر پيرامون آنها نگرديـده، لؤلؤى است شاهوار لايق تاج سـلاطين كامكار، درّى است گرانمايه سـزاوار خزائن ملوك ذوى الاقتـدار. قابل اللّه مؤلّفَه بمثوباته الجزيله و شـكر اللّه مساعيَه الجميله»: «رسائل و مسائل حاج ملاّ احمد نراقى ۲: ۱۴۹ ــ ۱۵۰، قم ۱۳۸۰».

«۷۵۷» كشف اللّثام عن قواعد الأحكام

(فقه ــ عربى)

از: مولانا محمّد بن حسن اصفهانى، معروف به فاضل هندى.

كتاب: شرح مزجى كتاب «قواعد الأحكام» علاّمه حلّى «ره» است.

نسخه: از اوّل كتاب نكاح است تا آخر كتاب الأيمان و توابعها.

نام كاتب و تاريخ كتابت ندارد، و بعيد است كه خطّ مؤلّف باشد.

تاريخ ختم تأليف نكاح: «عِشـرى» ۲۰ ربيع الثانى ۱۰۹۶، و كتـاب فراق «طلاق»: شب ۱۱ ذى قعده ۱۰۹۶. در اين موضع كاتب بدون ذكر نام و نشان و تاريخ جمله اى در طلب مغفرت از ناظرين و دوبار مهر كرده است كه هيچ خوانده نمى شود.

تاريخ ختم تأليف كتاب أعيان: ۱۸ ماه رجب ۱۰۹۷.

نسخه مقابله و تصحيح شده است.

«۷۵۸» نسخه ديگر

نسخه: شامل كتاب الصيّد والذبائح و كتاب الفرائض است.

نام كاتب ندارد، و در پايان گواهى مقابله دارد. در آخر كتاب ذبائح تاريخ ۱۱۲۷ و در آخر فرائض تاريخ تأليف ۱۰۹۸ دارد.

«۷۵۹» نسخه ديگر

نسـخه: شامل كتاب الجنايات است كه آخرين كتاب از «قواعـدالاحكام» باشـد با خاتمه اى در وصـيّت مؤلّف به فرزنـد گرامى خود، وصيّت شارح به مجتهدان و دانشمندان

و دیگران.

تاریخ ختم تألیف را شارح در آخر کتاب با اندک تعمیه ای به نظم آورده و ظاهرًا به گمان حقیر _ مقصود شب یکشنبه یازدهم ماه رمضان سال یکهزار و یکصد (۱۱۰۰) است.

کاتب: محمّد مهدی بن حاجی محمّد کاظم. تاریخ ختم استنساخ: دهم ربیع دوم ۱۱۲۶.

شایان توجّه است که کاتب دو شکل صفحه شمار و ورق شمار در گوشه صفحات نسخه نوشته است. یکی، تعداد اوراق را با مرکب سیاه ۱۶۴ ورق و دیگر، شماره صفحات را درست در بالای همان اعداد ۳۲۸ صفحه به سرخی نوشته است.

نسخه امتیازی ندارد.

«۷۶۰» کشف المحجّه لثمره المهجه

(مواعظ _ عربی)

از: سیّد رضیّ الدین ابوالقاسم علیّ بن موسی بن جعفر بن محمّد بن محمّد الطاوس، علوی فاطمی داودی سلیمانی: «مقدمه کتاب»، معروف به سیّد ابن طاوس، اعلی اللّه مقامه.

نسخه: نام کاتب ندارد. تاریخ ختم استنساخ: سنه ۱۰۷۸. اثر تصحیح و مقابله و تحشیه ندارد، لکن نسخه مرغوبی است.

روی برگ اوّل این شرح نوشته شده: «من جمله الرسایل الّتی شرّفنی اللّه تعالی بمطالعته هذه الرساله الشریفه. نمّقه العبر الأقلّ محمّد رفیع الیزدی». و ظاهرًا این شخص خود کاتب نسخه است به گواهی شباهت این خطّ و خطّ نسخه.

«۷۶۱» کشف المَدارک

(فقه _ عربی)

از: رفیع بن الحسین الجیلانی، نزیل اصفهان: از خود نسخه.

کتاب: حاشیه در شرح کتاب «مدارک الأحکام» آقا سیّد محمّد عاملی است، و در «ذریعه ۱۸: ۵۹ _ ۶۰» مذکور، و مؤلّفش به عنوان «محمّد رفیع بن رفیع الجیلانیّ المشهدیّ الاصفهانیّ» در «کرام برره: ش ۱۰۳۳»، و در «دانشمندان مهدوی: ۳۴۱ _ ۳۴۳» و «أعیان الشیعه ۳۲» شرح حال دارد، جز این که نام پدر در نسخه مورد نظر حسین است نه رفیع، و چون رفیع با محمد رفیع نام در این دو سه قرن اخیر متعدّد

بوده اند باید در این باره تحقیق بیشتر شود، ان شاء اللّه. و لیراجع «تراجم الرجال ۳: رقم ۲۳۱۰: الشیخ محمّد رفیع الرشتی».

نسخه: مجلّد دوم کتاب است «فی النجاسات».

تاریخ پایان تألیف: عشر آخر ماه شعبان ۱۲۳۶

کاتب: احمد بن زین العابدین طالقانی. تاریخ تحریر: «یوم الخمیس من شهر ذی الحجّه الحرام». سال نوشته نشده است.

«۷۶۲» الکفایه فی علم الإعراب

(نحو ــ عربی)

از: ضیاءالدین المکّی، شاگرد زمخشری صاحب «الکشّاف. ش ۷۵۱».

نسخه: به چند گونه خطّ است و از اوّل افتادگی دارد. برخی از اوراق آن را از جمله ورق آخر «محمّد صادق بن محمّد حسین فقیه آبادی» نوشته و در روز پنجشنبه ۱۹ ماه شعبان ۱۰۹۲ از آن فراغت یافته و نام کتاب را فقط در همین موضع نوشته است. با رجوع به «کشف الظّنون» و تطبیق اقسام و ابواب و فصول آن با گزارش مختصری که در «کشف» آمده است مؤلّف شناخته شد.

«۷۶۳» کفایه المقتصد

(فقه ــ عربی)

از: مرحوم آخوند ملاّ محمّد باقر بن محمّد مؤمن، سبزواری اصفهانی.

کتاب: در ابواب فقهیّه است از طهارت تا دیات در دو مجلّد و به طبع رسیده.

نسخه: شامل هر دو مجلّد است به خطّ عبداللّه بن شمسعلی، تاریخ ختم کتابت: ماه رمضان ۱۱۹۲.

«۷۶۴» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد اوّل است از طهارت تا وصیّت. نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. با نسخه مصحّحه مقابله شده.

تملّک و مهر «العبد محمّد بن محمّد علی» و تملّک و مهر نیای گرامی، آیه اللّه آقای حاجّ میرزا سیّد حسن چهارسوقی ــ اعلی اللّه مقامه ــ به تاریخ ۱۸ شوّال ۱۳۲۹ ظهر نسخه هست.

در ظهر برگ یکم، فهرست کتب این مجلّد، به دو رنگ، به خطّ کاتب نوشته شده، پاورق شمار بالای پشت اوراق به سرخی.

تا برگ ۱۳۵ به خطّ یک کاتب و بقیّه تا آخر که برگ ۲۰۳ باشد، با ۲ برگ عطف و بدرقه به خطّ کاتب دیگری است، هر دو خوش خطّ.

توضیحًا: جلد دوّمی از این کتاب «ش ۷۶۴»، فهرست آغاز آن به خطّ نویسنده فهرست آغاز نسخه مورد بحث است، و تمام آن نسخه به خطّ نویسنده نصف آخر نسخه ما، و دارای اثر مقابله و تصحیح است ـ همانند همین نسخه ـ و چنان که بیاید، تاریخ کتابت آن «ع ۲ / ۱۱۸۳» می باشد.

تملّک و مهر تا آخر.

«۷۶۵» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد دوّم است از کتاب نکاح تا آخر مواریث، و شمار اوراق مکتوب ۲۵۰ برگ است که در بالای صفحات نوشته شده.

نام کاتب ندارد. تاریخ پایان استنساخ: عصر ۲۶ ربیع دوم ۱۱۸۳. آثار مقابله و تصحیح و حواشی مختلفه دارد، و فهرست کتب این مجلّد در آغاز نسخه با تعیین شماره اوراق نوشته شده و نسخه خوبی است، همانند نسخه «ش ۷۶۳».

«۷۶۶» کفایه المؤمنین

(معجزات ـ فارسی)

از: محمّد شریف خادم.

کتاب: ترجمه کتاب «الخرایج و الجرائح» قطب الدین راوندی ـ اعلی اللّه مقامه ـ است، مشتمل بر چهارده باب در بیان معجزات چهارده معصوم علیهم السلام .

رجوع شود به «ذریعه ۱۸: ۱۰۰ ـ ۱۰۱» و «إحیاء الداثر: ۱۰۳».

نسخه: نام کاتب ندارد و به دو خطّ نوشته شده، و تاریخ ختم آن: نهم صفر ۱۰۹۲ می باشد.

ظهر نسخه، این عبارت به خطّ بسیار خوش تعلیق دیده می شود: «هو صار من متملّکات العبد الأقلّ محمّد ابراهیم بن زین العابدین النصیریّ الطوسی غزلهما».

مهر: «علیّ بس است ظهیر محمّد ابراهیم ۱۰۸۷». سپس تملک و هم وقفنامه امیرالدین محمّد زاهدی طبیب.

دارای سرلوحه تمام طلای خالص و تمام اوراق جدول کشیده است.

«۷۶۷» کمال الدین و تمام النّعمه

(کلام ــ عربی)

فی اثبات الغیبه و کشف الحیره

از: شیخ ابوجعفر محمّد بن علیّ ابن بابویه قمی، صاحب «کتاب من لا یحضره الفقیه. ش ۷۳۹).

کتاب: در اثبات امر غیبت ولیّ عصر عجّل اللّه تعالی فرجه است در دو جزء و به طبع رسیده.

نسخه: چنان که در پایان جزءِ اول نوشته به خطّ میر ابراهیم بن میر سیّد حسین الحسینی، تاریخ ختم تحریر همان جزء: ربیع یکم ۹۴۱.

«۷۶۸» نسخه دیگر

نسخه: کامل ست و آثار تصحیح و تحشیه ندارد. کاتب: محمد یوسف بن محمد قاسم نجفی مسکن نطنزی مولد، در نجف اشرف. تاریخ ختم استنساخ: روز سه شنبه ۲۷ جمادی الثانی «کذا» ۱۰۶۴.

دو سرلوحه زرین در آغاز جزءِ اوّل و آغاز جزءِ دوم دارد و تمام صفحات به طلا و شنگرف و لاجورد و مرکّب جدول کشی شده. فهرست کتاب در آغاز نسخه نوشته شده. نام کتاب صریحًا در آخر جزء اول و آخر جزء دوم این نسخه «کمال الدین و تمام النعمه» است نه «کمال الدین...».

«۷۶۹» الکنز، فی القرآآت العشر

(علوم قرآنی ــ عربی)

از: نجم الدین ابو محمّد عبداللّه بن عبدالمؤمن بن الوجیه هبّه اللّه واسطی بغدادی، معروف به ابن المؤمن.

کتاب: در بیان قرائتهای دهگانه قرآن کریم است و بسیار محقّقانه.

نسخه: به خطّ زیبای احمد بن علی بن (عیسی ظ) المدّنی. تاریخ پایان کتابت: صبح پنجشنبه ۱۲ ماه شعبان ۸۵۸. چند برگ از آغاز نسخه مفقود شده است.

ناگفته نماند که در هیچ جای نسخه نامی از مؤلّف و کتاب دیده نمی شود و نویسنده این فهرست پس از تتبّع در کتاب «غایه النهایه، فی طبقات القرّاء» به نتیجه فوق رسیده است. واللّه العالم[1].

۱ - ۱) از کتاب «الکنز فی القراءات العشر» نسخه نفیسی با تاریخ ۸۰۸ در کتابخانه ظاهریّه دمشق موجود است: «فهرس مخطوطات دارالکتب الظاهریّه. علوم القرآن: ۱۲۶».

نسخه ابتیاعی از کتابخانه مرحوم آقا شیخ محمّد رضا ابوالمجد اصفهانی نجفی.

آغاز موجود: «قال: قرأت بهاعلی الرّهاویّ بـدمشق، و قرأ الرهاویُّ علی أبی علیّ أحمد بن محمّد بن أحمد بن الحسن بن سعید الاصفهانی».

«۷۷۰» کنزالدقائق و بحرالغرائب

(تفسیر ــ عربی)

از: میرزا محمّد «مشهدی» ابن محمّد رضا بن اسماعیل بن جمال الدین قمی.

کتاب: تفسیر قرآن کریم است به اخبار و احادیث اهل بیت علیهم السلام ، و بسیار مفید و جامع.

نسخه: بخشی از مجلّد اوّل است از آغاز تا پایان سوره مبارکه بقره نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد لکن در حدود زمان تألیف «اواخر سده یازدهم» نوشته شده.

مهر «حسین منّی و أنا من حسین» در برگ آخر، و مهر «عبـده الراجی محمّد حسین» و تملّك و مهر «الراجی محمد شفیع بن محمد» ظهر نسخه است.

«۷۷۱» کنزالفوائد

(فقه ــ عربی)

از: آخوند ملاّ مؤمن.

کتاب: شرحی است بر کتاب «إرشاد الأذهان إلی أحکام الإیمانِ» جمال الـدین حسن بن یوسف ابن المطهّر، معروف به علاّمه حلّی، قدّس اللّه تعالی سرّه.

«إرشاد الأذهان» از گرامی ترین کتب فقهیّه شیعه امامیّه و مشتمل بر قریب پانزده هزار مسئله است که افزون از پنجاه شرح و حاشیه بر آن نوشته شده و در مواضع متفرّق «ذریعه ۱: ۵۱۰ ــ ۵۱۲ و ۶: ۱۴ ــ ۱۷، ۱۰۹ و ۱۳: ۷۴ ــ ۸۰» و «فهرست دانشگاه ۵: ۱۷۷۱ ببعد» و جاهای دیگر از آنها یاد شده است.

یکی از شروح مفصّل ارشاد کتاب «مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان» مرحوم مقدّس اردبیلی است که به طبع رسیده و از مصادر مهمّ بشمار می رود.

بعضی دیگر از شروح إرشاد، از جمله «منهج الرشاد» را نیز در این فهرست خواهیم آورد.

«کنزالفوائد» ــ جای گفتگو ــ یکی از شروح گسترده آن کتاب است که شخصی به نام آخوند ملاّ مؤمن از دانشمندان قرن

سیزدهم هجری نگاشته و مع الأسف تاکنون اطلاعی

ص : ۳۳۱

از احوال او نیافته ایم، لکن نظر به قرائنی شاید از خاندانهای علمی آذربایجان بوده است(۱).

نسخه ما مجلّد اوّل کتاب و مشتمل بر شرح مزجی کتاب طهارت و صلوه تا پایان مندوبات صلوه که ششمین آنها تعقیبات نماز است می باشد، و ظاهرًا نسخه مبیّضه خطّ مؤلّف است. از بقیّه اجزاءِ کتاب هم _ اگر نوشته شده باشد _ آگاهی نداریم.

نواده شارح عبارات متن را در بالای صفحات نسخه نوشته و در پایان گوید: «استنساخ هامش که نسخه ارشاد علّامه _ أعلی اللّه مقامه _ است، در یوم جمعه ۲۷ شهر جُمادی الاولی، اواسط حمل، قوی ئیل، سنه ۱۳۰۰، انجام یافت. و أنا الحقیر أبوالفضل بن مولی عبدالجواد ابن مولی مؤمن _ شارح الکتاب _ طیّب اللّه رمسهما».

در آغازکتاب این شرح به سرخی نوشته شده: «هذا کتاب کنزالفوائد، من مؤلّفات جناب آخوند ملّا مؤمن، أعلی اللّه مقامه».

روی برگ اول نیز دو سه جا این شرح دیده می شود: «این کتاب مِن مؤلّفات عالیجناب مقدّس ألقاب فضائل و معارف اکتساب، علّامی فهّامی مجتهد العصر و الزّمانی أعنی محقّق ثالث آخوند ملّا مؤمن _ سلّمه اللّه _ است».

آغاز: «بسم... الحمد للّه العالی فی دنّوه، و الدّانی فی علوّه، المنزّه بقدس ذاته لشابهه المخلوقات، المنتظم لنظام بنی آدم بإرسال الرّسل بالشرایعٌ القویمه المتینه، الجاعل للعلماءِ تذکرةً و تبصرةً و لمعةً و مصباحًا و فقیهًا و ذکری للعالمین؛ کما جعل کنزًا و غُنیهً و ذخیرةً و فایدةً و آیةً و دروسًا و مُقنعًا و مقنعةً و ایضاحًا و مکمّلًا لهم و ناصرًا و انتصارًا و انتصارًا للملهوفین، و تهذیبًا و تنقیحًا و تحریرًا و کشفًا لقواعد أحکام سیّد المرسلین و معالمها و مدارکها و دفع خلافها و جملها و إیصالاً الی نهایتها و مبسوطًا لمختصرها و بیانًا لمختلفها و روضًا و روضةً و حدائق و مسالک للعابدین...

أمّا بعد، فإنی لمّا کنتُ شایقًا _ بحیث یزید عن التّصوّر و التّقریر _ إلی إزاله التّقلید عن الربقه لکونها أدنی و أخسّ. فلمّا مُنّ علیَّ بذلک من لطفه الخفیّ و کرمه الجلیّ و فضله

ص : ۳۳۲

۱- ۱) در مجلّد، هیجدهم «الذریعه: ش ۱۱۹۶» یک نسخه از همین کتاب را که همانند نسخه ما شامل طهارت و صلوه بوده در کتابخانه مرحوم حاج میرزا باقر آقای قاضی طباطبائی تبریزی نشان داده و شارح را مؤمن اردبیلی دانسته و گویند که چون نسخه بی تاریخ است عصر شارح معلوم نگردید.

العلیّ؛ أحببتُ أن أکتب شرحًا للإرشاد، للإمام الهُمام... الحسن بن یوسف بن المطهّر الحلّیّ... إذ کان مختصر اللّفظ، مع کونه مشتملاً لنکت و معالم تحتاج إلی الکشف و التحقیق، لغموضها، و جامعًا للمسائل الکثیره. و استخرتُ اللّه عزّوجلّ فی حرم سیّد الشهداء ــ علیه ألف سلام و ثناء ــ فأحسن. فنذکر ــ إن شاء اللّه تعالی ــ أدلّه جمیع ما ذکر فیه من المسائل بوجه الایجاز و الاختصار علی ما وسع علیه طاقتی... و نشیر إلی المعضلات و نوضحه «کذا»؛ و إن کان هذا الشرح لا یبلغ مرتبه الشروح المؤلّفه فیه و فی غیره ــ کصاحبه ــ و سمّیته بکنز الفواید... کتاب الطهاره، و النظر فی أقسامها...».

چنانکه ملاحظه می شود نویسنده به براعت استهلال نام بسیاری از کتب فقهیّه را در مقدمه آورده است.

انجام: «کما یظهر من «کری» و کلام المحقّق الشیخ علیّ. تمّ المجلّد الاوّل من کتاب الطهاره و الصلوه. و یتلوه المجلّد الثانی أیضًا منه و فی لواحقه و فی الزّکوه و الخمس و الصّوم و الاعتکاف، بفضله و کرمه، و أسئل اللّه أن یجعلهما...».

نسخه دارای ۳۷۹ برگ. برگ ۱ و روی برگ ۲ و برگ آخر سفید است و روی برگهای ۱ و ۲ نام کتاب و مؤلّف به شرحی که گفتیم نوشته شده. ظهر برگ آخر شرحی در تاریخ شب ۵ شنبه ۲۶ ج ۱ ــ ۱۳۰۰ به خط «أبوالفضل نواده شارح» راجع به کتاب «ارشاد الأذهان» و مقایسه آن را با «شرایع الاسلام» محقّق که با اینکه از ارشاد بزرگتر است بیش از ۱۲ هزار مسئله ندارد. به نقل از «قصص العلماء» نوشته شده.

هم در این صفحه این تملّک دیده می شود: «هو المالک بالاستحقاق. قد صار من عواری الزمان لدی الأقلّ محمّد خامنه». در هامش روی برگ ۲۹۴ حاشیه ای است به این توقیع: «لمحرّره ابن الشارح ــ ره».

خط تعلیق ۲۲ سطری، عناوین در هامش به سرخی نوشته شده، بالای عبارات متن نیز به سرخی و مرکّب سیاه خط کشیده اند. کاغذ فستقی، جلد تیماج سیاه کوبیده، آستر کاغذ سفید، قطع ۱۵ × ۲۲، متن ۸ و نیم × ۱۴ و نیم. نام کاتب و تاریخ تألیف و کتابت ندارد لکن چنانکه گفتیم ظاهرًا نسخه مبیّضه خطّ شارح است.

«۷۷۲» الکنوز الودیعه مِن رُموز الذریعه

(اخلاق ــ فارسی)

ص : ۳۳۳

از: فرزند شمس الدین حسن ظافر. نام نگارند معلوم نیست. در اواخر کتاب از پدرش این چنین یاد کرده است:

«... پدرم، علاّمه عصر و نِحریر دهر، شمس الدین حسن ظافر، علیه الرحمه و الرضوان...»

کتاب: ترجمه مبسوطی است از کتاب «الذریعه الی مکارم الشریعه» تالیف ابوالقاسم حسین بن محمّد بن المفضّل، راغب اصفهانی شهیر، متوفّی در نیمه نخست سده پنجم. مترجم آن را به فرمان ابوالفوارس شاه شجاع مظفّری «۷۶۰ ــ ۷۸۶»، به زبان فارسی درآورده، و در پایان، سه نَمَط در حکمتها و اندرزهای عربی و یونانی و پارسی افزوده است.

نام کتاب در مقدّمه نسخه و روی برگ اوّل آن و نیز در «ذریعه ۱۸: ش ۱۲۷۰» که سه نسخه دیگر را شناسانده اند، همه «کنوز...» است، بدون «ا ل»، لکن در پایان نسخه ما: «تمّ کتاب الکنوز الودیعه من رموز الذریعه الی مکارم الشریعه» می باشد.

نسخه: نام کاتب و نگارنده و تاریخ ترجمه و اثر تصحیح و مقابله و تحشیه ندارد. تاریخ پایان استنساخ: پنجم شوّال ۱۰۶۷.

خطّ نستعلیق، عناوین به شنگرف. همه صفحات دارای جدول طلائی و لاجورد است. برگهای نوشته شده کتاب ۳۷۸ برگ است.

«۷۷۳» الکواکب الضیائیّه فی شرح الزبده البهائیّه

(اصول فقه ــ عربی)

از: مرحوم حاجی سیّد یوسف بن سیّد محمّد حسینی بن خراسانی گنابادی قائنی، ساکن اصفهان.

کتاب: شرح مزجی «زبده الاصول» حضرت شیخ بهاءالدین محمّد عالمی است، در دو مجلد.

نسخه: مجلّد دوم است از مبحث استصحاب تا آخر.

آغاز: «بسم... المطلب الرابع فی بیان حجّیّه الاستصحاب و عدمها و یعبّر عنها».

انجام: «و الاستقرار علیه و دوامه. و قد فرغت من تسویده و تحریره ضحوه ۲۰ ج ۱ سنه ۱۲۳۵...».

کاتب: محمّد تقی بن محمّد مقیم موسوی رضا توفیقی ساکن دارالسلطنه اصفهان.

ص : ۳۳۴

تاریخ پایان کتابت: ۲۲ ج ۲ سنه ۱۲۳۶.

آثار مقابله و تصحیح در سراسر نسخه هست، لکن نام کتاب و نام مؤلف در اوّل و آخر نسخه نیست. فقط روی برگ اول این عبارت دیده می شود: «و سمّیته بالکواکب الضیائیّه فی شرح الزبده البهائیّه»، و همچنین در گوشه بالای ورق عطف اول نسخه شرح محو شده ای است که فقط عبارت «از جلد اوّل شرح زبده بیست جزو در نزد صاحبی قبله گاهی ام حاجی سیّد یوسف» خوانده می شود، و ما با همین آثار و علائم به «الذریعه» رجوع نموده و نام کتاب و مؤلّف را ذکر کردیم. ان شاء اللّه اشتباه نشده است.

برای شرح حال حاج سیّد یوسف و آثار و خاندانش به «دانشمندان مهدوی: ۳۳۶ ط ۱» رجوع فرمایند.

«۷۷۴» کیمیای سعادت

(آداب ــ فارسی)

از: ابو حامد محمّد بن محمّد غزالی طوسی «۴۵۰ متوفی ۵۰۵».

نسخه: مجلد اوّل کتاب است و از آخر ناقص است و تا اوائل باب دوم از اصل نهم از رکن معاملات رسیده که در حسبت است و بقیه ساقط شده. لذا نام کاتب نستعلیق نویس و تاریخ کتابت معلوم نشد به قرائن در قرن دهم نوشته شده و اثر تصحیح و مقابله و امتیازی ندارد. فهرست تمام کتاب در آغاز به خطّ کاتب نوشته شده.

«۷۷۵» گوهر مراد

(کلام ــ فارسی)

از: ملّا عبدالرزاق بن علی بن حسین، فیّاض لاهیجی.

کتاب: در مباحث کلامی است در یک مقدمه و سه مقاله و یک خاتمه و چاپ شده است.

نسخه: تنها مقاله سوم است در فرمان خداشناسی(۱) و خاتم در سیر و سلوک. نام کاتب و تاریخ تالیف و کتابت ندارد، ظاهرًا در زمان مؤلّف نوشته و مقابله و تصحیح شده.

مهر مرحوم آقای حاج سیّد جعفر فرزند سیّد حجّه الاسلام بیدآبادی شفتی «عبده

۱- ۱) مقاله سیّم مشتمل بر چهار باب است: باب اول در تکلیف و در آن ۵ فصل است. باب دویم در نبوت و در آن ۲۱ فصل است. باب سیم در امانت و در آن ۱۲ فصل است. باب چهارم در معاد و در آن ۱۰ فصل است. و خاتم در اشارت گونه ای به

دلالت بر سلوك راه باطن، در دو مقصد.

محمّد جعفر بن محمّد باقر الموسوی ۱۲۸۱» ظهر نسخه هست.

××××اللباس المشکوک: رساله فی حکم... ش ۴۰۸

«۷۷۶» لبّ الألباب فی علم الإعراب

(نحو ــ عربی)

از: تاج الدین محمّد بن محمّد بن احمد بن السیف، معروف به فاضل اسفراینی، متوفی ۶۸۴.

کتاب: در علم نحو است و آن را به نام شمس الدین صاحب دیوان، موشّح کرده است.

نسخه: از اوّل و آخر ناقص است و لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نیست. به قرینه خطّ و کاغذ از آثار سده هشتم یا نهم است. دارای حاشی بسیار به خطّ کاتب متن.

«۷۷۷» لسان الذاکرین

(مقتل ــ فارسی)

از: محمّد هادی بن ابوالحسن شریف نایینی، معروف به حاج میرزا هادی نایینی(۱).

کتاب: در بیان مصائب اهل بیت اطهار و شهدای کربلا علیهم السلام در یک مقدمه و پنج باب و خاتم است و معروف است به «مقتل میرزا هادی» و مصدّر است به نام فتحعلی شاه قاجار و به طبع رسیده.

ابیات بسیار در مرثیه شهداء در این کتاب از خود مؤلّف و غیره هست و تاریخ تألیفش را در «الذریعه» به سال ۱۲۴۲ نوشته اند.

نسخه: نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد لکن پیداست که در زمان مؤلّف نوشته شده و کاتب آخر آن را ناتمام گذارده.

تملّک مرحوم آیه اللّه آقا میرزا مسیح موسوی چهارسوقی و مهر فرزند گرامی ایشان، نیای معظّم، «الراجی جلال الدین بن محمّد مسیح الموسوی» ظهر نسخه هست.

«۷۷۸» لسان الصّدق

(لغت ــ عربی)

از: ناشناخته. شاید محمود، که اشاره دارد.

کتاب: فرهنگ بسیار جامعی است به زبان عربی و به سبک و ترتیب «قاموس اللّغه» و در نهایت دقت و کمال و جمال تألیف شده و از مفاخر جهان دانش شیعه است. و از

---

۱ – ۱) این شخص گویا غیر از حاج میرزا هادی واعظ نایینی متخلّص به راثی باشد که در کتاب «انساب خاندانهای مردم نائین: ۳۶» مذکور است.

این مجلد معلوم می شود که مشتمل است بر سه مجلّد یا چهار مجلد.

نسخه: مجلّد دوم کتاب است از باب الزاء تا آخر باب القاف.

آغاز: «هذا المجلد الثانی من کتاب لسان الصدق. بسم. و به ثقتی و اعتمادی. باب الزاء، فصل الهمزه: ابز الظبی یا بزا بزا و ابوزا و ابزی کخمری و ثب».

انجام: «نیاق کسحاب بطُریقُ قُتِلَ و أُتی برأسه إلی الصّدیق. و الحمد للّه رب العالمین و صلّی اللّه علی محمّد و آله أجمعین. قد تمّ المجلّد الثالث بعون اللّه تعالی و حسن توفیقه. ربّ وفّق و أعن. تم. تم. تم». و در هامش همین موضع: «بلغ مقابلةً بعون اللّه تعالی».

روی برگ اول وقفنامه «فاطمه سلطان خانم بنت نوّاب مستطاب... شاهقلی خان اعتماالدوله سابق غُفِر له» به تولیت «داعی دوام دولت قاهره ابن عالیحضرت... میر محمّد باقرا، طاب ثراه و بعد از آن بر غرّه العیونی «کذا» برادر داعی»، به تاریخ محرّم ۱۱۲۹ نوشته شده و وقف حضرات ۱۴ معصوم علیهم السلام است که شیعیان اثنا عشری از آن منتفع شوند. مهر فاطمه سلطان خانم.

«۷۷۹» نسخه دیگر

نسخه: مجلّد سوم است از باب الکاف تا آخر کتاب.

آغاز: «المجلّد الثالث من کتاب لسان الصّدق بسم. و بعد ثقتی. باب الکاف فصل الهمزه أابک کأحمد».

انجام: «و ذهبت الالف الّتی فی یا لاجتماع الساکنین لأنّها و السین ساکشان. قال مؤلّفه: هذا آخر کتاب لسان الصّدق، عُنیت بجمعه من الکتب المذکوره و تألیفه و تهذیبه و لم آلُ جهدًا فی تلخیصه و إتقانه و تصحیحه راجیًا أن یکون خالصًا. مخلصًا لوجه اللّه و رضوانه و یسّر اللّه تعالی اتمامه و وفقتنی فی نسخه و مقابلته. و ارجو من اللّه تعالی أن ینفع بهذا الکتاب إخوانی و أجزل من فضله العمیم ثوابی و جعله نورًا بین یدیَّ یوم حسابی. و الحمد للّه ربّ العالمین و الصّلوه و السلام لأتمّان الأکملان علی نبیّه و رسوله و حبیبه و صفیّه محمّد النبیّ الّذی لا نرضی لبیان استحقاقه من الوصف جُهدی و ینتهی الی اللّه تعالی ان یوصل الیه صلاتی و یقرب الیه بعدی صلوه دائمه نامیه تامةً لا منتهی لأمدها و لا غایه لعددها و علی آله و عترته الطیبین الطاهرین المعصومین. و قد اتّفق

الفراغ لکتبه هذا الکتاب علی ید مؤلّفه فی ثالث جُمدی الاخر من سنه تسعین و الف من بعد الهجره النبویه المصطفویه. تم».

و در هامش همین موضع مثل هامش اغلب صفحات مجلّد دیگر: «بلغ قبالا بعون اللّه تعالی».

روی برگ اول وقفنامه فاطمه سلطان خانم، به شرح مجلّد دیگر و مهر همو.

«۷۸۰» لطائف اللّغوات

(فرهنگ _ فارسی)

از: مولوی عبداللطیف بن عبداللّه کبیر «متوفّی ۱۰۴۸، ذریعه» ۱۸: ۳۲۱ ش ۲۸۵».

کتاب: فرهنگ لغات «مثنوی جلال الدین بلخی» است.

به ترتیب حروف تهجّی در اوّل و آخر کلمات.

نسخه: از اوّل تمام و از آخر ناقص است و تا لغت (یاسمن و یاسمین) رسیده و بقیه افتاده است، لذا نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. ظاهرًا در قرن یازدهم در یکی از بلاد هند استنساخ شده است.

«۷۸۱» لمحات فی شرح اللمعات

از: شیخ یارعلی شیرازی، دانشمندی از سده نهم. عراقی، شاعر متصوّف نامی ایران، هنگامی که در شهر قونیه نزد شیخ صدرالدین قونوی در متوفی ۶۷۳» درس می خواند، رساله ای بنام «لمعات» در بیان مراتب عشق مشتمل بر ۲۸ لمعه نوشت. این کتاب کوچک شورانگیز را که یکی از شاهکارهای بسیار بلند نثر فارسیست، عراقی چنانکه خود در مقدّمه تصریح کرده به روش «کتاب السّوانح فی معانی العشق» تألیف احمد غزالی(۱) به رشته تحریر کشیده(۲) وی در این رساله سخنان خود را بسی آشکار و بی پروا آورده، و چون پیش صوفیان قبولی تمام یافته جمعی آن را گزارش داده اند و در دیباچه «کلّیات شیخ فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی: ۳۸ ط ۲» از شش شرح آن یاد شده است.

شیخ فخرالدین ابراهیم عراقی همدانی از بزرگترین شعرای غزلسرای متصوّف قرن

ص : ۳۳۸

۱- ۱) شیخ ابوالفتوح احمد بن محمد بن احمد غزالی طوسی متوفی ۵۲۰ برادر ابوحامد غزالی «۴۵۰ _ ۵۰۵».
۲- ۲) از «دیباچه: ۳۸».

هفتم است که در نام و نام پـدر و جـدّ و نسبت و تاریـخ تولّد و وفات و مدّت عمر او سـخنان گوناگون رفته. شـرح حالش در تـذکره های فارسـی و مقـدمه دیوانش مـذکور، و جامع اینها دیباچه ای است که آقای سـید نفیسـی، به روش محققانه خود، بر «دیوان عراقی» نوشـته و برای دومین بار طیّ ۴۵ صفحه به سال ۱۳۳۶ ش در آغـاز دیوانش چاپ شـده است. در متن و پاورقی کتاب «از سعدی تا جامی ــ ترجمه ج ۳ تاریخ ادبیات براون: ۱۴۴ ببعد» نیز شروح مفیدی راجع به عراقی و آثارش آمده است.

در دیبـاچه دیوان است (ص ۵) که «شـیخ فخرالـدین ابراهیم بن بزرگ مهر بن عبدالغفار جوالقی همدانی متخلص به مراقی در دهی به نام کمجان در بیرون شـهر همدان به جهان آمده و در شهر دمشق چنانکه پس از این خواهد آمد در ۸ ذیقعده ۶۸۸ در گذشـته است». نویسنده دیباچه برخلاف مشهور عقیده دارند که نام پدر عراقی بزرگ مهر است امّا علاوه بر جاهایی که نام او را شـهریار نوشـته انـد و به نظر ایشـان هم رسـیده؛ صاحب «لمحات» نیز وی را شـهریار خوانـده است. مـدّت عمر عراقی را دارا شکوه در «سفینه الاولیا» ۸۲ سال، و نویسـنده مقدمه دیوان که اندکی پس از مرگ عراقی آن را نوشته ۷۸ سال ضبط کرده اند «دیباچه: ۶» و بـه طـوری که در ص ۶۳ دیبـاچه آمـده اکنون از قبر عراقی اثری در دمشق بـاقی نیست. چـاپ دوم دیوان شـاعر مشتمل بر ۵۸۷۲ بیت شعر است.(۱)

* * *

باری، مشـهورترین شـروح، «أشعه اللّمعات» جامی است که آن را به دستور امیر علیشیر نوایی تألیف و در ۸۸۶ به پایان رسانیده و بـا مجموعه ای از رسائـل عرفانی در تهران به چاپ رسیده است. و در کتاب زنـدگانی «جامی» و «از سـعدی تا جامی: ۵۰۴» پیرامون این کتاب گفتگو شده، و گویا «أشعه اللمعات» را نیز بعضی شرح کرده اند.

متن «لمعـات» از ص ۳۷۱ تا ۴۰۵ طبع دوم دیوان عراقی چـاپ شـده، و این جمله را از أوّل آن رسـاله نقـل می کنیم: «أمّا بعـد، کلمه ای چنـد در بیان مراتب عشق، بر سـنن «سوانـح» به زبان وقت إملاء کرده می شود. تا آینه معشوق نمای هر عاشق آید، با آنکه

---

۱ – ۱) دکتر محمـد اختر چیمه، پرفسور قسـمت فارسـی دانشـکده دولتی فیصل آباد، مقاله کوتاهی به عنوان «نگاهی به لمعات عراقی» نوشته است که در مجلّد ××« رشد آموزش ادب فارسی، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۶۷، شماره مسلسل ۱۳. ص ۸ تا ۱۱» در تهران چاپ شده است.

رتبت عشق برتر از آن است که به قوّت عقل و فهم و بیان؛ گرد پیرامون سراپرده إجلال او توان گشت، یا به دیده کشف و عیان به جمال حقیقت او نظر توان کرد...».

* * *

از جمله شروح «لمعات» نیز همین «لمحات» است که نویسنده آن شیخ یارعلی شیرازی است و در «کشف الظنون ۲: ۱۵۴۶» یاد شده، و در «دیباچه دیوان عراقی: ۳۸» گوید که نسخه ای از آن نزد شاعر معروف خراسان آقای محمود فرّخ هست که تاریخ ۸۲۶ دارد.

یارعلی از عرفای دانشمندان قرن ۸ _ ۹ بوده و چنان که در آخر شرح آورده آن را در نیمه جمادی الاولی ۸۱۲ تمام کرده است.(۱)

ترجمه حال این شخص در جایی به نظر نرسید، أمّا در آخر نسخه «لمحات» شروحی در وصف او آمده که بعدًا نقل می کنیم.

روش این گزارش چنین است که ابتدا به عنوان (قوله) قطعه ای از عبارت «لمعات» را ذکر و سپس آن را شرح می کند.

آغاز: «حمد و ثنای بی حدّ و لایق سپاس بی قیاس، وجود مقدّس خدائی را سزاست که... لهذا شیخ بزرگوار و یگانه أحرار، عالم عامل ربّانی، و عارف عاشق صمدانی، الشیخ فخر الملة و الدین ابراهیم بن شهریار العراقی، رحمه اللّه علیه، بعد از تقلّبات در أغوار قرب... رساله «لمعات» را که هر لمعه از آن بحری است.

... و شمّه[ای] از حدایق عوارف شیخ أکبر و شیخ کبیر را در بیان منازل عشق و محبّت بر نسق عجیب ساخته... و چون مآخذ و مشارب این رساله از أوکار أفکار، مرتفع... لیکن چون این ضعیف نحیف بقصور باع در باب کشف و إطلاع معترف بود، و به قلّت بضاعت به نزد أهل این صناعت متّصف... بعد از تقدیم إستخارت... به شرح «لمعات» شروع افتاد و نام او را «لمحات، فی شرح اللمعات» نهاد...».

سپس مقدمه ای مشتمل بر ۴ لمحه نوشته که فهرس آن چنین است: لمحه اول در بیان موضوع و مسائل و مَبادی این علم. لمحه دوم: در بیان وجود حقّ سبحانه و لوازم آن. لمحه سوم: در بیان غیب هویّت و أحدیّت و واحدیّت. لمحه چهارم: در بیان مراتب إلهیّه

۱- ۱) طُبع دیوان یارعلی مع تعلیقات فی ۸۲ ص بلکهنو، سنه ۱۲۰۰: «الذریعه ۹: ۱۳۰۵».

و کونیّه، و در تحقیق آنک [آنکه] نزول تجلّی إلهی و مرور او در این مراتب مذکوره بین الاجمال و التفصیل است.

سپس تنبیهی آورده در بیان مراد از شیخ اکبر، و شیخ کبیر، و شیخ مطلق، و حکیم إلهی، که درین کتاب از آنها یاد شده است.

انجام: «... و چون قیود کثرت و اضافات و أحکام مراتب که بر عین وجود یگانه طاری شده بود، محو و فانی شود همان وجود یگانه باقی ماند؛ و آن متعیّن مضاف که تعیّن و إضافتش عارضی بود به زوال عارض با آن وجود مطلق یگانه متحد شود.

تا ز خود بشنود و نه از من و تو لیس فی الدّارِ غَیرنا دیّار(۱)

* * *

تمت الرساله الغریبه العجیبه المشتمله علی الفرائِد و الفوائِد، بدیعه المنهج و المسلک؛ الموسومه باللمحات للشیخ العالم العامل الفاضل الفاصل بین الحقّ و الباطل وحید عصره و فرید دهره، المتخلّق بأخلاق [کذا] الاِلهیّه، ملاحظته مرتبه الأحدیه و النسبه العلمیه، والمعتقد باعتقادات المحبوبیه الصدریه المولویه، المرحوم المغفور المنقول فی حال الغربه الی رحمه ربه الکریم العلیّ، علاء المله و الدین الشیخ یارعلی أعلاه اللّه درجته فی جنانه الدانی؛ «فِی شرح لمعات» للشیخ العارف العاشق السابق فی میدان المحبّه من أقرانه، الفائق الفانی الباقی، المشتهر بفخرالدین العراقی، قدّ سنا بأسراره المقدّسه الدّائم القدیم الباقی. علی یدالعبد الضعیف الغریب المذنب المستغفر أضعف عباداللّه و أحوجهم ضیاءالدین طیّب بن محمد بن علی شیر الحنفی النیلانی لأجل الأخ الأعزّ الأکرم أفضل المستعدین و أکمل الطّالبین المشتهر بأخی بن نصر سلّمه اللّه تعالی من الافات و العاهات و أوصله الی أقصی مراتب الکمالات إنّه رفیع الدرجات...(۲)... (دا) رالنصر ارربحان (ارزنجان؟) فی یوم السبّت بین الصلاتین... عشر من ذی القعده المشرفه المکرمه سنه ستّه عشر و ثمانمائه الهجریه، و اللّه اعلم».

ازین شرح مستفاد می شود که تا هنگام ختم نگارش این نسخه «أواسط ذوالعقده

ص : ۳۴۱

۱- ۱) درین موضع در حاشیه به خط غیر خط متن نوشته شده است: و قد وقع الفراق (کذا) من تألیفه و نقله من المسوّده الی البیاض علی ید مؤلّفه فی منتصف جمادی الاولی لسنه اثنی عشر و ثمانمائه.

۲- ۲) درین جا چند کلمه هنگام صحافی نسخه بریده شده است.

۸۱۶» شیخ یارعلی صاحب «لمحات» در دیار غربت و دور از وطن خود شیراز، وفات کرده بوده، و چنانچه کلمه «اررسحان» مقصود ارزنجان(۱) باشد؛ توان گفت که در همان جا به خاک رفته. و نیز اگر تاریخ تألیفی که در هامش نسخه نوشته شده «نیمه جمادی لأولی ۸۱۲» صحیح باشد، وی مسلّمًا میان این دو تاریخ «ج ۱ _ ۸۱۲» و «ذوالقعده ۸۱۶» در گذشته است.

نسخه: دارای ۸۶ برگ که برگ ۱ عطف و با برگ ۲ و ۲۰ و ۲۱ نونویس و به خطّ یکی از درویشانست. ۲ برگ آخر نیز عطف و مشتمل بر أشعار و مطالب متفرقه است. در بالای برگ ۲ به خطّ همان نویسنده درویش چنین قلمی شده: «زبده الفقراءِ و عمده الفضلاءِ جناب آمیرزا ابوالقاسم شایق تخلص در یوم ۲۲ شهر ربیع الثانی من شهور سنه ۱۲۸۰ با جمعی از فقراء قلمی خصوصًا به جهت یادگاری». و در ظهر برگ ۸۴ تملّک و مهر «أبومحمد بن مرحمت پناه مولانا محمدرضا شیرازی به تاریخ ۹ ع ۲ _ ۱۱۴۱» دیده می شود.

خط: تعلیق ۲۱ سطری، عناوین با شنگرف مشخّص، و در لمعه ۱۴ صورت یک دائره وجود رسم کرده است.

کاغذ: دولت آبادی. قطع: ۱۳ × ۱۸. جلد: تیماج قهوه ای ضربی مقوّایی.

«۷۸۲» لمعات قُدسیّه

(حدیث _ فارسی)

این کتاب شریف ترجمه و شرح چهل حدیث مشکل درباره معرفت خدا است به طور مبسوط و محقّقانه، و به اقتضای بحث مشتمل بر مطالب فلسفی و عرفانی بسیار.

مؤلّف این کتاب، عالم متبحّر و حکیم فاضل آخوند ملاّـ احمد بن محمّد ابراهیم ابن حاج نعمت اللّه، اردکانی یزدی(۲) شیرازی است که از شرح حال کامل او اطلاعی در دست نیست، و به طور إجمال در «الکرام البرره: ۷۶» او را یاد کرده و در آنجا فرمایند

---

۱ – ۱) ارزنجان شهری است در ارمنستان ترکیه در کنار قره سو و نزدیک به أرزن الروم. رجوع شود به «لغت نامه، الف: ۱۸۱۳».

۲ – ۲) نویسنده کتاب «دانشمندان و سخن سرایان فارس ۱: ۱۹۶» در مورد نسبتِ، مؤلفِ لمعات قدسیه که اردکانی است اشتباهًا تصوّر کرده اند مقصود اردکان شیراز است، و شرح مفصلی درباره اردکان شیراز در پاورقی نوشته اند، در صورتی که خود مؤلف در مقدمه کتاب مورد بحث تصریح کرده است که وی «اردکانی یزدی» می باشد.

که ترجمه او و نام پاره ای از آثارش را سبط او شیخ محمّد بن مولی حسین اردکانی برای من گفته است، انتهی.

و نیز در آنجا است که: وی در علوم اسلامی و به خصوص معقولات مردی واسع الاطلاع بود، و کتابهایی نوشت، از جمله «أربعین» مشروح ملمّع و «إنشاء الصّلوات» که آنها را در «مستدرک ذریعه» یاد کرده ام. حواشی بسیاری نیز بر کتب علمیّه نگاشته مانند «حاشیه مشاعر» صدرالدّین شیرازی که با خود مشاعر به طبع رسیده، و مانند «حاشیه بر حاشیه آقا جمال» محقق خوانساری بر «شرح تجرید قوشجی و حاشیه فاضل خفری بر شرح قوشجی» که به نام أمین الدّوله حاج محمّد حسین خان صدر اصفهانی «متوفی ۱۲۳۹» نگاشته و در «دهم ماه شعبان» سال ۱۲۲۵ از آن فراغت یافته و نسخه آن را نزد شیخ محمد سلطان المتکلّمین در طهران دیدم «پایان کلام صاحب ذریعه در کرام».

شرح حال فاضل اردکانی را نگارنده «دانشمندان و سخن سرایان فارس ۱: ۱۹۶» عینًا و بدون ذکر مأخذ از «الکرام البرره» نقل کرده و درباره موطن اصلی وی دچار خطائی شده اند که در پاورقی توضیح دادیم.

در «فهرست دانشگاه ۳: ۲۴۵» نسخه ای از «حاشیه مشاعر» او را شناسانده و گفته اند که وی ابتداءً این نسخه را در حیات استادش مصطفی العلماء «؟» نگاشت و در آن از وی خرده گرفت. باز پس از مرگ استاد، دیباچه آن را گسترش داده و چیزهایی بر خود متن افزوده و آن را «نور البصائر فی حلّ مشکلات المشاعر» نامیده و به نام وکیل الدّوله ساخته و از وی بسیار بستود «دیباچه». و همین دومی است که در کنار مشاعر در طهران به سال ۱۳۱۵ ص ۲ ـ ۱۰۴ به چاپ رسید»، انتهی.

«لمعات قدسیّه» جای گفتگو در «ذریعه ۱۱: ۵۰» به عنوان «رساله فی أربعین حدیثًا» مع الشّرح و البیان بالفارسیّه و العربیّه» به نقل از سبط نگارنده یاد شده، و در آنجا است که مؤلّف حدود سال ۱۲۵۰ در شیراز وفات یافت. دو حاشیه او نیز در «ذریعه ۶: ۶۴ و ۲۰۰» مذکور است. تنها نسخه دیگری که از کتاب مورد بحث می شناسیم نسخه کتابخانه آستان قدس است که در «فهرست رضویّه ۵: ۱۵۹ ـ ۱۶۰» معرّفی شده و آن نسخه به خط محمّد ابراهیم بن محمّد شریف نیریزی و به سال ۱۲۹۴ در حسینیّه قوامیّه شیراز استنساخ شده است.(۱) اینک مختصّات و مشخصّات جای گفتگو:

---

۱ – ۱) نسخه دیگر مورّخه دهه سوم ذی القعده (۱۲۲۹) در شیراز، از کتب اهدائی امام جمعه کرمان به کتابخانه دانشکده ادبیّات تهران است «فهرست: ۱۰».

مؤلّف، ابتدا متن عربی حدیث را ذکر می کند، بعد «بیان ترجمه اجمالی» و پس از آن «بیان تحقیقی تفصیلی» که در حقیقت شرح حدیث است، وی در خلال ترجمه و شرح احادیث متعرّض بسیاری از مطالب عالی گوناگون فلسفی و کلامی و لغوی و تفسیری و حلّ مشکلات آنها شده، کتاب خود را به حکایات و أشعار عارفانه و کلمات اهل سیر و سلوک مشحون، و مجملاً اثری به غایت ممتّع و دل انگیز بوجود آورده است.

آغاز: «بسم... أحمدك یا من توحّد بالرّبوبیّه؛ فعزّوجلّ عن مجاوره الشّرکاء. و بعد، خامه شکسته مستمدّ فیوض قدسی، ابن محمّد فیوض قدسی، ابن محمّد إبراهیم: أحمد الأرکانیّ الیزدیّ، بر ألواح صافیه ضمائر ذاکیه و خواطر زاکیه چنین نگارش می نماید که: مدتی بودمدید که در دارالعلم شیراز ــ با آن که آن را جنّت طراز گفته اند! ــ به علّت قلّت مساعدت زمان و ناأهلی أهل دوران و کثرتِ سوانح بر این و آن؛ روح را نه سروری و نشاطی، و نفس را نه حُبوری و إنبساطی، بلکه طریق خوشی و خوشنودی مسدود، و طرُق ناخوشی و غم و اندوه مفتوح، و پیوسته قوافل غموم و هموم وارد و متوارد بود.

تا آنکه از کثرت اندوه و ألم روحانی بدن متألّم شده، مزاج از جادّه اعتدال و استقامت انحراف کلّی بهم رسانید، و از این؛ نفس بسیار مضطرب و پریشان گردید، چه، هر چه ملاحظه می نمود جزألم چیزی نبود و نمی دید، و راهی می دید و چه راهی! راهی به غایت، مشتمل بر خوف و خطر نهایت، و هر چه ملاحظه نمود با خویش به هیچ وجه زادی و راحله و رفیقی ندید، بلکه پای خویش را از بسیارِ بار؛ شکسته، و قدّ و قامت خود را خمیده دید.

در این حال به غایت، نفس به فغان آمده گفت: با این پای شکسته و پشت خمیده و تنهایی، این بیابان بی پایان را که مشتمل بر چنین و چنانست چگونه قطع می نمایی؟! نه عملی که تو را دستگیری نماید و رفیق و هادی این طریق تو باشد. و اگر به فضل متمسّك شوی فضل را لزومی نباشد، بلکه عدالت درباره تو اقتضای این و آن می نماید!

مجملاً، در آن حال ــ با کمال حسرت و حیرت ــ سر بر زانوی اندوه گذارده و از خود و خلق مأیوس گشته و مضمون این مقال بر زبان حال جاری نمود که:

فزادی قلیلٌ لا «ما.خ» أراه مبلّغی علی الزّاد أبکی أم لبُعد مسافتی؟!

أتیتُ بأعمال قبیح «کذا» ردیّه و ما فی الوری عبدٌ جنی کجنایتی!

در آن حال، بی اختیار با شرمساری بسیار به واسطه هُداه طریق نجاه روی امید به قبله حاجات آوردم، از حقیقت قلب بر زبان، ولکن چه زبان؟! زبانی کالّ و لال، مضمون این مقال جاری شده که:

یا من بک حاجتی و روحی بیدیک عن غیرک أعرضتُ و أقبلتُ إلیک

مالی عملٌ صالحٌ أستظهرُ به قد جئتک راجیًا، توکّلت علیک

و در آن أثناء، حدیث مستفیض «من حفظ علی أمّتی أربعین حدیثًا ـ ممّا یحتاجون إلیه فی أمر دینهم ـ بعثه اللّه عزّوجلّ یوم القیمه فقیهًا عالمًا» به نظر آمد و این را از اشارات بلا ریب عالم غیب دانست.

پس در نظر آورد که چنانچه نجاتی از این ناخوشی حاصل شود به شُکرانه این نعمت عظمی، و به جهت ذخیره روز جزا، أربعینی به زبان فارسی نوشته باشم تا نفع او عامّ و فائده او تامّ باشد. به این نحو که مشتمل باشد بر چهل حدیث از أحادیث بسیار مشکله که أغلب(۱) آن در معرفه اللّه و صفات و أفعال او باشد، و در ضمن شرح این احادیث اشاره به حلّ بعض أحادیث دیگر و بعض آیات نماید.

خلاصه، بعد از آنکه این معنی در خاطر قرار گرفت از بواطن فیض مواطن وسائط فیوض حضرت باری تدریجًا و شیئًا فشیئًا طبیعت قوّت گرفته رفع ناخوشی جسمانی شد، فحمدًا له ثمّ حمدًا له.

و چون چنین دید این حقیر بی بضاعت استمداد و استیفاق از ملک علّام حاصل نموده و در مقام جمع آن برآمد و آن را به «لمعات قدسیّه» مسمّی ساخت... و قبل از شروع در شرح أحادیث مزبوره بعض عقائد خویش را تفصیلاً ذکر می نماید تا از کلمات ما در اینجا توهّم خلاف نرود، و أحدی سوءِظنّ و ظنّ سوء نبرد، زیرا که در شرح بعض این أحادیث یا بعض فقرات آن بیانات مختلفه می نماید که بعضی مطابق مذهب عُرفاء است.

بدان... که این بی وجود، وجود را موجود و متأصّل می داند ـ مطلقا ـ و جاعلیّه و مجعلولیّه بالذّات را فیمابین وجودات قائل است، مع یک نوع مناسبتی... پس مختار

۱ـ ۱) در نسخه «اقلب» با قاف است.

نزد حقیر «طریقه ظلّیّه» است و «سنخیّه» و قول به مباینت محضه را خارج از نهج قویم و طریق مستقیم می داند... چنان که در «حواشی أسفار» مفصّلاً بیان نموده ایم. مجملاً، این بی نمود را در وجود اعتقاد این است، و جز این را از شریعت عقل و نقل خارج می داند... و در آخر کتاب اشاره به جمله عقائد خویش بر وجه إجمال می نمایم...».

انجام: «مجملاً، معتقد حقیر، جمیع آن چیزی است که از شارع مقدّس ــ محمّد بن عبداللّه، خاتم أنبیاء ــ و خلفاءِ او ــ أعنی أئمّه اثنی عشر ــ رسیده و ایشان او را قصد فرموده اند، هر چند قصد ایشان بر ما معلوم نباشد، و جز این را باطل و إعتقاد به آن را ضلالت و موجب هلاکت می داند.

این است آنچه در صدر کتاب به ذکر آن وعده داده بود... و چون مناسب، بل لازم دید ختم این کتاب را بعد از حمد به صلوه و سلام بر خاتم أنبیاء و خلفاءِ راشدین او أعنی أئمّه هدی ــ لهذا به ذکر این صلوات و تحیّات و تسلیمات بر آن ذوات مطهّرات مطهّرات ختم نموده، و هی هذه: اللّهم صلّ و سلّم علی منبع الجود و أصل الوجود، أوّل الأوائل و آخر الأواخر... اللّهمّ هؤلاءِ أئمّتنا و سادتنا و کبرائنا، قد آمنّا بهم، فاغفرلنا بحقّهم، یا غفور یا رحیم!.

و قد وقع الفراغ من تسویده فی العشر الثالث من شهر ذیقعده الحرام من سنه تسع و عشرین و مائتین بعد الألف من الهجره فی دارالعلم شیراز، الموصوفه بجنّت طراز...

یا أخی! قد جمعتُ فی هذا الکتاب ما هو لبّ لباب الحکمه، و أسُّ أساس المعرفه الحاصله من النّظر فی آیات أوراق الأنفس و الآفاق. فطوبی لمن نظر فیه حقّ النّظر، و فهم ما فیه حقّ فهمها، فإنّه من هداه اللّه تعالی و آتاه من الخیر کثیرًا. و ویلٌ لمن کان عینه أعمی عن مشاهده هذه الحقائق المشتمله علی الدّقائق، فإنّه ممّن أضلّه اللّه فکان فی الآخره أعمی کما کان فی هذه أعمی و أضلّ سبیلاً».

فهرست أحادیث: ۱ــ روایت ابان بن تغلب از حضرت صادق علیه السلام حدیث معراج را و بیان حال مؤمن(۱) ۲ــ حدیثی در فضل سوره توحید، از کتاب «توحید شیخ صدوق» ۳ــ روایت سؤال کمیل بن زیاد از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام «ما الحقیقه»؟ ۴ــ روایت

۱- ۱) این حدیث را مرحوم شیخ حرّ نیز در فائده ۳۲ کتاب «الفوائد الطوسیّه» شرح کرده است که در (ش) یاد شد.

کتاب «مشارق الأنوار» شیخ رجب بُرسی سؤالی دیگر را که از آن حضرت کرده اند «هل رأیتَ فی الدنیا رجلاً؟» ۵_ روایت دیگر «مشارق» از قاسم بن أیّوب علوی در باب ولایت عهد حضرت رضا علیه السلام ۶_ حدیث سؤال رأس الجالوت از حضرت رضا علیه السلام «ما الکفر و ما الایمان؟» ۷_ حدیث «مشارق الأنوار» خطبه أمیرالمؤمنین علیه السلام را پس از رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله «الحمد للّه الّذی أعجز الأوهام أن تنال إلّا وجوده...» ۸_ خطبه دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که مردم را به جنگ با معاویه خواند «الحمد للّه الواحد الأحد...» منقول از کتاب مذکور ۹_ أیضًا از «مشارق الأنوار، سؤال حمّاد بن عمرو نصیبی از حضرت صادق علیه السلام در باب توحید ۱۰_ حدیثی دیگر از آن حضرت «اللّه غایه من غیّاه...» ۱۱_ روایت أبو حمزه از حضرت باقر علیه السلام «ما من شیء أعظم ثوابًا من شهاده أن لا إله إلّا اللّه...» ۱۲_ حدیث هشام بن حکم از حضرت صادق علیه السلام در جواب زندیق که از هویّت باری پرسیده بود ۱۳_ سؤال عبدالرحمن ابن أبی نجران از حضرت ابو جعفر ثانی علیه السلام در باب توحید ۱۴_ خطبه مفصّل امیرالمؤمنین علیه السلام در أوصاف باری تعالی «الحمد للّه الّذی لا یغیّره المنع...» ۱۵_ روایت فتح بن یزید جرجانی فرمایش حضرت رضا علیه السلام را «یا فتح! من أرضی الخالق لم یبال بسخط المخلوق...» ۱۶_ روایت جابر جعفی سؤال یکی از علماء شام را از حضرت باقر علیه السلام در باب اوّل ما خلق اللّه ۱۷_ کلام حضرت صادق علیه السلام «الحمد للّه الذی لا یُحسُّ و لا یجسُّ و لا یمسّ...» ۱۸_ پاسخ امیرالمؤمنین علیه السلام در سؤال یهودی از آن حضرت: «یا أمیر المؤمنین! متی کان ربّنا؟» ۱۹_ خطبه حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله «الحمد للّه الّذی کان فی أوّلیّته» ۲۰_ خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه «الحمد للّه الّذی لامن شیء کان...» ۲۱_ هشام بن حکم روایت نموده که ابو شاکر دیصانی بمن گفت که در قرآن شما آیه ای هست که مؤیّد ما طائفه ثنویّه است... ۲۲_ روایت عمر بن اُذینه از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «ما یکون من نجوی ثلثه... ۲۳_ روایت کتاب «کافی» پاسخ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را به سؤال جاثلیق «أخبرنی عن اللّه _ عزّوجلّ _ بحمل العرش...» ۲۴_ روایت «کافی» کلام حضرت صادق علیه السلام را «إنّ اللّه تعالی خلق اسمًا بالحروف و غیر متصوّت...» ۲۵_ روایت دیگر «کافی» فرمایش حضرت صادق علیه السلام را «انّ اللّه خلق السّعاده و الشقاء قبل أن یخلق خلقه...» ۲۶_ پاسخ حضرت امام کاظم علیه السلام به کسی که از علم باری سؤال کرده بود

«کیف علم اللّه؟ قـال: علمَ و شـاءَ و أراد...» ۲۷ــ فرمایش حضـرت سـجّاد علیه السلام درباره خلقت انبیاء علیهم السلام «انّ اللّه عزّوجـلّ خلق النّبیّین من طینه علیّین...» ۲۸ــ سؤال شخصـی از مردم بصـره از حضـرت صادق علیه السـلام در باب استطاعت و پاسخ آن حضـرت «أتسـتطیع أن تعمل ما لم یکن؟...» ۲۹ــ روایت «کافی» فرمایش امام الموحّـِدین امیرالمؤمنین علیه السـلام را که پس از بازگشت از جنگ صـفّین در باب قضا و قـدر فرمود ۳۰ــ حدیث زراره از حضـرت باقر علیه السلام درباره فطرت و تفسـیر آیه شریفه فطره اللّه...» ۳۱ــ فرمـایش امیرالمؤمنین علیه السـلام «إعرفوا اللّه بـاللّه، و الرسول بالرّسـاله، و اُولی الأمر بالأمر بـالمعروف و العـدل والإحسان» به روایت «کافی» ۳۲ــ سؤال محمّد بن عبید از حضـرت امام کاظم علیه السـلام در باب مسئله رؤیت و جواب آن حضرت ۳۳ــ روایت ابو حمزه ثُمالی داسـتان عبداللّه بن عمر و حضـرت سجّاد علیه السلام را در باب علّت گرفتار شدن حضـرت یونس بن مَتی در شکم ماهی ۳۴ــ سؤال أبوبصـیر از حضرت صادق علیه السلام از کیفیّت معراج پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله و این که معراج از آن حضـرت دوبـار بود و منقبتی از حضـرت امیرالمؤمنین علیه السـلام ۳۵ــ سؤال حسـین بن خالد از حضـرت رضا علیه السـلام در باب خلق قرآن «أخبرنی عن القرآن، أخالقٌ أم مخلوقٌ؟ فقال: لیس بخالق و لا مخلوق، و لکنّه کلامـ اللّه عزّوجلّ» ۳۶ــ حدیث داسـتان شـخص نسّابه و پیغمبر أکرم صـلی الله علیه و آله به روایت «کافی»(۱) ۳۷ــ روایت زراره از حضـرت امام محمّـد باقر یا حضـرت امام جعفر صادق علیهماالسـلام در باب حَسَـنَه و سـیّئه ۳۸ــ فرمایش پیغمبر اکرم صـلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مرض موت ۳۹ــ روایت انس بن مالک داستان أسقف نَجران را با عمر خلیفه ثانی و إشـکالی که در باب هشت و دوزخ کرد، و جواب دادن امیرالمؤمنین علی علیه السلام به او. ۴۰ــ کلام حضرت صادق علیه السلام «من حفظ من أحادیثنا أربعین حدیثًا بعثه اللّه یوم القیمه عالمًا فقیهًا».

خاتمه کتاب و إنشاء درود و تحیّت بر رسول اکرم و ائمه هُدی علیهم السلام .

نسخه: دارای ۲۵۶ برگ، برگ ۱ و ۲ سفیدست، روی برگ ۱ مطالبی در فرق میان نبی و رسول و اُولوالعزم و محدَّث و شـمار انبیاء، و نیز این عبارت: «لمعات قدسیّه، شـرح اربعین فاضل یزدی، عجب نسـخه خوبی است» نوشـته شده است. ظهر این برگ شرحی از «مظاهر الأنوار» نقل شده. روی برگ ۲ جمله «اربعین شیخ احمد بن شیخ ابراهیم اردکانی

ص : ۳۴۸

۱- ۱) نگارنده پیرامون این حدیث در مقدمه مجلّد اول «جامع الأنساب: ۴۲ ببعد» به تفصیل سخن گفته ام.

۱۲۲۹» به خطّ نیای بزرگوار، مرحوم آیه اللّه آقای حاج میرزا سیّد حسن چهارسویی دیده می شود. روی برگ ۲۴۵ پایان کتاب است. ظهر آن برگ و روی برگ ۲۴۶ فوائد حدیثی چندی نوشته شده، ظهر برگ ۲۴۶ تا روی برگ ۲۵۲ مطلب مبسوطی از کتاب «الرواشح السماویّه» منقول است. ظهر برگ ۲۵۲ مناجاتی ۳۲ بیتی نوشته شده که بیت اول و آخر آن چنین است:

بشنوید ای طالبان ای صادقان این مناجات از کلام عاشقان

از وجود خود رهایی ده مرا نور صبح آشنایی ده مرا

روی برگ ۲۵۳ تا روی برگ آخر شرح مبسوطی به این عنوان نوشته شده: «قال بعض الحکماء فی شرح الحدیث السّادس، حیث سُئِل عنه اوّلاً أنّ هذا الحدیث منقولٌ عن بعض المشایخ ولکنّه غیر موجود مسندًا فی کتاب من کتب الأخبار، و نقل عن الشیخ الجلیل الشیخ احمد الأحسائی أ نّه کتب فی هامش رساله له فی شرح هذا الحدیث أنّ الشیخ المزبور رأی فی المنام أنّ عنده کتابًا حجیمًا من الأخبار...».

ظهر برگ آخر شرحی پیرامون مسئله «علم باری» نوشته شده. تمامی این مطالب گوناگون که در اوّل و آخر نسخه نوشته شده به خطّ کاتب نسخه است که نام خود را جایی نیاورده، جز این که در هامش ظهر برگ ۶ کاتب حاشیه مفصّلی به خطّ نستعلیق خود نوشته و در پایان گوید «کتبه محمد علی». در هامش یکی از صفحات میان نسخه نیز حاشیه کوتاهی به امضاء «عبداللّه» دیده می شود.

کاغذ: فرنگی، جلد: تیماج ماشی رنگ ضربی با ترنج و سر ترنج، حاشیه کرمک و خط کشی شده، آستر کاغذ گلی، خط: نسخ ۲۴ سطری، عناوین به سرخی، بالای رؤوس مطالب و عبارات عربی و متن احادیث نیز به سرخی خط کشیده، قطع ۱۳ و نیم × ۲۲ و نیم، متن ۸ × ۱۵.

نسخه تاریخ کتابت ندارد، و تاریخ تألیف از انجام نسخه نقل شد، حواشی مؤلّف همه جا به خط نستعلیق و شکسته کاتب به قید «منه. ره» نوشته شده، رؤوس مطالب در حاشیه ها به هر دو رنگ آمده است. از اول تا آخر نسخه آثار مقابله در هامش دیده می شود. صفحه اول کتاب مفقود شده و نگارنده این فهرست از روی نسخه آستان قدس آن را استنساخ کرد.

«۷۸۳» لوائح القَمَر

(نجوم ــ فارسی)

از: ملّا حسین بن علی، واعظ کاشفی، صاحب «روضه الشهداء. ش ۴۲۶».

کتاب: در اختیارات نجومی است در یک مقدمه و بیست فصل.

نسخه: به خطّ نستعلیق عناوین و جداول به شنگرف. نام کاتب ندارد. تاریخ پایان استنساخ: ۶ ذیحجّه ۱۰۶۴. اثر تصحیح و مقابله ندارد.

«۷۸۴» لوامع ربانی لمحات در رد شبه نصرانی

(عقائد ــ فارسی)

دانشمند بزرگ میر سیّد أحمد بن زین العابدین علوی خاله زاده و داماد میرداماد که در «علاقه التجرید. ش ». از او و خاندانش یاد کردیم این کتاب را به سال ۱۰۳۱ در ردّ یکی از قسّیسان نصارای فرنگ که رساله ای در ردّ اسلام نوشته بود تألیف کرد. وی کتاب دیگری نیز در این زمینه به نام «مصقل الصفا در ردّ شبهات نصاری» یک سال پس از آن تاریخ نگاشت که درباره آن و سایر آثار مؤلف صحبت خواهیم کرد. کتابی نیز در ردّ یهود نگاشته بنام «صواعق الرّحمن» که یاد می کنیم.

از گزارش زندگانی امیر سیّد احمد چندان اطلاعی در دست نیست؛ جز این که جمعی از اساتید و مشایخ اجازه و نام تألیفات و اسامی اولاد و اعقابش معلوم و نسخ بعضی از آثارش نیز موجود است.

شیخ حرّ عاملی ــ قدّس سرّه ــ نیز که در «امل الآمل: ۶» او را عنوان کرده مختصرًا فرموده است که وی عالم فاضل محقّق متکلّم از شاگردان میردامادست... و نزد شیخ بهائی هم درس خوانده، انتهی.

و شیخ عبدالنّبی قزوینی هم در «تتمیم امل الامل» عنوانی برای او وضع کرده گوید: وی مردی عالم و فاضل و متفنّن بوده تألیفات زیادی دارد، مگر این که چون بر آثار میرداماد تعصّب می ورزید از دلهای مردم ساقط شد و به کتابهایش التفاتی حاصل نگردید، چنانکه از کلمات بارِدَه او در کتابی که به نام «النّفحات الّلاهوتیّه فی العثرات البهائیّه» تألیف کرده به خوبی معلوم می شود، انتهی. بنگرید به «اعیان الشیعه ۹: ۴۰۸».

ظاهرًا مقصود از تعصّب داشتن امیر سیّد احمد این است که وی چون پسرخاله

و داماد و شاگرد میرداماد و مجاز از او بوده و با کتابها و کلمات مخصوصه میر اُلفتی تمام داشته لذا مدّه العمر مَحوِ آثار او بوده و به دیگران توجّه و اعتنائی نداشته است، بلکه کتابی هم به نام «النّفحات اللّاهوتیه» نگاشت و در آن بر شیخ بهائی «استاد خود» در آثارش خرده گرفت و لغزشهایی که در آنها به فکر خود یافت برشمرد.

پس، همین أعمال او سبب شده است عامّه مردم که همیشه متوجّه مردان بزرگ دینی هستند از آثار امیر سید احمد إعراض کنند و از دیده خود بیندازند، همچنان که میر سیّد لوحی موسوی سبزواری در اثر معارضه با دو علّامه مجلسی از چشم مردم ساقط گردید و کتابهایش متروک و مهجور ماند.

اتّفاق را امیر سیّد احمد نیز در اوائل کار امیر سیّد لوحی که به مناسبت رساله ای که در هجو ابو مسلم خراسانی معروف و حسین بن منصور حلّاج نوشته بود مردم بر او شوریده و به آزار او برخاسته بودند؛ در سال ۱۰۴۳ رساله ای به نام «اظهار الحقّ و معیار الصّدق» به حمایت از میر سیّد لوحی نوشت و در آن به ذمّ و نکوهش او مسلم پرداخت و حقیقت احوال او را ظاهر ساخت و از سیّد دفاع نمود و در نَجات او از شرّ عوام کوشید، همچنان که جمعی دیگر از دانشمندان زمان یک باره به یادی سیّد لوحی برخاستند و شانزده کتاب و رساله دیگر نوشتند که تفصیل این داستان و نام آن دفاعیّه ها را میرسیّد محمّد عبدالحسیب فرزند میر سیّد احمد «در تاریخ ۳ ع ۲ _ ۱۰۶۳» و یکی دیگر از دانشمندان در ظهر نسخه «اظهار الحقّ و معیار الصّدق» به خط خود نوشته اند، و مؤلّف بزرگوار «ذریعه ۴: ۱۵۰ _ ۱۵۱ و ۱۱: ۹۱ _ ۹۲» ذیل عنوان «ترجمه ابی مسلم مروزی» و «رساله اظهار الحقّ...» و همچنین مؤلّف فاضل «فهرست دانشگاه ۵: ۱۴۹۷ _ ۱۵۰۷» ذیل عنوان «کفایه المهتدی فی معرفه المَهدی» که معروف به اربعین میرلوحی است در این باره گسترده تر سخن گفته اند، و از کتاب مذکور معلوم می شود این دو خاندان به هم نزدیک بوده و روابط دوستانه داشته و از یکدیگر حمایت می کرده اند، چنان که بنا به نگارش مؤلف «فهرست دانشگاه ۵: ۱۵۰۵» شرحی از پارسایی و نیکی امیر سیّد احمد نیز در آن کتاب آمده است(۱).

---

۱ – ۱) ظاهرًا داستان نماز جماعت و مسجد میرزا محمد عبدالحسیب که در «کفایه المهتدی» مذکور و در «فهرست دانشگاه ۵: ۱۵۰۰» منقول است راجع به فرزند همین میر سید احمد «علاقه التجرید. ش » باشد.

باری، از تاریخ تولّد و وفات امیر سیّد احمد نیز اطلاعی نداریم، جز این که اجازات او و بیشتر تألیفاتش دارای تاریخ است، و یکی از قدیمترین آثار تاریخ دار او نسخه ای از کتاب «تعلیقات» در منطق است که تمامًا در ۱۷۸ برگ به خطّ او و به تاریخ پنجم ماه شعبان(۱) ۱۰۰۵ از کتابت آن فراغت یافته و این نسخه در «فهرست رضویّه ۴: ۵۱» شناسانده شده و تصویری از آخر آن روبروی صفحه ۵۶ همان جلد دیده می شود.

و در «ذریعه ۸: ۱۹۸» و «فهرست دانشگاه ۳: ۱۸۹ و ۲۴۹ و دیباچه بخش دوم همین جلد. ص دو» است که وی بعد از سال ۱۰۵۴(۲) و قبل از ۱۰۶۰ بدرود زندگی گفته، و به موجب آنچه در «رجال اصفهان: ۹۴» و غیره آمده وفاتش در اصفهان واقع شده و در تکیه آقا رضی که فرزندش سید محمّد عبدالحسیب نیز در آن مدفونست به خاك سپرده شد لکن اثر قبر او دیده نمی شود.

مؤلّف «أعیان الشیعه ۹: ۴۰۷ _ ۴۱۵» نیز که برای امیر سیّد احمد عنوانی قرار داده اند سوای مطالبی که در مدح و ثنایش از اجازات و آثار تألیفی او و نواده اش امیر سید اشرف مستفاد می شود و هم نقل کلام شیخ عبدالنبی قزوینی و فهرست اسامی تألیفات او چیزی اضافه نکرده، جز این که در آغاز عنوان فرموده اند که وی ظاهرًا در بلاد عجم متولّد و تربیت شده، زیرا علّامه مجلسی در مجلّد اجازات «بحار» کلام او را در خصوص روایت کتب اربعه نقل کرده اند و به عبارت فارسی است.

امیر سید محمّد اشرف بن عبدالحسیب که «علاقه التجرید» او را «در شماره » شناساندیم و نواده پسری امیر سیّد احمد است در کتاب دیگرش «فضائل السّادات» مکرّر از او یاد و از تألیفاتش بسیار نقل کرده و احترام زیادی گذارده و أحمد المحقّقین یا أحمد المجتهدین، یا احمد الفضلاءِ و المحقّقین، و سیّد المحقّقین الأمجدش خوانده است.

از آثار فلسفی و کلامی وی نیز مستفاد می شود که همچون عموم دانشمندان شیعی

۱- ۱) در فهرست اشتباهًا «رجب» چاپ شده است.

۲- ۲) مأخذ این تجرید را در «ذریعه ۷: ۲۶» فرمایند که نسخه «حظیره الانس» دانشگاه طهران در ۱۰۵۴ کتابت شده و آنجا کاتب تصریح نموده که در حیات مؤلّف است. حظیره از تألیفات سید احمد است و بعدًا یاد می کنیم.

در فلسفه دارای روش اشراقیان بوده است، و در «فهرست دانشگاه ۳: ۴۵۷» نیز به این مطلب تصریح کرده اند.

چنان که گفتیم میر سیّد احمد شاگرد پسر خاله و پدر زن خود میرداماد بوده و از او دو اجازه روایت یافته است که صورت هر دو بـا صـورت اجـازه شـیخ بهـائی ــ رحمـه اللّه علیهـم ــ برای او در آخر «فضائل السّادات ۴۷۹ ــ ۴۸۲» و مجلّد اجـازات «بحارالانوار: ۱۳۱ ــ ۱۳۲» و «اعیان الشیعه ۹: ۴۰۹ ــ ۴۱۳» مندرج است، و در آغاز اجازه نخستین در تعریف مجاز گوید: «فانّ الولـد الرّوحانی والحمیم العقلانی السیّد السـند الأیّد المؤیّد الالمعیّ الیلمعیّ اللّوذعی الفرید الوحید العلم العالم الفاضل الکامل ذاالنّسب الطـاهر و الحسب الظـاهر و الشـرف البـاهر و الفضل الزّاهر نظامًا للشرف و المجـد و العقل و الـدّین و الحق و الحقیقه: أحمد حسینیّا...». این اجازه مورّخ نیمه ج ۱، ۱۰۱۷ می باشد.

و در اجازه دیگر فرمایـد: «فانّ السیّد الأیّد المؤیّد المتمصّر [المتبصر. ظ] المتبحّر الفاخر الـذّاخر العلم العامل الفاضل الکامل الراسـخ الشّامـخ الفهّامه الفخّامه الکرّامه افضل الأولاد الرّوحانیّین و أکرم العشائر المعقلانیّین، قرّه عین القلب و فلـذه کبـد العقل نظامًا للعلم و الحکمه و الإِفاده و الافاضه و الحقّ و الحقیقه: احمد الحسینی العاملی...». تاریخ اجازه به سال ۱۰۱۹ است.

و در اجازه شـیخ بهاءالـدین محمّـد عاملی است: «فقـد أجزت للسیّد الأجلّ الفاضل التقی الزکی الـذّکی الصّفی الوفیّ الألمعی اللّوذعی شـمس سـماءِ السّیاده و الإفاده و الاقبال و غرّه سـیماءِ النقابه و النجابه و الکمال سیّدنا السند کمال الدین احمد العلوی العـاملی...». تاریـخ این اجـازه در «فضائل السادات» و «کشف الحجب: ۷» ربیع دوم سـال ۱۰۱۸ «الثامنه عشـر بعد الألف» است، لکن در «اجـازات بحار: ۱۳۲» به جـای «الثامنه» «الثانیّه» آمـده و به همین دلیل در عموم کتابهایی که تاریـخ این اجازه را ضـبط کرده اند آن را «۱۰۱۲» نوشته اند، جز این که تاریخ «۱۰۱۸» صحیح تر می نماید.

میرداماد در ضمن اجازه مورّخ ۱۰۱۷ گوید که وی مدّتی است نزد من مشـغول تحصـیل است و از عهده فهم و ادراک مطالبی که من به او اِلقـاء کرده ام به خوبی برآمـده، و از جمله چیزهایی که نزد من خوانـده فنّ سـیزدهم «کتاب شـفاء» که إلهیّات آن یعنی «حکمه ما فوق الطبیعه» است، و اکنون هم مشغول خواندن فنّ «قاطیغوریاس» آن است،

و نمط اول و سوم کتاب «اشارات» و شرح خواجه را هم در مجلس درسم حاضر بوده و فرا گرفته است، چنانکه از کتابهای خودم کتاب «الأُفق المُبین» که دستور حقّ و پرگار یقین است، و «الایماضات و التشریفات [مسأله حدوث و قدم]» که صحیفه ملکوتیه است، و کتاب «تقدیسات» که پیرامون تمجید و توحید و در آن نشانهای آشکار است؛ و همچنین باب طهارت «قواعد» علّامه حلّی و شرح آن از جدّم محقّق بزرگ «محقّق کرکی»، و بعضی هایی از تفسیر «کشّاف» و حاشیه آن از میر سیّد شریف؛ تمام اینها را به دقّت و تعمّق در نزد من خوانده و فرا گرفته است، و اکنون هم مشغول «قواعد» شهید اوّل می باشد. سپس به او اجازه روایت داده.

و نیز در اجازه مورّخ ۱۰۱۹ گوید که وی «میر سیّد احمد» فنّ بُرهان از «کتاب شفاء» را در منتهای دقّت و تحقیق نزد من خواند...

تألیفات امیر سیّد احمد:

۱ــ «مصقل صفا». فارسی. دو نسخه از آن در آستان قدس موجود و در «فهرست رضویّه ۱: ۸۲» گوید: «این کتاب در ردّ شبهات نصاری و بیان تغییر اناجیل اربعه است و ردّ بر کتابی است که در بلاد هندوستان پاره ای از علماء نصاری تصنیف کرده بوده اند در إثبات تثلیث، و از خودشان بر ردّ خودشان نموده در نهایت تنقیح و در سنه ۱۰۳۲ نوشته شده...». از این کتاب دو نسخه نیز در «فهرست مجلس ۱: ۵۸ و ۲: ۴۵۳» به عنوان «مصقل صفا در تجلیه و تصفیه آینه حق نما» معرّفی شده و گوید تاریخ تألیف مطابق عدد «غلب» است که در یک رباعی در پایان کتاب آمده. نواده مؤلّف نیز در «فضائل السّادات» ازین کتاب نقل کرده است.

۲ــ «کشف الحقایق فی شرح تقویم الایمان». عربی. متن آن از میرداماد است و از این کتاب نیز دو نسخه در کتابخانه آستان قدس موجود و در «فهرست ۱: ۶۸ ــ ۶۹» معرّفی شده و در آنجا گوید: «این رساله مشتمل قسمتی از امور عامّه و بحث از واجب و صفات اوست و استطرادًا مشتمل بر بعضی ابحاث منطقی است. شارح: سید احمد... نخست این شرح را به صرافت طبع تألیف فرموده پس از اتمام این نسخه که به خط خود شارح است و در ظهر آن به عنوان تحفه به میر محمّد مؤمن نامی اهداء نموده، چندی بعد همین «کشف الحقایق» را مختصر تغییری داده و دیباچه آن را عوض نموده ثانیًا دیباچه

مفصّلی به نام شاه صفی نوشته تقدیم وی فرموده است. نسخه ای که ذیلًا تحت شماره «۲۲۳» ضبط می شود همان نسخه است. به طوری که ذکر شد این نسخه به خط شارح، تاریخ تحریر آن «۱۰۲۳» است و در سنه «۱۰۳۶» شیخ محمّد بن خاتون از ورثه میر محمّد مومن مزبور خریدرای نموده...»، انتهی.

نسخه یی از این کتاب نیز در دست مؤلّف «کشف الحجب: ۴۴۶» بوده، و تقریظ میرداماد را که بر آن نوشته در آنجا نقل کرده است.

۳ــ «ریاض القدس» یا «التعلیقه القدسیّه» یا «مصابیح القدس و قنادیل الاُنس» عربی. شرح و حاشیه ای است بر «شرح تجرید» قوشجی و بر حاشیه محقّق خفری. این کتاب در «ذریعه ۱۱: ۳۳۴» مفصّلًا مذکور و نسخه اصل آن را در طهران و نسخه ای دیگر در کربلای معلّی نشان داده اند. تاریخ تألیف این کتاب ۱۰۱۱ «مطابق عدد ریاض» است و آن را به شاه عباس اوّل تقدیم کرده. مؤلّف بعدًا این کتاب را کوتاه نموده و به «حظیره القدس» نامیده است.

۴ــ «روضه المتّقین». عربی. حاشیه ای است بر مقصد ۵ و ۶ کتاب «تجرید العقائد» خواجه نصیرالدین که در مبحث امامت و معادست و بعد از کتاب «ریاض القدس» تألیف کرده. نسخه آن را نگارنده «ذریعه ۱۱: ۳۰۲» در کربلا نشان داده اند.

۵ــ «المعارف الإلهیّه». عربی. در شرح حدیث من عرف نفسه عرف ربّه، نسخه آن در دست مؤلّف «کشف الحجب و الأستار: ۵۳۱» بوده است.

۶ــ «مفتاح الشفاء و العروه الوثقی». عربی. حاشیه ای است بر إلهیّات «شفا»، نسخه آن نیز در دست صاحب «کشف الحجب: ۵۴۰» بوده و در هامش بعضی مواضع نسخه شفاء کتابخانه مرکزی پاره ای از این حواشی آمده است «فهرست دانشگاه ۳: ۲۹۰». نام این کتاب در «کشف الحجب» به نحو مرقوم است، لکن در «اعیان الشیعه ۹: ۴۱۵» العروه الوثقی را کتابی سوای مفتاح الشفاء نوشته اند.

۷ــ «لطائف غیبی». فارسی. نسخه آن در آستان قدس موجود و در «فهرست رضویّه ۱: ف ۳: ۵۷» گوید: «موضوع این کتاب تفسیر آیات وارده در اصول دینیّه... و تاریخ شروع در آن سنه ۱۰۳۳ است که مطابق است با عدد شریعت احمد...»(۱).

---

۱ – ۱) لطائف غیبیّه به سال (۳۹۶ ق) با مقدمه ای در ۹۰ صفحه پیرامون احوال و آثار خاندان مؤلّف طیّ ۵۷۶ صفحه، به کوشش مرحوم سیّد جمال الدین میردامادی، در تهران به چاپ رسید. «شرح کتاب القبسات» میر سیّد احمد نیز به سال (۱۳۷۶ ش) در تهران به کوشش جانکاه صدیق جوان دانشمند آقای حامد ناجی اصفهانی، سلمه اللّه، با مقدّمه و فهارس، طیّ ۷۴۷ صفحه چاپ شد.

۸_ «مناهج الأخيار فی شرح الاستبصار». عربی. یک نسخه از جلد سوم این کتاب مبسوط که شامل کتاب الحجّ است و در سال ۱۰۳۹ به نگارش آن شروع کرده در «فهرست رضویّه ۵: ۱۸۲» و «فهرست فاضلیّه: ۸۳» شناسانده شده.

۹_ «اظهار الحق و معیار الصّدق». فارسی. در بیان احوال ابومسلم مروزی مقتول به سال ۱۳۷ که دولت اُموی را برانداخت و عبّاسیان را روی کار آورد، چنان که سابقًا گفتیم این کتاب را در ۱۰۴۳ به تأیید امیر لوحی موسوی تألیف کرده است. نسخه آن که نزد دانشمند بزرگ آقا شیخ محمّد رضا ابوالمجد اصفهانی بوده در «ذریعه ۱۱: ۹۱ _ ۹۲» و «۴: ۱۵۰ _ ۱۵۱» یاد شده است.

۱۰_ «جواب سؤالات خواجه نصیرالدین طوسی» از شمس الدین خسروشاهی. فارسی. این رساله را به خواهش محمّد صالح کرامی(۱) نوشته است و نسخه آن در «فهرست دانشگاه ۳: ۱۸۹» معرّفی شده، و درباره اصل سؤالات هم در ص ۳۸۱ همان جلد گزارش داده اند.(۲)

۱۱_ «حظیره الأُنس من أرکان کتاب ریاض القدس». عربی. در آغاز گوید که پیشترها بر حواشی خفری بر إلهیّات تجرید تعلیقاتی بنام «ریاض القدس» نوشتم، چون خوانندگان کم مایه را خسته می کرد از آن گزین نموده و به این نام نامیدم، و در آغاز حجّه ۱۰۳۷ است که به نگارش آن می پردازم. و در پایان کتاب گوید: حظیره... تمام شد و پس ازین کتاب دیگر ما «روضه المتقین فی امامه الائمه المعصومین» خواهد آمد، هم در پایان کتاب از سه تألیف فارسی خود «مصقل الصّفا»، «اللّوامع الربّانیه» و «صواعق الرّحمن» یاد

ص : ۳۵۶

۱- ۱) ملا مراد تفرشی هم در ذی الحجه ۱۰۴۷ رساله «اثبات واجب» را برای همین شخص نوشته است، و در «فهرست دانشگاه ۳: ۳۵۰» از آن یاد شده.

۲- ۲) برای آگاهی بیشتر، کتاب گران قدر «احوال و آثار خواجه نصیرالدین، ص ۵۰۹ _ ۵۱۰» از مرحوم آقای مدرّس رضوی مراجعه شود. نیز: برای سؤالات خواجه از خسروشاهی و جواب صدرا، لازم است به تعلیقه «کتاب الشفاءِ» خود صدرا (ص ۱۷۰ طبع یکم) که در آغاز جلد دوم «شفاءِ» شیخ الرئیس به سال (۱۳۰۵ ق) در تهران چاپ سنگی شده است رجوع فرمایند.

کرده است. نسـخه حظیره در کتابخـانه مرکزی دانشـگاه طهران موجـود و در «فهرسـت دانشـگاه ۳: ۲۴۹» و «ذریعـه ۷: ۲۶» شناسانـده شده است. نسخه ای دیگر نیز در کتابخانه مدرسه آیه اللّه بروجردی در نجف اشـرف است که در «ذریعه ۱۱: ۳۳۴» از آن یاد شده، و در آنجا فرموده اند که مؤلّف این کتاب را به سلطان قطب شاه هدیّه کرده است.

۱۲ـ «معراج العارفین» در شرح «منهاج السّالکین» که آقای معلّم حبیب آبادی در «مکارم الآثار» به او نسبت داده اند.

۱۳ـ «حواشـی من لاـ یحضـره الفقیه». عربی. نواده مؤلّف در «فضائل السّادات: ۳۱» از آن نقـل کرده و در «ذریعـه ۶: ۲۲۳» نیز مذکورست.

۱۴ـ «بیـان الحقّ و تبیـان الصّـِدق». عربی. این کتـاب پیرامون احکام وقف از مسائل فقهیّه تألیف شـده و نسـخه قـدیمی آن در «فهرست رضویّه ۲: ۱۵» معرّفی و در «ذریعه ۳: ۱۷۹» نیز مذکور است.

۱۵ـ «رساله در سیادت شریف». در «فضائل السّادات: ۳۰» به همین عنوان یاد شده و فرموده است که آن رساله مبسوطی اسـت مستند به آیات و أحادیث. در «ذریعه ۱۲: ۲۷۰» نیز به عنوان «سیاده الاشراف» مذکورست.

۱۶ـ «المنهـاج الصـفوی» که در بـاب فضائـل سادات است و مکرّر در کتاب «فضائل السادات» از آن نقل کرده، و همین کتاب است که حـاجی نوری راجع به «تاریـخ قم» عربی و فارسـی مطـالبی از آن اسـتنباط فرموده انـد، چنـان که در «علاـقه التجریـد. ××ش» گذشت.

۱۷ـ «تعلیقـات جـواهر و أعراض تجریـد». عربی. در رسـاله «جـواب سؤالاـت خواجه» از آن یـاد کرده، چنـان که در «فهرسـت دانشگاه ۳: ۲۴۹» مذکور است.

۱۸ـ «صواعـق الرحمن در ردّ مـذهب یهـودان». فارسـی. در پایـان کتب «حظیره الاُـنس» خـود از آن یـاد کرده است. به عنوان «لوامع ربانی» رجوع شود.

۱۹ـ «النّفحات الّلاهوتیّه فی العترات البهائیّه» پیش تر ذکر شد.

۲۰ـ «رساله در ردّ محمّـد امین استرآبادی» که قائل به طهارت خمر شده و چیزی در این باره نوشـته بود. فارسـی. این رساله را در سال ۱۰۳۴ تألیف و در آن نجاست خمر را به دلیل قرآن و حدیث و اجماع ثابت کرده است. نسخه ضمیمه سه رساله آتیه.

۲۱ــ «رساله در نماز زیارت». فارسی. این رساله مختصر را برای شاه نوشته است.

۲۲ــ «رساله در بیان نسب معویه». فارسی. این نیز برای شاه نوشته شده.

۲۳ــ «رساله در بیان اقوال درباره دابّه الأرض که از آیات است». فارسی. این رساله مختصر ضمیمه سه رساله بالا در مجموعه ای قرار داد که ان شاء اللّه در این فهرست معرّفی می کنیم.

۲۴ــ لوامع ربّانی، در ردّ شبه نصرانی» یا «اللّوامع الإلهیّه»: فارسی. همین کتاب جای گفتگو که چنان که گفتیم در ردّ کتابی است که یکی از کشیشان و مبلّغان نصاری بر ضدّ اسلام نوشته بود. علّامه عاملی در «اعیان الشیعه ۹: ۴۱۵» اشتباهًا این کتاب را با «صواعق رحمانی» یکی دانسته اند.

مؤلّف، جمله جمله، کلام نصرانی را نقل و در آخر هر جمله «انتهی» آورده سپس به کلمه «یا معشر النصاری!» شروع به ردّ کلام او می فرماید.

وی در این کتاب از «شرح شفاء» و «ریاض القدس و حظیره الأُنس» خود یاد می کند، و در اضافاتی که بعد از تألیف در کنار صفحات إلحاق نموده چند جا مطلب را به کتاب «مصقل صفا» حواله می کند. از آنجا که «مصقل صفا» پس از «لوامع ربانی» تألیف شده توان گفت مؤلّف خود به «لوامع ربّانی» علاقه بسیار داشته که حتّی پس از تألیف مصقل نیز آن را تکمیل می نموده و حقّاً هم کتاب بسیار نفیس ذی قیمتی است و مطالعه آن برای مسلمان و غیر مسلمان از عالم و عامی کاملًا مفید واقع خواهد شد.

مؤلّف در پایان کتاب خاتمه ای درباره شرفهای پیامبر صلی الله علیه و آله آورده به این عنوان: «ختامٌ مسکیٌّ. چون که معجزات آن حضرت قبل از این مذکور شد سزاوار چنان است که بعضی از شرفهای آن حضرت نیز مذکور شود. شرف: بدانکه دین آن حضرت همیشه ثابت و مستمّر است...».

نسخه لوامع ما نسخه اصل مصنّف است و از نسخه دیگری اطلاع نداریم و در فهرست های معمولی هم چیزی در این باره نوشته نشده است.(۱)

---

۱ - ۱) پس از چندی نسخه دیگری از این اثر در کتابخانه ملّی پاریس یافت شد. رجوع فرمائید به نامه این جانب به پرفسور هانری کربن: «دومین دوگفتار: ۱۰۹ ــ ۱۱۶. چاپ اصفهان ــ قم، ۱۳۸۶ ش». باز، نسخه دیگری در یک مجموعه به خط فخرالدین بن شاه قاسم یزدی، مورّخه «۱۰۶۸» به دست آمد که در بخش مجموعه های فهرست حاضر «مجلّد سوم یا چهارم» خواهیم آورد.

آغاز: «بسم ... الحمد للّه الّذی هدانا لهذا و ما کُنّا لِنَهتدی لولا أن هَدینا اللّه. مخفی نماند بر مدارک اصحاب ایمان و مشاعر ارباب بینش و عرفان، سیّما بر حامیان حوزه اسلام و حاویان مراتب فضل و احترام ـ لازالت أطناب خیام حراستهم مربوطةً بأوتاد الخلود، و لا برحت عذبات رایات حمایتهم منطوطةً بالعود الی یوم الموعود ـ که در تاریخ شهر محرّم الحرام سنه احدی و ثلثین بعد الألف... بعضی از قسّسیان و رهبانان از فرنگیان متوجّه بعضی از سخنان ـ اعلی سبیل الظنّ و طریق الحُسبان ـ در نفی نبوّت نبیّ الإنس و الجانّ و واقع نبودن تغیّر در أناجیل گردیده، و متصدّی ذکرآن در رساله ای شده، مَطامح ظنون و مَطارح عیونش گردانیده؛ به گمان آنکه جوابِ از آن بر دانشورانِ معالم اُنس و معتکفان صوامع قدس ـ که سرچشمه های جویبار هدایت و مطالع أنوار درایتند ـ متعذّریا متعسّر است!.

لامحاله، این کمینه بی مقدار و ضعیف بنده خاکسار، أقلّ المحتاجین إلی رحمه اللّه الغنی: احمد بن زین العابدین العلوی ـ غفر اللّه ذنوبه و محی بلطفه حَوبَه ـ با قلّت بضاعت و کثرت اضاعت ـ علی مسلک الاستعجال و منهج الإرتجال ـ متوجّهِ ردّ آن شده و سخنان او را ـ بعبارته ـ نقل نموده، و از کتابهای آسمانی که نزد ایشان معتبرند، مانند

جای سند

ص : ۳۶۰

«انجیل» متی و مرقس و لوقا و یوحنّا و «زبور» و توریه» دفعِ کلمات آن را نموده و نقاب خفا را از چهره مخدّرات حورا صـفاتِ حقایقِ معانی که قدسـی نژادانِ شهرستانِ قدس و نورستگانِ اُولی المنّ اُنس...(۱) به معانی باریک آن توانند گشاد و به شهاب ثاقب برهان عقل نیز سخنان شیطانی او را مرجوم ساخت.

و چون از تأییدات إلآهی و توفیقات نامتناهی است موسوم به «لوامع ربّانی، در ردّ شُبَه نصرانی» گردانیده، و باللّه التوفیق».

انجـام: «شـرف دیگر: آنست که خـدای تعـالی یهودان که دشـمنان آن حضـرت انـد خوار و حقیر گردانیـده مسـکنتی بر ایشان گماشت که در هر شـهری از شهرهایی که ما ایشان را می بینیم ذلیل تر از همه کافرانند و بدشکل تر از همه ناکسانند، و ایشان را پیش ازین پادشـاهی بـوده است تـا آنکه پیغمـبران را می کشـتندی و دعوی کردنـدی که مسـیح را بکشـتند، و در هر جزیره عزیرتر از جمله اهل آن بودنـد؛ چون أهل خیبر و فـدک و قریظه و غیر آن، و امروز در میان هر امّتی که هسـتند ذلیل و حقیر و خوارند و اگر چه خداوندان مال باشـند، و این همه از جهت دشـمنی و عداوت به آن حضـرت است. و مانند این شـرفها بسـیار است و ذکر آن موجب خروج از مطلب این کتابست، شعر:

إنّ القلیل من الکلام بأهله حسنٌ و إنّ کثیره ممقوتُ

چه ظـاهر است که اگر ملاحظه این رسـاله رایقه نمـوده تعصّب را از میـان برداریـد شـما را تصـدیق به مضـمون این چنـد بیت حاصل آید، شعر:

ز أحمد تا أحد یک میم مابین ولیکن میم آن مرآت کونَین

چه ظاهر شد أحد در دور میمش دو عالم شد معطّر از نسیمش

چو حکم حکمت فردیّت او داشت لوای رفعت جمعیّت او داشت(۲)

...ربّنا! لا تُزغ قُلوبنا بعـد إذ هـدیتَنا وهبْ لنا من لّـدنک رحمه إنّک أنت الوهّاب، حمدًا له ثمّ حمدًا له، که نقاب خفاء از چهره مخـدّرات معنی برداشـته مطامـح ظنون و مطارح عیونِ یارانِ این زمان گردانیـده، پس فصـیح زبانان متوجّه تاریـخ تصـنیف این رساله واضحه البرهان لا یحه التبیان، الموسومه بـ«اللّوامع الإلهیّه» الّتی تَرَعْرَعَنا فی حدائِق الملّه أغصان أحکامها، کشجرهٍ طیّبهٍ أصلها ثابتٌ و فرعها فی السّماء... گردیده، در رشته چندین رباعی

۱- ۱) خوانده نمی شود.

۲- ۲) ظاهرًا باید «افراشت» باشد.

کشیده گفته اند، به توقّع آنکه در خاتمه این رساله ذکر کرده شوند، فلذا این کمینه جمیع آنها را ذکر نموده جرح و تعدیل ایشان حوالت به حدس صایبان و نظرِ ناظران است. و آن رباعیات که هر مصراع آن تاریخ تصنیف این کتاب است که دقایق پناه آقا محمّد مقصود گفته اینست:

«پرتویاب لوامع ربّانی» «از دولت ایمان علیّ عمرانی»

«تعلیم نکرده سیّد احمد بن از این» «حقّا جز ردّ شُبه نصرانی»

رباعی دیگر:

احمد از برق خاطر نورانی خاکستر کرد شبه نصرانی

از عالم غیب سال تاریخ آمد «پرتو یاب لوامع ربّانی»

رباعی دیگر:

این نسخه که سیّد احمد آن را بانیست تاریخ زهر مصرع بیت ثانیست

«گنجیست ز علم حق بصافی دل وی» «یک لؤلؤ از آن لوامع ربّانیست»

رباعی دیگر که هر مصراع تاریخ تصنیف این کتاب کثیر البرکات است:

«سیّد احمد عالم دانش پرور» «آن مهر سپهر دین با علم و هنر»

«بنمود ز ردّ شبه نصرانی» «اصحاب پلیدناررا پاره جگر!»

رباعی دیگر.

«سیّد احمد کرد بتوفیق امام» «ردّ شبه مسیحیان؛ میر کلام»

«یابند ارباب فهم کز هر مصراع» «آمد بیرون زمان فتح اسلام»

نسخه: دارای ۱۰۹ برگ، روی برگ اول و ظهر برگ آخر سفید است، کاغذ هندی، موریانه خورده، خط نسخ ۱۲ سطری، عناوین و خطابات «یا معشر النّصاری» به شنگرف، بالای مطالب منقول از رساله نصرانی نیز به شنگرف خط کشیده است. جلد تیماج مشکی یا لا، تاریخ کتابت و نام کاتب ندارد، لکن ظاهرًا تمام نسخه به خطّ مؤلّف

و تاریخ کتابت نیز همان سال ۱۰۳۱ یعنی تاریخ تألیف است. در اغلب صفحات در متن و هامش اصلاحات و اضافات به خط مؤلّف فراوان دیده می شود. قطع ۱۳ × ۱۹ و نیم، متن ۷ × ۱۳، روی برگ ۱ اثر دو مهر بزرگ و کوچک نمایان است لکن محو شده و خوانده نمی شود.

«۷۸۵» لوامع صاحبقِرانی

(حدیث ـ فارسی)

از: مولانا محمد تقی مجلسی، قدّس سرّه.

کتاب: شرح فارسی شارح است بر «کتابُ مَن لا یحضره الفقیه» تألیف شیخ صدوق ابوجعفر محمّد بن علی بن بابویه قمی، علیه الرحمه.

نسخه: مجلّد اوّل تا آخر شرح کتاب طهارت است، شارح در آغاز این جلد نام خود را: «محمّد تقیّ بن بن علی الملقّب بالمجلسیّ»، و در پایان آن: «محمّد تقیّ بن مجلسیّ الاصفهانیّ النطنزیّ العاملیّ»، و تاریخ پایان تألیف شرح کتاب طهارت را، دهه سوم محرّم ۱۰۶۵ ذکر کرده است.

نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد و حدود زمان تألیف نوشته شده است. اخیرًا در صحّافی مقداری از کتاب الزکوه که ناقص الآخر است به همین خطّ و به همین مشخّصات ضمیمه کتاب طهارت شده است.

برگ اوّل نسخه مفقود شده و چون برگ اوّل کتاب الزکوه دارای سرلوحه است لابدّ آن برگ نیز سرلوحه داشته است.

تمام صفحات مجدول و مذهّب است.

امتیاز تصحیح و تحشیه ندارد.

«۷۸۶» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز مجلّد اوّل کتاب است، تا منزوحات بئر، و از آخر ناقص است و تا شرح قول مصنّف «و أکبر ما یقع فی البئر الانسان فیموت فیها، الخ» است.

انجام موجود: «که این مسئله از ما لا نصّ فیه نیست چون حضرت فرموده است که از جهت».

در حاشیه بسیاری از صفحه نوشته اند که با نسخه اصل مقابله شده است.

ص : ۳۶۴

روی برگ اول این عبارت نوشته شده: «ذا ممّا وهبنی والدی العلاّمه حفظه اللّه تعالی من أهوال القیمه، و أنا الفقیر محمّد صادق بن محمّد جوز الاصفهانی فی سنه...» که تاریخ آن پاک شده و مُهر «افوّض أمری الی اللّه عبده محمد صادق ۱۱۹۱» همانند نسخه ش ۷۸۷.

در مقدمه این نسخه نام مؤلّف چنین است: «محمّد تقی بن العلّی الملقّب بالمجلسیّ».

«۷۸۷» نسخه دیگر

نسخه: مجلد دوّم کتاب است مشتمل بر کتاب صلوه.

آغاز: «بسم... الحمد... أبواب الصلوه».

انجام: «و مهج الدّعوات از جهت دفع بلایا تمام است».

نام کاتب و تاریخ کتابت و اثر مقابله و تصحیح و تحشیه و تزیین و امتیازی ندارد. به قرائن نزدیک به زمان مؤلف نوشته شده. برگ آخر با خط کلّ نسخه تفاوت دارد. شاید شخص کاتب از خوشنویسی تقاضا کرده است که خاتمه نسخه را به خطّ خوش بنویسد.

تملّک فهیم کلیددار سنه ۱۱۲۶ و مهر او «منتظر لطف اِلهی فهیم ۱۱۱۷» در آخر نسخه هست.

«۷۸۸» نسخه دیگر

نسخه: از آغاز کتاب زکوه است تا آخر باب اعتکاف.

تاریخ ختم تألیف اعتکاف: اواخر محرّم ۱۰۶۶. کاتب: ابوالحسن بن العلی الحسینیّ «الحسنی؟» الواتانی «؟» تاریخ پایان استنساخ: ماه رمضان ۱۰۷۱. اوائل نسخه اثر تصحیح و مقابله دارد.

روی برگ اوّل تملّک صاحب مهر «محمد جعفر بن محمّد مهدی ۱۱۵۸» به تاریخ ۱۱۶۱ و پس این عبارت فرزندش: «ممّا وهبنی والدی العلاّمه حفظه اللّه تعالی من أهوال القیمه و أنا الخاطی محمّد صادق بن محمد جعفر الاصفهانی فی سنه ۱۲۰۴» همانند نسخه ش ۷۸۵.

«۷۸۹» نسخه دیگر

نسخه: از باب علل حجّ است تا آخر اعتکاف. تاریخ پایان تألیف: اواخر

محرّم ۱۰۶۶.

نام کاتب و تاریخ کتابت معلوم نشد. ظاهرًا نزدیک زمان مؤلّف استنساخ شده. صفحات جدول کشیده و صفحه اوّل دارای سرلوحه می باشد. و آثار مقابله و تصحیح ندارد.

«۷۹۰» مغنی اللبیب عن کتب الاعاریب

(نحو ــ عربی)

از: عبداللّه بن یوسف بن احمد مصری معروف به ابن هشام نحوی حنبلی.

کتاب: از مشاهیر کتب و ادب عربی است و مکرّر بطبع رسیده.

نسخه: به خطّ محمّد المدعو بسعید الشریف القاضی است که مقصود قاضی سعید قمی دانشمند نامی صاحب است، جز بخشی از اوائل نسخه تا حرف «إذ» که افتاده بوده و دیگری نوشته است. پایان استنساخ شب آدینه پنجم ماه محرّم ۱۰۷۷، چند ساعتی مانده به وقت تحویل سال شمسی. دارای حواشی به امضاءِ «ح س ع».

زین العابدین بن محمّدرضا الحسینی خاتون آبادی در ماه محرم ۱۱۶۲ از مقابله و تصحیح نسخه فراغت یافته، مهر او «زین العابدین محمّدرضا الحسینی» و مهر «محمد باقر بن زین العابدین الموسوی» آیه اللّه العظمی صاحب «روضات الجنات» و خطّ محمد علی بن میرزا حسین ملقب به میرزا جانی به تاریخ سه شنبه ماه رمضان ۱۲۴۷ و مهر او «عبده الراجی محمد علی» و تملّک آیه اللّه حاج میرزا سیّد حسن چهارسوقی «نیای گرامی» به تاریخ ۱۴ ربیع دوم ۱۳۴۴ ظهر نسخه هست.

راقم این فهرست ××××× در تاریخ کتاب را از روی همین نسخه در نزد استاد خوانده است. العاصی من الرجال: المکفیّ بالطعام و الکساء.

ص : ۳۶۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹